* ((مقاصد الصالحین)) *

تالیف

علامہ حاج سید محمد باقر ملا باشی شیرازی

تقدیم به کتابخانه مسجد اعظم قم

حاج سید محمد باقر آیت اللهی - عالم -

شیراز - پنجم شعبان المعظم ۱۳۹۵ قمری

[illegible]
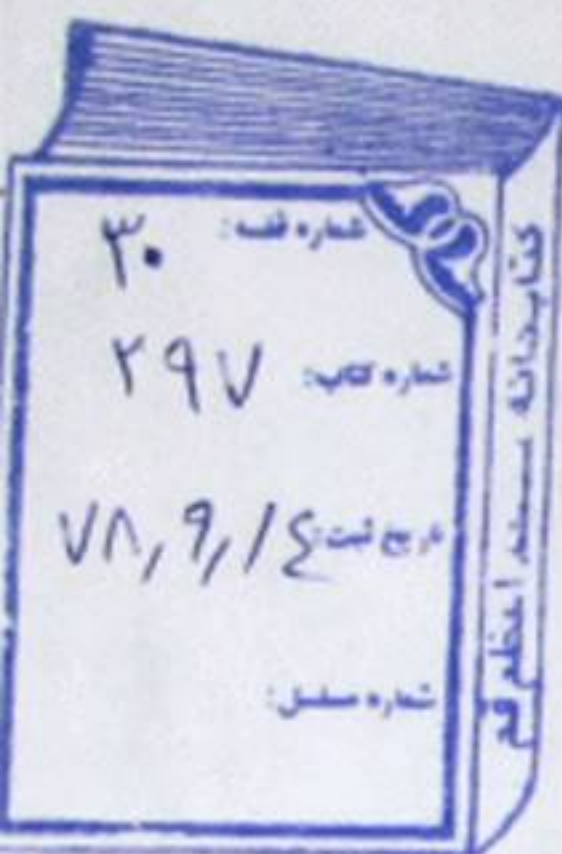
شرح اجمالی احوال مرحمت پناه

علامه حاج سید محمد باقر ملاباشی شیرازی

قدس سره
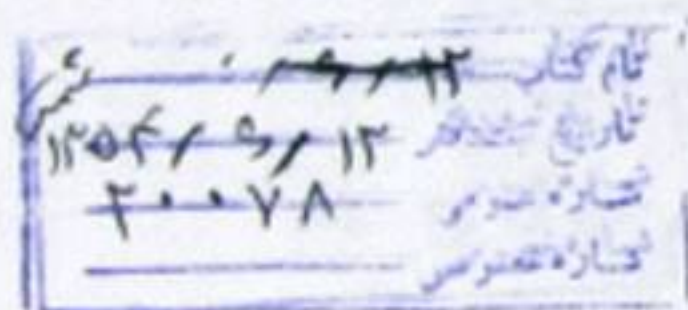
شرح اجمالی احوال مرحمت پناه علامه حاج میرزا محمد باقر موسوی ملاباشی قدس سره
حسب شرح فرزندان خلف آنجناب فرزندشان آقای حاج میر سید محمد موسوی طاب ثراه
در سعید و در تقریبات کتاب مقاصد الصالحین بخط خود مرحوم داشته اند عیناً ثبت شد

بسم الله الرحمن الرحیم

شجره نامه این سلسله علیه از قراریکه قبله گاهی حاجی میرزا علی فخرالدوله نوشته اند:

۱ محمد باقر بن ۲ سید محمد بن ۳ محمد حسین بن ۴ محمد علی بن ۵ محمد رضا
بن ۶ احمد بن ۷ سلمان بن ۸ ابی الفتوح ابن ۹ اسحق بن ۱۰
محمد امین بن ۱۱ محمد صادق بن ۱۲ مهدی بن ۱۳ سید محمد بن ۱۴ عبدالله
بن ۱۵ ابراهیم بن ۱۶ مرتضی بن ۱۷ حسین بن ۱۸ محمد جعفر بن ۱۹
محمد کاظم بن ۲۰ محمد طاهر بن ۲۱ محمد صالح بن ۲۲ الشیخ ابراهیم بن ۲۳ (جبرئیل)
الشیخ الاجل المشتهر فی الآفاق صفی الدین اسحق الاردبیلی بن ۲۴ امین الدین
بن ۲۵ صالح بن ۲۶ قطب الدین بن ۲۷ صالح الدین بن ۲۸ رشید بن
۲۹ محمد الحافظ بن ۳۰ عوض الخواص بن ۳۱ فیروزشاه بن ۳۲ محمد بن
۳۳ شرفشاه بن ۳۴ حسن بن ۳۵ محمد بن ۳۶ ابراهیم بن ۳۷ جعفر
بن ۳۸ محمد بن ۳۹ اسمعیل بن ۴۰ محمد بن ۴۱ احمد الاعرابی بن
۴۲ محمد بن ۴۳ ابی محمد قاسم بن ۴۴ ابی القاسم حمزة بن ۴۵ الامام
الهمام موسی الکاظم صلوات الله علیه و علی آبائه المعصومین اجمعین آمین
رب العالمین

اجمال حالشان با جناب مستطاب حکیم سلمان که همنشین شخصیت سلسله عالیه
بالا میباشد در صفحه ۱۱۲ و ۱۱۳ جلد دوم فارسنامه ناصری ثبت و بیان شده
است راجع به شخصیت معظم له اولین کسی است که از این دودمان در رشته

روحانیت وارد شده و بمقامات عالیه صوری و معنوی رسیده است و تا کنون بحمده
تعالی آثار روحانیت عالیه اش در اعقابش برقرار است. امید است که بفضل حق تعالی
جل و علا در آتیه هم این آثار باقی باشد ان شاء الله تعالی.

معظم له جامع معقول و منقول و فنون علمی دیگر بوده اند و براعت علمی
و عملی شان از مؤلفاتشان آشکار و بی نیازی بتوضیح ندارد.

لکن چون این عبد فانی ناچیز تصمیم گرفتم که با حول و قوة خدای متعال
جلت قدرته مؤلفات آنمرحوم را تا حدیکه امکانات موافقت کند نشر و توزیع و
در دسترس و مجموعه برادران قرار دهم ناگزیرم که جهت تصمیم خود را تا اندازه ای
توضیح دهم. اما نسبت بمؤلفات آنمرحوم عموماً چند جهت است.

۱ - این حقیر سراپا تقصیر از احفاد و اعقاب آنمرحوم می باشم و در سلسله وجود
من بعد از خدای متعال آنمرحوم دخالت داشته و حق حیات بر من دارند.

۲ - در اینکه این حقیر در زی روحانیت مانده ام و بحمده تعالی این شرافت را افتخار
دارم که روحانیت آنمرحوم در این امر مؤثر بوده است

۳ - مؤلفات آنمرحوم عربیاً و فارسیاً مفید و پر مغز و پر ارزش است و هر یک از
آنها برای اهلش قابل تقدیس و تحسین و تمجید است. این حقیر برای خدمت بعلم
و معارف مذهبی اتخاذ این تصمیم را نموده ام و قبلاً هم نسبت بیکی از مؤلفات
آنمرحوم - جلد سوم اسرار القلوب - باین امر مبادرت نموده ام.

و اما نسبت بنشر این کتاب مقاصد الصالحین بالخصوص نکته ای جداگانه
علاوه بر نکات پیش در نظر بوده است که بشرح ذیل به بیان آن خواهم پرداخت
ان شاء الله تعالی.

علامه معظم از تلامذه مرحمت پناه شخصیت علمی بزرگ آقای آقا باقر

بهبهانی استاد المجتهدین و مجدد المذهب در راس المأة الثالثة عشر قدس
سره الشریف بوده اند و پس از تکامل علمی در رشته فقه و اصول بامراجعت بشیراز فرموده و گویا بتناسب رفاقت و صداقتی که مرحمت پناه
علامه آقای حاج محمد حسن قزوینی صاحب کتاب ریاض الشهاده طاب ثراه
داشته اند اینان هم رحل اقامت را در شیراز انداخته اند و صداقتشان تا پایان
عمر باقی بوده و هر دوی آنها پس از خمود آثار شرعیه در شیراز که در نتیجه انقلاب
چندین ساله افغانیان در ایران و شیراز پیش آمده بوده بتجدید مراسم مذهبی
و بالاخص تعزیه داری حضرت خامس آل عبا ارواح العالمین له الفداء
کوشا بوده اند خصوصاً منبر که مرحوم معظم له تأسیس فرموده است
بحمده تعالی هنوز باقی است.

و چون آنمرحوم با واجدیت مقام عالی روحانیت و معنویت بمنظور
حفظ مصالح شرعیه معاشرت با ابناء سیاست و انتظام کشور داشته اند اتفاقاً
روزی برای دیدن یا بازدید شاهزاده حسینعلی میرزا قاجار معروف بفرمانفرما
که از سال هزار و دویست و چهارده قمری تا سال هزار و دویست و پنجاه ایالت
فارس بوده اند بملاقات رفته اند تصادفاً مرحوم محمد زکیخان نوری که از اعیان
سلسله نوریه که در شیراز توطن داشته اند حاضر بوده است و مرحوم نوری
در حضور آنمرحوم و شاهزاده ذکر خیر جمیلی از مرحوم حاج محمد حسن قزوینی
سابق الذکر که معروف بمجتهد اصولی بوده اند مینماید آنمرحوم برای
حفظ الغیب مرحوم قزوینی که وظیفه برادری ایمانی است محمد زکیخان نوری
را مورد تعرض و عتاب قرار میدهد و شاهزاده متعرضانه میفرماید چنانکه
شما شنیده اید از عالم ربانی ذکر سوء شود و از مجلس بحالت تعرض و اعتراض

برخاسته و بمنزل شخصی که در محله میدانشاه بوده است مراجعت میفرمایند
پس از خاتمه مجلس محمد ذکیخان فوری بمنزل خود میرود و مبتلا به حبس البول
میشود و هرچه معالجه می کنند سود بخش نمیشود تا آنکه از فشار بسیاری زبان
بند میگردد و به اشاره می فهماند که مرا بخانه آقا ببرید بلکه بدعای ایشان شفا
یابم . بستگانش او را به منزل آنمرحوم می برند و در طرف خلوت (بیرونی)
که تا این تاریخ بر حالت و وضع ساختمان قدیم باقیست در سمت جنوب حیاط
بالای حوض جلو تالار میخوابانند و بمرحوم آقا قدس سره خبر می دهند که
محمد ذکیخان را برای استشفای بدعا آورده اند . ایشان از طرف اندرون
که در سنه ۱۳۱۴ خورشیدی مسیر خیابان لطفعلیخان زند گردیده است بیرون
تشریف می آورند و بالای سر محمد ذکیخان که میرسند میفرمایند اگر توبه
میکنی که بر ساحت علمای اعلام من بعد جسارت و اهانت نکنی ، مادر پیری
دارم از او خواهش میکنم دعا کند تا خدای متعال شفا کرم فرماید . باشاره
توبه میکند . آنمرحوم بداخل خانه تشریف برده پس از مدتی محمد ذکیخان
باشاره طشت میطلبد و قی میشود و بسته باز می گردد و بحالت عادی قرار میگیرد
و استدعا می کند که طعامی از منزل آنمرحوم صرف نماید و پس از صرف
طعام با حالت سلامت و عافیت بمنزل خود بر میگردد و بعداً در نتیجه این جریان
چهار دانگ از مزرعه حیات آباد واقع در بلوک خفرک که بحساب رعد بر پلاک
ص ۵۵ بخش ۲ مشخص شده است وقف می نماید و تولیت آنرا بعداً از
خودش بمرحمت پناه معظم له قرار میدهد و با اولاد آنمرحوم با شرایط مقرره
که تولیت آن بحساب وقفنامه برای داعی تطبیق و متولی آنموقوفه میباشم
و این موقوفه از سال ۱۳۴۰ قمری تا سال ۱۳۵۰ خورشیدی که مطابق

با سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ قمری است برقرار و بمصرف این داعی بوده و از سال
۱۳۵۰ خورشیدی طبق قانون تصویبی روز اداره تعاون و امور روستاها
بدهقانان برگزار نمودند و این داعی دیگر دخالتی ندارم . فقط قسمتی از
اراضی بایر خارج از نسق که طبق ماده هشت قانون اصلاحات ارضی مستثنی
از قانون فوق الذکر است باقیست که آنهم بکسی سپرده شده که عمرانش
نماید و تا این تاریخ بهیچوجه بهره برداری از آن نشده است .

ترتیب موقوفه بالاطلاق و وقفنامه که موجودات بقرار ذیل می باشد :
پس از مخارج ملکی یعنی محلی و مخارج ملکی یعنی دیوانی و دولتی آنچه بدست
آید بر پنج قسمت بشود . یک قسمت حق التولیه است و دو قسمت دیگر برای
نوشتن دو کتاب از مؤلفات مرحوم معظم له است . یکی کتاب انوار القلوب
در سه جلد که جلد اول در احوال حضرت اقدس رسالت مآب محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله تا حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است . جلد دوم
در احوال حضرت ابا عبدالله الحسین خامس آل عبا ارواحنا و ارواح العالمین
لتراب مقدمه الفداء تا حضرت امام محمد باقر علیه السلام و جلد سوم در احوال
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تا امام دوازدهم حجة بن الحسن بقیة الله
تعالی عجل الله تعالی فرجه و سهل مخرجه .

و یکی دیگر کتاب مقاصد الصالحین که موجود نیست . اما
جلد اول کتاب انوار القلوب در زمان حیات مرحمت پناه آقای حاج میرزا
محمد باقر ملاباشی پدر مرحمت پناه آقای والد ماجد طاب ثراهما وسیله آقایان
اخوان کتابچی بطبع رسیده است و جلد دوم آن در زمان مرحوم علامه
آقای حاج سید عبدالباقی مجتهد قدس سره الشریف وسیله همان اخوان

اخوان کتابچی طبع شده است و جلد سوم آن را این حقیر با تغییر از غلط
موقوف مرقوم بطبع رسانیده‌ام و بجایگان در اختیار خوانندگان گذارده‌ام
و اما کتاب مقاصد الصالحین . آباء عظام قدس ارواحهم بتعداد
وسع تکثیر نسخه‌های مخطوط نموده و لیکن موفق بطبع آن نشده اند.
این حقیر با نقصی با آنکه دیگر موقوف مرقومه باقی نمانده است
که عوائدی داشته باشد تا چه رسد بآنکه از عایدی این کتاب بطبع رسد
معذلک خوش داشتم که بجبران آنکه پدران من تمکن طبع این کتاب را نیافته اند
این حقیر برای ترویح ارواحشان بمقدار وسع نشر دهم که هم آثاری از مؤلف
معظم له باقی بماند و هم این نشر خیری برای پدران محترم باشد . و چون
وسیله طبع نبود بهمین اندازه اکتفا نمودم که فهرستی برای این کتاب
بگیرم تا مطالب آن سهل التناول باشد و نسخه‌ای از نسخه‌های مخطوط این
کتاب که در دسترس بود و خط آن خواناتر و زیباتر بود بقدر الامکان تکمیل
و تصحیح کنم و بضمیمه فهرست مرقوم چند نسخه فتوکپی گرفته و بچند کتابخانه
دینی اهداء نمایم شاید خدای متعال جلت قدرته بعدا یکی از اهل خیر را توفیق
فرماید که برای نشر عمومی آن قدمی شایسته بردارد و موفق بنشر آن بشود ان شاء الله.
و در پایان لازم میدانم که اتصال نسب خود را بجد اعلی معظم له مؤلف
کتاب مزبور یاد آور شوم . این حقیر . حاج سید محمد باقر آیت اللهی مشهور
به عالم فرزند علامه فقید سعید آقای حاج میرزا عبدالباقی مجتهد شیرازی
متوفی و مدفون در شیراز آرامگاه اختصاصی شمالی تکیه حافظیه و ایشان
فرزند مرحوم سلطان الزمان آقای حاج میرزا محمد باقر ملاباشی متوفی و مدفون
در مشهد مقدس رضوی علی مشرفها الالاف التحیه والسلام در دار الضیافه

حضرت از طرف گنبد امام و روبخان و ایشان فرزند مرحوم حاج میر سید
محمد ملاباشی مقیم شیراز و بعداً مجاور بیت سالها و متوفی در کربلای معلی
و مدفون در رواق میرزا موسی شمالی صحن مقدس و ایشان فرزند مرحوم علامه
آقای حاج میرزا محمد باقر ملاباشی معظم له مؤلف تألیفات عدیده بوده اند.
۱ : انوار الحقائق در علم کلام در یک جلد مفصل مطول عربی چاپ شده
۲ : لوامع الانوار العرشیه فی شرح الصحیفة السجادیه علیه و علی آبائه و ابنائه افضل السلام والتحیه . قسمتی از آن طبع شده است .
۳ : بحر الجواهر فارسی در اصول دین . طبع شده است .
۴ : انوار القلوب فارسی در سه جلد طبع شده است .
۵ : مقاصد الصالحین فارسی . در دو جلد . مؤلفات دیگری هم در فنون مذهبی و علمی و غیره داشته اند.
ناگفته نماند که جد اعلی آقای حاج میر سید محمد ملاباشی -
فوق الذکر فرزند علامه معظم له پسرخاله حقیقی مرحمت پناه علامه
بزرگوار مجدد الملة فی راس المأة الرابعة عشر آقای حاج میرزا محمد حسن
حجة الاسلام شیرازی زعیم عالم تشیع قدس سره میباشند و از این خاندان
این داعی مفتخر بخاندان آنمرحوم میباشد .
دو مطلب دیگر بایست نوشت : ۱ . شرح حال آنمرحوم را -
مرحمت پناه محدث قمی طاب ثراه در صفحه شماره ۴۲۵ کتاب فوائد الرضویه
ذکر نموده و نیز سلسله عالیه ملاباشی سادات میدانشاه شیراز را مرحوم -
حاج میرزا حسن منصوری مؤلف فارسنامه ناصری در صفحات -
۱۱۳ و ۱۱۴ از جلد دوم کتاب مزبور که قبلا اشاره شد نوشته اند

ونیز مرجع پناه علامه بزرگ حاج آقا بزرگ طهرانی قدس سره در کتاب
الذریعه مرقوم داشته اند و مرحوم فرصت الدوله حسینی در کتاب
آثار عجم در صفحه ۴۷۲ بیان نموده اند .

۲ - از مرحوم علامه والد ماجد آقای حاج سید عبدالباقی قدس سره
شنیدم که جنازه مرحوم حاج محمد حسن قزوینی مجتهد اصولی طاب ثراه
سابق الذکر باعتاب قدس فرستاده شد و موقعیکه جنازه را حرکت دادند
مرحوم جد امجد اعلی علامه آقای حاج میرزا محمد باقر ملا باشی مؤلف
تالیفات فوق بدرقه و تشییع جنازه می نمودند . ملاحظه کردند که جنازه را
بسرعت می برند . خطاب به جنازه فرمودند که تند مرو تا ما هم بشما برسیم
و بعد از زمان بسیار اندکی آن مرحوم رحلت فرمودند . و بنا بود جنازه
ایشان را هم بعتبات عالیات ببرند اهالی شیراز خواهش کردند که در
شیراز دفن شوند تا از زیارت آن بهره مند گردند . لذا با آنها موافقت
شد و در سکوی شمالی تکیه حافظیه در سرداب مخصوص دفن شدند و
بحمد الله تعالی در تغییرات وضع تکیه حافظیه که در قرن حاضر پیش آمد
بمدفن آن مرحوم صدمه ای وارد نشد . فقط سنگ روی مرقد شریفشان .
برای آنکه در مسیر افراد واقع نشود بر حیاط اختصاصی آرامگاه مرحمت پناه
علامه والد ماجد طاب ثراه نقل دادیم و جنب سنگ قبر آن مرحوم نصب شده
و هر دو سنگ در یک ضریح قرار داده شده است . وفات مرحوم جد امجد
معظم در سال ۱۲۴۹ قمری و وفات مرحوم آقای والد ماجد طاب ثراهما
در سال ۱۳۵۴ قمری ۲۶ ماه شعبان است

و نیز مرحوم آقای والد ماجد نقل فرمودند از جد بزرگوارشان

آقای حاج میرزا محمد باقر ملا باشی دیدم که روز جمعه بزیارت مرحوم جد
در تکیه حافظیه رفته بودم دیدم آقای میرزا وقار فرزند مرحوم وصال
شیرازی در آنجاست و نقل نمود که وقتی بزیارت این مزار آمده بودم و
شخص زاهدی مدتی در اینجا در حجره مشغول عبادت بود . آمد سؤال
کرد که این قبر یعنی قبر مرحوم جد اعلی از کیست گفتم وجه سؤال
چیست گفت شب گذشته وقت تهجد بیدار شدم و برای وضو بیرون
آمدم دیدم روشنائی بر سر این قبر میباشد آمدم ببینم کیست نزدیک
که رسیدم مانع شدند گفتم چرا مانع میشوید گفتند حالا اجمالا نوبت نیست
زیرا حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام بزیارت فرزندش
تشریف فرما شده است برگشتم مشغول کار شدم . سپس آقای میرزا
وقار معرفی آن مرحوم را که عالم ربانی است برای او نموده است .

حرره الاحقر حاج سید محمد باقر آیت اللهی
« عالم »
تاریخ چهارشنبه بیست و دوم ربیع الثانی سال
یکهزار و سیصد و نود و چهار قمری مطابق با
بیست و چهارم بهمن ماه یکهزار و سیصد و
پنجاه و سه شمسی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله والصلوة علی رسول الله وعلی آله آل الله واللعن علی اعدائهم اعداء الله الی لقاء یوم الله

اما بعد: فهرستی است از کتاب مقاصد الصالحین که در این اوراق نوشته میشود بعون الله تعالی رب العالمین جلّه بفضله نافعاً للداعین والعابدین ذخراً لی لیوم الدین بجاه محمد وآله الطاهرین صلوات الله تعالی علیهم اجمعین.

فهرست کتاب مقاصد الصالحین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی وفق علی مقاصد عباده وجزا کبیر نعمائه علی وفق معتقدا رامه
وهدانا الطرق الوصول الی رضوانه بملازمة الاذکار المرویة عن خاتم انبیائه ومداومة
الاوراد المأثورة عن سید اوصیائه ومواظبة الادعیة المنقولة عن الائمة هدی
مع الاتقاء عن معصیته علیهم صلواته وتحیاته ما دام ارضه وسمائه مقاصد جمله
عابدین از عبادت ومطالب زمره زاهدین از طاعت عبادت واطاعت معبود است
که اکمال عبادتش در صباح ورواح مفتاح الفلاح اهل صلاح واقبال طاعتش در
مساء وعشا نوب الاعمال ارباب نجاح مصباح عبادت خاصانش در شبهای ظلمات
از پرتو انعکاس انوار هدایت سبحانی در بلد الامین قلب محبت فروزان وشمع سعادت
مقربانش در اوقات حیرانی از فروغ اقتباس نار کرامت ربانی در منهاج الیقین
قرب مودت سوزان چون ظلمت لیل از تار طره مشک فام ماه شب سیار پرده منکسف
تا در عذار مهر روز افروز نهار گستراند اعیان خاضع دلریش وطایعان
خاشع اخلاص کیش تخم رازهای مخفیه نهانی را در مزرع حاصل خیز شب افشانند
واز آبیاری جویبار چشمه چشم از مخضر وریان سازند وهنگام استماع لبیک لبیک
عبادی بر نفع وجمع محصول پردازند از اهتزاز نسیم فرح فزای نغیم لطف غنچه نوبر تو
استظهار وامیدواری در حدایق قلوب محزون ومسی وطایع وعاصی وشکفته و
ریاحین عنبر بوی ارادت واخلاص شعاری در ریاض صدور مقرون شکر رسته ثمر
آن کریمی که از خزانه غیب ؛ گبر وترسا وظیفه خور داری ؛ دوستان را کجا کنی
محروم ؛ انکه با دشمنان نظر داری ؛ از رشحات سحاب رحمتش بیابان بی پایان آمال وامانی

واما ال اهل صلاح سرسبز وشاداب واز قطرات امطار فیضش گلستان خرم وریان
کامرانی وافضال ارباب نجاح منبسط وسیراب هر چند ذات پاکش از طاعت عباد
زهاد وعباد مستغنی است که چنانچه جمیع عباد بزیور صلاح وسداد متحلی گردند
جناب اقدس را نفعی واگر تمامی خلق از حلیه ورع وتقوی متخلی گردند وجود
مقدسش را ضرری متصور نیست چنانچه شاعر گفته گر جمله کاینات کافر گردند
بر دامن کبریاش ننشیند گرد لیکن بمفاد ان اکرمکم عند الله اتقیکم در درگاه عظمت
سوای زهد وتقوی چیزی بار نیابد واز وصول بسعادات ابدی وفیوضات سرمدی
بغیر صراط مستقیم شریعت مطهره نبوی طریقی مشهود وملحوظ اولو الالباب نخواهد
بود تعالی شانه وبهر برهانه ودرود نامعدود تحفه بارگاه سروری است که خاصه
حسنات ووسایل وخلاصه عبادات وفضایل اشتغال وانتخاب نعت ومنقبت
اوست وحضرت خالق البریات پیروی ومتابعتش را باعث نجات وعلت تامه فوز
بسعادات وشرط قبول صلوات وموجب استجابت دعوات واستخلاص از مهلکات
واستمداد از درکات فرموده اعنی مهر سپهر رسالت ومه آسمان بسالت محیط دایره
نبوت مرکز دایره فتوت محمود کره رحم وعزوت باعث ایجاد عالم مهتر ومهتر بنی آدم سرور کاینات
وخلاصه موجودات گر نبودی ذات پاکش آفرینش را سبب ؛ تا ابد خواهند بودی
آدم عزب زبده انبیا ونخبه اصفیا حبیب خدا محمد مصطفی وصلوات بلا نهایات بر
آل اطهار وذریه ابرار وان خلاصه موجودات ائمه معصومین وحجج باهره رب العالمین
باعث ایجاد سموات وارضین بروج فلک امامت اعلام هدایت ارباب هدایت شفیعان
عرصه قیامت سیما حافظ شریعت وباعث طریقه ومقاصد حق وحقیقت احمد امجد اعلی
ممدوح بمدح لا فتی مصدوقه لو کشف الغطا الخلیفه بلا فصل رسول خدا علی عالی اعلا
علیه التحیة والثنا اما بعد چون مدتی بود متمادی که بسیط عرصه گیتی از شعشعه
آفتاب جهانتاب سپهر سلطنت سلطان صاحب سطوت ذی کیاستی خالی وساحت
وسیع ملکی از لمعه انوار بدر منیر فلک رفعت مالک ذی شوکت صاحب فراستی عاری
وهیچ فردی از افراد بشری بقدر استعداد ومرتبت ذاتی وفراخور قابلیت ومنزلت
فطری استضائه اضواء مهر جهانبانی واجتدای واستناره انوار کامجوئی وسربلندی نکرده

بل استعدادش بکلی باطل و قابلیتش بتمامی عاطل گشته و فی المثل اگر عالم ربانی و
عارف حقانی بهم رسیدی که غواص فکر تیزش در بحور حقایق و دقایق عرفانی غوص نمودی
درهای شاهوار و گوهرهای بدار برز او از حلیه گوش و هوش شاهان مالک و قادر
پادشاهان فلک اقتدار بدست آوردی چون طالب و خریداری نیافتی از کثرت ملال
در زاویهٔ کلال آرمیدی و در نهایت شکسته بالی و پریشان حالی گوهرهای خود را در
درج جواهرفشان دهان نهاده مهر خاموشی بر لب زدی و هرگاه فاضلی متین متعالی
دقیق و مدرس مدارس تحقیق گشتی چون خواهانی نداشتی اوراق افادت و اجزای افاضت
از میان برداشتی و بهیچ وجه متوجه تحریر قواعد ارشاد و تقریر دروس غرایب سداد
نگشتی بل بالمره جمیع ارباب کمال از هر فرقه و هر حرفه در نهایت نکال در زاویهٔ خمول
و وبال متواری شده از ایشان جز نامی باقی نمانده تا در این اوان سعادت اقتران
که از رحمت شاملهٔ ملک منان و نعمت کاملهٔ ایزد سبحان بسیط عرصهٔ جهان از
شعشعهٔ تجلی خورشید وجود میمنت نمود اقدس پادشاه جمجاه صاحبقران و شاه
بلندپایهٔ ذات کثیر الخیر والبرکات مقدس شاهنشاه جهان و دارای دوران فرمان
ده فرمان دهان اعظم سلاطین زمان والخم خواقین ایران و توران برازندهٔ مسند جلالت
و شهریاری طرازندهٔ اورنگ سلطنت و جهانداری حاوی فضایل مرتبهٔ انسانی
جامع خصایل سنیهٔ نفسانی سپهر مرتبه شاهی که تابش آفتاب جمال رافتش چون
آفتاب تابان بر کافهٔ برایا تابان و فلک پایه شاهنشاهی که نمایش مهر منیر حشمتش چون
بدر نمایان بر عامهٔ رعایا نمایان قهرمانی که برق حسام قهر تیزش چون حسام برق آتش فشان
و سعی که غمام انعام مهرش چون انعام غمام بیدریغ جوادی که عمان جودش چون جود عمان
بیکران صاحب احسانی که نیسان احسانش چون احسان نیسان بیحد و پایان باران
رحمتش رهمه باران سحاب رافتش در طلب ظمآن ذی همتی که اگر امداد دم فرو بعث
ان بهم رساند که همتش با طاحود گستراند و بطبع طالب بذل سؤال و جواهر فرمان دهد ممتنعات
حقه جود مترع نظام وجود گرداند و معدومات صرفه احسان مترقب نظام امکان شوند
عدالت گستری که در عهد عدالتش دزدان پاسبان و در زمان دولتش گرگان شبان
در ایام داد و انصافش جز حلقهٔ گرداب را بر مظلومی کمند و بغیر از باد کرد را توانا که برگ

که برگ کاهی از خرمن در ربودی بر نبد گوش گل ناله و شیون از بلبلان چمن نشنیده
و در غرب و شرق بغیر از زره عدو و برق تیغ فدایی و افغانی نکرده بجز لاله که داغ
حسرتی بدل و بغیر از سرو که را پای بحبس در گل داد گستری بمرتبه که بغیر از غنچه
را گدازی که جمعیت زر داد اعتبار دست اعتصام باذیال عواطف بی‌پایان شاهنشاه قاهر
جهان زده احدی دامان حکمش از روی نظام نگرفته اعنی السلطان بن السلطان و
الخاقان بن الخاقان حامی بیضة الاسلام والایمان ماحی شعار الکفر والطغیان
مالک الممالک الاقطار والامصار المؤید بتأییدات الملک الجبار ابو النصر والفتح
فتحعلی شاه قاجار لازالت اعلام دولته مرفوعة کالشمس فی وسط النهار واطناب
خیام حشمته مشدودة باوتاد الخلود والقرار واظلال شموس عظمته ممدودة علی مفارق
الصغار والکبار بحق محمد و آله الاطهار الاخیار در سلک آنکه در ایام گردید احدی از
فیض عام و احسان تام آن خسرو گردون غلام محروم نگردید و هر کس بقدر استعداد
و قابلیت و در خور پایه و منزلت خویش اقتباس انوار کامیابی و استضاء اضواء بهره
یابی و ارجمندی نموده علی الخصوص سلسلهٔ جلیلهٔ سادات عالی درجات و طبقهٔ علیهٔ
علمای متعالی منقبات که زیاده از سایر طبقات منظور نظر کیمیا اثر خدیوانه و مشمول
عواطف بیحد و مد خسروانه گردیده پس بر همه عباد و سکنهٔ بلاد اهل ایران که در ظل
حمایت آن شهنشاه جهان بهمه امن و امان غنوده بفراغ بال و رفاه حال در تعیش و عشرت
مشغولند واجب و لازم است که در همه حال مراسم بندگی آن خدیو بیهمال را متقبل و روابط
خدمتگذاری آن خدیو بیهمال را متکفل باشند و پای از طریق بندگی و خدمت گذاری
بیرون ننهند و نفس و مال از او دریغ ندارند و در امتثال اوامر و نواهی آن مساعی جمیله
مبذول دارند و مطاوعتش را موجب رضای الهی شناسند و مخالفتش را باعث سخط
باری دانند و شب و روز دست عبادت بدرگاه دادگر یکتا افراشته امتداد این دولت
خداداد و ازدیاد مراتب عدل و داد و نگونساری اعلام نکبت مخالفان این دولت قوی بنیاد
را از درگاه الهی جواد و رب جواد مسئلت نمایند سیما بر این داعی دوام دولت قاهره خدا
دادی اعنی الفقیر الحقیر المحتاج الی رحمة ربه القادر القوی محمد باقر بن السید محمد الموسوی
لازم و متحتم است که زیاده از سایر دعاگویان در دعاگویی و ثناگستری بذل نقد جان نماید

وبحمد الله تعالی خود داری وکوتاهی نکرده وبشغل دیگر نپرداخته ولیکن چون ادای حق
شکرگذاری ان اعلیحضرت مقدور ومیسور این کمین بندهٔ دعاگو نبوده بخاطر فاتر رسید
که کتابی تالیف نماید مشتمل بر نبذهٔ از اداب وشرایط سوقوفهٔ فرایض ونوافل یومیه و
ازتعقیبات مشترکه ومختصه وبرنیز از سادات انبیاء واوراد وادعیه هر روز وخلاصهٔ
دعوات ساعات روز وهفته وزیارات وتوسلات واستخاره وتعویذات واعمال السنه
والسنه وخاصه ضروریات وما یحتاج الانسانیه وسایر ادعیه متفرقه کل ذلک
ستخرجا من کتب معتبره مانند مصباح صغیر وکبیر ومفتاح ومنهاج وعده وکافی
وفقیه ومجمع ومکارم وجنه واقبال وجمال ووسایل وجامع وتزهه ومقباس وزاد المعاد
وتحفه ومفاتیح الغیب وکلم الطیب وخلاصة الاذکار وحلیه تا الی یوم القیام خاص وعام
ازان منتفع گردیده فواید وبرکات ان عاید روزگار خجسته اثار اعلیحضرت شاهنشاه
گردد بلکه فی الجمله ازادای حق شکرگذاری براید واین کتاب بمفتاح الصالحین موسوم ساخته
بمقدمه وچهارده مقصد وخاتمه مرتب گردانید ماسول از کرام ارباب خیر وصلاح انکه
اگر بر سهو ونسیانی وخطا واشتباهی که لازمهٔ جبلت انسانیت سیما این بی بضاعت
مطلع شوند بقلم عفو در اصلاح ان کوشند تا بمضمون ومن اصلح فاجره علی الله باجر
جزیل وثواب جمیل فایز گردند ودر اوان بجا اوردن افعال واعمال اعلیحضرت شاهنشاه
واین کمین دعاگوی دولتخواه مولف را بخیر واستغفار یاد فرمایند مقدمه مشتمل
بر سه قسم است قسم اول در بیان مجملی از اصول دین که بفهم عوام قریب باشد قسم دویم
دربیان حصر عبادات واقسام ان قسم سیم در فضیلت ذکر وتقسیم ان وبیان بعضی از
اقسام واداب وشرایط دعا وحالات داعی است مقصد اول در اعمال شبانه روزی
ودران چهار مقاله است مقاله اول در بیان انچه تعلق بما بین طلوع فجر وطلوع افتاب
دارد وان بر دوازده فصل است فصل اول در فضیلت وشرایط این وقت فصل دویم
در تحقیق صبح وتقسیم او بکاذب وصادق است فصل سیم در اداب تخلی وبیان
طهارت ومطهرات ونجاسات است فصل چهارم در بیان مجملی از مخارج حروف ولحن
ومنافیات وشکیات وسهویات نمازست فصل پنجم در اداب وشرایط مشترکه
هر نمازست فصل ششم در اداب وشرایط نماز صبح است فصل هفتم در حقیقت تعقیب

تعقیب وفضیلت وشرایط اداب است فصل هشتم در تعقیبات مشترکه هر نمازست
مشتمل بر چهار قسم قسم اول تکبیر وتهلیل وتسبیح وتحمید است قسم دویم استغفار
واستعاده وتولی وتبری واعدا وصلوة وسلام است قسم سیم قراءت قران است
قسم چهارم تفکر است فصل نهم در بیان انچه مشترک میان نماز صبح ونماز
شام است فصل دهم در تعقیبات مختصه بنماز صبح است مشتمل بر چهار نوع نوع
اول انچه مختصر ویکبارست نوع دویم انچه از سه تا یازده بار باید خواند نوع سیم
انچه از هفتاد تا صد بارست نوع چهارم انچه مطولست فصل یازدهم در ادعیه
مختصه بوقت صباح است فصل دوازدهم در دعاهای مشترکه صباح ومساء است
مشتمل بر هفت نوع نوع اول انچه مختصر ویکبارست نوع دویم انچه از سه تا
ده بار باید خواند نوع سیم انچه ده مرتبه باید خواند نوع چهارم انچه از صد تا سیصد و شصت
بار باید خواند نوع پنجم انچه متوسط ویکبارست نوع ششم انچه مطولست نوع هفتم
سورهاوایاتست مقاله دویم در بیان انچه متعلق است بما بین طلوع شمس وزوال
مشتمل بر چهار فصل فصل اول در اعمالیکه مردم باید بجا اورد از جامه پوشیدن
وعمامه بر سر بستن وانگشتری بدست کردن وسرمه کشیدن ودر اینه نگاه
کردن وشانه نمودن وبوی خوش استعمال کردن وروغن مالیدن وبخور کردن
وگلاب بر رو زدن وانواع کلها بوئیدن وصدقه دادن واحکام وادعیه متعلقه
بانها فصل دویم در ادعیه مخصوصه بساعات روزست فصل سیم در ادعیه هر روزه
که مخصوص بساعتی نیست بلکه در تمام روز میتوان خواند مشتمل بر پنج نوع نوع اول انچه
یکبار باید خواند نوع دویم انچه از هفت تا هفتاد بار تکرار باید نمود نوع سیم انچه
صد بار خوانده میشود نوع چهارم انچه از یکصد هزار است نوع پنجم قرآنست
فصل چهارم در انچه عادت جاری شده بتعلق درین ساعت موافق شریعت از خوردن
واشامیدن وپی حاجتی از خانه بیرون رفتن سواره یا پیاده وانچه در اثنای راه اتفاق
افتد تا برگشتن بخانه با احکام واداب وشرایط وادعیه انها شرعا وطبا مشتمل بر سه
نوع نوع اول در اداب واقسام اغذیه وادویه مفرده ومرکبه وامزجه وخواص انها
شرعا وطبا واوقات وظروف طعام خوردن وحلیت وحرمت وفضیلت ضیافت

وادعیه انست نوع دوم در فضیلت آب وانواع او شرعا وطبا وادعیه انست نوع
سیم در آداب وشرایط وادعیه بی حاجتی از خانه بیرون آمدن سواره یا پیاده در
انچه در اثنای راه روی داده میشود تا بر گشتن بخانه مقاله سیم در بیان انچه تعلق
دارد بما بین زوال شمس ونصف شب مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در تحقیق وقت
ظهر وفضیلت واعمال انست فصل دوم در اعمال نافله وفریضه ظهر است
فصل سیم در تعقیبات مختصه بنماز ظهر است فصل چهارم در بیان وقت عصر وفضیلت
واعمال انست فصل پنجم در تعقیبات مختصه بنماز عصر است فصل ششم در تعقیب ادعیه
ساعات روز وادعیه مختصه بزردی آفتاب ووقت مسا است فصل هفتم در انچه
متعلق است بوقت شام از فریضه مغرب ونافله ان وتحقیق وقت انها فصل هشتم
در تعقیبات مختصه بنماز شام است فصل نهم در نافله نماز شام وسایر اعمال ما بین
شام وخفتن است فصل دهم در بیان وقت خفتن وفضیلت واعمال متعلقه بانست
فصل یازدهم در تعقیبات مختصه بنماز خفتن است فصل دوازدهم در انچه متعلق بوقت
خوابست تا نصف شب مشتمل بر پنج نوع نوع اول در بیان اوقات خواب است نوع
دوم اماکن خواب است نوع سیم آداب خوابیدن وادعیه انست نوع چهارم
نماز ودعاهای برای دیدن خوابهای [illegible] است نوع پنجم سبب خواب بد است ونوع
وتعبیر خواب مقاله چهارم در بیان انچه کرده میشود از نصف شب تا طلوع صبح ودران
پنج فصل است فصل اول در فضیلت این وقت وبرخواستن است فصل دوم در
انچه بعد از بیدار شدن از خواب باید بعمل آورد فصل سیم در انچه متعلق بنصف شب است
وپیش از نماز شب باید بجا آورد فصل چهارم در فضیلت وآداب وادعیه هشت رکعت
نماز شب ودو رکعت شفع ومفرده وتر است فصل پنجم در بیان نافله نماز صبح وانچه
پیش از نماز صبح باید بعمل آورد مقصد دوم در اعمال ایام هفته است ودران نه فصل است
فصل اول در اعمال شب وروز جمعه است اما شب اعمال ان بر چهار نوع است
اول نمازها است دوم سور قرانیست سیم هدیه فرستادن بحضرات است چهارم
ادعیه انست اما روز اعمال ان نیز بر چهار نوع است اول فضیلت وشرافت واحکام
وسنن انست از سفر کردن ونوره کشیدن وحمام رفتن وغسل کردن وسر تراشیدن

وناخن گرفتن وشارب واستعمال بوی خوش کردن واستغفار کردن وصلوات
فرستادن وزیارت کردن وروزه داشتن واستخاره کردن دوم نماز جمعه وآداب وخطب
وتعقیبات است سیم نمازهای وارده دران روز است وادعیه انها چهارم ادعیه مختصه
باین روز وتسبیحات انست فصل دوم در اعمال شب وروز شنبه است فصل سیم در اعمال
شب وروز یکشنبه است ونماز واحکام وادعیه فصل چهارم در انچه متعلق است بشب وروز
دوشنبه است ونماز وآداب وادعیه فصل پنجم در آداب ونماز وادعیه شب وروز سه
شنبه است فصل ششم در انچه در شب وروز چهارشنبه باید بعمل آورد فصل هفتم در بیان
اعمال شب وروز پنجشنبه است نماز وروزه واحکام وادعیه فصل هشتم در طریق ختم
قران ونماز هدیه رسول وائمه علیهم السلام است در عرض هفته فصل نهم در زیارات
متعلقه بایام هفته است مقصد سیم در نمازهائی که غیر نمازهای فریضه ونافله شبانه
روزیست واختصاص بهفته وماه وسال ندارد ومنسوبست بشبهای مخصوصه که هر گاه
یکی از ان اسباب بهم رسد قیام بیکی از ان نمازها واجب یا مستحب میگردد مشتمل بر دو فصل
فصل اول در نمازهای واجبست وانها بر سه قسم است اول نماز آیاتست وان عبارتست از
نمازهائی چند است که واجب میشود بسبب کسوف آفتاب وخسوف ماه ووقوع زلزله و
اخاویف سماویه یعنی هر ایتی که از جانب آسمان حادث شود که موجب خوف غالب خلق گردد مثل
بادهای سرد وسیاه وسرخ که بخلاف عادت باشد وصاعقه‌های عظیم ورعد وبرق شدید
عادی وتاریک شدن هوا وامثال اینها با آداب وشرایط وادعیه دوم نمازی که بسبب نذر
وشبه نذر که عهد ویمین باشد بر مکلف واجب شود با انچه معتبرست دران وایضا نماز
بسبب اجاره کردن نماز قضا واجب میشود سیم نماز اموات است که در خاتمه مذکور خواهد شد
ان شاء الله تعالی فصل دوم در نمازهای مستحبه است که اهم است مانند نماز استسقا با کیفیت
وشرایط وآداب وخطب ونماز حاجت ونماز شکر ونماز وسوسه نفس ونماز عفو ونماز استغفار
ونماز کفایت مهمات ونماز تمجید متهجد ونماز مظلوم ونماز استطعام ونماز [illegible] ونماز
نجات ونماز توانگری ونماز زیاد شدن فهم ونماز استخاره مقصد چهارم در استخارات وانواع و
آداب انست مشتمل بر چهار فصل فصل اول در بیان حقیقت استخاره است فصل دوم در فضیلت
استخاره است فصل سیم در آداب استخاره است فصل چهارم در انواع استخاره است مقصد پنجم

در اعمال ماهها است و در آن پنج فصل است فصل اول در اعمال مشترکه هر ماهست فصل دویم
در اعمال مختصه بهر ماهست فصل سیم در بیان سعد و نحس ایام عربی و فارسی از برای اعمال
فصل چهارم در بیان دانستن قاعده نزول شمس و قمر است در بروج و بعضی اختیارات
فصل پنجم در اعمال ماثوره دفع نحوست ایامست مقصد ششم در اعمالیکه در عرض سال باید
بجا آورد مشتمل بر دوازده فصل و خاتمه فصل اول در اعمال ماه محرم فصل دویم در انچه بماه صفر
باید بجا آورد فصل سیم در اعمال ماه ربیع الاول فصل چهارم در اعمال ماه ربیع الآخر فصل پنجم
در انچه متعلق است بماه جمادی الاولی فصل ششم در اعمال ماه جمادی الآخر فصل هفتم در
فضایل و اعمال ماه رجبست مشتمل بر هفت قسم قسم اول انچه در تمام ماه باید بجا آورد
و مخصوص بوقتی نیست قسم دویم انچه در هر شب و هر روز این ماه باید بجا آورد قسم سیم انچه
مشترکست میان هر شب و هر روز این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان قسم چهارم انچه مخصوص بهر
شب این ماه است پنجم انچه مخصوص بهر روز این ماه است ششم در اعمال جمعهای این ماه است
هفتم انچه مخصوص بلیالی و ایام این ماهست فصل هشتم در فضایل و اعمال ماه شعبانست
و آن بر سه قسم است اول انچه در عرض این ماه باید بجا آورد در هر وقت که باشد دویم در انچه
مخصوص بعض اوقات این ماهست سیم انچه مخصوص بلیالی و ایام این ماهست فصل
نهم در بیان فضایل و حقیقت روزه و اعمال ماه مبارک رمضانست مشتمل بر شش نوع است
نوع اول در اعمالی که در عرض این ماه باید بجا آورد و این بر دو قسم است قسم اول در اعمال غیر
مخصوصه بوقتی قسم دویم در اعمال المختصه ببعض اوقات نوع دویم در اعمال شبهای این
ماه است و آن بر سه قسم است قسم اول در آداب و ادعیه مشترکه هر شب است قسم دویم
آداب و ادعیه سحر است قسم سیم ادعیه مشترکه دهه آخر است نوع سیم ادعیه مشترکه
هر روز این ماه است نوع چهارم در اعمال المختصه باوقات معینه این ماه است مشتمل بر دو قسم
قسم اول در اعمال المختصه بشبهای معینه این ماه است قسم دویم اعمال مختصه بروزهای
معینه این ماه است نوع پنجم در بیان اعمال شبهای قدر و آن بر دو نحو است نحو اول در انچه
مشترک میانه شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سیم است نحو دویم در اعمال مخصوصه
این سه شب است نوع ششم در بیان ادعیه وداع ماه مبارک و ادعیه مختصه شبهای دهه آخر و کیفیت
اعتکاف است فصل دهم در اعمال ماه شوال است فصل یازدهم در اعمال ماه ذیقعده است فصل

دوازدهم در اعمال ماه ذی حجه است و آن بر سه قسم است اول اعمالیکه در دهه اول
باید بعمل آورد دویم اعمالیکه مشترکست میان هر شب دهه اول و مشترکست میان هر روز تا
روز عرفه سیم اعمال مختصه باین ماه است و اعمال حج و عمره بر سبیل اختصار و آن بر دو قسم است
قسم اول در آداب سفر قسم دویم در بیان افعال و اعمال حج و عمره است خاتمه در اعمال روز
نوروز و طریق گرفتن آب نیسان و ادعیه آنست مشتمل بر چهار قسم قسم اول در انچه در مطلق روز
نوروز بجا باید آورد و خصوصیت بوقت تحویل ندارد قسم دویم در انچه در روز نوروز باعتبار
سر سال بودن بجا باید آورد قسم سیم در انچه متعلق بوقت تحویل است قسم چهارم در انچه بعد از روز
نوروز بجا باید آورد مقصد هفتم در زیارات است مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در زیارت جمعی
که هر یک از ائمه معصومین را زیارت بآن توان کرد فصل دویم در زیارات حضرت پیغمبر و اوقات
آنست فصل سیم در زیارت حضرت فاطمه و اوقات آنست فصل چهارم در زیارت ائمه اربعه
که بقیع بایشان مشرفست فصل پنجم در اعمال اماکن مشرفه واقعه در حوالی مدینه و بقیع فصل ششم
در زیارت حضرت علی بن ابی طالب ع و اوقات آنست فصل هفتم در زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام و اوقات آنست فصل هشتم در زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام محمد تقی
علیهما السلام است و اوقات آن فصل نهم در زیارت حضرت امام رضا ع و اوقات آنست فصل
دهم در زیارت حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام است فصل یازدهم در زیارت
حضرت صاحب الامر ع و اوقات آنست فصل دوازدهم در زیارت بنیابت و زیارت اولاد ائمه
و ثواب زیارت هر یک است مقصد هشتم در استغاثات و توسلات بائمه هدات و مناجات
با قاضی الحاجات است مشتمل بر سه فصل مقصد نهم در اعمال و ادعیه چند که خصوصیت باوقات
شبانه روز و هفته و ماه و سال ندارد مشتمل بر یازده فصل فصل اول در اعمال برآمدن حاجات است
فصل دویم در اعمال طلب روزیست فصل سیم در اعمال اداء قرض است فصل چهارم در اعمال ایمنی
از سلطان جابر است فصل پنجم در اعمال خلاصی از زندانست فصل ششم در نفرین بر دشمنان دین و
دنیاست فصل هفتم در اعمال دفع هموم و غموم است فصل هشتم در ادعیه و اعمال دفع خوف است فصل
نهم در ادعیه پناه جستن از شر شیاطین جن و انس است فصل دهم در ادعیه و اعمال پناه جستن از
سحر است فصل یازدهم در ادعیه گم شده و گریخته است مقصد دهم در تعویذات و احراز بجهت [illegible] و کل
و اسم اعظم و اسماء حسنی است و در آن چند فصل است مقصد یازدهم در ادعیه مشهوره معتبره است مشتمل

بر دو فصل فصل اول در ادعیهٔ مطول است فصل دویم در ادعیهٔ مختصره مقصد دویم در ذکر فضیلت و ادعیه و
واعمال ادعیهٔ نکاح و اداب معاشرت با مردم و اصناف حقوق ایشان است مشتمل بر چند فصل
فصل اول در فضیلت تزویج و ترک رهبانیت و اعمال وقت ارادهٔ تزویج و اصناف زنان
فصل دویم در خطبه و بیان صیغهٔ دوام و متعه فصل سیم در اعمال وقت تزویج و زفاف فصل چهارم
در بیان اوقات مقاربت بقانون طبی فصل پنجم در اعمال کشودن بسته شده فصل ششم در اعمال
طلب فرزند فصل هفتم در اعمال طلب پسر و فضیلت ان فصل هشتم در ایام حمل است فصل نهم در
اعمال اسانی وضع حمل است فصل دهم در اعمال وقت ولادت و بعد از ولادت فصل یازدهم
در اعمال وقت شیر دادن و تربیت کردن مولود و اعمال بعد از شیر است فصل دوازدهم در اداب
معاشرت با مردم و اصناف حقوق ایشان مشتمل بر نه نوع نوع اول در حقوق والدین بر فرزند و
حقوق فرزند بر ایشان نوع دویم در حق زن و شوهر بر یکدیگر است نوع سیم در حقوق خویشان
و غلامان و کنیزان است نوع چهارم در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله است نوع پنجم
در حقوق صداقت و اخوت نوع ششم در حقوق مؤمنان بر یکدیگر نوع هفتم در حقوق فقراء
و ضعفا و مظلومان و بیراستی نوع هشتم در قضای حوائج اخوان و شاد کردن و زیارت و
اعانت ایشان است نوع نهم در اداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و عطسه کردن
و نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و سرگوشی گفتن و خندیدن و فضیلت ذکر خدا و رسول و ائمهٔ
هدی است مقصد سیم در اعمال و ادعیهٔ سفر کردن است مشتمل بر ده فصل فصل اول در بیان
سفر نیک و بد و ایام و ساعات نیک و بد است فصل دویم در دفع نحوستهای سفر است از تصدق
و دعا فصل سیم در اداب سفر است فصل چهارم در چیزی چند که در سفر باید با خود داشت فصل پنجم
در اداب راه رفتن و فرود آمدن و دعاهائی که در راهها و منازل باید خواند فصل ششم در اداب سفر
دریا و کذشتن از پلها و جسرها و نوشتن انها و باز گشتن از سفرها فصل هفتم در بیان نگاه داشتن
بعضی از چهارپایان و سوار شدن و پیاده رفتن و ادعیه ان و بیان بعضی از احوال و اقسام ان
فصل هشتم در اعمال پناه جستن از قطاع الطریق و درندگان و گزندگان فصل نهم در اداب
تجارت و کسب و بیان حسن و اقسام ان است فصل دهم در اداب و ادعیهٔ زراعت و دعاها
بجهت حفظ زراعت و بستان و بیان زکوة و احکام ان مقصد چهارم در اعمال و ادعیه و ادویهٔ دفع علتها
و مرضها است و در ان شانزده فصل است فصل اول در بیان بعضی از حالات بدن انسانی

انسانی و مختلف شدن ان بسبب اختلاف هوا و تغیران فصل دویم در ثواب بیماری و صبر کردن بر ان
و بیان شدت ابتلای مؤمنان فصل سیم در بیان انواع تداوی و بیان رجوع با طبا فصل چهارم
در فضیلت و اداب حجامت و فصد کردن فصل پنجم در ادعیه و اعمال عیادت کنان و بیماران
فصل ششم در انچه مریض خود باید بعمل اورد فصل هفتم در بیان خواص بعضی از ادویهٔ مفرده فصل هشتم
در ادعیه و اعمال عامه و جامعه و ادویهٔ مرکبه نافعه شرعیه و طبیه فصل نهم در معالجه اقسام
تبها از ادعیه و ادویهٔ شرعیه و طبیه فصل دهم در ادعیه و اعمالی که باعث دفع انواع دردها
می شود فصل یازدهم در معالجه درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و وسواس از ادعیه و
ادویهٔ شرعیه و طبیه فصل دوازدهم در معالجه خنازیر و قروح و جروح و ثالول و شوره و خوره و جرب
و اشال ان از ادعیه و ادویهٔ شرعیه و طبیه فصل سیزدهم در معالجه امراض اندرونی و سل و سرفه و درد
و درد کمر و درد شکم و نفخ شکم و درد دل و تنگی دل و درد ناف و قولنج و درد تهیگاه و درد جگر و درد معده
و دفع قی و دفع الم سپرز و زحیر و اسهال و درد سینه از ادعیه و ادویهٔ شرعیه و طبیه فصل چهاردهم
در معالجه اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و امراض مثانه و سایر امراض از ادعیه و ادویهٔ شرعیه و طبیه
فصل پانزدهم در معالجهٔ دفع وبا و طاعون خاتمه در احکام اموات مشتمل بر شش فصل فصل اول
در اداب و اعمال بعضی از احتضار و وقت احتضار فصل دویم در غسل دادن میت است فصل سیم
در کفن کردن میت است فصل چهارم در بیان نماز میت و ادعیهٔ ان فصل پنجم در اداب دفن میت
فصل ششم در زیارت قبور و ثواب و ادعیهٔ ان مقدمه مشتمل بر سه قسم است قسم اول در
بیان مجملی از اصول دین بدانکه خلافست میان علمای امامیه در انکه معرفت معارف خمسه که
توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد باشد بدون دلیل کافیست در تحقیق ایمان یا محتاج بدلیل
هر چند دلیل اقناعی باشد و مسکت خصم نباشد مشهور میان علما انست که هر گاه کسی
معارف خمسه را بدلیل نداند هر چند دلیل اقناعی باشد و برهان نبوده حکم بایمان ان شخص
مشکل است و علیکم بدین العجائز مؤید مشهور است و بعضی قایلند باینکه بدون دلیل کافی
در تحقیق ایمان چنانچه سلطان المحققین خواجه نصیر طوسی ره در بعضی از رسایل خود ذکر کرده که
کافیست در حصول ایمان چنانچه تصدیق و اذعان با نچه دلالت دارد بران دو کلمهٔ شهادت
یعنی تصدیق بوحدانیت خدا و نبوت و رسالت محمد مصطفی ص و تصدیق باینکه حضرت امیر
المؤمنین علی بن ابیطالب ع بعد از پیغمبر بلا فصل قایم مقام پیغمبر و وصی برحق انحضرت است

وبعد از او یازده فرزندش بترتیب خواه این تصدیق و اذعان از روی دلیل بهم رسیده باشد
یا محض تقلید باشد یا بحسب اتفاق و هدایت ازلی بطریق الهام در دل او واقع شده باشد
ولکن باید این تصدیق و اذعان تصدیق اجمالی دانسته باشد بعصمت و حقیت جمیع انچه
پیغمبر خدا از ان خبر داده تا اعجاز کلام خود ظاهر بوده و از اعظم شهادات این قول است اکتفا کردن حضرت
پیغمبر در بر داشتن شمشیر از کفار و حکم کردن ان سرور باسلام انها بمجرد اظهار کلمتین شهادتین
و بعضی نماید بانکه دلیل اقناعی کافی نیست بلکه برهان باید بنا بر این کار بر عوام دشوار
میکرده بل عسر و حرج لازم می اید زیرا که برهان موقوف بر ترتیب مقدمات است و ان موقوف بصناعت
منطق هر چند قول ثانی خالی از قوتی نیست ولکن چون احوط قول مشهور است بتحریر سطری
چند که مشتمل بر بیان بعضی دلایل معارف خمسه بطریق اختصار که بفهم عوام نزدیک تر است
می پردازد بدانکه اصول دین پنج است توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد معنی توحید
انکه خدای تعالی یعنی افریدگار عالم یکیست و موجود است و وجود او واجبست بدلیل انکه
افریدگار عالم شده است یعنی نبوده و بهم رسیده و افریده شده پس افریننده می باشد پس خدای
که افریننده عالم است موجود است و نیز باید دانسته شود که خدای تعالی بخودی خود موجود است
و دیگری او را موجود نکرده بدلیل انکه اگر غیر خدا است خدا او را خلق کرده و موجود ساخته
پس نمی تواند بود که غیر خدا که خلق کرده شده و وجود داده شده خدا است خدا را خلق کرده و موجود
ساخته باشد و اگر زیاده بر این خواهش داری میگوئیم که حکما و متکلمین اتفاق کرده اند که
از برای پروردگار عالم شریکی نیست دلیل حکما اینست که اگر در وجود دو واجب باشد لازم می اید
امکان هر دو و این خلاف فرض و باطل است پس در وجود دو واجب نباشد بیان ملازمت
که بنا بر این فرض این دو واجب در وجوب وجود مشترک خواهد بود پس خالی از این نخواهد بود
که هر یک از دیگری ممتاز است یا نه اگر ممتاز است لازم می اید ترکیب هر یک از ما به الامتیاز
و ما به الاشتراک و هر مرکبی ممکن است پس می باشد هر دو ممکن و حال انکه فرض کردیم هر دو واجب
و اگر ممتاز نیست دو تا نخواهد بود بلکه یکی اند بعلاوه انکه اتمام این دلیل موقوف بابطال شبهه ابن کمونه
مشهور است بجهت اختصار بذکر ان نپرداخت دلیل متکلمین برهان تمانع است که ماخوذ از
قول خدای تعالی است لو کان فیهما الهة الا الله لفسدتا بیان ان اینست که میگوئیم که خداوند
عالم یکیست که اگر دو تا باشند لازم می اید فساد و فساد باطل پس دو تا نخواهد بود بیان ملازمه

ملازمه انکه اگر دو تا باشند و اراده یکی تعلق گیرد بحرکت دادن جسمی مثلا پس میگوئیم اراده سکون
ان جسم از برای دیگری ممکن است یا نه اگر ممکن است خالی از سه شق نخواهد بود یا اراده هر دو واقع
میشود یا اراده هیچ یک واقع نمی شود یا اراده یکی واقع میشود دون دیگری هر سه شق باطل است
اما اول بجهة انکه لازم می اید اجتماع دو امر متنافی که حرکت و سکون باشد در امر واحد بجهة واحد
و این محالست و اما ثانی بعلت انکه لازم می اید خالی بودن جسم مفروض از حرکت و سکون
و اما ثالث بسبب انکه دو فساد لازم می اید یکی ترجیح بلا مرجح زیرا که نسبت هر دو واجب بان جسم
متساویست و دیگری عجز ان دیگر و اگر ممکن نباشد از برای دیگری اراده سکون ان جسم لازم
می اید عجز خدا یا ترجیح بلا مرجح و هر دو باطل است چنانکه دانستی پس لازم می اید فساد نظام
و ان باطل است پس پروردگار عالم دو تا نمی تواند بود و نیز باید دانست که در این دلیل سخن بسیار است
که مقام مقتضی ذکر انها نیست و نیز باید دانست که صفات خدای تعالی بر دو قسم است ثبوتیه
و سلبیه و ثبوتیه هشت است اول انکه قدیم و ازلی و باقی است و ابدی یعنی همیشه بوده و همیشه
خواهد بود بدلیل انکه هر چیز که بذات خود موجود باشد و در وجود بغیر محتاج نباشد و ذات
او مستقل باشد در تحقق وجودش باید که فنا و عدم که خلاف مقتضای ذات وست در
هر دو طرف ماضی و مستقبل که تعبیر از ان بازل و لا یزال میکنند در او راه نیابد دوم
انکه قادر است یعنی تواناست بر هر چه خواهد سیم انکه عالم است یعنی داناست بر هر چیز از هر جهت
بدلیل انکه عجز و جهل که نقیض قدرت و علم است نقصانست و نقصان بر خدای تعالی
روا نیست چهارم انکه حی است یعنی خدای تعالی چیزیست که صحیح است انتزاع کردن از او معنی
قادر بودن را بدلیل انکه خدای تعالی قادر و عالم است پس صحیح است انتزاع کردن از او معنی قادر
بودن و عالم بودن را پس حی است پنجم انکه مرید است یعنی خواسته است بعضی چیزها از قبیل
خلق موجودات را در زمان مخصوص بکیفیت و هیئت مخصوصه و مانند امر بطاعات و عبادات
که از بندگان خواسته و کاره هست یعنی نخواسته بعضی چیزها را مثل چیزهائی که مخلوق نکرده و مانند
معصیتها که بندگان را نهی از ان کرده و معنی ارادت و کراهت در خدای تعالی علم بمصلحت و مفسدت است
که همان علم بفساد و صلاح مخصص و مرجح خلق موجودات است در زمان مخصوص و هیئت مخصوص
و مرجح و مخصص امرهائیکه خدا بندگان را بانها امر کرده و مخصص ترک چیزهائیکه موجود نساخته و
نهیهائیکه خدا بندگان را از ان نهی کرده بدلیل انکه خدای تعالی عالم است بر همه چیز از هر جهت

پس عالم است بمصلحت و مفسدت اشیا جمیعاً ششم آنکه متکلم است قدرت بر خلق کلام دارد
در هر چیز که خواهد چنانچه خلق کلام کرد در درخت که با حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام حرف زند
بدلیل آنکه خدا قادر است بر خلق کلام در هر چیز بخواهد و از آن جمله کلام است و کلام نیست مگر
الفاظ مسموعه مفروه هفتم و هشتم آنکه سمیع و بصیر است یعنی شنواست هر چیز را
که قابل شنیدنست بی احتیاج بگوش که آلت سمع است و بصیر یعنی بیناست هر چیز را که قابل
دیدنست بی آلت بصر و مدرک یعنی دریابنده است هر چیز را که بتوسط حواس ظاهره یا باطنه
ذهن در آن تواند نمود بی آلت تعقل یعنی خدای تعالی علم مسموعات و مبصرات و ملموسات
دارد این نحو علمی که بتوسط گوش و چشم و سایر حواس بهم میرسد آدمی را بی آنکه احتیاج بآ
لات داشته باشد بدلیل آنکه خدای تعالی عالم است بهمه چیز و از جمله همه چیز چیزهای
شنیدنی و دیدنی و دریافتنی همه هست پس عالم است بچیزهای دیدنی و شنیدنی و دریافتنی
بدانکه بعضی از فضلا اختلاف در صفات حق تعالی کرده که این مختصر جای ذکر آن نیست
و اما سلبیه یعنی صفاتی که حق تعالی از آنها منزه و مبراست بسیار است از آنجمله هشت صفت
در این مجموعه مسطور گردیده اول آنکه خدای تعالی جسم نیست یعنی طول و عرض و عمق
ندارد بدلیل آنکه هر چیز که طول و عرض و عمق دارد صاحب اجزاست و هر صاحب اجزا محتاج
باجزاست و احتیاج نقصانست و نقصان بر خدای تعالی روا نیست دویم آنکه مرکب نیست
بهیچ دلیل یعنیه سیم آنکه جوهر و عرض نیست بدلیل آنکه جوهر و عرض از اقسام ممکن است
و ممکن آنست که وجود و عدم او از غیر او باشد و در وجود و عدم محتاج بغیر باشد و خدای
که وجود او از ذات اوست ممکن نمی تواند بود پس جوهر و عرض نمی تواند بود و اسماء الله
توقیفیه یعنی موقوف باذن شارع است باید از شارع برسد و ما نمی بینیم که از شارع اطلاق
جوهر و عرض بر واجب رسیده پس شرعاً ممتنع باشد چهارم آنکه مرئی نیست یعنی بچشم
دیده نمی شود بدلیل آنکه هر چه بچشم دیده می شود جسم است و مادی و حق تعالی جسم و مادی
نیست پس دیده هم نیست پنجم آنکه در مکان و جهت نیست بدلیل آنکه هر چیز که در مکان
و جهت است جسم است و گفتیم که خدای تعالی جسم نیست پس در مکان و جهت نباشد ششم
آنکه حلول بر خدا روا نیست یعنی در چیزی در نمی آید و چیزی هم در او در نمی آید چنانکه هر دو یکی
شوند بدلیل آنکه جواز حلول مستلزم نقص است زیرا که لازم دارد افتقار حال را بر محل و بر عکس

و بر عکس و نقص بر خدای تعالی روا نیست هفتم آنکه صفات خدای تعالی زاید بر ذات او
نیست بلکه معانی که از صفات مستفاد میشوند از نفس ذات اقدس الهی منتزع اند نه آنکه
صفتی غیر ذات و زاید بر ذات باشد که از او منتزع شود مثلاً مفهوم علم یا قدرت یا صفت
دیگر از نفس ذات الهی منتزع میگردد نه از صفت زاید بر ذات بدلیل آنکه قائل بصفت ازلی
مستلزم احتیاج ذات است بآن صفت و این نقص است که بر خدا روا نیست هشتم آنکه خدای تعالی
شریک ندارد بدلیل آنکه تعدد آفریدگار مستلزم فساد است چنانکه مذکور شد
دویم از اصول دین عدل است و معنی آن اینست که خدا عادلست و ظالم نیست و هر چه
میکند بر وفق مصلحت میکند بدلیل آنکه ظلم نقص است و بر خدا روا نیست و باید اعتقاد
این باشد که عباد در افعال خود از طاعات و معاصی مجبور نیستند و کارها مختص خدا
انها هم نیست چنانکه کلام هدایت نظام حضرت امام جعفر صادق ع که لا جبر و لا تفویض
بل امر بین الامرین ناطق باینست سیم از اصول دین نبوتست و معنی آن اینست که محمد بن
عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف پیغمبر و فرستاده خداست بسوی خلق
و هر چه از خدا بخلق رسانیده همه حق است بدلیل آنکه دعوای نبوت کرد و بر طبق دعوای
خود معجزه آورد پس پیغمبر بر حق است بدانکه پیغمبر ما خاتم جمیع پیغمبرانست یعنی بعد از
پیغمبری مبعوث نشده و نخواهد شد بدلیل آنکه خدای تعالی در قرآن در وصف آنحضرت فرموده
ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و نیز بدانکه پیغمبر ما
افضل از همه پیغمبرانست بدلیل آنکه جامع جمیع صفات پیغمبران سلف است با زیادتی
و ایضاً بدانکه پیغمبر ما و جمیع اوصیاء او علیهم السلام از اول عمر تا آخر عمر از جمیع گناهان
کوچک و بزرگ از روی عمد و سهو و نسیان معصومند بدلیل آنکه پیغمبر و اوصیای او
امینان وحی و احکام الهی اند و حافظ شرع اند که قانون آداب بندگیست و تجویز معصیت
و خطا موجب رفع وثوق و اعتماد است بر قول ایشان و این منافی غرض از بعثت است چهارم
از اصول دین امامت است یعنی آنکه خلیفه بلافصل و وصی و جانشین حضرت پیغمبر ما محمد
مصطفی ص بعد از آنسرور حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است بعد از آن بترتیب فرزند او
حضرت امام حسن ع بعد از آن برادر کوچکش حضرت امام حسین ع و بعد از آن فرزندش
حضرت علی بن الحسین ع و بعد از آن فرزندش حضرت امام محمد باقر ع و بعد از آن فرزندش

حضرت امام جعفر صادق ع و بعد از آن فرزندش حضرت امام موسی کاظم ع و بعد از او
فرزندش حضرت امام علی بن موسی الرضا ع و بعد از آن فرزندش حضرت امام محمد تقی ع و بعد
از او فرزندش حضرت امام علی نقی ع و بعد از آن فرزندش حضرت امام حسن عسکری ع
و بعد از آن فرزندش حضرت صاحب الزمان محمد مهدی است ص که مؤمنان انتظار فرج و
ظهور موفور السرور آنحضرت دارند و زنده است و بنابر مصلحتی که خدای تعالی
بان داناتر است از نظر مردم غایب است و غایب بودن آنحضرت از نظر خلق حاجب و
مانع نمی‌شود از رسیدن فیض وجود آنحضرت بمردم و این ائمه اثنی عشر علیهم صلوات الله
الملک الاکبر بترتیب مذکور خلفا و اوصیای پیغمبر و حجج الله و ائمه و پیشوایان راه هدای
خلق و هر که در امور شرع از پیغمبر رفت و بروایات و احادیثی که از ایشان متواتر
رسید عمل کرد نجات یافت و بروضه رضوان شتافت و هر که در یکی از امور شرعیه
متابعت این پیشوایان راه هدایت نکرد و خلاف حکم ایشان را اختیار کرد در چاه ضلالت
و غوایت فرو رفت و دلیل بر امامت این دوازده امام آنکه پیغمبر خدا ص بامامت اینها خبر داد
و مردم را به پیروی اینها ارشاد فرموده و هر چیز که پیغمبر خدا ص بان خبر داده حق است و تصدیق
او واجبست تصدیق و عمل بان پنجم از اصول دین معاد است یعنی پیغمبر خدا ص خبر داده که
موت یعنی مفارقت روح از بدن حق است و سؤال منکر و نکیر و صراط و میزان و حساب
و تطایر کتب و انطاق جوارح و بهشت و اوصاف بهشت و دوزخ و سایر اوصاف دوزخ
که در قرآن مجید مذکور است و زنده کردن مردگان در روز قیامت از برای حساب حق است
و هم چنین خبر داده است بانکه خدا در روز جزا داد مظلوم را از ظالم بستاند و ظالم را در عذاب
الیم بدارد و کافر را در عذاب جحیم مخلد دارد و حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه زهرا
و سایر ائمه هدی علیهم السلام که در مقام شفاعت که در قرآن بمقام محمود از آن
تعبیر شده مبعوث می‌شوند و گناهکاران امت را که اعتقاد بامامت ائمه بترتیبی که ذکر شد
داشته باشند شفاعت خواهند نمود و حضرت امیر ع بر حوض کوثر با حضرت رسالت
و حضرت فاطمه و حسنین و باقی ائمه نشسته باشند و موالیان و دوستان خود را سیراب
کردانند و دشمنان و مخالفان دین ائمه اثنی عشر را از حوض کوثر محروم و مطرود و بی نصیب خواهند
کرد و هم چنین خبر داده بحقیت رسالت پیغمبران گذشته و خبر داده بمنزل بودن کتب

کتب سماویه پس حقیت و صدق و واجبست اعتقاد کردن بجمیع آنچه پیغمبر خدا ص ازان
خبر داده و واجبست تعظیم رسل و ملائکه و کتب سماویه و واجبست اعتقاد کردن بانکه
در وقت ظهور قائم آل محمد بعض مردگان را رجوع بدنیا هست و از ا قیامت صغری
گویند مجملا باید آنچه را مخبر صادق خبر داده همه را صادق و حق داند و اعتقاد و یقین
قلبی بهم رساند قسم دویم از مقدمه در بیان حصر عبادات و اقسام آنهاست بدانکه
عبادات شرعیه بر سه قسم است اول مختص بابدان مانند نماز و روزه دوم مختص باموال
مثل زکوة و حقوق متعلقه باموال سیم مختص بابدان و اموال هر دو مثل حج و جهاد
و نیز منقسم میشود این عبادات به سه قسم دیگر اول آنچه مکرر میشود در هر روز مثل نماز
های پنجگانه دویم آنچه مکرر میشود در هر سال مانند زکوة و روزه سیم آنچه لازم می‌شود
در عمر یکمرتبه مثل حج و اما جهاد واجب نمی‌شود مگر بوجود امام و حصول شرایطش
و آن در این زمان منتفی است و ایضا منقسم می‌شود بدو قسم دیگر یکی واجب و دیگری
مستحب واجب نیز بر دو قسم است اول واجب باصل شرع از غیر سببی مانند نمازهای
پنجگانه و روزه شهر رمضان و زکوة اموال و حجة الاسلام دویم واجب بسببی مثل نذر و عهد
و غیر ذلک مستحب نیز بر دو قسم است اول مستحب باصل شرع مثل نوافل یومیه و روزه
ایام سنتی و غیر ذلک دویم مستحب علی سبیل الترغیب مجملا مثل نمازهای مرغب فیها مثل
نماز تسبیح و غیر ذلک و مثل ترغیب در روزه و نماز و صدقه و غیره للمریض بحج سنتی
و گاه است منعقد میشود اسبابی که بسبب آنها نماز واجب و مندوب میگردد واجب مثل
نماز میت و نماز کسوف و نماز عیدین که عید رمضان و عید اضحی باشد بنا بر وجوب آنها
در زمان غیبت مندوب مثل نماز استسقا که مستحب میگردد در وقت قحط و غلا و در این کتاب
بطریق اختصار در محل مناسب مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و بدانکه در میانه عبادات
اشرف و اکد از همه نماز واجبست زیراکه در هیچ حال ساقط نمیشود مگر بزوال عقل یا بامر
عارضی مثل حیض از برای زنان بخلاف باقی عبادات مثل روزه که ساقط میشود در مرض
و عطش شدید که رجای زوال آن نداشته باشد قسم سیم از مقدمه در فضیلت ذکر و
تعلیم و بیان مراتب از اقسام و آداب و شرایط دعا و حالات داعیست اما اول آیات و اخبار
در فضیلت ذکر اما آیات از آنجمله قول خدای تعالی است فاذکرونی اذکرکم و قوله سبحانه

اذکروا الله ذکرا کثیرا و قوله عز من قائل واذکر ربک اذا نسیت و قوله جلت عظمته
واذکر ربک فی نفسک تضرعا وخیفة ودون الجهر من القول بالغدو والآصال
ولا تکن من الغافلین و قوله عظم کبریائه فاذا قضیتم الصلوة فاذکروا الله قیاما و
قعودا و قوله عز شأنه فاذا قضیتم مناسککم فاذکروا الله کذکرکم آباءکم او اشد
ذکرا و قوله جل سلطانه واذکر ربک کثیرا وسبح بالعشی والابکار و قوله عز نواله
واذکر اسم ربک بکرة واصیلا و قوله کثر آلائه واذکر اسم ربک وتبتل الیه
تبتیلا الی غیر ذلک من الآیات و اما اخبار از حضرت رسول مختار مرویست که فرمود کسیکه
ذکر کند خدا را دوست میدارد او را خدای تعالی و کسی که ذکر کند خدا را بسیار نوشته
میشود از برای او دو برات برات از نفاق و برات از نار و بخدمت آنحضرت عرض کردند
که کدام یک از اعمال افضل است فرمود اینکه موت تو را دریابد در حالتیکه زبان تو گویا
بذکر خدای تعالی و ایضا فرمود نیستند قومی که جمع شوند در مجلسی که ذکر خدا نشود
و صلوات بر پیغمبر و آل او فرستاده نشود مگر آنکه مجلس میباشد حسرت و وبال بر ایشان
و ایضا از حضرت صادق مرویست که خدای تعالی میفرماید کسی که ذکر کند مرا در خفیه
ذکر میکنم من او را در علانیه و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود از برای هر چیزی حدی است
که منتهی میشود بآن مگر ذکر که حد و منتهائی ندارد خدای تعالی واجب ساخته است فرایض را
و هر کسی که بجای آورد آنها را ادا کرده است حق آنها را و واجب ساخته است روزه ماه رمضان را
پس هر که روزه بگیرد او را ادا کرده است حق او را و واجب ساخته حج را پس کسی که حج کند ادا
کرده است حق او را مگر ذکر که خدای تعالی راضی نمیشود بقلیل آن و قرار نداده است از
برای آن حدی که منتهی شود بآن بعد از آن تلاوت فرمود این آیه را یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله
ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة واصیلا و فرمود که قرار نداده است خدای تعالی از برای ذکر حدی
که منتهی شود بسوی آن پس فرمودند پدرم کثیر الذکر بود ذکر میکرد خدا را در حالتیکه
با مردم گفتگو میکرد و مانع نمیداشت او را از ذکر خدا و میدیدم من که زبان مبارکش بکامش
می‌چسبید بسبب گفتن لا اله الا الله و بود آنحضرت که جمع میساخت ما را و امر میفرمود
بذکر تا طلوع میکرد آفتاب و امر میفرمود بقرائت کسی را که قرائت میکرد از ما و کسی که
قرائت نمیکرد از ما امر میفرمود بذکر و فرمود خانه که بسیار شود در آن قرائت قرآن

قرآن و ذکر خدا بسیار میشود خیر و برکت در آن و حاضر میشوند ملائکه آسمان و دور میشوند
شیاطین و روشنی میدهند از برای اهل آسمان همچنانکه روشنی میدهد کوکب از برای
اهل زمین و خانه که در آن قرائت قرآن و ذکر نشود کم میشود برکت و دور میشوند ملائکه
و جای میگیرند شیاطین و ایضا فرموده است رسول خدا که آیا میخواهید خبر دهم
شما را به بهترین اعمال شما و ارفع اعمال شما در درجات شما و ازکای اعمال در نزد پادشاه شما
که بهتر باشد از برای شما از دینار و درهم و بهتر باشد از برای شما از اینکه ملاقات کنید
اعدای خود را بقهر و غلبه بر ایشان عرض کردند بلی یا رسول الله فرمود ذکر کنید
خدا را بسیار پس حضرت صادق فرمود آمد مردی بخدمت پیغمبر و عرض کرد کیست بهترین
اهل مسجد فرمود آنکس که ذکرش بیشتر است پس آنحضرت فرمود کسیکه عطا کرده شود باو
زبان ذکر کننده پس بتحقیق عطا کرده شده است خیر دنیا و آخرت را و مستحب است مر بندگان
خدا را که ایقاع آن بنحو اخفی و اقرب باخلاص و ابعد از سمعه و ریاست اما دوم که تقسیم شده
بر پنج قسم است تمجید و تحمید و تهلیل و تکبیر و دعا تمجید عبارت از یاد کردن خدا است
بمجد و جلال چنانچه از حضرت صادق مرویست که فرمود تمجید دوست ترین عملیست نزد
خدا از سایر اعمال و از حضرت رسول منقولست که فرمود هر دعائی که در او تمجید نباشد
ابتر است اول تمجیدات و بعد از آن دعا و ادنی چیزی که مجزیست از تمجید سوره قل هو الله احد
و تلاوت اسماء حسنی است و گفتن اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء و انت الآخر
فلیس بعدک شیء و انت الظاهر فلیس فوقک شیء و انت الباطن فلیس دونک شیء
و انت العزیز الحکیم و از ابی عبد الله مرویست که هر گاه دعا کنید اول تمجید خدا کنید
و بگوئید بسم الله الرحمن الرحیم یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا من یحول بین المرء
وقلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء انت ارحم الراحمین یا اجود
من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم
یولد و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ صاحبة و لا ولدا یا من یفعل ما یشاء و
یحکم ما یرید یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء
دیگر تحمیدات و آن حمد و ثنای پروردگار است چنانچه بگوید الحمد لله و حمد را ثواب بسیار است
زیرا که بقول حضرت رسول اول کسانی که ایشان را به بهشت دعوت خواهند نمود جماعتی

خواهند بود که حمد خدا کرده باشند در آشکار و پنهان دیگر تهلیل است و مراد از آن نفی
معبود مطلقات و اثبات معبود بحق چنانکه بگوید لا اله الا الله از حضرت رسول روایت
که تهلیل بهترین عبادات است هیچ بنده نباشد که این کلمهٔ طیبه بر زبان راند مگر آنکه بعد از
فراغ از آن جمیع گناهان او مانند برگ درختان در وقت خزان بریزد فلوس بریزد دیگر
تکبیر است و آن بزرگ داشتن خداست از همه اشیا چنانکه بگوید الله اکبر روایت
علی بن الحسین ثواب تکبیر برابر است با آزاد کردن بنده هر که صد بار تکبیر گوید چنان است
که صد بنده آزاد کرده باشد دیگر دعاست و آن طلب دنیاست از اعلی بر سبیل خضوع و استکانت
و مراد در اینجا الفاظیست که مشتمل بر طلبی باشد از خدا جلب نفع مقصود و بقای خیر موجود
یا رفع مکروه و دفع سوء نازل از تمام انبیا علیه التحیة والثنا مرویست بسند معتبر که هیچ چیز
پیش خدا بهتر از دعا نیست و نیز فرموده دعا سلاح مؤمن است و ستون دین و نور آسمان و زمین
و انبیا فرموده‌اند میخواهید شما را دلالت کنم بر سلاحی که از دشمنان نگاه دارد شما را و رزق
شما را زیاد کرداند گفتند بلی یا رسول الله فرمود شب و روز دعا کنید که دعا سلاح
مؤمن است و عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و بخیل‌ترین مردم کسی است
که در جواب سلام بخل کند و از امام رضا روایت شده که یک دعای پنهانی بهتر
از هفتاد دعای آشکار است و دعا نیز بر چهار قسم است قسم اول استعاذه یعنی پناه
جستن بخدا از شر شیطان باین نحو که بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم قسم دویم
استغفار و آن طلب آمرزش از معصیت است از جناب قدس الهی چنانکه بگوید استغفر الله
ربی و اتوب الیه از حضرت رسول منقولست که هر چیز را دوائیست و دوای گناه
استغفار است و نیز آنحضرت فرمود که هر که بسیار استغفار کند خدای تعالی او را از
هر غمی فرجی و از هر تنگی مخرجی بخشد و روزی او را از جائی رساند که نداند قسم سیم
صلوات بر پیغمبر و آل اوست و آن عبارت از درود و ثناست چنانچه گوید اللهم صل
علی محمد و آل محمد قسم چهارم طلب حاجت است از خدا از امام جعفر صادق روایت که
فرمود حضرت عزت جلت عظمته حاجات شما را میداند ولیکن دوست میدارد که
حاجات خود را عرض کنید و حق تعالی مکروه میدارد که کسی طلب حاجت خود را از خلق
کند و اما آداب و شرایط آن پنج نوع است نوع اول در آنچه پیش از دعا بعمل باید آورد و آن

آورد و آن هشت امر است اول طهارت دویم تعطر و بوی خوش سیم استقبال قبله چهارم
صدقه پنجم اعتقاد باینکه خدای تعالی قادر است بر بر آوردن حاجات ششم حسن
ظن بخدا در اجابت دعا هفتم سؤال نکردن از خدا امر محالی را و نیز چیزی را که مستلزم قلت حیا
و سوء ادب باشد مثل سؤال کردن منازل و درجات انبیا و ائمه هدی علیهم السلام
هشتم اجتناب از حرام در مأکل و مشرب و ملبس و مکسب و پاک ساختن خود است از زنگ
و گرسنگی و تجدید توبه نوع دویم در آنچه مقارن دعا باید بجای آورد و آن چهارده چیز است
اول الحاح و جد کردن و ملول نشدن و ترک استعجال در اجابت دویم نام بردن
حاجت سیم آهسته و پنهان دعا کردن که از احتمال سمعه و ریا دورتر است چهارم
دعا را تعمیم دادن پنجم اجتماع در دعا که اثری عظیم دارد در استجابت ششم اظهار
خشوع و خضوع نمودن هفتم تمجید و حمد و ثنای الهی بجای آوردن اقلش سوره توحید
و گفتن یا من هو اقرب الی من حبل الورید است تا آخر که مذکور شد هشتم نعت
و درود بر حضرت رسالت پناهی فرستادن چنانچه گذشت نهم گریه و اگر گریه نیاید خود را
بگریه داشتن دهم اعتراف بگناهان یازدهم اقبال بقلب دوازدهم دعا کردن
از برای برادران مؤمن و التماس دعا از ایشان کردن سیزدهم مقدم داشتن دعا است
بر بلا چهاردهم بر داشتن دو دست بآسمان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که شخصی سؤال کرد از آنحضرت که من دو آیه در کلام الله دیده‌ام که آنچه از او مطلب
نمی‌یابم آنحضرت فرمود کدام است آن دو آیه عرض کرد یکی آیه ادعونی استجب لکم یعنی
بخوانید مرا که اجابت میکنم شما را و حال آنکه من دعا میکنم و مستجاب نمیشود آنحضرت فرمود
گمان تو اینست که خدای تعالی خلاف وعده میکند آن شخص گفت نه و شرایط آنرا نمیدانم
حضرت فرمود که من ترا آگاه میسازم از شرایط بدانکه دعا مشروط است بآنکه اول
تمجید و تحمید و تسبیح حق تعالی کنید و ذکر نعمتهای او کرده شکر آن بجا آورید پس صلوات
بر رسول و آل او فرستید بعد از آن بگناهان خود اعتراف کرده از آنها استغفار کنید
آنگه دعا نمائید در چیزی که صلاح شما باشد البته مستجاب میگردد و بعد از آن حضرت
فرمود آیه دیگر کدام است گفت و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی آنچه شما صدقه میدهید
حق تعالی عوض میدهد و حال آنکه صدقه میدهیم و عوض نمی‌یابیم حضرت فرمود اگر

از مال حلال و کسب حلال صدقه بدهید که خدای تعالی عوض میدهد نوع سیم تجمید
ساختن است از دعا و آن چهار چیز است اول مکرر ساختن دعا خواه مستجاب شود و خواه
نشود دوم ختم کردن دعا بصلوات بر محمد و آل محمد سیم گفتن ما شاء الله لا حول
و لا قوة الا بالله و گفتن یا الله المانع بقدرته خلقه و المالک بها سلطانه
و المتسلط بما في يديه من كل مرجو دونك يخيب بها راجيه و باجيك
سرور لا يخيب اسئلك بكل رضى لك من كل شيء انت فيه و بكل شيء
تحب ان تذكر به و بك يا الله فليس يعدلك شيء ان تصلي على محمد و آل محمد
و ان تحوطني و والدي و ولدي و اخواني و مالي و تحفظني بحفظك و ان تقضي
حاجتي في كذا و كذا چهارم دستها بر سر و رو و سینه کشیدن نوع چهارم در بیان
اجابت دعاست و از جمع میشود به چیز اول وقت دعا مانند شب و روز جمعه
و وقتی که امام فارغ شود از خطبه و وقتی که نصف قرص آفتاب فرو رود در روز جمعه
و ماه رمضان خصوصا شبها و روزهای قدر و شبها و روزهای عرفه و مبعث و مولد
و غدیر و فطر و اضحی و شبهای احیای اربعه که شب غره رجب و نصف شعبان و شب عید
فطر و اضحی باشد و روز عید مولود و روز نصف رجب یعنی روز پانزدهم ماه رجب و ماههای
حرام اربعه که محرم و رجب و ذیقعده و ذیحجه باشد و وقت زوال شمس در هر روزی و ساعت
هفتم از هر شبی و نزد وزیدن بادها و نزد آمدن بارانها و نزد طلوع فجر تا طلوع آفتاب
و نزد خواندن سوره قل یا ایها الکافرون در وقت طلوع شمس روز جمعه و وقت خواندن
سوره انا انزلناه یازده مرتبه در ثلث آخر شب جمعه و در وقت اذان گفتن و قرآن خواندن
دوم امکنه یعنی جاهای دعا چون عرفات و مشعر الحرام و حرم و مروه و صفا و خانه کعبه
و مطاف و مسجدها خصوصا مسجد اقصی و مسجد حضرت رسول و روضه مقدسه آنحضرت و
مقام انبیا و مشاهد ائمه هدی خصوصا مشهد شهید کربلا ابی عبد الله الحسین ع بسند
صحیح مرویست که خدای تعالی بعوض شهادت سید الشهدا چهار چیز باو عطا فرموده شفا در
تربت او و اجابت دعا تحت قبه او و قرار دادن ائمه در ذریه او و حساب نکردن روزهائی
که زایران در قصد زیارت او بوده اند از عمر ایشان و میدان جهاد و معابد عبادت سیم در
عقب افعال چون دعا عقب نمازها خصوصا نماز وتر و نماز صبح و نماز ظهر و مغرب و از عقب

و از عقب صلوات بر پیغمبر و آل او و از عقب تلاوت قرآن خصوصا ختم آن و از عقب سجده
تلاوت و از عقب جل الله اولی از جلالتین سوره انعام و عقب اذان پیش از اقامه و از عقب دعای
سائل هر معطی را از عقب اعطا و دعای مریض کسی را که بعیادت او رود نوع پنجم
در حالات داعیست از ائمه اطهار علیهم السلام مرویست که دعای صایم رد نمیشود
و هم چنین مریض و قاری قرآن و حاجی و معتمر و غازی و امام عادل و کسی که نماز کند
و در دل او هیچ خطور نکند از امور دنیا و کسی که بار نجد او و بر نداشته او
و کسی که طهارت کند و در جای نماز خود نشسته انتظار نماز کشد و مظلوم و مسافر و
داعی با دل مومن در وقتیکه حاضر نباشد و والد صالح و ولد صالح و والده صالحه
که بموجب روایات صحیحه تیزتر از شمشیر است و مهموم و راجی بحق و مایوس از خلق
و منقطع از نفس مانند غریق و کسی که در دست او انگشتری فیروزه و عقیق باشد
مقصد اول در اعمال شبانه روزی و در آن چهار مقاله است مقاله اولی در بیان
آنچه تعلق بما بین طلوع فجر و طلوع آفتاب دارد و آن بر دوازده فصل است فصل اول
در فضیلت و شرافت و کرامت این وقت از آیات و روایات اما آیات قول حق
سبحانه و الصبح اذا تنفس یعنی قسم بصبح در وقتی که نفس بکشد و همین که خدا قسم بآن
خورده است از برای شرافت و بس است و اما روایات در مدح این وقت پس بسیار است
از آنجمله از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود خدای تعالی دعا را از
بندگان دوست میدارد بر شما باد که دعا کنید از صبحگاه تا طلوع آفتاب بدرستیکه
حضرت عزت جل و علا در این ساعت درهای آسمان را میگشاید و روزی خلقان را قسمت
میکند و حاجتهای عظیم را بر می آورد پس هر آنکس که این وقت شریف را بعبادت و
دعوت در یابد هر حاجتی که داشته باشد بر آید و نصیب از روزی یابد و هر که بخواب
غفلت گذراند از حصول مامول و رزق مقسوم محروم ماند و این خواب شومست و
روزی را دور میکند و رنگ را زرد و رو را قبیح نماید که حذر کنید از این خواب بسند معتبر
از امیر المومنین ع منقولست که طلب کنید روزی را در ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب
که زودتر میرساند روزی را بآدمی از آنکه سفر کند در زمین و این ساعتی است که حق تعالی
قسمت میکند روزی را در میان بندگان خود و از حضرت رسول ص مرویست که در باب

وبسبب ذکر خدا کردن بهتر است از شمشیر زدن در راه خدا ایضا از آن حضرت روایت
شده که قبل از طلوع آفتاب و بعد از غروب آن ساعت اجابت دعاست و از حضرت امام
محمد باقر مرویست که فرمود ابلیس لعین بر می انگیزاند لشکر شبانه را از وقت طلوع صبح
تا طلوع آفتاب پس در اینوقت از یاد پروردگار خود غافل مباشید و پناه بلطف او
گیرید از شر ابلیس فصل دویم در تحقیق صبح است و تقسیم او بکاذب و صادق و آن
موقوف بر تمهید مقدمه ایست و آن اینست که کره بخار عبارت از هوائیست متکیف
شده از اجزای ارضیه و مائیه که بسبب حرارت مرتفع شود و این کره بخار محیط است بکره ارض
و آب که بمنزله یک کره اند از جمیع جوانب و بعد سطح محدب او از سطح ارض هفده فرسخ است
تقریبا چنانکه صاحب تحفه در مباحث ابعاد و اجرام بیان کرده و چون زمین جسم کثیفی است
شعاع آفتاب ظلی از آن در خلاف جهت آفتاب حادث سازد و در موضع خود مبرهن
گشته که این ظل بر شکل مخروطی مستدیر باشد و رأس این مخروط در فلک زهره بود و سهم
این مخروط دائما در سطح منطقة البروج و آنچه از سطح این مخروط داخل کره بخار شده مستنیر
گردد از آفتاب بواسطه کثافت آن و آنچه فوق کره بخار باشد و بواسطه لطافت ضوء او
ظاهر نشود و چون آفتاب تحت الارض بود این مخروط فوق الارض بود و شب عبارت از این
ظلمتست و بعد از تعلیم این مقدمه میگوییم در نصف اللیل سهم مخروط ظل بر دایره نصف النهار
باشد و چون از آن بگذرد مخروط بجانب مغرب میل کند و چون آفتاب قریب بافق مشرق رسد
مخروط بافق غربی رسد و ضیاء سطح مخروط که داخل کره بخار است از جانب مشرق ظاهر
شود فوق دایره افق اول و کاذب و دم گرگ و فجر مستطیل گویند کاذبش می نامند بجهت آنکه
گویا دروغ میگوید صبح نیست چه اگر صبح می بود می باید کناره افق روشن شود نه همین بالای
آن دم گرگ و فجر مستطیل می نامند بجهت تاریکی و بلندی که دارد و نیز این را صبح اول
نامیده اند باعتبار آنکه پیش از صبح دویم است بعد از آن چون آفتاب بافق نزدیک تر شود
آن روشنی در کناره افق منبسط و پهن گردد بشکل نصف دایره و آن را صبح صادق
و فجر دویم گویند صادقش نامیده اند بعلت آنکه راست خبر داده است که صبح است [illegible]
گفته اند بجهت صبح اول بدانکه تعلق نگرفته است بطلوع صبح اول مگر قلیلی از عبادات
فصل سیم در آداب خلا رفتن و بیان طهارت و مطهرات و نجاسات است اما آداب

آداب خلا رفتن از واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات است اما واجبات اول
پوشیدن عورتین است یعنی قبل و دبر از ناظر محترم یعنی حرمت دار نه از زن و شوهر و نه
از کنیزی که وطی آن توان کرد و نه از اطفالی که تمیز نداشته باشند و نیز از سایر حیوانات
دویم آنکه منحرف از قبله نشیند یعنی رو و پشت بقبله نکند در وقت تخلی سیم شستن
مخرج بول است بآب مطلق نه بکلوخ چنانکه مذهب سنیانست شستن یکدفعه واجب
و دو دفعه احوط و سه دفعه اکمل و اما مخرج غایط اگر حوالی آن آلوده نشده باشد
بکلوخ و لته و پنبه و امثال آن طاهر می توان کرد هر چند آب میسر باشد و کافی نیست
کمتر از سه سنگ هر چند زوال نجاست بیکمرتبه شود بنا بر اظهر و اشهر و احوط و کافی
نیست یک سنگ سه گوشه بنا بر احوط و اقوی و اگر بسه زوال میسر نشود واجبست
زیاده تا زوال بعمل آید و مستحب است طاق بودن آن و اگر حوالی آلوده شده باشد
واجبست شستن بآب و غیر آن مجزی نیست و شستن را حد معینی نمی باشد بلکه
حد آن پاک شدن موضع است و آن حاصل میشود بزوال عین اما محرمات پنج چیز است
اول مخرج را بسرگین پاک کردن هر چند از حلال گوشت باشد دویم بخوردنی پاک
کردن سیم باستخوان پاک کردن چهارم بچیز محترم پاک نمودن مانند ورق قرآن
و کاغذی که اسم حق تعالی یا پیغمبر یا احدی از انبیا یا ائمه هدی علیهم السلام در آن نوشته
پنجم بدستی استنجا کردن که انگشتری در آن باشد که نام یکی از ائمه نقش کرده
باشند و خوف آن باشد که نجس شود و متنجس یعنی شیء نجس و سنگ مستعمل در استنجا
هر چند پاک باشد و هر گاه استعمال نماید یکی از اجسام محترمه مزبوره را آیا مجزی خواهد
بود یا نه اشکال است و احوط عدم اجزاست اما مستحبات بیست چیز است اول
آنکه تمام بدن را بپوشاند یا آنکه پنهان شود در خانه یا گودی و اگر در صحرا باشد دور
شود که کسی جثه او را نبیند دویم آنکه در وقت داخل شدن پای چپ را پیش نهد
و بگوید بسم الله و بالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم
و در وقت بیرون آمدن پای راست را سیم آنکه سنگینی بدن را در وقت نشستن
بر پای چپ بدارد چهارم آنکه بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند و بعضی استبرا را
واجب میدانند و طریق استبرا آنست که انگشت میان دست چپ را نزد مقعد گذارد

بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه و انگشت شهادت را زیر ذکر گذارد و انگشت
ابهام را بر بالای آن و بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر علما گفته اند که سر ذکر را
سه مرتبه بفشارد و این مستندی ندارد و لکن عمل بر مشهور است پنجم آنکه اول
مقعد را طهارت دهد و بعد از آن ذکر را اما مکروهات هشت چیز است اول رو
یا پشت به آفتاب یا ماه یا باد کردن دویم استنجا بدست راست کردن و بدست چپ هم
مکروه است هرگاه در آن انگشتری باشد که اسم خدا در آن باشد و الحاق کرده اند
اسمای انبیا و ائمه علیهم السلام را هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشد و الا حرام است
چنانکه دانستی و احوط آنست که در حال استنجا رو بقبله و پشت بقبله نکند و این دعا
بخواند اللهم حصن فرجی و اعفه واستر عورتی و حرمنی علی النار و وفقنی لما یرضیک
عنی یا ذا الجلال و الاکرام آنگاه برخیزد و دست بر شکم مالد و بگوید الحمد لله الذی
اماط عنی الاذی و هنانی طعامی و شرابی و عافانی من البلوی سیم در زمین سخت
بول کردن چهارم بول کردن در شارع یعنی راهها و در جائی که از آنجا مردم آب بر میدارند
و در در مسجدها و نزدیک دیوارهای مسجدها و در در خانها و در جائی که بسبب آن مردم
دشنام دهند و لعنت کنند پنجم بول کردن در سوراخ جانوران مثل مور و جز آنها روا ما
ان ششم در زیر درختی که میوه داشته باشد که ملائکه در آن وقت با آن درخت
می باشند و بعضی گفته اند در غیر وقت میوه هم مکروه است هفتم در آب خواه جاری
و خواه ایستاده چنانچه در احادیث وارد شده که در آب ایستاده باعث تسلط جنیان
و شیاطین میشود و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی میگردد و بهتر آنست که غایط را هم
در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه است بلکه غایط هم ایستاده کردن مکروه است
چنانچه از حضرت صادق منقولست که هرکه ایستاده بول کند بیم آنست که دیوانه شود
و از جای بلندی بر زیر بول کردن مکروهست هشتم حرف زدن بغیر ذکر خدای تعالی
و دعاهای مقرر و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن بگوید گفتن و واجبست
رد سلام و صلوات بر پیغمبر اگر اسم آنحضرت مذکور گردد و اگر امر ضروری باشد
که اگر حرف نزند فوت شود و خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا مسواک
کردن که بوی نجاست تغیر نیافته باشد بغیر از نجاست مگر آنکه آب دیگر یافت نشود اما طهارت

طهارت بر دو نوع است طهارت باب و طهارت بخاک و طهارت باب نیز بر دو نوع است
یکی وضو و دیگری غسل و اما وضو موجبات آن ده چیز است اول بول دویم غایط سیم باد
چهارم خوابی که غالب بر سمع و بصر باشد پنجم هر چیزی که عقل را زایل کند از سکر یا
جنون یا بیهوشی و امثال اینها ششم جنابت هفتم حیض هشتم استحاضه نهم نفاس
دهم مس میت آدمی بعد از سرد شدن و پیش از طهارت و چون خواهد وضو بسازد اول
مسواک کند که تاکید در آن بسیار است و باید بعرض دندانها بمالد مسواک را چنانچه از
حضرت پیغمبر مرویست که فرمود اگر نه این بود که بر امت من دشوار میشد هر آینه واجب
میگردانیدم بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک کنند و در حدیث دیگر فرمود که دو رکعت
نماز با مسواک بهتر است از هفتاد نماز بی مسواک و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگرچه یک مرتبه باشد و در بعضی از
احادیث مسواک بانگشت ابهام و مسبحه عوض از مسواک چوب تجویز شده و شیخ بهاء
الدین عاملی در مفتاح الفلاح گفته که سزاوار است در حالت وضو استقبال بقبله
و علمای ما قدس الله ارواحهم ذکر نکرده اند آنرا و بعضی ذکر کرده اند و سند آن این است
که از ائمه علیهم السلام روایت شده که بهترین مجالس آنست که رو بقبله باشد لیکن
مخفی نماناد که روایت مذکوره دلالت بر مطلب صریحا ندارد و استحباب فی نفسه را
میرساند پس اگر از ظرف سر گشاده وضو بسازد بگذارد آنرا بطرف راست و اگر بظرف
چپ و اگر از نهری یا حوضی مثلا وضو بسازد چنین بنشیند که طرف راست او
باشد و رو بقبله و اگر این نشستن متعذر باشد ظاهر اینست که ترجیح دهد استقبال
قبله را و چون نظر بآب اندازد بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله
نجسا یعنی حمد ثابت است از برای خدای آنچنانی که قرار داده است آب را طاهر و
نگردانیده است آنرا نجس و لفظ نجس بفتح جیم و کسر او هر دو خوانده شده است پس
دستها را بشوید از بند یک مرتبه پیش از داخل ساختن بظرف اگر از حدث بول یا خواب
باشد نه از باد و دو مرتبه اگر از غایط باشد و شیخ طوسی در مصباح گفته که اگر از
جنابت باشد سه مرتبه بشوید که سنت مؤکد است و در وقت شستن دستها
اول بسم الله بگوید و بعد این دعا بخواند که بسند صحیح روایت شده بسم الله و بالله

اللّهمّ اجعلني من التوّابين واجعلني من المتطهّرين یعنی شروع میکنم در وضو
در حالتی که همراهم بنام خدا و یاری میجویم از خدا بار الها بگردان مرا از جمله توابین
و بگردان مرا از جمله مطهّرین پس سنّت است که سه مرتبه مضمضه کند یعنی سه بار
آب در دهن کند و بگرداند و بریزد و باید دعا بخواند اللّهمّ لقّنی حجّتی یوم ألقاک
واطلق لسانی بذکرک لقّنی بقاف و نون مشدّدتین مأخوذ از تلقین است یعنی تفهیم
یعنی بار خدایا بفهمان من حجّت مرا در روزی که ملاقات میکنم تو را و روان گردان
زبان مرا بذکر خودت پس سه مرتبه استنشاق کند یعنی سه بار آب در بینی کند
و بگوید اللّهمّ لا تحرّم علیّ ریح الجنّة واجعلنی ممّن یشمّ ریحها وروحها وطیبها
نسیم نفخ شیء اصلش نسیم بود مثل بعلم ریح از آنجا است و روح نفخ را نسیم طیب است
یعنی خداوندا حرام مگردان بر من بوی بهشت را و بگردان مرا از جمله کسانی که می‌بویند
بهشت و نسیم و طیب بهشت را پس نیت کند و روی خود را بشوید از رستنگاه موی
تا سر ذقن طولاً و آنچه در میان بگردد ابهام و انگشت میان عرضاً و بگوید اللّهمّ بیّض وجهی
یوم تسودّ فیه الوجوه ولا تسوّد وجهی یوم تبیضّ فیه الوجوه یعنی خداوندا سفید
گردان روی مرا در روزی که سیاه میشود در آن روزها و سیاه مگردان روی مرا
در روزی که سفید میشود در آن روزها پس دست راست را بدست چپ بشوید که واجب است
ابتدا از مرفق نماید تا سر انگشتان و دست کشد تا آب بر بن موها برسد و بگوید اللّهمّ
اعطنی کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی حسابا یسیرا یعنی خداوندا
عطا کن نامهٔ اعمال مرا بدست راست من و برات خلود مرا در بهشت بدست چپ من و
محاسبه کن مرا حسابی آسان پس دست چپ را بدست راست چنانکه گذشت بشوید و
بگوید اللّهمّ لا تعطنی کتابی بشمالی ولا تجعلها مغلولة الی عنقی واعوذ بک
من مقطّعات النیران یعنی خداوندا نامهٔ کتاب مرا بدست چپ من مده و مگردان آنرا غل
کرده شده بر گردن من و پناه میبرم بتو از جامه‌های بریده شده از آتش پس مسح بکشد
سر کند بباقی تری که در دست مانده باشد به انگشت بهم چسبیده و بگوید اللّهمّ
غشّنی برحمتک وبرکاتک یعنی خداوندا بپوشان مرا برحمت خود و برکتهای خود
پس بباقی همان تری مسح کند پای راست را بدست راست و پای چپ را بدست چپ

چپ از سر انگشتان تا کعبین یعنی مفصل ساق و قدم که در میان پشت پا واقع است
بباطن تمام دست نه بظاهر آن و بگوید اللّهمّ ثبّت قدمی علی الصراط یوم تزلّ فیه
الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیک عنّی یا ذا الجلال والاکرام یعنی خداوندا ثابت
گردان قدمهای مرا بر صراط روزی که میلغزد در آن قدمها و بگردان سعی مرا در آنچه
راضی گرداند تو را از من ای صاحب جلال و بخششها و چون از وضو فارغ شود بگوید الحمد
لله ربّ العالمین و بگوید اللّهمّ اجعلنی من التوّابین واجعلنی من المتطهّرین بعد از آن
سورهٔ انّا انزلناه بخواند و بگوید اللّهمّ انّی اسئلک تمام الوضوء وتمام الصلوة وتمام
رضوانک وتمام مغفرتک و سزاوار است ترک تمندل یعنی خشک کردن اعضا بعد از
وضو بپارچه از حضرت صادق مرویست که هر که وضو سازد و تمندل کند از برای
او یک حسنه است و هر که ترک تمندل کند سی حسنه و امّا غسل در آن معرفت دو چیز
لازم است اوّل موجبات آن یعنی چیزهائی که بسبب آن غسل واجب شود و آن
شش چیز است جنابت و حیض و استحاضه متوسطه و کثیره و نفاس و مس میت و تفصیل
اینها در کتب فقها مذکور است و این مختصر را گنجایش ذکر آن نیست دوّم کیفیت غسل آن
و آن بر دو قسم است ترتیبی و ارتماسی ترتیبی آن است که ابتدا بشستن سر نماید و از گردن
گردن و بعد از آن جانب راست را بشوید پس جانب چپ را تا قدم و ناف و عورتین را توزیع
نماید بر جانبین یعنی بعضی را با طرف راست و بعضی را با طرف چپ هرچند شستن همه در هر دو
مالیدن باشد پس اگر شستن جانبین را بر سر مقدم دارد باجماع باطل است و امّا اگر جانب
چپ را بر جانب راست مقدم دارد در بطلان غسل خلافست اکثر ببطلان قائلند و ارتماسی
آنست که در آب فرو برود بیک دفعه عرفی بطریقی که آب جمیع بدن را فرو گیرد و واجب است نیت
کردن و تخلیل یعنی حرکت دادن آنچه مانع است از وصول آب بر بشره تا آب بجمیع بیخ موها برسد
و موضعی از بدن نماند که شسته نشود و سنّت است مردان را بول کردن پیش از غسل و
استبرا نمودن بطریقی که گذشت ایضا سنّت است شستن دستها از بند دستها تا سه مرتبه مشهور
یا از بالا تا دو مرفق چنانکه در اخبار است و مضمضه و استنشاق بنحوی چنانکه در وضو گذشت
و غسل کردن بیک صاع یعنی تکبیر و ترک خواندن چیزهائی که بر جنب حرام است از جمله
خواندن سورهای عزائم است یعنی سورهائی که در قرآن سجدهٔ واجب دارد و هر چند بعضی از

انها را بخواند حتی بسم الله را بقصد ان سورها که حرام است و سورهائیکه سجده دارد چهار است
حم السجده و الم السجده و النجم و اقرأ و دیگر مس کتابت قران است حتی همزه و تشدید و دیگر
دخول در مساجد است مگر بسبیل عبور سوای مسجد الحرام و مسجد الرسول که مجرد دخول
در انها مطلقا حرام است و مکروه است جنب را خواندن زیاده بر هفت ایه از قران غیر سوره
عزایم تا هفتاد ایه و در زیاده بران کراهت تاکید دارد و مکروه است مس جلد قران و حواشی
ان و حمل ان و مکروه است در خواب و بوضو تخفیف می یابد و هرگاه وضو ممکن نشود تیمم
نماید و در قصد بدلیت از هر کدام مختار است و اگر نیت بدلیت از غسل کند شاید اولی باشد
و مکروه است خوردن و اشامیدن مادامیکه مضمضه و استنشاق نکرده باشد و بعد از مضمضه
و استنشاق کراهت مرتفع می شود بنا بر مشهور و بنا بر اولی تخفیف می یابد و خضاب نیز مکروه
هرچند بغیر حنا باشد و غسل جنابت مجزیست از وضو باجماع شیعه و مستحب هم نیست وضو
بان بنا بر اظهر و اشهر و سایر اغسال مجزی نیستند از وضو بلکه واجبست با انها وضو بنا بر
و احوط است و وضو را پیش از انها بسازند و در وقت غسل جنابت این دعا بخواند اللهم طهر
قلبی و زک عملی و تقبل سعیی و اجعل ما عندک خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی
من المتطهرین و بعد از فراغ از غسل بگوید اللهم طهر قلبی و زک عملی و اجعل ما عندک
خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین و طهارت بخاک تیمم است و
کلام در ان بر سه امر است اول شرط جواز تیمم چند چیز است یکی نبودن اب یا طلب کردن ان
بوجه معتبر شرعی و دیگری عدم امکان وصول به اب است یا بسبب ضیق وقت که نتواند در
یک رکعت نماز کرد با طهارت یا بسبب خوف بر مال خود از دزدان هرچند کم باشد و دیگری وجود
مانع است از استعمال ان مانند سرمای شدید که شاق باشد بر او تحمل ان عادة یا خوف از زیادتی
ازار یا بطول انجامیدن یا دشوار شدن علاج یا توقع حصول ازاری یا غیر ان و هرگاه خریدن اب
ممکن باشد واجبست هرچند بزیاده از قیمت ان باشد بشرطی که مضر بحال او نباشد و دران وقت
و هرگاه اب تشنه باشد و ترسد از تشنگی خود یا بر نفس محترمی یعنی حرمت داری هرچند حیوان
باشد یا مطلق پس هرگاه بفوت او ترسد تیمم واجبست هرگاه اب اندکی که رفع ضرورت
نماید بمقدار اقل طهارت نیابد و هرگاه بر بدن و یا جامه که نماز تمام نشود مگر در ان
نجاستی باشد غیر معفو عنها و اب کفایت غسل ان و طهارت هر دو نکند نجاست را بان اب

بان اب بشوید و تیمم میکند و هرگاه اب کفایت تمام طهارت نکند جایز نیست اکتفا نمودن به
شستن بعضی اعضا بلکه تیمم واجبست و هرگاه اب بجهت غسل میت بهم نرسد او را تیمم می دهند
دوم انچه بان جایز است تیمم خاک خالص است بنا بر احوط و جایز نیست بغبار مگر انکه
خاک از ان بظهور اید بحیثیتی که کفایت کند و مستوعب جمیع مواضع مسح باشد و با بودن
غبار تیمم بزمین گل میکند و بنا بر اولی و احوط صبر می نماید تا ان گلی که بر دست قرار گرفته
خشک شود و ان را بتکاند بعد از ان تیمم کند و اگر ان هم میسر نشود دستها را بهم مالد احتیاطا
تا گل ریخته شود و بعد تیمم نماید و اگر ان نیز میسر نشود بسبب ضیق وقت با خیر ان تیمم بجای
می اورد بهر نحو که ممکن شود و اگر ان نیز ممکن نشود نماز ساقط است و اگر یخ یا برف یافت شود
و اب کردن انها ممکن نباشد بعضی گفته اند که انها را بر محل وضو یا غسل مالد و بعضی برانند
که بر محل مواضع تیمم مالد و جمع ما بین هر دو احوط است سیم در کیفیت تیمم است و ان باین
طریق است که بعد از نیت کردن که تیمم میکنم تیمم واجب بدل وضو یا غسل جهت مباح بودن نماز
تقرب بخدا دستها را بر زمین زند و سنت است در وقت زدن انگشتان را از یکدیگر جدا
سازد و بعد از زدن دستها را بتکاند پس مسح کند بهر دو کف دست از رستنگاه موی سر تا
طرف بینی بعد از ان مسح کند پشت دست راست را بکف دست چپ از بند دست تا سر انگشتها
پس دست چپ بکف دست راست مثل ان و عدد زدن دستها بر زمین میان مجتهدین خلاف
بعضی گفته اند در تیمم بدل وضو یکنوبت زند و در بدل غسل دو نوبت و بعضی در تیمم
بدل وضو نیز دو مرتبه گفته اند قول بیکمرتبه بدل وضو و غسل در نهایت قوة است و نهایت
دو مرتبه عوض غسل احوط است و احوط از ان دو تیمم است یکی بیکضربت و یکی بدو ضربت
بدانکه تیمم قبل از دخول وقت جایز نیست و نزد تنگی وقت جایز است هرچند بحسب ظن
باشد و در وسعت وقت چند قول است احوط تاخیر است مطلقا و نیز بدانکه خاک باید
غصبی نباشد و اعضای تیمم قبل از ان نیز پاک باشد و انگشتری و امثال ان هرچه حایل باشد
از دست بیرون کند اما مطهرات ده چیز است اول اب دوم زمین سیم افتاب چهارم
اتش پنجم استحاله ششم انتقال هفتم انقلاب هشتم نقص نهم اسلام دهم زوال عین
اما نجاسات ده است اول بول دوم غایط سیم خون چهارم منی پنجم سگ غیر ابی ششم
خوک غیر ابی هفتم کافر هشتم مسکر مایع نهم شیره انگور بعد از جوشانیدن قبل از کم شدن

دو ملتان دوم حیوانی مرده که خون جهنده داشته باشد در زندگی خواه گوشت آن
حلال باشد و خواه حرام و تفصیل اینها موجب تطویل است و این مختصر گنجایش ذکر اینها
ندارد فصل چهارم در بیان مجملی از مخارج حروف و واجبات و منافیات و شکیات و
سهویات نماز است بدانکه چون دانستن مخارج حروف ضرور است و قرا در این باب
رسالها نوشته اند مناسب دانست که پیش از اشتغال بنماز مجملی از اینها را بیان نماید
تا مصلی اینها را بداند و قرائت خود را درست کند پس باید دانست که جمله دندانها سی و
دو است و حروف بیست و هشت مخارج جمله اول ثنایا که چهار دندان پیش است دو از
بالا و دو از پائین یکی از طرف چپ دوم رباعیات و آن نیز چهار است از چهار جانب ثنایا
کی از طرف راست
دو از زیر و دو از بالا سیم انیاب که آن نیز چهار است از چهار جانب رباعیات چهارم
ضواحک که آن نیز چهار است از چهار جانب انیاب پنجم طواحن و آن دوازده است از
چهار جانب ضواحک ششم نواجذ است و آن چهار است از چهار جانب طواحن اما
مخارج حروف الف متحرک و همزه از اول حلق است و اگر الف ساکن است از جوف دهن
ب از تری لب م از خشکی لب ت و د و ط از سر زبان تا بیخ ثنایای بالا ث و ذ
و ظ از سر زبان تا سر ثنایای بالا ج و ی و ش از میان زبان با کام بالا و اگر یا متحرک باشد
از سر ابتهاج ع از وسط حلق غ خ از اخر حلق ر از سر زبان تا بیخ رباعیات و ثنایای بالا
ز س ص سر زبان تا بیخ طواحن بالا ض کناره زبان تا بیخ طواحن بالا ف سر ثنایای بالا با
لب ق از بیخ زبان با کام بالا پیش از ملازه ک بیخ زبان با کام بالا بعد از ملازه
ل کناره زبان تا بیخ ضواحک و انیاب ن سر زبان تا بیخ انیاب و رباعیات بالا
و اگر ساکن ما قبل مضموم است شریک الف است و الا مخرجش لبها است که جمع شوند و
بهم بچسبند ی اگر ساکن ما قبل مکسور است شریک الف است چون اینها را دانستی پس
بدانکه بنا بر آنچه در الفیه شیخ شهید است رحمه الله ما حصلش این است که واجبات نماز
هشت است و دانستن اینها ضروریست و آن نیت و تکبیر احرام و قیام و قرائت و رکوع و سجود
و تشهد و تسلیم است و از جمله این هشت سوای قرائت و تشهد و سلام که پنج چیز است
رکن است اول از آن هشت چیز که نیت است واجبات آن هفت است اول قصد تعیین نماز
دویم قصد وجوب سیم قصد ادا چهارم قصد قضا پنجم قصد قربت ششم مقارنه تکبیرة الاحرام

الاحرام هفتم در حکم نیت بودن دوم از واجبات تکبیر احرام است و واجبات یازده است
اول الله اکبر گفتن دوم عربیت آن سیم موالات چهارم مقارنت آن بنیت و ششم مد نکردن
میان حروف الله و اکبر هفتم تقدیم الله بر اکبر هشتم اسماع نفس خود نهم اخراج حروف
از مخارج دهم و یازدهم قطع همزه الله و اکبر سیم از واجبات نماز قیام است و واجبات آن
پنج است اول انتصاب دوم استقلال سیم استقرار چهارم اعتماد بر هر دو پای پنجم تقارب
قدمین چهارم از واجبات نماز قرائت است و واجبات آن شانزده است اول تلاوت حمد
و سوره در نماز دو رکعتی و در دو رکعت اول غیر دو رکعتی دوم مراعات اعراب و تشدید حمد
و سوره بر وجه منقول بتواتر سیم مراعات ترتیب کلمات سوره چهارم موالات که سکوت
طویل در میان نشود پنجم وحدت سوره ششم بودن سوره غیر عزیمه و طویل وقتیکه بیم فوت
وقت باشد هفتم عدم انتقال از سوره بسوره دیگر اگر تجاوز از نصف کرده باشد هشتم
مراعات وقف بر آخر کلمه نهم جهر کردن مرد در صبح و دو رکعت عشائین و اخفات
در باقی دهم تقدیم حمد بر سوره یازدهم بسمله در اول حمد و سوره دوازدهم تمام خواندن
هر کدام از سوره سیزدهم قصد بسمله بسوی سوره معینه چهاردهم اخراج حروف از مخارج
پانزدهم عربی بودن شانزدهم ترک آمین کردن پنجم از واجبات نماز رکوع است و واجبات
آن نه است اول خم شدن تا دو کف او بدو زانوی او برسد دوم ذکر سبحان ربی العظیم
و بحمده یا سبحان الله سیم عربی بودن ذکر چهارم موالات پنجم طمأنینه بقدر ذکر ششم
اسماع ذکر نفس خود را هفتم سر برداشتن از آن هشتم طمأنینه در برداشتن سر نهم طول ندادن
که از نماز خارج شود ششم از واجبات نماز سجود است و واجباتش سیزده است اول سجود
بر اعضای سبعه دوم تمکین اعضا سیم وضع جبهه بر آنچه صحیح است سجده بر آن چهارم وضع دیگر
اعضای سبعه که صادق آید بر او اسم عضو که کمتر باشد از او صحیح نیست پنجم ذکر سبحان
ربی الاعلی و بحمده یا سبحان الله ششم طمأنینه بقدر ذکر هفتم عربیت ذکر هشتم موالات نهم
اسماع نفس خود دهم رفع سر از سجده اول یازدهم طمأنینه در رفع اول دوازدهم عدم طول که
از حد نماز بیرون آید سیزدهم در هر دو بجا آوردن هفتم از واجبات نماز تشهد است و
واجبات آن نه است اول جلوس برای تشهد دوم طمأنینه بقدر تشهد سیم شهادتان
خواندن چهارم صلوات بر نبی گفتن پنجم صلوات بر آل او ششم عربیت تشهد هفتم ترتیب

هشتم موالات نهم مراعات منقول هشتم از واجبات نماز تسلیم است و واجبات ان
بیزنه است اول جلوس برای سلام دوم طمأنینه بقدر ان سیم السلام علیکم و رحمة الله و
برکاته گفتن یا السلام علینا و علی عباد الله الصالحین چهارم ترتیب کلمات ان پنجم
عربیت ان ششم موالات ان هفتم مراعات منقول هشتم تأخیر ان از تشهد نهم اسماع نفس
خود را اما منافیات نماز بنابر انچه در جامع عباسی است بیست و سه امر است اول
حدث کردن در اثنای نماز مطلقا دوم عمدا پشت بقبله کردن بی ضرورت سیم انحراف از قبله
بیمین و یسار عمدا چهارم ظهور حالی در طهارت پنجم شک در رکعت اول و دوم کردن ششم
شک در عدد رکعات نماز شام هفتم زیاد و کم کردن یکی از ارکان عمدا هشتم فعل کثیر نهم
سکوت طویل دهم نسیان یک رکعت یا زیاده و یاد آمدن بعد از صدور امری دیگر یازدهم
در نماز چهار رکعتی یک رکعت زیاد کردن سهوا بشرطی که بعد از چهارم بقدر تشهد نشسته
نباشد دوازدهم هرگاه کل نماز پیش از وقت بگذارد عمدا یا سهوا سیزدهم عمدا در مکان غصبی
یا جامه یا فرش غصبی نماز گذاردن چهاردهم در جامه یا بدن نجس سهوا نماز کردن پانزدهم
بی تقیه عمدا دست بستن شانزدهم در اثنای نماز چیزی خوردن هفدهم عمدا بدو حرف تکلم کردن
هجدهم عمدا قهقهه خندیدن نوزدهم گریه کردن برای امور دنیا عمدا بیستم ترک واجب
اگرچه از رکن نباشد عمدا بیست و یکم عمدا زیاده کردن واجبی که رکن نباشد بیست و دوم عمدا انحراف
قلیل از قبله کردن بیمین یا یسار بیست و سیم عمدا کشف عورت خود کردن و اما احکام خلل
واقع در نماز واجب پس از سه صورت بیرون نیست یا صادر از مصلیست عمدا یا سهوا
یا شکا پس در عمد باطلست نماز خواه اخلال کننده عالم بحکم ان باشد یا نه سوای جهر و اخفات
که جاهل حکم معذور است و در سهو باطل است انچه گذشت از محل ان و شکیات نماز
بنابر انچه شیخ علی بن عال در جدولی درست نموده و در جامع هم ایراد نموده اینست بدانکه
شک در نماز صبح و شام و در دو رکعت اول چهار رکعتی مطلقا مبطل نماز است و در باقی صور
احکام ان مختلف است و شیخ بهائی بیست و شش صورت نوشته از انجمله دوازده صورت که
اهم بود در این مختصر مینگارد اول شک میانه دو و سه پیش از رکوع و در اثنای رکوع و بعد
رکوع قبل از سجود و در اثنای سجود باطل است و بعد از سجود صحیح پس بنا بر سه گذارد و نماز
را تمام کند و احتیاطا یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بگذارد دوم میانه دو و چهار مثل

مثل اول پس بنا بر چهار گذاشته تشهد بخواند و سلام بدهد و دو رکعت ایستاده احتیاطا بگذارد
سیم میانه سه و چهار در جمیع صور صحیح پس بنا بر چهار گذاشته یک رکعت ایستاده یا دو
رکعت نشسته بگذارد چهارم میانه دو و سه و چهار و مثل صورت اول پس بنا بر چهار گذارد
و سلام داده دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته بگذارد پنجم میان دو و پنج مطلقا باطل
ششم میان سه و پنج پیش از رکوع صحیح و در باقی صور باطل پس بنا بر پنج گذارد و رکوع
نکرده نشیند و دو رکعت نشسته بگذارد و دو سجده سهو کند هفتم میان دو و سه و
پنج در جمیع صور باطل هشتم میان چهار و پنج پیش از رکوع و بعد از سجود صحیح و در باقی
صور باطل پس بنا بر پنج گذارد و قیام را منهدم سازد و سلام دهد و یک رکعت ایستاده
یا دو رکعت نشسته بگذارد و دو سجده سهو کند و اگر بعد از سجود باشد بنا بر چهار گذارد و تشهد
خوانده سلام دهد و دو سجده سهو کند نهم میان دو و چهار و پنج مثل اول پس بنا بر چهار
گذاشته دو رکعت ایستاده کند و سجده سهو کند دهم میان دو و سه و چهار و پنج
پیش از رکوع و بعد از سجود صحیح و در باقی باطل پیش از رکوع بنا بر پنج گذارد و قیام را منهدم
ساخته سلام دهد و یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته و بعد از سجود بنا بر چهار گذارد
و سلام داده یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بگذارد و سجده سهو کند یازدهم میان
دو و سه و چهار و پنج در باقی صور باطل و بعد از سجود صحیح پس بنا بر چهار گذاشته سلام
دهد و احتیاطا دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته بگذارد و سجده سهو کند دوازدهم میان
دو و شش در جمیع صور باطل است و بقول شیخ بهائی بنا بر کمتر نهد و حکم ان مثل حکم شک
در رکعت پنجم دارد و نیز گفته اند که در شک در عدد رکعات سنتی مصلی مخیر است بنا بر اقل
و اکثر و بنای بر اقل افضل است بدانکه در نماز احتیاط واجبست انچه در اصل نماز واجبست
مثل طهارت از حدث و خبث و استقبال قبله و ستر عورت و نیت قربت و تکبیر احرام و تشهد
و تسلیم و چهار امر در این نماز واجبست اول قصد نماز احتیاط دوم تعیین یک رکعت یا دو
سیم تعیین قیام و قعود چهارم تعیین نماز که احتیاط بجهت انست و در این نماز و بعد
فاتحه سوره نمی باید خواند و تسبیحات اربع قایم مقام فاتحه نمی شود و نیت چنین کند دو رکعت
ایستاده مثلا میکنم بجهة احتیاط فلان نماز از برای انکه واجبست ادا یا قضا تقرب بخدا و نیت
سجده سهو اینست که دو سجده سهو میکنم از برای سهوی که در نماز ظهر مثلا کرده ام واجب و ذکر

ادا و قضا لازم نیست و نیت را مقارن شانه نماید و بگوید در آن اللهم صل علی محمد و آل
محمد و چون سر از سجده دوم بردارد تشهد یعنی بخواند باین طریق که اشهد ان لا اله
الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از آن
سلام دهد باین نحو که السلام علیکم و رحمة الله و برکاته فصل پنجم در آداب و شرایط مشترکه
همه نمازهاست اما آداب سنت است بوی خوش مالیدن و استعمال عطر نمودن چنانچه
از حضرت صادق ع منقولست که نماز کسی که با بوی خوش باشد بهتر است از هفتاد نماز
که بی بوی خوش باشد دویم شانه کردن است قبل از نمازها یا بعد یا مطلقا بلا قید قبل و بعد
چنانچه در حدیث حسن از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در تفسیر این آیه کریمه
خذوا زینتکم عند کل مسجد یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که مراد
از این زینت شانه کردن پیش از هر نمازیست و در حدیث دیگر نزد هر نماز واجبی و سنتی آمده
و در حدیث معتبر منقولست که در جای نماز حضرت امام جعفر صادق ع شانه بود که هرگاه
از نماز فارغ میشدند شانه می کردند و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که بشانه
نقره نشان شانه کردن مکروه است و در حدیث دیگر فرمود که شانه کنید با استخوان فیل که
تب را می برد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که ایستاده شانه کردن باعث
فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر است که حضرت رسول ص باب شانه می کردند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که کسی که اراده شانه کردن داشته باشد شانه را بدست بگیرد
در حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید اللهم حسن
شعری و بشری و طیبهما و اصرف عنی الوباء پس عقب سر را شانه کند و بگوید اللهم لا تردنی
علی عقبی و اصرف عنی کید الشیطان و لا تمکنه من قیادی فیردنی علی عقبی پس
ابروها را شانه کند و بگوید اللهم زینی بزینة الهدی پس ریش را از طرف بالا زیر
شانه کند و شانه را بر سینه بمالد و بگوید اللهم سرح عنی الغموم و الهموم و وحشة
الصدور و وسوسة الشیطان پس از پایین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره انا انزلناه
بخواند و در روایت دیگر وارد شده که چون خواهی که ریش را شانه کنی از زیر ریش بطرف
بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره انا انزلناه بخوان و از طرف جانب الاجانب باین هفت مرتبه
شانه کن و سوره والعادیات بخوان پس بگو اللهم سرح تا آخر دعا و از حضرت امام رضا

امام رضا علیه السلام منقولست که هر که هفت مرتبه شانه را بر رو ریش و سینه بکشد درد
نزد او نیاید و اما شرایط پنج چیز است اول طهارتست که گذشت دویم برطرف کردن
نجاست است از بدن و جامه سیم پوشیدن عورت چهارم ملاحظه نمودن وقت نماز پنجم
تحقیق قبله و تفصیل اینها در خور حوصله این مختصر نیست ششم در بیان آداب و شرایط
فریضه صبح است و آن دو رکعتست در سفر و حضر و وقت فضیلتش از طلوع صبح صادق است
تا روشن شدن عالم و مجزی بودن آن تا طلوع آفتاب پس چون خواهد مشغول نماز شود
وضو سازد با آدابی که گذشت و روانه مسجد شود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که کسی که بمسجد میرود نمیگذارد پای خود را بر تری و خشکی مگر آنکه تسبیح میکنند از برای او
تا طبقه هفتم زمین و روایت شده که یک نماز در مسجد الحرام برابر صد هزار نماز است و در مسجد
نبی صلی الله علیه و آله برابر ده هزار نماز و در مسجد کوفه برابر هزار نماز و در مسجد جامع برابر
صد نماز و در مسجد قبیله برابر بیست و پنج نماز و در مسجد بازار برابر دوازده نماز است و در
خانه یک نماز محسوبست و در حلیة الداعی از حضرت صادق ع روایت شده که چون براه
مسجد روی بگوی بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین الی قوله و اغفر لابی که حضرت
ابرهیم علیه السلام میگفته از آن حضرت مرویست که هر که وضو سازد و روانه مسجد شود و در وقت
بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین هدایت میکند او را خدای تعالی
بسوی ثواب و ایمان و هرگاه بگوید والذی هو یطعمنی و یسقین طعام میکند او را خدای تعالی از
طعام بهشت و سیراب میگرداند او را از آب بهشت و هرگاه بگوید و اذا مرضت فهو یشفین میگرداند
حق تعالی او را کفاره گناهانش و هرگاه بگوید والذی یمیتنی ثم یحیین میمیراند او را خدا بمرگ
شهدا و زنده میگرداند او را زنده گردانیدن سعدا و هرگاه بگوید والذی اطمع ان یغفر
لی خطیئتی یوم الدین می آمرزد الله تعالی خطاهای او را هر چند بیشتر از کف دریا باشد و هرگاه
بگوید رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین عطا میکند خدای تعالی حلم و علم و ملحق میگرداند
او را بصالحان گذشته و آینده و هرگاه بگوید و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین می نویسد
در ورق سفیدی که فلان بن فلان از جمله صادقین است و هرگاه بگوید و اجعلنی من ورثة
جنة النعیم عطا میکند او را منازلی در بهشت و هرگاه بگوید و اغفر لابی می آمرزد پدر و مادر
او را و چون داخل مسجد شود پای راست را مقدم دارد و بگوید بسم الله و بالله و من الله و

فصل ششم

إلی الله وخیر الأسماء کلها لله توکلت علی الله ولا حول ولا قوة إلا بالله اللهم صل
علی محمد وآل محمد وافتح لی أبواب رحمتک وتوبتک وأغلق عنی أبواب معصیتک و
اجعلنی من زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک باللیل والنهار ومن الذین هم
فی صلاتهم خاشعون وادحر عنی الشیطان الرجیم وجنود إبلیس أجمعین ونیز از حضرت
مرویست که هرگاه ببینید در مسجد چیزی را که سزاوار نیست دیدن آن اگر بیع است بگوئید لا
اربح الله تجارتک واگر کسی شعر است بگوئید فض الله فاک و امثال اینها از امور دیگر
کافی روایت شده که هرگاه از مسجد بیرون آئی پای چپ را مقدم دار و بگو اللهم دعوتنی
فأجبت دعوتک وصلیت مکتوبتک وانتشرت فی أرضک کما أمرتنی فأسئلک بعزتک
العمل بطاعتک والاجتناب عن معصیتک والکفاف من الرزق برحمتک و از برای کندن
نعل یا کفش از پا بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما أوقی به قدمی من الأذی اللهم ثبتهما
علی صراطک ولا تزلهما عن صراطک السوی پس برخیزد از برای نماز و انا انزلناه بخواند
و بر روی مصلی آمده رو بقبله شروع بنماز نماید و ما اولا طریقه نماز را مجملا ذکر می‌کنیم و بعد
بتفصیل او می‌پردازیم بعلت آنکه در عبادات افضل از نماز نمی‌باشد محمد بن یعقوب کلینی
بسند صحیح از حماد بن عیسی جهنی که از اهل بصره است و منسوبست بقبیله جهینه نجیب و بسیار
جلیل القدر است و از جمله ثقات راویان شیعه اثنی عشریه و بخدمت امام جعفر صادق و امام
موسی کاظم و امام رضا علیهم السلام رسیده و از هر سه ایشان صلوات الله علیهم احادیث روایت
کرده و بدعای حضرت کاظم توفیق پنجاه حج یافته و عمر عزیزش از هفتاد سال گذشته روایت نموده
که روزی بخدمت امام بحق ناطق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم فرمود ای حماد
آیا نیکو میگذاری نماز را من گفتم ای سید و مهتر کتابیست من حفظ کرده‌ام کتاب حریز را که در علم
نماز تصنیف کرده است چون توانید بود که نماز را نیکو ندانم آنحضرت فرمود برخیز و نماز کن تا
ببینیم چون بآن قیام می‌نمائی حماد گوید برخواستم و بطریقه که همیشه نماز را ادا می‌کردم نماز
گذاردم آنحضرت فرمود ای حماد نیکو نگذاردی نماز را و از روی تعجب فرمود بسیار قبیح می‌نماید
بمردی از شما که از عمر او شصت یا هفتاد سال گذشته باشد و یک نماز را بحدود و شروطی که
از جانب شارع مقرر شده برپای نداشته باشد حماد گوید از خطاب و تعریض ایراد آنحضرت نهایت
حزن و اندوه مرا دست داد عرض کردم جانم فدای تو باد تعلیم من کن نماز را تا بعد از آن

بعد از آن بران وجه بجای می‌آورده باشم پس آنحضرت بجهت تعلیم من بر پای خواستند و روی
توجه بقبله فرموده اذان و اقامه گفتند و هر دو دست مبارک را فرو گذاشتند بر پهلوها
و انگشتها را بهم چسبانیدند و پاهای مبارک را از هم دور گذاشتند بمقدار سه انگشت گشاده
پس از روی خضوع و خشوع تمام نیت کرده افتتاح نماز فرمودند و گفتند الله اکبر بعد از آن سوره
فاتحه را بترتیل قرائت کردند و بقدر نفس کشیدنی تأمل فرموده شروع بخواندن سوره قل هو الله
کردند و بعد از فراغ از قراءت باز بقدر نفس زدنی درنگ کردند و بعد دستها را برداشته
الله اکبر گفتند و برکوع رفتند و در رکوع کف دستها را از سر زانوها و انگشتان دست را از هم
گشاده داشتند و زانوها را بجانب عقب شکستند و پشت مبارک را بحدی راست و مستوی
داشتند که اگر قطره آبی یا روغنی بر میان آن می‌ریختند بهیچ جانب میل نمی‌کرد و گردن را کشیده
داشتند و چشمها را برهم گذاشتند و سه مرتبه با رعایت ترتیل این تسبیح را بر زبان معجز بیان
جاری ساختند که سبحان ربی العظیم وبحمده و بعد از آن راست ایستادند و چون همه اندام
همایون قرار گرفت فرمودند سمع الله لمن حمده و تکبیر گفتند و بسجود رفتند و هر دو کف دست را
اول محاذی رو بر زمین گذاشتند مانند دو بال و سه مرتبه این تسبیح را فرمودند سبحان ربی
الأعلی وبحمده که هشت عضو آنحضرت در حال سجود بر زمین بود هر دو کف دستها و هر دو سر
زانو و هر دو سر انگشتان بزرگ پاها و پیشانی و سر دماغ بعد از آن سر از سجده برداشتند و چون
راست نشستند که اعضا قرار گرفت فرمودند الله اکبر بعد از آن بران جنب خود نشستند تورک
کنده و گفتند استغفر الله ربی وأتوب إلیه بعد از آن در حال نشستن تکبیر گفتند و بسجده دوم
رفتند و سه مرتبه باز گفتند سبحان ربی الأعلی وبحمده و سر از سجده برداشتند و بعد از قرار
اعضا نشستن بر سبیل تورک و گذاشتن دستها بر روی رانها که انگشتان بهم چسبیده بود
شروع بخواندن تشهد فرمودند باین نحو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد و چون از تشهد فارغ شدند سلام دادند
و فرمودند ای حماد نماز را برین وجه بگذار و افعالی که این حدیث شریف ناطق است بصحت
آن از معصوم از مشترکاتست میان مرد و زن سوای شش فعل که مخصوص بمردانست و نسبت
بزنان بران وجه سنت نیست اول فرو گذاشتن دستها در حال قیام که مخصوص بمردانست و زنان را
سنت است که دستهای خود را بر بالای پستانها بگذارند که محاذی آن دست باشد دویم آنکه

پاها بقدر سه انگشت که زنان را سنت است که فاصله اندازند و نشیم عجافی که عبارت از نگذاشتن
هیچ عضوی است از اعضا بر عضوی دیگر که زنان را ترک آن سنت است چه آدم دستها را
در وقت سجود ماسد و بال گشاده قرار دادن که سنت است زنان را خلاف آن حکم
تورک که زنان را سنت است بر وجهی نشیند که زانوها مرتفع باشد و ساق پاها بر زمین
متصل و کفهای پاها بر زمین باشد و سنت دیگر گذاشتن دستها بر سر زانوها که زنان را سنت است
دستهای خود را بالاتر گذارند. و اینکه اعتراض امام بر حماد جلیل القدر کرد که گفته شد
بجهت شد که امام رسید بر نیز علت این بود که واجبات نماز را ندانسته اخلالی بان
کرده باشد و الا بایست بفرماید نمازهای خود را اعاده بکن بلکه علت آن بود که
عبادات را صورتیست و روحی و شکی نیست که کمال صورت بروح است و چنانچه بدن
بروح کمالی ندارد صورت الفاظ بدون معنی و خضوع و خشوع کمالی ندارد و مثل
جماد است پس گویا مراد معصوم از تعرض بحماد همین باشد قرینه بر این قول امام است که
فرمود ندیدیک نماز را تمام بحدود و شروطی که از شارع مقرر شده بر پای داشته والله اعلم
و اما بیان آداب نماز بطریق تفصیل آنکه نماز گذارنده بعد از تحقق شرایطی که آن را
ذکر کردیم باید رو بقبله بایستد و اول اذان بگوید با این روش الله اکبر چهار مرتبه
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله حی علی الصلوة حی علی الفلاح
حی علی خیر العمل الله اکبر هر یک دو مرتبه معنی الله اکبر این است که خداوند عالم
بزرگتر است از هر شیئی یا از آنکه وصف کرده شود و در ذهن و خیال در آورده شود
بهر دو حدیث وارد شده اما اول بعلت آنکه شیئی غیر او تعالی مخلوق و آفریده اوست
مخلوق و آفریده شده ذلیل و حقیر و کوچک است نزد خالق و آفریننده پس صحیح است که خدا
بزرگتر است از هر شیئی و اما دویم بعلت آنکه هرچه در ذهن و خیال در آورده میشود مخلوق
انفض است که انچه را بذهن و خیال خود در آورده اگر خدا هم در ذهن و خیال در آید لازم
می آید که مخلوق شود و این کفر است چنانچه حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود کلما
میزتموه باوهامکم فی ادق معانیه مخلوق مصنوع مثلکم مردود الیکم یعنی هر چیز را که تمیز
بدهید شما بوهمهای خود مخلوقیت و مصنوعیت مثل شما مردود است بسوی شما زیرا
که بر دو قسم است یکی بت خارجی که دست او را تراشیده و یکی بت ذهنی خیالی که ذهن

که ذهن و خیال او را تراشیده و هیچ فرقی نیست میان دو تا در بت بودن بلکه بت خارجی
از بیدانه تر پیدا میشود مثل آنکه همیشه باالت میشود بخلاف بت ذهنی که مجرد خیال است
در حدیث وارد است که ان الله تعالی احتجب عن العقول کما احتجب عن الابصار یعنی
بدرستی که خدای تعالی پنهان است از نظر دانش عقول هم چنانکه پنهان است از دیده ظاهر
و چنانچه حضرت عمر فرموده ما عرفناک حق معرفتک یعنی نشناختیم ما ذات مقدس ترا
چنانچه حق شناسایی است زیرا که حق شناسایی شیئی فرع احاطه بان شیئی است و
احاطه متناهی بر غیر متناهی محال است و چنانچه شاعر گفته انچه پیش تو غیر از ان ره نیست
غایة فکرت تشبیه است و دیگری بر گفته چیزی که تو میگی خیالش باشد مظاهرها
و هم چنین است حال صفات پس صفات ثبوتی و سلبی که شده مبادات باثبات و سلب
ان دارد در حقیقت فراخور مرتبه ادراک فهم اوست نه صفات واقعی حضرت باری
زیرا که صفات او عین ذات است و هم چنانکه راهی با دراک ذات و سبحانه نیست با دراک صفات
او هم راهی نیست چنانکه افضل الدین کاشی گفته که ای مهر مملکت خسروانه ... نشسته خورشید
فلک جو ذره در سایه نشسته که ما خاطی زما انسان نتوان یافته از ما تو مر بخبر دیده یا بیت
پس غایة بخبر و جهد است این است که اعتقاد نماید که جناب مقدس الهی لیس کمثله شیئ
ذاتا و صفاتا و افعالا یعنی هیچ شیئی مثل او تعالی نمی تواند بود نه در ذات و نه در صفات
نه در افعال و او است آفریننده جمیع ما سوای خود از موجودات این بود معنی الله اکبر و اما
بلند کردن دستها در وقت گفتن الله اکبر اشاره باینست که گویا مصلی میگوید توبه کردم اعاده
نمیکنم و یا اشاره است بسوی اضطرار گویا میگوید منم غریق بحر معاصی بگیر دست مرا چنانکه
هر غریقی دستهای خود را بلند میکند و بعضی شاعر در معنی بلند کردن دست مضمون را گفته
بیکس و یار و حقیر هر دست گیر را دستگیر زار و مضطر و فقیر هر دستگیر را دستگیر و یا اشاره
است به بهای امید برکات خالق عالم چنانچه در حدیث است که در قیامت مردم دستهای
خود را بلند میکنند که نامهای اعمال را بگیرند و معنی اشهد ان لا اله الا الله این است که
شهادت میدهم باینکه نیست خدایی مستحق پرستش مگر خداوند عالم و اگر بطریقه اهل عربیه
خواهی میگویم لا حرف نفی جنس است بمعنی نفی نیست چیزی از ماهیت و اله فعال است بمعنی
مفعول از اله بمعنی عبد پس معنی اله معبود باشد و در این هنگام صفت شد و این مذهب

امام راغب است واما نزد صاحب کشاف انست که او اسم لای نفی جنس است و این
معنی مسند لا ذکر کرده باینکه او موصوف میشود و وصف واقع نمیشود چنانچه الله قدیم
میگویند و نمی اله نمیگویند و او مبنی است بر فتح زیرا که اسم لای نفی جنس واقع شده و
مفرد است و سبب آن تضمن معنی من است چه در این تقدیر است که ما من اله الا الله
والا حرف استثنا است و الله مرفوع است باینکه بدل است از اسم لا و محمول است بر محل لا
که رفع است چه حمل بر لفظش متعذر است زیرا که عمل لا بواسطه معنی نفی است و الا نقض
نفی را ابطال کرده و خبر لا محذوف است که او ممکن یا موجود است و بر هر یک بحثی وارد است
زیرا که اگر خبر محذوف ممکن باشد این کلمه دلالت بر وجود الله تعالی نمیکند بلکه بر امکان او
دلالت میکند پس نص در ایمان نباشد و اگر موجود باشد دلالت بر نفی امکان وجود معبودات
بحق غیر از خدا نکند بر نفی وجود ایشان کند پس باز نص در ایمان نباشد و اگر کوفی [illegible]
خود مبین است که ذهن بهر مذهب ممکن رود پس هم نفی امکان بحق غیر از خدا لازم آید و هم
وجود معبود بحق که خداست جواب آنست که مسلم داریم که در صورت حذف ذهن بهر
مذهبی میرود لیکن علی سبیل البدل و بر هر تقدیر محذوری آتی است و بنا بر استعمال
این بحث صاحب کشاف و جمعی بر آن رفته اند که در این مقام و امثال آن احتیاج تقدیر
خبر نیست بلکه میگویند الا الله مبتدا است و لا اله خبر اوست چه اصل این بوده است که الله
ای مستحق للعبادة لا والاله [illegible] و بعضی خواسته که تقویه بحث قوم کند
گفته که خبر محذوف موجود است و [illegible] واردی بدو دلالت نفی معبودات بحق غیر
از خدا میکند زیرا معبود بحق جز واجب الوجود نتواند بود و هر چه موجود نیست واجب الوجود
نیست پس نفی وجود معبود بحق غیر مستلزم نفی امکان است چه اگر معبود بحق غیر خدا
توانستی بود واجب الوجود بودی و چون واجب الوجود نیست و ما گفتیم هیچ معبود بحق
غیر از خدا موجود نیست بدانکه از جمله لطائف این کلمه کریمه یکی آنست که حروف آن از
حروف اشرف اسما که لفظ الله است و علم ذات مقدس الهی است ترکیب یافته و حرف
بیگانه در میان نیامده دویم آنکه ذکر خفی که ارباب حال را مقصود است در ضمن آن
بیشتر متحقق شود چه در حروف آن شفوی که محتاج بحرکت لبها شود نیست و میتوان در میان
مردم بروجهی آن قیام نمود که کسی را بر آن اطلاع حاصل نشود سیم آنست بحرف الف که

الف که اشرف حروف تهجی است و قوام جمیع حروف باوست چنانچه هیولای حروف نفس کلمه
و در میان حروف قطبیت نامیده اند چهارم آنکه اشتغال بآن باعث در آمدن بحصن
الهی است و رستگاری از شدائد عذاب باری چنانچه فرموده لا اله الا الله حصنی فمن
دخل حصنی امن من عذابی پنجم آنکه مدار ترکیب آن بر سه حرف است الف و لام و ها و الف
در مرتبه سفلی که مرتبه کتبی و رقمی باشد واقع شده پس اول تعینات است زیرا که اول خطی
مرتسم از تکرر نقطه و باقی حروف از او حاصل میشود و نیز بدانکه حروف را سه مرتبه هست
مرتبه اول آنست که در نفس متکلم در آید که متکلم آنها را اولا تصور و تخیل کرده
بعد از آن توجه ایجاد آنها بتحریک آلات و تقطیع اصوات بر وجه مخصوص کرده و این
مرتبه شبیه است بانطوای حقایق بحسب وجود علمی در مرتبه الوهیت و حروف را
در این مرتبه حروف عالیه گویند که کنا حروفا عالیات اشاره باینست مرتبه دویم
آنست در صورت صوتی در منصه تجلی جلوه گر گردند و حروف را در این مرتبه حروف
وسطی گویند سیم آنست که در صفحات رقمی کتبی بر دیده اولو الابصار ظاهر گردند
و آنها را در این مرتبه حروف سافله نامند و الف از این مرتبه سیم است چنانکه در آن نفی
و لام اشاره است بحروف منبسط بر اعیان چه صورت رقمیش مشتمل است بر قائمه
که آن الف است و ذیل و دامنی که آن نون است که اشاره بدایره کون است پس الف
منبسط است بر نون متصل باو و ها اشاره است بتمام دایره کون پس در این کلمه طیبه
اشاره است بوحدت حقیقی و اصول مراتب تنزلات آنچه مشتمل است بر اول مراتب
ظهور و تعین که الف است و بر وجود منبسط بر اکوان که لام است و بر تمام دایره که ها است
و نقطه بروجه سریان و تکرر ظهوری در همه متحقق هم چنانکه وحدت حقیقی بی شائبه
حلول و اتحاد در همه ظاهر و فیها اسرار اخر لا یبوح بها [illegible]
[illegible] و معنی اشهد ان محمدا رسول الله این است که شهادت
میدهم باینکه محمد رسول خداست یعنی فرستاده شده است از نزد حق بسوی خلق و معنی
حی علی الصلوة تا آخر اینست که شتاب بسوی نماز و شتاب بسوی فلاح و رستگاری
و شتاب بر بهترین عمل و معنی الله اکبر را دانستی و تکرار آنها بجهت آنست که معلوم شود
که هم چنانکه ابتدا بآنها باید شود اختتام بآنها باید شود پس هر گاه فارغ شود از اذان

فاصله کند میان اذان و اقامت بنشستن یا سجده کردن یا پیش گذاشتن یک گام
سوای مغرب که فصل در آن بگام پیش گذاشتن یا سکته یا تسبیح اولی است و مکروه
کلام بچیزی که تعلق بنماز نداشته باشد در اثنای هریک از اذان و اقامه خصوصا
اقامه و همچنین موالاة و هرگاه اخلال بموالات در هریک از فصول اذان و اقامه نماید
باید اعاده نماید و اشهد ان امیر المؤمنین علیا ولی الله جزء اذان و اقامه نیست اگر بگوید
بر نیت تیمن و تبرک بگوید و این دعا بخواند اللهم اجعل قلبی بارا و عیشی قارا
و رزقی دارا و اجعل لی عند قبر رسولک مستقرا و قرارا یعنی خداوندا بگردان
دل مرا اطاعت کننده و عیش مرا قرار گیرنده و رزق مرا افزاینده و بگردان از برای من
نزد قبر رسول خود مکانی و قرار گرفتنی پس اقامه بگوید و او مثل اذان است مگر آنکه
در اول اقامه الله اکبر دو مرتبه بگوید و بعد از حی علی خیر العمل قد قامت الصلوة دو مرتبه
بگوید و لا اله الا الله یک مرتبه و در جمیع آداب مثل اذانست مگر تانی و گذاشتن
انگشتها در گوش و بلند کردن آواز بلکه باید در اقامت آهسته تر باشد و تاکید طهارت
داشتن و ایستادن در حال اقامه بیشتر است از حال اذان حتی آنکه واجب دانسته است
اینها را سید مرتضی رضی الله عنه پس هرگاه فارغ شود از اقامه مسنون است که رو بقبله
این دعا بخواند که بسند صحیح از ائمه طاهرین مرویست اللهم الیک توجهت و مرضاتک
طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت و علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد
و افتح قلبی لذکرک و ثبتنی علی دینک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من
لدنک رحمة انک انت الوهاب و باید ایستاده در نماز با وقار و آرام و خضوع و خشوع
مانند غلام با اخلاصی که در خدمت آقای خود بایستد از حضرت پیغمبر مرویست که
دید مردی در اثنای نماز با ریش خود بازی میکرد فرمود اما انه لو خشع قلبه لخشعت
جوارحه یعنی اگر هر آینه خشوع میداشت دل او بخشوع بود جوارح او یعنی حرکت عبث نمیکرد
این حدیث دلالت میکند بر آنکه خشوع در نماز هم بدل باید و هم باعضا اما خشوع
دل آنست که فارغ دارد دل خود را از جمیع آنچه غیر نماز است و اگر دل او بجای دیگر رود
برگرداند دل خود را و چنان نکند که در خانه دل او غیر معبود حقیقی منزل گیرد
و اما خشوع بجوارح و اعضا آنست که همگی اعضا متوجه نماز باشد و بهیچ جانب میل

جانب میل و التفات نکند و از فعل عبث اینها را باز دارد و بگذارد دستهای خود را
بر روی رانها مقابل زانوها و بگشاید میان قدمهای خود را بقدر چهار انگشت
گشاده یا یک شبر که یک وجب باشد و اگر زن باشد فاصله ضرور نیست و نگاه
کند بموضع سجود خود و بلند نکند نگاه خود را بطرف آسمان و در دل بخواند خود که
این آخر نماز اوست که در دنیا خواهد کرد و بنماز دیگر نخواهد رسید پس نیت نماز را
کند و آن قصد نماز معین است بجمیع ممیزات از ادا و قضا و وجوب و ندب و مانند اینها
مثلا قصد میکند که نماز ظهر چهار رکعتی میگذارم ادا واجب قربة الی الله و مقارن
دارد نیت را با یکی از هفت تکبیر که مستحب است در اول نماز گفته شود و هریک را
که اختیار کرد او را تکبیرة الاحرام گویند و شیخ طوسی ره تکبیر آخر را تکبیرة الاحرام کرده
و بعضی تکبیر اول را ترجیح داده اند و او را تکبیرة الاحرام نامیده اند بجهة آنکه مصلی بسبب
آن محرم میشود باحرام نماز مثل احرام حج یعنی حرام میکند بر خود آنچه را که پیش از آن
بر او حلال بوده از حرف زدن و چیز خوردن و راه رفتن و مانند آن و مراد از مقارنه
نیت با تکبیرة الاحرام اینست که بدون فاصله بعد از نیت تکبیر بگوید و نماز را ببندد
و آنکه بعضی از علما گفته اند که باید نیت ما بین الف الله و راء اکبر بکند ضرور نیست
و هفت تکبیر باین روش میگوید که اول سه مرتبه میگوید الله اکبر و بعد دعا میخواند اللهم
انت الملک الحق المبین لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی انه
لا یغفر الذنوب الا انت و بعد دو مرتبه دیگر الله اکبر بگوید و بعد از تکبیر پنجم این دعا
بخواند لبیک و سعدیک والخیر فی یدیک والشر لیس الیک والمهدی من هدیت
لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک ربنا
و رب البیت الحرام و بعد دو تکبیر بگوید و بعد از تکبیر هفتم این دعا بخواند وجهت وجهی للذی
فطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت
و انا من المسلمین و دستها را در حال تکبیر زیاده از برابر روی بلند نباید کرد و در حالتی که باید
دستها بجانب آسمان باشد و انگشتها هم چسبیده سوای شستها پس میگوید اعوذ بالله
من الشیطان الرجیم و مستحب است که آهسته بگوید بخلاف بسم الله که مستحب است بلند

بگوید خواه در نماز جهریه و خواه سریه بعد از ان شروع بخواندن سوره حمد نماید با ترتیل
که ان عبارتست از حفظ وقفها و بیان حروفاست و تفسیر کرده شده است بوقف
تام و وقف حسن و وقف تام انست که وقف کند بر کلامی که از روی تعلق با ما بعد
نباشد نه لفظا و نه معنی مثل وقف بر بسم الله و بر یوم الدین و وقف حسن بر کلامی است
که از روی تعلق با ما بعدش نباشد لفظا نه معنی مثل وقف در فاتحه بر الحمد لله و
وقف تام در فاتحه چهار است وقف بر بسم الله و وقف بر دین و وقف بر نستعین
و وقف بر ضالین و ملاحظه نماید ادای مخارج را که حروف بیکدیگر مشتبه نشود و هم
چنین رعایت تشدید و اعراب کرده که مشتبه نشود و مد متصل را ترک نکند و ادغام
نیز بروش منقول از قراء ترک نکند بدانکه ترتیل بروش مذکور سنتست و نماز بدون ان
صحیح است و لیکن نماز تام موقوف بر انست و باید حاضر کند قلب خود را و تفکر در معنی
حمد کند باین روش بسم الله الرحمن الرحیم یعنی ابتدا میکنم یا میخوانم سوره مبارکه حمد را
در حالتیکه یاری جوینده ام یا مصاحب و همراهم بنام خدا که الله است یعنی ذات مستجمع
جمیع صفات و کمال منزه از جمیع صفات ردیه و افریننده موجودات و سزاوار پرستش
و این صفت دارد که رحمن است یعنی بخشاینده و نعمت دهنده همه عالمیانست از
مومن و کافر در دنیا و این صفت دارد که رحیم است یعنی بخشاینده و نعمت دهنده است
مومنان را در اخرت الحمد لله یعنی همه ثنا و ستایش وافر که از ازل تا ابد موجود بوده و هست
و خواهد بود مر خدا راست که مستجمع جمیع صفات کمالست رب العالمین یعنی و این
صفت دارد که افریننده و تربیت کننده همه عالمیانست از ملک و فلک و جن و انس
و جمیع ما سوی الله الرحمن الرحیم تاکید رحمن و رحیم مذکور در بسم الله است و مکرر
ساختن انها بعلت اشعار باین است که اعظم اسباب تقدس الهی رحمت شده و اکثر است
از سایر صفات و یا بجهت اشعار بسط رجاست که مالک روز جزا رحمن و رحیم است پس
نا امید نشوید از گذشتن از گناهان خود در ان روز مایل و یا رحمن و رحیم تاسیس است
در انجا که بسم الله است مراد رحمانیت و رحیمیت دنیاست و در اینجا که حمد است رحمانیت
و رحیمیت اخرت یعنی رحمان و بخشاینده وجود است بار دیگر در اخرت بعد از فنای اشیا
و رحیم و بخشاینده است دیگر بار برافت و رحمت بر مومنان بدر اوردن ایشان از قبر

در بهشت جاودان مالک یوم الدین قرائت کسائی مالکست و باقی قراء ملک
بدون الف خوانده اند معنی اول متصرف در امور است و ثانی سلطان پس معنی اینه
بنابر اول که با الف باشد اینست که مالک و متصرف امور در روز جزا جناب مقدس
الهی است و بنابر ثانی که بدون الف باشد چنین است که پادشاه و سلطان روز جزا
اوست سبحانه و تخصیص مالک بودن یا پادشاه بودن بروز جزا یعنی روز قیامت
با وجود انکه خدای تعالی مالک و ملک همه چیزهاست در همه اوقات با جهت
تعظیم و لعظمت بشان ان روز است زیرا که مردم در غیر ان روز بحسب ظاهر مالک چیزها
هستند و بعضی پادشاهی ظاهری دارند و اما در ان روز هیچ کس غیر از او سبحانه مالک
و سلطان نیست اگر گوئی که ذکر این صفات بعد از ذکر الله که گفتیم مستجمع جمیع صفات
کمالست بی مورد است جواب میگوئیم که ذکر اینها اشاره است بر انکه کسیکه حمد
میکند او را مردمان و عظیم میشمارند او را بعلت یکی از چهار چیز میباشد یا بجهت
انست که کامل است در ذات و صفات جمیعا و یا بجهت ان است که انکس احسان
و انعام میکند با ایشان و یا بجهت اینست که مردمان امید دارند رسیدن بکثیر
احسان و جزیل ایشان او را در زمان مستقبل و یا بجهت انستکه مردم میترسند از او
بعلت کمال قدرت و سطوت او پس گویا جناب مقدس الهی میفرماید ای گروه مردمان
اگر حمد و سپاس و تعظیم میکنید بجهت کمال ذاتی و صفاتی پس بدرستیکه منم خدای مستجمع
جمیع صفات و کمال و اگر بجهت احسان و انعام و تربیت است پس منم رب عالمین و اگر
بجهت امید و طمع در مستقبل است پس منم رحمن و رحیم و اگر بجهت خوف و کمال قدرت و
سطوت است پس منم مالک یوم دین و چون بسبب استعانت از خداوند متصف بصفات
مذکوره او را بعد از غایب بعد فی الجمله قربی و بعد از نهایت هجران اندک وصلی بهم
رسیده از مقام غیبت گویا بمجلس انس و حضور رسیده بعنوان مخاطبه عرض میکوید
ایاک نعبد یعنی ترا عبادت میکنیم و بس و این مرتبه بسیار عظمی است حدیث است که حضرت
صادق ع باین فقره که میرسید مکرر میفرمود تا غش میکرد و بیهوش میشد بعلت انکه
اکثر ازما عبادت هوی و هوس نفسانی خود را میکنیم یا عبادت شیطان و بسیار
مشکل است عبادت رحمن را اینجا نعبی است و ان اینست که سیاق عبادت دال است بر انکه

نگوید نعبد بصیغهٔ جمع آنکه مصلی یکنفر است یعنی من پس چرا نگفتی اعبد نعبد فرموده است
یعنی ما بهترین وجوه که در جواب گفته اند این است که بعضی فقهه در شرع بعضی خارج
بیست و این عبارت ازاینست که هرگاه متاعی را کسی بخرد و بعضی از آن عیب دار بیرون آید
یا باید همه را پس بدهد یا همه را قبول کند همه را رد کردن لازم دارد که رد عبادت انبیا
و اوصیا و صلحا را کرده باشد پس بالضروره باید همه را قبول کند پس عبادت معیب ناقص
او هم درین ضمن قبول میشود بالجمله نعبد فرموده چون این کلام موهم این بود که مغرور
بعبادت خود میکند و خود را مستقل دران میداند و باین جهة عجبی و غروری از برای او
بهم میرسد خواست که آنرا از نفس خود زایل کند بعد از این کلام فرمود و ایاک نستعین
یعنی هم پس از تو استعانت میجوییم و کسی نه از غیر تو در همه امور حتی در عبادت از بعضی از
مشایخ نقل شده که چون در نماز باین فقره رسید بیهوش شده بیفتاد چون از سبب او
پرسیدند گفت ترسیدم که بگویند ای دروغگو اگر مدد از ما بندگی میکنی پس واز ما یاری
میجویی پس چرا در امور بدیگران متوسل میشوی و چون صدق در این قول مشکل
از ادای ناالتفات بغیر حق است و اعظم از این مرتبه در راه حق نیست شروع بدعا نموده فرمود
اهدنا الصراط المستقیم یعنی هدایت و راه نمایی کن ما را براه راست که توحید محض باشد
تا از التفات بغیر از تو آزاد گشته تمامی گرفتار تو گردیم جز تو ندانیم و جز تو نبینیم و
مؤید اینست آنچه در اخبار ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که مراد بصراط مستقیم
علی بن ابی طالب علیه السلام است و در اخبار نیز وارد شده که صراط مستقیم صراط محمد
و آل اوست زیرا که کمال ایمان باقرار و ایقان بولایت انبیا و اوصیا و متابعت و پیروی
ایشان است تخصیص بعد از آخر الزمان و اهل بیت و علیه و علیهم السلام پس معنی بنابراین چنین است
که بنما بمن راه راست رسول خدا و اهل بیت او و مرا تابع ایشان گردان صراط الذین
انعمت علیهم یعنی راه راست آنانکه انعام کرده بر ایشان و این فقره بدل فقرهٔ پیش است
بدل کل از کل چون درین آیه اشاره بیک رکن عمده ایمان فرموده که محبت و متابعت
دوستان خدا باشد خواست که بیزاری از دشمنان خدا که آن هم رکنی عمده از ارکان
ایمان است نماید فرموده غیر المغضوب علیهم و لا الضالین یعنی نه آنانکه خشم کرده بر ایشان
و نه آنانکه گمراهانند بعضی گفته اند که مغضوب علیهم یهود اند و ضالین نصاری و از حضرت

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اول ناصبیانند و ثانی ضعفاء العقول
از اهل سنت زیرا که ایشان بر دو قسم اند یکی آنکه دانسته و فهمیده از برای دنیا
راه حق بدر رفته و مخالفت اهل بیت رسالت نموده اند مانند سلفا و علمای اهل سنت
و دیگری آنکه بجهل و نادانی مخالفت کرده اند مثل اکثر عوام ایشان پس اول اشاره بقسم
اول فرموده و ثانی اشاره بقسم ثانی بدانکه فضل سوره فاتحه غیر محصور است از بعض اخبار مرویست
که فاتحه شفای جمیع دردهاست و بیماریها و ابوسلیمان روایت کرده که با رسول خدا صلعم
بغزا رفته بودیم مردی در میان ما صرع پیدا کرده بود یکی از صحابه بر رسول خدا فاتحه در گوش او
خواند شفا یافت این را بعرض آنحضرت رسانیدند فرمود این سوره اصل قرآن است و شفای
همه دردها و مرضهاست و از ابی ذر منقولست که گفت سوره فاتحه را نزد رسول خدا صلعم
میخواندم آنحضرت فرمود که بحق آنکسی که مرا بحق بخلق فرستاده که حق تعالی مثل این سوره را
در توریة و انجیل و زبور فرو نفرستاده هر که او را بخواند خدای تعالی جمیع مقصودات دنیا
و آخرت ورا روا کرده اند و محمد بن مسعود عیاشی از رسول خدا صلعم روایت کرده که آن
حضرت جابر بن عبد الله انصاری را گفت ای جابر ترا تعلیم کنم بهترین سوره که حق تعالی
در کتاب خود فرو فرستاده جابر گفت بلی یا رسول الله فرمود که آن فاتحة الکتاب است که
شفای همه دردها و بلاهاست مگر مرگ و از امام جعفر صادق ع مرویست که هر که را
فاتحه او را به نشاند از هیچ شربتی و دوائی به نخواهد شد و ایضا مرویست که خدای تعالی
صد و چهار کتاب از آسمان فرو فرستاده از آنجمله توریة و انجیل و زبور و قرآن بود و قرآن را برای
و علوم همه کتابها را دران درج کرد و ثواب و نجات آخرت را دران مندرج ساخت بعد
از آن همه علوم و برکات و ثواب قرآن را جمع کرده در سوره‌های مفصل قرآن که از سوره محمد است
تا آخر قرآن وضع فرمود و بعد از آن فاتحه را اختیار کرده همه علوم و برکات و مثوبات تلاوت
و دانستن او را در او جمع کرد پس هر که فاتحه را بخواند چنان باشد که صد و چهار کتاب خدا را
خوانده باشد و هر که بمعنی او رسد چنان باشد که همه معانی آن کتابها را دانسته باشد
و ایضا مرویست که شیطان در جمیع عمر خود چهار نوبت مضطرب و بیتاب شد و ناله و فغان
بر آورد اول وقتی که طوق لعنت بگردن او در آمد و از درگاه الهی رانده شد دوم زمانی که
از بهشت بیرونش کردند سیم ساعتی که حضرت رسول صلعم مبعوث گردید چهارم هنگامیکه

فاتحة الکتاب نازل شد مسلم بن حجاج در صحیح خود روایت کرده است از پیغمبر صلعم که
حق تعالی فرمود که من فاتحه را قسمت کرده ام میان خود و میان بندهٔ خود هرگاه بنده گوید
بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی گوید بندهٔ من ابتدا بنام من کرد بر من واجبست که جمیع
کارهای دنیا و آخرت ویرا برای او تمام گردانم و در مال او برکت دهم و چون بگوید الحمد
لله رب العالمین او سبحانه فرماید بندهٔ من بر ثنا و ستایش من مشغول شد و چون گوید
الرحمن الرحیم از جانب خدا تعالی خطاب آید که بندهٔ من مرا سپاس و ستایش میگوید بزرگی
مرا در بار خود میستاید و چون گوید مالک یوم الدین حضرت تعالی فرماید که بندهٔ من بزرگوار
مرا میگوید و چون گوید ایاک نعبد و ایاک نستعین حق تعالی گوید این عهدیست که در میان من و
او کرده ام و این صفتهای مذکوره مخصوص است بمن و غیر مرا در آن راهی نیست و چون
گوید اهدنا الصراط المستقیم حق تعالی فرماید که این صفات بنده است و بر من واجبست که
که او را براه راست رسانم و جمیع حاجتهای وی را روا گردانم و ایضا بسند معتبر از حضرت پیغمبر
مرویست که در روز قیامت امت مرا در موقف حساب بدارند و عملهای ایشان را در
ترازوی عمل گذارند حسنات ایشان بر سیئات ایشان بیفزاید امتان پیغمبران [پیشینه] که
گویند امت محمد را با وجود کمی عمل چرا کفهٔ حساب ایشان سنگین ترشد پیغمبران ایشان
گویند بجهة آنکه ابتدای کلام ایشان به سه اسم است از اسمای الهی که اگر همان سه اسم را
در کفه نهند و همه حسنات فرزندان آدم را در کفهٔ دیگر آن سه اسم بر همه بچربد و زیاده
آید و آن سه اسم در بسم الله الرحمن الرحیم است که عبارت از الله و رحمن و رحیم باشد
ابن عباس از حضرت پیغمبر روایت کرده که آن حضرت فرمود که هرگاه معلم بکودکی
گوید بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی براة بیزاری از دوزخ برای او و پدر و مادر او و معلم
او بنویسد و ایضا از آنحضرت مرویست که شخصی در عذاب بود طفلی از او مانده بود بمکتب
فرستادند معلم او را تعلیم بسم الله الرحمن الرحیم کرد همین که کودک آن را بزبان راند خطاب
عزت در رسید بملائکهٔ عذاب که دست از عذاب این شخص بکشید و او را عذاب مکنید
روا نباشد که پسر مرا یاد نماید و پدر او را عذاب کنیم و ایضا مرویست که فرعون پیش
از آنکه دعوی خدائی کند امر کرده بود که در کوشک او این کلمهٔ بزرگوار را نوشته بودند چون
دعوای خدائی کرد موسی از ایمان او برید و ناامید شد شکایت او را بدرگاه الهی کرد

الهی کرد خطاب آمد که ای موسی بعزت و جلال خودم قسم که تا آن کلمه بر ایوان نوشته باشد
او را عذاب نخواهم کرد و آن کلمه زائل شد و او را عذاب کرد بدانکه بسم الله الرحمن الرحیم
جزو هر سوره میشود که مصلی میخواهد بخواند مثلاً اگر قل هو الله را بخواند باید قصد جزویت
آن نماید و اگر انا انزلناه قصد جزئیت آن و همچنین هر سوره که قصد خواندن داشته باشد
قصد جزئیت بسم الله با آن داشته باشد بخلاف اهل سنت که میگویند بسم الله جزو سوره
نیست شافعی میگوید جزو فاتحه هست اما جزو سایر سورها نیست و ابو حنیفه میگوید جزو
هیچ سوره نیست و آیتی از قرآن که در اوایل سوره از باب تیمن و تبرک خوانده میشود
عجب تر آنکه جمعی از تابعان او گمان کرده اند که نه جزو سوره است و نه جزو قرآن بلکه
بمقتضای کل امر ذی بال لم یبدأ فیه ببسم الله فهو ابتر خواهد بود که از حضرت پیغمبر
روایت شده یعنی هر امر ذی شانی که ابتدا کرده نشود به بسم الله پس او ناتمام و ابتر خواهد بود
در اوایل سور خوانده میشود و حال آنکه محدثین اهل سنت احادیث بسیار نقل کرده اند
که دلالت میکند بر اینکه جزو سوره است از آنجمله ابو هریره روایت نموده که پیغمبر
فرمود اذا قرأتم الحمد فاقرؤا بسم الله الرحمن الرحیم فانه ام الکتاب والسبع المثانی
و هو آیة منها یعنی هرگاه بخوانید سورهٔ حمد را بخوانید بسم الله را بدرستیکه فاتحه ام
قرآنست و سبع مثانی و بسم الله آیه ایست از آن و هم از او منقولست که حضرت پیغمبر
فرمود فاتحه هفت آیه است که اول آنها بسم الله الرحمن الرحیم است و از ابن عباس
منقولست که گفت از برای هر چیزی اساس و شالوده ایست اساس و شالودهٔ قرآن فاتحه است
اساس فاتحه بسم الله الرحمن الرحیم است و از این قبیل احادیث بسیار است که اهل سنن در
کتب خود نقل کرده اند بجهة خوف تطویل ذکر نشد و بعد از آنکه حمد تمام شد بقدر نفس
کشیدنی صبر کند و شروع بخواندن سوره کند و سورهٔ کاملی بخواند باین روش بسم الله الرحمن
الرحیم یعنی ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان قل هو الله احد یعنی بگوای محمد او خدای
یگانه فرد در مرتبهٔ ذات و صفات و افعال الله الصمد یعنی بگوای محمد او خدای
صمد یعنی بی نیاز یا بزرگی که قصد کرده میشود بسوی او در حاجتها یا بزرگی که منتهی شود
او بزرگی و فرمان دهی بر طبق روایت کتاب توحید امام محمد باقر علیه السلام یا قائم
بنفس بی نیاز از غیر بر طبق روایت آنحضرت نیز و یعنی لا جوف له نیز از معصوم روایت

شده یعنی میان بر و باین معنی کنایه از نفی ماهیت و عینیت وجود و مرجحه
خبر است واجب الوجود است پس صمدیت معنایش وجوب وجود است مبدأ
کل ما سواء لم یلد یعنی بچه نزاید و لم یولد یعنی زائیده نشده است یعنی متولد نمیشود
از او غیر او و علت آنکه متولد نشده است از غیر او یعنی او ست موجد ما سوای خود
نمیتواند که وجود او از غیر باشد و الا دور یا تسلسل لازم می آید و لم یکن له کفوا احد
یعنی نباشد او را مثل و مانند نه در ذات و نه در صفات و نه در افعال پس نیست در
وجود چیزی که مساوی باشد او را در قوه وجود پس از اول سوره تا آخر قوله الله
الصمد در بیان حقیقت و لوازم حقیقت و وحدت حقیقیه و اینکه او جزء مرکب نیست و لا
میباشد و از قوله لم یلد تا قوله کفوا احد در بیان نفی است که مساوی و موازی در وجود
از برای او نیست بدانکه احادیث در فضیلت سوره قل هو الله احد بسیار است که این
رساله گنجایش ذکر همه آنها را ندارد و از آنجمله شیخ طبرسی در تفسیر خود از ابو درداء
از حضرت پیغمبر روایت کرده که آنحضرت فرمود ایعجز احدکم ان یقرء ثلث القرآن فی
لیلة قلت یا رسول الله و من یطیق ذلک قال رسول الله اقرؤا قل هو الله احد یعنی آیا عاجز
می باشد یکی از شما که در شبی ثلث قرآن را تلاوت نماید من گفتم یا رسول الله کرا طاقت
آن تواند بود فرمود بخوانید سوره قل هو الله احد را که خواندن آن برابری بخواندن ثلث
قرآن می نماید و علت آنرا بعضی چنین گفته اند که مقاصد قرآن بعد از تحقیق راجع است بسوی
معرفت خدای تعالی و طریق پی بردن بشناختن او و معرفت سعادت و شقاوت
اخروی و علم باینکه در آن نشاه بچه عمل و کدام اعتقاد بمرتبه سعادت فایز می توان شد
و بچه عمل و کدام اعتقاد بمرتبه شقاوت رسید و این سوره متضمن معنی اول است که
معرفة الله است و توحید و تنزیه او از مشابهت غیر پس بمنزله ثلث قرآن است و ایضاً از
حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود کسیکه گذشت بر او روزی و در پنج نماز وظیفه
آن روز را بجا آورده باشد و در هیچ یک سوره قل هو الله را نخوانده باشد با و خطاب کنند
که ای بنده خدا تو از جمله نماز گذاران نیستی پس بعد از تمام سوره قل هو الله احد یا سوره
دیگر بماند بقدر نفس یا دم بر یا آنچه مانند اینها باشد در طول دستها را بلند کند
و الله اکبر بگوید و بعد از آنکه تکبیر تمام شود خم شود برای رکوع باین روش که دستها را

زانوها را بروش قبضه کرده بگیرد و هموار کند پشت خود را و بکشد گردن خود را بنحویکه
اگر قطره آبی بر پشت او بریزند بهیچ طرف میل نکند و سر را راست بگیرد که مساوی پشت
شود و بر هم گذارد چشمهای خود را یا نگاه بمیان قدمهای خود کند و وا کردن باشد اینها
ضرور نیست و سنت است که دست خود را بالا تر از زانوها گذارد و بعد از آن بگوید
سبحان ربی العظیم و بحمده یکمرتبه واجب و سه مرتبه یا پنج مرتبه یا هفت مرتبه یا بیشتر سنت
یعنی پاک و منزه میسازم پروردگار خود را که عظیم است از آنچه لایق بجناب او تعالی
نیست پاک کردنی که مقترن است بحمد و سپاس او و یا در رکوع بگوید سبحان الله
سه مرتبه یعنی سبحان الله اینست که پاک و منزه میسازم ترا از آنچه لایق بعز و شأن تو
نیست پاک کردنی و اگر خواهی بطریقه اهل عربیت سبحان مصدر است مثل غفران
بمعنی تنزیه و همیشه مضاف مستعمل میشود و نصبش بمفعول مطلق بودن است و عاملش
مقدر است همچون فعل معاذ الله که باین تقدیر است اعوذ معاذ الله پس سبحان ربی
باین تقدیر است که اسبح سبحان ربی و بر این تقدیر اضافه سبحان برب از قبیل اضافه
مصدر خواهد بود بمفعول و بعضی تجویز کرده اند که از قبیل اضافه مصدر باشد بفاعل بمعنی
تنزه و تقدیر چنین میشود که سبح الله سبحان ربی و واو در و بحمده یا واو حالیه که جمله
و بحمده حال باشد از فاعل فعل محذوف و یا حرف عطف است مقدر بر فعل که جمله مذکوره
معطوف باشد بر فعل مقدر و تقدیر کلام چنین باشد که انزه تنزیها و استعین بحمده و
قیاس بر این کن ترکیب سبحان ربی الاعلی و بحمده را و در کتاب اصول کافی بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که سنت است بنده سبحان ربی العظیم و بحمده ابدا ها
بخواند که ثواب بسیار و منافع بیشمار دارد اللّهم لک رکعت و لک اسلمت و بک آمنت
و علیک توکلت و انت ربی خشع لک سمعی و بصری و شعری و بشری و لحمی و دمی
و مخی و عصبی و عظامی و ما اقلته قدمای غیر مستنکف و لا مستکبر و لا مستحسر
از حضرت علی علیه السلام مرویست که فرمود در حال رکوع باید بخاطر بگذراند لقد آمنت بک
و لو ضربت عنقی یعنی ایمان آورده ام هرچند ببری گردن مرا بعضی از علما گفته اند که حالت
رکوع اشاره بادعای عبودیت است و برهان دعوی سجدتین پس گویا سجدتین دو شاهد
عدل کنند از برای ادعای عبودیت و بعد از اتمام ذکر سر از رکوع بردارد و راست بایستد

ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و هرگاه مرد دعا را بخواند در قنوت اول
کلمات فرج را بخواند و بعد اللهم اغفر لنا و بعد از قنوت الله اکبر بگوید و برکوع و سجود
رود و بروش رکعت اول که مذکور شد بعد از ان بنشیند از جهة تشهد تورک کند
که بنشیند بر ران چپ و النکم پای راست گذارد چنانچه پیش گذشت و نگاه کند بکنار
خود و تشهد را بخواند باین روش بسم الله وبالله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا و
نذیرا بین یدی الساعة واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول اللهم
صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته و واجب ازین تشهد
همین شهادت و صلوات و بغیر وال وست باین نحو که اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد و زیادتی
که مذکور شد سنت است پس هرگاه نماز دو رکعتی است مثل نماز صبح سلام نماز گوید
باین نحو السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحین السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته اول مستحب است و دو سلام دیگر بطریق
که ابتدا کند او واجب است و ان دیگر مستحب و نماز گذارنده بیکی از این دو سلام از نماز
بیرون میرود پس اگر حدثی واقع شود مبطل نخواهد بود و هرگاه نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی
باشد بعد از انکه تشهد را بخواند بگوید بحول الله وقوته اقوم واقعد چنانکه گذشت
و برخیزد و در رکعت اخر در سه رکعتی یا در دو رکعت اخر از چهار رکعتی مخیر است که الحمد
بخواند یا تسبیح اما تسبیح بهتر است و تسبیح باین نحو بخواند که سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اکبر سه مرتبه و بعد بگوید استغفر الله ربی واتوب الیه و بکیفیت گذشته
رکوع و سجود و تشهد و سلام و مجموع افعال در رکعت سیم و چهارم بروش مذکور
بجای آورد و نماز صبح و دو رکعت اول نماز شام و خفتن را بلند باید خواند و نماز ظهر
و عصر و یک رکعت اخر نماز شام و دو رکعت نماز خفتن را اهسته باید خواند مگر نماز جمعه
و [illegible] که اجماع علمای شیعه است که سنت است سجده شکر در وقت تجدد شکر
نعمتی یا دفع شدن بلائی و بهترین افرادش سجده بعد از نماز است برای شکر توفیق ادای
نماز چنانچه بسند معتبر از امام محمد باقر روایت شده است که پدرم امام زین العابدین

العابدین علیه السلام هیچ نعمتی از خدا یاد نکرد مگر انکه شکران سجده کرد و هیچ ایه نخواند
که در ان سجده باشد مگر انکه سجده میکرد و دفع نکرد خدا از او بدی را که از ان میترسید
مگر انکه سجده کرد و از هر نماز واجب که فارغ شد بعد از ان سجده کرد و هر وقت که
توفیق مییافت که میان دو کس اصلاح کند البته برای شکران سجده میکرد و در جمیع مواضع
سجود انحضرت اثر سجود بود و باین سبب انحضرت را سجاد می نامیدند و بسند معتبر از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که سجده بعد از نماز واجب شکر خداست برای انکه توفیق
داد بنده خود را برانکه ادا کرد فرض او را و کمتر انچه در این سجده گوید انست که سه مرتبه
بگوید شکرا لله راوی پرسید چه معنی دارد شکرا لله حضرت فرمود که معنیش آن است که
این سجده از من شکر خداست برانکه مرا توفیق داده که بخدمت او قیام نمودم و فرض او را ادا
کردم و شکر خدا موجب مزید نعمت و توفیق طاعت است و اگر در نماز تقصیری مانده باشد
که بنافله تمام نشده باشد باین سجده تمام میشود و این سجده بهر نحو که واقع شود بعمل می اید
و احوط انست اگر بر زمین باشد و تواند مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند و پیشانی را
بر چیزی گذارد که در نماز بران میگذارد و افضل اینست که بخلاف سجده نماز دستها را
بر زمین بخواباند و سینه و شکم را بر زمین برساند و سنت است که اول پیشانی بر زمین گذارد
پس طرف راست رو را پس طرف چپ رو را پس باز پیشانی را بر زمین گذارد و باین سبب و را
سجده شکر میگویند و ظاهر ان است که بهر نحو بعمل می اید و سنت است که ذکری بکند و بهتر ان است
که یکی از اذکار و ادعیه باشد که مذکور خواهد شد و مستحب است که این سجده را طول
دهد چنانچه منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از طلوع صبح سجده میکرد
تا وقت زوال و بعد از عصر تا شام و بسند صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام انقدر
در سجود می ماند که سنگریزه مسجد از عرق انحضرت تر میشد و دو طرف روی خود را بر زمین
مسجد می چسبانید و افضل انست که سجده شکر بعد از جمیع تعقیبات و پیش از نوافل بود
مگر در نماز مغرب چنانچه در انجا نوشته می شود اما دعاهای این سجده بسیار است بسند معتبر از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که اگر خواهی صد مرتبه شکرا شکرا بگو و اگر خواهی صد
مرتبه عفوا عفوا و از حضرت صادق بسند صحیح روایت که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
چون سر بسجده میگذاشتند دعا میخواندند اللهم مغفرتک اوسع من ذنوبی ورحمتک ارجی

عندی من عملی واغفر لی ذنوبی یا حیّا لا یموت ایضا بسند معتبر از اصبغ بن نباته روایت شده است
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سجود این دعا را میخواندند ناجیک یا سیدی
کما یناجی العبد الذلیل مولاه واطلب الیک طلب من یعلم انک تعطی ولا ینقص مما
عندک شیء واستغفرک استغفار من یعلم انه لا یغفر الذنوب الا انت واتوکل علیک
توکل من یعلم انک علی کل شیء قدیر ایضا بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام
روایت شده است که شنیدم شبی پدرم در مسجد بسجود رفته میگریست و این دعا را میخواند
سبحانک اللهم انت ربی حقا حقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا اللهم ان عملی
ضعیف فضاعفه لی اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک وتب علی انک انت التواب
الرحیم و در روایت معتبر بسیار منقولست که حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم
در سجده شکر بسیار میفرمودند اسئلک الراحة عند الموت والعفو عند الحساب ایضا
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در سجده میگفت سجد وجهی اللئیم لوجه
ربی الکریم و بسند معتبر از حضرت صادق روایت شده که فرمود هرگاه ترا امری
عارض شود دست را بر جای سجود خود بکش و از جانب چپ روی خود دست بمال و بر
پیشانی تا جانب راست سه مرتبه و هر مرتبه بگو بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من الهم والحزن والسقم والعدم والصغار
والذل والفواحش ما ظهر منها وما بطن و بعضی گفته اند که دست را بر سینه نیز
بمالد و در روایت معتبر بگو بعد از سجدتین اللهم لک الحمد لا اله الا انت
عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن والفتن ما ظهر منها
وما بطن ایضا بسند معتبر از همان حضرت مرویست که هرگاه دردی و بیماری و آزاری
داشته باشی بعد از نماز دست بمال بر موضع سجود خود از زمین و این دعا بخوان پس دست
بر موضع درد بمال و هفت مرتبه چنین کن دعا اینست یا من کبس الارض علی الماء
وسد الهواء بالسماء واختار لنفسه احسن الاسماء صل علی محمد وآل محمد وعافنی من
کل سقم وداء وافعل بی حوائجی کلها پس حوائج خود را طلب کن بدانکه از آداب لازمه
شیعیان زیارت شاه شهیدان امام حسین علیه السلام است بعد از هر فریضه و نافله
و زیارت آنحضرت در این مجموعه در ضمن اعمال هفته و عمل ... و باب الزیارة نوشته میشود

میشود و در این مقام نیز زیارت مختصری میگذارد که قائم مقام زیارت مطولات بسند
معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود که چه
مانع است ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام در هر هفته پنج مرتبه
یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود
که بالای بام خانه خود برو التفات بسوی جانب راست و چپ خود بکن پس سر خود را
بسوی آسمان بلند کن و رو بجانب قبر آنحضرت بگردانی و بگوئی السلام علیک
یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته
تا نوشته شود برای تو ثواب حج و عمره سدیر گفت که بسیار است من در روزی زیاده
از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم فصل هفتم در حقیقت تعقیب و فضیلت و شرایط و آداب
است اما حقیقت آن بنا بر مشهور میان اصحاب رضوان الله تعالی علیهم ذکر و دعا و قرآنست
و ملا محسن کاشی ره تفکر را هم زیاد نموده و گفته علت اینکه اصحاب تفکر را در تعقیب ذکر
نکرده اند با وجود آنکه افضل است اینست که در تعقیب امری از شارع بخصوص
تفکر وارد نشده بلکه امر بتفکر عام است در جمیع احوال و اوقات چنانچه از آیات قرآنیه
و اخبار نبویه ظاهر گردیده و لکن اولی اینست که تفکر هم از اجزای تعقیب قرار داده شود
چنانچه بعضی از اکابر ذکر کرده اند و اما فضیلت پس فضائل آن بسیار و فواید آن
بیشمار و از برای فضل آن همین بس است که حق تعالی در قرآن خطاب بحضرت رسالت
فرموده فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب در تفسیر آن حضرت امام جعفر صادق
فرموده چون فارغ شوی از نماز خود را تعب بده در دعا و بسوی پروردگار خود
رغبت کن و حاجات خود را از او طلب کن و امید خود را از غیر او قطع کن و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام مرویست که یعنی بعد از سلام و فارغ شدن از نماز حاجات دنیا
و آخرت خود را از خدای خود طلب کن و بعد از دعا طلب کن که خدا از تو قبول کند
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر یک از شما که از نماز فارغ گردد دست
بلند کند بسوی آسمان و خود را تعب فکند در دعا از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حق تعالی نمازها را در بهترین ساعتها بر شما واجب گردانیده است پس بر شما
باد بدعا کردن بعد از نمازها از رسول خدا صلعم روایت شده که هر که بعد از فریضه تعقیب

شود میهمان خدای تعالی میباشد و بر خدا لازم است که اکرام و احترام میهمان خود کند و هر
مومنی که بنشیند بجای نماز خود بعد از فریضه صبح و ذکر خدا گوید تا آفتاب بر آید او را
اجر کسی باشد که بیت الله را طواف کرده باشد و گناهان او عفو شود و چون بنشیند
در جای نماز خود تا آنکه بگذرد ساعتی که صالح باشد در آن نماز بعد از آن دو رکعت یا
چهار رکعت نماز بگذارد آمرزیده شود گناهان گذشته او و او را ثواب کسی باشد که طواف
خانه خدا کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که تعقیب فریضه
فاضلتر است از گذاردن نافله و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که فرمود بخدا
سوگند که ذکر خدای تعالی بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب سریعتر است در طلب روزی از
سعی نمودن بشمشیر در روی زمین و از حضرت صادق منقولست که هرگاه بنده از نماز فارغ شود
و از خدا و بخود حاجتی سوال نکند حق تعالی میگوید با ملائکه نظر کنید بسوی این بنده من که
نماز مرا ادا کرد و حاجت خود را از من سوال نکرد گویا او بی نیاز است از من بگیرید نماز او را و
بزنید بر روی او و بسند صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان چون نماز
صبح ادا میکردند تا طلوع آفتاب در مصلای خود می نشستند و مشغول تعقیب میگردیدند پس خریطه
برای وی می آوردند که در آن مسواک بود بیک یک از آنها مسواک میفرمودند پس ابدال کنند
بخوابیدند پس قرآن را بر میگرفتند و تلاوت میکردند و از رسول خدا منقولست که هرکه از طلوع
صبح تا طلوع آفتاب به تعقیب مشغول باشد ثواب حج برای او نوشته شود و اما شرایط و آداب آن
با وضو باشد و نشسته رو بقبله و بهتر آنست که بر هیئت تشهد نشسته باشد و سخن نگوید
در اثنای آن خصوصا در تعقیب نماز شام و بعضی گفته اند جمیع شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند
و ظاهر آنست که اگر بعد از نماز بلا فاصله مشغول تعقیب گردد خوبست خواه نشسته رو
بقبله باشد و خواه نه چنانچه بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود که
پیوسته مومن در نماز و ثواب نماز است مادام که بذکر خدا مشغولست خواه نشسته و
خواه ایستاده و خواه بر پهلو خوابیده و در روایتی وارد شده که تا وضوی نماز داری ثواب تعقیب
داری فصل هشتم در تعقیبات مشترکه هر نماز بدانکه چنانچه مذکور شد تعقیب کامل بر چهار
قسم است اذکار و ادعیه و قرآن و تفکر و ما در این مختصر بعضی از هر یک را ذکر می کنیم ان شاء الله تعالی
قسم اول تکبیرات و تهلیل و تحمید و تسبیح و تکبیرات که بعد از سلام هر یک از نمازها

از نمازهای فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی رو و برگرداند تا بر زانو یا نزدیک ران و گوید
الله اکبر و این تکبیرات اول تعقیبات است چنانچه بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که مفضل بن عمر از آن حضرت پرسید بچه علت نماز گذاران بعد از سلام سه مرتبه تکبیر
میگویند و دست بر میدارند فرمود برای آنکه چون حضرت رسالت پناه مکه را فتح نمود نزد حجر
الاسود نماز ظهر را با اصحاب خود ادا کرد و سه نوبت تکبیر گفت و در هر نوبت دست برداشت
پس گفت لا اله الا الله الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله الها واحدا و نحن له
مخلصون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون لا اله الا
ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده نصر عبده و انجز وعده و اعز
جنده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر پس روی باصحاب کرد و گفت ترک مکنید این تکبیر و این
دعا را بعد از هر فریضه زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را
بر تقویت اسلام و لشکر اسلام اما تهلیل بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هرکه
بعد از فارغ شدن از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را حرکت دهد ده مرتبه این تهلیل را بخواند حق تعالی
چهل هزار هزار گناه او را محو کند و چهل هزار حسنه برای او بنویسد و چنان باشد که دوازده ختم
قرآن کرده باشد و فرمود من صد مرتبه بخوانم و شما ده مرتبه کافیست تهلیل این است اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا اما
تسبیح بسند صحیح از آنحضرت منقولست که هر که این تسبیحات را بعد از نماز فریضه چهل نوبت بخواند
پیش از آنکه از جای نماز حرکت کند هر حاجت که از خدا سوال کند روا گردد و بسند صحیح دیگر
از حضرت بعنوان سی مرتبه است و تسبیح اینست سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر دیگر خواندن تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فضیلت آن زیاده از حد و
حصر است چنانچه بسندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه تسبیح فاطمه را
بعد از نماز بگوید پیش از آنکه پاها را از هیئت نماز بگرداند آمرزیده شود و بهشت را بر او واجب
کرده و آن بنا بر اظهر و اشهر سی و چهار مرتبه الله اکبر است و سی و سه مرتبه الحمد لله است و سی و سه مرتبه
سبحان الله است و سنت است که بعد از تمام کردن تسبیح لا اله الا الله بگوید و بهتر آنست
که به تربت امام حسین علیه السلام حساب آنها را نگاه دارند و آن در جمیع اذکار سنت است و بوسیله

تسبیح تربت حضرت را با خود داشتن مستحب است و حرز از بلاها است و موجب ثواب بی انتها
منقول است که در ابتدا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رشته از پشم تابیده بودند و بر آن
گره ها زده بودند و بآن تسبیح می کردند تا آنکه حمزة بن عبد المطلب شهید شد پس حضرت از
تربت قبر آن شهید بزرگوار خاک برگرفت و تسبیح ساخت و بآن تسبیح میکرد و مردم نیز چنان کردند
و چون سید الشهداء الحسین بن علی علیهما السلام شهید شد سنت شد که از تربت آن امام
مظلوم تسبیح سازند و بآن ذکر گویند لیکن بسند صحیح از همان حضرت ما بالخصوص تسبیح نقل
شد که بعد از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام این دعا بخواند لا اله الا الله ان الله و ملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما لبیک اللهم ربنا
لبیک و سعدیک اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی اهل بیت محمد و علی
ذریة محمد و السلام علیه و علیهم و رحمة الله و برکاته و اشهد ان التسلیم منا
لهم و الایمان بهم و التصدیق لهم ربنا آمنا و صدقنا و اتبعنا الرسول فاکتبنا
مع الشاهدین اللهم صب الرزق علینا صبا صبا بلاغا للآخرة و الدنیا
من غیر کد و لا نکد و لا من من احد من خلقک الا سعة من رزقک و
طیبا من وسعک من بذلک الملاء عفافا الا من ایدی لئام خلقک انک علی
کل شیء قدیر اللهم اجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی
و الاخلاص فی عملی و السعة فی رزقی و ذکرک باللیل و النهار علی لسانی
و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی اللهم لا تجعلنی حیث نهیتنی و بارک لی فیما
اعطیتنی و ارحمنی اذا توفیتنی انک علی کل شیء قدیر شیخ کفعمی روایت کرده است
که حضرت رسالت در شب معراج ملکی را دید که هزار هزار سر داشت و در هر سری
هزار هزار رو و در هر رویی هزار دهان و در هر دهانی هزار هزار زبان و در هر زبانی
هزار هزار لغت روزی آنحضرت سؤال کرد که آیا تو را بنده هست که عبادتش مانند
عبادت من باشد حق تعالی وحی کرد که مرا در زمین بنده هست که عبادتش از تو
فزون تر و تسبیحش از تو بیشتر است پس آن ملک از حق تعالی رخصت طلبید که بزیارت او
رود و چون رخصت یافت و بزمین آمد ندید از عبادت او مگر آنکه بعد از هر نماز
این تسبیحات را میخواند سبحان الله کلما سبح الله شیء و کما یحب الله ان یسبح و کما هو

و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و الحمد لله کلما حمد الله شیء
و کما یحب الله ان یحمد و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و لا
اله الا الله کلما هلل الله شیء و کما یحب الله ان یهلل و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم
وجهه و عز جلاله و الله اکبر کلما کبر الله شیء و کما یحب الله ان یکبر و کما هو اهله
و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
عدد کل نعمة انعم بها علی و علی کل احد من خلقه ممن کان او یکون الی
یوم القیامة اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و اسئلک من خیر
ما ارجو و من خیر ما لا ارجو و اعوذ بک من شر ما احذر و من شر ما لا احذر و این
دعا اگر چه در سندش ضعیفی هست اما در جمیع کتب دعا مذکور است قسم دوم از تعقیبات
مشترکه که ادعیه است یا استغفار است یا استعاذه است یا تولی یا تبری برا اعدا یا
صلوات و سلام بر سید کاینات یا دعا برای حصول مطالب دیگر اما استغفار بسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر مرویست که هر که بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاها را بگرداند
سه مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام و
اتوب الیه همه گناهان او آمرزیده شود اگر چه برابر کف دریاها و اوراق اشجار باشد
دیگر بسند معتبر از حضرات ائمه علیهم السلام مرویست که چون از تشهد فارغ شوی بلند
کن دستها را و بگو اللهم اغفر لی مغفرة عزما حزما لا تغادر ذنبا و لا ارتکب
بعدها محرما ابدا و عافنی معافاة لا اتوی بعدها ابدا و اهدنی هدی لا اضل
بعده ابدا و انفعنی یا رب بما علمتنی و اجعله لی و لا تجعله علی و ارزقنی کفافا و
رضنی به یا ربنا و تب علی یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم
ارحمنی من النار ذات السعیر و ابسط علی من سعة رزقک و اهدنی لما اختلف فیه
من الحق باذنک و اعصمنی من الشیطان الرجیم و ابلغ محمدا صلی الله علیه و آله عنی
تحیة کثیرة و سلاما و اهدنی بهداک و اغننی بغناک و اجعلنی من اولیائک المخلصین
و صلی الله علی محمد و آل محمد آمین آمین اما استعاذه بسند معتبر از علی بن مهزیار روایت
شده است که محمد بن ابراهیم بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام نوشت که اگر مصلحت دانی
ای سید و آقای من تعلیم کن مرا دعائی که بعد از نماز ها بخوانم تا حق تعالی جمع نماید برای من

خبر دهد او را و اگر ترسد از آن حضرت نوشت که میگوئی بعد از هر نماز اعوذ بوجهک
الکریم و بعزتک التی لا ترام و بقدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا و
الآخرة و من شر الأوجاع کلها و در بعضی روایات این تتمه را دارد و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم ایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
هر که بگوید بعد از هر نماز اعیذ نفسی و مالی و ولدی و اهلی و داری و کلما هو منی
بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و اعیذ
نفسی و مالی و ولدی و کل ما هو منی برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق
اذا وقب و من شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد و اعیذ نفسی و
مالی و ولدی و کلما هو منی برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة و الناس و اعیذ نفسی و مالی
و ولدی و کل ما هو منی بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا
نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین
ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات
و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد
من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام
لها و الله سمیع علیم الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین
کفروا اولیاؤهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب
النار هم فیها خالدون حفظ کند او را حق تعالی در نفس و مال و اولاد و خانه اش
ایضا بسند معتبر از آن حضرت علیه السلام مرویست که هر که بعد از نماز فریضه این دعا بخواند تا
از بالهای جبرئیل او را احاطه کند محفوظ باشد جان و اهل و مال او استودع الله
العلی الاعلی العظیم الجلیل نفسی و اهلی و مالی و ولدی و من یعنینی امره و استودع
الله المرهوب المخوف المتضعضع لعظمته کل شیء نفسی و اهلی و مالی و من یعنینی امره
[illegible] بسند معتبر از محمد بن سلیمان دیلمی مرویست که گفت بخدمت حضرت صادق
عرض کردم که شیعیان تو میگویند ایمان بر دو قسم است یکی آنکه مستقر و ثابت است و
دیگری آنکه بامانت سپرده شده و زایل میگردد پس مرا بیاموز دعائی که هرگاه بخوانم

بخوانم ایمان من کامل گردد و زایل نشود فرمود که بگو بعد از هر نماز فریضه رضیت بالله
ربا و بمحمد نبیا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بالکعبة قبلة و بعلی ولیا
و اماما و بالحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی
بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة بن الحسن
صلوات الله علیه و علیهم ائمة اللهم انی رضیت بهم ائمة فارضنی لهم انک
علی کل شیء قدیر اما نفرین بر اعدا بسند معتبر از آن حضرت مرویست که آنحضرت بعد
هر نماز فریضه چهار مرد و چهار زن را نفرین می کردند و ایشان را نام می بردند و میفرمودند
اللهم العن ابا بکر و عمر و عثمان و معاویة و عایشة و حفصة و هندا و ام الحکم
ام الحکم خواهر معویه است و هرگاه خوف تقیه باشد بگوید اللهم العن فلانا و فلانا و فلا
نا و فلانا و فلانة و فلانة و فلانة و فلانة و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود از جای نماز بر
مخیز تا نفرین نکنی بنی فلان یعنی بنی امیه را پس باید بگوئی اللهم العن بنی فلان
اما صلوات باین طریق بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجرنی من النار و
ارزقنی الجنة و زوجنی الحور العین اما سلام بسند صحیح مرویست که بزنطی بخدمت حضرت
امام رضا علیه السلام عرض کرد که ما دانستیم صلوات بر حضرت پیغمبر بعد از هر نماز
پس بفرمائید که سلام بر آنحضرت چگونه باید کرد حضرت فرمود چنین بگویید السلام
علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا محمد بن عبد الله السلام علیک
یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک
یا امین الله اشهد انک رسول الله و اشهد انک محمد بن عبد الله و اشهد انک
قد نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل ربک و عبدته مخلصا حتی اتیک الیقین
فجزاک الله یا رسول الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد و آل
محمد افضل ما صلیت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید اما سایر
ادعیه بسندهای صحیح و غیر صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما
السلام مرویست که کمتر چیزی که مجزیست تو را از دعا در عقب نمازهای واجب آنست
که بگوئی اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم انی اسئلک من کل خیر احاط
به علمک و اعوذ بک من کل شر احاط به علمک اللهم انی اسئلک عافیتک

في أموري كلها وأعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة وبسند معتبر از حضرت
موسى بن جعفر عليه السلام مرويست كه از جمله حق واجب بر شيعيان آن است
كه پاهاي خود را بر نگردانند از نماز فريضه تا آنكه بگويند اللهم ببرك القديم ورأفتك
ببريتك اللطيفة وشفقتك بصنعتك المحكمة وقدرتك بسترك الجميل وعلمك صل
على محمد وآل محمد وأحي قلوبنا بذكرك واجعل ذنوبنا مغفورة وعيوبنا مستورة
وفرائضنا مشكورة ونوافلنا مبرورة وقلوبنا بذكرك معمورة ونفوسنا
بطاعتك مسرورة وعقولنا على توحيدك مجبورة وأرواحنا على دينك مفطورة
وجوارحنا على خدمتك مقهورة وأسماءنا في خواصك مشهورة وحوائجنا لديك
ميسورة وأرزاقنا من خزائنك مدرورة أنت الله الذي لا إله إلا أنت لقد
فاز من والاك وسعد من ناجاك وعز من ناداك وظفر من رجاك وغنم من قصدك
وربح من تاجرك ديگر از امام محمد باقر عليه السلام مرويست كه از براي آخرت خود بعد از
هر نماز ميگويي اللهم اهدني من عندك وأفض علي من فضلك وانشر علي من
رحمتك وأنزل علي من بركاتك پس حضرت فرمود هر كه براين دعا مواظبت نمايد و
عمدا ترك نكند تا وقت مردن چون بصحراي محشر در آيد هشت در بهشت براي او گشوده
شود كه از هر دري كه خواهد داخل شود وبسند صحيح از حضرت صادق عليه السلام مرويست
كه جبرئيل نزد حضرت يوسف آمد در زندان و گفت بعد از هر نماز فريضه بگو
اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا وارزقني من حيث أحتسب ومن حيث لا أحتسب و
بسند معتبر از حضرت امير المؤمنين عليه السلام مرويست كه چون از نماز فارغ شوي بگو
اللهم اجعلني مع محمد وآل محمد في كل عافية وبلاء واجعلني مع محمد وآل محمد
في كل مثوى ومنقلب اللهم اجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم واجعلني معهم
في المواطن كلها ولا تفرق بيني وبينهم إنك على كل شيء قدير و ديگر بسند معتبر
از جميل بن دراج مرويست كه مردي بخدمت حضرت امام جعفر صادق عليه السلام
عرض كرد اي مولاي من سنم بالا رفته است وخويشان من مرده‌اند و مونسي ندارم و مي‌ترسم
كه مرا امر برسد حضرت فرمود برادران مؤمن صالح از براي تو از خويشان بهتر اند از
اقارب و اگر درازي عمر خود و خويشان و دوستان ميخواهي بعد از هر نماز

بخوان اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم إن رسولك الصادق المصدق
صلواتك عليه وآله قال إنك قلت ما ترددت في شيء أنا فاعله كترددي في
قبض روح عبدي المؤمن يكره الموت وأكره مساءته اللهم فصل على محمد
وآل محمد وعجل لوليك الفرج والعافية والنصر ولا تسؤني في نفسي ولا
في أحد من أحبتي و اگر خواهي كه نام ببري از دوستان خود را بجاي ولا في أحد
بگو ولا في فلان ولا في فلان بسند ديگر معتبر مرويست كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام
بعد از هر نماز فريضه اين دعا ميخواندند اللهم إليك رفعت الأصوات ولك عنت الوجوه
ولك خضعت الرقاب وإليك التحاكم في الأعمال يا خير من سئل ويا خير من أعطى
يا صادق يا بار يا من لا يخلف الميعاد يا من أمر بالدعاء وتكفل بالإجابة يا من
قال ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين
يا من قال وإذا سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان
فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون ويا من قال يا عبادي الذين أسرفوا على
أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إن الله يغفر الذنوب جميعا إنه هو الغفور الرحيم لبيك
وسعديك ها أنا ذا بين يديك المسرف على نفسي وأنت القائل يا عبادي الذين
أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إن الله يغفر الذنوب جميعا إنه هو الغفور الرحيم
وبسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه فرمود از جمله حقوق لازم ما
و شيعيان ما آن است كه از جاي نماز برنخيزند تا اين دعا بخوانند اللهم إني أسألك
بحقك العظيم العظيم صل على محمد وآله الطاهرين أن تصلي عليهم صلوة تامة دائمة
وأن تدخل على محمد وآل محمد ومحبيهم وأوليائهم حيث كانوا وأين كانوا في سهل
أو جبل أو بر أو بحر من بركة دعائي ما تقر به عيونهم احفظ يا مولاي الغائبين
منهم واردد هم إلى أهاليهم سالمين ونفس عن المهمومين وفرج عن المكروبين
واكس العارين وأشبع الجائعين وأرو الظامئين واقض دين الغارمين و
زوج العازبين واشف مرض المسلمين وأدخل على الأموات ما تقر به عيونهم
وانصر المظلومين من أولياء آل محمد عليهم السلام وأطف نائرة المخالفين اللهم
وضاعف لعنتك وبأسك ونكالك وعذابك على الذين كفروا نعمتك وخونوا

رسولك وآذيا بنتك وآباه وحلا عقده في وصيه ونبذا عهده في خليفته من بعده
وادعيا مقامه وغيرا احكامه وبدلا سنته وقلبا دينه وصغرا قدر حججك وبدءا
بظلمهم وطرقا طريق الغدر عليهم والخلاف عن امرهم والقتل لهم وارهاج الحروب
عليهم ومنع خليفتك من سد الثلم وتقويم العوج وتثقيف الاود وامضاء الاحكام
واظهار دين الاسلام واقامة حدود القران اللهم العنهما وابنتيهما واتباعهما و
كل من مال ميلهم وحذا حذوهم وسلك طريقهم وتصدر ببدعتهم لعنا لا يخطر على
بال ويستعيذ منه اهل النار العن اللهم من دان بقولهم واتبع امرهم ودعا الى
ولايتهم وشك في كفرهم من الاولين والاخرين پس مرد دعائى كه خواهى بكن ديگر
از حضرت امام رضا عليه السلام مرويست كه از براى طلب روزى بعد از هر نماز فريضه
اين دعا بخوان يا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير الصامتين ويا من لكل مسئلة
منك سمع حاضر وجواب عتيد ولكل صامت منك علم باطن محيط اسئلك
بمواعيدك الصادقة واياديك الفاضلة ورحمتك الواسعة وسلطانك القاهرة
وملكك الدائم وكلماتك التامات يا من لا تنفعه طاعة المطيعين ولا تضره معصية
العاصين صل على محمد وال محمد وارزقني من فضلك واعطني فيما ترزقني العافية
برحمتك يا ارحم الراحمين واز حضرت صادق عليه السلام مرويست كه هر كه بعد از هر نماز
فريضه اين دعا بخواند نميرد تا آنكه حضرت صاحب الامر صلوات الله عليه را در بيدارى يا در خواب
ببيند بسم الله الرحمن الرحيم اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان اينما كان وحيثما كانت
من مشارق الارض ومغاربها سهلها وجبلها عني وعن والدي وعن ولدي
ولخواني التحية والسلام عدد خلق الله وزنة عرش الله وما احصاه كتابه
واحاط به علمه اللهم اني اجدد في صبيحة هذا اليوم وما عشت فيه من ايام
حيوتي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي لا احول عنها ولا ازول اللهم اجعلني من
انصاره ونصاره الذابين عنه والممتثلين لاوامره ونواهيه في ايامه والمستشهدين
بين يديه اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا
فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر
والبادي اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل بصري بنظرة مني

بنظرة مني اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه اللهم اشدد ازره وقو ظهره وطول
عمره اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد
في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن بنت نبيك
المسمى باسم رسولك صلواتك عليه وآله حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا
مزقه ويحق الله الحق بكلماته ويحققه اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه
الامة بظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا وصلى الله على محمد وآله قسم سيم
از تعقيبات مشترك كه هر نماز كه قرائت است بسندهاى معتبر از حضرت امير المؤمنين ع
منقولست كه هر كه خواهد بيرون رود از دنيا وحال آنكه پاك شده باشد از گناهان چنانكه
پاك ميشود طلا از غش واز او احدى طلب نخواهد مظلمه نمايد در روز قيامت بخواند بعد
از هر نماز فريضه نسبت پروردگار يعنى سوره مباركه قل هو الله احد دوازده
مرتبه پس دستها بسوى آسمان بگشايد واين دعا بخواند پس حضرت فرمود اين از رازهاى
مكنونست كه تعليم كرد مرا رسول خدا وامر كرد مرا كه تعليم نمايم حسن وحسين صلوات الله عليهما
دعا اينست اللهم اني اسئلك باسمك المكنون المخزون الطهر الطاهر المبارك
واسئلك باسمك العظيم وسلطانك القديم يا واهب العطايا يا مطلق الاسارى يا
فكاك الرقاب من النار صل على محمد وال محمد وفك رقبتي من النار واخرجني
من الدنيا امنا وادخلني الجنة سالما واجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه نجاحا
واخره صلاحا انك انت علام الغيوب ديگر قرائت سوره فاتحه واية الكرسى وشهد الله
واية الملك است از حضرت پيغمبر مرويست كه چون حق تعالى امر كرد اين ايات را بنزول دست در
جنگ زدند در عرش الهى وگفتند پروردگارا ما را بسوى اهل خطاها وگناهان ميفرستى
پس حق تعالى وحى كرد بسوى ايشان كه برويد بسوى زمين بعزت وجلال خود سوگند ياد
ميكنم كه تلاوت نكند شما را احدى از ال محمد وشيعيان ايشان مگر آنكه نظر رحمت كنم
بسوى او از رحمتهاى پنهان خود هر روزى هفتاد نظر كردن واگر نكنم هر روز هفتاد حاجت او
برآورم كه كمتر آنها آمرزيدن گناهان باشد واگر نكنم پناه دهم او را از شر هر دشمنى ويارى
دهم او را برايشان ومانع نشود او را از داخل شدن بهشت مگر مردن وسوره مباركه حمد بخواند
وبعد اية الكرسى واين اية شهادت يعنى شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم

فائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب پس آیة الملک را یعنی قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک
من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک
علی کل شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت
وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب دیگر تلاوت قرآن است بدانکه
احادیث وارده در فضل آن بسیار است از آنجمله حدیث مشهور است که فرموده افضل
عبادات امت من تلاوت قرآن است ایضا از آنحضرت مرویست که فرمود عطا کنید
چشمهای خود را حظ آنرا از عبادت عرض کردند چیست حظ آن از عبادت فرمود که
نظر کردن در مصحف و تفکر نمودن در آن و عبرت گرفتن در نزد عجایبش و در وقت گرفتن
قرآن از برای تلاوت از اهل بیت عصمت این دعا وارد شده اللهم انی اشهد ان هذا کتابک
المنزل من عندک علی رسولک محمد بن عبد الله وکلامک الناطق علی لسان نبیک
جعلته هادیا منک الی خلقک وحبلا متصلا فیما بینک وبین عبادک اللهم انی
نشرت عهدک وکتابک اللهم فاجعل نظری فیه عبادة وقراءتی فیه ذکرا
وفکری فیه اعتبارا واجعلنی ممن اتعظ ببیان مواعظک فیه واجتنب معاصیک
ولا تطبع عند قراءتی علی قلبی ولا علی سمعی ولا تجعل علی بصری غشاوة ولا
تجعل قراءتی قراءة لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر آیاته واحکامه آخذا بشرایع دینک
ولا تجعل نظری فیه غفلة ولا قراءتی هذرا انک انت الرؤوف الرحیم ایضا از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که فرمود در این دعا اشاره است بسوی آنکه قراءت سزاوار است
با تدبر و تفکر و اعتبار باشد که هرگاه بدون اینها باشد باعث طبع قلب و سمع و غشاوه
بصر میگردد چنانچه از آنحضرت مرویست که فرمود بسا قاری قرآن که قرآن او را لعن میکند
یعنی دور میسازد او را از خدای تعالی و سزاوار است ترتیل و آرام قراءت کند نه بر سبیل تعجیل
و سرعت لسان چنانچه خدای تعالی در قرآن فرموده ورتل القرآن ترتیلا و ترتیل چنانچه از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده عبارت است از محافظت کردن وقفها و بیان حروف
تفسیر کرده شده است اول بوقف تام و حسن و ثانی باوردن صفات معتبره از همس و جهر و اطباق

وجهر و اطباق و استعلاء و غیر اینها از آنچه در علم قراءت مبین است و بذکر مجملی از اینها
اکتفا می نمائیم و از جمله آداب قراءت آنست که باید طاهر و با وضو باشد و رو بقبله آرام
دل سر بزیر افکنده و باید تکیه بچیزی نکرده باشد و چهار زانو ننشسته باشد بلکه
بنشیند و در اول قراءت بخاطر بگذراند تعظیم کلام را باعتبار تعظیم متکلم و قراءت نکند آنرا
مگر آنکه بگردد بصفت آن یعنی از برای او بحسب فهمش حالی و وجدی بهم رسد پس در نزد
ذکر رحمت و وعده مغفرت مستبشر گردد که گویا از فرح و سرور میخواهد بپرد و سؤال کند از
خدا بدل و زبان آن رحمت و مغفرت را و در نزد ذکر غضب و شدت عقاب چنان اندوهگین
شود که گویا میمیرد از خوف و پناه جوید بخدا بزبان و دل و در نزد ذکر خدا و اسماء الله و عظمتش
بمرتبه کوچک شود که گویا مشاهده جمال الهی میکند و باید جهد و جهد کند تا آنکه ظاهر شود
آثار استبشار و استبصار و انقباض بر اعضا و جوارحش مثل آنکه در خوف و حزن یا خشیت
گریه کند و در نزد حیا پیشانیش عرق نماید و در نزد هیبت و جلال لرزیدن و ارتعاش در اعضا
و در نزد استبشار انبساط و سرور در وجه و بشره بهم رساند و باید نظر کند در قرآن و از حفظ
نخواند بعلت آنکه نظر کردن در آن هم عبادتست و باید مقصودش سوره تمام کردن و بسیار
خواندن نباشد چه قلیل با تدبر و تفکر بهتر از کثیر بی تدبر و تفکر است و باید هر روز
کمتر از پنجاه آیه تلاوت نکند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده
ایضا از حضرت رسول مرویست که فرمود هر که این دعا را بعد از تلاوت قرآن بخواند خدای تعالی
عطا کند او را بهر حرفی پنجاه هزار حسنه و محو نماید از نامه اعمال او پنجاه هزار سیئه و دعا
این است اللهم بالحق انزلته وبالحق نزل اللهم عظم رغبتی فیه واجعله شفاء لصدری
ونورا لبصری وذهابا لهمی وحزنی اللهم زین به لسانی وجمل به وجهی وقو به جسدی
وثقل به میزانی وارزقنی تلاوته علی طاعتک آناء اللیل واطراف النهار واحشرنی
مع النبی محمد وآله الاطهار و در نزد سجده واجبه سنت تلاوت این دعا نماید لا اله
الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله الا الله عبودیة ورقا سجدت لک
یا رب تعبدا ورقا لا مستکبرا ولا مستنکفا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر و در نزد فراغ
از تلاوت این دعا بخواند اللهم انی قد قرأت ما قضیت من کتابک الذی انزلته علی
نبیک الصادق صلی الله علیه وآله فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله ویحرم حرامه

وتؤمن بحكمه ومتشابهه ولتجعله انيساً في قبري وانيساً في حشري ولتجعلني ممن ترقيه
بكل آية درجة في أعلا عليين آمين رب العالمين و بهتر آنست كه در روز ختم قرآن
دعاي صحيفه سجاديه را بخواند قسم چهارم از تعقيبات مشتركه كه عبارة از فكر باشد
مرجعش بدو چيز است اول آنكه محاسبه كند نفس را در آنچه پيش كرده و الحال ميكند
پس اگر گناهي از وي صادر شده باستغفار و توبه و ندامت و گريه تلافي آن نموده و ديگر
آنكه تفكر نمايد يكمرتبه در نعماء و آلاء ظاهره و باطنه متواتره غير متناهيه جناب مقدس
الهي تا زياده شود معرفتش و بسيار گردد شكرش چه هرچند تفكر بيشتر شود معرفت زياده
تر ميگردد و معرفت كه زيادتر گشت شكر زيادتر ميشود و گاهي تفكر در عقوبات و نقمات
حضرت باري جلت كبرياؤه تا زياده شود معرفتش بقدرت او و سبحانه و استغناء او
از ما سوى و بسيار شود خوفش چه معرفت بقدرت سبب خوف و خشيت است و اين
تفكر بحسب اشخاص مختلف است در شدت و ضعف و ترتب آثر و مجملا تفكر اشرف عبادات است
چنانچه در حديث است كه تفكر ساعة خير من عبادة ستين سنة يعني فكر كردن بنحوي
كه مذكور شد در يكساعت بهتر است از عبادت شصت سال و سر در اين است كه
در فكر معني ذكر هست با زيادتي دو امر يكي زيادتي معرفت بعلت آنكه فكر كليد معرفت است
و بسبب فكر معرفت حاصل ميشود و ديگر زيادتي محبت زيرا كه فرع معرفت است تا شيء
شناخته نشود هرچند خوب باشد دوست نباشد و معرفت حاصل ميگردد و ذكر هرچند
باعث انس شود و انس هم نوعي از محبت باشد لكن محبتي كه سبب و علتش معرفت است
اقوى و اثبت و احكم و اعظم است و در بهتر بودن تفكر از عبادت دو وجه ذكر كرده اند
يكي آنكه تفكر ميرساند بنده را بسوي خدا و عبادت بسوي ثواب و مزد خدا و معلوم است كه
موصل بخدا بهتر است از موصل بغير خدا ديگر آنكه تفكر عمل قلب است و عبادت و طاعت عمل
اعضا و جوارح و شك نيست كه عمل قلب اشرف است از عمل جوارح فصل نهم در بيان
آنچه مشتركست ميان نماز صبح و شام باشد بدانكه بسند صحيح از حضرت صادق عليه السلام منقول است
كه هركه بعد از نماز صبح يا نماز مغرب پيش از آنكه سخن گويد هفت مرتبه بگويد بسم الله
الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حق تعالى رفع كند از او هفتاد
نوع از انواع بلا را كه آسانترش خوره و پيسي باشد و نوشته ميشود در ديوان سعداء هرچند

هرچند شقي باشد ايضاً بسند صحيح از آنحضرت مرويست كه هركه بعد از نماز صبح و شام
پيش از آنكه پاها بگرداند يا با احدي سخن گويد اين صلوات را بخواند حق تعالى صد حاجت
او را روا كرداند هفتاد از حاجات آخرت و سي از حاجت دنيا إن الله وملائكته
يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم صل على
محمد النبي وعلى ذريته وعلى أهل بيته ايضاً از آنحضرت عليه السلام بسند معتبر
مرويست كه هركه بعد از نماز صبح و شام پيش از آنكه زانوهاي خود را بگرداند ده مرتبه
اين تهليل را بخواند خدا را ملاقات نكند احدي بهتر از عمل او مگر كسي كه مثل عمل او كرده باشد
لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير ايضاً بسند صحيح از حضرت امام محمد باقر
مرويست كه هركه بعد از نماز صبح و مغرب بگويد سبحانك لا إله إلا أنت اغفر لي ذنوبي
كلها جميعا فإنه لا يغفر الذنوب كلها جميعا إلا أنت حق تعالى بملكي حكم كند كه بنويسيد
براي بنده من آمرزش گناهان او را براي آنكه دانسته و اقرار دارد كه گناهان را كسي
بغير از من نمي آمرزد و بسند صحيح مرويست كه مردي بمجلس حضرت صادق عليه السلام عرض كرد
كه در چشم بسيار ميكشم حضرت فرمود ميخواهي ترا دعائي تعليم كنم كه نافع باشد
براي دنيا و آخرت تو و از درد چشم امان يابي عرض كرد بلي فرمود بعد از نماز صبح و شام
بگو اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد عليك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
تجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والإخلاص في عملي والسلامة
في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك أبدا ما أبقيتني ايضاً بسند معتبر از آن
حضرت منقولست كه بعد از نماز صبح و شام ده مرتبه بگو أستعيذ بالله من الشيطان
الرجيم پس بگو اكتبنا رحمكما الله بسم الله الرحمن الرحيم أمسيت وأصبحت بالله مؤمنا
على دين محمد صلى الله عليه وآله وسلم وسنته وعلى دين علي عليه السلام وسنته
وعلى دين فاطمة عليها السلام وسنتها وعلى دين الأوصياء صلوات الله عليهم
وسنتهم آمنت بسرهم وعلانيتهم وغيبهم وشهادتهم وأستعيذ بالله في ليلتي
هذه ويومي هذا مما استعاذ منه محمد وعلي وفاطمة والأوصياء صلى الله عليهم
وأرغب إلى الله فيما رغبوا فيه لا حول ولا قوة إلا بالله فصل دهم در تعقيبات

مختصه نماز صبح است و آن بر چهار نوع است نوع اول در آنچه مختصر و یکبار است
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که اراده کند داخل شدن بهشت را از هر
دری که خواسته باشد بگوید هر روز در عقب نماز صبح الحمد لله الذی اذهب اللیل
بقدرته و جاء بالنهار برحمته خلقا جدیدا و نحن فی عافیة منه بمنه و کرمه
و جوده مرحبا بالحافظین و التفات کند بجانب راست و بگوید مرحبا بکما لله من
کاتبین و شاهدین و التفات کند بجانب چپ و بگوید اکتبا رحمکما الله بسم الله
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و
اشهد ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور علی ذلک احیی
و علیه اموت و علیه ابعث ان شاء الله اقرئا محمدا صلی الله علیه و آله منی
السلام و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرویست که هر که این دعا را
بعد از نماز صبح بخواند هر حاجتی که طلب نماید بر آورده شود و کفایت کرده شود هم او
بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله و افوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا
بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ما شاء الله
لا ما شاء الناس ما شاء الله و ان کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق
من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی من کان
مذ کنت لم یزل حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
و بسند معتبر مرویست در ضمن حدیثی که حضرت صادق علیه السلام چون از نماز صبح فارغ
میشد دست مبارک بسوی آسمان بلند میکرد و میگفت اصبحنا و اصبح الملک لله اللهم
انا عبیدک و ابناء عبیدک اللهم احفظنا من حیث نحتفظ و من حیث لا نحتفظ اللهم
احرسنا من حیث نحترس و من حیث لا نحترس اللهم استرنا بالغنی و العافیة اللهم
ارزقنا العافیة و دوام العافیة و ارزقنا الشکر علی العافیة و در کفعمی از حضرت
روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بگوید اللهم صل علی محمد و آل
محمد و عجل فرجهم نمیرد تا قائم آل محمد را ملازمت کند ایضا مرویست که حضرت رسول

رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون از نماز صبح فارغ میشدند این دعا میخواندند اللهم
متعنی بسمعی و بصری و اجعلهما الوارثین منی و ارنی ثاری فی عدوی ایضا بسند
معتبر مرویست که بعد از نماز صبح این دعا بخوانند اللهم لک الحمد حمدا خالدا مع خلودک
و لک الحمد حمدا لا منتهی له دون رضاک و لک الحمد حمدا لا امد له دون مشیتک و
لک الحمد حمدا لا جزاء لقائله الا رضاک اللهم لک الحمد و الیک المشتکی و انت المستعان اللهم
لک الحمد حمدا کما انت اهله الحمد لله بمحامده کلها علی نعمائه کلها حتی ینتهی الحمد الی
حیث ما یحب ربی و یرضی و بسند صحیح مرویست که حضرت رسول بعد از نماز صبح این دعا
میخواندند اللهم انی اعوذ بک من الهم و الحزن و العجز و الکسل و البخل و الجبن و ضلع
الدین و غلبة الرجال و بوار الایم و الغفلة و الذلة و القسوة و العیلة و المسکنة
و اعوذ بک من نفس لا تشبع و من قلب لا یخشع و من عین لا تدمع و من دعاء لا یسمع
و من صلاة لا تنفع و اعوذ بک من امرأة تشیبنی قبل اوان مشیبی و اعوذ بک
من ولد یکون علی ربا و اعوذ بک من مال یکون علی عذابا و اعوذ بک من صاحب
خدیعة ان رای حسنة دفنها و ان رای سیئة افشاها اللهم لا تجعل لفاجر
علی یدا و لا منة نوع دوم در آنچه از سه مرتبه تا یازده مرتبه باید خواند از رسول خدا
منقولست که چون از نماز صبح فارغ میشدند صدا بلند میفرمودند که صحابه
میشنیدند و سه مرتبه میگفتند اللهم اصلح لی دینی الذی جعلته لی عصمة پس
سه مرتبه اللهم اصلح لی دنیای التی جعلت فیها معاشی پس سه مرتبه اللهم
اصلح لی آخرتی التی جعلت الیها مرجعی پس سه مرتبه اللهم انی اعوذ برضاک
من سخطک و اعوذ بعفوک من نقمتک پس سه مرتبه اللهم انی اعوذ بک لا
مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد دیگر در ضمن
دعای اللهم لک الحمد نوع اول روایت کرده که بعد از نماز صبح پیش از آنکه
سخن بگوید چهار مرتبه این دعا بخواند الحمد لله ملأ المیزان و منتهی الرضا و زنة
العرش و سبحان الله ملأ المیزان و منتهی الرضا و زنة العرش و لا اله الا الله
ملأ المیزان و منتهی الرضا و زنة العرش و الله اکبر ملأ المیزان و منتهی الرضا
و زنة العرش پس بگوید اسألک مسألة العبد الذلیل ان تصلی علی محمد

وآل محمد وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضی لنا حوائجنا فی الدنیا والآخرة فی یسر منک
وعافیة ایضاً بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله فرمود هر که هر روز در عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم
وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی او را عافیت دهد
از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و خانه بر سرش فرود آمدن و خرافت
در هنگام پیری ایضاً شیخ طوسی و دیگران گفته اند که بعد از نماز صبح ده مرتبه
این دعا بخواند اللهم اقذف فی قلوب العباد محبتی وضمن السموات والارض
رزقی والق الرعب فی قلوب عدوک منی وانشر رحمتک لی واتمم نعمتک علی
واجعلها موصولة بکرامتک ایای واوزعنی شکرک واوجب لی
المزید من لدنک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین ایضاً ده مرتبه بگوید
اللهم یسر لنا ما نخاف عسرته وسهل لنا ما نخاف حزونته ونفس عنا ما نخاف
کربته واکشف عنا ما نخاف غمه واصرف عنا ما نخاف بلیته یا ارحم
الراحمین ایضاً ده مرتبه بگوید اللهم لا تنزع منی صالح ما اعطیتنیه ابداً ولا تردنی
فی سوء استنقذتنی منه ابداً ولا تشمت بی عدواً ولا حاسداً ابداً ولا تکلنی
الی نفسی طرفة عین ابداً ایضاً ده مرتبه بگوید اللهم بارک لی فیما اعطیتنی و
بارک لی فیما رزقتنی وزدنی من فضلک واجعل لی المزید من کرامتک ایضاً
از آن حضرت مرویست که هر که سوره مبارکه انا انزلناه را ده مرتبه در عقب نماز صبح
بخواند حق تعالی ثبت نماید در هر رکعت او شصت سال که بنویسند ثواب برای
او و دیگر بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هر که بعد از
نماز صبح یازده مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند در آن روز گناهی بر آن نوشته نشود
نوع سیم از تعقیب نماز صبح اذکاری است هفتاد بار نافعه بار است بسندهای صحیح و معتبر
از حضرت خیر البشر و ائمه اثنی عشر علیهم سلام الله الخالق الاکبر مرویست که هر که
در عقب نماز صبح بخواند این اذکار را قیام و اقدام نماید بلا شک و شبهه بفوائد دنیا و
عقبی برسد و هر کرم و الم و سختی باو نرسد و ابواب رزق بروی گشاده گردد و جمیع
گناهانش بخشیده شود و دوزخ بر او حرام گردد و نزد خواهد گوید الهی و خالقی

وخالق این بنده را که بذکر تو مشغول است از شر من محفوظ دار و بهشت از حضرت عزت
در خواهد که او را در غرفهای من جای ده و صد نوع بلا را از او بگردانند و عمرش زیاد
کرده اند و غنی و توانگرش کرده اند و اذکار این است استغفر الله ربی واتوب الیه
دیگر ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر لا اله الا الله الملک
الحق المبین دیگر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر دیگر اسئل الله
العافیة دیگر استجیر بالله من النار دیگر اسئل الله الجنة دیگر اللهم اوسع علی
رزقی وامدد لی فی عمری واغفر لی ذنبی واجعلنی ممن تنتصر به لدینک دیگر سبحان الله
وبحمده استغفر الله واسئله من فضله دیگر اللهم صل علی محمد وآل محمد
وعجل فرج آل محمد واعتق رقبتی من النار و اذکار مذکوره را اگر هفتاد بار یا
بار نتوانند بده بار اکتفا میتوانند نمود نوع چهارم ادعیه مطوله مختصه بنماز
صبح است معاویة بن عمار بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که در تعقیب
نماز صبح این دعا میخواندند بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد واهل بیته
الطاهرین الاخیار الانبیاء الابرار الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیراً
وافوض امری الی الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت ومن یتوکل علی الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدراً ما شاء الله کان حسبنا الله
ونعم الوکیل اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم ومن همزات الشیاطین
واعوذ بک رب ان یحضرون ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم الحمد لله رب
العالمین کثیراً کما هو اهله ومستحقه وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله علی ادبار
اللیل واقبال النهار الحمد لله الذی ذهب باللیل مظلماً بقدرته وجاء بالنهار
مبصراً برحمته خلقاً جدیداً ونحن فی عافیته وسلامته وستره وکفایته وجمیل
صنعه مرحباً بخلق الله الجدید والیوم العتید والملک الشهید مرحباً بکما من ملکین
کریمین وحیاکما الله من کاتبین حافظین اشهدکما فاشهدا لی واکتبا شهادتی هذه
معکما حتی القی بها ربی انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان
محمداً صلی الله علیه وآله عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین
کله ولو کره المشرکون وان الدین کما شرع وان الاسلام کما وصف والقول کما

خلقت وان الله هو الحق المبين وان الرسول حق والقرآن حق والموت حق ومسائلة
منكر ونكير في القبر حق والصراط حق والميزان حق والجنة حق والنار حق و
الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور فصل على محمد وآل محمد و
اكتب اللهم شهادتي عندك مع شهادة اولي العلم بك يا رب ومن ابى ان يشهد
لك بهذه الشهادة وزعم ان لك شريكا او معك خالقا او رازقا فانا بريء منهم لا اله
الا انت تباركت وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم شهادتي
مكان شهادتهم واحيني على ذلك وامتني عليه وادخلني برحمتك في عبادك
الصالحين اللهم صل على محمد وآل محمد وصبحني منك صباحا صالحا مباركا
ميمونا لا خازيا ولا فاضحا اللهم صل على محمد وآله واجعل اول يومي هذا صلاحا
واوسطه فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بك من يوم اوله فزع واوسطه جزع وآخره
وجع اللهم صل على محمد وآله وارزقني خير يومي هذا وخير ما فيه وخير ما قبله
وخير ما بعده واعوذ بك من شره وشر ما فيه وشر ما قبله وشر ما بعده اللهم
صل على محمد وآله وافتح لي باب كل خير فتحته على احد من اهل الخير ولا تغلقه
عني ابدا واغلق عني باب كل شر فتحته على احد من اهل الشر ولا تفتحه علي ابدا اللهم
صل على محمد وآله واجعلني مع محمد في كل موطن ومشهد ومقام ومحل ومرتحل
وفي كل شدة ورخاء وعافية وبلاء اللهم صل على محمد وآله واغفر لي مغفرة
عزما جزما لا تغادر لي ذنبا ولا خطيئة ولا اثما اللهم اني استغفرك من كل
ذنب تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اردت به وجهك فخالطه
ما ليس لك فصل على محمد وآله واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما ولدت و
توالدوا من المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين سبقونا
بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم الحمد لله الذي قضى
عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ولم يجعلني من الغافلين دیگر دعای حرز
که شیخ طوسی وکفعمی وسایر در تعقیب نماز صبح ایراد نموده اند ووجه تسمیه بحرز یمانی آن
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده اند که فرمود شنیدم از پدرم حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که گفت روزی با پدرم حضرت امام زین العابدین علیه السلام رفتیم

واستغفرك لما اعطيتك من نفسي ثم لم اف لك به

رفتیم بعیادت مردی پیری از انصار ناگاه مردی آمد و گفت زود برگردید که آتش در خانه
شما افتاد و سوخت پدرم فرمود والله نسوخت آن مرد رفت و زود مراجعت کرد و گفت
خانه شما سوخت پدرم سوگند یاد فرمود که نسوخت باز جمعی از یاران و خویشان آمدند
وخبر سوختن را گفتند حضرت انکار کرد تا آنکه ظاهر شد که خانه های اطراف خانه آن حضرت
سوخته بود و آن خانه مقدسه در میان آنها سالم مانده من از پدرم پرسیدم که سبب آن چیست
فرمود سبب میراثیست که از علوم حضرت رسالت بما رسیده و ما او را دوست تر میداریم
از دنیا وآنچه در او هست از مال و جواهر و املاک و لشکر و حریر و سلاح و این مرتبت که حضرت
جبرئیل برای حضرت رسول آورده و آنحضرت بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وحضرت فاطمه
تعلیم نموده و بما میراث رسیده و این دعائیست که هر که در اول هر روز بخواند حق تعالی
موکل گرداند بر او هزار ملک که حفظ نمایند جان و اهل و فرزندان و مال و حشم و خدم او را
و هر چیز اعتنا بشان آن دارد از سوختن و غرق شدن و لقمه در گلو ماندن و خانه ابو...
و بر زمین فرو رفتن و عذابهای آسمانی و ایمن گرداند خدا او را از شر شیطان و شر پادشاه ظالم
و شر هر صاحب شری و در امان و ضمان خدا باشد و اگر با اخلاص و یقین بخواند خدای تعالی
ثواب صد صدیق باو کرامت فرماید و اگر در آن روز بمیرد داخل بهشت شود پس ای فرزند
این دعا را حفظ کن و تعلیم مکن مگر کسی را که اعتماد باو داشته باشی زیرا که برای هر حاجت
که خوانده شود بر آورده میشود دعا اینست اللهم اني اصبحت اشهدك وكفى بك
شهيدا واشهد ملائكتك وحملة عرشك وسكان سبع سمواتك وارضيك وانبيائك
ورسلك وورثة انبيائك ورسلك والصالحين من عبادك وجميع خلقك فاشهد
لي وكفى بك شهيدا اني اشهد انك انت الله لا اله الا انت المعبود وحدك
لا شريك لك وان محمدا صلى الله عليه وآله وسلم عبدك ورسولك وان كل معبود
مما دون عرشك الى قرار ارضك السابعة السفلى باطل مضمحل ما خلا وجهك
الكريم فانه اعز واكرم واجل واعظم من ان يصف الواصفون كنه جلاله او
تهتدي القلوب الى كنه عظمته يا من فاق مدح المادحين فخر مدحه وعدا وصف
الواصفين مآثر حمده وجل عن مقالة الناطقين تعظيم شانه صل على محمد وآله وافعل
بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل المغفرة پس یازده مرتبه بگوید لا اله الا الله

ودر بعضی روایت ... دعا ده مرتبه ...

تحده لا شريك له سبحان الله وبحمده استغفر الله واتوب اليه ما شاء الله
لا قوة الا بالله هو الاول والاخر والظاهر والباطن له الملك وله الحمد يحيي
ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير
پس يازده مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر استغفر الله
واتوب اليه ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله الحليم الكريم العلي العظيم
الرحمن الرحيم الملك القدوس الحق المبين عدد خلقه وزنة عرشه وملء سمواته
وارضه وعدد ما جرى به قلمه واحصاه كتابه ومداد كلماته ورضا نفسه پس
بگويد اللهم صل على محمد واهل بيت محمد المباركين وصل على جبرائيل وميكائيل
واسرافيل وحملة عرشك اجمعين والملائكة المقربين اللهم صل عليهم جميعا حتى
تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال
محمد وصل على ملك الموت واعوانه وصل على رضوان وخزنة الجنان وصل على
مالك وخزنة النيران اللهم صل عليهم جميعا حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا
مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على الكرام الكاتبين والسفرة والكرام البررة
والحفظة لبني ادم وصل على ملائكة الهواء والسموات العلى وملائكة الارضين
السفلى وملائكة الليل والنهار والارض والاقطار والبحار والانهار والبراري والفلوات
والقفار والاشجار وصل على ملائكة الذين اغنيتهم عن الطعام والشراب بتسبيحك
وتقديسك وعبادتك اللهم صل عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما
انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد وصل على ابينا ادم وامنا
حواء وما ولدا من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين اللهم صل عليهم حتى
تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد
واهل بيته الطيبين وعلى اصحابه المنتجبين وعلى ازواجه المطهرات وعلى ذرية
محمد وعلى كل نبي بشر بمحمد وعلى كل نبي ولد محمدا وعلى كل امرأة صالحة
كفلت محمدا وعلى كل ملك هبط الى محمد وعلى كل من في صلواتك عليه رضا لك
ورضا لنبيك محمد صلى الله عليه واله اللهم صل عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم
بعد الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد

وال محمد وارحم محمدا وال محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم
وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم اعط محمدا الوسيلة والفضل والفضيلة والدرجة
الرفيعة واعطه حتى يرضى وزده بعد الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم
صل على محمد وال محمد كما امرتنا ان نصلي عليه اللهم صل على محمد وال محمد
كما ينبغي لنا ان نصلي عليه اللهم صل على محمد وال محمد بعدد من صلى
عليه اللهم صل على محمد وال محمد بعدد من لم يصل عليه اللهم صل على
محمد وال محمد بعدد كل حرف في صلوة صليت عليه اللهم صل على محمد و
ال محمد بعدد من صلى عليه ومن لم يصل عليه اللهم صل على محمد وال محمد بعدد
كل شعرة ولفظة ولحظة ونفس وصفة وسكون وحركة ممن صلى عليه و
ممن لم يصل عليه وبعدد ساعاتهم ودقائقهم وسكونهم وحركاتهم وحقائقهم و
ميقاتهم وصفاتهم وايامهم وشهورهم وسنينهم واشعارهم وبعدد زنة ذر ما
عملوا او يعملون او بلغهم او رأوا او ظنوا او فطنوا او كان منهم او يكون الى يوم
القيمة وكاضعاف ذلك اضعافا مضاعفة الى يوم القيمة يا ارحم الراحمين اللهم
صل على محمد وال محمد بعدد ما خلقت وما انت خالقه الى يوم القيمة
صلوة ترضيه اللهم صل على محمد وال محمد بعدد ما ذرأت وبرأت اللهم لك
الحمد والثناء والشكر والمن والفضل والطول والخير والحسنى والنعمة والعظمة
والجبروت والملك والملكوت والقهر والسلطان والفخر والسودد والامتنان
والكرم والجلال والاكرام والجمال والكمال والخير والتوحيد والتمجيد والتحميد
والتهليل والتكبير والتقديس والرحمة والمغفرة والكبرياء والعظمة ولك
ما زكى وطاب وطهر من الثناء الطيب والمديح الفاخر والقول الحسن الجميل الذي
ترضى به عن قائله وترضي به قائله وهو رضا لك حتى يتصل حمدي بحمد اول
الحامدين وثنائي باول ثناء المثنين على ربي العالمين متصلا ذلك بذلك وتهليلي
بتهليل اول المهللين وتكبيري بتكبير اول المكبرين وقولي الحسن الجميل بقول
اول القائلين المجملين المثنين على رب العالمين متصلا ذلك بذلك من اول الدهر
الى اخره وبعدد زنة ذر السموات والارضين والرمال والتلال والجبال

حمدي اول حمد الحامدين

وعدد جرع ماء البحار وعدد قطر الامطار وورق الاشجار وعدد النجوم وعدد
الثرى والحصى والنوى والمدر وعدد زنة ذلك كله وعدد زنة ذر السموات
والارضين وما فيهن وما بينهن وما تحتهن وما بين ذلك وما فوقهن الى يوم
القيمة من لدن العرش الى قرار ارضك السابعة السفلى وبعدد حروف الفاظ
اهلهن وعدد ازمانهم ودقائقهم وشعائرهم وساعاتهم وايامهم وشهورهم
وسنيهم وسكونهم وحركاتهم واشعارهم وابشارهم وانفاسهم وبعدد
زنة ما عملوا ويعملون به او بلغهم او رأوا او ظنوا او فطنوا او كان منهم او يكون
ذلك الى يوم القيمة وعدد زنة ذر ذلك واضعاف ذلك وكاضعاف ذلك
اضعافا مضاعفة لا يعلمها ولا يحصيها غيرك يا ذا الجلال والاكرام واهل
ذلك انت ومستحقه ومستوجبه مني ومن جميع خلقك يا بديع السموات و
الارض اللهم انك لست ربا استحدثناك ولا معك اله فيشركك في ربوبيتك و
لا معك اله اعانك على خلقنا انت ربنا كما تقول وفوق ما يقول القائلون اسألك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تعطي محمدا افضل ما سألك وافضل ما سئلت
له وافضل ما انت مسؤول له الى يوم القيمة اعيذ اهل بيت النبي محمد
صلى الله عليه وآله ونفسي وديني ومالي وولدي واهلي وقراباتي واهل
بيتي وكل ذي رحم لي دخل في الاسلام او يدخل الى يوم القيمة وحزانتي و
خاصتي ومن قلدني دعاء او اسدى الي يدا او رد عني غيبة او قال في خيرا
او اتخذت عنده يدا او صنيعة وجيراني واخواني من المؤمنين والمؤمنات بالله
وباسمائه التامة العامة الشاملة الكاملة الطاهرة الفاضلة المباركة المتعالية
الزاكية الشريفة المنيعة الكريمة العظيمة المخزونة المكنونة التي لا يجاوزهن
بر ولا فاجر وبام الكتاب وخاتمته وما بينهما من سورة شريفة واية محكمة
وشفاء ورحمة وعوذة وبركة وبالتورية والانجيل والزبور والفرقان وصحف
ابرهيم وموسى وبكل كتاب انزله الله وبكل رسول ارسله الله وبكل حجة
اقامها الله وبكل برهان اظهره الله وبكل نور انارة الله وبكل الاء الله و
عظمته اعيذ نفسي واستعيذ من شر كل ذي شر ومن شر ما اخاف واحذر ومن

ازمانهم

ومن شر ما ربي منه اكبر ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس
والشياطين والسلاطين وابليس وجنوده واشياعه واتباعه ومن شر ما في النور
والظلمة ومن شر ما دهم او هجم او الم ومن شر كل غم وهم وآفة وندم ونازلة
وسقم ومن شر ما يحدث في الليل والنهار وتأتي به الاقدار ومن شر ما في النار
ومن شر ما في الارض والاقطار والفلوات والقفار والبحار والانهار ومن شر
الفساق والفجار والكهان والسحار والحساد والذعار والاشرار ومن شر ما يلج في الارض
وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر كل ذي شر ومن شر كل دابة
ربي اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم واعوذ بك اللهم من الهم والغم والحزن والعجز والكسل
والجبن والبخل ومن ضلع الدين وغلبة الرجال ومن عمل لا ينفع ومن عين لا تدمع
ومن قلب لا يخشع ومن دعاء لا يسمع ومن نصيحة لا تنجع ومن صحابة لا تردع ومن اجماع
على نكر وتودد على خسر او تواخذ على خبث ومما استعاذ منه ملائكتك
المقربون والانبياء المرسلون والائمة المطهرون الطاهرون والشهداء والصالحون
وعبادك المتقون واسألك اللهم ان تصلي على محمد وال محمد وان تعطيني من
الخير ما سألوا وان تعيذني من شر ما استعاذوا واسألك اللهم من الخير كله
عاجله وآجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بك يا رب من همزات الشياطين و
اعوذ بك رب ان يحضرون بسم الله على اهل بيت النبي محمد صلى الله عليه وآله
بسم الله على نفسي وديني بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على كل شيء اعطاني
ربي بسم الله على احبتي وولدي وقراباتي بسم الله على جيراني المؤمنين واخواني
ومن قلدني دعاء او اتخذ عندي يدا او اسدى الي برا من المؤمنين والمؤمنات
بسم الله على ما رزقني ربي ويرزقني بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في
الارض ولا في السماء وهو السميع العليم اللهم صل على محمد وال محمد وصلني بجميع ما سألك
عبادك المؤمنون ان تصلهم به من الخير واصرف عني جميع ما سألك عبادك المؤمنون
ان تصرف عنهم من السوء والردى وزدني من فضلك ما انت اهله ووليه يا ارحم
الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واهل بيته الطاهرين الطيبين وعجل اللهم

ما سألك

فرجهم وفرجي وفرج عن كل مهموم من المؤمنين والمؤمنات اللهم صل على محمد و
آل محمد وادرك بي نصرهم واشهدني ايامهم واجمع بيني وبينهم في الدنيا والآخرة واجعل
منك عليهم واقية حتى لا يخلص اليهم الا بسبيل خير وعلى معهم وعلى شيعتهم ومحبيهم
وعلى اوليائهم وعلى جميع المؤمنين والمؤمنات فانك على كل شيء قدير بسم الله
وبالله ومن الله والى الله ولا غالب الا الله ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبي الله
توكلت على الله وافوض امري الى الله والتجأ الى الله احاول ولا اله الا الله الحي
القيوم عدد الثرى والحصى والنجوم والملائكة الصفوف لا اله الا الله وحده لا شريك
له العلي العظيم لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين از حضرت صاحب الامر
در دعای سابق مرویست بابن زیادتی اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع
ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل ورب الظل والحرور ومنزل الزبور والفرقان
العظيم ورب الملائكة المقربين والانبياء والمرسلين انت اله من في السماء واله
من في الارض لا اله فيهما غيرك وانت جبار من في السماء وخالق من في الارض لا خالق
فيهما غيرك وانت حكم في السماء وحكم من في الارض لا حكم فيهما غيرك اللهم اني
اسئلك بوجهك الكريم وبنور وجهك المشرق المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم
اسئلك باسمك الذي شرقت به السموات والارضون وباسمك الذي يصلح عليه
الاولون والآخرون يا حيا قبل كل حي ويا حيا بعد كل حي ويا حيا حين لا حي
ويا حي يا محيي الموتى ويا حي يا قيوم اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وارزقني
من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب رزقا واسعا حلالا طيبا وان تفرج عني كل
غم وكل هم وان تعطيني ما ارجوه وآمله انك على كل شيء قدير فضیلت دیگر دعائیه
مخصصه بوقت صباح است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که گفت حضرت
رسول صلعم فرمود که هر که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند میترسم که نعمت خدا از او
زایل گردد الحمد لله الذي عرفني نفسه ولم يتركني عميان القلب الحمد لله الذي جعلني
من امة محمد الحمد لله الذي جعل رزقي في يديه ولم يجعله في ايدي الناس الحمد لله
الذي ستر ذنوبي ولم يفضحني بين الخلايق دیگر بسند صحیح از حضرت صادق مرویست
که حضرت امام زین العابدین چون صبح میشد میفرمودند ابتدئ يومي هذا بين يدي نسياني

نسياني وعجلتي بسم الله ما شاء الله پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که این دعا
در صبح بخواند مجربست او را از ابلیس و دیوان دور فراموش کند و بسم الله در اول آن نگوید و در آخر
او فراموش اید و ما شاء الله نگوید دیگر بسند معتبر از حضرت صادق مرویست که این دعا
پیغمبران را یکدیگر فرا گرفته اند و نوشته اند تا به پیغمبر ما رسیده است و آنحضرت در صبح این
دعا میخواندند اللهم اني اسئلك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا حتى اعلم انه لا يصيبني الا ما
كتبت لي ورضا بما قسمت لي حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت يا حي
يا قيوم برحمتك استغيث اصلح لي شأني كله ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا وصلى الله
على محمد وآله ايضا بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین مرویست که در صبح این دعا میخواندند
اللهم ان هذا النهار خلق من خلقك اللهم لا تبتلني به ولا تبتليه بي اللهم ولا
ترزقني جرأة على معاصيك ولا ركوبا لمحارمك اللهم اصرف عني الازل واللاواء و
البلوى وسوء القضاء وشماتة الاعداء ومنظر السوء في نفسي ومالي دیگر از سلمان فارسی
رضی الله عنه مرویست که هر بنده که بعد از نماز صبح سه مرتبه بگوید الحمد لله حمدا كثيرا طيبا
مباركا فيه حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور کند که کمتر آنها اندوه باشد ایضا بسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که در صبح سه مرتبه بگو اللهم اجعل لي سهما
وافرا في كل حسنة انزلتها من السماء الى الارض في هذا اليوم واصرف عني كل مصيبة
انزلتها من السماء الى الارض في هذا اليوم وعافني من طلب ما لم تقدر لي من رزق وما
قدرت لي من رزق فسقه الي في يسر منك وعافية دیگر بخوان این دعای بزرگوار را که در
صحیفه علوی مذکور است بسم الله الرحمن الرحيم يا من دلع لسان الصباح بنطق
تبلجه وسرح قطع الليل المظلم بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه
وشعشع ضياء الشمس بنور تاججه يا من دل على ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته
وجل عن ملائمة كيفياته يا من قرب من خطرات الظنون وبعد عن لحظات العيون وعلم
بما كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد امنه وايقظني الى ما منحني به من مننه و
احسانه وكف اكف السوء عني بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل
الاليل والماسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في ذروة الكاهل
الاعبل والثابت القدم على زحاليفها في الزمن الاول وعلى آله الاخيار المصطفين

الابرار وافتح اللهم لنا مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسنا اللهم من
افضل خلع الهداية والصلاح واغرس اللهم لعظمتك في شرب جناني ينابيع الخشوع
واجر اللهم لهيبتك من اماقي زفرات الدموع وادب اللهم نزق الخرق مني بازمة
القنوع الهي ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح
الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى و
ان خذلني نصرك عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب و
الحرمان الهي اتراني ما اتيتك الا من حيث الامال ام علقت باطراف حبالك الا حين باعدتني
ذنوبي عن دار الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها فواها لها لما سولت
لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها على سيدها ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي
وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح
اللهم عما اجرمته من زللي وخطائي واقلني اللهم من صرعة ردائي فانك سيدي ومولاي
ومعتمدي ورجائي وغاية مناي في منقلبي ومثواي الهي كيف تطرد مسكينا التجأ اليك
من الذنوب هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا ام كيف ترد
ظمآنا ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح
للطلب والوغول وانت غاية السؤل ونهاية المأمول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها
بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى
جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى والسلامة في الدين و
الدنيا ومسائي جنة من كيد العدى ووقاية من مرديات الهوى انك قادر على ما تشاء
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير
انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت
وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب لا اله الا انت سبحانك اللهم و
بحمدك من ذا يعلم قدرك فلا يخافك ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك
الفرق وفلقت بلطفك الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت المياه من الصم
الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس والقمر للبرية
سراجا من غير ان تمارس فيما ابتدأت به لغوبا ولا علاجا فيا من توحد بالعز والبقاء

والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل على محمد وآله الاتقياء واستمع ندائي واستجب
دعائي وحقق بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمأمول لكل عسر
ويسر بك انزلت حاجتي فلا تردني من سني مواهبك خائبا يا كريم يا كريم برحمتك
يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين دیگر از حضرت امام زین العابدین
مرویست که باید بعد از دعای صباح بخوانند الهی قلبی محجوب وعقلی مغلوب ونفسی
معیوب وهوائی غالب وطاعتی قلیل ومعصیتی کثیر ولسانی مقر بالذنوب فکیف
حیلتی یا علام الغیوب وانت ستار العیوب یا شدید العقاب یا غفور یا حلیم یا رحیم
اقض حاجتی بحق القرآن العظیم والنبی الکریم وآله الطاهرین تبت الیک یا ذا الجلال والاکرام
من جمیع الذنوب والآثام والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین ایضا
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهل صباح این
دعای عهد را بخواند از یاوران قائم آل محمد صلوات الله علیه باشد واگر پیش
از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را زنده گرداند وبخدمت آنحضرت برساند وحق تعالی
بهر کلمه هزار حسنه برای او بنویسد وهزار سیئه را محو کند اللهم رب النور
العظیم والکرسی الرفیع ورب البحر المسجور ومنزل التوریة والانجیل والزبور
ورب الظل والحرور ومنزل الفرقان العظیم ورب الملائکة المقربین و
الانبیاء المرسلین اللهم انی اسألک باسمک الکریم وبنور وجهک المنیر
وملکک القدیم یا حی یا قیوم وباسمک الذی اشرقت به السموات والارضون
وباسمک یا حیا قبل کل حی یا حیا بعد کل حی یا حیا لا اله الا انت
اللهم بلغ مولانا الامام الهادی المهدی القائم بامر الله صلی الله علیه وعلی
آبائه الطاهرین عن جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها
سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعنی وعن والدی وولدی واخوانی من
الصلوات زنة عرش الله ومداد کلماته وما احصاه کتابه واحاط به علمه
اللهم انی اجدد له فی صبیحة هذا الیوم وما عشت به فی ایامی عهدا وعقدا
وبیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره
واعوانه والذابین عنه والمسارعین فی حوائجه والممتثلین لاوامره

وَنَواصيه وَالسابقين اِلى ارادته وَالمحامين عنه وَالمستشهدين بين يديه
اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا
فاخرجني من قبري موتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي
في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل ناظري
بنظرة مني اليه وعجل فرجه واوسع منهجه واسلك بي محجته وانفذ امره و
اشدد ازره وقو ظهره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت و
قولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم وليك
وابن وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه وآله في الدنيا
والآخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الله به الحق ويحققه
اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك و
مجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا لما ورد من اعلام دينك وسنن
نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته من باس المعتدين اللهم
وسر نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا
من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل لنا
ظهوره انهم يرونه بعيدا ونراه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين پس سه مرتبه دست
بر زانوی راست بزن و بگو العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان دیگر از جمله
دعاهای ساعات روز که در ساعت اول از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب که از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست اینست اللهم رب الظلام والفلق والفجر والشفق
والليل وما وسق والقمر اذا اتسق خالق الانسان من علق اظهرت قدرتك
ببديع صنعتك وخلقت عبادك لما كلفتهم من عبادتك وهديتهم بكرم فضلك
الى سبيل طاعتك وتفردت في ملكوتك بعظيم السلطان وتوددت الى خلقك
بقديم الاحسان وتعرفت الى بريتك بجسيم الامتنان يا من يساله من في السموات
والارض كل يوم هو في شان اسالك اللهم بمحمد خاتم النبيين الذي نزلت
الروح على قلبه ليكون من المنذرين بلسان عربي مبين وبامير المؤمنين
علي بن ابي طالب ابن عم الرسول وبعل الكريمة البتول الذي وصيته لانه

ولايته على الخلق وكان بدو رحيب داد الحق ان تصلي على محمد وآل محمد فقد جعلتهم وسيلتي
وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي ان تغفر ذنبي وتطهر قلبي وتستر عيبي وتفرج كربي
وتبلغني من طاعتك وعبادتك غاية املي وتقضي لي حوائج الدنيا والآخرة يا ارحم
الراحمين فصل دوازدهم در دعاهای مشترکهٔ صباح و مسا است بدانکه در این دو وقت ادعیه
و اذکار بسیار از رسول مختار و ائمه اطهار علیهم السلام ماثور گردیده و تحریص و ترغیب
بسیار بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار وارد شده چنانچه حق تعالی میفرماید
وسبح بالعشي والابكار یعنی تنزیه کن خدا را در پسین و بامداد و ایضا میفرماید وسبح
بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها یعنی تنزیه کن پروردگار خود را پیش از برآمدن
آفتاب و پیش از فرو رفتن آن و روایات در این باب بسیار است و اما اخبار پس منقول است
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیطان لعنه الله در هنگام فرو رفتن و
برآمدن آفتاب بر کرسی می نشیند و لشکرهای خود را تقسیم می نماید در زمین پس مردم
بسیار یاد کنید ذکر خدا را در این دو ساعت و پناه برید بخدا از شر شیطان و لشکرهای او
و کودکان خود را تعویذ نمائید و پناه دهید بخدا در این دو ساعت که در این دو ساعت شیطان
غافل میسازند مردم را ایضا از حضرت رسول مرویست که فرمود در بامداد و پسین ذکر
خدا کردن بهتر است از شمشیر زدن در راه خدا ایضا از حضرت امام جعفر صادق مرویست
که رسول خدا فرمود حق تعالی به بندگان خطاب میکند که ای فرزندان آدم ذکر من کنید
بعد از غداة ساعتی که کفایت میکنم شما را در امور دنیا و آخرت و اگر چه در اینوقت ادعیه و
اذکار بسیار ماثور و در کتب مطوله مسطور و مذکور است نهایت در این مختصر بحسب سند
صحیح و معتبر است در هفت نوع ذکر می نماید که اگر مداومت بر همه نتواند هر روزی بنوعی
اکتفا کند نوع اول اگر چه مختصر و یک کلمه است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که مردی از انصار چند روز بخدمت رسول خدا نرسید آن حضرت از او
پرسید که بچه سبب در این چند روز از ما غایب بودی عرض کرد بسبب تنگدستی و بیماری
فرمود میخواهی ترا دعائی تعلیم نمایم که چون بخوانی فقر و بیماری نیابی عرض کرد بلی یا رسول الله
فرمود در صبح و شام این دعا بخوان لا حول ولا قوة الا بالله توکلت على الحي الذي
لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي

من الذل وكبره تكبيرا ديگر بخواند اين دعا را كه از ابو درداء مرويست كه از رسول خدا
شنيدم اللهم انت ربي لا اله الا انت عليك توكلت وانت رب العرش العظيم
ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن اعلم ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط
بكل شيء علما اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل ذي شر ومن شر كل
دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم ديگر بسند معتبر از حضرت صادق ع
مرويست كه هر كه پيش از طلوع و پيش از غروب آفتاب اين دعا بخواند حق تعالى هشت
در بهشت براي او بگشايد كه از هر دري كه خواهد در آيد اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان الدين كما شرع والاسلام كما وصف والقرآن
كما حدث والكتاب كما انزل وان الله هو الحق المبين ذكر الله محمدا وآل محمد بالسلام
ديگر بسند معتبر از حضرت منقولست كه هر كه هر صباح اين دعا بخواند اگر در آن روز
بميرد داخل بهشت شود و هر كه شام بخواند اگر در آن شب بميرد داخل بهشت شود اللهم اني
اشهدك واشهد ملائكتك المقربين وحملة العرش المصطفين انك انت الله لا اله
الا انت الرحمن الرحيم وان محمدا عبدك ورسولك صلى الله عليه وآله وان امير المؤمنين
عليا والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن الحسن عليهم السلام
ائمتي واوليائي على ذلك احيى وعليه اموت وعليه ابعث يوم القيامة وابرأ
من الجبت والطاغوت واللات والعزى لعنة الله عليهم وعلى اوليائهم ديگر بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر عليه السلام مرويست كه فرمود هر كه در صبح اين دعا بخواند
در آن روز هيچ چيز او را ضرر نرساند و هر كه در شام بخواند در آن شب چيزي او را ضرر نرساند
ان شاء الله تعالى اللهم اني اصبحت في ذمتك وجوارك اللهم اني استودعك ديني ونفسي
ودنياي واهلي ومالي وولدي واعوذ بك يا عظيم من شر خلقك جميعا واعوذ بك
من شر ما يبلس به ابليس وجنوده ديگر بسند معتبر مرويست كه هر كه در اول روز اين دعا
بخواند اللهم ما عملت في يومي هذا من خير فهو لابتغاء وجهك وما تركت فيه
من شر فهو لنهيك مكروهي نبيند و همچنين هر گاه در اول شب بخواند ديگر بسند معتبر
از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه هر كه در صبح و شام دست بر سر بگذارد و بزرگ

و بر روي خود بكشد پس جميع ريش خود را بدست بگيرد و بگويد احطت على نفسي واهلي
ومالي وولدي من غايب وشاهد بالله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
الرحمن الرحيم الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض
من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤوده حفظهما وهو
العلي العظيم جان و مال و فرزندان او و جميع بلاها محفوظ ماند ديگر بسند معتبر روايتست
كه هر كه در صبح و شام بگويد تحصنت بحصن لا اله الا الله سوره محمد رسول الله بابه علي
ولي الله مفتاحه الف الف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على
محمد وآله الطاهرين ديگر سلمان فارسي رضي الله عنه روايت كرده است كه حضرت فاطمه
رطبي بمن داد كه هيچ دانه نداشت و فرمود كه اين از درختي است كه حق تعالى در بهشت از براي
من غرس نموده بسبب كلماتي كه پدرم تعليم كرده است مرا و مرا بداد و پيش از آن
سلمان ميگويد عرض كردم اي سيده من تعليم نما مرا آن كلمات را فرمود اگر خواهي
هرگز مبتلا بتب نشوي تا زنده باشي بر اين دعا مداومت نما سلمان گفت آن حضرت عليها السلام
تعليم من نمود و من هزار نفر از اهل مدينه و مكه را تعليم كردم كه بتب مبتلا شده بودند
و همه بتوفيق خدا از بركت اين دعا شفا يافتند دعا اين است بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور على نور بسم الله الذي هو
مدبر الامور بسم الله الذي خلق النور الحمد لله الذي خلق النور من النور
وانزل النور على الطور في كتاب مسطور في رق منشور بقدر مقدور
على نبي محبور الحمد لله الذي هو بالعز مذكور وبالفخر مشهور وعلى
السراء والضراء مشكور وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ايضا بسند معتبر مرويست كه مردي بخدمت حضرت صادق عليه السلام عرض كرد
كه مرا دعائي تعليم فرما كه در صبح و شام بخوانم حضرت فرمود بگو الحمد لله الذي
يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره الحمد لله كما يحب الله ان يحمد الحمد لله كما
هو اهله اللهم ادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد صلى الله على محمد
وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد ديگر از حضرت صادق

مرویست که آیا عاجز است احدی از شما که اخذ کند در هر صباح و مسا عهد خود را
با خدای تعالی عرض کردند چگونه است آن فرمود بگوید اللهم فاطر السموات و
الارض عالم الغیب و الشهادة انی اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک و ان محمدا عبدک و رسولک و انک ان تکلنی الی نفسی تقربنی
من الشر و تباعدنی من الخیر و انی لا اثق الا برحمتک فاجعل لی عندک
عهدا توفینیه یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد نوع دوم بخوا از سه مرتبه تا ده بار
باید خواند از انجمله بسند معتبر مرویست که هر که در صبح و شام سه مرتبه بگوید این دعای
خضر و الیاس علیهما السلام را ایمن گردد از دزد و سوختن و غرق شدن در آن
روز یا در آن شب بسم الله ما شاء الله لا قوة الا بالله ما شاء الله کل نعمة من الله
ما شاء الله الخیر کله بید الله ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله و از حضرت
پیغمبر صلعم مرویست که هر که در صبح و شام این را بخواند فوت نشود از او خیری در آن
روز یا در آن شب و دفع شود از او جمیع شرهای آن روز یا شب فسبحان الله حین
تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حین تظهرون
ایضا بسند معتبر از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام مرویست که حضرت
ابرهیم در هر صباح و مسا سه مرتبه این دعا میخواندند و باین سبب حق تعالی او را ثنا
گفته در قرآن که و ابرهیم الذی وفی یعنی ابرهیم آنچنانی که حقوق ما را وفا کرد و
کامل کرد این دعا این است اصبحت و ربی محمود اصبحت لا اشرک بالله شیئا
و لا ادعوا مع الله الها آخر و لا اتخذ من دونه ولیا و بسند دیگر حضرت صادق علیه السلام
در ضمن حدیثی بر داود رقی فرمود که میخواهی ترا دعائی تعلیم کنم که اگر هر صبح و شام
سه مرتبه بخوانی خدا ترا ایمن کند از هر چیزی که میترسی گفتم بلی یا ابن رسول الله فرمود که
این دعا را بخوان اصبحت بذمة الله و ذمم انبیائه و ذمم رسله علیهم السلام و ذمة
محمد صلی الله علیه و آله و ذمم الاوصیاء علیهم السلام آمنت بسرهم و علانیتهم و
شاهدهم و غائبهم و اشهد انهم فی علم الله و طاعته کمحمد صلی الله علیه و آله السلام
علیهم داود گفت هر وقت این دعا را خواندم بحاجت خود رسیدم و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هر که در صبح و شام سه مرتبه بگوید رضیت بالله ربا

بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا و بالقرآن بلاغا و بعلی اماما
بر خدا لازم است که در قیامت او را راضی گرداند و بسند معتبر از حضرت صادق ع
مرویست که هر که بگوید این کلمات را سه مرتبه در حین خواب محفوظ شود بالهای
جبرئیل تا صبح و هر که در صبح سه مرتبه بگوید تا شام محفوظ شود استودع الله العلی
الاعلی الجلیل العظیم دینی و نفسی و اهلی و مالی و ولدی و اخوانی المؤمنین و
جمیع ما رزقنی ربی و جمیع من یعنینی امره استودع الله المرهوب المخوف المتضعضع
لعظمته کل شیء دینی و نفسی و اهلی و مالی و ولدی و اخوانی المؤمنین و جمیع
ما رزقنی ربی و جمیع من یعنینی امره و بسند معتبر از حضرت صادق مرویست که
هر کس در صبح و شام سه مرتبه بگوید سبحان الله ملأ المیزان و منتهی العلم و مبلغ
الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی الحمد لله ملأ المیزان و منتهی العلم و مبلغ
الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی لا اله الا الله و الله اکبر ملأ المیزان و منتهی العلم
و مبلغ الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی خدای تعالی عمر او بیفزاید و یاری دهد
او را بر عدوش و نگاه دارد او را از مردن بد و بسند های معتبر دعای فراشت
که در صبح و شام سه مرتبه باید خواند باین طریق که تسبیح از تربت مقدس حضرت امام
حسین علیه السلام بگیرد و این دعا که حضرت امیر المؤمنین در شبی که بر فراش حضرت
رسول میخوابید امسیت اللهم معتصما بذمامک و جوارک المنیع الذی لا یطاول
و لا یحاول و من شر کل غاشم و طارق من سائر من خلقت و ما خلقت من
خلقک الصامت و الناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة حصینة
و لاء اهل بیت نبیک علیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین
الاخلاص فی الاعتراف بحقهم و التمسک بحبلهم موقنا ان الحق لهم و معهم
و فیهم و بهم اوالی من والوا و اعادی من عادوا و اجانب من جانبوا فصل علی محمد
و آله و اعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع
السموات و الارض انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون
و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون پس
تسبیح را ببوسد و بر دیدهای خود گذارد و بگوید اللهم انی اسئلک بحق هذه التربة

المبارکة وبحق صاحبها وبحق جده وبحق ابیه وبحق امه وبحق اخیه وبحق
ولده الطاهرین اجعلها شفاءً من کل داءٍ واماناً من کل خوف وحفظاً
من کل سوءٍ پس تسبیح را بر پیشانی ودو جانب پیشانی خود بگذارد اگر در صبح چنین
کند تا شام در امان خدا باشد واگر در شام چنین کند تا صبح در امان خدا باشد دیگر
بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در صبح وشام چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب
العالمین شکر نعمتهای این روز یا آن شب بجا آورده است نوع سیم مجرد ده بار
باید خواند از انجمله ایندعاست که بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست که
واجب ولازمست بر هر مسلمان که پیش از طلوع آفتاب و بعد از غروب او ده مرتبه
بخواند لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت
ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر ودر بعضی از روایات
وارد شده است که اگر ترک شود قضا نماید بسیار روایات معتبره بسیار از آن حضرت
منقولست که پیش از طلوع وغروب آفتاب ده مرتبه بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من
همزات الشیاطین واعوذ بالله ان یحضرون ان الله هو السمیع العلیم دیگر دعای
مقالیدست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که پرسیدم از حضرت رسول صلعم
از تفسیر مقالید یعنی کلیدهای حاجات وسعادات فرمود که ده مرتبه در صبح وده مرتبه
در شام ایندعا بخواند که هر کس بخواند خدای تعالی شش خصلت باو عطا فرماید اول آنکه
لشکر ابلیس برو دست نیابند دوم آنکه قنطاری از ثواب باو عطا کند که در میزان عمل او از
کوه احد سنگین تر باشد سیم آنکه او را درجه دهند که بغیر از نیکوکاران بان نرسند
چهارم آنکه خدا حوریان را باو تزویج نماید پنجم آنکه دوازده ملک در وقت خواندن
دعا حاضر شوند ودر نامه عمل او بنویسند ودر روز قیامت برای او شهادت دهند ششم
چنان باشد که توریت وانجیل وقرآن را تلاوت کرده باشد وچنان باشد که حج وعمره
مقبول کرده باشد واگر در آن شب یا در آن روز بمیرد او را در زمره شهدا بنویسند ودعا اینست
لا اله الا الله والله اکبر سبحان الله والحمد لله استغفر الله لا حول ولا قوة
الا بالله هو الاول والآخر والظاهر والباطن له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر ایضا از حضرت امام زین العابدین

زین العابدین ع مرویست که هر صبح وشام ده مرتبه ایندعا را بخوانند اقدم بین یدی
نسیانی وعجلتی بسم الله وما شاء الله علی ما استقبل فی یومی هذا ذکر شد اگر آنرا
اگر در صبح بخواند واگر در شام بخواند بجای فی یومی فی لیلتی هذا بگوید دیگر بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول ص فرمود در بهشت غرفه چند
هست که از اندرون آنها بیرون نمایانست واز بیرون اندرون واز امت من کسی در آنها
ساکن می شود که سخن نیک گوید وطعام بمردم بخوراند وبهر کس رسد سلام کند ودر شب نماز
کند در هنگامی که مردم در خواب باشند پس گفت کلام نیک آنست که در صبح وشام ده مرتبه
بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر دیگر بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که هر که در هنگام طلوع صبح این اذکار
بخواند او را در آن صبح از غافلان ننویسند وهر که در شام بخواند در آن شب او را از غافلان
ننویسند اذکار اینست لا اله الا الله تا کل شیء قدیر ده مرتبه که مذکور شد اللهم
صل علی محمد وآل محمد ده مرتبه سبحان الله سی وچهار مرتبه لا اله الا الله والحمد لله سی و
سه مرتبه نوع چهارم آنچه از صد تا سیصد وشصت بار است بسند صحیح از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که صد مرتبه پیش از طلوع وصد مرتبه پیش از غروب
آفتاب الله اکبر بگوید خداوند کریم برای او مثل ثواب صد بنده آزاد کردن بنویسند دیگر
بسند موثق از آنحضرت علیه السلام مرویست که حضرت رسول فرمود که در فرزند آدم
سیصد وشصت رگست صد وهشتاد متحرک وصد وهشتاد ساکن اگر یکی از رگهای متحرک
ساکن شود یا یکی از رگهای ساکن متحرک شود آدمی بخواب نمیرود لهذا حضرت رسول صلعم
هر صبح وشام سیصد وشصت مرتبه میفرمود الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال
نوع پنجم آنچه متوسط ویکبار است بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که در صبح وپسین ایندعا بخوانند اصبحنا والملک والحمد والتعظیم والعظمة والکبریاء
والجبروت والحکمة والحلم والجلال والجمال والکمال والبهاء والقدرة والتقدیس
والتعظیم والتسبیح والتکبیر والتهلیل والتمجید والسماح والجود والکرم والمجد
والمن والخیر والفضل والسعة والحول والسلطان والقوة والعزة والقدرة والفتق
والرتق واللیل والنهار والظلمات والنور والدنیا والآخرة والخلق جمیعا والامر کله

وما سمعت وما لم اسمع وما علمت منه وما لم اعلم وما كان وما هو كائن لله رب
العالمين الحمد لله الذي ذهب بالليل وجاء بالنهار وانا في نعمة منه وعافية
وفضل عظيم الحمد لله الذي له ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم والحمد
لله الذي يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل ويخرج الحي من الميت ويخرج
الميت من الحي وهو عليم بذات الصدور اللهم بك نمسي وبك نصبح وبك نحيى و
بك نموت واليك المصير واعوذ بك ان اذل او اذل او اضل او اضل او
اظلم او اظلم او اجهل او يجهل علي يا مصرف القلوب ثبت قلبي على طاعتك
وطاعة رسولك اللهم لا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة
انك انت الوهاب پس بگوی اللهم ان الليل والنهار خلقان من خلقك فلا
تبتليني فيهما بجرأة على معاصيك ولا ركوب لمحارمك وارزقني فيهما عملا متقبلا
وسعيا مشكورا وتجارة لن تبور و دیگر در مهج الدعوات از حضرت رسول صلی الله علیه
روایت کرده که هر که در صبح و شام این دعا بخواند حق تعالی چهار ملک را بر او موکل کرداند
که او را از پیش رو و از پس سر و از جانب راست و از جانب چپ حفظ کنند و در امان
خدا باشد و هر چند خلایق سعی کنند که باو ضرر برسانند نتوانند بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
سم ولا داء بسم الله اصبحت وعلى الله توكلت بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله
على ديني وعقلي بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على ما اعطاني ربي
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم
الله الله ربي لا اشرك به شيئا الله اكبر الله اكبر الله اعز واجل مما اخاف
واحذر عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اني اعوذ بك من شر
نفسي ومن شر كل سلطان شديد ومن شر كل شيطان مريد ومن شر كل
جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي
على صراط مستقيم وانت على كل شيء قدير ان وليي الله الذي نزل الكتاب
وهو يتولى الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم نوع ششم ادعیه مطولست یعنی در مهج از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

علیه السلام مرویست که هر که در هر صبح و شام و چهل شب جمعه برای هر شدت و
رخا این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذي لا اله الا هو الملك الحق
المبين الحي القيوم الدائم المدبر بلا وزير ولا خلق من عباده يستشير الاول
غير موصوف والباقي بعد فناء الخلق العظيم الربوبية نور السموات والارضين
وفاطرهما ومبتدعهما بغير عمد خلقهما فاستقرت الارضون باوتادها فوق
الماء ثم علا ربنا في السموات العلى الرحمن على العرش استوى له ما في
السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى فانا اشهد بانك انت
الله لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت ولا معز لمن اذللت ولا مذل
لمن اعززت ولا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت وانت الله لا اله الا
انت كنت اذ لم تكن سماء مبنية ولا ارض مدحية ولا شمس مضيئة ولا
ليل مظلم ولا نهار مضيء ولا بحر لجي ولا جبل راس ولا نجم سار ولا قمر
منير ولا ريح تهب ولا سحاب يسكب ولا برق يلمع ولا رعد يسبح ولا
روح تتنفس ولا طائر يطير ولا نار تتوقد ولا ماء يطرد كنت قبل كل شيء
وقدرت على كل شيء وابتدعت كل شيء وافقرت واغنيت وامت واحييت
واضحكت وابكيت وعلى العرش استويت فتباركت يا الله وتعاليت انت
الله الذي لا اله الا انت الخلاق العليم امرك غالب وعلمك نافذ وكيدك
غريب ووعدك صادق وقولك حق وحكمك عدل وكلامك هدى ووحيك
نور ورحمتك واسعة وعفوك عظيم وفضلك كثير وعطاؤك جزيل و
حبلك متين وامكانك عتيد وجارك عزيز وباسك شديد ومكرك مكيد
انت يا رب موضع كل شكوى وشاهد كل نجوى وحاضر كل ملأ ومنتهى
كل حاجة وفرج كل حزين وغنى كل فقير وحصن كل هارب وامان كل
خائف حرز الضعفاء كنز الفقراء مفرج الغماء معين الصالحين ذلك الله
ربنا لا اله الا هو تكفي من عبادك من توكل عليك وانت جار من لاذ بك
وتضرع اليك عصمة من اعتصم بك من عبادك ناصر من انتصر بك تغفر
الذنوب لمن استغفرك جبار الجبابرة عظيم العظماء كبير الكبراء سيد السادات

مولى الموالي صريخ المستصرخين منفس عن المكروبين مجيب دعوة المضطرين
اسمع السامعين ابصر الناظرين احكم الحاكمين اسرع الحاسبين ارحم
الراحمين خير الغافرين قاضي حوائج المؤمنين مغيث الصالحين انت الله
لا اله الا انت رب العالمين انت الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك
وانت الرب وانا العبد وانت الرازق وانا المرزوق وانت المعطي وانا السائل
وانت الجواد وانا البخيل وانت القوي وانا الضعيف وانت العزيز وانا الذليل
وانت الغني وانا الفقير وانت السيد وانا العبد وانت الغافر وانا المسيء وانت العالم
وانا الجاهل وانت الحليم وانا العجول وانت الرحمن وانا المرحوم وانت المعافي وانا
المبتلى وانت المجيب وانا المضطر وانا اشهد بانك انت الله الواحد الفرد واليك
المصير وصلى الله على محمد واهل بيته الطيبين الطاهرين واغفر لي ذنوبي واستر
علي عيوبي وافتح لي من لدنك رحمة ورزقا واسعا يا ارحم الراحمين والحمد لله رب
العالمين وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

دیگر دعای عشرات است که بسند معتبر از امام محمد باقر ع با خواص بسیار
مرویست که در هر بامداد و پیشین و در هر روز جمعه بعد از نماز عصر بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم سبحان الله آناء الليل واطراف النهار سبحان الله بالغدو والآصال
سبحان الله بالعشي والابكار سبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله
الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون يخرج الحي من الميت ويخرج
الميت من الحي ويحيي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون سبحان ربك رب
العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين سبحان ذي الملك
والملكوت سبحان ذي العزة والجبروت سبحان ذي الكبرياء والعظمة سبحان
الملك الحق المبين المهيمن القدوس سبحان الله الملك الحي الذي لا يموت سبحان
الملك الحي القدوس سبحان القائم الدائم سبحان الدائم القائم سبحان ربي العظيم
سبحان ربي الاعلى سبحان الحي القيوم سبحان العلي الاعلى سبحانه وتعالى
سبوح قدوس ربنا ورب الملائكة والروح سبحان الدائم غير الغافل سبحان

العالم بغير تعليم سبحان خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الذي يدرك
الابصار ولا تدركه الابصار وهو اللطيف الخبير اللهم اني اصبحت منك
في نعمة وخير وبركة وعافية فصل على محمد وآله واتمم علي نعمتك وخيرك و
بركاتك وعافيتك ونجاة من النار وارزقني شكرك وعافيتك وفضلك
وكرامتك ابدا ما ابقيتني اللهم بنورك اهتديت وبفضلك استغنيت وبنعمتك
اصبحت وامسيت اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد ملائكتك
وانبيائك ورسلك وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك وجميع
خلقك بانك انت الله الذي لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا
عبدك ورسولك وانك على كل شيء قدير تحيي وتميت وتميت وتحيي واشهد
ان الجنة حق وان النار حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث
من في القبور واشهد ان علي بن ابي طالب امير المؤمنين حقا حقا وان الائمة
من ولده هم الائمة الهداة المهديون غير الضالين والمضلين وانهم
اولياؤك المصطفون وحزبك الغالبون وصفوتك وخيرتك من خلقك و
نجباؤك الذين انتجبتهم لدينك واختصصتهم من خلقك واصطفيتهم على عبادك
وجعلتهم حجة على العالمين صلواتك عليهم اجمعين والسلام ورحمة الله وبركاته
اللهم اكتب لي هذه الشهادة عندك حتى تلقنيها وانت عني راض انك على
ما تشاء قدير اللهم لك الحمد حمدا يصعد اوله ولا ينفد آخره اللهم لك الحمد
حمدا تضع لك السماء كنفيها وتسبح لك الارض ومن عليها اللهم لك الحمد
حمدا سرمدا ابدا لا انقطاع له ولا نفاد ولك ينبغي واليك ينتهي في وعلي ولدي
ومعي وقبلي وبعدي وامامي وخلفي وفوقي وتحتي واذا مت وبقيت فردا
وحيدا ثم فنيت ولك الحمد اذا نشرت وبعثت يا مولاي اللهم ولك الحمد
ولك الشكر بجميع محامدك كلها على جميع نعمائك كلها حتى ينتهي الحمد الى
ما تحب ربنا وترضى اللهم لك الحمد على كل اكلة وشربة وبطشة وقبضة
وبسطة وفي كل موضع شعرة اللهم لك الحمد حمدا خالدا مع خلودك ولك
الحمد حمدا لا منتهى له دون علمك ولك الحمد حمدا لا امد له دون مشيتك

لك الحمد حمدا لا اجر لقائله الا رضاك و لك الحمد على حلمك بعد علمك ولك الحمد
على عفوك بعد قدرتك و لك الحمد باعث الحمد و لك الحمد وارث الحمد ولك
الحمد بديع الحمد و لك الحمد منتهى الحمد و لك الحمد مستودع الحمد و لك الحمد مشتري الحمد
و لك الحمد ولي الحمد و لك الحمد قديم الحمد و لك الحمد صادق الوعد وفي العهد عزيز
الجند قائم المجد و لك الحمد رفيع الدرجات مجيب الدعوات منزل الايات من
فوق سبع سموات عظيم البركات مخرج النور من الظلمات و مخرج من في
الظلمات الى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات درجات اللهم
لك الحمد غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذا الطول لا اله الا انت
اليك المصير اللهم لك الحمد في الليل اذا يغشى و لك الحمد في النهار اذا تجلى و
لك الحمد في الاخرة و الاولى و لك الحمد عدد كل نجم و ملك في السماء و لك
الحمد عدد الثرى و الحصى و النوى و لك الحمد عدد ما في جو السماء و لك الحمد عدد
ما في جوف الارض و لك الحمد عدد اوزان مياه البحار و لك الحمد عدد اوراق الاشجار
و قطر الامطار و لك الحمد عدد ما على وجه الارض و لك الحمد عدد ما احاط به علمك
و لك الحمد عدد الانس و الجن و الطير و البهائم و السباع حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه
كما يحب ربنا و يرضى و كما ينبغي لكرم وجهك و عز جلالك ده مرتبه بكو لا اله
الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد و هو اللطيف الخبير ده مرتبه بكو لا اله
الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد يحيي و يميت و يميت و يحيي و هو حي لا يموت
بيده الخير و هو على كل شيء قدير ده مرتبه استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
و اتوب اليه ده مرتبه يا الله ده مرتبه يا رحمن ده مرتبه يا رحيم ده مرتبه يا بديع السموات و الارض
ده مرتبه يا ذا الجلال و الاكرام ده مرتبه يا حنان يا منان ده مرتبه يا حي يا قيوم ده مرتبه
يا حي لا اله الا انت ده مرتبه يا الله لا اله الا انت ده مرتبه بسم الله الرحمن الرحيم
ده مرتبه اللهم صل على محمد و ال محمد ده مرتبه اللهم افعل بي ما انت اهله
ده مرتبه امين ده مرتبه سوره قل هو الله احد بس بكو اللهم اصنع بي ما انت اهله
و لا تصنع بي ما انا اهله فانك اهل التقوى و اهل المغفرة و انا اهل الذنوب و
الخطايا فارحمني يا مولاي و انت ارحم الراحمين بس سه مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله توكلت

توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا و لم يكن له
شريك في الملك و لم يكن له ولي من الذل و كبره تكبيرا بكو جوا دن دعاء
صباح و مساء صحيفه كامله است و ان اينست الحمد لله خالق الليل و النهار
بقوته و مميز بينهما بقدرته وجعل لكل واحد منهما حدا محدودا و امدا ممدودا يولج
بنعمائه
كل واحد منهما في صاحبه و يولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد فيما
يغذوهم به و ينشئهم عليه فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه من حركات
التعب و نهضات النصب و جعله لباسا ليلبسوا من راحته و منامه
فيكون ذلك جماما و قوة و لينالوا به لذة و شهوة و خلق لهم النهار
مبصرا ليبتغوا فيه من فضله و ليتسببوا الى رزقه و يسرحوا في ارضه طلبا
لما فيه نيل العاجل من دنياهم و درك الاجل في اخراهم بكل ذلك يصلح
شانهم و يبلو اخبارهم و ينظر كيف هم في اوقات طاعته و منازل فروضه
و مواقع احكامه ليجزي الذين اساؤا بما عملوا و يجزي الذين احسنوا بالحسنى
اللهم فلك الحمد على ما فلقت لنا من الاصباح و متعتنا به من ضوء النهار
و بصرتنا به من مطالب الاقوات و وقيتنا فيه من طوارق الافات اصبحنا
و اصبحت الاشياء كلها بجملتها لك سماؤها و ارضها و ما بثثت في كل
واحد منهما ساكنه و متحركه و مقيمه و شاخصه و ما علا في الهواء و ما
وامسينا
كن تحت الثرى اصبحنا في قبضتك يحوينا ملكك و سلطانك و تضمنا
مشيتك و نتصرف عن امرك و نتقلب في تدبيرك ليس لنا من الامر الا ما قضيت
و لا من الخير الا ما اعطيت و هذا يوم حادث جديد و هو علينا شاهد عتيد
ان احسنا ودعنا بحمد و ان اسانا فارقنا بذم اللهم صل على محمد و اله
و ارزقنا حسن مصاحبته و اعصمنا من سوء مفارقته بارتكاب جريرة
او اقتراف صغيرة او كبيرة اللهم صل على محمد و اله و اجزل لنا فيه من
الحسنات و اخلنا فيه من السيئات و املأ لنا ما بين طرفيه حمدا و شكرا
و اجرا و ذخرا و فضلا و احسانا اللهم يسر على الكرام الكاتبين مؤنتنا
و املأ لنا من حسناتنا صحائفنا و لا تخزنا عندهم بسوء اعمالنا اللهم اجعل

لنا في كل ساعة من ساعاته حظا من عبادتك ونصيبا من شكرك و
شاهد صدق من ملائكتك اللهم صل على محمد وآله واحفظنا من
بين أيدينا ومن خلفنا وعن أيماننا وعن شمائلنا ومن جميع نواحينا
حفظا عاصما من معصيتك هاديا إلى طاعتك مستعملا لمحبتك اللهم
صل على محمد وآله ووفقنا في يومنا هذا وليلتنا هذه وفي جميع أيامنا وليالينا
لاستعمال الخير وهجران الشر وشكر النعم واتباع السنن ومجانبة
البدع والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وحياطة الإسلام و
انتقاص الباطل وإذلاله ونصرة الحق وإعزازه وإرشاد الضال ومعاونة
الضعيف وإدراك اللهيف اللهم صل على محمد وآله واجعله أيمن يوم
عهدناه وأفضل صاحب صحبناه وخير وقت ظللنا فيه واجعلنا من
أرضى من مر عليه الليل والنهار من جملة خلقك أشكرهم لما أوليت
من نعمك وأقومهم بما شرعت من شرائعك وأوقفهم عما حذرت من
نهيك اللهم إني أشهدك وكفى بك شهيدا وأشهد سماءك وأرضك
ومن أسكنتهما من ملائكتك وسائر خلقك في يومي هذا وساعتي هذه
وليلتي هذه ومستقري هذا أني أشهد أنك أنت الله الذي لا إله إلا
أنت قائم بالقسط عدل في الحكم رؤوف بالعباد مالك الملك رحيم
بالخلق وأن محمدا عبدك ورسولك وخيرتك من خلقك حملته رسالتك
فأداها وأمرته بالنصح لأمته فنصح لها اللهم فصل على محمد وآله أكثر
ما صليت على أحد من خلقك وآته عنا أفضل ما آتيت أحدا من
عبادك واجزه عنا أفضل وأكرم ما جزيت أحدا من أنبيائك عن أمته
إنك أنت المنان بالجسيم الغافر للعظيم وأنت أرحم من كل رحيم فصل على
محمد وآله الطيبين الطاهرين الأخيار الأنجبين المنتجبين نوع هفتم سور و آيات
مرويست كه تلاوت سور و آيات در وقت غداة باعث مثوبات كثيره و منبع
منافع دنيويه و اخرويه و موجب آثار عجيبه و غريبه است از آنجمله سوره مباركه
يس است كه اكسير كيمياى تاثير و كليد كنوز مقاصد و مطالب و قول حضرت بشير و

بشير و نذير كه هر چيز را دلى هست و دل قرآن يس است از براى قدر و شرافت اين سوره
دليلى است واضح و از براى منفعت و خواصيت و بركاتست لايح شمه از آن
آنكه هر كس در صباح بقرائت آن با خلاص و آداب اقدام كند همه آن روز از بحر و حراست
كرده اند و هيچ آسيب و آفت نرسيد و هر كه در شام بتلاوت قيام نمايد تا صباح
در حفظ و حمايت حق تعالى باشد و ثواب ده ختم قرآن باو كرامت فرمايد و بعد
هر ملك از خلق دنيا و عقبى هزار هزار حسنه از براى او نويسند و هزار هزار سيئه
محو فرمايد و از درويشى و حاجت بخلق بى نياز كرداند و از جاع و امراض او را دور دارد
ديگر سوره انا انزلناه و سوره قل هو الله احد است كه در تعقيب مخصص نماز صبح مذكور
شد و اما آيات بموجب روايات در باب حفظ و حراست حصن حصين و در دفع حوادث
و آفات حرزى قويم و متين است و هر كه در وقت بامداد بخواندن اين هفت آيه قيام
نمايد بى شك از ضرر و بدى خلق هفت آسمان و زمين ايمن و سالم گردد و در كتاب
اقبال الاعمال نقل كرده كه حضرت امير المؤمنين على عليه السلام فرموده اند كه در
قرآن هفت آيه است كه هر كه هر صباح از آنها خواند باك نداشته باشد از جميع انس و جن
از شر و ضرر و اگر چه خود را در ورطه هلاكت اندازد و بايد بعد از تلاوت هر يك از
اين آيات بايد بر بجهتى خود دمد از جهات سته و اين هفت آيه بر جميع جهات دمدن باين
طريق كه نوشته ميشود آيه اول قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولنا و
على الله فليتوكل المؤمنون بايد بر بالاى سر دمد آيه دويم و ان يمسسك الله بضر
فلا كاشف له الا هو و ان يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء
من عباده و هو الغفور الرحيم بايد بر جانب پاها و اعضاى سفلاى خود دمد آيه
سيم و ما من دابة في الارض الا على الله رزقها و يعلم مستقرها و مستودعها
كل في كتاب مبين بايد بر پس روى خود دمد آيه چهارم انى توكلت على الله ربى
و ربكم ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها ان ربى على صراط مستقيم بايد بر
پيش دمد آيه پنجم و كأين من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها و اياكم و هو
السميع العليم بايد بر جانب راست دمد آيه ششم ما يفتح الله للناس من رحمة فلا
ممسك لها و ما يمسك فلا مرسل له من بعده و هو العزيز الحكيم بايد بر جانب چپ دمد

آیه هفتم وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللّٰهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ
هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ یکی آیات
عشر بیست که در مجمع البیان از حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام روایت
کرده که در قرآن مجید بیست آیه است که هر کس اینها را بامداد بخواند تا شام در حفظ
و امان خدا باشد و در آن روز مطلقا مکروهی باو نرسد اول و دویم و سیم آیة الکرسی
تا هم فیها خالدون و آیه شهادت و آیه ملکت در نوع چهارم از تعقیبات مشترکه
هر نمازی گذشت و چهارم آیه سخره است إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَ
الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا
وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا
إِنَّ إِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ إِنَّا زَيَّنَّا
السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ
إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ
إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ تا آیه آخر صافات سُبْحَانَ رَبِّكَ
رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و سه آیه از
سوره الرحمن يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ
عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ و چهار آیه از
آخر سوره حشر لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ
وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَ
الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ مقاله هشتم در آنچه متعلق است بما بین طلوع شمس و
زوال مشتمل بر چهار فصل است فصل اول در اعمالی که در هر روز بجا آورد
از جامه پوشیدن و مندیل بر سر بستن و انگشتر در دست کردن و سرمه کشیدن و
در آینه دیدن و شانه کردن و بوی خوش استعمال نمودن و روغن مالیدن و بخور
کردن و گلاب بر رو زدن و انواع گلها بوئیدن و صدقه دادن و احکام و ادعیه
متعلقه بآنها اول جامه پوشیدن پس موافق احادیث معتبره زینت کردن و جامهای
پاکیزه پوشیدن هرگاه از حلال بهم رسد و مناسب حال او باشد سنت است و موجب
خوشنودی پروردگار است و اگر حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در خور آن بخود
بپوشد و صرف نماید و بر برادران مؤمن خود بدهد و اگر روزی او تنگ شود قناعت
نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند و مردان را جامه حریر محض پوشیدن و جامهای
طلا باف حرام است و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزهائی که عورت را بآن نپوشانند
پوشیدن هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که اجزای جامه نباشد بخلاف حریر با
و بهتر آنست که چیزی که با ابریشم مخلوط کنند یا پشم و یا ریسمان یا کتان باشد
و اولی آنست که بقدر ده یک یا زیاده باشد و اگر مجموع تار یا پود غیر حریر باشد
بهتر خواهد بود و باید پوست حیوان مرده نباشد هر چند دباغی کرده باشد بنابر مشهور
بین الاصحاب و پوست حیوانی چند که قابل تذکیه نیست نباشد و در نماز باید که پوست
و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانی که گوشت آنها حرام است نباشد
و در سمور و سنجاب و خز که الحال معروفست خلافست و احوط اجتناب است اگر چه
اظهر در سنجاب و خز آنست که نماز در آنها جایز است و سمور جایز نیست و بهتر آنست
که با جامه که در زیر آن یا در بالای آن پوشیده باشند نماز نکنند مبادا موئی چسبیده
باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر بالغ را منع نماید از پوشیدن طلا باف
و حریر و بهترین جامها جامه ایست که از پنبه یافته باشند و بعد از آن کتان است و
جامه پشمینه همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت دارد اما گاهی برای
قناعت یا رفع سرما بد نیست و بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد

از آن سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی و سرخ تیره مکروه است خصوصا
در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر در سه چیز عمامه
و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد بهتر است و اما آداب جامه دراز پوشیدن
و آستین جامه را دراز کردن بمرتبه که از سر انگشتان بگذرد و جامه را از روی تکبر
بر خاک کشیدن مذموم و مکروه است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ببازار رفت و سه جامه برای خود خرید یک
اشرفی پیراهن را تا نزدیک بند پا و لنگ را تا نیمه ساق و ردا را از پیش رو تا پستان
و از پس تا پائین تا کمر پس دست باسمان برداشت و پیوسته حمد الهی میفرمود بر این نعمت
تا بخانه برگشت و در حدیث معتبر است که آنحضرت چون جامه می پوشیدند آستین را
میکشیدند آنچه از انگشتان میگذشت می بریدند و باید جامه که از برای تجمل و میان
مردم پوشیدن مهیا نموده اند در خانه نپوشد که زود کهنه شود بلکه در خانه جامه
زبون و بدتری بپوشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر منقولست که
ادنای اسراف آنست که جامه اندرون و بیرون یکی شود و جامه که مخصوص زنان است
حرامست مرد را پوشیدن مانند لچک و نیم تنه و چاکن و مقنعه و همچنین حرام است
زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردانست مانند کلاه و قبا و عمامه و همچنین
جایز نیست پوشیدن لباس کافران مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام مرویست که جایز نیست زیرا که رسول خدا صلعم لعنت کرد مردانرا
که شبیه بزنان شوند و زنانی که شبیه بمردان شوند و از حضرت صادق ع
مرویست که در نزد جامه پوشیدن بگوید اللهم اجعله ثوب یمن و برکة اللهم
ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک و العمل بطاعتک الحمد لله الذی رزقنی
ما استر به عورتی و اتجمل به فی الناس و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که چون خدای تعالی بجامه نیکی عطا فرماید باید وضو بسازد و دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت سوره حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند
پس حمد کند خدا را که عورت او را پوشانید و در میان مردم او را زینت ساخت و بسیار
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت

خدا نکند و بعدد هر تاری که در آن جامه است ملکی موکل گرداند که خدا را
یاد کند و برای او استغفار نماید و بر او رحم کند و از رسول خدا منقولست که در وقت
پوشیدن جامه نو میفرمود الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به
فی الناس و در نزد پوشیدن زیر جامه بگوید اللهم استر عورتی و آمن روعتی و اعفف
فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکاید
و یهیجنی لارتکاب محارمک و باید بعد از پیراهن زیر جامه را بپوشد و ایستاده و رو
بقبله و رو بآدم نباشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که زیر جامه را
نشسته بپوش و ایستاده مپوش که موجب هلاک و زرداب و غم و الم میشود و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هرگاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند
و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود سزاوار نیست مرد را که جامه خود را
از ران خود دور کند در وقتی که در میان جماعتی نشسته باشد و فرمود چون جامه خود را
از بدن بیرون آورید بسم الله بگوئید تا جنیان نپوشند که اگر نگوئید جنیان آن را
می پوشند تا صبح و از حضرت موسی کاظم علیه السلام سؤال کردند که کسی که ده پیراهن
داشته باشد اسراف است فرمودند بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف
آنست که جامه نگاه داشتنی را در جای کثیف بپوشی و حضرت باقر ع فرمود تا کردن
جامه راحت جامه است و بیشتر باقی می ماند و فرمود جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را
مکبوت میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که شستن جامه اندوه و غم را برطرف
میکند و موجب قبولی نماز میگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که پیراهن
جامه را پینه زند و کفش را پینه زند و چیزی که برای خانه خود است خود بر دارد و بخانه برد
از تکبر ایمن گردد اما عمامه بستن و کلاه بر سر گذاشتن سنت است عمامه بستن و تحت الحنک بعمل
آوردن یعنی گذاشتن مندیل را در زیر حلق خود از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
هرکه عمامه بپیچد و نگرداند بزیر حلق خود و برسد او را دردی که دوائی نباشد ملامت نکند
مگر نفس خود را ابدا آنکه احادیث در ترغیب و تحریص تحت الحنک بسیار است بلکه اجماعی
مذهب شیعه است بخلاف اهل سنت که انکار کرده اند با وجود آنکه در کتب خود از حضرت
رسول ص روایت کرده اند که نهی فرمود از اقتعاط و امر فرمود بتلحی صحاح گفته اقتعاط

بستن عمامه است بر سر بی گردانیدن تحت الحنک و خود صاحب مصباح همین حدیث را
ذکر کرده و مراد از تلحی گردانیدن عمامه است در تحت الحنک و لحیین دو طرف چانه را
گویند لکن این سنت در زمان ما از طرف شده و شاید سر این باشد که تحت الحنک
از جمله مختصات مذهب ائمه علیهم السلام بوده و بعلت تقیه متروک شده و الحال
باقی مانده هر چند تقیه نباشد بلکه در نظر عوام و جهال غیر مستحسن و قبیح است مولانا
محسن کاشی رحمه الله در خلاصه ذکر کرده که شنیدم بعضی از اصحاب ما در ابتدای تعمم
میگردانید عمامه را در تحت حنک خود و بعد میکشوده از جهت تقیه و این بد نیست و
فی الجمله عمل بحدیث شده و شیخ شهید ره گفته عمامه را ایستاده بپیچد سنت است
و در وقت پیچیدن اینده بخواند اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة
و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و حضرت رسول چند
قسم کلاه داشتند بر سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که برطله میگویند وارد شده
که پوشیدن آنها زی یهودان است و علما گفته اند مکروه است و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که با این کلاه دانستن و بر گردانیدن مکروهست و از حضرت رسول صلعم
منقولست که هر گاه کلاههای ترک دار در میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان
ایشان شایع گردد اما انگشتر بسند معتبر روایتست که سنت موکد است مردان و
زنان را انگشتر در دست راست کردن و در بعضی احادیث تخییر فرموده اند که در
دست چپ بکنند اما اگر نقش شریعی یا نگین شریفی داشته باشد باید بیرون آورد
در وقت استنجا و حضرت صادق فرمود که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از آنکه
انگشتر را در انگشت شهادت و انگشت میان بکنند و نیز از آنحضرت مرویست که
انگشتر را ببندید با این انگشت برسانید و در روایتست که انگشتر را بر سر انگشتان کردن
عمل قوم لوطست و در فقه الرضا مذکور است که در وقت انگشتر بدست کردن بگو
اللهم سمنی بسیماء الایمان واختم لی بخیر واجعل عاقبتی الی خیر انک انت العزیز
الاکرم و مردان را انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد
و برنج مردان را و زنان را مکروهست چنانچه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که انگشتر رسول خدا صلعم از نقره بود و منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

علیه السلام چهار انگشتر در دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و زینت و فیروزه
برای نصرت و یاری و حدید برای قوت و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و
به حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست که انگشتر
یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل میکند و از حضرت موسی علیه السلام منقولست
که انگشتر عقیق در دست کردن موجب سلامتیست که در آن هیچ دشواری نباشد و بسند
معتبر از مفضل بن عمر منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم
و انگشتر در نجف در دست داشتم فرمود که ای مفضل این نگین سبز کاهی دیدههای مردان
مومن و زنان مومنه است یاد در گردانیده در دهاست از دیدههای ایشان و من دوست
میدارم برای هر مومن که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت فاخرترین همه است و
عقیق و آن خالص تر است برای خدا و برای ما اهل بیت و فیروزه و آن چشم را قوت
میدهد و سینه را گشایش میدهد و قوت دل را زیاد میکند و چون بی کاری رود آنرا
در دست کند بر چون بر گردد حاجتش بر آورده شده باشد و حدید صینی و آنرا دوست
نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد و لیکن بد نمیدانم در دست کردن آنرا در وقتی
که بدیدن کسی رود و از او ترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود و حدید صینی طلسمها را
دور میگرداند باین سبب دوست میدارم که داشته باشد پنجم آن دری که در نجف
اشرف خدا ظاهر میسازد که هر که آنرا در دست کند بهر نظر کردن بآن خداوند عالمیان
زیارتی حج یا عمره در نامه عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر
خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر اینه هر نگین از آن بقیمت بسیار میرسید و لیکن خدا ارزان
کرده است برای ایشان که توانگران و فقیران ایشان توانند در دست کرد اما آنچه
بخصوص بعضی نگین در احادیث وارد شده که نقش باید کرد این است بر عقیق زرد ما شاء الله
لا قوة الا بالله استغفر الله و بر روی دیگرش محمد و علی و بر فیروزه برای طلب فرزند
رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و برای ایمان از شر حیوانات درنده و ظفر و غلبه
بر اعدا الله الملک و بر طرف دیگرش الملک لله الواحد القهار و بر حدید صینی این کلمات را
نقش باید کرد و دیگر بر نگین دو سطر نقش باید کرد در سطر
اول آمنت بالله و کتبه و در سطر دویم و انی واثق بالله

و دُملج آنرا از زیور طلا و نقره پوشیدن و زنان و اطفال پوشانیدن در حدیث صحیح منقول است
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که پسران
نابالغ را زیور طلا پوشانند فرمود که حضرت امام زین العابدین زنان و اطفال خود را
زیور طلا و نقره می‌پوشانید و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سر غلاف شمشیر
حضرت رسول و دسته آن از نقره بود و زره آنحضرت سه حلقه نقره در پیش رو و دو
حلقه نقره در عقب داشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزینت کردن قرآن
و شمشیرها بطلا و نقره و در روایت معتبر وارد شده است که جایز است که دندانها بطلا
بیکدیگر ببندند و ملا محمد باقر میگوید که در باب زیور طلا احوط و اولی آن است که
مردان اجتناب نمایند اگرچه در شمشیر و مصحف باشد اما سرمه کشیدن در حدیث معتبر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سرمه سنگ در دیده کشیدن دهن را خوشبو
میکند و مژگان را محکم میسازد و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرمه
سنگ چشم را جلا میدهد و موی مژه را میرویاند و آب زیادتی چشم را زایل میکند و در روایت
دیگر فرمود که قوت جماع را زیاده میکند بسند صحیح فرمود حضرت صادق علیه السلام که سرمه کشیدن
در شب چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که هر کس سرمه کشد باید که طاق بکشد و اگر چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث
صحیح منقول است که هر کس سرمه کشد حضرت رسول پیش از خواب سرمه کشیدند در چهار میل
در دیده راست و سه میل در دیده چپ و در فقه الرضا مذکور است که چون اراده
نمائی که سرمه بکشی میل را بدست راست بگیر و در سرمه‌دان بزن و بگو بسم الله و چون
میل را در چشم کنی بگو اللّهمّ نوّر بصری واجعل فیه نورا ابصر به حقّک واهدنی
الی طریق الحقّ وارشدنی الی سبیل الرّشاد اللّهمّ نوّر علی دنیای وآخرتی
و پاره از آداب سرمه کشیدن و دعایش در عمل وقت خواب خواهد آمد اما نظر کردن در
آینه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا فرمود که حق
حاملیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر کند در آینه و حمد خدا
بسیار گوید بر اینکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را معیوب نکرده است و در فقه
الرضا و غیر آن مذکور است که چون خواهی که در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ بگیر

چپ بگیر و بگو بسم الله پس در آن نظر کنی دست راست را بر پیش بگذار و برو و بکش و ریش
خود را بدست بگیر و در آینه نظر کن و بگو الحمد لله الّذی خلقنی بشرا سویّا وزاننی
ولم یشنّی وفضّلنی علی کثیر من خلقه ومنّ علیّ بالاسلام ورضیه لی دینا
پس آینه را از دست بگذار و بگو اللّهمّ لا تغیّر ما بنا من نعمتک واجعلنا لانعمک
من الشّاکرین ولآلائک من الذّاکرین و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اللّهمّ
کما حسّنت خلقی فحسّن خلقی وارزقنی اما تمام کردن آداب و ادعیه آن در فصل
بعد از مقاله اولی گذشت اما بوی خوش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق
منقول است که چون آدم و حوا از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار داشت
و حضرت حوا بر کوه مروه حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را
شانه کرده بود و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از شانه کی
که در بهشت کرده ام و حال آنکه الحال خدا از من در خشم است پس گیسوهای خود را
گشود پس آن بوی خوش که در گیسوی آن بود فرو ریخت و باد بمشرق و مغرب برد و
اکثر را بزمین هند ریخت باین سبب اکثر بوهای خوش در هند میروید از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع می افزاید
در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بوی خوش از اخلاق
پیغمبران است باید که هر روز استعمال شود و اگر نشود یک روز در میان و اگر نتواند
باید در هر جمعه و ترک آن نباید کرد و سنت مؤکد است و فضیلت بسیار دارد و از
حضرت پیغمبر مرویست که آنچه در طیب صرف شود اسراف نباشد و از ابو عبد الله
منقول است که پیغمبر آنچه در طیب صرف میفرمود بیشتر بود از آنچه در طعام صرف میکرد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول روز بوی خوش بر خود مالد
تا شب عقلش با او باشد و حضرت رسول فرموده که بوی خوش زنان باید رنگش
ظاهر باشد و بویش مخفی و بوی خوش مردان برعکس و در حدیث دیگر منقول است که
حضرت رسول رد نمیکرد بوی خوش و شیرینی را که برای آنحضرت می آوردند و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش مشک و عنبر و عود و زعفران است

و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کرد که آیا مشک
در روغنی که بر خود مالند داخل می توان کرد فرمود که من میکنم و باکی نیست و احادیث
در باب خلوق وارد شده و آن بوی خوشی بوده که از چندین چیز میساختند که یک جزو
زعفران است و در اخبار نهی از مداومت خلوق وارد شده و ملا محمد تقی رحمه الله فرموده اند شاید
این نهیها برای آن باشد که رنگش بسیار در بدن نماند و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت علی بن الحسین علیه السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبه خزی و عبای خز
پوشیده بودند و ریش خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند که در این شب با این
هیئت از برای چه بیرون آمده اید فرمود میخواهم عبادت الهی کنم و حوران خدا را خواستگاری
نمایم یعنی برای عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است اما روغن مالیدن
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که روغن مالیدن بشره را نرم میکند و
دماغ را قوت میدهد و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد را برطرف
میکند و بدحالی و تنگی روزی را زایل میسازد و رو را نورانی میکند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که چون روغن را بکف دست بریزی بگو اللهم انی اسئلک الزین والزینة
والمحبة واعوذ بک من الشین والشنآن والمقت پس کف دست را بر بالای سر بگذار و از آنجا
ابتدا کن بروغن مالیدن و در چند حدیث نهی وارد شده است از مداومت بر روغن
مالیدن در هر روز و در روایتی هست که ماهی یک بار بمالند و در روایتی دیگر هفته یک مرتبه
یا دو مرتبه اما زنان را هر روز مالیدن بد نیست و از عقبه منقول است که شخصی را
دماغش آفت رسیده بود حضرت صادق علیه السلام فرمود روغن بنفشه در
دماغ بچکان چنان کرد شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان
گرم است و در تابستان سرد است و برای شیعیان ما لازم است و برای دشمنان ما
خناق است اگر مردم فضیلت آن را بدانند هر اوقیه یک وقیه آن بقیمت یک اشرفی بشود
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از ترکهایی که در دست و پایش
بهم رسیده بود فرمود که پنبه را بگیر و روغن بان بر آن بریز و بر ناف خود بگذار یا روغن را
در ناف بریز آن شخص بگیر پنبه آن کار کرد و آن آزار از او برطرف شد و بسند معتبر

از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش روی
شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر نتواند رسانید و در حدیث دیگر امان است از
هر دردی و در روایت دیگر از حضرت رسول صلعم منقول است که در روغن زیت
منافع بسیار است و در آن شفا از هفتاد درد است و منقول است که حضرت رسول صلعم
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی روغن بنفشه بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد
و بمالد شیطان تا چهل روز نزدیک او نیاید و در بعضی اخبار وارد شده است که
روغن گل خیری روغن انبیا است و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلعم
در وقتی که صداع ایشان را عارض میشد روغن بچکند در بینی می چکانیدند اما بخور کردن
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هرگاه قادر باشد خانه
خود را بعود خوشبو دارد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عود خالص
بوی آن در بدن تا چهل روز می ماند و در حدیث دیگر است که حضرت امام رضا علیه السلام
با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد از آن گلاب و مشک بر خود می مالیدند و
در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلعم بعود قماری بخور میکردند و در
روایت دیگر است که در وقت بخور کردن این دعا بخوان الحمد لله الذی بنعمته تتم
الصالحات اللهم طیب عرفنا و زک روائحنا و احسن منقلبنا و اجعل التقوی زادنا
والجنة معادنا ولا تفرق بیننا و بین عافیتک و کرامتک لنا انک علی کل شیء قدیر
و در روایتی در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخوان الحمد لله رب العالمین اللهم
امتعنی بما رزقتنی ولا تسلبنی ما خولتنی واجعل ذلک رحمة لی ولا تجعله
وبالا علی اللهم طیب ذکری بین خلقک کما طیبت نشری و ثنوای بفضل نعمتک
عندی اما گلاب بر رو زدن و انواع گلها بوییدن از حضرت رسول صلعم منقول است که
گلاب بر رو زدن آب رو را زیاد میکند و پریشانی را برطرف میسازد و در حدیث دیگر
فرمود هر که گلاب بر رو بمالد در آن روز بدحالی و پریشانی باو نرسد و چون گلاب
بر رو و دستها بمالد حمد خدا بکند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و در روایت دیگر
منقول است که چون آن حضرت را بمعراج بردند زمین از رفتن آن حضرت محزون شد
و بآن سبب گیاه در آن روئید و چون برگشتند زمین شاد شد و گل سرخ در آن روئید

پس کسی که خواهد که بوی حضرت پیغمبر را استشمام نماید گل سرخ را ببوید و در روایت
دیگر از طرق عامه از آن حضرت وارد شده است که گل سرخ از عرق من روئید در
شب معراج و گل سفید از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایتی وارد شده است
که بوئیدن نرگس و روغن مالیدن فضایل بسیار دارد و حضرت رسول فرمود که
نیکو گلیست مرزنگوش و در زیر عرش می روید و آبش باعث شفای چشم است و در روایت
دیگر است که بسیار ببوئید مرزنگوش را که قوت شامه را می افزاید از حضرت صادق
منقولست که گل بهشت یک نوع دارد و سفید و بهترین همه مورد است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول منقولست که هر گاه گلی بشما دهند ببوئید و بر دیدهای
خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در ضمن حدیث معتبر است که هر که گلی را
بگیرد و ببوید و بر دیدهای خود بگذارد پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد هنوز
بر زمین نگذاشته که گناهانش آمرزیده شود و از حضرت امام علی نقی علیه السلام
منقولست که هر که گل را ببوید و بر دیدها گذاشته صلوات بر محمد و آل او بفرستد
حق تعالی برای او از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در ما بین مکه و عراق
کشیده است بنویسد و از گناهان او بقدر ریگ بیابان محو نماید اما صدقه دادن
صاحب کافی از حضرت نبوی روایت کرده که آن حضرت فرمود در صبحگاه صدقه دهید
و رغبت کنید دران بدرستیکه بلا تجاوز نمی کند از آن ایضا صاحب کافی از آن حضرت
روایت کرده که فرمود صدقه دهید در صبحگاه و رغبت کنید دران پس هیچ مؤمنی که
تصدق کند بصدقه در اول روز خدا دفع کند از او بسبب آن صدقه
شر آنچه فرود می آید از آسمان بسوی زمین دران روز مگر آنکه نگاه دارد او را خدا از
شر آنچه فرود می آید دران روز فصل دوم در ادعیه مخصوصه بساعات روز است
بدانکه علما روز را که عبارت از طلوع صبح است تا غروب آفتاب بدوازده ساعت
قسمت کرده اند و هر ساعتی را منسوب بامامی از ائمه اثنی عشر ساخته اند و دعائی در
هر ساعت قرار داده اند که مشتمل بر توسل بآن امام عالیمقام است ساعت اول
از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب منسوب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام است
و دعای آن در ضمن اعمال آن وقت ذکر کردیم ساعت دوم که از ابتدای طلوع آفتاب است

آفتاب است تا آنکه زردی او برطرف شود و تقریبا بقدر یک نیزه بلند شود تعلق بحسن
بن علی دارد و دعای آن این است اللهم یا خالق السموات والارض و مالک
البسط والقبض و مدبر الابرام والنقض و من لا یخیب المضطر اذا دعاه و
یکشف السوء و یجعل عباده خلائف الارض یا مالک یا جبار یا واحد یا قهار یا
عزیز یا غفار یا من لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار یا من لا یمسک
خشیة الانفاق و لا یقتر خوف الاملاق یا کریم یا رزاق یا مبتدئا بالنعم
قبل الاستحقاق یا من ینزل الروح من امره علی من یشاء من عباده لینذر یوم
التلاق کثرت نعمک علی و صغر فی جنبها شکری و قد عم غناک عنی و عظم الیک
فقری اسألک یا عالم سری و جهری یا من لا یقصد سواه علی کشف ضری ان تصلی
علی محمد رسولک المختار و تجعلنی من الابرار و الفجار و علی اهل بیته الطاهرین الاخیار
و انا اتوسل الیک بالانزع البطین علما و بالامام الزکی الحسن المقتول سما فقد
استشفعت بهم الیک و قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی ان ترزقنی من لدنک
علما و تهب لی حکما و تجبر کسری و تشرح بالتقوی صدری و تزحزحنی اذا انقطع
من الدنیا اثری و تذکرنی اذا نسی ذکری برحمتک یا ارحم الراحمین ساعت سیم که
از وقت برطرف شدن زردی آفتاب است تا بلند شدن آن تعلق بوقت چاشت حضرت
سید الشهداء منسوب است و دعای آن این است اللهم رب الارباب و مسبب
الاسباب و مالک الرقاب و مسخر السحاب و مسهل الصعاب یا حلیم یا تواب یا
کریم یا وهاب یا مفتح الابواب یا من حیث ما دعی اجاب یا من لیس له حاجب
و لا بواب یا من لیس بجرا فقل و لا ناب یا من لا یخفی علیه ستر و لا یعزب
دونه حجاب یا من یرزق من یشاء بغیر حساب یا غافر الذنب و قابل التوب شدید
العقاب قل هو الله ربی لا اله الا هو توکلت و الیه متاب اللهم انقطع الرجاء
الا من فضلک و خاب الامل الا من کرمک فاسئلک بمحمد رسولک و بعلی بن ابی
طالب صفیک و بالحسین بن علی الامام التقی الذی شری نفسه ابتغاء مرضاتک
و جاهد الناکثین عن طاعتک فقتلوه ساغبا ظمآنا و هتکوا حرمته بغیا و عدوانا
و حملوا رأسه فی الآفاق و احاطوه محل اهل العناد و النفاق اللهم صل علی محمد

وآله وجدد علي آثار فضلك عليه مجربات نعمتك وانعامك ومزيدات مخطلة
نكالك اللهم اني اسألك بمحمد وآله واستشفع بهم اليك واقدمهم امامي و
بين يدي حوائجي ان لا تقطع رجائي من احسانك وافضالك ولا تخيب تأميلي
في احسانك ونوالك ولا تمهلنا لنترك المسؤول علي من حميتك ولا تغير عني عوائد
طولك ونعمك ووفقني لما يقربني اليك واصرف عني ما يباعدني عنك واعطني من
الخير افضل مما ارجو واكفني من الشر ما احذر برحمتك يا ارحم الراحمين

فصل سيم در ادعيه هر روزه كه مخصوص بساعتي نيست بلكه در تمام روز ميتوان
خواند مشتمل بر پنج نوع نوع اول آنچه يكبار بايد خواند بسند معتبر از حضرت صادق
مرويست كه اگر مومني در يك روز چهل گناه كبيره كرده باشد پس از روي ندامت
و پشيماني اين استغفار را بخواند خدا گناهان او را بيامرزد استغفر الله الذي لا
اله الا هو الحي القيوم بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام واسأله ان
يتوب علي مرويست كه حضرت رسول صلعم فرمود كه هر كه خواهد كه او را زياده از اعمال
در ملأ اعلا ثنا گويند پس هر روز بايد دعا را بخواند و اگر حاجتي داشته باشد بر آورده
شود و اگر دشمني داشته باشد بر او غالب گردد و اگر قرضي داشته باشد ادا كرده
شود و اگر همي و غمي داشته باشد زايل گردد و بايد دعا از هفت آسمان بالا رود
تا در لوح محفوظ براي او نوشته شود دعا اينست سبحان الله كما ينبغي لله والحمد
لله كما ينبغي لله ولا اله الا الله كما ينبغي لله والله اكبر كما ينبغي لله ولا حول
ولا قوة الا بالله وصلى الله على محمد النبي وعلى اهل بيته وجميع المرسلين
والنبيين حتى يرضى الله ايضا روايت شده است كه بسند است كه هر روز بايد دعا را
بخواند اللهم اني اسألك بنور وجهك المشرق الحي الباقي الكريم واسألك
بنور وجهك القدوس الذي اشرقت به السموات وانكشفت به الظلمات و
صلح عليه امر الاولين والآخرين ان تصلي على محمد وآله وان تصلح لي شأني كله
و ايضا از حضرت امام محمد باقر عليه السلام روايت شده كه هر كه هر روز اين دعا بخواند حق تعالى
امور دنيا و آخرت او را كفايت كند بسم الله حسبي الله توكلت على الله اللهم اني اسألك
خير اموري كلها واعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة ايضا مرويست كه هر كه در
عرض يكسال هر روز يكمرتبه اين دعا بخواند نميرد تا جاي خود را در بهشت نه بيند سبحان
الدائم القائم سبحان القائم الدائم سبحان الواحد الاحد سبحان الفرد الصمد سبحان
الحي القيوم سبحان الله وبحمده سبحان الحي الذي لا يموت سبحان الملك القدوس
سبحان ربنا رب الملائكة والروح سبحان العلي الاعلى سبحانه وتعالى و در جنة
الواقية آورده كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام هر روز ميخواندند اللهم اغفر لي ما
انت اعلم به مني فان عدت فعد علي بالمغفرة اللهم اغفر لي ما رايت به على

نفسی و لم تجد له عندی وفاء اللهم اغفر لی ما تقربت به الیک ثم خالفه قلبی
اللهم اغفر لی رمزات الالحاظ و سقطات الالفاظ و شهوات الجنان و هفوات
اللسان ایضا از حضرت مرویست اللهم صن وجهی بالیسار و لا تبذل جاهی بالاقتار
فاسترزق طالبی رزقک و استعطف شرار خلقک و ابتلی بحمد من اعطانی و
افتتن بذم من منعنی و انت من وراء ذلک کله ولی الاعطاء و المنع انک علی کل
شیء قدیر نوع دویم از ادعیه هر روز اذکاریست که هفتاد بار تکرار باید کرد از
الحمد بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر بنده که هر روز هفت مرتبه
بگوید اسئل الله الجنة و اعوذ بالله من النار جهنم گوید خدایا او را از من پناه ده
ایضا بسند معتبر از آنحضرت مرویست که هر روز هفت مرتبه بگوید الحمد لله علی کل
نعمة کانت او هی کائنة ادای شکر نعمت گذشته و آینده کرده باشد ایضا از آن
حضرت مرویست که هر که هر روز هفت مرتبه این دعا بخواند امور دنیا و آخرت او کفایت
میشود حسبی الله ربی لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم ایضا
از آنحضرت روایت شده که هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حق تعالی چهل و پنج هزار
حسنه برای او بنویسد و چهل و پنج هزار گناه از او محو کند و چهل و پنج هزار درجه در بهشت
برای او بلند کند و حرز باشد در آن روز برای او از شر شیطان و ظالمان و منحرف
نشود او را و احاطه نکند باو گناه کبیره و بروایت دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه
قران را ختم کرده باشد و خدا در بهشت خانه برای او بنا کند و دعا اینست اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا
ایضا از حضرت رسول ص مرویست که هر که هر روز ده مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر
متولد شده و خدا از او دفع کند هفتاد نوع بلا را که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی و
فالج بوده باشد و حق تعالی هفتاد هزار ملک موکل گرداند که برای او استغفار کنند ایضا
از آنحضرت روایت شده که هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حق تعالی چهار هزار گناه او
بیامرزد و او را از سکرات موت و فشار قبر و صد هزار هول قیامت نجات دهد و از شر
شیطان و لشکرهای او محفوظ دارد و قرضش ادا شود و غم و همش زایل شود دعا این است اعددت

اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل هم و غم ما شاء الله و لکل نعمة الحمد لله
و لکل رخاء الشکر لله و لکل اعجوبة سبحان الله و لکل ذنب استغفر الله و
لکل مصیبة انا لله و انا الیه راجعون و لکل ضیق حسبی الله و لکل قضاء
و قدر توکلت علی الله و لکل عدو اعتصمت بالله و لکل طاعة و معصیة لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت
رسول ص فرمود که هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله
الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة و رقا حق تعالی روی رحمت خود را
از او نگرداند تا داخل بهشت گرداند او را دیگر بسند معتبر از آنحضرت مرویست که هر که
هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
حق تعالی بعدد هر مؤمنی که گذشته و هر مؤمنی که آید تا روز قیامت حسنه در نامه
عملش بنویسد و بآن عدد گناه از او محو کند و درجه در بهشت برای او بلند کند دیگر
بسند حسن و معتبر از آنحضرت مرویست که حضرت رسول ص هر روز هفتاد مرتبه میگفت
استغفر الله و هفتاد مرتبه اتوب الی الله نوع سیم آنچه صد بار خوانده میشود از حضرت
صادق علیه السلام بسند معتبر مرویست که هر که هر روز صد مرتبه بگوید لا حول و لا قوة
الا بالله حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دفع کند که کمتر آنها هم و غم باشد بروایت دیگر
هرگز پریشان نشود و بروایت دیگر تنگدستی و فقر او را در نیابد و هر که هر روز صد مرتبه
بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر حق تعالی بدنش را بر آتش دوزخ
حرام گرداند ایضا بسند معتبر روایت شده که حضرت رسول ص فرمود که هر که هر روز صد
مرتبه بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین امان یابد از فقر و وحشت قبر و توانگری
روی با او آرد و درهای بهشت بر روی او گشاده شود نوع چهارم آنچه از یکصد زیاده است
بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسالت ص هر روز بعدد رگهای بدن
سیصد و شصت مرتبه میگفت الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال و بروایت دیگر
از آنحضرت منقولست که هر که درد دنیا بیابد هر روز چهار صد مرتبه این دعا بخواند خدا
علم با مال بسیار او را کرامت فرماید دعا اینست استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
الرحمن الرحیم بدیع السموات و الارض من جمیع ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی و اتوب

الیه نوع پنجم قراءت آیاتیست که در کتاب لآلی از محمد بن علی العلوی مرویست
برای دفع هم و غم و خوف سلطان و از یاد ماه و جاه و ادای دین و خلاصی محبوسون اثری
تمام دارد و آن شش آیات است با جواب آنها آیه اول الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا
انا لله و انا الیه راجعون جوابش اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئک
هم المهتدون آیه دوم الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم
ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل جوابش فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم
سوء و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم آیه سیم و ذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین جوابش فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین
آیه چهارم و ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین جوابش
فاستجبنا له و کشفنا ما به من ضر و آتیناه اهله و مثلهم معهم رحمة من عندنا و ذکری
للعابدین آیه پنجم و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد جوابش فوقیه الله سیئات
ما مکروا و حاق بآل فرعون سوء العذاب آیه ششم و الذین اذا فعلوا فاحشة او
ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا لذنوبهم و من یغفر الذنوب الا الله و لم یصروا
علی ما فعلوا و هم یعلمون جوابش اولئک جزاؤهم مغفرة من ربهم و جنات تجری من
تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر العاملین فصل چهارم در آنچه عادت جاری
شده بفعلش در این ساعت سوای شریعت از خوردن و آشامیدن و بی حاجتی از خانه
بیرون آمدن سواره یا پیاده و آنچه در اثنای راه اتفاق افتد تا برگشتن بخانه با احکام
و آداب و شرایط و ادعیه آنها مشتمل بر سه نوع اول در آداب و اقسام اغذیه و ادویه
مفرده و مرکبه و امزجه و خواص آنها شرعا و طبا و اوقات و ظروف طعام خوردن و حلیت
و حرمت و فضیلت ضیافت و ادعیه آنست اما آداب باید بنشیند در نزد اکل دو زانو
اگر بر جانب چپ تکیه کند یا کج بنشیند و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو
گذارد بدتر و تکیه نکند بچیزی و ابتدا کند ببسمله و ختم نماید بحمدله و ختم بنمک هم روایت
شده و باید با وضو و طهارت باشد و بسه انگشت اکل کند و لقمه را کوچک بردارد و نیکو
بخاید و نظر بروی مردم نکند و بدست راست چیز خوردن و طعام بسیار گرم نخوردن و باد

و باد بر طعام گرم ندمد بلکه بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد و بدست چپ و خوابیده
بدون نان چیزی نخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند و تنها در وقت راه رفتن
چیز خوردن مکروه است و با خدمتکاران و غلامان و بر روی زمین چیز خوردن سنت
و باید همواره رغبت بچیز خوردن داشته باشد که دست بکشد و پیش از طعام و بعد از طعام
دست شستن سنت است و پیش از طعام که دست بشوید سنت است که بدستمال خشک
ننماید و اول صاحب خانه دست بشوید تا آخر مجلس و بعد از طعام اول غیر صاحب
خانه دست بشوید از جانب چپ ابتدا کند و خود آخر همه بشوید سنت است که همه در
یکطرف دست بشویند و آب را بریزند و در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام
از حضرت امام حسن علیه السلام روایت نموده که در مائده دوازده خصلت است که واجبست
بر هر مسلمان بداند آنها را چهار واجب و چهار سنت و چهار تادیب اما آن چهار خصلت
واجب معرفت منعم و رضا بداده او و بسم الله گفتن و شکر گذاری کردن و چهار سنت دست
شستن پیش از طعام خوردن و نشستن بر جانب چپ و خوردن بسه انگشت و لیسیدن
انگشتان و چهار تادیب از پیش خود چیزی خوردن و لقمه را کوچک برداشتن و خوب خاییدن
و بر روی مردم کم نگریستن و در حالت جنابت مکروه است طعام و آب خوردن و اگر وضو
بسازد و یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق کند و یا دست و روی را بشوید و مضمضه
کند کراهتش ضعیف میشود و در حدیث است که اگر چیزی بخورد در حالت جنابت بی آنکه
اینها را بعمل آورد اغلب آنست که پیس شود و بر سر خوانی که شراب خورند چیز خوردن حرام است
و بعضی گفته هرجا که حرامی خورند یا کنند در آنجا چیز خوردن حرام است حتی بر سر سفره ای که
غیبت مسلمان کنند بحرام و باید گوشت نخورد در یکروز دو مرتبه بلکه در هر سه روز یکمرتبه
بخورد و باید مبالغه در خوردن گوشتی که با استخوان چسبیده نکند و در حدیث وارد شده
که از برای جن در آن بهره هست و هرکه بکند این را میرود از خانه او خیر بهتر از آن باشد
و باید باندکی از رزق راضی باشد و در کافی منقولست که هرکه باندکی از رزق راضی باشد
از خدا او سبحانه نیز باندکی از عمل او راضی شود و سنت است طول دادن و نشستن بر مائده را
اگر صاحب طعام او باشد و در کافی از زراره روایت کرده که شنیدم از حضرت ابی
عبدالله که سه چیز است که هرکه بیاموزد او را مرد عمرش زیاده میشود و نعمتش باقی

نانی می ماند میگوید عرض کردم کدام است فرمود طول دادن در رکوع و سجود نماز و
طول دادن نشستن بر طعام هرگاه مائده او باشد و مجاور در معروف براو رکن اعظم در
چیزی خوردن اجتناب از حرام و شبهات است در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت رسول
منقولست که فرمود که هرگاه واقع شود لقمه حرام در شکم بنده لعنت کنند او را هر ملکی که در
آسمان و زمین اند تا آن لقمه در شکم اوست و نظر نکند خدای تعالی بجانب او بنظر رحمت و کسی که
بخورد لقمه از حرام مستوجب غضب الهی شود و اگر توبه کند توبه او قبول نشود و اگر بمیرد آتش
از برای او اولیست ازهمه چیز و احادیث در باب اجتناب از حرام و شبهه مکرر است که این مختصر را
وسعت ذکر آن نیست و در کتاب معیشت کافی منقولست از حضرت امام محمد باقر که
حضرت رسول فرمود عبادت ده جزو است افضل از طلب حلال است اما ادعیه پس هرگاه
مائده حاضر شد بگوید اللهم اجعلها نعمة مشکورة نصل بها نعمة الجنة و در حدیث معتبر
از حضرت ابی عبدالله علیه السلام منقولست که چون خوان بگذارند بگوید بسم الله
و در حدیث است که چون سفره نزد حضرت رسول میگستردند این دعا میخواندند سبحانک
اللهم ما احسن ما تبتلینا سبحانک ما اکثر ما تعطینا سبحانک ما اکثر ما تعافینا
اللهم اوسع علینا و علی فقراء المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و وارد
شده است استحباب بسم الله گفتن بر هر لونی از اطعمه و بر هر ظرفی که مائده باشد هرچند از
یک دنبل باشد و کسی که فراموش کند بسم الله بگوید بسم الله علی اوله و آخره و اکل را باید
بجهت قوت در عبادت بکند نه بجهت حظ نفس و باید در اثنای اکل حمد خدا بسیار کند و
حرف بسیار بزند ایضا از حضرت پیغمبر مرویست که بعد از طعام هر که بگوید الحمد لله
الذی اطعمنی هذا و رزقنیه من غیر حول منی و لا قوة میباشد کفاره شصت سال
از ذنوب و کناهان او و لیسیدن انگشتان و کاسه بعد از طعام سنت است و حضرت
رسول چون خوان از پیش برمیداشتند این دعا میخواندند اللهم اکثرت و اطیبت و بارکت
فاشبعت و ارویت الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و نیز از آنحضرت مرویست که بعد
برداشتن مائده بگوید الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها نعمة مشکورة و نیز از
آنحضرت علیه السلام مرویست از برای اهل طعام بگوید اللهم بارک لهم فیما رزقتهم
فاغفر لهم و ارحمهم اللهم اطعم من اطعمنی و اسق من سقانی و نیز از آنحضرت

حضرت منقولست که مؤمن چیز میخورد بخواهش اهلش و منافق چیز میخورند اهلش
بخواهش او و برای ضعف معده حضرت صادق علیه السلام فرمود بشخصی که چون
از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شکم بمال و بگو اللهم هنّئنیه اللهم
سوّغنیه اللهم امرئنیه و برای زاد چشم فرمود که چون بعد از طعام دست شوئی
دستهای خود را برابر روها بمال و سه نوبت بگو الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل
و برای کلف فرمود بعد از دست شستن دست بر روی مالیدن کلف را از رو برطرف
میکند و روزی را زیاده میگرداند اما آداب بعد از طعام از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که هرگاه چیز خوردی بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ
بگذار و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که بخورید آنچه
از خوان بر زمین می افتد که شفای هر دردیست بامر الهی برای کسیکه آن را طلب شفا
نماید و در حدیث دیگر برای درد پهلو خوردن آن وارد شده و در حدیث دیگر
خوردن آن فقر و درویشی را برطرف میکند و حضرت رسول فرمود هرکه پاره نانی
در میان جای کثیفی و نجسی بیابد پس بشوید او را بردارد برای او هفتاد حسنه بوده
باشد اما فضیلت و آداب خلال از حضرت صادق علیه السلام منقولست که جبرئیل
برای حضرت رسول مسواک و خلال و حجامت آورد و فرمود که خلال بن دندانها
را اصلاح می آورد و روزی را زیاد میکند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که
خلال مکنید بچوب گل و چوب انار که درد و رگ خوره را بحرکت می آورد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که هرکه بنی خلال کند تا شش روز حاجتش برآورده نشود
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که خلال کردن بچوب گز مورث فقر
و بی چیزی است و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
امر میکرد مارا که چون خلال کنیم آب بخوریم تا سه نوبت مضمضه کنیم دهن را آب
ایضا بدانکه چنانچه از احادیث اهل بیت علیهم السلام ظاهر میشود طعامهای لذیذ
خوردن و بمردم خورانیدن و تکلف در خوبی و پاکیزگی آنها خوبست و طعامهای
لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید از حلال باشد و بقدری بخورد که او را
از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته همش مصروف خوردن و

اما ایستادن نباشد بلکه باید منظور او قوت عبادت باشد چنانکه مذکور شد
و باید آنقدر صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفین را دوست
نمی دارد اما ظروف اکل و شرب و سایر استعمالات و آنچه نهی از آن وارد شده پس
خوردن و آشامیدن از ظروف طلا و نقره جایز نیست و در استعمال غیر اکل و شرب
خلافست و احوط اجتناب است و همچنین در نگاه داشتن برای زینت احوط اجتناب است
و بعضی گفته اند که طعامی را که در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود اگرچه طعام را
در جای دیگر کنند و اگرچه دلیلی ندارد اما احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند
وضوئی را که در ظرف طلا یا نقره بسازند و در مانند سرمه‌دان و عنبرچیر و سر قلیان
و قندیلها که هر دو طرف نقش کرده باشد که در مشاهد مشرفه می آویزند و ظروف مصحف و
دعا و آئینه را نقره و طلا گرفتن بلکه چوب نی را نقره گرفتن خلافست و احوط در همه
اجتناب است اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلبکی قلیان که از نقره و
طلا باشد احتیاط بیشتر باید کرد و مکروه است از نقره کوب و طلا کوب چیزی خوردن
و آشامیدن و اگر بخورد بهتر آنست که دهان را بموضع نقره و طلا نرساند و اشهر
میان علما آنست که جایز نیست استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال
حیوة پاک باشد و آنرا بعنوان مشروع کشته باشند یا از دست مسلمان گرفته باشند
و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و همچنین پوستی که یافته باشند اگرچه
گمان باشد که از دست مسلمان افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان بعضی گفته اند
که جایز است استعمال میته در عملی که مشروط بطهارت نباشد مثل آب بزراعت و
حیوانات دادن و امثال اینها و این قول قوتی است و احوط اجتناب است و همچنین بعضی
جایز دانسته اند استعمال پوستی را که ظنی بهم برسد که از اسلامی کشته یا از دست
مسلمانان افتاده است و خالی از قوتی نیست و احوط اجتناب است و پوست حیوان
طاهر بکه گوشت آنرا نخورند و قابل تذکیه باشد استعمال می توان کرد اما پیش از
دباغی مکروه است استعمال آن و ظرفی که شراب در آن کرده باشند هرچند
نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس شستن پاک می شود و همچنین هرچه
کاشی داشته باشد و منفذی نداشته باشد که شراب بجرم آن جا کند و در مثل سبو و

هرچه

سبو و کدو و خم بیکاشی و امثال اینها خلافست و اشهر آنست که باب کشیدن
پاک میشود خصوصا وقتی که آنقدر در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر
شراب در آن نماند و احوط اجتناب است و در حدیث معتبر دیگر فرمود که کراهت
دارد خوردن چیزی در سفالی که از مصر آورند یخته باشد و حضرت امام محمد تقی
که طعام تناول فرمودند در میان کاسه سیاهی که در میان آن برنگ زرد سوره
قل هو الله احد نقش کرده بودند اما فضیلت نان و سویق و گوشت و روغن و سایر
آنچه از حیوانات حاصل میشود و شیرینیها و بعضی حبوب و میوه‌ها و سبزیها اولا بدانکه
اغذیه انسان که از دوائیه ابعد باشد مثل نبات و حیوانست و در تشبیه
شدن غذا به مغتذی یعنی بدن انسانی ناچار است که طبیعت در نباتات هفت چیز
فعل کند تحلیل و استحاله و تفریق و عقد و تقدیر و تشبیه و ادخال و در حیوان محتاج
بهمه افعال نیست چه در نبات فعل کافیست تفریق و تقدیر و عقد و تشبیه و
ادخال و در تخم محتاج بتحلیل و استحاله نیست و در لحم محتاج بدو فعل است
که تشبیه و ادخال باشد یعنی در غذاها گوشت مقدم است بر همه چیز و الثنی که مراد
دو فعل باید و در نباتات نان گندم از حضرت صادق علیه السلام مرویست که نان را
گرامی دارید عرض کردند که گرامی داشتن نان کدام است فرمود چون نان حاضر
شود انتظار چیز دیگر مکشید و از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح منقول است
که نان را در زیر کاسه مگذارید و ایضا بسند صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که حضرت رسول فرمود که گرده های نان کوچک کنید که با هر گرده برکتی است
و در چند حدیث معتبر منقول است که نان را بکارد مبرید و لیکن بدست
بشکنید و در حدیث صحیح معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فضیلت نان
جو بر نان گندم مانند فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه
دعا کرده است برای خورنده نان جو و برکت فرستاده است برای او و داخل هیچ
شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی که در آن هست بیرون میکند و نان جو قوت پیغمبران
و طعام نیکوکاران است و حق تعالی نکرد این قوت پیغمبران را مگر نان جو و فرمود که
داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع تر از نان برنج باشد و در روایت دیگر

تفریق

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای صاحب اسهال نان برنج با گوشت
و هم چنین برای صاحب سل دردها را از بدن میکند در مکارم الاخلاق از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام منقولست که نیست در کاورس ثقلی و کاورس با شیر برنج و
فایده مندتر است در معده و در حدیث صحیح حضرت امام رضا ع فرمود نیکو خوراکیست
سویق یعنی آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام را هضم میکند و حضرت صادق ع
فرمود که سویق هفتاد نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد کتفین او پر میشود
از قوه و صفرا را فرو می نشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است و همان
خون و حرارت را برطرف میکند و در ضمن حدیث دیگر فرمود که اگر سه کف سویق خشک
ناشتا خورده شود بلغم و صفرا را برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که بهترین نان خورشها در دنیا و در آخرت گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی
در وصف بهشت میفرماید و لحم طیر مما یشتهون و در حدیث از حضرت امیر المومنین
منع از بسیار خوردن گوشت وارد شده و در حدیث دیگر فرمود که گوشت خوردن در بدن
گوشت را می رویاند و کسی که چهل روز گوشت نخورد بدخلق میشود و هر که بدخلق میشود
اذان در گوشش بگویید و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع
عرض کرد که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمی خورند و میگویند سودا را بحرکت می آورد و
از آن درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر
از گوشت گوسفند میدانست فدای اسمعیل را گوسفند قرار نمی کرد و حضرت امام محمد باقر ع
فرمود که بنی اسرائیل بحضرت موسی شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان بهم رسیده
شده بود حق تعالی وحی نمود بحضرت موسی که امر کن ایشان را که گوشت گاو با چغندر
بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرق گوشت گاو پیسی را زایل میکند و از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقولست که اردک گاومیش مرغان است چون لجن میخورد و مرغ
خانگی خوک مرغان است چون که فضله آدمی میخورد و دراج حبشی مرغان است چرا نمی خورید
کبوتر بچه را که تازه بپرواز آمده باشد که باعث زیادتی قوه می شود و پاکیزه است
خود ایشان را تربیت کرده اند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که خواهد
خشم او کم شود و اندوهش زایل شود گوشت دراج بخورد و از حضرت امام موسی علیه السلام

موسی علیه السلام منقولست که گوشت کبک ساق پا را قوی میکرداند و تب را دور میکند
و در حدیث صحیح است که حضرت رسول ص نهی فرمود از خوردن گوشت خام و فرمود که
این خوردن حیوانات درنده است بلکه بنا بخورد تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر بدهد
در احادیث بسیار منع وارد شده است از گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند که
دردها را بحرکت می آورد و معده را سست میکند و در بعضی از احادیث تجویز خوردنش
هم وارد شده است و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که باکی نیست در خوردن گوشت
و شیر و روغن گاومیش و در چندین حدیث منقولست که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد بقدر
آن درد از بدنش بیرون رود و بسند معتبر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند که بر شما
باد بخوردن ماهی که اگر تازه نخورید کافیست و اگر تازه نخورید گوارا است و حضرت امیر
المومنین علیه السلام فرمود که مداومت منمایید بخوردن ماهی که بدن را می کاهد و
بروایتی ماهی تازه پیه چشم را میگدازد و حضرت رسول صلعم چون ماهی تناول میکردند
میفرمودند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه و در احادیث بسیار مدح مرق گوشت
که نان در آن ترید میکرده اند وارد شده و احادیث معتبره در مدح کباب منقولست که ضعف را
زایل میکرداند و دنبه را شرح میکرداند و تب را زایل میکند و مدح گوشت گرده در حدیث وارد شده که سر گوشت
محل برکت است و بجز اکال از همه اعضا نزدیکتر و از کثافات دورتر است هریسه و حضرت امیر المومنین
فرمود که بر شما باد بخوردن هریسه که تا چهل روز قوت عبادت میدهد و از جمله مائده ایست
که خداوند عالمیان بر حضرت رسول ص نازل کرده اید و تخم مرغ سبکست خواهش گوشت را
برطرف میکند و مفسده گوشت را ندارد و شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت
کرد از فرزندان حضرت فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ را با پیاز بخور و در حدیث دیگر تخم مرغ
با گوشت وارد شده و حضرت صادق علیه السلام فرمود که زرده تخم سبکست و سفیده اش
سنگین است و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که بسیار خوردن تخم زیاده میکند فرزند را
و احادیث معتبره در مدح سرکه بسیار وارد شده است و منقولست که بهترین نان خورشها از حضرت
رسول ص سرکه بوده و میفرمودند که خانه که سرکه در آن باشد خالی از نان خورش نیست و حضرت
امیر المومنین علیه السلام فرمود نیکو نان خورشیست سرکه که صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده
میکند و حضرت صادق ع فرمود که سرکه که از شراب بهم رسیده باشد کرم معده را می کشد

و بن دندان را محکم میسازد و عقل را قوی میکند و شهوت زنان را قطع میکند و منقول است
که خوردن عسل و تلاوت قرآن و خاییدن کندر بلغم را میگدازند و در آخر درجه دوم گرم
و در اول آن خشک و هرچه کهنه شود حدت بهم رساند و خشک شود و در مدح شکر
احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قند یا از قبیل نقل چیزی از
شکر میساختند و شکر در آخر درجه اول گرم و در اول آن تر و هرچه صافتر باعتدال نزدیکتر
و هرچه کهنه شود خشکی در او غلبه میکند و منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام
در وقت خواب تناول شکر میفرمودند و منقول است که هرچه نافع است و دفع بلغم میکند و در
روایتی هست که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بغیر از آن چیزی نداشته باشد و همه را
خرما و شکر بخورد مسرف نخواهد بود و در حدیث معتبر است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرچه میخوردند
و می‌آشامیدند میگفتند اللّهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیراً منه و چون شیر تناول میکردند
میفرمودند اللّهم بارک لنا فیه و زدنا منه و بسند موثق کالصحیح از آن حضرت منقول است که
بر شما باد بشیر گاو که از هر درختی میخورد و خاصیت هر گیاه در شیر او هست و حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود که شیر گاو دواست و حضرت باقر علیه السلام فرمود که شیر یک
گوسفند سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه
و اطبا گفته‌اند ماء الجبن را هرگاه شیر بهم رسد از شیر گاو و میتوان تربیت داد و طریق آن آنست
که از شیر بز سرخ زاغ چشم جوان که از ابتدای شیر دادن او قلیلی یکماه گذشته باشد و او را
تعلیف باسفناج و کاهو و شاهتره و خبازی و فصیل و امثال آن کرده باشند هر روز تخمین
مقدار صد و هشتاد مثقال شیر او را که دو رطل باشد در دیگ سنگی یا دیگ تازه قلعی
جوشانیده در اثنای جوشیدن که بالا آمد یازده مثقال سکنجبین شکری ترشی یا یکمثقال
سرکه در آن ریخته با چند شاخ چوب انجیر که پوست آن را گرفته سرهای آن را کوبیده باشند
بهم زنند و دیگر از روی آتش پایین آورند و در کرباس تنک چشمی خوش قماش کنند
و در زیر آن ظرفی گذاشته تا قطره قطره شیر بریده داخل ظرف گردد و شب در جایی گذاشته
که اگر ترشی داشته باشد ترشی شود و روز دیگر برده که بر روی آن بسته با بر روغن یا پنبه
برداشته صاف آن را با سکنجبین افتیمونی یا با ادویه و اشربه مناسبه تجرعه نموده نیم گرم به
دفعه بنوشند که فاصله مابین هر دفعه نیم ساعت تا یکساعت باشد و در ایام خوردن ماء الجبن

ماء الجبن باید نان و غذای غلیظ و لبنیات نخورد و اجتناب نماید و از شیر گاو و میش
نسبت باید عمل آورند و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
از ضعف بدن فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند و استخوان را محکم میکند
و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که هرکه آب پشتش متغیر شود یعنی فرزندانش
حاصل نشود شیر با عسل بخورد و فرمود که بول شتر نافعتر است از شیر او و در نسخه گفته
که بول شتر جهت ورم جگر و سده آن را استسقا و صلابت سپرز و تقویت باه و امراض بارده
احشا و قطور او جهت جراحت گوش نافع است و حق تعالی شفا در شیرش قرار داده است و
در روایت دیگر است که شیر شتر شفای تمام دردهاست و در روایتی چند مدح شیر الاغ
و خواصیت آن وارد شده است و دستور آشامیدن شیر شتر این است که روز اول ربع
رطل بیاشامند و روزی پنج درهم اضافه نمایند تا دو رطل هرگاه مزاج قوی باشد و تا یک
رطل هرگاه مزاج ضعیف باشد و هرگاه مزاج مجیب نباشد تا بقدر نیم وزن شیر بول
شتر نمایند و هرگاه اطلاق زیاد کند یکروز بنوشند و دو روز ترک کنند و قابضات
داخل کنند و دستور خوردن شیر الاغ این است که روز اول به نسبت مثقال شیر و دو مثقال
نبات سفید داخل نموده بنوشند و روزی پنج مثقال شیر و نیم مثقال نبات زیاد
نمایند تا شیر بقدر چهل و پنج مثقال و نبات بقدر چهار مثقال و نیم رسد و بعد کم نماید
تا مثل اول شود و باین طریق زیاد و کم نمایند تا دفع آزار شود و از ترشی و سفیدی و نان
و میوه و اغراض نفسانی اجتناب نمایند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
منقول است که هرکه خواهد آب باو ضرر نرساند با آن نان بخورد و حضرت باقر علیه السلام
فرمود که دوست میدارم پنیر را و در روایتی وارد شده است که در طرف چاشت
مضر است و در طرف شام نافع است و موجب تولد فرزند میشود و حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندرون را بحرکت می‌آورد
و دملها در بدن احداث میکند و در زمستان گرده‌ها را گرم میکند و سرما را دفع میکند
و در چند روایت است که پنیر و مغز گردکان را با هم بخوری دواست و هریک را که تنها
خوری درد است اما فواید بعضی حبوب از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
نیکو طعامی است برنج روده‌ها را گشاده میکند و بواسیر را قطع میکند و در حدیث معتبر است

که حضرت امام رضا علیه السلام نخود بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول می
فرمودند و در روایت معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم می کند
و آب دیده را جاری میکند و در روایت معتبر منقول است که خوردن باقلا ساق را
پر مغز میگرداند و دماغ را زیاده میکند و تولد خون زیاده می کند و در روایتی باقلا را
با پوست بخورید که معده را دباغی میکند و منقولست که خوردن لوبیا بادهای اندرونی را
دفع میکند و منقولست که شخصی بخدمت امام موسی علیه السلام مکاتبه کرد
از بهق فرمود که ماش در طعام خود داخل کن اما میوه ها در حدیث معتبر است که اگر چه
طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می آوردند که در میان آنها خرما بود
ابتدا بخوردن خرما می نمودند و حضرت علی بن الحسین علیهما السلام دوست می داشت
کسی را که خرما دوست دارد بجهة آنکه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
خرما را دوست میداشت و در حدیث صحیح است که از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
پرسیدند از انجیر و خرما و سایر میوه ها دو دانه با هم خوردن چون است فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از این اگر تنها باشی بهر روش که خواهی بخور
و اگر با جمعی از مسلمانان بخوری چنین مکن و یك دانه یکدانه بخور و در حدیث دیگر فرمود
که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخور و در
احادیث معتبره منقولست که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار ملس و سیب
شامی و به و انگور رازقی و رطب مشان و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که پیغمبران
که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و سیب و در حدیث معتبر دیگر است که انگور با نان
بخور تا غمت زایل شود و در حدیث دیگر مطلق انگور را دافع غم و اندوه نوشته و بدو
سند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بیست و یکدانه مویز سرخ ناشتا
خوردن جمیع مرضها را دفع میکند بغیر مرض مرگ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که ناشتا انار بخورید
انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت رسول
محبوب تر از انار نبود و در حدیث حسن منقول است که هر که یك انار ناشتا بخورد دلش تا
چهل روز روشن باشد و فرمود که انار را با پیه بخورید که دباغی معده می کند و شعور را

و شعور را می افزاید و فرمود که انار ترش شیرین شایسته تر است در شکم و فرمود که
دود چوب درخت انار حشرات و گزندهای زمین را می راند و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود که خوردن سیب نافع است برای زهر و سحر و استیلای جنه و غلبه بلغم و هیچ
چیز منفعتش از آن بهتر نیست و در حدیث معتبر وارد شده است که خوردن سیب
دفع تب و رعاف و طاعون میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که
خوردن به دل ضعیف را قوی میکند و معده را پاکیزه میکند و دل را بزرگ میکند و مرد
ترسان را شجاع میکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که رنگ را صاف میکند و فرزند را
نیکو میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یك به ناشتا بخورد آب منی او پاکیزه شود و
فرزندش وجیه شود و در حدیث حسن است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که
انجیر گند دهان را زایل میکند و استخوان را محکم میکند و مو را می رویاند و دردها را برد
و با آن بدوای دیگر حاجت نیست و شبیه ترین میوه هاست بمیوه های بهشت و بسند معتبر
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بخورید امرود که جلا می دهد دل را
و دردهای اندرونی را ساکن میکند باذن الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که امرود دباغی معده می کند و قوت میدهد معده را و با سیب خوردن نافع
تر است از ناشتا خوردن و در حدیث دیگر حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که آلوی
تازه حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن میگرداند و آلوی خشك خون را ساکن میکند
و دردهای کهنه از بدن بدر میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بخورید
خربوزه را که در آن ده خصلت است و فسادی در آن نیست و خوردنیست و آشامیدنیست
و میوه است و گلست و اشنانست که دهان را پاك میکند و نان خورش است و قوت جماع را
زیاد میکند و مثانه را می شوید و ادرار بول میکند و بروایت دیگر ریگ مثانه را دفع میکند
و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خربزه خوردن ناشتا مورث فالج است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم رطب را با خربزه میل میفرمودند و دوست می داشتند و
گاهی شکر و قند با خربزه میخوردند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که چون بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میوه تازه می رسید می بوسیدند و بر هر دو دیده

میکذاشتند و میگفتند اللهم کما اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی
خداوندا چنانکه نمودی بما اولش را در عافیت پس بنما بما آخرش را در عافیت اما
سبزیها از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگز خوانی نزد امیر المؤمنین علیه السلام
نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان سبز است و مایل است
بسبزی و فرمود که هرکه شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معده او باشد در آن شب از
قولنج ایمن گردد و فرمود که کسی که خواهد مال و فرزندش زیاد شود بسیار بخورد
برگ کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی هیچ برگی از آن نیست
مگر آنکه قطرهٔ آبی از بهشت بر روی او هست پس در وقت خوردن حرکت مدهید
که قطرهٔ آبش بریزد و فرمود که کاسنی بهترین سبزیهاست و فربه را بسیار نیکو میکند
و بسر می آورد و شخصی را تب عارض شده و صداع داشت حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که کاسنی را بکوبند و بر روی کاغذی پهن کنند و روغن بنفشه بر آن بریزند
و بر پیشانیش بیندازند که تب و صداع را برطرف میکند و اما دستور آشامیدن آب
کاسنی موافق قانون طبی آنست که برگ او را نشسته کوفته چه شستن قوة او را
کم میکند و شب گذاشته روز دیگر صاف نموده از چهل و پنج مثقال تا هفتاد مثقال
میتوان آشامید با ترنجبین و شیرخشت و هرگاه تنقیه مقصود باشد با ادویه مفتحه مثل
سکنجبین بزوری باشاند و هرگاه اخراج صفرا مراد بود با هلیلجات و ادویه مسهله صفرا
بیاشامند و صاحب سعال را آب کاسنی مضرست و هرگاه برگ کاسنی تازه بهم نرسد و
تبرید هم مطلوب نباشد بیخ او را مثل چهار طرزه کرده تا بیست مثقال او را در عرق کاسنی
و امثال آن خیسانیده با ادویه مذکوره بنوشند که برگ و بیخ هر دو دستور آشامیدن
آب شاهتره مثل آب کاسنی است و اگر خواهند اجزای مسهله هلیلجات و افتیمون و تربد
و غاریقون و امثال آن شب در آب خیسانیده صبح صاف نموده بنوشند و همچنین آب
و الکثر هندی و مانند آن بحسب حاجت تناول نمایند و احادیث بسیار در تعریف بادروج
مرویست و آنکه باید در اول طعام خورده باشد که فتح سده میکند و اشتهای طعام را
زیاده میکند و سل را میبرد و دهن را خوشبو میکند و امان است از خوره و خون و چون
در شکم ساکن شود همه دردها را زایل میکند و در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه

موسی علیه السلام منقولست که شخصی را علت سپرز عارض شده بود فرمود که زود باو
تره بخورانید چنان کردند بصحت مبدل شد و حضرت صادق علیه السلام فرمود بخورید
تره را که در آن چهار خصلت است گنده دهان را برطرف میکند و بادها را قطع میکند و
بواسیر را قطع میکند و هرکه مداومت کند بر آن از خوره ایمن است و حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام تره را با نمک تناول میکردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که طعام
حضرت الیاس است و یسع و یوشع بن نون و از حضرت امام موسی علیه السلام مرویست که
خوردن شبت و کشنیز مورث فراموشی است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که بر روی زمین سبزی شریف تر و نافع تر از خرفه نیست و آن سبزی حضرت
فاطمه است علیها السلام و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن کاهو که خون را صاف
میکند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه تره تیزک
بعد از نماز خفتن سیر بخورد تا صبح نفس او را میکشد ببوی خوره و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حق تعالی از یهودان دفع کرد خوره را بخوردن چغندر و بیرون آوردن رگهای
گوشت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که [illegible] داخل
من است که بر بنی اسرائیل نازل شد و برای من از بهشت آمد و آبش شفای چشم است و در
چندین حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دوست میداشت
کدو را در میان دیگ و از میان طعام بر میچیدند کدو را و امر میفرمود زنان خود را که
کدو در طعام بسیار کنند و وصیت نمود بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام که یا علی بر تو باد
بخوردن کدو که دماغ و عقل را زیاد میکند اما دستور آشامیدن کدو جهت تبهای دموی
و صفراوی و اخلاط محترقه و سرفه حاره و ترطیب مزاج خصوص در تب دق و رفع عطش
آنست که کدو را خمیر آرد جو گرفته شب در تنور یا تون حمام گذارده روز دیگر نه او را سوراخ
کرده افشرده آب او را بگیرند و از چهل و پنج مثقال تا نود مثقال با ادویه و شربتهای مناسبه
که طبیب صلاح در بیند با بیاشامند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در ترب
سه خصلت هست برگش دفع بادها میکند و بیخش طعام را هضم میکند و ریشه اش دفع
بلغم میکند و در روایت دیگر فرمود که برگش مورث ادرار بول است و در روایت دیگر

بخش دارا بول میکند و در حدیث معتبر از امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقول است
که خوردن شلغم قوت جماع را زیاد میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و
در چهار حدیث معتبر وارد شده است که بخورید شلغم را و مداومت بخوردن کنید که هیچکس
نیست مگر آنکه در او رگ خوره هست و شلغم آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیار را با نمک میخوردند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که خیار را از بیخش ابتدا کنید بخوردن که باعث زیادتی برکت آن میگردد
و دستور استعمال آب خیار و شلاب کدو است و در منافع بسیار آن و در حدیث معتبر
دیگر از آن حضرت منقول است که بخورید بادنجان را که درد را میبرد و با آن درد نیست و
احادیث در مدح و منافع بسیار است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید
پیاز که دهان را خوشبو میکند و بلغم را زایل میکند و سستی و ماندگی را برطرف میکند
و قوت مجامعت را می افزاید و نسل را زیاد میکند و تب را میبرد و بدن را تازه میکند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون داخل شهری شوید پیاز آن
شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور میگرداند و فرمود که هر که سیر بخورد داخل
مسجدها نشود اما اگر کسی که بمسجد نرود باکی نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق
منقول است که سیر و پیاز و تره را خام و پخته خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل
مسجد نشود زیرا که کراهت دارد بسبب آزار کسی که در پهلوی وی می نشیند و احادیث در
مدح صعتر که او را انم میگویند وارد شده است که تقویت معده میکند و اگر صبح ناشتا
سفوف کنند و بخورند رطوبت معده را دفع میکند اما فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید با او
تکلیف خوردنی بکن اگر قبول نکند تکلیف آشامیدنی بکن اگر نکند تکلیف دست و رو شستن
باب یا بعرق خوشبو بکن و بسند حسن از آن حضرت منقول است که هر گاه برادر مؤمن تو طلبید
نزد تو آید آنچه حاضر داری برای او بیاور و اگر طلبید باشی او را برای او تکلف کن حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با مهمانان
طعام تناول میفرمود پیش از همه شروع میکردند و بعد از همه دست می کشیدند و حضرت
رسول فرمود که وصیت میکنم حاضران و غایبان امت خود را که دعوت مسلمانان را قبول

کنند بضیافت بر سر میل راه باشد که این از اموریست که در دین لازم است و
هر یک میل ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مؤمنی مرا برای پاچه گوسفندی طلبد
میروم که بدترین جبرها آنست که شخصی برادرش او را بطعامی بخواند و او
قبول نکند نوع دویم در فضیلت آب و انواع آن شربتها و طلبها و ادعیه آنست در
احادیث معتبره وارد شده است که بهترین آشامیدنیها در دنیا و آخرت آب است
و در آب زمزم دوا است از برای هر دردی که برای آن بخورند و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که آب زمزم شفاست از هر دردی و در روایت دیگر از برای هر
مطلبی حاصل میشود و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بخورید آب باران
بدرستی که بدن را پاک میکند و بیماریها و دردها از بدن دفع میکند و از حضرت
صادق علیه السلام نهی وارد شده است از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد
شده است که خوردن تگرگ برای دندان نافع است و مصادق روایت کرده است
که شخصی زیاد از زیاد در مکه بیمار شد تا آنکه بحالت مرگ افتاد بخدمت حضرت
صادق علیه السلام عرض کردیم حال او را فرمود که اگر من بجای شما میبودم آب
ناودان کعبه باو میخورانیدم پس ما طلب کردیم نزد هیچیک از مردم نیافتیم ناگاه
ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر شد و باران آمد و قدحی گرفتیم و از آب
ناودان پر کردیم و آوردیم نزد بیمار و از آن آب آشامید و شفا یافت و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که گمان ندارم طفلی را که کام او را از آب فرات
بردارند مگر دوست ما اهلبیت باشد و در احادیث بسیار وارد شده است
که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها
میباشد و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب سرد حرارت را فرو می نشاند و
صفرا را ساکن میگرداند و طعام را در معده میگدازد و تب را زایل میکند و فرمود
که آب جوشانیده برای هر دردی نافع است و هیچ جهت ضرر ندارد و حضرت امام
موسی علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد لذتش بیشتر است و حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوشانند و از ظرفی بظرف

دیگر بگرداند تب را زایل میکند و قوت میدهد ساق و قدم را و سنت است
آشامیدن آب مصّاً یعنی بمکیدن و به دفعات نه عبّاً که یکبار فرو برد مانند
کوتر و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که فرمودند آشامیدن آب عبّاً موروث
درد جگر میشود و سنت است که به سه نفس خورده شود و حمد خدا بعد از هر
نفس کند و بدست خود بیاشامد از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند
از شرب بنفس واحد فرمود هرگاه آب دهد بتو بنده تو بیاشام بسه نفس و هرگاه حر و
آزادی بتو آب دهد بیاشام بنفس واحد و در روز ایستاده بخورید و در شب نشسته
چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در روز آب ایستاده
خوردن طعام را گوارا میکند و در شب ایستاده خوردن باعث غلبه زرداب میشود
ایضاً از آنحضرت مرویست که هر که در شب آب خورد و سه مرتبه بگوید عَلَیْکَ
السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَمَاءِ الْفُرَاتِ ضرر بمن نرساند و از نهایت مشهور میان
علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سزاوار است اجتناب کردن
از آشامیدن آب از جانب دسته کوزه و از موضع شکسته و از بسیار خوردن آب
چنانچه از حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَام مرویست که بپرهیزید از بسیار خوردن آب
که ماده هر ناخوشی است و از آنحضرت عَلَیْهِ السَّلَام منقول است که هر بنده که آب
بخورد و حضرت امام حسین و اهل بیت او را یاد کند و لعنت کند کشندگان
آنحضرت را حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار سیئه از او محو کند و
صد هزار درجه بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حق تعالی
در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر باین نحو بگوید خوب است
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ وَأَعْدَائِهِمْ
یا بگوید سَلَامُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
و در حدیث صحیح از آنحضرت مرویست که گاه باشد شخصی یک شربت آب بخورد و او را بآن
آب خوردن به بهشت برند با آنکه آب بخورد و هنوز خواهش آب داشته باشد از لب دور کند
و حمد خدا بگوید پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب دور کند و حمد خدا بکند پس باز بخورد
پس خدا بسبب این بهشت را بر او واجب گرداند و اما ادعیه در حدیث معتبر از آنحضرت

از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلعم چون آب میخوردند این دعا میخواندند
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زُلَالًا وَلَمْ يَسْقِنَا مِلْحًا أُجَاجًا وَلَمْ يُؤَاخِذْنَا
بِذُنُوبِنَا و ایضا این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مُنْزِلِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ وَمُصَرِّفِ الْأَمْرِ
كَيْفَ يَشَاءُ بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ و نیز بگوید کلماتی را که نوح میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي سَقَانِي وَلَوْ شَاءَ أَظْمَأَنِي و اما طعم بهترین آبها آب باران است و بعد از آن آب
جاری کثیر المقدار یست که بر زمین پاک شیرین و زمین سنگلاخ گذارد و بعید
المنبع و تند و سرازیر و سبک وزن و مکشوف که از مغرب و جنوب بطرف شرق
و شمال آید و در آب نیل که در مصر میگذرد اکثر از این صفات بل جمیع بقول صاحب
تحفه جمع است و بعد از آن آب مقطر که مانند گلاب عرق کشند و آنکه کوزه سفالین
تراوش کرده باشد و بعد از آن آبی که جوشانیده بنصف رسیده باشد و آب بد
خلاف مذکورات است مانند آب نزدیک زار و آب شلتوک زار و گوگرد و امثال آنها
و گاه باشد از منبعی که آب بیرون میاید خوب است و بعد بعلت مرور بر زمین بد یا
بدخول آبهای بد بد میشود و آب خالص در درجه دوم سرد و در نهایت رطوبت
نوع سیم در آداب ادعیه از برای حاجتی از خانه بیرون آمدن سواره یا پیاده
و آنچه در اثنای راه رو داده میشود تا برگشتن بخانه در حدیث صحیح از حضرت امام
منقول است که چون از خانه بیرون روی بگو بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ
مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ که چون این را بگویی ملائکه بر روی شیاطین
میزنند و ایشان را از تو دور میسازند و از حضرت رسول صلعم مرویست که بعد از خواب
اول شب از خانه بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که در این وقت پهن می
شوند در زمین و آنچه میفرماید میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
منقولست که در روز بطلب حاجتی بیرون روید که در شب حاجت برآورده نمیشود
و چون کسی خواهد بی حاجتی برود بامداد روز پنجشنبه برود و آیات سوره آل عمران را
که اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ تا آخر و آیة الکرسی و سوره حمد و سوره انا انزلناه بخواند
و در روایت دیگر خواندن ده مرتبه سوره توحید باعث حفظ و حمایت الهی است تا
بخانه برگردد و در روایتی منقول است که چون حضرت صادق از حجره بیرون می آمدند

ابتدا بخواند بسم الله خرجت و على الله توكلت لا حول و لا قوة الا بالله از حضرت
پیغمبر مرویست که هر که در وقت خروج از بیت ابتدا بخواند رزقش واسع شود
اللهم رضّني بقضائك و بارك لي فيما قدّرت لي حتى لا احبّ تعجيل ما اخّرت و لا
تأخير ما عجّلت انك على كل شيء قدير ایضا از حضرت امام جعفر صادق ع روایت شده
که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه ابتدا بخواند مهم دنیا و آخرت او ساخته شود
بسم الله حسبي الله توكلت على الله اللهم اني اسئلك خير اموري كلها و اعوذ بك من
خزي الدنيا و عذاب الآخرة و نیز از حضرت پیغمبر مرویست که هر که خواهد از شر جن و
انس محفوظ ماند در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين توضأت امري الى الله و نعم الوكيل ما شاء الله كان و لا حول و لا قوة
الا بالله العلي العظيم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون
آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست کرده و در آن نظر کند و سوره انا انزلنا
بخواند پس بگوید آمنت بالله وحده لا شريك له آمنت بسرّ آل محمد و علانيتهم پس در آن
روز از هیچ چیزی که مکروه او باشد و اگر سوار برود چون پا در رکاب گذارد بگوید سبحان
الذي سخّر لنا هذا و ما كنّا له مقرنين و هفت مرتبه هر یک از تسبیح و تحمید و تهلیل بگوید
و در اثنای راه چون کسی را ببیند که مبتلاست آهسته بگوید الحمد لله الذي عافاني
مما ابتلاك به و فضّلني عليك و على كثير ممن خلق و در روایتی الحمد لله الذي عافاني
مما ابتلاك به و لو شاء … و چون جهود یا آدمی یا کبری را ببیند بگوید الحمد لله الذي
فضّلني عليك بالاسلام دينا و بالقرآن كتابا و بمحمد نبيا و بعلي اماما و بالمؤمنين
اخوانا و بالكعبة قبلة و اگر ببازار درود بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا
عبده و رسوله اللهم اني اعوذ بك من الظلم و المأثم و المغرم و چون خواهد که حاجت
خود را از بازار بخرد در وقت داخل شدن بازار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله صلى الله عليه اللهم اني اعوذ بك من
صفقة خاسرة و يمين فاجرة و اعوذ بك من بوار الايم و چون بخانه برگردد در وقت
داخل شدن بخانه بگوید بسم الله و بالله و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله پس سلام بر اهل خانه بگوید و اگر کسی در خانه نباشد

نباشد بعد از دعا بگوید السلام على محمد بن عبد الله خاتم النبيين السلام على الائمة
الهادين المهديين السلام علينا و على عباد الله الصالحين و از دعاهای ساعت روز
که از وقت چاشت تا اول وقت ظهر است بحضرت امام زین العابدین تعلق دارد و
دعای او اینست اللهم انت الملك المليك المالك و كل شيء سواك و جميلك الكريم
تجري بقدرتك النجوم النوابت و امطرت بقدرتك الغيوم النوافل و علمت
ما في البحر و ما تسقط من ورقة في الظلمات الحوالك و انزلت من السماء ماء
فاخرجت به من ثمرات مختلفا الوانها و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف الوانها
و غرابيب سود و من الناس و الدواب و من الانعام مختلف الوانه يا سميع يا بصير
يا بر يا شكور يا رحيم يا غفور يا من يعلم خائنة الاعين و ما تخفي الصدور يا من
له الحمد في الاولى و الآخرة و هو الحكيم الخبير فاطر السموات و الارض جاعل الملائكة
رسلا اولي اجنحة مثنى و ثلاث و رباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل
شيء قدير اسئلك سؤال البائس الحسير و اتضرع اليك تضرع الضارع الكبير
و اتوكل الخاشع المستجير و اقف سائلك وقوف المؤمّل الفقير و اتوسل اليك
بالبشير النذير و السراج المنير محمد خاتم النبيين و ابن عمه امير المؤمنين و بالامام
علي بن الحسين زين العابدين و امام المتقين المخفي للصدقات و الخاشع في
الصلوات و الدائب المجتهد في المجاهدات الساجد ذي الثفنات ان تصلي على
محمد و آل محمد فقد توسلت بهم اليك و قدّمتهم امامي و بين يدي حوائجي و ان
تعصمني من مواقعة معاصيك و ترشدني الى موافقة ما يرضيك و تجعلني ممن
يؤمن بك و يتقيك و يخافك و يرتجيك و يراقبك و يستخيلك و يتقرب اليك
بموالاة من يواليك و يتجنب اليك بمعاداة من يعاديك و يعترف لذلك
بعظيم نعمائك و آلائك برحمتك يا ارحم الراحمين ذکر بسند معتبر از حضرت صادق
منقولست که حق سبحانه و تعالی دوازده ساعت از شب و دوازده ساعت از روز خود را بمجد
و بزرگواری یاد میکند و دوازده ساعت از روز از وقت چاشتست تا اول وقت ظهر و دوازده
ساعت شب ثلث آخر شبست تا صبح هر بنده مؤمنی که این تمجید را بخواند در آن ساعت با خدا
باشد التجاء بحق سبحانه حاجت او را برآورد و اگر شقی و بد عاقبت باشد امیدوارم که سعادتمند

ونیکو عاقبت گردد و ملا محمد باقر ره گفته که اگر در این ساعتهای پیش روز شنبه بخواند
مناسب است انت الله لا اله الا انت رب العالمین انت الله لا اله الا انت الرحمن
الرحیم انت الله لا اله الا انت العلی الکبیر انت الله لا اله الا انت مالک یوم
الدین انت الله لا اله الا انت الغفور الرحیم انت الله لا اله الا انت العزیز
الحکیم انت الله لا اله الا انت منک بدء کل شیء و الیک یعود انت الله لا اله
الا انت لم تزل و لا تزال انت الله لا اله الا انت خالق الخیر و الشر انت الله لا
اله الا انت خالق الجنة و النار انت الله لا اله الا انت الاحد الصمد لم یلد و لم
یولد و لم یکن له کفوا احد انت الله لا اله الا انت عالم الغیب و الشهادة الرحمن
الرحیم انت الله لا اله الا انت الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون انت الله الخالق البارئ المصور لک الاسماء
الحسنی یسبح لک ما فی السموات و الارض و انت العزیز الحکیم انت الله لا اله
الا انت الکبیر المتعال و الکبریاء ردائک. فصل دوم در آنچه تعلق دارد بما بین
زوال تا نصف شب و آن مشتمل بر دوازده فصل است فصل اول در تحقیق وقت ظهر و فضیلت
و اعمال آن است بدانکه اول زوال وقتیست که سایه شاخص بعد از نقص شروع در ازدیاد
کند یا بعد از انعدام شروع در حدوث نماید زیرا که اوضاع شمس نسبت بساکنین اقالیم
مختلف است نسبت بعضی در وقت زوال در طرف جنوب از سمت الراس ایشان است
و نسبت بعضی در طرف شمال و نسبت بعضی مسامت رؤس یعنی مقابل سر ایشان است پس در
موضع اول بر طرف نمیشود سایه در منتصف روز بلکه در آنوقت در منتهای کوتاهی
باشد و در حالتیکه کشیده شده است بجانب جنوب یا شمال و در این دو حال شروع
در زیادتی اول وقت است و در موضع ثالث بر طرف می شود بالمره و اول ظهور و حدوث
اول زوال است و سایه شاخص را پیش از زوال ظل و سایه می نامند و بعد از زوال فیء
زیرا که فیء مشتق از فاء یفیء بمعنی رجع است و چون سایه بعد از زوال بر میگردد بتدریج
بسوی آنچه بود پیش از زوال فیئش نامیده اند بدانکه ابتدای زوال مخصوص وقت ظهر است تا
آن مقدار که چهار رکعت نماز ظهر گذارده شود و بعد از آن اول عصر در آید و در این حال
هر دو وقت مشترک بود تا آن زمان که از غروب آفتاب مقدار ادای چهار رکعت نماز عصر

نماز عصر باقی ماند وقت فضیلت ظهر وقت زوال است تا آنکه سایه مثل شاخص شود
فضیلت بدانکه وقت زوال و پیشین وقت شریف و با میمنت است چنانچه
از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که فرمود که هرگاه زوال شد گشاده می شود درهای آسمان
و درهای بهشت و مستجاب میگردد دعا پس خوشا حال کسی که بالا برده شود از
برای او عمل صالحی در این وقت زیاده از این است که چهار رکعت نماز گذارده شود و
معویه بن عمار گوید هرگاه امام جعفر صادق را حاجتی بودی در وقت زوال طلب نمودی
و پیش از آن تصدق بمستحقین دادی تا بلا شک حاجت روا گشتی و از حضرت کاظم ع
مرویست که هر که در نزد زوال چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی حمد و آیة الکرسی
نگاه دارد او را خدای تعالی در نفس و اهلش و مالش و دین و دنیایش و سزاوار است در
این وقت انتظار کشیدن نماز چنانچه از پیغمبر روایت شده که انتظار می کشید داخل
شدن وقت نماز را و میفرمود ارحنا یا بلال یعنی داخل کن بنماز راحت را ای
بلال با علام کردن داخل شدن وقت نماز و چنانچه فرموده است قرة عینی فی الصلوة
یعنی سردی چشم من و فرح و سرور من در نماز است و در این وقت ذمه مکلف مشغول
بادای هشت رکعت نافله و چهار رکعت فریضه است و باید نافله را پیش از فریضه
بجای آورد و وقتش از ابتدای زوال است تا آنکه فیء بقدر دو هفت یک شاخص شود
یا مثل یک شاخص گردد بنا بر اختلاف و اگر وقت بیرون رفته باشد و یک رکعت
از نافله را در یافته باشد اما تمام نکرده ترک کند نافله را و شروع در فریضه نماید و اگر
تمام کرده باشد یکرکعت او تمامی رکعت را یافته می شود که فارغ شده باشد از ذکر سجده دوم
و هر چند سر بر نداشته باشد از آن هفت رکعت دیگر را میکند و بعد مشغول فریضه میشود
و ظاهر تر آنست که شش رکعت باقی در این هنگام اداست زیرا که هشت رکعت در حکم یک
نماز است و بعد از ادای فریضه ظهر تفحص میکند سایه را اگر نرسیده است بچهار سبع شاخص
یا دو برابر آن بنا بر خلاف شروع می کند در نافله عصر و حال او مثل حال نافله ظهر است
چنانکه گذشت و آنچه مذکور شد در غیر روز جمعه است و در روز جمعه زیاده می شود بر این
دو هشت رکعت نافله ظهر و عصر چهار رکعت دیگر که مجموع بیست رکعت باشد
چنانچه بعد از این در اعمال روز جمعه بیان خواهد شد و نافله ظهر و عصر در حضر

ودر سفر ساقط است واما اعمال اول کاری که بعد از تحقق زوال باید کرد دعائیست
که در فقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که تعلیم فرموده محمد بن
مسلم را و گفته باید محافظت کنی این دعا را همچنانچه محافظت میکنی هر دو چشم خود را
و آن دعا اینست سُبْحانَ اللهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً ده مرتبه سوره
انا انزلناه است بعد از زوال شمس و پیش از نافله چنانچه در حدیث وارد شده
و در اعمال وقت طلوع صبح آن حدیث انشاء الله نوشته خواهد شد عمل دویم
در اعمال نافله و فریضه ظهر است پس اگر وضو نداشته باشد بر آدابی که گذشت
وضو بسازد و شروع در هشت رکعت نافله نماید و نیت چنین کند که دو رکعت از
هشت رکعت نافله زوال میکنم سنت قربة الی الله بعد از توجه بقبله و تکبیرات سبع
افتتاحیه با ادعیه آن چنانکه گذشت بگوید اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ و شروع
در قرائت نماید و بعد از حمد از سورهای قصار که از والضحی تا سوره الناس است
بخواند و مستحب است در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قل هو الله بخواند و در رکعت دویم
بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون همچنانچه در کافی بسند حسن روایت کرده و در
بواقی رکعات هر سوره که خواهد و رکوع و سجود چنانکه گذشت بجای آورد و در هر دو رکعت
قنوت و تشهد و تسلیم بگوید و بعد از سلام تعقیبی بجای آورد مانند آنچه گذشت از سه تکبیر
و تسبیح زهرا و بعد از هر دو رکعت باید این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضاكَ
ضَعْفِي وَخُذْ اِلَى الْخَيْرِ بِناصِيَتِي وَاجْعَلِ الْاِيمانَ مُنْتَهى رِضائي وَبارِكْ لِي فِيما قَسَمْتَ
لِي وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي اَرْجُوا مِنْكَ وَاجْعَلْ لِي وُدّاً وَسُرُوراً لِلْمُؤْمِنِينَ
وَعَهْداً عِنْدَكَ و این تعقیب مشترک است میان هر هشت رکعت و بعد از هر دو
رکعت دعای مخصوص نیز در کتب مطوله ذکر شده بنا بر اختصار نوشته نشد بدانکه
تکبیرات سبع و ادعیه ثلاثه در نمازهای نافله نیست مگر در چهار از آنها اول نافله نماز
ظهر که در ابتدای شروع بهشت رکعت تکبیرات سبع و ادعیه ثلاثه را باید
بگوید دویم در اول نافله مغرب سیم در اول وتیره خفتن چهارم در اول مفرده وتر و
در نافله عصر و نافله صبح نیست و مناسب است در آنوقت خواندن دعای ساعت پنجم

با ادعیه دوازده ساعت روز که در فصل بعد ذکر خواهد شد پس دو رکعت دیگر
از آن هشت رکعت بگذارد بدون تکبیرات سبع و ادعیه ثلاثه و آن تعقیب و دعا
که ذکر شد و همچنین تا شش رکعت گذارده شود و اینجا مناسب است در آنوقت
خواندن دعای ساعت ششم که بعد ذکر میشود و بعد از آن برخیزد و اذان بگوید برای
نماز ظهر و فصل کند میان اذان و اقامت بدو رکعت باقی هشت رکعت چنانکه
گذشت و این هشت رکعت نافله در سفر ساقط است و نیز بخواند سوره انا انزلناه
بیست و یک مرتبه و بعد از نوافل زوال چنانچه در ضمن حدیثی که در ضمن اعمال وقت
طلوع می آید ذکر خواهد شد بعد از آن اقامت بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ رَبَّ
هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ بِاللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً
فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ بعد از آن مشغول نماز ظهر شود و آن چهار
رکعتست در حضر و دو رکعتست در سفر و قرائتش آهسته است بغیر از بسم الله که
بلند بگوید و جمیع آنچه در نماز صبح گذشت از اعمال بجا آورد و بعد از حمد در رکعت
اول هر سوره که خواهد بخواند از متوسطات که از عم است تا والضحی و بقولی
مخیر است که از سورهای قصار بخواند که از والضحی است تا آخر قرآن و در دو رکعت
آخر حمد تنها یا عوض حمد سه بار سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ
بگوید با اضافه اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ و تشهد گفته سلام دهد و شروع در تعقیب
نموده سه تکبیر گوید و این دعا بخواند لا اِلهَ اِلّا اللهُ اِلهاً واحِداً تا آخر آنچه در تعقیبات
مشترکه گذشت بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و سایر ادعیه مشترکه
هر نمازی که گذشت بخواند و بعد شروع در تعقیبات مختصه نماز ظهر نماید

فصل سوم

در تعقیبات مختصه نماز ظهر است از آنجمله در مقباس بسند معتبر از عباد مدائنی
روایت کرده است که گفت روزی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
رفتم در مدینه در هنگامیکه آنحضرت از نماز ظهر فارغ شده بودند دیدم که دستها
بسوی آسمان بلند کردند و این دعا خواندند یا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ یا جامِعَ کُلِّ فَوْتٍ

اى بارئ كل نفس بعد الموت اى باعث اى وارث اى سيدنا لنا ذات اى
اله الآلهة اى جبار الجبابرة اى ملك الدنيا والآخرة اى رب الارباب
اى ملك الملوك اى بطاش اى ذا البطش الشديد اى فعال لما يريد اى محصى
عدد الانفاس ونقل الاقدام اى من السر عنده علانية اى مبدى اى معيد
اسئلك بحقك على خيرتك من خلقك وبحقهم الذى اوجبت لهم على نفسك
ان تصلى على محمد واهل بيته وان تمن على الساعة الساعة بفكاك
رقبتى من النار وانجز لوليك وابن نبيك الداعى اليك باذنك وامينك
فى خلقك وعينك فى عبادك وحجتك على خلقك عليه صلواتك وبركاتك
وحده اللهم ايده بنصرك وانصر عبدك وقو اصحابه وصبرهم وافتح لهم من لدنك
سلطانا نصيرا وعجل فرجه وامكنه من اعدائك واعداء رسولك يا ارحم الراحمين
دیگر بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام مرویست که حضرت بعد
از نماز ظهر این دعا میخواندند لا اله الا الله العظیم الحلیم لا اله الا الله رب العرش
الكريم والحمد لله رب العالمين اللهم انى اسئلك موجبات رحمتك وعزائم
مغفرتك والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم اللهم لا تدع لى ذنبا الا
غفرته ولا هما الا فرجته ولا كربا الا كشفته ولا سقما الا شفيته ولا عيبا الا
سترته ولا رزقا الا بسطته ولا دينا الا قضيته ولا خوفا الا امنته ولا سوء
الا صرفته ولا حاجة هى لك رضى ولى فيها صلاح الا قضيتها يا ارحم الراحمين
دیگر بسند معتبر از خادم امام جعفر صادق ع منقولست که گفت آنحضرت بعد از
هر نماز دعای بسیاری میخواندند من گفتم ای مولای من مرا بعضی از دعاها که میخوانی تعلیم
نما فرمود که چون نماز ظهر را بجای آوردی ده مرتبه بگو بالله اعتصمت وبالله اثق
وعليه اتوكل پس بگو اللهم ان عظمت ذنوبى فانت اعظم وان كبر
تفريطى فانت اكبر وان دام بخلى فانت اجود اللهم اغفر لى عظيم ذنوبى بعظيم عفوك
وكثير تفريطى بظاهر كرمك واقمع بخلى بفضل جودك اللهم ما بنا من نعمة فمنك
لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك دیگر اهل بیت معمولست یا من اظهر
الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا كريم الصفح يا عظيم

يا عظيم المن يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا سامع كل
نجوى ومنتهى كل شكوى يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا ربناه يا ربناه يا ربناه
يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا غاية رغبتاه يا ذا الجلال والاكرام اسئلك بحق
محمد وعلى وفاطمة والحسن والحسين وعلى ومحمد وجعفر وموسى وعلى ومحمد
وعلى والحسن ومحمد صاحب الزمان سلام الله عليهم اجمعين ان تصلى على محمد و
آل محمد وان تكشف كربى وتغفر ذنبى وتنفس همى وتفرج غمى وتصلح شانى
فى دينى ودنياى وان تدخلنى الجنة ولا تحرقنى بالنار ولا تفعل بى ما انا
اهله برحمتك يا ارحم الراحمين دیگر بسند صحیح از آنحضرت مرویست که صلوات
بر محمد وآل محمد در میان ظهر وعصر ثوابش برابرست با ثواب هفتاد رکعت نماز
دیگر کفعمی از آنحضرت روایت کرده که بعد از نماز صبح ونماز ظهر هرکه بگوید اللهم
صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم نمیرد تا قائم آل محمد را ملازمت کند دیگر
بسند معتبر وصحیح از معویة بن عمار منقولست که حضرت صادق علیه السلام بعد
نماز ظهر این دعا میخواندند يا اسمع السامعين ويا ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين
ويا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين صل على محمد وآل محمد كافضل و
اجزل واوفى واكمل واحسن واجمل واكثر واكرم واطهر وازكى وانور و
اعلى وابهى واسنى وانمى وادوم واعم وابقى ما صليت وباركت ومننت و
سلمت وترحمت على ابرهيم وعلى آل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم امنن على محمد
وآل محمد كما مننت على موسى وهرون وسلم على محمد وآل محمد كما سلمت على نوح
فى العالمين اللهم واورد عليه من ذريته وازواجه واهل بيته واصحابه
واتباعه من تقر به عينه واجعلنا منهم وممن تسقيه بكاسه وتورده حوضه و
احشرنا فى زمرته واجعلنا تحت لوائه وادخلنا فى كل خير ادخلت فيه محمدا و
آل محمد واخرجنا من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد ولا تفرق بيننا وبين
محمد وآل محمد طرفة عين ابدا ولا اقل من ذلك ولا اكثر اللهم صل على محمد و
آل محمد واجعلنى معهم فى كل عافية وبلاء واجعلنى معهم فى كل شدة ورخاء و
اجعلنى معهم فى كل امن وخوف واجعلنى معهم فى كل مثوى ومنقلب اللهم احينى

بحبائهم وامنّي مما امنتهم واجعلني بهم في المواقف كلها واجعلني بهم عندك وجيها
في الدنيا والآخرة ومن المقربين اللهم صل على محمد وآل محمد واكفني بهم كل
كرب ونفّس عني بهم كل همّ وفرّج عني بهم كل غمّ واكفني بهم كل خوف واصرف عني
مقادير البلاء وسوء القضاء ودرك الشقاء وشماتة الاعداء اللهم صل على محمد
وآل محمد واغفر لي ذنبي وطيّب كسبي وقنّعني بما رزقتني وبارك لي فيه ولا تذهب
نفسي الى شيء صرفته عني اللهم اني اعوذ بك من دنيا تمنع خير الآخرة ومن
عاجل يمنع خير الآجل وحيوة تمنع خير الممات وامل يمنع خير العمل اللهم اني
اسئلك الصبر على طاعتك والصبر عن معصيتك والقيام بحقك واسئلك
حقائق الايمان وصدق اليقين في المواطن كلها واسئلك العفو والعافية و
المعافاة في الدين والدنيا والآخرة عافية الدنيا من البلاء وعافية الآخرة
من الشقاء اللهم اني اسئلك العافية وتمام العافية ودوام العافية والشكر
على العافية باولى العافية واسئلك لطرق السلامة وحلول دار الكرامة
اللهم اجعل لي في صلواتي ودعائي رهبة منك ورغبة اليك وراحة تمنّ
بها علي اللهم لا تحرمني سعة رحمتك وسبوغ نعمتك وشمول عافيتك
وجزيل عطاياك ومنح مواهبك لسوء ما عندي ولا تجازني بقبيح عملي ولا
تصرف وجهك الكريم عني اللهم لا تحرمني وانا ادعوك ولا تخيبني وانا
ارجوك ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا الى احد من خلقك فيحرمني و
يستأثر علي اللهم انك تمحو ما تشاء وتثبت وعندك ام الكتاب اسئلك بال
بخيرتك من خلقك وصفوتك من بريتك وانت لهم بين حوائجي ورغبتي
اليك اللهم ان كنت كتبتني عندك في ام الكتاب شقيا محروما مقترا علي في الرزق
فامح من ام الكتاب اللهم اني لما انزلت الي من خير فقير وانا منك خائف
وبك مستجير وانا حقير مسكين ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك
لا تخلف الميعاد يا من قال ادعوني استجب لكم ونعم المجيب انت يا سيدي ونعم
الوكيل ونعم الرب ونعم المولى وبئس العبد انا وهذا مقام العائذ بك من النار
يا فارج الهم ويا كاشف الغم ويا مجيب دعوة المضطرين ويا رحمن الدنيا والآخرة

والآخرة ورحيمهما ارحمني رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك وادخلني
برحمتك في عبادك الصالحين الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على
المؤمنين كتابا موقوتا برحمتك يا ارحم الراحمين پس دو سجده شكر كند با داب و
ادعيه كه در صبح گذشت و بجا آورد ابد غارا كه مختص بنماز ظهر است كه بسند معتبر
از سليمان ديلمي مرويست كه گفت با حضرت موسى بن جعفر عليهما السلام بمزرعه از
مزارع آنحضرت رفتم چون از نماز ظهر فارغ شد بسجده رفت و گريه بر آنحضرت مستولي
شد و با صداي حزين ميفرمود رب عصيتك بلساني ولو شئت وعزتك لاخرستني
وعصيتك ببصري ولو شئت وعزتك لاكمهتني وعصيتك بسمعي ولو شئت
وعزتك لاصممتني وعصيتك بيدي ولو شئت وعزتك لكنعتني وعصيتك
برجلي ولو شئت وعزتك لجذمتني وعصيتك بفرجي ولو شئت وعزتك لعقمتني
وعصيتك بجميع جوارحي التي انعمت بها علي وليس هذا جزاك مني پس هزار
مرتبه گفت العفو العفو پس جانب راست روي مبارك را بر زمين گذاشتند و سه مرتبه فرمود
بؤت اليك بذنبي عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي فانه لا يغفر الذنوب غيرك يا مولاي
پس جانب چپ روي را بر زمين گذاشتند و سه مرتبه ميگفتند ارحم من اساء واقترف
واستكان واعترف پس سر برداشتند از سجده ودم فرمودند چون سر از سجده برداشتند
سه مرتبه دست بر موضع سجود ماليدند و بر روي خود ماليدند و در هر دفعه دعاي ارحم
من اساء كه مذكور شد خواندند و در حديث ديگر از جابر بن الفضل مرويست كه حضرت
امام رضا عليه السلام در راه خراسان هرگاه از تعقيب نماز ظهر فارغ مي شد سجده شكر
ميكرد و صد مرتبه ميگفت شكرا لله فصل دويم در بيان وقت عصر و فضيلت و اعمال آن
وقت آن از چهار ركعت از زوال گذشته است تا غروب آفتاب و وقت فضيلتش تا اين
كه سايه چهار قدم زياده شود يا دو برابر شاخص گردد و اما فضيلت اين وقت از اوقات ديگر
و از منتخبات است و از براي شرافت و جلالت همين بس است كه جناب مقدس الهي قسم
خورده است بان در قولش كه والعصر يعني قسم بعصر اما اعمال بدانكه در اين وقت نيز ذمه
مكلف مشغول است بهشت ركعت نافله و چهار ركعت فريضه و نافله را پيش از فريضه بجاي
آورد و وقت شروع در آن بعد از فراغ از نماز ظهر و متعلقات آن است و حال در اين نافله

از خروج وقت و ادراک یک رکعت مثل حال نافله ظهر است و در این نافله از سورهای
قصار که قبل از این مذکور شد بخواند و اختیار کند از آنها الجحد را بیرون تر و دو وقت
خواندن آن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که مداومت بر خواندن
سوره ق کند در فریضه و در نافله حق تعالی روزی او را فراخ گرداند و نامه عملش را بدست
راست دهد و محاسبه او را آسان کند و نیز از آنحضرت منقولست که بسیار کنید تلاوت سوره
الحاقه را در فرایض و نوافل زیرا که این از جمله ایمان بخدا و رسول است و دین قاری او هرگز
زایل نشود تا بمیرد و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که بخواند سوره صف را در فرایض و
نوافل حق تعالی او را در صف ملائکه و انبیا و مرسلین بدارد و بعد از فراغ از دو رکعت اول این
دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَلِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْبَدِيعُ الْكَرِيمُ
الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَنُّ وَ لَكَ الْكَرَمُ وَ
لَكَ الْجُودُ وَ لَكَ الْاَمْرُ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ يا وَاحِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ
يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لا وَلَداً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حاجت بعد
بخواهد و در این وقت دعای ساعت روز مناسب است پس دو رکعت دیگر بگذارد و
بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا
تَحْتَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ صلعم خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمٰوَاتُ وَ
الْاَرْضُ وَ بِهِ تُحْيِي الْمَوْتَى وَ تَرْزُقُ الْاَحْيَاءَ وَ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ
اَحْصَيْتَ عَدَدَ الْآجَالِ وَ وَزْنَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبِحَارِ اَسْاَلُكَ يا مَنْ هُوَ كَذٰلِكَ اَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا یعنی بجای کذا و کذا حاجت خود را
بطلبد پس دو رکعت دیگر بگذارد و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ
يُونُسُ ع اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لا اِلٰهَ
اِلّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذٰلِكَ نُنْجِي
الْمُؤْمِنِينَ فَاِنَّهُ دَعَاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ اَنَا اَدْعُوكَ وَ اَنَا عَبْدُكَ وَ سَاَلَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ
وَ اَنَا اَسْاَلُكَ وَ اَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ
لَهُ وَ اَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ اَيُّوبُ اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ وَ اِنَّهُ دَعَاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ
وَ اَنَا اَدْعُوكَ وَ اَنَا عَبْدُكَ وَ سَاَلَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ اَنَا اَسْاَلُكَ وَ اَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ اَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ
وَ اَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ اِذْ فَرَّقْتَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اَهْلِهِ وَ اِذْ هُوَ فِي السِّجْنِ فَاِنَّهُ دَعَاكَ
وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ اَنَا اَدْعُوكَ وَ اَنَا عَبْدُكَ وَ سَاَلَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ اَنَا اَسْاَلُكَ وَ اَنَا
عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ اَنْ تَسْتَجِيبَ
لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا حاجت ذکر کند پس
بگذارد دو رکعت آخر را و بگوید يا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ
لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يا كَرِيمَ الصَّفْحِ يا عَظِيمَ الْمَنِّ يا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يا بَاسِطَ
الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى وَ يا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا
يا رَبَّاهُ يا رَبَّاهُ يا رَبَّاهُ يا سَيِّدَاهُ يا سَيِّدَاهُ يا سَيِّدَاهُ يا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ يا ذَا الْجَلالِ
وَ الْاِكْرَامِ اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ
وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلامُ اللهِ عَلَيْهِمْ
اَجْمَعِينَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَكْشِفَ كَرْبِي وَ تَغْفِرَ ذَنْبِي وَ تُنَفِّسَ هَمِّي وَ
تُفَرِّجَ غَمِّي وَ تُصْلِحَ شَانِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ اَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ وَ لا تُشَوِّهَ خَلْقِي
بِالنَّارِ وَ لا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بعد از فراغ از نافله
شروع نماید در فریضه با اذان و اقامه و سایر آداب سابقه و نماز عصر نیز مثل نماز
ظهر چهار رکعت است در حضر و دو رکعت در سفر و وقت فضیلتش تا آنکه سایه دو برابر
شخص گردد و وقت اجزاء پس تا غروب آفتاب و جمیع آداب سابقه با طریقی که در ظهر
مذکور شد مراعات کند و قرائت کند در رکعت اولی اذا جاء و فتح و الهیکم التکاثر
و مانند اینها از سورهای کوچک چنانچه مذکور شد و چون فارغ شود از نماز شروع
کند در تعقیب و بخواند تعقیبات مشترکه هر نماز را پس تعقیبات مختصه چنانچه در این فصل
مذکور میشود فصل پنجم در تعقیبات مختصه نماز عصر است از جمله بسند معتبر از حضرت
صادق ع مرویست که هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند حق تعالی همه
گناه او را بیامرزد و بروایت دیگر هفتاد سال و پنجاه سال نیز وارد شده مجملا احادیث د

فضیلت استغفار بعد از نماز عصر بسیار است و ایضاً بسندهای معتبر از حضرت
مرویست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه این استغفار را
بخواند حق تعالی دو ملک حافظ اعمال او را بگوید که صحیفه او را پاره کنند هرچند بسیار
باشد اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ وَ اَسْئَلُهُ
اَنْ يَتُوْبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيْلٍ خَاضِعٍ بَائِسٍ مِسْكِيْنٍ مُسْتَكِيْنٍ مُسْتَجِيْرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ
نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيٰوةً وَ لَا نُشُوْرًا از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار بفرستد بیامرزد خدا هفتصد گناه او را
و باسانید معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که بعد از نماز
عصر ده مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند حق تعالی ثواب مثل اعمال خلایق در آن
روز باو کرامت فرماید و بکو صلوات فرستادن چنانچه بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که از آنحضرت سوال کردند که بهترین اعمال چیست
فرمود که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگوئی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ
گوئی بهتر است دیگر بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که
بعد از نماز عصر این دعا را میخواندند سُبْحَانَ ذِي الطَّوْلِ وَ النِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ
وَ الْاِفْضَالِ اَسْئَلُ اللّٰهَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِهِ وَ الْاِنَابَةَ اِلٰى اَمْرِهِ فَاِنَّهُ
سَمِيْعُ الدُّعَاءِ دیگر بگوید تَمَّ نُوْرُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَاَعْطَيْتَ
فَلَكَ الْحَمْدُ وَجْهُكَ اَكْرَمُ الْوُجُوْهِ وَ جَاهُكَ خَيْرُ الْجَاهِ وَ عَطِيَّتُكَ اَعْظَمُ الْعَطَايَا
لَا يَجْزِيْ بِاٰلَائِكَ اَحَدٌ وَ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ
اُمْدُدْ لِيْ فِي الْعَافِيَةِ وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ زُمْرَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ فِي الْعَاجِلَةِ
وَ الْاٰجِلَةِ وَ الْعِزِّ لِي الْغَايَةِ وَ اصْرِفْ عَنِّي الْاٰفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ اقْضِ لِيْ بِالْحُسْنٰى
فِيْ اُمُوْرِيْ كُلِّهَا وَ اعْزِمْ لِيْ بِالرَّشَادِ وَ لَا تَكِلْنِيْ اِلٰى نَفْسِيْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ
اَللّٰهُمَّ اُمْدُدْ لِيْ فِي السَّعَةِ وَ الدَّعَةِ وَ جَنِّبْنِيْ مَا حَرَّمْتَهُ عَلَيَّ وَ تَجَاوَزْ لِيْ بِالْعَافِيَةِ
وَ السَّلَامَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ لَا تُشْمِتْ بِيَ الْاَعْدَاءَ وَ فَرِّجْ عَنِّي الْكَرْبَ وَ اَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ
وَ اَصْلِحْ لِيَ الْحَرْثَ فِي الْاِصْلَاحِ لِاَمْرِ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ وَ اجْعَلْنِيْ سَالِمًا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ
مُعَافًا مِنَ الضَّرُوْرَةِ فِيْ مُنْتَهَى الشُّكْرِ وَ الْعَافِيَةِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ بعد از آن

بعد از آن بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ
لَا يَنْفَعُ وَ مِنْ صَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ
الْعُسْرِ وَ الْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَ الرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ
فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِلَيْكَ دیگر سید ابن
طاوس و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح از معاویة بن عمار روایت کرده
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از نماز عصر این دعا میخواندند
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ وَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ فِي النَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى وَ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاءِ الْاَعْلٰى وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرَةِ وَ
الْاُوْلٰى وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْجَدِيْدَانِ وَ مَا اطَّرَدَ الْخَافِقَانِ
وَ مَا حَدَا الْحَادِيَانِ وَ مَا عَسْعَسَ لَيْلٌ وَ مَا ادْلَهَمَّ ظَلَامٌ وَ مَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَ مَا اَضَاءَ
فَجْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا خَطِيْبَ وَفْدِ الْمُؤْمِنِيْنَ اِلَيْكَ وَ الْمَكْسُوَّ حُلَلَ الْاَمَانِ
اِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ النَّاطِقَ اِذَا خَرِسَتِ الْاَلْسُنُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ
اَعْلِ مَنْزِلَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَ اَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُوْدَ
الَّذِيْ وَعَدْتَهُ وَ اغْفِرْ لَهُ مَا اَحْدَثَ الْمُحْدِثُوْنَ مِنْ اُمَّتِهِ بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوْحَ
مُحَمَّدٍ مِنِّي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُ تَحِيَّةً كَثِيْرَةً وَ سَلَامًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ
وَ الْفَضْلِ وَ الْاِنْعَامِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَ مَا بَطَنَ وَ الْاِثْمِ وَ الْبَغْيِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ اَنْ اُشْرِكَ بِكَ مَا لَمْ تُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا
اَوْ اَنْ اَقُوْلَ عَلَيْكَ مَا لَا اَعْلَمُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزَائِمَ
مَغْفِرَتِكَ وَ الْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَ اَسْئَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ
وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِيْ فِيْ صَلٰوتِيْ وَ دُعَائِيْ بَرَكَةً
تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِيْ وَ تُؤْمِنُ بِهَا رَوْعَتِيْ وَ تَكْشِفُ بِهَا كَرْبِيْ وَ تَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِيْ وَ تُصْلِحُ
بِهَا اَمْرِيْ وَ تُغْنِيْ بِهَا فَقْرِيْ وَ تُذْهِبُ بِهَا ضُرِّيْ وَ تُفَرِّجُ بِهَا هَمِّيْ وَ تُسَلِّيْ بِهَا غَمِّيْ
وَ تَشْفِيْ بِهَا سُقْمِيْ وَ تُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِيْ وَ تَجْلُوْ بِهَا حُزْنِيْ وَ تَقْضِيْ بِهَا دَيْنِيْ وَ تَجْمَعُ بِهَا
شَمْلِيْ وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِيْ وَ مَا عِنْدَكَ خَيْرٌ لِيْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

ولا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا كربا الا كشفته ولا خوفا الا امنته ولا سقما
الا شفيته ولا هما الا فرجته ولا غما الا اذهبته ولا حزنا الا سليته ولا دينا
الا قضيته ولا عدوا الا كفيته ولا حاجة الا قضيتها ولا دعوة الا اجبتها
ولا مسألة الا اعطيتها ولا امانة الا اديتها ولا فتنة الا صرفتها اللهم
اصرف عني الآفات والعاهات والبليات ما اطيق وما لا اطيق صرفا الا
بك امسى ظلمي مستجيرا بعفوك وامست ذنوبي مستجيرة بمغفرتك وامسى خوفي
مستجيرا بامانك وامسى فقري مستجيرا بغناك وامسى ذلي مستجيرا بعزك وامسى
ضعفي مستجيرا بقوتك وامسى وجهي البالي الفاني مستجيرا بوجهك الدائم الباقي
يا كائنا قبل كل شئ ويا كائنا بعد كل شئ ويا مكون كل شئ صل على
محمد وآل محمد واصرف عني وعن اهلي ومالي وولدي وجيراني واهل حزانتي و
اخواني فيك شر كل ذي شر وشر كل جبار عنيد وشيطان مريد وسلطان
جائر وعدو قاهر وحاسد معاند وباغ مراصد وشر الهامة والعامة وما
دب في الليل والنهار وشر فساق العرب والعجم وفسقة الجن والانس ولبد
بلد علي الحصينة التي لا ترام ان لا تمسني غما ولا هما ومتردبا ولا ردما او
غرقا او حرقا او غطنا او صبرا او قودا او اكيل سبع وامتني على فراشي في عافية
او في الصف صفا الذي نعت اهله في كتابك فقلت صفا كانهم بنيان مرصوص
مقبلين غير مدبرين على طاعتك وطاعة رسولك صلى الله عليه وآله قائما
بحقك غير جاحد لآلائك ولا معاندا لاوليائك ولا مواليا لاعدائك يا كريم
اللهم اجعل دعائي في المرفوع المستجاب واجعلني عندك وجيها في الدنيا و
الآخرة ومن المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون واغفر لي ولوالدي
وما ولدا وما ولدت وما توالدوا من المؤمنين والمؤمنات يا خير الغافرين
الحمد لله قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا وچون از تعقيبات
فارغ شد در سجده شكر كند با دابي كه گذشت در فصل اول و بعد بگويد بجهت مختص
بسجده شكر نماز عصر است از حضرت امام رضا عليه السلام مرويست كه در سجده شكر
نماز عصر صد مرتبه ميفرمودند حمدا لله و نيز اين دعا از آنحضرت منقولست كه در سجده

شكر ميخواندند لك الحمد ان اطعتك ولا حجة لي ان عصيتك ولا صنع لي
ولا لغيري في احساني ولا عذر لي ان اسأت ما اصابني من حسنة فبك
يا كريم اغفر لمن في مشارق الارض ومغاربها من المؤمنين والمؤمنات
ديگر از جمله اعمال بعد از عصر تا هنگام مسا خواندن دعاهاي ساعات روز است
مثل ساعت نهم ودهم و يازدهم كه در فصل ششم ذكر خواهد شد ديگر خواندن
ادعيه مشتركه صباح ومساست كه پيش گذشت فصل ششم در بقيه ادعيه
ساعات روز وادعيه مخصوصه بزردي آفتاب و وقت مساست پيش ذكر
كرديم كه روز قسمت شده است بدوازده ساعت وهريك از آنها منسوبست بيكي
از ائمه اثني عشر سلام الله عليهم ودعاهاي هشت ساعت را كه منسوبست بهشت امام
ذكر كرديم پس ميگوييم اما ساعت نهم كه از زوال آفتابست تا گذشتن مقدار
چهار ركعت منسوبست بامام خامس امام محمد باقر و دعا اين است اللهم
انت الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم هو الله
الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الاول و
الآخر والظاهر والباطن وهو بكل شئ عليم فالق الاصباح وجاعل
الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم يا غالبا غير مغلوب
ويا شاهدا لا يغيب يا قريب يا مجيب ذلكم الله ربي عليه توكلت واليه
انيب اتذلل اليك تذلل الطالبين واخضع بين يديك خضوع الراغبين
واسألك سؤال الفقير المسكين وادعوك تضرعا وخفية انك لا تحب
المعتدين وادعوك خوفا وطمعا ان رحمتك قريب من المحسنين واتوسل اليك
بحبيبك من خلقك وصفوتك من العالمين الذي جاء بالصدق وصدق المرسلين
محمد عبدك ورسولك النذير المبين وبوليك وعبدك علي بن ابيطالب امير
المؤمنين وبالامام محمد بن علي الباقر علم الدين والعالم بتاويل الكتاب المبين
واسألك بمكانهم عندك واستشفع بهم اليك واقدمهم امامي وبين
يدي حوائجي ان توزعني شكر ما اوليتني من نعمك وتجعل لي فرجا ومخرجا
من كل كرب وغم وترزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب ويسر

لي من فضلك ما يغنيني به من كل مطلب واقذف في قلبي رجاءك واقطع رجائي
عمن سواك حتى لا ارجو الا اياك انك مجيب الداعي اذا دعاك وتغيث الملهوف
اذا ناداك وانت ارحم الراحمين واما ساعت ششم كه در اخر وقت ظهر است
تا فارغ شدن از نماز ظهر وبحضرت امام جعفر صادق تعلق دارد ودعايش اين است
اللهم انت انزلت الغيث برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك ودبرت الامور
بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك واعجزت العقول عن علم كيفيتك وحجبت
الابصار عن ادراك صفتك والاوهام عن حقيقة معرفتك واضطرت الانام
الى الاقرار بوحدانيتك يا من بوجه العزة وبفضل العزة لك الملك والعزة
والقدرة لا تعزب عنك في الارض ولا في السماء مثقال ذرة اتوسل اليك
بالنبي الامي محمد رسولك العربي المكي المدني الهاشمي الذي اخرجتنا به من
الظلمات الى النور وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب الذي شرحت به ولايته
الصدور وبالامام جعفر بن محمد الصادق في الاخبار المؤتمن على مكنون الاسرار
صلى الله عليه وآله وعلى اهل بيته بالغدو والاصال اللهم اني اسئلك بهم
واستشفع بمكانهم لديك واقدمهم امامي وبين يدي حوائجي فاعطني الفرج
الهني والمخرج الوحي والصنع القريب والامان من الفزع في اليوم العصيب
ان تغفر لي موبقات الذنوب وتستر علي فاضحات العيوب وانت الرب وانا
المربوب وانا الطالب وانت المطلوب وانت الذي بذكرك تطمئن القلوب
وانت الذي تقذف بالحق وانت علام الغيوب يا اكرم الاكرمين ويا احكم
الحاكمين ويا خير الفاضلين ويا ارحم الراحمين واما ساعت هفتم كه از نماز
ظهر است تا چهار ركعت از نافلهٔ عصر كرده شود يا بقدر ان بگذرد منسوب بحضرت امام
موسى كاظم است عليه السلام ودعايش اين است اللهم انت المرجو اذا حزب الامر
وانت المدعو اذا مس الضر ومجيب الملهوف المضطر والمنجي من ظلمات البر والبحر
ومن له الخلق والامر والعلم بوساوس الصدور والمطلع على اخفى السر غاية
كل نجوى واليك منتهى كل شكوى يا من له الحمد في الاخرة والاولى
يا من خلق الارض والسموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى وان تجهر

بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى اسئلك
بمحمد خاتم النبيين خيرتك من خلقك والمؤتمن على اداء رسالتك وبامير
المؤمنين علي بن ابي طالب الذي جعلت ولايته مفروضة مع ولايته و
محبته مقرونة برضاك ومحبتك وبالامام الكاظم موسى بن جعفر الذي سئلك
ان تغفر لعبادك وتحلمه لطاعتك فاوجبت مسألته واوجبت دعوته
ان تصلي على محمد وآله صلوة تقضي بها عنا واجب حقوقهم وترضى بها في
اداء فروضهم واتوسل اليك بهم واستشفع بمنزلتهم وقد قدمتهم امامي وبين
يدي حوائجي ان تجزيني على جميع عوائدك وتمنحني جزيل فوائدك وتاخذ بسمعي
وبصري وعلانيتي وسري وناصيتي وقلبي وعظمي ولبي الى ما تعنيني به على هواك
وتقربني من اسباب رضاك وتوجب لي نوافل فضلك وتستديم لي منائح طول
رحمتك يا ارحم الراحمين واما ساعت هشتم كه از چهار ركعت تتمه نوافل عصر است تا اخر
نماز عصر بحضرت امام رضا عليه السلام منسوب است ودعايش اين است اللهم انت
الكاشف للملمات والكافي للمهمات والمفرج للكربات والسامع للاصوات
والمخرج من الظلمات والمجيب للدعوات والراحم للعبرات جبار الارض والسموات
يا ولي يا مولاي يا علي يا اعلى يا كريم يا اكرم يا من له الاسم الاعظم يا من علم
الانسان ما لم يعلم فاطر السموات والارض وهو يطعم ولا يطعم اسئلك بمحمد
المصطفى من الخلق المبعوث بالحق وبامير المؤمنين الذي اوليته فاكفيته شاكرا
وابليته فوجدته صابرا وبالامام الرضا علي بن موسى الذي اوفى بعهدك ووفى
بوعدك واعرض عن الدنيا وقد اقبلت اليه ورغب عن زينتها وقد رغبت فيه
ان تصلي على محمد وآل محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي
حوائجي ان تهديني الى سبيل رضائك وتيسر لي اسباب طاعتك وتوفقني
لابتغاء الزلفة بموالاة اوليائك وادراك الحظوة من معادات اعدائك وتعينني
على اداء فرائضك واستعمال سننك وتوفقني على الحجة المؤدية الى العتق من
عذابك والفوز برحمتك يا ارحم الراحمين واما ساعت نهم كه از نماز عصر است تا انكه
دو ساعت بگذرد متعلق است بحضرت امام محمد تقي عليه السلام ودعايش اين است اللهم

یا خالق الانوار و مقدر اللیل و النهار و یعلم ما تحمل کل انثی و ما تغیض الارحام
و ما تزداد و کل شیء عنده بمقدار اذا تفاقم امر طرح علیک و اذا غلقت الابواب
قرع باب فضلک و اذا ضاقت الحاجات فزع الی سعة طولک و اذا انقطع الامل
من الخلق اتصل بک و اذا وقع الیاس من الناس وقف الرجاء علیک اسئلک
بمحمد نبی الابرار الذی انزلت علیه الکتاب و نصرته علی الاحزاب و هدیت به الی
دار مآب و بامیر المؤمنین علی بن ابیطالب الکریم النصاب المتصدق بخاتمه فی
المحراب و بالامام الفاضل محمد بن علی الذی سئل فوفقته لرد الجواب و امتحن
فسددته بالتوفیق و الصواب صلی الله علیه و علی اهل بیته الاطهار ان تجعل
سوء الاثیم و محبتهم عصمة من النار و نجاة الی دار القرار فقد توسلت بهم الیک و
قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی و ان تعصمنی من التعرض لمواقف سخطک و توفقنی
لسلوک سبیل محبتک و مرضاتک یا ارحم الراحمین و اما ساعت دهم که از انتهای
ساعت گذشته است تا یک ساعت پیش از زرد شدن آفتاب بحضرت امام علی نقی
علیه السلام تعلق دارد و دعا این است اللهم انت ولی الحمید الغفور الودود
المبدئ المعید ذو العرش المجید و البطش الشدید فعال لما یرید یا من هو اقرب
الی من حبل الورید یا من هو علی کل شیء شهید یا من لا یتعاظمه غفران الذنوب
و لا یتکبره علیه الصفح عن العیوب اسئلک بجلالک و بنورک و بجمالک الذی
ملأ ارکان عرشک و بقدرتک التی قدرت بها علی خلقک و برحمتک التی وسعت
کل شیء و بقوتک التی ضعف بها کل قوی و بعزتک التی ذل لها کل عزیز و
بمشیتک التی صغر فیها کل کبیر و برسولک الذی رحمت به العباد و هدیت
به الی سبل الرشاد و بامیر المؤمنین علی بن ابیطالب اول من آمن برسولک و
صدق و الذی وفی بما عاهد علیه و تصدق و بالامام البر علی بن محمد علیهما السلام
الذی کفیته حیلة الاعداء و اذقتهم عجیب الآیات اذ توسلوا به فی الدعاء ان تصلی
علی محمد و آل محمد فقد استشفعت بهم الیک و قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی و ان
تجعلنی من کفایتک فی حرز حریز و من کلائتک تحت عز عزیز و توزعنی شکر آلائک
و منک و توفقنی للاعتراف بآلائک و نعمک یا ارحم الراحمین و اما ساعت

النبی الاواب

لی

و اما ساعت یازدهم که از انتهای ساعت گذشته است تا آنکه آفتاب زرد شود
بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام منسوبست و دعا این است اللهم
انک منزل القرآن و خالق الانسان و الجان و جاعل الشمس بحسبان
المبتدی بالطول و الامتنان و المبدئ للفضل و الاحسان و ضامن الرزق لجمیع
الحیوان لک المحامد و المدائح و منک المنائح و الیک یصعد الکلم الطیب
و العمل الصالح اظهرت الجمیل و سترت القبیح و علمت ما تخفی الصدور و
الجوانح اسئلک بمحمد صلی الله علیه و آله رسولک الی الکافة و امینک
المبعوث بالرحمة و الرأفة و بامیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام المفترض
طاعته علی القریب و البعید المؤید بنصرک فی کل موقف مشهود و
بالامام التقی الحسن بن علی الذی طرح للسباع فخلصته من مرابضها و امتحن
بالدواب الصعاب فذللت له مراکبها ان تصلی علی محمد و آل محمد فقد
توسلت بهم الیک و قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی و ان ترحمنی بترک معاصیک
ما ابقیتنی و تعیننی علی التمسک بطاعتک ما احییتنی و ان تختم لی بالخیرات اذا
توفیتنی و تفضل علی بالمباشرة اذا حاسبتنی و تهب لی العفو اذا کان
و لا تکلنی الی شیء فاضل و لا تخرجنی الی غیرک ما اطاقتی لی فاضعف
و لا تبتلینی بما لا صبر لی علیه فاعجز و اجرنی علی جمیع عوائدک عندی و لا
تؤاخذنی بسوء فعلی و لا تسلط علی من لا یرحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین
و اما ساعت دوازدهم که از زرد شدن آفتاب است تا فرو رفتن آن بحضرت صاحب الامر
علیه السلام تعلق دارد و دعا این است اللهم یا خالق السقف المرفوع و المهاد
الموضوع و رازق العاصی و المطیع الذی لیس له من دونه ولی و لا شفیع اسئلک
باسمائک التی اذا سمیت علی طوارق العسر عادت یسرا و اذا وضعت علی الجبال
کانت هباء منثورا و اذا رفعت الی السماء تفتحت لها المغالق و اذا هبطت الی
ظلمات الارض تسعت بها المضائق و اذا دعیت بها الموتی انتشرت من اللحود
و اذا نودیت بها المعدومات خرجت الی الوجود و اذا ذکرت علی القلوب وجلت
خشوعا و اذا قرعت الاسماع فاضت العیون دموعا اسئلک بمحمد رسولک المؤید

بالمعجزات المبعوث بمحکم الآيات و بامير المؤمنين علي بن ابي طالب الذي اخترته
لمواخاته و وصيته و اصطفيته لمصافاته و مصاهرته و بصاحب الزمان
المهدي الذي تجمع على طاعته الآراء المتفرقة و تؤلف له الاهواء المختلفة
و تستخلص به حقوق اوليائك و تنتقم به من شر اعدائك و تملأ به الارض
عدلا و احسانا و توسع على العباد بظهوره فضلا و امتنانا و تعيد الحق
من مکانه عزيزا حميدا و ترجع الدين على يديه غضا جديدا ان تصلي على
محمد و آل محمد فقد استشفعت بهم اليك و قدمتهم امامي بين يدي حوائجي
و ان توزعني شکر نعمتك في التوفيق لمعرفته و الهداية الى طاعته و
ان تزيدني قوة في التمسك بعصمته و الاقتداء بسنته و الکون في زمرته
و شيعته انك سميع الدعاء برحمتك يا ارحم الراحمين و اما ادعيه مختصه
بزردي آفتاب و شام پس ملا محمد باقر رحمه الله در مقباس گفته که ظاهر از
فحواي احاديث آنست که دعاي شامها اکثر نزديک غروب آفتاب بايد خواند
و بعضي بعد از شام و اکثر را شايد بعد از عصر تا شام توان خواند بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر عليه السلام مرويست که چون نزديک بغروب رسد آفتاب و زردي آ
و کوه منتشر شد از ديده مبارک حضرت رسول صلعم آب جاري ميشد و اين دعا ميخواند
امسى ظلمي مستجيرا بعفوك و امست ذنوبي مستجيرة بمغفرتك و امسى خوفي
مستجيرا بامانك و امسى ذلي مستجيرا بعزتك و امسى فقري مستجيرا بغناك و
امسى وجهي البالي الفاني مستجيرا بوجهك الباقي الکريم اللهم البسني عافيتك
و جللني کرامتك و غشني رحمتك و قني شر خلقك من الجن و الانس
يا الله يا رحمن يا رحيم ايضا بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقولست
که هر که هر روز نزد غروب آفتاب اين دعا را بخواند اگر در آن شب يا در آن هفته
يا در آن ماه يا در آن سال بميرد داخل بهشت شود يا من ختم النبوة بمحمد اختم لي
في يومي هذا بخير و شهري بخير و سنتي بخير و عمري بخير ايضا بسندهاي معتبر
از آنحضرت و حضرت کاظم عليهما السلام منقولست که چون نزديک بغروب آفتاب
شود اين دعا بخوان تا ايمن گردي از شر درندها و از شر شيطان لعين و فرزندان

و فرزندان او و هر گزنده و صاحب زهري و از دزدان و غولان بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا و لم يکن له شريك في الملك و لم يکن له ولي
من الذل و کبره تکبيرا و الحمد لله الذي يصف و لا يوصف و يعلم و لا
يعلم يعلم خائنة الاعين و ما تخفي الصدور اعوذ بوجه الله الکريم و باسم الله
العظيم من شر ما ذرأ و من شر ما تحت الثرى و من شر ما ظهر و ما بطن و
من شر ما کان في الليل و النهار و من شر ابي مرة و ما ولد و من شر
الرسيس و من شر ما وصفت و ما لم اصف و الحمد لله رب العالمين ديگر
مناسبست خواندن دعاي وارد در روز که گذشت و اما ادعيه مختصه بشام از جمله
بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام مرويست که در هر شام ميفرمود امسينا
و امسى الملك لله الواحد القهار و الحمد لله رب العالمين الذي ذهب بالنهار
و جاء بالليل و نحن في عافية منه اللهم هذا خلق جديد قد غشينا فما
عملت فيه من خير فسهله و يسره و لقنيه اضعافا مضاعفة و ما عملت
فيه من شر فتجاوز عنه برحمتك امسيت لا املك ما ارجو و لا ادفع شر ما
احذر امسى الامر لغيري و امسيت مرتهنا بکسبي و امسيت لا فقير افقر مني
ثم لفقري بسعتك مما کتبت على نفسي التقوى ما ابقيتني و الکرامة
اذا توفيتني و الصبر على ما ابليتني و البرکة فيما رزقتني و العزم على طاعتك
فيما بقي من عمري و الشکر لك فيما انعمت به علي بسند معتبر از حضرت امير
المؤمنين عليه السلام منقولست که در شام اين دعا بخواند اصبحنا لله شاکرين
و امسينا لله حامدين فلك الحمد کما امسينا لك مسلمين سالمين ديگر چراغ افروختن
پس از شام است چنانچه از حضرت صادق عليه السلام منقولست که چراغ روشن
کردن پس از غروب آفتاب پريشاني را برطرف ميکند و روزي را زياده ميگرداند
و ايضا از آنحضرت منقولست که چون چراغ را باندرون بياورند و نظر باو نمايد بگويد
اللهم اجعل لنا نورا نمشي به في الناس و لا تحرمنا نورك يوم نلقاك و اجعل
لنا نورا انك نور لا اله الا انت فصل هفتم در بيان متعلقاتست بوقت شام
از فريضه مغرب و نافلهان و تحقيق وقت آنها بدانکه وقت شام که هنگام غروب آفتاب

وبر طرف شدن سرخی طرف مشرق است خواندن ادعیه و اذکار بموجب روایات
واخبار اهل بیت اطهار وسیله جلب منافع ودفع مضار است چنانچه بعضی از آنها
مذکور گردید و در این وقت ذمه مکلف مشغول است بسه رکعت فریضه و چهار
رکعت نافله و این نافله را بعد از فریضه باید بجا آورد بدو سلام و در سفر ساقط نمی گردد
و فریضه هم قصر نمیشود اول وقت این فریضه از ابتدای بر طرف شدن سرخی مذکور است
تا آن مقدار که ادای آن شود و بعد از آن وقت نماز عشا در آید و در هر دو وقت مشترک
گردد تا آن زمان که بنصف شب مقدار چهار رکعت نماز عشا باقی باشد و وقت فضیلتش
تا غایت شدن شفق است که سرخی جانب مغرب باشد و ایضا بدانکه شیخ بهائی رحمه الله
در مفتاح الفلاح گفته که مستفاد از روایات معتبره از اهل بیت عصمت علیهم السلام
اینست که وقت مغرب تنگست و روایات در این باب متظافر است چنانچه صاحب
کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود که
جبرئیل آورد از برای پیغمبر از برای هر نمازی در دو وقت یکی وقت فضیلت
و دیگری وقت اجزا غیر نماز مغرب که وقت آن یکیست و وقت وجوبش سقوط قرص آفتاب است
و چنانچه رئیس محدثین در مجلس شصت و دوم از کتاب امالی از ابی اسامه روایت
کرده که او گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که میفرمود کسی که
تاخیر بیندازد نماز مغرب را تا مشتبک شود ستارها پس من از او بیزارم و چنانچه
شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از ذریح روایت کرده که گفت بخدمت حضرت ابی
عبدالله علیه السلام عرض کردم که جمعی از اصحاب شام می کنند نماز مغرب را تا آنکه
مشتبک شود ستارها پس فرمود آنحضرت من بیزارم بسوی خدا از کسی که بکند این
عمل را عمدا و چنانچه روایت کرده است در تهذیب بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام
که فرمود بدرستیکه جبرئیل علیه السلام امر کرد رسول صلعم بنمازها پس گردانید از برای
هر نمازی دو وقت مگر مغرب پس بدرستیکه گردانید از برای آن وقت واحد
و تحقیق وارد شده است در روایات معتبره بیرون رفتن وقت مغرب بزایل شدن
شفق و جماعتی از علمای ما رضوان الله علیهم بآن عمل کرده اند و قرار داده اند
ما بین غروب و رفتن شفق را وقت از برای شخص مختار و ما بعد آنرا وقت از برای

از برای مضطر و اظهر مذهب متأخرین است که مضیق وقت فضیلت آن است نه وقت
ادایش بنابراین حمل کرده میشود بیزاری حضرت صادق علیه السلام از کسی که
تاخیر کند اشتباک نجوم را بر کسی که اعتقاد داشته باشد وجوب تاخیر آنرا
تا آن وقت بدانکه شیخ رحمه الله متعرض اخباری که دلالت میکند بر اینکه مغرب دو وقت
ندارد و صحیح شده است یا بعلت آنکه اعتنائی بآن اخبار نکرده طرح کرده است یا بمعارض
نظر نرسیده بهر صورت حمل کردن آنها بر مبالغه در فضیلت خالی از اشکالی
نیست احوط آن است که تاخیر نشود از بر طرف شدن شفق والله اعلم و چون غروب آفتاب
محقق شود اذان و اقامت بگوید و شروع در نماز کند و نباید ترک کند اذان و اقامت
نماز شام زیرا که جماعتی از علما مثل سید مرتضی و ابن عقیل و ابن جنید رضی الله عنهم
قایل بوجوب اذان و اقامه نماز شام شده اند بعضی قایل بطلان نماز شده اند در ترک آنها
عمدا چنانچه پیش مذکور شد و مستحب است فاصله کردن میان اذان و اقامه بنشسته
بانشستن چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بنشیند میان اذان
مغرب و اقامتش ثواب او مثل ثواب کسی است که بغلطد در خون خود در راه خدا
و در میان اذان و اقامه این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاِقْبالِ لَيْلِكَ وَاِدْبارِ
نَهارِكَ وَحُضُورِ صَلَواتِكَ وَاَصْواتِ دُعائِكَ وَتَسْبِيحِ مَلائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلي
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ پس اقامت بگوید و بعد
اقامت این دعا که گذشت از دعا بخواند و شروع در نماز نماید باداب و شرایطی که پیش
گذشت و از سورهای قصار هر چه خواهد در رکعت اول بخواند مثل اذا جاء نصر الله
و تکاثر و جحد که قل یا ایها الکافرون باشد و امثال آنها و در رکعت ثانیه سوره توحید
بنابر آنچه در مفتاح بسند صحیح روایت کرده و در دو رکعت این نماز جهر باید کرد یعنی بلند
باید خواند و چون از نماز فارغ گردد شروع در تعقیب نماید بنوعی که گذشت از تکبیر
ثلثه و تسبیح زهرا علیها السلام و سایر دعاهای مشترکه و بعد شروع در دعای مختصه
نماید فصل هشتم در تعقیبات مختصه نماز شام است بدانکه در ما بین علما خلافست
و اکثر گفته اند تعقیب نماز شام را بعد از نافله باید بجا آورد زیرا که وقت نافله کم است تا بر طرف
شدن سرخی جانب مغربست بیرون نرود و بعضی گفته اند تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

بیش بخواند و باقی را بعد و ملا محمد باقر رحمه الله در مقباس گفته که آن من نیست که انجه را
توان پیش از نوافل خواند افضل آنست پیش بخواند خصوصا تعقیباتی که وارد شده است
پیش از حرکت دادن پاها باید خواند و چون خوف بیرون رفتن نوافل بهم رساند
با فرا تأخیر نماید چه در حدیث معتبر وارد شده که فضیلت تعقیب فریضه بر نافله
بقدر فضیلت فریضه است بر نافله و قول ملا محمد باقر رحمه الله در نزد حقیر ظاهر است
و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بعد از نماز مغرب سه مرتبه
بگوید الحمد لله الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره حق تعالی خیر بسیار باو
کرامت فرماید و سنت است که بعد از نماز مغرب ده مرتبه بگوید ما شاء الله لا حول
و لا قوة الا بالله استغفر الله و بگوید اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک و
عزائم مغفرتک و السلامة من کل اثم و الغنیمة من کل بر و النجاة من النار و من
کل بلیة و الفوز بالجنة و الرضوان من دار السلام و جوار نبیک محمد و آله
علیهم السلام بعد از ان بگو اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک
و اتوب الیک بسند صحیح از معاویة بن عمار مرویست که حضرت صادق علیه السلام
بعد از نماز مغرب این دعا میخواندند اللهم صل علی محمد البشیر النذیر السراج المنیر
الطهر الطاهر الخیر الفاضل خاتم انبیائک و سید اصفیائک و خالص اخلائک
ذی الوجه الجمیل و الشرف الاصیل و المنبر النبیل و المقام المحمود و المنهل المشهود
و الحوض المورود اللهم و صل علی محمد و آله کما بلغ رسالاتک و جاهد فی سبیلک
و نصح لامته و عبدک حتی اتاه الیقین و صل علی محمد و آله الطاهرین الاخیار
الانقیاء الابرار الذین انتجبتهم لدینک و اصطفیتهم من خلقک و ائتمنتهم علی وحیک
و جعلتهم خزائن علمک و تراجمة کلماتک و اعلام نورک و حفظة سرک و اذهبت
عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا اللهم اسعدنا بحبهم و احشرنا فی زمرتهم و تحت
لوائهم و لا تفرق بیننا و بینهم و اجعلنی بهم وجیها عندک فی الدنیا و الآخرة و من
المقربین الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون الحمد لله الذی ذهب بالنهار بقدرته
و جاء باللیل برحمته خلقا جدیدا و جعله لباسا و سکنا و جعل اللیل و النهار
آیتین لیعلم بهما عدد السنین و الحساب الحمد لله علی اقبال اللیل و ادبار النهار

النهار اللهم صل علی محمد و آله و اصلح لی دینی الذی هو عصمة امری و اصلح
دنیای التی فیها معیشتی و اصلح لی آخرتی التی الیها منقلبی و اجعل الحیوة زیادة
لی فی کل خیر و اجعل الموت راحة لی من کل سوء و اکفنی امر الدنیا و الآخرة
بما کفیت به اولیائک و خیرتک من عبادک الصالحین و اصرف عنی شرهما
و وفقنی لما یرضیک عنی یا اکرم امسیت و امسی الملک لله الواحد القهار و ما
فی اللیل و النهار اللهم انی و هذا اللیل و النهار خلقان من خلقک فاعصمنی
فیهما بقوتک و لا ترهما جرأة منی علی معاصیک و لا رکوبا منی لمحارمک و اجعل
عملی فیهما مقبولا و سعیی فیهما مشکورا و یسر لی فیهما ما اخاف عسره و سهل لی
ما صعب علی امره و اقض لی فیه بالحسنی و امنی مکرک و لا تهتک عنی سترک
و لا تنسنی ذکرک و لا تحل بینی و بین حولک و قوتک و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین
ابدا و لا الی احد من خلقک یا کریم اللهم صل علی محمد و آله و افتح مسامع
قلبی لذکرک حتی اتبع وحیک و اتبع کتابک و اصدق رسولک و اومن
بوعدک و اوفی بعهدک و اتبع امرک و اجتنب نهیک اللهم صل علی محمد و آل
محمد و لا تصرف عنی وجهک و لا تمنعنی فضلک و لا تحرمنی عفوک و اجعلنی اوالی
اولیائک و اعادی اعدائک و ارزقنی الرهبة منک و الرغبة الیک و الخشوع
و الوفاء و التسلیم لامرک و التصدیق بکتابک و اتباع سنة نبیک اللهم انی
اعوذ بک من نفس لا تقنع و بطن لا یشبع و عین لا تدمع و قلب لا یخشع و صلوة
لا ترفع و عمل لا ینفع و دعاء لا یسمع و اعوذ بک من سوء القضاء و درک الشقاء
و جهد البلاء و شماتة الاعداء و من عمل لا یرضی و اعوذ بک من الکفر و الفقر
و القهر و الوقر و الغدر و من ضیق الصدر و من شتات الامر و من الداء العضال
و غلبة الرجال و خیبة المنقلب و سوء المنظر فی النفس و الدین و الاهل و المال
و الولد و عند معاینة ملک الموت و اعوذ بالله من انسان سوء و جار سوء
و قرین سوء و یوم سوء و ساعة سوء و من شر ما یلج فی الارض و ما یخرج منها و
من شر ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر طوارق اللیل و النهار الا
طارقا یطرق بخیر و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

فیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم الحمد لله الذی قضی عنی صلوة کانت علی المؤمنین
کتابا موقوتا و در ضمن ادعیه مشترکه فرا بعضی خمس بسند معتبر روایت کرده است که ثواب
ولازم است که در آخر دعاها که در تعقیب نمازها میخوانند این دعا بخواند اللهم
انی وجهت وجهی الیک واقبلت بدعائی علیک ورجوت اجابتک طامعا
فی مغفرتک طالبا ما وأیت به علی نفسک متنجزا وعدک اذ تقول ادعونی
استجب لکم فصل علی محمد و آله واقبل الی بوجهک واغفر لی وارحمنی و
استجب دعائی یا اله العالمین و هرگاه وقت وفا نکند بدعاهای مشترکه
میان نماز صبح و شام که در نوع اول تعقیبات نماز صبح مذکور شد اکتفا میتواند نمود
بدانکه در سجده شکر نماز شام خلافست و احادیث نیز اختلافی دارد و مولانا محمد
باقر رحمه الله در مقباس گفته ظاهرا مقدم داشتن بر نوافل افضل باشد و اگر تاخیر
کند نیز خوبست و اگر هر دو را بعمل آورد شاید بهتر باشد و در سجده و بعد از سجده
دعاها بکند در فصل اول گذشت بخواند فصل ششم در نافله نماز شام و سایر اعمال
مابین شام و خفتن است بدانکه نافله شام چهار رکعت بدو سلام و تاکید در بجا آوردن
آن در حضر و سفر احادیث بسیار وارد شده است از الجمله از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که فرمود بحارث بن مغیره ترک مکن چهار رکعت بعد از مغرب را در حضر و سفر
اگرچه طلب کنند ترا سواران خیل غرض مخصوص بیان تاکید در فضیلت این نافله است که
در چنین وقتی نیز نباید ترک کرد و وقت آن بعد از فراغ از نماز مغرب است تا برطرف
شدن حمره مغربیه و کلام در شروع بیک رکعت از نافله و تمام و عدم تمام مثل کلام در
نافله ظهر است که مذکور شد و مکروه است حرف زدن ما بین نماز مغرب و نافله آن
و هرگاه فوت شود وقت این نماز نوافل سزاوار است قضا کردن آنها مثل سایر نوافل
شبانه روزی چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که گفت رسول خدا صلعم
فرمود بدرستیکه خدا تعالی مباهات میکند بر بنده که قضا کند نماز شب را در روز
و میفرماید ای ملائکه من نظر کنید بسوی بنده من که قضا میکند امری را واجب نکردم
بر او و گواه میگیرم شما را بدرستیکه من آمرزیدم او را و مستحب است افتتاح نمودن رکعت
اول بتکبیرات سبع و ادعیه لائقه پس قرائت کردن بعد از سوره حمد توحید را سه مرتبه

سه مرتبه و در ثانیه انا انزلناه و اگر خواهد در رکعت اول بعد حمد قل یا ایها الکافرون
باشد و در ثانیه توحید بخواند و بر حمد تنها نیز اکتفا میتوان نمود مثل سایر نوافل
و سزاوار است بلند کردن قرآت در این نماز و در جمیع نوافل لیله و چون از دو
رکعت اول فارغ شود بگوید اللهم انک تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی
وان الیک الرجعی والمنتهی وان لک الممات والمحیا وان لک الآخرة والاولی اللهم
انا نعوذ بک ان نذل ونخزی ونأتی ما عنه تنهی اللهم انی اسئلک ان تصلی
علی محمد وآل محمد واسئلک الجنة برحمتک واستعیذ بک من النار بقدرتک واسئلک
من الحور العین بعزتک وان تجعل اوسع رزقی عند کبر سنی واحسن عملی عند اقتراب
اجلی واطل فی طاعتک وما تقرب منک ویحظی عندک وزلفی لدیک عمری واحسن
فی جمیع احوالی وامور معرفتی ولا تکلنی الی احد من خلقک وتطول علی بقضاء
جمیع حوائجی للدنیا والآخرة وابدأ بوالدی وولدی وجمیع اخوان المؤمنین فی جمیع
ما سألتک لنفسی برحمتک یا ارحم الراحمین پس دو رکعت دیگر بگذارد و بخواند در اول
بعد از بسمله سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات و
الارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو
بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما
کنتم والله بما تعملون بصیر له ملک السموات والارض والی الله ترجع الامور
یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وهو علیم بذات الصدور و در ثانی بعد
الحمد بخواند لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله و
تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و
الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور
له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم و در سجده آخر
این دو رکعت هفت مرتبه بگوید اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم واسمک العظیم
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ذنبی العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم -

جمله تعقیبات مشترکه فرایض خمس مختص بمغرب و بعضی دیگر مشترکه صباح و مسا که
بخواند بآنها بخواند و باز احتیاطا دو سجده شکر را بکند چنانکه گذشت و اما سایر اعمال
از آنجمله گذاردن نماز غفیله است و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد این را بخواند و ذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و در
رکعت دوم بعد از حمد و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما
تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی
کتاب مبین پس در قنوت بگوید اللهم انی اسألک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا
انت ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا و بگوید اللهم انت ولی نعمتی
و القادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسألک بحق محمد و آله علیه و علیهم السلام لما
قضیتها لی و حاجت بخواهد که از ابی عبدالله علیه السلام مرویست که هر که بگذارد این دو
رکعت نماز را بین العشائین و بخواند این دعا را و سؤال کند حاجت را البته حق تعالی
عطا میکند او را انشاء الله تعالی هر چه مطلبد دیگر نیز در ساعت غفلت دو رکعت است که در بعضی
کتاب مسطورات رکعت اول بالحمد و سوره اذا زلزلت سیزده بار و در رکعت دوم بالحمد
و پانزده مرتبه سوره توحید چنانچه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلعم
فرمود که هر که این نماز را در شب بجا آورد مزاحمت میکند ما را در داخل بهشت و ثواب
او را نمی شمارد کسی مگر الله تعالی دیگر در این ساعت دو رکعت نماز هدیه میت است که
کی مرده باشد و کیفیت این نماز در خاتمه در احکام اموات نوشته خواهد شد فصل دهم
در بیان وقت خفتن و فضیلت و اعمال متعلقه بآن اول وقت عشا بنا بر مشهور بعد
فراغ از نماز مغربست و بنا بر غیر مشهور زوال حمره مغربیه است چنانچه بسند صحیح از
حضرت صادق علیه السلام مرویست که اول وقت عشا آخر ذهاب حمره است یعنی از جانب
مغرب و شیخ رحمه الله گفته که این حدیث محمولست بر استحباب تاخیر این نماز تا بر طرف شدن
شفق و اما فضیلت این وقت پس با برکت و میمنت و طلب حاجت در محل اجابت دارد
چنانچه از حضرت رسالت صلعم مرویست که هر گاه حاجتی را داشته باشید در این وقت سؤال
نمائید که وقتی است که حضرت عزت بنما عطا فرموده و پیش از شما دیگران را نداده و اما اعمال

اعمال مکلف در این وقت ماموراست چهار رکعت فریضه و دو رکعت نافله و تیره و فریضه را
بعد از اذان و اقامت با داب سابقه بجای آورد و وقت فضیلتش میکشد تا ثلث از شب
و وقت ادایش تا مقدار چهار رکعت بنصف شب مانده و این نماز چهار رکعت در حضر
و دو رکعت در سفر و چون وقت این نماز وسیع است سنت است سورههای
طوال خواند در هر رکعت اول مثل سوره سبح اسم یا والشمس که بسند صحیح روایت شده
است یا مانند اینها و در دوم سوره توحید و نیز سنت است طول دادن در قنوت و
تعقیبات این نماز و چون از نماز فارغ شود بگوید آمن الرسول بما انزل الیه من ربه
تا آخر سوره و بعد شروع در تعقیب نماید و بخواند تعقیبات مشترکه فرایض خمس را
که پیش گذشت و بعد بخواند تعقیبات مختصه را افضل از همه در تعقیبات مختصه
بنماز عشا است از آنجمله قرائت سوره مبارکه انا انزلناه است که بسند معتبر از حضرت
امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که بعد از نماز عشا هفت مرتبه سوره قدر را
بخواند در ضمان حق تعالی باشد از بلاها و در حدیث دیگر گفته بعد از آن این دعا را بخواند
اللهم رب السموات السبع و ما اظلت و رب الارضین السبع و ما اقلت
و رب الشیاطین و ما اضلت و رب الریاح و ما ذرت اللهم رب کل شیء
و ملیک کل شیء و انت الله المقتدر علی کل شیء انت الاول فلا شیء قبلک
و انت الآخر فلا شیء بعدک و انت الظاهر فلا شیء فوقک و انت الباطن فلا شیء
دونک و رب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و اله ابرهیم و اسمعیل و اسحق و
یعقوب و الاسباط اسألک ان تصلی علی محمد و آله و ان تولانی برحمتک و لا
تسلط علی احدا من خلقک ممن لا طاقة لی به اللهم انی اتحبب الیک فحببنی
و فی الناس فعززنی و من شر الشیاطین الجن و الانس فسلمنی یا رب العالمین و
صلی الله علی محمد و آله پس هر دعائی که خواهی بکن دیگر خواندن این دعا است اللهم
بحق محمد و آله و لا تؤمنا مکرک و لا تنسنا ذکرک و لا تکشف عنا سترک و لا
تحرمنا فضلک و لا تحل علینا غضبک و لا تباعدنا من جوارک و لا تنقصنا من
رحمتک و لا تنزع منا برکتک و لا تمنعنا عافیتک و اصلح ما اعطیتنا و زدنا من
فضلک المبارک الطیب الحسن الجمیل و لا تغیر ما بنا من نعمتک و لا تؤیسنا من

دونک ولا تهنّا بعد کرامتک ولا تضلّنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک
رحمة انک انت الوهاب اللهم اجعل قلوبنا سالمة وارواحنا طیبة والسنتنا
صادقة وعبادتنا لن تبور ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا
برحمتک عذاب النار دیگر شیخ طوسی و دیگران گفته اند مستحب است بعد از نماز عشا
هر یک از سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق ده
مرتبه بخواند و ده نوبت بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و ده
بار بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد و گفته اند سنت است این دعا بر خواند اللهم
افتح لی ابواب رحمتک واسبغ علیّ من حلال رزقک ومتعنی بالعافیة ابدا
ما ابقیتنی فی سمعی وبصری وجمیع جوارحی اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله
الا انت استغفرک واتوب الیک یا ارحم الراحمین دیگر از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که محافظت نماید زنان و فرزندان و مالهای خود را بخواندن این دعا بعد از
نماز عشا اعیذ نفسی وذریتی ودینی واهلی ومالی بکلمات الله التامات من کل
شیطان وهامة ومن کل عین لامة دیگر سید بن طاوس رضی الله عنه در کتاب
فلاح السائل روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از نماز عشا این دعا
میخواندند اللهم صل علی محمد وآل محمد واحرسنی بعینک التی لا تنام واکنفنی برکنک
الذی لا یرام واغفر لی بقدرتک علیّ یا ذا الجلال والاکرام اللهم انی اعوذ
بک من طوارق اللیل والنهار ومن جور کل جائر وحسد کل حاسد وبغی کل
باغ اللهم احفظنی فی نفسی واهلی ومالی وجمیع ما خولتنی من نعمک اللهم
تولنی فیما عندک بما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من لا تضره
الذنوب ولا تنقصه المغفرة اغفر لی ما لا یضرک واعطنی ما لا ینقصک انک انت
الوهاب اللهم انی اسئلک فرجا قریبا وصبرا جمیلا ورزقا واسعا والعفو والعافیة
فی الدنیا والآخرة اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر لی ولوالدی وللمؤمنین
والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات اللهم اجعلنی ممن یکثر ذکرک ویتابع
شکرک ویلزم عبادتک ویؤدی امانتک اللهم طهر لسانی من الکذب وقلبی
من النفاق وعملی من الریاء وبصری من الخیانة انک تعلم خائنة الاعین وما تخفی

وما تخفی الصدور اللهم رب السموات السبع وما اظلت ورب الارضین
السبع وما اقلت ورب الریاح وما ذرت ورب کل شیء واله کل شیء و
آخر کل شیء ورب جبرئیل ورب میکائیل واسرافیل واله ابراهیم واسمعیل
واسحق ویعقوب اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تتولانی برحمتک
وتملنی بعافیتک وتسعدنی بمغفرتک ولا تسلط علیّ احدا من خلقک اللهم
الیک فقربنی وعلی حسن الخلق فقومنی ومن شر شیاطین الجن والانس
فسلمنی وفی آناء اللیل والنهار فاحرسنی وفی اهلی ومالی وولدی واخوانی
وجمیع ما انعمت به علیّ فاحفظنی واغفر لی ولوالدی ولسائر المؤمنین و
المؤمنات یا رب الباقیات الصالحات انک علی کل شیء قدیر ونعم المولی
ونعم النصیر برحمتک یا رحیم الحمد لله رب العالمین وصلوات الله علی سیدنا محمد النبی
وآله وعترته الطاهرین دیگر بسندهای صحیح از معاویة بن عمار منقولست که
حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز عشا این دعا میخواند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی محمد وآل محمد صلوة تبلغنا بها رضوانک والجنة وتنجینا بها
من سخطک والنار اللهم صل علی محمد وآل محمد وارنی الحق حقا حتی اتبعه
وارنی الباطل باطلا حتی اجتنبه ولا تجعلهما علیّ متشابهین فاتبع هوای
بغیر هدی منک واجعل هوای تبعا لرضاک وطاعتک وخذ لنفسک رضاها
من نفسی واهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی
صراط مستقیم اللهم صل علی محمد وآله واهدنی فیمن هدیت وعافنی فیمن عافیت
وتولنی فیمن تولیت وبارک لی فیما اعطیت وقنی شر ما قضیت انک تقضی
ولا یقضی علیک وتجیر ولا یجار علیک تم نورک اللهم فهدیت فلک الحمد
وعظم حلمک فعفوت فلک الحمد وبسطت یدک فاعطیت فلک الحمد تطاع
ربنا فتشکر وتعصی ربنا وتغفر وتثنی انت کما اثنیت علی نفسک بالکرم
والجود لبیک وسعدیک تبارکت وتعالیت لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک
لا اله الا انت سبحانک اللهم وبحمدک عملت سوءا وظلمت نفسی فاغفر لی انک خیر
الغافرین لا اله الا انت سبحانک اللهم وبحمدک عملت سوءا وظلمت نفسی فتب

علي إنك أنت التواب الرحيم لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
اللهم صل على محمد وآل محمد وثبتني منك في عافية وسجني منك في عافية
واسترني منك بالعافية وارزقني تمام العافية ودوام العافية والشكر
على العافية اللهم أستودعك نفسي وديني وأهلي ومالي وولدي وأهل
حزانتي وكل نعمة أنعمت بها علي وتعمم فصل على محمد وآله واجعلني
في كنفك وأمنك وكلائتك وحفظك وحياطتك وكفايتك وسترك
وذمتك وجوارك وودائعك يا من لا تضيع ودائعه ولا يخيب سائله ولا
ينفد ما عنده اللهم إني أدرأ بك في نحور أعدائي وكل من كادني وبغى علي
اللهم من أرادنا فأرده ومن كادنا فكده ومن نصب لنا عداوة فخذه يا رب
أخذ عزيز مقتدر اللهم صل على محمد وآل محمد واصرف عني البليات والعاهات
والآفات والنقم ولزوم السقم وزوال النعم وعواقب التلف وما طغى به
الماء لغضبك وما عتت به الريح عن أمرك وما أعلم وما لا أعلم وما أخاف
وما لا أخاف وما أحذر وما لا أحذر وما أنت به أعلم اللهم صل على محمد وآل
محمد وفرج همي ونفس غمي وسل حزني واكفني ما ضاق به صدري وما عيل
به صبري وقلت به حيلتي وضعفت عنه قوتي وعجزت عنه طاقتي وردتني
فيه الضرورة عند انقطاع الآمال وخيبة الرجاء من المخلوقين إليك فصل
على محمد وآل محمد واكفنيه يا كافيا من كل شيء ولا يكفي منه شيء اكفني
كل شيء حتى لا يبقى منه شيء يا كريم اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني حج
بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك عليه السلام مع التوبة والندم اللهم إني أستودعك
نفسي وديني وأهلي ومالي وولدي وإخواني وأستكفيك ما أهمني وما لم
يهمني وأسألك بخيرتك من خلقك الذي لا يمن به سواك يا كريم الحمد لله الذي
قضى عني حاجة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ديگر از عبيد بن زراره
که مردی بخدمت حضرت صادق علیه السلام از تنگ دستی شکایت کرد و گفت هر چند
در طلب روزی بشهرها میگردم تنگی معیشت من زیاده میگردد حضرت فرمود چون از نماز

خفتن فارغ شوی با ماتی بیند علیخوان راوی گفت که بعد از اندک زمانی
حال آن مرد نیکو شد و مال بهم رساند دعا اینست اللهم إنه ليس لي علم بموضع
رزقي وإنما أنا أطلبه بخطرات تخطر على قلبي فأجول في طلبه البلدان وأما
فيما أنا طالب كالحيران لا أدري أفي سهل هو أم في جبل أم في أرض أم
في سماء أم في بر أم في بحر وعلى يدي من ومن قبل من وقد علمت أن علمه
عندك وأسبابه بيدك وأنت الذي تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك اللهم
فصل على محمد وآل محمد واجعل يا رب رزقك لي واسعا ومطلبه سهلا ومأخذه
قريبا ولا تعنني بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فإنك غني عن عذابي وأنا فقير إلى
رحمتك فصل على محمد وآله وجد على عبدك بفضلك إنك ذو فضل عظيم انما
نافله وتيره وقتش بعد از فراغ از فریضه عشا است ومیکشد تا نصف شب وبعد از
نصف شب قضا است وآن دو رکعت نشسته است بنابر مشهور بین علما یا یک رکعت
ایستاده بنابر قول بعضی لکن عمل بر مشهور است در رکعت اولی تکبیرات سبع افتتاحیه
با ادعیه ماثوره بعد از حمد سوره الملک یا سوره الواقعه بخواند و در رکعت ثانیه سوره توحید
و دعا کند بعد از فراغ هرچه خواهد و در این وقت طلب نمودن فرزند مناسب است چنانچه
در طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
شکایت کرد کمی فرزند را آن حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و نماز خفتن هفتاد بار
سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله بگوید و بعد از آن این آیه را بخواند استغفروا ربکم إنه
كان غفارا يرسل السماء عليكم مدرارا ويمددكم بأموال وبنين ويجعل لكم
جنات ويجعل لكم أنهارا پس در شب نهم با زن خود جماع کن که خدا پسری کرامت
درست باشد تو عطا فرماید پس دو سجده شکر کند بخواند در این دعائی را که شیخ
طوسی وغیره نقل کرده اند و گفته اند سنت است در سجده شکر نماز خفتن خواندن این دعا
اللهم أنت انقطع الرجاء إلا منك منك يا أحد من لا أحد له يا أحد
من لا أحد له يا أحد من لا أحد له غيرك يا من لا تزيده كثرة العطاء إلا كرما
وجودا صل على محمد وأهل بيته صل على محمد وأهل بيته صل على محمد وأهل بيته
پس حاجت خود را بطلبی پس گونه راست را بر زمین میگذاری و همین دعا را بخوانی

پس کوزه چپ را بر زمین میگذاری و همین دعا میخوانی پس تا زبستانی را بر زمین میگذاری
و همین دعا میخوانی ایضا در وقت مطالعه باید دعا بخواند اللهم اخرجنی من ظلمات
الوهم واکرمنی بنور الفهم اللهم افتح علینا ابواب رحمتک وانشر علینا
خزائن علومک یا ارحم الراحمین و چون خواهد چراغ را خاموش کند بگوید اللهم
اخرجنا من الظلمات الی النور فصل دوازدهم در آنچه متعلق بوقت خواب است
تا نصف شب مشتمل بر پنج نوع نوع اول در بیان اوقات خواب است بدانکه خواب کردن
بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و در میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه
و در حالت جنابت پیش از وضو یا تیمم برای غسل و وضو مکروهست و پیش از ظهر
قیلوله است و سنت است چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
شده است که خواب اول روز سفاهت است و خواب قیلوله نعمت است و
خواب بعد از عصر حماقت است و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم
میگرداند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که نخوابد مسلمان در حالتی
که جنب باشد و نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای وضو تیمم بکند تا آخر
حدیث و ایضا از آنحضرت منقولست که خواب بر هفت نوع است خواب غفلت و
خواب شقاوت و خواب لعنت و خواب عقوبت و خواب راحت و خواب
رخصت و خواب حسرت خواب غفلت در مجلس ذکر است و خواب شقاوت
در وقت نماز و خواب لعنت در وقت صبح و خواب عقوبت بعد از نماز صبح و خواب
راحت قیلوله و خواب رخصت بعد از نماز عشا و خواب حسرت شب جمعه نوع دویم
در اماکن خواب است مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروهست
و ظاهر احادیث آنست که مکروه نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول صلعم و در آن نهی
نیز وارد شده و در احادیث معتبره بسیار است که رسول خدا صلعم سه کس را
لعنت کرده کسی که تنها چیزی بخورد و تنها بسفر رود و تنها بخوابد و در حدیث دیگر
نهی فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوار نداشته باشد و هر که بر بامی بخوابد که دیوار
نداشته باشد از امان خدا بدر رود و در احادیث از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که مکروهست کسی تنها بخوابد و فرمود مرد و زن هر دو در این حکم مساویند

مساویند پرسیدند اگر یک طرف دیوار داشته باشد چون است فرمودند هر چهار
طرف باید دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات حد بلندی دیوار دو
ذرع است و در بعضی یک ذرع و یک شبر هم وارد شده است و از حضرت امیر المؤمنین
وارد شده که باید پیش از خواب بول بکند بعد از آن بخوابد نوع سیم در
آداب خوابیدن و دعای آن بدانکه اول کاری که در نزد خوابیدن باید کرد طهارت
چنانچه در فقیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که وضو بسازد و
برختخواب در آید رختخواب از برای او حکم مسجد دارد و علمای ما قدس الله
ارواحهم با وجود آب تیمم از برای خواب را تجویز کرده اند بدل از وضو و غسل
تیمم از برای جنازه میت و از حضرت رسول صلعم وارد شده است از آنکه کسی
با دست چرب و آلوده بخوردنی بخوابد و اگر چنین کند شیطان با او دست بازی کند
با دیوانه شود ملامت نکند مگر خود را و ایضا فرموده اطفال خود را در وقت خواب
دست و دهان بشویند که اگر نکنند شیطان ایشان را میبوید و در خواب میترساند
دیگر سرمه کشیدنست و در حدیث صحیح منقولست که حضرت پیغمبر صلعم پیش از
خواب سرمه میکشیدند با اثمد و اثمد سنگیست که از آن سرمه میکنند و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که هر که ضعفی در چشمش بهم رسد سرمه کشد در وقت
خواب با اثمد چهار میل از چشم راست و سه میل در چشم چپ و نیز از آنحضرت مرویست
که سرمه کشیدن نزد خواب امانست از آبی که نازل شود در چشم و در حدیث دیگر
از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سرمه سنگ چشم را جلا میدهد و موی
مژه را می رویاند و آب ریختن چشم را زایل میگرداند و در حدیث دیگر از آنحضرت هم
روایت کرده است که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در
فقه الرضا نقل کرده که چون اراده نمائی که سرمه بکشی میل را بدست راست بگیر
و در سرمه دان بزن و بگو بسم الله و چون میل را در چشم بکشی بگو اللهم نور بصری
واجعل فیه نورا ابصر به حقک واهدنی الی طریق الحق وارشدنی الی سبیل
الرشاد اللهم نور علی دنیای و آخرتی و ایضا باید دعا بخواند اللهم انی اسئلک
بحق محمد و آل محمد که در تعقیبات مشترکه مابین صبح و شام گذشت دیگر خواندن

سورهٔ یس و سورهٔ اذا وقعت الواقعه و سورهائی که در اول آنها سبّح لله و یسبّح لله است
چنانچه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ یس را پیش از خواب
بخواند حق تعالی هزار ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان و هر بلا حفظ
نمایند و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که هر که سورهٔ
اذا وقعت را هر شب در وقت خواب بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده
باشد و در روایت دیگر ایمن شود از فقر و فاقه و ایضاً از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که هر که سورهائی که اول آنها سبّح لله و یسبّح لله است در وقت خواب بخواند
نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام برسد و اگر بمیرد در همسایگی حضرت پیغمبر
جا دهند او را و در چند حدیث از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که بجامهٔ خواب خواهد
داخل شود کنار جامهٔ خود را بر رخت خواب بکشد که اگر جانوری داخل شده باشد
بدر رود و باو ضرر نرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی بر رخت
خواب رود بگوید اللّهم ان احتبست نفسی عندک فاحتبسها فی محلّ رضوانک
و مغفرتک وان رددتها فارددها مؤمنة عارفة بحقّ اولیائک حتّی تتوفّاها علی
ذلک و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلعم در آنوقت آیة الکرسی میخواندند و
بعد از آن میگفتند بسم الله آمنت بالله و کفرت بالطاغوت اللّهم احفظنی فی منامی
و فی یقظتی و دیگر در حدیث دیگر فرمود که چون برخت خواب روی تسبیح حضرت فاطمه
علیها السلام بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده آیه
از اول سورهٔ صافات بخواند و در حدیث دیگر آیة الکرسی سه مرتبه است و یک مرتبه شهد الله
و آیهٔ سخره و آیهٔ آخر سورهٔ حم سجده ایضاً از حضرت رسول صلعم نقل کرده که هر که سورهٔ الهیکم
التکاثر در وقت خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق
منقولست که هر که یازده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهان او آمرزیده
شود و او و همسایگانش از بلاها محفوظ مانند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه سال از
عمرش آمرزیده شود ایضاً در حدیث صحیح دیگر فرمود که سورهٔ قل هو الله احد و قل یا ایها
الکافرون را پیش از خواب بخواند که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرکست و قل هو الله
احد نسبت پروردگار است و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه

سورهٔ انا انزلناه بخواند حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر
شیاطین حفظ کنند تا صبح ایضاً منقولست که چون حضرت رسول صلعم برخت خواب میرفتند
میفرمودند باسمک اللّهم احیی و باسمک اللّهم اموت و برای دفع بلیات بر اعضای
چند پیش از خواب در احادیث وارد شده از آنجمله برای ایمنی از خراب شدن خانه بر سر
بگوید ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من
بعده انه کان حلیماً غفوراً که از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست ایضاً در روایت
معتبر حضرت رسول صلعم فرمود که در وقت خواب [illegible] بخواند ایّها الاسود
الوثّاب الذی لا یبالی غلقاً و لا باباً عزمت علیک بامّ الکتاب ان لا تؤذینی و لا اصحابی
الی ان تذهب اللیل و یجیء الصبح بما جاء ایضاً در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ایّاً ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین
ذلک سبیلاً و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له
ولیّ من الذّل و کبّره تکبیراً ایضاً از برای دفع فقر و پریشانی و دفع گزندگان در حدیث
از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که هر که در وقت خواب بخواند فقر و
پریشانی از او دور شود و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اللّهم انت الاوّل فلا شیء قبلک و
انت الظاهر فلا شیء فوقک و انت الباطن فلا شیء دونک و انت الآخر فلا شیء بعدک
اللّهم ربّ السموات السبع و ربّ التوریة و الانجیل و الزبور و الفرقان الحکیم
اعوذ بک من شرّ کلّ دابّة انت آخذ بناصیتها انّک علی صراط مستقیم ایضاً از
برای طلب رزق در وقت خواب بخواند استغفاری که در فصل چهاردهم باب پنجم [illegible]
احراز نوشته میشود انشاء الله تعالی برای نترسیدن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که چون کسی در خواب ترسد یا از دزدی یا بیخوابی بر او مستولی شود این آیه بخواند فضربنا
علی آذانهم فی الکهف سنین عدداً ثم بعثناهم لنعلم ایّ الحزبین احصی لما لبثوا امداً
برای دفع احتلام در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ترسد که
محتلم شود چون برخت خواب رود این دعا بخواند اللّهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من
سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة و المنام در این وقت برای بیدار

شده در حدیث معتبر از آنحضرت علیه السلام که هر که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند
قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه
فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا هر وقت از شب خواهد بیدار شود
پس چون خواهد بخوابد سنت است که بر دست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را
در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن و بر رو خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خواب بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند
و دیدهای ایشان بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار خود می باشند و مؤمن بر دست
راست میخوابد رو بقبله و پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند که آنچه میخورند
گوارا شود و شیطان و برادران و هر دیوانه و مبتلائی برو در افتاده میخوابند و احادیث
در فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است
و در حدیث دیگر وارد شده است که آنحضرت فرمود که چون کسی اراده خواب کند باید
که دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بسم الله وضعت جنبی لله و علی ملة
ابرهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایة من افترض الله طاعته ما شاء الله
کان و ما لم یشأ لم یکن که هر که این دعا بخواند در وقت خواب محفوظ بماند از دزد
و غارت و خانه فرود آمدن و ملائکه از برای او استغفار کنند و از حضرت امام محمد باقر
مرویست که فرمود هر که بخواند این کلمات را پس من ضامنم که نرسد باو نیش عقربی
و نه گزندی تا آنکه صبح کند اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا
فاجر من شر ما ذرأ و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم ایضا در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دعا وارد شده
بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری
الیک و الجأت ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا
ملجأ و لا منجا منک الا الیک آمنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی
ارسلت بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و در حدیث دیگر صد مرتبه لا اله
الا الله و صد مرتبه استغفار پیش از خواب وارد شده و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که بعد از خوابیدن در رختخواب سه مرتبه بگوید الحمد

الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و
الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناهان
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که
بیخوابی او را عارض شود و خوابش نبرد این دعا بخواند سبحان الله ذی الشأن
دائم السلطان کل یوم هو فی شأن و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که اگر
کسی خواب پریشان ببیند از آن پهلو که خوابیده بپهلوی دیگر بخوابد و بگوید انما
النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا و لیس بضارهم شیئا الا باذن الله پس
بگوید عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاؤه المرسلون و عباده
الصالحون من شر ما رأیت و من شر الشیطان الرجیم و در اثنای خواب چون
بیدار شود نیز همین دعا را بخواند از همان حضرت منقولست که هر وقت از پهلوی به
پهلوی دیگر بگردد الحمد لله و الله اکبر بگوید ایضا در دفع عقرب و هوام مرویست که
این دعا بخواند بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله اخذت العقارب و الحیات
کلها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها و اذنابها و اسماعها و ابصارها و قواها
عنی و عمن احببت الی الضحوة النهار ان شاء الله آنحضرت فاطمه علیها السلام
مرویست که شکایت نمود از بیخوابی حضرت رسول صلعم فرمود این دعا بخوان یا مشبع
البطون الجائعة یا کاسی الجسوم العاریة و یا ساکن العروق الضاربة و یا منوم
العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة و اذن لعینی نوما عاجلا ایضا از امام
جعفر صادق علیه السلام مرویست برای بیخوابی سبحان ذی الشأن الدائم السلطان
کل یوم هو فی شأن ایضا در خواص السور مذکور است که هر که این را و ذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین را بر پوست آهو بنویسد و در میان بندد و در خواب رود و
تا از او نکنند بیدار نشود ایضا از برای بسیاری خواب این آیه را بر آب بخواند و روی
خود را بآن بشوید از سورهٔ اعراف و لما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربه قال رب ارنی
انظر الیک قال لن ترانی و لکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما
تجلی ربه للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک

وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ ایضاً از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جهت
نافع است برای تاریکی چشم و زیادتی خواب نوع چهارم نماز و دعا برای دیدن
خوابهای نیک از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که
حضرت رسول صلعم را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکو بعمل آورد
و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از
نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بر جامهٔ پاکیزه بخوابد که بر روی آن جامه
خواب با حلال و حرام جماع نکرده باشد و دست راست در زیر جانب روی بگذارد
صد نوبت بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ پس صد مرتبه بگوید مَا شَاءَ اللّٰهُ چون چنین کند حضرت رسول صلعم را در
خواب ببیند و در روایت دیگر منقولست که اگر خواهد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را
در خواب ببیند چون بخوابد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ یَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِیٌّ
وَاَیَادِیهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقَضِی اَسْئَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِیِّ الَّذِی مَا لَطُفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلَّا
کَفَى اَنْ تُرِیَنِی مَوْلَایَ اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی مَنَامِی و در روایت
دیگر منقولست که اگر کسی خواهد که یکی از مردگان را در خواب ببیند با وضو بر جانب
راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند پس بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الَّذِی
لَا یُوصَفُ وَالْاِیمَانُ یُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَتِ الْاَشْیَاءُ وَاِلَیْكَ تَعُودُ فَمَا اَقْبَلَ
مِنْهَا کُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا اَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ یَکُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجًا مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ فَاَسْئَلُكَ
بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَسْئَلُكَ بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَبِحَقِّ حَبِیبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ وَبِحَقِّ عَلِیٍّ خَیْرِ الْوَصِیِّینَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ
بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ اللَّذَیْنِ جَعَلْتَهُمَا سَیِّدَیْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ السَّلَامُ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرِیَنِی مَیِّتِی فِی الْحَالِ الَّتِی هُوَ فِیهَا دیگر ملا محمد
باقر طاب الله ثراه در مفتاح الغیب ایراد نموده که هر گاه شخصی در چارهٔ امری متحیر باشد
و نداند که چه باید کرد عمل کند باین خبر که در کتاب محمد بن جریر طبری که مسمی است
بکتاب ذات الحبیل دیدم که روح بن الحارث از پدرش از جدش روایت کرده است
که فرزندان خود را وصیت کرد و گفت که هر گاه امر عظیمی احدی از شما رو دهد یا حادثه

یا حادثه که باعث غم او گردد باید که با وضو بخوابد در فراش و لحاف طاهری بپوشد و نماز
بخوابد و بپهلوی زنی نخوابد و در وقت خوابیدن سورهٔ والشمس و سورهٔ واللیل هر یک را
هفت مرتبه بخواند پس بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی مِنْ اَمْرِی هٰذَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا و بخوابد پس شخصی
او می آید در شب اول یا سیم یا پنجم و گمان دارم که گفت هفتم و باو میگوید که فرج
از این غم و دلگیری و الم در چه چیز است و در مکارم الاخلاق شیخ طبرسی نیز این عمل را
نوشته و دعا را نیاورده ایضاً بسند معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام روایت
کرده است که هر کرا بسوی خدا حاجتی باشد و خواهد که ما را در خواب ببیند و
جای خود را در امر حضرت بداند در سه شب با غسل بخوابد و با خدای تعالی مناجات کند
و بما متوسل شود و ما را در درگاه خدا شفیع گرداند تا آنکه ما را در خواب ببیند و بحاجت
خود برسد نوع پنجم سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب در حدیث معتبر
منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد که مؤمن گاهی
می بیند خواب و چنان میشود که دیده است و گاهی که می بیند و اثری از آن ظاهر نمیشود
فرمود که چون مؤمن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه روح مؤمن
در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه در
هوا می بیند خواب پریشانست راوی پرسید که آیا روحش هم باسمان میرود و هیچ
در بدن نمی ماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه از مثابت آفتاب است که در آسمان
و روشنی و شعاعش در زمین است همچنین روح اصلش در بدن است و قوی از آن بآسمان
حرکت میکند و در روایت دیگر است که خوابهای مؤمن صحیح می باشد زیرا که نفسش
پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش بالا میرود با ملائکه ملاقات میکند پس خواب
او بمنزلهٔ وحی است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلعم
میفرمودند که خواب مؤمن در میان آسمان و زمین است بر بالای سرش پرواز میکند
تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند پس مانند آنچه که تعبیر کردند واقع میشود پس خواب خود را نقل
نکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد آشنا بتعبیر خواب در حدیث حسن منقولست که شخصی
بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود
حضرت فرمود که بزودی سلطنتی و دین شاملی بتو خواهد رسید اگر همه بود فرا میگرفت

ودرین غرطه میشوردی آن شخص گفت دیگران بپادشاهی تاویل میکنند حضرت فرمود
که کدام ملک از پدران تو پادشاه بوده اند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است
از دین حق که ترا امید بهشت هم میرسانی و در روایت دیگر منقولست که محمد بن مسلم
بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و گردکان بسیار
شکسته بر سر من ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد
شد و رختهای نو که بر بدنت پوشیده باشی پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست
گردکان بمنزلهٔ جامه است محمد بن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای نو که
در عیدها می پوشیدم در بر کردم و بر در خانه نشستم دختری گذشت و او را طلبیدم
و بخانه بردم و متعه کردم و زنم مطلع شد و آمد بر سر ما و آن دختر گریخت و من در
خانه ماندم و رختهای نوم را پاره پاره کرد و منقولست که شخصی دیگر با آنحضرت عرض
کرد که خوابی دیدم و بسیار میترسم و امالی کرد اشترم مرده است خواب دیدم که دست
در گردن من کرده و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ مکش هر صبح و شام و از مرگ
گریزان مباش اما معانقه با مرده کان علامت طول عمر است بگو اما توجه تام داشت
گفت حسین فرمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ترا نصیب خواهد شد
زیرا که هر که معانقه نام تام آنحضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت می یابد
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که شخصی گفت در خواب دیدم چوب بزه در دست
داشتم فرمود که امنی بر سر تو بود گفت نه فرمود که اگر امن میداشت خدا ترا پسری
میداد چون امن نداشت خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کردم تا بعضی ازان
رسید که آن بزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود که دوازده دختر هم خواهی
رسانند محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که من فرزندکی
ازان دخترهایم و یازده خاله دارم و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا
فرمود که من دیشب مولای علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش
سفیدی بود چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد و در حدیث دیگر منقولست
که یاسر خادم بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب دیدم که هفده
شیشه در میان قفس بود ناگاه آن قفس افتاد و شیشها شکست حضرت فرمود که

که اگر خوابت راستست می باید که شخصی از اهل بیت و خویشان من هفده روز پادشاه
شود و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابراهیم با ابو السرایا خروج کردند و بعد از هفده روز مرد
و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که در خواب دیدم که قدحی
از شیر بدست من دادند و آن قدح خوردم که دیدم از میان ناخنهایم بیرون می آید
پرسیدند که چه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم
بموضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسب چوبی سوار بود و شمشیری در دست
داشت و حرکت میداد و من او را مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت فرمود که دلالت
بران میکند که تو میخواهی بفریبی شخصی را از روزی خود برادری از خدا بترس و حرام را
بخاطر راه مده چنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم
از معدنش اخذ کرده بدرستیکه شخصی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت مزرعه دارم
و میخواهم که بفروشم من چون دیدم که مشتری دیگر غیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم
و عزم کردم که بقیمت بسیار ارزانی از او بخرم — مقاله چهارم در بیان آنچه کرده میشود
از نصف شب تا طلوع صبح و در آن پنج فصل است فصل اول در فضیلت این وقت و
برخاستن است بدانکه اول این وقت وقتی است که قسم خورده است باو خدای تعالی
بقولش واللیل اذا سجی یعنی اذا سکن و سکون عبارتست از هدو و آرام اوست یعنی تا
نمی ماند چشمی که در خواب نباشد مگر حی قیوم آنچنانی که اخذ نمیکند او را پینکی و نه
خوابی روایت شده که داود نبی گفت بار الها بدرستیکه من دوست میدارم اینکه
عبادت کنم ترا پس کدام وقت افضل است که در آن عبادت کنم ترا پس خدای تعالی
وحی فرستاد بسوی من که ای داود برخیز در اول شب بدرستیکه کسی که برخیزد در
اول شب در نمی یابد آخر شب را و کسی که بخوابد اول شب را برمیخیزد آخرش و لکن برخیز در
وسط شب تا خلوت کنی بمن و من خلوت کنم بتو و بلند کنی بمن حوائج خود را تا برآورم
بدانکه آخر این وقت سحر است که اشاره شده است بسوی او در قول حق تعالی و بالاسحار هم
یستغفرون و بعد از آخر این وقت طلوع فجر است که مراد بقول او سبحانه اوست فسبحه
و ادبار النجوم و احادیث بسیار از اهل بیت اطهار علیهم سلام الله الملک الجبار در باب

برخاستن شب و فضیلت آن وارد شده است از آنجمله در کافی بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که شرف مؤمن برخاستن اوست در شب و عزت
او استغنای او از مردم ایضاً در کافی از حضرت ابی عبد الله روایت کرده که فرمود [illegible]
که فخر مؤمن و زینت اوست در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و یأس او از آنچه پیش
مردم است و دوست داشتن امام از آل محمد را و نیز از ابی عبد الله علیه السلام مرویست
که در شب ساعتی است که هیچ بنده مؤمن نباشد که در آن دعا کند مگر آنکه دعای
او را آنحضرت عزت مستجاب گرداند و حاجت او را بر آورد گفتند کدام ساعت است
فرمود ساعتی است که از شب نصفی گذشته باشد و باقی مانده باشد ثلث آن ایضاً
امام جعفر صادق از حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام روایت میکند که هر که یک ثلث
از شب بدعا و استغفار باشد اسم او در زمره تائبین و مستغفرین نوشته شود و گناهان
او محو گردد و در این وقت چنانچه دعا و استغفار وسیله قضای حاجت و عفو معصیت
میشود بیداری نیز خصوصاً در طاعت سبب مزید اجر و حسنه میگردد و اگر گریه نیز با آن
منضم شود اگر هر یک قطره با سیلاب روی دنیا و آخرت بخشد و آتش دوزخ فرو نشاند
چنانچه از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که در روز قیامت همه چشمها گریان
باشد مگر چشمی که از محارم پوشیده باشد و دیده که شب بیدار بوده در طاعت گذرانیده
باشد و چشمی که در همه شب از خوف و خشیه گریسته باشد فصل دوم در آنچه
بعد از بیدار شدن از خواب باید بعمل آورد بدانکه اول کاری که باید کرد سجده
کردن است مر خدای تعالی را زیرا که مرویست که حضرت رسالت هرگاه از خواب
بیدار میشد سجده میکرد پس بگوید در سجده یا بعد از سر برداشتن از آن الحمد لله
الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور و الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده
و اعبده و در حلیه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی از خواب برخیزد
بگوید سبحان الله رب النبیین و اله المرسلین و رب المستضعفین و الحمد لله
الذی یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر چون این را بگوید حق تعالی میفرماید که راست
گفت بنده من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقولست که چون از خواب بیدار شوی
بگو سبوح قدوس رب الملائکة و الروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت

الا انت ظلمت نفسی فاغفر لی و ارحمنی انک انت التواب الرحیم الغفور و در حدیث
دیگر است که چون حضرت صادق در آخر شب برمیخواستند بصدای بلند
میگفتند اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع علی المضجع و ارزقنی خیر ما قبل
الموت و ارزقنی خیر ما بعد الموت و در مصباح بسند حسن از حضرت باقر
روایت کرده است که چون شب برخیزی پس نظر کن در آسمان و بگو اللهم
انه لا یواری عنک لیل ساج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد
و لا ظلمات بعضها فوق بعض و لا بحر لجی تدلج بین یدیک المدلج من خلقک
تعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور غارت النجوم و نامت العیون
و انت الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم سبحان الله رب العالمین و اله
المرسلین و الحمد لله رب العالمین پس بخواند پنج آیه از آخر سوره آل عمران ان فی
خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لاولی الالباب
الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق
السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار
ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار ربنا اننا
سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک
و لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد فصل سیم در آنچه متعلق بنصف
شب است و قبل از نماز شب باید بجا آورد پس چون خواهد مشغول عبادت
و نماز شود اول تخلیه بجا آورد اگر محتاج بخلا باشد و آداب و ادعیه آن در فصل
سیم در مقاله اولی گذشت و بعد از آن مسواک کند که سنت است و وضو
سازد با دابی که در فصل سیم مذکور گذشت و خود را معطر نماید و رو بقبله
بنشیند و بخواند اینها را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در نصف
شب میخواند و در بعضی از روایات مذکور است که چون شبها او از مردم
ساکن شدی و خلایق بیارمیدندی آنحضرت علیه السلام بخواندی و زار زار گریستی
و در عین گریه و رقت گفتی ای معبود سزاوار پرستش اگر جمیع بندگان تو فرو خود

اعمال جزا دهی همه سوختنی اند و در درگاه عظمت و جلال تو یکمشت خاک
بیچاره را اگر بسوزند ذره بر جبروت و کبریائیت نیفزاید و اگر همه را باکرام
و انعام بی منتهای خود بیامرزی یکقبضه خاک را بخشیده باشی و ذره از عظمت
و جلال تو نیفزاید ما که باشیم که بواسطه بدبختیهای ما ذات بزرگوار تو غضبناک
و خشمناک باید شد الهی پاک ان ذات مقدس که غیر تو کسی ان را ندانسته که براین
قبضه خاک بیچاره رحمت کن و همه را بلطف خود بیامرز مگر اهل شرک و قاتلان انبیا
و اوصیا را که مجرا از عذاب و عقاب ایشان کنی صد چندان سزاوارند و چون
این دعا در اسحار اثر و نتیجه بسیار دارد الهی غارت نجوم سمائک و نامت عیون
انامک و هدأت عبادک و انعامک و غلقت الملوک علیها ابوابها و طاف
علیها حراسها و احتجبوا عمن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فائدة و انت الهی حی
قیوم لا تاخذک سنة و لا نوم و لا یشغلک شیء عن شیء ابواب سمائک
لمن دعاک مفتحات و خزائنک غیر مغلقات و ابواب رحمتک غیر محجوبات
و فوائدک لمن سألک غیر محظورات بل هی مبذولات الهی انت الکریم الذی
لا ترد سائلا من المؤمنین سئلک و لا تحتجب عن احد منهم اراد ک لا و عزتک
و جلالک لا تختزل حوائجهم دونک و لا یقضیها احد غیرک اللهم و قد تری
وقوفی و ذل مقامی بین یدیک و تعلم سریرتی و تطلع علی ما فی قلبی و ما یصلح
به امر آخرتی و دنیای اللهم ان ذکر الموت و اهوال المطلع و الوقوف بین
یدیک نغصنی مطعمی و مشربی و اغصنی بریقی و اقلقنی عن وسادی و منعنی
رقادی کیف ینام من یخاف بیات ملک الموت فی طوارق اللیل و طوارق
النهار بل کیف ینام العاقل و ملک الموت لا ینام لا باللیل و لا بالنهار
و یطلب روحه بالبیات و فی آناء الساعات پس سجده می کردند حضرت
بعد از خواندن این دعا رخساره مبارک را بر زمین میچسبانیدند و میفرمودند
اسألک الروح و الراحة عند الموت و العفو عنی حین القاک و از جمله ادعیه که
مناسب این وقت است دعای مهم اللیل است که کفعمی در بلد الامین از حضرت
صاحب الامر روایت نموده و از اینست اللهم انی اسئلک بعزیز تعزیز اعتزاز

تعزیز اعتزاز عزتک بطول حول شدید قوتک بقدرة مقدار اقتدار قدرتک
بتاکید تحمید تمجید عظمتک بسمو نمو علو رفعتک بدیموم دوام مدتک
برضوان غفران امان رحمتک برفیع بدیع منیع سلطنتک بسعادت تعلوا
بساط رحمتک بحقایق الحق من حق حقک بمکنون السر من سر سرک
بمعاقد العز من عز عزک بحنین انین تسکین المریدین بحرقات خضعات زفرات
الخائفین بآمال اعمال اقوال المجتهدین بتخشع تخضع تقطع مرارات الصابرین
بتعبد تحمد تجلد العابدین اللهم ذهلت العقول و انحسرت الابصار
و ضاعت الافهام و حارت الاوهام و قصرت الخواطر و بعدت الظنون
عن ادراک کنه کیفیة ما ظهر من بوادی عجائب اصناف بدایع قدرتک
دون البلوغ الی معرفة تلألؤ لمعان بروق سمائک اللهم محرک الحرکات
و مبدی النهایات لغایات و مخرج ینابیع تفریع قضبان النبات یا من
شق صم جلامید الصخور الراسیات و انبع منها ماء معینا حیوة للمخلوقات
فاحیا منها الحیوان و النبات و علم ما اختلج فی سر افکارهم من نطق
اشارات خفیات لغات النمل السائحات یا من سبحت و هللت و قدست
و کبرت و سجدت لجلال جمال اقوال عظیم عزة جبروت ملکوت سلطنته
ملائکة السبع یا من دارت فاضائت و انارت لدوام دیمومیته النجوم الزاهرات
و احصی عدد الاموات صل علی محمد و آل محمد خیر البریات و افعل بی کذا
و کذا و صلی الله علی محمد و آله اجمعین دیگر از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که فرمودند بخدائی که جان پسر ابوطالب در قبضه قدرت اوست که بگوش
خود از پیغمبر شنیدم که هر که در نصف شب این کلمات را بگوید چنان از گناهان
پاک شود که از مادر متولد شده باشد الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده
الخیر و هو علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم استغفر الله
الغفور الرحیم دیگر از اعمال متعلق باین وقت گذاردن نماز حاجت است انکه
در نزهة الزاهدین آورده که هر که را حاجتی باشد در میان شب برخیزد و غسل کند

وجامه پاکیزه بپوشد و سبوی نوی پر آب برگیرد و ده بار سوره انا انزلناه
بر او بخواند پس آب را گرد اگرد آنجا که نماز خواهد کند بپاشد پس دو رکعت
نماز کند در هر رکعتی الحمد و انا انزلناه بخواند پس حاجت بخواهد که روا گردد انشاء الله
دیگر در مکارم از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده که هرگاه تو را حاجتی
پیش آید تصدق کن در آن روز بشصت مسکین هر مسکینی نصف صاع بصاع حضرت
پیغمبر صلعم از خرما یا از گندم یا جو پس هرگاه شب شود غسل کن در ثلث آخر شب و
بعد از آن بپوش دون جامه‌ای که میپوشند زنان و لنگی ببند و بعد از آن دو رکعت نماز
بگذارد در رکعت اول فاتحه و قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها
الکافرون بخوان چون در رکعت آخر سر بسجده نهی لا اله الا الله بگو و بپاکی بزرگی
یاد کن خدای تعالی را و بعد از آن یاد کن گناهان خود را و اقرار کن بگناهان خود بعددی
و بعد از آن سر خود را از سجده بردار چون سر را بسجده دوم نهی صد بار بگو اللهم انی
استجیرک بعلمک و بعد از آن خدای تعالی را بخوان از نامهای او بهر چه خواهی
و بعد از آن بگو یا کائنا قبل کل شیء و یا مکون کل شیء یا کائنا بعد کل
شیء افعل بی کذا و کذا یعنی حاجت خود را نام ببر پس هرگاه استجابه کنی هر دو
زانوی خود را بر زمین بنه و بردار لنگ خود را تا برهنه شود هر دو زانوی تو و لنگ
از میان ران خود بگذران بدرستی که هرگاه چنین کنی امید دارم که برآورده
شود حاجت تو انشاء الله تعالی و ابتدا کن بصلوات بر نبی و آل او علیهم السلام
ایضا در مفتاح الفلاح ایراد نموده که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام میگذاردند
پیش از نماز شب دو رکعت نماز را در رکعت اول میخواندند بعد از سوره حمد توحید
و در دوم حمد که قل یا ایها الکافرون باشد پس بر میداشتند دستها را و تکبیر
میگفتند و دعا میخواندند یعنی قنوت و گفته که هرگاه بگذاری تو این دو رکعت نماز را
پس بهتر آنست که بخوانی این دعا را که حضرت امیر المومنین علیه السلام در نصف شب
میخواندند الهی کم من موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتها و کم من جریرة
تکرمت عن کشفها بکرمک الهی ان طال فی عصیانک عمری و عظم
فی الصحف ذنبی فما انا مومل غیر غفرانک و لا انا براج غیر رضوانک الهی

الهی افکر فی عفوک فتهون علی خطیئتی ثم اذکر العظیم من اخذک فتعظم
علی بلیتی آه ان انا قرات فی الصحف سیئة انا ناسیها و انت محصیها
فتقول خذوه فیاله من ماخوذ لا تنجیه عشیرته و لا تنفعه قبیلته
آه من نار تنضج الاکباد و الکلی آه من نار نزاعة للشوی آه من غمرة من
لهبات لظی پس گریه کن بعد از این دعا و دعا کن بانچه میخواهی فصل چهارم
در فضیلت و آداب و ادعیه هشت رکعت نافله شب و دو رکعت شفع و
مفرده وتر است بدانکه نصف شب اول وقت نماز شب است و هر چند نزدیک
بفجر ثانی که طلوع صبح صادق است شود افضل است پس اگر چهار رکعت از
آن را گذارده باشد که صبح طلوع کند تمام کند نماز را بحمد تنها و داست و
مشهور آنست که جایز است مقدم داشتن نماز شب را بر نصف شب
مر صاحب عذر را و قضا کردنش در روز افضل است از تقدیم و گاهی تعبیر
کرده شده از نصف بزوال چنانچه در فقیه از عمر بن حنظله روایت کرده که سوال
کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که ما زوال روز را میدانیم بسبب
ملاحظه آفتاب پس چگونه بدانیم زوال شب را پس حضرت فرمود از برای شب
زوالیست مانند زوال آفتاب پس گفت بچه چیز بشناسیم او را فرمود بستاره‌ها
هرگاه منحدر شوند ظاهر اینست که حضرت بستاره‌ها اراده کرده است ستاره‌ها
که طلوع کنند وقت غروب آفتاب و مراد بانحدار شروع آنهاست در انخفاض
و پایین آمدن از وسط السماء و این نماز شب از جمله سنتهای موکدات
که فضیلتش تمام و منزلتش مالا کلام دارد و در وی اجر و ثواب بسیار و روایات
و اخبار بسیار است و فضایل و حسنات و ارتفاع درجات و اطلاع بر مغیبات
و فیض و فتوحی که از نماز شب حاصل میشود و نور و حضوری که از این بظهور
میرسد زیاده از آنست که این مختصر گنجایش ذکر آنها داشته باشد و سید ابن
طاوس ره در این وقت دعایی ذکر کرده که فواید و نتایج کثیره دارد اللهم
انی قد صدقت ربوبیتک و بمحمد خاتم رسالتک و بهذا لمنادی عن جودک
و ان لم یسمعه اذنی فقد سمعه عقلی المصدق بالاخبار المنصحة لوعودک

فأنا أقول مرحباً بك أيها الملك الوارد علينا من مالكنا الحليم الأكرم الأجود
المحسن إلينا قد سمعنا بلسان حال عفو لنا قولك عن سيدنا نجاح
مسؤولنا هل من سائل فأعطيه سؤله وأنا سائل لكل ما أحتاج
إليه مما يقتضي دوام إقباله علي ودوام توفيقي للإقبال عليه وتمام
إحسانه إلي وكمال أدبي بين يديه وأن يحفظني ويحفظ علي كلما أحسن
به إلي وسمعنا قولك عن مولانا الذي هو أهل لبلوغ مأمولنا هل من
تائب فأتوب عليه وأنا تائب اختياراً واضطراراً لأني ضعيف عاجز
عن غضبه وعقابه مضطر إلى رضاه وثوابه فإن صدقت نفسي في التوبة
على التحقيق والإفلاس حالي تائب إليه بكل طريق من طرق التوفيق
وسمعنا قولك أيها الملك عن سيدنا وسلطاننا الذي هو أهل رحمتنا
وقبولنا هل من مستغفر فأغفر له وأنا مملوكه المستغفر من كل ما يكرهه
مني المستجير به في العفو عني فإن صدق قلبي ولساني في الاستغفار
والإفلاس حالي وعقلي وما أنا عليه من الاضطرار والإعسار والانكسار
يستغفر عني بين يدي جلاله وعفوه ورحمته وذليل حقير بين يدي عزته
وربانيته وقد جعلت أيها الملك ما قد ذكرته من سؤالي وتوبتي واستغفاري
وافتقاري وذلي وانكساري أمانة مسلمة إليك تعرضها من باب الحليم
والرحمة والكرم والجود على من أنعم علينا وبعثك وأرسلك إلينا وفتح بين
يدينا أبواب التوسل إليه فيما تعرضه عليه وصلى الله على محمد وآله أجمعين
أما آداب سزاوار است در وقت توجه نماز بگويد اللهم إني أتوجه إليك
بنبيك نبي الرحمة وآله وأقدمهم بين يدي حوائجي فاجعلني بهم وجيهاً
في الدنيا والآخرة ومن المقربين اللهم ارحمني بهم واقض لي حوائج الدنيا
والآخرة إنك على كل شيء قدير وبكل شيء عليم پس افتتاح كند بركعت اول كه سنت
ركعت بتكبيرات سبعه وادعيه‌اى كه در صبح گذشت ونيت كند كه أصلي
ركعتين من نافلة الليل أداء لندبها قربة إلى الله يعني دو ركعت نماز از هشت ركعت
نافله شب ميگذارم ادا سنت قربة الى الله پس تكبيرة الاحرام بگويد ومستحب است

ومستحب است كه در هر ركعتي از دو ركعت اول الحمد يكبار و قل هو الله احد سي بار بخواند
چنانچه در ذكرى مذكور است كه هر كه در اين دو ركعت قرائت بدين طريق نمايد
هيچ گناهي نماند او را كه آمرزيده نشود واگر نتواند در هر ركعت اول الحمد و قل هو الله را
يكمرتبه بخواند ودر ركعت دويم الحمد وقل يا ايها الكافرون يكبار بخواند واگر وقت
تنگ باشد اكتفا بحمد تنها جايز است چنانچه در ساير نوافل هم جايز است ودر شش ركعت
ركعت باقي هر سوره كه خواهد بخواند لكن مستحب سورهاى طولاني است مثل سوره انعام
وكهف وانبيا ويس وحم وآنچه مانند اينها باشد در طول وجايز است خواندن سوره‌ها
از روى قرآن اگر از حفظ نداشته باشد بخلاف فريضه كه در آن جايز نيست ودر نماز شب
مستحب است كه قرائت وقنوت بلند بخواند وبعد از هر دو ركعت از هشت ركعت
اين دعا بخواند اللهم إني أسألك ولم يسأل مثلك أنت موضع مسألة
السائلين ومنتهى رغبة الراغبين أدعوك ولم يدع مثلك وأرغب إليك
ولم يرغب إلى مثلك أنت مجيب دعوة المضطرين وأرحم الراحمين أسألك
بأفضل المسائل وأنجحها وأعظمها يا الله يا رحمن وبأسمائك الحسنى وأمثالك
العليا ونعمك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك وأحبها إليك و
أقربها منك وسيلة وأشرفها عندك منزلة وأجزلها لديك ثواباً وأسرعها
في الأمور إجابة وباسمك المكنون الأعز الأجل الأعظم الأكرم الذي
تحبه وترضاه وترضى عمن دعاك فاستجبت له دعاءه وحق عليك أن لا تحرم
سائلك ولا ترده وبكل اسم هو لك في التوراة والإنجيل والفرقان العظيم
وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك وأنبياؤك ورسلك و
أهل طاعتك من خلقك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تعجل فرج وليك
وابن وليك وتعجل خزي أعدائه وأن تفعل بي كذا وكذا يعني حاجت
خود را ذكر كند واگر دشمنى داشته باشد كه او را آزار نمايد در سجده آخر ركعت
اول بعد از تحميد وحمد خداى تعالى اين دعا بخواند اللهم إن فلان بن فلان
قد شهرني ونددني وأغاظني وعرضني للمكاره اللهم اضربه بسهم عاجل
يشغله عني اللهم وقرب أجله واقطع أثره وعجل ذلك يا رب الساعة

الساعة الساعة برای طلب عافیت در این سجده بگوید یا علی یا عظیم یا رحمن
یا رحیم یا سامع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی
من خیر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و اصرف عنی شر الدنیا و الآخرة
ما انا اهله و اذهب عنی هذا الوجع و ان تفعل بی کذا و کذا یعنی حاجت
خود را ذکر کند پس بعد از خواندن دعای اللهم انی اسئلک و لم یسئل
مثلک تسبیح زهرا علیها السلام بگوید و دو سجده شکر نماید و هر دعائی که خواهد
بخواند و آنچه خواهد از خدا بطلبد و بهتر آن است که در یکی از آن دو سجده این
دعا را بخواند که منسوبست بامام زین العابدین علیه السلام الهی و عزتک و
جلالک و عظمتک لو انی منذ بدعت فطرتی من اول الدهر عبدتک دوام
خلود ربوبیتک بکل شعرة فی کل طرفة عین سرمد الابد بحمد الخلائق
و شکرهم اجمعین لکنت مقصرا فی بلوغ اداء شکر خفی نعمة من نعمتک
علی و لو انی کربت معادن حدید الدنیا بانیابی و حرثت ارضها باشفار
عینی و بکیت من خشیتک مثل بحور السموات و الارضین دما و صدیدا
لکان ذلک قلیلا فی کثیر ما یجب من حقک علی و لو انک الهی عذبتنی
بعد ذلک بعذاب الخلائق اجمعین و عظمت للنار خلقی و جسمی و ملأت طبقات
جهنم منی حتی لا یکون فی النار معذب غیری و لا یکون لجهنم حطب سوای
لکان ذلک بعدلک علی قلیلا فی کثیر ما استوجبه من عقوبتک پس دو
رکعت دیگر از نماز شب را بگذارد و بخواند در آن هر سوره که خواهد و اگر سوره مزمل
و عم بخواند مناسبست پس تمام کند مثل دو رکعت اول و بعد از سلام بخواند
دعای اللهم انی اسئلک را و بعد سجده شکر نماید چنانچه بعد از دو رکعت
اول ذکر شد پس دو رکعت دیگر کند هر سوره که خواهد لیکن مستحب است که در
اول سوره یس یا سوره اذا وقعت و در دوم سوره حم دخان یا سوره مدثر بخواند و
بعد از سلام دعا و سجده بطریق گذشته بعمل آورد پس برخیزد و دو رکعت دیگر
بخواند با هر سوره که خواهد اما بهتر آن است که در اول سوره الملک و در ثانی
هل اتی علی الانسان بخواند و برای طلب روزی در سجده این دو رکعت بگوید

دو رکعت بگوید یا خیر مدعو یا خیر مسئول یا اوسع من اعطی یا خیر مرتجی
ارزقنی و اوسع علی من رزقک و سبب لی رزقا واسعا من فضلک
انک علی کل شیء قدیر ایضا برای دفع دشمن بگوید یا علی یا عظیم یا رحمن
یا رحیم اسئلک من خیر الدنیا و من خیر اهلها و اعوذ بک من شر الدنیا
و من شر اهلها اللهم امرض فلان ابن فلان و ابتر عمره و عجل پس هرگاه
فارغ شد از رکعت هشتم و سلام را گوید یا الله ده مرتبه پس بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی و ثبتنی علی دینک و دین نبیک و لا تزغ
قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب و نیز
بگوید اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم الخالق الرازق المحیی الممیت
المبدئ البدیع لک الکرم و لک الجود و لک المن و لک الامر وحدک
لا شریک لک یا خالق یا رازق یا محیی یا ممیت یا بدیع یا رفیع اسألک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان ترحم ذلی بین یدیک و تضرعی الیک و
وحشتی من الناس و انسی بک پس بگوید آنچه را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بعد از رکعت هشتم میخواندند اللهم انی اسئلک بحرمة من عاذ بک
و لجأ الی عزک و استظل بفیئک و اعتصم بحبلک و لم یثق الا بک یا جزیل
العطایا یا مطلق الاساری یا من سمی نفسه من جوده وهابا ادعوک
راغبا و راهبا و خائفا و طامعا و ملحا و ملحفا و متضرعا و متملقا و قائما
و قاعدا و راکعا و ساجدا و راکبا و ماشیا و ذاهبا و جائیا و فی کل حالاتی اسئلک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا پس تسبیح حضرت
زهرا را بگوید و دو سجده شکر کند و در بین سجدتین و بعد از آن آنچه تیسر گردد
بخواند بدانکه علمای ما رضوان الله علیهم اتفاق کرده اند که قنوت هم چنانکه
در همه نمازهای واجبی سنت است بعد از هر دو رکعت از نمازهای سنتی هم
سنت است سوای رکعت دوم از شفع که قنوت در آن نیست بلکه در رکعت
وتر است و مجربست در قنوت بگوید اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا
و اعف عنا فی الدنیا و الآخرة انک علی کل شیء قدیر و نیز روایت شده

که سه مرتبه سبحان الله بگوید کافیست و مستحب است بلند خواندن قنوت
هرچند در نوافل روز باشد و سزاوار است طول دادن خصوصاً در نماز
شب زیرا که وقت در آن وسیع است و جایز است خواندن قنوت را
در نمازهای سنتی از روی کتاب و مانند کتاب و منع مخصوص نمازهای
واجبست که از حفظ باید خواند و بعضی از قنوتات در قنوت نماز صبح مذکور
گردید و بعضی دیگر در این موضع ذکر میشود از حضرت امام علیه السلام مرویست
که در قنوت وتر این دعا خواند و این ادعیه وسایل است اللهم ان الرجاء
لسعة رحمتک انطقنی باستقالتک و الامل لاناتک و رفقک
شجعنی علی طلب امانک و عفوک و لی یا رب ذنوب قد واجهتها
اوجه الانتقام و خطایا قد لاحظتها اعین الاصطلام و استوجبت بها
علی عدلک الیم العذاب و استحققت باجتراحها مبیر العقاب و خفت
تعویقها لاجابتی و ردها ایای عن قضاء حاجتی بابطالها لطلبتی
و قطعها لاسباب رغبتی من اجل ما انقض ظهری من ثقلها و بهظنی
من الاستقلال بحملها ثم تراجعت یا رب الی حلمک عن الخاطئین
و عفوک عن المذنبین و رحمتک للعاصین فاقبلت بثقتی متوکلا
علیک طارحا نفسی بین یدیک شاکیا بثی الیک سائلا ما لا استوجبه
من تفریج الهم و لا استحقه من تنفیس الغم مستقیلا ایاک واثقا
مولای بک اللهم فامنن علی بالفرج و تطول علی بسهولة المخرج و ادللنی
برأفتک علی سمت المنهج و ازلقنی بقدرتک عن الطریق الاعوج و خلصنی
من سجن الکرب باقالتک و اطلق اسری برحمتک و طل علی برضوانک
وجد علی باحسانک و اقلنی عثرتی و لا تحجب دعوتی و اشدد بالاقالة
ازری و قو بها ظهری و اصلح بها امری و اطل بها عمری و ارحمنی یوم حشری
و وقت نشری انک جواد کریم رؤف رحیم و بعد از فراغ از هشت رکعت
نافله شب شروع در دو رکعت شفع و یک رکعت وتر نماید و افضل اوقات آنها
میانه صبح کاذب و صادق است در هر یک از دو رکعت نماز شفع بعد از حمد سوره

سوره قل هو الله احد بخواند و روایت کرده اند که اگر در رکعت اول بعد از حمد سوره
قل اعوذ برب الفلق و در رکعت دویم قل اعوذ برب الناس بخواند مجربست و در
نماز شفع تکبیرات افتتاحیه و ادعیه ثلاثه و قنوت در رکعت علما بنظر نرسیده
و چون سلام دهد این دعا بخواند الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون و قصدک
فیه القاصدون و امل فضلک و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل
نفحات و جوائز و عطایا و مواهب تمن بها علی من تشاء من عبادک و
تمنعها من لم تسبق له العنایة منک و ها انا ذا عبدک الفقیر الیک
المؤمل فضلک و معروفک فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة
علی احد من خلقک و عدت علیه بعائدة من عطفک فصل علی محمد
و آله الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین وجد علی بطولک و معروفک
یا رب العالمین و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و آله الطاهرین الذین
اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا ان الله حمید مجید اللهم
انی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد بعد
از آن شروع در رکعت وتر نماید و آن یک رکعت است و در وی افتتاح کند بتکبیرات
سبعه و ادعیه ثلاثه چنانچه گذشت و بعد از حمد سه بار قل هو الله احد و یک بار
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند چه روایت است که هر کس در وتر
این سورها بخواند بشارت دهند او را که ای بنده خدای تعالی وترت قبول
کرد و چون قل هو الله را سه بار بخواند مثل آنست که قرآن را خوانده باشد پس بجهت
قنوت دست بردارد و این دعا که در رقیه بسند صحیح از احدهما که امام محمد باقر
و امام جعفر صادق علیهما السلام باشد روایت کرده بخواند لا اله الا الله الحلیم
الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب
الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم اللهم انت الله
نور السموات و الارض و انت الله زین السموات و الارض و انت الله جمال
السموات و الارض و انت الله عماد السموات و الارض و انت الله قوام السموات
و الارض و انت الله صریخ المستصرخین و انت الله غیاث المستغیثین و انت

المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين وانت الله مجيب
دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله
كاشف السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا
حلمك ولا ينجي من عقابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك
فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة
التي بها احييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني
غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة في دعائي واذقني
العافية الى منتهى اجلي واقلني عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه
من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي
يرفعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بيني وبينك ويتعرض لك في شيء
من امري وقد علمت ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وانما يعجل
من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك
يا الهي علوا كبيرا فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني و
نفسني واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة
حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني واستجير بك من النار فاجرني واسئلك
الجنة فلا تحرمني وسنت است طول دادن در قنوت پس اضافه کن با نچه پیش
در هشت رکعت نافله ذکر کردیم انچه را در امالی از حضرت امام زین العابدین ع
روایت کرده وان اینست سیدی سیدی هذه یدای مددتهما الیک بالذنوب
مملوة وعيناي بالرجاء ممدودة وحق لمن دعاك بالندم تذللا ان تجيبه
بالكرم تفضلا سيدي امن اهل الشقاء خلقتني فاطيل بكائي ام من اهل
السعادة خلقتني فابشر رجائي سيدي الضرب المقامع خلقت اعضائي ام
لشرب الحميم خلقت امعائي سيدي لو ان عبدا استطاع الهرب من مولاه
لكنت اول الهاربين منك لكني اعلم اني لا افوتك سيدي لو ان عذابي مما يزيد
في ملكك لسالتك الصبر عليه غير اني اعلم انه لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين
ولا ينقص منه معصية العاصين سيدي ما انا وما خطري هب لي بفضلك

[معصية]

بفضلك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك الهي وسيدي ارحمني
مصروعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وارحمني مطروحا على المغتسل
يغسلني صالح جيرتي وارحمني محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي
وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي واگر در شب جمعه باشد
مستحب است که زیاده کرده شود در ادعیه و قنوت وتر این دعا که در مصباح است
اللهم هذا مكان البائس الفقير هذا مكان المستغيث المستجير هذا مكان
الوجل المشفق هذا مكان من يقر بخطيئته ويعترف بذنوبه ويتوب الى ربه
اللهم قد ترى مكاني ولا يخفى عليك شيء من امري يا ذا الجلال والاكرام
اسئلك بانك تلي التدبير وتمضي المقادير سؤال من اساء واقترف واستكان
واعترف ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ما مضى وعلمك من ذنوبي
وشهدت به حفظتك وحفظته ملائكتك ولم يغب عنه علمك قد
احسنت فيه البلاء فلك الحمد ان تجاوز عن سيئاتي في اصحاب الجنة وعد
الصدق الذي كانوا يوعدون اللهم صل على محمد وال محمد ائمة المؤمنين
اللهم اني اسئلك سؤال من اشتدت فاقته وضعفت قوته سؤال
من لا يجد لفاقته مسدا ولا لضعفه مقويا غيرك يا ذا الجلال والاكرام
اللهم اصلح باليقين قلبي واقصر على الصدق لساني واقطع من
الدنيا حوائجي شوقا الى لقائك في صدق المتوكلين عليك واسئلك خير
كتاب سبق واعوذ بك من شر حل تناولك واستجير بك ان اقول
لك مكروها استحق به عقوبة الاخرة واسئلك علم الخائفين كرامة المحسنين
ويقين المتوكلين وتوكل المؤمنين بك وخوف العالمين واخبات المنيبين
وشكر الصابرين وصبر الشاكرين واللحاق بالاحياء المرزوقين امين امين
يا اول الاولين ويا اخر الاخرين يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم صل على محمد واله
واغفر لي الذنوب التي توجب النقم واغفر لي الذنوب التي تورث الندم
واغفر لي الذنب التي تحبس القسم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم
واغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء

واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء
واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء
و از جمله دعاهای مختصری که در وسعت و تنگی وقت در وتر و غیر وتر می‌توان خواند
در قنوت این است اللهم ان كثرت الذنوب تكف ايدينا عن انبساطها
اليك بالسؤال والمداومة على المعاصي تمنعنا من التضرع والابتهال و
الرجاء يحثنا على سؤالك يا ذا الجلال فان لم تعطف السيد على عبده فمن
يتفضل بالنوال فلا ترد اكفنا المتضرعة اليك الا ببلوغ الآمال وصلى الله
على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين و هرگاه وقت تنگ باشد
و نتواند طول دهد قنوت را اقتصار کند بر آنچه خواهد چنانچه پیش گفتیم بعد از آن
دعا کند از برای چهل نفر یا بیشتر از برادران دینی مؤمن خود و بگوید اللهم اغفر
لفلان و فلان و هر یک را اسم ببرد و هرگاه فارسی بگوید که خداوندا بیامرز فلان و
فلان را و اسم ببرد هم خوبست پس هفتاد مرتبه استغفار کند باین نحو که بگوید استغفر الله
ربي واتوب اليه که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که قنوت
در وتر استغفار است و در فریضه دعا و هر که در این مواظبت نماید او را از جمله
مستغفرین بالاسحار نویسند و واجب شود بر خدای تعالی مغفرت او و باید استغفار را
بدست راست بشمارد و دست چپ را بلند کند که مانند کرده از برای قنوت نگاه دارد
و اگر این استغفار را صد مرتبه بگوید بهتر است بعد از آن هفت مرتبه بگوید استغفر الله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم لجميع ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي واتوب
اليه بعد از آن بگوید رب اسأت وظلمت نفسي وبئس ما صنعت وهذه
يداي يا رب جزاء بما كسبت وهذه رقبتي خاضعة لما اتيت وها انا ذا
بين يديك فخذ لنفسك من نفسي الرضا حتى ترضى لك العتبى لا اعود بعد
از آن بگوید العفو العفو سیصد مرتبه و بعد بگوید رب اغفر لي وارحمني وتب علي
انك انت التواب الرحيم پس برکوع رود بعد از سر برداشتن از رکوع بگوید هذا
مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم وشكره قليل
الهي طموح الآمال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم قد تقطعت الا عليك

عائبك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فانت الرجاء واليك المرتجى
يا اكرم مقصود ويا اجود مسؤول هربت اليك بنفسي يا ملجأ الهاربين
باثقال الذنوب التي احملها على ظهري وما اجد اليك شافعا سوى معرفتي
بانك اقرب من رجاه الطالبون ولجأ اليه المضطرون وامل لديه الراغبون
يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما امتن به على
عباده كفاء لتادية حقه صل على محمد وآله ولا تجعل للهموم على عقلي
سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين و بعد از آن
بسجده رود و بعد تشهد بخواند و سلام دهد و بعد از سلام تسبیح حضرت
زهرا علیها السلام بگرداند و این دعا بخواند که معروفست بدعای حزین اناجيك
يا موجود في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي
مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكر وايها انسى ولو لم يكن الا الموت
لكفى كيف وما بعد الموت اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى والى
متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه
ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا
قد تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي ان كنت رحمت
مثلي فارحمني وان كنت قبلت يا قابل السحرة اقبلني يا من لم ازل اتعرف منه
الحسنى يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا شاخصا
اليك بصري مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وابي وامي ومن كان
له كدي وسعيي فان لم ترحمني فمن يرحمني في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا
خلوت بعملي وسألتني عما انت اعلم به مني فان قلت لم افعل قلت الم اكن
الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل سرابيل القطران عفوك
عفوك يا مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين وخير
الغافرين و اگر شب اول رجب باشد بعد از نماز وتر این دعا بخواند که در زاد المعاد
بسند معتبر منقولست که مستحب است بعد از سلام گفتن از نماز وتر جالساً
این دعا بخواند الحمد لله الذي لا تنفد خزائنه ولا يخاف آمنه ربنا تباركت

مثلي اقبلني -

المعاصی فذلک ثقة بکرمک وانت تقبل التوبة عن عبادک وتعفو عن
سیئاتهم وتغفر الزلل فانک مجیب لداعیک ومنه قریب فانا تائب الیک
من الخطایا وراغب الیک فی توفیر حظی من العطایا یا خالق البرایا یا منقذی
من شدید یا مجیری من کل محذور وفرحنی السرور وکفنی شر عواقب الامور
فانت الله علی نعمائک وجزیل عطائک مشکور ولکل خیر مذخور و بعد از آن
سجده کند و گوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وارحم ذلی بین یدیک وتضرعی
الیک ووحشتی من الناس وانسی بک یا کریم یا کائنا قبل کل شیء ویا مکون
کل شیء یا کائنا بعد کل شیء لا تفضحنی فانک بی عالم ولا تعذبنی فانک علی
قادر اللهم انی اعوذ بک من کرب الموت ومن سوء المرجع فی القبور
ومن الندامة یوم القیمة اسئلک عیشة هنیئة ومیتة سویة ومنقلبا
کریما غیر مخز ولا فاضح اللهم مغفرتک اوسع من ذنوبی ورحمتک ارجی
عندی من عملی فصل علی محمد وآله واغفر لی یا حیا لا یموت پس دو سجده
شکر کند و در سجده اول گوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح پنج مرتبه و
بنشیند و آیة الکرسی بخواند و سجده دویم کند و گوید پنج بار آنچه در اول گفت یعنی سبوح
تا آخر که بموجب روایات ازینجا برنخیزد از جای خود مگر آمرزیده و بنویسد از برای او
ثواب مقعد تا روز قیامت و عطا کند او را ثواب صد حج و عمره و بعدد سورهای قرآن
از برای او شهری در بهشت بنا کند و برانگیزاند خدای تعالی هزار فرشته که از رحمت
او ثواب بنویسند تا روزی که بمیرد و چنان باشد که صد بار طواف خانه خدا کرده
باشد و صد بنده آزاد کرده باشد و دعای او مستجاب گرداند و حاجت دنیا و آخرت
برآورد و بعد از فراغ از مفرده وتر شروع کند در نافله فجر فصل پنجم در بیان نافله صبح
و آنچه پیش از نماز باید بجا آورد و این نافله افضل نوافل راتبه است و فضیلت بسیار
دارد چنانچه از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود دو رکعت نماز نافله فجر بهتر است از دنیا
و آنچه در دنیاست و وقت آن بعد از نافله شفع و وتر است اگرچه قبل از طلوع فجر
اول است و جماعتی از علما گفته اند افضل اوقاتش میانه فجر اول و فجر ثانی است
در هر تقدیر میکشد تا برآمدن سرخی از جانب مشرق و چون سرخی برآمده باشد

باشد اول فریضه کند و بعد از آن را قضا کند و مرویست که در این نافله در رکعت اول
بعد از حمد قل یا ایها الکافرون بخواند و در رکعت دویم بعد از حمد قل هو الله احد
و بعد از سلام ضجعه نماید باینطریق که بخوابد بر پهلوی راست رو بقبله مثل میتی
که در لحد گذارند و بگذارد گونه راست خود را بر روی دست راست خود و این دعا بخواند
که فواید و آثارش زیاده از حد شمار است استمسکت بعروة الوثقی التی لا انفصام
لها واعتصمت بحبل الله المتین واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم واعوذ
بالله من شر فسقة الجن والانس ربی الله ربی الله نبی الله امنت بالله توکلت
علی الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ
امره قد جعل الله لکل شیء قدرا حسبی الله ونعم الوکیل اللهم من اصبح
وله حاجة الی مخلوق فان حاجتی ورغبتی الیک وحدک لا شریک لک الحمد
لله رب الصباح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله جاعل
اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم اللهم صل
علی محمد وآل محمد واجعل فی قلبی نورا وفی بصری نورا وعلی لسانی نورا ومن
بین یدی نورا ومن خلفی نورا وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی نورا ومن تحتی
نورا واعظم لی النور واجعل لی نورا امشی به فی الناس ولا تحرمنی
نورک یوم القیمة پس آیة الکرسی که موجب رزق و رفع وساوس شیطان است
بخواند و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس نیز بخواند که شر هر صاحب
شری را دفع شود و هیچ گونه چشم زخم بوی کارگر نشود و همیشه ایمن بود و پنج آیه
از آخر آل عمران که ان فی خلق السموات والارض است تا لا تخلف المیعاد تلاوت
کند که موجب ثبات ایمان و طهارت قلب و ایمنی از خزی دنیا و آخرت است
پس راست بنشیند و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگرداند و صد بار صلوات
فرستد بر محمد وآل محمد که روایت شده که در میان نماز نافله صبح و فریضه صد بار
صلوات فرستد خدای تعالی رو او را از آتش دوزخ نگاه دارد و صد بار سبحان
ربی العظیم وبحمده استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید و بیست و یک بار قل هو الله
بخواند که خدای تعالی بعدد هر کدام خانه در بهشت از برای او بنا فرماید و اگر چهل و یک بار

بخواند خدای تعالی ورا بیامرزد و بگوید اللهم افتح باب الامر الذی فیه الیسر
والعافیة اللهم هیئ لی سبیله وبصرنی مخرجه اللهم وان کنت قضیت
لاحد من خلقک علی مقدرة بسوء فخذه عنی من بین یدیه ومن خلفه وعن
یمینه وعن شماله ومن تحت قدمیه ومن فوق راسه واکفنیه بم شئت من حیث
شئت کیف شئت وصد بار یا هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم چنانچه بیشتر در تعقیب نماز مغرب گذشت پس بخواند این
دعا را که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در هر سحر عقب دو رکعت فجر میخواند اللهم
انی استغفرک لکل ذنب جری به علمک فی وعلی الی اخر عمری بجمیع ذنوبی
لاولها واخرها وعمدها وخطاها وقلیلها وکثیرها ودقیقها وجلیلها و
قدیمها وحدیثها وسرها وعلانیتها وجمیع ما انا مذنبه واتوب الیک واسالک
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تغفر لی جمیع ما احصیت من مظالم العباد
قبلی فان لعبادک علی حقوقا وانا مرتهن بها تغفرها لی کیف شئت وانی
شئت یا ارحم الراحمین بعد از آن دو سجده شکر کند و بگوید در اینها آنچه بخاطرش
رسد و مستحب است دعا کند در آن دو سجده از برای برادران مؤمن خود و بگوید اللهم
رب الفجر واللیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر ورب کل شیء واله کل شیء و
خالق کل شیء وملیک کل شیء صل علی محمد واله وافعل بی وبفلان وفلان
ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة و در
ذکری نقل کرده که معاویة بن وهب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده
که اگر کسی را نماز شب فوت شود پیش از صبح آگاه شده برخیزد و دو رکعت نماز شفع
و یک رکعت نماز وتر و نافله صبح بکند از برای آنکس نماز شب نویسند و از رسول خدا
مرویست که فرمود آنکس که قادر بر قیام لیل نباشد باید بعد از نماز عشا دو رکعت نماز
بکند در هر رکعت فاتحه یکبار و قل یا ایها الکافرون یکبار و قل هو الله سه بار بخواند و بعد
از انکه سلام دهد دوازده بار بگوید استغفر الله که عوض قیام لیل می شود و بنویسد
خدای تعالی از برای او ثواب چهار صد هزار شهید و بنویسد از برای او بهر رکعتی چهار صد
نماز و بنا کند از برای او بهر ایتی که خواند چهار صد شهر در بهشت و بعدد هر حرفی بنویسد

بنویسد عبادت صد هزار ساله که روزها روزه داشته و شبها قائم بوده باشد و
حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعد از فراغ از سیزده رکعت نماز شب که عبارت
از هشت رکعت نافله شب و دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و دو رکعت نافله صبح باشد
این دعا میخواندند و این از جمله دعاهای صحیفه کامله است اللهم یا ذا الملک المتابد
بالخلود والسلطان الممتنع بغیر جنود ولا اعوان والعز الباقی علی مر الدهور
وخوالی الاعوام ومواضی الازمان والایام عز سلطانک عزا لا حد له باولیة
ولا منتهی له باخریة واستعلی ملکک علوا سقطت الاشیاء دون بلوغ امده
ولا یبلغ ادنی ما استاثرت به من ذلک اقصی نعت الناعتین ضلت فیک
الصفات وتفسخت دونک النعوت وحارت فی کبریائک لطائف الاوهام
کذلک انت الله الاول فی اولیتک وعلی ذلک انت دائم لا تزول وانا العبد
الضعیف عملا الجسیم املا خرجت من یدی اسباب الوصلات الا ما وصله
رحمتک وتقطعت عنی عصم الامال الا ما انا معتصم به من عفوک قل عندی
ما اعتد به من طاعتک وکثر علی ما ابوء به من معصیتک ولن یضیق
علیک عفو عن عبدک وان اساء فاعف عنی اللهم وقد اشرف علی خفایا
الاعمال علمک وانکشف کل مستور دون خبرک ولا تنطوی عنک دقائق الامور
ولا تعزب عنک غیبات السرائر وقد استحوذ علی عدوک الذی استنظرک
لغوایتی فانظرته واستمهلک الی یوم الدین لاضلالی فامهلته فاوقعنی
وقد هربت الیک من صغائر ذنوب موبقة وکبائر اعمال مردیة حتی اذا
قارفت معصیتک واستوجبت بسوء سعیی سخطتک فتل عنی عذار غدره و
تلقانی بکلمة کفره وتولی البراءة منی وادبر مولیا عنی فاصحرنی لغضبک
فریدا واخرجنی الی فناء نقمتک طریدا لا شفیع یشفع لی الیک ولا خفیر
یؤمننی علیک ولا حصن یحجبنی عنک ولا ملاذ الجا الیه منک فهذا مقام
العائذ بک ومحل المعترف لک فلا یضیقن عنی فضلک ولا یقصرن دونی
عفوک ولا اکن اخیب عبادک التائبین ولا اقنط وفود الاملین
واغفر لی انک خیر الغافرین اللهم انک امرتنی فترکت ونهیتنی فرکبت

وسوّل لي الخطا خاطر السوء ففرّطت ولا استشهد على صيامي نهاراً ولا
استجير بتهجدي ليلاً ولا تثني عليّ باحيائها سنة حاشى فروضك التي
من ضيّعها هلك ولست اتوسّل اليك بفضل نافلة مع كثير ما اغفلت
من وظائف فروضك وتعدّيت عن مقامات حدودك الى حرمات انتهكتها
وكبائر ذنوب اجترحتها كانت عافيتك لي من فضائحها ستراً وهذا مقام
من استحيا لنفسه منك وسخط عليها ورضي عنك فتلقّاك بنفس خاشعة
ورقبة خاضعة وظهر مثقل من الخطايا واقفاً بين الرغبة اليك والرهبة
منك وانت اولى من رجاه واحق من خشيه واتقاه فاعطني يا ربّ ما رجوت
وامنّي ما حذرت وعد عليّ بعائدة رحمتك انك اكرم المسؤلين اللهمّ
واذ سترتني بعفوك وتغمّدتني بفضلك في دار الفناء بحضرة الاكفاء فاجرني
من فضيحات دار البقاء عند مواقف الاشهاد من الملائكة المقرّبين والرسل
المكرّمين والشهداء والصالحين من جارٍ كنت اكاتمه سيّئاتي ومن ذي رحم
كنت احتشم منه في سريراتي لم اثق بهم ربّ في الستر عليّ ووثقت بك ربّ
في المغفرة لي وانت اولى من وثق به واعطى من رغب اليه وارأف
من استرحم فارحمني اللهمّ وانت حدرتني ماءً مهيناً من صلب متضايق
العظام حرج المسالك الى رحم ضيّقة سترتها بالحجب تصرّفني حالاً عن حالٍ
حتى انتهيت بي الى تمام الصورة واثبتّ فيّ الجوارح كما نعتّ في كتابك
نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظماً ثم كسوت العظام لحماً ثم انشاتني خلقاً آخر
كما شئت حتى اذا احتجت الى رزقك ولم استغن عن غياث فضلك جعلت لي
قوتاً من فضل طعام وشراب اجريته لامتك التي اسكنتني جوفها واودعتني
قرار رحمها ولو تكلني يا ربّ في بعض الحالات الى حولي او تضطرّني الى
قوّتي لكان الحول عنّي معتزلاً ولكانت القوّة منّي بعيدة فغذوتني بفضلك
غذاء البرّ اللطيف تفعل ذلك بي تطوّلاً عليّ الى غايتي هذه لا اعدم برّك
ولا يبطئ بي حسن صنيعك ولا تتاكّد مع ذلك ثقتي فاتفرّغ لما هو احظى
لي عندك قد ملك الشيطان عناني في سوء الظنّ وضعف اليقين فانا اشكوا

اشكوا سوء مجاورته لي وطاعة نفسي له واستعصمك من ملكته واتضرّع
اليك في ان تسهّل لي الى رزقي سبيلاً فلك الحمد على ابتدائك بالنعم
الجسام والهامك الشكر على الاحسان والانعام فصلّ على محمد و
آله وسهّل عليّ رزقي وان تقنعني بتقديرك لي وان ترضيني بحصّتي
فيما قسمت لي وان تجعل ما ذهب من جسمي وعمري في سبيل طاعتك
انك خير الرازقين اللهمّ اني اعوذ بك من نار تغلّظت بها على من
عصاك وتوعّدت بها من صدف عن رضاك ومن نار نورها ظلمة
وهيّنها اليم وبعيدها قريب ومن نار ياكل بعضها بعض ويصول
بعضها على بعض ومن نار تذر العظام رميماً وتسقي اهلها حميماً ومن نار
لا تبقي على من تضرّع اليها ولا ترحم من استعطفها ولا تقدر على التخفيف
عمّن خشع لها واستسلم اليها تلقى سكّانها باحرّ ما لديها من اليم
النكال وشديد الوبال واعوذ بك من عقاربها الفاغرة افواهها
وحيّاتها الصالقة بانيابها وشرابها الذي يقطّع امعاء وافئدة سكّانها
وينزع قلوبهم واستهديك لما باعد منها واخّر عنها اللهمّ صلّ على محمد
وآله واجرني منها بفضل رحمتك واقلني عثراتي بحسن اقالتك ولا
تخذلني يا خير المجيرين انك تقي الكريهة وتعطي الحسنة وتفعل ما
تريد وانت على كل شيء قدير اللهمّ صلّ على محمد وآله اذا ذكر الابرار
وصلّ على محمد وآله ما اختلف الليل والنهار صلوة لا ينقطع مددها
ولا يحصى عددها صلوة تشحن الهواء وتملأ الارض والسماء صلّى الله
عليه وآله حتى يرضى وصلّى الله عليه وآله بعد الرضا صلوة لا حدّ لها
ولا منتهى يا ارحم الراحمين مقصد دوم در اعمال ايام هفته است ودران
نه فصل است فصل اول در اعمال شب وروز جمعه است اما شب ان افضل
از شبهاي تمام هفته واطيب شبهاي شريف است ميامن وبركاتش بسيار وفضايل
وحسناتش بيشمار وبموجب روايات واخبار حسنات بيفزايند وسيئات محو
سازند ودعاها اجابت نمايند ودرجات بلند كردانند وحاجات روا كنند

مقصد دوم

و اسیران دوزخ رهائی دهند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که حق تعالی فرشته را در هر شب جمعه امر میفرماید که ندا میکند از اول شب تا آخر شب از بالای عرش و میگوید بحضرت قاضی الحاجات میفرماید که کجاست بندهٔ مومنی که بخواند از برای دین و دنیای خود پیش از طلوع تا من اجابت کنم او را کجاست بندهٔ مومنی که توبه کند از گناهان خود قبل از طلوع فجر تا من توبه او را قبول کنم کجاست بندهٔ مومنی که روزی بروی تنگ باشد و طلب وسعت کند تا من رزق او را گشاده کردانم کجاست بندهٔ مومنی که محبوس و مغموم باشد و از ان رهائی خواهد تا من او را خلاص کردانم کجاست بندهٔ مریض و ناخوش که سوال کند از من پیش از طلوع فجر شفای خود که تا شفا دهم او را کجاست بندهٔ مومن مظلومی که سوال کند مرا پیش از طلوع فجر از ظالم تا یاری کنم او را و داد او بگیرم و پیوسته ان فرشته این ندا میکند تا طلوع صبح پس بندهٔ مومن باید در این شب غافل نشود و بعمل صالح مشغول باشد و از معاصی اجتناب نماید و تمامی شب را بعبادت و مناجات حضرت عزت زنده دارد و اگر تمام را بجهت استطاعت ندارد اکتفا نماید و سنت است در این شب در رکعت اول نماز شام و خفتن سورهٔ جمعه خواندن و در رکعت دوم از نماز سورهٔ سبح اسم ربک الاعلی و اعمال ان بر چهار نوع است نوع اول نمازهاست مستحب است در این شب نمازها بکه در احادیث و اخبار وارد شده کردن از انجمله در مصباح شیخ طاب ثراه از حضرت پیغمبر روایت کرده که هرکه در شب جمعه ما بین شام و خفتن دوازده رکعت نماز بکند و بخواند در هر رکعت حمد و قل هو الله احد را چهل مرتبه ملاقات کند ملائکه را و کفایت میکنم او را در حساب و میزان ایضا از ان حضرت مرویست که هرکه در شب جمعه دو رکعت نماز بکذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه چهار مرتبه قل هو الله بگوید و در اخر نماز این کلمات بگوید اللهم صل علی محمد النبی العربی بیامرزد خدای تعالی گناهان متقدم و متاخر او را و چنان باشد که قران را دوازده مرتبه ختم کرده باشد و بردارد از او گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و فرج دهد او را از هر غم و خوفی و نگاه دارد او را از شر سلطان و جور او و در ان سال ننویسد خطیئه او را و سبک کرداند بر او سکرات موت را و اگر بمیرد در این شب یا در این روز شهید مرده باشد و عذاب قبر را از ان بردارد و نخواهد اجل

و نخواهد از خدا چیزی مگر اینکه عطا کند او را و مستجاب سازد دعای او را و قبول کند نماز و روزهٔ او را ایضا از حضرت امیر المومنین علیه السلام مرویست که گفت رسول خدا فرمود هرکه در شب جمعه چهار رکعت نماز بکذارد بیک سلام در هر رکعت فاتحه یکبار و سورهٔ جمعه یکبار و هر یک از معوذتین و اخلاص ده بار و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون هر یک یکبار و در هر رکعت هفتاد بار استغفار خواهد از خدای تعالی و هفتاد بار صلوات فرستد بر محمد و آل او و هفتاد بار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بیامرزد حضرت حق تعالی گناهان متقدم و متاخر او را و بر آورد خدای تعالی هفتاد حاجت او را از حوایج دنیا و هفتاد حاجت او را از حاجتهای آخرت و بنویسد خدای تعالی از برای او هزار حسنه و محو کند از او هزار سیئه و بدهد جمیع اینها خواهد و بیامرزد او را اگرچه عاق والدین باشد ایضا در مکارم الاخلاق نقل شده که هرکه را غمی واقع شود باید در شب جمعه غسل کند و جامهٔ پاک بپوشد و چهار رکعت نماز بکذارد و در رکعت اول الحمد یکبار و افوض امری الی الله صد بار و در رکعت دوم الحمد یکبار و لا اله الا الله تعمیر الامور صد بار و در رکعت سوم الحمد یکبار و نصر من الله و فتح قریب صد بار و در رکعت چهارم الحمد یکبار و انا فتحنا لک فتحا مبینا صد بار بگوید و بعد از نماز صد بار بگوید غفرانک ربنا و الیک المصیر پس سجده کند و صد بار بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه هنوز سر از سجده بر نداشته باشد که خدای تعالی حاجت او را بر اورد از تجربیات است بجهت مطلب که باشد بکار آید و قدرت خدا هر بیند ایضا نماز دیگر در مکارم الاخلاق از حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام مرویست که گفت هر کسی که او را حاجتی باشد بخدای تعالی باید که غسل کند در شب بعد از نصف شب و بیاید بجای نماز خود و دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول الحمد بخواند و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین برسد صد بار تکرار کند پس رکوع کند و در رکعت دوم فاتحه تمام کند و سورهٔ اخلاص یکبار بخواند پس رکوع کند و بسجده بجا اورد و در انها هفت تسبیح کند و رکعت دوم را نیز باین کیفیت بجا اورد و بعد از ان ایند غا بخواند انشا الله خدای تعالی حاجت او را بر اورد هر چه باشد مگر قطع

رحم و دعا اینست اللهم ان اطعتک فالمحمدة لک وان عصیتک فالحجة لک منک
الروح ومنک الفرج سبحان من انعم وشکر سبحان من قدر وغفر الهی ان کنت
قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک وهو الایمان بک لم اتخذ
لک ولدا ولم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا به علیک وقد عصیتک
یا الهی علی غیر وجه المکابرة ولا الخروج عن عبودیتک ولا الجحود لربوبیتک ولکن
اطعت هوای وازلنی الشیطان فلک الحجة علی والبیان فان تعذبنی فبذنوبی
غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی فانک جواد کریم یا کریم یا کریم تا بگوید تا انکه
یک نفس منقطع شود بعد از ان بگوید یا امنا من کل شیء وکل شیء منک خائف حذر
اسئلک بامنک من کل شیء وخوف کل شیء منک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تعطینی امانا لنفسی واهلی وولدی وسائر ما انعمت به علی حتی لا اخاف احدا ولا
احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر وحسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی
ابراهیم نمرود یا کافی موسی فرعون اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکفینی
شر فلان بن فلان یعنی نام ظالم و پدر او بگوید بعد از ان سجده کند و طلب نماید حاجت
خود را از خدای تعالی و تضرع و زاری کند بدرستی که روایت است که هر مومن و مومنه
که این نماز را بگذارد و این دعا را بخواند از روی اخلاص گشاده میشود درهای آسمان
اجابت دعای او و دعای او مستجاب میشود و در همان وقت یا در شب [illegible] هرچه باشد
این اجابت دعا از فضل خدا خواهد بود بر ما که اهل یتیم بر مردمان و نیز مستحب است
در این شب صلوات بسیار فرستادن بر پیغمبر و آل او و ان تا صد مرتبه است و هرچه زیاده
تر باشد فضیلتش زیاده است و اگر این صلوات را بفرستد بهتر است اللهم صل علی محمد
وآل محمد وعجل فرجهم واهلک عدوهم من الجن والانس من الاولین والآخرین از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام روایت و در کتاب نهایة الاحکام مذکور است که در شب جمعه
فرشتها بعدد ذرها نازل می شوند و در دستهای ایشان قلمها از طلا و صحیفها از نقره است
که غیر از ثواب صلوات بر پیغمبر و آل او چیز دیگر نمی نویسند تا شب جمعه دیگر و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام روایت است که صلوات بر محمد و آل او در شب جمعه هزار حسنه
و محو کند هزار سیئه و برابر هزار درجه است و ملائکه آسمانها طلب آمرزش گناه او می کنند

می کنند تا قیام ساعت نوع دوم سورهاست مستحب است سورهای قرانی خواندن مانند
بنی اسرائیل و کهف و لقمن و شعرا و قصص و الم سجده و ص والقران و حم سجده و دخان
و اذا وقعت و انا انزلناه و از حضرت ابی جعفر مرویست که هرکه سوره بنی اسرائیل در شب
جمعه بخواند نمیرد تا انکه بخدمت صاحب الزمان عجل الله فرجه رسد و با او باشد و
هر انکس سوره کهف در این شب تلاوت نماید نمیرد مگر شهید و خدای تعالی او را
با شهدا برانگیزاند و کفاره گناهان هفته باشد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت شده که هرکه سوره لقمان در این شب بخواند خدای تعالی فرشتگان بسیار
بروی گمارد که نگاه دارند او را از شر ابلیس و لشکرش تا صباح و اگر در روز بخواند
تا شب نگاه دارند و مرویست که هرکه در شب جمعه سوره شعرا و نمل و قصص بخواند
خدای تعالی او را در دنیا محافظت نماید و در آخرت عطا کند با و از بهشت قدری
که بان راضی شود و هرکه الم سجده را در شب جمعه بخواند الله تعالی نامه اعمالش را
بدست راستش دهد و حساب نکند با او چیزهایی را که از او سرزده و از رفقای
پیغمبر و ائمه علیهم السلام شود و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هرکه در شب جمعه
سوره ص والقران بخواند از خیر دنیا و آخرت او را انقدر بدهند که هیچ کس را نداده
باشند مگر پیغمبر مرسل یا فرشته مقرب را و خدای تعالی او را و هرکس از اهل خود
که خواهد به بهشت برد و هرکه سوره حم سجده در این شب بخواند روز قیامت نامه
اعمال او را بدست راست او دهند و حساب نکند او را از حضرت پیغمبر مرویست که هرکس
سوره دخان در شب جمعه بخواند بامداد که برخیزد آمرزیده باشد و هفتاد هزار
فرشته از برای او طلب آمرزش کنند و نیز از آنحضرت مرویست که حضرت امیر المومنین
را وصیت فرمود که یا علی هرکه سوره دخان را شب جمعه بخواند خدای تعالی گناهان
گذشته او را عفو فرماید صاحب تفسیر [illegible] که هرکه این سوره را شب جمعه بخواند
گناهانی که از اول عمر تا آخر عمر کرده باشد آمرزیده گردد و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام مرویست که هرکه شب جمعه سوره اذا وقعت بخواند خدای تعالی او را
دوست دارد و دوست گرداند بخلقان و در دنیا سختی و در ولایتی نبیند و هیچ آفتی به او
نرسد و مرویست که هرکه شب جمعه سوره انا انزلناه بخواند بعدد هر چیزی که خدا

افزوده او را اجر دهند و ابن فهد رحمه الله در عده ذکر کرده که هر که در ثلث آخر شب
جمعه یازده بار سوره انا انزلناه بخواند هر چه از خدا خواهد حاجات کند صاحب
آورده که هر که سوره انا اعطیناک را در شب جمعه هزار بار بخواند و بعد از آن صلوات
بر پیغمبر فرستد و با اکل حلال و طهارت کامل بخواند حضرت پیغمبر را در خواب ببیند
و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود لازم است بر مؤمن که در شب جمعه
سوره جمعه و سبح اسم ربک بخواند نوع ششم هدیه اموات است مستحب است هدیه فرستادن
اموات مؤمنین خصوصا علما و صلحا و والدین و ذوی الارحام بصدقات و قربات
بتخصیص تلاوت قرآن و دعا و استغفار از حضرت پیغمبر مرویست که ارواح مؤمنین
در هر شب جمعه می آیند بر خانهای خود و ندا میکنند هر یک با آواز حزین گریه کنان
ای اهل و اولاد و خویشان با مهربانی کنید بما و رحم آورید بر غربتی و جای تنگ و
تاریک ما و بر غم و حسرت بسیار ما و بخیلی مکنید و یاد کنید ما را بصدقه و دعای
خیر شاید خدای تعالی بر ما رحمت کند و بر شما رحم آورد و منقولست که چون احیا
بصدقات و قربات یاد اموات کنند فرشتگان و بروایتی هفتاد هزار فرشته که
در دست هر کدام طبقی از نور باشد برابر قبر آن میت می آیند و می گویند سلام
بر تو ای اهل قبر بدرستی که اهل تو هدیه بجهت تو فرستاده قبول کن او را پس خدای تعالی
قبر او را از نور پر سازد و صاحب هدیه را برابر کوه احد ثواب کرامت میفرماید و
او را از عذاب قیامت نجات میبخشد و اجر صد قربان داده است بکی هفتاد هزار عروس بهشت
نوع چهارم ادعیه است مستحب است دعا خواندن در کتاب فردوس از حضرت پیغمبر
روایت کرده که هر که ده بار این دعا را در شب جمعه یا شب عید رمضان بخواند یا دائم الفضل
علی البریة یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب المواهب السنیة صل علی
محمد و آله خیر الوری سجیة و اغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیة بنویسد
خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه و محو سازد از او صد هزار سیئه و بلند
سازد از برای او صد هزار درجه و چون قیامت شود دوش بدوش حضرت ابرهیم علیه السلام
در بهشت رود و سنت است در شب و روز جمعه این دعا را هفت مرتبه بخواند اللهم
انت ربی لا اله الا انت خلقتنی و انا عبدک و ابن امتک فی قبضتک و

وقضيتك و ناصيتي بيدك امسيت علي عهدك و وعدك ما استطعت
اعوذ برضاك من شر ما صنعت ابوء بذنوبي فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر
الذنوب الا انت دیگر خواندن دعای محتجب است که در مهج الدعوات خواص
بسیار نقل شده از جمله آنها اینست که هر کس بخواند این دعا را جمیع شب و شبهای
جمعه هر آینه می آمرزد خدای تعالی هر گناهی که میان او و میان خداست و آن اینست
اللهم انی اسئلک یا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه یا من تسربل
بالجلال و العظمة و اشتهر بالتجبر فی قدسه یا من تعالی بالجلال و الکبریاء
فی تفرد مجده یا من انقادت الامور بازمتها طوعا لامره یا من قامت
السموات و الارضون مجیبات لدعوته یا من زین السماء بالنجوم الطالعة
و جعلها هادیة لخلقه یا من انار القمر المنیر فی سواد اللیل المظلم بلطفه
یا من انار الشمس المنیرة و جعلها معاشا لخلقه و جعلها مفرقة بین اللیل
و النهار بعظمته یا من استوجب الشکر بنشر سحائب نعمه اسئلک بمعاقد
العز من عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و بکل اسم هو لک انزلته فی
کتابک او اثبته فی قلوب الصادقین الحافین حول عرشک فتراجعت
القلوب فی الصدور عن البیان باخلاص الوحدانیة و تحقیق الفردانیة مقرة
لک بالعبودیة و انک انت الله انت الله انت الله لا اله الا انت و اسئلک
باسمائک التی تجلیت بها للکلیم علی الجبل العظیم فلما بدا شعاع نور الحجب من
بهاء العظمة خرت الجبال متدکدکة لعظمتک و جلالک و هیبتک
و خوفا من سطوتک و راهبة منک فلا اله الا انت و اسئلک بالاسم
الذی فتقت به رتق عظیم جفون عیون الناظرین الذی به تدبیر حکمتک
و شواهد حجج انبیائک یعرفونک بفطن القلوب و انت فی غوامض مسرات
سرائر الغیوب اسئلک بعزة ذلک الاسم ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تصرف عنی جمیع الآفات و العاهات و الاعراض و الامراض و الخطایا
و الذنوب و الشک و الشرک و الکفر و الشقاق و النفاق و الضلالة و الجهل
و المقت و الغضب و العسر و الضیق و فساد الضمیر و حلول النقمة و شماتة

الاعداء وغلبة الدين وقهر الرجال انك سميع الدعاء لطيف لما تشاء و
صل على محمد وآل محمد يا ارحم الراحمين ونيز روايت است كه اين دعا بخواند
اللهم اسئلك رحمة من عندك تهدي بها قلبي وتجمع بها امري وتلم بها
شعثي وتحفظ بها غائبي وتصلح بها شاهدي وتزكي بها عملي وتلهمني
بها رشدي وتعصمني بها من كل سوء اللهم اعطني ايمانا صادقا ويقينا
خالصا ورحمة انال بها شرف كرامتك في الدنيا والآخرة اللهم اني اسئلك
الفوز في القضاء ومنازل العلماء والسعداء والنصر على الاعداء اللهم اني
انزلت بك حاجتي وان ضعف عملي فقد افتقرت الى رحمتك فاسئلك
يا قاضي الامور ويا شافي الصدور كما تجير بين البحور ان تجيرني من عذاب
السعير ومن دعوة الثبور ومن فتنة القبور اللهم وما قصرت عنه
مسئلتي ولم تبلغه نيتي ولم تحط به مسئلتي من خير وعدته احدا من خلقك
فاني ارغب اليك فيه اللهم يا ذا الحبل الشديد والامر الرشيد اسئلك
الامن يوم الوعيد والجنة يوم الخلود مع المقربين الشهود والركع السجود
الموفين بالعهود انك تفعل ما تريد اللهم اجعلنا هادين مهتدين غير ضالين
ولا مضلين سلما لاوليائك وحربا لاعدائك نحب بحبك الناس من تعادي
بعداوتك من خالفك اللهم هذا الدعاء وعليك الاستجابة وهذا الجهد
وعليك التكلان اللهم اجعل لي نورا في قلبي ونورا في قبري ونورا بين
يدي ونورا خلفي ونورا فوقي ونورا في سمعي ونورا في بصري ونورا في شعري و
نورا في بشري ونورا في لحمي ونورا في دمي ونورا في عظامي اللهم اعظم لي النور
سبحان الذي تردى بالعز وبان به سبحان الذي لبس المجد وتكرم به سبحان
من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان ذي الفضل والنعم سبحان ذي المجد والكرم
سبحان ذي الجلال والاكرام وايضا اين دعا كه در مهج از سلمان انحضرت امير
المؤمنين عليه السلام انحضرت رسالت روايت كرده باخواص بسيار ودر ضمن است
كه اگر چهل شب جمعه اين دعا را بخواند خداى تعالى بيامرزد او را مگر گناهى كه ميان او
وميان ادميان باشد دعا اينست اللهم انك حي لا تموت وصادق لا تكذب و

لا تكذب وقاهر لا تقهر وبدي لا تنفد وقريب لا تبعد وقادر لا تضاد وغافر
لا تظلم وصمد لا تطعم وقيوم لا تنام ومجيب لا تسام وجبار لا تعان وعظيم
لا ترام وعالم لا تعلم وقوي لا تضعف وحليم لا تجهل وجليل لا توصف ووفي
لا تخلف وغالب لا تغلب وعادل لا تحيف وغني لا تفتقر وكبير لا تغادر
وحكيم لا تجور ووكيل لا تحيف وفرد لا تستشير ووهاب لا تمل وعزيز
لا تستذل وسميع لا تذهل وجواد لا تبخل وحافظ لا تغفل وقائم لا تسهو
ودائم لا تفنى ومحتجب لا ترى وباق لا تبلى وواحد لا تشبه ومقتدر لا
تنازع يا كريم الجواد المتكرم يا طاهر يا قاهر انت القادر المقتدر يا عزيز
المتعزز يا من ينادي من كل فج عميق بالسنة شتى ولغات مختلفة وحوائج
متتابعة لا يشغلك شيء عن شيء وانت الذي لا تفنيك الدهور ولا تحيط بك
الامكنة ولا تاخذك سنة ولا نوم صل على محمد وآله ويسر لي ما اخاف عسره
وفرج عني ما اخاف كربه وسهل لي ما اخاف حزونته سبحانك لا اله الا
انت اني كنت من الظالمين يا ارحم الراحمين ايضا اين دعا را خواند كه حضرت امير المؤ
باو بر قنبر تعليم كرده باخواص بسيار واز جمله انست كه اگر كسى چهل شب جمعه بخواند امرزيده
شود گناهانى كه در ميان او و ادميان باشد بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسئلك ولم اسال غيرك وارغب اليك ولم ارغب الى غيرك اسئلك يا امان الخائفين
وجار المستجيرين انت الفتاح ذو الخيرات مقيل العثرات ماحي السيئات كاتب
الحسنات رافع الدرجات اسئلك بافضل المسائل كلها وانجحها التي لا ينبغي للعباد
ان يسئلوك الا بها يا الله يا رحمن وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك التي
لا تحصى وباكرم اسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم
اسمائك عليك واحبها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة و
اجزلها مبلغا واسرعها اجابة وباسمك المخزون الجليل الاجل العظيم الذي تحبه
وترضاه وترضى عمن دعاك به فاستجبت دعاءه وحق عليك ان لا تحرم سائلك
وبكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم هو لك علمته
احدا من خلقك او لم تعلمه احدا وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك

اليك ولا ارغب

وأصفيائك من خلقك وبحق السائلين لك والراغبين إليك والمتعوذين بك والمتضرعين
إليك وبحق كل عبد متعبد لك في برّ أو بحر أو سهل أو جبل أدعوك دعاء
من اشتدت فاقته وعظم جرمه وأشرف على الهلكة وضعفت قوته ومن لا
يثق بشيء من عمله ولا لذنبه غافراً غيرك ولا لسعيه شاكراً سواك هربت منك
إليك غير مستنكف ولا مستكبر عن عبادتك يا أنس كل فقير مستجير أسألك
بأنك أنت الله لا إله إلا أنت الحنان المنان بديع السماوات والأرض ذو الجلال و
الإكرام عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم أنت الرب وأنا العبد وأنت المالك
وأنا المملوك وأنت العزيز وأنا الذليل وأنت الغني وأنا الفقير وأنت الحي وأنا الميت
وأنت الباقي وأنا الفاني وأنت المحسن وأنا المسيء وأنت الغفور وأنا المذنب وأنت
الرحيم وأنا الخاطئ وأنت الخالق وأنا المخلوق وأنت القوي وأنا الضعيف وأنت
المعطي وأنا السائل وأنت الآمن وأنا الخائف وأنت الرازق وأنا المرزوق وأنت
أحق من شكوت إليه واستغثت به ورجوته لأنك كم من مذنب قد غفرت له
وكم من مسيء قد تجاوزت عنه فاغفر لي وتجاوز عني وارحمني وعافني مما نزل ولا
تفضحني بما جنيته على نفسي وخذ بيدي وبيد والديّ وولدي وارحمنا برحمتك
يا ذا الجلال والإكرام وايضاً مستحب است در شب و روز جمعه و شب و روز عيد اين دعا
بخواند اللهم من تعبأ وتهيأ وأعد واستعد لوفادة إلى مخلوق رجاء رفده و
طلب نائله وجائزته فإليك يا رب تعبئتي وتهيئتي وإعدادي واستعدادي
رجاء عفوك وطلب نائلك وجائزتك فلا تخيب دعائي يا من لا يخيب عليه
سائل ولا ينقصه نائل فإني لم آتك ثقة بعمل صالح عملته ولا لوفادة مخلوق
رجوته أتيتك مقراً على نفسي بالإساءة والظلم معترفاً بأن لا حجة لي ولا عذر
أتيتك أرجو عظيم عفوك الذي عفوت به على الخطائين فلم يمنعك طول عكوفهم
عظيم الجرم أن عدت عليهم بالرحمة فيا من رحمته واسعة وعفوه عظيم
يا عظيم يا عظيم لا يرد غضبك إلا حلمك ولا ينجي من سخطك إلا التضرع إليك
فهب لي يا إلهي فرجاً بالقدرة التي تحيي بها ميت البلاد ولا تهلكني غماً حتى
تستجيب لي وتعرفني الإجابة في دعائي وأذقني طعم العافية إلى منتهى

منتهى أجلي ولا تشمت بي عدوي ولا تسلطه عليّ ولا تمكنه من عنقي إلهي
إن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وإن رفعتني فمن ذا الذي يضعني وإن
أهلكتني فمن ذا الذي يعرض لك في عبدك أو يسألك عن أمره وقد
علمت أنه ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وإنما يعجل من يخاف الفوت
وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف وقد تعاليت يا إلهي عن ذلك علواً كبيراً
اللهم إني أعوذ بك فأعذني وأستجير بك فأجرني وأسترزقك فارزقني
وأتوكل عليك فاكفني وأستنصرك على عدوك فانصرني وأستعين بك
فأعني وأستغفرك يا إلهي فاغفر لي آمين آمين آمين در زاد المعاد از
حضرت صادق عليه السلام در ضمن اعمال شب عرفه در شبهاى جمعه بايد بخواند
خداى تعالى گناهانش را بيامرزد اللهم يا شاهد كل نجوى وموضع كل شكوى
وعالم كل خفية ومنتهى كل حاجة يا مبتدئاً بالنعم على العباد يا كريم
العفو يا حسن التجاوز يا جواد يا من لا يواري منه ليل داج ولا بحر عجاج ولا
سماء ذات أبراج ولا ظلم ذات ارتتاج من الظلمة عنده ضياء أسألك بنور
وجهك الكريم الذي تجليت به للجبل فجعلته دكاً وخر موسى صعقاً وباسمك
الذي رفعت به السماوات بلا عمد وسطحت به الأرض على وجه ماء جمد وباسمك
المخزون المكنون المكتوب الطاهر الذي إذا دعيت به أجبت وإذا سئلت به
أعطيت وباسمك السبوح القدوس البرهان الذي هو نور على كل نور ونور
من نور يضيء منه كل نور إذا بلغ الأرض انشقت وإذا بلغ العرش اهتز وباسمك
الذي ترتعد منه فرائص ملائكتك وأسألك بحق جبرئيل وميكائيل وإسرافيل
وبحق محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وعلى جميع الأنبياء وجميع الملائكة
وبالاسم الذي مشى به الخضر على قلل الماء كما مشى به على جدد الأرض وباسمك
الذي فلقت به البحر لموسى وأغرقت فرعون وقومه وأنجيت به موسى ومن معه
وباسمك الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الأيمن فاستجبت له
وألقيت عليه محبة منك وباسمك الذي به أحيى عيسى بن مريم الموتى وتكلم
في المهد صبياً وأبرأ الأكمه والأبرص بإذنك وباسمك الذي دعاك به حملة عرشك

وجبرئيل وميكائيل واسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك
المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون من اهل السموات والارض
وباسمك الذي دعاك به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت
له ونجيته من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وباسمك العظيم الذي دعاك به داود
وخر لك ساجدا فغفرت له ذنبه وباسمك الذي دعتك به آسية امرأة فرعون
اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من
القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها وباسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به
البلاء فعافيته وآتيته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك وذكرى للعابدين
وباسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وقرة عينه يوسف و
جمعت شمله وباسمك الذي دعاك به سليمان فوهبت له ملكا لا ينبغي لاحد
من بعده انك انت الوهاب وباسمك الذي سخرت به البراق لمحمد صلى الله
عليه وآله وسلم اذ قال تعالى سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام
الى المسجد الاقصى وقوله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا
الى ربنا لمنقلبون وباسمك الذي تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله عليه وآله
وباسمك الذي دعاك به آدم فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك واسألك
بحق القرآن العظيم وبحق محمد خاتم النبيين وبحق ابراهيم وبحق فصلك يوم القضاء
وبحق الموازين اذا نصبت والصحف اذا نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح
وما احصى وبحق الاسم الذي كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق و
الدنيا والشمس والقمر بالفي عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
وان محمدا عبده ورسوله واسألك باسمك المخزون في خزائنك الذي استأثرت
به في علم الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا نبي مرسل
ولا عبد مصطفى واسألك باسمك الذي شققت به البحار وقامت به الجبال
واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن العظيم وبحق الكرام الكاتبين
وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان

وفرقان محمد صلى الله عليه وآله وعلى جميع الرسل وباهيا شراهيا اللهم اني
اسألك بحق تلك المناجاة التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق
جبل طور سيناء واسألك باسمك الذي علمته ملك الموت لقبض الارواح
واسألك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون فخضعت النيران لتلك
الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما واسألك باسمك الذي كتبته
على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل
يا من به يستغاث واليه يلجأ اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات العلى
اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت و
الشياطين وما اضلت والبحار وبحق كل حق هو عليك حق وبحق الملائكة
وما جرت
المقربين والروحانيين والكروبيين والمسبحين لك بالليل والنهار
لا يفترون وبحق كل ولي ينادي بين الصفا والمروة وتستجيب له دعاءه
يا مجيب اسألك بهذه الاسماء وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا
وما اخرنا وما اسررنا وما اعلنا وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا
انك على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس
كل وحيد يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس
كل مستوحش يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب
وخطيئة يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب
المكروبين يا فارج هم المهمومين يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية
الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان
يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر
الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي
الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر
لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر
التي تحبس قطر السماء
لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء

واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء
واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها
غيرك يا الله واحمل عني كل تبعة لاحد من خلقك واجعل لي من امري
فرجا ومخرجا ويسرا وانزل يقينك في صدري ورجاءك في قلبي حتى لا
ارجو غيرك اللهم احفظني وعافني في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري
ومن بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي
ويسر لي السبيل واحسن لي التيسير ولا تخذلني في العسير واهدني
يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور ولقني كل سرور واقلبني
الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل والآجل انك على كل شيء قدير
وارزقني من فضلك واوسع علي من طيبات رزقك واستعملني في طاعتك
واجرني من عذابك ونارك واقلبني اذا توفيتني الى جنتك برحمتك
اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن حلول
نقمتك ومن نزول عذابك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء
ومن سوء القضاء وشماتة الاعداء ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما في
الكتاب المنزل اللهم لا تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب النار ولا
تحرمني صحبة الاخيار واحيني حيوة طيبة وتوفني وفاة طيبة والحقني
بالابرار وارزقني مرافقة الانبياء في مقعد صدق عند مليك مقتدر
اللهم لك الحمد على الاسلام والسنة يا رب كما هديتهم لدينك وعلمتهم
بكتابك فاهدنا وعلمنا ولك الحمد على حسن بلائك وصنعك عندي
خاصة كما خلقتني فاحسنت خلقي وعلمتني فاحسنت تعليمي وهديتني فاحسنت
هدايتي فلك الحمد على انعامك علي قديما وحديثا وكم من كرب يا سيدي
قد فرجته وكم من غم يا سيدي قد صرفته وكم من عيب يا سيدي قد سترته
فلك الحمد على كل حال في كل مثوى وزمان ومنقلب ومكان وعلى هذا
الحال وكل حال اللهم اجعلني من افضل عبادك في هذا اليوم من خير
تقسمه او ضر تكشفه او سوء تصرفه او بلاء تدفعه او خير تسوقه او رحمة

او رحمة تنشرها او عافية تلبسها فانك على كل شيء قدير وبيدك خزائن
السموات والارض وانت الواحد الكريم المعطي الذي لا يرد سائله ولا يخيب
امله ولا ينقص نائله ولا ينفد ما عنده بل يزداد كثرة وطيبا وعطاء
وجودا وارزقني من خزائنك التي لا تفنى ومن رحمتك الواسعة ان عطاءك
لم يكن محظورا وانت على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين ايضا
مقاتل روايت كند كه هر كه شب جمعه چهل بار اين كلمات بخواند هر حاجتي
كه داشته باشد بر آورده شود واگر روا نشود بر مقاتل لعنت كند سبحان الله الذي
لم يزل سبحان العالم الذي لم يجهل سبحان الجواد الذي لم يبخل سبحان الحليم
الذي لم يعجل اللهم اقض حاجتي يا ارحم الراحمين ومناسبت دارد اين
شب خواندن دعاي جوشن كبير كه بعد از اين مذكور خواهد شد ودعاي كميل
كه در شب نيمه شعبان مذكور خواهد شد وسنت است در سحر اين شب اين دعا
بخواند اللهم صل على محمد وال محمد وهب لي الغداة رضاك واسكن قلبي
خوفك واقطعه عمن سواك حتى لا ارجو ولا اخاف الا اياك اللهم
صل على محمد واله وهب لي ثبات اليقين ومحض الاخلاص وشرف التوحيد
ودوام الاستقامة ومعدن الصبر والرضا بالقضاء والقدر يا قاضي حوائج
السائلين يا من يعلم ضمير الصامتين صل على محمد واله واستجب دعائي
واغفر ذنبي واوسع رزقي واقض حوائجي في نفسي واخواني وفي ديني و
اهلي الهي طموح الآمال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم قد تعطلت
الا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فانت الرجاء واليك
الملتجا يا اكرم مقصود ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجأ الهاربين
باثقال الذنوب احملها على ظهري لا اجد لي اليك شافعا سوى معرفتي
بانك اقرب من رجاه الطالبون وامل ما لديه الراغبون يا من فتق
العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما امتن به على عباده كفاء
لتادية حقه صل على محمد وال محمد ولا تجعل للشيطان على عقلي سبيلا
ولا للباطل على عملي دليلا ديگر خواندن اين دعاست در اين شب چون صبح طلوع كند

اصبحت فی ذمة الله و ذمة ملائکته و ذمم انبیائه و رسله علیهم السلام و ذمة
محمد صلی الله علیه و آله و ذمم الاوصیاء من آل محمد علیهم السلام آمنت
بسر آل محمد و علانیتهم و ظاهرهم و باطنهم و اشهد انهم فی علم الله و طاعته
کمحمد صلی الله علیه و آله و دیگر این دعا که در مهج مذکور است و از دعوات مقرر
شبهای هفته است بخواند اللهم ربنا کنت و لم یکن قبلک شیء و انت تکون
حین لا یکون غیرک شیء لا یعلم احد کنه عزتک و لا یستطیع احد ان یبلغ
عظمتک و لا یعلم احد این مستقرک انت فوق کل شیء و انت وراء کل شیء
و مع کل شیء خلقت یا ذا الجلال و الاکرام العزة لوجهک و اخلصت الکبریاء
و العظمة لنفسک و خلقت القوة و القدرة بسلطانک فسبحانک ربنا و لک الحمد
علی عظمة ملکک و جمالک الذی ملأ نوره کل شیء و هو حیث لا براء
شیء یسبح بحمده فسبحانک ربنا و بحمدک اللهم ربنا لک الحمد تسلط فلا احد
من العباد یجد وصفک تسلط بعزتک و تعززت بجبروتک بکبریائک
و تکبرت بملکک و تملکت بقدرتک و قدرت بقوتک فلا یستطیع
احد من العباد وصفک لا یقدر احد من قضائک سبحانک ربنا و لک
الحمد علی جلال وجهک و عظمة ملکک الذی قامت السموات و الارض
اللهم ربنا و لک الحمد ملأت کل شیء عظمة و خلقت کل شیء بقدرة و
احطت بکل شیء عددا و حفظت کل شیء کتابا و وسعت کل شیء رحمة و
انت ارحم الراحمین فسبحانک ربنا و لک الحمد علی عزة سلطانک الذی خشع
له کل شیء من خلقک و اشفق منه کل عبادک و خضعت له کل خلیقتک
اللهم صل علی محمد و آله و اجزه افضل الجزاء و افضل ما انت جاز احدا من
انبیائک علی حفظه دینک و ابلاغه کتابک و وصیتک و امرک حتی تشرفه یوم
القیمة بتفضیلک ایاه علی جمیع رسلک یا ذا الجلال و الاکرام اللهم کما
استنقذتنا بما نجحت به محمدا صلی الله علیه و هدیتنا بما بعثته و بصرتنا
بما اوصیته من العمل فصل علیه و علی آله و اجزه عنا افضل الجزاء و
افضل ما جزیت نبیا من انبیائک و ان تجمع لی به خیر الدنیا و الآخرة انک

انک ذو فضل کریم یا ذا الجلال و الاکرام و ابن فضل رحمة الله در کتاب
علل ذکر نموده که هر کس در ثلث آخر شب جمعه پانزده مرتبه سوره انا
انزلناه را بخواند هر دعائی که کند مستجاب گردد اما روز جمعه این روز
متعلق بزهرا است و از برای خواستگاری و نکاح خوبست و جمعه را علت
این جمعه گفته اند که روز اجتماع و کثرت مردم است و روزی عظیم القدر
جلیل الاحترام است بسند معتبر شیخ طوسی در مصباح از حضرت صادق روایت کرده
که آنحضرت فرمود که روز جمعه سید روزهاست مضاعف میشود
در آن حسنات و بلند میگردد درجات و باجابت میرسد دعوات و بر طرف
میشود کربات و بر آورده میشود حاجات بزرگ و روز جمعه روز مزید است
جناب قدس الهی آزاد میکند بندگان گناهکار را از نار و هر که دعا کند
در این روز و بشناسد حق و حرمت و قدر و منزلت او را می باشد بر خدای تعالی حق
که بگرداند او را آزاد از آتش جهنم و هر گاه بمیرد در این روز یا شب مرده باشد شهید و
مبعوث گردد ایمن و نیست بنده که استخفاف کند حق و حرمت او را مگر آنکه می باشد بر خدا
حق که برساند او را با آتش دوزخ مگر آنکه توبه کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود آفتاب بروزی نمی تابد که از روز جمعه بهتر باشد و روز جمعه بهترین روزهاست
و نزد خدای تعالی بهتر است از روز فطر و اضحی و آن روزیست که خدای تعالی
آدم را در آن خلق کرد و در آن روز از آسمان بزمین فرستاد و در آن روز متوفی شد
در آن روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم متولد شد و در آن روز آنحضرت جناب
امیر المؤمنین را در غدیر خم بامامت نصب کرد و قیام قائم آل محمد در این روز خواهد
بود و قیامت در این روز برپا خواهد شد و در این روز ساعتی است که هر حاجتی که از
خدای تعالی خواهند روا میشود مادام که حرامی نباشد و نیز از ابی عبد الله علیه السلام
مرویست که فرمود چون روز جمعه شود باید بنده مؤمن بهیچ چیز مشغول نشود بغیر عبادت
پروردگار که در این روز خدای تعالی بندگان را بیامرزد و بر ایشان رحمت کند
و از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که در روز جمعه خیر و شر مضاعف میشود پس باید
بنده مؤمن طلب خیر نماید و از شر اجتناب کند و سنت است در این روز

در رکعت اول نماز صبح سوره جمعه و در دوم قل هو الله احد بخواند و در رکعت اول
نماز ظهر سوره جمعه و در دوم منافقین و در رکعت اول نماز عصر سوره جمعه و در
دوم قل هو الله احد یا سوره منافقین بخواند و سفر کردن در این روز بعد از طلوع فجر
مکروه و پیش از نماز جمعه اگر متحقق شود حرام و بعد از زوال نیکو و نوره کشیدن موی
بدن است و در چند روایت تجویز واقع شده بلکه بعضی روایات دلالت بر استحباب
میکند اگر نوره بکشد رفع کراهت بر حنا مالیدن کند و در وقت نوره
کشیدن این دعا بخواند اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنوره و از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که هر که بگوید این ایمن شود از سوختن نوره هر جمعه
پیش دماغ خود بمالد و در شنبه نخوردن انار و برگ کاسنی فضیلت بسیار دارد
و در روز جمعه خوردن انار ثواب بسیار دارد مرویست که هر که یک انار در روز
جمعه بخورد که دانه از آن نماند چهل صباح دل او نورانی گردد و بقول امام جعفر صادق
هر که هفت برگ کاسنی در این روز پیش از نماز بخورد داخل بهشت شود و حجامت
در این روز نیکو نیست زیرا که در این روز ساعتی است که اگر در آن حجامت واقع شود
هلاک می شود و در بعضی احادیث وارد شده که نقصانی ندارد و از موسی بن جعفر علیه السلام
مرویست که هر گاه در شب یا روز جمعه خون غلبه کند آیة الکرسی بخواند و خون کم کند
و مستحب است که در روز جمعه بعد از نماز صبح صد مرتبه سوره قل هو الله احد
و صد مرتبه سوره انا انزلناه و صد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم بگوید و از حضرت ابی عبد الله
علیه السلام مرویست که هیچ عملی در روز جمعه فاضلتر و بهتر از صلوات بر محمد و
آل او نیست بدرستی که هر کس بر محمد صلوات الله و سلامه علیه صلوات فرستد خدای
تعالی بر او هزار صلوات فرستد با هزار صف از ملائکه و هیچ مخلوقی نماند که بر او
صلوات نفرستد بعلت صلوات خدا و ملائکه پس اگر کسی در این روز هزار
صلوات فرستد موجب ثواب بسیار و حسنات بیشمار باشد و اگر نتواند صد بار
هم کافیست و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بگوید بعد از نماز صبح
و نماز ظهر اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم صد مرتبه نمیرد مگر

مگر اینکه ادراک کند حضرت قائم را و نیز از آن حضرت فرمود که هر که صلوات فرستد
بر محمد و آل محمد میانه نماز ظهر و عصر روز جمعه برابر باشد با هفتاد رکعت نماز
و نیز در کتاب ثواب الاعمال از آن حضرت روایت کرده که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه
هفت مرتبه و بروایت دیگر بعد از نماز عصر هر روز بگوید اللهم صل علی محمد
و آل محمد الاوصیاء الراضین المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک
والسلام علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم و رحمة الله و برکاته می باشد
برای او مثل عمل ثقلین در آن روز و ایضا از آن حضرت روایت شده که هر که
صلوات فرستد بر پیغمبر باین صلوات محو شود خطاهای او و دانا می گردد مروّت
او و مستجاب گردد دعای او و اعانت کرده شود بر عدو و بخشیده شود از برای او
اسباب خیر و عطا کرده شود امان او و وسیع شود رزق او و بوده باشد از رفقای
محمد در بهشت و صلوات اینست اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین
و صل علی محمد و آل محمد فی الآخرین و صل علی محمد و آل محمد فی الملاء الاعلی
الی یوم الدین و صل علی محمد و آله فی المرسلین و صل علی محمد و آل محمد
حتی ترث الارض و من علیها و انت خیر الوارثین اللهم اعط محمدا و
آله الوسیلة و الفضیلة و الشرف و الرفعة و الدرجة الکبیرة اللهم
انی آمنت بمحمد صلی الله علیه و آله و سلم و لم اره فلا تحرمنی فی القیمة رؤیته
و ارزقنی صحبته و توفنی علی ملته و اسقنی من حوضه مشربا رویا
سائغا هنیئا لا اظمأ بعده ابدا انک علی کل شیء قدیر اللهم آمنت
بمحمد صلی الله علیه و آله و سلم و لم اره فعرفنی فی الجنان وجهه اللهم بلغ
محمدا منی تحیة و سلاما — دیگر — استغفار است از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
مرویست که هر که در روز جمعه بعد از عصر استغفار کند و هفتاد مرتبه
بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه بیامرزد خدای تعالی گناهان
گذشته او را و نگاه دارد او را از گناهان آینده و اگر او را گناهی نباشد
بیامرزد گناهان والدین او را و اما سوره قرآنی از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که هر که سوره نساء را هر جمعه بخواند ایمن گردد از عذاب

و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ هود را هر جمعه بخواند
خدای تعالی او را روز قیامت در زمرهٔ پیغمبران برانگیزاند و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که سورهٔ کهف سوره ایست که میان آسمان
و زمین پر است از بزرگی آن و خواننده او را مثل او ثواب است و هر که آن را
روز جمعه بخواند گناهانی که میان دو جمعه کرده باشد آمرزیده شود و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که سورهٔ و الصافات در هر جمعه
خواندن باعث حفظ از جمله آفتهاست تا در دنیا باشد و روزی بروی فراخ
شود و هیچ بدی بنفس و مال و اهلش نرسد و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد
شهید مرده باشد و سورهٔ الرحمن نیز بخواند که ثواب بسیار دارد و فضیلت
بیشمار و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مرویست که هر که سورهٔ انا انزلناه را
صد بار بعد از نماز عصر روز جمعه بخواند حق تعالی هزار هزار رحمت باو عطا فرماید
دیگر – بحمام رفتن است منقولست که عمر گفت که بد خانه ایست حمام که عورت را
ظاهر میکند و پردهٔ آدمی را میدرد حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که
نیکو خانه ایست حمام جهنم را بیاد آدمی میآورد و چرک را از بدن می برد و از حضرت
امام موسی ع منقولست که حمام یک روز در میان گوشت بدن را زیاده میکند و هر روز
رفتن پیه گردهها را می گدازد و بدن را لاغر میکند و در ضمن حدیث دیگر باعث مرض
سل می شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و حضرت صادق ع فرمود که هر که داخل حمام شود
دیدهای خود را از نظر کردن بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را از جهنم
ایمن گرداند و حضرت رسول نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل
شدن در نهرها بی لنگ و فرمود که در نهرها ساکنان هستند از ملائکه و نهی فرمود از داخل
شدن حمام بی لنگ و از حضرت صادق ع منقولست که داخل حمام مشو مگر آنکه اندک
چیزی در معده تو باشد که حرارت معده را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است
و داخل حمام شود در وقتی که معده پر باشد از طعام و پسندیده تر از حضرت منقولست که
در وقتی که در رخت کن حمام جامهها را از خود میکنی بگو اللهم انزع عنی ربقة النفاق

النفاق و ثبتنی علی الایمان پس چون داخل خانه اول حمام شوی بگو اللهم انی اعوذ
بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاها و چون داخل خانه دویم شوی بگو اللهم اذهب
عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی و بگیر آبهای گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب
بر پاها بریز و اگر توانی جرعه از آن آب بخوری بخور که مجرای بول را پاک میکند و در خانه دویم صبر کن
یک ساعت پس چون داخل خانه سیم شوی بگو نعوذ بالله من النار و نسئله الجنة و مکرر این را بگو
تا هنگام بیرون آمدن از آن خانه گرم و نیز نهاد آب سرد و خربزه در حمام مخور که معده را فاسد میکند
و آب سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند و حضرت صادق ع فرمود که مرد با پسر خود بحمام
نرود که نظر کند بعورت او و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از قران
خواندن در حمام و جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و از روایات دیگر ظاهر است که اگر عریان
باشد قران نخواند و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست که تکیه مده در حمام بر پهلو
که پیه گردهها را آب میکند و بر پشت که درد اندرون بهم میرسد و شانه مکن که موی را
میریزاند و مسواک مکن که دندانها را میریزاند و سر را بگل مشوی که رو را بیبها و قبیح میکند و گل
بر سر و رو ممال که آب رو را می برد و کف پاها را بسفال مسای که باعث پیسی میشود و از آبی که در
حوضهای کوچک در حمامهای مخالفان جمع میشود از غساله جنب و غسل مکن که در آن غساله یهود
و نصرانی و گبر و دشمن ما اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی را از سگ نجس تر نکرده
و کسی که عداوت ما اهل بیت داشته باشد از سگ نجس تر است و از حضرت امیر المومنین ع منقولست
که بول کردن در حمام موروث فقر و پریشانیست و در حین جامه پوشیدن بگوید اللهم البسنی التقوی
و جنبنی الردی و در وقت بیرون آمدن شکر خدا کند و از برای تهنیت حمام بگوید طاب ما طهر منک
و طهر ما طاب منک از حضرت مجتبی ع مرویست که از حمام بیرون آمد بود مرد قریشی بجناب او رسید
گرد و گفت طاب استحمامک حضرت فرمود است در اینجا چه معنی دارد گفت فطاب حمامک
حضرت فرمود هر گاه حمام طیب شد بدن راحت باید چه کلیست گفت فطاب حمیمک حضرت فرمود
و ندانسته که حمیم عرق است عرض کرد پس چه بگویم حضرت فرمود طاب ما طهر که مدنک
و از حضرت صادق ع مرویست که از برای رد تهنیت بگوید انعم الله بالک دیگر غسل آوردن در روز
جمعه سنت موکدات و اجر بسیار دارد چنانچه حضرت رسول ص فرمود که هر که غسل کند در روز جمعه
عطا کند خدای تعالی او را بهر قطرهٔ نوری و بهر موئی که بر بدن اوست ثواب بیستی و گناه اد

نوشته می‌شود تا جمعهٔ دیگر و اگر در میان دو جمعه بمیرد شهید باشد و از حضرت امام جعفر مرویست
که غسل جمعه کفارهٔ گناه است تا جمعهٔ دیگر و وقتش از صبح است تا نزدیک زوال و هر چند
بزوال نزدیکتر باشد افضل باشد و اگر وقتش فوت شود سنت است که قضا کند در بقیهٔ روز
یا روز شنبه و در حال غسل بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد واجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
والحمد لله رب العالمین و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که در حین غسل جمعه
بگوید اللهم طهر قلبی من کل آفة تمحق دینی و تبطل به عملی اللهم اجعلنی من
التوابین واجعلنی من المتطهرین دیگر شستن سر است بخطمی چنانچه از امام محمد باقر و
جعفر علیهما السلام مرویست که فرمودند شستن سر بخطمی موجب کثرت رزق است
و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که شستن سر بخطمی در روز جمعه امانست
از وسوسهٔ شیطان تا هفتاد روز و هر که در این مدت دور از وسوسهٔ شیطان باشد بهشت
داخل شود و نیز از آنحضرت مرویست که شستن سر بخطمی در هر جمعه امانست از برص و جنون و
حضرت رسول ص فرمود که شستن سر بخطمی دور کنندهٔ فقر و زیاد کنندهٔ رزق است دیگر
گرفتن شارب و ناخن است مرویست که اخذ شارب در روز جمعه موجب [illegible] در دندان
و درد چشم است و گرفتن ناخن مانع دردها و بسیار شدن روزیها است و از ابی عبدالله علیه السلام
مرویست که گرفتن ناخن امانست از برص و دیوانگی و کوری و ابتدا بخنصر دست چپ نماید و
بخنصر دست راست ختم کند و اگر احتیاج نباشد کارد یا مقراض بران موضع کشد که ثواب
دریابد و حضرت امیر المؤمنین فرمود قلموا اظفارکم بالسنة و الادب یمینا ثم یسارا خوابس
وخسب یعنی دست راست را بترتیب خوابس بگیرد و خا علامت خنصر اول از خنصر
بگیرد و واو علامت وسطی و الف علامت ابهام و با علامت بنصر و سین علامت سبابه و دست چپ را
بترتیب وخسب یعنی اول ابهام و بعد وسطی بعد خنصر بعد سبابه بعد بنصر و
در حین گرفتن شارب و ناخن بگوید بسم الله و بالله و علی سنة رسول الله و علی ملة امیر المؤمنین
والاوصیاء من ولده علیهم السلام که بفرمود حضرت حق تعالی بعدد هر تراشهٔ ناخن و موی
حج و ثواب آزاد کردن بنده از فرزندان اسمعیل پیغمبر و سنت است دفن کردن
موی کردن و شارب و ناخن و غیرها چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که

که رسول خدا ص امر فرمود ما را که چهار چیز را دفن کنیم موی و دندان و ناخن و خون دیگر ازالهٔ شعر است از
حضرت امام جعفر مرویست که تنظیف بنوره سنت است در هر پانزده روز یکبار و در بیست روز یکبار
از بیست کند و در اثنا بگوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة
و چون فارغ شود بگوید اللهم طیب ما طهر مني و جنبني الوسخ دیگر استعمال طیب است یعنی بوی خوش و
از مشک و عنبر و عود است و پوشیدن جامهٔ سفید پاکیزه در این روز سنت است و موجب [illegible]
دیگر زیارت پیغمبر و ائمه علیهم السلام است و آن از مستحبات و افضل اعمال و طاعات است چنانچه
حضرت رسول ص فرمود که هر که زیارت کند مرا بعد از ممات مثل آنست که مهاجرت نموده باشد بسوی من در زمان
حیات من اگر شما در بیابان باشید بسوی من سلام فرستید که بمن میرسد و نیز فرمود که هر که مرا زیارت کند
شفاعت من واجب شود او را و هر که من شفاعت کنم او را بهشت مر او را واجب شود و از امام جعفر صادق ع
که چه باشد کسی را که زیارت یکی از شما بکند فرمود چنانست که زیارت رسول خدا کرده باشد و در حدیث دیگر
از این قبیل نقل کرده که هر که خواهد زیارت کند اول نماز کند و بعد زیارت چنانچه بصحرا رود یا بر بام بلند
خانهٔ خود برآید و بآن جانب متوجه شده زیارت کند و از امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود هر که خواهد
زیارت کند حضرت رسول ص و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و باقی ائمه علیهم السلام را از دور روز
جمعه غسل کند و جامهٔ پاکیزه بپوشد و بصحرا یا بر بام خانهٔ خود رود و دو رکعت نماز کند و بعد از نماز
رو بقبله کرده بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک ایها النبی المرسل
و الوصی المرتضی و السیدة الکبری و السیدة الزهراء و السبطان المنتجبان و الاولاد و الاعلام و الامناء
المنتجبون جئت انقطاعا الیکم و الی آبائکم و ولدکم الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم و نصرتی لکم
معدة حتی یحکم الله بدینه فمعکم معکم لا مع عدوکم انی من القائلین بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة
و لا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذی الملک و الملکوت یسبح الله باسمائه جمیع خلقه و السلام علی
ارواحکم و اجسادکم و السلام علیک و رحمة الله و برکاته و سنت موکد است زیارت حضرت امام حسین
در این روز هر چند زیارت آنحضرت در همه وقت فضیلت تمام دارد و هر کس بقدر زیارت ثواب
ببرد و لکن اختیار اوقات شریفه که در آن زیادتی حسنه و نزول رحمت است بهتر است و در این باب
اخبار بسیار از اهل بیت اطهار وارد شده بلکه روایت شده و در کتاب [illegible] که زیارت آنحضرت
بر هر مؤمن فرض است و ترک آن جفای بر خدا و رسول است و نقصان ایمان و دین و هر که برود بزیارت
آنحضرت کند از عمر او [illegible] ایام زیارت آنحضرت از عمر حساب نشود و نیز مرویست زیارت [illegible]

درازی عمر و خلاصی از غمها و پاکی از گناهان است و در هر قدمی ثواب حجی مبرور و عمره مقبولی و آزادی
هزار بنده و عفو گناهان گذشته و آینده است و زیارات متعلقه به این روز در ابواب علیحده ان شاء الله مذکور خواهد
شد و هرگاه زیارت عاشورا یا زیارت ششم در این روز کند ثواب بسیار دارد و از برای هر حاجت شرعی
که کند روا گردد و دیگری زیارت قبور مؤمنین سیما قبور ائمه طاهرین و علما و شهدای دین سید المرسلین
و ذوی الارحام و والدین است از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که فرمود که هر که قادر بر زیارت ما
نباشد باید اخوان صالح خود را زیارت نماید که ثواب زیارت ما را در می یابد [illegible] روایت
شده که هر که روز جمعه زیارت پدر و مادر یا یکی از ایشان کند آمرزیده شود و نوشته شود از برای او
برات آزادی از آتش دوزخ و نیز از آن حضرت مرویست که هر که زیارت قبر پدر و مادر کند در روز جمعه
خدای تعالی بنویسد از برای او حجی مبرور و سزاوار است که طلب حاجت کند نزد قبر ایشان بعد از دعای
عفو و رحمت و مغفرت ایشان و زایر باید رو بقبله نشیند و دست بر قبر نهد و بگوید آنچه در خاتمه باب
اموات مذکور خواهد شد ان شاء الله - دیگر از وظایف این روز روزه است روزه این روز سنت است
و فضیلت بسیار دارد و بی روز پنجشنبه کراهت ندارد و افضل آن است که پنجشنبه نیز روزه باشد
نماز مخصوص این روز بر سه نوع است اول نماز واجب آن دو رکعت است عوض نماز ظهر با شرایطی که امام
یا نایب او حاضر باشد و وقت او از زوال آفتاب است تا سایه هر چیز برابر آن چیز شود و وقتی منعقد میشود
که با امام چهار کس یا بیشتر جمع شوند و دو خطبه بخواند بعد از زوال و پیش از نماز در جماعت بگذارند
اگر این شرایط متحقق شود جمعه نزد جمعی واجب و نزد بعضی بنا بر اقوی مخیر و بیع و شری در وقت ندای صلوة جمعه
مکروه است و بعضی حرام میدانند و مستحب است قرائت را بلند کردن و در رکعت اول بعد از حمد سوره جمعه
و در دوم سوره اذا جاءک المنافقون بخواند و در این نماز دو قنوت باید خواند یکی در رکعت اول بعد از قرائت
و پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم بعد از رکوع از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که چون خواهی متوجه
نماز جمعه شوی استعمال طیب نماید و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوشد و بگوید اللهم من تهیأ و تعبأ و اعد
و استعد لوفادة که در ضمن اعمال شب جمعه ذکر شد پس هرگاه زوال شود بگوید بخبر محمد بن مسلم از ابی
عبدالله ع روایت کرده لا اله الا الله و الله اکبر که در ضمن اعمال نماز ظهر یومیه گذشت بعد از آن
بگوید یا سابغ النعم یا دافع النقم یا باری النسم یا علی الهمم یا مغشی الظلم یا ذا الجود و الکرم
یا کاشف الضر و الالم یا مونس المستوحشین فی الظلم یا عالما لا یعلم صل علی محمد و آل محمد و افعل بی
ما انت اهله یا من اسمه دواء و ذکره شفاء و طاعته غناء ارحم من راس ماله الرجاء و سلاحه

و سلاحه البکاء سبحانک لا اله الا انت یا حنان یا منان یا بدیع السموات و الارض
یا ذا الجلال و الاکرام و در من لا یحضره الفقیه از حضرت امیر المؤمنین ع خطبه نقل کرده که اول
اینست الحمد لله الولی الحمید الحکیم المجید الفعال لما یرید علام الغیوب و ستار العیوب خالق
الخلق و منزل القطر و مدبر الامور رب السماء و الارض و الدنیا و الاخرة و رب العالمین
و خیر الفاتحین الذی من عظم شانه انه لا شیء مثله تواضع کل شیء لعظمته و ذل کل شیء
لعزته و استسلم کل شیء لقدرته و قر کل شیء قراره لهیبته و خضع کل شیء من خلقه لملکه
و ربوبیته الذی یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و ان تقوم الساعة و یحدث
شیء الا بعلمه نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نستغفره و نستهدیه و نشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له ملک الملوک و سید السادات و جبار السموات و الارض
الواحد القهار الکبیر المتعال ذو الجلال و الاکرام دیان یوم الدین ربنا و رب آبائنا الاولین
و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله داعیا الی الحق و شاهدا علی الخلق فبلغ رسالات ربه
کما امره لا متعدیا و لا مقصرا و جاهد فی الله اعداءه لا وانیا و لا ناکلا و نصح له فی عباده
صابرا محتسبا و قبضه الله الیه و قد رضی عمله و تقبل سعیه و غفر ذنبه صلی الله علیه و آله
اوصیکم عباد الله بتقوی الله و اغتنام طاعته ما استطعتم فی هذه الایام الخالیة الفانیة و اعداد
العمل الصالح لجلیل ما یشفی به علیکم الموت و آمرکم بالرفض لهذه الدنیا التارکة لکم
الزائلة عنکم و ان لم تکونوا تحبون ترکها و المبلیة لاجسادکم و ان احببتم تجدیدها فانما مثلکم
و مثلها کرکب سلکوا سبیلا فکانهم قد قطعوه و افضوا الی علم فکانهم قد بلغوه و کم عسی ان یکون
بقاء من له یوم لا یعدوه و طالب حثیث من الموت یحدوه فلا تنافسوا فی عز الدنیا و فخرها
و لا تعجبوا بزینتها و نعیمها و لا تجزعوا من ضرائها و بؤسها فان عز الدنیا و فخرها الی
انقطاع و زینتها و نعیمها الی ارتجاع و ان ضراءها و بؤسها الی نفاد و کل مدة فیها الی منتهی و
کل حی فیها الی بلی الیس لکم فی آثار الاولین و فی آبائکم الماضین معتبر و تبصرة ان کنتم تعقلون
الم تروا الی الاموات لا یرجعون و الی الاخلاف منکم لا یخلدون قال الله تعالی و الصدق قوله
و حرام علی قریة اهلکناها انهم لا یرجعون و قال کل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجورکم یوم
القیمة فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور الستم ترون
الی اهل الدنیا و هم یصبحون علی احوال شتی فمن میت یبکی و مفجوع یعزی و صریع مبتلی و آخر
یبشر و یهنا و من عائد یعود و آخر بنفسه یجود و طالب للدنیا و الموت یطلبه و غافل و لیس بمغفول

عنه وعلى آثار الماضين ما يمضي الباقي والحمد لله رب العالمين رب السموات السبع ورب الارضين
السبع ورب العرش العظيم الذي يبقى ويفنى ما سواه واليه يؤول الخلق ويرجع الامور وهو
ارحم الراحمين الا ان هذا اليوم يوم جعله الله لكم عيدا وهو سيد ايامكم وافضل اعيادكم
وقد امركم الله في كتابه بالسعي فيه الى ذكره فلتعظم فيه رغبتكم ولتخلص نيتكم واكثروا فيه
من التضرع الى الله والدعاء ومسألة الرحمة والغفران فان الله يستجيب لكل مؤمن
دعاءه ويورد النار كل مستكبر عن عبادته قال الله تعالى ادعوني استجب لكم ان الذين
يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين واعلموا ان فيه ساعة مباركة لا يسئل الله
فيها عبد مؤمن خيرا الا اعطاه الله الجمعة واجبة على كل مؤمن الا الصبي والمرأة والعبد و
المريض غفر الله لنا ولكم سالف ذنوبنا وعصمنا واياكم من اقتراف الذنوب بقية اعمارنا ان
احسن الحديث وابلغ الموعظة كتاب الله اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم ان الله
هو السميع العليم و بعد الحضرت که میخواند قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون یا میخواند اذا زلزلت
الارض یا الهکم التکاثر یا والعصر یا انجه مداومت میفرمود قل هو الله بود بعد از ان می نشست اندکی
بعد برمیخواست و میفرمود الحمد لله نحمده ونستعينه ونؤمن به ونتوكل عليه ونشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله صلوات الله عليه وآله وسلامه و
مغفرته ورضوانه اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وصفيك صلوة نامية تامة
زاكية ترفع بها درجته وتبين بها فضيلته وصل على محمد وآل محمد كما صليت وباركت على
ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم عذب كفرة من اهل الكتاب والمشركين الذين
يصدون عن سبيلك ويجحدون آياتك ويكذبون رسلك اللهم خالف بين كلمتهم والق
الرعب في قلوبهم وانزل عليهم رجزك ونقمتك وبأسك الذي لا ترده عن القوم المجرمين اللهم
انصر جيوش المسلمين وسراياهم ومرابطيهم حيث كانوا من مشارق الارض ومغاربها انك
على كل شيء قدير اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات ولمن هو لاحق
بهم اجعل التقوى زادهم والجنة مآبهم والايمان والحكمة في قلوبهم واوزعهم ان يشكروا
نعمتك التي انعمت عليهم وان يوفوا بعهدك الذي عاهدتهم عليه اله الحق وخالق الخلق
آمين ان الله يأمر بالعدل والاحسان وايتاء ذي القربى وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي
يعظكم لعلكم تذكرون اذكروا الله فانه ذاكر لمن ذكره واسئلوه رحمته وفضله فانه لا يخيب عليه

عليه داع من المؤمنين دعاه ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
فی الزوائد الفوائد که جابر از حضرت امام محمد باقر روایت کرده که آنحضرت گفت حضرت امیر
المؤمنین میفرمود الحمد لله ذي القدرة والسلطان والرأفة والامتنان احمده على تتابع
النعم واعوذ به من العذاب والنقم واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له مخالفة للجاحدين
ومعاندة للمبطلين واقرارا بانه رب العالمين واشهد ان محمدا عبده ورسوله قفى به المرسلين
وختم به النبيين وبعثه رحمة للعالمين صلى الله عليه وآله اجمعين فقد اوجب الصلوة
عليه واكرم مثواه لديه واجمل احسانه اليه اوصيكم عباد الله بتقوى الله الذي هو
ولي ثوابكم واليه مردكم ومآبكم فبادروا بذلك قبل الموت الذي لا ينجيكم منه حصن
منيع ولا هرب سريع فانه وارد نازل وواقع عاجل وان تطاول الأمل وامتد المهل
فكل ما هو آت قريب ومن مهد لنفسه فهو المصيب فتزودوا رحمكم الله اليوم ليوم الممات
واحذروا اليم هول البيات فان عقاب الله عظيم وعذابه اليم نار تلهب ونفس تعذب و
شراب من صديد ومقامع من حديد اعاذنا الله واياكم من النار ورزقنا واياكم مرافقة
الابرار وغفر لنا ولكم جميعا انه هو الغفور الرحيم ان احسن الحديث وابلغ الموعظة كتاب الله
بعد از ان میفرمود اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و میخواند سوره والعصر و میگفت جعلنا الله وایاکم
ممن تسعهم رحمته ويشملهم عفوه ورأفته واستغفر الله لي ولكم بعد از ان می نشست اندکی بعد
برمیخواست و میفرمود الحمد لله الذي دنا في علوه وعلا في دنوه وتواضع كل شيء لجلاله واستسلم
كل شيء لعزته وخضع كل شيء لقدرته احمده مقصرا عن كنه شكره واؤمن به اذعانا
لربوبيته واستعينه طالبا لعصمته واتوكل عليه مفوضا اليه واشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له الها واحدا فردا صمدا وترا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا واشهد ان محمدا عبده
المصطفى ورسوله المجتبى وامينه المرتضى ارسله بالحق بشيرا ونذيرا وداعيا الى الله باذنه
وسراجا منيرا فبلغ الرسالة وادى الامانة ونصح الامة وعبد الله حتى اتاه اليقين فصلى الله
عليه في الاولين وصلى الله عليه في الآخرين وصلى الله عليه يوم الدين اوصيكم عباد الله
بتقوى الله والعمل بطاعته واجتناب معصيته فانه من يطع الله ورسوله فقد فاز فوزا
عظيما ومن يعص الله ورسوله فقد ضل ضلالا بعيدا وخسر خسرانا مبينا ان الله وملائكته
يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم صل على محمد عبدك

ورسولك افضل صلواتك على انبيائك واوليائك و مستحب است در قنوت اول كلمات فرج
بخواند و اين دعا كه از حضرت صادق مرويست اللهم صل على محمد وآل محمد كما هديتنا به اللهم
صل على محمد وآل محمد اللهم اجعلنا ممن اخترته لدينك وخلقته لجنتك لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب و در سجده بخواند اللهم اني
اسئلك لي ولوالدي ولاهل بيتي ولاخواني فيك اليقين والعفو والمعافاة والمغفرة والرحمة
والعافية في الدنيا والآخرة و نيز از آن حضرت عليه السلام مرويست كه در قنوت دوم بگويد
اللهم تم نورك فهديت فلك الحمد ربنا وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد ربنا وعظم
حلمك فعفوت فلك الحمد ربنا وجهك اكرم الوجوه وجاهك اكرم الجاه وجهتك خير
الجهات وعطيتك افضل العطيات واهنؤها تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن شئت
فلك الحمد وتجيب المضطر وتكشف الضر وتنجي من الكرب العظيم وتقبل التوبة وتشفي
السقيم وتعفو عن الذنب لا يجزي بالائك احد ولا يحصي نعمائك قول قائل اللهم
اليك شخصت الابصار ونقلت الاقدام ومدت الاعناق ورفعت الايدي ودعيت بالالسن
واليك سرهم ونجواهم في الاعمال ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت
خير الفاتحين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا وغيبة امامنا وقلة عددنا وكثرة عدونا
وشدة الفتن وتظاهر الزمان فافرج ذلك اللهم بعدل تظهره وامام حق تعرفه اله
الحق امين يا رب العالمين و بعد از فراغ از نماز جمعه دعاي چهل و ششم از صحيفه سجاديه كه حضرت
رسول بعد از برگشتن نماز عيدين و جمعه رو بقبله مي نشستند و مي خواندند اين است يا من يرحم
من لا يرحمه العباد و يا من يقبل من لا تقبله البلاد تا آخر از صحيفه سجاديه بخواند پس هر گاه فارغ
شود از گذاردن نماز ظهر هر گاه نماز جمعه نكند بخواند تعقيبات مشتركه كه ذكر شد و مختص بظهر را كه ذكر يافت
گذشت و بعد بگويد بنحويكه مختص بعقب ظهر جمعه است و آن اين است كه بخواند سوره حمد يكمرتبه و قل هو الله
احد هفت مرتبه و الحمد يكمرتبه و قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و الحمد يكمرتبه و قل اعوذ برب الناس
هفت مرتبه و بگويد بعد از آن اللهم اجعلني من اهل الجنة التي حشوها البركة وعمارها الملائكة
مع نبينا محمد صلى الله عليه وآله وابينا ابراهيم عليه السلام و نيز مرويست از حضرت ابي عبد الله
كه هر كه بخواند روز جمعه و پيش از گفتن سلام بعد الحمد هفت مرتبه و معوذتين هفت مرتبه و آخر سوره برائت لقد
جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل

فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم و آخر سوره حشر يعني از
لو انزلنا تا آخر سوره و پنج آيه از سوره آل عمران از ان في خلق السموات والارض تا قوله تعالى
كه انك لا تخلف الميعاد كفايت كرده مي شود از آن وقت جمعه تا جمعه ديگر از هر شري و بلائي و علتي
و ايضا مستحب است بعد از ظهر روز جمعه گذاردن دو ركعت نماز كه مرويست از ائمه كه هر كه بگذارد
نماز ظهر روز جمعه را و بگذارد بعد از آن دو ركعت نماز و بخواند در ركعت اولي الحمد و قل هو الله احد
هفت مرتبه و در ثانيه مانند آن و بگويد بعد از فارغ شدن از آن اللهم اجعلني من اهل الجنة التي
كه مذكور شد عبور نكند او را بليه و مبتلا نشود تا جمعه ديگر و جمع بكند خدا ميان او و ميان
محمد و ابراهيم عليهما السلام و نيز در اينوقت براي طلب فرزند نمازي نوشته بعد از اين در قسم دوم
يا نمازها نوشته خواهد شد پس بگذارد نماز عصر را باداب كه گذشت و بخواند تعقيبات مشتركه
و مختص آنرا كه مذكور شد در مقام و آنچه مختص بعصر روز جمعه است اين است كه مستحب است صد مرتبه
خواندن سوره انا انزلنا و صلوات فرستادن بحضرت پيغمبر هزار مرتبه اگر ممكن باشد والا صد مرتبه
بگويد اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم و بگويد هفت مرتبه اللهم صل على محمد وآل
محمد الاوصياء المرضيين بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك والسلام عليه وعليهم
وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته پس هفتاد مرتبه بگويد استغفر الله واتوب
اليه و نيز خواندن دعاي عشرات است كه در ادعيه صباح و مسا گذشت و نيز بعد از عصر روز
جمعه جماع كردن باعث اين است كه اگر فرزند شود از زنا پاك و مشهور باشد تتميم نماز نافله
و آن بيست ركعت است هر دو ركعت بيك سلام شمارده ركعت نافله ظهر و عصر يوميه و چهار ركعت
نافله مخصوص جمعه و از اين بيست ركعت شش ركعت را پيش از زوال بگذارد در حالتيكه سه حصه گذشته
باشد از آنكه شش ركعت باشد وقتي ميكند كه آفتاب پهن شده باشد بر زمين و شش ديگر وقتي
كه آفتاب بلند شده باشد و شش ديگر در وقت قريب بزوال و دو ركعت ديگر بعد از زوال و پيش از
بيست ركعت را بعد از نماز عصر بگذارد و بخواند ما بين ركعات ادعيه را كه حضرت امام زين العابدين
ميخواندند پس چون خواهد كه شش ركعت اول را بگذارد دو ركعت اول را بگذارد و ميگويد اللهم اني
اسئلك بحرمة من عاذ بك ولجأ الى عزك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا واهب العطايا
يا من سمى نفسه من جوده الوهاب صل على محمد وآل محمد المرضيين بافضل صلواتك وبارك
عليهم بافضل بركاتك والسلام عليه وعليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته

صل على محمد وآل محمد واجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني حلالا طيبا بما شئت وانى
شئت وكيف شئت فانه لا يكون الا ما شئت حيث شئت كما شئت پس دو رکعت دیگر بگذارد
وبگوید بعد از ان اللهم كما عصيتك واجترأت عليك فاني استغفرك لما تبت اليك منه
ثم عدت فيه واستغفرك لما وأيت الله على نفسي ولم اف به واستغفرك للمعاصي التي قويت
عليها بنعمتك واستغفرك لكل ما خالطني من كل خير اردت به وجهك فانك انت انت
وانا انا پس دو رکعت سیم بگذارد و بعد از ان بگوید اللهم اني ادعوك واسألك بما دعاك به ذو النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك وسألك وانا اسألك
ان تفرج لي كما فرجت عنه وادعوك اللهم بما دعاك به ايوب اذ مسه الضر فنادى اني مسني
الضر وانت ارحم الراحمين ففرجت عنه فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك و
سألك وانا اسألك ان تفرج لي كما فرجت عنه وادعوك بما دعاك به يوسف اذ فرق بينه وبين
اهله اذ هو في السجن ففرجت عنه فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك وسألك
وانا اسألك ان تستجيب لي كما استجبت له وفرج عني كما فرجت عنه وادعوك اللهم واسألك
بما دعاك به النبيون فاستجبت لهم دعوتهم وهم عبيدك وسألوك وانا اسألك ان تصلي على
محمد وآل محمد بافضل صلواتك وان تبارك عليهم بافضل بركاتك وان تفرج عني كما فرجت
عن انبيائك ورسلك وعبادك الصالحين پس سجده کن وبگو در ان سجده وجهي البالي الفاني لوجهك
الدائم الباقي سجد وجهي متعفرا في التراب لخالقه وحق له ان يسجد سجد وجهي الذليل الحقير لوجهك
العزيز الكريم سجد وجهي اللئيم الذليل لوجهك الكريم بعد از ان سر از سجده بردارد و دعا کند بهر حاجت
خواهد و هر گاه اراده کند که شش رکعت دوم بگذارد پس دو رکعت دیگر بگذارد و بگوید بعد از ان
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وآله و
اشهد ان الدين كما شرع والاسلام كما وصف والقول كما حدث ذكر الله محمدا وآل محمد بخير
وحياهم بالسلام اللهم صل على محمد وآل محمد بافضل صلواتك اللهم اردد على جميع خلقك
مظالمهم التي قبلي صغيرها وكبيرها في يسر منك وعافية وما لم تبلغه قوتي ولم تسعه
ذات يدي وما لم يقو عليه بدني فاده عني من جزيل ما عندك من فضلك حتى لا تخلف شيئا
منه تنقصه من حسناتي يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وعلى آل محمد المرضيين بافضل صلوا

صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك والسلام عليه وعليهم وعلى ارواحهم واجسادهم
ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل لي من امري فرجا ومخرجا
وارزقني حلالا طيبا واسعا بما شئت وانى شئت وكيف شئت فانه لا يكون الا ما
شئت حيث شئت كما شئت پس رکعت چهارم را بگذارد و بگوید بعد از ان یا من ارجوه لكل خير ويا من آمن
عقوبته عند كل عثرة ويا من يعطي الكثير بالقليل ويا من اعطى من سأله تحننا منه ورحمة
ويا من اعطى الكثير بالقليل ويا من اعطى من لم يسأله ومن لم يعرفه ومن لم يؤمن به تفضلا
وكرما صل على محمد وآل محمد واعطني بمسألتي اياك من جميع خير الدنيا والآخرة فانه
غير منقوص ما اعطيت وزدني من فضلك اني اليك راغب وصل على محمد وآل محمد
الاوصياء المرضيين بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك والسلام عليه وعليهم
وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد وآله واجعل لي
من امري فرجا ومخرجا وارزقني حلالا طيبا واسعا بما شئت وانى شئت وكيف شئت فانه
لا يكون الا ما شئت حيث شئت كما شئت پس بگذارد دو رکعت ششم را و بگوید اللهم انك
تعلم سري فصل على محمد وآل محمد واقبل سيدي ومولاي معذرتي وتعلم حاجتي
فصل على محمد وآله واعطني سؤلي وتعلم ما في نفسي فصل على محمد وآله واغفر لي ذنوبي
اللهم من ارادني بسوء فصل على محمد وآله واصرفه عني واكفني كيد عدوي فان عدوي
عدو آل محمد وعدو آل محمد عدو محمد وعدو محمد عدوك فاعطني سؤلي يا مولاي في عدوي
عاجلا غير آجل يا معطي الرغائب صل على محمد وآل محمد واعطني رغبتي فيما سألتك في
عدوك يا ذا الجلال والاكرام يا الهي الها واحدا لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد
الطاهرين وائتني الرخاء والسرور عاجلا غير آجل فصل على محمد واهل بيته المرضيين بافضل
صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك والسلام عليه وعليهم وعلى ارواحهم واجسادهم
ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل لي من لدنك فرجا ومخرجا و
ارزقني حلالا طيبا واسعا بما شئت وكيف شئت وانى شئت فانه لا يكون الا ما شئت حيث
شئت كما شئت پس هر گاه خواهد که شش رکعت سیم را بگذارد پس بگذارد دو رکعت را و بعد از ان بگوید
اللهم انت السلام لا بين الا وداعك واحضرهم لكفاية المتوكلين عليك تشاهدهم في ضمائرهم
وتطلع على سرائرهم وتحيط بمبالغ بصائرهم وسري اللهم اليك مكشوف وانا اليك ملهوف

إذا أوحشتني الغربة آنسني ذكرك وإذا أكثرت عليّ الهموم لجأت إلى الاستجارة بك علماً بأن
أزمّة الأمور بيدك ومصدرها عن قضائك خاضعاً لحكمك اللهم إن عميت عن مسألتك
أو عمهت عنها فلست ببدع من ولايتك ولا بوتر من آياتك اللهم إنك أمرت بدعائك
وضمنت الإجابة لعبادك ولن يخيب من فزع إليك برغبته وقصد إليك بحاجته ولم ترجع
يد طالبة صفراً من عطائك ولا خائبة من نحل هباتك وأي راحل أمّك فلم يجدك قريباً
أو أي وافد وفد إليك فاقتطعته عوائق الرد دونك بل أي مستحفر بفضلك لم ينل من فيض
جودك وأي مستنبط لمزيدك أكدى دون استماحة سجال عطيتك اللهم وقد قصدت إليك
بحاجتي وقرعت باب فضلك يد مسألتي وناجاك بخشوع الاستكانة قلبي وعلمت ما يحدث
من طلبتي قبل أن يخطر ببالي أو يقع في صدري فصل على محمد وآله وصل اللهم دعائي بإجابتك
واشفع مسألتي بالنجح حوائجي يا أرحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله پس بگذارد دو رکعت دیگر را
و بعد از آن بگوید یا من أرجوه لكل خير ويا من أمن سخطه عند كل عثرة يا من يعطي الكثير بالقليل يا من أعطى
من سأله تحنّناً منه ورحمة يا من أعطى من لم يسأله ومن لم يعرفه وصل على محمد وعلى آل محمد و
أعطني بمسألتي إياك جميع سؤلي واصرف عني شر الدنيا والآخرة يا ذا المنّ ولا يُمنّ عليه يا ذا الجود
والمنّ والطول والنعيم صل على محمد وآل محمد وأعطني سؤلي واكفني جميع المهم من أمر الدنيا
والآخرة پس بگذارد دو رکعت دیگر را و بعد از آن بگوید یا ذا المنّ لا منّ علیك یا ذا الطول لا إله
إلا أنت يا أمان الخائفين وظهر اللاجين وجار المستجيرين إن كان في أم الكتاب عندك
أني شقي أو محروم أو مقتر عليّ رزقي فامح من أم الكتاب شقائي وحرماني واكتبني عندك سعيداً
موفقاً للخير موسعاً في رزقي إنك قلت في كتابك المنزل على نبيك المرسل صلى الله عليه
وآله يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده أم الكتاب وقلت ورحمتي وسعت كل شيء وأنا شيء
فلتسعني رحمتك يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآله ومنّ عليّ بالتوكل عليك والتسليم
لأمرك والرضا بقدرك حتى لا أحب تعجيل ما أخرت ولا تأخير ما عجلت يا رب العالمين
پس هرگاه ... بگذارد دو رکعت نماز را یعنی از جمله بیست رکعت و بعد از آن بگوید
اللهم إني أتقرب إليك بجودك وكرمك وأتشفع إليك بمحمد عبدك ورسولك وأسألك
أن تصلي على محمد عبدك ورسولك وأسألك أن تصلي على ملائكتك المقربين وأنبيائك
المرسلين وأن تقيلني عثرتي وتستر عليّ ذنوبي وتغفرها لي وتقضي لي اليوم حاجتي ولا تعذبني

تعذبني بقبيح عملي فإن عفوك وجودك يسعني پس بگوید صد مرتبه سبحان ربي وبحمده وأستغفر
ربي وأتوب إليه سوم صلاة مرغبات و آن نمازهایی است که ترغیب نموده اند در روز
جمعه کردن آنها را و از آنجمله نماز سید مرسلین است که در زاد المعاد بسند معتبر از حضرت امام رضا
روایت کرده است و آن دو رکعت است در هر رکعتی حمد یکبار و إنا أنزلناه پانزده بار و در هریك از
قیام و رکوع و بعد از سر برداشتن از آن و در سجده اول و بعد از سر برداشتن از آن و سجده دوم و بعد از
سر برداشتن از آن و چون سلام دهد هر گناهی که مابین او و خدا باشد آمرزیده شود و هر حاجتی
که بطلبد روا کرده شود و بعد از آن ایضاً بخواند لا إله إلا الله ربنا ورب آبائنا الأولين لا إله
إلا الله إلهاً واحداً ونحن له مسلمون لا إله إلا الله لا نعبد إلا إياه مخلصين له الدين ولو
كره الكافرون لا إله إلا الله وحده وحده وأنجز وعده ونصر عبده وأعز جنده وهزم
الأحزاب وحده فله الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير اللهم أنت نور السموات
والأرض ومن فيهن فلك الحمد وأنت قيام السموات والأرض ومن فيهن فلك الحمد و
الحق ووعدك الحق وقولك الحق وإنجازك حق والجنة حق والنار حق اللهم لك أسلمت
وبك آمنت وعليك توكلت وبك خاصمت وإليك حاكمت يا رب يا رب يا رب اغفر
لي ما قدمت وما أخرت وأسررت وأعلنت أنت إلهي لا إله إلا أنت صل على محمد و
اغفر لي وارحمني وتب عليّ إنك أنت التواب الرحيم از آنجمله نماز حضرت امیر المؤمنین است
که نیز در همان کتاب بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق روایت کرده است
که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه مرتبه سوره
قل هو الله أحد بخواند و چون فارغ شود میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده باشد و
بعد از فراغ این تسبیح بخواند سبحان من لا تبيد معالمه سبحان من لا ينقص خزائنه سبحان
من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ينفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من
لا يشارك أحداً في أمره سبحان من لا إله غيره پس این دعا بخواند یا من عفا عن السيئات
ولم يجاز بها ارحم عبدك يا الله يا الله نفسي نفسي أنا عبدك بين يديك يا رباه إلهي
بكينونتك يا أملاه يا رحماناه يا غياثاه عبدك عبدك لا حيلة له يا منتهى رغبتاه يا
مجري الدم في عروق عبدك يا سيداه يا مالكاه أيا هو أيا هو يا رباه عبدك لا حيلة لي
ولا غنى بي عن نفسي ولا أستطيع لها ضراً ولا نفعاً ولا أجد من أصانعه تقطعت أسباب الخدائع

منی وا متحمل کل مظلون عنی او فردنی الدهر الیک الیک فمن بین یدیک هذا المقام یا الهی
بعلیک هذا کان کله مکیفات ما نع بی ولیت شعری کیف تقول لدعائی أتقول نعم
ام تقول لا فان قلت لا فیا ویلی یا ویلی یا ویلی یا عولی یا عولی یا عولی یا شقوتی یا شقوتی
یا شقوتی یا ذلی یا ذلی یا ذلی الی من و ممن او عند من او کیف او ماذا او الی ای شیء
الجأ ومن ارجوا ومن یجود علی بفضله حین ترفضنی یا واسع المغفرة وان قلت نعم کما هو
الظن بک والرجاء لک فطوبی لی وانا السعید وانا المسعود فطوبی لی انا المرحوم یا مترحم
یا مترئف یا متعطف یا متجبر یا متملک یا مقسط لا عمل لی مع نجاح حاجتی اسئلک باسمک
الذی جعلته فی مکنون غیبک واستقر عندک فلا یخرج منک الی شیء سواک اللهم بک
قبلک وبک وبه فانه اجل واشرف اسمائک لا شیء لی غیر هذا ولا احد اعود علی یا
کینون یا مکون یا من عرفنی نفسه یا من امرنی بطاعته یا من نهانی عن معصیته ویا
مدعو ویا مسئول یا مطلوبا الیه رفضت وصیتک التی اوصیتنی بها ولم اطعک
ولو اطعتک فیما امرتنی لکفیتنی ما قمت الیک فیه وانا مع معصیتی لک راج فلا تحل
بینی وبین ما رجوت یا مترحم لی اعذنی من بین یدی ومن خلفی ومن فوقی ومن تحتی
ومن کل جهات الاحاطة بی اللهم بمحمد سیدی وبعلی ولیی وبالائمة الراشدین علیهم
السلام اجعل علینا صلواتک ورأفتک ورحمتک واوسع علینا من رزقک واقض عنا
الدین وجمیع حوائجنا یا الله یا الله یا الله انک علی کل شیء قدیر پس حضرت فرمود که هر که این
نماز را بکند و بعد از آن این دعا را بخواند بجمیع گناهان او را خدا ... امرزیده شود - دیگر نماز حضرت
فاطمه است که بسند معتبر روایت شده و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره
انا انزلنا و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله و چون سلام دهد بگوید سبحان ذی
العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان
من لبس البهجة والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من یری اثر النمل فی
الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره ... روایت
وارد شده که تسبیح ... حضرت را بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
- دیگر - نماز حضرت امام حسن مجتبی ع در روز جمعه ... در ربیع الاول
ایراد شود چهار رکعت است در هر رکعت بیست و ... مرتبه سوره توحید بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین علیه

السلام نماز دیگر از آن حضرت در روز جمعه چهار رکعت است در هر رکعت بعد از سوره حمد پنجاه
مرتبه سوره توحید و از آنجمله نماز حضرت امام حسین ع نیز چهار رکعت است در هر رکعت سوره فاتحه
پنجاه مرتبه و سوره توحید پنجاه مرتبه و در رکوع فاتحه و توحید هر یک ده مرتبه و چون سر از رکوع بردارد
هر یک را ده مرتبه و هم چنین در سجده اولی و در ما بین السجدتین و در سجده دوم هر یک ده مرتبه و چون از
چهار رکعت فارغ شود و سلام بگوید این دعا بخواند اللهم انت الذی استجبت لآدم وحواء
اذ قالا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین وناداک نوح فاستجبت
له ونجیته واهله من الکرب العظیم واطفأت نار نمرود عن خلیلک ابراهیم فجعلتها بردا و
سلاما وانت الذی استجبت لایوب اذ ناداک ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین
فکشفت ما به من ضر وآتیته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندک وذکری لاولی الالباب و
انت الذی استجبت لذی النون حین ناداک من الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین فنجیته من الغم وانت الذی استجبت لموسی وهرون دعوتهما حین قلت قد اجیبت
دعوتکما فاستقیما واغرقت فرعون واهله وغفرت لداود ذنبه وتبت علیه رحمة منک
وذکری وفدیت اسمعیل بذبح عظیم بعد ما اسلم وتله للجبین فنادیته بالفرج والروح و
انت الذی ناداک زکریا نداء خفیا فقال رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیبا
ولم اکن بدعائک رب شقیا وقلت یدعوننا رغبا ورهبا وکانوا لنا خاشعین وانت الذی
استجبت للذین آمنوا وعملوا الصالحات لتزیدهم من فضلک فلا تجعلنی من اهون الداعین
لک والراغبین الیک واستجب لی کما استجبت لهم بحقهم علیک فطهرنی بتطهیرک وتقبل
صلوتی ودعائی بقبول حسن وطیب بقیة حیوتی وطیب وفاتی واخلفنی فیمن اخلف و
احفظنی یا رب بدعائی واجعل ذریتی ذریة طیبة تحوطها بحیاطتک بکل ما حطت به ذریة
احد من اولیائک واهل طاعتک برحمتک یا ارحم الراحمین یا من هو علی کل شیء رقیب ولکل
داع من خلقک مجیب ومن کل سائل قریب اسئلک یا لا اله الا انت الحی القیوم الاحد
الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد وبکل اسم رفعت به سماءک وفرشت
ارضک وارسیت به الجبال واجریت به الماء وسخرت به السحاب والشمس والقمر والنجوم
واللیل والنهار وخلقت الخلائق کلها اسئلک بعظمة وجهک العظیم الذی اشرقت له السموات
والارض فاضاءت به الظلمات الا صلیت علی محمد وآل محمد وکفیتنی امر معاشی ومعادی و

اصلحت لی شأنی کله ولم تکلنی الی نفسی طرفة عین واصلحت امری وامر عیالی وکفیتنی همهم
واغنیتنی وایاهم من کنزک وخزائنک وسعة فضلک الذی لا ینفد ابدا واثبت فی قلبی
ینابیع الحکمة التی تنفعنی بها من ارتضیت من عبادک واجعل لی من المتقین فی آخر الزمان
اماما کما جعلت ابراهیم الخلیل اماما فان بتوفیقک یفوز الفائزون ویتوب التائبون و
یعبدک العابدون وبتسدیدک یصلح الصالحون المحسنون المخبتون العابدون لک الخائفون
منک وبارشادک نجی الناجون من نارک واشفق منها المشفقون من خلقک وبخذلانک
خسر المبطلون وهلک الظالمون وغفل الغافلون اللهم آت نفسی تقویها فانت ولیها و
مولاها وانت خیر من زکیها اللهم بین لها هداها والهمها تقویها وبشرها برحمتک حین تتوفیها
ونزلها من الجنان علیاها وطیب وفاتها ومحیاها واکرم منقلبها ومثواها ومستقرها ومأویها
فانت ولیها ومولاها - دیگر نماز حضرت امام زین العابدین ع بروایت سید چهار رکعت است
در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه صد مرتبه سورهٔ توحید - دیگر نماز حضرت امام محمد باقر ع بروایت
سید دو رکعت است در هر رکعت سورهٔ فاتحه یکمرتبه وبعد از آن صد مرتبه سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر - دیگر نماز حضرت امام جعفر صادق ع بروایت سید دو رکعت است در هر
رکعت فاتحه یکمرتبه وآیهٔ شهد الله صد مرتبه - دیگر نماز حضرت امام موسی کاظم ع بروایت سید
دو رکعت است در هر رکعت فاتحه یکبار وسورهٔ توحید دوازده بار - دیگر نماز حضرت امام رضا ع
شش رکعت است در هر رکعت فاتحه یکبار وسورهٔ هل اتی ده بار - دیگر نماز حضرت جواد ع دو رکعت
در هر رکعت فاتحه یکبار وسورهٔ توحید هفتاد بار - دیگر نماز حضرت علی نقی ع دو رکعت است در رکعت
اول بعد از فاتحه سورهٔ یس ودر رکعت دوم سورهٔ الرحمن - دیگر نماز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
چهار رکعت است در دو رکعت اول بعد از حمد پانزده بار اذا زلزلت ودر دو رکعت دوم بعد از حمد پانزده
بار توحید - دیگر نماز حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه دو رکعت است در هر رکعت فاتحه را تا
ایاک نعبد وایاک نستعین این آیه را صد بار بخوانند ودر مرتبه آخر سوره را تمام کنند پس سورهٔ توحید یکبار بخوانند
چون از نماز فارغ شود این دعا بخواند اللهم عظم البلاء وبرح الخفاء وانکشف الغطاء و
ضاقت الارض بما وسعت السماء والیک یا رب المشتکی وعلیک المعول فی الشدة والرخاء
اللهم صل علی محمد وآل محمد الذین امرتنا بطاعتهم وعجل اللهم فرجهم بقائمهم واظهر اعزازه یا
محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیای یا محمد یا علی یا علی یا محمد انصرانی فانکما ناصرای

یا مولای یا محمد یا علی یا علی یا محمد احفظانی فانکما حافظای سه مرتبه بگوید یا مولای یا صاحب
الزمان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی الامان الامان الامان
دیگر نماز جعفر طیار است فضائل این نماز بسیار وثواب بیشمار واین نماز سنت مؤکد است
ودر هر روز میتوان کرد لیکن افضل روز جمعه است واین نماز چهار رکعت است بدو تشهد ودو سلام
در رکعت اول حمد واذا زلزلت ودر رکعت دوم حمد والعادیات ودر سوم حمد واذا جاء نصر الله
ودر چهارم حمد وقل هو الله ودر روایتی آمده که در هر رکعت حمد واخلاص بخوانند ودر روایت دیگر در هر رکعت
اخلاص وقل یا ایها الکافرون وبهر تقدیر چون از قرائت فارغ شود در هر رکعت سبحان الله و
الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر هفتاد و پنج مرتبه بگوید باین وجه که پانزده بار بعد از قرائت
بخواند وده بار در رکوع وده بار در سر برداشتن از رکوع وده بار در هر کدام از دو سجده وده بار در سر
برداشتن از آن ودر هر دو رکعت تشهد وسلام بگوید ودر آخر سجدهٔ رکعت چهارم بعد از تسبیح بگوید سبحان
من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان
من احصی کل شئ علمه سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والکرم اللهم انی اسئلک
بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک واسمک الاعظم وکلماتک التامة التی
تمت صدقا وعدلا صل علی محمد واهل بیته پس حاجت خود را ذکر کند وچون از نماز فارغ شد
تعقیب وتسبیح زهرا ع بگوید شیخ وسید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت
امام جعفر صادق ع نماز جعفر را بجا آورد پس این دعا خواندند یا رب یا رب بقدر یکنفس و بگوید
یا رباه بقدر یکنفس رب رب باز بقدر یکنفس یا الله یا الله باز بقدر یکنفس یا رحیم یا رحیم بقدر
یکنفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه پس این دعا بخواند اللهم انی
افتتح القول بحمدک وانطق بالثناء علیک وامجدک ولا غایة لمدحک واثنی علیک ومن
یبلغ غایة ثنائک وامد مجدک وانی لخلیقتک کنه معرفة مجدک وای زمن لم تکن
ممدوحا بفضلک موصوفا بمجدک عوادا علی المذنبین بحلمک تخلف سکان ارضک عن طاعتک
فکنت علیهم عطوفا بجودک جوادا بفضلک عوادا بکرمک یا لا اله الا انت المنان ذو الجلال
والاکرام پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجت ضروری بوده باشد نماز جعفر بکن واین
دعا را بخوان وحوائج خود را از خدا طلب کن که بر آورده میشود انشاء الله - وشیخ بعد از این نماز بروایت
شیخ وسید رحمهما الله که ملا محمد باقر طاب ثراه در زاد المعاد ایراد نموده سبحان من لبس العز و

الوقار وتردّى سبحان من تعطّف بالمجد وتكرّم به سبحان من لا ينبغي التسبيح الّا له جلّ
جلاله سبحان من احصى كلّ شيء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذي المنّ والنعم سبحان
ذي القدرة والكرم اللهمّ انّي اسألك بمعاقد العزّ من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي تمّت صدقاً وعدلاً ان تصلّي على محمد وآل محمد
الطيبين الطاهرين وان تجمع لي خير الدنيا والآخرة بعد عمر طويل اللهمّ انت الحيّ القيّوم
العليّ العظيم الخالق الرازق المحيي المميت البديء البديع لك الكرم ولك المجد ولك المنّ
ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد و
لم يكن له كفواً احد يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفوّ يا غفور يا ودود
يا شكور انت اربّ بي من ابي وامّي فارحم بي من ضنى ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهمّ انّي
صلّيت هذه الصلاة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك
وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهمّ فصلّ على محمد وآل محمد وارفعها في عليّين وتقبّلها منّي
واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجوا منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنّة
وما جمعت من انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من النار وغفران
ذنوبي وذنوب والديّ وما ولدا وجميع اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين و
المسلمات الاحياء منهم والاموات وان تستجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردّني خائباً
خاسراً واقلبني منجحاً مفلحاً مرحوماً مستجاباً دعائي مغفوراً لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم
قد عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين
بالرحمة يا نفّاحاً بالخيرات يا معطي المسؤولات يا فكاك الرقاب من النار صلّ على محمد وآل
محمد وفكّ رقبتي من النار واعطني سؤلي واستجب دعائي وارحم صرختي وتضرّعي وندائي
واقض لي حوائجي كلّها للدنيا والآخرة وديني ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة
ولا تردّني خائباً خاسراً واقلبني مفلحاً منجحاً مستجاباً لي دعائي مغفوراً لي مرحوماً يا ارحم الراحمين
يا محمد يا ابا القاسم يا رسول الله يا علي يا امير المؤمنين انا عبدكما ومولاكما غير مستنكف ولا مستكبر
بل خاضع ذليل عبد مقرّ متمسّك بحبلكما واتوسّل الى الله بكما واقدّمكما بين يدي حوائجي الى الله
جلّ وعزّ فاشفعا لي في فكاك رقبتي من النار وغفران ذنوبي واجابة دعائي اللهمّ فصلّ
على محمد وآله وتقبّل دعائي واغفر لي يا ارحم الراحمين و از آنجمله نماز كاملست جهت دفع بلاهاى

دفع بلاهاي آسمان و زمين كه در كتاب مصباح المتهجد ايراد نموده و در روايت از حضرت امير المؤمنين ع
رسانيده كه حضرت رسالت پناه صلّى الله عليه وآله فرمود كه هر كه بگذارد چهار ركعت نماز را در روز جمعه
پيش از نماز و بجا آورد در هر ركعت سورة الحمد ده مرتبه و قل اعوذ برب الناس ده مرتبه و قل اعوذ برب الفلق
ده مرتبه و قل هو الله احد ده مرتبه و قل يا ايها الكافرون ده مرتبه و آية الكرسي ده مرتبه و در روايت ديگر
انا انزلناه ده مرتبه و آية شهد الله ده مرتبه پس هرگاه فارغ شود از نماز استغفار كند صد بار پس
بگويد سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اكبر ولا حول ولا قوّة الّا بالله العليّ
العظيم صد مرتبه و صلوات بفرستد بر پيغمبر صد مرتبه دفع كند خداي تعالى از او شر اهل آسمان
و شر اهل زمين را تا تمام الخبر و اين نماز را در هر وقت كه شب و روز بجاى توان آورد و هر كدام از
نوافل را بنيه حساب توان نمود و اگر مستعجل باشد ترك تسبيحات كرده اقتصار بر قرائت سورها
توان نمود و بعد از آن تسبيحات را قضا كند ديگر نماز اعرابي از زيد بن ثابت روايت است كه اعرابي
بخدمت حضرت نبوي ع آمد و گفت پدر و مادرم فداي تو شود يا رسول الله ميباشيم در اين باديه دور از
مدينه طيبه دور و هر جمعه نزد شما نتوانيم آمد ما را راهي نماي بر عملي كه در آن عمل فضل نماز جمعه را
دريابيم و چون نزديك اهل خود برويم ايشان را خبر دهيم حضرت رسول ع فرمود اي اعرابي چون روز
بلند شود دو ركعت نماز كن در ركعت اول الحمد يكبار و قل اعوذ برب الفلق هفت بار و در ركعت دوم
حمد يكبار و قل اعوذ برب الناس هفت بار و چون سلام دهي هفت مرتبه آية الكرسي بخوان پس
برخيز و هشت ركعت نماز كن بدو سلام در هر ركعتي يكبار الحمد و يكبار اذا جاء نصر الله و بيست و پنج
مرتبه قل هو الله بخوان و چون از نماز فارغ شوي هفتاد بار بگو سبحان الله رب العرش الكريم لا حول
ولا قوّة الّا بالله العليّ العظيم قسم بآن خدايي كه مرا برگزيد به پيغمبري كه هيچ مؤمن و مؤمنه نباشد
كه در روز جمعه اين نماز را بكند مگر آنكه من ضامنم براي او بهشت را و از جاي خويش برنخيزد تا حق
تعالى گناهان او و پدر و مادر او را بيامرزد ديگر نماز حاجتست كه در مصباح ايراد نموده براي
حاجت مرويست از حضرت ابي عبد الله ع كه هرگاه روى دهد كسي را حاجتي بسوى خدا به روزه بدارد
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و غسل كند در روز جمعه و بپوشد جامه پاكيزه پس بالا رود بر
بلندترين جاي خانه خود و بعد از آن دراز كند دست خود را بسوى آسمان و بگويد اللهمّ انّي حللت
بساحتك لمعرفتي بوحدانيّتك وصمدانيّتك وانّه لا قادر على قضاء حاجتي غيرك وقد
علمت يا ربّ انّه كلّما تشاهدت نعمتك عليّ اشتدّت فاقتي اليك وقد طرقني يا ربّ من

مهم امري ما قد عرفته لانك عالم غير معلم فاسئلك بالاسم الذي وضعته على السموات
فانشقت وعلى الارضين فانبسطت وعلى النجوم فانتشرت وعلى الجبال فاستقرت و
اسألك باسمك الذي جعلته عند محمد وعند علي وعند الحسن وعند الحسين وعند الائمة
كلهم صلوات الله عليهم اجمعين ان تصلي على محمد وال محمد وان تقضي لي يا رب حاجتي و
تيسر لي عسيرها وتكفيني مهمها وتفتح لي قفلها فان فعلت فلك الحمد غير جائر في حكمك
ولا متهم في قضائك ولا حائف في عدلك بعد از آن بخاک رخساره راست خود را بر زمین گذار و بگو
اللهم ان يونس بن متى عبدك نبيك دعاك في بطن الحوت بدعاء هذا فاستجبت له و
انا ادعوك فاستجب لي بحق محمد وآل محمد عليك و دعا کن بانچه خواهي و از جمله از مستجاب جمعه
دعاست و ان بیلاست دهبه سفر بی هفته خواندن این دعا که در صحیفه علوی از حضرت علی ع
منقولست بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي لا من شيء كان ولا من شيء كون
ما قد كان مستشهد بحدوث الاشياء على ازليته وبما وسمها به من العجز على قدرته
وبما اضطرها اليه من الفناء على دوامه لم يخل منه مكان فيدرك باينيته ولا له شبح
مثال فيوصف بكيفيته ولم يغب عن شيء فيعلم بحيثيته مباين لجميع ما احدث في الصفات
ممتنع عن الادراك بما ابتدع من تصرف الذوات وخارج بالكبرياء والعظمة من جميع تصرف
الحالات محرم على بوارع ثاقبات الفطن تحديده وعلى عوامق ثاقبات الفكر تكييفه
وعلى غوائص سابحات النظر تصويره ولا تحويه الاماكن لعظمته ولا تذرعه المقادير
لجلاله ولا تقطعه المقائيس لكبريائه ممتنع عن الاوهام ان تكتنهه وعن الافهام ان
تستغرقه وعن الاذهان ان تمثله قد يئست عن استنباط الاحاطة به طوامح العقول
ونضبت عن الاشارة اليه بالاكتناه بحار العلوم ورجعت بالصغر عن السمو الى
وصف قدرته لطائف الخصوم واحد لا من عدد ودائم لا بامد وقائم لا بعمد ليس
بجنس فتعادله الاجناس ولا بشبح فتضارعه الاشباح ولا كالاشياء فتقع عليه الصفات
قد ضلت العقول في امواج تيار ادراكه وتحيرت الاوهام عن احاطة ذكر ازليته و
حصرت الافهام عن استشعار وصف قدرته وغرقت الاذهان في لجج افلاك ملكوته
مقتدر بالالاء ممتنع بالكبرياء ومتملك على الاشياء فلا دهر يخلقه ولا وصف يحيط
به قد خضعت له رقاب الصعاب في محل تخوم قرارها واذعنت له رواصن الاسباب

الاسباب في منتهى شواهق اقطارها مستشهد بكلية الاجناس على ربوبيته وبعجزها على
قدرته وبفطورها على قدمته وبزوالها على بقائه فلا لها محيص عن ادراكه اياها ولا
خروج عن احاطته بها ولا احتجاب عن احصائه لها ولا امتناع من قدرته عليها كفى باتقان
الصنع له آية وبتركيب الطبع عليه دلالة وبحدوث الفطر عليه قدمة وباحكام
الصنعة عليه عبرة فلا اليه حد منسوب ولا له مثل مضروب ولا شيء عنه محجوب
تعالى عن ضرب الامثال له والصفات المخلوقة علوا كبيرا وسبحان الله الذي خلق الدنيا
للفناء والبيود والاخرة للبقاء والخلود وسبحان الله الذي لا ينقصه ما اعطى فاسنى وان جاد
المدى في المنى وبلغ الغاية القصوى ولا يجور في حكمه اذا قضى وسبحان الله الذي لا يرد
ما قضى ولا يصرف ما امضى ولا يمنع ما اعطى ولا يهفو ولا ينسى ولا يعجل بل يمهل و
يعفو ويغفر ويرحم ويصبر ولا يسئل عما يفعل وهم يسئلون ولا اله الا الله الشاكر للمطيع له
المملي للمشرك به القريب ممن دعاه على حال بعدها والبر الرحيم بمن لجأ الى ظله واعتصم بحبله
ولا اله الا الله المجيب لمن ناداه باخفض صوته السميع لمن ناجاه لاغمض سره الرؤوف
بمن رجاه لتفريج همه القريب ممن دعاه لتنفيس كربه وغمه ولا اله الا الله الحليم عمن الحد
في آياته وانحرف عن بيناته ودان بالجحود في كل حالاته والله اكبر القاهر للاضداد
المتعالي عن الانداد المتفرد بالمنة على جميع العباد والله اكبر المحتجب بالملكوت والعزة
المتوحد بالجبروت والقدرة المتردي بالكبرياء والعظمة والله اكبر المتقدس بدوام
السلطان والغالب بالحجة والبرهان ونفاذ المشية في كل حين واوان اللهم صل على
محمد عبدك ورسولك واعطه اليوم افضل الوسائل واشرف العطاء واعظم الحباء
والمنازل واسعد الجدود واقر الاعين اللهم صل على محمد وال محمد الذين امرت بطاعتهم
واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم صل على محمد وال محمد الذين الهمتهم
علمك واستحفظتهم كتبك واسترعيتهم عبادك اللهم صل على محمد عبدك ورسولك
وحبيبك وخليلك وسيد الاولين والاخرين من الانبياء والمرسلين والخلق اجمعين وعلى
آله الطيبين الذين امرت بطاعتهم واوجبت علينا حقهم ومودتهم اللهم اني اسألك
سؤال وجل من انتقامك حاذر من نقمتك فزع اليك منك لم يجد لفاقته مجيرا غيرك و
لا لأمنه غير فنائك وتطولك سيدي ومولاي على طول معصيتي لك اقصد اليك وان

كان سبقتني الذنوب وحالت بيني وبينك لانك عماد المعتمد ورصد المرتصد لا تنقصك
المواهب ولا يغيظك المطالب فلك المنن العظام والنعم الجسام يا من لا تنقص خزائنه
ولا يبيد ملكه ولا تراه العيون ولا تعزب منه حركة ولا سكون لم تزل ولا تزال
لا يواري عنك متوار في كن ولا سماء ولا نجوم تكفلت بالارزاق يا رزاق وتقدست
عن تناول الصفات وتعززت ان تحيط بك تصاريف اللغات ولم تكن مستحدثا
فتوجد متنقلا عن حالة الى حالة بل انت الفرد الاول والآخر ذو العز القاهر جزيل
العطاء سابغ النعماء احق من تجاوز وعفى عمن ظلم واساء بكل لسان الهي نحمد وفي الشدة
عليك نعتمد فلك الحمد والمجد لانك المالك الابد والرب السرمد اتقنت انشاء البرايا
فاحكمتها بلطف التقدير وتعاليت في ارتفاع شانك عن ان ينفذ فيك حكم التغيير او يحتال
منك بحال يصفك به الملحد الى تبديل او يوجد في الزيادة والنقصان مساغ في اختلاف
التحويل او يلتثق سحاب الاحاطة بك في بحور همم الاحلام او تمثل لك منها جبلة تضل
فيها رويات الاوهام فلك مولاي انقاد الخلق مستخذين باقرار الربوبية ومعترفين خاضعين
بالعبودية سبحانك ما اعظم شانك واعلى مكانك وانطق بالصدق برهانك و
انفذ امرك واحسن تقديرك سمكت السماء فرفعتها ومهدت الارض ففرشتها واخرجت
منها ماء ثجاجا ونباتا رجراجا فسبحك نباتها وجرت بامرك مياهها وقاما على المستقر
المشية كما امرتهما فيا من تعزز بالبقاء وقهر عباده بالفناء اكرم مثواي فانك خير منتجع
لكشف الضر يا من هو مامول في كل عسر ومرتجى لكل يسر بك انزلت اليوم حاجتي و
اليك ابتهلت فلا تردني خائبا مما رجوت ولا تحجب دعائي عنك اذ فتحته لي فدعوت و
صل على محمد وآل محمد وارزقني من فضلك الواسع رزقا واسعا سائغا حلالا طيبا هنيئا
مريئا لذيذا في عافية اللهم اجعل خير ايامي يوم القاك واغفر لي خطاياي فقد اوحشتني و
تجاوز عن ذنوبي فقد اوبقتني فانك مجيب مثيب رقيب قريب قادر غافر قاهر رحيم كريم قيوم
وذلك عليك يسير وانت احسن الخالقين اللهم افترضت علي للآباء والامهات حقوقا
فعظمتهن وانت من حط الاوزار وخففها وادى الحقوق عن عبيده فاحتملهن عني اليهما
واغفر لهما كما رجاك كل موحد مع المؤمنين والمؤمنات والاخوة والاخوات والحقنا واياهم
بالابرار وابح لنا ولهم جنانك مع النجباء الاخيار انك سميع الدعاء وصلى الله على النبي محمد

محمد وعترته وسلم تسليما دیگر خواندن این دعاست از ادعیه ملحقات صحیفه سجادیه است
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الاول قبل الانشاء والاحياء والآخر بعد فناء الاشياء
والعليم الذي لا ينسى من ذكره ولا ينقص من شكره ولا يخيب من دعاه ولا يقطع رجاء من
رجاه اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد جميع ملائكتك وسكان سمواتك وحملة
عرشك ومن بعثت من انبيائك ورسلك وانشات من اصناف خلقك اني اشهد
انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك ولا عديل ولا خلف لقولك ولا تبديل
وان محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك ادى ما حملته الى العباد وجاهد في الله
عز وجل حق الجهاد وانه بشر بما هو حق من الثواب وانذر بما هو صدق من العقاب اللهم
ثبتني على دينك ما احييتني ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك
انت الوهاب صل على محمد وآل محمد واجعلني من اتباعه وشيعته واحشرني
في زمرته ووفقني لاداء فرض الجمعات وما اوجبت علي فيها من الطاعات وقسمت لاهلها
من العطاء في يوم الجزاء انك انت العزيز الحكيم دیگر خواندن این دعاست که در مصباح
متهجد از حضرت امام موسی کاظم ع نقل شده مرحبا بخلق الله الجديد وبكما من كاتبين و
شاهدين اكتبا رحمكما الله بسم الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله وان الاسلام كما وصف والدين كما شرع وان الكتاب كما انزل
والقول كما حدث وان الله هو الحق المبين وصلوات الله وبركاته وشرائف تحياته وصلواته
على محمد وآله اصبحت في امان الله الذي لا يستباح وفي ذمة الله التي لا تخفر وفي جوار
الله الذي لا يضام وكنفه الذي لا يرام وجار الله آمن محفوظ ما شاء الله كل نعمة
من الله لا ياتي بالخير الا الله ما شاء الله نعم القادر الله ما شاء الله توكلت على الله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده
الخير وهو على كل شيء قدير اللهم اغفر لي كل ذنب يحبس رزقي ويحجب مسالتي ويقصر بي
عن بلوغ مسالتي [illegible] بوجهك الكريم اللهم اغفر لي وارزقني وارحمني واجبرني وعافني
واعف عني وارفعني واهدني وانصرني والق في قلبي الصبر والنصر يا مالك الملك فانه
لا يملك ذلك غيرك اللهم مصرف القلوب غفار الذنوب خذ بسمعي وقلبي ووجهي وبصري
اليك فلا تجعل شيئا من ذلك مصروفا عنك ولا منتهى له دونك اللهم وما كتبت علي من خير

فوقني وامدني له ومن علي به كله واعني وثبتني عليه واجعله احب الي من غيره وآثر
عندي مما سواه وزدني من فضلك اللهم اني اسألك رضوانك والجنة واعوذ بك
من سخطك والنار واسألك النصيب الاوفر في جنات النعيم اللهم طهر لساني من الكذب
وقلبي من النفاق وعملي من الرياء وبصري من الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين وما تخفي
الصدور اللهم ان كنت عندك محروما مقترا علي رزقي فامح حرماني وتقتير رزقي و
اكتبني عندك مرزوقا موفقا للخير فانك قلت تباركت وتعاليت يمحو الله ما يشاء و
يثبت وعنده ام الكتاب اللهم وصل على محمد وآل محمد انك حميد مجيد دعاي تسبيح
روز جمعه است بسم الله الرحمن الرحيم سبحان من لبس العز وتأزر به سبحان من تعطف
بالمجد وتكرم به سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان من احصى كل شيء بعلمه سبحان
ذي الطول والفضل سبحان ذي المن والنعم سبحان ذي القدرة والكرم اللهم اني اسألك
العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وذكرك الاعلى وبكلماتك
التامة وتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك انك انت العزيز الحكيم يا ذا الجلال
والاكرام اسألك بما لا يعدله شيء من مسائلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
لي من امري فرجا ومخرجا وان توسع علي رزقي في يسر منك وعافية سبحان الحي الحليم
الكريم سبحان الباعث الوارث سبحان العلي العظيم سبحانه وبحمده اللهم صل على محمد
وآل محمد كما صليت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد حرز روز جمعه
بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم رب الملائكة
والروح والنبيين والمرسلين وقاهر من في السموات والارضين وخالق كل شيء ومالكه
كف عنا باس اعدائنا ومن اراد بنا سوءا من الجن والانس واعم ابصارهم وقلوبهم واجعل
بيننا وبينهم حجابا وحرسا ومدفعا انك ربنا لا حول ولا قوة لنا الا بالله عليه توكلنا واليه
انبنا وهو العزيز الحكيم ربنا عافنا من شر كل سوء ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها
ومن شر ما سكن في الليل والنهار ومن شر كل سوء ومن شر كل ذي شر رب العالمين
واله المرسلين صل على محمد وآله اجمعين واوليائك وخص محمدا وآله باتم ذلك ولا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بسم الله وبالله اومن وبالله اعوذ وبالله اعتصم وبالله
استجير وبعزة الله ومنعته امتنع من شياطين الانس والجن ومن رجلهم وخيلهم وركضهم

وركابهم وعطفهم ورجعتهم وكيدهم وشرهم وشر ما ياتون به تحت الليل وتحت النهار من
البعد والقرب ومن شر الغائب والحاضر والشاهد والزائر احياء واموانا اعمى وبصيرا
ومن شر العامة والخاصة ومن نفس ووسوستها ومن شر الدناهش والحس واللمس و
اللبس ومن عين الجن والانس وبالاسم الذي اهتز له عرش بلقيس واعيذ ديني ونفسي وجميع
ما تحوطه عنايتي من شر كل صورة وخيال او بياض او سواد او تمثال او معاهد ممن يسكن
الهواء والسحاب والظلمات والنور والظل والحرور والبر والبحور والسهل والوعور والخراب
والعمران والآكام والآجام والمغايض والكنائس والنواويس والفلوات والجبانات من
الصادرين والواردين ممن يبدو بالليل وينتشر بالنهار وبالعشي والابكار والغدو والآصال
والمريبين والاسامرة والافاتنة والفراعنة والابالسة ومن جنودهم وازواجهم و
عشائرهم وقبائلهم ومن همزهم ولمزهم ونفثهم ووقاعهم واخذهم وسحرهم وضربهم
وعبثهم ولمحهم واحتيالهم واخلافهم ومن شر كل ذي شر من السحرة والغيلان وام الصبيان
وما ولدوا وما وردوا ومن شر كل ذي شر داخل وخارج وعارض ومتعرض وساكن ومتحرك
وضربان عرق وصداع وشقيقة وام ملدم والحمى المثلثة والربع والغب والنافضة
والصالبة والداخلة والخارجة ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم
وصلى الله على محمد وآل محمد وسلم كثيرا ديگر از جمله ماثورات ومستحبات دعاي عشرات
كه در ادعيه صباح ومسا گذشت ديگر دعاي سمات است كه متضمن اسرار مكنونات ومستلزم
حصول مقاصد ومسئولات است وان دعاييست عظيم المرتبه جليل المنزله مشتمل بر فوائد بسيار
واخرت سمات بكسر سين جمع سمه يعني علامات است وچون از فقرات آن علامت استجابت دعا ظاهر است
مسمى باين اسم گرديده واين دعا از عثمان بن سعيد عمري وكيل حضرت امام حسن عسكري بروايت رسيده
واز حضرت امام محمد باقر مرويست كه فرمود بدرستيكه اين دعا از جمله مخزون علم ومخزونات
پس دعا كنيد باو از براي حوائج خود وظاهر نسازيد اورا از براي سفها وكودكان وظالمين ومنافقين
وايضا از آنحضرت مرويست اگر مردمان بدانند آنچه ما ميدانيم از سرها وثوابها هر آينه بشمشير جنگ كنند
واگر سوگند ياد كنم كه اسم اعظم خداي تعالى در اين دعاست سوگند راست خورده ام پس دعا
كنيد باين دعا كه رد نمي شود وبزودي باجابت ميرسد وبعضي گفته اند كه براي هر مهمي وحاجتي
كه داشته باشد در هر راه ومقصد كه او را پيش آيد در وقت بيرون رفتن [illegible]

داشته باشد یا سلطانی که از او بترسد بخواند که انشاء الله تعالی بعنایت جلیل القدر و سریع
الاجابت است و هر که عاجز باشد از خواندن این دعا با خود بدارد که از شر دشمنان و ارباب سلاطین
ایمن گردد و سبب روائی حاجات شود بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم
الاعظم الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت به علی مغالق ابواب السماء
للفتح بالرحمة انفتحت و اذا دعیت به علی مضائق ابواب الارض للفرج بالرحمة انفرجت
و اذا دعیت به علی کشف البأساء والضراء انکشفت و بجلال وجهک الکریم اکرم الوجوه
الذی عنت له الوجوه و خضعت له الاصوات و وجلت له القلوب من مخافتک و
بقوتک التی بها تمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنک و تمسک السموات والارض
ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعدک و بمشیتک التی دان لها العالمون
و بکلمتک التی خلقت بها السموات والارض و بحکمتک التی صنعت بها العجائب و خلقت
بها الظلمة و جعلتها لیلا و جعلت اللیل سکنا و خلقت بها النور و جعلته نهارا و جعلت
النهار نشورا مبصرا و خلقت بها الشمس و جعلت الشمس ضیاء و خلقت بها القمر و
جعلت القمر نورا و خلقت بها الکواکب و جعلتها نجوما و بروجا و مصابیح و زینة و رجوما
و جعلت لها مشارق و مغارب و جعلت لها مطالع و مجاری و جعلت لها فلکا و مسابح
و قدرتها فی السماء منازل فاحسنت تقدیرها و صورتها فاحسنت تصویرها و احصیتها
باسمائک احصاء و سمیتها باسمائک و دبرتها بحکمتک تدبیرا فاحسنت تدبیرها و سخرتها
بسلطان اللیل و سلطان النهار والساعات و عرفت بها عدد السنین والحساب و جعلت
رؤیتها لجمیع الناس مرأی واحدا و اسئلک اللهم بمجدک الذی کلمت به عبدک و رسولک
موسی بن عمران علیه السلام فی المقدسین فوق احساس الکروبیین فوق غمائم النور فوق
تابوت الشهادة و فی عمود النار و فی طور سیناء و فی جبل حوریث فی الواد المقدس فی البقعة
المبارکة من جانب الطور الایمن من الشجرة و فی ارض مصر بتسع آیات بینات و یوم فرقت
لبنی اسرائیل البحر و فی المنبجسات التی صنعت بها العجائب فی بحر سوف و عقدت ماء البحر
فی قلب الغمر کالحجارة و جاوزت ببنی اسرائیل البحر و تمت کلمتک الحسنی علیهم بما صبروا
و اورثتهم مشارق الارض و مغاربها التی بارکت فیها للعالمین و اغرقت فرعون و جنوده
و مراکبه فی الیم و باسمک العظیم الاعظم الاعظم الاعظم الاعز الاجل الاکرم و بمجدک

و بمجدک الذی تجلیت به لموسی کلیمک علیه السلام فی طور سیناء و لابراهیم خلیلک علیه السلام
من قبل فی مسجد الخیف و لاسحق صفیک علیه السلام فی بئر شیع و لیعقوب نبیک علیه السلام فی
بیت ایل و اوفیت لابراهیم علیه السلام بمیثاقک و لاسحق بحلفک و لیعقوب بشهادتک
و للمؤمنین بوعدک و للداعین باسمائک فاجبت و بمجدک الذی ظهر لموسی بن عمران
علیه السلام علی قبة الرمان و بآیاتک التی وقعت علی ارض مصر بمجد العزة والغلبة
بآیات عزیزة و بسلطان القوة و بعزة القدرة و بشأن الکلمة التامة و بکلماتک
التی تفضلت بها علی اهل السموات والارض و اهل الدنیا والآخرة و برحمتک التی
مننت بها علی جمیع خلقک و باستطاعتک التی اقمت بها العالمین و بنورک
الذی قد خر من فزعه طور سیناء و بعلمک و بعظمتک و جلالک و کبریائک و عزتک
و جبروتک التی لم تستقلها الارض و انخفضت لها السموات و انزجر لها العمق الاکبر
و رکدت لها البحار والانهار و خضعت لها الارض بمناکبها و استسلمت لها الخلائق کلها
و خفقت لها الریاح فی جریانها و خمدت لها النیران فی اوطانها و بسلطانک الذی عرفت
لک به الغلبة دهر الدهور و حمدت به فی السموات والارضین و بکلمتک کلمة الصدق
التی سبقت لابینا آدم علیه السلام و ذریته بالرحمة و اسئلک اللهم بکلمتک التی غلبت
کل شیء و بنور وجهک الذی تجلیت به للجبل فجعلته دکا و خر موسی صعقا و بمجدک
الذی ظهر علی طور سیناء فکلمت به عبدک و رسولک موسی بن عمران علیه السلام و بطلعتک فی ساعیر
و ظهورک فی جبل فاران بربوات المقدسین و جنود الملائکة الصافین و خشوع الملائکة
المسبحین و ببرکاتک التی بارکت فیها علی ابراهیم خلیلک علیه السلام فی امة محمد صلی الله علیه
و آله و بارکت لاسحق صفیک فی امة عیسی علیه السلام و بارکت لیعقوب اسرائیلک علیه السلام
فی امة موسی و بارکت لحبیبک محمد صلی الله علیه و آله فی عترته و ذریته و امته اللهم
و کما غبنا عن ذلک و لم نشهده و آمنا به و لم نره صدقا و عدلا ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تبارک علی محمد و آل محمد و ترحم علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت
علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید فعال لما ترید و انت علی کل شیء قدیر و در نسخه دیگر
که پس ذکر کن حاجت خود را و شرط است که بعد از این دعا بگوید یا الله یا حنان یا منان یا
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین پس بگوید اللهم بحق هذا الدعاء

وبحق هذه الاسمآء التی لا یعلمها احد غیرک و لا یحیط بنا ولها الا انت ان تصلی علی محمد
و آل محمد وان تفعل بی کذا و کذا وانتقم لی من فلان بن فلان واغفر لی ذنوبی کلها ما تقدم
منها وما تأخر ووسع علی من حلال رزقک واکفنی مؤنة انسان سوء وجار سوء وقرین
سوء وسلطان سوء ویوم سوء وساعة سوء وانتقم لی ممن یکیدنی ویبغی علی ویرید بی
وباهلی واولادی واخوانی وجیرانی وقراباتی من المؤمنین والمؤمنات ظلما انک علی کل
شیء قدیر وبکل شیء علیم آمین رب العالمین ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم ختم
دعای یمانی اللهم بحق هذا الدعآء ان تتفضل علی فقرآء المؤمنین والمؤمنات بالغنی
والثروة وعلی مرضی المؤمنین والمؤمنات بالشفآء والصحة وعلی احیآء المؤمنین والمؤمنات
باللطف والکرامة وعلی اموات المؤمنین والمؤمنات بالمغفرة والرحمة وعلی غربآء المؤمنین
والمؤمنات بالرد الی اوطانهم سالمین غانمین برحمتک یا ارحم الراحمین و [illegible] اللهم انی
اسئلک بحرمة هذا الدعآء وبما فات منه من الاسمآء وبما یشتمل علیه من التفسیر والتدبیر
الذی لا یحیط به الا انت ان تفعل بی کذا و کذا و ملا محمد باقر طاب ثراه در کتاب ربیع الاسابیع
نوشته که حضرت امیر المؤمنین بعد از دعای یمانی این دعا میخواندند یا عدتی عند کربتی ویا
غیاثی عند شدتی یا ولیی فی نعمتی ویا منجحی فی حاجتی ویا مفزعی فی ورطتی ویا منقذی
من هلکتی ویا کالئی فی وحدتی صل علی محمد وآل محمد واغفر لی خطیئتی ویسر لی امری
واجمع لی شملی وانجح لی طلبتی واصلح لی شانی واکفنی ما اهمنی واجعل لی من امری فرجا
ومخرجا ولا تفرق بینی وبین العافیة ابدا ما ابقیتنی وعند وفاتی اذا توفیتنی یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمد وآل محمد یا رب العالمین [illegible] در زاد المعاد نقل کرده که مستحب است
که این صلوات را در هر روز ماه مبارک رمضان و در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند ان الله وملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما لبیک یا رب وسعدیک و
سبحانک اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک علی محمد وآل محمد کما صلیت وبارکت علی ابراهیم
وآل ابراهیم انک حمید مجید اللهم ارحم محمدا وآل محمد کما رحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم
انک حمید مجید اللهم سلم علی محمد وآل محمد کما سلمت علی نوح فی العالمین اللهم امنن
علی محمد وآل محمد کما مننت علی موسی وهرون اللهم صل علی محمد وآل محمد کما هدیتنا به اللهم
صل علی محمد وآل محمد کما شرفتنا به اللهم صل علی محمد وآل محمد وابعثه مقاما محمودا یغبطه

به الاولون والآخرون علی محمد وآله السلام کلما طلعت شمس او غربت علی محمد
وآله السلام کلما طرفت عین او برقت علی محمد وآله السلام کلما طرفت عین او ذکر
علی محمد وآله السلام کلما ذکر الله علی محمد وآله السلام کلما سبح الله ملک او قدسه
السلام علی محمد وآله فی الاولین السلام علی محمد وآله فی الآخرین السلام علی محمد وآله
فی الدنیا والآخرة السلام علی محمد وآله ورحمة الله وبرکاته اللهم رب البلد الحرام
ورب الرکن والمقام ورب الحل والحرام ابلغ نبیک محمدا وآله عنا السلام اللهم اعط
محمدا من البهآء والسرور والنضرة والکرامة والغبطة والوسیلة والمنزلة والمقام و
الشرف والرفعة والشفاعة عندک یوم القیمة افضل ما تعطی احدا من خلقک واعط
محمدا فوق ما تعطی الخلائق من الخیر اضعافا کثیرة لا یحصیها غیرک اللهم صل علی محمد وآل محمد اطیب
واطهر وازکی وانمی وافضل ما صلیت علی احد من الاولین والآخرین وعلی احد من
خلقک یا ارحم الراحمین اللهم صل علی علی امیر المؤمنین ووال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب علی من شرک فی دمه اللهم صل علی فاطمة بنت نبیک محمد علیه وآله السلام
والعن من آذی نبیک فیها اللهم صل علی الحسن والحسین امامی المسلمین ووال من والاهما
وعاد من عاداهما وضاعف العذاب علی من شرک فی دمهما اللهم صل علی علی بن الحسین
امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل
علی محمد بن علی امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه
اللهم صل علی جعفر بن محمد امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
علی من ظلمه اللهم صل علی موسی بن جعفر امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی علی بن موسی امام المسلمین ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی محمد بن علی امام المسلمین
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی علی بن محمد
امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم
صل علی الحسن بن علی امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
علی من ظلمه اللهم صل علی الخلف من بعده امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه
وعجل فرجه اللهم صل علی القاسم والطاهر ابنی نبیک اللهم صل علی رقیة ابنة نبیک و

الغر من اذى نبيك فيها اللهم صل على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته
اللهم مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم على الحق في
السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل
مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا

فصل دوم

واشد تنكيلا فصل دوم در اعمال شب و روز شنبه است و در شب و روز آن نماز و دعاى
غير از فريضه و نافله وارد شده است اما اعمال شب اما اعمله نمازيست كه از حضرت پيغمبر
روايت شده و آن دو ركعت است در ركعت اول بعد از حمد انا انزلناه سه مرتبه بخواند و در ركعت دوم
بعد از حمد اذا زلزلت سه بار و چون فارغ شود صد بار استغفار و صد بار صلوات فرستد و آن حضرت
فرمود هر كه اين عمل كند از جاى برنخيزد مگر آمرزيده الا خصلت و در كتاب مصباح كبير روايت از حضرت
پيغمبر كه فرمود كه هر كس در شب شنبه چهار ركعت نماز بگذارد و بخواند در هر ركعت الحمد يكبار و آية
الكرسى سه بار و قل هو الله احد يكبار و چون سلام دهد آية الكرسى سه مرتبه بخواند خداى تعالى با مريم
او را بپيغمبر و معاد داود او بوده باشد مثل شخصى كه شفاعت كرده باشد او را حضرت پيغمبر ديگر روايت
و در متهجد شيخ طوسى نقل شده كه در شب شنبه ابتدا كند بخواند بسم الله الرحمن الرحيم
سبحانك اللهم ربنا ولك الحمد انت الحى القيوم الاول الكائن ولم يكن شىء من خلقك ان
يعاين شيئا من ملكك او يتدبر فى شىء من امرك او يتفكر فى شىء من فضائلك قائما بسلطانك
مدبرا لامرك فتجرى بما هو كائن قدرك ومضى فيها انت خالق عالم خلقت السموات
والارض فراشا وبناء فسويت السماء منزلا ورضيته لجلالك ووقارك وعزتك وسلطانك
ثم جعلت فيها كرسيك وعرشك ثم سكنتها ليس فيها شىء غيرك متكبرا فى عظمتك متعظما
فى كبريائك متوحدا فى علوك متمكنا فى ملكك متعاليا فى سلطانك متجبرا فى علوك مستويا
على عرشك فتباركت وتعاليت وعلا ضياؤك بهاؤك ونورك وعزتك وسلطانك وقدرتك
وحولك وقوتك ورحمتك وملكك وامرك وعظمتك وتمكنك الكبير وكبرياؤك الكبير فى
عظمتك العظيمة وانت الله الحى قبل كل حى والقديم قبل كل قديم والملك يا ملك العظيم الممدح
الممدوح اسمك فى السموات والارض وخالقهن ونورهن وربهن والههن وما فيهن
فسبحانك وبحمدك ربنا وصل وسلم اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك و
اجزه بكل خير ابلاه ونشر جلاه وبشر اتاه وضعيف قواه ويتيم آواه ومسكين رحمه وجاهل

وجاهل علمه ودين نصره وحق بصره الجزاء الاوفى والرفيق الاعلى والشفاعة الجائزة و
المنزل الرفيع الكريم فى الجنة عندك آمين رب العالمين اجعل له منك مقاما مغبوطا ومجلسا
رفيعا وظلا ظليلا ومرتفقا حسنا جميلا ونظرا الى وجهك يوم تحجبه عن المجرمين اللهم
صل على محمد وآل محمد واجعله لنا فرطا واجعل حوضه لنا موردا ولقاءه لنا موعدا نستغفر
به اولنا وآخرنا وانت عنا راض فى دارك دار السلام من جنانك جنات النعيم آمين اله
الحق رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد واسألك باسمك الذى هو نور من نور و
نور فوق كل نور ونور تضىء به كل ظلمة وتكسر به قوة كل شيطان مريد وجبار عنيد و
تؤمن به خوف كل خائف وتبطل به سحر كل ساحر وحسد كل حاسد وتتصدع لعظمته
البر والفاجر وباسمك الاكبر الذى سميت به نفسك واستويت به على عرشك واستقررت
به على كرسيك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تمنح لى الليلة يا رب بابا بكل خير تفتحه
لاحد من خلقك واوليائك واهل طاعتك ثم لا تسده ابدا حتى القاك وانت عنى راض
اسألك ذلك برحمتك وارغب اليك فيه بقدرتك فتنقع الليلة يا رب رغبتى واكرم
طلبتى ونفس كربتى وارحم عبرتى وصل وحدتى وآنس وحشتى واستر عورتى وآمن روعتى و
اجبر فاقتى وانف محقتى واقل عثرتى وانجح الليلة دعائى واعطنى مسألتى واعظم من مسألتى
وكن بدعائى حفيا وكن بى رحيما ولا تقنطنى من رحمتك ولا تؤيسنى من روحك ولا تخذلنى
وانا ادعوك ولا تحرمنى وانا اسألك ولا تعذبنى وانا استغفرك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على محمد واهل بيته اجمعين - ديگر از اعمال اين شب جماع كردن با حلال خود است چنانچه
در حليه و در ضمن وصاياى حضرت رسول صلعم بحضرت امير المؤمنين ع روايت كرده كه يا على اگر جماع
كنى در شب شنبه اگر فرزندى بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را شهادت روزى شود و دهانش
خوشبو و دلش رحيم و دستش جوانمرد و زبانش از غيبت و بهتان پاك باشد ديگر طعام خوردن است
چنانچه در همان كتاب از حضرت صادق ع منقولست كه هر كه ترك كند طعام خوردن را در شب شنبه
و شب يكشنبه بهم قوتى از او برطرف شود كه تا چهل روز باو برنگردد اما روز آن روز عظيم القدر
و جليل المرتبه است هر كس كه در وى عمل صالح كند و دعا و نماز بعمل آورد سالم از آفات و بليات
گردد و ثواب جزيل رسد و اين روز منسوب بزحل است و از براى شروع در امور و اعمال زراعت
و فلاحت و قضاى حاجت على الخصوص سفر نكوست چنانچه از حضرت رسالت صلعم مرويست كه فرمود

هرکس اراده سفر نماید روز شنبه را اختیار کند که اگر در این روز سنگی از کوه در گردد خدای تعالی
او را بمکان خود باز گرداند و کلینی گوید موسی علیه السلام فرمود در هفته یکروز بعبادت مشغول بشوید
ایشان روز شنبه را اختیار کردند و گویند در این روز حق تعالی از خلق اشیا فارغ شد و هرچه در این روز
حادث شود مستمر بود تا شنبه دیگر و بحجت ابن فضیح در این روز منع میکنند از جبر نکبی و اهل اسلام
خلاف آن کنند و استحامه بریدن جامه از حضرت رسول منقولست که هرکه در روز شنبه جامه
ببرد مادام که آن جامه در بدن او هست مریض میکرد مگر آنکه بخشد او را بکسی و وقت استحباب در این روز
از اول روز است تا چاشت و بعد از آن از زوال تا عصر و ناخن و شارب گرفتن باعث عافیت از درد
دندان و درد چشم میگردد و در حدیث دیگر است که باعث عیر سیل خوره در انگشتان است و در حلیه
گفته که اگر در روز جمعه یا سایر روزها بغیر چهارشنبه و پنجشنبه ناخن گیرد ابتدا بانگشت کوچک
چپ و ختم بانگشت کوچک دست راست کند و برای اخذ و عطا و ابتدای تعلیم خوبست که از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خدا مبارک گردانیده است برای امت من ایام را در شنبه و پنجشنبه
و در روایتی وارد شده است که حجامت کردن در روز شنبه مورث ضعف است و از حضرت صادق ع
مرویست که هرکه روز شنبه چهار رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه یکبار و سوره قل یا ایها الکافرون
سه بار و بعد از فراغ آیة الکرسی یکبار بخواند حق تعالی بعدد هر یهودی و یهودیه عبادت یکساله جهت او
نویسد که شبان قایم و روزان صایم باشد و بخواند این دعا را که در صحیفه علویه از حضرت علی منقول
شده بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی قرن رجائی بعفوه و فتح املی بحسن تجاوزه و صفحه
و قوی بها ظهری و ساعدی و یدی بما عرفنی من جوده و کرمه و لم یخلنی مع مقامی علی
معصیته و تقصیری فی طاعته و ما یحق علی من اعتقاد خشیته و استشعار خیفته من تواتر
منه و تظاهر نعمه و سبحان الله الذی یتوکل کل مؤمن علیه و یضطر کل جاحد الیه و لا
یستغنی احد الا بفضل ما لدیه و لا اله الا الله المقبل علی من اعرض عن ذکره التواب علی
من تاب الیه من عظیم ذنبه الساخط علی من قنط من واسع رحمته و یئس من عاجل روحه
و الله اکبر خالق کل شیء و مالکه و مبدء کل شیء و مملکه اللهم صل علی محمد عبدک و
نبیک و امینک و شاهدک النبی التقی و علی آل محمد الطیبین الطاهرین اللهم انی اسألک
سؤال معترف بذنبه نادم علی اقتراف تبعته و انت اولی من احمد و عفی و جاد بالمغفرة
علی من ظلم و اساء فقد اوبقتنی الذنوب فی مهاوی الهلکة و احاطت بی الآثام و بقیت غیر

و بقیت غیر مستقل بها و انت المرتجی و علیک المعول فی الشدة و الرخاء و انت ملجأ الخائف
الغریق و ارفق من کل شفیق الیک قصدت سیدی و انت منتهی القصد للقاصدین
و ارحم من استرحم فی تجاوزک عن المذنبین اللهم انت الذی لا یتعاظمک غفران
الذنوب و کشف الکروب انت علام الغیوب و ستار العیوب لانک الباقی الرحیم الذی
تسربلت بالربوبیة و توحدت بالالهیة و تنزهت عن الجبروتیة فلم یحدک واصف محدود
بالکیفوفیة و لم تقع علیک الاوهام بالمائیة و الحیثوثیة فلک الحمد عدد نعمائک علی
الانام و لک الشکر علی کرور اللیالی و الایام الهی بیدک الخیر و انت ولیه مبلغ الرغائب
و غایة المطالب تقرب الیک بسعة رحمتک التی وسعت کل شیء و قد تری یا رب مکانی
و تطلع علی ضمیری و تعلم سری و لا یخفی علیک امری و انت اقرب الی من حبل الورید
فتب علی توبة لا اعود بعدها فیما یسخطک و اغفر لی مغفرة لا ارجع معها الی معصیتک
یا اکرم الاکرمین الهی انت الذی اصلحت قلوب المفسدین فصلحت باصلاحک ایاها فاصلحنی
باصلاحک و انت الذی مننت علی الضالین فهدیتهم برشدک عن الضلالة و علی الجاحدین
عن قصدک فسددتهم و قربت بهم عز الذلل فاعطیتهم محبتک و جنبتهم معصیتک و ادرجتهم
درج المغفور لهم و احللتهم محل الفائزین فاسألک یا مولای ان تلحقنی بهم یا ارحم الراحمین
اللهم انی اسألک ان تصلی علی محمد و ان ترزقنی رزقا واسعا حلالا طیبا فی عافیة و رغدا
یقرب الیک یا خیر مسئول اللهم و اتضرع الیک ضراعة مقر علی نفسه بالهفوات و
اتوب الیک یا تواب فلا تردنی خائبا من جزیل عطائک یا وهاب تفضل بما جدت علی
المذنبین بالمغفرة و سترت علی عبدک قبیحات الفعال یا جلیل یا متعال انوخه الیک
اوجبت حقه علیک اذ لم یکن لی من الخیر ما اتوجه به و حالت الذنوب بینی و بینها
و ادم توجهی علی مرافقة المتقین فلا ترد سیدی توجهی من توجهت اتخذنی ربی
و انت املی اتردنی صفرا من العفو و انت منتهی رغبتی یا من هو موجود معروف و معرف
بالجود و الخلق له عبید و الیه مرد الامور صل علی محمد و آل محمد و جد علی باحسانک الذی
فیه الغنی عن القریب و البعید و الاعداء و الاخوان و الاخوات و الحفظ بالذین غمرتهم
بسعة تطولک و کرامتک و جعلتهم اطائب ابرارا اتقیاء اخیارا و لنبیک صلی الله علیه
و آله و سلم فی دارک جیرانا و اغفر للمؤمنین و المؤمنات مع الآباء و الامهات و الاخوة و الاخوات

يا ارحم الراحمين ديگر اين دعا که از حضرت فاطمه منقولست اللهم افتح لنا خزاين
رحمتك وهب لنا اللهم رحمة لا تعذبنا بعدها في الدنيا والآخرة وارزقنا من فضلك
الواسع رزقا حلالا ولا تحوجنا ولا تفقرنا الى احد سواك وزدنا لك شكرا واليك فاقة
وفقرا وبك عمن سواك غناء وتعففا اللهم وسع علينا في الدنيا اللهم انا نعوذ بك ان تزوي
وجهك عنا في حال ونحن نرغب اليك فيه اللهم صل على محمد وآل محمد واعطنا ما تحبه
واجعله لنا قوة فيما تحب يا ارحم الراحمين - ديگر تسبيح اين روزست بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان الاله الحق سبحان القابض الباسط سبحان الضار النافع سبحان القاضي بالحق
سبحان العلي الاعلى سبحان من علا في الهواء سبحانه وبحمده سبحانه وتعالى سبحان
الحسن الجميل سبحان الرؤف الرحيم سبحان الغني الحميد سبحان الخالق البارئ سبحان
الرفيع الاعلى سبحان العظيم الاعظم سبحان من هو هكذا ولا يكون هكذا غيره سبوح قدوس
ربي الحي الحليم سبحان الله العظيم وبحمده سبحان من هو دائم لا يسهو سبحان من هو
قائم لا يلهو سبحان من هو غني لا يفتقر سبحان من تواضع كل شيء لعظمته سبحان من
ذل كل شيء لعزته سبحان من استسلم كل شيء لقدرته سبحان من خضع كل شيء لملكه
سبحان من انقادت له الامور بازمتها عوذه اين روز بسم الله الرحمن الرحيم لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم رب الملائكة والروح والنبيين والمرسلين وقاهر
من في السموات والارضين كف عني بأس الاشرار واعم ابصارهم وقلوبهم واجعل بيني وبينهم
حجابا انك ربنا ولا قوة الا بالله توكلت على الله توكل عائذ به من شر كل دابة ربي آخذ
بناصيتها ومن شر ما سكن في الليل والنهار ومن شر كل سوء وصلى الله على محمد وآله وسلم
تسليما فصل [سيوم] در دعاء شب و روز يکشنبه بايد عمل آورد اعمال شب در مصباح کبير نقل
کرده که هر کس دو رکعت نماز در اين شب بگذارد در هر رکعت حمد و آية الكرسي و سبح اسم ربك
الاعلى و قل هو الله احد را يکمرتبه بخواند در روز قيامت روی او مانند شب چهارده باشد و
در شب يکشنبه اين دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ربنا لك الحمد ولك الملك وبيدك الخيرات
على كل شيء قدير سبحانك لك التسبيح والتهليل والتكبير والتمجيد والتحميد والكبرياء والجبروت
والملكوت والعظمة والعلو والوقار والجمال والعزة والجلال والعافية والسلطان والمغفرة
والحول والقوة والدنيا والآخرة والخلق والامر تباركت رب العالمين وتعاليت سبحانك لك

فصل سيوم

لك الحمد والعظمة والجمال والبهاء والنور والوقار والكمال والعزة والجلال والفضل والاحسان
والكبرياء والجبروت وبسطت الرحمة والعافية ووليت الحمد لا شريك لك انت الله
لا شيء مثلك فسبحان ما اعظم شانك واعز سلطانك واشد جبروتك واحصى عددك
وسبحانك لتسبيح الخلق كلهم لك وقيام الخلق كلهم بك واشفق الخلق كلهم منك وتضرع
الخلق كلهم اليك وسبحانك تسبيحا ينبغي لك ولوجهك ويبلغ منتهى علمك ولا يقصر دون
افضل رضاك ولا يفضله شيء من محامد خلقك سبحانك خلقت كل شيء واليك معاده و
بدأت كل شيء واليك منتهاه وانشأت كل شيء واليك مصيره وانت ارحم الراحمين بامرك
ارتفعت السماء ووضعت الارضون وارسيت الجبال وسجرت البحور فملكوتك فوق كل
ملكوت تباركت بجلالك وتعاليت بآلائك وتقدست في مجلسك وتباركت لنا التسبيح بجلالك
ولك التحميد بفضلك ولك الحول بقوتك ولك الكبرياء بعظمتك ولك الحمد والجبروت بسلطانك
ولك الملكوت بعزتك ولك القدرة بملكك ولك الرضا بامرك ولك الطاعة على خلقك
احصيت كل شيء عددا واحطت بكل شيء علما ووسعت كل شيء رحمة وانت ارحم الراحمين
عليم الجبروت عزيز السلطان قوي البطش ملك السموات والارض رب العالمين ذو العرش
العظيم والملائكة المقربين يسبحون الليل والنهار لا يفترون فسبحان الذي لا يموت ابد الآبد
وسبحان القدوس رب العزة ابد الابد وسبحان رب الملائكة والروح سبحان ربي الاعلى
سبحان ربي وتعالى سبحان الذي في السماء عرشه وفي الارض قدرته وسبحان الذي
في البحر سبيله وسبحان الذي في القبور قضاؤه وسبحان الذي في الجنة رضاه وسبحان الذي
في جهنم سلطانه سبحان الذي سبقت رحمته غضبه سبحان من له ملكوت كل شيء سبحان الله
بالغدو والآصال سبحان الله بالعشي والابكار سبحانه وبحمده عز وجهه وتقدس عنده
وعلا اسمه وتبارك وتقدس في مجلس وقاره وكرسي عرشه يرى كل عين ولا تراه عين وهو يدرك
كل شيء ولا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير اللهم صل على محمد عبدك
ورسولك ونبيك امرا اختصصتها به دون من عبد غيرك وتولى سواك وصل اللهم عليه بما
انتجبته له من رسالاتك واكرمته به من ثوابك ولا تحرمنا النظر الى وجهه والكون معه في
دارك ومستقر من جوارك اللهم كما ارسلته فبلغ وحملته فادى حتى اظهر سلطانك وآمن بك
لا شريك لك فضاعف اللهم ثوابه وكرمه بقربه منك كرامة تفضل بها على جميع خلقك وبعطيه

الاولون والآخرون من عبادك ثم اجعل مثوانا معهم بما لا طعن له فيه يا ارحم الراحمين اللهم صل
على محمد وآل محمد واسألك بحولك وقوتك وطولك ومنك وعظيم ملكك وجلال ذكرك
وكبير مجدك وعظيم سلطانك ولطف خبرتك وجميل عطائك وحلم حضورك وتحنن رحمتك
وتمام كلماتك ونفاذ امرك وربوبيتك التي دانت لك بها كل ذي ربوبية واطاعك بها
كل ذي طاعة وتقرب اليك بها كل ذي رغبة في رضائك ويلوذ بها كل ذي رهبة
من سخطك ان ترزقني فواتح الخير وخواتمه وذخائره وجوائزه وفضائله وخيره وفواضله
اللهم صل على محمد وآل محمد واهد باليقين عقلنا واصلح باليقين سرائرنا واجعل قلوبنا
مطمئنة الى ذكرك واعمالنا خالصة لك اللهم صل على محمد وآل محمد واسألك الربح من
التجارة والنجاة من النار والغنيمة من الاعمال الخالصة الفاضلة في الدنيا والآخرة والذكر
الكثير لك والعفاف والسلامة من الذنوب والخطايا اللهم ارزقنا اعمالا زاكية متقبلة
ترضى بها عنا وتسهل لنا سكرة الموت وشدة هول يوم القيمة اللهم انا نسألك خاتمة
الخير وعاقبته وبجاهنا ونماءنا والزيادة من فضلك في كل يوم وليلة والنجاة من عذابك
والفوز برحمتك اللهم حبب الينا لقاءك وارزقنا النظر الى وجهك واجعل لنا في لقائك
نضرة وسرورا اللهم صل على محمد وآل محمد واحضرنا ذكرك عند كل غفلة وشكرك عند كل
نعمة والصبر عند كل بلاء وارزقنا قلوبا وجلة من خشيتك خاشعة لذكرك منيبة اليك
اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا ممن يثق بعهدك ويؤمن بوعدك ويعمل بطاعتك
ويسعى في مرضاتك ويرغب فيما عندك ويفر اليك منك ويرجوا ايامك ويخاف سوء
حسابك ويخشاك حق خشيتك واجعل ثواب اعمالنا جنتك برحمتك وتجاوز عن ذنوبنا
برأفتك واعذنا من نار خطايانا بنور وجهك ونجنا بفضلك والبسنا عافيتك وهنئنا
كرامتك واتمم علينا نعمتك واوزعنا ان نشكر نعمتك آمين اله الحق رب العالمين وصلى الله
على سيدنا محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين ـ وايضا روز يكشنبه روزيست كه خداى تعالى
خلق كرده است اورا از براى توحيد وامر فرموده ملائكه را در او بتقديس وتمجيد هر كه عارف بفضل او
باشد وبعمل صالح او را دريابد فائز ورستكار كرده واو منسوب بآفتاب است وديدن سلاطين وارباب
دولت را نيكوست وروز غرس وبناست ابتداى آفرينش در اين روز شده وآسمان وزمين در اين روز
خلق كرديده بس بهمه ابتداى كارها نيكوست ومهمى كه در اين روز ابتدا كند باتمام رسد وكويند

وكويند حضرت عيسى قوم خود را فرمود كه روز جمعه را عيد كنند كفتند ما نمى خواهيم كه بعد از عيد ما عيد يهود
باشد ويوم الاحد را اختيار كردند حضرت امام جعفر صادق عم فرمود كه هر كه روز يكشنبه وقت
طلوع آفتاب سوره كوثر بخواند هر حاجت كه خواهد برآورده شود ونيز آنحضرت فرمود كه حجامت
در اين روز شفاى از همه دردهاست ودر حديث ديكر وارد است كه حجامت در طرف عصر اين روز بسيار
نافع است ونيز مرويست كه براى غرس وبنا نهادن وسفر كردن خوبست سد ذو القرنين در اين روز
ساخته شد وكويند هر بنائى كه در عصر است بنيادش در اين روز نهاده باشند وقطع جامه در اين روز ميمون است
ومبارك نيست كرفتن ناخن باعث ذهاب بركت است ودر حديث ديكر وارد شده هر كاه مبتلا شود
بكرم واستغفار در اين روز از اول روز تا جمعه است بعد از آن از عصر تا مغرب وايضا نماز از
حضرت پيغمبر مرويست كه هر كه در اين روز چهار ركعت نماز بكذارد در هر ركعت حمد وآية آمن
الرسول تا آخر يكبار بخواند خداى تعالى بنويسد بعدد هر نصرانى براى او هزار حسنه وبدهد او را
ثواب هزار حج ونماز ديكر نيز از آنحضرت روايت است كه فرمود هر كه در چاشتكاه روز يكشنبه دو ركعت
نماز كند در ركعت اول بعد از حمد سوره انا اعطيناك ودر دوم بعد از حمد سه بار قل هو الله از آتش
دوزخ ايمن كردد وچنانست كه صدقه داده همه مساكين را وچنانست كه حج كرده وبعدد هر ستاره
درجه در بهشت براى او مهياست ايضا دعا بخواند اين دعا را كه حضرت على ع در اين روز ميخواند
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله على حلمه وأناته والحمد لله على علمي بان ذنبي وان كبر صغير
في جنب عفوه وجرمي وان عظم حقير عند رحمته وسبحان الله الذي رفع السموات
بغير عمد وانشأ جنات المأوى بلا امد وخلق الخلائق بلا ظهير ولا سند ولا اله الا الله
المنذر من عند عن طاعته وعتا عن امره والجاحد من لج في معصيته واستكبر عن
عبادته المعذر الى من تمادى في غيه وضلالته لتثبت الحجة عليه وعلمه بسوء
عاقبته والله اكبر الجواد الكريم الذي ليس لقديم احسانه وعظيم امتنانه على جميع خلقه
نهاية ولا لقدرته وسلطانه على بريته غاية اللهم صل على محمد وعلى اهل بيته
وبارك على اهل بيته كافضل ما صليت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك
حميد مجيد اللهم اني اسألك سؤال مذنب اوبقته معاصيه في ضيق المسالك
وليس له مجير سواك ولا امل غيرك ولا مغيث اراه منك ولا معتمد يعتمد عليه
غير عفوك انت مولاي الذي جدت بالنعم قبل استحقاقها واهلتها بطولك غير ممتنا

ولم يغيرنا منع ولا أكدا إعطاء ولا أنفد سعتك سؤال ملح بل ازددت ازدادا وعبادك
نطقوا منك عليهم وتفضلا منك لديهم اللهم كلت ألسن العباد عن بلوغ مدحتك وكلما
اللسان عن نشر محامدك وتفضلك وقد تعمدتك بقصدي إليك وإن أحاطت
بي الذنوب وأنت أرحم الراحمين وأكرم الأكرمين وأجود الأجودين وأنعم الرازقين
وأحسن الخالقين الأول الآخر الظاهر الباطن أجل وأعز وأرءف وأكرم من أن
ترد من أملك ورجاك وطمع فيما قبلك فلك الحمد يا أهل الحمد إلهي إن جرت على نفسي
في النظر لها وسالمت الأيام باقتراف الآثام فأنت ولي الإنعام ذو الجلال والإكرام
فما بقي إلا نظرك لها فاجعل غرة هاملك بالنجاح واجعل النظر منك لها بالفلاح فإنك المعطي
النفاح ذو الآلاء والنعم والسماح يا فالق الإصباح افتحها سؤلها فإن لم تستحق يا
غفارا اللهم إني أسألك باسمك الذي تمضي به المقادير وبعزتك التي تتم بها التدابير
أن تصلي على محمد وآله وترزقني رزقا واسعا حلالا طيبا من فضلك والأخول بيني و
بين ما يقربني منك بإحسان وادخلني فيمن أنحت له عفوك ورضوانك وأسكني جنانك
برأفتك وطولك وامتنانك إلهي أنت أكرمت أولياءك بكراماتك فأوجبت لهم حياطتك
وأظللتهم برعايتك من التتابع في المهالك وأنا عبدك فأنقذني وألبسني العافية و
إلى طاعتك أقلني وعن طغيانك ومعاصيك تردني فقد عجت إليك الأصوات بضروب
اللغات يسألونك الحاجات نرجو الحق الغيوب وغفران الذنوب يا علام الغيوب اللهم
إني استهديتك فاهدني واعتصم بك فاعصمني وادعني حقوقك علي إنك أهل التقوى و
أهل المغفرة واصرف عني شر كل ذي شر إلى خير لا يملكه أحد سواك واحمل عني مظلمات
حقوق الآباء والأمهات واغفر لي وللمؤمنين والمؤمنات والإخوة والأخوات والقرابات
يا ولي البركات وعالم الخفيات واين دعا كه از حضرت فاطمه عليها السلام منقولست اللهم اجعل
أول يومي هذا فلاحا وآخره نجاحا وأوسطه صلاحا اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا
ممن أناب إليك فقبلته وتوكل عليك فكفيته وتضرع إليك فرحمته و [illegible] تسبيح ابن مسعود
بسم الله الرحمن الرحيم سبحان من ملأ الدهر قدسه سبحان من يغشى الأبد نوره سبحان من
أشرق كل شيء ضوءه سبحان من يدان بدينه كل دين ولا يدان بغير دينه سبحان من قدر
بقدرته كل قدر ولا يقدر أحد قدره سبحان من لا يوصف علمه سبحان من لا يعتدي

من لا يعتدي على أهل مملكته سبحان من لا يأخذ أهل الأرض بألوان العذاب سبحان
الرؤوف الرحيم سبحان من هو مطلع على خزائن القلوب سبحان من يحصي عدد الذنوب
سبحان من لا يخفى عليه خافية في الأرض ولا في السماء سبحان ربي الودود سبحان
الفرد الوتر سبحان العظيم الأعظم تعويذ از حضرت ابي جعفر جواد عم منقولست بسم الله
الرحمن الرحيم الله أكبر الله أكبر استوى الرب على العرش وقامت السموات والأرض
بعلمه ودارت النجوم بأمره ورست الجبال بإذنه لا يجاوز اسمه من في السموات
والأرض الذي دانت له الجبال وهي طائعة وانقادت له الأجساد وهي بالية وبه
أحتجب عن كل عاد وباغ وطاغ وجبار وحاسد باسم الله الذي جعل بين البحرين حاجزا
واحتجبت بالله الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا وزينها للناظرين
وحفظها من كل شيطان رجيم وجعل في الأرض رواسي جبالا أوتادا أن يوصل إلي سوء
أو فاحشة أو بلية حم حم حم تنزيل من الرحمن الرحيم حم حم حم عسق كذلك يوحي إليك
وإلى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم وصلى الله على محمد وآل محمد وسلم تسليما

فصل چهارم

فصل در ادعیه متعلق است بشب وروز دوشنبه | اما شب از حضرت پیغمبر منقولست
که هر کس چهار رکعت نماز بگذارد در شب دوشنبه وبخواند در هر رکعت فاتحة الكتاب يك نوبت
وإنا أنزلناه يكمرتبه وفاصله كند ما بين اين چهار ركعت نماز بتسليم وچون از نماز فارغ
شود صد مرتبه بگوید اللهم صل على محمد وآل محمد وصد مرتبه بگوید اللهم صل على جبرئيل
عطا كند خدا تعالى او را در بهشت هفتاد هزار قصر كه در هر قصری هفتاد هزار خانه و در هر خانه
ودر هر حجره هزار جاریه باشد نماز دیگر کفعمی در باب کفاره نماز از حضرت امیر المؤمنین عم
روایت نموده که آن حضرت فرمود از رسول خدا صلعم شنیدم که فرمود هر کس را نماز ترک شده باشد
در ایام جهالت وپشیمان باشد ونداند چه مقدار ترک نموده باید شب دوشنبه پنجاه رکعت
نماز بکند در هر رکعت فاتحه وتوحید یکبار وچون فارغ شود صد بار استغفار کند حق تعالی
این را کفاره نمازهای او که ترک شده کرداند اگر صد سال باشد وازو حساب نخواهد نمود
بسیار با وحدهد ودر بهشت او را رفیق حضرت کرداند جماع کردن در این شب خوبست چنانچه در
در ضمن حدیث وصیت حضرت رسالت صلعم وارد شده که یا علی در شب دوشنبه جماع کن که اگر فرزندی
بوجود آید حافظ قران وراضی بقسمت خدا باشد ودر شب دوشنبه آید دعا وارد شده بسم الله

الرحمن الرحيم سبحانك ربنا ولك الحمد انت الله القائم على عرشك ابدا احاط علمك بجميع الخلائق
والخلائق كلهم على الفناء وانت الباقي الكريم القائم الدائم تبدد فناء كل شئ الحي الذي
لا يموت بيدك ملكوت السموات والارض تدبر الامور انت الذي قصمت بقوتك
الجبابرة واطفت في قبضتك الارضين واغشيت بضوء نورك الناظرين واسبغت بفضل
رزقك الآكلين وعلوت بعرشك على العالمين واعمرت سمواتك بالملائكة المقربين و
قلت تسبيح الاولين والآخرين وانقادت لك الدنيا والآخرة بازمتها وحفظت السموات
والارضين معا لبكرهما واذعنت لك بالطاعة ومن فوقهما وابت تحمل الامانة من شفقها
وقامت بكلماتك في قرارها واستقام البحران مكانهما واختلف الليل والنهار كما امرتهما
واحصيت كل شئ فيهما عددا واحطت بهما علما خالق الخلق ومصطفيه ومهيمنه ومنشئه
وبارئه انت كنت وحدك لا شريك لك الها واحدا وكان عرشك على الماء من قبل ان يكون
ارض ولا سماء او شئ مما خلقت فيهما بعزتك كنت قديما بديعا مبتدعا كبيرا ملكا كما
كنت بنفسك ابتدعت الخلق بعظمتك ودبرت امورهم بعلمك فكان عظيم ما ابتدعت من
خلقك وقدرت عليه من امرك عليك هينا يسيرا لم يكن لك ظهير على خلقك ولا معين
على حفظك ولا شريك لك في ملكك وكنت ربنا تباركت اسماؤك وجل ثناؤك على ذلك
علينا قويا وانما امرك لشئ اذا اردته ان تقول له كن فيكون لا يحاذيني منه تحتك سبحانك
وبحمدك تباركت ربنا وجل ثناؤك وتعاليت على ذلك علوا كبيرا اللهم صل على محمد عبدك
ورسولك ونبيك وعلى اهل بيته كما سننت الينا به هديك واورثتنا به كتابك ودللتنا
به على طاعتك فاصبحنا مبصرين بنور الهدى الذي جاء به ظاهرين بعز الدين الذي دعا اليه مبين
نهج الكتاب الذي بين لنا علمه اللهم وآته قرب المجلس منك يوم القيمة واكرمه بتمكين
الشفاعات عندك تفضيلا منك له على الفاضلين وتشريفا منك له على المتقين اللهم
وامنحنا من شفاعته نصيبا نرد به مع الصادقين جنانك وننزل به مع الآمنين محضر رضائك
غير مرفوضين عن دعوته ولا مرتدين عن سبيل ما بعثته به ولا محجوبة عنا مرافقته ولا
محظورة علينا زيارته آمين اله الحق رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد واسألك باسمك
العظيم الذي لا يعلمه احد غيرك والذي سخرت به الليل والنهار واجريت به الشمس والقمر
والنجوم وبه انشأت السحاب والمطر والرياح والذي به تنزل الغيث وتدعو المرعى وتحيى العظام

العظام وهي رميم والذي به ترزق من في البر والبحر تحلا وهم وتحفظهم والذي هو
في التورية والانجيل والزبور والقرآن العظيم والذي فلقت به البحر لموسى واسريت بمحمد
صلى الله عليه وآله وبحق اسم هو لك تحرز مكنون وبحق اسم دعاك به ملك مقرب او
نبي مرسل او عبد مصطفى ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل راحتي في لقائك وخاتم
عملي في سبيلك وحج بيتك الحرام والاختلاف الى مساجدك ومجالس الذكر واجعل خيرا لي
يوم الفاقة اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي
ومن فوقي ومن تحتي واستعملني واحفظني من السيئات ومحارمك كلها ومكن لي في ديني
الذي ارتضيت لي ووفقني فيه واجعل لي نورا ويسر لي اليسر والعافية واعزم على رشدي
كما عزمت على خلقي واعني على قضاء بين وتقوى وعمل رابح وبيع رابح وتجارة لن تبور اللهم
اني اسألك الجنة وما قرب اليها من قول او عمل او فعل واعوذ بك من خون الامانة
واكل اموال الناس بالباطل ورمي البرئ بما ليس فيه ومن الآثام والبغي بغير الحق وان
اشرك بك ما لم تنزل به سلطانا واجرني من مضلات الفتن ما ظهر منها وما بطن ومن
محبطات الخطايا واخرجني من الظلمات الى النور واهدني سبيل الاسلام واكسني حلل
الايمان والبسني لباس التقوى واسترني بستر الجميل وزيني بزينة المؤمنين وثقل
علي في الميزان واكفني منك بفرج قد حان آمين رب العالمين وصلى الله على محمد وآله
وسلم تسليما واما روز اين روز متعلق بعزاست وبحسب روزها در ايام سال روز عاشورا است
ودر ايام هفته روز دوشنبه واين روز منسوبست بني امية كه ايشان جد كردند بسبب شهادت حضرت
امام حسين ع ودر اين روز رسول خدا ص از دنيا مفارقت نمود براي هيچ كاري مبارك نيست و بنا
بر قولي كسب در اين روز تجارت وسعي در معيشت وطلب علم ودر بعضي روايات نهي وارد شده
از سفر كردن وبي كاري رفتن ودر روايات معتبره بحضرت امير المؤمنين ع وارد است كه محمود است و ناخن
گرفتن در اين روز موجب حفظ است وقطع لباس وجامه مبارك است واستخاره از اول روز تا طلوع آفتاب
جيد است بعد از آن ز چاشت تا ظهر بعد از آن از عصر تا عشاء احمر و بسند معتبر از امام علي نقي ع روايت ا
كه هر كه خواهد از شر روز دوشنبه محفوظ ماند در ركعت اول نماز صبح بعد از حمد سوره هل اتى بخواند و ا
حضرت صادق ع مرويست كه هر كه روز دوشنبه پيش از ارتفاع روز دو ركعت نماز بگذارد در هر ركعت بعد
از حمد وآية الكرسي ومعوذتين يكبار بخواند بعد از فراغ ده بار استغفار وده بار صلوات فرستد

خدای تعالی جمیع کنا مان او را و این دعا که در صحیفهٔ علویه از حضرت علی ع منقولست در روز دوشنبه
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی هدانی للاسلام و اکرمنی بالایمان و بصّرنی
فی الدین و شرّفنی بالیقین و عرّفنی الحق الذی عنه یؤفکون و النبأ العظیم الذی هم فیه مختلفون
و سبحان الله الذی یرزق القاسط و العادل و الفاجر و الجاهل و یرحم الساهی و الغافل فکیف
الداعی السائل و لا اله الا الله اللطیف بمن شرد عنه مسرف فی عباده لیرجع عن عتوّه و عناده
الراحم من المنیب المخلص بدون الوسع و الطاقة و الله اکبر الحکیم العلیم الذی له فی کل ضعیف
من غرائب فطرته و عجائب صنعته آیة بیّنة توجب له الربوبیة و علی کل نوع من قهره
تقدیره و حسن تدبیره دلیل واضح و شاهد عدل ینطقان له بالوحدانیة اللهم انی اسئلک
یا من یسرف البلایا و یعلم الخفایا و یجزل العطایا سؤال نادم علی اقتراف الآثام و سالم
علی المعاصی من اللیالی و الایام اذ لم یجد مجیراً سواک لغفرانها و لا موئلاً یفزع الیه لارتجاء
کشف فاقته الا ایاک یا جلیل انت الذی عم الخلائق منّک و غمرتهم سعة رحمتک و
سوّغتهم سوابغ نعمک یا کریم المآب و الجواد الوهّاب و المنتقم ممن عصاه بالیم العذاب دعوتک
مقرّاً بالاسائة علی نفسی اذ لم اجد ملجأ التجأ الیه فی اغتفار ما اکتسبت یا خیر من استدعی
لبذل الرغائب و انجح مأمول لکشف اللوازب لک عنت الوجوه فلا تردّنی منک بالحرمان
انک تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید الهی و سیدی و مولای ای ربّ ارتجیه ام ای اله اقصده
اذا المّ بی الندم و احاطت بی المعاصی و تکاثب خوف النقم و انت ولیّ الصفح و مأوی
الکرم الهی تقشعنی مقام التهلک و انت جمیل الستر و سائلی عن اقترافی علی رؤوس الاشهاد
و قد علمت خبیات السرائر کنت یا الهی مسرفا علی نفسی مخطاطاً علیها بانتهاک الحرمات ناسیا
لما اجترمت من الهفوات فانت لطیف تجود علی المسرفین برحمتک و تتفضل علی الخاطئین
بکرمک فارحمنی یا ارحم الراحمین فلک تسکن یا الهی بحنانک روعات قلوب الوجلین و
تحقق بطولک آمال الآملین و تفیض سجال عطایاک علی غیر المستاهلین فامنحنی رجاء
لا تشوبه قنوط و امل لا یکدره یأس یا محیطا بکل شیء علماً و قد اصبحت سیدی و امسیت
علی باب من ابواب منحک سائلا و عن التعرض لسواک بالمسألة عادلا و لیس من جمیل
امتنانک رد سائل ماسور ملهوف و مضطر لانتظار خیرک المألوف الهی انت الذی
تحیرت الاوهام عن الاحاطة بک و کلّت الالسن عن نعت ذاتک فیا لا لک و طولک علی

صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی ذنوبی و افسح علیّ من فضلک الواسع رزقا واسعا حلالا
طیبا فی عافیة و اقلنی العثرة یا غایة الآملین و جبار السموات و الارضین و انا فی
بعد فناء الخلق اجمعین و دیان یوم الدین و انت یا مولای ثقة من لم یثق بنفسه
لافراط جهله و امل من لم یکن له تامیل لکثرة زلله و رجاء من لم یرج لنفسه وسیلة
عمله الهی فانقذنی برحمتک من المهالک و احللنی دار الاخیار و اجعلنی من مرافقی الابرار
و اغفر لی ذنوب اللیل و النهار یا مطلعا علی الاسرار و تحمل عنی مولای اداء ما افترضت
علیّ للآباء و الامهات و الاخوان و الاخوات بلطفک و کرمک یا ذا الجلال و الاکرام و
اشرکنا فی دعاء من استجبت له من المؤمنین و المؤمنات انک جواد کریم وهّاب
و صلی الله علی محمد و عترته الطاهرین دیگر این دعا که از حضرت فاطمه نقل شده بخواند
اللهم انی اسئلک قوة فی عبادتک و تبصّراً فی کتابک و فهما فی حکمک اللهم صل علی
محمد و آل محمد و لا تجعل القرآن بنا ماحلا و الصراط زائلا و محمدا صلی الله علیه و آله و سلم
عنا مولیا دیگر این تسبیح بخواند بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الحنان المنان الجواد سبحان
الکریم الاکرم سبحان البصیر العلیم سبحان السمیع الواسع سبحان الله علی اقبال النهار و
و اقبال اللیل سبحان الله علی ادبار النهار و ادبار اللیل لا اله الا الله فی آناء اللیل و
آناء النهار و له الحمد و المجد و العظمة و الکبریاء مع کل نفس و کل طرفة و کل لمحة سبق
فی علمه سبحانک عدد ذلک سبحانک زنة ذلک و ما احصی کتابک سبحانک زنة عرشک
سبحانک سبحانک سبحانک سبحان ربنا ذی الجلال و الاکرام سبحان ربنا تسبیحا کما ینبغی لکرم وجهه
و عز جلاله سبحان ربنا تسبیحا مقدسا سامرا کاملا مبارکا کذلک تعالی ربنا سبحان الحی الحلیم
سبحان الذی کتب علی نفسه الرحمة سبحان الذی خلق آدم و اخرجنا من صلبه سبحان
الذی یحیی الاموات و یمیت الاحیاء سبحان من هو رحیم لا یعجل سبحان من هو قریب لا یغفل
سبحان من هو جواد لا یبخل سبحان من هو حلیم لا یعجل سبحان من جلّ ثناؤه و له الحجة
البالغة فی جمیع ما یمنّ علیه من الحمد سبحان الله الحلیم و صلی الله علی سیدنا محمد و
آله الطاهرین دیگر این تعوذ که از حضرت ابوجعفر ع منقولست بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
اعیذ نفسی بربی الاکبر مما یخفی و ما یظهر و من شر کل انثی و ذکر و من شر ما رأت
الشمس و القمر قدوس قدوس رب الملائکة و الروح ادعوکم ایها الجن ان کنتم سامعین

مُطيعين وادعوكم الى اللطيف الخبير وادعوكم ايها الجن والانس الى الذي ختمته
بخاتم رب العالمين وخاتم جبرئيل وميكائيل واسرافيل وخاتم سليمان بن داود عليهم السلام
وخاتم محمد سيد المرسلين والنبيين صلى الله عليه وعليهم واحرس فلان بن فلان كلما
يغدو او يروح من ذي سم حية او عقرب او ساحر او شيطان رجيم او سلطان عنيد
اخذت عنه ما يرى وما لا يرى وما رأت عين نائم او يقظان باذن الله اللطيف الخبير
لا سلطان لكم على الله لا شريك له وصلى الله على رسوله سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين
وسلم تسليما فصل در اعمال شب و روز سه شنبه است اعمال شب از حضرت پیغمبر
مرویست که فرمود که هرکه در این شب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت الحمد و سوره انا انزلناه
یکبار بخواند و در دوم الحمد و هفت بار قل هو الله بیامرزد خدای تعالی او را و او را درجات رفیع
کرامت کند و از آنحضرت منقولست که هرکه در این شب چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت الحمد و
قل یا ایها الکافرون چهار بار بخواند و بعد از سلام هفت بار بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
یا وهاب یا تواب منادی از زیر عرش ندا کند که ای بنده خدا ... متقدم و متاخر تو آمرزیده شد و اما
دعا بگوید بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك اللهم وبحمدك انت الله الملك الحق وانت
ملك لا ملك معك ولا شريك لك ولا اله دونك اعترفت لك الخلائق ربنا لك الحمد
لك الملك العظيم الذي لا يزول والغنى الكبير الذي لا يحول والسلطان العزيز الذي
لا ينام والعز المنيع الذي لا يرام والحول الواسع الذي لا يضيق والقوة المتينة التي لا تضعف
والكبرياء العظيم الذي لا يوصف والعظمة الكبيرة تحول اركان عرشك النور والوقار من
قبل ان تخلق السموات والارض وكان عرشك على الماء وكرسيك يتوقد نورا وسرادق
سرادق النور والعظمة والاكليل الجليل هيكل السلطان والعزة والفخر لا اله الا انت
رب العرش العظيم والبهاء والنور والحسن والجمال والعلى والعظمة والكبرياء والجبروت والسلطنة
والقدرة انت الكريم العزيز على جميع ما خلقت ولا نهاية لشيء قدرتك ولا يضعف شيء علمك
خلقت ما اردت بمشيتك نفذ فيما خلقت علمك واحاط به خبرك واتى على ذلك امرك
وسعة حولك وقوتك لك الخلق والامر والاسماء الحسنى والامثال العليا والآلاء والكبرياء
ذو الجلال والاكرام والنعم العظام والعزة التي لا ترام سبحانك وبحمدك تباركت ربنا وجل
ثناؤك اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك خاتم النبيين المقتفى على آثارهم والحجج

والفتح به على ايديهم والمعينين على تصديقهم والناهين لهم من ضلال من ادعى من قومهم
دعوتهم فيرق بسابقه بخلاف سيرتهم تشاق نعظم بها لديه وعلى نودهم وتزيده بها شرفا على
شرفهم وتبلغه بها افضل ما بلغت نبيا منهم وعلى اهل بيته اللهم وزد محمدا صلى الله
عليه وآله مع كل فضيلة فضيلة ومع كل كرامة كرامة حتى تعرف فضيلته وكرامته
اهل الكرامة عندك يوم القيامة وهب له صلى الله عليه وآله من الرفعة افضل
الرفعة ومن الرضى افضل الرضى وارفع درجته العليا وتقبل شفاعته الكبرى وآته
سؤله في الآخرة والاولى آمين اله الحق ربنا اله المبين اللهم اني اسألك باسمك
الاكبر العظيم المخزون الذي تفتح به ابواب سماواتك ورحمتك وتستوجب رضوانك الذي
تحب وترضى وترضى عمن دعاك به وحق عليك الا تحرم به سائلك وبحق اسم دعاك
به الروح الامين والملائكة المقربون والحفظة الكرام الكاتبون وانبياؤك المرسلون والحملة
الصالحون وجميع من في سماواتك واقطار ارضك والصفوف حول عرشك تقدس لك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تنظر في حاجتي اليك وان ترزقني نعيم الآخرة وحسن ثوابها
في دار المقامة من فضلك ومنازل الاخيار في ظل امن فانك ربي وانت عليم بي
اسلمت نفسي واليك فوضت امري واليك الجأت ظهري وعليك توكلت وبك وثقت
اللهم اني ادعوك دعاء ضعيف مضطر وحملك يا رب اوثق عندي من دعائي اللهم ما بي
الليلة لدعائي ان يعرج اليك واذن لكلامي ان يلج اليك واصرف بصرك عن خطيئتي
اللهم صل على محمد وآل محمد واعوذ بك ان اضل في هذه الليلة ما بقيت وان اغوي
ناسيا او ان اعمل بما لا تهوى فانت رب السموات العلى وانت ترى ولا ترى وانت
بالمنظر الاعلى فالق الحب والنوى اللهم اني اسألك الليلة افضل النصيب في الانصباء
واتم النعمة في النعماء وافضل الشكر في السراء وافضل الرجوع الى افضل دار المآب
اللهم صل على محمد وآله واسألك المحبة لجلالك والعصمة لمحارمك والوجل من
خشيتك والخشية من عذابك والنجاة من عقابك والرغبة في حسن ثوابك والفقه في دينك
والفهم في كتابك والقنوع برزقك والورع عن محارمك والاستحلال لحلالك والتحريم
لحرامك والانتهاء عن معاصيك والحفظ لوصيتك والصدق بوعدك والوفاء بعهدك
والاعتصام بحبلك والوقوف عند موعظتك والازدجار عند زواجرك والاضطلاع على

عبادتك والعمل بجميع امرك يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين وعلى ذريته المعصومين والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته حرزا روز سه شنبه متعلق بمريخ است نيكست در بنا و قلع و خصومات و ملاقات اعدا و جهاد در راه خدا و سفر كردن و طلب حاجت و حجامت چنانچه حضرت رسول فرموده كه سفر كنيد در اين روز و طلب حاجت نمائيد كه اين روزيست كه خداوند تعالى آهن را در دست داود نرم كرد است و در طب الائمه از حضرت ابو الحسن نقل كرده كه ناخن گرفتن در اين روز روا است و بد است جامه بريدن چنانچه مرويست كه هر كه قطع كند جامه را در روز سه شنبه هر آينه مي برد او را در دريا غرق ميشود يا ميسوزد و ناخن گرفتن مرويست كه در ناخن گرفتن روز سه شنبه خوف هلاكت است و در اين روز دولت بني اميه لعنهم الله منقرض گرديد و با آخر رسيد از شيخ اعظما از امام حسن عسكري روايتست كه هر كه در روز سه شنبه شش ركعت نماز بگذارد در هر ركعت حمد و آمن الرسول تا آخر و اذا زلزلت يكبار بخواند بيامرزد خداى تعالى گناهان او را و از گناه چنان پاك شود كه از مادر متولد شده باشد و اين دعا را كه از على نقل شده بخواند بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي من علي باستحكام المعرفة والاخلاص بالتوحيد له ولم يجعلني من اهل المعاندة والعنادة والشك والشرك ولا ممن استحوذ الشيطان عليه فاغوية واضله واتخذ الهه هوية وسبحان الله الذي يجيب المضطر ويكشف الضر ويعلم السر ويملك الخير والشر ولا اله الا الله الذي يحلم عن عبده اذا عصاه ويتلقاه بالاسعاف والتلبية اذا دعاه والله اكبر المنبسط ملكه المعقد شركه الحميد عرشه المتسلة نعلته اللهم اني اسالك سوال من لم يجد لسوائهم مشتوا لا سواك واعتمد عليك اعتماد من لم يجد لاعتماده معتمدا غيرك لانك الاول الذي ابتدأت الابتداء فكونته بايدي تلطفك فاستكان على مشيتك منشا كما امرت باحكام التقدير وانت اجل واعز من ان يحيط العقول بمبلغ وصفك انت العالم الذي لا يعزب عنك مثقال الذر في الارض والجواد الذي لا يبخلك الحاح الملحين انما امرك لشيء اذا اردته ان تقول له كن فيكون امرك ماض ووعدك حتم وحكمك عدل لا يعزب عنك شيء واليك مرد كل شيء احتجبت بالالاء فلم تر وشهدت كل نجوى وتعاليت على العلي وتفردت بالكبرياء وتعززت بالقدرة والنعماء فلك الحمد في الاخرة والاولى ولك الشكر في البلاء والنعمى انت الهي حليم قادر رؤف غافر وملك قاهر ورازق بديع مجيب سميع بعيد نواصي العباد ونواصي

ونواصي البلاد حي قيوم جواد ماجد رحيم كريم انت الهي لمالك الذي ملكت الملوك فتواضع لهيبتك الاعزاء ودان لك بالطاعة الاولياء واشتملت بالهيبة على الحمد والثناء ولا يؤدك حفظ خلقك ولا قلت عطاياك بمن منعه سعة رزقك وانت علام الغيوب سترت على عيوبي واحصيت علي واكرمتني بمعرفة دينك ولم تهتك عني جميل سترك يا حنان كم تفضلني بامتنان اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان توسع علي من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا هنيئا مريئا صبا صبا واسئلك يا الهي مانا من خشوعك وامنا من شيوع نعمتك ودوام عافيتك ومعه طاعتك واجتناب معصيتك وحلول جنتك انت تحوم انشاء وتثبت وعندك ام الكتاب الهي ان كنت اقترفت ذنوبا حالت بيني وبينك فانت اهل باقراري لها وان تغفر لي ذنوبا حالت بيني وبينك باقراري لها فانت اهل ان تجود علي بسعة رحمتك وتنقذني من اليم عقوبتك وتدرجني درج المكرمين وتلحقني بتولاي بالصالحين مع الذين تتوفيهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون بصفحك وتعمدك يا رؤف يا رحيم رب اسالك الصلوة على محمد وآله وان تحمل عني واجب الاباء والامهات وادخلهم عني والحقني معهم بالابرار والاخوان والاخوة والاخوات والمؤمنين والمؤمنات واغفر لي ولهم جميعا انك قريب مجيب وصلى الله على النبي وآله اجمعين و شب سه شنبه بايد كه از حضرت فاطمه عليها السلام منقول است بخواند اللهم اجعل غفلة الناس لنا ذكرا واجعل ذكرهم لنا شكرا واجعل صالح ما نقول بالسنتنا نية في قلوبنا اللهم ان مغفرتك اوسع من ذنوبنا ورحمتك ارجى عندنا من اعمالنا اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقنا لصالح الاعمال والصواب من الفعال اما تسبيح او بسم الله الرحمن الرحيم سبحان من هو في علوه دان سبحان من هو في دنوه عال سبحان من هو في اشراقه منير سبحان من هو في سلطانه قوي سبحان الحليم الجليل سبحان الغني الحميد سبحان الواسع العلي سبحان الله تعالى سبحان من يكشف الضر وهو الدائم الصمد الفرد القديم سبحان من علا في الهواء سبحان الحي الرفيع سبحان الحي القيوم سبحان الدائم الباقي الذي لا يزول سبحان الذي لا تنقص خزائنه سبحان من لا ينفد ما عنده سبحان من لا تبيد معالمه سبحان من لا يشاور في امره احدا سبحان من لا اله غيره سبحان الله العظيم سبحان الله وبحمده سبحان ذي العز الشامخ

ذنوبي واخرني وارحمني على ما قلبتني وما لم تخلبني فكل ذلك بيدك يا رب فاكفني واهلي
واصلح لي وادخلني الجنة وعرفها لي والحقني بالذين هم خير مني وارزقني مرافقة النبيين
والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا انت اله الحق رب العالمين
وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليما و اما
اين روز متعلق بعطارد است و از ايام منحوسه هفته است يوم نحس مستمر است در حديث
كه از ايام هفته اعداي اهل البيت چهارشنبه است و منكسب تحصيل علم و حكمت و كتاب
و شرب دوا و استحمام از حضرت حمزه مرويست كه نيست چهارشنبه كه ابتدا كرده شود در
روز چهارشنبه مگر آنكه تحقيق تمام ميشود آن مگر تاخير كردن در اين روز اين ميباشد از
چشم چنانچه از آنحضرت منقولست كه هر كه بگيرد ناخن خود را در روز چهارشنبه و ابتدا
كند بخنصر است و ختم كند بخنصر چپ باشد او را ايمني از رمد و بدست حجامت و نوره كشيدن
و سفر نمودن و عمل صالح دران موجب ثواب و فضيلت و روايات و اخبار در نماز و دعاي او
بسيار است و قطع لباس در اين روز موجب لحاجت و وسعت روزي و استخاره در اين روز
نيكست تا ظهر و بعد از آن از عصر تا وقت عشا و اما نماز [illegible] از حضرت پيغمبر مرويست
كه هر كه روز چهارشنبه دوازده ركعت نماز بگذارد در هر ركعت فاتحه يكبار و هر يك از معوذتين
سه مرتبه منادي از زير عرش ندا كند كه اي بنده خدا عمل از سر گير كه گناهان متقدم و متاخر تو آمرزيده
شد — ايضا از آنحضرت مرويست كه فرموده كه هر كه در اين روز بعد از ارتفاع روز دو ركعت نماز
بگذارد و در هر ركعت الحمد يكبار و سوره قل يا ايها الكافرون يكبار و هر يك از سوره توحيد و معوذتين
يكبار بخواند طلب آمرزش كند از براي او هفتاد هزار فرشته تا روز قيامت اما دعاي اين روز
اينست كه از حضرت علي منقولست بخواند بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي مرضاته
في الطلب اليه والتماس ما لديه وسخطه في ترك الالحاح في المسئلة عليه وسبحان الله
شاهد كل نجوى بعلمه ومبائن كل ذي جسم بنفسه ولا اله الا الله الذي لا تدركه
العيون والابصار ولا تجهل بالعقول والالباب ولا تخلو من الضمير وتعلم خائنة الاعين
وما تخفي الصدور والله اكبر والمتعال عن صفات المخلوقين المطلع على ما في قلوب
الخلائق اجمعين اللهم اني اسئلك سؤال من لا يمل دعاء ربه واتضرع اليك تضرع
غريق يرجوا كشف كربه وابتهل اليك ابتهال تائب من ذنوبه وانت الرؤف الذي ملكت

مالك الخلق كلهم وفطرتهم اجناسا مختلفات الالوان والاقدار على مشيتك قدرت
آجالهم وارزاقهم فلم يتعاظمك خلق خلق حتى كونته كما شئت مختلفا مما شئت فتعاليت
وتجبرت عن اتخاذ وزير وتعززت عن موازرة شريك وتنزهت عن اتخاذ الابناء وتقدست
عن ملامسة النساء فليست الابصار بمدركة لك ولا الاوهام بواقعة عليك وليس
لك شريك ولا ند ولا عديل ولا نظير انت الفرد الواحد الدائم الاول الآخر والعالم
الاحد الصمد القائم الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد لا توصف بوصف ولا
تدرك بوهم ولا يغيرك في مر الدهور صرف كنت ازليا لم تزل ولا تزال وعلمك بالاشياء
في الخفاء كعلمك بما في الاجهار والاعلان يا من ذل لعظمته العظماء وخضعت لعزته
الرؤساء ويا من كلت عن بلوغ ذاته السن البلغاء ويا من احكم تدبير الاشياء واستعجم
عن ادراكه عبادة علوم العلماء اتعذبني بالنار وانت املي او تسلطها علي بعد
اقراري لك بالتوحيد وخضوعي وخشوعي لك بالسجود او تلجلج لساني في الموقف قد
مهدت لي بمنك سبل الوصول الى التحميد والتسبيح والتمجيد فيا غاية الطالبين وامن
الخائفين وعماد الملهوفين وغياث المستغيثين وجار المستجيرين وكاشف كرب المكروبين
ورب العالمين وارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد وسلم علي والبسني العافية و
ارزقني من فضلك رزقا واسعا واجعلني من التوابين اللهم ان كنت كتبتني شقيا عندك
فاني اسألك بمعاقد العز من عرشك والكبرياء والعظمة التي لا يقاومها متكبر ولا عظيم ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تحولني سعيدا فانك تجري الامور على ارادتك وتجير
ولا يجار عليك يا مدبر وانت على كل شيء قدير وانت الرؤف الرحيم الخبير تعلم ما
في نفسي ولا اعلم ما في نفسك انك انت علام الغيوب يا لطيف فقديما لطفت بمسرف
على نفسه وامنن علي يا من من على غريق في بحور خطيئته هالك اسلمته للحتوف كثرة
زلله وتطول علي يا متطولا على المذنبين بالعفو والصفح فانك لم تزل آخذا بالفضل
والصفح على العائدين ومن وجب له باجترائه على الآثام حلول دار البوار يا عالم الخفيات
والاسرار يا جبار يا قهار وما الزمتنيه مولاي من فرض الآباء والامهات وواجب
حقوقهم من الاخوان والاخوات فاحتمل ذلك عني اليهم وأده يا ذا الجلال والاكرام
واغفر للمؤمنين والمؤمنات انك على كل شيء قدير والا دعا حضرت فاطمه عليها السلام

اَللّٰهُمَّ احْرُسْنا بِعَيْنِكَ الَّتِي لا تَنامُ وَرُكْنِكَ الَّذِي لا يُرامُ وَبِأَسْمائِكَ الْعِظامِ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَاحْفَظْ عَلَيْنا ما لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُكَ ضاعَ وَاسْتُرْ عَلَيْنا ما لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ شاعَ وَاجْعَلْ
كُلَّ ذٰلِكَ لَنا مِطْواعاً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ و [illegible] اين تسبيح بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
سُبْحانَ مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ الْاَنْعامُ بِاَصْواتِها يَقُولُونَ سُبُّوحاً قُدُّوساً سُبْحانَ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ
سُبْحانَ مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ الْبِحارُ بِاَمْواجِها سُبْحانَكَ رَبَّنا وَبِحَمْدِكَ سُبْحانَ مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ مَلائِكَةُ
السَّمٰواتِ بِاَصْواتِها سُبْحانَ اللّٰهِ الْمَحْمُودِ فِي كُلِّ مَقالَةٍ سُبْحانَ اللّٰهِ الَّذِي يُسَبِّحُ لَهُ الْكُرْسِيُّ
وَما حَوْلَهُ وَما تَحْتَهُ سُبْحانَ الْمَلِكِ الْجَبّارِ الَّذِي مَلَأَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰواتِ السَّبْعَ وَالْاَرَضِينَ
السَّبْعَ سُبْحانَ اللّٰهِ بِعَدَدِ ما سَبَّحَهُ الْمُسَبِّحُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِعَدَدِ ما حَمِدَهُ الْحامِدُونَ وَلا
اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِعَدَدِ ما هَلَّلَهُ الْمُهَلِّلُونَ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بِعَدَدِ ما كَبَّرَهُ الْمُكَبِّرُونَ وَاَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ بِعَدَدِ
ما اسْتَغْفَرَهُ الْمُسْتَغْفِرُونَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِعَدَدِ ما قالَهُ الْقائِلُونَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ ما صَلّىٰ عَلَيْهِ الْمُصَلُّونَ سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ تُسَبِّحُ
لَكَ الدَّوابُّ فِي مَراعِيها وَالْوُحُوشُ فِي مَظانِّها وَالسِّباعُ فِي فَلَواتِها وَالطَّيْرُ فِي وُكُورِها
سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ تُسَبِّحُ لَكَ الْبِحارُ بِاَمْواجِها وَالْحِيتانُ فِي مِياهِها وَالْمِياهُ عَلىٰ مَجارِيها
وَالْهَوامُّ فِي اَماكِنِها سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْجَوادُ الَّذِي لا يَبْخَلُ الْغَنِيُّ الَّذِي لا يَعْدَمُ
الْجَدِيدُ الَّذِي لا يَبْلىٰ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْباقِي الَّذِي لا يَزُولُ بِالْفَناءِ الدّائِمُ الَّذِي لا يَفْنىٰ الْعَزِيزُ الَّذِي
لا يَذِلُّ الْمَلِكُ الَّذِي لا يَزُولُ سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْقائِمُ الَّذِي لا يَعْيىٰ الدّائِمُ الَّذِي
لا يَبِيدُ الْعالِمُ الَّذِي لا يَرْتابُ الْبَصِيرُ الَّذِي لا يَعْمىٰ الْحَلِيمُ الَّذِي لا يَجْهَلُ سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلّا
اَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لا يَحِيفُ الرَّقِيبُ الَّذِي لا يَسْهُو الْمُحِيطُ الَّذِي لا يَلْهُو الشّاهِدُ الَّذِي
لا يَغِيبُ سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْقَوِيُّ الَّذِي لا يُرامُ الْعَزِيزُ الَّذِي لا يُضامُ السُّلْطانُ
الَّذِي لا يُغْلَبُ الْمُدْرِكُ الَّذِي لا يُدْرَكُ الطّالِبُ الَّذِي لا يُعْجَزُ [illegible] اين تعويذ بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اُعِيذُ نَفْسِي بِالْاَحَدِ الصَّمَدِ مِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ ابْنِ قَتَرَةَ وَما وَلَدَ
اَسْتَعِيذُ بِاللّٰهِ الْواحِدِ الْاَعْلىٰ مِنْ شَرِّ ما رَاَتْ عَيْنِي وَما لَمْ تَرَ اَسْتَعِيذُ بِاللّٰهِ الْفَرْدِ الْكَبِيرِ الْاَعْلىٰ
مِنْ شَرِّ ما اَرادَنِي بِاَمْرٍ عَسِيرٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي فِي جِوارِكَ وَحِصْنِكَ الْحَصِينِ
الْعَزِيزِ الْجَبّارِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْقَهّارِ السَّلامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ الْغَفّارِ عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ
الْكَبِيرِ الْمُتَعالِ هُوَ اللّٰهُ هُوَ اللّٰهُ هُوَ اللّٰهُ لا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَسَلَّمَ كَثِيراً ۵ و [illegible] اورد اعمال شب و روز پنجشنبه است شب نهم از شبهای شریفه نماز مختلف وارده ۷
از حضرت پیغمبر در این شب کثیر است از آنجمله فرمود که هر کس در این شب میان مغرب و عشا
دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت حمد یکبار و آیة الکرسی پنج بار و هر یک از قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد و معوذتین پانزده بار بجا آورد و بعد از فراغ پانزده مرتبه استغفار کند و ثواب
آنرا بوالدین بخشد و گوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ثَوابَها لِوالِدَيَّ ادای حق والدین کرده باشد و بعد او را
خدای تعالی ثواب شهدا ــــــ دیگر مرویست که هر که در این شب چهار رکعت نماز بگذارد
در هر رکعت حمد یکبار و قل یا ایها الکافرون بجمله ایجان باشد که هزار هزار بنده مؤمن آزاد کرده باشد
ــ و دیگر از حضرت پیغمبر مرویست که هر که در این شب چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعت فاتحه
هفت بار و انا انزلنا یکبار و فاصله کند میان آن بسلیم و چون فارغ شود صد مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَبْرَئِيلَ عطا کند او را خدای تعالی هفتاد
هزار قصر در بهشت و در هر قصری هفتاد هزار سرای و در هر سرای هفتاد هزار خانه و در هر خانه
هفتاد هزار حور و نیکست جماع کردن مرویست که هر گاه فرزندی بعمل آید حافظ احکام شریعت گردد
و مرویست که ابن طاوس در این شب بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سُبْحانَكَ رَبَّنا وَلَكَ الْحَمْدُ
اَنْتَ الَّذِي بِكَلِماتِكَ خَلَقْتَ جَمِيعَ خَلْقِكَ فَكُلُّ مَشِيَّتِكَ اَتَتْكَ بِلا لُغُوبٍ اَثْبَتَّ مَشِيَّتَكَ وَلَمْ
تَأَنَّ فِيها لِمَؤُونَةٍ وَلَمْ تَنْصَبْ فِيها لِمَشَقَّةٍ وَكانَ عَرْشُكَ عَلَى الْماءِ وَالظُّلْمَةُ عَلَى الْهَواءِ وَالْمَلائِكَةُ
يَحْمِلُونَ عَرْشَكَ عَرْشَ النُّورِ وَالْكَرامَةِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِكَ وَالْخَلْقُ مُطِيعٌ لَكَ خاشِعٌ مِنْ خَوْفِكَ
لا يُرىٰ فِيهِ نُورٌ اِلّا نُورُكَ وَلا يُسْمَعُ فِيهِ صَوْتٌ اِلّا صَوْتُكَ حَقِيقٌ بِما لا يَحِقُّ اِلّا لَكَ خالِقُ
الْخَلْقِ وَمُبْدِعُهُ تَوَحَّدْتَ بِاَمْرِكَ وَتَفَرَّدْتَ بِمُلْكِكَ وَتَعَظَّمْتَ بِكِبْرِيائِكَ وَتَعَزَّزْتَ بِجَبَرُوتِكَ
وَتَسَلَّطْتَ بِقُوَّتِكَ وَتَعالَيْتَ بِقُدْرَتِكَ فَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ فَوْقَ السَّمٰواتِ الْعُلىٰ كَيْفَ
لا تَقْصُرُ دُونَكَ عِلْمُ الْعُلَماءِ وَلَكَ الْعِزَّةُ اَحْصَيْتَ خَلْقَكَ وَمَقادِيرَكَ لِما حَلَّ مِنْ جَلالِ ما حَلَّ
مِنْ ذِكْرِكَ وَلِمَا ارْتَفَعَ مِنْ رَفِيعِ ما ارْتَفَعَ مِنْ كُرْسِيِّكَ عَلَوْتَ عَلىٰ عُلُوِّ ما اسْتَعْلىٰ مِنْ مَكانِكَ
كُنْتَ قَبْلَ جَمِيعِ خَلْقِكَ لا يَقْدِرُ الْقادِرُونَ قَدْرَكَ وَلا يَصِفُ الْواصِفُونَ اَمْرَكَ رَفِيعُ الْبُنْيانِ
مُضِيءُ الْبُرْهانِ عَظِيمُ الْجَلالِ قَدِيمُ الْمَجْدِ مُحِيطُ الْعِلْمِ لَطِيفُ الْخُبْرِ حَكِيمُ الْاَمْرِ اَحْكَمَ الْاَمْرَ صُنْعُكَ
وَقَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ سُلْطانُكَ وَتَوَلَّتِ الْعَظَمَةُ بِعِزَّتِكَ الْمُلْكَ وَالْكِبْرِياءُ بِعِظَمِ جَلالِكَ ثُمَّ دَبَّرْتَ
الْاَشْياءَ كُلَّها بِحُكْمِكَ وَاَحْصَيْتَ اَمْرَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ كُلَّها بِعِلْمِكَ وَكانَ الْمَوْتُ وَالْحَيٰوةُ بِيَدِكَ

وضرع كل شيء اليك وذل كل شيء لملكك وانقاد كل شيء لطاعتك فقدست ربنا و
تقدس اسمك وتباركت ربنا وتعالى ذكرك وتقدست على خلقك ولطفت في امرك
لا يعزب عنك مثقال ذرة في السموات والارض ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب
مبين فسبحانك وبحمدك تباركت ربنا وجل ثناؤك اللهم صل على محمد عبدك ورسولك
ونبيك افضل ما صليت على احد من [illegible] المرسلين صلوة تبيض بها وجهه وتقر
بها عينه وتزين بها مقامه وتجعل خطيبا بمحامدك ما قال صدقته وما سال اعطيته
وان شفع شفعته واجعل له من عطائك عطاء ناميا وافيا وصيبا جزلا واسما تاما
عاليا على النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا اللهم اني
اسالك باسمك الذي اذا ذكر اهتز له عرشك وتهلل له نورك واستبشرت له ملائكتك
والذي اذا ذكر تزعزعت له السموات والارض والجبال والبحور والدواب والذي اذا ذكر
تفتحت له ابواب السماء واشرقت له الارض وسبحت له الجبال والذي اذا ذكر تصدعت
له الارض وتقدست له الملائكة والانس وتفرجت له الانهار والذي اذا ذكر ارتعدت
منه النفوس ووجلت منه القلوب وخشعت له الاصوات ان تغفر لي ولوالدي
وارحمهما كما ربياني صغيرا وارزقني ثواب طاعتهما ومرضاتهما وعرف بيني وبينهما في جنتك
اسئلك لي ولهما الاجر في الآخرة يوم القيمة والعفو يوم القضاء وبرد العيش عند الموت
وقرة عين لا تنقطع ولذة النظر الى وجهك وشوقا الى لقائك اللهم اني ضعيف فقو في
رضاك ضعفي وخذ الى الخير بناصيتي واجعل الاسلام منتهى رضاي واجعل البر اكبر
اخلاقي والتقوى زادي وارزقني الظفر بالخير [illegible] واصلح لي ديني الذي هو عصمة امري
وبارك لي في دنياي التي فيها بلاغي واصلح لي آخرتي التي اليها معادي واجعل دنياي زيادة
في كل خير واجعل آخرتي عافية من كل شر ووفقني للانابة الى دار الخلود والتجافي
عن دار الغرور والاستعداد للموت قبل ان ينزل بي اللهم لا تاخذني بغتة ولا تقتلني
فجاءة ولا تعجلني عن حق لا تسلبنيه وعافني من ممارسة الذنوب بتوبة نصوح ومن
الاسقام الدوية بالعفو والعافية وطوقني آمنة مطمئنة راضية بما انا مرضية
ليس عليها خوف ولا حزن ولا جزع ولا فزع ولا وجل ولا مقت منك مع المؤمنين الذين
سبقت لهم منك الحسنى وهم عن النار مبعدون اللهم صل على محمد وآل محمد ومن اراد بي

اراد بي بحسن فاعنه عليه ويسره لي فاني لما انزلت الي من خير فقير ومن ارادني بسوء
او حسد او بغي او عداوة او ظلم [illegible] في نحره واستعين بك عليه فاكفنيه
بم شئت واشغله عني بم شئت فانه لا حول ولا قوة الا بك اللهم اني اعوذ بك
من الشيطان الرجيم ومن مغاويه واعتراضه وفزعه ووسوسته اللهم فلا تجعل
له علي سلطانا ولا تجعل له في مالي وولدي شركا ولا نصيبا وباعد بيننا وبينه كما
باعدت بين المشرق والمغرب حتى لا يفسد شيئا من طاعتك علينا واتمم نعمتك عندنا
برضائك يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين وسلم
تسليما — اما روز پنجشنبه متعلق بمشتریست و آن روز مبارکیست خدا و رسول او را دوست
داشته صباح و رواح او فلاح و نجاح است نیکست دیدن قضاة و علما و اکابر و امرا و طلب
حاجت چنانچه از حضرت امام جعفر صادق ع از امیر المؤمنین ع روایت کرده که چون کسی را حاجتی
باشد صباح روز پنجشنبه در طلب رفتن از خانه بیرون رود آخر سوره آل عمران و آیة الکرسی
و انا انزلناه و فاتحه بخواند که حوائج دنیا و آخرت او روا شود و سفر در این روز موجب ظفر است
و نیز از آنحضرت مرویست که هرکه ما بین زوال آفتاب روز پنجشنبه تا زوال آفتاب روز جمعه [illegible]
عذاب قبر و تنگی و ایمن باشد و حجامت و فصد و ناخن گرفتن در این روز خوبست و گذاشتن یک انگشت
از بهر روز جمعه و گرفتن شارب و دخول در حمام و غسل جمعه از برای کسی که خوف فوت غسل جمعه داشته
باشد و نیکوست شرب دارو و قطع لباس در این روز مبارکست و هرکه جامه ببرد در این روز روزی شود
او را علم در آن جامه و گرامی میگردد در نظر مردم و وقت استخاره در این روز نیکست تا طلوع آفتاب و بعد
از آن از ظهر تا عشا و مستحبست روزه گرفتن بتخصیص پنجشنبه اول ماه و وسط و آخر ماه و نشستن
در نماز صبح این روز سوره هل اتی خواندن و سوره انا انزلناه بسیار خواندن و سوره مائده و در [illegible]
رفتن بمساجد و از جمله وظایف این روز نمازیست روایت کرده ابن مسعود از حضرت پیغمبر ص که هرکه در
میان ظهر و عصر این روز دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول حمد و آیة الکرسی صد بار و در دوم حمد و
قل هو الله احد صد بار و چون فارغ شود از نماز صد مرتبه استغفار و صد مرتبه صلوات فرستد بر پیغمبر
[illegible] — ایضا از آنحضرت مرویست که هرکه در این میان ظهر و عصر چهار رکعت
نماز بگذارد در رکعت اول الحمد یکبار و قل هو الله احد صد بار و در دوم بهمین طریق و در سیم حمد یکبار
و آیة الکرسی صد بار و در چهارم حمد یکبار و اخلاص بخواند و چون فارغ شود بگوید اشهد لا اله الا هو وحده

لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر عطا کند خدای تعالی اورا اجر کسی که روزه داشته باشد ماه رجب وماه شعبان وماه
رمضان را وبنویسد برای او حج وعمره وثواب بجا نماز وبعدد هر ابر ثواب عابدی وبعدد هر مشرکی
شهری ازبرای او در بهشت بنا کند وچنان باشد که امت محمد را خریده باشد وآزاد کرده واز دنیا
بیرون نرود تا ببیند جای خود را در بهشت دیگر زیارت قبور صالحین ودیدن ارحام خصوصا علما
وصلحا واولیا است وثواب وفضیلت وآداب آن در روز جمعه ذکر شد دیگر صلوات واستغفار
ومستحب است در این روز صلوات بر محمد وآل او فرستادن هزار بار واگر نتواند صد بار که فضیلت
بسیار وثواب بیشمار دارد ومستحب است بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم
واهلک عدوهم من الجن والانس من الاولین والآخرین ودر آخر روز استغفار کردن وطلب
آمرزش کردن باین کلمات مستحب است استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه
توبة نصوحا توبة عبد خاضع مسکین مستکین لا یستطیع لنفسه صرفا ولا عدلا ولا نفعا و
لا ضرا ولا حیوة ولا نشورا وصلی الله علی محمد وآله وعترته الطاهرین دیگر ادعیه و
اذکار است وآن بسیار است از آنجمله دعائیست که در این روز باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی له فی کل نفس من الانفاس وخطرة من الخطرات منا منن لا تحصی وفی کل
لحظة من اللحظات نعم لا تنسی وفی کل حال من الحالات عائدة لا تخفی وسبحان الله الذی
یقهر القوی وینصر الضعیف ویجبر الکسیر ویغنی الفقیر ویقبل الیسیر ویعطی الکثیر وهو علی
کل شیء قدیر ولا اله الا الله السابغ النعمة البالغ الحکمة الدامغ الحجة الواسع الرحمة المنیع
العصمة والله اکبر ذو السلطان المنیع والبنیان الرفیع والانشاء البدیع والحساب السریع
وصلی الله علی محمد خیر النبیین وآله الطاهرین وسلم تسلیما اللهم انی اسئلک سؤال خائف
من وقفة الموقف الوجل من الفزع المشفق من الخشیة لبوائق القیمة المأخوذ علی الغرة
النادم علی خطیئته المسئول المحاسب المثاب المعاقب الذی لم یکنه مکان عنک ولا وجد
مفرا الا الیک مستقیلا ملتجئا من شیء عمله مقرا بعظیم ذنوبه قد احاطت به الهموم وضاقت
علیه رحائب الحلوم موقن بالموت مبادر بالتوبة قبل الفوت ان مننت بها علیه دعوت
فانت الهی رجائی اذا ضاقت بی الرجاء وملجئی اذ لم اجد فناء الا التجاء توحدت سیدی
بالعز العلاء وتفردت بالوحدانیة والبقاء فانت المتعزز المتفرد بالمجد فلک ربی الحمد لا یواری

لا یواری منک مکان ولا یغیرک دهر ولا زمان الفت بقدرتک الفرق وفلقت بقدرتک
الفلق وانرت بکرمک دیاجی الغسق وانجرت من الصم الصیاخید عذبا وفراتا واجاجا
وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس للبریة سراجا وهاجا والقمر والنجوم ابراجا
من غیر ان تمارس فیما ابتدأت لغوبا ولا علاجا وانت اله کل شیء وخالقه وجبار کل
مخلوق ورازقه فالعزیز من اعززت والذلیل من اذللت والسعید من اسعدت والشقی
من اشقیت والغنی من اغنیت والفقیر من افقرت انت ولیی ومولای وعلیک رزقی
وبیدک ناصیتی فصل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله وعد بفضلک علی عبد
غمره جهله واستولی علیه التسویف حتی سالم الایام فارتکب المحارم والآثام فاجعلنی
سیدی عبدا یفزع الی التوبة فانها مفزع المذنبین واغننی بجودک الواسع عن المخلوقین
ولا تحوجنی الی شرار العالمین وهب لی عفوک فی موقف یوم القیمة فانک ارحم الراحمین
واجود الاجودین واکرم الاکرمین یا من له الاسماء الحسنی والامثال العلیا جبار السموات
والارضین الیک قصدت راجیا فلا ترد یدی عن سنی مواهبک صفرا انک جواد مفضال
یا رؤوفا بالعباد ومن هو لهم بالمرصاد اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجزل لی
وتحسن مآبی وتستر عیوبی وتغفر ذنوبی وتنقذنی مولای بفضلک من الیم العقاب
انک جواد کریم وهاب فقد اقتنی السیئات والحسنات بین ثواب وعقاب فقد رجوت
ان تکون بلطفک تتغمد عبدک المقر بفوادح العیوب بجودک وکرمک یا غافر الذنوب
تصفح عن زلل فلیس لی سیدی رب ارتجیه غیرک ولا اله اسئله جبر فاقتی ومسکنتی
سواک فلا تردنی منک بالخیبة یا مقیل العثرات وکاشف الکربات الهی تشرفنی فانی
لست باول من سررته یا ولی النعم وشدید النقم ودائم المجد والکرم واخصصنی منک
بمغفرة لا یقارنها شقاء وسعادة لا یدانیها اذی والهمنی تقواک وجنبنی موبقات
معصیتک ولا تجعل للشیطان علی سلطانا انک اهل التقوی واهل المغفرة وقد دعوتک و
تکفلت بالاجابة فلا تخیب سائلک ولا تخذل طالبک ولا ترد املک یا خیر مأمول و
اسئلک برأفتک ورحمتک وفوائد منتک وتوسلیک یا من هو علی کل شیء قدیر وبکل شیء
محیط فاکفنی ما اهمنی من امر دنیای وآخرتی انک سمیع الدعاء لطیف لما تشاء وادرجنی
درج من اوجبت له حلول دار کرامتک مع اصفیائک واهل اختصاصک بجزیل مواهبک

في درجات جنانك مع الذين انعمت عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين
وحسن اولئك رفيقا وما افترضت علي ما احملهُ عني الى من اوجبت حقوقه من الآباء
والامهات والاخوة والاخوات واغفر لي ولهم مع المؤمنين والمؤمنات انك قريب
مجيب واسع البركات وذلك عليك يسير يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد النبي
وآله وسلم تسليما دعاي حضرت فاطمه عليها السلام در اين روز بخواند اللهم اني اسئلك
الهدى والتقى والعفاف والغنى والعمل بما تحب وترضى اللهم اني اسئلك من قوتك
لضعفنا ومن غناك لفقرنا وفاقتنا ومن حلمك وعلمك لجهلنا اللهم صل على محمد وآل محمد
واعنا على شكرك وذكرك وطاعتك وعبادتك برحمتك يا ارحم الراحمين تسبيح بسم الله الرحمن
الرحيم سبحانك لا اله الا انت الواسع الذي لا يضيق البصير الذي لا يضل النور الذي
لا يخمد سبحانك لا اله الا انت الحي الذي لا يموت القيوم الذي لا ينام الصمد الذي لا
يطعم سبحانك لا اله الا انت ما اعظم شأنك واعز سلطانك واعلا مكانك سبحانك
لا اله الا انت ما ابرك وارحمك واحلمك واعظمك واعلمك واسمحك واجلك واكرمك
واعزك واعلاك واقواك واسمعك وابصرك سبحانك لا اله الا انت ما اوسع رحمتك
واكثر فضلك سبحانك لا اله الا انت ما اتم آلائك واسبغ نعمائك سبحانك لا اله الا انت
ما افضل نوالك واجزل عطائك سبحانك لا اله الا انت ما اوسع نحلك واوضح برهانك
سبحانك لا اله الا انت ما اشد اخذك واوجع عقابك سبحانك لا اله الا انت ما اشد
مكرك وامتن كيدك سبحانك لا اله الا انت تسبح لك السموات السبع والارضون السبع
سبحانك لا اله الا انت القريب في علوك المتعالي في دنوك المتداني دون كل شيء من
خلقك سبحانك لا اله الا انت القريب قبل كل شيء والدائم مع كل شيء والباقي بعد فناء
كل شيء سبحانك لا اله الا انت تطامن كل شيء لجبروتك وانقاد كل شيء لسلطانك وذل
كل شيء لعزتك وخضع كل شيء لملكك واستسلم كل شيء لقدرتك سبحانك لا اله الا انت
ملكت الملوك بعظمتك وقهرت الجبابرة بقدرتك وذللت العظماء بعزتك سبحانك لا اله
الا انت تسبيحا يفضل على تسبيح المسبحين كلهم من اول الدهر الى آخره وملاء السموات و
الارضين وملاء ما خلقت وملاء ما قدرت سبحانك لا اله الا انت تسبح لك السموات باقطارها
والشمس في مجاريها والقمر في منازله والنجوم في مسيرها والفلك في معارجه سبحانك لا اله

الا انت تسبح لك النهار بضوئه والليل بظلامه والنور بشعاعه والظلمة
بغمومها سبحانك لا اله الا انت تسبح لك الرياح في مهبها والسحاب بامطارها والبرق
بخطفانه والرعد بارزامه سبحانك لا اله الا انت تسبح لك الارض باقواتها والجبال
باطوادها والاشجار باوراقها والمراعي في منابتها سبحانك وبحمدك لا اله الا انت وحدك
لا شريك لك عدد ما سبحك من شيء وكما تحب يا رب ان تحمد وكما ينبغي لعظمتك و
كبريائك وعزك وقوتك وقدرتك وصلى الله على رسوله محمد خاتم النبيين وآله اجمعين
اما عوذه بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسي برب المشارق والمغارب من كل شيطان
مارد وقائم وقاعد وحاسد ومعاند وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به ويذهب
عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم ويثبت به الاقدام اركض برجلك هذا مغتسل
بارد وشراب وانزلنا من السماء ماء طهورا لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا انعاما
واناسي كثيرا الآن خفف الله عنكم ذلك تخفيف من ربكم ورحمة يريد الله ان يخفف عنكم
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم لا اله الا الله والله غالب على امره لا اله الا الله محمد
رسول الله صلى الله عليه وآله اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله اعوذ برسول الله
صلى الله عليه وآله وسلم تسليما فصل در طريق ختم قرآن و نماز هديه رسول خدا و ائمه هدى عليهم السلام
در عرض هفته بكند از حضرت [illegible] مرويست كه بعضي اصحاب فرمودند در هفته يك ختم
و در تحفة المسترشدين ذكر كرده كه ترتيب تلاوت هفته بر اين وجه وارد شده كه شب جمعه شروع
كند و تا آخر سوره مائده بخواند و در شب شنبه از اول انعام تا آخر سوره برائة و شب يكشنبه از
اول سوره يونس تا آخر سوره مريم و شب دوشنبه از اول سوره طه تا آخر سوره قصص و شب سه شنبه
از اول سوره عنكبوت تا آخر سوره ص و شب چهارشنبه از اول سوره زمر تا آخر سوره الرحمن و
شب پنجشنبه از اول سوره واقعه تا آخر قرآن و ابن ختم را احزاب گويند نقل است كه چون ختم احزاب
تمام كند سر بسجده نهد و پنج مرتبه بگويد سبوح قدوس رب الملائكة والروح و سر بردارد و آية الكرسي
بخواند و باز بسجده رود و همان تسبيح گويد پس سر بردارد و هر حاجت كه دارد بخواهد كه بر آورده مي شود انشاء الله
نماز هديه از حضرات ائمه عليهم السلام مرويست كه مستحب است در هر روز از روزهاي هفته چند ركعت
نماز هديه از براي هر يك از ائمه بكند كه [illegible] مثوبات دينيه و دنيويه برسد
و ارواح مقدسات آن حضرات ممد و معاون او باشد و وقت آن از طلوع صبح است تا غروب آفتاب

وکیفیتش اینست که ابتدا از روز جمعه نماید و هشت رکعت نماز کند از دو چهار رکعت هدیه رسول ص
و چهار رکعت دیگر هدیه حضرت فاطمه علیها السلام هر دو رکعت بیک سلام و نیت چنین کند اصلی
رکعتین هدیة منی الی روح رسول الله او الزوج فاطمة علیها السلام لندبها قربة الی الله و روز شنبه
چهار رکعت هدیه علی بن ابی طالب و روز یکشنبه هدیه امام حسن ع و روز دوشنبه هدیه امام
حسین ع و روز سه شنبه هدیه امام زین العابدین ع و روز چهارشنبه هدیه امام محمد باقر ع و روز
پنجشنبه هدیه امام جعفر صادق ع هر روز چهار رکعت که جمعه دیگر باز هشت رکعت هدیه رسول
و حضرت فاطمه ع و روز شنبه هدیه امام موسی و هم چنین تا صاحب الزمان ع و بعد از هر دو رکعت
ابد علیخواند اللهم انت السلام و منک السلام و الیک یعود السلام حینا ربنا منک بالسلام
اللهم ان هذه الرکعات هدیة منی الی ولیک فلان فصل علی محمد و آله و بلغه ایاها
و اعطنی افضل املی و رجائی فیک و فی رسولک صلواتک علیه و آله و فیه و دعا کن
بانچه خواهی فصل در زیارات متعلقه بایام هفته است سید بن طاوس رحمه الله روایت نموده
که هر روزی از روزهای هفته تعلق به معصوم و بعضی از ائمه علیهم السلام دارد پس باید
مهمان صاحب آن روز شد و بصاحب آن روز خود را سپارد تا در حفظ و حمایت او باشد و حوائج دنیا
و آخرت از او طلب نماید که از برکت او باجابت مقرون گردد چنانچه روز شنبه تعلق بحضرت پیغمبر ص
دارد و روز یکشنبه تعلق بعلی بن ابی طالب ع و روز دوشنبه بامام حسن ع و امام حسین ع و
روز سه شنبه بامام زین العابدین ع و امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع و روز چهارشنبه
بامام موسی ع و امام رضا ع و امام محمد تقی ع و امام علی نقی ع و روز پنجشنبه بامام حسن عسکری ع
و روز جمعه بامام محمد مهدی ع و طریق زیارت آنست که از صبح تا طلوع آفتاب که بهترین اوقات
این زیارتست با طهارت و لباس پاک رو بقبله ایستاده نیت زیارت کند باین نحو که ازور
فلان بن فلان لندبها قربة الی الله یعنی زیارت میکنم او را فلان پسر فلان را
قربة الی الله و بعد از آن شروع در زیارت نماید زیارت حضرت پیغمبر ص در روز شنبه اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد انک رسوله و انک محمد بن عبد الله و اشهد
انک قد بلغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل الله بالحکمة و
الموعظة الحسنة و ادیت الذی علیک من الحق و انک قد رؤفت بالمؤمنین و
غلظت علی الکافرین و عبدت الله مخلصا حتی اتاک الیقین فبلغ الله بک اشرف محل

المکرمین الحمد لله الذی استنقذنا بک من الشرک و الضلال اللهم صل علی محمد و
آل محمد و اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک و انبیائک المرسلین و عبادک الصالحین
و اهل السموات و الارضین و من سبح لک یا رب العالمین من الاولین و الآخرین علی
عبدک و رسولک و نبیک و امینک و نجیک و حبیبک و صفیک و صفوتک و خاصتک
و خیرتک من خلقک و اعطه الفضل و الفضیلة و الوسیلة و الدرجة الرفیعة و ابعثه
مقاما محمودا یغبطه به الاولون و الآخرون اللهم انک قلت و لو انهم اذ ظلموا انفسهم
جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما الهی فقد اتیت نبیک
مستغفرا تائبا من ذنوبی فصل علی محمد و آله و اغفرها لی یا سیدی اتوجه بک و بآل
بیتک الی الله تعالی ربک و ربی لیغفر لی بعد از آن سه بار بگوید انا لله و انا الیه راجعون
بعد از آن بگوید اصبنا بک یا حبیب قلوبنا فما اعظم المصیبة بک حیث انقطع عنا الوحی
و حیث فقدناک فانا لله و انا الیه راجعون یا سیدنا یا رسول الله صلوات الله علیک
و علی اهل بیتک الطیبین الطاهرین هذا یوم السبت و هو یومک و انا فیه ضیفک و
جارک فاضفنی و اجرنی فانک کریم تحب الضیافة و مأمور بالاجارة فاضفنی و احسن
ضیافتی و اجرنا و احسن اجارتنا بمنزلة الله عندک و عند آل بیتک و بمنزلتهم عنده و بما
استودعکم من علمه فانه اکرم الاکرمین السلام علی الشجرة النبویة و الدوحة
الهاشمیة المضیئة المثمرة بالنبوة المونقة بالامامة السلام علیک و علی ضجیعیک
آدم و نوح السلام علیک و علی اهل بیتک الطاهرین السلام علیک و علی الملائکة المحدقین
بک و الحافین بقبرک یا مولای یا امیر المؤمنین هذا یوم الاحد و هو یومک و باسمک
و انا ضیفک فیه و جارک فاضفنی یا مولای و اجرنی فانک کریم تحب الضیافة و مأمور
بالاجارة فافعل ما رغبت الیک فیه و رجوته منک بمنزلتک و آل بیتک عند الله و
منزلته عندکم و بحق ابن عمک رسول الله صلی الله علیه و علیکم اجمعین
السلام علیک یا ممتحنة امتحنک الذی خلقک فوجدک لما امتحنک صابرة و انا لک مصدق
صابر علی ما اتی به ابوک و وصیه صلوات الله علیهما و انا اسألک ان کنت صدقتک
الا الحقتنی بتصدیقی لهما لتسر نفسی فاشهدی انی طاهر بولایتک و ولایة آل بیتک صلوات الله
علیهم اجمعین السلام علیک یا ابن رسول الله رب العالمین السلام علیک یا ابن

أمير المؤمنين السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك
يا صفوة الله السلام عليك يا أمين الله السلام عليك يا حجة الله السلام عليك يا نور الله
السلام عليك يا صراط الله السلام عليك يا بيان حكم الله السلام عليك يا ناصر دين الله
السلام عليك أيها السيد الزكي السلام عليك أيها البر الوفي السلام عليك أيها القائم
الأمين السلام عليك أيها العالم بالتأويل السلام عليك أيها الهادي المهدي السلام عليك
أيها الطاهر الزكي السلام عليك أيها التقي النقي السلام عليك أيها الحق الحقيق السلام
عليك أيها الشهيد الصديق السلام عليك يا أبا محمد الحسن بن علي ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا بن رسول الله السلام عليك يا بن أمير المؤمنين السلام عليك
يا بن سيدة نساء العالمين أشهد أنك أقمت الصلوة وآتيت الزكوة وأمرت بالمعروف و
نهيت عن المنكر وعبدت الله مخلصا وجاهدت في الله حق جهاده حتى أتاك اليقين فعليك
سلام الله ما بقيت وبقي الليل والنهار وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين أنا يا مولاي مولى
لك ولآل بيتك سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم مؤمن بسركم وجهركم وظاهركم وباطنكم
لعن الله أعداءكم من الأولين والآخرين وأنا أبرأ إلى الله تعالى منهم يا مولاي يا أبا محمد يا
مولاي يا أبا عبد الله هذا يوم الاثنين وهو يومكما وباسمكما وأنا فيه ضيفكما فأضيفاني وأحسنا
ضيافتي فنعم من استضيف به أنتما وأنا فيه من جواركما فأجيراني فإنكما مأموران بالإجارة
فصلى الله عليكما وآلكما الطيبين الطاهرين السلام عليكم يا خزان علم الله السلام
عليكم يا تراجمة وحي الله السلام عليكم يا أئمة الهدى السلام عليكم يا أعلام التقى السلام عليكم
يا أولاد رسول الله أنا عارف بحقكم مستبصر بشأنكم معاد لأعدائكم موال لأوليائكم
بأبي أنتم وأمي صلوات الله عليكم اللهم إني أتوالى آخرهم كما توليت أولهم وأبرأ من كل
وليجة دونهم وأكفر بالجبت والطاغوت واللات والعزى صلوات الله عليكم يا موالي ورحمة الله
وبركاته السلام عليك يا سيد العابدين وسلالة الوصيين السلام عليك يا باقر علم النبيين
السلام عليك يا صادقا مصدقا في القول والفعل يا موالي هذا يومكم وهو يوم الثلثاء وأنا فيه
ضيف لكم ومستجير بكم فأضيفوني وأجيروني بمنزلة الله عندكم وآل بيتكم الطيبين الطاهرين
السلام عليكم يا أولياء الله السلام عليكم يا حجج الله السلام عليكم يا نور الله في ظلمات الأرض
صلوات الله عليكم وعلى آل بيتكم الطيبين الطاهرين بأبي أنتم وأمي لقد عبدتم الله مخلصين و

مخلصين وجاهدتم في الله حق جهاده حتى أتاكم اليقين فلعن الله أعداءكم من الجن والإنس
أجمعين وأنا أبرأ إلى الله وإليكم منهم يا مولاي يا أبا إبراهيم موسى بن جعفر يا مولاي
يا أبا الحسن علي بن موسى يا مولاي يا أبا جعفر محمد بن علي يا مولاي يا أبا الحسن علي بن محمد أنا
مولى لكم مؤمن بسركم وجهركم متضيف بكم في يومكم هذا وهو يوم الأربعاء ومستجير بكم
فأضيفوني وأجيروني بآل بيتكم الطيبين الطاهرين السلام عليك يا ولي الله السلام
عليك يا حجة الله وخالصته السلام عليك يا إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين صلى الله عليك وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين يا مولاي يا أبا محمد الحسن
بن علي أنا مولى لك ولآل بيتك وهذا يومك وهو يوم الخميس وأنا ضيفك فيه ومستجير
بك فيه فأحسن ضيافتي وإجارتي بحق آل بيتك الطاهرين السلام عليك
يا حجة الله في أرضه السلام عليك يا عين الله في خلقه السلام عليك يا نور الله الذي
به يهتدي المهتدون ويفرج به المؤمنون السلام عليك أيها الولي الناصح السلام عليك
يا سفينة النجاة السلام عليك يا عين الحيوة السلام عليك صلى الله عليك وآل بيتك الطاهرين
السلام عليك عجل الله لك ما وعدك من النصر وظهور الأمر السلام عليك يا مولاي أنا
مولاك عارف بأولاك وأخراك أتقرب إلى الله تعالى بك وبآل بيتك وأنتظر ظهورك
وظهور الحق على يديك وأسأل الله أن يصلي على محمد وآل محمد وأن يجعلني من المنتظرين لك
والتابعين والناصرين لك على أعدائك والمستشهدين بين يديك في جملة أوليائك يا مولاي
يا صاحب الزمان صلوات الله عليك وعلى آل بيتك هذا يوم الجمعة وهو يومك المتوقع
فيه ظهورك والفرج فيه للمؤمنين على يديك وقتل الكافرين بسيفك وأنا يا مولاي فيه
ضيفك وجارك وأنت يا مولاي كريم من أولاد الكرام ومأمور بالإجارة فأضفني وأجرني
صلوات الله عليك وعلى أهل بيتك الطاهرين مقصد سوم در نمازهائى كه غير نمازهاى
فريضه ونافله شبانه روزيست واختصاص بهفته وماه وسال ندارد ومنوطست بسببهاى مخصوصه
كه در هر وقت از اوقات كه يكى از آن اسباب بهم رسد قيام بيكى از آن نمازها واجب يا مستحب گردد مشتمل
بر دو فصل اول در نمازهاى واجبست وآنها سه قسمند اول نماز آياتست كه عبارت از
كسوف آفتاب وخسوف ماه خواه كل بگيرد خواه بعض ووقوع زلزله واخاويف سماويه مانند بعضى از
كه از جانب آسمان حادث شود كه موجب خوف غالب خلق گردد مثل بادهاى سخت سياه وسرخ كه برخلاف

عادت باشد و صاعقهای عظیم و رعد و برق بسیار شدید غیر عادی و تاریک شدن هوا و امثال اینها
و نماز اینها دو رکعت است در هر رکعت پنج رکوع و کیفیت این نماز است اول نیت کند باین طریق
که اصلّی صلوة الکسوف او الخسوف او الزلزلة او الآیات لوجوبها قربة الی الله و اگر بفارسی خواهد
بگوید نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا از جهة آنکه واجب است برای رضای خدا
یا قربة الی الله پس تکبیر الاحرام گوید و حمد و سوره بخواند پس رکوع کند و ذکر رکوع بگوید و سجود نکرده سر بردارد
و سنت است که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل
آورد و از رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس
برخیزد و یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اولی و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله
لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول بعد از حمد بعض از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن
باقی سوره را بخواند اعاده حمد نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در
رکوع اول خوانده اکتفا میکند و هم چنین در رکعت دوم بیک حمد و سوره چنین که تفریق کند اکتفا میتواند
کرد و بهتر آنست که بطریق اول بکند و پنج حمد و پنج سوره بجا آورد اگر وقت تنگ نباشد و مستحب است
قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای
گرفتن و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و المعروف ترجیح جمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی
شود و قضا یافتن نیست و نماز زلزله بروایات که وقت و قضا ندارد بقول مشهور تمام عمر است و اگر
کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا میکند آن نماز را
مطلقا و جمعی گفته اند که بر کسی که فراموش کرده باشد قضا نیست تا آنکه تمام قرص نگرفته باشد و عمل
بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضا کسوفین واجب
نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند که واجب است قضا مطلقا و قول اول اقوی و ثانی
احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان کسوف و خسوف و
هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد مشهور و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است و بعضی واجب
دانسته اند و مستحب است خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با
قرائت و اگر در ایام زلزله مکرر این آیه را بخواند مناسب است إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ
أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا یازدهم نماز نذر و
شبه آنست و آن عبارت از نمازیست که بسبب نذر و عهد و یمین بر مکلف واجب میشود که گاهی از روی قصد

از روی قصد و قربت و باید بصیغه معتبره واقع شود چنانچه در نذر بگوید مثلا ان شفی مریضی فلله علی
ان اصلّی رکعتین قربة الی الله یعنی اگر شفا یابد مریض من پس از برای خداست بر من که دو رکعت نماز
بگذارم از جهة نزدیکی بخدا و در عهد بگوید ان شفی مریضی فقد عاهدت الله یا بگوید تعهدت الله علی
ان اصلّی رکعتین قربة الی الله و در یمین گوید والله لاصلّین کل یوم جمعة مثلا رکعتین و هر یک از
این صیغها باید بعربی گفته شود و اگر عاجز باشد بفارسی بگوید و هر چه در نمازهای پنجگانه شرط و
معتبر است در این سه نماز نیز معتبر است و آنچه شرط کرده شود در وی از زمان و مکان و صفات
و قرائت و مانند آن نیز لازم گردد اگر شرعی کرده و اگر یکی از اینها معین باشد و خلاف آن کند
قضا و کفاره لازم آید و اگر مطلق باشد هرگاه که خواهد بجا آورد و نیت چنین کند که اصلّی رکعتین
وفاء للنذر یا للعهد یا للیمین اداء لوجوبها قربة الی الله و اگر مطلق باشد حاجت بقید ادا نباشد
و ایضا بسبب اجاره کردن نماز قضا لازم میشود و واجب است رعایت کردن ترتیب آن نماز چنانچه فوت شده
از قصر و اتمام و جهر و اخفات و سایر شروط و افعال نیز واجب است و صیغه اجاره چنین است که اجیر گوید
آجرتک نفسی علی ان اقضی عن فلان صلوة خمسین سنة مثلا من الصلوة الیومیة منضمّا الی
کل سنة صلوة کسوف و خسوف و زلزلة بما تذکر مثلا پس مستاجر گوید قبلت و نیت قضای نماز
اجاره چنین کند اصلّی فرض الظهر مثلا قضاء نیابة عن فلان لوجوبه علیه بالاصالة و علیّ بالاجارة ادا
صحیح است دیگر نمازها موقت است که در رساله انشاء الله مذکور خواهد شد دوم در نمازهای
مستحبه است و آن بسیار است از آنجمله آنچه اهم است مذکور میگردد اول نماز استسقاست یعنی
نماز طلب باران در وقتی که باران کم آید و آبها روی در نقصان گذارد چشمها و چاهها کم شود
مردم طلب باران کنند پس امام امر کند مردم را که تا از مظالم بیرون روند و توبه کنند و سه روز
روزه بدارند و روز سوم ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز سوم جمعه یا دوشنبه باشد و
بیرون روند بصحرا بطریق روز عید جمله پیاده و پا برهنه با وقار و سکینه و استغفار کنند و زنهای
جوان و فاسقان و مخالفان ملت را همراه نبرند و با خود صلحا و زهاد و پیر مردان و پیرزنان و اطفال و
بهایم را بیرون برند و میان اطفال و مادر ایشان تفرقه نمایند و هم چنین میان بچه بهایم و مادرهای ایشان
و موذنان عصاها بدست گرفته پیش روی امام روند و چون بمحل رسند بجای اذان سه بار الصلوة
گویند و دو رکعت نماز استسقا بجماعت کنند و قرائت نیز جایز است در رکعت اول بعد از حمد و سوره
پنج تکبیر گوید بقاعده نماز عید و از عقب هر تکبیر دعائی که مشتمل باشد بر استغفار و طلب رحمت و دوم

فراوانی آب بایدخوانند و باید دانست که از بعض خطبها منقولست اگر در قنوت بخواند افضل است استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال والاکرام واسئله ان یتوب علی
توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستکین لا یملک لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا
ولا حیوة ولا نشورا اللهم معتق الرقاب ورب الارباب ومنشئ السحاب ومنزل
القطر من السماء الی الارض بعد موتها فالق الحب والنوی ومخرج النبات وجامع
الشتات صل علی محمد وآل محمد واسقنا غیثا مغیثا غدقا مغدقا هنیئا مریئا ینبت به الزرع و
یدر به الضرع ویحیی به مما خلقت انعاما واناسی کثیرا اللهم اسق عبادک وبهائمک و
انشر رحمتک واحی بلادک المیتة و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر گوید و بعد از هر تکبیری
رکعت اول دعا بخواند و مستحب است بلند قرائت کردن و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا
رود و سنت است بعد از نماز ردای خود را برگرداند یا آنکه آن طرف که بر دست چپ باشد بر دست راست
اندازد و بعکس یعنی آن طرف که بر دست راست بر دست چپ اندازد پس رو بقبله کند و باواز بلند
صد مرتبه بگوید الله اکبر پس بجانب راست متوجه گردیده صد بار بگوید سبحان الله پس بجانب چپ
کرده صد بار بگوید لا اله الا الله پس پشت بقبله کرده روی بمردم و صد بار بگوید الحمد لله و سنت است
مردم در تکبیر و تسبیح و تحمید و تهلیل متابعت امام نمایند و بعد از آن دو خطبه بخواند و خطبهای منقوله
منبر است و مستحب است که آن خطبه که حضرت امیر المؤمنین علی در استسقا خوانده بخواند و آن این است
الحمد لله سابغ النعم ومفرج الهم وباری النسم الذی جعل السموات لکرسیه عمادا والجبال
للارض اوتادا والارض للعباد مهادا وملائکته علی ارجائها وحملة عرشه علی امطائها واقام
بعزته ارکان العرش واشرق بضوئه شعاع الشمس واطفأ بشعاعه ظلمة الغطش وفجر الارض
عیونا والقمر نورا والنجوم بهورا ثم تجلی فتمکن وخلق فاتقن واقام فتهیمن فخضعت له نخوة
المستکبر وطلبت الیه خلة المتمسکن اللهم فبدرجتک الرفیعة ومحلتک المنیعة وفضلک السابغ
وسبیلک الواسع اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد کما دان لک ودعا الی عبادتک ووفی
بعهدک وانفذ احکامک واتبع اعلامک عبدک ونبیک وامینک علی عهدک الی عبادک القائم
باحکامک ومؤید من اطاعک وقاطع عذر من عصاک اللهم فاجعل محمدا اجزل من جعلت
له نصیبا من رحمتک وانضر من اشرق وجهه بسجال عطیتک واقرب الانبیاء زلفة یوم القیمة
عندک واوفرهم حظا من رضوانک واکثرهم صفوف امة فی جنانک کما لم یسجد للاحجار و

للاحجار ولم یعتکف للاشجار ولم یستحل السباء ولم یشرب الدماء اللهم خرجنا فاجأتنا المضایق
الوعرة والجأتنا المحابس العسرة وعضتنا علائق الشین وتاثلت علینا لواحق المین واعتکرت
علینا حدابیر السنین واخلفتنا مخایل الجود واستظمأنا لصوارخ القود فکنت رجاء المبتئس
والثقة للملتمس ندعوک حین قنط الانام ومنع الغمام وهلک السوام یا حی یا قیوم عدد
الشجر والنجوم والملائکة الصفوف والعنان المکفوف ان لا تردنا خائبین ولا تؤاخذنا
باعمالنا ولا تحاصنا بذنوبنا وانشر علینا رحمتک بالسحاب المتئق والنبات المونق والربیع
المغدق وامنن علی عبادک بتنویع الثمرة واحی بلادک ببلوغ الزهرة واشهد ملائکتک
الکرام السفرة سقیا منک نافعة دائمة غزرها واسعا درها سحابا وابلا سریعا عاجلا
تحیی به ما قد مات وترد به ما قد فات وتخرج به ما هو آت اللهم اسقنا غیثا مغیثا
ممرعا طبقا مجلجلا متتابعا خفوقه منبجسة بروقه مرتجسة هموعه وسیبه مستدر وصوبه
مستطر لا تجعل ظله علینا سموما وبرده علینا حسوما وضوءه علینا رجوما وماءه اجاجا
ورماده رمادا اللهم انا نعوذ بک من الشرک وهوادیه والظلم ودواهیه والفقر و
دواعیه یا معطی الخیرات من اماکنها ومرسل البرکات من معادنها منک الغیث المغیث
وانت الغیاث المستغاث ونحن الخاطئون واهل الذنوب وانت المستغفر الغفار نستغفر
للجهالات من ذنوبنا ونتوب الیک من عوام خطایانا اللهم فارسل علینا دیمة مدرارا
واسقنا الغیث واکفا مغزرا غیثا واسعا وبرکة من الوابل نافعة تدافع الودق بالودق
ویتلو القطر منه القطر غیر خلب برقه ولا مکذب رعده ولا عاصفة جنائبه بل ریا
یغص بالری ربابه وفاض فانصاع به سحابه وجری آثار هیدبه جنابه سقیا منک محییة
مرویة محفلة مفضلة زاکیا نبتها نامیا زرعها ناضرا عودها ممرعة آثارها جاریة بالخصب
والخصب علی اهلها تنعش بها الضعیف من عبادک وتحیی بها المیت من بلادک وتنعم بها
المبسوط من رزقک وتخرج بها المخزون من رحمتک وتعم بها من نأی من خلقک حتی یخصب
لامراعها المجدبون ویحیی ببرکتها المسنتون وتترع بالقیعان غدرانها وتورق ذری الآکام
زهراتها ویدهام بذری الآکام شجرها ویستحق علینا بعد الیأس شکرا منة من منن مجللة
ونعمة من نعمک مفضلة علی بریتک المرملة وبلادک المغربة وبهائمک المعملة ووحشک
المهملة اللهم منک ارتجاؤنا والیک مآبنا فلا تحبسه عنا لتبطنک سرائرنا ولا تؤاخذنا

بما فعل السفهاء منّا فانّك تنزل الغيث من بعد ما قنطوا وتنشر رحمتك وانت الولي الحميد
پس بگويد يا مغيثي فقد انصاحت جبالنا واغبرّت ارضنا وهامت دوابّنا وقنط الناس
منّا او من قنط منهم وتاهت البهائم وتحيّرت في مراتعها وعجّت عجيج الثكالى على اولادها
وملّت الدوران في مراتعها حين حبست عنها قطر السماء فدقّ لذلك عظمها وذهب لحمها
وذاب شحمها وانقطع درّها اللهم ارحم انين الآنّة وحنين الحانّة ارحم تحيّرها في مراتعها
وانينها في مرابضها و حضرت علي بن الحسين عليهما السلام در استسقا اين دعا ميخوانده كه خدا تعالى
اجابت كند اللهم اسقنا الغيث وانشر علينا رحمتك بغيثك المغدق من السحاب المنساق
لنبات ارضك المونق في جميع الآفاق وامنن على عبادك بإيناع الثمرة واحي بلادك ببلوغ
الزهرة واشهد ملائكتك الكرام السفرة بسقي منك نافع دائم غزره واسع درره وابل سريع
عاجل تحيي به ما قد مات وتردّ به ما قد فات وتخرج به ما هو آت وتوسّع به في الاقوات
سحابا متراكما هنيئا مريئا طبقا مجلجلا غير ملثّ ودقه ولا خلّب برقه اللهم اسقنا غيثا مغيثا
مريعا ممرعا عريضا واسعا غزيرا تردّ به النهيض وتجبر به المهيض اللهم اسقنا سقيا تسيل منه
الظراب وتملأ منه الجباب وتفجّر به الانهار وتنبت به الاشجار وترخص به الاسعار في
جميع الامصار وتنعش به البهائم والخلق وتكمل لنا به طيّبات الرزق وتنبت لنا به الزرع وتدرّ
به الضرع وتزيدنا به قوة الى قوتنا اللهم لا تجعل ظله علينا سموما ولا تجعل برده علينا حسوما
ولا تجعل صوبه علينا رجوما ولا تجعل ماءه علينا اجاجا اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا
من بركات السموات والارض انك على كل شيء قدير (ديگر) نماز نزول مطر است در [illegible]
كه چون باران بارد دو ركعت نماز بكند وبخواند دران انچه خواهد كه بنويسد خداي تعالى بعدد هر
قطره كه رويده شود ان قطرات دو حسنه (ديگر) [illegible] وان بسيار است از انجمله بعضي در عمل يوميه وبعضيه
مذكور شد وبعضي ديگر اينجا ذكر ميشود از علي بن الحسين عليهما السلام مرويست كه فرمود كه هرگاه امير المؤمنين
را مهمي وحاجتي بودي جامه پاكيزه پوشيدي ووضوي تمام كردي وبربام سراي شدي وچهار ركعت
نماز كردي ودر ركعت اول الحمد واذا زلزلت خواندي ودر دوم الحمد واذا جاء ودر سيم الحمد وجحد ودر چهارم
الحمد واخلاص بعد از ان دست برداشتي بسوي آسمان وگفتي اللهم اني اسألك باسمائك التي اذا دعيت
بها على ابواب السماء للفتح انفتحت واذا دعيت بها على القبور للنشور انتشرت صلّ على محمد
وآل محمد واقلبني بقضاء حاجتي ونيز علي بن الحسين فرمود كه چون اين نماز بكني سوگند بخدا كه هنوز

كه هنوز قدمت از جاي فراز نشود كه مهم وحاجت تو برآورده شود (ديگر) نمازي كه در كتاب اقبال
از حضرت امام جعفر صادق ع روايت شده كه هرگاه مشكل شود بر يكي از شما كاري بايد كه نظر كند
در وقتي كه آفتاب در جانب شرق باشد بر بلندي مقدار عصر در محلي كه در جانب مغرب باشد
پس در آن وقت شش ركعت نماز هر روش كه خواهد بكند پس رو بقبله دستها را بردارد وصد مرتبه بگويد
اللهم انّا بالعافية من حيث شئت وكيف شئت وانّى شئت فانك تفعل ما شئت كيف
شئت پس بدرستي كه الله تعالى آن كار را آسان كند (ديگر) نمازي كه در مصباح كفعمي از امام
جعفر صادق ع روايت شده كه هرگاه مهمي روي دهد بايد كه غسل كند ودو ركعت نماز بكند وبر پهلو
بخوابد وطرف راست روي خود را بر دست راست خود بگذارد وبگويد يا معز كل ذليل ومذل
كل عزيز وحقك لقد شق علي كذا وكذا ونام ان مهم را ببرد چه هر كه اين عمل بجا آرد دفع شود ازاو
ان شاء الله (ديگر) نمازي كه در حواشي مصباح كفعمي از امام جعفر صادق ع روايت شده كه هر كه
را حاجتي باشد كه خواسته باشد روا شود پس بايد كه غسل كند وجامه پاكيزه بپوشد وبر
بام خود در آيد ودو ركعت نماز بكند وچون سلام دهد بسجود رود ودر سجود ثناي حق تعالى بجا آرد
وصلوات فرستد وبگويد يا جبرئيل يا محمد انتما كافياي فاكفياني وانتما حافظاي فاحفظاني وانتما
كالئاي فاكلآني هر كه اين عمل بجا آرد حق سبحانه تعالى كفايت مهم او بكند انشاء الله (ديگر)
نمازي كه در كافي شيخ كليني از امام محمد باقر ع روايت شده كه چون ترا حاجتي مهم باشد بسوي خدا تعالى
وضو بساز ودو ركعت نماز كن ودر تشهد تعظيم الله تعالى بجا آر مستحبات تشهد وصلوات
بفرست وچون سلام دادي بگو اللهم اني اسألك بانك مالك وانك على كل شيء قدير مقتدر
وبانك ما تشاء من امر يكون اللهم اني اتوجه اليك بنبيك محمد نبي الرحمة صلى الله عليه
وآله يا محمد يا رسول الله اني اتوجه بك الى الله ربك وربي لينجح لي بك طلبتي اللهم
بنبيك انجح لي طلبتي بمحمد بعد از ان حاجت خود را طلب (ديگر) منقولست از حسن بن علي ع
كه هر كه چهار ركعت نماز بكند چنانچه قنوت واركان او نيكو بجا آورد ودر ركعت اول الحمد
يكبار وحسبنا الله ونعم الوكيل هفت بار ودر ركعت دوم الحمد يكبار وما شاء الله لا قوة
الا بالله ان ترن انا اقل منك مالا وولدا هفت بار ودر ركعت سيم الحمد يكبار ولا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين هفت بار ودر ركعت چهارم الحمد يكبار وافوض امري الى الله
ان الله بصير بالعباد هفت بار پس حاجت بخواهد كه روا ميشود وچون حاجت روا شود نماز شكر

کند - دیگر نماز استغاثه است بحضرت فاطمه علیها السلام که بسند معتبر از حضرت صادق ع
نقل شده که هرگاه ترا بسوی خدا حاجتی بوده باشد و بسیار مضطرب شده باشی دو رکعت
نماز بکن و چون سلام بگوئی سه بار الله اکبر بگو پس تسبیح فاطمه زهرا ع بخوان پس بسجده رو و صد مرتبه
یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی بر جانب راست رو بر زمین گذار و صد مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن که
بر آورده می شود ان شاء الله تعالی - دیگر نماز شکر است روایت بسند معتبر از ابی عبدالله ع
که فرمود وقتی که خدای تعالی ترا نعمتی دهد بگذار دو رکعت نماز شکر در رکعت اول فاتحه و اخلاص
بخوان و در دوم الحمد و جحد و در رکوع و سجود دوم بگوی الحمد لله الذی استجاب دعائی و اعطانی
مسئلتی و اگر حاجتی روا شود و بلیه دفع کرده نماز شکر نیز باید کرد - دیگر نماز عفو است برای دفع
اندوه که نیز در همان کتاب نقل شده که هرگاه بیابی در نفس خود اندوهی در این وقت نماز عفو بگذارد
و این نماز دو رکعت است در هر رکعتی یکبار فاتحه و انا انزلنا بخوان و بعد از قرائت پانزده نوبت بگو رب
عفوک عفوک و بعد از آن رکوع کن و در آن ده نوبت بگو همین را و تمام کن این دو رکعت را مثل نماز جعفر
که گذشت یعنی چون سر از رکوع برداری همین ده بار بگو و در سجده اول و در سر برداشتن از آن و سجده
دوم و سر برداشتن از آن همین را ده بار بگو و رکعت دوم را نیز باین کیفیت بگذارد - دیگر نماز وسوسه نفس است
منقولست از همان کتاب که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که هر مومنی که چهل صباح بر او بگذرد و
وسوسه در نفس او پیدا شود پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و پناه جوید بخدای ع از وسوسه نفس
- دیگر نماز استغفار است برای طلب روزی که در همان کتاب از حضرت صادق ع مرویست که
گفت وقتی که در معاش تو تنگی پیدا شود و در کار خود متحیر شوی باید عرض کنی بخدای حاجت خود را
و نماز استغفار بگذارد و این نماز دو رکعت است باین کیفیت که تکبیر احرام بگوید و در هر رکعتی فاتحه و انا انزلناه
یکبار بخوان و بعد از قرائت پانزده بار بگو استغفر الله و بعد از آن رکوع کن و ده بار بگو استغفر الله و
این نماز را هم بطریق نماز جعفر بگذار تا خدای تعالی بصلاح آورد جمیع کارهای ترا ان شاء الله تعالی
- دیگر نماز تحیت مسجد مستحبست که چون در مسجد داخل شود پیش از آنکه بنشیند دو رکعت نماز
تحیت مسجد بجای آورد و اگر چه در اوقات مکروهه باشد و از عقب آن دعا بخواند و اگر دو رکعت فجر بگذارد
از تحیت مجزی باشد و سزاوار است که بعد از نماز چون نشیند روی بقبله نشیند و حمد خدا گوید و صلوات
بر محمد و آل او فرستد و حاجت خود از خدا درخواهد و در روی ادای فریضه قیام نماید که فضیلت تمام
و در امله مسجد که داخل عبادت و موجب فضیلت است حضور انجمنه ادای فریضه حریص و راغب باشد که

راغب باشد که بروایت امام جعفر صادق ع بر هیچ بقعه نماز بجای نمی آورد الا که هفت طبقه زمین بجهت او
تسبیح می گویند و بقول حضرت رسول ع هر قدمی که برمی دارد ده حسنه در می یابد - دیگر نماز
مظلوم منقولست از ابی عبدالله ع که گفت هرگاه از کسی بتو ظلمی رسد او را دعای بد مکن زیرا که
چون مرد مظلوم دعای بد کند ظالم میگردد لکن چون مظلوم گردی غسل کن و دو رکعت نماز بکن
در موضعی که محجوب از آسمان نباشی پس بگو اللهم ان فلان بن فلان قد ظلمنی و لیس لی احد
اصول به غیرک فاستوف لی ظلامتی الساعة الساعة بالاسم الذی اذا سألک المضطر کشفت
ما به من ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی خلقک فاسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تستوفی ظلامتی الساعة الساعة پس دو رکعت نماز بگذارد و بخواند بعد
از فراغ آنچه خواهد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد آنقدر که تواند و بگوید اللهم ان لک یوما
تنتقم للمظلوم من الظالم لکن هلعی و جزعی و لا یبلغان بی الصبر علی اناتک و حلمک و قد
علمت ان فلانا ظلمنی و اعتدی علی بقوته علی ضعفی و اسئلک یا رب العزة و ناصر المظلوم
و قاصم الجبابرة ان تریه قدرتک اقسمت علیک یا رب العزة الساعة الساعة - دیگر در خبر
آمده که هیچ مومن نیست که مظلوم شده باشد پس وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و بگوید هزار
بار اللهم انی مظلوم فانتصر مگر آنکه خدای تع تعجیل نصرت او نماید - دیگر دعای رد الذاهب وارد شده که شخصی
شکایت نزد امام حسن بن علی ع برد که فلان همسایه من از راه ایذا میرساند آنحضرت فرمود که هرگاه نماز
شام بگذاری دو رکعت نماز بکن و این دعا بخوان یا شدید المحال یا عزیز اذللت بعزتک جمیع ما خلقت
اکفنی شر فلان پس آن شخص بعمل آورد و همان نیم شب شده بود که آواز نوحه و گریه برآمد و چون تحقیق
شد همان کس بود که فوت شده بود - دیگر نماز کرب است روایتست از ابی عبدالله ع که گفت هر کس را
کربی رسد باید که غسل کند و دو رکعت نماز بکند پس از آن بر پهلو خسبد و جانب راست از رو بر دست
راست خود نهد و بگوید یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و نام آن کرب
که بوی رسیده بگوید از آن خلاص شود - دیگر نماز استطعام است چون کسی گرسنه باشد و طعام خواهد
دو رکعت نماز جهت رفع آن بکند و منقولست از ابی عبدالله ع که گفت هر که گرسنه باشد و دو رکعت نماز
بکند و بگوید رب اطعمنی فانی جائع خدای تع او را در ساعت طعام دهد - دیگر نماز گمشده است منقول
از امیر المومنین ع که هر کرا چیزی گم شود دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از فاتحه سوره یس بخواند و
چون فارغ شود دستها بردارد بجانب آسمان و بگوید یا راد الضالة و الهادی من الضلالة صل علی

محمد و آل محمد واحفظ علی ما أتی واردد علی ما أتی سالمة یا ارحم الراحمین فانهما من فضل الله و عطائه
ان کم شده را بزودی بیابد دیگر نماز نجات است روایت میکند جابر انصاری که حضرت رسول ص
تعلیم کرد علی و فاطمه علیهما السلام را این دعا و گفت اگر شما را مصیبتی و شدتی رسد یا ترسید از جور
سلطانی دو رکعت نماز کنید و دستها را باسمان بردارید و بگوئید یا عالم الغیب والسرائر یا مطاع
یا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون لموسی یا منجی عیسی من
ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبده یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا
منجی ذی النون من الظلمات یا فاعل کل خیر یا هادی الی کل خیر یا دالا علی الخیر انک بما علمت
وانت علام الغیوب اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد پس بخواهید حاجت خود را که اجابت شود بامر
خدای تعالی دیگر نماز جهة توانگری است دو رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه و پانزده بار سوره
قدر بخواند و بعد از سلام ده بار صلوات بر محمد و آل او فرستد پس از ان سجده کند و بگوید ده بار اللهم
اغننی بفضلک عن خلقک دیگر دو رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه و ده بار قل اللهم مالک
الملک تا آخر ایه چون سلام دهد ده بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد پس سجده کند و بگوید رب
اغفر لی وارحمنی وهب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب دیگر نماز جهة زیاد
شدن فهم است و نیکو شدن حافظه که نزد ... کتاب مرویست از امام محمد باقر و جعفر صادق علیهما السلام
که گفتند بنویس بزعفران فاتحه و آیة الکرسی و انا انزلناه و یس و اذا وقعت و سوره حشر و ... تبارک
و قل هو الله و معوذتین را بر ظرفی پاک و بعد از ان بشوی او را باب زمزم یا اب باران یا باب پاکی و بعد
از ان در ان اب ده مثقال شکر و ده مثقال عسل بریزد و در زیر آسمان بنه و آهنی بر سر او
بگذار و بعد از ان در آخر شب دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی یکبار فاتحه بخوان و پنجاه بار قل هو الله و چون
فارغ شوی از نماز ان اب را بیاشام بدرستیکه این نیکوست و مجربست برای حفظ در استخاره
وانواع و آداب انست مشتمل بر چهار فصل فصل اول در بیان حقیقت استخاره است فصل دوم در فضیلت
استخاره فصل سوم در آداب استخاره نمودن است فصل چهارم در انواع استخاره است بدانکه استخاره در لغت
طلب خیر و راه نمائی بصلاح خود از کسی نمودن است در امری که آدمی در ان تردد داشته باشد یا انکه او را
اشاره کند بامری که صلاح او در انست مقتضای رای او و اگرچه استشاره از برای در ان نمودن مطلوب است
چنانچه از حضرت صادق ع مرویست که فرمود که مشورت کردن حقی چند دارد که هر که انها را ... مشورت
مشورت برای او و بیش از منفعتش هست اول انکه از کسی که برای او مشورت میکند عاقل باشد دوم انکه او را

انکه آزاد و متدین باشد سوم انکه برادر و دوست و یار او باشد چهارم انکه او بر تمام سر خود مطلع
کرداند که چنانچه خود بجهات ان امر راضی داناست او هم بداند اما پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که
اگر عاقل است منتفع میشوی بمشورت او و اگر آزاد و متدین است بجد خود سعی میکند در خیر
خواهی تو و اگر برادر و دوست دار تو است چون راز خود را باو گفتی افشا نمیکند و حضرت رسول ص
فرمود که مشورت مکن با جبان و ترسان که راه بدر رفتن را بر تو تنگ میکند و مشورت مکن با بخیل که
مانع میشود ترا از رسیدن بغایت مقصود خود و مشورت مکن با کسی که حرص بدنیا داشته باشد که
زینت میدهد برای تو هر راهی که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که با حیله کسی که طلب خیر از خدا میکند
حیران نمیشود و کسی که در کارها با مردم مشورت میکند پشیمان نمیشود و مقصود اصلی در این مقام طلب خیر
از جناب مقدس الهی است و بیان ان بحسب عقل و نقل معلوم است چه ظاهر است که عالم بتمام مصالح
دنیا و عقبای بنی آدم از همه کس داناتر است و با لطف و کرم نامتناهی و بی نیازی از جمیع خلق و قدرت
بر جمیع امور هر که در انچه صلاح بندگان در انست منت و بخل نمی نماید خصوصا وقتی که بنده امور
خود را باو گذارد و از او صلاح خود را طلب نماید پس باید که بنده خیر خود را در جمیع امور از پروردگار خود
طلب نماید و مصلحت خود را بلطف او گذارد و الحق معلوم است که مقتضای بندگی و کمال مراتب عبودیت
انست که مرادات و ارادات خود را تابع اراده حق کرداند و بمقتضای و ما تشاؤن الا ان یشاء الله
از مشیت خود خالی کرداند و خواهش خداوند خود را بر خواهش خود مقدم دارد تا انکه خداوند رحیم او را
بخود نگذارد و در هر ... و معمور و معتبر امور او کرم دو بمقتضای و من یتوکل علی الله فهو حسبه حق تعالی
کافی جمیع مهمات او باشد و این مرتبه اعلای مقربانست فصل دوم در فضیلت استخاره است و در ان
روایات و اخبار کثیره از حضرات ائمه علیهم السلام وارد شده از انجمله بسندهای معتبره بسیار از حضرت
صادق ع مرویست که حق تعالی میفرماید که از جمله شقاوت بنده من انست که کارها کند و طلب خیر خود
از من ننماید و بسندهای معتبر از همان حضرت روایت شده که هر که در امری بدون استخاره داخل شود
و ببلائی مبتلا شود خدا او را در ان بلا اجر ندهد و بسند معتبر از ان حضرت ع روایت شده است که میگفت
که هرگاه در امری طلب خیر از حق تعالی کرده باشم پروا ندارم که براحت افتم یا ببلا و فرمود که پدرم مرا
تعلیم استخاره مینمود چنانچه سورههای قران را تعلیم مینمود و بسندهای صحیح از ان حضرت روایت شده است
که هیچ بنده طلب خیر از خداوند عالمیان نکرده است مگر انکه خیر او برای او میسر کردانیده است هر چند
او نخواهد و بسند معتبر از همان حضرت ع روایت شده است که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است که خود را

منهم دارد فرمود کسی که طلب خیر از خدا ننموده نکند و بعد از آن امری کرد واقع شود بآن راضی نباشد
پس خدا او را در جزع خود ببیند یا نیست خیر او متهم داشته (نوع دوم) در آداب استخاره نمودن و آداب آن
(اول) آنکه در هر امری که اراده استخاره نماید بجناب مقدس الهی متوسل شود و خیر خود را در آن امر از
حق تعالی طلب نماید بعد از آن آنچه رو دهد بآن راضی باشد از متهم شدن آن امر یا متهم شدن او زیراکه
حق تعالی خیر او را بهتر از او میداند (دوم) آنکه بعد از آنکه طلب خیر از خدا بکند در دل خود نظر کند
و آنچه بخاطرش میرسد بآن عمل کند (سوم) آنکه بعد از طلب خیر مشورت کند با مؤمنی و با اخوان مؤمن (؟)
(چهارم) استخاره بقرآن مجید یا بتسبیح یا برقاع بکند بتفصیلی که مذکور خواهد شد و اکثر
احادیث دلالت بر قسم اول میکند و بعضی از علما مانند شیخ مفید و ابن ادریس و محقق رحمهم الله در جواز
استخاره غیر از سه قسم اول تردد و تامل کرده اند بلکه ابن ادریس ترجیح عدم جواز داده اما اکثر اعاظم
علما تجویز کرده اند و مستحسن دانسته اند و در کتب فقهیه و ادعیه انواع استخارات را ذکر کرده اند
مستحسن دانسته اند و شیخ شهید و سید بن طاوس رحمهما الله طعن بسیار بر انکار ابن ادریس زده اند و حق
آنست که چون احادیث در این باب بسیار واقع شده انکار نمیتوان کرد اما عمل باستخاره همان سه قسم
اولست که در این زمانها متعارف است (نوع سوم) در انواع استخارات و آن بر چهار نوع است (نوع اول) که بسبب (؟)
مطلقات بسند صحیح از ابن یعفور مرویست که گفت شنیدم از حضرت صادق ع در بیان کیفیت
استخاره که تعظیم و تحمید و تمجید خدا میکنی و صلوات بر محمد و آل او میفرستی پس میگوئی اللهم انی
اسئلک بانک عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم وانت علام الغیوب استخیر الله برحمته
پس حضرت فرمود که اگر امر دشواری باشد که بیم داشته باشی صد مرتبه بگو و اگر امر سهلی باشد
سه مرتبه بگو و علامه مجلسی ره گفته ظاهر آنست که تکرار صد بار و سه بار در استخیر الله برحمته باشد
و اگر از اول تا آخر مکرر بخواند شاید بهتر باشد و اگر پیش از دعا بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن دعا بخواند شاید بهتر باشد (نوع دوم)
بسند معتبر از حضرت باقر روایت کرده که حضرت امام زین العابدین ع هرگاه اراده امری میکرد
مانند حج یا عمره یا فروختن یا خریدن یا بنده آزاد کردن وضو میساخت و دو رکعت نماز استخاره
میکرد و در آن دو رکعت سوره حشر و سوره رحمن میخواند پس قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل هو الله احد میخواند پس بعد از آن میخواند اللهم ان کان الامر الذی
اردت خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره علی احسن الوجوه و

الوجوه و اجملها و ان کان الامر الذی اردت شرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل
امری و آجله فاصرفه عنی علی احسن الوجوه رب اعزم لی علی رشدی و ان کرهت
ذلک و ابته نفسی و از جمله دعاها که مناسب این نوع است یعنی استخاره مطلقه دعای
صحیفه کاملهاست و آن اینست اللهم انی استخیرک بعلمک فصل علی محمد و آله واقض
لنا بالخیرة و الهمنا معرفة الاختیار و اجعل ذلک ذریعة الی الرضا بما قضیت لنا و التسلیم
لما حکمت فازح عنا ریب الارتیاب و اید بیقین المخلصین و لا تسمنا عجز المعرفة
عما تخیرت فنغمط قدرک و نکره موضع رضاک و نجنح الی التی هی ابعد من حسن العاقبة
و اقرب الی ضد العافیة و حبب الینا ما نکره من قضائک و سهل علینا ما نستصعب
من حکمک و الهمنا الانقیاد لما اوردت علینا من مشیتک حتی لا نحب تاخیر ما عجلت و
لا تعجیل ما اخرت و لا نکره ما احببت و لا نتخیر ما کرهت و اختم لنا بالتی هی احمد
عاقبة و اکرم مصیرا انک تفید الکریمة و تعطی الجسیمة و تفعل ما ترید و انت علی کل شیء
قدیر و ملا محمد باقر رحمه الله گفته که ظاهرا در نوع دوم نیز خواندن این دعا مناسب باشد و در
انواع دیگر بعید است (نوع دوم) استخاره رجوع بدلست بعد از اعمال و آداب که [illegible]
رجحان بهم رساند بآن عمل نماید چنانچه شیخ طوسی ره نقل کرده که کسی که اراده امری کند نخست
که غسل کند و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد از آن بسجده رود و صد مرتبه بگوید استخیر الله تعالی
فی جمیع اموری خیرة فی عافیة پس آنچه در دلش افتد بآن عمل کند (نوع سوم) بسند معتبر از امام علی
نقی ع روایت شده که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که هرگاه یکی از شما را حاجتی عارض شود باید
مشورت با پروردگار خود کند گفتند چگونه مشورت کند فرمود که بعد از نماز فریضه بسجده رود و صد مرتبه
بگوید اللهم خر لی پس متوسل شود و صلوات بر ما فرستد و ما را شفیع گرداند در درگاه خدا پس آنچه
حق تعالی در دلش میاندازد بآن عمل کند مؤلف گفته که ابن طاوس ره اکثر [illegible] میگوید بر خوبست و اگر بگوید
اللهم انی اتوسل الیک بنبیک نبی الرحمة محمد و اهل بیته الطاهرین و اتوجه بهم الیک ان
تصلی علی محمد و آله و ان تلهمنی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی خیرة فی عافیة برحمتک
یا ارحم الراحمین ظاهرا خوب باشد (نوع چهارم) استخاره مشورت نمودن با مؤمنان است از برای فضیلت
مشورت و اهتمام در آن همین کافیست که حق تعالی پیغمبر خود را که اعقل کاینات بود در قرآن مجید امر بمشورت
فرموده که و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله یعنی مشورت کن با اصحاب خود در امور پس چون عزم

کردی توکل کن بر خدا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که با کسی مشورت کند البته هدایت می یابد
به بهترین راه و از احادیث ظاهر میشود که مشورت با مردان عاقل پرهیزکار را اراده باید کرد و با مردم دنی
و نادان و بخیل و حریص و با زنان مشورت نباید کرد و مجملی از آن مذکور شد و در مشورت باید که اول طلب
خیر از خدای تعالی بکند چنانچه بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت شده است که چون احدی از شما
بیعی از شیعیان اراده کند که چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل امری شود پس اول ابتدا کند و طلب خیر از خدای
عز و جل سؤال کند بآنکه بگوید اللهم انی ارید امرا فان کان خیرا فی دینی و دنیای و آخرتی
فعجل امری و اجعله میسرا لی و ان کان شرا فی دینی و دنیای فاصرفه عنی رب اعزم لی علی
رشدی و ان کرهته و ابته نفسی پس ده نفر از مؤمنان مشورت کند در آن امر که اراده کرده و اگر ده
کس نیابد با پنج نفر مشورت کند با هر یک دو بار و اگر نیابد دو نفر از مؤمنان با هر یک پنج مرتبه مشورت
کند و ملا محمد باقر مجلسی ره گفته که اگر صد مرتبه استغفار را با این حدیث ضم کند اتم و اکمل خواهد بود ان شاء الله

نوع چهارم که استخاره بقرآن و تسبیح و رقاع و بنادقست اما قرآن مجید بچند طریق معروف اول
آنکه بعد از طلب خیر از جناب مقدس ربانی مصحف را بگشاید و آیه اول صفحه دست راست را ملاحظه
نماید اگر آیه رحمتی یا امر بخیری باشد خوبست و اگر آیه غضبی یا نهی از شری یا امر بشری یا عقوبتی باشد
بد است و اگر دو وجهین باشد متشابه باشد میانه است دوم استخاره مجلاء الذات و ابن ابان
که حضرت صادق ع فرمود که هر گاه برای احدی از شما کاری مشکل شود مصحف را بدست گیرد و عزم کند
بر عمل کردن آنچه ظاهر شود برای او از جانب حق تعالی پس سوره حمد و سوره قل هو الله احد و آیه و عنده
مفاتح الغیب و سوره انا انزلناه و سوره قل یا ایها الکافرون و سوره قل اعوذ برب الفلق و سوره قل
اعوذ برب الناس هر یک از اینها سه مرتبه بخواند پس متوجه بقرآن مجید شود و بگوید اللهم انی اتو
سل الیک بالقرآن العظیم من فاتحته الی خاتمته و فیه اسمک الاکبر و کلماتک التامات یا سامع کل
صوت و یا جامع کل فوت و یا باری النفوس بعد الموت یا من لا تغشاه الظلمات و لا
تشتبه علیه الاصوات اسألک ان تخیر لی بما اشکل علی فانک عالم بکل معلوم غیر معلم
بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی
الکاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و الحسن العسکری و الخلف الحجة من آل محمد علیه
و علیهم السلام پس مصحف را بگشاید و جلاله که در صفحه راست را بر شمارد و بعد از آن اوراق را
چپ بشمارد پس بعد از آن از صفحه دست چپ همان عدد سطر بشمارد پس در سطر آخر نظر کند که آن بمنزله

قرآنست بمنزله وحی است در مطلبی که دارد ان شاء الله تعالی و بخط بعضی از فضلا این استخاره با این طریق
بنظر رسیده که آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و آیه و عنده مفاتح الغیب تا کتاب مبین بخوانند
و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرستند پس این دعا بخوانند اللهم انی توکلت علیک و تفألت
بکتابک فارنی ما هو المکنون فی سرک المخزون فی علم غیبک برحمتک یا ارحم الراحمین
اللهم ارنی الحق حقا حتی اتبعه و ارنی الباطل باطلا حتی اجتنبه بالکرم بعد از آن مصحف را
بگشاید و بهمان نحو که مذکور شد عمل بکند دوم استخاره بتسبیح در مصباح کفعمی از حضرت صاحب
الزمان عجل الله فرجه روایت کرده که بخواند سوره حمد را ده یا سه یا یک بار و بخواند انا انزلناه را
ده بار و بعد از آن سه مرتبه بگوید اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور و استشیرک
لحسن ظنی بک فی المأمول و المحذور اللهم ان کان الامر الفلانی و نام ببرد کار و مقصود را مما
قد نیطت بالبرکة اعجازه و بوادیه و حفت بالکرامة ایامه و لیالیه فخر لی اللهم فیه
خیرة ترد شموسه ذلولا و تقعص ایامه سرورا اللهم اما امر فأتمر و اما نهی فانتهی اللهم
انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة و بعد از آن بگیرد یک قبضه از تسبیح را و در خاطر نگه دارد قصد
حاجت خود کرده باشد پس اگر عدد آن قطعه فرد باشد بکند آن کار را و اگر زوج باشد نکند و مولانا
محمد باقر مجلسی رحمه الله گفته که والد مرحوم فقیر از شیخ عظیم الشان شیخ بهاء الدین محمد نقل میفرمود
که دست بدست از مشایخ خود شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه روایت می کردند
در طریق استخاره تسبیح که سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند
اگر طاق می ماند خوبست و اگر جفت می ماند بد است و والد مرحوم رحمه الله با این روش اکثر اوقات در
اموری که در آن اضطرابی بود این استخاره می کردند و اما سوم استخاره برقاع چنانچه سید بن طاوس
و اکثر از متأخرین علما گفته اند بهترین انواع استخاره است و مولانا محمد باقر رحمه الله گفته غسل مخصوص
این استخاره وارد نشده فقط بعضی از علما غسل را در این استخاره ذکر کرده اند باعتبار آنکه در بعضی استخاره
مطلقه واقع شده و ورود غسل در نمازهای حاجت بنظر نرسید و موید این تواند شد و اگر قصد زیارت
ائمه علیهم السلام در آن غسل کنند شاید احوط باشد و ایضا مولانا محمد باقر گفته که در دست آن کسی
که استخاره میکند اگر انگشتر عقیق باشد که در آن نام محمد و علی نقش کرده باشد بهتر است و باید
بدست راست رقعه ها را بدر آورد و کیفیت استخاره بسند معتبر از هرون بن خارجه چنین روایت شده که
گفت حضرت امام جعفر صادق ع فرمود هر گاه اراده کنی کاری را بکن شش رقعه کاغذ بگیر و در سه تا

اخبار نویسد بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانه افعل و در سه
رقعه دیگر بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانه لا تفعل
پس رقعه‌ها را در زیر مصلای خود بگذارد و دو رکعت نماز بکن و چون فارغ شوی به سجده رو و صد مرتبه
بگو استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة پس درست بنشین و بگو اللهم خر لی و اختر لی فی جمیع اموری
فی یسر منک و عافیة پس دست بزن و رقعه‌ها را مشوش کن یعنی بیکدیگر مخلوط گردان و یک یک از
آنها را بیرون آور و ملاحظه کن اگر سه افعل پیاپی بیرون آید پس بکن آن کار را و اگر بعضی افعل و بعضی لا تفعل
برآید تا پنج رقعه بیرون آورد اگر افعل بیشتر است عمل کن و اگر لا تفعل بیشتر است ترک کن و احتیاج نیست
به بیرون آوردن رقعه ششم در کتاب مکارم الاخلاق از جعفر بن سماعه روایت کرده
که سالی رفتم به مکه معظمه و با خود متاعی برده بودم و آن متاع در آن سال کساد بود و کسی بهم نرسید که
بخرد بعضی از اصحاب ما گفتند که متاع به مصر بفرست و بکوفه برگردان و بعضی گفتند که به یمن بفرست پس
رفتم بخدمت امام موسی کاظم بعد از آنکه از منی به مکه مراجعت کرده بودم و احوال خود را عرض کردم و پرسیدم
که چه مصلحت است حضرت فرمود که قرعه بزن میان مصر و یمن و تفویض امر خود را بخدا بکن و نام هر شهری که
که بیرون آید متاع خود را بآنجا بفرست گفتم فدای تو شوم چگونه قرعه بزنم فرمود که در یک رقعه بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله لا اله الا انت عالم الغیب و الشهادة و انت
العالم و انا المتعلم فانظر لی فی ای الامرین خیر لی حتی اتوکل علیک فیه و اعمل به ثم اکتب مصر
پس در رقعه دیگر همان دعا را بنویس و بنویس الیمن ثم پس در رقعه سیم همان دعا را بنویس پس
بنویس تحبس المتاع و لا تبعث المتاع الی بلد منهما یعنی حبس کن متاع را و بهیچ یک از این دو شهر مفرست
پس رقعه‌ها را جمع کن و بکسی ده که آنها را در جامه خود پنهان کند از تو پس دست خود را در
آنجا داخل کن و هر یک از این رقعه‌ها که بدست می‌آید بیرون آور و بر خدا توکل کن و بآنچه در رقعه است
عمل کن ان شاء الله خیر تو در آن است مولانا محمد باقر رحمه الله گفته که این استخاره خوب است و اخبار بسیار در
از ذات الرقاع مشهورتر است و ممکن است که عمل استخاره قرعه شامل این بوده باشد زیرا که احادیث
بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید انداخت و وارد شده است که هر قومی که امر خود را
بخدا تفویض کنند البته سهم حق بیرون می‌آید خصوصا در امری که دلیلها در آن مختلف شده باشد و استخاره
بر بنادق پس چون در این زمان متروک بود بذکر آن نپرداخت [illegible] در اعمال شهور و ماههاست
و در آن چند فصل است فصل اول در اعمال شهر کر هر ماهست چون خواهد ماه نو ببیند خواه در شب اول

در شب اول و خواه در دوم و خواه سیم بانگشت سبابه دست راست بر کف دست چپ بنویسد که محمد
و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد علیهم السلام
بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد تا آخر پس بگوید اللهم ان الناس اذا نظروا الی الهلال نظر
بعضهم الی وجوه بعض و انی نظرت الی اسمائک و اسم نبیک و اولیائک
و اوصیائک علیهم السلام و الی کتابک فاعطنی کل الذی احب من الخیر و اصرف عنی کل الذی
احب ان تصرفه عنی من الشر و زدنی من فضلک ما انت اهله و لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم دیگر خواندن این دعاست که حضرت رسول می‌خواندند ایها الخلق المطیع
الدائب السریع المتصرف فی ملکوت الجبروت بالتقدیر ربی و ربک الله اللهم اهله
علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و الاحسان و کما بلغتنا اوله فبلغنا آخره و
اجعله شهرا مبارکا تمحو فیه السیئات و تثبت لنا فیه الحسنات و ترفع لنا فیه الدرجات
یا عظیم الخیرات و دیگر خواندن دعای صحیفه کامله است و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم ایها
الخلق المطیع الدائب السریع المتردد فی منازل التقدیر المتصرف فی فلک التدبیر آمنت
بمن نور بک الظلم و اوضح بک البهم و جعلک آیة من آیات ملکه و علامة من علامات
سلطانه و امتهنک بالزیادة و النقصان و الطلوع و الافول و الانارة و الکسوف فی کل
ذلک انت له مطیع و الی ارادته سریع سبحانه ما اعجب ما دبر فی امرک و الطف ما صنع
فی شانک جعلک مفتاح شهر حادث لامر حادث فاسال الله ربی و ربک و خالقی و خالقک
و مقدری و مقدرک و مصوری و مصورک ان یصلی علی محمد و آله و ان یجعلک هلال برکة
لا تمحقها الایام و طهارة لا تدنسها الآثام هلال امن من الآفات و سلامة من السیئات
هلال سعد لا نحس فیه و یمن لا نکد معه و یسر لا یمازجه عسر و خیر لا یشوبه شر هلال امن
و ایمان و نعمة و احسان و سلامة و اسلام اللهم صل علی محمد و آله و اجعلنا من ارضی
من طلع علیه و ازکی من نظر الیه و اسعد من تعبد لک فیه و وفقنا فیه للتوبة و اعصمنا
فیه من الحوبة و احفظنا فیه من مباشرة معصیتک و اوزعنا فیه شکر نعمتک و البسنا فیه
جنن العافیة و اتمم علینا باستکمال طاعتک فیه المنة انک المنان الحمید و صلی الله علی
محمد و آله الطیبین الطاهرین دیگر خواندن سوره فاتحه هفت مرتبه امان است از درد چشم
اما چون نظر بر ماه افتد از جای خود حرکت نکند تا سوره مذکوره را بخواند دیگر خوردن

بپذیرات برای رعایت حاجات

از حضرت محمد صلی الله علیه واله وسلم منقولست که هرکه در وقت دیدن ماه نو بر این مربع و
طلسم ببیند و نظر کند در آن ماه پریشانی احوال زیاده مریض
نشود در کمال عزت و آبرو و خوبی بگذراند

گذرانند و اگر هر روز نظر کند اموال و اولاد او از آفات محفوظ باشند انشاء الله تعالی

از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هرکه در وقت دیدن ماه نو نظر این فاتحة الکتاب نماید خود و اهل
و ایال و اهل خانه او در تمام ماه از جمیع آفات و بلیات در حفظ و حمایت خود نگاه دارد انشاء الله تعالی

مروی است که چون کسی یا بنویسد و در این شکل نظر کند تا ماه بروی مبارک گردد و منقولست که این شکل استطوره

خود ساخته و سه مرتبه فاتحة الكتاب بخواند و سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و حاجت خود را
از خداي تعالى طلب نمايد

وايضا از حضرت رسول مرويست كه هر كس در وقت ديدن ماه نو نظر در اين شكل نمايد تمامى آن ماه را بصحت و
مسرت گذراند و از تمامى آفات محفوظ باشد و جناب قدس الهى او را محتاج خلق نكند و پيش خلق عزيز و مكرم باشد

از جناب سيد المرسلين منقولست كه هر كه ماه نو را ببيند و اين شكل نظر نمايد همانا كه در من نظر كرده
و با على بن ابيطالب حج و هفتاد ختم قرآن كرده و روز بروز عزت و آبرو و دولت او زياده گردد
و هرگز ذليل و محتاج نشود و دشمنان او مغلوب شوند و در هيچ امرى مرادت نكند

وايضا از شيخ بهاء الدين محمد عليه الرحمه منقولست كه هر كه در عمر خود يكمرتبه بر اين نقش
نگاه كند آتش دوزخ بر وى حرام شود و اگر هر روز يكدفعه نظر كند
محتاج خلق نشود و هر گاه در وقت ديدن ماه نو ببيند

ماه نو بيند آن ماه را بعيش و عشرت گذراند انشاء الله تعالى

و در اخبار است كه در وقت ديدن ماه نو سه مرتبه كلمه شهادت بگويد و سه بار
بگويد ربى و ربك الله رب العالمين آنگاه بر اين لوح نظر
كند كه تمام آن ماه را بخوشحالى و خرمى بگذراند
و از جميع بليات محفوظ باشد و مردم او را عزيز و مكرم
دارند و در ميان مردم با وقار و با شكوه باشد و روزى بروى فراخ گردد

دیگر در هر شب اول ماه سوره انا فتحنا در نافله بخواند و نیز در زاد المعاد آنچه نقل شده گذاردن دو رکعت نماز است و در شب اول هر ماه بالحمد و سوره انعام یکبار و در روز اول هر ماه نیز بسند معتبر وارد شده که دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد الحمد سی مرتبه توحید و در دوم بالحمد سی مرتبه انا انزلناه و در روایت دیگر وارد شده است که مستحب است که بعد از این دو رکعت این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بسم الله الرحمن الرحيم وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بسم الله الرحمن الرحیم سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و تصدق بعده [illegible]

استحباب روزه پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه وسط

و از جمله روزه سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و وجه تسمیه
ایام البیض آنست که از اول شب تا آخر مهتاب هست یا جهة آنچه از بعضی روایات شده که حضرت
آدم ع بعد از صدور خطیه روی او سیاه شد پس ملهم شد که این سه روز را روزه بدارد و در هر یک
از این سه روز ثلث روی او سفید شد پس بنابر اعتبار این سه روز را ایام البیض گفتند فصل ششم
در اعمال خاصه ماهها است پس چون ماه محرم ببیند بروی خوب نظر کند و بقول خواجه نصیر روی
ماه صفر ببیند در روی کودک و کف سجود و بقول خواجه در آینه نظر کند و این بعد بخواند لقد صدق الله
رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنین محلقین رؤسکم و مقصرین
لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحا قریبا و سه بار سوره توحید بخواند و چون ماه
ربیع الاول ببیند نظر بر آب اندازد و بقول خواجه بر روی پسران اندازد و هفت مرتبه سوره محمد ص
و چون ماه ربیع الآخر ببیند نظر بر آب روان اندازد و بقول خواجه بر روی مرد جوان اندازد و سوره
حمد و توحید بخواند و چون ماه جمادی الاول ببیند در روی ماه بخواند یا راه روشن نکرد و بخواند و
ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر
للعالمین و چون ماه جمادی الآخر ببیند با سمان و زمین نظر کند و به کف سجود و بگوید انما یرید الله
لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا و چون ماه رجب ببیند بقرآن نگرد و بقول خواجه
نصیر رحمه الله بسبزه نگرد و باید [illegible] بخواند که در اقبال و زاد المعاد است اللهم اهله علینا بالامن
والایمان والسلامة والاسلام ربی و ربک الله عز و جل و بخواند این دعا را که در اقبال و غیر آن
وارد شده اللهم بارک لنا فی رجب و شعبان و بلغنا شهر رمضان و اعنا علی الصیام والقیام و حفظ
اللسان و غض البصر و لا تجعل حظنا منه الجوع والعطش و چون ماه شعبان المعظم ببیند نظر بروی صلحا
و بقول خواجه بروی زن کند و باید [illegible] بخواند اللهم تقبل منا رجب و بارک لنا شعبان و بلغنا
شهر رمضان و ارزقنا صیامه و قیامه فی یسر منک و عافیة یا رب العالمین و چون ماه رمضان ببیند
بمصحف و بقول خواجه بشمشیر نظر کند و بخواند این دعا را که در مصباح [illegible] و غیر است اللهم اهله علینا
بالامن والایمان والسلامة والاسلام والعافیة المجللة والرزق الواسع و دفع الاسقام اللهم
ارزقنا صیامه و قیامه و تلاوة القرآن فیه اللهم سلمه منا و تسلمه منا و سلمنا فیه و باید
بخواند این دعا را که در زاد المعاد از حضرت صادق ع منقول است که چون هلال ماه رمضان را ببینی اشاره
بسوی هلال مکن و روی بقبله کن و دستها را بسوی حق بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو ربی و ربک الله

ربی و ربک الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والمسارعة
الی ما تحب و ترضی اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا و ارزقنا خیره و عونه و اصرف عنا شره
و ضره و بلاءه و فتنته و بخواند این دعا را که در زاد المعاد و اقبال است و ابن حنبل از [illegible]
در وقت دیدن ماه مبارک واجب دانسته الحمد لله الذی خلقنی و خلقک و قدر منازلک و
جعلک مواقیت للناس اللهم اهله علینا اهلالا مبارکا اللهم ادخله علینا بالسلامة
والاسلام والیقین والایمان والبر والتقوی والتوفیق لما تحب و ترضی و منقولست از
محمد باقر ع که در وقت دیدن ماه مبارک انا فتحنا سه بار بخواند از [illegible] و فرح
و توسعه رزق تا سال آینده و چون ماه شوال ببیند بر سبزه یا آب روان و بقول خواجه رحمه الله
بر سبزه نگاه کند و هفت بار سوره قل هو الله احد بخواند و چون ماه ذیقعده ببیند نظر بر آینه و
خویش اندازد و چهار بار سوره انا انزلناه بخواند و چون ماه ذیحجه ببیند نظر بر مرد ریش دار اندازد و تفصیل
احوال نظر کردن باشیاء در اول ماهها در جدول سابق گذشت فصل هفتم در بیان سعد و نحس ایام ماه
عربی و فارسی است بدانکه در احسن التقویم ملا محسن ره و اختیارات ساعات ملا محمد [illegible] فرموده
[illegible] مذکور است که علی بن طاوس از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق روایت نموده که روز
اول ماه حضرت آدم ع در این روز مخلوق گردیده و روز مبارکیست از برای طلب حوائج و رفتن نزد
پادشاه و طلب علم و زن خواستن و سفر کردن و خرید و فروخت کردن و کردن چهارپایان و اگر بنده یا
حیوان در این روز گم شود تا هشت روز بدست آید و هر که در این روز بیمار شود شفا می یابد و
فرزندی که در این روز متولد شود بخشنده و فراخ روزی و با برکت باشد دوم ماه در این روز حضرت
حوا مخلوق شده و شایسته است از برای زن خواستن و خانه ساختن و مکاتبه و قبالجات نوشتن
و حاجات طلب کردن و اختیار کارها نمودن و سفر کردن و هر که در اول این روز بیمار شود بیماریش
سبک باشد بخلاف آخر روز و فرزندی که متولد شود نیکو تربیت باشد و در روایتی وارد شده که بهترین
در این روز از عمل سلطان سوم ماه روز نحسی است و آدم و حوا در این روز از بهشت بیرون کرده شدند پس حضر
کار تو در این روز آنست که مشغول اصلاح امور خانه خود گردی و تا ممکن باشد برای کاری بیرون
نروی و بپرهیزی در این روز از رفتن نزد پادشاهان و خرید و فروخت و طلب حوائج و معامله شراکت و سایر
کارها و هر که در این روز چیزی گم کند بدست نیاید و هر که در این روز بیمار شود بمشقت افتد و فرزندی که متولد شود
تعیشش فراخ و عمرش دراز باشد و در حدیث سلمان وارد شده است که روز کراهیت و برای [illegible]

شاینه نیست ششم ماه نیکست برای زراعت کردن و شکار کردن و عمارت کردن و زن خواستن و جهاز
پایان کردن و مکروهست در آن روز سفر کردن هم آنست که کشته شود یا بدار کشیده شود مالش
برند و بلائی او را عارض شود و در این روز هابیل متولد شد و فرزندی که در این روز متولد شود خجسته
و مبارک باشد تا زنده است و هر که در این روز بگریزد یا مغشوش شود باشد و پناه بجائی برد که او را بدست
نتوان آورد هفتم ماه روز نحسی است که در آن قابیل ملعون متولد شده و در همین روز برادر خود را کشت
و نفرین بر خود کرد و آن بدبخت اول کسی است که گریه کرد در زمین پس هیچ کار اختیار مکن و از خانه
بیرون مرو و هر که در این روز دروغ بگوید زود جزا یابد و هر که در این روز متولد شود حالش نیکو
باشد در حدیث سلمان وارد شده که در این روز اختیار کار نیکن و نظر پادشاه مرو هشتم ماه روزیست که
شایسته است از برای بر آوردن حاجات و زن خواستن و شکار کردن و هر که سفر کند در این روز در
دریا یا صحرا بر گردد بسوی اهلش آنچه خواهد و دوست دارد و نیکست از برای خرید و فروخت چهارپایان و هر حیوانی
بیند که در این روز گم شود بزودی پیدا شود و هر که بیمار شود در این روز زود صحت یابد و هر طفلی که در این
روز متولد شود نیکو تربیت یابد و از افعال سلامت باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست
که شایسته است از برای شکار و طلب معاش و هر حاجتی و در روایت سلمان وارد شده است که خوابی
که در این روز دیده شود بعد از یک روز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود نهم ماه برای همه کارها شایسته
هر که در این روز شروع بمشق و کتابت نماید بشایستگی بکمال رساند و هر که ابتدا کند در این روز بعمارت
کردن و درخت نشاندن و بعروسی عاقبتش نیکو باشد و هر طفلی که در این روز متولد شود تربیتش نیکو
باشد و روزیش فراخ باشد و در حدیث دیگر شایسته است برای شکار کردن و طلب روزی و از حضرت
امام موسی منقولست که ترک مکن حجامت را در هفتم حزیران رومی و اگر نکنی در چهاردهم ماه البته بکن
دهم ماه شایسته است برای هر حاجت از خرید و فروخت هر که در این روز بنزد پادشاه برود حاجتش روا
شود و مکروهست در این روز بدریا نشستن و سفر خشکی کردن و بجهت رفتن و هر طفلی که متولد شود و لادتش
شایسته باشد و هر که بگریزد بر او ظفر نتوان یافت مگر بتعب بسیار و هر که گم کند در این روز راه بیابد مگر
بمشقت و هر که در این روز بیمار شود تعب بسیار کشد و در روایت دیگر آنکه شایسته است برای هر کاری
مگر سفر کردن و سلمان رضی الله عنه روایت کرده است که برای هر کاری شایسته است یازدهم ماه روز
نیکیست برای خرید و فروش که اراده نمائی پس ابتدای کارها در آن بکن و زراعت بکن و درخت بکار و هر که
در این روز با دشمن جنگ کند غالب آید و هر که سفر کند مال او را روزی شود و خیر بیند و هر که در این روز

در این روز بگریزد نجات یابد و هر که بیمار شود بیماریش سنگین شود و هر که گم شود بزودی یافت شود
و فرزندی که متولد شود شایسته باشد و در همه حال توفیق یابد و در روایت دیگر فرزند فراخ روزی
باشد و در روایت سلمان خوابی که در این روز دیده شود اثرش در آن روز ظاهر گردد دوازدهم ماه نوح در این
روز متولد شده است فرزندی که در این روز متولد شود بسیار عمر و معمر و فراخ روزی باشد و نیکست
برای خرید و فروخت و سفر کردن و گم شده در این روز یافت شود و گریخته زود بدست آید و بند افتد و
هر که در این روز بیمار شود سزاوار آنست که وصیت کند و در روایتی وارد شده است که صالح است از برای
هر حاجتی بجز رفتن بمنزل پادشاهان و هر که بگریزد در این روز زود پیدا شود و در حدیث دیگر است
که برای تخم کردن و زراعت نمودن و سلف خریدن نیکوست و در روایت سلمان خوابی که در این روز
دیده شود تا بیست روز بظهور بیاید سیزدهم ماه حضرت شیث در این روز متولد شده است و شایسته است
از برای ابتدای کارها و خرید و فروخت و سفر کردن و باید که احتراز نماید در این روز از رفتن بنزد
پادشاهان و هر که در این روز بگریزد بزودی بر گردد از روی اطاعت و هر که راه گم کند امیدست که سالم
بماند و هر که بیمار شود امیدهست که بزودی شفا یابد و هر طفلی که متولد شود بر نیکی زندگانی نماید
و لکن نمیرد تا آنکه پریشان شود و از پادشاهی بگریزد و بروایت دیگر هر گریزنده پریشان شود و در روایت سلمان
خوابی که بیند تا بیست روز اثرش بظهور رسد چهاردهم ماه روزیست شایسته برای زن خواستن
و دکان گشودن و شریک شدن و بدریا سفر کردن و در این روز واسطه میان دو کس باید شدن و بیمار
گمان شفا دادن هست و فرزندی که متولد شود بآسانی تربیت یابد و در روایت دیگر گریخته بدست آید
و فرزند بسیار عمر یابد و پریشان شود و در روایت دیگر وارد شده است که این روز صالح است همه حاجات
پس طلب کنید در این روز حاجتهای خود را و سعی کنید در آن حاجتها بهر سببی که بر آورده می‌شود
حاجتها پانزدهم ماه روز نحسیست بپرهیزید در آن روز از منازعه کردن و نظر پادشاهان رفتن و
روغن بر سر مالیدن و سر تراشیدن و از هر کاری و هر که بگریزد بر او دست نیابد و هر که بیمار شود صعب
افتد و فرزندی که متولد شود ظالم باشد و نیکست برای طلب علم و خرید و فروخت و سفر کردن و قرض
کردن و بدریا نشستن و گریخته بدست آید و بیمار صحت یابد انشاء الله تعالی و در روایت دیگر فرزندی
که متولد شود عمرش دراز شود و بطلب علم راغب باشد و آخر عمرش مال فراوان گردد و در روایت سلمان
نیکست برای هر امری و چیزی و برای دیدن پادشاهان و هر فرزندی که متولد شود خوشنویس شود
و خوابی که دیده شود بعد از یک روز یا شش روز بعمل آید شانزدهم ماه نیکست برای همه امور مگر

دادن و گرفتن و کسی که در این روز بیمار شود بزودی صحت یابد و کسی که بگریزد بزودی بدست آید و
فرزندیکه متولد شود لال باشد یا در زبانش عیبی باشد و بروایت سلمان خوافی که بعد از سه
روز اثرش ظاهر شود پانزدهم ماه روز نحس است برای هیچ کار خوب نیست مگر عمارت بنا کردن
و بنا گذاشتن و هرکه سفر کند در این روز هلاک شود و هرکه بگریزد بزودی برگردد و هرکه راه گم کند تمام
میماند و هرکه بیمار شود بزودی شفا یابد و فرزندیکه متولد شود پیش از زوال دیوانه باشد و اگر بعد از
زوال متولد شود حالتش نیکو باشد بروایت سلمان خوافی که در این روز هرچند بعد از دو روز اثرش
ظاهر شود شانزدهم ماه میانه است پرهیز در آن روز از بنا و عمر کردن و قرض دادن و قرض گرفتن
پس هرکه قرض بدهد باز نگردد و هرکه بگریزد پس نهد و فرزندیکه متولد شود حالش نیکو باشد و بروایت
دیگر روز گرانست در این روز حاجت طلب کن و بروایت دیگر وارد شده است که حجامت در هفدهم [?]
شفاست و بروایت دیگر روزیست نیکو و هرکه در پی طلب کند در این روز هرچه خواهید و زن خواهید
و بیع و شرا نمائید و بنا نهید و بنا کنید و نزد پادشاه بروید در طلب حوائج خود پس بدرستی که آن
حاجت روا میشود هیجدهم ماه روز مبارکیست برای هر کاری نیکست از خرید و فروخت و زراعت
و سفر و کسی که با دشمن خصمی کند بر او غالب آید و اگر مالی بقرض دهد باز گردد و بیمار شفا یابد و فرزند
حالش نیکو باشد نوزدهم ماه روز مبارکیست در آن روز حضرت اسحق متولد شده است و شایسته است
برای سفر و معاشرت با اغنیا و طلب روزی و سعی در کارها و آموختن علم و بدست آوردن زنده و چهار
پایان خریدن و گریخته و گم شده بعد از پانزده روز برگردد و فرزندیکه متولد شود در این روز فتوح [?] باشد
بیستم ماه میانه است و نیکوست برای سفر کردن و برآوردن حاجتها و بنا کردن بناها و دست کردن
درختان مثل انگور و گرفتن چهارپایان و رفتن نزد پادشاهان و کسی که بگریزد دور است باو دست یافتن
و کسی که راه گم کند خوف هلاک بر او هست و کسی که بیمار شود بیماریش صعب گردد و فرزندیکه بوجود آید تا
زندگانی کند بیست و یکم ماه روز نحس است و بسیار بدست در این روز حاجتی طلب مکن و پرهیز از پادشاهان
در آن روز و کسی که سفر کند بخوف هلاک بر او هست و فرزندیکه بهم رسد فقیر و پریشان باشد و بروایت
دیگر روز نحس است و معین برای کشتن جوانان خوبست بیست و دوم شایسته است برای برآوردن حاجتها
و بیع و شرا و رفتن نزد پادشاهان و تصدق در آن روز فوتست و بیمار شفا یابد و مسافر بعافیت برگردد و در
روایت دیگر روز نیکیست بیست و سوم ماه و در این روز حضرت یوسف متولد شده است و نیکست برای طلب
حوائج و تجارت نمودن و زن خواستن و نزد سلاطین رفتن و کسی که در این روز سفر کند غنیمت یابد و خیر

یابد و خیر بسیار بیند و فرزندیکه متولد شود نیکو تربیت یابد بیست و چهارم ماه بسیار نحس است و فرعون
در این روز بوجود آمده است پس هیچ کاری در این روز مکن و فرزندیکه متولد شود روزگار
بسختی گذراند و توقع خیری نیابد و عاقبت کشته شود یا غرق شود و هرکه بیمار شود بیماریش
بطول انجامد بیست و پنجم ماه روز نحس است پس خود را از این روز حفظ کن و بی کاری چرو که در این
روز حق تعالی اهل مصر را با فرعون بآیات عذاب خود مبتلا کرد و بیمار حالش بد باشد و در
روایتی هست که صورتی آید از مرض خود و فرزند مبارک و فراخ روزی و نیکوکار می باشد
بلا مبتلا میشود و آخر نجات یابد و در روایت دیگر هرکه در این روز بیمار شود تا آخر روز صحت
آید و بروایت سلمان از شر این روز پناه بخدا برید بنماز و دعا و اعمال خیر بیست و ششم ماه روز
شایسته است برای سفر و هر امریکه اراده کند مگر زن خواستن و هرکه در این روز تزویج نماید میان
او و زوجه اش جدائی افتد زیرا که در این روز دریا شکافته شد برای حضرت موسی و اگر از سفر
برگردد در این روز بخانه خود داخل شود و بیمار در این روز حالش بد باشد و فرزندیکه بوجود آید عمرش
دراز باشد بیست و هفتم ماه برای هر کاری نیکست و فرزندیکه در این روز متولد شود خوشروی و خوشخوی
و طویل العمر و با خیر فراوان و محبوب دلهای مردان باشد و بروایت دیگر برای سفر بسیار نیکست
بیست و هشتم ماه خوبست برای هر کاری و در این روز حضرت یعقوب متولد شده است
پس هر فرزندیکه متولد شود غمهای عظیم باو رسد و برخی با ضعف چشم مبتلا شود و بروایت سلمان
خواب در همان روز اثرش ظاهر کرده بیست و نهم ماه برای جمیع کارها خوبست الا کتابت که
مکروهست در آن روز و فرزندیکه در این روز بوجود آید بردبار باشد و هرکه بیمار شود زود شفا یابد و
در این روز وصیت ننویسند که منع وارد شده است از وصیت در این روز برگردد و در روایت دیگر شایسته
برای همه کارها خصوصاً ملاقات پادشاه و دیدن برادران و دوستان و نیکی و احسان کردن و [?] و
بروایت سلمان خوافی که در این روز دیده شود در همین روز ظاهر شود سی‌ام ماه نیکست برای فروختن
و خریدن و تزویج کردن و فرزندیکه در این روز بوجود آید بردبار و مبارک باشد و بدشواری روزی یابد و
بدخلق باشد و روزی او گرده شود در رزقی که منع کند از آن یا ممنوع باشد از آن بر تقدیر اول ظاهر
مراد آنست که تصرف در آن رزق نیابد مثل گنجها و دفینها که صاحبان آنها از تصرف در آن ممنوع
باشند و در روایتی هست که مرتفع باشد و هرکه بگریزد بدست آید و هرکه چیزی گم کند بیابد و هرکه
مالی قرض کند بزودی باز دهد [?] در ماه عربی بروایت حضرت امیرالمؤمنین ع بدترین روز

حضرت صادق ع بکرور نحس است چنانچه از این جدول معلوم است و اسامی ماههای
فارسی نیز مثل عربی است دوازده است بدین
ترتیب فروردین اردیبهشت
خرداد تیر مرداد
شهریور مهر آبان
آذر دی بهمن اسفندارمذ
و در هر یک از این ماهها نیز هفت روز نحس است
بنا بر قول خواجه نصیر الدین محقق طوسی رحمة الله که در ترجمه قول حضرت صادق ع نظم کرده چهارم
و هشتم برای سفر یازدهم برای رفتن نزد سلاطین برای گریختن دوم از برای مناظره و مخاصمه
ملا محمد باقر در رساله اختیارات ساعات نوشته که روزهائیکه در ماههای عربی مذکور شد که نحوست
دارند اگر در ماه فرس قدیم هم ایشان را رعایت نماید بهتر است پس بنا بر قول ایشان باید که احتیاط
در اختیار ساعات ملاحظه ماه عربی و فارسی هر دو نماید فصل پنجم در بیان دانستن قاعده نزول شمس
و قمر در برج و بعضی اختیارات چون در شرع و احادیث نهی واقع شده از سفر کردن و تزویج نمودن در وقتیکه
قمر در برج عقرب باشد مناسب دانستم که قاعده تحریر نماید که بدون تقویم دریافت آن آسان شود و قاعده
آن بنا بر قول خواجه آنست که هر چه از ماه عربی گذشته مضاعف سازد و پنج دیگر بران افزاید پس هر چه
جمع شود پنج پنج از ان برای هر یک از بروج دهد و ابتدا کند در طرح پنج پنج از برجی که آفتاب دران برج است
تا برجی برسد که پنج تمام نرسد پس بداند که ماه دران برج است مثلا آفتاب در برج دلو باشد و میخواهیم
بدانیم که ماه در کدام برج است و فرضا از ماه یازده روز گذشته باشد و چون آن که بیست و دو
روز باشد حساب کنیم و پنج دیگر بران بیفزائیم و پنج پنج بر هر برج تقسیم باقی می ماند دو تا و آن دو تا را در شش
ضرب کنیم میشود دوازده درجه پس ظاهر میشود که ماه دوازده درجه از برج سرطان قطع کرده و همچنین در
معرفت آنکه آفتاب در کدام برج است هر گاه موضع قمر معلوم باشد پنج پنج طرح کن تا برجی برسد که پنج
تمام باو نرسد معلوم میشود که آفتاب دران برج است و ابتدای بروج دوازده است متعلق بحساب
فصل در بیان علل و امراض این رساله نوشته میشود بدین ترتیب حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب
قوس جدی دلو حوت و چون هر یک ازین بروج که سیرگاه حرکت شمس و قمر است با بعض کارها مناسبت دارند
و با بعض دیگر ندارند لهذا افعالیکه بهر یک ازین بروج مناسب و شایسته است درین رساله بطریقی که

طریقی که میرزا محمد دین در مدخل منظوم ذکر کرده بیان می نمائیم حمل جیدست از برای مهر و نیز
انداختن و جامه پوشیدن و شکار کردن و ابتدا در کاری نمودن و فصد و حجامت کردن و ملاقات
پادشاهان نمودن و بدست از برای وضع بنا و خانه و زراعت ثور نیکست از برای عقد و تبیع و دید
دوستان و کتابت خطوط بسوی ایشان و نشاط و سرور و نظر و استعمال بوی خوش و گریختن از نزاع و
جدال و شرکت و خریدن بندگان و کنیزکان و نشاندن درختان و بدست از برای فصد کردن و حمام رفتن
جوزا جیدست از برای خرید و فروخت بندگان حبش و خطا و ابتدای کتابت و ملاقات امرا و
نوشتن خطوط و انداختن تیرها و پوشیدن جامها و سفر کردن و ردیست برای گرفتن ذخیره و فصد و
حجامت سرطان جیدست از برای سفر کردن و مسهل خوردن و نوشتن خطوط و رفتن حمام و تراشیدن
و پوشیدن جامها و ردیست از برای تزویج و بنا و قضا اسد جیدست از برای عهد و پیمان و شروع
کار و قصد اشتغال با مردم و طلب حاجات از پادشاهان و فصد و کار آتش و ترتیب و ترتیب تخت
انها و فروختن بندهای حبش و خطا و ردیست از برای سفر و لبس ثیاب سنبله جیدست از برای
خشکی و بریدن جامها و تعلیم و تعلم کار زراعت و فروختن بندگان ترکی و ردیست از برای تزویج
و علاج امراض و فصد و امر صناعت و هر وری میزان جیدست از برای سفر و خضاب و بیع جواهر و
لبس ثیاب و خوردن شربتها تا وقتی که ماه به چهار درجه از میزان نگذرد و شایسته نیست برای بیع
و هر که کاری کند قبل از انقضای آن مبارک نخواهد بودن کار برای عقرب جیدست از برای ادویه
و قی کردن و غرغره کردن و معاجین ساختن و حمام رفتن و بر دشمن حمله آوردن و جراحت کردن و زبان
دادن اسب و ناخن گرفتن آن و ردیست برای غیر این کارها قوس جیدست از برای تزویج و تعلیم و
فصد و شکار کردن و ردیست از برای بیع جواهر و حیوانات و سر تراشیدن و مسهل خوردن و قرض و زراعت
و جامه پوشیدن جدی جیدست از برای ساختن کاریزها و پوشیدن جامها و شکار کردن و بنا نهادن
بدن از حرکت خصوص مناهر کار معطار دبوی تمر ناظر باشد و از مکروهات ردیست از برای ملاقات سلاطین
و تزویج و فصد دلو جیدست از برای زراعت و اخذ عهد و میثاق و بیع بندگان هندی و فارس
تعمیر حصون و ردیست از برای نقل رختها و تزویج و فصد حوت جیدست از برای فصد دست و نا
گرفتن پای و از برای ملاقات اشراف و اهل دعوت و پوشیدن کلاه و قبا و پیرهن و کمربند و پوشیدن تمام
ملبوس فصل ششم در اعمال ماثوره برای دفع نحوست بدانکه توکل و تفویض و اعتماد بجناب مقدس
الهی نمودن در جمیع امور و استمداد از حضرت ائمه معصومین علیهم السلام نمودن و توسل با آیات و دعا و تصدق

جستن هر کوسفندي را سعادت بدل میکند چنانچه در حدیث معتبر وارد شده است که آیة الکرسي بخوان و
هر روز که خواهي تجارت کن و هر جا که خواهي سفر کن و در احادیث بسیار وارد شده است که تصدق و دعا
رد میکند بلاي مبرم را و در حدیث معتبر منقول است از سهل بن یعقوب که بخدمت حضرت امام علي نقي ع
رفتم و اختیارات روزها را بان حضرت عرض نمودم پس کفتم که در اکثر روزها چیزي چند هست که مانع
رفتن است بطلب حوائج و بسیار است که ما را ضرور میشود در این روزها حرکت کردن و متوجه مطلب شدن
حضرت فرمود که یا سهل ولایت و محبت اهل بیت ما دارید و حافظ شیعیان ما است از جمیع بلاها
اکر با ولایت ما بجهد دریاها یا صحراها و بیابانها در میان حیوانات یا دشمنان جن و انس برود هر اینه ایمنند
از شر ایشان ببرکت ولایت ما پس اعتماد کن بر خدا و خالص کردان ولایت خود را از براي ما و بهر جانب که خواهي
متوجه شو و چون صبح کني سه مرتبه این دعا بخوان اَللّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذٰلِکَ که در ادعیه شرح داده صباح و
مسا کذشت و در شام نیز سه مرتبه بخوان پس در امان خواهي بود از هر چه حذر میداري از ان و در قلعه
حفظ و حمایت الهي خواهد بود از هر چه میترسي و اعمال دیکر در این باب در آداب بر آمدن از خانه
و در آداب سفر در باب چهارم نوشته خواهد شد مقصد یازدهم در اعمالي که در عرض سال باید کرد و
مشتمل بر دوازده فصل است فصل اول در ماه محرم است این ماه از ماههاي حرام است و مبدء سال
هجرت و پیش از اسلام و بعد از اسلام عظیم داشتند و همچنین در اسلام و بسبب این محرم است که در این ماه قتال
و حرب از محرمات بوده با آنکه او نزد حق تعالی زیاده و قبح و حرمتي بوده و طاعت را ثواب بیشتر و معصیت را
عقاب بیشتر است شب اول این ماه شب بزرکیست و از جمله هفت شب است که در عرض سال احیاي
انها سنت است چنانچه در وسایل الشیعه از حضرت پیغمبر روایت کرده که در ماه محرم شب شریفیست
که شب اول باشد هر که صد رکعت نماز در ان بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و توحید
بخواند و روز اول را روزه دارد خواهد بود از جمله کسانی که دایم باشد خیر و نیکي او تا سال آینده و از جمیع بلاها
محفوظ ماند و اکر پیش از ان بمیرد داخل بهشت شود و روز اول این ماه خداي تعالی دعاي زکریا را
مستجاب نمود در طلب فرزند و در این روز دو رکعت نماز وارد شده چنانچه از حضرت امام رضا منقول است
که حضرت رسول صلعم در این روز دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند
و این دعا را سه مرتبه میخواندند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِیمُ وَ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدَةٌ فَاَسْئَلُکَ فِیهَا الْعِصْمَةَ
مِنَ الشَّیْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا یُقَرِّبُنِي اِلَیْکَ یَا کَرِیمُ
یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ یَا ذَخِیرَةَ مَنْ لَا ذَخِیرَةَ لَهُ یَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ یَا غِیَاثَ مَنْ لَا

غِیَاثَ لَهُ یَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ یَا کَنْزَ مَنْ لَا کَنْزَ لَهُ یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ
یَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ یَا مُنْقِذَ الْغَرْقیٰ یَا مُنْجِيَ الْهَلْکیٰ یَا مُنْعِمُ یَا مُجْمِلُ یَا مُفْضِلُ یَا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَکَ
سَوَادُ اللَّیْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ وَ حَفِیفُ الشَّجَرِ یَا اَللّٰهُ لَا شَرِیکَ
لَکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا خَیْرًا مِمَّا یَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا یَعْلَمُونَ وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا یَقُولُونَ ـــ
حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اٰمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا
یَذَّکَّرُ اِلَّا اُولُوا الْاَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ
الْوَهَّابُ و ایضا از ان حضرت مرویست که هر که این تحمید را در اول ماه محرم بخواند تا سال دیکر از همه بلاها
ایمن کردد و حق تعالی او را از جمیع آفات ان سال نکاه دارد اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَشَعَ کُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَضَعَ کُلُّ شَيْءٍ لِمُلْکِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَسْلَمَ کُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
ذَلَّ کُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ اَسْئَلُهُ بِعِزَّتِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ مُلْکِهِ وَ قُدْرَتِهِ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ الْجَدِیدَةِ الْاَمْنَ
وَالْاِیمَانَ وَالْعَافِیَةَ وَالْغُفْرَانَ وَالْعِصْمَةَ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ و ایضا مرویست که هر که در این روز
سیصد و شصت نوبت آیة الکرسي تا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِیمُ و بعد از ان این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ
سَنَةٌ جَدِیدَةٌ وَ اَنْتَ مَلِکٌ قَدِیمٌ اَسْئَلُکَ خَیْرَهَا وَ خَیْرَ مَا فِیهَا وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِیهَا وَ
اَسْتَکْفِیکَ مُؤْنَتَهَا وَ شُغْلَهَا یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ از جمیع آفات و بلیات در ان سال ایمن باشد و
در کتاب درر النظیم آورده که هر که این آیه را اَفَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰی اَنْ یَاْتِیَهُمْ بَاْسُنَا بَیَاتًا وَ هُمْ نَائِمُونَ اَوَ اَمِنَ
اَهْلُ الْقُرٰی اَنْ یَاْتِیَهُمْ بَاْسُنَا ضُحًی وَ هُمْ یَلْعَبُونَ اَفَاَمِنُوا مَکْرَ اللّٰهِ فَلَا یَاْمَنُ مَکْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ .
از سوره اعراف در روز اول محرم بر کاغذي بنویسد و از آب طاهر بشوید و آب را در کوشهاي خانه خود
بپاشد مار و کژدم و سایر کزندکان از ان مواضع دور شوند و هر کز انجا نیایند و شیخ مفید ره
کفته که روز سیم محرم روز مبارکیست و در ان روز حضرت یوسف ع از چاه بیرون آمد هر که این روز را روزه
دارد حق تعالی کارهاي صعب را بر او آسان کرداند و غمهاي او را زایل سازد و روز نهم شیخ طوسي ره در تهذیب
ایراد نموده که در این روز حضرت موسی ع از دریا کذشت و روز هفتم بر کوه طور مبعوث شد و در روز نهم
حضرت یونس از شکم ماهي بر آمد و یحیي و مریم متولد شدند پس باید این روزها را روزه بدارند اما
که روز نهم و دهم را روزه ندارند زیرا که بني امیه این دو روز را از براي برکت و شماتت براي قتل سید الشهدا ع
روزه میداشتند و روز دهم این ماه روز عاشوراست که در ان مقتل سید شهدا شهید کربلا ابي عبدالله ع
در سال احدی و ستین و ان روزیست که تجدید میباید کرد او مصیبت و احزان ال محمد و شیعیان ایشان

ابن بابویه و دیگران بسندهای موثق و معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده‌اند که هر که بیاد آورد
مصیبت ما را و بگرید و بگریاند برای آنچه مرتکب شده‌اند دشمنان ما با ما باشد در درجهٔ ما در روز
قیامت و کسی که بیاد دیگران آورد مصیبت ما را پس بگرید و بگریاند گریان نگردد دیده او در روزی
که دیدها گریان باشد و کسی که بنشیند در مجلسی که در آن مجلس احیای امر ما نمایند و احوال ما و احادیث ما را
بیان کنند نمیرد دل او در روزی که دلها از زیر و بیم مرده باشد شیخ مفید و شیخ طوسی بسند معتبر از
حضرت صادق روایت کرده‌اند که هر که مهموم و مغموم باشد برای مصائبی که بر ما رسیده است هر نفسی
که کشد ثواب تسبیح در نامهٔ عملش نوشته شود و غم او برای ما عبادت باشد و ستر حال ما پنهان داشتن
از دشمنان ثواب جهاد فی سبیل الله دارد پس حضرت صادق فرمود که این حدیث را باید که با آب طلا
نوشته شود و شیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر از حضرت رسالت روایت کرده است که هر که از دیده او
اول قطره اشک بیرون آید برای خونی که از ما ریخته شده یا حقی که از ما گرفته‌اند یا عرضی که از ما
و شیعیان ما ضایع کرده‌اند حق تعالی او را در بهشت ابدالآباد جای دهد و متنعم گرداند اما اعمال
دهم که شب عاشوراست این شب از جمله هفت شب است که در جمیع سال احیای آن را فضیلت است و
باید بگریه و اندوه و حزن این شب را بسر برد برای تأسی بحضرت امام حسین و اصحاب او که در آن شب در صحرای
کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بیجا تا صباح احیا کردند بعبادت و خفیه سعادت شهادت می‌کردند
چنانچه در زاد المعاد است و زیارت حضرت امام حسین کردن چنانچه در فصل زیارت گذشت و گذاردن
نمازها از جمله چهار رکعت که از حضرت رسالت در وسایل الشیعه نقل شده هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید پنجاه بار و بعد از فراغ از چهار رکعت ذکر الله تعالی بسیار بگوید و صلوات
بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و بر ظالمان اهل بیت و قاتلان حضرت امام حسین لعنت بسیار کند دیگر آنست
از حضرت رسول که هر کس شب عاشورا بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت الحمد یکبار و توحید سه بار
بخواند حق تعالی مملو کند قبر او را از مشک تمام دیگر صد رکعت که منقولست از حضرت و همچنین
که هر کس از مردان و زنان که بگذارد صد رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت سوره فاتحه یکبار و سوره
قل هو الله احد سه بار و چون فارغ شود از مجموع صد رکعت هفتاد بار بگوید تسبیحات اربع و حق تعالی
قبر او را از مشک و عنبر پر کند و شیخ رحمه الله گفته این عمل را ثواب عظیم هست از برای اختصار بهمین قدر اکتفا شد
انتهی و دیگر از نمازها از حضرت نقل نموده که هر که در آخر شب عاشورا چهار رکعت نماز یعنی هر دو رکعت بیک سلام

بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیة الکرسی و توحید و معوذتین ده بار و بعد از سلام صد بار سوره
توحید بخواند بنا کند الله تعالی برای او هزار هزار قصر در بهشت و شیخ محمد جزری رحمه الله گفته این نماز را ثواب
بسیار است از جهت اختصار بعد مذکور شد اما اعمال روز عاشورا که دهم محرم است این روزیست که حضرت
امام حسین در کربلا بعلا شهید گردید در سال شصت یکم هجری و مدت عمر بیشتر از پنجاه و هفت سال بود
در این روز شروع در هیچ کاری نباید کرد و هیچ حاجتی نباید برداخت چه این روز روز نحسی است حاجت
روا نگردد و اگر روا شود مبارک نباشد و در این روز هیچ ذخیره نکنند که هر آنکس چیزی ذخیره کند مبارک
نباشد او را و اهل او را زیرا که چنانچه از برای برکت آن روز در آن سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره کنند
و باید مشغول گریه و نوحه و ندبه باشد و امر کند اهل خانهٔ خود را که تعزیه آن حضرت را بر پا دارند و مشغول
ماتم باشند چنانچه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می‌باشند و مستحب است از چیزهای خوب لذیذ
اجتناب نمایند و از طعام خوردن و آب آشامیدن امساک کنند بی آنکه قصد روزه کنند و در آخر روز بعد از عصر افطار
کنند تربت امام حسین یا هر چه باشد هر چند شربت آبی باشد و در وقت افطار تربت این دعا را بخوانند
اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ
وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الطِّينَ لِي أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ
وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ و در خوردن ماکولات دیگر بگوید اللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلَى أَصْحَابِهِ عِنْدَكَ
الْآنَ يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَنَحْنُ فِي هٰذَا الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِهِمْ مُقْتَدُونَ مگر آنکه روزه واجبی داشته باشد
که نذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را روزه باید بگیرد و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و
مؤمنان یکدیگر را تعزیه دهند بمصیبت امام حسین باین نحو که حضرت امام جعفر صادق اصحاب خود را امر فرمود
أَعْظَمَ اللّٰهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ
الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اگر بفارسی خواهد چنین گوید که خدا بدهد ثواب عظیم و مزد بسیار از برای
ما را بمصیبتهائی که بما رسیده بکشتن حسین و بگرداند ما را و شما را از طلب کاران خون امام حسین
با ولی خود امام مهدی که از آل محمد است از حضرت امام جعفر صادق مرویست که هر که روز عاشورا تعزیت
مصیبت آل رسول الله را بر این وجه که مذکور شد بجای آورد ثواب خدای تعالی از برای او ثواب هزار حج
و هزار عمره و هزار غزوه با رسول خدا را و ثواب مصیبت هر پیغمبری و هر رسولی و وصی و شهیدی و صدیقی که
مرده باشد یا شهید شده باشد از ابتدای دنیا تا انتهای آن و مستحب است در این روز زیارت مشاهد متبرکه

زیارت ابی عبد الله الحسین ع و صلوات بسیار فرستادن بر رسول و آل او و لعن اعدای ایشان نیز ثواب
زیاد بشمار از حضرت ابی عبد الله ع روایت کند که فرمود هر که قبر حسین ع را زیارت کند در روز عاشورا
و عارف باشد بحق وی هم چنین باشد که زیارت خدای تعالی کرده باشد در عرش و در زیارت ...
من لا یحضره الفقیه آورده زیارت انبیا و اوصیا و علما مکفرات است موجب عفو نار هم فقد زار الله و ایضا
مرویست که هر که زیارت کند حسین ع را در روز عاشورا واجب شود او را بهشت و نیز روایت شده که
هر که خواهد ادای حق رسول خدا و حق علی و فاطمه علیهم السلام کرده باشد باید قبر امام حسین ع را زیارت
کند در روز عاشورا و نیز از حضرت صادق ع بسند معتبر مرویست که هر که در شب عاشورا نزد قبر حضرت
امام حسین ع باشد و آن حضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور گردد بخون آلوده بهیئت شهدای کربلا
و هر که در شب و روز آن حضرت را زیارت کند چنان باشد که در پیش روی آن حضرت شهید شده باشد و اما زیارت
مشهوره آن حضرت چنانچه شیخ طوسی و ابن قولویه و دیگران روایت کرده اند از مالک جهنی که حضرت امام
محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در روز دهم محرم یا نزد قبر آن حضرت گریان شود
حق تعالی را ملاقات کند در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد
که هر یک با رسول خدا و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک عرض کرد فدای تو شوم چه ثواب است
از برای کسی که در شهرهای دور باشد و نتواند زیارت قبر آن حضرت را دریابد فرمود چون روز عاشورا شود بصحرا
رود یا بر بام بلندترین از خانه خود بر آید و اشاره کند بسوی آن حضرت و سلام نماید و جهد کند در نفرین بر قاتل
آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز گذارد در اول روز پیش از زوال شمس پس بر وی نوحه کند و گریان شود
و امر نماید اهل خانه خود را بگریه کردن بر آن حضرت و در خانه خود مصیبتی بر پا کند با اظهار جزع و فزع بر آن حضرت
و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی دیگر را در خانهای خود بگریه و نوحه و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را
بمصیبت آن حضرت پس من ضامنم که هر که این کار را بکند خدای تعالی جمیع این ثوابها را با ایشان کرامت فرماید
مالک عرض کرد که شما ضامن می شوید از برای ایشان این ثواب فرمود بلی ضامنم ... حضرت امام محمد باقر ع
عرض کردم که دعایی بیاموز مرا که هرگاه در این روز در نزد قبر آن حضرت باشم زیارت کنم بخوانم و دعایی که هرگاه
از دور در شهرهای بعید باشم بخوانم و زیارت کنم فرمود ای علقمه بخوان نزد اشارت بسوی حسین ع بعد از
آن دو رکعت نماز این قول را که مذکور میشود دعا کرده خواهی بود بدعایی که ملائکه و انبیا میخوانند در زیارت آن
حضرت میکنند و بنویسد خدای تعالی از برای تو هزار هزار حسنه و محو کند از تو هزار هزار سیئه و بلند کند از برای تو
درجه صد هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده اند با حضرت امام حسین ع در کربلا و با ایشان شریک

و با ایشان در درجه و مرتبه شریک باشی و نوشته شود برای تو ثواب زیارت رسولان و
ثواب کسانی که زیارت امام حسین ع کرده باشند از روز شهادت آن حضرت تا روز قیامت
و نیز علقمه روایت کند از حضرت امام محمد باقر ع که هر کس هرگاه با هر مرتبه یا هر روز امام حسین ع را
زیارت کند از سرای خود همه این ثوابها او را باشد پس متوجه زیارت شده و بگوید السلام
علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین
و ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام
علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور السلام علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک
علیکم منی جمیعا سلام الله ابدا ما بقیت و بقی اللیل و النهار یا ابا عبد الله لقد عظمت الرزیة
و جلت المصیبة بک علینا و علی جمیع اهل الاسلام و جلت و عظمت مصیبتک علی جمیع
اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم و الجور علیکم اهل البیت و لعن الله
امة دفعتکم عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها و لعن الله امة قتلتکم
و لعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم برئت الی الله و الیکم منهم و من اشیاعهم و
اتباعهم و اولیائهم یا ابا عبد الله انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیمة
و لعن الله آل زیاد و آل مروان و لعن الله بنی امیة قاطبة و لعن الله ابن مرجانة و لعن الله
عمر بن سعد و لعن الله شمرا و لعن الله امة اسرجت و الجمت و تنقبت لقتالک بابی
انت و امی لقد عظم مصابی بک فاسئل الله الذی اکرمک و اکرمنی بمقامی هذا ان یرزقنی طلب
ثارک مع امام منصور معصوم من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله اللهم اجعلنی عندک وجیها
بالحسین علیه السلام فی الدنیا و الآخرة یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله و الی رسوله و الی
امیر المؤمنین و الی فاطمة و الی الحسن و الیک بموالاتک و بالبراءة ممن قاتلک و نصب لک الحرب
و بالبراءة ممن اسس اساس الظلم و الجور علیکم و ابرء الی الله و الی رسوله ممن اسس اساس ذلک
و بنی علیه بنیانه و جری فی ظلمه و جوره علیکم و علی اشیاعکم برئت الی الله و الیکم منهم و اتقرب
الی الله ثم الی رسوله ثم الیکم بموالاتکم و موالاة ولیکم و بالبراءة من اعدائکم و الناصبین لکم
الحرب و بالبراءة من اشیاعهم و اتباعهم انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی
لمن والاکم و عدو لمن عاداکم فاسئل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفة اولیائکم و رزقنی
البراءة من اعدائکم ان یجعلنی معکم فی الدنیا و الآخرة و ان یثبت لی عندکم قدم صدق فی الدنیا و

الآخرة واسأل الله ان يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاري مع امام
مهدي ظاهر ناطق منكم واسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم
افضل ما يعطي مصابا بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام
وفي جميع اهل السماوات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة
ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد اللهم ان هذا يوم
تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك في كل
موطن وموقف وقف فيه نبيك اللهم العن ابا سفيان ومعاوية بن ابي سفيان ويزيد بن
معاوية ومروان وآل مروان عليهم منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل
مروان بقتلهم الحسين عليه السلام اللهم فضاعف عليهم اللعن والعذاب اللهم اني اتقرب اليك
في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حياتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك و
آل نبيك عليه السلام اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع
له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على
قتله اللهم العنهم جميعا وعذبهم عذابا اليما السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح
التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني
لزيارتكم السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين
اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني وابدأ به اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم
العن يزيد بن معاوية خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي
سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيمة اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك
على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام يوم الورود وثبت لي
قدم صدق عندك مع الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام سيف
عميره ميگويد بصفوان زيارترا كه علقمه از حضرت امام محمد باقر روايت كرده خواند پس دو ركعت نماز كرد
نزد امير المومنين ع و وداع كرد آن حضرت را و رو بجانب قبر امام حسين ع كرد و آن حضرت را وداع كرد
و اين دعا را خواند يا الله يا الله يا الله يا مجيب دعوة المضطرين يا كاشف كرب المكروبين ويا غياث
المستغيثين ويا صريخ المستصرخين ويا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا من يحول بين المرء وقلبه
ويا من هو بالمنظر الاعلى وبالافق المبين ويا من هو الرحمن الرحيم على العرش استوى ويا من يعلم خائنة

خائنة الاعين وما تخفي الصدور ويا من لا يخفى عليه خافية ويا من لا تشتبه عليه الاصوات
ويا من لا تغلطه الحاجات ويا من لا يبرمه الحاح الملحين يا مدرك كل فوت ويا جامع كل
شمل ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من هو كل يوم في شأن يا قاضي الحاجات يا منفس
الكربات يا معطي السؤلات يا ولي الرغبات يا كافي المهمات يا من يكفي من كل شيء ولا
يكفي منه شيء في السموات والارض اسألك بحق محمد نبيك وعلي امير المؤمنين وبحق فاطمة بنت
نبيك وبحق الحسن والحسين والتسعة من ذرية الحسين فاني بهم اتوجه اليك في مقامي هذا و
بهم اتوسل وبهم استشفع اليك وبحقهم اسألك واقسم واعزم عليك وبالشأن الذي
لهم عندك وبالقدر الذي لهم عندك وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي جعلته عندهم
وبه خصصتهم دون العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمين حتى فاق فضلهم
فضل العالمين جميعا اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي وتكفيني
المهم من اموري وتقضي عني ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسألة الى
المخلوقين وتكفيني هم من اخاف همه وجور من اخاف جوره وعسر من اخاف عسره وحزونة من
اخاف حزونته وشر من اخاف شره ومكر من اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه وسلطان من اخاف
سلطانه وكيد من اخاف كيده ومقدرة من اخاف مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة ومكر المكرة
اللهم من ارادني فارده ومن كادني فكده واصرف عني كيده ومكره وبأسه وامانيه وامنعه
عني كيف شئت وانى شئت اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها
وبسقم لا تعافيه وذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب عينيه وادخل عليه الفقر
في منزله والعلة والسقم في بدنه حتى تشغله عني بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذكري كما انسيته
ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه وادخل عليه في جميع ذلك
السقم ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا به عني وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك
فانك الكافي لا كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار سواك
خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك ومفزعه الى سواك ومهربه وملجأه الى غيرك ومنجاه
من المخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي ومفزعي ومهربي وملجئي ومنجاي فبك استفتح وبك
استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه اليك واتوسل واتشفع فاسألك يا الله يا الله يا الله فلك الحمد
ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان فاسألك يا الله يا الله يا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلي

على محمد وآل محمد وان تكشف عني همي وغمي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه
وكربه وكفيته هول عدوه فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج عني كما فرجت عنه واكفني كما
كفيته هول ما اخاف هوله ومؤونة ما اخاف مؤونته وهم ما اخاف همه بلا مؤونة على
نفسي من ذلك واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر آخرتي ودنياي يا
امير المؤمنين ويا ابا عبد الله عليكما مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا
جعله الله آخر العهد من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني حياة محمد وذريته
وامتني مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة
عين ابدا في الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله اتيتكما زائرا ومتوسلا
الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا بكما الى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي
فان لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب
عنكما منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما لي الى الله عز وجل في ذلك
فلا اخيب ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا
لي بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلبت على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله
مفوضا امري الى الله ملجئا ظهري الى الله متوكلا على الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن
دعا ليس لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول
ولا قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر العهد مني اليكما انصرفت يا سيدي يا
امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله يا سيدي وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل
والنهار واصل ذلك اليكما غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسأله بحقكما ان يشاء ذلك
ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا سيدي عنكما تائبا حامدا لله تعالى راجيا للاجابة غير آيس
ولا قانط آئبا عائدا راجعا الى زيارتكما غير راغب عنكما ولا عن زيارتكما بل راجع عائد ان شاء الله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يا سادتي رغبت اليكما والى زيارتكما بعد ان زهد
فيكما وفي زيارتكما اهل الدنيا فلا خيبني الله مما رجوت وما املت في زيارتكما انه قريب
مجیب واگر زیارت ششم امیر المؤمنین را اول بکند وبعد این زیارت را بهتر خواهد بود ودر روایت
صحیح عبد الله بن سنان روایت کرده که رفتم بخدمت حضرت صادق ع در روز عاشورا وآن حضرت را
شکسته رنگ واندوهناک یافتم وآب از دیدهای مبارک آنحضرت مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول

الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیدهای شما را نگریاند حضرت فرمود که مگر غافلی
ونمیدانی که در مثل این روز حضرت امام حسین ع شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائی
در روزه اش فرمود که روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی وافطار بکن نه از روی شماتت و
یک روز تمام روزه مگیر وباید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد یک ساعت بشربتی از آب زیرا که در
این وقت جنگ بر طرف شد از آل رسول ص ودر زمین پی نفر از اهل بیت وموالی ایشان افتاده که صاحب
مصیبت در آنها حضرت رسالت ص بود واگر آنحضرت در دنیا می بود باید آنحضرت را با این
تعزیه بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیدهاش تر شد پس حضرت فرمود که
بهترین کارها که در این روز بکنی آنست که جامههای پاکیزه بپوشی وبندها را بگشائی وآستینها را تا نصف
بالا کنی برو بر مثل مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی صحرائی یا مکانی که کسی ترا نبیند یا خانه
خالی از برای تقیه از مخالفان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع وخضوع
ورکوع نیکو وبعد از هر دو رکعت سلام بگوئی ودر رکعت اول بعد از سوره حمد سوره قل یا ایها الکافرون
بخوانی ودر رکعت دوم سوره قل هو الله احد پس دو رکعت دیگر بکن ودر رکعت اول بعد از سوره فاتحه
سوره احزاب بخوان ودر رکعت دوم اذا جاءک المنافقون واگر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوان
پس بگردان روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت وبخاطر آوری شهادت آن امام مظلوم واولاد
واقارب آنجناب را وصلوات فرستی بر او ولعنت بر قاتلان ایشان بکنی ودر روایت دیگر هزار مرتبه
بکنی بر قاتلان آنحضرت که هر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته میشود وهزار گناه از تو محو میشود وهزار
درجه در بهشت از برای تو بلند میشود وبهتر آنست که هزار مرتبه بگوئی اللهم العن قتلة الحسين و
اصحابه پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش بروی وبگوئی انا لله وانا اليه
راجعون رضا بقضائه وتسليما لامره واگر هفت مرتبه چنین کنی بهتر است وفرمود که در جمیع این احوال
باید که محزون وغمناک وگریان باشی پس بجای خود برگردی وبگوئی اللهم عذب الفجرة الذين شاقوا رسولك
وحاربوا اولياءك وعبدوا غيرك واستحلوا محارمك والعن القادة والاتباع ومن كان منهم
فخب واوضع معهم او رضي بفعلهم لعنا كثيرا اللهم وعجل فرج آل محمد واجعل صلواتك عليهم و
استنقذهم من ايدي المنافقين المضلين والكفرة الجاحدين وافتح لهم فتحا يسيرا واتح لهم روحا و
فرجا قريبا واجعل لهم من لدنك على عدوك وعدوهم سلطانا نصيرا پس دست بدعا بردار وقصد کن
دشمنان آل محمد را وبگو اللهم ان كثيرا من الامة ناصبت المستحفظين من الائمة وكفرت بالكلمة

وعكفت على القادة الظلمة وهجرت الكتاب والسنة وعدلت عن الحبلين اللذين أمرت بطاعتهما
والتمسك بهما فأماتت الحق وجارت عن القصد ومالأت الأحزاب وحرفت الكتاب وكفرت
بالحق لما جاءها وتمسكت بالباطل لما اعترضها وضيعت حقك وأضلت خلقك وقتلت
أولاد نبيك وخيرة عبادك وحملة علمك وورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل أقدام أعدائك
وأعداء رسولك وأهل بيت رسولك اللهم وأخرب ديارهم وافلل سلاحهم وخالف بين كلمتهم
وفت في أعضادهم وأوهن كيدهم واضربهم بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم بالبلاء
طما وقمهم بالعذاب قما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين والمثلات التي أهلكت بها أعداءك
إنك ذو نقمة من المجرمين اللهم إن سنتك ضائعة وأحكامك معطلة وعترة نبيك في الأرض
هائمة اللهم فأعن الحق وأهله واقمع الباطل وأهله ومن علينا بالنجاة واهدنا إلى الإيمان وعجل فرجنا وانظمه
بفرج أوليائك واجعلهم لنا ودا واجعلنا لهم وفدا اللهم وأهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك و
خيرتك عيدا واستهل به فرحا ومرحا وخذ آخرهم كما أخذت أولهم وضاعف اللهم العذاب و
التنكيل على ظالمي أهل بيت نبيك وأهلك أشياعهم وقادتهم وأبر حماتهم وجماعتهم اللهم وضاعف
صلواتك ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة الخائفة المستذلة بقية
الشجرة الطيبة الزاكية المباركة وأعل اللهم كلمتهم وأفلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس
الأباطيل والعمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك وولايتهم ونصرتهم وموالاتهم
وأعنهم وامنحهم الصبر على الأذى فيك واجعل لهم أياما مشهودة وأوقاتا محمودة مسعودة توشك
فيها فرجهم وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لأوليائك في كتابك المنزل فإنك قلت و
قولك الحق وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من
قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا
اللهم فاكشف غمتهم يا من لا يملك كشف الضر إلا هو يا واحد يا أحد يا حي يا قيوم وأنا يا إلهي عبدك
الخائف منك والراجع إليك السائل لك المقبل عليك اللاجئ إلى فنائك العالم بأنه لا ملجأ منك
إلا إليك اللهم فتقبل دعائي واسمع يا إلهي علانيتي ونجواي واجعلني ممن رضيت عمله وقبلت
نسكه ونجيته برحمتك إنك أنت العزيز الكريم اللهم وصل أولا وآخرا على محمد وآل محمد و
بارك على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد بأكمل وأفضل ما صليت وباركت وترحمت على أنبيائك
ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا إله إلا أنت اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد وآل محمد صلواتك

صلواتك عليه وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وذريتهم
الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبلهم والرضا بسبيلهم والأخذ بطريقتهم إنك جواد
كريم پس سجده برود و دو طرف روی خود را بر خاک بگذارد و بگوید یا من یحکم ما یشاء ویفعل ما یرید
أنت حكمت فلك الحمد محمودا مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فإنك ضمنت إعزازهم
بعد الذلة وتكثيرهم بعد القلة وإظهارهم بعد الخمول يا أصدق الصادقين ويا أرحم
الراحمين فأسألك يا إلهي وسيدي متضرعا إليك بجودك وكرمك بسط أملي والتجاوز عني
وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة في أيامي وتبليغي ذلك المشهد وأن تجعلني ممن يدعى
فيجيب إلى طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وترينى ذلك قريبا سريعا في عافية إنك على كل شيء
قدير پس سر خود را بسوی آسمان بلند کند و بگوید أعوذ بك أن أكون من الذين لا يرجون أيامك
فأعذني يا إلهي برحمتك من ذلك و چون چنین کند این عمل او است از برای او از تحفهای بسیار و حجهای
های بسیار که مال بسیار در راه خدا صرف نماید و بدن خود را در راه خدا بتعب افکند و از اهل و عیال و فرزند
خود جدا شود بدانکه هر کس این نماز را در این روز بکند و این دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با
یقین و تصدیق بجا آورد حق تعالی دو خصلت با او عطا فرماید که از جمله آنها آن است که او را از
مردنهای بد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و تا دم مردن د
را و مسلط نکرده و نگاه دارد او را از بلاهای و خوف و بیمی از خود و در فرزندش بالجمله
شیطان و پادشاهان جابر را بر او مسلط نسازد بالجمله زیارت دیگر که در آخر روز عاشورا باید خواند یا
السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا
وارث إبراهيم خليل الله السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا وارث
عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله السلام عليك يا وارث علي أمير المؤمنين
السلام عليك يا وارث الحسن الشهيد سبط رسول الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام
عليك يا ابن البشير النذير وابن سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين
السلام عليك يا أبا عبد الله السلام عليك يا خيرة الله وابن خيرته السلام عليك يا ثار الله
وابن ثاره السلام عليك أيها الوتر الموتور السلام عليك أيها الإمام الهادي الزكي وعلى أرواح
حلت بفنائك وأقامت في جوارك ووفدت مع زوارك السلام عليك مني ما بقيت وبقي الليل
والنهار فلقد عظمت بك الرزية وجل المصاب في المؤمنين والمسلمين وفي أهل السماوات أجمعين

وفي سكان الارضين فانا لله وانا اليه راجعون وصلوات الله وبركاته وتحياته عليك وعلى
آبائك الطيبين المنتجبين وعلى ذراريهم الهداة المهديين السلام عليك يا مولاي وعليهم
وعلى روحك وعلى ارواحهم وعلى تربتك وعلى تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا
وريحانا السلام عليك يا مولاي يا ابا عبد الله يا ابن خاتم النبيين ويا ابن سيد الوصيين ويا ابن
سيدة نساء العالمين السلام عليك يا شهيد يا ابن الشهيد يا اخا الشهيد يا ابا الشهداء
اللهم بلغه عني في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الوقت وفي كل وقت تحية
كثيرة وسلاما سلام الله عليك ورحمة الله وبركاته يا ابن سيد العالمين وعلى المستشهدين
معك سلاما متصلا ما اتصل الليل والنهار السلام على الحسين بن علي الشهيد السلام على علي
بن الحسين الشهيد السلام على العباس بن امير المؤمنين الشهيد السلام على الشهداء من ولد
امير المؤمنين السلام على الشهداء من ولد الحسن السلام على الشهداء من ولد الحسين السلام
على الشهداء من ولد جعفر وعقيل السلام على كل مستشهد معهم من المؤمنين اللهم
صل على محمد وآل محمد وبلغهم عني تحية كثيرة وسلاما السلام عليك يا رسول الله احسن الله
لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا امير المؤمنين احسن الله لك العزاء في ولدك
الحسين السلام عليك يا ابا محمد الحسن احسن الله لك العزاء في اخيك الحسين يا مولاي يا ابا
عبد الله انا ضيف الله وضيفك وجار الله وجارك ولكل ضيف وجار قرى وقراي في هذا
الوقت ان تسأل الله سبحانه وتعالى ان يرزقني فكاك رقبتي من النار انه سميع الدعاء قريب
مجيب عذاب بر اصحاب فيل نازل شد بنا بروايت روضة الواعظين روز
وفات امام زين العابدين است مستحب است زيارت آنحضرت بزيارت جامعه در سال
سيم هجرت زفاف حضرت فاطمه وامير المؤمنين صلوات الله عليهما بنا بروايت شيخ مفيد در زاد المعاد واقع
شد و روزه اين روز را براي شكر اين نعمت عظمى شيعيان بايد كه روزه بدارند بنا بروايت كفعمي حضرت
امام زين العابدين ارتحال نمود و سنت است زيارت آنحضرت بزيارت جامعه كه در فصل عليحده نوشته
ميشود انشاء الله تعالى

فصل دوم

در اجمال اعمال ماه صفر است و اين ماه دوم است از سال عربان و ماخوذ از
صفرات يعني مكان خالي زيرا كه مكه معظمه در اين روز از حاج خالي شده و غريب اوطان كردندي
وجه ديگر گفته اند كه چون در سه ماه متوالي عربان قتال مي كردند و در اين ماه شروع بقتال مي كردند و
بقتل و غارت از خانهاي خود بيرون مي رفتند و خانهاي ايشان خالي ميگذاشتند از اين جهت اين ماه مشهود

مشهور بصفر گشت و وجه ديگر نيز گفته اند و شب يكي وفات حضرت رسول در اين ماه و ديگري
چنانچه مذكور شد در اين سه ماه متوالي قتال ميكردند و در اين ماه ابتدا بقتال ميكردند
باين جهة نحس شمرده اند از حضرت رسول روايت است كه چون ماه صفر داخل شد اين
دعا خواندي و خواننده اين دعا ايمن باشد از خوف و خطر تا صفر سال ديگر اللهم وجنابه بحول
الصفر ولخته بالخير والظفر واصرف شره وعاره عن جميع المؤمنين والمؤمنات برحمتك
يا ارحم الراحمين و در خبر آمده كه هزار بليه هر سال نازل شود يكي از آنها در غير ماه صفر و باقي
در صفر پس هر كه هر روز ده بار اين دعا بخواند از بلاهاي آنماه محفوظ ماند يا شديد القوى
يا شديد المحال يا عزيز يا عزيز يا عزيز ذلت بعظمتك جميع خلقك فاكفني شر خلقك يا
منعم يا محسن يا مفضل يا مجمل يا لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصل بجلالك على سيدنا
محمد وآله الطاهرين وملا محمد باقر رحمه الله گفته كه در احاديث شيعه چيزي كه دلالت بر
نحوست اين ماه كند نديده ام و در روايات غير معتبره عامه وارد شده است و روز بيستم اين ماه
اربعين است يعني روز چهلم شهادت حضرت سيد الشهداء كه فرزندان و اقرباي آنحضرت از شام
بمدينه طيبه آمده اند و زيارت آنجناب در اين روز مستحب است و روايت است كه علامت مؤمن پنج
چيز است نماز پنجاه و يك ركعت از فريضه و نافله در شب و روز كردن و زيارت اربعين و انگشتر
در دست راست كردن و جبين را در سجده شكر بر خاك ماليدن و بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن

اربعين

كيفيت زيارت اربعين منقولست از صفوان جمال كه گفت مولاي من حضرت صادق
در هنگامي كه روز بلند شده بود زيارت اربعين كن و بگو السلام على ولي الله وحبيبه السلام
على خليل الله ونجيبه السلام على صفي الله وابن صفيه السلام على الحسين المظلوم الشهيد
السلام على اسير الكربات وقتيل العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن
وليك وصفيك وابن صفيك الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة
واجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيدا من السادة وقائدا من القادة وذائدا من الذادة
واعطيته مواريث الانبياء وجعلته حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء
ومنح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر
عليه من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته بالثمن الاوكس وتغطرس

وتردّى في هواه واسخطك واسخط نبيّك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة
الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابراً محتسباً حتى سفك في طاعتك دمه
واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعناً وبيلاً وعذّبهم عذاباً اليماً السلام عليك يا بن رسول الله
السلام عليك يا بن سيد الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه عشت سعيداً و
مضيت حميداً ومتّ فقيداً مظلوماً شهيداً واشهد ان الله منجز ما وعدك ومهلك من
خذلك ومعذّب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيله حتى اتاك
اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به
اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا بن رسول الله
اشهد انك كنت نوراً في الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها
ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل
المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة
من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد
اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع
ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى
ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم آمين يا رب العالمين پس دو ركعت
نماز بكن و هر حاجتي كه داشته باشي بخواه ملا محمد باقر رحمه الله گفته كه هرگاه دعاي آخر روز عاشورا را
در اين روز بخوانند مناسبت دارد و روز بيست و هشتم چون بنا بر مشهور ميان علماي خاصه وفات حضرت
سيد كائنات در اين روز واقع شده و نيز شهادت حضرت امام حسن ع بنا بر قول جمعي پس قيام بمراسم
تعزيت اين دو بزرگوار و زيارت ايشان از نزديك و دور مناسبت دارد و بنا بر روايت كافي و روضة
الواعظين شهادت حضرت امام حسن ع در آخر روز اين ماه است و روز چهارشنبه آخر اين ماه كه در فرس مشهور
بچهارشنبه سوري است روز نحس است زيرا كه گويند قابيل هابيل را در اين روز كشته و نمرود ابراهيم را
را در اين روز بآتش انداخته و شهر لوط در اين روز سرنگون شده و قوم ثمود در اين روز هلاك شده و بخت النصر
در اين روز بيت المقدس را خراب نموده و قارون در اين روز بزمين فرو رفت و در اين روز ايوب مبتلا
شده و ناقه صالح در اين روز پي شده و دندان حضرت پيغمبر را در اين روز كفار قريش شكستند مجملا
روز نامباركست آخوند ملا محمد باقر مجلسي رحمه الله در زاد المعاد گفته كه در ميان عوام بلكه خواص نحوست

چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت تمام دارد و در كتب معتبره عامه و خاصه چيزي كه
دلالت بر اين كند بنظر نرسيده است و احاديث در مطلق چهارشنبه خصوصاً چهارشنبه
آخر ماه وارد شده و چون اينها في الجمله نحوستي دارد ممكن است كه چهارشنبه آخر از ساير چهار
شنبه ها نحوستش بيشتر باشد بهر صورت چون شهرت نحوست كرده و در كتب معتبره بعضي از
ادعيه در اين روز ذكر شده هرگاه بصدقه و ادعيه مرويه در دفع نحوست كوشند بهتر خواهد بود
از آنجمله در مصباح كفعمي ذكر كرده كه در چهارشنبه سوري اين دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك وسلم على جميع الانبياء والمرسلين والملائكة اجمعين
اللهم اصرف عني هذا اليوم واعصمني من شره وخلصني مما اخاف فيه من نحوساته
ومن كرباته بفضلك يا دافع الشرور برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد
وآله اجمعين الطيبين الطاهرين ايضاً منقولست كه در روز چهارشنبه سوري هر يك از
سوره الم نشرح و سوره والتين و توحيد و اذا جاء نصر الله هفتاد مرتبه بخواند و بعد بگويد اللهم
اصرف عني شر هذا اليوم واعصمني من شومائه واجعله علي رحمة وبركة وجنبني مما
اخاف من نحوساته وكرباته بفضلك يا دافع الشرور يا مالك النشور برحمتك يا ارحم الراحمين
در ماه ربيع الاولست ماه ربيع الاول و ربيع الآخر را ربيع بجهت آن گويند كه در وقت تسميه
شهور اين دو ماه در فصل ربيع افتاده در شب اول اين ماه حضرت رسول ص از مكه بمدينه هجرت
فرمود و در اين شب بغار رفته و در اين شب حضرت امير المؤمنين ع بر بستر حضرت پيغمبر در آمده در
جاي آن حضرت خوابيد و آيه ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله در شان او نازل
شد و آن حضرت سه شبانه روز در غار بوده و شب چهارم از غار بيرون آمده و روي بمدينه
نهاده و مستحب است روزه اين روز كه روز اول اين ماه است بشكرانه اين نعمت عظيمه روزه بدارند
و زيارت حضرت رسول ص و حضرت امير المؤمنين ع بكنند و بروايتي در اين روز حضرت امام حسن عسكري ع
بعالم بقا رحلت نموده و حضرت صاحب الامر عج بمنصب امامت فايز گرديده پس زيارت اين دو بزرگوار
در اين روز مناسبت دارد و شيخ طوسي و كليني و غير ايشان گفته اند كه وفات آن حضرت در روز هشتم اين ماه
بوده پس در روز هشتم هم اگر بزيارت آن دو امام عليهما السلام اشتغال نمايند مناسبت دارد و روز نهم
اين ماه روز قتل فرعون آن حضرت رسالتست آخوند ملا محمد باقر مجلسي ره در زاد المعاد گفته كه ميان
علماي خاصه و عامه اختلافست و مشهور ميان فريقين آنست كه قتل او در روز بيست و ششم ماه

ذیحجه واقع شده و بعضی بیست و هفتم گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخانست و از
کتب معتبره چنین معلوم میشود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم
ماه ربیع الاول واقع شده و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه مشهور بوده سید بن طاوس
رحمه الله در کتاب اقبال اشاره نموده است بانکه ابن بابویه رحمه الله روایتی از حضرت امام
جعفر صادق ع نقل کرده اند که در نهم ربیع واقع شده و از نقل او چنان ظاهر میشود که صدوق چنین
اعتقاد داشته است و خلف بزرگوار سید بن طاوس در کتاب زوائد الفوائد این مذهب را
تقویت داده است و روایتی معتبر در این باب ایراد نموده مؤلف گوید که بنا بر طول روایت در
این مختصر ایراد ننموده و در آن روایت است که حضرت امیر المؤمنین ع بحذیفه یمانی خطاب کرده
فرمودند که من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر المؤمنین ع میخواهم که آنها را
از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان از شر آن منافق استراحت
یافتند تا آخره در زاد المعاد مذکور است و مستحب است در این روز طعام دادن برادران مؤمن و خوشبو
گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر اهل و عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت
حق تعالی کردن و این روز برطرف شدن غمهاست و روزه داشتن نیست و بر بعضی گفته اند که عمر سعد
لعین در این روز باسفل السافلین جهنم واصل شده و اگر چنین باشد مزید شرافت این روز خواهد
گردید و در هفدهم این ماه در روز جمعه وقت طلوع صبح در عام الفیل بعد از پنجاه و پنج روز از هلاک
اصحاب فیل یا چهل و پنج روز ولادت با سعادت حضرت رسول ص واقع شده و این روز بسیار شریفست
عظیم البرکه همیشه صالحان از آل محمد ع تعظیم و تکریم آن نموده اند و سنت است این روز را
روزه داشتن و از جمله چهار روزیست که در تمام سال روزه باید داشت مرویست که هر که هفدهم
ربیع الاول را روزه دارد خدای تعالی روزه یکساله از برای او بنویسد و نیز مستحب است غسل کردن و صدقه
دادن و زیارت حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین کردن و زیارت سعدا و مقابر کردن خصوص
مشاهد ائمه هدی علیهم السلام و گذاردن دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از الحمد سوره قدر ده
مرتبه و چون سلام گوید در جای نماز خود بنشیند و این دعا را بخواند انت حی لا تموت و
خالق لا تغلب و بدیء لا تنفد و قریب لا تبعد و قادر لا تضاد و غافر لا تظلم و صمد لا تطعم
و قیوم لا تنام و عالم لا تعلم و قوی لا تضعف و عظیم لا توصف و وفی لا تخلف و غنی لا تفتقر
و حکیم لا تجور و منیع لا تقهر و معروف لا تنکر و وکیل لا تحقر و غالب لا تغلب و فرد لا تستشیر

لا تستشیر و وهاب لا تمل و سریع لا تذهل و جواد لا تبخل و عزیز لا تذل و حافظ لا تغفل و
قائم لا تزول و محتجب لا ترى و دائم لا تفنى و باق لا تبلى و واحد لا تشبه و مقتدر
لا تنازع اللهم انی اسئلك بعلمك الغیب عندك و قدرتك على الخلق اجمعین ان تحیینی
ما علمت الحیوة خیرا لی و ان تتوفانی اذا كانت الوفاة خیرا لی و اسئلك الخشیة فی
الغیب و الشهادة و اسئلك اللهم كلمة الحق فی الغضب و الرضا و اسئلك نعیما لا ینفد
و اسئلك الرضا بعد القضاء و اسئلك برد العیش بعد الموت و اسئلك لذة النظر الى وجهك
الكریم آمین رب العالمین اللهم انی اسئلك بنیلك الكریم و فضلك العظیم ان تغفر لی
و ترحمنی یا لطیف الطف بی فی كل ما تحبه و ترضى اللهم انی اسئلك فعل الخیرات
و ترك المنكرات و حب المساكین و مجالسة الصالحین و ان تغفر لی و ترحمنی و اذا
اردت بقوم فتنة فتوفنی غیر مفتون و اسئلك حبك و حب من یحبك و حب كل عمل
یقربنی الى حبك اللهم بحق محمد صلى الله علیه و آله حبیبك و بحق ابرهیم خلیلك و نجیك
و بحق موسى كلیمك و بحق عیسى روحك و اسئلك بصحف ابرهیم و توریة موسى و انجیل
عیسى و زبور داود و فرقان محمد صلى الله علیه و آله و اسئلك بكل وحی اوحیته و بكل
قضاء قضیته و بكل سائل اعطیته و اسئلك بكل اسم انزلته فی كتابك و اسئلك
باسمائك التی استقل بها عرشك و اسئلك باسمائك التی وضعتها على النار فاستنارت
و اسئلك باسمائك التی وضعتها على اللیل فاظلم و اسئلك باسمائك التی وضعتها على
النهار فاضاء و اسئلك باسمائك التی وضعتها على الارض فاستقرت و اسئلك باسمك
الاحد الصمد الذی ملأ اركان كل شیء و اسئلك باسمك الطاهر المبارك الحی القیوم لا اله
الا هو الرحمن الرحیم و اسئلك بمعاقد العز من عرشك و منتهى الرحمة من كتابك و باسمائك
العظام و جدك الاعلى و كلماتك التامات ان ترزقنا حفظ القرآن و العمل به و الطاعة
لك و العمل الصالح و ان تثبت ذلك فی اسماعنا و ابصارنا و ان تخالط ذلك بلحمی و دمی
و مخی و عصبی و ان تستعمل بذلك بدنی و قوتی فانه لا یقوى على ذلك الا انت وحدك
لا شریك لك یا الله الواحد الرب القدیر یا الله الخالق البارئ المصور یا الله الباعث
الوارث یا الله الفتاح العزیز العلیم یا الله الملك القادر المقتدر اغفر لی و ارحمنی انك
انت ارحم الراحمین اللهم انت قلت و قولك الحق ادعونی استجب لكم فاسئلك

يا الله باسمك الذي دعاك به آدم صلى الله عليه فاوجبت له الجنة واسألك باسمك
الذي دعاك به شيث بن آدم فجعلته وصي أبيه بعده أن تستجيب دعاءنا وأن
ترزقنا إنفاذ كل وصية لأحد عندنا وأن نقدم وصيتنا أمامنا واسألك باسمك
الذي دعاك به إدريس فرفعته مكاناً علياً وأن ترفعنا إلى أحب البقاع إليك وتمن
علينا برضاك وتدخلنا الجنة برحمتك واسألك باسمك الذي دعاك به نوح فنجيته
من الغرق وأهلكت القوم الظالمين أن تنجينا مما نحن فيه من البلاء واسألك باسمك
الذي دعاك به هود عليه السلام فنجيته من الريح العقيم أن تنجينا من بلاء الدنيا والآخرة
وعذابهما واسألك باسمك الذي دعاك به صالح فنجيته من خزي يومئذ أن تنجينا من
خزي الدنيا والآخرة وعذابهما واسألك باسمك الذي دعاك به لوط فنجيته من المؤتفكة
والمطر السوء وأن تنجينا من مخازي الدنيا والآخرة واسألك باسمك الذي دعاك به شعيب
فنجيته من عذاب يوم الظلة أن تنجينا من العذاب إلى روحك وريحانك واسألك باسمك
الذي دعاك به إبراهيم فجعلت النار عليه برداً وسلاماً أن تخلصنا كما خلصته وأن تجعل
ما نحن فيه برداً وسلاماً كما جعلتها عليه واسألك باسمك الذي دعاك به إسماعيل عند
العطش وأخرجت من زمزم الماء الروي أن تجعل مخرجنا إلى خير وأن ترزقنا المال الواسع
برحمتك واسألك باسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وولده وفرجت
عنه أن تخلصنا وتجمع بيننا وبين أولادنا وأهالينا واسألك باسمك الذي دعاك به
يوسف فأخرجته من السجن أن تخرجنا من السجن وتملكنا نعمك التي أنعمت بها علينا و
اسألك باسمك الذي دعاك به الأسباط فتبت عليهم وجعلتهم أنبياء أن تتوب علينا و
ترزقنا طاعتك وعبادتك والخلاص مما نحن فيه واسألك باسمك الذي دعاك به أيوب
إذ حل به البلاء فقال رب إني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه
ضره ورددت عليه أهله ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى للعابدين اللهم إني أقول
كما قال رب إني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا ورد علينا
أهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا من العابدين لك واسألك باسمك الذي
دعاك به موسى وهرون فقلت قد أجيبت دعوتكما أن تستجيب دعاءنا
ونجينا كما نجيتهما واسألك باسمك الذي دعاك به داود فغفرت ذنبه وتبت عليه أن تغفر

أن تغفر ذنبي وتتوب علي إنك أنت التواب الرحيم واسألك باسمك الذي دعاك به سليمان
فرددت عليه ملكه وأمكنته من عدوه وسخرت له الجن والإنس والطير أن تخلصنا
من عدونا وترد علينا نعمك وتخرج لنا من أيديهم خصمنا وتخلصنا منهم إنك على
كل شيء قدير واسألك باسمك الذي دعاك به الذي عنده علم من الكتاب على عرش
ملكة سبأ أن تحمل إليه فإذا هو مستقر عنده أن تحملنا من عامنا هذا إلى بيتك الحرام
حجاجاً وزوار قبر نبيك عليه وآله السلام واسألك باسمك الذي دعاك به يونس
متى في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته
من بطن الحوت ومن الغم وقلت عز من قائل وكذلك ننجي المؤمنين فنشهد أنا مؤمنون
ونقول كما قال لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجب لي ونجني
من غم الدنيا والآخرة كما ضمنت أن تنجي المؤمنين واسألك باسمك الذي دعاك به زكريا
وقال رب لا تذرني فرداً وأنت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له يحيى وأصلحت له
زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك رغباً ورهباً وكانوا لك خاشعين
فإني أقول كما قال رب لا تذرني فرداً وأنت خير الوارثين فاستجب لي وأصلح لي شأني
وجميع ما أنعمت به علي وخلصني مما أنا فيه وهب لي كرامة الدنيا والآخرة وأولاداً
صالحين بررة واجعلنا ممن يدعوك رغباً ورهباً ومن الخاشعين المطيعين لك واسألك
باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته بر القيمة ولم يعمل معصية ولم يهم بها أن تعصمني
من اقتراف المعاصي حتى نلقاك طاهرين لم نرتكب قبلنا معصية واسألك باسمك الذي دعتك
مريم فنطق ولدها فنجيتها أن توفقنا وتخلصنا وتحيينا عندك وتعصمنا بكلمة حق نطقها
تحجنا على ظالمينا واسألك باسمك الذي دعاك به عيسى بن مريم فأحيى به الموتى
وأبرأ الأكمه والأبرص أن تخلصنا وتبرئنا من كل سوء وآفة وألم وتحيينا حياة
طيبة في الدنيا والآخرة وأن ترزقنا العافية في أبداننا واسألك باسمك الذي
دعاك به الحواريون فأعنتهم حتى أقواهم على ما أمرتهم به وعرفتهم كيد
الجاحدين وتوليتهم أن تخلصنا وتجعلنا من الدعاة إلى طاعتك واسألك باسمك
الذي دعاك به جرجيس فرفعت عنه ألم العذاب أن ترفع عنا ألم العذاب في
الدنيا والآخرة وأن لا تبتلينا وإن ابتليتنا تصبرنا والعافية أحب لنا واسألك

باسمك الذي دعاك به الخضر حين ابتغاه ان تفرج عنا وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا
الى مامنك واسئلك باسمك الذي دعاك به حبيبك محمد صلى الله عليه وآله
فجعلته سيد المرسلين وايدته بعلي سيد الوصيين ان تصلي عليهما وعلى ذريتهما
الطاهرين وان تقيلني في هذا اليوم عثرتي وتغفر لي ما سلف من ذنوبي وخطاياي
ولا تصرفني من مقامي هذا الا بسعي مشكور وذنب مغفور وعمل مقبول ورحمة ومغفرة
ونعيم موصول بنعيم الآخرة برحمتك يا حنان يا منان يا ذا الجلال والاكرام انك على
كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم . و . شيخ مفيد و شيخ شهيد و
سيد بن طاوس رضي الله عنهم گفته اند که چون در غير مدينه خواهي که حضرت رسول را
زيارت کني غسل بکن و شبيه قبري در پيش روي خود بساز و اسم مبارک آن حضرت را بر آن
بنويس و بايست و دل خود را متوجه آن حضرت گردان و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وانه سيد الاولين والآخرين وانه
سيد الانبياء والمرسلين اللهم صل عليه وعلى اهل بيته الائمة الطيبين پس بگو
السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا خليل الله السلام عليك يا نبي الله
السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا رحمة الله السلام عليك يا خيرة الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا نجيب الله السلام عليك يا خاتم النبيين
السلام عليك يا سيد المرسلين السلام عليك يا قائما بالقسط السلام عليك يا فاتح
الخير السلام عليك يا معدن الوحي والتنزيل السلام عليك يا مبلغا عن الله السلام
عليك ايها السراج المنير السلام عليك يا بشير السلام عليك يا نذير السلام
عليك يا نور الله الذي يستضاء به السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين
الهادين المهديين السلام عليك وعلى جدك عبد المطلب وعلى ابيك عبد الله
السلام على امك آمنة بنت وهب السلام على عمك حمزة سيد الشهداء السلام
على عمك وكفيلك ابي طالب السلام على ابن عمك جعفر الطيار في جنان الخلد السلام
عليك يا احمد السلام عليك يا حجة الله على الاولين والآخرين والسابق في طاعة
رب العالمين والمهيمن على رسله والخاتم لانبيائه والشاهد على خلقه والشفيع
اليه والمكين لديه والمطاع في ملكوته الاحمد من الاوصاف المحمد لسائر الاشراف

لاشراف الكريم عند الرب والمكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت
عن اللحاق تسليم عارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر
ما انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن بالكتاب المنزل عليك محلل
حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله مع كل شاهد واتحملها عن كل جاحد
انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت
بامره واحتملت الاذى في جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة
الجميلة واديت الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين
وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل
المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك
سابق ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا
بك من الضلالة ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما
جزى نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت وامي يا رسول الله زرتك
عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة من خالفك وخالف اهل بيتك عارفا
بالهدى الذي انت عليه بابي انت وامي ونفسي واهلي ومالي وولدي انا اصلي عليك
كما صلى الله عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلاة متتابعة وافرة متواصلة لا
انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين كما
انتم اهله پس بگو اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك
وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين
وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك الصالحين واهل السماوات والارضين
ومن سبح لك يا رب العالمين من الاولين والآخرين على محمد عبدك ورسولك و
شاهدك ونبيك ونذيرك وامينك ومكينك ونجيك ونجيبك وحبيبك وخليلك
وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك ورحمتك وخير خيرتك من خلقك نبي
الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ العباد من الهلكة باذنك وداعيهم
الى دينك القيم بامرك اول النبيين ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة
والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة واودعته في الاصلاب الطاهرة

ونقلته منها الى الارحام المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه اذ وكلت لصونه
وحراسته وحفظه وحياطته من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه مدانس العهر
ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واحييت به ميت البلاد بان
كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار والبست حرمك به حلل الانوار
اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة صل عليه
كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل اهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر
في اعزاز دينك ولبس ثوب البلوى في مجاهدة اعدائك واوجبت له بكل اذى
مسه او كيد احس به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل ويملك بها
الجزيل من نوالك وقد اسر الحسرة واخفى الزفرة وتجرع الغصة ولم يتخط ما مثل له
وحيك اللهم صل عليه وعلى اهل بيته صلاة ترضيها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة
وسلاما واتنا من لدنك في موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل
العظيم پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام با هر سوره که خواهی وچون فارغ شوی تسبیح
فاطمه بخوان پس بگو اللهم انك قلت لنبيك محمد ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما فلم احضر زمان رسولك
عليه وآله السلام اللهم وقد زرته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا لك من ذنوبي
ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني ومتوجها اليك بنبيك نبي الرحمة صلواتك عليه وآله
فاجعلني اللهم بمحمد واهل بيته عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين يا محمد
يا رسول الله بابي انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله اني اتوجه بك الى الله ربك
وربي ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني عملي ويقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك وربي
فنعم المسؤول المولى ربي ونعم الشفيع انت يا محمد عليك وعلى اهل بيتك السلام
اللهم واوجب لي منك المغفرة والرحمة والرزق الواسع الطيب النافع كما اوجبت لمن
اتى نبيك محمدا صلواتك عليه وآله وهو حي فاقر له بذنوبه واستغفر له رسولك
عليه وآله السلام فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك ورجوتك
وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت جزيل ثوابك واني لمقر
غير منكر وتائب اليك مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما قدمت من الاعمال

من الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنها واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم
وجهك ان تقيمني مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار
والفضائح وترعد فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة يوم الآزفة يوم
التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين الف سنة يوم النفخة يوم
ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم يقوم الناس لرب العالمين
يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف
السماء يوم تأتي كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا يوم
لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم
يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى الله مولاهم الحق يوم يخرجون
من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون وكانهم جراد منتشر مهطعين الى الداع
الى الله يوم الواقعة يوم ترج الارض رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال
كالعهن ولا يسأل حميم حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا
اللهم ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك الموقف
بما جنيت على نفسي واجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة
محمد واهل بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه موردي وفي الغر الكرام
مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي وتبيض به وجهي وتيسر حسابي
وترجح به ميزاني وامضي مع الفائزين من عبادك الصالحين الى رضوانك و
جنانك اله العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان تفضحني في ذلك اليوم بين يدي
الخلائق بجريرتي او ان القى الخزي والندامة بخطيئتي او ان تظهر فيه سيئاتي
على حسناتي او ان تنوه بين الخلائق باسمي يا كريم يا كريم العفو العفو الستر الستر
اللهم واعوذ بك من ان يكون في ذلك اليوم في مواقف الاشرار موقفي او في مقام
الاشقياء مقامي واذا ميزت بين خلقك فسقت كلا باعمالهم زمرا الى منازلهم
فسقني برحمتك في عبادك الصالحين وفي زمرة اوليائك المتقين الى جناتك يا رب
العالمين پس وداع کن آن حضرت را وبگو السلام عليك يا رسول الله السلام عليك ايها
البشير النذير السلام عليك ايها السراج المنير السلام عليك ايها السفير بين الله وبين خلقه

اشهد یا رسول الله انی مؤمن بک وبالائمة من اهل بیتک مؤمن بجمیع ما اتیت به
راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بیتک اعلام الهدی والعروة الوثقی
والحجة علی اهل الدنیا اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة نبیک محمد صلی الله
علیه وآله وان توفیتنی فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی حیاتی انک
انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک وان
الائمة من اهل بیته اولیاؤک وانصارک وحججک علی خلقک وخلفاؤک فی عبادک و
اعلامک فی بلادک وخزان علمک وحفظة سرک وتراجمة وحیک اللهم صل علی
محمد وآله وبلغ روح نبیک محمد وآله فی ساعتی هذه وفی کل ساعة تحیة منی وسلاما
والسلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته لا جعله الله آخر تسلیمی علیک
شیخ مفید وشیخ شهید وسید بن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق ع زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین ع را در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت وتعلیم فرمود
زیارت را برای ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المؤمنین ع
غسل زیارت بکن وپاکیزه ترین جامهای خود را بپوش وبقدری بوی خوش خود را خوشبو کن
وبرو با آرام دل ووقار تن پس چون برسی بباب السلام بعد درگاه روضه مقدسه که ضریح مقدس
نمایان می شود پس رو بقبله بایست وسه مرتبه الله اکبر بگو پس بگو السلام علی رسول الله
السلام علی خیرة الله السلام علی البشیر النذیر السراج المنیر ورحمة الله وبرکاته
السلام علی انبیاء الله المرسلین وعباد الله الصالحین السلام علی ملائکة الله
الحافین بهذا الحرم وبهذا الضریح اللائذین به پس نزدیک قبر برو وبگو السلام علیک
یا وصی الاوصیاء السلام علیک یا عماد الاتقیاء السلام علیک یا ولی الاولیاء
السلام علیک یا سید الشهداء السلام علیک یا آیة الله العظمی السلام علیک یا خامس
اهل العباء السلام علیک یا قائد الغر المحجلین الاتقیاء السلام علیک یا عصمة
الاولیاء السلام علیک یا زین الموحدین النجباء السلام علیک یا خالص الاخلاء
السلام علیک یا والد الائمة الامناء السلام علیک یا صاحب الحوض وحامل اللواء
السلام علیک یا قسیم الجنة ولظی السلام علیک یا من شرفت به مکة ومنی السلام
علیک یا بحر العلوم وکهف الفقراء السلام علیک یا من ولد فی الکعبة وزوج فی

السماء بسیدة النساء وکان شهودها الملائکة الاصفیاء السلام علیک
یا مصباح الضیاء السلام علیک یا من خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیک یا من
بات علی فراش خاتم الانبیاء ووقاه بنفسه شر الاعداء السلام علیک یا من ردت له
الشمس فسامی شمعون الصفا السلام علیک یا من انجی الله سفینة نوح باسمه واسم اخیه
حیث التطم الماء حولها وطمی السلام علیک یا من تاب الله به وباخیه علی آدم اذ غوی
السلام علیک یا فلک النجاة الذی من رکبه نجا ومن تأخر عنه هوی السلام علیک یا من
خاطب الثعبان وذئب الفلا السلام علیک یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته
السلام علیک یا حجة الله علی من کفر واناب السلام علیک یا امام ذوی الالباب السلام
علیک یا معدن الحکمة وفصل الخطاب السلام علیک یا من عنده علم الکتاب السلام
علیک یا میزان یوم الحساب السلام علیک یا فاصل الحکم الناطق بالصواب السلام
علیک ایها المتصدق بالخاتم فی المحراب السلام علیک یا من کفی الله المؤمنین القتال
به یوم الاحزاب السلام علیک یا من اخلص لله الوحدانیة واناب السلام علیک یا
قاتل خیبر وقالع الباب السلام علیک یا من دعاه خیر الانام للمبیت علی فراشه
فاسلم نفسه للمنیة واجاب السلام علیک یا من له طوبی وحسن مآب ورحمة الله و
برکاته السلام علیک یا ولی عصمة الدین ویا سید السادات السلام علیک یا صاحب
المعجزات السلام علیک یا من نزلت فی فضله سورة العادیات السلام علیک یا من
کتب اسمه فی السماء علی السرادقات السلام علیک یا مظهر العجائب والآیات السلام
علیک یا امیر الغزوات السلام علیک یا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام علیک یا مخاطب
ذئب الفلوات السلام علیک یا خاتم الحصی ومبین المشکلات السلام علیک یا من
عجبت من حملاته فی الوغا ملائکة السموات السلام علیک یا من ناجی الرسول فقدم
بین یدی نجواه الصدقات السلام علیک یا والد الائمة البررة السادات ورحمة الله
وبرکاته السلام علیک یا تالی المبعوث السلام علیک یا وارث علم خیر موروث ورحمة الله
وبرکاته السلام علیک یا سید الوصیین السلام علیک یا امام المتقین السلام علیک
یا غیاث المکروبین السلام علیک یا عصمة المؤمنین السلام علیک یا مظهر البراهین
السلام علیک یا طه ویس السلام علیک یا حبل الله المتین السلام علیک یا من تصدق

في صلاته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة عن فم القليب ومظهر
الماء المعين السلام عليك يا عين الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه
في بريته أجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الأولين والآخرين
وصاحب لواء الحمد وساقي أوليائه من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب
الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الأئمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على
اسم الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي السلام على الإمام
التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على الإمام أبي الحسن علي و
رحمة الله وبركاته السلام على الإمام الهدى ومصابيح الدجى وعلم التقى ومنار
الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا ورحمة الله
وبركاته السلام على نور الأنوار وحجة الجبار ووالد الأئمة الأطهار وقسيم الجنة و
النار المخبر عن الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الأوزار
السلام على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت ذي الأستار
المزوج في السماء بالبرة الطاهرة المرضية الرضية ابنة الأطهار ورحمة الله وبركا
السلام على النبأ العظيم الذي هم مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسألون السلام
على نور الله الأنور وضيائه الأزهر ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله
وحجته وخالصة الله وخاصته أشهد يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده
واتبعت منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرام الله و
شرعت أحكامه وأقمت الصلاة وآتيت الزكاة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر
وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الأجر حتى أتاك اليقين
فلعن الله من دفعك عن حقك وأزالك عن مقامك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي
به أشهد الله وملائكته وأنبياءه ورسله أني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك السلام
عليك ورحمة الله وبركاته پس خود را بقبر بچسبان وقبر را ببوس وبگو أشهد أنك تسمع
كلامي وتشهد مقامي وأشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والأداء يا مولاي يا حجة الله يا أمين
الله يا ولي الله إن بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد أثقلت ظهري ومنعتني من الرقاد
وذكرها يقلقل أحشائي وقد هربت إلى الله عز وجل وإليك فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك

واسترعاك أمر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك بموالاته كن لي إلى الله
شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا پس باز خود را بقبر بچسبان وقبر را ببوس
وبگو يا ولي الله يا حجة الله يا باب حطة الله وليك وزائرك واللائذ بقبرك
والنازل بفنائك والمنيخ رحله في جوارك يسألك أن تشفع له إلى الله في قضاء
حاجته ونجح طلبته في الدنيا والآخرة فإن لك عند الله الجاه العظيم والشفاعة
المقبولة فاجعلني يا مولاي من همك وأدخلني في حزبك والسلام عليك و
على ضجيعيك آدم ونوح والسلام عليك وعلى ولديك الحسن والحسين وعلى
الأئمة الطاهرين من ذريتك ورحمة الله وبركاته پس از روی تضرع و
خشوع هر حاجت که داری از حق تعالی طلب واگر از دور زیارت کند در جای
بهذا الحرم وبهذا الضريح قصد روضه وضريح حضرت امير المؤمنين ع كند وزيارتها
ودعاهاي متصل بكند بخواند و نزديك رفتن و بوسيدن نمي باشد اعني بعوض اينها
در كار نيست كه جبري بعمل آورد ودر زاد المعاد كه علما ذكر كرده اند كه زيارت حضرت
امير المؤمنين ع سنت است وخصوص همين زيارت كه مذكور شد در اين روز ذكر
كرده اند مولانا محمد باقر كه خصوص اين روز از روايات معلوم نميشود واين زيارت
بهترين زيارات است از جهة لفظ ومعنى وبسند معتبر منقولست ودر همه اوقات از دور و
نزديك مي توان كرد واكثري از اهل سنت ولادت آن حضرت را در روز دوازدهم مي دانند وكليني
نيز دركافي باين قايل شده وبعضي از ارباب حساب نيز موافق ايشان از روايات اين قول را
اظهر ميدانند اگرچه خلاف مشهور است ميان اماميه اما اگر روزه وغسل وساير
اعمال را در آن روز هم بعمل آورد باحتياط اقرب است در ماه ربيع الآخر
روز چهارم اينماه بروايت كفعمي حضرت امام حسن عسكري ع متولد شده وبروايتي روز هشتم
وبروايتي روز دهم در سال دويست وسي ودو هجري وآن روز شريف بسيار مبارك است
مستحبست كه بشكر اين نعمة روزه بدارند وزيارت وساير اعمال خير در اين روز با بركت
وبروز دوازدهم در اول سال هجرت وجوب نماز حضر وسفر بر امت خير البشر مستقر شد وبروايت
كفعمي در دهم در ماه جمادى الاولى ... در ماه وبجهة اين جمادي گفته اند كه در
اين دو ماه انجماد نما بحصول مي پيوسته وبعضي گفته اند بجهة آنكه ايام شتا در زمستان بود

و آب زنده نیز بجموع کرد از اجمادی کلمة الله اخوند ملا محمد باقر مجلسی رحمه الله در
زاد المعاد بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده که حضرت فاطمه ع هفتاد و پنج روز بعد
از حضرت رسالت زنده بود پس بنابر مشهور که وفات حضرت رسالت پناه ع در بیست و هشتم
ماه صفر بوده وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم شهر جمادی الاولی باید
باشد پس زیارت آنحضرت مناسب است خصوصا چهاردهم که اظهر است و در بیست یا بیست و دوم
این ماه از سال سی و شش یا سی و هشت هجری حضرت امام زین العابدین ع متولد شد مستحب
روزه داشتن و اعمال خیر کردن و صدقه دادن و نیز در همین روز فتح بصره برای حضرت امیر
المومنین ع شد در واقعه جمل پس زیارت هر دو امام علیهما السلام مناسب است و هر
زیارت جامعه را در این مقامها بخواند بهتر است و نیز وارد شده که غسل کند و جامه
پاک بپوشد و چهار رکعت نماز کذارد در رکعت اول فاتحه یکبار و انا انزلناه ده بار و در دوم فاتحه
یکبار و قل یا ایها الکافرون ده بار و در سیم بعد از فاتحه قل هو الله ده بار و در رکعت چهارم
بعد از فاتحه قل اعوذ برب الناس ده مرتبه بخواند و بعد از فراغ سر بسجده نهد و شکر کوید و امرزش
خواهد که حق تعالی کناه پنجاه ساله او را بیامرزد فصل ششم در ماه جمادی الاخر است و در سیم
این ماه شهادت حضرت فاطمه ع واقع شده بنا بر روایت شیخ طبرسی و سید بن طاوس و دیکران
پس باید مراسم تعزیت آنحضرت قیام نماید و زیارت آنحضرت و نفرین بر ظالمان و غاصبان
حق او بکند و در بیستم این ماه ولادت با سعادت حضرت فاطمه بوده بعد از بعثت به پنج سال و این
روز روز شریفیست مستحب است در این روز اظهار سرور و خوشحالی کردن و روزه داشتن و
صدقه دادن و اعمال خیر کردن و زیارت آنحضرت بجای آوردن فصل هفتم در فضایل و اعمال
ماه رجب است این ماه از ماههای حرام است و ماهی عظیم و شریف و مبارکست و در جاهلیت
نیز اعظیم داشتندی و در اسلام شرف و عظمت آن زیاده کردید و چون ماه بزرک و عظیمی بود
از این جهة او را رجب نامیده اند ماخوذ از ترجیب است بمعنی تعظیم و از رسول ص مرویست
که رجب نام نهریست در بهشت از شکر شیرین تر و از برف سفیدتر هر که یکروز از رجب را روزه دارد
از آن نهر بیاشامد و باین سبب این ماه را رجب نامیده اند و اهل جاهلیت او را شهر الله الاصم کفتندی
زیرا که در این ماه منع منکرات زیاده از شهور دیکر بودی و صدای ساز و آلات غنا بکوش نرسیدی
و بعضی دیکر کویند چون ماه حرام بودی بر هم خوردن صلاح و آواز اسبان بر نیامدی از حضرت پیغمبر

از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود ماه رجب ماه بزرک خداست و ماهی در حرمت و
فضیلت بآن نمیرسد و قتال با کافران در این ماه حرامست و شعبان ماه منست و ماه رمضان
ماه امت منست و کسی که یکروز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرک خداست
و غضب الهی از او دور کردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته کردد و بسند معتبر از حضرت موسی
بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که یکروز از ماه رجب روزه دارد آتش جهنم یکساله
راه از او دور کردد و هر که سه روز از او روزه دارد بهشت از برای او واجب کردد و نیز
بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که سه روز از ماه رجب را روزه دارد هر
روز ثواب روزه یکساله برای او بنویسند و هر که هفت روز از این ماه را روزه بدارد هفت در
جهنم بر روی او بسته کردد و هر که هشت روز از آن روزه دارد هشت در بهشت بر روی او
کشاده شود و هر که پانزده روز روزه بدارد خدا تعالی حساب بر او آسان کند و هر که
جمیع ماه را روزه بدارد خدای تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خوشنودی
خود را برای او بنویسد هرکز او را عذاب نکند از حضرت امام رضا ع مرویست که فرمود هر که
اول ماه رجب را روزه دارد بهشت او را واجب شود و هر که نیمه آن روزه دارد خدای تعالی
او را اذن دهد که شفاعت کند جمعی را بعدد مردم قبیله ربیعه و مضر و هر که آخر آن روزه
دارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت کرداند و بامر خدای تعالی شفیع ابوین و اولاد و اخوه
و اخوات و جمیع اقربا و همسایهای خود خواهد بود اکرچه همه مستوجب دوزخ باشند و
در روایات معتبره وارد شده که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت
کرده باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده بروزه کرفتن است
هفتاد برابر و اکر اظهار نکند ثوابش بیشتر است و برابر یکساله روزه است و سنت است عمره در
در رجب مرویست از ائمه که عمره در رجب ثوابش برابر حج است بدانکه اعمال ماه رجب
بر دو قسم است قسم اول آنچه در تمامی ماه باید بجای آورد و مخصوص بوقتی نیست اول
خواندن سوره قل هو الله است هزار مرتبه دیکری هزار مرتبه کفتن استغفر الله الذی لا اله
الا هو وحده لا شریک له و اتوب الیه و بعد از آن چیزی تصدق کردن است دیکری هزار
بار لا اله الا الله کفتن دیکری بروایت وسایل و اقبال دو رکعت نماز کذاردن است در هر شبی
از شبهای این ماه در هر رکعت بعد از حمد سه قل هو الله و سه قل یا ایها الکافرون دیکری

در آن [illegible] حرام است [illegible]

نیز دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله دیگری نیز چهار رکعت نماز است
بدو سلام در رکعت اول بعد از حمد صد بار آیة الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد دویست
قل هو الله در هر روزی از روزهای ماه که خواهد بعمل آورد قسم دوم آنچه در هر شب و
هر روز این ماه باید بعمل آورد بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق
عرض کرد فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا بآن نفع بخشد آنحضرت
فرمود که هر روز از ماه رجب در صبح و شام و بعد از هر نماز در شب و روز این دعا بخوان یا من
أرجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سأله
یا من یعطی من لم یسأله و من لم یعرفه تحننا منه و رحمة أعطنی بمسألتی إیاک جمیع خیر
الدنیا و جمیع خیر الآخرة و اصرف عنی بمسألتی إیاک جمیع شر الدنیا و شر الآخرة فإنه
غیر منقوص ما أعطیت و زدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش مبارک خود را بدست
چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست را بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا میخواندند
یا ذا الجلال و الإکرام یا ذا النعماء و الجود یا ذا المن و الطول حرم شیبتی علی النار و دیدند
که آب از دیده بر ریش مبارکش ترشح مینماید ایضا سنت است در صبح و شام هفتاد مرتبه بگوید
أستغفر الله و أتوب إلیه بعد از آن دست بردارد و بگوید اللهم اغفر لی و تب علی قسم سوم
آنچه مشترک است میان هر شب و هر روز این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
مرویست که هر که در این سه ماه در هر شب و روز سه بار هر یک از این سوره و آیات که سوره حمد
و آیة الکرسی و إنا أنزلناه و سوره قل یا أیها الکافرون و قل هو الله و قل أعوذ برب الناس
و قل أعوذ برب الفلق و تسبیحات اربع که سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر
با حولقه که لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم و صلوات و استغفار باشد بخواند و بعد از آن
سه بار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أکبر و لا حول و لا قوة إلا بالله
العلی العظیم پس سه نوبت بگوید اللهم صل علی محمد و النبی الأمی و آله و علی کل ملک
و نبی پس سه بار بگوید اللهم اغفر لی و لوالدی کما ربیانی صغیرا و لجمیع المؤمنات و المؤمنین
بعد از آن چهار صد بار بگوید أستغفر الله ربی و أتوب إلیه سوگند بخدائی که مرا براستی فرستاده
که بیامرزد خدای تعالی آنکس را که این عمل بجای آورد اگر چه گناهانش بعدد ستارهای آسمان و
قطرهای باران و ریگ بیابان و کف دریاها بوده باشد الی آخر الحدیث قسم چهارم آنچه مخصوص

آنچه مخصوص هر شب این ماه است در مصباح آورده که در هر شب دو رکعت نماز باید کرد و در
هر رکعت بعد از حمد سه بار قل هو الله و سه بار قل یا أیها الکافرون و بعد از سلام دست
بر داشته بگوید لا إله إلا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و
هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و إلیه المصیر و لا حول و لا قوة إلا بالله
العلی العظیم اللهم صل علی النبی الأمی و آله و در زاد المعاد آورده که در هر شب هزار
بار لا إله إلا الله وارد شده و صد مرتبه أستغفر الله الذی لا إله إلا هو وحده لا شریک
له و أتوب إلیه قسم پنجم آنچه مخصوص هر روز این ماه است سنت است هر روز روزه دارند
و اگر نتوانند تصدق کنند بیک درهم اگر نتوانند بیک مد گندم یا جو بدهند و اگر نتوانند آن یک کرده باشد
و اگر نتوانند صد بار بگوید سبحان الإله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح إلا له سبحان
الأعز الأکرم سبحان من لبس العز و هو له أهل سبحان من تعطف بالمجد و تکرم به
دیگر در زاد المعاد بسند معتبر نقل کرده که حضرت امام زین العابدین در روز اول رجب این دعا را
و سایر علما در هر روز ذکر کرده اند یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل
مسألة منک سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک الصادقة و أیادیک الفاضلة
و رحمتک الواسعة فأسألک أن تصلی علی محمد و آله و أن تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة
دیگر این دعا که در متهجد ذکر شده اللهم إنی أسألک صبر الشاکرین لک و عمل الخائفین
منک و یقین العابدین لک اللهم أنت العلی العظیم و أنا عبدک البائس الفقیر أنت الغنی
الحمید و أنا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد و آله و امنن بغناک علی فقری و بحلمک
علی جهلی و بقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد و آله الأوصیاء المرضیین
و اکفنی ما أهمنی من أمر الدنیا و الآخرة یا أرحم الراحمین دیگر این دعا که از حضرت صادق
بسند معتبر منقولست خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون إلا لک و ضاع
الملمون إلا بک و أجدب المنتجعون إلا من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین و خیرک
مبذول للطالبین و فضلک مباح للسائلین و نیلک متاح للآملین و رزقک مبسوط لمن
عصاک و حلمک معترض لمن ناواک عادتک الإحسان إلی المسیئین و سبیلک الإبقاء
علی المعتدین اللهم فاهدنی هدی المهتدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی من الغافلین
المبعدین و اغفر لی یوم الدین دیگر دعائی که در مصباح متهجد ذکر شده اللهم إنی أسألک الموا

في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب وأتقرب بهما إليك خير القرب
يا من إليه المعروف طُلب وفيما لديه رُغب أسألك سؤال مقترف مذنب قد
أوبقته ذنوبه وأوثقته عيوبه فطال على الخطايا دؤوبه ومن الرزايا خطوبه يسألك
التوبة وحسن الأوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو عما في ربقته
فأنت يا مولاي أعظم أمله وثقته اللهم وأسألك بمسائلك الشريفة ووسائلك
المنيفة أن تتغمدني في هذا الشهر برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها
قانعة إلى نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هي إليه صائرة و از اعمال
جمعه‌های این ماه است از آن جمله نماز شب جمعه اول است که آن را لیلة الرغائب گویند و رغائب
جمع رغیبه است و آن بخشش بسیار است چون در این شب خدای تعالی بخشش بسیار می‌فرماید
و گناه بسیاری می‌آمرزد و ثواب بی‌شمار [illegible] این شب را لیلة الرغائب گفتند و آداب آن این است
که در روز پنجشنبه اول رجب روزه بگیرد و چون شب شود ما بین نماز شام و خفتن دوازده رکعت
نماز کند در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه انا انزلناه و دوازده بار قل هو الله بخواند و بعد از نماز
هفتاد بار بگوید اللهم صل علی محمد وآله پس به سجده رود و هفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب
الملائکة والروح پس سر بردارد و بگوید رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم إنك أنت العلي الأعظم
بار دیگر به سجده رود و بگوید آنچه در سجده اول گفته بود و حاجت خود را طلب کند که برآورده شود
ان شاء الله تعالی دیگری در هر جمعه از این ماه چنانچه در اقبال مذکور است چهار رکعت نماز بگذارد
ما بین نماز ظهر و عصر در هر رکعت حمد یک بار و آیة الکرسی هفت بار و قل هو الله پنج بار و بعد از
فراغ ده مرتبه بگوید استغفر الله الذي لا إله إلا هو وأسأله التوبة و در جمعه آخر این ماه
دوازده رکعت نماز بگذارد که در مصباح و سفینة النجاة نقل شده در هر رکعت حمد و آیة الکرسی
و انا انزلناه هر کدام یک بار و توحید و معوذتین هر یک سه بار و بعد از هر چهار رکعت سه بار بگوید
اللهم یا أجل من کل جلیل ویا أکرم من کل کریم ویا أعظم من کل عظیم ویا أعز من کل
عزیز أغثني بإغاثة المستغیثین بفضلك ورحمتك وجودك وکرمك مُدّ عمرنا
مُدّ أو هب لنا من لدنك عمراً بالعافیة یا ذا الجلال والإکرام [illegible] مخصوص
به لیالی و ایام این ماه است شب اول چون هلال این ماه را ببیند دعایی که در فصل اول گذشت
بخواند یا دعای مخصوص این ماه و این شب از جمله هفت شب است که احیای آنها سنت است و آن

شبهاست و از هفت شب چنانچه در مصباح کفعمی ذکر کرده این است شب عید رمضان و شب
عید قربان و شب نیمه شعبان و شب اول رجب و شب اول محرم و شب عاشورا و شب قدر که
شب بیست و سیم ماه رمضان باشد پس مستحب است احیاء آن چنانچه از حضرت امیر علیه السلام
مرویست که فرمود عجب دارم از کسی که نفس خود را فارغ دارد در چهار شب از سال شب اول رجب
و شب نیمه شعبان و شب عید رمضان و شب عید قربان و غسل کردن بعد از غروب
آفتاب و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نمودن و از جمله زیارات مبسوطه آن حضرت
زیارتیست که آخوند ملا محمد باقر مجلسی در زاد المعاد ذکر کرده و گفته این زیارت را
در شب اول و پانزدهم ماه رجب و در نیمه ماه شعبان و در شبهای ماه مبارک
رمضان و شبهای عید و سایر ایامی که زیارت آن حضرت مستحب است میتوان کرد
السلام علیك یا وارث آدم صفوة الله السلام علیك یا وارث نوح نبي الله السلام
علیك یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیك یا وارث موسی کلیم الله السلام
علیك یا وارث عیسی روح الله السلام علیك یا وارث محمد حبیب الله السلام علیك
یا وارث أمیر المؤمنین ولي الله السلام علیك یا ابن محمد المصطفی السلام علیك
یا ابن علي المرتضی السلام علیك یا ابن فاطمة الزهراء السلام علیك یا ابن خدیجة
الکبری السلام علیك یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور أشهد أنك قد أقمت
الصلاة وآتیت الزکاة وأمرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وأطعت الله ورسوله
حتی أتاك الیقین فلعن الله أمة قتلتك ولعن الله أمة ظلمتك ولعن الله أمة سمعت
بذلك فرضیت به یا مولاي یا أبا عبد الله أشهد أنك کنت نوراً في الأصلاب الشامخة
والأرحام المطهرة لم تنجسك الجاهلیة بأنجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثیابها
وأشهد أنك من دعائم الدین وأرکان المؤمنین وأشهد أنك الإمام البر التقي الرضي الزکي
الهادي المهدي وأشهد أن الأئمة من ولدك کلمة التقوی وأعلام الهدی والعروة
الوثقی والحجة علی أهل الدنیا وأشهد الله وملائکته وأنبیاءه ورسله أني بکم مؤمن
وبإیابکم موقن بشرائع دیني وخواتیم عملي وقلبي لقلبکم سلم وأمري لأمرکم متبع صلوات الله
علیکم وعلی أرواحکم وعلی أجسادکم وعلی أجسامکم وعلی شاهدکم وعلی غائبکم
وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم پس دو رکعت نماز زیارت بکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند

پس چون تمنا پس قصد زیارت علی بن الحسین یعنی علی اکبر کند و بگوید السلام علیک یا ابن
رسول الله السلام علیک یا ابن نبی الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک
یا ابن الحسین الشهید السلام علیک ایها الشهید وابن الشهید السلام علیک ایها
المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس
قصد زیارت سایر شهدا کند و بگوید السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم
یا انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین
السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد
الحسن بن علی الزکی الناصح السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی طبتم وطابت
الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم و از جملهٔ اعمال
این شب نماز است چنانچه در اقبال و وسایل و زاد المعاد آورده که در ما بین نماز شام و خفتن
بیست رکعت نماز گذارد بحمد و توحید یکبار اما از روایت زاد المعاد ما بین عشا بن ظاهر نبود که
بعد از عشا مفهوم می گردد زیرا که بعد از دعای اللهم انی اسئلک بانک ملیک که بعد از
عشا نوشته گفته که بیست رکعت نماز وارد شده دیگر چنانچه در اقبال ذکر کرده دو رکعت است
بعد از نماز عشا در رکعت اول سورهٔ فاتحه و الم نشرح هر یک یکبار و توحید سه بار و در رکعت دوم حمد و
معوذتین هر یک یکبار و بعد از سلام سی بار و سی بار صلوات بفرستد ایضاً در زاد المعاد
بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت کرده که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا
بخواند اللهم انی اسئلک بانک ملیک وانک علی کل شیء مقتدر وانک ما تشاء من امر
یکون اللهم انی اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة صلی الله علیه وآله یا محمد یا رسول الله
انی اتوجه بک الی الله ربی وربک لینجح لی بک طلبتی اللهم بنبیک محمد والائمة من اهل
بیته صلی الله علیه وعلیهم انجح طلبتی پس حاجت بطلبد روز اول سنت است روزه داشتن
و زیارت حضرت امام حسین کردن و زیارت حضرت امام محمد باقر بیکی از زیارات جامعه که
بعد از این مذکور خواهد شد بجهة آنکه بروایتی روز ولادت آنحضرت است و نیز سنت است نماز گذاردن
از آنجمله ده رکعت از سی رکعت نماز سلمان رضی الله عنه است چنانچه بسند معتبر از حضرت پیغمبر روایت است
که در ضمن حدیث بسلمان خطاب نموده که ای سلمان جبرئیل مرا خبر داد که ای محمد این نماز نشانه است
میان مؤمنان و منافقان بجهة آنکه منافقان این نماز را نمی کنند سلمان گفت یا رسول الله این سی رکعت نماز را

نماز را چگونه گذارم و در کدام وقت بعمل آورم حضرت فرمود در اول ماه رجب ده رکعت بگذارد هر دو
رکعت بیک سلام در هر رکعت فاتحه یکبار و توحید و قل یا ایها الکافرون هر یک سه بار و بعد
هر دو رکعت سلام بدهد و دستها را بردارد و این دعا بخوان لا اله الا الله وحده لا شریک له له
الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم
لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد و دستها را بروی بکشد
و ده رکعت در روز وسط ماه بطریقی که مذکور شد بگذارد و بعد از هر سلام دستها را برداشته بگو لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو
علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا فردا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و دستها را بروی بکش
و ده رکعت در روز آخر ماه بطریق مذکور بگذارد و بعد از هر سلام دستها را برداشته این دعا بخوان لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو
علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و دستها را بروی بکش و حاجت خود را طلب بدرستیکه برآورد خدای تعالی حاجت تو را و بگرداند
میانه تو و دوزخ هفت خندق که میانه هر خندقی از آن چنان باشد که میانه آسمان و زمین و
بنویسد از برای تو براتی آزادی از دوزخ و گذشتن از صراط سلمان گفت چون حضرت از حدیث
فارغ شد من بسجده رفتم و گریستم بشکر خدا از آنچه شنیدم دیگر چهار رکعت بیک سلام چنانچه در اقبال
ذکر کرده در رکعت اول الحمد یکبار و سوره توحید ده بار و در رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله ده
بار و قل یا ایها الکافرون سه بار و در سیم بعد از حمد قل هو الله ده بار و الهیکم التکاثر یکبار و در
چهارم بعد از حمد قل هو الله بیست و پنج بار و آیة الکرسی سه بار دیگر از اعمال ایام البیض است
بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که حق تعالی فضیلت داده ما را باین امت کرامت
فرموده که با هیچ یک از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب
باین امت داده که مثل آنها با امتهای پیش نداده شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین
امت داده است که مثل آنها با امتهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک
و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمع فضائل این امت را جمع کرده خواهد بود
پرسید چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت
بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد

این سه سوره بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورد به سه سلام و در هر رکعت بعد از حمد
این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود بغیر از شرک
بدانکه شب نیمه رجب شبی است بغایت بزرگ سنت است احیا کردن و غسل و زیارت حضرت
امام حسین ع و یکصد مرتبه استغفار نمودن و نماز گذاردن از آنجمله شش رکعت است به سه سلام
در هر رکعت الحمد و یس و تبارک و توحید یکبار چنانچه در حدیث گذشت و این نماز در شب سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم مشترکست میان شبهای بیض ماه رجب و شعبان و رمضان و شیخ طوسی علیه الرحمه
بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده که در نیمه شب رجب دوازده رکعت نماز بجا
می آوری یعنی بشش سلام بالحمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی هر یک از سوره قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار
مرتبه میگویی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس میگویی اللهُ اللهُ رَبِّي
لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَمَا شَاءَ اللهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بروایتی که در مصباح شیخ است
بعد از این نماز قرائت سوره حمد و معوذتین و قل هو الله و قل یا ایها الکافرون هفت مرتبه است
بعد از این دعا را از سر الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً پس این دعا بخواند اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزِّكَ عَلَى أَرْكَانِ
عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى
الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى
بِعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْراً لِي فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَنِي
السَّاعَةَ السَّاعَةَ و حاجت خود را طلب نماید و روز پانزدهم رجب که آخر ایام البیض است روزیست با برکت
بقولی در این روز عقد حضرت فاطمه با حضرت علی بن ابیطالب ع واقع شد و بقولی اول ذی الحجه و سن
شریف حضرت زهرا علیها السلام در آن وقت سیزده ساله بود و بروایتی نه ساله و بروایتی ده ساله بود و
در این روز از سال دوم هجرت تغییر قبله از بیت المقدس بکعبه واقع شد و مردم در نماز عصر بودند که از
بیت المقدس گردیدند رو به بیت الحرام کردند و روزه این روز ثواب بسیار دارد چنانچه از حضرت رسول ص
مرویست که هر که روز نیمه ماه رجب روزه بگیرد روزه او کفاره گناهان دویست ساله او شود و سنت است
غسل کردن و زیارت حضرت امام حسین ع کردن چنانچه بسند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت
امام رضا ع سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین ع در کدام وقت بهتر است فرمود در نیمه رجب و

در نیمه رجب و نیمه شعبان و زیارت حضرت صادق ع کردن یکی از زیارات جامعه زیرا که
بروایتی روز وفات آنحضرت نیمه رجب است و در این روز دوازده رکعت نماز سلمان را بکیفیتی که گذشت
باید کرد ایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع در این روز چهار
رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود هر که به شدتی و غمی مبتلا گردد
و این عمل را بکند البته کرب و غصه او زایل شود و این چهار رکعت را بدو سلام بکند و هر سوره
که خواهد بخواند و دعا اینست اللّٰهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ
تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَأَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ
لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ
الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ
بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى
أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ
وَأَسْأَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى
عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجت
خود را از حق تعالی طلب نماید بدانکه عمده اعمال این روز دعای استفتاح است که معروف
بدعای ام داود و در زاد المعاد بسندهای معتبر روایت کرده و گفته برای برآمدن حاجات و
کشف کربات و رفع ظلم ظالم مجربست و این دعا اینست که حضرت امام جعفر صادق ع تعلیم ام
داود بن الحسن پسر زاده حسن مجتبی ع که مادر حضرت امام جعفر صادق ع بود و پسر داود
آنحضرت را شیر داده بود تعلیم فرموده در وقتی که داود در بند و قید منصور دوانیقی بود و
برکت این دعای شریف از بند و قید منصور دوانیقی رهائی یافت سالما غانما بمنزل مادرش آمد
و شرط خواندن این دعا آنست که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که ایام البیض است روزه بدارد و
در روز پانزدهم نزدیک بزوال غسل کند و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوشد و چون زوال شود
بخانه خلوتی رفته سعی کند که کسی نزد او نباشد که مشغولش سازد و هشت رکعت نافله زوال را
بعمل آورد و رکوع و سجود آنها نیکو کند پس نماز ظهر را ادا کند شرایط بعمل آورد و بعد از نماز ظهر
دو رکعت نماز گذارد بهر سوره که خواهد و بروایتی الحمد و بیست و پنج بار [illegible]
بخواند و بعد از سلام صد مرتبه بگوید یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر را به

آداب و شرایط بجای آورد بروایتی در هر رکعت از نافلهٔ عصر بعد از حمد سه مرتبه سورهٔ قل هو الله
و یکمرتبه سورهٔ انا اعطیناک الکوثر بخواند پس نماز عصر را با خضوع و خشوع تمام و آداب بجای
آورد و بروایتی بروی حصیر یا کرباس بنشیند پس یکصد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله
و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند پس هر یک از این سورها را یکمرتبه بخواند سورهٔ انعام و بنی اسرائیل
و کهف و لقمان و یس و در بعضی نسخ بعد از لقمان الم سجده ذکر شده و والصافات و حم سجده و حمعسق
و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر
قرآن بخواند و اگر نتواند این سورها را از روی قرآن بخواند بعوض همه هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند
و این را آخوند ملا محمد باقر ره احوط دانسته و در روایت دیگر وارد شده که بعد از حمد صد مرتبه
بگوید سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد و آیة الکرسی بر نخواند بعد یکبار سورهٔ حمد و هزار بار سورهٔ قل هو الله
بخواند پس شروع بدعا کند و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله العظیم الذی
لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله
شیء و هو السمیع العلیم البصیر شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما
بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام و بلغت رسله الکرام و
انا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد و لک المجد و لک العز و لک الفخر و لک القهر
و لک النعمة و لک العظمة و لک الرحمة و لک المهابة و لک السلطان و لک البهاء و
لک الامتنان و لک التسبیح و لک التقدیس و لک التهلیل و لک التکبیر و لک ما یری و لک
ما لا یری و لک ما فوق السموات العلی و لک ما تحت الثری و لک الارضون السفلی
و لک الآخرة و الاولی و لک ما ترضی به من الثناء و الحمد و الشکر و النعماء اللهم صل علی
جبرئیل امینک علی وحیک و القوی علی امرک و المطاع فی سمواتک و محال کراماتک
المتحمل لکلماتک الناصر لانبیائک المدمر لاعدائک اللهم صل علی میکائیل ملک
رحمتک و المخلوق لرأفتک و المستغفر المعین لاهل طاعتک اللهم صل علی اسرافیل
حامل عرشک و صاحب الصور المنتظر لامرک الوجل المشفق من خیفتک اللهم صل علی
عزرائیل قابض ارواح عبادک اللهم صل علی حملة العرش الطاهرین و علی ملائکة الذکر
اهل التامین و علی دعاة المؤمنین و علی السفرة الکرام البررة الطیبین و علی ملائکة

ملائکة الکرام الکاتبین و علی ملائکة الجنان و خزنة النیران و ملک الموت و الاعوان
یا ذا الجلال و الاکرام اللهم صل علی ابینا آدم بدیع فطرتک الذی اکرمته بسجود
ملائکتک و ابحته جنتک اللهم صل علی امنا حواء المطهرة من الرجس المصفات من
الدنس المترددة بین محال القدس اللهم صل علی هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود
و صالح و ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و الاسباط و لوط و شعیب و ایوب
و موسی و هرون و یوشع و میشا و الخضر و ذی القرنین و یونس و الیاس و الیسع و ذی الکفل
و طالوت و داود و سلیمن و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال
و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و الحواریین و الاتباع و خالد و حنظلة و لقمان
اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد کما صلیت
و رحمت و بارکت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید اللهم صل علی الانبیاء
و الاوصیاء و السعداء و الشهداء و ائمة الهدی اللهم صل علی الابدال و الاوتاد و
السیاح و العباد و المخلصین و الزهاد و اهل الجد و الاجتهاد و اخصص محمدا و اهل بیته
بافضل صلواتک و اجزل کرامتک و بلغ روحه و جسده منی تحیة و سلاما و زده فضلا
و شرفا و کرما حتی تبلغه اعلی درجات اهل الشرف من النبیین و المرسلین و الافاضل
المقربین اللهم و صل علی من سمیت و من لم اسم من ملائکتک و انبیائک و رسلک و
اهل طاعتک و اوصل صلواتی الیهم و الی ارواحهم و اجعلهم اخوانی فیک و اعوانی علی
دعائک اللهم انی استشفع بک الیک و بکرمک الی کرمک و بجودک الی جودک و
برحمتک الی رحمتک و باهل طاعتک الیک و اسئلک اللهم بکل ما سألک به احد منهم
من مسألة شریفة غیر مردودة و بما دعوک به من دعوة مجابة غیر مخیبة یا الله یا رحمن یا رحیم
یا حلیم یا کریم یا عظیم یا جلیل یا منیل یا جمیل یا کفیل یا وکیل یا مقیل یا مجیر یا خبیر یا منیر
یا مبین یا منیع یا مدیل یا محیل یا کبیر یا قدیر یا بصیر یا شکور یا بر یا طهر یا طاهر یا قاهر یا ظاهر
یا باطن یا ساتر یا محیط یا مقتدر یا حفیظ یا متجبر یا قریب یا ودود یا حمید یا مجید یا مبدئ
یا معید یا شهید یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا قابض یا باسط یا هادی یا مرسل یا مرشد
یا مسدد یا معطی یا مانع یا دافع یا رافع یا باقی یا واقی یا خلاق یا وهاب یا تواب یا فتاح
یا نفاح یا مرتاح یا من بیده کل مفتاح یا نفاع یا رؤوف یا عطوف یا کافی یا شافی یا معافی یا

مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر
يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مؤنس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا هادي
يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار
يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر
يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا
مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا
غياث يا عائد يا قابض يا منيب يا امين يا طاهر يا مجيب يا متفضل يا مستجيب يا عادل
يا بصير يا مؤمل يا مبدي يا اواب يا وافي يا راشد يا مالك يا رب يا مذل يا معز يا
ماجد يا رازق يا ولي يا فاصل يا سبحان يا قيوم يا حي يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر
الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله
المقادير يا من العسير عليه سهل يسير و يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا
فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات
يا جامع الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب و يا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا
ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا
انت بديع السموات والارض يا الهي وسيدي صل على محمد وال محمد وارحم محمدا و
ال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على ابرهيم
وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفقري وفاقتي وانفرادي ووحدتي وخضوعي
بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع
الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر
منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء
حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم واسئلك بانك مليك
وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير فاسئلك بحرمة هذا الشهر الحرام
والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه واله
السلام يا من وهب لادم شيثا ولابرهيم اسمعيل واسحق و يا من رد يوسف على يعقوب
و يا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه و يا زائد الخضر في علمه و

في علمه و يا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت
شعيب و يا كافل ولد ام موسى اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان
تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك وامانك
واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك ان تفك عني كل حلقة بيني
وبين من يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير
وتخرس عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت لي كل عدو لي وحاسد
وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين حاجتي ويحاول ان
يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين و
قهر عتاة الشياطين واذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين
اسئلك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء
حاجتي فيما تشاء وبعد از ان بسجده رود و پهلوی روی خود را بر زمین گذارد و بگوید
اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي وخضوعي بين يديك وفقري وفاقتي اليك
وارحم انفرادي وخشوعي وانقطاعي بين يديك وتوكلي عليك اللهم بك استفتح
وبك استنجح وبمحمد عبدك ورسولك واله اتوجه اليك اللهم سهل لي كل
حزونة وذلل لي كل صعوبة واعطني من الخير اكثر مما ارجو وعافني من الشر
واصرف عني السوء وبروايت ديگر در سجده صد بار بگويد يا قاضي حوائج الطالبين
اقض حاجتي بلطفك يا خفي الالطاف ودر روايت معتبر ديگر وارد شده كه مادر
داود بخدمت حضرت عرض كرد كه اي سيد و اقاي من ايا اين دعا را در غير ماه رجب
ميتوان خواند حضرت فرمود بلي در روز عرفه ميتوان خواند واگر اتفاق افتد كه عرفه در روز
جمعه باشد صاحبش فارغ نشده كه خداي تعالى او را امرزيده ودر هر ماه كه خواهد
اگر ايام البيض را روزه بدارد و روز پانزدهم اين دعا را بخواند چنانچه ذكر كرديم حاجتش
بر اورده شود روز بيست و پنجم اين ماه بنا بر روايتي وفات حضرت امام موسى كاظم ع
واقع شده پس روزه و زيارت انحضرت يكى از زيارات جامعه سنت است از حضرت امير
المؤمنين ع مرويست كه روزه اين روز كفاره دويست ساله گناه است واما بيست و هفتم اين ماه
و شب انست مبعث است و بسيار با فايده و بركت مرويست كه از براي عامل اين شب ثواب عبادت

شصت ساله می نویسند سنت است در این شب غسل کردن و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع
که در فصل آینده مذکور خواهد شد و نماز گذاردن از آنجمله بسند معتبر از حضرت موسی بن
جعفر علیهما السلام منقولست که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت که خواهد دوازده رکعت
نماز گذارد در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و قل هو الله احد بخواند و بعد از فراغ بجای خود ایستاده چهار بار بگوید لا اله الا الله
والله اکبر والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس
هر حاجتی که دارد طلب نماید و نیز مرویست که در ماه رجب شبی است که بهتر است از هرچه
آفتاب بر او تابیده و آن شب بعثت است که بامداد آن حضرت رسول صلعم را پیغمبری دادند و بخلقان
فرستادند و عامل شیعه ما را در این شب فرد شصت ساله عبادت باشد گفتند یا ابن رسول الله
در این شب چه عمل باید کرد فرمود چون نماز خفتن کرده باشی و خفته باشی هر وقت که بیدار
شوی در آن شب تا پیش از زوال آن شب که مراد نصف شب است دوازده رکعت نماز بکن در
هر دو رکعت سلام بدهی پس و بعد از سلام سوره الحمد و هر یک از معوذتین و قل هو الله و
قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت بار بخوان و بعد بگو الحمد
لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له شیء فی الملک ولم یکن
له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان
عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم وذکرک
الاعلی الاعلی الاعلی وبکلماتک التامات ان تصلی علی محمد وآله وان تفعل بی ما
انت اهله و روز آن روز بعثت است که در این روز حضرت جبرئیل را بخلق فرستاد بعد از
عام الفیل بچهل سال مستحب است در این روز غسل کردن و روزه داشتن که ثواب آن برابری
میکند با شصت ماه روزه و بروایتی می نویسند از برای او ثواب روزه شصت ساله و این روز
از جمله چهار روز سال است که روزه آنها سنت است چهار روز اینست بیست و هفتم رجب
روز مولود که روز هفدهم ماه ربیع الاول است روز دحو الارض که بیست و پنجم ذی قعده است
روز غدیر که هجدهم ذی حجه است و نیز سنت است صدقه دادن و صلوات فرستادن و
زیارت حضرت امیر المؤمنین کردن و زیارت حضرت رسول نمودن که بعد از این مذکور خواهد
شد دیگر از جمله اعمال این روز نماز است از آنجمله دوازده رکعت است بیشتر سلام در هر رکعتی

دو هر رکعتی حمد و سوره و بعد از هر سلام ایستاده بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم
یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی
مدتی و یا صاحبی فی شدتی و یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی
حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انیسی فی وحشتی انت الساتر
عورتی فلک الحمد وانت المقیل عثرتی فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک
الحمد اللهم صل علی محمد وآل محمد واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی
واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا
یوعدون و چون از دوازده رکعت نماز و دعا فارغ شود هر یک از سوره حمد و توحید
و معوذتین و جحد و انا انزلناه و آیة الکرسی هفت بار بخواند و بعد از آن هشت بار بگوید لا اله
الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا قوة الا بالله و هفت بار الله الله ربی لا
اشرک به شیئا دیگر گذاردن دوازده رکعت نماز است که احادیث در عمل روز بیست و هفتم
رجب گذشت دیگر مستحبات در این روز خواندن این دعا یا من امر بالعفو والتجاوز
وضمن علی نفسه العفو والتجاوز یا من عفا وتجاوز اعف عنی وتجاوز یا کریم اللهم
وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذهب ودرست الآمال وانقطع الرجاء الا منک
وحدک لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة ومناهل الرجاء
الیک مترعة وابواب الدعاء لمن دعاک مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة
واعلم انک لداعیک بموضع اجابة وللصارخ الیک بمرصد اغاثة وان فی اللهف الی
جودک والضمان بعدتک عوضا من منع الباخلین ومندوحة عما فی ایدی المستأثرین
وانک لا تحتجب عن خلقک الا ان تحجبهم الاعمال دونک وقد علمت ان افضل زاد
الراحل الیک عزم ارادة وقد ناجاک بعزم الارادة قلبی فاسئلک بکل دعوة دعاک
بها راج بلغته امله او صارخ الیک اغثت صرخته او ملهوف مکروب فرجت
عن قلبه او مذنب خاطی غفرت له او معافا اتممت نعمتک علیه او فقیر اهدیت
غناک الیه ولتلک الدعوة علیک حق وعندک منزلة الا صلیت علی محمد وآل محمد
وقضیت حوائجی حوائج الدنیا والآخرة اللهم وهذا رجب المرجب المکرم الذی اکرمتنا به
اول اشهر الحرم اکرمتنا به من بین الامم فلک الحمد یا ذا الجود والکرم فاسئلک به

وباسمك الأعظم الأعظم الأعظم الأجلّ الأكرم الذي خلقته فاستقرّ في ظلّك فلا
يخرج منك إلى غيرك أن تصلّي على محمّد وأهل بيته الطاهرين وأن تجعلنا من العاملين
فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللّهمّ اهدنا إلى سواء السبيل واجعل مقيلنا
عندك خير مقيل في ظلّ ظليل وملك جزيل فإنّك حسبنا ونعم الوكيل والسلام على
عباده المصطفين وصلواته عليهم أجمعين اللّهمّ وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضّلته
وبكرامتك جلّلته وبالمنزل الكريم منك أنزلته وصلّ على من فيه إلى عبادك أرسلته
وبالمحلّ الرفيع الكريم أحللته اللّهمّ صلّ عليه صلاة دائمة تكون لك شكراً ولنا ذخراً
واجعل لنا من أمرنا يسراً واختم لنا بالسعادة إلى منتهى آجالنا وقد قبلت اليسير من أعمالنا
وبلّغنا برحمتك أفضل آمالنا إنّك على كلّ شيء قدير وصلّى الله على سيّدنا محمّد النبيّ وآله
الطاهرين وسلّم تسليما وروزه روز بعثت وختم اينها كفاره نود ساله گناه گردد چنانچه از حضرت امام
رضا منقولست ونيز از آنحضرت مرويست كه روزه روز بعثت كفاره صد ساله گناه شود اگر ما بين
كم يك باشد در اين روز دوازده ركعت نماز ثاني از سي ركعت نماز سلمان رضي الله عنه بگذارد در روز آخر ايضا
از آنحضرت مرويست كه هر كه روز سيّم ايضا را روزه بدارد حق تعالى گناهان گذشته وآينده او را بيامرزد
ده ركعت ثالث نماز سلمان رضي الله عنه را كه گذشت تمام آورد فصل سيّم در فضايل واعمال ماه
شعبان است امّا فضايل اين ماه عظيم البركات كثير الخيرات روايت كند ابن عبّاس كه
حضرت رسول فرمود ماه شعبان ماه بزرگ وشريفيست وماه منست وحمله عرش او را تعظيم كنند
وحق او را ميشناسند واين ماهيست كه در آن بهشت را ميآرايند وروزيهاي مؤمنان را منشعب
گردانند وميفزايند واز اين جهة او را شعبان خوانند وبعضي گفته اند چون ماه رجب از جمله چهار ماه
حرام است وعربها در ماه شعبان داخل ميشدند بر شعبه شعبه جهة جنگ وجدال جمع ميشدند از
اين جهة او را شعبان ناميدند وروزه اين ماه سنّتست وفضيلت تمام دارد چنانچه از حضرت
صادق منقولست كه روزه شعبان ذخيره بنده است از براي روز قيامت وهر بنده كه
ماه شعبان روزه بسيار بگيرد البته حق تعالى امر معيشت دنيا او را اصلاح آورد وكفايت كند شر دشمن
او را وكمتر ثوابي كه روزه دار روزي از شعبان مي يابد آنست كه بهشت از براي او واجب گردد
وبسندهاي معتبر از آنحضرت منقولست كه حضرت رسول فرمود كه شعبان ماه منست و
رمضان ماه خداست پس هر كه يك روز از ماه من روزه دارد من شفيع او باشم در قيامت وهر كه دو روز

وهر كه دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزيده شود وهر كه سه روز از ماه
من روزه بدارد او را ندا كنند كه عمل را از سر گير يعني هيچ گناهي نداري وازابن بابويه روايت
كرده است كه از حضرت امام رضا پرسيدند از روزه رجب فرمود كه چرا غافليد از روزه شعبان
يعني افضل است از آن وايضا روايت كرده است بسند معتبر از حضرت خير البشر كه فرمود شعبان
ماه منست هر كه يك روز از ماه من روزه بدارد بهشت او را واجب شود وهر كه دو روز روزه
بدارد در قيامت از رفيقان پيغمبران وصديقان باشد وهر كه تمام ماه را روزه دارد ووصل كند به ماه
رمضان توبه باشد از هر گناه كوچك وبزرگ هر چند داخل خون حرام شده باشد كه او را [illegible]
وبسند صحيح از حضرت صادق روايت شده كه هر كه سه روز از ماه شعبان روزه بدارد بهشت
او را واجب شود ورسول خدا او را شفيع باشد در قيامت وهر سال كه در ماه شعبان آفتاب
بگيرد همگي مردم از شرّ پادشاه سالم باشند وپادشاه مغرب بر دشمنان ظفر يابد ودر سالي كه در اول
در آخر سال مرگ بسيار بهم رسد [illegible] بطرف شود وهر سال كه در اين ماه ماه بگيرد پادشاه
شود يا بميرد ويا پادشاه شود وتغييرات بسيار رود وقحط در ميان مردم پيدا شود اما
اعمال بر سه قسم است اوّل آنچه در عرض اين ماه بايد بجاي آورد در هر وقت كه باشد از حضرت
امام رضا مرويست كه هر كه در اين ماه صدقه بدهد اگر چه نيم دانه خرما باشد خداي تعالى
بدن او را بر آتش دوزخ حرام گرداند ديگري صلوات است از حضرت صادق منقولست كه حضرت
رسول فرمود شعبان ماه منست پس در اين ماه بسيار صلوات فرستيد بر من وبر آل من ديگري هزار
مرتبه گفتن لا إله إلّا الله ولا نعبد إلّا إيّاه مخلصين له الدين ولو كره المشركون است چنانچه
از حضرت رسول مرويست كه هر كه در مجموع اين ماه اين ذكر هزار مرتبه بگويد حق تعالى عبادت هزار
ساله در نامه عمل او بنويسد وگناهان هزار ساله او را محو كند [illegible] از قبر بيرون آيد مانند ماه شب چهارده
واو را از جمله صديقان بنويسند دوم در آنچه مخصوص بعض اوقات اين ماه است از حضرت امام
رضا بسند معتبر منقولست كه هر كه در هر روز از اين ماه هفتاد مرتبه بگويد أستغفر الله وأسئله التوبة
بنويسد حق تعالى از براي او بيزاري از آتش جهنم وبگذرانند او را از صراط وداخل بهشت گرداند او را
وبسندهاي معتبر منقولست كه هر كه در هر روز شعبان بگويد أستغفر الله الذي لا إله إلّا هو الرحمن
الرحيم الحيّ القيّوم وأتوب إليه خداي تعالى روح او را در افق مبين جاي دهد [illegible] فضائي و
در پيش عرش ودر آن فضا نهرها جاريست وقدحها در كنار آن نهرهاست بعدد ستاره هاي آسمان

دیگری منقولست که در هر صبح و شام این را بگوید ما شاء الله تعبدا لله ما شاء الله تلطفا لله ما
شاء الله استعانة لله ما شاء الله استعانة بالله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
العلي العظيم و در اقبال الورده که مرکه هر غره شنبه از ایام دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت حمد
یکبار و توحید صد بار و چون فارغ شود صد بار صلوات بفرستد بری و بر خدای تعالی هر حاجت از
امور دین و دنیای او روا شود و وارد شده که در هر روز و هر شب از ایام اعمال مشترکه هر شب و هر روز
این سه ماه که در قسم سیم ماه رجب مذکور شد بجا آورد و سید بن طاوس رحمة الله بسند معتبر روایت کرده
است که این مناجات از حضرت امیر المؤمنین علیه و امامان از فرزندان او در ماه شعبان میخواندند
اللهم صل على محمد وآل محمد واسمع دعائي اذا دعوتك واسمع ندائي اذا ناديتك واقبل
علي اذا ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت بين يديك مستكينا لك متضرعا اليك
راجيا لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى عليك امر منقلبي
ومثواي وما اريد ان ابدئ به من منطقي واتفوه به من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت
مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي وبيدك لا
بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني
فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك الهي ان كنت غير مستاهل
لرحمتك فانت اهل ان تجود علي بفضل سعتك الهي كاني بنفسي واقفة بين يديك وقد
اظلها حسن توكلي عليك فقلت ما انت اهله وتغمدتني بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى
منك بذلك وان كان قد دنى اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب
اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي في النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهي لم يزل
برك علي ايام حياتي فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف آيس من حسن نظرك لي بعد
مماتي وانت لم تولني الا الجميل في حياتي الهي تول من امري ما انت اهله وعد بفضلك على
مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت علي ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى سترها علي منك
في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم
القيامة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل من عملي الهي فسرني
بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول
عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون الهي لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي

ولا تقطع منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت
فضيحتي لم تعافني الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك
الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى الهي ان اخذتني بجرمي
اخذتك بمغفرتك وان ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك الهي ان كان
صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك املي الهي كيف انقلب
من عندك بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما
الهي وقد افنيت عمري في شرة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد
منك الهي فلم استيقظ ايام اغتراري بك وركوني الى سبيل سخطك الهي وانا
عبدك وابن عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك الهي انا عبد اتنصل
اليك مما كنت اواجهك به من قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو منك اذ
العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك الا في وقت ايقظتني
لمحبتك وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من
اوساخ الغفلة عنك الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك
فاطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب لي
قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك حقه الهي
ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير
مملول الهي ان من انتهج بك لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي
فلا تخيب ظني من رحمتك ولا تحجبني عن رافتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام من
رجا الزيادة من محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى ذكرك وهمتي الى روح
نجاح اسمائك ومحل قدسك الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل طاعتك والمثوى
الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا املك لها نفعا الهي انا عبدك
الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المعيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك و
حجبه سهوه عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء
نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة وتصير
ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق

بجلالك فناجيته سرًّا وعمل لك جهرًا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع
رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن
توكلي عليك الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم
عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتني المعرفة بكرم آلائك
الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك الهي فلك
اسئلك واليك ابتهل وارغب واسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني
ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك ولا يغفل عن شكرك ولا يستخف بامرك الهي و
الحقني بنور عزك الابهج فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا
ذا الجلال والاكرام وصلى الله على محمد رسوله وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا كثيرا
واين از مناجاتهاي جليل القدر ائمه است عليهم السلام و برمضامين عاليه مشتمل است
در همه اوقات كه حضور قلبي باشد خواندن مناسب است و ايضا بسند معتبر منقول است كه حضرت
امام زين العابدين ع در هر روز ماه شعبان وقت زوال و در شب نيمه اين صلوات را ميخواندند
اللهم صل على محمد وآل محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن
العلم واهل بيت الوحي اللهم صل على محمد وآل محمد الفلك الجارية في اللجج الغامرة
يأمن من ركبها ويغرق من تركها المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم
لهم لاحق اللهم صل على محمد وآل محمد الكهف الحصين وغياث المضطر المستكين وملجأ
الهاربين ومنجى الخائفين وعصمة المعتصمين اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة كثيرة
طيبة تكون لهم رضى ولحق محمد وآل محمد اداء وقضاء بحول منك وقوة يا رب العالمين
اللهم صل على محمد وآل محمد الطيبين الابرار الاخيار الذين اوجبت حقوقهم وفرضت طاعتهم
وولايتهم اللهم صل على محمد وآل محمد واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك و
ارزقني مواساة من قترت عليه من رزقك بما وسعت علي من فضلك ونشرت علي
من عدلك واحييتني تحت ظلك وهذا شهر نبيك سيد رسلك صلواتك عليه وآله
شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان الذي كان رسول الله يدأب في صيامه
وقيامه في لياليه وايامه بخوعا لك في اكرامه واعظامه الى محل حمامه اللهم
فاعنا على الاستنان بسنته فيه ونيل الشفاعة لديه اللهم واجعله لي شفيعا مشفعا

وطريقا اليك مهيعا واجعلني له متبعا حتى القاك يوم القيمة عني راضيا وعن
ذنوبي غاضيا قد اوجبت لي منك الرحمة والرضوان وانزلتني دار القرار ومحل
الاخيار [سوم] در اعمالي كه مخصوص بليالي وايام اين ماه است شب اول سنت است
دعاهاي هلال خواندن وآداب عمل ورود ماه چنانچه گذشت ومخصوص اين شب گذاردن
نمازهاست از انجمله دو ركعت است در هر ركعت حمد وتوحيد يكبار وچون سلام داد گويد
اللهم هذه عهدي عندك الى يوم القيمة ديگر صد ركعت است با حمد وتوحيد يكبار وبعد از
فراغ هفتاد مرتبه سوره حمد [دوم] چهار ركعت است با حمد وتوحيد ومعوذتين هريك يكمرتبه
[سوم] دو ركعت است در هر ركعت حمد ويس وبيست مرتبه توحيد [چهارم] چهل ركعت است
در هر ركعت حمد وبيست وپنج مرتبه توحيد [پنجم] دو ركعت است در هر ركعت حمد وپانصد
مرتبه توحيد وبعد از سلام هفتاد بار صلوات [ششم] چهار ركعت است در هر ركعت حمد و
توحيد پنجاه بار وبروايتي ده مرتبه [هفتم] دو ركعت است در هر ركعت اول حمد وصد مرتبه توحيد
ودر دوم الحمد وآية الكرسي يكبار [هشتم] دو ركعت است در ركعت اول بعد از فاتحه آمن
الرسول تا آخر سوره بقره يكبار وتوحيد پانزده بار ودر ركعت دوم بعد از فاتحه آيه آخر سوره كهف
يكبار وتوحيد پانزده بار [نهم] چهار ركعت است در هر ركعت فاتحه يكبار واذا جاء نصر الله ده بار
[دهم] چهار ركعت است در هر ركعت فاتحه يكبار وهريك از آية الكرسي وانا اعطيناك
ده بار [يازدهم] هشت ركعت است در هر ركعت فاتحه يكبار وقل يا ايها الكافرون ده بار [دوازدهم]
دوازده ركعت است در هر ركعت فاتحه يكبار والهيكم التكاثر ده بار [سيزدهم] كه اول ليالي
بيض است بسند معتبر دو ركعت نماز است هر ركعت با الحمد ويس وتبارك الذي بيده الملك و
توحيد يكبار وسند اين نماز در رجب گذشت وبروايتي دو ركعت است در هر ركعت حمد و
والتين يكبار و روزش روزه سنت است [چهاردهم] چهار ركعت است بسند معتبر با الحمد وتين و
تبارك الذي بيده الملك وتوحيد در هر ركعت وبروايتي چهار ركعت بعد فاتحه والعصر پنج بار و
روزه روزش سنت است [شب نيمه] ولادت با سعادت حضرت صاحب الزمان ع در اين شب
واقع شده واين شب بعد از شب قدر از همه شبها بهتر است واز جمله هفت شب است كه احيا
در آنها سنت است وفضايل آن زياده از آن است كه در اين مختصر ذكر توان كرد واين شب ليله
مباركه نامند بجهة كثرة خير وبركت وشب برات نيز گويند زيرا كه حق تعالى مي نويسد در اين شب براي

بندگان مؤمن خود برات نجات از آتش دوزخ روایت کرده است ابو یحیی صنعانی از جعفر بن محمد
و او از پدرش علیهما السلام که فرمود شب نیمه شعبان شبی است با فضل‌تر از همه شبها مگر
شب قدر حق تعالی در این شب بر بندگان خود فضل کند و ایشان را بیامرزد برحمت خود پس جهد کنید
و قربت جوئید بخدا که این شبی است که خدا سوگند خورده است بذات خود که هیچ سائلی را در این
شب رد نکند مادامی که از خدا طلب معصیتی نکند تا آخر حدیث و نیز از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که حضرت رسول ص فرمود چون شب نصف شعبان شود شبش را بعبادت بایستید و
روزش را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا
استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست
که از ما طلب روزی کند که ما روزی او را فراخ گردانیم در زاد المعاد گفته که زید شهید روایت
کرده است که پدرم امام زین العابدین ع همه ما را در این شب نزد خود جمع میکرد و شب را
سه حصه میفرمود در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا و ما آمین میگفتیم و ثلث سیم را استغفار
و طلب آمرزش می‌نمود و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد و مستحب است در این شب غسل
کردن و بنماز و دعا احیا داشتن چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که در سالی سه شب
خواب نمی‌نمود شب بیست و سیم ماه رمضان و شب عید فطر و شب نیمه شعبان و بسند معتبر
مرویست گفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و ذکر خدا و استغفار و طلب آمرزش
کردن و قرآن خواندن و زیارت حضرت امام حسین ع که در شب اول رجب گذشت کردن چنانچه
از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که هر که خواهد روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر با او
مصافحه کنند زیارت کند حضرت امام حسین ع را در شب نیمه شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این
شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت آنحضرت بیایند پس خوشا حال کسی که این بزرگواران با او
مصافحه کنند و از جمله ایشان اند پنج پیغمبر اولو العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد ص اجمعین که
مبعوث گردیده‌اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و زیارت حضرت صاحب الامر ع
نمودن که در زیارات مفصله گذشت و از جمله اعمال این شب نمازهاست از آنجمله چهار رکعت است
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید بخواند و بعد از نماز دستها
گشاده بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَ مِنْ عَذابِکَ خائِفٌ وَ بِکَ مُسْتَجیرٌ اَللّٰهُمَّ لا تُبَدِّلْ اِسْمی
وَ لا تُغَیِّرْ جِسْمی رَبِّ لا تُجْهِدْ بَلائی رَبِّ لا تُشْمِتْ بی اَعْدائی اَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عِقابِکَ

مِنْ عَذابِکَ وَ اَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْکَ جَلَّ ثَناؤُکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلی
نَفْسِکَ وَ فَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ فیکَ در زاد المعاد گفته سی نفر از اصحاب حضرت صادق ع
نماز مذکور را از آنحضرت نقل کرده‌اند و بروایتی دیگر چهار رکعت بدو سلام در هر رکعت بعد از
حمد دویست و پنجاه بار توحید یا صد بار یا پنجاه بار و بعد از نماز این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ
وَ مِنْ عَذابِکَ خائِفٌ وَ بِکَ مُسْتَجیرٌ رَبِّ لا تُبَدِّلْ اِسْمی وَ لا تُغَیِّرْ جِسْمی رَبِّ لا تُجْهِدْ بَلائی
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَ اَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَ اَعُوذُ بِرَحْمَتِکَ
مِنْ عَذابِکَ وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ جَلَّ ثَناؤُکَ وَ لا اُحْصی مِدْحَتَکَ وَ لَا
الثَّناءَ عَلَیْکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ وَ فَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا و بجای کذا و کذا حاجات خود را بخواهد نماز دیگر که در زاد المعاد
نقل کرده دیگر از حضرت باقر ع روایت کرده دو رکعتست بعد از نماز خفتن در رکعت اول بعد از
حمد سوره قل یا ایها الکافرون در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و بعد از سلام سی و سه مرتبه
سبحان الله سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و اگر تسبیح حضرت
فاطمه ع هزار بخواند ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخواند یا مَنْ اِلَیْهِ مَلْجَأُ الْعِبادِ فِی الْمُهِمّاتِ
وَ اِلَیْهِ یَفْزَعُ الْخَلْقُ فِی الْمُلِمّاتِ یا عالِمَ الْجَهْرِ وَ الْخَفِیّاتِ یا مَنْ لا یَخْفی عَلَیْهِ خَواطِرُ الْاَوْهامِ
وَ تَصَرُّفُ الْخَطَراتِ یا رَبَّ الْخَلائِقِ وَ الْبَرِیّاتِ یا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الْاَرَضینَ وَ السَّمٰواتِ
اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَمُتُّ اِلَیْکَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ فَیا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اجْعَلْنی فی
هٰذِهِ اللَّیْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ اِلَیْهِ فَرَحِمْتَهُ وَ سَمِعْتَ دُعاءَهُ فَاَجَبْتَهُ وَ عَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَاَقَلْتَهُ
وَ تَجاوَزْتَ عَنْ سالِفِ خَطیئَتِهِ وَ عَظیمِ جَریرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِکَ مِنْ ذُنُوبی وَ لَجَأْتُ اِلَیْکَ
فی سَتْرِ عُیُوبی اَللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَیَّ بِکَرَمِکَ وَ فَضْلِکَ وَ احْطُطْ خَطایایَ بِحِلْمِکَ وَ عَفْوِکَ وَ
تَغَمَّدْنی فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ بِسابِغِ کَرامَتِکَ وَ اجْعَلْنی فیها مِنْ اَوْلِیائِکَ الَّذینَ اجْتَبَیْتَهُمْ لِطاعَتِکَ وَ
اخْتَرْتَهُمْ لِعِبادَتِکَ وَ جَعَلْتَهُمْ خالِصَتَکَ وَ صِفْوَتَکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ وَ تَوَفَّرَ
مِنَ الْخَیْراتِ حَظُّهُ وَ اجْعَلْنی مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَ فازَ فَغَنِمَ وَ اکْفِنی شَرَّ ما اَسْلَفْتُ وَ اعْصِمْنی مِنَ الْاِزْدِیادِ
فی مَعْصِیَتِکَ وَ حَبِّبْ اِلَیَّ طاعَتَکَ وَ ما یُقَرِّبُنی مِنْکَ وَ یُزْلِفُنی عِنْدَکَ سَیِّدی اِلَیْکَ یَلْجَأُ
الْهارِبُ وَ مِنْکَ یَلْتَمِسُ الطّالِبُ وَ عَلی کَرَمِکَ یُعَوِّلُ الْمُسْتَقیلُ التّائِبُ اَدَّبْتَ عِبادَکَ
بِالتَّکَرُّمِ وَ اَنْتَ اَکْرَمُ الْاَکْرَمینَ وَ اَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَکَ وَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ اَللّٰهُمَّ فَلا تَحْرِمْنی

مارجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة
لأهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار بريتك رب ان لم اكن من اهل ذلك
فانت اهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن
ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك وانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين
اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب
الذي يحبس علي الخلق ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك
واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من
عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد لي بما سألتك وانل ما التمست منك اسئلك لا
بشيء هو اعظم منك وبعد از آن بسجده رود و بیست بار بگوید یا رب و هفت بار یا الله و هفت بار
لا حول ولا قوة الا بالله وده بار ما شاء الله لا قوة الا بالله وده بار لا قوة الا بالله وده بار صلوات
فرستد و بروایتی هرچه خواهد و حاجت خود بطلبد و بگوید این دعا را که الهي تعرض لك في هذا
الليل که در باب نماز شب مذکور شد نماز دیگر نیز در زاد المعاد از امام حسن مجتبی ع روایت
کرده ده رکعتست هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد
بخواند و بعد از آن بسجده رود و در سجده بگوید اللهم لك سجد سوادي وخيالي وبياضي يا عظيم كل
عظيم اغفر ذنبي العظيم فانه لا يغفرها غيرك يا عظيم نماز دیگر ایضاً که در زاد المعاد ذکر
کرده صد رکعتست هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد یکبار و توحید ده بار و چون فارغ
شود هر یک آیة الکرسی و حمد را ده بار بخواند و صد بار سبحان الله بگوید ایضاً سنت است
در این شب نماز جعفر طیار کردن بنا بر آنچه در اقبال و تهذیب و وسایل و کفعمی است و این نماز
در اعمال شب جمعه نوشته شد و از جمله اعمال این شب خواندن ادعیه است از آنجمله این دعا
که حضرت رسول صلعم در این شب میخواندند اللهم اقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معاصيك
ومن طاعتك ما تبلغنا به رضوانك ومن اليقين ما يهون علينا به مصيبات الدنيا اللهم
امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احييتنا واجعله الوارث منا واجعل ثارنا على من ظلمنا
وانصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا ولا مبلغ علمنا ولا
تسلط علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين دعای دیگر این دعا که بمنزله زیارت حضرت
صاحب الامر است عجل الله فرجه که از زاد المعاد نقل شد اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها وحجتك وموعودها

اسئلك بك لا بشيء هو اعظم منك [illegible]

وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلا فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك
ولا معقب لآياتك نورك المتألق وضياؤك المشرق والعلم النور في طخياء الديجور الغائب
المستور جل مولده وكرم محتده والملائكة شهده والله ناصره ومؤيده اذا آن ميعاده و
الملائكة امداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار
الدهر ونواميس العصر وولاة الامر والمنزل عليهم الذكر وما ينزل في ليلة القدر واصحاب
الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة امره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور
عن عوالمهم وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره
واكتبنا في اعوانه وخلصائه واحينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين
ومن السوء سالمين يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين
والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا
وبينهم يا احكم الحاكمين (الثالث) دعای سیفی صغیر است که کفعمی از ادعیه این شب شمرده و ملا محمد
باقر در ادعیه صباح نوشته دعا این است که اللهم رب النور العظيم که در ادعیه مخصوصه وقت
صباح مذکور شد (الرابع) خواندن صلواتست که در عمل هر روز این ماه گذشت دیگر ایضاً دعائیست که از
حضرت صادق ع در کفعمی نقل کرده اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي
المميت البدئ البديع لك الجلال ولك الفضل ولك الحمد ولك المن ولك الجود ولك الكرم ولك
المجد ولك الامر ولك الشكر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد [illegible]
صل على محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني واكفني ما اهمني واقض ديني ووسع علي في رزقي
فانك في هذه الليلة كل امر حكيم تفرق ومن تشاء من خلقك ترزق فارزقني وانت خير
الرازقين فانك قلت وانت خير القائلين الناطقين واسألوا الله من فضله فمن فضلك اسأل
واياك قصدت وابن نبيك اعتمدت ولك رجوت فارحمني يا ارحم الراحمين (الخامس) دعای
کمیل بن زیاد است که آخوند ملا محمد باقر مجلسی در زاد المعاد نقل کرده که کمیل بن زیاد گفت روزی
با مولای خود حضرت امیر المؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت
فرمود که هر بنده که آن شب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت خضر ع در آن شب بخواند البته دعای او
مستجاب گردد چون حضرت بمنزل خود مراجعت نمود شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید که
کار داری ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین ع بطلب دعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را

حفظ نمائی دو هر شب جمعه یا در هر ماهی یا در سالی یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو شود
و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو
موجب آن شد که ترا بچنین چیزی و نعمتی و کرامتی سرافراز کردانم برکت بنویس و دعا این است
من بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين
اللهم اني اسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي قهرت بها كل شيء وخضع
لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم لها شيء و
بعظمتك التي ملأت كل شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء
كل شيء وباسمائك التي ملأت اركان كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك
الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي
الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب
التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي
تقطع الرجاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته
وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك و
اسئلك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني
اسئلك سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا و

في جميع الاحوال متواضعا اللهم واسئلك سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك
عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك
وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك
اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا
غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك
لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من
عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم
بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد املي
وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسئلك بعزتك ان لا يحجب
عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني
بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة
شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي في جميع الامور عطوفا
الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت

فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على ذلك
القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي
في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك
يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا
معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك
اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي
يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي و
بري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك
معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني
من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك
هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من آويته
او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط
النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك

وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من
العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة و
اشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم
يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره
على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي
لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا
يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم
له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين
المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج
وابكي لاليم العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع
اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك فهبني
يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك وهبني
صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك

فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك بين اهلها
ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين
ولانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا
حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين أفتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها
صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها
بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك
ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك
ورأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه لهيبها
وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف
يتقلقل بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف
يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك
ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت به
من تعذيب جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما

وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان
تملأها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين وانت جل
ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا
لا يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها
وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل
جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته او اعلنته
اخفيته او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم
بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي من ورائهم
والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير
تنزله او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطا تستره يا رب
يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري
ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب اسئلك بحقك وقدسك واعظم
صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة

واعمالي عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك
سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي يا رب يا رب يا رب
قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك و
الدوام في الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين واسرع اليك
في المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين واخافك
مخافة الموقنين واجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن
كادني فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة منك واخصهم
زلفة لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني
برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك واقلني
عثرتي واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم
الاجابة فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي
دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس من اعدائي
يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره

وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم
يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل

بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من آله
وسلم تسليما كثيرا دعای صنمی قریش است که کفعمی در مصباح نقل کرده اللهم العن
صنمي قريش وجبتيهما وطاغوتيهما الذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك
وعصيا رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك وعطلا احكامك وابطلا فرائضك والحدا
في آياتك وعاديا اولياءك وواليا اعداءك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم العنهما
واتباعهما واولياءهما ومحبيهما ومواليهما اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق
اخفوه ومنبر علوه ومنافق ولوه ومؤمن ارجوه وولي آذوه وطريد آووه وصادق
طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه وشر آثروه ودم اراقوه
وامر بدلوه وكفر نصبوه وحكم قلبوه وشر ابدعوه وكذب دلسوه وارث غصبوه و
فيء اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه وجور بسطوه ونفاق اسروه
وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه
وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وصك مزقوه ووصية ضيعوها وبيعة نكثوها
وشهادة كتموها ودعوى ابطلوها وبينة انكروها وحيلة احدثوها وبدعة اظهروها
وشمل بددوه وذليل اعزوه وعزيز اذلوه وحق منعوه اللهم العنهم بعدد كل آية حرفوها
وفريضة تركوها وسنة غيروها واحكام عطلوها ورسوم قطعوها وخيانة اوردوها
وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها اللهم العنهم في مستسر السر وظاهر العلانية لعنا
كثيرا ابدا لا انقطاع لعدده ولا نفاد لامده لعنا لا ينفد اوله ولا ينقطع آخره وعلى اعوانهم
وانصارهم ومحبيهم ومواليهم والمائلين اليهم والناهضين باحتجاجهم والمقتدين
بكلامهم والمصدقين باحكامهم اللهم عذبهم عذابا يستغيث منه اهل النار چهار صد
مرتبه این فقره را تکرار کند دیگر در کتاب معتبر بنظر رسیده نهایت نظر شریف و
بودن در بعضی دعوات نوشته شده روایت که در شب نیمه شعبان ما بین نماز شام وخفتن چهار

سوره یس بخواند یکی جهت طول عمر یکی جهت غنا و ثروت و یکی جهت دفع بلیات و آفات و در رجب
مرویست که بخواند اللهم انک ذو اناة و لا طاقة لنا بحلمک فاغفر بحلمک یا ارحم الراحمین
دو رکعت نماز است در هر رکعت فاتحه یکبار و آیة الکرسی یکبار و سوره توحید
پانزده بار دو رکعت است در هر رکعت بعد از فاتحه توحید هفتاد بار و بعد از سلام
هفتاد بار استغفار کند ده رکعت در هر رکعت بعد از فاتحه توحید پنج بار
دو رکعت در هر رکعت الحمد و آیه قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب پنج بار چهار
رکعت در هر رکعت بعد از فاتحه سوره اذا جاء نصر الله پانزده بار هشت رکعت
در هر رکعت هر یک از فاتحه و توحید و معوذتین یکبار دو رکعت در هر رکعت بعد
از فاتحه هر سوره که خواهد و در زاد المعاد سوره اذا زلزلت نوشته دو رکعت است در
رکعت بعد از فاتحه سوره اذا جاء نصر الله ده بار ده رکعت در هر رکعت فاتحه و
الهیکم التکاثر یکبار دو رکعت در هر رکعت بعد از فاتحه آمن الرسول ده بار
دو رکعت است در هر رکعت فاتحه یکبار و سبح اسم ربک الاعلی ده بار چهار
رکعت در هر رکعت هر یک از فاتحه و توحید و معوذتین یکبار در زاد المعاد آورده که سنت است
سه روز آخر ماه روزه گرفتن و خواندن این دعا در شب آخر ماه که اللهم ان لم تکن غفرت لنا فیما
مضی من شعبان فاغفر لنا فیما بقی منه ده رکعت در هر رکعت بعد از الحمد هر یک
از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده بار نماز شب دو رکعت در هر رکعت بعد از فاتحه سوره
سبح اسم ده بار و بعد از فراغ صد بار صلوات بفرستد سنت است در این شب و شب اول
ماه مبارک رمضان خواندن دعائی که روایت در کتاب زاد المعاد بسند بسیار معتبر از حضرت امام
جعفر صادق وارد شده اللهم ان هذا الشهر المبارک الذی انزلت فیه القرآن و جعلته هدی
للناس و بینات من الهدی و الفرقان قد حضر فسلمنا فیه و سلمه لنا و تسلمه منا فی یسر منک
و عافیة یا من اخذ القلیل و شکر الکثیر اقبل منی الیسیر اللهم انی اسئلک ان تجعل لی الی
کل خیر سبیلا و من کل ما لا تحب مانعا یا ارحم الراحمین یا من عفا عنی و عما خلوت
به من السیئات یا من لم یؤاخذنی بارتکاب المعاصی عفوک عفوک عفوک یا کریم الهی و عظتنی
فلم اتعظ و زجرتنی عن محارمک فلم انزجر فما عذری فاعف عنی یا کریم عفوک عفوک
اللهم انی اسئلک الراحة عند الموت و العفو عند الحساب عظم الذنب من عبدک فلیحسن

فلیحسن العفو من عندک یا اهل التقوی و یا اهل المغفرة عفوک عفوک اللهم انی عبدک
ابن عبدک ابن امتک ضعیف فقیر الی رحمتک و انت منزل الغنی و البرکة علی
العباد قاهر مقتدر احصیت اعمالهم و قسمت ارزاقهم و جعلتهم مختلفة السنتهم و الوانهم
خلقا من بعد خلق لا یعلم العباد علمک و لا یقدر العباد قدرک و کلنا فقراء الی رحمتک
فلا تصرف عنی وجهک و اجعلنی من صالح خلقک فی العمل و الامل و القضاء و القدر
اللهم ابقنی خیر البقاء و افننی خیر الفناء علی موالاة اولیائک و معاداة اعدائک و الرغبة
الیک و الرهبة منک و الخشوع و الوفاء و التسلیم لک و التصدیق بکتابک و اتباع سنة
رسولک اللهم ما کان فی قلبی من شک او ریبة او جحود او قنوط او فرح او بذخ
او بطر او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق او نفاق او کفر او فسوق او عصیان او
عظمة او شیء لا تحب فاسئلک یا رب ان تبدلنی مکانه ایمانا بوعدک و وفاء بعهدک
و رضا بقضائک و زهدا فی الدنیا و رغبة فیما عندک و اثرة و طمأنینة و توبة نصوحا اسئلک
ذلک یا رب العالمین الهی انت من حلمک تعصی فکانک لم تر و من کرمک و جودک تطاع
فکانک لم تعص و انا و من لم یعصک سکان ارضک فکن علینا بالفضل جوادا و بالخیر
عوادا یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله صلوة دائمة لا تحصی و لا تعد و لا
یقدر قدرها غیرک یا ارحم الراحمین و اما اعمال مخصوصه بایام روزه روز اول این ماه سنت
چنانچه از حضرت صادق به سندهای معتبر منقولست که هر که روز اول این ماه را روزه دارد بهشت
او را واجب کرده اند و از حضرت امام رضا منقولست ثواب روزه سه روز اول و سه روز
وسط و سه روز آخر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که رسول خدا روزه میداشت در هر پنجشنبه ماه
شعبان را زینت میکنند آسمانها را این سال آنکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعا
این روز را مستجاب گردان روز سیم این ماه روز بسیار مبارکیست و موافق مشهور روز ولادت حضرت
امام حسین است و روزه آن ثواب عظیم دارد و باید دعا بخواند اللهم انی اسئلک بحق
المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و
الارض و من علیها و لما یطأ لابتیها قتیل العبرة و سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة
المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته و الاوصیاء
من عترته بعد قائمهم و غیبته حتی یدرکوا الاوتار و یثأروا الثار و یرضوا الجبار و یکونوا خیر انصار

وصلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك اتوسل واسئل سؤال
مقترف ومعترف مسيء الى نفسه مما فرط في يومه وامسه يسئلك العصمة الى محل رمسه
اللهم صل على محمد وعترته واحشرنا في زمرته وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة
اللهم وكما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممن يسلم
لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصفيائه الممدودين
منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم
خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده
فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر اوبته امين رب العالمين وسيد ابن
طاوس در اقبال گفته بخوانند بعد از این دعا آنکه اخر دعائیست که امام حسین ع در روز
عاشورا خواند اللهم انت متعالي المكان عظيم الجبروت شديد المحال غني عن الخلائق عريض
الكبرياء قادر على ما تشاء قريب الرحمة صادق الوعد سابغ النعمة حسن البلاء قريب اذا
دعيت محيط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب اليك قادر على ما اردت ومدرك ما طلبت
وشكور اذا شكرت وذكور اذا ذكرت ادعوك محتاجا وارغب اليك فقيرا وافزع اليك
خائفا وابكي اليك مكروبا واستعين بك ضعيفا واتوكل عليك كافيا احكم
بيننا وبين قومنا بالحق فانهم غرونا وخدعونا وخذلونا وغدروا بنا وقتلونا ونحن عترة
نبيك وولد حبيبك محمد بن عبد الله الذي اصطفيته بالرسالة وائتمنته على وحيك فاجعل
لنا من امرنا فرجا ومخرجا برحمتك يا ارحم الراحمين روز نهم بروايتي ديگر كه در زاد المعاد
مسطور است مولد حضرت امام حسين ع است مناسب است زيارت آن حضرت چنانچه در اول
رجب گذشت روز دهم بنا بر روايتي بسند معتبر از حضرت صادق ع در زاد المعاد ايراد شده روز
ولادت با سعادت حضرت امير المومنين ع است اگرچه خلاف مشهور است اما بر وفق اين روايت
مناسب است زيارت آن حضرت وساير اعمال خير در اين روز روز نيمه ماه شعبان سنت است روزه
داشتن وزيارت حضرت امام حسين ع كردن چنانكه در شب اول رجب گذشت واما اعمال بقيه
روزها از حضرت امام رضا ع منقولست كه هر كه سه روز آخر ماه شعبان را روزه بدارد وبماه مبارك
رمضان وصل كند حق تعالى ثواب روزه دو ماه متوالي براي او بنويسد وايضا از آن حضرت مرويست
كه در جمعه آخر شعبان دعا واستغفار از گناهان وتلاوت قرآن ثواب بي پايان دارد وبا ابو الصلت

وبا ابو الصلت هروي فرمودند كه در بقيه اين ماه بسيار بخوان اين دعا را اللهم ان لم تكن غفرت
لنا فيما مضى من شعبان فاغفر لنا فيما بقي منه تا آنكه چون ماه مبارك رمضان در آيد خاص
كرده باشي نفس خود را از براي خداوند عالم

فصل نهم

در بيان فضايل وحقيقت روزه واحكام واعمال
ماه مبارك رمضان است اما فضايل پس اين ماه بهترين ماههاست ونيكوترين شهرها وسيد وبزرگ
ايامهاست زيرا كه شب قدر ونزول قرآن وابتداي وحي بر پيغمبر آخر الزمان ونزول تورية وانجيل
وزبور وصحف ابرهيم در اين ماه بود وماهيست شريف وعظيم ومبارك وبا قدر ومنزلت و
بموجب اخبار اهل بيت اطهار اين ماه رحمت گويند وعفو ومغفرت پروردگار است وماه
مواساة ومزيد رزق وحسنات است واين را رمضان از اين جهت گويند كه مي سوزاند گناهان
را وخود از رمض است وآن شدت حرارت روز است چون در آن وقت حرارت افتاب
بوده كه پاي از كثرت حرارت زمين مي سوخت نام رمضان گفتند واين ماه خداوند عالميانست
ودر آن ابواب بهشت گشاده ودرهاي دوزخ بسته شياطين در او مغلول ومتمردين در او
مخذول دعا مستجاب واجر وثواب زياد حسنات مضاعف وسيئات محو ودرجات رفيع
وفضايل اين بيشمار ومحاسنش بسيار چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست كه روزي
حضرت رسول ص در آخر ماه شعبان خطبه خواندند وفرمودند ايها الناس بدرستي كه رو كرده است
بسوي شما ماه خدا با بركت ورحمت وآمرزش ماهي است كه نزد خدا بهترين ماههاست وروز
هايش بهترين روزها وشبهايش بهترين شبهاست وساعتهاي آن بهترين ساعتهاست آن ماهيست
كه خوانده اند شما را در آن بسوي ضيافت خدا وگردانيده اند در آن از اهل كرامت خدا نفسهاي شما
در آن ثواب تسبيح دارد وخواب شما ثواب عبادت دارد وعملهاي شما در آن مقبولست ودعاي شما
در آن مستجابست پس سؤال كنيد از پروردگار خود به نيتهاي درست ودلهاي پاكيزه از گناهان
وصفات ذميمه كه توفيق دهد شما را براي روزه داشتن آن وتلاوت قرآن در آن بدرستي كه
شقي وبد عاقبت كسي است كه محروم گردد از آمرزش خدا در اين ماه عظيم وياد كنيد بگرسنگي وتشنگي
شما در اين ماه گرسنگي وتشنگي روز قيامت را وتصدق كنيد بر فقيران ومسكينان خود وتعظيم
نماييد پيران خود را ورحم كنيد كودكان خود را ونوازش نماييد خويشان خود را ونگاه داريد زبانهاي
خود را از آنچه نبايد گفت وبپوشيد ديدهاي خود را از آنچه حلال نيست شما را نظر كردن بسوي آن
وبازداريد گوشهاي خود را از آنچه حلال نيست شما را شنيدن آن ومهرباني كنيد با يتيمان مردم تا

مهربانی کند بعد از شما با یقین شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی
خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست
نظر میکند حق تعالی در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هر گاه
او را مناجات کنند و لبیک میگوید ایشان را هر گاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هر گاه او را دعا
کنند ای گروه مردمان بدرستی که جانهای شما در گرو کردههای شماست پس از گرو بدر آورید بطلب
آمرزش از خدا و پشتهای شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک گردانید بجهة طول دادن
سجدهها و بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز کنندگان
و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار دهد
روزه دار مومنی را در این ماه از برای وی خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان
گذشته پس بعضی از صحابه گفتند که یا رسول الله همه ما قدرت نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از
آتش جهنم با فطار فرمودن روزه داران اگر چه بنصف دانه خرما باشد و اگر چه بیک شربت آب باشد
بدرستی که خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس
هر که خلق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد و هر که سبک گرداند
در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب ورا آسان گرداند و هر که در این ماه
شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در این ماه یتیم
بی پدر را گرامی دارد خدا او را گرامی دارد در قیامت و هر که در این ماه صله و احسان کند با خویشان خود
وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای
عز و جل در قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که در این ماه نماز سنتی بکند حق تعالی برای او برات
بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز
واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هر که در این ماه بسیار صلوات بفرستد بر من و بر آل من خدا
سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که بخواند یک آیه از قرآن
در این ماه خواهد ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستی که
درهای بهشت در این ماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و در
های جهنم در این ماه بسته است از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در این ماه غل
می کنند پس سوال کنید از خدا که هرگز بر شما او را مسلط نگرداند اما حقیقت روزه و آنچه در آن

در آن معتبر است که بعینه در زاد المعاد مذکور است این است که روزه عبارت از باز داشتن
خود است از آنچه روزه را باطل میکند از طلوع صبح دوم تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق و بنابر
مشهور یا پنهان شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع از کوهها و عمارات مرتفع و قول
اول احوط است با نیت قربت پس باید که بداند آن چیزها را تا نیت تواند کرد و چون بیان همه آنها
بسیار مشقت است در اینجا اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد اما احوط
آنست که آنچه متیقن باشد وجوب ترک آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی
باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچه بعد غالب مکروه باشد قصد ترک جمیع کند مستحبا
و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است. اما آنها که واجب است ترک آنها کردن
اول چیزی خوردن و چیزی آشامیدنست و چیزی که خوردن و آشامیدن آن
متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو
می شود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مثل آنکه در دماغ یا در گوش
بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلافست و هم چنین خلافست در خوردن و آشامیدن
چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها است مانند سنگ و چوب و خاک
و گیاهها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب
از آن واجبست و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد دوم جماع کردن در قبل
زنست مطلقا خواه انزال شود و خواه نشود و بعمل آن موجب قضا و کفاره می شود بلا خلاف و جماع
در دبر زن چون انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم می شود و مشهور آنست که
جماع در دبر زن بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمی دانند
و اول اقوی است سوم باقی ماندنست بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب
قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضای تنها را واجب دانسته اند و احوط آنست
که اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح
و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم کند
و تیمم را نشکند تا صبح نشود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته
باشد و احتمال بیدار شدن داشته باشد جایز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود
قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر

بخوابد تا صبح و نیت غسل داشته باشد بر او قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگر چه
دلیلش تمام نیست و مشهور در خواب دوم وجوب قضاست و این قول قوی است بلکه خلافی در آن
ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد آنست که در خواب سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا
و کفاره هر دو واجب است و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد آنست
که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده
و این احوط است بلکه خالی از قوتی نیست [illegible] رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی
از موجب قضا و کفاره می شمارند و بعضی قضای تنها و بعضی آنرا مبطل نیست و احوط رعایت
مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظ را اگر از
احتراز ممکن بود چون دود تنبوکو و بخار دیگ و اظهر عدم ابطال است و احوط اجتناب است حتی از دود
تنباکو [illegible] استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن و موجب قضا و کفاره است و
مشهور است که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه باطل می شود و قضا و کفاره
لازم است و بعضی در این تامل نموده اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادت انزال
نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا شنیدن
آواز یا استماع یا تخیل خود در آوردن هرگاه باعث انزال منی شود و قصد انزال نداشته باشد و عادت
معتاد نباشد خلاف است و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است [illegible] قی کردن است عمدا و
اکثر موجب قضای تنها می شمارند و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب می شمارند و بعضی هیچ یک را واجب
نمی دانند و مسئله مشکل است و وجوب قضای تنها خالی از قوتی نیست و مشهور آنست که
هرگاه قی بی اختیار آید بر او قضا نیز واجب نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول بعضی
[illegible] حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی موجب قضای تنها
و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچ یک ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته
و حقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته اند و این قول اقوی است
و احوط آنست که بدون ضرورت حقنه مایع نکند و اگر بکند قضا کند و اشهر و اقوی آنست که حقنه
در داخل کردن موجب فساد صوم نمی شود و سقوط در عینی هرگاه بحلق نکشد نیز اقوی آنست
که جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند و اگر بحلق برسد احوط اجتناب است [illegible]
دروغ گفتن بر خدا و رسول و ائمه صلوات الله علیهم السلام یا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف

خلاف واقعی بگوید بلکه کسی که اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد و بگوید در حرمت آن شکی
نیست و بعضی در روزه موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میگویند که موجب فساد صوم
نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که اگر بکند قضا کند و کفاره بدهد [illegible] سر
فرو بردن در آبست جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی موجب قضای تنها می دانند و بعضی
حرام می دانند و موجب هیچ یک نمی دانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمت است و عدم وجوب قضا
و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را در آب فرو برد تا گردن و بدن بیرون باشد باز حکم ارتماس دارد
و این احوط است و بعضی گفته اند که اگر فرو برد سر را دفعه هر چند منابت مو بیرون باشد باز
حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که در روزه سنت نیز سر را در آب فرو نبرد و بعضی
تجویز کرده اند و احوط ترک است [illegible] بلغمی که از سینه بر آید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن
آن علما را سه قول است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون می آید از سینه مادام که از دهن
منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و
تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سوم جواز کشیدن از سر و سینه و جواز فرو بردن مادام
که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده اند بعضی بقضای تنها قایل شده اند و بعضی کفاره
نیز واجب می دانند و گمان فقیر آنست که هیچ یک لازم نمی شود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه
بفضای دهن بیاید فرو نبرد [illegible] مشهور میان علما آنست که مکروه است که زن روزه
دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند که هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر او لازم است و بعضی
کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است [illegible] و مضطلی که [illegible]
بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنست
که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن
و آشامیدن تا صبح متحقق شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است آن وقت که خورده و آشامیده اگر
ملاحظه کرده باشد و نخورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده باشد قضا واجب و کفاره
واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا بر او
واجب نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر عبث مضمضه کند
و آب بحلقش رود جمیع قضا را بر او واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوب است مطلقا
و در روایتی وارد شده که اگر مضمضه سه مرتبه [illegible] و این احوط است [illegible] اما اعمالی

پس از پرسش بوم است نوع اول در اعمالی که در عرض این ماه باید بعمل آورد و آن مشتمل
بر دو قسم است قسم اول در اعمال غیر مختصه بوقتی و آن خواندن دعای جوشن کبیر و تلاوت
قرآن مجید است در حدیث است که هر چیز را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است و در
تمام شبهای این ماه بگردد تمامی یک ختم سنت است و اقلش سه روز است و در ماه مبارک رمضان هر
روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوب است دیگر صدقه دادن و صلوات بر
پیغمبر فرستادن و دعا و استغفار کردن و تسبیح گفتن است چنانچه مرویست که هر که در این ماه
یک آیه قرآن بخواند او را ثواب کسی باشد که در غیر این ماه یک ختم قرآن کرده باشد و هر که
در این ماه صدقه دهد باز میگرداند خدای تعالی از او هفتاد نوع از بلا را و از امام رضا مرویست
که هر که صدقه دهد در ماه رمضان محو کند خدای تعالی از او و نیز در خبر است که هر که در ماه
رمضان بر محمد و آل او صلوات فرستد خدای تعالی میزان او را گران گرداند در روزی که میزان اعمال سبک
باشد و حضرت رسول فرمود که دعا در ماه رمضان دفع بلا میکند و استغفار محو گناه میکند
که در این ماه این تسبیح را صد بار بگوید که ثواب و درجه بسیار دارد سبحان الضار النافع
سبحان القاضی بالحق سبحانه وبحمده سبحان العلی الاعلی سبحانه وتعالی
در اعمال مختصه ببعض اوقات مثل غسل کردن در شبهای فرد این ماه مثل اول و نیمه و هفدهم
تا بیست و نهم و مثل گذاردن نوافل این ماه است که عبارت از یک هزار رکعت باشد چنانکه در
اقبال و مصباحین شیخ و اکثر کتب ... المعاد مذکور است باین نحو که چهار صد رکعت را تا بیست
از این ماه گذارد هر شب بیست رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز خفتن و در
نوزده صد رکعت تلاوت کند و سیصد رکعت در شبهای دهه آخر هر شبی سی رکعت هشت رکعت بعد
از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از نماز عشا بجا آورد و در شب بیست و یکم و بیست و سیم هر یک
صد رکعت اضافه نماید تا هزار رکعت تمام شود چنانکه در مصباح کفعمی گفته و اگر خواهد در این سنه
اکتفا بصد رکعت نماید و هشتاد رکعت که باقی ماند چهل رکعت در چهار روز جمعه این ماه گذارد
هر جمعه ده رکعت از آنجمله چهار رکعت بآداب نماز امیر المؤمنین ع و دو رکعت بآداب نماز فاطمه ع و چهار
رکعت بآداب نماز جعفر طیار و چهل رکعت دیگر را بیست رکعت را در شب جمعه آخر این ماه و بیست
از شب ... نماید تمام بدستور نماز حضرت امیر المؤمنین ع و بیست رکعت باقی را در شب شنبه
آخر این ماه ... نماید تمام مثل نماز حضرت فاطمه چنانچه در اقبال و متهجد

و متهجد مذکور است و بعد از هر دو رکعت از این هزار رکعت تسبیح حضرت فاطمه ع سنت است
و سید بن طاوس رحمة الله دعای مختصری در کتاب خود ایراد نموده و آن این است اللهم اجعل
فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر ان تجعلنی من
حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر سیئاتهم واسئلک
ان تطیل عمری فی طاعتک وتوسع فی رزقی یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد
وآله الطیبین الطاهرین و دعاهای دیگر برای اختصار در این رساله نوشته نشد
اعمال مشترکه سه ماه رجب و شعبان و رمضان پس آن در هر شب و هر روز است چنانچه
در قسم ... ماه رجب مذکور شد و مثل ادعیه‌ایست که در این ماه بعد از هر نماز فریضه باید
خواند از آنجمله دعائیست که در مصباح کفعمی و متهجد نقل کرده یا ذا الذی کان قبل کل
شیء ثم خلق کل شیء ثم یبقی ویفنی کل شیء یا ذا الذی لیس فی السموات العلی ولا
فی الارضین السفلی ولا فوقهن ولا تحتهن ولا بینهن اله یعبد غیره فلک الحمد حمدا
لا یقوی علی احصائه الا انت فصل علی محمد وآل محمد صلوة لا یقوی علی احصائها
الا انت دیگر باید دعائی که از حضرت صادق ع بعد از هر نماز منقولست یا علی یا عظیم یا
غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر وهذا شهر
عظمته وکرمته وشرفته وفضلته علی الشهور وهو الشهر الذی فرضت صیامه علی
وهو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان
وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر فیا ذا المن ولا یمن علیک من
علی بفکاک رقبتی من النار فیمن تمن علیه وادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر
منقولست که میگفت اللهم ادخل علی اهل القبور السرور اللهم اغن کل فقیر اللهم اشبع
کل جائع اللهم اکس کل عریان اللهم اقض دین کل مدین اللهم فرج عن کل
مکروب اللهم رد کل غریب اللهم فک کل اسیر اللهم اصلح کل فاسد من امور
المسلمین اللهم اشف کل مریض اللهم سد فقرنا بغناک اللهم غیر سوء حالنا بحسن
حالک اللهم اقض عنا الدین واغننا من الفقر انک علی کل شیء قدیر در
آداب و اعمال شبهای این ماه است و آن بر سه قسم است قسم اول در آداب و ادعیه مشترکه
هر شب است ... آداب افطار سنت است اول نماز شام را بکند و بعد افطار نماید مگر اینکه جمعی

منتظر او باشند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب شده و مانع حضور قلب او گردد و باید
افطار را بحلوا یا بنبات یا قند یا خرما نماید و اگر نباشد بآب نیم گرم که در حدیث وارد شده
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمودند و اگر نمی یافتند به نبات یا قند یا
خرما و اگر حاضر نبود بآب نیم گرم افطار میکردند و میفرمودند آب نیم گرم پاک میکند معده را و قوه
می‌دهد حدقه را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را می شوید و عروق را ساکن میگرداند و
صفرای غالب را فرو می نشاند و بلغم را قطع میکند و حرارت را اطفا مینماید و صداع را برطرف
میکند و اما ادعیه افطار از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که هر که در نزد افطار بگوید یا عظیم یا عظیم
یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرک اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم
بیرون برود از گناهان مثل روزی که از مادر متولد شده است ایضاً از حضرت امام
موسی علیه السلام بسند معتبر منقولست که هر که در وقت افطار بگوید اللهم لک صمت و علی رزقک
افطرت و علیک توکلت عطا کند حق تعالی باو ثواب هر کسی که در این روز روزه داشته است
ایضاً از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که در وقت افطار میفرمودند اللهم لک صمنا و علی رزقک
افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع العلیم ایضاً از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره
انا انزلناه را در وقت افطار و وقت سحر بخواند در ما بین این دو حالت ثواب کسی داشته باشد
که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد ایضاً از حضرت امام رضا منقولست
که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند خدا گناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد
کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نویسد دیگر از اعمال هر شب غسل است و آن مستحب است
دیگری دو رکعت نماز است در هر رکعت حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله و بعد از سلام بگوید سبحان
من هو حفیظ لا یغفل سبحان من هو رحیم لا یعجل سبحان من هو قائم لا یسهو سبحان من هو
دائم لا یلهو پس هفت بار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و سه بار
سبحانک سبحانک سبحانک یا عظیم اغفر لی الذنب العظیم پس ده بار صلوات فرستد دیگر از
اعمال هر شب خواندن هزار مرتبه سوره انا انزلناه است و صد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر شود
و الا سی یک مرتبه باید خواند اگر صد بار ممکن نشود بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد چگونه شب قدر را بشناسیم حضرت فرمود چون ماه رمضان بیاید
هر شب صد مرتبه سوره دخان را بخوان چون شب بیست و سیم شود تصدیق خواهی نمود با نچه سوال

سوال نمودی دیگر از اعمال هر شب دعائیست چنانچه در زاد المعاد بسند صحیح از ابن بابویه که
هر که هر شب بخواند خدا بیامرزد گناه چهل ساله او را اللهم رب شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن و افترضت علی عبادک فیه الصیام صل علی محمد و آل محمد
و ارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا و فی کل عام و اغفر لی تلک الذنوب العظام
فانه لا یغفرها غیرک یا رحمن یا علام و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در
هر شب بدعا بخوانید اللهم انی افتتح الثناء بحمدک و انت مسدد للصواب بمنک
و ایقنت انک انت ارحم الراحمین فی موضع العفو و الرحمة و اشد المعاقبین فی موضع
النکال و النقمة و اعظم المتجبرین فی موضع الکبریاء و العظمة اللهم اذنت لی فی دعائک
و مسألتک فاسمع یا سمیع مدحتی و اجب یا رحیم دعوتی و اقل یا غفور عثرتی
فکم یا الهی من کربة قد فرجتها و هموم قد کشفتها و عثرة قد اقلتها و رحمة قد نشرتها
و حلقة بلاء قد فککتها الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک
فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا الحمد لله بجمیع محامده کلها علی جمیع نعمه
کلها الحمد لله الذی لا مضاد له فی ملکه و لا منازع له فی امره الحمد لله الذی لا شریک
له فی خلقه و لا شبیه له فی عظمته الحمد لله الفاشی فی الخلق امره و حمده الظاهر
بالکرم مجده الباسط بالجود یده الذی لا تنقص خزائنه و لا تزیده کثرة العطاء الا
جودا و کرما انه هو العزیز الوهاب اللهم انی اسألک قلیلا من کثیر مع حاجة بی
الیه عظیمة و غناک عنه قدیم و هو عندی کثیر و هو علیک سهل یسیر اللهم ان عفوک
عن ذنبی و تجاوزک عن خطیئتی و صفحک عن ظلمی و سترک علی قبیح عملی و حلمک عن کثیر
جرمی عندما کان من خطائی و عمدی اطمعنی فی ان اسألک ما لا استوجبه منک الذی
رزقتنی من رحمتک و اریتنی من قدرتک و عرفتنی من اجابتک فصرت ادعوک آمنا
و اسألک مستأنسا لا خائفا و لا وجلا مدلا علیک فیما قصدت فیه الیک فان ابطأ
عنی عتبت بجهلی علیک و لعل الذی ابطأ عنی هو خیر لی لعلمک بعاقبة الامور فلم ار
مولا کریما اصبر علی عبد لئیم منک علی یا رب انک تدعونی فاولی عنک و تتحبب الی
فاتبغض الیک و تتودد الی فلا اقبل منک کأن لی التطول علیک فلم یمنعک ذلک
من الرحمة بی و الاحسان الی و التفضل علی بجودک و کرمک فارحم عبدک الجاهل

وجد عليه بفضل إحسانك إنك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخر
الرياح فالق الإصباح ديان الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد
لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو قادر على ما يريد
الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الإصباح ذي الجلال والإكرام والفضل والإنعام
الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله ليس له منازع يعادله
ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الأعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ
بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا اعصيه
ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد
كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك
حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين
وينجي الصادقين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين
والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين
موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء
وسكانها وترجف الأرض وعمارها وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق
ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الأحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير
وهو على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك و
حبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن
واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت
وتحننت وسلمت على احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك
من خلقك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليك
واخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبإ العظيم وصل على الصديقة
الطاهرة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن
والحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن
علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن

والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حججك على عبادك وامنائك في بلادك
صلاة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه
بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى
كتابك والقائم بدينك استخلفه في الأرض كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه
الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه
واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من لدنك
سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة
احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الإسلام واهله و
تذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك
وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه
فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز
به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا
وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا
واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة امالنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير
المسئولين واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به
لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا به على
عدوك وعدونا اله الحق آمين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه وآله
وغيبة ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل
على محمد وآله واعنا على ذلك بفتح منك تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره
ورحمة منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين تمام شد در آداب و
ادعیه سحر است اما آداب سحر از حضرت رسول منقولست که ترک مکنید امت من سحور خوردن را
واگرچه یک دانه خرمای زبون باشد ایضا از آنحضرت مرویست که فرمود سحور بخورید اگرچه
یک جرعه آب باشد و خدا صلوات و رحمت می فرستد بر سحور خورندگان و در روزه سنتی اگر
خواهد بخورد و اگر خواهد نخورد دیگر نیت کردن است بعد از سحور چنانچه در زاد المعاد گفته
از اول شب تا آخر شب روزه می توان کرد و اگر بعد از سحور بکند بهتر است و همین که میداند و قصد دارد

که فردا روزه می‌گیرد از برای خدا بس است و هر شب نیت را باید کرد و اگر شب اول نیت تمام
ماه را بکند و باز هر شب اعاده کند بهتر است و اما ادعیهٔ سحر مستحب است که در هر شب در سحر
این دعا بخواند یا مفزعی عند کربتی و یا غوثی عند شدتی الیک فزعت و بک استغثت
و بک لذت لا الوذ بسواک و لا اطلب الفرج الا منک فاغثنی و فرج عنی یا من یقبل الیسیر
و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی
اسئلک ایمانا تباشر به قلبی و یقینا صادقا حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی
و رضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین یا عدتی فی کربتی و یا صاحبی فی شدتی
و یا ولیی فی نعمتی و یا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی و الآمن روعتی و المقیل عثرتی
فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین و نیز بسندهای معتبر بسیار از حضرت امام رضا روایت است
که فرمود حضرت امام محمد باقر این دعا را در سحرهای ماه رمضان می‌خواندند و میفرمودند اگر مردم بدانند
عظمت این دعا را در سرعت اجابت هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر
سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعاست راست گفته‌ام پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام
تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید دعا اینست اللهم انی اسئلک من بهائک
بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسئلک ببهائک کله اللهم انی اسئلک من جمالک
باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسئلک بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک
باجله و کل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی اسئلک من عظمتک
باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک
من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسئلک من
رحمتک باوسعها و کل رحمتک واسعة اللهم انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی اسئلک
من کلماتک باتمها و کل کلماتک تامة اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک
من کمالک باکمله و کل کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک
من اسمائک باکبرها و کل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک کلها اللهم انی
اسئلک من عزتک باعزها و کل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک بعزتک کلها اللهم
انی اسئلک من مشیتک بامضاها و کل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک
کلها اللهم انی اسئلک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء و کل قدرتک

قدرتک مستطیلة اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها اللهم انی اسئلک من علمک
بانفذه و کل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک کله اللهم انی اسئلک من قولک
بارضاه و کل قولک رضی اللهم انی اسئلک بقولک کله اللهم انی اسئلک من
مسائلک باحبها الیک و کل مسائلک الیک حبیبة اللهم انی اسئلک بمسائلک
کلها اللهم انی اسئلک من شرفک باشرفه و کل شرفک شریف اللهم انی اسئلک
بشرفک کله اللهم انی اسئلک من سلطانک بادومه و کل سلطانک دائم اللهم انی
اسئلک بسلطانک کله اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره و کل ملکک فاخر اللهم
انی اسئلک بملکک کله اللهم انی اسئلک من علوک باعلاه و کل علوک عال اللهم
انی اسئلک بعلوک کله اللهم انی اسئلک من منک باقدمه و کل منک قدیم اللهم
انی اسئلک بمنک کله اللهم انی اسئلک من آیاتک باکرمها و کل آیاتک کریمة
اللهم انی اسئلک بآیاتک کلها اللهم انی اسئلک بما انت فیه من الشأن و الجبروت
و اسئلک بکل شأن وحده و جبروت وحدها اللهم انی اسئلک بما تجیبنی حین اسئلک
فاجبنی یا الله پس هر حاجت که خواهد از الله تعالی طلب نماید که البته بر آورده است
از جمله ادعیه مشهوره سحر که ثواب آن بسیار و منافع آن بیشمار و خواندن آن باعث فیوضات
غیبیه و موجب سعادات دنیویه و اخرویه و سبب درجات عالیه و قرب حضرت احدیه
میشود و مشتمل است بر فقرات بلند و مطالب ارجمند دعائیست که اکثر از علماء
کبار و فضلاء با اعتبار مثل شیخ طوسی و سید بن طاوس و غیرهما بسندهای صحیح بسیار از ابو حمزهٔ
ثمالی رحمة الله علیه روایت کرده اند که امام الراکعین و سید الساجدین حضرت امام زین العابدین
در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر میشد این دعا را میخواندند الهی
لا تؤدبنی بعقوبتک و لا تمکر بی فی حیلتک من این لی الخیر یا رب و لا یوجد الا من عندک
و من این لی النجاة و لا تستطاع الا بک لا الذی احسن استغنی عن عونک و رحمتک
و لا الذی اساء و اجترء علیک و لم یرضک خرج عن قدرتک یا رب یا رب تا نفد
بگوید که نفس قطع شود بک عرفتک و انت دللتنی علیک و دعوتنی الیک و لو لا انت
لم ادر ما انت الحمد لله الذی ادعوه فیجیبنی و ان کنت بطیئا حین یدعونی و الحمد لله الذی
اسئله فیعطینی و ان کنت بخیلا حین یستقرضنی و الحمد لله الذی انادیه کلما شئت

واخلوا به حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي ادعوه ولا
ادعوا غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره
ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى
الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني حتى
كاني لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب
اليك مشرعة ومناهل الرجاء لديك مترعة والاستعانة بفضلك لمن املك مباحة
وابواب الدعاء اليك للصارخين مفتوحة واعلم انك للراجين بموضع اجابة و
للملهوفين بمرصد اغاثة وان في اللهف الى جودك والرضا بقضائك عوضا من منع
الباخلين ومندوحة عما في ايدي المستاثرين وان الراحل اليك قريب المسافة و
انك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال دونك وقد قصدت اليك بطلبتي
وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك توسلي من غير استحقاق
لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك وسكوني الى صدق
وعدك ولجائي الى الايمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني ان لا رب لي غيرك ولا
اله الا انت وحدك لا شريك لك اللهم انت القائل وقولك حق ووعدك صدق
واسئلوا الله من فضله ان الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي ان تامر بالسؤال
وتمنع العطية وانت المنان بالعطيات على اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رافتك
الهي ربيتني في نعمك واحسانك صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا
باحسانه وتفضله ونعمه واشار لي في الاخرة الى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي
عليك وحبي لك شفيعي اليك وانا واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى
شفاعتك ادعوك يا سيدي بلسان قد اخرسه ذنبه رب اناجيك بقلب قد اوبقه
جرمه ادعوك يا رب راهبا راغبا راجيا خائفا اذا رايت مولاي ذنوبي فزعت و
اذا رايت كرمك طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذبت فغير ظالم حجتي يا الله
في جراتي على مسالتك مع اتياني ما تكره جودك وكرمك وعدتي في شدتي مع
قلة حيائي رافتك ورحمتك وقد رجوت ان لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي
واسمع دعائي يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج عظم يا سيدي املي وساء

وساء عملي فاعطني من عفوك بمقدار املي ولا تؤاخذني باسوء عملي فان كرمك
يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وانا يا سيدي
عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك
ظنا وما انا يا رب وما خطري هبني بفضلك وتصدق علي بعفوك اي رب
جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك
ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين الي و
اخف المطلعين علي بل لانك يا رب خير الساترين واحلم الاحلمين واكرم
الاكرمين ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب تستر الذنب بكرمك و
تؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك ولك الحمد على عفوك
بعد قدرتك ويحملني ويجرئني على معصيتك حلمك عني ويدعوني الى قلة الحياء
سترك علي ويسرعني الى التوثب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك وعظيم
عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم
الاحسان اين سترك الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع
اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة اين صنائعك
السنية اين فضلك العظيم اين منك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا كريم
به وبمحمد وال محمد فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
لست اتكل في النجاة من عقابك على اعمالنا بل بفضلك علينا لانك اهل التقوى
واهل المغفرة تبدئ بالاحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما نشكر
اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت ام كثير ما منه نجيت و
عافيت يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك انت المحسن
ونحن المسيؤن فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك واي جهل يا رب لا يسعه
جودك او اي زمان اطول من اناتك وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر
اعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو نهرتني ما برحت من بابك ولا كففت
عن تملقك لما انتهى الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذب

من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف تشاء ولا تسئل عن فعلك
ولا تنازع في ملكك ولا تشارك في امرك ولا تضاد في حكمك ولا يعترض عليك احد
في تدبيرك لك الخلق والامر تبارك الله رب العالمين يا رب هذا مقام من لاذ بك
واستجار بكرمك والف احسانك ونعمك وانت الجواد الذي لا يضيق عفوك
ولا ينقص فضلك ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل
العظيم والرحمة الواسعة افتراك يا رب تخلف ظنوننا او تخيب امالنا كلا يا كريم
فليس هذا ظننا بك ولا هذا فيك طمعنا يا رب ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان
لنا فيك رجاء عظيما عصيناك ونحن نرجو ان تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو ان
تستجيب لنا فحقق رجاءنا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك
فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين
لرحمتك فانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما
انت اهله وجد علينا بسعة فضلك فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا
وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك
اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك بالذنوب خيرك الينا
نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم ياتيك عنا في كل يوم
بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بالائك فسبحانك
ما احلمك واعظمك واكرمك مبديا ومعيدا تقدست اسماؤك وجل ثناؤك
وكرم صنائعك وفعالك وانت الهي اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بفعلي
وخطيئتي فالعفو العفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا
من سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك وارزقنا
حج بيتك وزيارة قبر نبيك والائمة صلواتك ومغفرتك ورحمتك ورضوانك عليه
وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة
نبيك صلى الله عليه واله اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا اجزهما
بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء
منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا و

وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله
وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وال محمد واختم لي
بخير واكفني ما اهمني من امر دنياي واخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل
علي منك واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني من فضلك
رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك واحفظني بحفظك واكلاني
بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك
والائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف
الكريمة اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل
والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيات وتعبات وق
قمت للصلوة بين يديك وناجيتك القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني
مناجاتك اذا انا ناجيت مالي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس
التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي
لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني او لعلك رايتني مستخفا بحقك فاقصيتني
او لعلك رايتني معرضا عنك فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين
فرفضتني او لعلك رايتني معرضا عنك فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين
غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني او لعلك رايتني
آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك رايتني في الغافلين فمن رحمتك
آيستني او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي وجريرتي
كافيتني او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فان عفوت يا رب فطال ما عفوت
عن المذنبين قبلي لان كرمك اي رب يجل عن مجازات المذنبين وحلمك يكبر
عن مكافات المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت
من الصفح عمن احسن بك ظنا الهي انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني
بعملي او ان تستزلني بخطيئتي وما انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي
وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي
انا الصغير الذي ربيته وانا الجاهل الذي علمته وانا الضال الذي هديته وانا

الوضيع الذي رفعته وأنا الخائف الذي آمنته وأنا الجائع الذي أشبعته والعطشان
الذي أرويته والعاري الذي كسوته والفقير الذي أغنيته والضعيف الذي قويته
والذليل الذي أعززته والسقيم الذي شفيته والسائل الذي أعطيته والمذنب
الذي سترته والخاطئ الذي أقلته وأنا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي
نصرته وأنا الطريد الذي آويته أنا يا رب الذي لم أستحيك في الخلاء ولم أراقبك
في الملاء أنا صاحب الدواهي العظمى أنا الذي على سيده اجترى أنا الذي عصيت
جبار السماء أنا الذي أعطيت على المعاصي الجليل الرشى أنا الذي حين بشرت
بها خرجت إليها أسعى أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت و
عملت بالمعاصي فتعديت وأسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك أمهلتني وبسترك
سترتني حتى كأنك أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كأنك استحييتني
إلهي لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك جاحد ولا بأمرك مستخف ولا لعقوبتك
متعرض ولا لوعيدك متهاون لكن خطيئة عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي
وأعانني عليها شقوتي وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي
فالآن من عذابك من يستنقذني ومن أيدي الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من أتصل
إن أنت قطعت حبلك عني فوا سوأتا على ما أحصى كتابك من عملي الذي لولا
ما أرجو من كرمك وسعة رحمتك ونهيك إياي عن القنوط لقنطت عند ما أتذكرها
يا خير من دعاه داع وأفضل من رجاه راج اللهم بذمة الإسلام أتوسل إليك و
بحرمة القرآن أعتمد عليك وبحبي النبي الأمي القرشي الهاشمي العربي التهامي
المكي المدني أرجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس إيماني ولا تجعل ثوابي
ثواب من عبد سواك فإن قوما آمنوا بألسنتهم ليحقنوا به دماءهم فأدركوا ما أملوا
وإنا آمنا بك بألسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فأدركنا ما أملنا وثبت رجاءك في
صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب
فوعزتك لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما ألهم قلبي من
المعرفة بكرمك وسعة رحمتك إلى من يذهب العبد إلا إلى مولاه وإلى من يلتجي
المخلوق إلا إلى خالقه إلهي لو قرنتني بالأصفاد ومنعتني سيبك من بين الأشهاد

الأشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وأمرت بي إلى النار وحلت بيني وبين
الأبرار ما قطعت رجائي منك ولا صرفت وجه تأميلي للعفو عنك ولا خرج
حبك عن قلبي أنا لا أنسى أياديك وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل
على محمد وآل محمد وأخرج حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله
خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله عليه وآله وانقلني إلى درجة
التوبة إليك وأعني بالبكاء على نفسي فقد أفنيت بالتسويف والآمال
عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن يكون أسوأ حالا مني إن أنا
نقلت على مثل حالي إلى قبر لم أمهده لرقدتي ولم أفرشه بالعمل الصالح
لضجعتي وما لي لا أبكي ولا أدري إلى ما يكون مصيري وأرى نفسي تخادعني وأيامي
تخاتلني وقد خفقت عند فوق رأسي أجنحة الموت فما لي لا أبكي أبكي لخروج نفسي
أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق لحدي أبكي لسؤال منكر ونكير إياي أبكي لخروجي من قبري
عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري أنظر مرة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق
في شأن غير شأني لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة
ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي عليك
معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي
بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط
لساني أفبلساني هذا الكال أشكرك أم بغاية جهدي في عملي أرضيك وما قدر
لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب نعمك وإحسانك إلهي إن
جودك بسط أملي وشكرك قبل عملي سيدي إليك رغبتي ومنك رهبتي وإليك
تأميلي وقد ساقني إليك أملي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك
انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك أنست محبتي وإليك ألقيت
بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك
بردت ألم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وآل محمد
وفرق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك فإنما أسألك لقديم الرجاء فيك
وخوفي إليك وعظيم الطمع منك الذي أوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة

والامر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك وكل شيء
خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك
لساني وطاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم رجائي لا تخيبني اذا اشتدت فاقتي
اليك ولا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي
سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي وبفنائك
احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي رب استفتح دعائي ولديك
ارجو غنى فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك
ارفع بصري والى معروفك اديم نظري فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا
تسكني الهاوية فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك
فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان كان قد دنا
اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل عللي الهي
ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم اللهم
فارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد
وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي ما خفي على
الادميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا على الفراش تقلبني ايدي
احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل يقلبني صالح جيرتي وتحنن علي محمولا
قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي وجد علي منقولا قد نزلت بك وحيدا في
حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي فانك
ان وكلتني الى نفسي هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من
افزع ان فقدت عنايتك في ضجعتي والى من التجي ان لم تنفس كربتي سيدي من
لي ومن يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك يوم فاقتي والى
من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذبني وانا ارجوك اللهم حقق
رجائي وامن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجو فيها الا عفوك سيدي انا اسالك
ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي والبسني من نظرك ثوبا يغطي
علي الذنوب والتبعات وتغفرها لي ولا اطالب بها انك ذو من قديم وصفح عظيم و

عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض سيبك على من لا يسالك وعلى الجاحدين
بربوبيتك فكيف سيدي بمن سالك وايقن ان الخلق لك والامر اليك تباركت
وتعاليت يا رب العالمين الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته الخصاصة بين
يديك يقرع باب احسانك بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا
تعرض بوجهك الكريم عني واقبل مني ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء وانا
ارجوك ان لا تردني معرفة مني برافتك ورحمتك الهي انت الذي لا يحفيك سائل
ولا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسالك صبرا
جميلا وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما اسالك يا رب من الخير كله ما علمت
منه وما لم اعلم اسالك اللهم من خير ما سالك منه عبادك الصالحون يا خير
من سئل واجود من اعطى اعطني سؤلي في نفسي واهلي ووالدي وولدي واهل حزانتي
واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروتي واصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت
عمره وحسنت عمله واتممت عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة طيبة
في ادوم السرور واسبغ الكرامة واتم العيش انك تفعل ما تشاء ولا يفعل ما يشاء
غيرك اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا مما اتقرب به في اناء
الليل واطراف النهار رياء ولا سمعة ولا اشرا ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين
اللهم اعطني السعة في الرزق والامن في الوطن وقرة العين في الاهل والمال والولد
والمقام في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة في البدن والسلامة في الدين
واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك محمد واهل بيته صلى الله عليه واله ابدا
ما استعمرتني واجعلني من اوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير انزلته وتنزله
في شهر رمضان في ليلة القدر وما انت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها و
عافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز عنها وارزقني
حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا من فضلك الواسع
واصرف عني يا سيدي الاسواء واقض عني الدين والظلامات حتى لا اتاذى بشيء منه
وخذ عني باسماع وابصار اعدائي وحسادي والباغين علي وانصرني عليهم واقر عيني
وحقق ظني وفرج قلبي واجعل لي من همي وكربي فرجا ومخرجا واجعل من ارادني بسوء من

جميع خائف تحت قدمي واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي وطهرني
من الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة برحمتك وزوجني من الحور
العين بفضلك والحقني باوليائك الصالحين محمد وآله الابرار الطيبين الطاهرين
الاخيار صلوات الله عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته الهي وسيدي
وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لاطالبنك بعفوك ولئن طالبتني بجرمي
لاطالبنك بكرمك ولئن ادخلتني النار لاخبرن اهل النار بحبي لك الهي و
سيدي ان كنت لا تغفر الا لاوليائك واهل طاعتك فالى من يفزع المذنبون
وان كنت لا تكرم الا اهل الوفاء بك فبمن يستغيث المسيئون الهي ان ادخلتني
النار ففي ذلك سرور عدوك وان ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك وانا والله
اعلم ان سرور نبيك احب اليك من سرور عدوك اللهم اني اسألك ان تملأ قلبي
حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك
يا ذا الجلال والاكرام حبب الي لقاءك واحبب لقائي واجعل لي في لقائك الراحة و
الفرج والكرامة اللهم الحقني بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل
الصالحين واعني على نفسي بما تعين به الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه
واجعل ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب العالمين واعني على صالح ما اعطيتني
وثبتني يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني منه اللهم اني اسألك ايمانا لا اجل
له دون لقائك احيني ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني عليه
وابرء قلبي من الرياء والشك والسمعة في دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم اعطني
بصيرة في دينك وفهما في حكمك وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني
عن معاصيك وبيض وجهي بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك و
على ملة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل والضجر والفشل
والهم والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة والفقر والفاقة وكل
بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع
وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع وصلاة لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي
وعلى اهلي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم

العليم اللهم انه لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في
شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني وعظم
منطقي واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل
ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة واعطني يا رب جميع ما
سألتك وزدني من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت
في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا فانك
اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا وقد جئتك سائلا فلا تردني
الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق
رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك
استغثت ولذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من
يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير انك انت الرحيم
الغفور اللهم اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن
يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين ايضا اين
دعا که در اقبال سید ابن طاوس مذکور است بخواند سبحان من يعلم جوارح القلوب
سبحان من يحصي عدد الذنوب سبحان من لا يخفى عليه خافية في السموات والارضين
سبحان الرب الودود سبحان الفرد الوتر سبحان العظيم الاعظم سبحان من لا يعتدي على
اهل مملكته سبحان من لا يؤاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الحنان المنان
سبحان الرؤف الرحيم سبحان الجبار الجواد سبحان الكريم الحكيم سبحان البصير العليم
سبحان البصير الواسع سبحان الله على ادبار الليل واقبال النهار وله الحمد والمجد والعظمة
والكبرياء مع كل نفس وكل طرفة عين وكل لمحة سبق في علمه سبحانك ملء ما احصى
كتابك سبحانك زنة عرشك سبحانك سبحانك سبحانك ودر ادعية
مشترکه دهه آخر این ماه است از حضرت صادق ع منقولست که در هر شب از شبهای دهه
آخر این دعا می خواند اللهم انك قلت في كتابك شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظم حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه
القرآن وخصصته بليلة القدر وجعلتها خيرا من الف شهر اللهم وهذه ايام شهر رمضان

وقد انقضت و لياليه قد تصرمت وقد صرت يا الهي منه الى ما انت اعلم به مني واحصى
لعدده من الخلق اجمعين فاسئلك بما سألك به ملائكتك المقربون وانبياؤك
المرسلون وعبادك الصالحون ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفك رقبتي من النار
وتدخلني الجنة برحمتك وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف من كل هول اعددته ليوم
القيمة الهي اعوذ بوجهك الكريم وبجلالك العظيم ان ينقضي ايام شهر رمضان ولياليه
ولك قبلي تبعة او ذنب تؤاخذني به او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم تغفرها لي سيدي
سيدي سيدي اسئلك يا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت رضيت عني
في هذا الشهر فازدد عني رضا وان لم تكن رضيت عني فمن الان فارض عني يا ارحم الراحمين يا الله
يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد و بسيار مي گفت يا ملين الحديد
لداود عليه السلام يا كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب عليه السلام اي مفرج هم
يعقوب عليه السلام اي منفس غم يوسف عليه السلام صل على محمد وآل محمد كما انت اهله
ان تصلي عليهم اجمعين وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله ايضا و از حضرت صادق منقولست
كه در هر شب از شبهاي ماه رمضان بعد از فرايض و نوافل اين دعا بخوانند اللهم اد الينا حق ما
مضى من شهر رمضان فاغفر لنا تقصيرنا فيه وتسلمه منا مقبولا ولا تؤاخذنا باسرافنا على
انفسنا واجعلنا من المرحومين ولا تجعلنا من المحرومين ايضا و از آنحضرت روايتست كه در هر شب
از اين ماه بعد از اين دعا بخوانند اعوذ بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر رمضان او يطلع
الفجر من ليلتي هذه ويبقى لك عندي تبعة او ذنب تعذبني عليه يوم القاك ايضا در كفعمي ذكر
شده كه در اين ده شب اين دعا بخوانند اللهم لا تمتحني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني
يا رب برزق واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم و
غم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد من خلقك ووفقني لما
وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا الساعة الساعة ايضا بگو
كه [illegible] شود ايضا در ادعيه مشتركه هر روز اين ماه منقولست كه در اين تسبيحست صد مرتبه
سبحان الضار النافع سبحان القاضي بالحق سبحان العلي الاعلى سبحانه وتعالى سبحا
نه وبحمده ديگر دعاي صحيح است كه شيخ كليني از حضرت امام جعفر صادق ع نقل نموده اللهم اني بك
ومنك اطلب حاجتي ومن طلب حاجته الى احد من الناس فاني لا اطلب حاجتي الا منك

وحدك لا شريك لك واسئلك بفضلك ورضوانك ان تصلي على محمد واهل
بيته وان تجعل لي في عامي هذا الى بيتك الحرام سبيلا حجة مبرورة متقبلة زاكية خالصة
لك تقر بها عيني وترفع بها درجتي وترزقني ان اغض بصري وان احفظ فرجي وان
اكف بها عن جميع محارمك حتى لا يكون شيء آثر عندي من طاعتك وخشيتك والعمل
بما احببت والترك لما كرهت ونهيت عنه واجعل ذلك في يسر ويسار وعافية
واعني بشكر ما انعمت به علي واسئلك ان تجعل وفاتي قتلا في سبيلك تحت راية
نبيك محمد صلى الله عليه وآله مع اوليائك واسئلك ان تقتل بي اعداءك
واعداء رسولك واسئلك ان تكرمني بهوان من شئت من خلقك ولا تهني
بكرامة احد من اوليائك اللهم اجعل لي مع الرسول سبيلا حسبي الله ما شاء الله
دعا ايضا ابن باقي در كتاب اختيار ذكر كرده كه در هر روز ماه اين دعا بخوانند تا بيامرزد
الله تعالى گناهان ايشانرا اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن
وافترضت على عبادك فيه الصيام وارزقني حج بيتك الحرام في هذا العام وفي
كل عام واغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك يا ذا الجلال والاكرام دعا
ايضا شيخ طوسي در تهذيب و مصباح بسند معتبر روايت نموده كه حضرت امام زين العابدين ع
وامام محمد باقر ع در هر روز اين ماه مبارك اين دعا ميخواندند اللهم هذا شهر رمضان
الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر
الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة
والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر
التي هي خير من الف شهر اللهم صل على محمد وآل محمد واعني على صيامه وقيامه
وسلمه لي وسلمني فيه واعني عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة
رسولك واوليائك صلوات الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة
كتابك وعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية واحرز لي فيه التوبة واصح
لي فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه
رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسأمة و
الفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه العلل والاسقام والهموم والاحزان و

الاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد و
البلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وال محمد واعذني فيه
من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وبطشه و
كيده ومكره وحبائله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه واتباعه
واشياعه واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا
قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا و
احتسابا وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب
العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة والجد والاجتهاد و
القوة والنشاط والتوبة والتوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع
والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك و
التوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي
ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض و
لا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية
لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال
محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي
اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة
والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والاخرة اللهم
صل على محمد وال محمد واجعل دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه
نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه
الاكثر وحظي فيه الاوفر اللهم صل على محمد وال محمد ووفقني فيه لليلة القدر على
افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي
خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته
بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك
ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا في شهرنا هذا
الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر و

عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه القران ورب جبرئيل وميكائيل
واسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى
وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين والمرسلين صلواتك عليه
وعليهم اجمعين واسئلك بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت عليه وآله اجمعين
ونظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضا لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي
ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني جميع ما اكره واحذر واخاف على نفسي
وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من
ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين
واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا انك
سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سأل العبد ربه
ولم يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى رغبة الراغبين
ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين
ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف
الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وال محمد واغفر لي
ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك
فانه لا يملكها غيرك واعف عني واغفر لي كلما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من
عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل
من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والاخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة
فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب
لي جميع ما سألتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون
اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك باسمك بسم الله
الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي على
محمد وال محمد وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وآتني
في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة

تنزّل الملائكة والروح فيها فاخّرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك
وحسن عبادتك فصلّ على محمّد وآل محمّد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد
يا صمد يا ربّ محمّد وآل محمّد اغضب اليوم لمحمّد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا و
احصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا
خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البديء البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم
غير الغافل والحيّ الذي لا يموت انت كلّ يوم في شان انت خليفة محمّد وناصر محمّد
ومفضّل محمّد اسئلك ان تنصر وصيّ محمّد وخليفة محمّد والقائم بالقسط من اوصياء
محمّد صلواتك عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحقّ لا اله الا انت
صلّ على محمّد وآل محمّد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك
ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيّدي باللطف بلى انّك لطيف
فصلّ على محمّد وآل محمّد والطف بي انّك لطيف لما تشاء اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
وارزقني الحجّ والعمرة في عامنا هذا وفي كلّ عام وتطوّل عليّ بجميع حوائجي للدنيا والآخرة
سه مرتبه بگويد استغفر الله ربّي واتوب اليه انّ ربّي قريب مجيب استغفر الله
ربّي واتوب اليه انّ ربّي رحيم ودود استغفر الله ربّي واتوب اليه انّه كان
غفّارا اللّهمّ اغفر لي انّك انت ارحم الراحمين ربّ انّي عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر
لي انّه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحيّ القيّوم الحليم
العظيم العليم الكريم الغفّار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله انّ الله كان
غفورا رحيما وبعد از ان بگويد اللّهمّ انّي اسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان
تجعل فيما تقضي وتقدّر من الامر العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء الذي
لا يردّ ولا يبدّل ان تكتبني من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المشكور سعيهم المغفور
ذنوبهم المكفّر عنهم سيّئاتهم وان تجعل فيما تقضي ان تطيل عمري وتوسّع رزقي وتؤدّي
عنّي امانتي وديني آمين ربّ العالمين اللّهمّ اجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني
من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس ومن حيث لا احترز
وصلّى الله على محمّد وآله وسلّم كثيرا وايضا اين تسبيحات بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست كه در هر روز اين را بخوانند سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله

سبحان الله خالق الازواج كلّها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كلّ شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا
يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله السميع الذي
ليس شيء اسمع منه يسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في
ظلمات البرّ والبحر ويسمع الانين والشكوى ويسمع السرّ واخفى ويسمع وساوس
الصدور ولا يصمّ سمعه صوت سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان
الله خالق الازواج كلّها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله البصير الذي ليس شيء ابصر منه يبصر
من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات البرّ والبحر لا تدركه
الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمة ولا
يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه برّ ولا بحر ولا يكنّ منه جبل
ما في اصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر منه صغير ولا كبير
ولا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوّركم في الارحام كيف
يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر
سبحان الله خالق الازواج سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق
الحبّ والنوى سبحان الله خالق كلّ شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب
الثقال ويسبّح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها
من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته و
ينبت النبات بقدرته ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال
ذرّة في الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين سبحان
الله بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الازواج كلّها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كلّ شيء
سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ
العالمين سبحان الله الذي يعلم ما تحمل كلّ انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكلّ

شیء عنده بمقدار عالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال سواء منکم من اسر القول ومن
جهر به ومن هو مستخف باللیل وسارب بالنهار له معقبات من بین یدیه ومن خلفه
یحفظونه من امر الله سبحان الله الذی یمیت الاحیاء ویحیی الموتی ویعلم ما تنقص الارض
منهم ویقر فی الارحام ما یشاء الی اجل مسمی سبحان الله باریء النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری
سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله مالک الملک یؤتی الملک
من یشاء وینزع الملک ممن یشاء ویعز من یشاء ویذل من یشاء بیدک الخیر انک علی کل
شیء قدیر یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل ویخرج الحی من المیت ویخرج المیت من
الحی ویرزق من یشاء بغیر حساب سبحان الله باریء النسم سبحان الله المصور سبحان الله
خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی
سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته
سبحان الله رب العالمین سبحان الله الذی عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم
ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب
ولا یابس الا فی کتاب مبین سبحان الله باریء النسم سبحان الله المصور سبحان الله
خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی
سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته
سبحان الله رب العالمین سبحان الله الذی لا یحصی مدحته القائلون ولا یجزی بآلائه
الشاکرون والعابدون وهو کما قال وفوق ما نقول والله سبحانه کما اثنی علی نفسه ولا
یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما و
هو العلی العظیم سبحان الله باریء النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق
کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب
العالمین سبحان الله الذی یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما
یعرج فیها ولا یشغله ما یلج فی الارض وما یخرج منها عما ینزل من السماء وما یعرج فیها

یعرج فیها ولا یشغله ما ینزل من السماء وما یعرج فیها عما یلج فی الارض وما یخرج منها
ولا یشغله علم شیء عن علم شیء ولا یشغله خلق شیء عن خلق شیء ولا حفظ شیء عن حفظ
شیء ولا یساویه شیء ولا یعدله شیء لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر سبحان الله
باریء النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله
خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله
فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی
الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها وما
یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم سبحان الله باریء النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری
سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله الذی یعلم ما فی السموات
وما فی الارض ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم
ولا ادنی من ذلک ولا اکثر الا هو معهم اینما کانوا ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیمة ان
الله بکل شیء علیم پس بخواند صلوات را که در اعمال روز جمعه گذشت [illegible] از جمله
دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائیست که سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهة
آن روایت کرده است و در استجابت معروف مجرب است و بر مضامین عالیه مشتمل است و
دعا اینست اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه مرتبه اللهم انی
اسألک من بهائک بابهاه وکل بهائک بهی اللهم انی اسألک ببهائک کله
اللهم انی اسألک من جلالک باجله وکل جلالک جلیل اللهم انی اسألک بجلالک کله
اللهم انی اسألک من جمالک باجمله وکل جمالک جمیل اللهم انی اسألک بجمالک کله
پس سه مرتبه اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسألک
من عظمتک باعظمها وکل عظمتک عظیمة اللهم انی اسألک بعظمتک کلها اللهم
انی اسألک من نورک بانوره وکل نورک نیر اللهم انی اسألک بنورک کله اللهم
انی اسألک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم انی اسألک برحمتک کلها

بس سه مرتبه اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني بس بگوید اللهم
إني أسألك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك بكمالك كله
اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم إني أسألك بكلماتك
كلها اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها وكل أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك
بأسمائك كلها بس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني بس بگوید
اللهم إني أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة اللهم إني أسألك بعزتك
كلها اللهم إني أسألك من مشيتك بأمضاها وكل مشيتك ماضية اللهم إني
أسألك بمشيتك كلها اللهم إني أسألك بقدرتك التي استطلت بها على كل
شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم إني أسألك بقدرتك كلها بس سه مرتبه بگوید
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني بس بگوید اللهم إني أسألك من
علمك بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم إني أسألك بعلمك كله اللهم إني أسألك
من قولك بأرضاه وكل قولك رضي اللهم إني أسألك بقولك كله اللهم إني أسألك
من مسائلك بأحبها إليك وكل مسائلك حبيبة إليك اللهم إني أسألك بمسائلك
كلها بس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني بس بگوید اللهم
إني أسألك من شرفك بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم إني أسألك بشرفك
كله اللهم إني أسألك من سلطانك بأدومه وكل سلطانك دائم اللهم إني أسألك
بسلطانك كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره وكل ملكك فاخر اللهم إني أسألك
بملكك كله بس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني بس
اللهم إني أسألك من علائك بأعلاه وكل علائك عال اللهم إني أسألك بعلائك كله
اللهم إني أسألك من منك بأقدمه وكل منك قديم اللهم إني أسألك بمنك كله اللهم
إني أسألك من آياتك بأعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم إني أسألك بآياتك كلها
بس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني بس بگوید اللهم إني
أسألك من فضلك بأفضله وكل فضلك فاضل اللهم إني أسألك بفضلك كله
اللهم إني أسألك من رزقك بأعمه وكل رزقك عام اللهم إني أسألك برزقك
كله اللهم إني أسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك هني اللهم إني أسألك بعطائك

كله اللهم إني أسألك من خيرك بأعجله وكل خيرك عاجل اللهم إني أسألك
بخيرك كله اللهم إني أسألك من إحسانك بأحسنه وكل إحسانك حسن اللهم
إني أسألك بإحسانك كله اللهم إني أسألك بما تجيبني به حين أدعوك فأجبني
يا الله نعم وحرمتك يا الله اللهم إني أسألك بما أنت فيه من الشأن والجبروت
اللهم إني أسألك بكل شأن وجبروت اللهم إني أسألك بشأنك وجبروتك
كلها اللهم إني أسألك بما تجيبني به حين أسألك به فأجبني يا الله صل على
محمد وآل محمد پس هر حاجت که داری بطلب پس بگو اللهم صل على محمد وآل محمد
وابعثني على الإيمان بك والتصديق برسولك والولاية لعلي بن أبي طالب عليه
السلام والائتمام بالأئمة من آل محمد والبراءة من أعدائهم فإني قد رضيت
بذلك يا رب اللهم صل على محمد وآل محمد وأسألك خير الخير رضوانك والجنة و
أعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل
مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر
ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض
في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم
صل على محمد وآل محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة و
من كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع
حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض
في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة
اللهم إن كانت ذنوبي قد أخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك أو غيرت حالي
عندك فإني أسألك بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ وبوجه حبيبك محمد المصطفى
وبوجه وليك علي المرتضى وبحق أوليائك الذين انتجبتهم أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تغفر لي ولوالدي وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا
كلها صغيرها وكبيرها وأن تختم لنا بالصالحات وأن تقضي لنا الحاجات والمهمات و
صالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا بحق محمد وآله اللهم صل على محمد وآل محمد آمين
آمين آمين ما شاء الله كان لا حول ولا قوة إلا بالله سبحان ربك رب العزة عما

يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس ستهار الجانب يمان
بلند كن وميل دركردن راببوي ودوش چپ خود و گريه كن واگر نيايد بخود را بگريه بدار پس
بگو يا لا اله الا انت اسئلك بحق من حقه عليك عظيم يا لا اله الا انت اسئلك ببهاء
لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت ا
بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بنور لا اله الا انت يا لا اله الا
انت اسئلك بكمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بعزة لا اله الا انت
يا لا اله الا انت اسئلك بعظيم لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بقول لا
اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بشرف لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسئلك بعلاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بلا اله الا انت يا لا اله الا
انت يا رباه يا رباه يا رباه انقدر بگويد كه بيكنفس وفا كند پس بگويد برهمان حالتي كه بود گريه
كج كرده بسوي دوش چپ اسئلك يا سيدي پس بگويد يا الله يا رباه انقدر كه بيكنفس وفا كند
پس بگويد يا سيداه يا مولاه يا غياثاه يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين اسئلك بحق
فلم يسئلك نبي واسئلك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي مرسل او ملك مقرب
او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت دعوته منه واتوجه اليك بمحمد نبيك
نبي الرحمة واقدمه بين يدي حوائجي يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي اتوجه بك الى
ربك وربي واقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه يا رباه اسئلك بك فلم يسئلك
نبي واتوجه اليك بمحمد حبيبك وبعترته الهادية واقدمهم بين يدي حوائجي و
اللهم بحياتك التي لا تموت وبنور وجهك الذي لا يطفا وبعينك التي لا تنام واسئلك
بحق من حقه عليك عظيم ان تصلي على محمد وآل محمد قبل كل شيء وبعد كل شيء وعدد
كل شيء وزنة كل شيء وملا كل شيء اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد عبدك المصطفى
ورسولك المرتضى وامينك المصطفى ونجيك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من
خلقك اجمعين النذير البشير السراج المنير وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المطهرين
الاخيار الابرار وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى
انبيائك الذين ينبئون بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك
الائمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت

ورضوان

ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار والروح القدس وحملة العرش ومنكر
ونكير وعلى الملكين الحافظين علي بالصلوة التي تحب ان تصلي بها عليهم صلوة
كثيرة طيبة مباركة زاكية نامية طاهرة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على
الاولين والآخرين اللهم اني اسئلك ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي
وتنجح طلبتي وتقضي حاجاتي وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني عثرتي وتتجاوز
عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا
تعذبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه واهنائه وامرائه
واسبغه واكثره ولا تحرمني يا رب النظر الى وجهك الكريم والفوز بالجنة والعتق من
النار واقض عني يا رب ديني وامانتي وضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا
مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجت
منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگويد اللهم
اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگويد اللهم اني اسئلك قليلا من
كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل
يسير فامنن به علي انك على كل شيء قدير اللهم رحمتك في الصالحين فادخلنا وفي
عليين فارفعنا وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا
ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا
ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا
في سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا يا خالقنا اسمع
واستجب لنا واذا جمعت الاولين والآخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار واماناً
من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي
هوانك وعذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا
فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت
بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم اني اسئلك ولم يسئل مثلك وارغب اليك ولم
يرغب الى مثلك يا رب انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسئلك
اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا رحمن وباسمك المخزون المكنون الاعز الاجل

الاعظم الذي تحبه وتهويه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعائه وحق عليك
يارب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسئلك بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو لك
في بر او بحر او سهل او جبل او عند بيتك الحرام او في سبيل من سبلك فادعوك يارب
دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه واشرفت على الهلكة
نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه سادا ولا لذنبه غافرا ولا لعثرته
مقيلا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا متجبر
لا متجبر ولا متعظم بل بائس فقير خائف مستجير اسئلك يا الله يا رحمن يا رحيم يا حنان
يا منان بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد وآل محمد صلوة
كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية شريفة اسئلك اللهم ان تغفر لي في شهري هذا
وترحمني وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما اعطيت احدا من خلقك وخير ما
انت معطيه ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ اسكنتني ارضك الى يومي
هذا بل اجعله علي اتمه نعمة واعمه عافية واوسعه رزقا واجزله واهناه اللهم
اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم ان تغرب الشمس من يومي هذا او ينقضي بقية
هذا اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب او
خطيئة تريد ان تقايسني بها او تؤاخذني بها او توقفني بها موقف خزي في الدنيا و
الآخرة او تعذبني يوم القاك يا ارحم الراحمين اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك
ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة
لا يقضيها دونك اللهم فكما كان من شانك ما اردتني به من مسألتك ورحمتني به من
ذكرك فليكن من شانك الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت اليك منه
يا ملين الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب ويا مفرج غم يعقوب
ومنفس كرب يوسف صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله ما انت اهل التقوى
واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة وانت لي في كل امر
نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه القريب
ويشمت فيه العدو انزلته بك وشكوته اليك رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته
وكشفته وكفيته فانت ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ

اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا حتى تمسي
اللهم اني اسئلك بركة يومي هذا وما نزل فيه من عافية ومغفرة ورحمة ورضوان
ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى والدي وولدي واهلي وعيالي واهل حزانتي ومن
احببت واحببني وولدت وولدني اللهم اني اعوذ بك من الشك والشرك والحسد
والبغي والحمية والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن
وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد وآله واكفني المهم من امري بما شئت و
كيف شئت پس بخوان سوره حمد و آية الكرسي و بگو اللهم انك قلت لنبيك صلى الله
عليه وآله ولسوف يعطيك ربك فترضى اللهم ان نبيك ورسولك وحبيبك
وخيرتك من خلقك لا يرضى بان تعذب احدا من امته دانوا بولايته وموالاة
الائمة من اهل بيته وان كان مذنبا خاطئا في نار جهنم فاجرني يارب من جهنم و
عذابها واجمعني بمحمد وآل محمد يا ارحم الراحمين يا جامعا بين اهل الجنة على تألف
من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم اخوانا على سرر
متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من خلقها له ويا مفرج حزن كل محزون
يا مؤنس كل غريب يا راحمي في غربتي وفي كل احوالي بحسن الحفظ والكلائة لي يا مفرج
ما بي من الضيق والخوف صل على محمد وآل محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادتي
وسادتي وهداتي وموالي يا مؤلفا بين الاحباء صل على محمد وآل محمد ولا تفجعني
بانقطاع رؤية محمد وآل محمد عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم وكل ما سألتك يارب
ادعوك الهي فاستجب دعائي اياك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك بانقطاع
نجيي ووجوب محبتك ان تغفر لي اللهم اعوذ من خزي يوم الحشر ومن شر ما يجيء من
الدهر ومن شر الاعداء وصغر الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال النعمة و
فجاءة النقمة اللهم اجعل لي فيما بحثاك كانه يراك الى يوم يلقاك و دو ركعت كه
در اوقات ديگر هر گاه پيش آيد رود مهد با حاجت ضروري بهم رسد بايد بجا آورد و خواند
لمع چهارم در اعمال مخصوصه با وقات معينه اين ماهست مشتمل بر دو قسم قسم اول در اعمال
شبهاي معينه اين ماه است شب اول شبيست طلب ماه نمودن و بعضي واجب
دانسته اند و آداب و ادعيه مشترکه هر ماه نموديم و مختصه باين ماه در فصل اول و دوم

مقصد سیم مذکور شد و سنت است در این شب غسل کردن چنانچه از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد
با طهارت معنوی باشد تا رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول رمضان
غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و سنت است زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کردن
چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول رمضان یا شب میان یا شب آخر
زیارت آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ درختان و از گناهان بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و ثواب حج و عمره خدای تعالی باو عطا کند دیگر از اعمال
این شب نماز است که در نمازهای مقرری سه شب مذکور خواهد شد دیگر خواندن
ادعیه است از آنجمله دعائیست که در شب آخر ماه شعبان نوشته شد دیگر در سفینة النجاة
ایراد نموده که دعای جوشن کبیر در این شب خواندن مناسب است دیگر خواندن سوره انا فتحنا است
دیگر خواندن این دعاست که در کافی و اقبال نقل شده اللهم رب شهر رمضان و
منزل القرآن هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن و انزلت فیه آیات بینات
من الهدی و الفرقان اللهم ارزقنا صیامه و اعنا علی قیامه اللهم سلمه لنا و تسلمه منا
فی یسر منک و معافاة و اجعل فیما تقضی و تقدر من الامر المحتوم فیما یفرق من الامر
الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام
المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم و اجعل فیما تقضی و تقدر ان
تطول فی عمری و توسع علی من الرزق الحلال دیگر دعای حج است اللهم انی بک
و منک اطلب حاجتی تا آخر که در ضمن ادعیه مشترکه هر روز مذکور شد دیگر خواندن
دعای صحیفه کامله است الحمد لله الذی هدانا لحمده و جعلنا من اهله لنکون لاحسانه
من الشاکرین و لیجزینا علی ذلک جزاء المحسنین و الحمد لله الذی حبانا بدینه و اختصنا
بملته و سبلنا فی سبل احسانه لنسلکها بمنه الی رضوانه حمدا یتقبله منا و یرضی به
عنا و الحمد لله الذی جعل من تلک السبل شهره شهر رمضان شهر الصیام و شهر الاسلام
و شهر الطهور و شهر التمحیص و شهر القیام الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات
من الهدی و الفرقان فابان فضیلته علی سایر الشهور بما جعل له من الحرمات الموفورة
و الفضائل المشهورة فحرم فیه ما احل فی غیره اعظاما و حجر فیه المطاعم و المشارب اکراما

اکراما و جعل له وقتا بینا لا یجیز جل و عز ان یقدم قبله و لا یقبل ان یؤخر عنه ثم فضل
لیلة واحدة من لیالیه علی لیالی الف شهر و سماها لیلة القدر تنزل الملائکة
و الروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام دائم البرکة الی طلوع الفجر علی من
یشاء من عباده بما احکم من قضائه اللهم صل علی محمد و آله و الهمنا معرفة فضله
و اجلال حرمته و التحفظ مما حظرت فیه و اعنا علی صیامه بکف الجوارح عن معاصیک
و استعمالها فیه بما یرضیک حتی لا نصغی باسماعنا الی لغو و لا نسرع بابصارنا
الی لهو و حتی لا نبسط ایدینا الی محظور و لا نخطو باقدامنا الی محجور و حتی لا تعی
بطوننا الا ما احللت و لا تنطق السنتنا الا بما مثلت و لا نتکلف الا ما یدنی
من ثوابک و لا نتعاطی الا الذی یقی من عقابک ثم خلص ذلک کله من ریاء المرائین
و سمعة المسمعین لا نشرک فیه احدا دونک و لا نبتغی به مرادا سواک اللهم صل علی
محمد و آله و قفنا فیه علی مواقیت الصلوات الخمس بحدودها التی حددت و فروضها
التی فرضت و وظائفها التی وظفت و اوقاتها التی وقت و انزلنا فیها منزلة المصیبین
لمنازلها الحافظین لارکانها المؤدین لها فی اوقاتها علی ما سنه محمد عبدک و
رسولک صلواتک علیه و آله فی رکوعها و سجودها و جمیع فواضلها علی اتم الطهور
و اسبغه و ابین الخشوع و ابلغه و وفقنا فیه لان نصل ارحامنا بالبر و الصلة و ان
نتعاهد جیراننا بالافضال و العطیة و ان نخلص اموالنا من التبعات و ان نطهرها
باخراج الزکوات و ان نراجع من هاجرنا و ان ننصف من ظلمنا و ان نسالم من عادانا
حاشی من عودی فیک و لک فانه العدو الذی لا نوالیه و الحزب الذی لا نصافیه
و ان نتقرب الیک فیه من الاعمال الزاکیة بما تطهرنا به من الذنوب و تعصمنا فیه
مما نستانف من العیوب حتی لا یورد علیک احد من ملائکتک الا دون ما نورد من
ابواب الطاعة لک و انواع القربة الیک اللهم انی اسالک بحق هذا الشهر و بحق
من تعبد لک فیه من ابتدائه الی وقت فنائه من ملک قربته او نبی ارسلته او
عبد صالح اختصصته ان تصلی علی محمد و آله و اهلنا فیه لما وعدت اولیاءک من
کرامتک و اوجب لنا فیه ما اوجبت لاهل المبالغة فی طاعتک و اجعلنا فی نظم من
استحق الرفیع الاعلی برحمتک اللهم صل علی محمد و آله و جنبنا الالحاد فی توحیدک

والتقصير في تمجيدك والشك في دينك والعمى عن سبيلك والإغفال لحرمتك والانخداع
لعدوك الشيطان الرجيم اللهم صل على محمد وآله وإذا كان لك في كل ليلة من
ليالي شهرنا هذا رقاب يعتقها عفوك أو يهبها صفحك فاجعل رقابنا من تلك الرقاب
واجعلنا لشهرنا من خير أهل وأصحاب اللهم صل على محمد وآله وامحق ذنوبنا مع
امحاق هلاله واسلخ عنا تبعاتنا مع انسلاخ أيامه حتى ينقضي عنا وقد صفيتنا
فيه من الخطيئات وأخلصتنا فيه من السيئات اللهم صل على محمد وآله وإن
ملنا فيه فعدلنا وإن زغنا فيه فقومنا وإن اشتمل علينا عدوك الشيطان
فاستنقذنا منه اللهم اشحنه بعبادتنا إياك وزين أوقاته بطاعتنا لك وأعنا
في نهاره على صيامه وفي ليله على الصلاة والتضرع إليك والخشوع لك والذلة
بين يديك حتى لا يشهد نهاره علينا بغفلة ولا ليله بتفريط اللهم واجعلنا في
سائر الشهور والأيام كذلك ما عمرتنا واجعلنا من عبادك الصالحين الذين يرثون
الفردوس هم فيها خالدون والذين يؤتون ما آتوا وقلوبهم وجلة أنهم إلى ربهم راجعون
ومن الذين يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون اللهم صل على محمد وآله في
كل وقت وكل أوان وعلى كل حال عدد ما صليت على من صليت عليه وأضعاف
ذلك كله بالأضعاف التي لا يحصيها غيرك إنك فعال لما تريد. نمازهای شبها
این ماه است شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید است شب دوم
چهار رکعت است در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه شب سوم ده رکعت در هر رکعت
حمد و پنجاه مرتبه توحید شب چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست انا انزلناه شب پنجم دو
رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد
شب ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک شب هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و
سیزده مرتبه انا انزلناه شب هشتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده توحید و بعد از سلام هزار
مرتبه سبحان الله شب نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه
آیة الکرسی و بعد از تمام پنجاه بار اللهم صل على محمد وآل محمد شب دهم بیست رکعت در هر رکعت
حمد و سی مرتبه توحید شب یازدهم دو رکعت در هر رکعت فاتحه یکبار و سوره انا اعطیناک بیست
شب دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی انا انزلناه شب سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و

و بیست و پنج توحید شب ١٤ شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه سوره اذا زلزلت شب ١٥
چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر حمد و پنجاه توحید
شب ١٦ دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده سوره الهکم التکاثر شب ١٧ دو رکعت در
رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دویم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد
مرتبه لا اله الا الله شب ١٨ چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج انا اعطینا شب ١٩
پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه خواند
زیرا که مشکل است در یک شب هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن و بیستم و بیست و یکم و
بیست و دویم و بیست و سیم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که خواهد شب ٢٥
هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده توحید شب ٢٦ هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد و
شب ٢٧ چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک و اگر نداند بیست و پنج توحید شب ٢٨ شش رکعت
در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه انا اعطینا و بعد از
نماز صد مرتبه صلوات شب ٢٩ دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست توحید شب ٣٠ دوازده رکعت
در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات است
در اعمال روزهاست روز اول از حضرت صادق منقولست که در آب جاری غسل کند و سی کف
آب بر سر بریزد و فرمود چون در اول سال همچنین کند از جمیع بیماریها ایمن گردد تا سال آینده
و ایضا فرمود هرگاه کفی از گلاب در روز اول این ماه بروی بزند از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر
هر روز بکند از این بلاها ایمن گردد و ایضا فرمود هرگاه کفی از گلاب بر سر بریزد در این سال از
مرض برسام ایمن گردد و در روز اول این دعا سنتست که بخواند اللهم قد حضر شهر رمضان
وقد افترضت علينا صيامه وأنزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى و
الفرقان اللهم أعنا على صيامه وتقبله منا وسلمه لنا في يسر منك وعافية إنك
على كل شيء قدير و ایضا از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک رمضان داخل
شد این دعا بخوانند اللهم إنه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذي
أنزلت فيه القرآن وجعلته بينات من الهدى والفرقان اللهم فبارك لنا في شهر رمضان
وأعنا على صيامه وصلاته وتقبله منا و ایضا از حضرت بسند معتبر منقولست که هر که در
داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند که در رکعت اول بعد از

حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال
از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب یا روز اول ماه دعای صحیفه
کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت
کرده اند که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود در ماه مبارک رمضان در
اول سال یعنی در روز اول ماه هرگاه این دعا بخوانند در آن سال از جمیع بلاها محفوظ گردند دعا
این است اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی دانَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتی وَسِعَتْ كُلَّ
شَیْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتی تَواضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتی قَهَرَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی
خَضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتی غَلَبَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذی اَحاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ یا نُورُ یا
قُدُّوسُ یا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ وَیا باقی بَعْدَ كُلِّ شَیْءٍ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ
الَّتی تَقْطَعُ الرَّجاءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُدیلُ الْاَعْداءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَرُدُّ
الدُّعاءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی یُسْتَحَقُّ بِها نُزُولُ الْبَلاءِ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ غَیْثَ
السَّماءِ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَكْشِفُ الْغِطاءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُعَجِّلُ الْفَناءَ وَ
اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَاَلْبِسْنی
دِرْعَكَ الْحَصینَةَ الَّتی لا تُرامُ وَعافِنی مِنْ شَرِّ ما اُحاذِرُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ فی مُسْتَقْبَلِ
سَنَتی هٰذِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ وَ
رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثانی وَالْقُرْآنِ الْعَظیمِ وَرَبَّ اِسْرافیلَ وَمیكائیلَ وَ
جَبْرَئیلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ وَخاتَمِ النَّبِیّینَ اَسْأَلُكَ بِكَ وَبِما
سَمَّیْتَ بِهِ یا عَظیمُ اَنْتَ الَّذی تَمُنُّ بِالْعَظیمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطی كُلَّ جَزیلٍ وَتُضاعِفُ
مِنَ الْحَسَناتِ بِالْقَلیلِ وَبِالْكَثیرِ وَتَفْعَلُ ما تَشاءُ یا قَدیرُ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ
بَیْتِهِ وَاَلْبِسْنی فی مُسْتَقْبَلِ سَنَتی هٰذِهِ سِتْرَكَ وَنَضِّرْ وَجْهی بِنُورِكَ وَاَحِبَّنی بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنی
رِضْوانَكَ وَشَریفَ كَرامَتِكَ وَجَسیمَ عَطِیَّتِكَ وَاَعْطِنی مِنْ خَیْرِ ما عِنْدَكَ وَمِنْ خَیْرِ ما اَنْتَ
مُعْطیهِ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَاَلْبِسْنی مَعَ ذٰلِكَ عافِیَتَكَ یا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوی وَیا شاهِدَ
كُلِّ نَجْوی وَیا عالِمَ كُلِّ خَفِیَّةٍ وَیا دافِعَ ما تَشاءُ مِنْ بَلِیَّةٍ یا كَریمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ
تَوَفَّنی عَلٰی مِلَّةِ اِبْراهیمَ وَفِطْرَتِهِ وَعَلٰی دینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ وَعَلٰی خَیْرِ

الْوَفاةِ فَتَوَفَّنی مُوالِیاً لِاَوْلِیائِكَ مُعادِیاً لِاَعْدائِكَ اَللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنی فی هٰذِهِ
السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ یُباعِدُنی مِنْكَ وَاجْلِبْنی اِلٰی كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ
اَوْ فِعْلٍ یُقَرِّبُنی مِنْكَ فی هٰذِهِ السَّنَةِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَامْنَعْنی مِنْ كُلِّ عَمَلٍ
اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ یَكُونُ مِنّی اَخافُ ضَرَرَ عاقِبَتِهِ وَاَخافُ مَقْتَكَ اِیّایَ عَلَیْهِ
حِذاراً اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَریمَ عَنّی فَاَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظٍّ لی عِنْدَكَ
یا رَؤُوفُ یا رَحیمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی فی مُسْتَقْبَلِ سَنَتی هٰذِهِ فی حِفْظِكَ وَفی جِوارِكَ وَفی
كَنَفِكَ وَجَلِّلْنی سِتْرَ عافِیَتِكَ وَهَبْ لی كَرامَتَكَ عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا
اِلٰهَ غَیْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی تابِعاً لِصالِحی مَنْ مَضی مِنْ اَوْلِیائِكَ وَاَلْحِقْنی بِهِمْ وَ
اجْعَلْنی مُسَلِّماً لِمَنْ قالَ بِالصِّدْقِ عَلَیْكَ مِنْهُمْ وَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ تُحیطَ بی خَطیئَتی
وَظُلْمی وَاِسْرافی عَلٰی نَفْسی وَاتِّباعی لِهَوایَ وَاشْتِغالی بِشَهَواتی فَیَحُولُ ذٰلِكَ بَیْنی وَ
بَیْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ فَاَكُونَ مَنْسِیّاً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنی
لِكُلِّ عَمَلٍ صالِحٍ تَرْضی بِهِ عَنّی وَقَرِّبْنی اِلَیْكَ زُلْفی اَللّٰهُمَّ كَما كَفَیْتَ نَبِیَّكَ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَاَنْجَزْتَ لَهُ
عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِنی هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفاتِها وَاَسْقامَها وَفِتْنَتَها وَشُرُورَها
وَاَحْزانَها وَضیقَ الْمَعاشِ فیها وَبَلِّغْنی بِرَحْمَتِكَ كَمالَ الْعافِیَةِ بِتَمامِ دَوامِ النِّعْمَةِ عِنْدی
اِلٰی مُنْتَهی اَجَلی اَسْأَلُكَ سُؤالَ مَنْ اَساءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ وَاَسْأَلُكَ اَنْ
تَغْفِرَ لی ما مَضی مِنَ الذُّنُوبِ الَّتی حَصَرَتْها حَفَظَتُكَ وَاَحْصَتْها كِرامُ مَلائِكَتِكَ عَلَیَّ وَاَنْ
تَعْصِمَنی اَللّٰهُمَّ مِنَ الذُّنُوبِ فیما بَقِیَ مِنْ عُمْری اِلٰی مُنْتَهی اَجَلی یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنی كُلَّ ما سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ اِلَیْكَ فیهِ فَاِنَّكَ
اَمَرْتَنی بِالدُّعاءِ وَتَكَفَّلْتَ لی بِالْاِجابَةِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و دعاهای روزها
که از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز
ماه مبارک رمضان بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار
برای آن دعاها ذکر کرده اند و ما باصل دعا اکتفا می نمائیم دعای روز اول اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِیامی فیهِ
صِیامَ الصّائِمینَ وَقِیامی فیهِ قِیامَ الْقائِمینَ وَنَبِّهْنی فیهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغافِلینَ وَهَبْ
لی جُرْمی فیهِ یا اِلٰهَ الْعالَمینَ وَاعْفُ عَنّی یا عافِیاً عَنِ الْمُجْرِمینَ روز دویم اَللّٰهُمَّ قَرِّبْنی فیهِ

الی مرضاتک وجنبنی فیه من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه لقرائة آیاتک برحمتک
یا ارحم الراحمین اللهم ارزقنی فیه الذهن والتنبیه وباعدنی فیه من
السفاهة والتمویه واجعل لی فیه نصیبا من کل خیر تنزل فیه بجودک یا ارحم الراحمین
اللهم قونی فیه علی اقامة امرک واذقنی فیه حلاوة ذکرک واوزعنی
فیه لاداء شکرک بکرمک واحفظنی فیه بحفظک وسترک یا ابصر الناظرین
اللهم اجعلنی من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین و
اجعلنی فیه من اولیائک المقربین برأفتک یا ارحم الراحمین اللهم لا تخذلنی
فیه لتعرض معصیتک ولا تضربنی فیه بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات
سخطک بمنک وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین اللهم اعنی فیه علی
صیامه وقیامه وجنبنی فیه من هفواته وآثامه وارزقنی ذکرک بدوامه بتوفیقک
یا هادی المضلین اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام واطعام الطعام و
افشاء السلام وصحبة الکرام بطولک یا ملجأ الآملین اللهم اجعل
لی فیه نصیبا من رحمتک الواسعة واهدنی فیه لبراهینک الساطعة وخذ
بناصیتی الی مرضاتک الجامعة بمحبتک یا امل المشتاقین اللهم اجعلنی
فیه من المتوکلین علیک واجعلنی فیه من الفائزین لدیک واجعلنی فیه من
المقربین الیک باحسانک یا غایة الطالبین اللهم حبب الی فیه
الاحسان وکره الی فیه الفسوق والعصیان وحرم علی فیه السخط والنیران
بعونک یا غیاث المستغیثین اللهم زینی فیه بالستر والعفاف و
استرنی فیه بلباس القنوع والکفاف واحملنی فیه علی العدل والانصاف
وآمنی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین اللهم طهرنی
فیه من الدنس والاقذار وصبرنی فیه علی کائنات الاقدار ووفقنی فیه للتقی
وصحبة الابرار بعونک یا قرة عین المساکین اللهم لا تؤاخذنی فیه
بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات ولا تجعلنی فیه غرضا للبلایا والآفات
بعزتک یا عز المسلمین اللهم ارزقنی فیه طاعة الخاشعین واشرح فیه
صدری بانابة المخبتین بامانک یا امان الخائفین اللهم وفقنی فیه

لموافقة الابرار وجنبنی فیه مرافقة الاشرار وآونی فیه برحمتک الی دار
القرار بالهیتک یا اله العالمین صل علی محمد وآله الطاهرین اللهم اهدنی
فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والآمال یا من لا یحتاج الی التفسیر والسؤال
یا عالما بما فی صدور العالمین اللهم نبهنی فیه لبرکات اسحاره ونور فیه قلبی
بضیاء انواره وخذ بکل اعضائی الی اتباع آثاره بنورک یا منور قلوب العارفین
اللهم وفر حظی من برکاته وسهل سبیلی الی
خیراته یا هادیا الی الحق المبین اللهم افتح لی فیه ابواب الجنان و
اغلق عنی فیه ابواب النیران ووفقنی فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین
اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علی
سبیلا واجعل الجنة لی منزلا ومقیلا یا قاضی حوائج الطالبین اللهم افتح
لی فیه ابواب فضلک وانزل علی فیه برکاتک ووفقنی فیه لموجبات مرضاتک واسکنی
فیه بحبوحات جناتک یا مجیب دعوة المضطرین اللهم اغسلنی فیه من
الذنوب وطهرنی فیه من العیوب وامتحن قلبی فیه بتقوی القلوب یا مقیل عثرات المذنبین
اللهم انی اسألک فیه ما یرضیک واعوذ بک فیه مما یؤذیک واسألک
التوفیق فیه لان اطیعک ولا اعصیک یا جواد السائلین اللهم اجعلنی فیه
محبا لاولیائک ومعادیا لاعدائک مستنا بسنة خاتم انبیائک یا عاصم قلوب النبیین
اللهم اجعل سعیی فیه مشکورا وذنبی فیه مغفورا وعملی فیه مقبولا وعیبی
فیه مستورا یا اسمع السامعین اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر وصیر
اموری فیه من العسر الی الیسر واقبل معاذیری وحط عنی الذنب والوزر یا رؤفا بعباده
اللهم وفر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه باحضار المسائل وقرب فیه
وسیلتی الیک من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح الملحین اللهم غشنی
فیه بالرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهر قلبی من غیاهب التهمة یا رحیما بعباده
المؤمنین اللهم اجعل صیامی فیه بالشکر والقبول علی ما ترضاه ویرضاه
الرسول محکمة فروعه بالاصول بحق سیدنا محمد وآله الطاهرین والحمد لله رب العالمین
در بیان اعمال شبهای قدر است و آن بر دو نوع است

شب نوزدهم و شب بیست و یکم و بیست و سیم است از مستحبات غسل است که مقارن غروب
آفتاب بجا آورد که نماز شام را با غسل کند و زیارت حضرت امام حسین ع بادلیکه در شب
اول رجب گذشت و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع کردن و احیا داشتن و گذاردن دو رکعت
نماز در هر رکعت فاتحه یکبار و توحید هفت بار و بعد از فراغ هفتاد بار استغفار کردن و بخواند
این دعاست ایستاده و نشسته و در حال رکوع و سجود که در اقبال دعائیست اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَمْسَیْتُ لَکَ عَبْداً داخِراً لا اَمْلِکُ لِنَفْسی نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا اَصْرِفُ عَنْها سُوءاً اَشْهَدُ بِذٰلِکَ
عَلیٰ نَفْسی وَاَعْتَرِفُ لَکَ بِضَعْفِ قُوَّتی وَقِلَّةِ حیلَتی فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْجِزْ لی ما
وَعَدْتَنی وَجَمیعَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَاَتْمِمْ عَلَیَّ ما آتَیْتَنی
فَاِنّی عَبْدُکَ الْمِسْکینُ الْمُسْتَکینُ الضَّعیفُ الْفَقیرُ الْمَهینُ اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْنی ناسِیاً لِذِکْرِکَ
فیما اَوْلَیْتَنی وَلا غافِلاً لِاِحْسانِکَ فیما اَعْطَیْتَنی وَلا آیِساً مِنْ اِجابَتِکَ وَاِنْ اَبْطَاَتْ عَنّی
فی سَرّاءَ اَوْ ضَرّاءَ اَوْ شِدَّةٍ اَوْ رَخاءٍ اَوْ عافِیَةٍ اَوْ بَلاءٍ اَوْ بُؤْسٍ اَوْ نَعْماءَ اِنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ
و مستحب است که در این شبها قرآن مجید بدست بگیرد و بگشاید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ بِکِتابِکَ الْمُنْزَلِ وَما فیهِ وَفیهِ اسْمُکَ الْاَکْبَرُ وَاَسْماؤُکَ الْحُسْنیٰ وَما یُخافُ وَ
یُرْجیٰ اَنْ تَجْعَلَنی مِنْ عُتَقائِکَ مِنَ النّارِ وَتَقْضِیَ حَوائِجی لِلدُّنْیا وَالْآخِرَةِ پس حاجات خود را از
حق تعالی طلب نماید که انشاء الله برآورده است و این دعا از حضرت صادق ع منقول است که
مصحف را بگیرد و بر سر گذارد و بگوید اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ کُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ
فیهِ وَبِحَقِّکَ عَلَیْهِمْ فَلا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّکَ مِنْکَ ده مرتبه بِکَ یا اَللّٰهُ ده مرتبه بِمُحَمَّدٍ ده مرتبه
بِعَلِیٍّ ده مرتبه بِفاطِمَةَ ده مرتبه بِالْحَسَنِ ده مرتبه بِالْحُسَیْنِ ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ ده مرتبه
بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ده مرتبه بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه بِمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ مُوسیٰ ده مرتبه
بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ ده مرتبه بِالْحُجَّةِ پس هر حاجت
که داری از حق تعالی طلب کن که انشاء الله برآورده است ایضاً در هر یک از محتمل شبهای
قدر خصوصاً شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده که بجای ده مرتبه
پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه اکتفا می توان کرد و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد
شده است و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم

نشسته هم میتوان کرد و بهترین اعمال در این شبها آمرزش و دعا از برای مطالب دین و دنیای خود و
والدین خود و خویشان و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و
آل محمد و آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را
در هر یک از این سه شب بخوانند و روزهای قدر مثل شبهای قدر است در فضیلت
و اعمال مخصوصه این سه شب است نوزدهم شبی است که ابن ملجم ملعون ضربت بر فرق امیر المؤمنین
زد و بسبب این حزن و اندوه اهل ایمان تازه شد از جمله اعمال این شب بسیار استغفار کردن
و بسیار صلوات فرستادن و صد بار گفتن اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و صد بار
اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ و باید که بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ
الْمَحْتُومِ وَفیما تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَکیمِ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَلا یُبَدَّلُ
اَنْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ
عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ وَاجْعَلْ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطیلَ عُمْری وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ فی رِزْقی وَتُقَدِّرَ
لی فی جَمیعِ اُمُوری ما فیهِ خَیْرٌ لی فی دُنْیایَ وَآخِرَتی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ پس حوائج خود را
از حق تعالی طلب نماید و در مصباح العابدین نقل شده که لعن ابن ملجم بسیار کند باین
نوع که اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قاتِلَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَالرّاضینَ بِذٰلِکَ وَالْمُظاهِرینَ عَلَیْهِ وَجَدِّدْ
عَلَیْهِمُ الْعَذابَ وَالْغَضَبَ وَالنَّکالَ و لعن بر اعدای آل محمد بسیار باید کرد باین طریق که
اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَعْداءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَظالِمیهِمْ وَجَدِّدْ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ وَالنَّکالَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ وَاغْضَبْ
قاتِلَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَالرّاضینَ بِذٰلِکَ وَالْمُظاهِرینَ عَلَیْهِ مِنْ سائِرِ النّاسِ وَجَدِّدْ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ
وَالْغَضَبَ وَالنَّکالَ در این شب و باقی شبها تا آخر ماه هر شب غسل مستحب است
چنانچه در زاد المعاد ایراد نموده و در این شب معراج حضرت رسالت ع واقع شد و در همین
شب حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام بالا برده شد و در این شب یوشع بن نون وصی حضرت
موسی و حضرت علی بن ابی طالب ع از دار دنیا رحلت نموده اند و در این شب تازه شد حزن
آل محمد و شب بیان او و سن شریف آنحضرت در آنوقت شصت و سه سال بود و سال
چهلم هجرت بود و فضیلت این شب زیاده از شب نوزدهم است مناسب است زیارت آنحضرت
و چون این شب نیز از جمله شبهای محتمل قدر است سنت است بجا آوردن اعمال مشترکه
شبهای قدر که در پیش اول گذشت و مشترک این شب و شب بیست و سیم بنا بر حدیثی که در

زاد المعاد است مثل صد رکعت نماز است هر رکعت یک مرتبه الحمد و ده بار توحید و بعضی ده مرتبه و
پنج مرتبه و سه مرتبه و یک مرتبه نیز اکتفا می توان کرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام
محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا می شد و در نصف
آخر مشغول نماز و مخصوص این شب خواندن دعائیست از جمله دعاهای پیش آخر که در زاد المعاد
و کافی و تهذیب و اقبال ایراد شده ابتدا یا مولج اللیل فی النهار تا آخر که بعد از این مذکور
خواهد شد و از جمله اعمال این شب خواندن ادعیه مشترکه ده شب آخر ماه است [illegible]
بنا بر اصح اقوال شب قدر است و از جمله مهم شب سال است که احیای او را خاصیت است و
شبی است بغایت بزرگ و قرآن مجید در این شب بر حضرت پیغمبر نازل شد و اعمال این شب بسیار
تمام است یکی آنچه مشترک است میان شبهای محتمله قدر و آن در فصل اول گذشت با صد رکعت
نماز با حمد و توحید ده بار یا هفت بار یا پنج بار یا سه بار یا یکمرتبه و دیگر آنچه مختص باین
شب است و از جمله دو غسل است یکی در اول شب و دیگری در آخر شب و احیا داشتن این
به عبادت نماز و استغفار و قرآن خواندن و ختم قرآن کردن سنت است و اگر بخواند سوره عنکبوت
و روم و دخان را هر یک یکبار بخواند از حضرت صادق منقولست که هر که سوره عنکبوت و
روم را در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم در آن احدی را
و نمی ترسم که خدا این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد خدای تعالی بسیار منزلت
عظیم است و خواندن سوره انا انزلناه است یک هزار بار و خواندن جوشن کبیر است یکبار و دعای
مکارم الاخلاق و دعای توبه صحیفه کامله است و زیارت حضرت امام حسین و بخواند این دعا
که در زاد المعاد ایراد شده اللّهم امدد لی فی عمری واوسع لی فی رزقی واصح لی جسمی وبلغنی
املی وان کنت من الاشقیاء فامحنی من الاشقیاء واکتبنی من السعداء فانک قلت فی کتابک
المنزل علی نبیک صلواتک علیه واله یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب و
خواندن این دعا است که در تهذیب و کافی نقل شده ایستاده و نشسته و در سجود و در همه حال مکرر
تمام ایام بعد از حمد الهی و صلوات اللّهم کن لولیک الحجة بن الحسن المهدی فی هذه الساعة
وفی کل ساعة ولیا وحافظا وقائدا وناصرا ودلیلا وعینا حتی تسکنه ارضک طوعا و
تمتعه فیها طویلا در بعضی نسخ بعد از طویلا چنین است یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور
یا مجری البحور یا ملین الحدید لداود صل علی محمد وال محمد و حاجت بخواهد و بگوید الساعة

الساعة الساعة بعد از آن بگفتن و بخواند این دعا را که در سفینة النجاة ایراد شده اللّهم صل
علی محمد وال محمد واجعلنی من اوفر عبادک نصیبا من کل خیر انزلته فی هذه اللیلة
او انت منزله من نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق تبسطه او ضر تکشفه
او بلاء تدفعه او فتنة تصرفها واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین الذین
استوجبوا منک الثواب وامنوا برضاک عنهم العذاب یا کریم یا کریم یا کریم صل علی
محمد وال محمد وعجل فرجهم واغفر لی ذنبی فانه لا یغفرها غیرک ورضنی بما رزقتنی ولا
تفتنی بما زویت عنی و بخواند دعای یا رب لیلة القدر که از جمله دعاهای دهه آخر
و دعاهای این شبها از بسیار است باید حرمت دارد و عبادت و تلاوت و دعا بسر برد و در شب بیست و چهارم
نیز مخصوصه غسل سنت است و همچنین بیست و پنجم و در شب بیست و هفتم نیز غسل مخصوص وارد
شده و منقولست که حضرت امام زین العابدین در این شب مکرر میفرمودند از اول شب تا آخر
اللّهم ارزقنی التجافی عن دار الغرور والانابة الی دار الخلود والاستعداد للموت
قبل حلول الفوت و در شب بیست و نهم نیز غسل مخصوصه وارد شده است و همچنین در
آخر شب غسل سنت مؤکد است [illegible] در بیان ادعیه وداع ماه مبارک و ادعیه
مختصه شبهای ماه آخر و کیفیت اعتکاف است باید وداع کند این ماه را مثل وداع کردن
عزیزترین اهل خود در هنگام مفارقت و دعای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و اگر
در روز آخر بخواند نیز خوب است و در حدیث وارد است که هر گاه سی شب باشد در شب سی ام
احتیاطا بخواند و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و در زاد المعاد دعائیست که در جمعه
آخر این ماه برای وداع جمعات باید بخوانند و آن اینست اللّهم لا تجعله آخر العهد من
صیامنا ایاه فان جعلته فاجعلنی مرحوما ولا تجعلنی محروما و در سفینة النجاة آورده که در
شب آخر بگوید اللّهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وقد تصرم واعوذ
بوجهک الکریم یا رب ان یطلع الفجر من لیلتی هذه او یتصرم شهر رمضان ولک علی تبعة
او ذنب ترید ان تعذبنی علیه یوم القاک [illegible] و در این شب که آخوند ملا محمد باقر
مجلسی در زاد المعاد بسندهای معتبر بسیار از حضرت صادق نقل نموده و سید ابن طاووس در اقبال و شیخ
طوسی در تهذیب و مصباح و کفعمی در مصباح خود نقل نموده و بهتر آنست که در هر شب آخر غره ماه
و آن اینست اللّهم انک قلت فی کتابک المنزل علی لسان نبیک المرسل صلواتک علیه واله

وقولك الحق شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى و
الفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرم وانقضت أيامه ولياليه فأسألك بوجهك الكريم
وكلماتك التامة إن كان بقي علي ذنب لم تغفره لي أو تريد أن تعذبني عليه أو تقايسني
به أن يطلع فجر هذه الليلة أو يتصرم هذا الشهر إلا وقد غفرته لي يا أرحم الراحمين اللهم
لك الحمد بمحامدك كلها أولها وآخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق الحامدون
المجتهدون المعدودون الموقرون في ذكرك والشكر لك الذين أعنتهم على أداء حقك من
أصناف خلقك من الملائكة المقربين والنبيين والمرسلين وأصناف الناطقين المسبحين
لك من جميع العالمين على أنك قد بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل قسمك
وإحسانك وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد
الذي لا ينفد طول الأبد جل ثناؤك أعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه و
قيامه من صلاة وما كان منا فيه من بر أو شكر أو ذكر اللهم فتقبله منا بأحسن قبولك
وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير
مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتوقنا فيه من كل أمر مرهوب وذنب مكسوب اللهم
إني أسألك بعظيم ما سألك أحد من خلقك من كريم أسمائك وجزيل ثنائك وخاصة
دعائك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل شهرنا هذا أعظم شهر رمضان مر علينا منذ
أنزلتنا إلى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حاجتي وتشفعني في مسائلي
وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية لي وأن تجعلني برحمتك ممن حزت
ليلة القدر وجعلتها له خيرا من ألف شهر في أعظم الأجر وكرائم الذخر وطول العمر
وحسن الشكر ودوام اليسر اللهم وأسألك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك وجلالك
وقديم إحسانك وامتنانك أن لا تجعله آخر العهد منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من
قابل على أحسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين إليه والمعترفين له في أعفى عافيتك و
أتم نعمتك وأوسع رحمتك وأجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون
هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل في أسبغ النعم و
أفضل الرجاء وأنا لك على أحسن الوفاء إنك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم
تضرعي وتذللي لك واستكانتي وتوكلي عليك وأنا لك مسلم لا أرجو نجاحا ولا معافاة و

معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا إلا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست أسماؤك
بتبليغي شهر رمضان وأنا معافى من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله
الذي أعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا آخر ليلة منه اللهم إني
أسألك بأحب ما دعيت به وأرضى ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه وآله
أن تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا
ولا وداع آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود فيه
برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من ألف شهر
رب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والأنوار والأرض والسماء يا بارئ يا مصور
يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات والأرض لك الأسماء
الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء أسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم أن تصلي
على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني
في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي وإيمانا لا يشوبه شك و
رضى بما قسمت لي وأن تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وأن تقيني عذاب
النار اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الأمر المحتوم وفيما تفرق من الأمر الحكيم في ليلة
القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ولا يغير أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام
المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر
أن تطيل في عمري وأن تعتق رقبتي من النار يا أرحم الراحمين اللهم إني أسألك ولم
يسأل العباد مثلك جودا وكرما وأرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت موضع
مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين أسألك بأعظم المسائل كلها وأفضلها وأنجحها
التي ينبغي للعباد أن يسألوك بها يا الله يا رحمن وبأسمائك ما علمت منها وما لم أعلم
وبأسمائك الحسنى وأمثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وبأكرم
أسمائك عليك وأحبها إليك وأشرفها عندك منزلة وأقربها منك وسيلة و
أجزلها منك ثوابا وأسرعها لديك إجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الأكبر
الأجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك
أن لا تحرم سائلك به وأسألك بكل اسم هو لك في التوراة والإنجيل والزبور والفرقان

وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة سماواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او
صديق او شهيد وبحق الراغبين اليك المتقربين منك المتعوذين بك وبحق مجاوري
بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبد
لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه
وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا ولا
لذنبه غافرا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف خاشعا
بائسا فقيرا مستجيرا بك اسئلك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك وملكك
وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك وبقوتك على ما اردت
من خلقك ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا
والحافا والحاحا خاضعا لك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس
يا قدوس يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب
يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعال واسئلك بجميع
ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وآل محمد و
اغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان و
صيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر
رمضان صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعله وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم
اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وتحننك افضل ما اعطيت احدا من
عبادك فيه اللهم لا تجعلني آخر من سئلك فيه واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر
من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك و
امل منك يا ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه
واجعلني ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم
المتقبل عملهم آمين آمين رب العالمين اللهم لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا
خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا دينا الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها ولا
هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عريانا الا كسوته ولا مرضا الا شفيته
ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املي

وفضل املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا
تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا
تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا تغير
شيئا من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن منا
فان في كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا
تعاقبنا عليها يا ارحم الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهينني بعدها ابدا
واعزني عزا لا تذلني بعده ابدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها ابدا وارفعني رفعة
لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني شر كل شيطان مريد وشر كل جبار عنيد و
شر كل قريب وبعيد وشر كل صغير او كبير وشر كل دابة انت آخذ بناصيتها
ان ربي على صراط مستقيم اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او
قنوط او فرح او مرح او بطر او بذخ او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او
نفاق او كفر او فسوق او معصية او شيء لا تحب عليه وليا لك فاسئلك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تمحوه من قلبي وتبدلني مكانه ايمانا بوعدك و
رضا بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك
وثقة بك وطمأنينة اليك وتوبة نصوحا اليك اللهم ان كنت قد بلغتنا
والا فاخر عنا آجالنا الى قابل حتى تبلغناه في يسر منك وعافية يا ارحم الراحمين و
صلى الله على محمد وآله كثيرا ورحمة الله وبركاته عليهم دیگر دعائیست که در مصباح
کفعمی مذکور است و در روز آخر شعبان باید خواند این است الحمد لله الذي بلغنا
شهر رمضان واعاننا على صيامه وقيامه حتى تقضت آخر ليلة منه ولم تبتلنا فيه
بارتكاب محرم ولا انتهاك حرمة ولا باكل ربا ولا بعقوق والدين ولا قطع رحم و
لا بشيء من البوائق والكبائر وانواع البلايا التي ابتلي بها من هو خير مني اللهم
فلك الحمد شكرا على ما عافيتني وحسن ما ابتليتني الهي اثني عليك احسن الثناء لان
بلاءك عندي لحسن البلاء واوفر من نعماء واقرب نعمتي ذنوبا كم من نعمة لك بادية
استغنيتها علي ولم اؤد شكرها وكم من خطيئة احصيتها علي استحيي من ذكرها و
اخاف جزاءها واحذر معرتها ان لم تعف لي منها اكن من الخاسرين الهي فاني لك ادعو

واذكر لك حاجتي واشكوا اليك مسكنتي وفاقتي وقسوة قلبي وميل نفسي فانك قلت
فما استكانوا لربهم وما يتضرعون وها انا ذا قد استجرت بك وقعدت بين يديك
مستكينا متضرعا اليك راجيا لما لديك الثواب بصيامي وصلواتي وقد عرفت
حاجتي ومسكنتي الى رحمتك والثواب على هداك وقد قربت اليك قرب العبد
الشوق الى المولى الكريم يا مولاي وتقربت اليك فاسئلك بوحدانيتك لما صليت
على محمد وآل محمد صلاة كثيرة كريمة شريفة توجب لي بها شفاعتهم في القيمة عند
وصليت على ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين واسئلك بحقهم عليهم اجمعين
لما غفرت لي في هذا اليوم مغفرة لا اشقى بعدها ابدا انك على كل شيء قدير و
صلى الله على محمد وآله كثيرا ورحمة الله وبركاته ديكر از جمله جيزهائى كه سنت است
در شب اخر ازاد كردن بنده هاست وخواندن سوره انعام وكهف ويس وصد مرتبه
استغفر الله ربي واتوب اليه گفتن دعاهاى مختصه شبهاى ماه اخر ماه رمضان
بسند معتبر از حضرت صادق منقولست كه ان حضرت در هر شب از شبهاى ماه اخر
اين دعا ميخواندند اللهم انك قلت في كتابك شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى
للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه
القرآن وخصصته بليلة القدر وجعلتها خيرا من الف شهر اللهم وهذه ايام
شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت يا الهي منه الى ما انت
اعلم به مني واحصى لعدده من الخلق اجمعين فاسئلك بما سئلك به ملائكتك
المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تفك رقبتي من النار وتدخلني الجنة برحمتك وان تتفضل علي بالامن
يوم من كل هول اعددته ليوم القيمة الهي واعوذ بوجهك الكريم وجلالك
العظيم ان تنقضي ايام شهر رمضان ولياليه ولك قبلي تبعة او ذنب تؤاخذني
به او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم تغفرها لي سيدي سيدي سيدي اسئلك
يا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر فازدد
عني رضا وان لم تكن رضيت عني فمن الآن فارض عني يا ارحم الراحمين يا الله يا احد
يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وبسيار ميگفتند يا ملين الحديد

لداود يا كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب اي مفرج هم يعقوب يا
اي منفس غم يوسف صل على محمد وآل محمد كما انت اهله ان تصلي عليهم اجمعين
وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله بسند معتبر ديگر از حضرت منقولست
كه در هر شب ماه اخر اين دعا را ميخواندند اعوذ بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر
رمضان او يطلع الفجر من ليلتي هذه ويبقى لك عندي تبعة او ذنب تعذبني عليه
يوم القاك وبسندهاى معتبر در هر شب از شبهاى ماه اخر دعاهاى مخصوصى از حضرت
صادق وارد شده است ودر مطالب دنيا واخرت مشتمل است يا مولج
الليل في النهار ومولج النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي
يا رازق من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام يا سالخ
النهار من الليل فاذا هم مظلمون ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز يا عليم
ومقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة
وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله يا الله
يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك
عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق
لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام يا رب ليلة القدر وجاعلها
خيرا من الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض

والسماء يا باري يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا بديع
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء
اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء
وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا
تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك و
شكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه
وعليهم السلام يا فالق الاصباح ويا جاعل الليل سكنا والشمس
والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام
يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا الله يا وتر يا الله يا ظاهر
يا باطن يا حي يا لا اله الا انت يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي
في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني
بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما
وفقت له محمدا وآل محمد صلوات الله عليه وعليهم السلام يا جاعل الليل
لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا يا الله يا قاهر يا الله يا جبار
يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد واهل
بيته وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك
عني ورضا بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق لما
وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام يا جاعل الليل والنهار

والنهار آيتين يا من محا آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه و
رضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد يا الله يا وهاب يا الله يا جواد يا
الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة
والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام
يا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك
قبضا يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت عالم الغيب
والشهادة الرحمن الرحيم يا لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا
عزيز يا جبار يا متكبر يا الله يا خالق يا باري يا مصور يا الله يا الله يا الله لك الاسماء
الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك
عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق
لما وفقت له محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم يا خازن الليل في الهواء
وخازن النور في السماء ومانع السماء ان تقع على الارض الا باذنه وحابسهما ان
تزولا يا عليم يا عظيم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله يا الله
يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
احساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب
الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا
عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والرهبة منك و

التوبة والانابة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله علیه وآله وعلیهم
السلام یا مکوّر اللیل علی النهار ومکوّر النهار علی اللیل یا علیم
یا حکیم یا رب الارباب وسید السادات یا لا اله الا انت یا من هو اقرب الیّ من حبل
الورید یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی
مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی
وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنا فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک
والتوبة والانابة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم
الحمد لله لا شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله و
کما هو اهله یا قدوس یا نور یا نور القدس یا سبوح یا منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة
یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا الله یا جلیل یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله
لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین
واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی
بما قسمت لی وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی
فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا و
آل محمد صلی الله علیه وعلیهم السلام اجمعین کیفیت اعتکاف در این دهه آخر اعتکاف
در مساجد مستحب است و اهتمام در عبادت چنانکه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه
آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می‌نمودند مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال
بعد از آن بیست روز اعتکاف نمودند ده روز قضای سال گذشته و ده روز ادا و از آن حضرت
منقول است که اعتکاف دهه آخر ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن
مانند عهد و قسم و اجاره دادن بغیر واجب میشود و اگر بی نذر و شبه باشد و نکرده باشد
احوط است که بیست روز قضا کند و بعضی گفته‌اند که بعد از نیت و شروع کردن واجب میشود
و بعضی گفته‌اند روز سیم واجب میشود و همچنین ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هرچه بالا رود

بالا رود باین نیت و بعضی گفته‌اند مطلقا واجب نمیشود تا از اسباب وجوب بعمل نیاید
و این قول قوی نیست و احوط آنست که در اول شبهای مذکور بمسجد بیاید که بقصد قربت
و مستحب است که معتکف شرط کند بر پروردگار که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند
رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است شرط رجوع باختیار بی تقیید
بعارض و مانع و بعضی در این مضایقه کرده‌اند و ظاهر اخبار عارض و مانع اعم از حد
ضرورت و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن
و جمعی از اصحاب ذکر کرده‌اند که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغه
نذر است و خالی از اشکال نیست و فایده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر
خواهد رجوع تواند کرد اگرچه در روز سیم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع
کند قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته‌اند که در
غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف نمی‌باشد و بعضی بجای
مسجد بصره مسجد مداین را گفته‌اند و بعضی هر دو را گفته‌اند و خلاف در این باب
بسیار است و مسجد مداین گویا در این زمان معلوم نیست و مسجد بصره در این
اوقات در بیابان واقع است و اعتکاف در آن مشکل است و گفته‌اند مراد مسجدیست که
در مدینه آنقدر نیست که در زمان حضرت رسول ص مسجد بوده است نه آنچه بعد الحاق
کرده‌اند و ظاهر مراد در هر مسجد جامعی اعتکاف توان کرد و مراد از مسجد جامع مسجدیست
در بلد که در آنجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر آنجا
برای نماز جمعه یا جماعت حاضر شوند اگر متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد
جامع قدیم در اصفهان و سایر آنها مثل مسجد آقانور و مسجد عباس آباد محل تأمل است و
احوط آنست که اگر در مکه و مدینه و کوفه باشند در غیر این مساجد مخصوصه واقع نسازند
و در بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند و اگر
مسجد بزرگتر شهر باشد احوط است و غایت احتیاط آنست که قصد کند که اعتکاف میکنم
در این مسجد اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فیها و الا در مسجد عبادت میکنم
از برای رضای خدا قربة الی الله و شرط است در اعتکاف لبث سه روز با شبها و مشهور آنست
که دو شب میان داخلند و بعضی گفته‌اند شب اول نیز داخل است و احوط آنست که ترک

بغروب آفتاب نیت اعتکاف بکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند
نهایت احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب
و خواه روزه سنت و در سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه
سنت شرط است مانند شوهر زن را و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند نیز برخصت پدر
و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان نیز برخصت میزبان و بر عکس واقع نسازند و نیت در اعتکاف
شرط است و ظاهر آنست قصد قربه کافی است و واجبست که بیرون نرود از مسجدی که در آن
اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مؤمن
یا حاضر شدن بر جنازه مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای حاجت ضروری خود مانند
بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل جمعه بنا بر قول آنان باشکال
آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست که می تواند کرد
و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته
باشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن و گواه
شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجای آوردن و چون بدر رود در جایی ننشیند
تا بر گردد بمسجد و بهتر آنست که زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و راه از راههای نزدیک
تر مطلب برود و در بیت الخلا نزدیکتر برود و اگر ممکن نباشد توقف بسیار زیاد از ضرورت
واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جایی دیگر در غیر آن مسجد که محل اعتکاف اوست
نکند مگر در مکه معظمه که در هر جا میتوان کرد و اگر وقت تنگ شود در جایی دیگر میتوان کرد
و اگر سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمان بسیار بگذرد که او را معتکف
نگویند و همچنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را نیز از مسجد بیرون نکند
و بعضی منع کرده اند از رفتن بام مسجد و ظاهر آنکه اگر داخل مسجد باشد قصور ندارد و بدانکه حرام است
بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرام است بوسیدن بشهوت و دست
بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از هر دو اگرچه بشهوت نباشد و حرام است
طلب منی کردن اگرچه بکف باشد هر کاری که باعث آن باشد که از او منی بیرون آید و احوط
آنست که بعبث دست بر ذکر نمالد و حرام است بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گلی که باشد
علی المشهور و با یکدیگر جدال و نزاع با کسی بکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد

بقدر ضرورت و خرید و فروش نکند مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط آنست
که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط آنست که مطلق معاملات خود را
واقع نسازد حتی عقد و نکاح را جمیع اینها که در اعتکاف حرام است در روزه اعتکاف و شبها
حرام است مگر خوردن و آشامیدن که در شب جایز است نه در روز و هر چیز روزه را باطل کند
اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل آورد و در شب افطار میتوان کرد و مفطرات حرام
و استمنا را واقع میتوان ساخت و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف
او باطل میشود و کفاره میدهد و اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف
خلافست و احوط کفاره است اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هر چیز روزه را
باطل میکند اگر افطار در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است
اگر نتواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند
مخیر است میان اینها و اول احوط است بلکه اظهر بلکه اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره
میدهد و اگر در روز ماه رمضان واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتب و دیگری مخیر و بعضی
گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد و آن بوجه است و بیع
و شری و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره با اینها واجب نمیشود و در
بطلان باستمنا و کفاره بسبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود
و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف
بسیار است و آنچه ضرور بود اکتفا کردیم تمام شد در اعمال ماه شوال است شوال صیغه
مبالغه شول است و عربان شتری که دم خود را بلند کند از شدت مستی از شوال گویند و
چون وضع اسماء مقارن این حال واقع شده مسمی بشوال گردید اما اعمال شوال که شب
عید فطر است شبی است بسیار عظیم و از جمله هفت شبی است که احیا داشتن سنت است و از
حضرت رسول منقولست که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها بمیرد از ترس
و از حضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید را احیا میکرد بنماز
تا صبح و در تمام آن شب در مسجد میماند و میگفت ای فرزند این شب کمتر از شب قدر نیست و مستحب است
غسل کردن بعد از غروب آفتاب و خواندن دعای رؤیت هلال و بجا آوردن اعمالی که در اعمال
مخصوصه مراد کرده است و بعد از نماز مغرب خواندن دعایی که شیخ کلینی در کافی از امام جعفر صادق روایت

کرده که در اعمال مخصوصه هر شب که گذشت و بعد از نماز مغرب خوانده شود دعائی که شیخ کلینی در کافی
از امام جعفر صادق ع روایت کرده که د راعمال مخصوصه هر شب که گذشت و بعد از نماز مغرب خوا
دعائی که شیخ کلینی در کافی از امام جعفر صادق ع روایت کرده که دست بر داشته بگوید یا ذا
المن والطول یا ذا الجود والاحسان یا مصطفی محمد و ناصره صل علی محمد و آله واغفر لی کل
ذنب احصیته علی و نسیته و هو عندک فی کتاب مبین پس بسجده برو و صد بار بگوید اتوب
الی الله و حاجت بخواهد بعد از چهار نماز که مغرب و عشا و صبح و نماز عید است این
تکبیرات را بگوید الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر
علی ما هدانا زکوة فطره دادن است یا جدا کردن از وقت پیش از عمل روز عید و مستحب موکد
زیارت حضرت امام حسین است و یکصد بار بگوید یا دائم الفضل علی البریة
یا باسط الیدین بالعطیة که در شب جمعه ایام هفته گذشت گذاردن نماز حاجات
از انجمله که در سفینه و مصباح العابدین است شش رکعت است در هر رکعت حمد یکبار و
توحید پنج بار در مصباح کفعمی و اقبال ده رکعت است در هر رکعت حمد یکبار و توحید
ده بار و در هر یک از رکوع و سجود تسبیحات اربع ده بار و بعد از سلام آخر هزار بار استغفار
کند و بعد بسجده رود و بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا رحمن الدنیا والآخرة
و رحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والآخرین اغفر لی ذنوبی و تقبل صومی و
صلوتی و قیامی بسند معتبر در زاد المعاد نقل کرده دو رکعت در رکعت
اول حمد یکبار و سوره توحید هزار بار و بروایتی صد بار و در رکعت دوم حمد و توحید یکبار و
چون فارغ شود بسجده رود و صد بار بگوید اتوب الی الله پس بگوید یا ذا المن والطول یا مصطفی
محمدا صلی الله علیه و آله صل علی محمد و آل محمد و حاجات خود را طلب بس از سجده سر
بر دارد و سنت است بعد از نماز این دعا بخواند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم
یا الله یا ملک یا الله یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مومن یا الله یا مهیمن یا الله یا
عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا باری یا الله یا مصور یا
الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا علیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم
یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا [illegible]
یا الله یا ملی یا الله یا ماجد یا الله یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع

وینقلب ابناء السبیل علی اهله ولئلا یقول احد لولا ارسلت الینا رسولا منذرا واقمت لنا
علما هادیا فنتبع آیاتک من قبل ان نذل ونخزی الی ان انتهیت بالامر الی حبیبک
ونجیبک محمد صلی الله علیه وآله فکان کما انتجبته سید من خلقته وصفوة من
اصطفیته وافضل من اجتبیته واکرم من اعتمدته قدمته علی انبیائک وبعثته الی
الثقلین من عبادک واوطأته مشارقک ومغاربک وسخرت له البراق وعرجت
بروحه الی سمائک واودعته علم ما کان وما یکون الی انقضاء خلقک ثم نصرته بالرعب
وحففته بجبرئیل ومیکائیل والمسومین من ملائکتک ووعدته ان تظهر دینه علی الدین
کله ولو کره المشرکون وذلک بعد ان بوأته مبوأ صدق من اهله وجعلت له ولهم
اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین فیه آیات بینات مقام
ابرهیم ومن دخله کان آمنا وقلت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و
یطهرکم تطهیرا وجعلت اجر محمد صلواتک علیه وآله مودتهم فی کتابک فقلت
لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی وقلت ما سألتکم من اجر فهو لکم
وقلت ما اسئلکم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ الی ربه سبیلا فکانوا هم
السبیل الیک والمسلک الی رضوانک فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابی طالب
صلواتک علیهما وآلهما هادیا اذ کان هو المنذر ولکل قوم هاد فقال والملأ امامه
من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره و
اخذل من خذله وقال من کنت انا نبیه فعلی امیره وقال انا وعلی من شجرة واحدة
وسائر الناس من شجر شتی واحله محل هرون من موسی فقال له انت منی بمنزلة هرون
من موسی الا انه لا نبی بعدی وزوجه ابنته سیدة نساء العالمین واحل له من مسجده
ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه وحکمته فقال انا مدینة العلم و
علی بابها فمن اراد المدینة والحکمة فلیأتها من بابها ثم قال انت اخی ووصیی ووارثی
لحمک من لحمی ودمک من دمی وسلمک سلمی وحربک حربی والایمان مخالط لحمک ودمک
کما خالط لحمی ودمی وانت غدا علی الحوض خلیفتی وانت تقضی دینی وتنجز عداتی وشیعتک
علی منابر من نور مبیضة وجوههم حولی فی الجنة وهم جیرانی ولولا انت یا علی لم یعرف
المؤمنون بعدی وکان بعده هدی من الضلال ونورا من العمی وحبل الله المتین و

صراطه المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة من مناقبه
يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة
لائم قد وتر فيه صناديد العرب وقتل أبطالهم وناوش ذؤبانهم فأودع قلوبهم أحقاداً
بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فأضبت على عداوته وأكبت على منابذته حتى
قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى نحبه وقتله أشقى الأشقياء من الأولين
والآخرين يتبع أشقى الأولين لم يمتثل أمر الرسول صلى الله عليه وآله في الهادين بعد
الهادين والأمة مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه وإقصاء ولده إلا القليل
ممن وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي وأقصي من أقصي وجرى القضاء
لهم بما يرجى له حسن المثوبة إذ كانت الأرض لله يورثها من يشاء من عباده و
العاقبة للمتقين وسبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو
العزيز الحكيم فعلى الأطائب من أهل بيت محمد وعلي صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون
وإياهم فليندب النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون ويضج
الضاجون ويعج العاجون أين الحسن وأين الحسين وأين أبناء الحسين صالح بعد
صالح وصادق بعد صادق وأين السبيل بعد السبيل وأين الخيرة بعد الخيرة وأين
الشموس الطالعة أين الأقمار المنيرة أين الأنجم الزاهرة أين أعلام الدين و
قواعد العلم أين بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة أين المعد لقطع دابر
الظلمة أين المنتظر لإقامة الأمت والعوج أين المرتجى لإزالة الجور والعدوان
أين المدخر لتجديد الفرائض والسنن أين المتخير لإعادة الملة والشريعة أين المؤمل
لإحياء الكتاب وحدوده أين محيي معالم الدين وأهله أين قاصم شوكة المعتدين أين
هادم أبنية الشرك والنفاق أين مبيد أهل الفسوق والعصيان والطغيان أين
حاصد فروع الغي والشقاق أين طامس آثار الزيغ والأهواء أين قاطع حبائل الكذب
والافتراء أين مبيد العتاة والمردة أين مستأصل أهل العناد والتضليل والإلحاد
أين معز الأولياء ومذل الأعداء أين جامع الكلم على التقوى أين باب الله الذي
منه يؤتى أين وجه الله الذي إليه يتوجه الأولياء أين السبب المتصل بين أهل الأرض
والسماء أين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى أين مؤلف شمل الصلاح والرضا

والرضا أين الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء أين الطالب بدم المقتول بكربلا
أين المنصور على من اعتدى عليه وافترى أين المضطر الذي يجاب إذا دعا أين
صدر الخلائق ذو البر والتقوى أين ابن النبي المصطفى وابن علي المرتضى وابن خديجة
الغراء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بأبي أنت وأمي ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة
المقربين يا ابن النجباء الأكرمين يا ابن الهداة المهديين يا ابن الخيرة المهذبين يا ابن الغطارفة
الأنجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الأكرمين يا ابن الأطائب المطهرين
يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن الشهب الثاقبة يا ابن الأنجم الزاهرة
يا ابن السبل الواضحة يا ابن الأعلام اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة
يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل المشهودة يا ابن الصراط المستقيم
يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في أم الكتاب لدى الله علي حكيم يا ابن الآيات والبينات
يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن
النعم السابغات يا ابن طه والمحكمات يا ابن يس والذاريات يا ابن الطور والعاديات
يا ابن من دنى فتدلى فكان قاب قوسين أو أدنى دنواً واقتراباً من العلي الأعلى ليت
شعري أين استقرت بك النوى بل أي أرض تقلك أو ثرى أبرضوى أم غيرها
أم ذي طوى عزيز علي أن تحيط بك دوني البلوى ولا ينالك مني ضجيج ولا شكوى
بنفسي أنت من مغيب لم يخل منا بنفسي أنت من نازح ما نزح عنا بنفسي أنت أمنية شائق يتمنى
من مؤمن ومؤمنة ذكرا فحنا بنفسي أنت من عقيد عز لا يسامى بنفسي أنت من أثيل مجد لا يجارى
بنفسي أنت من تلاد نعم لا تضاهى بنفسي أنت من نصيف شرف لا يساوى إلى متى أحار
فيك يا مولاي وإلى متى وأي خطاب أصف فيك وأي نجوى عزيز علي أن أجاب دونك
وأناغى عزيز علي أن أبكيك ويخذلك الورى عزيز علي أن يجري عليك دونهم ما جرى
هل من معين فأطيل معه العويل والبكاء هل من جزوع فأساعد جزعه إذا خلا هل قذيت
عين فساعدتها عيني على القذى هل إليك يا ابن أحمد سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك
بعدة فنحظى متى نرد مناهلك الروية فنروى متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى
متى نغاديك ونراوحك فنقر عيناً متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى أترانا
بك وأنت تأم الملأ وقد ملأت الأرض عدلاً وأذقت أعداءك هواناً وعقاباً وأبرت العتاة

وَجِهادِ سَبِيلِ الحَقِّ وَقَطَعتَ دابِرَ الكافِرِينَ وَلِجِدِّ أَصولِ الظالِمِينَ وَنَحنُ نَقُولُ الحَمدُ لِلّهِ رَبِّ
العالَمِينَ اللّهُمَّ أَنتَ كَشّافُ الكُرَبِ وَالبَلوى وَإِلَيكَ نَستَعدِي فَعِندَكَ العَدوى وَأَنتَ
رَبُّ الآخِرَةِ وَالأُولى فَأَغِث يا غِياثَ المُستَغِيثِينَ عُبَيدَكَ المُبتَلى وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يا شَدِيدَ
القُوى وَأَزِل عَنهُ بِهِ الأَسى وَالجَوى وَبَرِّد غَلِيلَهُ يا مَن عَلى العَرشِ استَوى وَمَن إِلَيهِ الرُّجعى
وَالمُنتَهى وَنَحنُ عَبِيدُكَ التائِقُونَ إِلى وَلِيِّكَ المُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقتَهُ لَنا عِصمَةً وَمَلاذاً
وَأَقَمتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً وَجَعَلتَهُ لِلمُؤمِنِينَ مِنّا إِماماً فَبَلِّغهُ مِنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً وَزِدنا
بِذلِكَ يا رَبِّ إِكراماً وَاجعَل مُستَقَرَّهُ لَنا مُستَقَرّاً وَمُقاماً وَأَتمِم نِعمَتَكَ بِتَقدِيمِكَ إِيّاهُ أَمامَنا
حَتّى تُورِدَنا جِنانَكَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِن خُلَصائِكَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ
أَمرِكَ وَصَلِّ عَلى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الأَكبَرِ وَصَلِّ عَلى عَلِيٍّ أَبِيهِ السَّيِّدِ القَسوَرِ
وَحامِلِ اللِّواءِ فِي المَحشَرِ وَساقِي أَولِيائِهِ مِن نَهرِ الكَوثَرِ وَالأَمِيرِ عَلى سائِرِ البَشَرِ الَّذِي
مَن آمَنَ بِهِ فَقَد ظَفِرَ وَمَن لَم يُؤمِن بِهِ فَقَد خَطَرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَعَلى أَخِيهِ
وَعَلى نَجلِهِما المَيامِينِ الغُرَرِ ما طَلَعَت شَمسٌ وَما أَضاءَ قَمَرٌ وَعَلى جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الكُبرى
فاطِمَةَ الزَّهراءِ بِنتِ مُحَمَّدٍ المُصطَفى وَعَلى مَنِ اصطَفَيتَ مِن آبائِهِ البَرَرَةِ وَعَلَيهِ أَفضَلَ
وَأَكمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدوَمَ وَأَكثَرَ وَأَوفَرَ ما صَلَّيتَ عَلى أَحَدٍ مِن أَصفِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِن
خَلقِكَ وَصَلِّ عَلَيهِ صَلاةً لا غايَةَ لِعَدَدِها وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها وَلا نَفادَ لِأَمَدِها
اللّهُمَّ وَأَقِم بِهِ الحَقَّ وَأَدحِض بِهِ الباطِلَ وَأَدِل بِهِ أَولِياءَكَ وَأَذلِل بِهِ أَعداءَكَ وَ
صِلِ اللّهُمَّ بَينَنا وَبَينَهُ وُصلَةً تُؤَدِّي إِلى مُرافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجعَلنا مِمَّن يَأخُذُ بِحُجزَتِهِم وَ
يَمكُثُ فِي ظِلِّهِم وَأَعِنّا عَلى تَأدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيهِ وَالاجتِهادِ فِي طاعَتِهِ وَالاجتِنابِ عَن
مَعصِيَتِهِ وَامنُن عَلَينا بِرِضاهُ وَهَب لَنا رَأفَتَهُ وَرَحمَتَهُ وَدُعاءَهُ وَخَيرَهُ ما نَنالُ بِهِ
سَعَةً مِن رَحمَتِكَ وَفَوزاً عِندَكَ وَاجعَل صَلاتَنا بِهِ مَقبُولَةً وَذُنُوبَنا بِهِ مَغفُورَةً وَدُعاءَنا
بِهِ مُستَجاباً وَاجعَل أَرزاقَنا بِهِ مَبسُوطَةً وَهُمُومَنا بِهِ مَكفِيَّةً وَحَوائِجَنا بِهِ مَقضِيَّةً وَأَقبِل
إِلَينا بِوَجهِكَ الكَرِيمِ وَاقبَل تَقَرُّبَنا إِلَيكَ وَانظُر إِلَينا نَظرَةً رَحِيمَةً نَستَكمِلُ بِها الكَرامَةَ
عِندَكَ ثُمَّ لا تَصرِفها عَنّا بِجُودِكَ وَاسقِنا مِن حَوضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ بِكَأسِهِ وَبِيَدِهِ
رَيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سائِغاً لا ظَمَأَ بَعدَهُ يا أَرحَمَ الرّاحِمِينَ در زاد المعاد گفته استحباب روزه داشتن
شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است و نهی نیز از آن وارد شده است و ظاهر

و ظاهر او روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانکه در میان سنیان مشهور است و ترک بهتر است
و هم چنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر و عید قربان اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه
باشد و در ماه شوال چون عقد عایشه واقع شده و اکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شد و از
بعضی روایات هم کراهت مستفاد می‌شود اگر در خصوص شوال احتراز کند بهتر است
در ماه ذیقعده است و او را مستمی باین اسم کرده‌اند جهة آنکه قعود از جنگ می‌کردند از اول
ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آنها ذو القعده و ذو الحجه و محرم و رجب
که در این ماهها قتال با کافران نباید کرد از حضرت رسول منقولست که در هر یکی از ماههای
حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه دارد ثواب نهصد ساله عبادت برای او نوشته شود
در روز یکشنبه اول این ماه چهار رکعت نماز مستحب است چنانچه در اقبال و مصباح العابدین
مذکور است اما در اقبال مطلق یکشنبه نوشته شده در هر رکعت حمد یکبار و قل هو الله سه بار
و هر یک از معوذتین یکبار و بعد از فراغ هفتاد بار بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه پس بگوید
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا عزیز یا غفار اغفر لی ذنوبی و ذنوب جمیع المؤمنین
و المؤمنات فانه لا یغفر الذنوب الا انت در اول این ماه بود وعده سی شب که حضرت حق تعالی
در اینجا و واعدنا موسی ثلثین لیلة بحضرت موسی فرموده و در بیست و پنجم این ماه حضرت ابراهیم و حضرت اسمعیل
علی نبینا و علیهما السلام پایه‌های خانه کعبه برداشتند و روز یازدهم روز ولادت حضرت امام رضا
است در سال صد و چهل و هشت هجری مناسب است در این روز زیارت آن حضرت یکی از زیارات
جامعه که در احوال سال نوشته می‌شود در زاد المعاد حدیثی ایراد شده که در شب یازدهم ماه
ذیقعده حق تعالی به سوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد ثواب عابد
باو عطا کند که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشد چون نیمه شب بگذرد شروع کن
بعبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی طلب کن که هر حاجت که طلب کنی مستجاب می‌گردد
مستحب روزه داشتن چنانکه در سفینة النجاة نوشته این ماه زیارت حضرت
امام رضا از نزدیک و دور سنت است زیرا که در وصل این روز در مشهد مقدس طوس وفات یافت
سنت است احیا داشتن بعبادت زیرا که در این شب بابراهیم در مصباح کفعمی است حضرت
ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولد شده‌اند روز دحو الارض است یعنی پهن شدن
زمین از زیر کعبه بر روی آب و روزیست بسیار مبارک و در زاد المعاد گفته که کلینی از محمد بن عبد الله

روایت کرده است که حضرت امام رضا در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذیقعده بیرون آمد فرمود
که امروز روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شوم امروز چه روز است فرمود روزیست که رحمت
در این روز منتشر گردیده است و زمین در این روز پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده
و حضرت آدم در این روز بزمین فرود آمده است و حضرت قائم در این روز ظاهر خواهد شد
و تعظیم کعبه در این روز بود آدم نازل شده و نیز از حضرت رسول مرویست که حق تعالی رحمت
خود را بر بندگان در این روز فرستاده است و روزه این روز مثل روزه هفتاد ساله است
و در روایتی وارد شده است که مستحب است که در این روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا
آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا
بخواند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِي عَثْرَتِي يَا
مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ
سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ و در زاد المعاد آورده که مستحب است در این روز این دعا
بخواند اَللّٰهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ
اَسْئَلُكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ اَيَّامِكَ الَّتِي اَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا
عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيعَةِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي
الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ اِلٰى كُلِّ حَقٍّ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَطْهَارِ
الْهُدَاةِ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَاَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا مِنْ عَطَائِكَ
الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُوعٍ تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ
اَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ اُلْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ وَاَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ
وَاَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلَاةِ اَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ احْفَظْنِي مِنْ
شَوَائِبِ الدَّهْرِ اِلٰى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاَشْهِدْنِي اَوْلِيَائَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ
رَمْسِي وَانْقِطَاعِ عَمَلِي وَانْقِضَاءِ اَجَلِي اَللّٰهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلٰى طُولِ الْبِلٰى اِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ اَطْبَاقِ
الثَّرٰى وَنَسِيَنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرٰى وَاَحْلِلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ وَ
اجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي اَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَاَصْفِيَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ وَارْزُقْنِي
حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْاَجَلِ بَرِيئًا مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ اَللّٰهُمَّ وَاَوْرِدْنِي حَوْضَ
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا لَا اَظْمَاُ بَعْدَهُ وَ

لَا اُحَلَّأُ وِرْدَهُ وَلَا عَنْهُ اُذَادُ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ وَاَوْفٰى مِيعَادٍ يَوْمَ يَقُومُ الْاَشْهَادُ
اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبَابِرَةَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَبِحُقُوقِ اَوْلِيَائِكَ الْمُسْتَأْثِرِينَ اَللّٰهُمَّ
وَاقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَاَهْلِكْ اَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ
وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيَائِكَ
وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا وَبِاَمْرِكَ فِي
اَعْدَائِكَ مُؤْتَمِرًا اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا اَلْقَيْتَ اِلَيْهِ مِنَ الْاَمْرِ فِي
لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتّٰى تَرْضٰى وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلٰى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا وَ
يَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضًا وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ رَفْضًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلٰى جَمِيعِ آبَائِهِ
وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَاُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتّٰى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ اَعْوَانِهِ
اَللّٰهُمَّ اَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَاَشْهِدْنَا اَيَّامَهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَارْدُدْ اِلَيْنَا سَلَامَهُ
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ در مصباح کفعمی مذکور است که در
این روز نزول خانه کعبه شد و در سفینة النجاة مذکور است که روزه این روز کفاره
گناهان هفتاد ساله است روز آخر ماه بنابر آنچه در تهذیب شیخ است روز وفات حضرت
امام محمد تقی است و عمر شریفش بیست و پنج سال بوده مناسب است زیارت آن حضرت از کتب
زیارات مطالعه کردن فصل دوم در اعمال ماه ذی الحجه است این ماه آخر ماههای حرام
و اعظم از آنها و چون در آن اعمال حج است از آن ذوالحجه خوانند از حضرت صادق مرویست که
فرمود هیچ ایامی نیست که عمل و طاعت در آن فاضلتر باشد از روزهای دهه ذی الحجه گفتند
یا رسول الله جهاد در راه خدا بفضیلت آن نرسد فرمود جهاد هم نرسد مگر جهادی که در آن
جان و مال هر دو در راه حق صرف شود و اعمال آن بر سه قسم است اول در اعمالیکه در تمام
دهه اول باید بعمل آورد از حضرت رسول مرویست که هر که در دهه اول ذی الحجه
رکعت نماز بگذارد در هر دو رکعت بعد از سلام در هر رکعت حمد یکبار و هر یک انا انزلناه و الکوثر
و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق یکبار
بخواند و چون از نماز فارغ شود سه نوبت بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ
اللهُ اَكْبَرُ و سه نوبت بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه بار اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ دوم در اعمال مشترکه هر شب دهه اول و مشترکه

هر روز تا روز عرفه اما متبرکه مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسند معتبر منقول است که
فرمود پدرم حضرت امام محمد باقر می گفت ای فرزند گرامی اگر بتوانی در هر شب دهه اول
ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آوری در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت حمد و توحید یکمرتبه
و این آیه که وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً
وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ بخوانی که
چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هر چند بحج نروی اما مشترکه
نیز از آنحضرت بسندهای معتبر مرویست که در هر روز از اول ذیحجه تا روز عرفه بعد از صبح
و در وقت غروب آفتاب بعد از نماز شام این دعا را بخوانند اللهم هذه الایام التی فضلتها
علی غیرها من الایام وشرفتها وقد بلغتنیها بمنک ورحمتک فانزل علینا فیها الحمد
وترزقنا فیها التقوی والعفاف والغنی والعمل فیها بما تحب وترضی اللهم انی
اسئلک یا موضع کل شکوی ویا سامع کل نجوی ویا شاهد کل ملاء ویا عالم
کل خفیة ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف عنا فیها البلاء وتستجیب لنا
فیها الدعاء وتقوینا فیها وتعیننا وتوفقنا فیها لما تحب ربنا وترضی وعلی ما
افترضت علینا من طاعتک وطاعة رسولک واهل ولایتک اللهم انی اسئلک
یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تهب لنا فیها
الرضا انک سمیع الدعاء ولا تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء وطهرنا من الذنوب
یا علام الغیوب واوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صل علی محمد وآل محمد ولا
تترک لنا فیها ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دینا الا قضیته ولا غائبا
الا ادیته ولا حاجة من حوائج الدنیا والآخرة الا سهلتها ویسرتها انک علی کل
شیء قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم العبرات یا مقیل العثرات یا مجیب الدعوات
یا رب الارضین والسموات یا من لا تتشابه علیه الاصوات صل علی محمد وآل
محمد واجعلنا فیها من عتقائک وطلقائک من النار والفائزین بجنتک والناجین
برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین وسلم تسلیما دیگر
این پنج دعاست که جبرئیل برای حضرت عیسی بهدیه آورده که در زاد المعاد بسند معتبر
نقل نموده با خواص بسیار و گفته هر یک را سنت است هر روز ده بار بخوانند و صد بار بهتر است

بهتر است اول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر دوم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا سوم اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد چهارم
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم حسبی الله وکفی
سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما دعا وانه بریء ممن تبرء
ان لله الآخرة والاولی دیگر [illegible] رحمه الله روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین
در هر روز از روزهای دهه اول ذی الحجه این تهلیل را ده بار میخواندند لا اله الا الله
عدد اللیالی والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله و
رحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک والشجر لا اله الا الله عدد
الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد لمح العیون
لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد
الریاح فی البراری والصخور لا اله الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور
و فرمود هر که این تهلیلات را در هر روز دهه اول ذی حجه ده بار بخواند حق تعالی
او را بعدد هر تهلیلی درجه در بهشت عطا فرماید از در و یاقوت که ما بین هر درجه صد سال
راه باشد برفتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری و در هر شهری کوشکی از یک گوهر
و در هر کوشکی سراها و خانها و غرفها و فرشها و حوران و تختها و بالشها و جامها
آراسته و جویها و درختها و ذخیرها که وصف آن نتوان کرد و چون سر از قبر بردارد نوری
از سر هر موی او درخشان شود و هفتاد هزار فرشته در پیش و پس و راست و چپ او روند تا
در بهشت داخل شود دیگر سنت است روز اول ذیحجه را روزه داشتن و اگر نتواند روز اول
روزه بدارد چنانچه در حدیث معتبر از موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که روز اول
ذیحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که نه روز اول ذیحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او را برای او بنویسد سوم
در بعض اعمال مختصه این ماه شب اول سنت است نماز اول ماه که در فصل اول

این باب گذشت و روزش بسیار مبارک و عظیم القدر است و بروایتی حضرت ابرهیم ع
دران روز متولد شد و دراین روز خدای تعالی او را خلیل و دوست خود گردانید و درین روز
بروایتی که در مصباح نقل کرده سوره برائت نازل شد و حضرت پیغمبر سوره را بخلیفه
اول داد که ببرد و بر اهل مکه بخواند پس از آن جبرئیل نازل شد و گفت می باید
تو برسانی یا کسی که از اهل بیت تو باشد پس حضرت رسالت پناه حضرت علی بن ابی طالب ع
را متعاقب او فرستاد که سوره را از او گرفت و او را پس فرستاد آنحضرت در منزل روحا
باو رسید سوره را گرفت متوجه مکه شد در روز عرفه بمکه رسید و مردمان را اخبار
ساخته در روز عید بر ایشان خواند و نیز بنا بروایتی که در مصباح و غیر است در روز اول
از سال دوم هجرت تزویج حضرت فاطمه ع واقع شد و در کفعمی مذکور است که سن حضرت فاطمه ع
در آنوقت سیزده سال بود و بروایت دیگر نه سال و بروایتی ده سال و سنت است درین
روز روزه داشتن چنانچه از حضرت امام رضا ع مرویست که روز اول عشر ذی حجه هشتاد
ماهه روزه بنویسند و بروایتی کفاره شصت ساله گناه است و نیز سنت است نماز
حضرت فاطمه کردن و آن چهار رکعت بدو سلام مثل نماز حضرت امیر المؤمنین ع و بعد از
سلام تسبیح حضرت فاطمه زهرا ع و این تسبیح سبحان ذی العز الشامخ المنیف که در اعمال
روز جمعه از ایام هفته گذشت را بخواند و وارد شده در این روز نیم ساعت از زوال دو رکعت
نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا
انزلناه بخواند و بعد از فارغ شدن از نماز در این روز بگوید حسبی حسبی من سؤالی علمک بحالی
و بدانکه چون در این ماه واقع میشود حج که خدای تعالی واجب ساخته است بر مردمان و آن
فریضه ایست از فرایض اسلام و رکن عظیمی از ارکان ایمان بدلیل اینکه واقع شده در آیه و لله علی
الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا و من کفر فان الله غنی عن العالمین زیرا که درین آیه
ابرچند بن تاکید فرموده اول ایراد بصیغه خبر ثانی ایراد بصورت اسمیه ثالث ایراد
بر وجهی که افاده این میکند که از حقیقت حق خدا بر گردن مردمان است رابع تعمیم حکم است اولا
با تخصیص و آن ایضاح بعد از ابهام است این ابلغ است از آنکه یکبار مذکور شود خامس تعبیر
فرموده ترک حج را بکفر سادس آنکه از اعظم کبایر است و از این جهت حضرت پیغمبر فرمود هر که حج
بر او واجب باشد و ترک کند و بمیرد مرده است بدین یهودی یا نصرانی سابع ذکر استغنا خدا که

خدا که مشعر است در اینجا بشدت مقت و خذلان و غضب ثامن فرمود عن العالمین
یعنی از همه عالم و نفرموده از اسم آن کس که حج نکرده و این دلالت بر عظمت کمال دارد پس
باید بیان آداب و مناسک آن و عمره را بر سبیل اختصار کنیم و آن بر دو قسم است قسم اول
در آداب رفتن بدانکه کسی که اراده سفر حج دارد باید قطع تعلقات و علایق کند و معاملات
خود را از طلب مردم از او و طلب او از مردم مشخص نماید و قطع کند و حق هر کس که نزد او است
بصاحبش رساند اگر ممکن باشد و الا بر ذمه خود را بری الذمه سازد و از استحلال و
معاملات و سایر از حقوق مالی و قولی و فعلی حلیت طلبد و التماس ابرا ذمه نماید و
اعمالی که هر که آنها را بجا آورد خدای تعالی مظالم و تبعاتی که از مردم بر ذمه او باشد برد کند و
تبعات حقوقی را گویند که در گردن کسی باشد از دیگری خواه مالی و غیر مالی از جمله آن
اعمال یک نماز است که در کتاب مسایل احمد بن علی از حضرت صادق ع روایت کرده
که هر که آنرا بگذارد الله تعالی راضی کند بفضل و وسعت رحمت خود خصمان او را و روز قیامت
هر چند که بعدد ریگ بیابان باشد و براحت برود آن نماز گذار بحساب و چون برق جهنده
با او لامعی که داخل بهشت می شود و آن چهار رکعت است در هر وقت که خواهد در رکعت اول
فاتحه یکبار و قل هو الله احد بیست و پنج بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و قل هو الله پنجاه بار
و در رکعت سوم فاتحه یکبار و قل هو الله احد هفتاد و پنج بار و در رکعت چهارم فاتحه یکبار
و قل هو الله احد صد بار بخواند و دعائیست که حضرت امام زین العابدین ع در مقام عذر
خواهی از تبعات بندگان خدا و عذر خواهی از تقصیر در حقوق ایشان میخوانده و آن این است
اللهم انی اعتذر الیک من مظلوم تا آخر که در صحیفه کامله مسطور است نیز خواندن این
که ابن طاوس در مهج الدعوات از سعید روایت کرده که جبرئیل بآنحضرت گفت که ای محمد
از امت تو هر که باشد بر او مظلمه و ممکن نباشد او را رد کردن آن بصاحبش و نزد او چیزی نیست
از صاحبش پس چون این دعا بخواند الله تعالی آن مظلمه را از جانب او قضا کند و صاحب مظلمه را
از او راضی کند و آن این است یا نور السموات و الارضین یا غوث المستغیثین و یا جار
المستجیرین انت لم تزل بالفضل حاجة استغفرک و اتوب الیک من مظالم کثیرة لعبادک
قبلی اللهم فایما عبد من عبیدک او امة من امائک کانت له قبلی مظلمة ظلمتها
ایاه فی نفسه او فی عرضه او فی ماله او فی اهله و ولده او غیبة اغتبته بها او تحامل

عليه او هوى او انفة او حمية او رياء او عصبية غائبا كان او شاهدا حيا كان
او ميتا فقصرت يدي وضاق وسعي عن ردها اليه والتحلل منه فاسئلك يا
من يملك الحاجات وهي مستجيبة بمشيته ومسرعة الى ارادته ان تصلي على
محمد وآل محمد وان ترضيه عني بما شئت من خزائن رحمتك ثم تهبها لي من لدنك انه
لا تنقصك المغفرة ولا تضرك الموهبة رب اكرمني برحمتك ولا تهلكني بذنوبي
انك واسع المغفرة يا ارحم الراحمين پس غسل توبه نموده وصيغه توبه را جاري سازد بلكه
توبه ندامت وعزيمت است بقلب نه بزبان تنها وصيغه توبه اينست اني استغفر الله
العظيم واتوب اليه اشهد الله وجميع ملائكته وانبيائه ورسله وحملة عرشه وجميع خلقه
اني نادم على ما سلف من الذنوب والمعاصي ومعترف بها واني عازم على ان لا
اعود اليها وقد عاهدت الله تعالى على ذلك العهد في عنقي يطالبني به يوم القيمة و
صلى الله على محمد وآله وبعد از ان دو ركعت نماز بگذارد بهر سوره كه خواهد وبهترين دعا
دعاي صحيفه است بجهة توبه واز براي اهل وعيال خود انچه بايد وشايد از نفقه وكسوه وسائر
ما يحتاج در مدت رفتن وبرگشتن خود مهيا كند واز براي ايشان بحسب الشرع وصيت نمايد
وبسپارد بكسي از برادران ديني كه نهايت وثوق واعتماد باو باشد واز براي خود اختيار كند
روزي صالح مثل شنبه وسه شنبه وپنج شنبه ورفيقي صالح واگر ميسر شود رفيقي اختيار
نمايد كه از او عالم باشد بافعال واجبه ومستحبه وسعي كند در نيكو ساختن خلق زياده از انچه
در وطن بوده وتوشه بسيار بردارد واز روي رغبت وخواهش بذل نمايد ونفقه همراهان وبخشش نمايد
وهرچه بيشتر بذل نمايد بهتر است واسراف نيست وبخل اگرچه در همه جا بد است ومذموم است و
لكن در سفر مكه بدتر ومذموم تر است زيرا كه حضرت پيغمبر فرمود حج مبرور نيست از براي او
اجري مگر بهشت پس عرض كردند چيست بر حج يا رسول الله فرمود طيب الكلام واطعام الطعام
يعني پاكيزه كردن كلام وتكلم با ناس ودادن طعام را واز انحضرت روايتست كه صرف يك درهم
در راه مكه بجهة حج بهتر است از هزار درهم در غير مكه كه در راه خدا دهد از حضرت صادق مرويست
كه فرمود هرگاه اراده حج كني خالص سازد دل خود را از براي خدا از غير خدا وواگذار امور خود را
بخدا وتوكل باو كن در جميع امور وتسليم شو براي قضا وحكم خدا وبگذارد دنيا وراحت وخلق را
واداي حقوقي كه مردم را بر تو هست بكن واعتماد مكن بر توشه وراحله وياران ومصاحبان ودوستان

ودوستان وقوت وجواني واولاد ومال كه ميگردد اينها همه براي تو دشمن ووبال ومنجر ميشود
بحسرت ونكال وبدانكه جميع دولتها وراحتها بتوفيق خدا بسته وبايد رعايت كند در
سفر فرايض خدا وسنن وآداب حضر وتدبير را وبردباري وصبر وشكر وشفقت وسخاوت وايثار
زاد را در همه اوقات بدانكه خداي تعالى واجب كرده است حج را ومخصوص ساخته است بحج
در جائي كه فرموده ولله على الناس حج البيت پس چون خواهند روانه شود بجاي آورد آداب
واعمالي را كه در فصل آداب سفر مطلق مذكور ميشود ان شاء الله تعالى فصل در بيان اعمال
وافعال حج وعمره است بدانكه شارع مقدس مواضعي چند از براي احرام معين فرموده كه بايد از
انجا احرام گرفت پس هرگاه عراقي اراده حج كند واز راه نجد برود بايد از وادي عقيق كه احرامگاه اهل
نجد است واز براي وي سه موضع است كه افضل انها مسلخ است كه بركه سر انجاست وان اول
ميقاتگاه است احرام ببندد واگر ممكن نشود از موضع ثاني كه غمره است واگر ممكن نشود از موضع ثالث
كه ذات عرق است وهرگاه از راه مدينه برود احرامگاه مسجد شجره است وهرگاه از دريا روند يلملم
كه از اسعديه ميگويند وتا ممكن شود خود را بانجا برسانند وبمحاذات ميقات اكتفا نكنند والا مضطر
باشند در محاذات احرام گيرد ودر ابتداي حرم بر احرام نتوان بست هرگاه نتواند برگردد بميقات بلكه
جايز نيست احرام بستن حج اعم از انكه متمتع باشد يا قارن يا مفرد مگر در ماههاي حج كه شوال وذي
القعده وعشر ذي الحجه است وسنت است كه در اول ماه ذي القعده موي سر وريش را نگذارد بلند شود
بلكه اگر بتراشد احتياط در اين است كه گوسفندي بكشد وهرگاه اراده احرام كند پس بر او سنت كه زايل
سازد موي كل بدن را بنوره سواي موي سر وريش كه مذكور شد وشارب وناخن بگيرد وبدن را از چرك
پاك كند وغسل احرام كند بايد بنيت كه غسل احرام عمره حج تمتع ميكنم قربة الى الله ودر غسل بايد
وبايد چون بخواند بسم الله وبالله اللهم اجعله لي نورا وطهورا وحرزا وامنا من كل خوف وشفاء
من كل داء وسقم اللهم طهرني وطهر لي قلبي واشرح لي صدري واجر على لساني محبتك ومدحتك
والثناء عليك فانه لا قوة الا بك وقد علمت ان قوام ديني التسليم لامرك والاتباع لسنة
نبيك صلواتك عليه وآله وچون فارغ شود از غسل بپوشد جامهاي احرام را كه عبارت از
دو قطعه است يكي را بطريق لنگ ميبندد اما الحال ميپوشد وديگري را بطريق ردا بر دوش اندازد وبنيت كند
كه دو جامه احرام عمره حج تمتع اسلام ميپوشم كه واجبست قربة الى الله وبايد لنگ انقدر باشد كه ميان
ناف وزانو را بپوشاند وبنيت زانكه هر جامه كه نماز در ان صحيح باشد احرام در ان صحيح باشد وهر جامه

که نماز دو ان صحیح نیست احرام هم صحیح نیست و مکروه است احرام در جامه رنگین و سیاه و سنت است
احرام را در عقب نماز ظهر بگیرد و اگر وقت ظهر نباشد در عقب نماز واجبی دیگر و اگر اینهم ممکن نشود
دو رکعت نماز نافله احرام بجا آورد باین نیت که دو رکعت نماز نافله احرام عمره حج تمتع میکنم سنت
قربة الی الله و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون و سنت است
بعد از نماز خواه فریضه و خواه دو رکعت نافله بگوید بسم الله والحمد لله وصلی الله علی محمد و آله
اللهم انی ارید ما امرت به من التمتع بالعمرة الی الحج فان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی
حیث حبستنی پس نیت احرام کند و لحوط انست که اول نیت عمره بکند باین نحو که عمره بجا می آورم
عمره اسلام تمتع واجب قربة الی الله بعد از نیت احرام کند که احرام واجب حج تمتع اسلام واجب
میگیرم و چهار تلبیه بجهة بستن این احرام میگویم واجب قربة الی الله و مقارن آن بگوید لبیک اللهم
لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد والنعمة والملک لک لا شریک لک و قول مشهور میگویم هم در
میان علما است و لحوط انست که از اهم بگوید و آن اینست لبیک اللهم لبیک لبیک ان الحمد
والنعمة لک والملک لا شریک لک لبیک و همزه ان را بکسر و فتح هر دو میتوان خواند و شاید بهتر کسر
آن باشد و لحوط انست که هر دو را بگوید بدانکه مقارنت نیت چنانکه گفتیم تا لبیکات اربع واجب
ولکن لحوط است و سنت است که بگوید لبیک ذا المعارج لبیک واجب در تلبیه بکبارات و تکرار
سنت است خصوصا در عقب نمازهای واجبی و سنتی و در وقتی که بر شتر سوار شود و شتر برخیزد و
وقتی که بلندی و پستی برود و وقتی که بسواری برسد و وقتی که از خواب بیدار شود و در صحراها
تا آنکه خانهای مکه پیدا شود آنگاه ترک تلبیه کند و هرگاه خواهد اضافه بر سابق بگوید لبیک ذا المعا
لبیک لبیک داعیا الی دار السلام لبیک لبیک غفار الذنوب لبیک لبیک اهل التلبیة
لبیک لبیک ذا الجلال والاکرام لبیک لبیک تبدئ والمعاد الیک لبیک لبیک تستغنی و
تفتقر الیک لبیک لبیک مرهوبا و مرغوبا الیک لبیک لبیک اله الحق لبیک لبیک ذا
النعماء والفضل الحسن الجمیل لبیک لبیک کشاف الکروب لبیک لبیک عبدک وابن عبدیک
لبیک لبیک یا کریم لبیک مراد از احرام اینست که حرام میکنم بر خود آنچه حق تعالی بر من حرام کرده
تا وقت محل شدن و آن بیست و سه چیز است هفده از آن بر مرد و زن هر دو حرام اول شکار کردن دوم
مرد و زن یکدیگر را بغیر کردن سیم بوی خوش استعمال کردن چهارم سرمه سیاه در چشم کشیدن بدون
ضرورت هر چند بقصد زینت نباشد و هم چنین هر سرمه که در آن بوی خوش باشد پنجم در روغن زدن

ضرورت روغن بر بدن مالیدن ششم خون از بدن بیرون کردن بدون ضرورت هفتم ناخن
گرفتن بدون ضرورت و در حال اختیار جایز است در حدیث صحیح است که از هر ناخنی قبضی
از طعام اطعام کند هشتم موی از اندام دور کردن نهم درخت و گیاه از زمین حرم کندن دهم
دروغ گفتن و دشنام دادن و تفاخر کردن یازدهم قسم خوردن بمثل لا والله و بلی والله بلکه
مطلق قسم علی الاظهر دوازدهم انگشتر بدست کردن بجهة زینت سیزدهم خضاب کردن بحنا
بقصد زینت چهاردهم بجهة زینت در آینه نگاه کردن پانزدهم از روی اختیار سلاح پوشیدن
شانزدهم جانوران بدن مثل کیک و شپش کشتن یا انداختن هفدهم دندان کندن و حجم
مخصوص مردانست و بر زن حرام نیست چهار است اول پوشیدن سر است بهر وجه باشد
در حال اختیار و هرگاه سهوا سر را بپوشد فورا بیندازد و لحوط آنست تلبیه بگوید دوم دوخته
دوخته پوشیدن مانند قبا و پیراهن و زیرجامه و آنچه شبیه باینها باشد هر چند دوخته نباشد
مثل کپنک و کلاه نمد و امثال آن مثل زره و طامر است که پوشیدن مثل پاپیچ ضرر ندارد و کار
نکه از ابکا قند سیم وقت راه رفتن بر خود سایه افکندن اما هرگاه ضروری باشد مثل
مرض و گرمای بسیار شدید پس جایز است سایه بان گرفتن با فدا یعنی ذبح گوسفندی در منی
چهارم پشت پا بها پوشیدن و آنچه مخصوص زنان است و بر مردان حرام نیست دو است اول
روی پوشیدن یعنی واجب است روی خود را گشاده بدارند و هرگاه محتاج شوند بپوشیدن رو مثل
مردان نامحرم بر او عبور کنند جایز است که قناع خود را بیاویزد تا طرف بینی یا پایین زنخ یا
پایین تر و اولی آنست که قناع بر صورت او نخورد باید که از چوب خالی بیاویزد یا بدست تابع
شود از خوردن دوم زینت و زیور غیر عادی پوشیدن و چون بمکه رسد سنت است
پیاده شود و بجهة دخول حرم غسل کند و پا را برهنه کند و نعلین را بدست گیرد و داخل شود
و در وقت دخول قدری از گیاه اذخر بخاید که دهان او خوشبو شود و با آرام دل و وقار و کمال
شکستگی داخل مکه شود و از برای دخول مکه اگر میسر شود نیز غسل کند سنت است که داخل مکه
شود از اعلا و بیرون رود از اسفل و برای دخول مسجد الحرام نیز غسل سنت است و سنت است از
در بنی شیبه داخل مسجد الحرام شود و ان الحال داخل مسجد الحرام شده است پس از باب السلام داخل
شود و می باید تا بستون نهانی که در انجا در بنی شیبه بوده است با آرام دل و پای برهنه داخل
مسجد شود و بایستند در نزد در و بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته

بعد از آن بگوید بسم الله و بالله و ما شاء الله و السلام علی انبیاء الله و رسله و السلام علی
رسول الله و السلام علی ابرهیم خلیل الله و الحمد لله رب العالمین پس هر گاه داخل مسجد
بلند سازد دو دست خود را و رو بخانه کند و بگوید اللهم انی اسئلك فی مقامی هذا فی اول
مناسکی ان تقبل توبتی و ان تجاوز عن خطیئتی و تضع عنی وزری الحمد لله الذی بلغنی بیته
الحرام اللهم انی اشهد ان هذا بیتك الحرام الذی جعلته مثابة للناس و امنا
مبارکا و هدی للعالمین اللهم انی عبدك و البلد بلدك و البیت بیتك جئت اطلب
رحمتك و اؤم طاعتك مطیعا لامرك راضیا بقدرك اسئلك مسئلة الفقیر المضطر
الیك الخائف لعقوبتك اللهم افتح لی ابواب رحمتك و استعملنی بطاعتك و مرضاتك
و احفظنی بحفظ الایمان ابدا ما ابقیتنی جل ثناء وجهك الحمد لله الذی جعلنی من وفده
و زواره و جعلنی ممن یعمر مساجده و جعلنی ممن یناجیه اللهم انی عبدك و زائرك
فی بیتك و علی کل ماتی حق لمن اتاه و زاره و انت خیر ماتی و اکرم مزور فاسئلك یا
الله یا رحمن یا رحیم بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شریك لك و بانك واحد
احد صمد لم تلد و لم تولد و لم یکن له کفوا احد و ان محمدا عبدك و رسولك صلی الله علیه
و اله یا جواد یا ماجد یا حنان یا کریم اسئلك ان تجعل تحفتك ایای من زیارتی ایاك
فکاك رقبتی من النار اللهم فك رقبتی من النار بعد از آن سه مرتبه بگوید و اوسع علی من
رزقك الحلال و ادرأ عنی شر شیاطین الجن و الانس و شر فسقة العرب و العجم پس با پای
وقار روانه شود بجانب حجر الاسود و چون نزدیک حجر رسد رو بحجر کرده دستها را بلند سازد و
حمد و ثنای الهی بجای آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید اللهم تقبل منی و بگوید این
دعا را که در مصباح نقل کرده الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك
و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر پس
دست و رو و بدن را بحجر الاسود بمالد و ببوسد و اگر بسبب کثرت ازدحام نتواند دست بان رساند
دست خود را ببوسد و اگر نتواند اشاره کند و بگوید اللهم انی اومن بوعدك و اوفی بعهدك
اللهم امانتی ادیتها و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاة اللهم تصدیقا بکتابك و علی
سنة نبیك اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له و ان محمدا عبده و رسوله آمنت

بالله و کفرت بالجبت و الطاغوت و باللات و العزی و عبادة الشیطان و عبادة
کل ند یدعی من دون الله و خانه را بدست چپ گرفته طواف کند پس از طواف چند
شرط واجبست بعمل آورد اول طهارت از حدث اکبر و اصغر پس هرگاه با غسل یا وضو
که نماز با آنها توان کرد نباشد غسل و وضو بسازد و اگر نتواند تیمم نماید چنانکه در نماز می کرد
دوم طاهر بودن جامه و بدن از نجاسات سیم ستر عورت بطریق نماز چهارم ختنه است
اگر شخصی ختنه نکرده باشد طواف او باطلست و چون خواهد بطواف مشغول شود اول نیت کند
باین طریق که هفت مرتبه دور خانه کعبه می گردم در عمره اسلام و عمره تمتع واجب قربة الی الله
و مقارن نیت در همان حال که رو بروی حجر الاسود ایستاده خود را بگرداند و خانه را بطرف چپ
بگیرد پنجم آنکه اگر خطی از جانب حجر اول حجر که طرف رکن یمانیست بکشند متصل شود علما یا احتیاطا
بجزو اول بدن طواف کند که مقدم باشد بر باقی اعضای و مثل سر انگشت پا یا سر بینی و شکم
و شروع در طواف کند و باید که طواف در میان خانه و مقام ابرهیم باشد و در جایی که مقام نباشد
از خانه بقدر طرفی که مقام است دورتر نشود و باید که طواف در عقب حجر اسمعیل باشد چنانکه
حجر داخل طواف باشد و حجر بکسر حاء مهمله و سکون دیواریست کوتاه در جانب ناودان طلا و تعیین
وجه مذکور بنا بر مشهور میان متاخرین است و اظهر آنست که محاذات عرفی کافی باشد لکن احوط
عمل بر قول اینانست و چون نظر بخانه کعبه محاذات در وقت ازدحام مشکلست اگر قدری پیشتر از
حجر الاسود بایستد باین قصد که آن قدری که برابر اول حجر است اول طوافش باشد ضرر ندارد بلکه
گاهی ضرور است که چنین کند از باب مقدمه واجبه در شوط هفتم نیز بنا بر مشهور میان متاخرین
باید بهمان جا ختم کند که ابتدا کرده بنحوی که زیاده و کم نشود و از این مشکلست و ظاهر آنست که همین
که عرفا بگویند شوط را بجای اول رسانده تمام کرده کافیست و در اینجا نیز هر گاه در شوط آخر طواف قدری
از حجر بگذرد از باب مقدمه باین قصد که آن قدری که برابر حجر بود آخر طوافش باشد خوبست و باید
گشتن بر دور خانه کعبه کمتر از هفت نوبت و زیاده نباشد و هر نوبت را شوط گویند و هفت شوط یک طواف
و باید در همه حال خانه کعبه در طرف چپ باشد و باید همه بدن او از کعبه بیرون باشد پس نباید بر روی شاد
روان کعبه که در اصل داخل خانه بوده راه رود و بهتر آنست که مقدار شادروان را در همه اطراف خانه
ملاحظه کند و بعضی آن را تحدید کرده اند بمقدار یک ذراع دست و احوط اینست که دست بر دیوار کعبه
نرساند در همه جا رو بمقصد رود مثل حال نماز یعنی التفات بجانب راست و چپ نکند و اگر قدری از طواف

رو بکعبه بعمل اورد از طواف صحیح نیست و باید از راه رفتن در اثنای طواف هرزه نشد باشد بلکه راهسته
بلکه میانه بود و در اثنای طواف باید دعا بخواند اللهم انی اسئلك باسمك الذی یمشی به علی
ظلل الماء کما یمشی به علی جدد الارض واسئلك باسمك الذی یهتز له ارکان
عرشك واسئلك باسمك الذی دعاك به موسی من جانب الطور فاستجبت له
والقیت علیه محبة منك واسئلك باسمك الذی غفرت به لمحمد ما تقدم من
ذنبه وما تاخر واتممت علیه نعمتك ان تفعل بی کذا وکذا و در حال طواف بگوید
اللهم انی الیك فقیر وانی خائف مستجیر فلا تبدل اسمی ولا تغیر جسمی و بعد
از آن حاجت خود از حق تعالی طلب نماید و در اثنای طواف هرگاه محاذی در خانه شود
صلوات بفرستد و هرگاه در اثنای طواف بدیوار کوتاه که در طرف ناودان خانه
کعبه است برسد باید دعا بخواند اللهم ادخلنی الجنة برحمتك وعافنی من السقم
واوسع علی من الرزق الحلال وادرء عنی شر فسقة الجن والانس وشر فسقة العرب
والعجم و چون در شوط هفتم که بمستجار رسید که در دوران سابق در خانه کعبه بود و
الحال بسته شده و علامت آن نمایانست باید رو بان کند و خود را بان بچسباند و باید دعا
بخواند اللهم البیت بیتك والعبد عبدك وهذا مکان العائذ بك من النار و
در حدیث آمده که هرگاه در آن مکان شریف اقرار بگناهان خود کند البته خدای تعالی
گناهان او را می آمرزد و بعد از اقرار بگناهان خود باید دعا بخواند اللهم من قبلك الروح
والفرج والعافیة اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه لی واغفر لی ما اطلعت علیه منی
وخفی علی خلقك و چون از طواف فارغ شد برود بمقام ابرهیم که خود آن سنگیست
که موضع قدم حضرت ابرهیم بر آن هست و دیواری الحال بر دور آن سنگ ساخته اند و دو
رکعت نماز طواف بگذارد و محل آن در پشت مقام است یعنی پشت سنگی که مذکور شد و در طرف
راست و چپ و نزدیک بان هم جایز است لکن باید سر او از آن سنگ در حال سجود پیش تر
نرود که داخل محل طواف باشد بلکه سر او از خود آن هم پیش نرود پس داخل از حائر که در آنجا
ساخته اند و دو رو جانب آن و در پشت آن هم نماز می توان کرد و تا تواند بان سنگ نزدیک
باشد بهتر است و اگر نتواند هم دورتر عیبی ندارد و این در طواف واجبست و اما طواف سنت
نماز آنرا در هر جای مسجد که خواهد می تواند کرد در هر حال و این نماز مثل نماز صبح است و اذان و

و اقامه ندارد و باید چنین نیت کند که دو رکعت نماز طواف میکنم در عمره اسلام عمره
تمتع و الحج قربة الی الله و مخیر است مکلف در جهر و اخفات و سنت است در رکعت اول
بعد از حمد قل هو الله و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و بعد از سلام حمد و ثنای
الهی بجای آورد و صلوات بر محمد و آل و بفرستد و نزد حجر الاسود آید و آن را ببوسد و بچاه
زمزم باید و یک دلو آب بکشد و از آن آب بر سر و تن خود بریزد و بخورد و در وقت خوردن باید دعا
بخواند اللهم اجعله علما نافعا ورزقا واسعا وشفاء من کل داء وسقم و بعد از آن متوجه سعی ما
بین صفا و مروه شود و سنت است زمانیکه در ستونی که در قدیم باب الصفا در آنجا بوده برود
رود از دری که مقابل حجر الاسود است و با آرام دل و تن قطع کند وادی را تا بالای کوه صفا برود
و نظر کند بکعبه و رو برکن عراقی نماید و حمد و ثنای الهی کند و از نعمای که با وکرامت فرموده
بشمارد با آنچه تواند و هفت مرتبه الله اکبر گوید و هفت مرتبه لا اله الا الله و سه مرتبه لا اله
الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و سه مرتبه الله اکبر الحمد لله علی ما هدینا والحمد لله علی
ما ابلانا والحمد لله الحی القیوم والحمد لله الحی الدائم و سه مرتبه اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو
کره المشرکون و سه مرتبه اللهم انی اسئلك العفو والعافیة والیقین فی الدنیا والآخرة
و سه مرتبه اللهم آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار و بعد از آن
الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان الله هر یک صد مرتبه بگوید و باید بخواند لا اله الا الله
وحده وحده انجز وعده ونصر عبده وغلب الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد وحده
اللهم بارك لی فی الموت وفیما قبل الموت وفیما بعد الموت اللهم انی اعوذ بك من ظلمة
القبر ووحشته اللهم اظلنی تحت عرشك یوم لا ظل الا ظلك و بعد از آن بسیار
بگوید استودع الله دینی ونفسی و بعد از آن بگوید استودع الله الرحمن الرحیم الذی
لا تضیع ودائعه دینی ونفسی واهلی ومالی وولدی اللهم استعملنی علی کتابك و
سنة نبیك وتوفنی علی ملته واعذنی من مضلات الفتن اللهم اغفر لی کل
ذنب اذنبته قط فان عدت فعد علی بالمغفرة انك انت الغنی عن عذابی وانا محتاج
الی رحمتك فیا من انا محتاج الی رحمته ارحمنی اللهم افعل بی ما انت اهله ولا

تفعل بي ما انا اهله فانك ان تفعل بي ما انا اهله تعذبني ولا تظلمني اصبحت اتقي عدلك
ولا اخاف جورك فيا من هو عدل لا يجور ارحمني بعد از ان سه مرتبه بگويد الله اكبر
پس و توبه دعا را بخواند و بعد از ان يكمرتبه بگويد الله اكبر بعد از ان اعاده نمايد و اگر زحمت
خواندن كل اين دعاها نداشته باشد بقدر انچه ميسر شود بخواند و چون فارغ شود از صفا رو
ايد بانكه رفتن ببالاي كوه صفا و خواندن اين دعاها امر از سنتست نه زنان را و پا الارض
بگود و واجبست و همچنين پا الارض بلها و بهتر انست كه بله چهارم نيت كند از براي سعي و
چون بپايين بايد باشنه پاي خود را بكوه صفا بچسباند و تا مي بايد نيت كند و سنت است
نيز طهارت از حدث اكبر و اصغر و ازاله نجاست از بدن و رخت و اما واجبات سعي انست كه
نيت كند باينطريق كه هفت شوط سعي ميان صفا و مروه ميكنم در عمره اسلام و عمره تمتع واجب قربة
الى الله و در حكم نيت باقي ماند تا از سعي فارغ شود و ابتدا از كوه صفا نمايد و ختم كند بمروه و
رفتن از صفا بمروه را يكشوط حساب كند و بر گشتن را يكشوط و همچنين تا هفت شوط تمام شود
و بايد سعي اين هفت شوط كم و بيش نباشد و در موالات يعني از پي هم بودن هفت شوط بي فاصله
خلافست بعضي شرط دانسته اند و بعضي ميگويند شرط نيست احوط موالاتست بطريقي كه
مذكور شد و بايد از راه متعارف معهوده ما بين صفا و مروه رود نه از راه غير متعارف مثل مسجد الحرام
و غير ان و واجبست رو بروي مقصد برود پس اگر پشت بيت طي مسافت كند صحيح نيست و در بين
راه التفات و نگاه كردن عيبي ندارد و بجانب راست و چپ ضرر ندارد و سواره و در محمل طي مسافت
كردن عيبي ندارد و لكن افضل انست كه پياده باشد و سنتست كه در اول هر شوط و اخر ان با ارام
دل باشد و تند راه نرود مگر در ما بين دو مناره كه انجا هروله نمايد يعني تند برود مانند رفتن
شتر و كرك خواه پياده باشد خواه سواره و چون از مناره دوم بگذرد باز با ارام رود تا بمروه رسد
و هرگاه هروله را فراموش كند بقهقرا بر گردد يعني پشت بقبله تا بمحل ان رسد و هروله را بجاي
اورد و اين هروله مردان راسنتست نه زنان را و چون بمروه رسد سنتست كه بكوه مروه بالا رود
و دعاهائيكه در صفا خوانده بخواند و خود را بكبريا بدارد و دعا بسيار كند و همچنين در اثناي سعي
اين دعا بخواند بسم الله و الله اكبر و صلى الله على محمد و ال محمد اللهم اغفر و ارحم و تجاوز عما
تعلم انك انت الاعز الاكرم و بعد تمام واجبست تقصير كند يعني از موي سر يا از ريش يا
شارب يا ناخن چيزي جدا كني بمقراض يا غير ان و نيت چنين كند كه تقصير ميكنم در عمره تمتع

تمتع از جهة محل شدن واجب قربة الى الله و مقارن نيت بتقصير مشغول شود و چون تقصير
كرد جميع انچه باحرام حرام شده بود حلال ميشود مگر سر تراشيدن و تقصير اخر افعال عمره است
و سنتست كه تقصير بر مروه واقع شود و مكروه است طواف بعد از سعي و قبل از تقصير و
واجبست كه باحرام حج اشتغال نمايد و جميع انچه در احرام عمره مذكور شد در اين احرام معتبر است
و ميقات اين احرام از اندرون شهر مكه است و افضل مواضع احرام مسجد الحرام مقام ابرهيم است
يا زير ناودان طلا بر قولي يا مخير ميان مقام ابرهيم و حجر اسمعيل بنا بقول ديگر و زن حايض و
نفسا در بيرون مسجد الحرام بگيرد و افضل انست در روز ترويه كه هشتم ذي حجه است بعد از نماز
ظهر و عصر احرام بگيرند و سنتست غسل احرام باين نيت كه غسل احرام حج تمتع اسلام ميكنم
قربة الى الله و سنتست كه هرگاه جامه احرام را نكنده باشد بكند و مرتبه ديگر بپوشد و نيت كند
كه دو جامه احرام حج تمتع اسلام مي پوشم از جهة انكه واجبست قربة الى الله و هرگاه جامه را
نكنده باشد و نخواهد بكند هم جايز است و چنانكه پيش مذكور شد هرگاه وقت نماز ظهر نباشد
دو ركعت نماز نافله احرام بكند باين نيت كه دو ركعت نماز نافله احرام حج تمتع حج اسلام
ميكنم سنت قربة الى الله و بهتر انست كه اول نيت حج كند كه حج ميكنم حج اسلام حج تمتع واجب
قربة الى الله و بعد از نافله نيت احرام كند كه احرام ميگيرم بحج اسلام حج تمتع و چهار تلبيه واجب
ميگويم از عقب اين احرام واجب قربة الى الله پس تلبيه ميگويد و احوط انست كه مقارن نيت
تلبيه بگويد و بهتر اينست آهسته بگويد و چون برقطا رسد كه ان ابطح مكه است بلند بگويد هنوز بر حرم
نرسيده باز تلبيه بگويد و چون مشرف شود برابطح صدا را بتلبيه بلند كند و كيفيت تلبيه همانست
كه گذشت و ادعيه كه در حال احرام و بعد از احرام وارد شده بخواند و هيچ فرقي نيست مگر انكه
بجاي احرام در دعاها حج ذكر ميكند مثلا ميگويد اللهم اني اريد الحج تا اخر دعا و احكام احرام از واجبات
و تروك و اداب چنانست كه در عمره مذكور شد و تلبيات را بنحوي كه مذكور شد تكرار نمايد تا
بعرفات و چون بعرفات رسيد تا زوال قطع تلبيه ميكند و بعد از انجا بر نيست مگر از براي
كسيكه اضطرار احرام را بعد از زوال بسته باشد مثل كسيكه احرام حج را فراموش كرده باشد
كه در انجا احرام ميگيرد و تلبيات اربع را يكبار ميگويد و مستحب است بعد از احرام و خروج از
مكه متوجه منى شود با ارام دل و جوارح و با ذكر و تسبيح و تهليل و اين دعا بخواند اللهم هذه
منى و هي مما مننت به علينا من المناسك فاسئلك ان تمن علي بما مننت به على

أنبيائك فإنما أنا عبدك وفي قبضتك وشب عرفه را در منى بعبادت بسر برد وآن از
ليالي متبركه است چنانچه از حضرت رسول منقولست كه فرمود در شب عرفه دعاها مستجاب
ميشود وكسي كه آن شب را بدعا وعبادت بسر آورد اجر صد وهفتاد سال عبادت دارد وآن شب
مناجات با قاضي الحاجات است وهر كه در آن شب توبه كند توبه اش مقبولست ومستحب است در
اين شب غسل كردن وزيارت حضرت امام حسين ع نمودن واحاديث بسيار در فضيلت
زيارت آنحضرت در شب وروز عرفه وارد شده از نزديك ودور وزيارت آنحضرت در شب
اول رجب مذكور شد كه در همه وقت ميتوان كرد وزيارت دور بنا بر آنچه در زاد المعاد نقل
كرده وگفته در هر شب ميتوان كرد باين نحو است كه بر پشت بام خانه خود رود وبانگشت شهادت
بسوي قبر آنحضرت اشاره كند وبگويد السلام عليك وعلى جدك وأبيك السلام عليك و
على أمك وأخيك السلام عليك وعلى الأئمة من بنيك السلام عليك يا صاحب
الدمعة الساكبة السلام عليك يا صاحب المصيبة الراتبة لقد أصبح كتاب الله فيك
مهجورا ورسول الله فيك موتورا السلام عليك ورحمة الله وبركاته السلام على أنصار الله
وخلفائه السلام على أمناء الله وأحبائه السلام على محال معرفة الله ومعادن
حكمة الله وحفظة سر الله وحملة كتاب الله وأوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلى
الله عليه وآله ورحمة الله وبركاته پس هر حاجتي كه خواهي از خداي تعالى سؤال كن و
سنت است در اين شب خواندن بهترين دعاها دعاي اللهم يا شاهد كل نجوى ودعاي
اللهم من تعبأ وتهيأ كه در دو عمل شب جمعه گذشت وبهتر اينست كه شب عرفه در
مسجد خيف باشد وتا صبح بماند وبعضي حرام دانسته اند كه پيش از طلوع صبح بيرون رود و
مستحب است كه از وادي محسر نگذرد تا آفتاب طلوع كند وبعضي حرام دانسته اند وبعد از
نماز صبح وفراغ از تعقيب تا طلوع آفتاب در منى توقف نمايد بعد از آن روانه عرفات شود ودر حين
روانه شدن اين دعا بخواند اللهم إليك صمدت وإياك اعتمدت ووجهك أردت أسألك
أن تبارك لي في رحلتي وأن تقضي لي حاجتي وأن تجعلني ممن تباهي به اليوم من هو أفضل
مني ... واجب است در عرفات وقوف كند ومراد از وقوف عرفات بودن در آن موضع است
از ابتداي زوال تا شام خواه ايستاده وخواه نشسته وخواه تكيه كرده وخواه سواره ودر اول آن نيت
كند كه توقف ميكنم در عرفات از زوال تا غروب آفتاب در حج اسلام حج تمتع واجب قربة إلى الله

مقبوله وهزار جهاد كه با پيغمبر مرسل يا امام عادل باشد راوي گفت كجاست ثواب وقوف
عرفات حضرت از روي غضب بسوي او نظر كرد وفرمود بدرستيكه بنده مؤمن در روز عرفه
نزد قبر آنحضرت حاضر شود ودر نهر فرات غسل كند ومتوجه زيارت آنحضرت شود بهر گام كه
برميدارد ثواب يك حج ويك عمره براي وي مينويسند ودر روايت ديگر فرمود در روز عرفه حق تعالى
اول نظر رحمت بسوي زوار حضرت امام حسين ع ميكند وگناهان ايشانرا مي آمرزد وحاجات
ايشانرا برمي آورد وبعد از آن متوجه اهل عرفات ميگردد زيرا كه ميان زوار آنحضرت حرامزاده
وفرزند زنا نيست ودر ميان اهل عرفات هست وكسي كه توفيق هيچيك از اين دو را نيافته
باشد بايد در ساير بلاد غسل كند ودر مجمع مؤمنان حاضر شود وزيارت حضرت امام
حسين عليه السلام كند واز حضرت صادق ع منقولست كه هر كه در روز عرفه پيش از آنكه مشغول
دعا شود دو ركعت نماز در زير آسمان بجا آورد واعتراف بگناهان خود كند بثواب اهل عرفات
فائز گردد وگناهان گذشته وآينده او آمرزيده شود وشيخ مفيد ره اين نماز را بعد از نماز
عصر اين روز ذكر كرده وگفته اين نماز مخصوص حاجيان است كه در اطراف باشند ودر عرفات
نباشند ودر حديث معتبر از حضرت صادق ع منقولست كه چون خواهد مشغول دعا شود
اول صد مرتبه الله اكبر بگويد وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه لا اله
الا الله وصد مرتبه قل هو الله وصد مرتبه انا انزلناه بخواند ودر روايت ديگر فرموده صد مرتبه
آية الكرسي وصد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله وصد مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد
بگويد پس مشغول دعا شود وبهترين دعاها دو دعاست يكي دعاي حضرت امام حسين عليه السلام
ويكي دعاي صحيفه كامله است ودعا اينست شيخ طوسي بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام
روايت كرده كه حضرت پيغمبر بحضرت علي ع فرمود ميخواهي ترا تعليم كنم دعاي روز عرفه
وآن دعاي پيغمبران پيش از من است ميگوئي لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله
الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم لك الحمد
كالذي تقول وخيرا مما نقول وفوق ما يقول القائلون اللهم لك صلاتي ونسكي
ومحياي ومماتي ولك براءتي وبك حولي ومنك قوتي اللهم إني أعوذ بك من الفقر
ومن وسواس الصدر ومن شتات الأمر ومن عذاب القبر اللهم إني أسألك خير الرياح
وأعوذ بك من شر ما تجيء به الرياح وأسألك خير الليل والنهار اللهم اجعل في قلبي نورا وفي سمعي

إلى الله و ظاهر اینست که واجبست تمام این زمان را که از ابتدای اول زوال است
تا غروب وقوف کند بلکه جایز است غسل و نماز ظهر و عصر را در بیرون عرفات بکند و
بعد از آن داخل موقف شود بلکه ظاهر اینست که هرگاه قدری از آخر روز را تا غروب بماند
واجب را بعمل آورده است ولکن احوط اینست که بیشتر از زمان غسل و نماز ظهرین در خارج
عرفات توقف نکند و تمام آن وقت را در عرفات باشد و بهر حال هرگاه عمداً پیش از غروب
بیرون رود گناهکار است و بجهت این باید قربانی بکند و حج او باطل نشود و صحیح باشد
و آنچه مذکور شد در اختیار است اما هرگاه ممکن نشود او را ادراک عرفات در روز عرفات
که شب عید در عرفات توقف کند حج او قابل باشد و این در وقتیست که باید مشعر الحرام
پیش از طلوع آفتاب درک بکند و هرگاه مظنه کند که مشعر الحرام از او فوت میشود در عرفات
توقف نکند و مستحب است غسل کند و اسباب خود را جمع کند و اموری که باعث تشویش
خواطر است از خود دور کند و جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت بیک اذان و دو
اقامه و نافله ساقط است و بعد از نماز عصر از برای دعا بایستد و رو بقبله کند و
گناهان خود را یک یک بشمارد و استغفار کند و مشغول دعا شود تا شام و هرگاه ایستادن
بر او شاق باشد بجنبد که منافی حضور قلب باشد بنشیند و از برای برادران مؤمن زنده و
مرده دعای بسیار کند چنانچه در حدیث منقولست که ابراهیم بن هاشم گفت عبد الله بن
جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچکس را بهتر از او ندیدم پیوسته دستهای خود را
بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ
شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند دعا نکردم مگر برای برادران
مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی شنیدم که هر که دعا کند برای برادران مؤمن خود
در غیبت او از عرش ندا رسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس نخواستم که دست
بردارم از صد هزار برابر دعای سالم که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب
خواهد شد یا نه و اگر توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه منوره حضرت امام حسین
باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانچه از حضرت صادق
منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق آنحضرت را شناسد
او را امام واجب الطاعة داند بنویسد خدای تعالی از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره

وفي سمعي نوراً وفي بصري نوراً وفي لحمي نوراً وفي دمي وعظامي وعروقي ومقعدي ومقامي ومدخلي
ومخرجي نوراً وأعظم لي النور يا رب يوم ألقاك إنك على كل شيء قدير و از حضرت
امام رضا منقولست که این دعا را در روز عرفه بخوانند اللهم كما سترت علي ما لم أعلم فاغفر
لي ما تعلم وكما وسعني علمك فليسعني عفوك وكما بدأتني بالإحسان فأتمم نعمتك بالغفران
وكما أكرمتني بمعرفتك فاشفعها بمغفرتك وكما عرفتني وحدانيتك فأكرمني بطاعتك وكما
عصمتني مما لم أكن أعتصم منه إلا بعصمتك فاغفر لي ما لو شئت عصمتني منه يا جواد يا
كريم يا ذا الجلال والإكرام و از حضرت امام موسی این دعا منقولست اللهم إني
عبدك وابن عبدك إن تعذبني فبأمور قد سلفت مني وأنا بين يديك رهني وإن تعف
عني فأهل العفو أنت يا أهل العفو يا أحق من عفى اغفر لي ولإخواني و در زاد المعاد
از جمله دعاهای مشهوره روز عرفه دعای حضرت سید الشهداء امام حسین است بشر و
بسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفات در خدمت حضرت امام حسین بودیم پس
از خیمه بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود بانهایت تذلل و خشوع
پس در جانب چپ کوه که در عرفات واقع است ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند
و دستها را برابر روی برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا خواندند با نهایت عجز
و مسکنت بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا
كصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر أجناس البدائع وأتقن بحكمته الصنائع لا
تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده الودائع جازي كل صانع ورائش كل قانع و
راحم كل ضارع ومنزل المنافع والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات سامع
وللمطيعين نافع وللدرجات رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل
ضارع ودافع ضرعة كل ضارع فلا إله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو
السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم إني أرغب إليك و
أشهد بالربوبية لك مقراً بأنك ربي وأن إليك مردي ابتدأتني بنعمتك قبل أن
أكون شيئاً مذكوراً وخلقتني من التراب ثم أسكنتني الأصلاب آمناً لريب المنون و
اختلاف الدهور فلم أزل ظاعناً من صلب إلى رحم في تقادم الأيام الماضية والقرون
الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك لي وإحسانك إلي في دولة أيام الكفرة

الذين نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني رأفة منك وتحننا علي للذي
سبق لي من الهدى الذي يسرتني وفيه انشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي بجميل
صنعك وسوابغ نعمك فابتدعت خلقي من مني يمنى ثم اسكنتني في ظلمات ثلث
بين لحم وجلد ودم لم تشهرني بخلقي ولم تجعل الي شيئا من امري ثم اخرجتني
الى الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا
مريا وعطفت علي قلوب الحواضن وكفلتني الامهات الرحائم وكلاتني من طوارق
الجان وسلمتني من الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت
ناطقا بالكلام اتممت علي سوابغ الانعام وربيتني زائدا في كل عام حتى اذا اكتملت
فطرتي واعتدلت مرتي اوجبت علي حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني
بعجائب فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك
ونبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك وفهمتني ما جاءت به
رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم
اذ خلقتني من خير الثرى لم ترض لي يا الهي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع المعاش
وصنوف الرياش بمنك العظيم علي واحسانك القديم الي حتى اذا اتممت علي
جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك ان دللتني على
ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني لديك فان دعوتك اجبتني وان سألتك
اعطيتني وان اطعتك شكرتني وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمال لانعمك علي
واحسانك الي فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد مجيد تقدست اسماؤك
وعظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي احصي عددا وذكرا ام اي عطاياك اقوم بها
شكرا وهي يا رب اكثر من ان يحصيها العادون او يبلغ علما بها الحافظون ثم ما درأت
وصرفت عني اللهم من الضر والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية والسراء وانا
اشهد يا الهي بحقيقة ايماني وعقد عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن
مكنون ضميري وعلائق مجاري نور بصري واسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي
وخذاريف مارن عرنيني ومسارب سماخ سمعي وما ضمت واطبقت عليه شفتاي
وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي ومنابت اضراسي وبلوغ حبائل بارع

الغذاء

بارع عنقي ومساغ مأكلي ومشربي وحمالة ام رأسي وبلوغ حمائل حبل وتيني وما اشتمل
عليه تامور صدري ونياط حجاب قلبي وافلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف
اضلاعي وحقاق مفاصلي واطراف اناملي وقبض عواملي ولحمي ودمي و
شعري وبشري وعصبي وقصبي وعظامي ومخي وعروقي وجميع جوارحي
وما انتسج على ذلك ايام رضاعي وما اقلت الارض مني ونومي ويقظتي
وسكوني وحركتي وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت
مدى الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر واحدة من انعمك
ما استطعت ذلك الا بمنك الموجب علي شكرا آنفا جديدا وثناء طارفا
عتيدا اجل ولو حرصت انا والعادون من انامك ان نحصي مدى انعامك
سالفة وآنفة لما حصرناه عددا ولا احصيناه امدا هيهات انى ذلك و
انت المخبر عن نفسك في كتابك الناطق والنبأ الصادق وان تعدوا نعمة الله
لا تحصوها صدق كتابك اللهم وانباؤك وبلغت انبياؤك ورسلك ما
انزلت عليهم من وحيك وشرعت لهم من دينك غير اني يا الهي اشهد بجهدي
وجدي ومبلغ طاقتي ووسعي واقول مؤمنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون
موروثا ولم يكن له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا ولي من الذل
فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا
وتفطرتا فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل حمد ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين
وصلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين
شروشير كفتند كه چون حضرت باينجا رسيد شروع كرد در مسئلت ودعا بحالي كه قطرات
اشك از چشمهاي مباركش ميريخت پس گفت اللهم اجعلني اخشاك كاني اراك
واسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك
حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي و
اليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي
واجعل سمعي وبصري الوارثين مني وانصرني على من ظلمني وارني فيه ماربي

وثاري واقر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي
واخسأ شيطاني وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة و
الاولى اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني
فجعلتني خلقا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت فطرتي
رب بما انشأتني فاحسنت صورتي يا رب بما احسنت بي وفي نفسي عافيتني رب
بما كلأتني ووفقتني رب بما انعمت علي فهديتني رب بما اوليتني ومن كل خير
اعطيتني واعطيتني رب بما اطعمتني وسقيتني رب بما اغنيتني واقنيتني رب بما
اعنتني واعززتني رب بما البستني من ذكرك الصافي ويسرت لي من صنعك الكافي
صل على محمد وآل محمد واعني على بوائق الدهر وصروف الايام والليالي ونجني
من اهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض اللهم
ما اخاف فاكفني وما احذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي
اهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي اعين
الناس فعظمني ومن شر الجن والانس فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي فلا
تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني والى غيرك فلا تكلني الهي الى من
تكلني الى القريب يقطعني ام الى البعيد يتجهمني ام الى المستضعفين لي وانت
ربي ومليك امري اشكو اليك غربتي وبعد داري وهواني على من ملكته امري
اللهم فلا تحلل بي غضبك فان لم تكن غضبت علي فلا ابالي سواك غير ان عافيتك
اوسع لي من النار يا رب فاسألك بنور وجهك الذي اشرقت له الارض
والسموات وانكشفت به الظلمات وصلح عليه امر الاولين والآخرين ان لا
تميتني على غضبك ولا تنزل في سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا اله
الا انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي احللته البركة
وجعلته للناس امنة يا من عفى عن اعظم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة
بفضله يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي
في كربتي يا مونسي في غربتي يا ولي نعمتي يا الهي واله آبائي ابرهيم واسمعيل و
اسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب محمد خاتم النبيين

النبيين وآله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل والزبور والفرقان ومنزل
كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في
سعتها وتضيق بي الارض برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين
وانت مقيل عثرتي ولولا سترك اياي لكنت من المفضوحين وانت مؤيدي
بالنصر على الاعداء ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين يا من خص نفسه
بالسمو والرفعة فاولياؤه بعزه يعتزون يا من جعلت له الملوك نير المذلة
على اعناقهم فهم من سطواته خائفون يعلم خائنة الاعين وما تخفي
الصدور وغيب ما تأتي به الازمان والدهور يا من لا يعلم كيف هو الا
هو يا من لا يعلم ما يعلمه الا هو يا من كبس الارض على الماء وسد الهواء
بالسماء يا من له اكرم الاسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابدا يا مقيض
الركب ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودية
ملكا يا راده على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم
يا كاشف الضر والبلوى عن ايوب يا ممسك يدي ابرهيم من الذبح عن ابنه بعد
ان كبر سنه وفنى عمره يا من استجاب لزكريا فوهب له يحيى ولم يدعه فردا
وحيدا يا من اخرج يونس من بطن الحوت يا من فرق البحر لبني اسرائيل فانجاهم
وجعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي
رحمته يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد طول
الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره وقد حادوه ونادوه
وكذبوا رسله يا الله يا الله يا بدئ لا بدء لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا من هو قائم
على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي
فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من رزقني
في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي لا تجازى يا من عارضني
بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان يا من هداني بالايمان من قبل
ان اعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا
فاطعمني وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا فكثرني

وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا فلم يسلبني وامسكت
عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من اقال عثرتي ونفس كربتي واجاب
دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وان
اعد نعمك ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت الذي انعمت انت
الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت انت الذي مننت انت
الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي وفقت انت الذي اعطيت انت الذي
اغنيت انت الذي اقنيت انت الذي آويت انت الذي كفيت انت الذي هديت
انت الذي عصمت انت الذي سترت انت الذي غفرت انت الذي اقلت انت
الذي مكنت انت الذي ايدت انت الذي اعززت انت الذي شفيت انت الذي
عافيت انت الذي اكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر
واصبا ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اسأت انا الذي اخطأت
انا الذي اغفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت انا الذي سهوت انا الذي
اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي نكثت
انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف بنعمك عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي
يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم
صالحا بمعونته ورحمته فلك الحمد الهي امرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت
نهيك فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فباي شيء استقبلك
يا مولاي ابسمعي ام ببصري ام بلساني ام بيدي ام برجلي اليس كلها نعمك
عندي وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني
من الآباء والامهات ان يزجروني ومن العشائر والاخوان ان يعيروني و
من السلاطين ان يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني
اذا ما انظروني ولرفضوني وقطعوني فها انا ذا بين يديك يا سيدي خاضعا
ذليلا حصيرا حقيرا لا ذو براءة فاعتذر ولا ذو قوة فانتصر ولا حجة لي فاحتج بها
ولا قائل لم اجترح ولم اعمل سوءا وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني
فكيف وانى ذلك وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقينا غير ذي

غير ذي شك انك سائلي عن عظائم الامور وانك الحكم العدل الذي لا تجور
وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فان تعذبني فبذنوبي يا الهي بعد
حجتك علي وان تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المستغفرين
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الموحدين لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الوجلين لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من السائلين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
المهللين المسبحين لا اله الا انت ربي ورب آبائي الاولين اللهم هذا ثنائي
عليك ممجدا واخلاصي لذكرك موحدا واقراري بآلائك معددا وان كنت
مقرا اني لا احصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث
ما لم تزل تتعمدني به معها مذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء بعد
الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في
البدن والسلامة في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمك علي جميع العالمين
من الاولين والآخرين لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب
عظيم كريم رحيم لا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على
محمد وآل محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك سبحانك لا اله الا انت اللهم
انك تجيب دعوة المضطر اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي
السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا
فوقك قدير وانت العلي الكبير يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير
يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له ولا وزير صل على محمد وآل محمد واعطني
في هذه العشية افضل ما اعطيت وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها
وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها
وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب من
دعي واسرع من اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل يا رحمن
الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك مأمول دعوتك فاجبتني

وسألتك فأعطيتني ورغبت إليك فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت إليك
فكفيتني اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين الطاهرين
أجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين ولآلائك
ذاكرين آمين آمين رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر فقهر وعصي
فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى أمل الراجين يا من أحاط
بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة ورحمة وحلما اللهم إنا نتوجه إليك في
هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك
وأمينك على وحيك اللهم فصل على البشير النذير السراج المنير الذي أنعمت
به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل على محمد وآله كما محمد
أهل ذلك يا عظيم فصل على محمد وآله وعليه وآله المنتجبين الطيبين الطاهرين
أجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فإليك عجت الأصوات بصنوف اللغات واجعل لنا
في هذه العشية نصيبا في كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة تنشرها وعافية
تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا أرحم الراحمين اللهم أقلبنا في هذا الوقت
منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك
ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من بابك مطرودين ولا
تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله من عطاياك قانطين يا أجود الأجودين
ويا أكرم الأكرمين إليك أقبلنا موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين فأعنا
على مناسكنا وأكمل لنا حجنا واعف اللهم عنا وعافنا فقد مددنا إليك أيدينا
وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم فأعطنا في هذه العشية ما سألناك
واكفنا ما استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك
محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من أهل الخير اللهم
أوجب لنا بجودك عظيم الأجر وكريم الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا أجمعين
ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك ورحمتك يا أرحم الراحمين اللهم
اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فأعطيته وشكرك فزدته وتاب إليك
فقبلته وتنصل إليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والإكرام اللهم

وفقنا

اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا أرحم من استرحم
يا من لا يخفى عليه إغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون ولا
ما انطوت عليه مضمرات القلوب ألا كل ذلك قد أحصاه علمك ووسعه حلمك
سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا تسبح لك السماوات السبع والأرضون
ومن فيهن وإن من شيء إلا يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال
والإكرام والفضل والإنعام والأيادي الجسام وأنت الجواد الكريم الرؤوف
الرحيم اللهم أوسع علي من رزقك الحلال وعافني في بدني وديني وآمن خوفي
وأعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني ولا تخدعني وادرأ عني
شر فسقة الجن والإنس ——— گفتند که بعد از آن حضرت نظر بر آسمان انداخت بر
حالی که گویا از چشمهایش دو مشک آب روان شده بود و گفت با آواز بلند یا أسمع
السامعين ويا أبصر الناظرين ويا أسرع الحاسبين ويا أرحم الراحمين صل على محمد و
آل محمد وأسألك اللهم حاجتي التي إن أعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وإن
منعتنيها لم ينفعني ما أعطيتني أسألك فكاك رقبتي من النار لا إله إلا أنت وحدك
لا شريك لك لك الملك ولك الحمد وأنت على كل شيء قدير يا رب يا رب إلهي
أنا الفقير في غناي فكيف لا أكون فقيرا في فقري إلهي أنا الجاهل في علمي فكيف
لا أكون جهولا في جهلي إلهي إن اختلاف تدبيرك وسرعة طواء مقاديرك منعا
عبادك العارفين بك عن السكون إلى عطاء واليأس منك في بلاء إلهي مني ما
يليق بلؤمي ومنك ما يليق بكرمك إلهي وصفت نفسك باللطف والرأفة لي قبل
وجود ضعفي أفتمنعني منهما بعد وجود ضعفي إن ظهرت المحاسن مني فبفضلك ولك
المنة علي وإن ظهرت المساوي مني فبعدلك ولك الحجة علي إلهي كيف تكلني وقد
توكلت لي إن الله على كل شيء وكيل وكيف أضام وأنت الناصر لي أم كيف
أخيب وأنت الحفي بي وها أنا أتوسل إليك بما هو المحال أن يصل إليك أم كيف
أشكو إليك حالي وهو لا يخفى عليك أم كيف أترجم بمقالي وهو منك برز إليك أم كيف
تخيب آمالي وهي قد وفدت إليك أم كيف لا تحسن أحوالي وبك قامت إلهي ما ألطفك
بي مع عظيم جهلي وما أرحمك بي مع قبيح فعلي إلهي ما أقربك مني وأبعدني عنك وما أرأف

أرأفك

بي فما الذي يحجبني عنك الهي علمت باختلاف الآثار وتنقلات الاطوار ان مرادك مني
ان تتعرف الي في كل شيء حتى لا اجهلك في شيء الهي كلما اخرسني لؤمي انطقني كرمك
وكلما آيستني اوصافي اطمعتني منتك الهي من كانت محاسنه مساوي فكيف لا
تكون مساويه مساوي ومن كانت حقائقه دعاوي الهي حكمك النافذ ومشيتك
القاهرة لم يتركا لذي مقال مقالا ولا لذي حال حالا الهي كم من طاعة بنيتها و
حالة شيدتها هدم اعتمادي عليها عدلك بل اقالني منها فضلك الهي انك تعلم
اني وان لم تدم الطاعة مني فعلا جزما فقد دامت محبة وعزما الهي كيف اعزم
وانت القاهر وكيف لا اعزم وانت الآمر الهي ترددي في الآثار يوجب بعد المزار
فاجمعني عليك بخدمة توصلني اليك كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفتقر
اليك ايكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك متى غبت حتى
تحتاج الى دليل يدل عليك ومتى بعدت حتى تكون الآثار هي التي توصل اليك
عميت عين لا تراك عليها رقيبا وخسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيبا
الهي امرت بالرجوع الى الآثار فارجعني اليك بكسوة الانوار وهداية الاستبصار حتى
ارجع اليك منها كما دخلت اليك منها مصون السر عن النظر اليها ومرفوع الهمة عن
الاعتماد عليها انك على كل شيء قدير الهي هذا ذلي ظاهر بين يديك وهذا حالي لا يخفى
عليك منك اطلب الوصول اليك وبك استدل عليك فاهدني بنورك اليك
واقمني بصدق العبودية بين يديك الهي علمني من علمك المخزون وصني بسترك المصون
الهي حققني بحقائق اهل القرب واسلك بي مسلك اهل الجذب الهي اغنني بتدبيرك
لي عن تدبيري وباختيارك لي عن اختياري واوقفني على مراكز اضطراري الهي اخرجني
من ذل نفسي وطهرني من شكي وشركي قبل حلول رمسي بك انتصر فانصرني وعليك
اتوكل فلا تكلني واياك اسأل فلا تخيبني وفي فضلك ارغب فلا تحرمني وبجنابك
انتسب فلا تبعدني وببابك اقف فلا تطردني الهي تقدس رضاك ان تكون له علة
منك فكيف تكون له علة مني الهي انت الغني بذاتك عن ان يصل اليك النفع منك
فكيف لا تكون غنيا عني الهي ان القضاء والقدر يمنيني وان الهوى بوثائق الشهوة
اسرني فكن انت النصير لي حتى تنصرني وتبصرني واغنني بفضلك حتى استغني بك عن طلبي

فكيف لا تكون دعاويه دعاوي

شيء

عن طلبي انت الذي اشرقت الانوار في قلوب اوليائك حتى عرفوك ووحدوك وانت الذي
ازلت الاغيار عن قلوب احبائك حتى لم يحبوا سواك ولم يلجأوا الى غيرك انت المونس
لهم حيث اوحشتهم العوالم وانت الذي هديتهم حتى استبانت لهم المعالم ماذا وجد
من فقدك وما الذي فقد من وجدك لقد خاب من رضي دونك بدلا ولقد خسر من بغى عنك
متحولا كيف يرجى سواك وانت ما قطعت الاحسان وكيف يطلب من غيرك وانت
ما بدلت عادة الامتنان يا من اذاق احباءه حلاوة المؤانسة فقاموا بين يديه متملقين
ويا من البس اولياءه ملابس هيبته فقاموا بين يديه مستغفرين انت الذاكر
قبل الذاكرين وانت البادي بالاحسان قبل توجه العابدين وانت الجواد بالعطاء قبل
طلب الطالبين وانت الوهاب ثم لما وهبت لنا من المستقرضين الهي اطلبني برحمتك
حتى اصل اليك واجذبني بمنك حتى اقبل عليك الهي ان رجائي لا ينقطع عنك وان
عصيتك كما ان خوفي لا يزايلني وان اطعتك فقد دفعتني العوالم اليك وقد اوقعني
علمي بكرمك عليك الهي كيف اخيب وانت املي ام كيف اهان وانت متكلي الهي كيف
استعز وانت تنسبني الهي كيف استعز وفي الذلة اركزتني ام كيف اهان وانت متكلي
الهي كيف استعز وفي الذلة اركزتني ام كيف لا استعز واليك نسبتني الهي كيف لا افتقر
وانت الذي بجودك اغنيتني انت الذي لا اله غيرك تعرفت الي في كل شيء فرايتك
ظاهرا في كل شيء فانت الظاهر لكل شيء يا من استوى برحمانيته فصار العرش
غيبا في ذاته محقت الآثار بالآثار ومحوت الاغيار بمحيطات افلاك الانوار يا من
احتجب في سرادقات عرشه عن ان تدركه الابصار يا من تجلى بكمال بهائه فتحققت
عظمته الاسرار كيف تخفى وانت الظاهر ام كيف تغيب وانت الرقيب الحاضر انك على
كل شيء قدير والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد واله الطاهرين وبعد مشغول
خواندن دعاي صحيفه كامله شود وآنرا با خشوع وخضوع وتأني ورقت بخواند كه مشتمل است
بر خير دنيا وآخرت وآن اينست الحمد لله رب العالمين اللهم لك الحمد بديع السموات
والارض ذا الجلال والاكرام تا آخر چون آفتاب غروب نمايد از عرفات روانه مشعر الحرام
شود وچون اراده بيرون آمدن از عرفات كند اين دعا بخواند اللهم لا تجعله آخر العهد
مني في هذا الموقف وارزقنيه ابدا ما ابقيتني واقلبني اليوم مفلحا منجحا مستجابا لي

مستجابا لي

مرحوماً بافضل ما ينقلب به اليوم احد من وفد عليك واعطني افضل ما اعطيت
احداً منهم من الخير والبركة والرحمة والرضوان والمغفرة وبارك لي فيما ارجع
اليه من اهل او مال او قليل او كثير وبارك لهم فيّ و بايد بسيار و تكرار كند
در نهايت خضوع و خشوع و در اثنای راه رفتن باستغفار و خلاص جستن از آتش مشغول
باشد و چون بتل سرخ كه در دست راست راه است برسد بكندی بگويد اللهم ارحم
موقفي وزد في عملي وسلم لي ديني وتقبل مناسكي اللهم اعتقني من النار و
نماز شام و خفتن را تاخير كند تا بمشعر برسد اگرچه ثلث شب بگذرد و جمع كند ميان
دو نماز بيك اذان و دو اقامه و نافله مغرب را بعد از عشا بگذارد و نيت كند باين نحو
كه از اين وقت تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام توقف ميكنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة
الى الله و اين شب چون شب عيد قربان است و از جمله چهار شب است كه احيای آنها
سنت و كذا است احيا دارد تا صبح منقول است كه در اين شب درهای آسمان بسته نمی شود تا صبح
و غسل و زيارت حضرت امام حسين سنت است و نيت غسل را چنين كند كه غسل
بودن در مشعر الحرام ميكنم سنت قربة الى الله و بايد تا صبح مشغول ذكر و دعا و تلاوت
قرآن باشد و اين دعا بخواند اللهم هذه جمع اللهم اني اسئلك ان تجمع لي فيها جوامع
الخير اللهم لا تؤيسني من الخير الذي سألتك ان تجمعه لي في قلبي ثم اطلب اليك
ان تعرفني ما عرفت اولياءك في منزلي هذا وان تقيني جوامع الشر و سنت است
كه اگر حج اول او باشد پای خود را بر مشعر الحرام گذارد و بر بالای كوهی كه در مشعر الحرام است
برود و نيز سنت است كه از وادی مشعر بگذرد تا آفتاب طالع شود و ظاهر اكثر حرمت است
و سنت است كه در اين شب هفتاد سنگ ريزه خوش رنگ منقط محطط كه مقدار يك بند
انگشت باشد كه بجهة رمی جمرات مقرر است از مشعر الحرام برچيند بلكه بيشتر
كه شايد بعضی رد شود و چون صبح طالع شود اولی آنست كه در اين وقت نيت عليحده
وقوف مشعر كند باين طريق كه توقف ميكنم در مشعر الحرام در حج اسلام حج تمتع از اين وقت
تا طلوع آفتاب واجب قربة الى الله و سنت است كه بحمد الهی و صلوات فرستادن
بر حضرت رسالت پناهی و دعا از برای خود و برادران دينی اشتغال نمايد و از جمله
دعاها اين دعا بخواند اللهم رب المشعر الحرام فك رقبتي من النار واوسع علي

وادی محسر بگذرد

علي من رزقك الحلال وادرأ عني شر فسقة الجن والانس اللهم انت خير مطلوب
اليه وخير مدعو اليه وخير مسئول ولكل وافد جائزة فاجعل جائزتي
في موطني هذا ان تقيل عثرتي وتقبل معذرتي وان تجاوز عن خطيئتي ثم اجعل
التقوى من الدنيا زادي و چون آفتاب برآيد بجانب منی روند و جايز است زنان
و كسی را كه معذور باشد پيش از طلوع فجر از مشعر بمنی روند و بدانكه هر گاه وقوف
اختياری عرفات و مشعر هر دو را در يابد يا اختياری يكی را با اضطراری ديگری يا اضطراری مشعر را
بتنهائی در يابد بنابر مشهور نيز صحيح است و بنا بر قول بعضی از معاصرين علم صحيح است
و چون متوجه منی شود در راه بموضعی رسد كه آنرا وادی محسر گويند سنت است كه هرولة
كند و بموازی صد گام تند رود مانند شتر و كرك و اين دعا بخواند اللهم سلم عهدي
واقبل توبتي واجب دعوتي واخلفني فيمن تركت بعدي و اگر فراموش كند برگردد
و بتعجيل از آنجا بگذرد و چون بمنی رسد رمی جمره عقبه كند و آن ميل آخرست از جانب
مكه يعنی هفت سنگ ريزه بجمره عقبه كه عبارت از ميل آخرست زند و مقارن شروع
در رمی نيت كند باين نحو كه بگويد هفت سنگ ريزه ميزنم اين جمره عقبه را در حج
اسلام حج تمتع واجب قربة الى الله و اظهر آنست كه هر دفعه يك سنگ ريزه بردارد و
بر انگشت بزرگ دست راست نهد و بر پشت بند اول انگشت شهادت همان دست آن
سنگ را بيندازد پس يكی يكی بيندازد تا هفت تمام شود و بايد هر هفت بجمره بخورد و اگر
يكی بجمره نخورد اعاده كند و همچنين هر گاه سنگ كند در خوردن سنگ ريزه بجمره و سنت است
سنگ ريزها را برچيده باشد نه اينكه از كوه سنگی شكسته باشد و سنت است با
وضو و پياده باشد و بقدر ده ذراع دست يا پانزده ذراع از جمره دور بايستد و سنگ ريزه ها
بدست چپ نگاه دارد و بدست راست بيندازد و در حين انداختن پشت بقبله و رو بجمره
بايستد و در وقتی كه هفت سنگ را در دست داشته باشد و خواهد بجمره بزند اين دعا بخواند
اللهم هؤلاء حصياتي فاحصهن لي وارفعهن في عملي و در وقت انداختن هر يك از آن
سنگ ريزها الله اكبر بگويد و اين دعا بخواند اللهم ادحر عني الشيطان الرجيم اللهم
تصديقاً بكتابك وعلى سنة نبيك صلى الله عليه وآله اللهم اجعله حجاً مبروراً
وعملاً مقبولاً وسعياً مشكوراً وذنباً مغفوراً پس هر گاه برگردد بمنزل خود اين دعا بخواند اللهم

بك وتبت وعليك توكلت فنعم الرب ونعم المولى ونعم النصير پس متوجه قربانى گردد
يعنى ذبح كردن هدى اگر غير شتر باشد ونحر كردن آن يعنى چال كارد و نيزه در گودى
گردن او فرو بردن هرگاه شتر باشد واگر بعوض ذبح نحر كند حرام مى‌شود بايد كه ميكشم اين
هدى را يا نحر ميكنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الى الله و بايد نيت را مقارن اول كشتن سازد
اگر قربانى غير شتر باشد ومقارن اول نحر اگر شتر باشد و بايد در نيت بانى باشد تا آخر
ذبح يا نحر و واجبست كه در روز عيد بكشد بعد از رمى جمره و پيش از سر تراشيدن و در منى باشد
و آنكه يكى از براى يكى باشد در حج واجب هر چند وجوب بسبب شروع در حج سنت باشد خواه
در حال ضرورت و خواه حال اختيار و هرگاه ممكن نشود حكم ديگر دارد مگر آنكه جمعى شريك شوند
چنانچه در مستحب جايز است و بايد در همه ذى الحجه بجا آورده باشد و مكروه است قربانى كردن
حيوانى كه در خانه تربيت كرده باشد و مى بايد شتر يا گاو يا گوسفند يا بز بوده باشد و
افضل همه شتر است و بعد از آن گوسفند و بز و واجبست در شتر كه پنج سال تمام داشته باشد
يا زياده و اگر گاو يا بز باشد مى بايد يك سال تمام باشد و داخل در سال دويم شده باشد و اگر
دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند داشته باشد شش ماهه كافيست و اگر
هفت ماهه باشد بهتر است و واجبست كه تام و بى عيوب باشد و كور يك چشم يا هر دو چشم
بوده باشد و بسيار لنگ نباشد كه راه رفتن بر او دشوار باشد و گوشش بريده نباشد و اگر
شق شده باشد و جدا نگشته باشد باكى نيست و اگر سوراخ نباشد بهتر است و اما شاخ
كه بسبب داغ در گوشش بهم رسيده باشد ظاهر اينست كه ضرر نداشته باشد و بهتر آنست كه
بيمار و بسيار پير بوده باشد و سنت است فربه باشد و او را بعرفات برده باشد در روز عرفه
و بسيار لاغر نباشد كه پيه در گرده اش نباشد و هرگاه باعتقاد چاقى بخرد و بعد از كشتن لاغرى
آن معلوم شود مجزيست و بايد خصى نباشد يعنى خصيه اش را بريده باشند و اگر خصيه اش را كوبيده باشند
يا ماليده باشند مكروهست و اگر غير خصى بهم نرسد خصى را قربانى مى توان كرد و سنت است
كه اگر شتر يا گاو باشد ماده بوده باشد و اگر گوسفند يا بز باشد نر بوده باشد و سنت است خود
مباشر كشتن آن شود و اگر نتواند دست بر روى دست قصاب بگذارد و مدد وى بكند و واجبست از رو
رو بقبله بدارند و در وقت ذبح يا نحر نام خدا ببرد و اگر شتر باشد سنت است هر دو دستش را
از سر تا زانو بريسمانى بانسته [?] بر پا بگذارند و لكن كه نحر مى نمايد در جانب راست شتر بايستد و

بايستد و حربه را در گودى گردنش فرو برد و اگر گاو يا گوسفند يا بز باشد بايد چهار رگ از گردنش ببرد يعنى
حلقوم و دو ودك بزرگ كه در دو جانب حلقوم است و رگيكه در پشت حلقوم است كه راه
طعام از آن بجوف فرو رود و سنت است كه در وقت نحر يا كشتن بايد [?] چنانچه
بسند صحيح از حضرت صادق منقولست كه چون قربانى را بخرى روى او را بقبله بكن و در وقت
نحر يا ذبح بگو وجهت وجهى للذى فطر السموات والارض حنيفا مسلما وما انا من المشركين
ان صلاتى ونسكى ومحياى ومماتى لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا
من المسلمين اللهم منك ولك بسم الله والله اكبر پس نحر يا ذبح كند و بگويد اللهم تقبل
منى و فرو نبرد تا بميرد و سرش را جدا نسازد و چون پوست كند سنت است سه حصه نمايد حصه
بجهة خود و عيال و بهتر آنست كه از آن تناول نمايد و حصه را هديه فرستد و حصه را بفقرا و
مساكين بدهد و اگر در منى باشد نيت كند كه تصدق ميكنم اين گوشت هدى را در حج اسلام
حج تمتع قربة الى الله و اگر اكثر را تصدق كند بهتر است و سنت است پوست و كله و جميع
اعضاى حلال آن را تصدق كند و تصرف نكند و بقصاب بعنوان مزد ندهد مگر آنكه قصاب فقير و پريشان
باشد و در حديث صحيح وارد شده كه پوستش را داخل كند و بر روى آن نماز گذارد و بخشد [?]
و اگر گوسفند يافت نشود و در غير منى باشد سنت است كه قيمت نصفش را تصدق كند و اگر
يكى براى خود و عيال خود بكشد مجزيست و اگر جدا جدا عيال خود بكشد بهتر است و از براى پدر
و مادر و ولد و خويشان كه مرده باشند قربانى كردن خوبست و از براى حضرت رسول و آلش
چنانچه ملا محمد باقر مجلسى گفته و هرگاه جمعى قادر نباشد كه هر يك قربانى جدا بكشد
جايز است كه با يكديگر شريك شوند تا هفت نفر بلكه تا هفتاد نفر حق تعالى فرموده كه خدا را
ياد كنيد در ايام معدودات و موافق احاديث معتبره مراد تكبير گفتن است در ايام تشريق پس
هرگاه در منى باشد در عقب پانزده نماز از اول ظهر روز عيد است و آخرش صبح روز سيزدهم
بگويد و در ساير شهرها عقب ده نماز كه از ظهر روز عيد است تا صبح روز دوازدهم و مشهور
استحباب است و بعضى واجب دانسته اند و اولش بعد از ظهر [?] سنت است و اگر مكرر بگويد
بهتر است و بعد از نماز نافله نيز اگر بگويد بهتر است و طريق تكبير موافق حديث صحيح آنست
الله اكبر الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله والله اكبر الله اكبر ولله الحمد الله اكبر على
ما هدينا الله اكبر على ما رزقنا من بهيمة الانعام والحمد لله على ما ابلانا و باقى

اعمال روز عید اینست که غسل کند و آن سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و بهتر آنست
که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام تم سنت مؤکد است
بنا بر آنچه در زاد المعاد گفته و گفته است که بجماعت بخیر واجبست بنا بر احادیث معتبره و نماز این
عید در روز عید فطر مذکور شد با دعاهای پیش از نماز و دعای بسیار پیش از نماز و بعد از نماز
وارد شده که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها دعای جمیل و متمم صحیفه
کامله است اللهم ان هذا یوم مبارک میمون و اگر دعای جمیل و متمم که اولش
اینست یا من یرحم من لا یرحمه العباد نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ
قدیمه صحیفه استحباب خواندن این دعا نیز وارد شده و دعای ندبه نیز بهترین دعاهاست
در این روز و سایر اعیاد پس باید در همان روز عید بجهة بقیه اعمال حج از منی بمکه مراجعت
کند از جهت دو طواف و سعی و هر گاه نتواند همان روز بیاید روز دیگر بیاید و اظهر
عدم جواز تأخیر از روز دویم است و سنت است که چون داخل مکه شود غسل کند و
تقصیر نماید یعنی از ناخن و موی و شارب چیزی بگیرد یا سر تراشد و زنان را سر تراشیدن
جایز نیست و نیت چنین کند که تقصیر میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و در
وقت مو ازاله کردن رو بقبله کند و این دعا بخواند اللهم اعطنی بکل شعرة نورا الی
یوم القیمة و چون متوجه مسجد الحرام شود با ذکر و تمجید و تعظیم و صلوات بر محمد و آل او
بقدر مقدور بفرستد و چون بدر مسجد رسد ادعیه که وارد شده بخواند و داخل شود از
برای طواف زیارت و در اول برود نزد حجر الاسود و آنچه پیش گفتیم در طواف عمره همگی را
در اینجا بعمل آورد و ادعیه و الله اکبر بگوید و بعد از آن نیت کند بعنوان اول شوط
اول باین نحو که هفت شوط طواف زیارت خانه کعبه میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة
الی الله و طواف بهمان نحو که در عمره مذکور شد بعمل آورد و بعد از آن دو رکعت نماز طواف
زیارت در پشت مقام ابراهیم بنحوی که در عمره مذکور شد بجای آورد با این نیت که دو رکعت
نماز طواف زیارت خانه کعبه میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و بعد از آن
سنت است که نزد حجر الاسود بیاید و آدابی که در عمره مذکور شد بجای آورد پس متوجه کوه
صفا شود از جهت سعی میان صفا و مروه و سعی را بعمل آورد بنحوی که در عمره گذشت و تفاوتی
نیست مگر در نیت که در اینجا نیت را چنین کند که هفت شوط سعی میکنم میان صفا و مروه در حج

در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و بعد از فراغ از سعی برگردد بجانب خانه کعبه
از برای طواف نساء و بهمان نحو سابق طواف کند با این نیت که هفت شوط طواف نساء
میکنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله پس در پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز
طواف کند بنحوی که گذشت با این نیت که دو رکعت نماز طواف نساء میکنم در حج اسلام
حج تمتع واجب قربة الی الله و این طواف نساء در همه اقسام حج واجبست و در عمره مفرده
هم واجب است و در عمره تمتع واجب نیست و چون قول نادری بوجوب هست اگر کسی
در اینجا هم بکند بقصد قربت احتیاطی کرده باشد بلکه در نیت تعیین باشد و طواف
نساء واجبست بر مرد و زن و پیر و جوان و خواجه سرا و صبی و ولی صبی در ممیز که تمیز داشته
باشد امر میکند او را بطواف و در غیر ممیز او را طواف میدهد پس اگر نکند بعد از بلوغ
صبی هرگاه قضا نکند یا نایب نگیرد زن بر او حرام خواهد بود و بدانکه هرگاه سر تراشید یا
تقصیر کرد بعد از آنکه رمی جمره و ذبح کرده باشد حلال کرده میشود بر او جمیع آنچه باحرام
حرام شده بود بغیر از زن و بوی خوش پس هرگاه طواف زیارت را کرد بوی خوش هم حلال
میشود بنا بر قولی و شاید اقوی این باشد که تا سعی صفا و مروه را بعمل نیاورد بوی
خوش هم حلال نشود و چون طواف نساء کرد زن نیز بر او حلال میشود و در این وقت دیگر
چیزی بر او حرام نیست و مکروه هست رخت دوخته پوشد و سر خود را بپوشاند تا طواف حج
و سعی میان صفا و مروه را بجای آورد و هم چنین مکروه هست استعمال بوی خوش تا از طواف
نساء فارغ شود و نیز بدانکه حاج چون در روز عید بمکه آمد اعمال مکه را از طواف و
سعی و غیره بعمل آورد واجبست که بمنی مراجعت نماید و سه شب ایام تشریق که یازدهم
و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه است در منی باشد و جایز است کسی را که در احرام عمره و حج
صید نکرده و مباشرت بزن نکرده آنکه شب سیم در منی نماند و آنکه بعد از ظهر روز دوازدهم از منی بیرون
رود مگر آنکه در وقت مغرب شب سیزدهم در منی باشد که در اینصورت بودن آن شب در
منی واجب است و بیرون رفتن جایز نیست و در اول هر شب از این سه شب نیت کند که
این شب در منی بمانم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و واجبست که در هر روز از این
سه شب هر یک از سه میل را که در منی هست بهفت سنگ ریزه بزند و ابتدا از جمره اولی
کند یعنی از میلی که بجانب عرفات است بعد از آن جمره عقبه را پس اگر عکس کند اعاده نماید تا ترتیب

بعد از آن جمره وسطی را —

حاصل شود و طریق رمی جمرات همانست که در اعمال روز عید مذکور شد و وقت رمی تمام روز است
و بعد از ظهر افضل است و سنت است که در این سه روز از منی بیرون نرود و در جمرهٔ
اولی و وسطی رو بقبله کند و رمی نماید و در جمرهٔ عقبه پشت بقبله و دعاهائی که وارد
شده بخواند و واجبست نیت کند در وقت زدن سنگ ریزه باین نحو که جمرهٔ اولی را بهفت
سنگ میزنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و هم چنین جمرهٔ وسطی و جمرهٔ عقبه را
و سنت است که در وقت انداختن سنگ ریزه الله اکبر بگوید و سنت است که در ایام
منی نمازها را در مسجد خیف بجا آورد و چون بمکه بر میگردد سنت است که داخل خانهٔ
کعبه شود با آداب و شرایط از آن جمله غسل کند و در وقت داخل شدن حلقهٔ در را
بگیرد و با نهایت خضوع و خشوع داخل شود و در وقت داخل شدن این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِنًا فَآمِنِّی مِنْ عَذَابِکَ عَذَابِ النَّارِ پس در میان
سرخی که ما بین دو ستون خانهٔ کعبه فرش است دو رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بعد از
حمد سورهٔ حم سجده بخواند و در رکعت ثانی از آیات قرآنی بعدد آیات سورهٔ حم سجده بخواند و در
بجای چهار انگشت پس در هر کنجی از چهار کنج خانه دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن این
دعا بخواند اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ وَتَعَبَّأَ که در ضمن اعمال روز جمعه گذشت و سنت است که در
اندرون خانهٔ کعبه سر بسجده نهد و این دعا بخواند یَا رَبِّ لَا یَرُدُّ غَضَبَکَ اِلَّا حِلْمُکَ وَلَا
یُجِیرُ مِنْکَ اِلَّا التَّضَرُّعُ اِلَیْکَ فَهَبْ لِی یَا اِلٰهِی فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِی بِهَا تُحْیِی اَمْوَاتَ الْعِبَادِ
وَبِهَا تَنْشُرُ مَیْتَ الْبِلَادِ وَلَا تُهْلِکْنِی یَا اِلٰهِی غَمًّا حَتّٰی تَسْتَجِیبَ لِی وَتُعَرِّفَنِی الْاِجَابَةَ فِی
دُعَائِی اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْعَافِیَةَ اِلٰی مُنْتَهٰی اَجَلِی وَلَا تُشْمِتْ بِی عَدُوِّی وَلَا تُمَکِّنْهُ
مِنْ عُنُقِی مَنْ ذَا الَّذِی یَرْفَعُنِی اِنْ وَضَعْتَنِی وَمَنْ ذَا الَّذِی یَضَعُنِی اِنْ رَفَعْتَنِی وَاِنْ اَهْلَکْتَنِی
فَمَنْ ذَا الَّذِی یَعْرِضُ لَکَ فِی عَبْدِکَ اَوْ یَسْأَلُکَ عَنْ اَمْرِهِ فَقَدْ عَلِمْتُ یَا اِلٰهِی اَنَّهُ لَیْسَ
فِی حُکْمِکَ ظُلْمٌ وَلَا فِی نَقِمَتِکَ عَجَلَةٌ اِنَّمَا یَعْجَلُ مَنْ یَخَافُ الْفَوْتَ وَاِنَّمَا یَحْتَاجُ اِلَی الظُّلْمِ
الضَّعِیفُ وَقَدْ تَعَالَیْتَ یَا اِلٰهِی عَنْ ذٰلِکَ عُلُوًّا کَبِیرًا فَلَا تَجْعَلْنِی لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِنَقِمَتِکَ
نَصَبًا وَمَهِّلْنِی وَنَفِّسْنِی وَاَقِلْنِی عَثْرَتِی وَلَا تَرُدَّ یَدِی فِی نَحْرِی وَلَا تُتْبِعْنِی بَلَاءً عَلٰی اَثَرِ
بَلَاءٍ فَقَدْ تَرٰی ضَعْفِی وَقِلَّةَ حِیلَتِی وَتَضَرُّعِی اِلَیْکَ وَوَحْشَتِی مِنَ النَّاسِ وَاُنْسِی بِکَ
اَعُوذُ بِکَ الْیَوْمَ فَاَعِذْنِی وَاَسْتَجِیرُ بِکَ الْیَوْمَ فَاَجِرْنِی وَاَسْتَعِینُ بِکَ عَلَی الضَّرَّاءِ فَاَعِنِّی

فَآمِنِّی وَاَسْتَنْصِرُکَ فَانْصُرْنِی وَاَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ فَاکْفِنِی وَاُومِنُ بِکَ فَآمِنِّی وَاَسْتَهْدِیکَ
فَاهْدِنِی وَاَسْتَرْحِمُکَ فَارْحَمْنِی وَاَسْتَغْفِرُکَ مِمَّا تَعْلَمُ فَاغْفِرْ لِی وَاَسْتَرْزِقُکَ
مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ فَارْزُقْنِی وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و در وقت بیرون آمدن
از خانه حلقهٔ در را بگیرد و بگوید اللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ لَا تُجْهِدْ بَلَائِی وَلَا تُشْمِتْ
بِی اَعْدَائِی فَاِنَّکَ اَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ پس از خانه بزیر آید و دو رکعت نماز گذارد در نزدیکی
کعبه بجهتی که در خانهٔ کعبه در جانب راست او باشد و چون خواهد از مکه کوچ کند
طواف وداع بعمل آورد باین نیت که هفت شوط در طواف وداع خانهٔ کعبه میکنم
قربة الی الله و سنت است که در ایام حج سیصد و شصت طواف بکند بعدد ایام سال و
اگر نتواند سیصد و شصت شوط بعمل آورد و باید در هر شوطی استلام حجر الاسود و رکن
یمانی کند و اگر در هر شوطی نتواند در شوط اول و دوم استلام نماید و بعد از فراغ از
طواف التزام مستجار کند بطریقی که در طواف عمره مذکور شد پس نزد حجر الاسود آید و شکم
خود را بکعبه بچسباند و دست چپ خود را بر حجر الاسود و دست راست را از جانب در
خانهٔ کعبه بچسباند و بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَاَمِینِکَ
وَحَبِیبِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ اَللّٰهُمَّ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِکَ وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِکَ وَ
صَدَعَ بِاَمْرِکَ وَاُوذِیَ فِیکَ وَفِی جَنْبِکَ حَتّٰی اَتَاهُ الْیَقِینُ اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنِی مُفْلِحًا
مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِی بِاَفْضَلِ مَا یَرْجِعُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَکَةِ وَ
الرِّضْوَانِ وَالْعَافِیَةِ مِمَّا یَسَعُنِی اَنْ اَطْلُبَ فَاَسْأَلُکَ اَنْ تُعْطِیَنِی مِثْلَ الَّذِی اَعْطَیْتَهُ
وَاَفْضَلَ مِنْ عِنْدِکَ تَزِیدُنِی عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ اَمَتَّنِی فَاغْفِرْ لِی وَاِنْ اَحْیَیْتَنِی فَارْزُقْنِیهِ
مِنْ قَابِلٍ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَةِ بَیْتِکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ
عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ حَمَلْتَنِی عَلٰی دَابَّتِکَ وَسَیَّرْتَنِی فِی بِلَادِکَ حَتّٰی اَدْخَلْتَنِی حَرَمَکَ
وَاَمْنَکَ وَقَدْ کَانَ فِی حُسْنِ ظَنِّی اَنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی فَاِنْ کُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِی ذُنُوبِی
فَازْدَدْ عَنِّی رِضًا وَقَرِّبْنِی اِلَیْکَ زُلْفٰی وَلَا تُبَاعِدْنِی وَاِنْ کُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِی فَمِنَ الْآنَ
فَاغْفِرْ لِی قَبْلَ اَنْ تَنْأٰی عَنْ بَیْتِکَ دَارِی فَهٰذَا اَوَانُ انْصِرَافِی اِنْ کُنْتَ اَذِنْتَ لِی
غَیْرَ رَاغِبٍ عَنْکَ وَلَا عَنْ بَیْتِکَ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ بِکَ وَلَا بِهِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِی مِنْ بَیْنِ
یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَعَنْ یَمِینِی وَعَنْ شِمَالِی حَتّٰی تُبَلِّغَنِی اَهْلِی وَاکْفِنِی مَؤُنَةَ عِبَادِکَ وَعِیَالِی

فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْفِكَ وَمِنِّي و بعد از خواندن دعا بجانب چاه زمزم آید و قدری
آب بخورد و بعد از آن متوجه بیرون رفتن از مسجد الحرام شود و در اثنای بیرون رفتن بگوید
آئِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ إِلَى اللَّهِ رَاجِعُونَ انشاء الله
و بدر مسجد الحرام رسد سجده طویل بعمل آورد با نهایت خضوع و خشوع بعد بر در مسجد بایستد
و بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْقَلِبُ عَلَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و یک درهم شرعی خرما بخرد و تصدق
کند و میمنه قصدش این باشد که یکبار دیگر بحج آید بدانکه آنچه مذکور شد افعال حج
تمتع بود و حج تمتع واجب میشود بر هر مکلفی که خانه او شانزده فرسخ شرعی از مکه معظمه دور
باشد اما حج قران و افراد بر شخصی واجب میشود که از اهل مکه باشد یا آنکه دوری او
از مکه بقدر شانزده فرسخ نباشد و افعال و اعمال حج قران و افراد مثل حج تمتع است و فرقی
نیست مگر در آنکه عمره حج تمتع قبل از حج است و طواف نسا ندارد و عمره حج قران و افراد بعد از
حج است و طواف نسا دارد و افعال این دو نوع بیک طریق است لیکن در حج قران مخیر است
میان آنکه نیت احرام را مقارن تلبیات اربع یا مقارن اشعار یا مقارن تقلید سازد و احرام
هر یک از حج قران و افراد واجب است که از میقات باشد یا از مسکن خود هرگاه مسکن او
بمکه نزدیکتر از میقات باشد یا از مکه هرگاه مسکن او مکه باشد و نیز بدانکه جایز نیست
از برای کسی که فرض او حج تمتع است عدول کردن بحج افراد و قران مگر در حال ضرورت مثل
آنکه بترسد که هرگاه عمره را تمام کند حج او فوت شود در اینصورت نیت عمره را بدل میکند
بر نیت حج و بعد از تمام اعمال حج عمره مفرده بجا می آورد و اظهر و اشهر اینست که حد خوف
فوت شدن حج آنست که گمان غالب داشته باشد که هرگاه عمره را تمام کند وقوف
اختیاری عرفه را در نمی یابد و ظاهر اینست که هرگاه چنین داند که افعال عمره را تا بعد از
ظهر روز عرفه هم میتواند بجا آورد و باز پیش از غروب آفتاب بعرفات میرسد عمره باید تمام
کند و جایز نیست عدول بحج افراد و از جمله عذرهایی که عدول می توان کرد از حج تمتع
بحج افراد حیض و نفاس است پس هرگاه زنی حایض باشد یا صاحب نفاس و نتواند طواف کرد
و وقت تنگ باشد واجب است عدول کند بحج افراد پس دست از عمره بر میدارد و بعد از
اتمام حج عمره مفرده بجا می آورد و در این مسئله قول دیگر هم هست لیکن این اقوی است و
اما هرگاه حیض و نفاس در اثنای طواف بهم رسد پس هرگاه چهار شوط بعمل آمده است حج تمتع

حج تمتع او صحیح است دست از طواف بر دارد و سعی صفا و مروه و باقی اعمال عمره را بجا
می آورد و بعد از پاک شدن تتمه طواف را قضا میکند با نماز طواف و همچنین هرگاه
بعد از طواف و قبل از نماز حایض شود نماز را بعد از طهارت از حیض قضا می کند
و ایضا بدانکه شروط طواف حج یعنی آنچه ترک آن عمدا و سهوا مبطل است چند چیز است
اول احرام و وقوع در روز ذیحجه [illegible] و در تمتع بخصوص بعد
عمره بودن و در قران بخصوص هدی و شروط مطلق عمره احرام است و در عمره تمتع در اشهر
حج بودن و قبل از حج بودن و در همان سال و در عمره مفرده حجة الاسلام بعد حج بودن
و در همان سال و ارکان حج یعنی آنچه ترک آن عمدا مبطل است نه سهوا طواف زیارت
و سعی و عرفات و مشعر و وقوف بر اینست و ارکان عمره طواف زیارت و سعی است و واجبات
حج یعنی آنچه ترک آن مبطل نیست هرچند گناهکار باشد و لکن خروج از احرام محتاج تدارک است
آنها طواف حج یعنی جمره و جمرات و حلق و تقصیر و نماز طواف زیارت و طواف نسا با نماز
آن و بیتوته بمنی بعد از عید و در حج تمتع قربانی یا بدل آن و واجب است طواف عمره با
بر مشهور نماز طواف و در عمره تمتع تقصیر نیز و در عمره افراد طواف نسا با نماز آن
ایام تشریق است روز یازدهم بروایتی ولادت با سعادت حضرت امام
علی نقی است مناسبست زیارت آنحضرت بیکی از زیارات جامعه شب هجدهم که شب
عید غدیر است شبی است با میمنت و برکت و سنت است زیارت حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام کردن و مکرر لعن کند که در سفینة النجاة نقل کرده اللَّهُمَّ الْعَنِ
الْجَاحِدِينَ وَالنَّاكِثِينَ وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
که روز عید غدیر است از اعیاد عظیمه است و روز بسیار مبارکیست در این روز حضرت
ابراهیم از آتش نمرود خلاص شد و آتش از برای او برد و سلام گردید و در این روز موسی یوشع را
وصی خود نمود و عیسی هم شمعون الصفا را و سلیمان آصف بن برخیا را و در این روز حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم که ده سال از هجرت گذشته بود حضرت امیر المؤمنین
علی را بخلافت و وصایت خود نصب فرمود چنانکه کلینی بسند معتبر روایت کرده است
که از حضرت صادق پرسیدند آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی
عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی عرض کرد کدام عید است فرمود روز

که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی علیه السلام را بخلافت
و وصایت خود نصب کرد و فرمود هر که را من مولا و آقای اویم علی مولا و آقا و
پیشوای اوست و آن روز هجدهم ذیحجه است راوی عرض کرد که در آن روز چه باید
کرد فرمود باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل او را یاد کنید و بر ایشان صلوات
فرستید و وصیت فرمود حضرت رسول امیر المؤمنین را که این روز را عید کردانند
و بروایت دیگر فرمود هر پیغمبری وصی خود را وصیت می کرد که این روز را عید کردانند و
بروایت دیگر روزه این روز کفاره شصت سال گناه است و ایضا از حضرت صادق
منقولست که روزه روز غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام دنیا عمر یابد
و روزه بدارد روزه این روز برابر است با ثواب آن نزد خدا و با صد حج و صد عمره و خدا هیچ
پیغمبری را مگر اینکه این روز را عید کرده است و حرمت آن را دانسته اند و نامش در آسمان
روز عهد معهود است و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است و هر که در
این روز مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد و فئامی صد هزار کس است
و ثواب کسی دارد که طعام دهد و ثواب همه این عدد که مذکور شد از پیغمبران و صدیقان
و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال قحط و یک درهم که در این روز تصدق
کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند پس فرمود که گمان کنی
که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر باشد والله نه والله نه والله نه
و احادیث بسیار از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمالش که زیاده از حد
احصا است وارد شده که این مختصر گنجایش ذکر آنها ندارد و مستحب است در این روز
غسل کردن و نیکی و احسان بخویشان و عیالان و غلامان و برادران مؤمن کردن و اظهار
سرور و خوشحالی نمودن و تصدق کردن و مکرر گفتن دعای اللهم العن الجاحدین را که در
اعمال شب مذکور شد و تهنیت گفتن برادران مؤمن باین نحو که الحمد لله الذی جعلنا
من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین و الائمة علیهم السلام و بروایت دیگر چنین است
که چون برادران مؤمن با هم ملاقات کنند بگویند الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم و
جعلنا من المؤمنین بعهده الذی عهده الینا و میثاقه الذی واثقنا به من ولایة ولاة
امره و القوام بقسطه و لا جعلنا من الجاحدین و المکذبین بیوم الدین و زیارت حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور
و موافق روایت صفوان و غیر آن اگر از دور زیارت کند دو رکعت نماز زیارت
بجای آورد و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله
بخواند پس این دعا را بخواند اللهم صل علی ولیک و اخی نبیک و وزیره و حبیبه و
خلیله و موضع سره و خیرته من اسرته و وصیه و صفوته و خالصته و
امینه و ولیه و اشرف عترته الذین آمنوا به و ابی ذریته و باب حکمته و
الناطق بحجته و الداعی الی شریعته و الماضی علی سنته و خلیفته علی امته سید
المسلمین و امیر المؤمنین و قائد الغر المحجلین افضل ما صلیت علی احد من خلقک و اصفیائک و
اوصیاء انبیائک اللهم انی اشهد انه قد بلغ عن نبیک صلی الله علیه و آله ما حمل
و رعی ما استحفظ و حفظ ما استودع و حلل حلالک و حرم حرامک و اقام احکامک
و دعی الی سبیلک و والی اولیائک و عادی اعدائک و جاهد الناکثین عن
سبیلک و القاسطین و المارقین عن امرک صابرا محتسبا مقبلا غیر مدبر لا یأخذه
فی الله لومة لائم حتی بلغ فی ذلک الرضا و سلم الیک القضاء و عبدک مخلصا
و نصح لک مجتهدا حتی اتاه الیقین فقبضته الیک شهیدا سعیدا ولیا تقیا رضیا
زکیا هادیا مهدیا اللهم صل علی محمد و علیه افضل ما صلیت علی احد
من انبیائک و اصفیائک یا رب العالمین در زاد المعاد گفته اگر اشارت کند بانگشت
شهادت بجانب قبر شریف آنحضرت و این زیارت را بخواند بهتر است و ایضا اکثر اگر بعد از
نماز اول این زیارت را کند و آخر آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد و زیارت این است
السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا امین الله فی
ارضه و حجته علی عباده اشهد لقد جاهدت یا امیر المؤمنین فی الله حق جهاده
و عملت بکتابه و اتبعت سنن نبیه حتی دعاک الله الی جواره فقبضک الیه باختیاره
الکریم ثوابه و الزم اعدائک الحجة فی قتلهم ایاک مع ما لک من الحجج البالغة
علی جمیع خلقه اللهم صل علی محمد و آله و اجعل نفسی مطمئنة بقدرک راضیة
بقضائک مولعة بذکرک و دعائک محبة لصفوة اولیائک محبوبة فی ارضک و سمائک
صابرة عند نزول بلائک شاکرة لفواضل نعمائک ذاکرة لسوابغ آلائک مشتاقة

إلى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن أوليائك مفارقة
لأخلاق أعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم إن قلوب المخبتين إليك
والهة وسبل الراغبين إليك شارعة وأعلام القاصدين إليك واضحة وأفئدة
العارفين منك فازعة وأصوات الداعين إليك صاعدة وأبواب الإجابة لهم مفتحة
ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من أناب إليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك
مرحومة والإغاثة لمن استغاث بك موجودة والإعانة لمن استعان بك مبذولة
وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك مقالة وأعمال العاملين لديك
محفوظة وأرزاق الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد إليهم واصلة وذنوب المستغفرين
مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد
المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء لديك مترعة اللهم فاستجب
دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين أوليائي بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن
والحسين والأئمة من ذرية الحسين أئمتي إنك ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي
في منقلبي ومثواي و شب عید غدیر شب مبارکیست و در شب نماز مناسب است که ابن زهره
نقل کرده و در روز شیخ مفید و دیگران از حضرت صادق ع روایت کرده اند که در روز غدیر دو رکعت
نماز بکنید هر وقت که خواهید و اولی نزدیک بزوال است که در آن ساعت حضرت رسول امیرالمؤمنین را
در غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است بهر سوره که خواهد و اگر
در رکعت اول بعد از حمد انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله بخواند چنانچه در روایت معتبره
دیگر وارد شده بهتر است پس بسجده برود و صد مرتبه شکرا لله بگوید یا شکرا لنعمائه و چون
سر از سجده بردارد این دعا بخواند اللهم إني أسألك بأن لك الحمد وحدك لا شريك
لك وأنك واحد أحد صمد لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا أحد وأن محمدا عبدك
ورسولك صلواتك عليه وآله يا من هو كل يوم في شأن كما كان من شأنك أن
تفضلت علي بأن جعلتني من أهل إجابتك وأهل دينك وأهل دعوتك ووفقتني
لذلك في مبتدأ خلقي تفضلا منك وكرما وجودا ثم أردفت الفضل فضلا والجود
جودا والكرم كرما رأفة منك ورحمة إلى أن جددت ذلك العهد لي تجديدا
بعد تجديدك خلقي وكنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا فأتممت نعمتك بأن ذكرتني

ذكرتني ذلك ومننت به علي وهديتني له فليكن من شأنك يا إلهي وسيدي ومولاي أن تتم
لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على ذلك وأنت عني راض فإنك أحق المنعمين أن تتم
نعمتك علي اللهم سمعنا وأطعنا وأجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا وإليك
المصير آمنا بالله وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى الله عليه وآله وصدقنا و
أجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة مولانا ومولى المؤمنين أمير المؤمنين علي بن
أبي طالب عبد الله وأخي رسوله والصديق الأكبر والحجة على بريته المؤيد به
نبيه ودينه الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وعيبة غيب الله وموضع سر
الله وأمين الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم ربنا إننا سمعنا مناديا ينادي للإيمان
أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الأبرار ربنا
وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا تخلف الميعاد فإنا يا ربنا بمنك و
لطفك أجبنا داعيك واتبعنا الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا
بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع أئمتنا فإنا بهم مؤمنون موقنون ولهم
مسلمون آمنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا بهم أئمة و
قادة وسادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا ولا نتخذ من دونهم
وليجة وبرئنا إلى الله من كل من نصب لهم حربا من الجن والإنس من الأولين والآخرين
وكفرنا بالجبت والطاغوت والأوثان الأربعة وأشياعهم وأتباعهم وكل من والاهم
من الجن والإنس من أول الدهر إلى آخره اللهم إنا نشهدك أنا ندين بما دان به محمد وآل
محمد وقولنا ما قالوا به قلنا وما دانوا به دنا وما أنكروا أنكرنا ومن والوا والينا ومن عادوا
عادينا ومن لعنوا لعنا ومن تبرؤوا منه تبرأنا منه ومن ترحموا عليه ترحمنا عليه آمنا وسلمنا و
رضينا واتبعنا موالينا صلوات الله عليهم اللهم فتمم لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله مستقرا
ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا وأحينا ما أحييتنا عليه وأمتنا إذا أمتنا عليه آل محمد
أئمتنا فبهم نأتم وإياهم نوالي وعدوهم عدو الله نعادي فاجعلنا معهم في الدنيا والآخرة و
من المقربين فإنا بذلك راضون يا أرحم الراحمين پس بار دیگر بسجده رود و صد مرتبه شکرا لله و
صد مرتبه الحمد لله بگوید پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بکند ثواب کسی داشته باشد که
در روز عید غدیر بخدمت حضرت حاضر شده باشد با آنحضرت و حضرت امیرالمومنین علیهما السلام

بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راست گویان و تصدیق
کنندگان باشد که تصدیق خدا و رسول در آن روز از روی اخلاص کردند مانند سلمان و
ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و امیر
المؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم صاحب الامر و
زیر خیمه آنحضرت بوده باشد و شیخ مفید ره روایت کرده که سنت است این دعا را در روز
غدیر بخوانند اللهم انی اسئلک بحق محمد نبیک و علی ولیک و الشان و القدر الذی
خصصتهما به دون خلقک ان تصلی علی محمد و علی و ان تبدا بهما فی کل خیر عاجل
اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة القادة و الدعاة السادة و النجوم الزاهرة و الاعلام
الباهرة و ساسة العباد و ارکان البلاد و الناقة المرسلة و السفینة الناجیة الجاریة فی
اللجج الغامرة اللهم صل علی محمد و آل محمد خزان علمک و ارکان توحیدک و دعائم دینک
و معادن کرامتک و صفوتک من بریتک و خیرتک من خلقک الاتقیاء الانقیاء
النجباء الابرار و الباب المبتلی به الناس من اتاه نجی و من اباه هوی اللهم صل
علی محمد و آل محمد اهل الذکر الذین امرت بمسئلتهم و ذوی القربی الذین امرت
بمودتهم و فرضت حقهم و جعلت الجنة معاد من اقتص آثارهم اللهم صل علی
محمد و آل محمد کما امروا بطاعتک و نهوا عن معصیتک و دلوا عبادک علی وحدانیتک
اللهم انی اسئلک بحق محمد نبیک و نجیبک و صفوتک و امینک و رسولک الی
خلقک و بحق امیر المؤمنین و یعسوب الدین و قائد الغر المحجلین الوصی الوفی و الصدیق
الاکبر و الفاروق بین الحق و الباطل و الشاهد لک و الدال علیک و الصادع
بامرک و المجاهد فی سبیلک لم تاخذه فیک لومة لائم ان تصلی علی محمد و آل محمد و
ان تجعلنی فی هذا الیوم الذی عقدت فیه لولیک العهد فی اعناق خلقک و اکملت
لهم الدین من العارفین بحرمته و المقرین بفضله و من عتقائک و طلقائک من
النار و لا تشمت بی حاسدی النعم اللهم فکما جعلته عیدک الاکبر و سمیته فی
السماء یوم العهد المعهود و فی الارض یوم المیثاق الماخوذ و الجمع المسئول صل علی
محمد و آل محمد و اقرر به اعیننا و اجمع به شملنا و لا تضلنا بعد اذ هدیتنا و اجعلنا لانعمک من الشاکرین
یا ارحم الراحمین الحمد لله الذی عرفنا فضل هذا الیوم و بصرنا حرمته و کرمنا

به و شرفنا بمعرفته و هدانا بنوره یا رسول الله یا امیر المؤمنین علیکما و علی
عترتکما و علی محبیکما منی افضل السلام ما بقی اللیل و النهار و بکما اتوجه
الی الله ربی و ربکما فی نجاح طلبتی و قضاء حوائجی و تیسیر اموری اللهم انی
اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تلعن من جحد حق هذا
الیوم و انکر حرمته فصد عن سبیلک لاطفاء نورک فابی الله الا ان یتم نوره اللهم
فرج عن اهل بیت محمد نبیک و اکشف عنهم و بهم عن المؤمنین الکربات اللهم
املاء الارض بهم عدلا کما ملئت ظلما و جورا و انجز لهم ما وعدتهم انک لا تخلف
المیعاد و اگر بعد از این دعا بخواند ده مرتبه شکرا و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد
مرتبه یا پنج نوبت بگوید الحمد لله علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب الکریم
و الحمد لله ربنا الکریم و الصلوة علی خیر خلقه محمد و عترته الطاهرین بهتر خواهد بود
چنانچه سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید علیه الرحمة این زیادتی را نقل
نکرده است و نیز در این روز سنت است خواندن دعای ندبه که در روز عید شوال گذشت
[illegible] بنا بر روایتی که در کفعمی است زفاف حضرت فاطمه واقع شد
[illegible] است که حضرت امیر المؤمنین ع ... نازل شد و بروایتی روز مباهله است
در فراش حضرت پیغمبر خوابید و جان خود را فدای آنحضرت کرد و روز [illegible] روز مباهله است
در زاد المعاد گفته که در تعیین مباهله میان علما اختلاف است و اشهر و اقوی آن است که روز
بیست و چهارم و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر
در این اعمال مستحبه که مذکور میشود بعمل آورد بهتر است اما اعمال سنت است در این
روز روزه داشتن و غسل کردن و جامه پاکیزه پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و تصدق
کردن و زیارت حضرت پیغمبر و زیارت حضرت امیر المؤمنین و زیارت سایر ائمه معصومین
صلوات الله علیهم کردن بیکی از زیارات جامعه و پیش از زوال به نیم ساعت دو رکعت نماز
گذاردن برای شکر نعمت مباهله در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره قل هو الله و آیة
الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه را ده مرتبه خواندن و این دعا را خواندن که
شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله روحهما بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت
کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر ع روایت کرده است که آنحضرت

فرمود که اگر گوییم در این دعا اسم اعظم حق تعالی است هر آینه راست گفته‌ایم و اگر مردم
بدانند که این دعا در اجابت چگونه تأثیر می نماید بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند
در تحصیل آن هرچند باید که قتال کنند و هر امر حاجت که عارض می شود این دعا را
میخوانم و بعد از آن حاجت خود را میطلبم البته مستجاب میگردد و این دعائی است که
در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بر سید رسل نازل
شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون رو و وصی خود علی بن ابیطالب را و
سیده نسا فاطمه زهرا و دو نور دیده و فرزند دلبند خود حسن و حسین صلوات الله علیهم
با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت امام
جعفر صادق فرمود که هرگاه این دعا را بخوانید جهد و سعی کنید در تضرع و این دعا را
شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسی که اهلش نباشد و از سفیهان و منافقان پنهان
دارید و با ایشان تعلیم منمائید که از دعاهای مخزونست و هرکس قابل این گوهر گرانمایه
دعا اینست اللهم انی اسئلک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی
اسئلک ببهائک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجله و کل جلالک جلیل
اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک
جمیل اللهم انی اسئلک بجمالک کله اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما
وعدتنی اللهم انی اسئلک من عظمتک باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم
انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک من نورک بانوره و کل نورک نیر
اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها و کل رحمتک
واسعة اللهم انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی
کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله و کل کمالک کامل اللهم انی
اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها و کل کلماتک تامة اللهم
انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها و کل اسمائک
کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب
لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها و کل عزتک عزیزة اللهم
انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها و کل مشیتک

مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی اسئلک بقدرتک
التی استطلت بها علی کل شیء و کل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسئلک بقدرتک
کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک
من علمک بانفذه و کل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک کله اللهم انی
اسئلک من قولک بارضاه و کل قولک رضی اللهم انی اسئلک بقولک کله
اللهم انی اسئلک من مسائلک باحبها و کل مسائلک حبیبة اللهم انی اسئلک
بمسائلک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک
من شرفک باشرفه و کل شرفک شریف اللهم انی اسئلک بشرفک کله اللهم
انی اسئلک بشرفک کله اللهم انی اسئلک من سلطانک بادومه و کل سلطانک
دائم اللهم انی اسئلک بسلطانک کله اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره و
کل ملکک فاخر اللهم انی اسئلک بملکک کله اللهم انی ادعوک کما امرتنی
فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من علائک باعلاه و کل علائک عال
اللهم انی اسئلک بعلائک کله اللهم انی اسئلک من آیاتک باعجبها و کل آیاتک
عجیبة اللهم انی اسئلک بآیاتک کلها اللهم انی اسئلک من منک باقدمه و
کل منک قدیم اللهم انی اسئلک بمنک کله اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب
لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک بما انت فیه من الشؤون والجبروت اللهم
انی اسئلک بکل شأن و کل جبروت لک اللهم و انی اسئلک بما تجیبنی به
حین اسئلک فاجبنی یا الله بلا اله الا انت اسئلک ببهاء لا اله الا انت یا
لا اله الا انت اسئلک بجلال لا اله الا انت بلا اله الا انت اسئلک بلا اله
الا انت اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک
من رزقک باعمه و کل رزقک عام اللهم انی اسئلک برزقک کله اللهم
انی اسئلک من عطائک باهنئه و کل عطائک هنی اللهم انی اسئلک بعطائک
کله اللهم انی اسئلک من خیرک باعجله و کل خیرک عاجل اللهم انی اسئلک
بخیرک کله اللهم انی اسئلک من فضلک بافضله و کل فضلک فاضل اللهم انی
اسئلک بفضلک کله اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم

صل علی محمد و آل محمد و ابعثني علی الایمان بك و التصدیق برسولك علیه و آله
السلام و الولایة لعلي بن ابي طالب و البراءة من عدوه و الائتمام بالائمة
من آل محمد علیهم السلام فاني قد رضیت بذلك یا رب اللهم صل علی محمد
عبدك و رسولك في الاولین و صل علی محمد و آل محمد في الآخرین و صل علی
محمد و آله في الملأ الاعلی و صل علی محمد و آله في المرسلین اللهم اعط محمدا الوسیلة
و الشرف و الفضیلة و الدرجة الكبیرة اللهم صل علی محمد و آل محمد و قنعني بما
رزقتني و بارك لي فیما اعطیتني و احفظني في غیبتي و في كل غائب هو لي اللهم
صل علی محمد و آل محمد و اسألك خیر الخیر رضوانك و الجنة و اعوذ بك من شر
الشر سخطك و النار اللهم صل علی محمد و آل محمد و احفظني من كل مصیبة و
من كل بلیة و من كل عقوبة و من كل فتنة و من كل بلاء و من كل شر و من كل
مكروه و من كل فتنة نزلت او تنزل من السماء الی الارض في هذه الساعة و في
كل ساعة و في هذه اللیلة و في هذا الیوم و في هذا الشهر و في هذه السنة اللهم
صل علی محمد و آل محمد و اقسم لي من كل سرور و من كل بهجة و من كل استقامة
و من كل فرج و من كل عافیة و من كل سلامة و من كل كرامة و من كل
رزق واسع حلال طیب و من كل نعمة و من كل سعة نزلت او تنزل من
السماء الی الارض في هذه الساعة و في هذه اللیلة و في هذا الیوم و في هذا
الشهر و في هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك و
حالت بیني و بینك و غیرت حالي عندك فاني اسألك بنور وجهك الذي
لا یطفأ و بوجه محمد حبیبك المصطفی و بوجه ولیك علي المرتضی و بحق اولیائك
الذین انتجبتهم ان تصلي علی محمد و آل محمد و ان تغفر لي ما مضی من ذنوبي و ان
تعصمني فیما بقي من عمري و اعوذ بك اللهم ان اعود في شيء من معاصیك ابدا
ما ابقیتني حتی تتوفاني و انا لك مطیع و انت عني راض و ان تختم لي عملي باحسنه
و تجعل لي ثوابه الجنة و ان تفعل بي ما انت اهله یا اهل التقوی و یا اهل
المغفرة صل علی محمد و آل محمد و ارحمني برحمتك یا ارحم الراحمین ایضا شیخ طوسی و
دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت کرده اند که روز مباهله روز

رزقتني

بیست و چهارم ذی الحجه است و در این روز انچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز
که میکنی بعد از آن هفتاد مرتبه استغفر الله ربي و اتوب الیه بگو پس بایستی و نظر
بموضع سجود خود میکنی و این دعا را میخوانی و باید با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود
اگر میکنی ان مشاهده شرفه باشی نزد ان ضریح مقدس حاضر شود و الا بجای خلوتی برو
و یا بر کوه بلندی یا بصحرایی و دو رکعت نماز بکن با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد
مرتبه استغفار بکن پس بایست و بجانب آسمان نظر کن و این دعا بخوان و بعد از آن فرمود
هر دعایی که میکنی باز دو رکعت نماز بکن و دعا کن دعا این است الحمد لله رب العالمین
الحمد لله فاطر السموات و الارض الحمد لله الذي له ما في السموات و الارض الحمد
لله الذي خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین كفروا
بربهم یعدلون الحمد لله الذي عرفني ما كنت به جاهلا و لو لا تعریفه ایاي لكنت
هالكا اذ قال و قوله الحق قل لا اسألكم علیه اجرا الا المودة في القربی فبین
لي القرابة و قال سبحانه انما یرید الله لیذهب عنكم الرجس اهل البیت و
یطهركم تطهیرا فبین لي اهل البیت بعد القرابة ثم قال تعالی مبینا عن الصادقین
الذین امرنا بالكون معهم و الرد الیهم بقوله سبحانه یا ایها الذین امنوا اتقوا الله
و كونوا مع الصادقین فاوضح عنهم و ابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا
ندع ابناءنا و ابناءكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله
علی الكاذبین فلك الشكر یا رب و لك المن حیث هدیتني و ارشدتني حتی
لم یخف علي الاهل و البیت و القرابة فعرفتني نساءهم و اولادهم و رجالهم
اللهم اني اتقرب الیك بذلك المقام الذي لا یكون اعظم منه فضلا للمؤمنین
و لا اكثر رحمة لهم بتعریفك ایاهم شانه و ابانتك فضل اهله الذین بهم ادحضت
باطل اعدائك و ثبت بهم قواعد دینك و لو لا هذا المقام المحمود الذي انقذتنا
به و دللتنا علی اتباع المحقین من اهل بیت نبیك الصادقین عنك الذین عصمتهم
من لغو المقال و مدانس الافعال لخصم اهل الاسلام و ظهرت كلمة اهل الالحاد
و فعل اولي العناد فلك الحمد و لك المن و لك الشكر علی نعمائك و ایادیك اللهم
فصل علی محمد و آل محمد الذین افترضت علینا طاعتهم و عقدت في رقابنا ولایتهم

ادحضت

وأكرمتنا بمعرفتهم وشرّفتنا باتباع آثارهم وثبّتنا بالقول الثابت الذي عرّفونا
فأعنّا على الأخذ بما بصّرونا واجز محمداً عنّا أفضل الجزاء بما نصح لخلقك و
بذل وسعه في إبلاغ رسالاتك وأخطر بنفسه في إقامة دينك وعلى أخيه ووصيّه
والهادي من بعده إلى دينه والقيّم بسنّته علي أمير المؤمنين صلوات الله عليه وصلّ على
الأئمة من أبنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وأدخلنا بشفاعتهم دار الكرامة
يا أرحم الراحمين اللهم هؤلاء أصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا
وأسئلك بحقّ ذلك المقام المحمود واليوم المشهود أن تغفر لي وتتوب عليّ إنك أنت التوّاب
الرحيم اللهم إني أشهد أن أرواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب أصلها وفرعها
وأغصانها وأوراقها اللهم ارحمنا بحقّهم وأجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة بولايتهم
وأوردنا موارد الأمن من أهوال يوم القيمة بحبّهم وإقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم
واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرّفونا من توحيدك وما وقفونا عليه من تعظيم شأنك و
تقديس أسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات أن تحلّك والعلم أن يحيط بك والوهم
أن يقع عليك فإنك أقمتهم حججاً على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبّه على
أمرك وتهدي إلى دينك وتوضح ما أشكل على عبادك وباباً للمعجزات التي يعجز عنها غيرك
وبها تبيّن حجّتك وتدعو إلى تعظيم السفير بينك وبين خلقك وأنت المتفضّل عليهم
حيث قرّبتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرّك واصطفيتهم لوحيك وأورثتهم
غوامض تأويلك رحمة بخلقك ولطفاً بعبادك وحناناً على بريّتك وعلماً بما
تنطوي عليه ضمائر أمنائك وما يكون من شأن صفوتك وطهّرتهم في منشئهم
ومبتدئهم وحرستهم من نفث نافث إليهم وأريتهم برهاناً على من عرّض بسوء إليهم
فاستجابوا لأمرك وشغلوا أنفسهم بطاعتك وملأوا أجزاءهم من ذكرك
وعمروا قلوبهم بتعظيم أمرك وجزّؤوا أوقاتهم فيما يرضيك وأخلوا دخائلهم من معاريض
الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لإرادتك وعقولهم مناصب لأمرك
ونهيك وألسنتهم تراجمة لسنّتك ثم أكرمتهم بنورك حتى فضّلتهم من بين أهل زمانهم
والأقربين إليهم فخصصتهم بوحيك وأنزلت إليهم كتابك وأمرتنا بالتمسّك
بهم والردّ إليهم والاستنباط منهم اللهم فإنّا قد تمسّكنا بكتابك وبعترة نبيّك

نبيّك صلواتك عليهم الذين أقمتهم لنا دليلاً وعلماً وأمرتنا باتباعهم اللهم فإنّا
قد تمسّكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا
صديق حميم واجعلنا من الصادقين المصدّقين لهم المنتظرين لأيامهم الناظرين إلى
شفاعتهم ولا تضلّنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهّاب
آمين ربّ العالمين اللهم صلّ على محمد نبيّك وعلى أخيه وصنوه أمير المؤمنين
وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح
الأمين وباهل الله تعالى بهم المباهلين فقال وهو أصدق القائلين فمن حاجّك
فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم
وأنفسنا وأنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الإمام المخصوص
بمؤاخاته يوم الإخاء والمؤثر بالقوت بعد ضرّ الطوى ومن شكر الله سعيه في هل أتى
ومن شهد بفضله معادوه وأقرّ بمناقبه جاحدوه مولى الأنام ومكسّر الأصنام
ومن لم تأخذه في الله لومة لائم صلّى الله عليه وآله ما طلعت شمس النهار وأورقت
الأشجار وعلى النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذريّته مشهور
است كه سوره هل أتى در شأن حضرت امير المؤمنين و فاطمه و حسن و حسين در اين روز
نازل شد بسبب روزه داشتن و تصدّق بر مسكين و يتيم و اسير كردن مستحب است بنا بر
تأسّى ايشان شيعيان اين روز را روزه بدارند و تصدّق و اطعام بر مساكين نمايند و غسل و
زيارت جامعه بكنند و چون بقولى روز مباهله است هرگاه اعمال مباهله را بجا آورند بهتر است
بنا بر مشهور نهايت بركت دارد مروان كه آخر خلفاى بنى اميه بود بجهنم واصل
و دولت ايشان برطرف شد پس در اين روز شكر اين نعمت بايد كرد و بروايت سابق [illegible]
و بعضى گفته‌اند كه حضرت امام علي نقى در اين روز متولد شده پس زيارت آن حضرت مناسب است
ايضاً چون آخر سال عربست مرويست كه دو ركعت نماز بايد كرد در هر ركعت يك مرتبه سوره
حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله و ده مرتبه آية الكرسي بخوانند و بعد از سلام اين دعا بخوانند اللهم
ما عملت في هذه السنة من عمل نهيتني عنه ولم ترضه ونسيته ولم تنسه ودعوتني
إلى التوبة بعد اجترائي عليك اللهم فإني أستغفرك منه فاغفر لي وما عملت من عمل
يقرّبني إليك فاقبله منّي ولا تقطع رجائي منك يا كريم بدانكه اعمال روز نوروز

بیان علماء الخلافئت بعضی گفته اند که دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته اند هفدهم
شباط است و مشهور آنست که وقت حلول آفتاب است باول درجه حمل چنانچه در این ازمنه
معمولست ایضاً فضیلت آن باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از اصحاب حضرت امام
جعفر صادق ع بوده منقولست که در روز نوروز بمجلس آنحضرت رفتم فرمود آیا میشناسی این
روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند و در این روز تحفها و هدیها
برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است
که این تعظیم کردن نیست مگر برای امری قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی آنرا گفتم ای سید
اگر این دانستن آنرا از برکت شما است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند
حضرت فرمود ای معلی بدرستی که روز نوروز روزیست که حق سبحانه و تعالی در این روز پیمان
بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار
ندهند و بپرستند یگی و پیغمبر را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و
حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و این
روزیست که حق تعالی حیوة بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیك دفعه
خدا فرمود همه را بمیرانند پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر
این استخوانها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده
زنده میگرداند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بریزد بر استخوانهای ایشان در همان
جامهای خود که هستند پس همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است و باین
سبب سنت شد که آب در این روز بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و خدای
در قرآن مجید ایشان باین قصه نموده است در آنجا که فرموده الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم
وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم و مفسران گفته اند که آن پیغمبر حضرت
حزقیل بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار بودند و فرمودند که در این روز جبرئیل بر حضرت
رسالت پناه ص بوحی نازل شد یعنی نوروز موافق روزی واقع بود که بیست و هفتم ماه رجب است
و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت
ابراهیم ع نیز در این روز بتهای کافران را شکست و اول اشاره است باینکه سنی و شیعه روایت کرده
بطریق بسیار که شبی که حضرت رسالت پناه حضرت امیر المومنین را با خود بمسجد الحرام آورد

و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و
شکست پس مراد اینست که در شب این روز بود و فرمود که در این روز بود که حضرت رسول امر
کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المومنین ع و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنان است یعنی
روز غدیر این روز بوده یا آن روز را که سرکردهای صحابه را گفته برو بلفظ بر علی سلام کنید و بگویند
السلام علیك یا امیر المومنین این روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول ص حضرت امیر را
فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت با امیر
المومنین ع برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند و در این روز حضرت
امیر المومنین ع با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان را که ذو الثدیه
بود کشت و در این روز قائم ما آل محمد صلوات الله علیهم ظاهر خواهد شد و در این روز امامان
دیگر بنا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال و در کناسه که محله ایست
از محلات کوفه او را بر دار خواهند کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم
زیرا که آن روز از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست آن روز را عجمان حفظ کردند و حرمت
آن را رعایت کردند و شما عربان آن را ضایع کردید تا آخر حدیث ایضاً اعمال بر چهار قسم است
اول آنچه در مطلق روز نوروز بجا باید آورد و خصوصیت بوقت تحویل ندارد و از آنجمله
روایت کند معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق ع که هر که در روز نوروز روزه بدارد
و غسل کند و جامه پاکیزه بپوشد و بوی خوش بکار برد و بعد از نافله و فریضه ظهر و عصر چهار
رکعت نماز بگذارد بدو سلام در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در
رکعت دویم ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در سیم ده مرتبه سوره قل هو الله و در چهارم
ده مرتبه معوذتین و چون فارغ شود بسجده شکر کند و این دعا بخواند حق تعالی گناه پنجاه
ساله او را بیامرزد و حاجتش را روا کند اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین
وصل علی جمیع انبیائك ورسلك بافضل صلواتك وبارك علیهم بافضل برکاتك
وصل علی ارواحهم واجسادهم اللهم بارك علی محمد وآل محمد وبارك لنا فی یومنا هذا
الذی فضلته وکرمته وشرفته وعظمت خطره اللهم بارك لی فیما انعمت به علی
حتی لا اشکر احدا غیرك ووسع علی فی رزقی یا ذا الجلال والاکرام اللهم ما غاب عنی
فلا یغیبن عنی عونك وحفظك وما فقدت من شیء فلا تفقدنی عونك علیه حتی

لا اتکلف ما لا احتاج الیه یا ذا الجلال والاکرام والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی
محمد وآله الطیبین و فرموده که بسیار بگوید یا ذا الجلال والاکرام که در رساله
الصلاح نقل کرده اللهم ان السنة قد انقضت بما فیها و ما عملت فیها من عمل ترضاه فأتمه
وتقبله و اعفنی علیه و ما عملت فیها من عمل لم ترضه فانا ظلمت نفسی فاغفر لی فانه
لا یغفر الذنوب الا انت لقدیم وهذه سنة جدیدة فاسئلک یا الله العصمة وان تعیذ
فیها من الشیطان الرجیم والعون علی هذه النفس الامارة بالسوء و وفقنی لاحب الاعمال
الیک وارضاها عندک فی هذه و فیما بعدها یا ارحم الراحمین و نیز در رساله نوشته که در کتاب
حلیت دیده شده که مرویست از حضرت امیر المؤمنین که هر که این آیات را در روز نوروز کاسه
چینی یا جامی بنویسد بمشک و زعفران و بگلاب بشوید هر که از نظر چند بخورد تا یکسال ایمن و دور
الم باو نرسد و از جمیع بلاها ایمن باشد و اگر کودکی او را بگیرد زهران بروی کار نکند وقت بین کم
روز نوروز خوردن از مشک ست این آیات سلام قولا من رب رحیم سلام علی نوح فی العالمین
سلام علی ابرهیم سلام علی موسی و هرون سلام علی آل یاسین سلام علیکم طبتم فادخلوها
خالدین سلام هی حتی مطلع الفجر و مرویست که هر که روز نوروز این طلسم را بنویسد فایده
دارد هیچ گزند از مار و عقرب و غیره او را اگر نرسانند [illegible] میرزا
محمد استرابادی نوشته که در روز نوروز این طلسم را می باید نوشت و فرموده که نتایج بسیار و فواید
بیشمار دارد و نیز در رساله نوشته که نقلست که هر که روز نوروز این دعا را بمشک و زعفران
بنویسد و در ظرفی که آب سنه باشد اندازد هر کس از آن آب بخورد تمام آن سال تا نوروز دیگر
بصحت و سلامت و فراغت گذراند و هیچ آفتی و مکروهی باو نرسد و از جمیع بلاها و آفتها و بیماریها
رسته باشد و در حفظ و امان حق سبحانه و تعالی باشد و دولت و حشمت او روز بروز زیاده گردد و
ابواب فتوحات و خیرات بر او گشاده شود و کارهای او بسهولت ساخته و آماده گردد و بر اعدا
مظفر و غالب بود و اعدا مغلوب و مقهور گردند و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم ربی الله
ربی الواحد ربی الحی القیوم ربی الذی یحیی و یمیت ربی الواحد الفرد الحسنا ربنا ربی
ربی اللهم انا نعوذ بک من الطعن والطاعون والوباء والبلاء و موت الفجاءة و
سوء القضاء و شماتة الاعداء و من شر ما سبق ربنا اصرف عنا العذاب انا مؤمنون
حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین

الراحمین قال الله تعالی هو الذی انزل من السماء ماء لکم منه شراب و منه شجر فیه تسیمون ینبت
لکم به الزرع والزیتون والنخیل والاعناب و من کل الثمرات ان فی ذلک لآیة لقوم
یتفکرون حکیم بنبی گفته که خاصیت این سه آیه از خواص غرایب تمام چهار پایان است و حسن حال
و خیرات آنها و انجار و برکت در آنها از برای نجابت و خوبی درختان و میوه ها باید که در اول
روز فصل بهار قبل از طلوع آفتاب به نهر جاری و آب چاه و آب ابر بگیرد و آنها را در سه
رقعه بنویسد و در هر آبی رقعه بیندازد و بعد از آن بر هر آبی هفت بار آنها را بخواند و آنها
بعد از آن بهم بیامیزد و آن آب را در موضع زرع پاشند و در بیخ درختها ریزند و اگر در تخم
مزروع یا درخت مغروسی بجهت نجابت و برکت پاشند و بنجاو در بخورش آید از این جنس
و اگر در تابستان چهار پای بسیار باشد در هر چاهی رقعه بیندازد که در همه اینها خیر و
برکت و حسن تا ظاهر شود باذن الله تعالی و در انجه در روز نوروز باعتبار رسم
سال بودن بجا باید آورد از انجمله در رساله الصلاح از همام الدین کرابی نقل کرده که مرویست
از حضرت رسالتمآب که هر که در اول سال این دعا را هفت بار بخواند موکل کرداند خدای
عز و جل دو ملک را که حفظ کنند او را تا آخر سال اللهم انت الابد الحی القیوم الکریم
العود الحنان المنان هذه سنة جدیدة اسئلک العصمة فیها من الشیطان و
النجاة من النیران والعون علی هذه النفس الامارة بالسوء والاشتغال بما یقربنی
لدیک یا ذا الجلال والاکرام و نیز منقولست که هر که در اول شهر محرم الحرام و در روز نوروز
سیصد و شصت بار آیة الکرسی را تا و هو العلی العظیم بخواند و همین عدد نیز این دعا را
بخواند تا آخر سال از جمیع آفات و بلیات ایمن گردد و مجربست اللهم هذه سنة جدیدة
وانت ملک قدیم اسئلک خیرها و خیر ما فیها واعوذ بک من شرها و شر ما فیها و
مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال والاکرام و همین عدد در روز نوروز این دعا بخواند یا محول
الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال یا عزیز یا غنی یا مدبر اللیل والنهار
در آنچه متعلق بوقت تحویل است — در رساله الصلاح از کتاب عمل السنه
قدوة المجتهدین شیخ جمال الدین حلی منقولست که در محل تحویل سال دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعت الحمد یکبار و سوره اذا جاء نصر الله سه مرتبه بخواند و بعد از سلام صد بار بگوید
یا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال واجعل لنا هذه السنة من اولها

الی آخرها بالفتح والظفر والسلامة والعز والاقبال بحق محمد و آله الطاهرین
الصلاح نوشته که در وقت تحویل در روز نوروز هر که این دعا را بخواند یا در ساعتی که
آفتاب ببرج حمل برود بر مکان مرتفع رود که چون آفتاب طلوع کند و بر اینکس باشد و
بخواند در مواجه آفتاب و ثواب آن از حد متجاوز است اما ما ... خاصیت معتبر
دعا اینست اللهم انی اعوذ بک بنور قدسک و عظمة طهارتک و برکة جلالک من کل
آفة و عاهة و من طوارق اللیل والنهار والجن والانس الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن یا
رحیم اللهم انت غیاثی بک اغوث و انت ملاذی و بک الوذ یا من ذلت له الجبابرة
و خضعت اعناق الفراعنة اعوذ بجلال وجهک من خزیک انا فی حرزک لیلی و نهاری
و نومی و قراری و ظعنی و اسفاری و ذکرک شعاری و ثناؤک دثاری لا اله الا انت مرحبا
لاسمائک و تکرمتا لسبحات وجهک اجرنی من خزیک و من سوء عقابک و قنی من سیئات
عذابک و ادخلنی فی حفظک و عنایتک وجد علی بخیر منک برحمتک یا ارحم الراحمین
و نیز مرویست که در وقت تحویل این دعا خواندن خواص بسیار دارد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله رب العالمین و صلوات الله علی انبیائه لاسیما علی سیدنا محمد و آله الطیبین صلوة
دائمة الی الابد اللهم هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم فادر حی قیوم انا عبدک
و علی عهدک و وعدک ما استطعت ابوء لک بنعمتک علی و ابوء لک بذنبی فاستغفرک
و اتوب الیک و افوض امری کله الیک و اسالک الخیر فی العمر و الزیادة فی الرزق
و استکفیک مؤنتها و اسالک فیها رحمة تغنینی بها عمن سواک یا حی یا قیوم
برحمتک استغیث فاصلح لی شانی کله فی هذه السنة و لا تکلنی الی نفسی طرفة
عین و لا اقل من ذلک فی ساعاتها و اوقاتها و تکلنی الی احد من خلقک و اکلانی
کلائة الولید فی ایامها و لیالیها و استعملنی فیها علی دوام ذکرک و شکرک
و حسن عبادتک و اجتناب معصیتک انت ربی تحسبی یا ودود عاملنی بفضلک
و کرمک یا ذا الاکرام و الجود حسبی الله لمن بغی علی حسبی الله لمن حسدنی
حسبی الله لمن کادنی بسوء حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت و هو
رب العرش العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر سبحان
ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین بعد درانچه

در آنچه بعد از روز نوروز بجا باید آورد در رساله الصلاح از شیخ شرف
الدین ابو العباس بونی منقولست که هر که این کلمات سوره غیر مکرره قرآن را
در روز شنبه که بعد از نوروز بود بنویسد و با آب پاک بشوید و بخورد در آن سال
از درد چشم ایمن باشد الر المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس حم عسق
در روز سه شنبه چون آفتاب در حمل باشد این آیه را بر شمشیر نقش کند با طهارت
که چون بر روی دشمن و قطاع الطریق کشد آن تیغ را کشند حرکت ایشان ساقط شود
و مخذول گردند آیه اینست که و انزلنا الحدید فیه بأس شدید و منافع للناس و
لیعلم الله من ینصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز نوشته که سوره النصر را
در شرف آفتاب و مقابله مریخ بنویسند و با خود نگاه دارد که در حرب مظفر غالب
شود و از جراحت ایمن باشد این آیه را که و اذکر فی الکتاب موسی انه کان مخلصا
و کان رسولا نبیا و نادیناه من جانب الطور الایمن و قربناه نجیا در روز پنجشنبه
که آفتاب در شرف باشد در صحیفه از زر سرخ نقش کند و باید که با روزه باشد و
با خود نگاه دارد از ملوک عنایت مشاهده کند و تقرب به ایشان برتبه اعلی رسد در شرف
آفتاب در وقتی که زحل در میزان یا دلو یا در جوزا باشد بر لوح این خاتم اسکندر را نقش
باید کرد و با خود داشت که برای مهابت و حرمت و غلبه و اقتدار مجربست طلسم این است
و اما طریق گرفتن آب نیسان و
آنچه بر آن باید خواند و خواص آن را
آنچه در زاد المعاد مذکور شده
مجملش اینکه حضرت رسول ص
حضرت امیر المومنین علیه السلام را
فرمودند که بگیر آب باران
نیسان را پیش از آنکه بر زمین بیفتد و بخوان بر آن سوره فاتحه الکتاب و غیره و مولانا محمد باقر
طاب ثراه بنا بر ضعف راوی آن بدین ترتیب نوشته که هر یک از فاتحه الکتاب و آیة
الکرسی و جحد و سبح اسم ربک و قل اعوذ برب الفلق و برب الناس و توحید هفتاد بار و
سوره قدر هفتاد بار و لا اله الا الله و الله اکبر و اللهم صل علی محمد و آل محمد و

تسبیحات اربع هر یک از این اذکار هفتاد بار و در عمل نیسان بهتر اینست که اگر جمعی
خوانند هر یک مجموع آنچه مذکور شد بخوانند و از برای شفا که میخواهند فایده این
عظیم تر و ثوابش بیشتر است و خواص آن بسیار است هر کس بخورد قدری از آن هفت روز
در بامداد و بسم حق تعالی بردارد از آنکس هر درد که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را
و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح محفوظ دردی برای او مقدر
شده باشد محو نماید و اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد آب نیسان را باین نیت بیاشامد
او را فرزندی روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد از این آب بدین نیت بیاشامد
فرزند از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود ایشان
بعمل آورد و اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع آنرا ساکن گرداند بقدرت
الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره از این بچکاند و بیاشامد و چشمهای
خود را از این آب بشوید باذن خدا شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندان را محکم گرداند
و دهان را خوشبو کند و لعاب بن دندان را کم میکند و بلغم را کم میکند و تخمه و امتلا بسبب
خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن متأذی نگردد
و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان و درد معده و کرم
معده را زایل کند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی
و جذام و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و کر و لال و زمین گیر نشود و آب سیاه بر
دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض
نگردد و از وسواسهای جنیان و شیاطین متأذی نگردد و هر که از این آب بیاشامد و
بجمیع دردهائی که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد و هر که این
آیات را بر آن آب بخواند و بخورد حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور و روشنی و الهام خود را
در دل او وارد سازد و حکمت را بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و
بینائی و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت
و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص
و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب
شفای جمیع امراض او گردد و در روایت دیگر است که اگر در زندان باشد و از آن آب

و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و مرد برطبع او غالب نگردد و مولانا محمد باقر
طاب ثراه میفرماید که آب باران مطلقا مبارکست و منفعت دارد خواه در نیسان خواه
در غیر آن بیارد و ایضا در احادیث وارد است که آب زمزم و آب ناودان کعبه و آب فرات
خوردن آنها باعث شفای دردهاست مقصد دویم در زیارتست و در آن دوازده فصل
فصل اول در زیارات جامعه که هر یک از ائمه معصومین را بآن زیارت توان کرد البته
زیارت مشاهد مشرفه اگر از نزدیک میسر شود بهتر است و اگر نشود شکل قبری بسازد
و بانگشت شهادت اسم معصوم بر آن بنویس و آن را بمنزله قبر دانسته زیارت کند
و چون قصد زیارت یکی از چهارده معصوم کنی پیش از دخول در مشهد معصوم غسل کن
با طهارت باش و از نواقض وضو آنچه ناقض غسل است خواب و حدث اکبر و نواقض
دیگر ناقض غسل نیست و در وقت غسل بخوان اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي
وَاَجْرِ عَلٰى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قِوَامَ
دِينِي اَلتَّسْلِيمُ لِاَمْرِكَ وَالْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالشَّهَادَةُ عَلٰى
جَمِيعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَشِفَاءً وَنُورًا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اغْسِلْ عَنِّي
دَرَنَ الذُّنُوبِ وَوَسَخَ الْعُيُوبِ وَطَهِّرْنِي بِمَاءِ التَّوْبَةِ وَاَلْبِسْنِي رِدَاءَ الْعِصْمَةِ وَاَيِّدْنِي
بِلُطْفٍ مِنْكَ يُوَفِّقُنِي لِصَالِحِ الْاَعْمَالِ اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ و چون از غسل زیارت
فارغ شوی جامه پاکیزه بپوش و بوی خوش بکار بر و با کمال خضوع و خشوع با زمین
تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید گویان روانه شو و گام را کوتاه بردار چه از برای هر گامی ثواب
از درگاه الهی مقرر است که ذکرش مفضی بتطویل میشود و چون بدر روضه برسی توقف نما
و طلب اذن کن بادعیه که در باب سیم مذکور میشود و اگر رقت قلبی حاصل شود و الا
آن بود که توقف نمائی و منتظر رقت قلب باشی که آن علامت اذنست و چون خواهی
داخل روضه شوی عتبه را ببوس و پای راست را مقدم دار و خادمان و کارکنان
آنجا را تعظیم و تکریم کن چه اکرام ایشان اکرام صاحب مشهد است و چون خواهی
که زیارت کنی بعنوانی بایست که پشت بقبله و رو بروی معصوم باشی و خود را ملاصق
صندوق یا ضریح سازد و زیارت کن بروشی که در باب سیم مذکور میشود و در جمیع احوال

زيارت بقدر وسع خود دل خود را حاضر سازد و از گناهان توبه و استغفار کن و چون از
زيارت فارغ شوي بجانب راست روي خود را بر صندوق يا ضريح گذارد و دعا کن و بجانب
چپ روي خود را بر آن گذارد و دعا کن و مطلب را از خدا تعالى بحق او و بحق صاحب قبر که
تو را از اهل شفاعت او گرداند بعد از آن بجانب پاي قبر بيا و از آنجا بجانب سر قبر و از آنجا
بجانب سر قبر رو و رو بقبله بايست و مطالب خود را از خدا تعالى مسئلت کن و چون از اينها
فارغ شوي دو رکعت نماز زيارت بگذار و افضل آن بود که آن نماز در جانب سر قبر گذارد
شود اما بايد برابر او و نه قبر پيش رود بعد از نماز تهجد کن در تضرع و دعا از براي مطالب دين و دنيا
خود و والدين و اقربا و ساير مؤمنان و هرگاه از نماز زيارت و ادعيه بعد از آن فارغ شوي چيزي
از قرآن مجيد تلاوت کن و بروح مزور هديه کن و چون از اعمال زيارت بالکليه فارغ شوي تعجيل کن
بيرون آمدن از روضه بجهة تعظيم و حرمت مزور و باقي ماندن شوق بزيارت و چون اراده
بيرون آمدن از روضه کني بر خادمان و کارگذاران آن مشهد تصدق کن و مادام که مزور
از نظر غايب نشود پشت بمزور مکن و وقت بيرون آمدن پاي چپ را مقدم دار و چون بيرون
آمدي سجده شکر بجا آر که بر نعمت زيارت توفيق يافتي و باين شرف عظيم مشرف گشتي و بايد که
حال تو بعد از زيارت بهتر باشد از حال تو پيش از آن و بر توبه و بازگشتي که کرده باشي
ثابت قدم باشي و نوعي نکني که ديگر باره مرتکب معاصي شوي و نيز بايد که مادام که در آن
بقعه باشي بر محتاجان آن بقعه بقدر مقدور تصدق کني چه ثواب تصدق در اماکن شريف زياده
است از جاهاي ديگر و ايضا بايد مادام که در آن بقعه باشي مکرر بزيارت معاودت کني
تا وقت بيرون رفتن و چون خواهي که از آن بقعه بيرون آيي که ديگر بر نگردي بمشهد مزور حاضر
شو و زيارت کن و دعاي وداع بخوان که در ابواب بعد مذکور مي‌شود بخوان و بايد که در وقت
وداع در قصد باشد که ديگر باره باين شرف زيارت مشرف شوي و از زيارات جامعه بدو
زيارت در اين رساله اکتفا مي‌نمايم اول در تحفة الزائر بسند معتبر از حضرت امام رضا
پرسيدند از زيارت موسي بن جعفر عليهما السلام فرمود که نماز کنيد در مسجدهايي که در دور
آن حضرت است و کافيست نزد من اينکه اين زيارت بگوييد السَّلامُ عَلى اَوْلِياءِ اللهِ
وَاَصْفِيائِهِ السَّلامُ عَلى اُمَناءِ اللهِ وَاَحِبّائِهِ السَّلامُ عَلى اَنْصارِ اللهِ وَخُلَفائِهِ
السَّلامُ عَلى مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ السَّلامُ عَلى مَساكِنِ اللهِ السَّلامُ عَلى مُظْهِري اَمْرِ اللهِ وَ

اَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ السَّلامُ عَلَى الْمُسْتَقِرّينَ في مَرْضاتِ اللهِ
السَّلامُ عَلَى الْمُخْلِصينَ في طاعَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَى الْاَدِلاّءِ عَلَى اللهِ السَّلامُ عَلَى
الَّذينَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَى اللهَ وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَى اللهَ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ
عَرَفَ اللهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ وَمَنْ تَخَلّى
مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّى مِنَ اللهِ اُشْهِدُ اللهَ اَنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ مُؤْمِنٌ
بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ مُفَوِّضٌ في ذلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ لَعَنَ اللهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ
وَالْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ مِنْهُمْ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطّاهِرينَ و اين کافيست در همه زيارتها و بسيار صلوات بفرستي بر محمد و آل
محمد و نام مي‌بري يک يک از ائمه بنام ايشان و بيزاري مي‌جويي از دشمنان ايشان و دعا
از براي خود و مؤمنان و مؤمنات بخواهي دوم جامعه ديگر منقولست از ثقه
شيخ طوسي مروي از امام علي نقي ع که فرمود چون بدر قبه رسيدي بايست و بگو و چون
داخل قبه شوي بايست و سي بار تکبير بگو پس چند قدم پيش برو و سي بار ديگر تکبير بگو
تا صد تکبير تمام شود و بعد از آن بگو السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ
وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ
اُصُولَ الْكَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ وَاَوْلِياءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ الْاَخْيارِ وَساسَةَ
الْعِبادِ وَاَرْكانَ الْبِلادِ وَاَبْوابَ الْايمانِ وَاُمَناءَ الرَّحْمنِ وَسُلالَةَ النَّبِيّينَ وَصَفْوَةَ
الْمُرْسَلينَ وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلى اَئِمَّةِ
الْهُدى وَمَصابيحِ الدُّجى وَاَعْلامِ التُّقى وَذَوِي النُّهى وَاُولِي الْحِجى وَكَهْفِ الْوَرى
وَوَرَثَةِ الْاَنْبِياءِ وَالْمَثَلِ الْاَعْلى وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنى وَحُجَجِ اللهِ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا
وَالْآخِرَةِ وَالْاُولى وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلى مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَساكِنِ
بَرَكَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ وَاَوْصِياءِ
نَبِيِّ اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ
اِلَى اللهِ وَالْاَدِلاّءِ عَلى مَرْضاتِ اللهِ وَالْمُسْتَقِرّينَ في اَمْرِ اللهِ وَالتّامّينَ في مَحَبَّةِ اللهِ
وَالْمُخْلِصينَ في تَوْحيدِ اللهِ وَالْمُظْهِرينَ لِاَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ الَّذينَ
لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلى

الأئمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة وأهل الذكر
وأولي الأمر وبقية الله وخيرته وحزبه وعيبة علمه وحجته وصراطه ونوره و
برهانه ورحمة الله وبركاته أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له كما
شهد الله لنفسه وشهدت له ملائكته وأولو العلم من خلقه لا إله إلا هو
العزيز الحكيم وأشهد أن محمدا عبده المنتجب ورسوله المرتضى أرسله بالهدى
ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون وأشهد أنكم الأئمة
الراشدون المهديون المعصومون المكرمون المقربون المتقون الصادقون
المصطفون المطيعون لله القوامون بأمره العاملون بإرادته الفائزون بكرامته
اصطفاكم بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته وأعزكم بهداه
وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وأيدكم بروحه ورضيكم خلفاء في أرضه وحججا
على بريته وأنصارا لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته وتراجمة
لوحيه وأركانا لتوحيده وشهداء على خلقه وأعلاما لعباده ومنارا في بلاده وأدلاء
على صراطه عصمكم الله من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس وأذهب
عنكم الرجس وطهركم تطهيرا فعظمتم جلاله وأكبرتم شأنه ومجدتم كرمه وأدمتم
ذكره ووكدتم ميثاقه وأحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية ودعوتم
إلى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم أنفسكم في مرضاته وصبرتم على ما أصابكم
في جنبه وأقمتم وآتيتم الزكوة وأمرتم بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله
حق جهاده حتى أعلنتم دعوته وبينتم فرائضه وأقمتم حدوده ونشرتم شرائع أحكامه
وسننتم سنته وصرتم في ذلك منه إلى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم من
رسله من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق و
الحق معكم وفيكم ومنكم وإليكم وأنتم أهله ومعدنه ومثواه ومنتهاه وميراث النبوة
عندكم وإياب الخلق إليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم وآيات الله
لديكم وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وأمره إليكم من والاكم فقد والى الله
ومن عاداكم فقد عادى الله ومن أحبكم فقد أحب الله ومن أبغضكم فقد أبغض الله
ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله أنتم السبيل الأعظم والصراط الأقوم وشهداء

دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة الموصولة والآية
المخزونة والأمانة المحفوظة والباب المبتلى به الناس من أتاكم فقد نجا ومن لم يأتكم
فقد هلك إلى الله تدعون وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبأمره
تعملون وإلى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون سعد من والاكم وهلك من
عاداكم وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وأمن من لجأ
إليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة مأواه ومن
خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم فهو
في أسفل درك من الجحيم أشهد أن هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي
وأن أرواحكم ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض
خلقكم الله أنوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت أذن الله
أن ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من ولايتكم
طيبا لخلقنا وطهارة لأنفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلمين
بفضلكم ومعروفين بتصديقنا إياكم فبلغ الله بكم أشرف محل المكرمين وأعلى منازل
المقربين وأرفع درجات المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه
سابق ولا يطمع في إدراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا صديق
ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر
طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيد إلا عرفهم
جلالة أمركم وعظم خطركم وكبر شأنكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم
وثبات مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم لديه
وقرب منزلتكم منه بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي ومالي وأسرتي أشهد الله وأشهدكم
أني مؤمن بكم وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشأنكم وبضلالة
من خالفكم موال لكم ولأوليائكم مبغض لأعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم
وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما أبطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر
بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بإيابكم مصدق برجعتكم
منتظر لأمركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل بأمركم مستجير بكم

زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع الى الله عزوجل بكم متقرب بكم اليه
ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي وارادتي في كل احوالي واموري مؤمن بسركم
وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم واولكم وآخركم ومفوض في ذلك كله
اليكم ومسلم فيه معكم وقلبي لكم مسلم ورأيي لكم تبع ونصرتي لكم معدة حتى يحيي الله
دينه بكم ويردكم في ايامه ويظهركم لعدله ويمكنكم في ارضه فمعكم معكم لا مع غيركم
آمنت بكم وتوليت آخركم بما توليت به اولكم وبرئت الى الله عزوجل من اعدائكم
ومن الجبت والطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين لحقكم والمارقين
من ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين فيكم والمنحرفين عنكم ومن كل وليجة دونكم
ومن كل مطاع سواكم ومن الائمة الذين يدعون الى النار فثبتني الله ابدا ما حييت
على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار
مواليكم التابعين لما دعوتم اليه وجعلني ممن يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي
بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف في عافيتكم ويمكن
في ايامكم وتقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي واسرتي من
اراد الله بدأ بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا
ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم وانتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار
بكم فتح الله وبكم يختم وبكم ينزل الغيث وبكم يمسك السماء ان تقع على الارض الا
باذنه وبكم ينفس الهم ويكشف الضر وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته
والى جدكم بعث الروح الامين واگر در حضرت امیر باشد بجای والی جدکم والی اخیکم
آتاكم الله ما لم يؤت احدا من العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر
لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض بنوركم وفاز الفائزون
بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي
ونفسي واهلي ومالي ذكركم في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد
وارواحكم في الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور فما احلى
اسماءكم واكرم انفسكم واعظم شأنكم واجل خطركم واوفى عهدكم واصدق وعدكم
كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان وسجيتكم

والحشر

الكرم وشأنكم الحق والصدق والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم وحلم
وحزم ان ذكر الخير كنتم اوله واصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه
بابي انتم وامي ونفسي كيف اصف حسن ثنائكم واحصي جميل بلائكم وبكم
اخرجنا الله من الذل وفرج عنا غمرات الكروب وانقذنا من شفا جرف
الهلكات ومن النار بابي انتم وامي ونفسي بموالاتكم علمنا الله معالم ديننا واصلح
ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمت الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة
وبموالاتكم تقبل الطاعة المفترضة ولكم المودة الواجبة والدرجات الرفيعة
والمكان المحمود والمقام المعلوم عند الله عزوجل والجاه العظيم والشأن الكبير
والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا
لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب سبحان
ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله ان بيني وبين الله عزوجل ذنوبا لا ياتي
عليها الا رضاكم فبحق من ائتمنكم على سره واسترعاكم امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته
لما استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي فاني لكم مطيع من اطاعكم فقد اطاع الله ومن
عصاكم فقد عصى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله اللهم اني
لو وجدت شفعاء اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار الائمة الابرار لجعلتهم
شفعائي فبحقهم الذي اوجبت لهم عليك اسألك ان تدخلني في جملة العارفين بهم و
بحقهم وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله
الطاهرين پس دو رکعت نماز زیارت بکذارد و از ادعیه بالای سر [illegible] باشد
در زیارات حضرت پیغمبر است بدانکه زیارت آن حضرت سنت موکد است مر حاجیان
وغیر ایشان را و شیخ در مصباح نقل کرده که سنت است کسی را که از مکه معظمه بیرون رود متوجه
مدینه مشرفه شود چون بمسجد غدیر خم رسد داخل شود و دو رکعت نماز بکذارد و چون بمسجد
معرس رسد نیز دو رکعت نماز بکند خواه شب خواه روز و وجه تسمیه بمعرس آنست که تعریس
در لغت نزول کردن است و نیز بدانکه در مدینه سنت است سه غسل کند یکی برای دخول
مدینه و یکی برای دخول مسجد و یکی از برای زیارت پیغمبر و چون بخواهد داخل مدینه شود
کند و نیت چنین نماید که اغتسل لدخول المدینة لندبه قربة الی الله و اگر خواهد بفارسی نیت

نماید بگوید غسل میکنم از برای داخل شدن مدینه سنت تقرب بخدا و در وقت دخول
مسجد نیز نیت نماید و چون خواهد بزیارت حضرت پیغمبر رود چنین نیت نماید که
اغتسل لزیارة النبی الی الله و اگر خواهد بفارسی نیت کند بگوید غسل زیارت حضرت
رسول میکنم تقرب بخدا و در وقت غسل دعاهائی که مذکور شد بخواند بعد از آن اذن
بگیرد اگر زیارت نزدیک در مدینه کند یعنی بر در مسجد بایستد و بگوید اللهم انی قد وقفت
علی باب من ابواب بیوت نبیک علیه و علیهم السلام و قد منعت الناس الدخول الی
بیوته الا باذن نبیک فقلت یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن
لکم اللهم انی اعتقد حرمة نبیک فی غیبته کما اعتقدها فی حضرته و اعلم ان رسلک
و خلفاءک احیاء عندک یرزقون یرون مکانی فی وقتی هذا و زمانی و یردون
علی سلامی و انک حجبت عن سمعی کلامهم و فتحت باب فهمی بلذیذ مناجاتهم فانی
استاذنک یا رب اولا و استاذن رسولک ثانیا صلوات الله علیه و آله و استاذن
خلیفتک المفروض علی طاعته فی الدخول فی ساعتی هذه الی بیته و استاذن ملائکتک
الموکلین بهذه البقعة المبارکة المطیعة لله السامعة السلام علیکم ایها الملائکة
الموکلون بهذا الموضع المبارک و رحمة الله و برکاته باذن الله و اذن رسوله و اذن
خلفائه و اذنکم صلوات الله علیکم ادخل هذا البیت متقربا الی الله بالله و رسوله
محمد و آله الطاهرین فکونوا ملائکة الله اعوانی و کونوا انصاری حتی ادخل هذا البیت
و ادعو الله بفنون الدعوات و اعترف لله بالعبودیة و للرسول بالطاعة و چون داخل
مسجد شود پای راست را مقدم دارد و بگوید بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة
رسول الله صلی الله علیه و آله رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل
لی من لدنک سلطانا نصیرا و صد مرتبه الله اکبر بگوید و دو رکعت نماز تحیه مسجد بگذارد و برود
تا بحجره که مدفن حضرت پیغمبر است و چون بآنجا رسی بوسه کن و بگو السلام علیک یا رسول الله
السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا محمد بن عبد الله السلام علیک یا خاتم
النبیین اشهد انک قد بلغت الرسالة و اقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت
بالمعروف و نهیت عن المنکر و عبدت الله حتی اتاک الیقین فصلوات الله علیک
و رحمته و علی اهل بیتک الطاهرین و در جائی که برابر سر مبارک آنحضرت است و آن

ستونیست در مسجد که محاذی کنج حجره است که میانه دو دیوار شرقی و قبلی است
توقف کن رو بقبله بایست بطرف چپ و رو بروی آنحضرت باشی و بگو اشهد ان لا اله الا الله
و اشهد ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله و اشهد انک رسول الله
و انک محمد بن عبد الله و اشهد انک قد بلغت رسالات ربک و نصحت لامتک
و جاهدت فی الله حق جهاده داعیا الی طاعته زاجرا عن معصیته و انک لم تزل
بالمؤمنین رؤفا رحیما و علی الکافرین غلیظا حتی اتاک الیقین فبلغ الله بک اشرف
محل المکرمین الحمد لله الذی استنقذنا بک من الشرک و الضلال اللهم
فاجعل صلواتک و صلوات ملائکتک المقربین و عبادک الصالحین و انبیائک
المرسلین و اهل السموات و الارضین و من سبح لک یا رب العالمین من الاولین و
الآخرین علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و امینک و نجیک و حبیبک و صفیک و خاصتک
و صفوتک و خیرتک من خلقک اللهم اعطه مقاما محمودا یغبطه به الاولون و
الآخرون اللهم ابعثه اشرف مرتبة و ارفعه الی اسنی درجة و منزلة و اعطه الوسیلة
و الرتبة العالیة و الفضیلة کما بلغ ناصحا و جاهد فی سبیلک و صبر علی الاذی
فی جنبک و اوضح دینک و اقام حججک و هدی الی طاعتک و ارشد الی مرضاتک
اللهم صل علیه و علی الائمة الابرار من ذریته الاخیار من عترته و سلم علیهم اجمعین
تسلیما اللهم انی لا اجد سبیلا الیک سواهم و لا اری شفعاء مقبول الشفاعة عندک
غیرهم بهم اتقرب الی رحمتک و بولایتهم ارجو جنتک و بالبرائة من اعدائهم امل الخلاص
من عذابک اللهم فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا و الآخرة و من المقربین و بعد بطرف
و بگو اسئل الله الذی اجتباک و اختارک و هداک و هدی بک ان یصلی علیک و علی
اهل بیتک الطاهرین و دو دست را بدیوار حجره بچسبان و بگو اتیتک یا رسول الله
مهاجرا الیک قاضیا لما اوجبه الله علی من قصدک و ان لم احظ حظا فقد قصدتک
بعد موتک عالما ان حرمتک میتا کحرمتک حیا فکن لی بذلک عند الله شاهدا و دست
خود را بر روی خود بمال و بگو اللهم اجعل ذلک بیعة مرضیة لدیک و عهدا مؤکدا عندک
تحیینی ما احییتنی علیه و علی الوفاء بشرائطه و حدوده و حقوقه و احکامه و لوازمه
و تمیتنی اذا امتنی علیه و تبعثنی اذا بعثتنی علیه و در روی حضرت کن بنوعی که پشت بقبله

يا نبي و قرب دیوار تو بایستد و بگو السلام علیک یا نبی الله ورسوله السلام علیک یا صفوة الله
وخیرته من خلقه السلام علیک یا امین الله وحجته السلام علیک یا خاتم النبیین و
سید المرسلین السلام علیک ایها البشیر النذیر السلام علیک ایها الداعی الی الله باذنه
والسراج المنیر السلام علیک وعلی اهل بیتک الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا
اشهد انک یا رسول الله اتیت بالحق وقلت بالحق ومن علی بطاعتک واتباع سبیلک وجعلنی من امتک
والمجیبین لدعوتک وهدانی الی معرفتک ومعرفة الائمة من ذریتک اتقرب الی الله
بما یرضیک واتبرء الی الله مما یسخطک موالیا لاولیائک معادیا لاعدائک جئتک یا رسول الله
زائرا وقصدتک راغبا متوسلا بک الی الله سبحانه وانت صاحب الوسیلة والمنزلة
الجلیلة والشفاعة المقبولة والدعوة المسموعة فاشفع لی الی الله تعالی فی الغفران والرحمة
والتوفیق والعصمة فقد غمرتنی الذنوب وشملتنی العیوب واثقل الظهر وتضاعف الوزر وقد
اخبرتنا وخبرک الصدق انه تعالی قال وقوله الحق ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما وقد جئتک یا رسول الله
من ذنوبی تائبا من معاصی وسیئاتی وانی اتوجه بک الی الله ربی وربک لیغفر لی ذنوبی
فاشفع لی یا شفیع الامة واجرنی یا نبی الرحمة صلی الله علیک وعلی آلک الطاهرین
و بعد از آن جهد کن در دعا و مسئلت و بعد از آن رو بقبله کن و بگو اللهم انک تحت امری و
الی قبر نبیک و رسولک اسندت ظهری والی القبلة التی ارتضیتها استقبلت بوجهی
اللهم انی لا املک لنفسی خیر ما ارجو ولا ادفع عنها سوء ما احذر والامور کلها بیدک
بحق محمد وعترته وقبره القلب لما ذل وحرمه ان تصلی علی محمد وآله وان تغفر لی ما سلف
من ذنوبی وتعصمنی من المعاصی فی مستقبل عمری وتثبت علی الایمان قلبی وتوسع علی
رزقی وتسبغ علی النعم وتجعل قسمی من العافیة اوفر القسم وتحفظنی فی اهلی ومالی وولدی
وتکلأنی من الاعداء وتحسن لی العاقبة فی الدنیا وتشفعنی فی الآخرة اللهم اغفر لی ولوالدی
ولجمیع المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات انک علی کل شیء قدیر و بازده بار اللّه اکبر
بگو بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بکن و بعد از فراغ تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بخوان و بگو اللهم
هذا مقام نبیک و خیرتک من خلقک جعلته روضة من ریاض جنتک وشرفته علی بقاع

بقاع ارضک برسولک فضلته به وعظمت حرمته واظهرت جلالته واوجبت علی عبادک
التبرک بالصلوة والدعاء فیه وقد اقمتنی فیه بالحول والقوة وکان منی لا فی حیلی اللهم
فکما ان حبیبک لا یتقدمه فی الفضل خلیلک فاجعل استجابة الدعاء فی مقام حبیبک اللهم
انی اسئلک فی هذا المقام الطاهر ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعیذنی من النار وتمن
علی بالجنة وترحم موقفی وتغفر ذنبی وتزکی عملی وتوسع لی فی رزقی وتدیم عافیتی و
رشدی وتسبغ نعمتک علی وتحفظنی فی اهلی ومالی ووالدی وتحرسنی من کل متعد علی
وظالم لی وتطیل فی طاعتک عمری وتوفقنی لما یرضیک عنی وتعصمنی عما یسخطک علی
اللهم انی توسلت الیک بنبیک واهل بیته حججک علی خلقک واسئلک ان
تستجیب لی دعائی وتبلغنی فی الدین والدنیا املی ورجائی یا سیدی ومولای قد سألتک
فلا تخیبنی ورجوت فضلک فلا تحرمنی فانا الفقیر الی رحمتک الذی لیس لی غیر احسانک
وتفضلک فاسئلک ان تحرم شعری وبشری علی النار وتؤتینی من الخیر ما علمت منه و
ما لم اعلم وادفع عنی وعن والدی واخوانی من الشر ما علمت منه وما لم اعلم
اللهم اغفر لی ولوالدی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات انک علی کل شیء قدیر و بکل
شیء علیم خبیر و از ادعیه با ارج سرا نجه میسر باشد بخوان —وچون از زیارت
حضرت پیغمبر فارغ شوی بجانب منبر بیا و دست را بران بمال و دست بکبر را مدین
زیرین را که در دو طرف منبر است و انها را ماسیر کویند و بمال بانها و بچشم خود و او
روی خود را و دران جا بخوان کلمات فرج را و بعد از ان بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا رسول الله صلی الله علیه وآله الحمد لله الذی عقد بک
عز الاسلام وجعلک مرتقی خیر الانام ومصعد الداعی الی دار السلام الحمد لله الذی
خفض بانتصابک علو الکفر وسمو الشرک وتکسرت علم الباطل وراية الضلال اشهد
انک لم تنصب الا لتوحید الله سبحانه وتمجیده وتعظیم الله وتحمیده والمواعظ عباده و
الدعاء الی عفوه وغفرانه اشهد انک قد استوفیت من رسول الله صلی الله علیه و
آله الیسار تعاظم فی مراقیک واستولت الخطی شرفک وفضلک وتسبیح وذکرک
وبلت کمال ذکرک وعظم الله حرمتک واوجب التبرک بک فکم قد وضع المصطفی
علیه وآله قدمه علیک وقام للناس خطیبا فوقک ووحد الله وحمده واثنی علیه

ومحمد کما بلغ علیک من الرسالة وادی من الامانة وتلا من القرآن وقرأ من الفرقان و
اخبر عن الوحی وبین الامر والنهی وفصل بین الحلال والحرام وامر بالصلوة والصیام
وحث العباد علی الجهاد وانبأ عن ثوابه فی المعاد — وچون از اعمال سابق
فارغ شوی بیا بمکانی که در میانه منبر وقبر است وحضرت فرموده که ان روضه ایست
از روضه های بهشت ودر انجا دعا ومسئلت کن وحاجات خود را بطلب وبعد از ان بگو اللهم
ان هذه روضة من ریاض جنتک وشعبة من شعاب رحمتک التی ذکرها رسولک
وابان عن فضلها وشرف التعبد لک فیها وقد بلغتنیها فی سلامة نفسی فلک الحمد
یا سیدی علی عظیم نعمتک علی فی ذلک وعلی ما رزقتنیه من طاعتک وطلب مرضاتک
وتعظیم حرمة نبیک صلی الله علیه وآله بزیارة قبره والتسلیم علیه والتردد فی مشاهده
ومواقفه فلک الحمد یا مولای حمدا ینتظم به محامد حملة عرشک وسکان سمواتک ویقصر
عنه حمد من مضی ویفضل حمد من بقی من خلقک الیک ولک الحمد یا مولای حمد من عرف
الحمد والتوفیق للحمد منک حمدا یملأ ما خلقت ویبلغ حیث ما اردت ولا یحجب عنک ولا
ینقضی دونک ویبلغ اقصی رضاک ولا یبلغ آخره اوائل محامد خلقک لک ولک الحمد
ما عرف الحمد واعتقد الحمد وجعل ابتداء الکلام الحمد یا باقی العز والعظمة ودائم السلطان
والقدرة وشدید البطش والقوة ونافذ الامر والارادة وواسع الرحمة والمغفرة ورب الدنیا
والآخرة کم من نعمة لک علی یقصر عن ایسرها حمدی ولا یبلغ ادناها شکری وکم من
صنائع منک الی لا یحیط بکثیرها وهمی ولا یقیدها فکری اللهم صل علی نبیک المصطفی
بین البریة طفلا وخیرها شابا وکهلا اطهر المطهرین شیمة واجود المستمطرین دیمة و
اعظم الخلق جرثومة الذی اوضحت به الدلالات واقمت به الرسالات وختمت به النبوات
وفتحت به الخیرات واظهرته مظهرا وابتعثته نبیا وهادیا امینا مهدیا وداعیا الیک
ودالا علیک وحجة بین یدیک اللهم صل علی المعصومین من عترته والطیبین من اسرته
وشرف لدیک منازلهم وعظم عندک مراتبهم واجعل فی الرفیق الاعلی مجالسهم وارفع
الی قرب رسولک درجاتهم وتمم بلقائک سرورهم ووفر بمکانه انسهم — وچون
خواهی که از مدینه بیرون ائی حضرت را زیارت کن بروشی که سابقا مذکور شد وبعد از ان
بیا ودر نزد ضریح بایست رو بقبله ورو بروی حضرت بایست وبگو السلام علیک

علیک یا رسول الله استودعک الله واسترعیک واقرأ علیک السلام آمنت بالله و
بما جئت به ودللت علیه اللهم لا تجعله آخر العهد منی لزیارة قبر نبیک وان توفیتنی
قبل ذلک فانی اشهد فی مماتی علی ما شهدت علیه فی حیوتی ان لا اله الا انت وان
محمدا عبدک ورسولک صلی الله علیه وآله السلام علیک یا رسول الله
السلام علیک ایها البشیر النذیر السراج المنیر السلام علیک ایها السفیر بین الله و
بین خلقه اشهد یا رسول الله انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة
لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات ثیابها واشهد یا رسول الله
انی بک وبالائمة من اهل بیتک موقن وبجمیع ما اتیت به راض مؤمن واشهد ان الائمة
من اهل بیتک اعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا اللهم لا تجعله
آخر العهد من زیارة نبیک علیه السلام فان توفیتنی قبل ذلک فانی اشهد فی مماتی
علی ما اشهد علیه فی حیوتی انک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان
محمدا عبدک ورسولک وان الائمة من اهل بیته اولیاؤک وانصارک وحججک علی
خلقک وخلفاؤک فی عبادک واعلامک فی بلادک وخزان علمک وحفظة سرک وتراجمة
وحیک اللهم صل علی محمد وآل محمد وبلغ روح نبیک محمد وآله فی ساعتی هذه و
فی کل ساعة تحیة وسلاما والسلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته لا
جعله الله آخر تسلیمی علیک — واما اوقات زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله اول پانزدهم رجب
که از شعب ابوطالب بیرون آمدند دوم بیست وچهارم رجب که فتح خیبر شد سوم
شب وروز مبعث که بیست وهفتم رجب است چهارم روز فتح بدر که هفدهم رمضان است پنجم
روز فتح مکه که بیستم رمضان است ششم شب معراج بقولی که بیست ویکم رمضان است هفتم روز
جنگ احد که هفدهم شوال است هشتم شب نهم ماه ذیحجه که بقولی شب معراج است نهم
روز مباهله که بیست وچهارم ذیحجه است وبقولی بیست وپنجم دهم روز وفات آن حضرت
که بیست وهشتم ماه صفر است یازدهم شب اول ماه ربیع الاول که شب هجرت است وروز ان دوازدهم
روز عقد حضرت خدیجه که دهم ماه ربیع الاول است سیزدهم وروزی که داخل مدینه شدن
حضرت که دوازدهم ربیع الاول است چهاردهم شب هفدهم ربیع الاول که بقولی عروج باسمان
کردند پانزدهم روز ولادت آن سرور که روز هفدهم همین ماه بود وبقولی شب معراج شانزدهم

شبی که حضرت آمنه رضی الله عنها با آنحضرت حامله شد که نوزدهم جمادی الآخره است
از جمله زیارات آنحضرت یکی در ضمن تعقیب فرائض خمس گذشت و دیگر
نیز در اعمال هفته در ضمن عمل روز جمعه گفته شد و از زیارات جامعه است و دیگر نیز
در عمل هفته در ضمن عمل روز یکشنبه نوشته شد هر وقت ضرور شود از روی آنها زیارت
بکند هر یک که خواسته باشد. فصل در زیارت حضرت فاطمه و اوقات آنست بدانکه از
سیدة النساء مرویست که پدر بزرگوار من مرا خبر داد که ای فاطمه هر که سه روز بر تو
سلام کند بر من و تو واجب میگرداند خدا برای او بهشت را سائل پرسید یا خیر النساء در ایام حیات
یا در ایام ممات فرمودند در هر دو. موضع قبر آنحضرت خلاف است بعضی گویند در روضه است
که عبارت از میان قبر و منبر است و برخی برآنند که در منزل خود مدفونست که الحال داخل
مسجد است و گروهی میگویند در گورستان بقیع است در گنبد ائمه بقیع علیهم السلام و شیخ گفته
روایت اولی و ثانیه بیکدیگر نزدیک است اما روایت ثالثه بسیار بعید است و ابن بابویه
میگوید اعتقاد من آنست که در خانه خود مدفونست و وقتی که بنی امیه مسجد را بزرگ کردند خانه
آن معصومه داخل مسجد شد و حد خانه را از ستونی که در برابر باب جبرئیل است تا مؤخر
گنبد خاتم الانبیاست و از جمله زیارات آنحضرت دو زیارتست که در تحفة الزائر نقل شد
و زیارت آن معصومه را مکرر در محل ثلاثه بجا آورند عمل باقوال ثلاثه کرده اند و بنیت زیارت
چنین کند که ازور فاطمة لندبها قربة الی الله و بعد از آن چنین کند که زیارت حضرت فاطمه علیها السلام
بکنم تقرب بخدا و بگوید یا ممتحنة امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک
لما امتحنک صابرة وزعمنا انا لک اولیاء ومصدقون وصابرون لکل ما اتانا به
ابوک واتانا به وصیه فانا نسئلک ان کنا صدقناک الا الحقتنا بتصدیقنا لهما لنبشر
انفسنا بانا قد طهرنا بولایتک ایضا از سید رحمه الله نقل کرده که بگوید السلام علیک
یا سیدة نساء العالمین السلام علیک یا والدة الحجج علی الناس اجمعین السلام علیک
ایتها المظلومة الممنوعة حقها ایضا اللهم صل علی امتک وابنة نبیک وزوجة وصی
نبیک صلوة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین من اهل السموات واهل الارضین
چون زیارت منقول مبسوطی برای آنحضرت در روایتی که بما رسیده مظنونا مده بهمین
اکتفا نمودیم و اگر زیارت جامعه را بخوانند شاید بهتر باشد بعد از آن صلوات بفرستد بر محمد

بر محمد و آل محمد و دو رکعت نماز زیارت بکند و از ادعیه با آلایی هر چه باشد بخواند
اوقات زیارت آنحضرت روز تزویج آنحضرت که یازدهم ماه ذیحجه است و روز دوم روایات دیگر
واقع شد و ششم ماه مذکور است و بروایتی شب زفافش که نوزدهم ماه مذکور است و
بروایتی روز مباهله و روز نزول هل اتی که بیست و پنجم ماه مذکور است و بیست و یکم ماه محرم
که بروایتی زفاف آنحضرت واقع شد و روز سیزدهم ماه جمادی الاولی که بروایتی وفات آن
حضرت است چهاردهم همین ماه بروایتی و پانزدهم ماه مذکور بهمان روایت و روز سیم ماه جمادی
الاخره و از سید رحمه الله و بیستم ماه مذکور بنا بر قول شیخ رسید که وفات آنحضرت است و غیر
اینها از ایامی که فضیلتی یا کرامتی از آنحضرت در آنها ظاهر شده باشد. فصل در زیارت
ائمه اربعه امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام
که در بقیع با هم مدفونند مشرف است فضایل آن بسیار و احادیث کثیره از اهل بیت اطهار در این باب
بیان کرده اند این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد از حضرت امام ثامن علی بن موسی الرضا مرویست
که فرمودند بدرستی که هر امامی را در گردن شیعیان خود عهدیست و از زیارت قبور ایشان
وحضرت صادق فرمودند که هر که زیارت تو یا یکی از ائمه بقیع کند امرزیده شود گناهان او
و بمیرد بخلاف و فقیر نشود و حضرت امام حسن عسکری فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام محمد باقر و
امام جعفر صادق کند هرگز بدرد چشم گرفتار نشود و طریق زیارت ایشان اینست که اول
غسل کند و نیت غسل چنین کند که اغتسل لزیارة ائمة البقیع لندبه قربة الی الله و بعد از آن
چنین که غسل زیارت ائمه بقیع میکنم سنت قربة الی الله و چون خواهد داخل روضه ایشان
شود اذن خواسته بنحوی که در زیارت پیغمبر مذکور شد قبل پای راست پیش نهد و داخل
روضه که شد پشت به قبله کرده و رو بجانب قبور ایشان بگوید السلام علیکم ائمة الهدی
السلام علیکم اهل التقوی السلام علیکم الحجة علی اهل الدنیا السلام علیکم القوام فی البریة
بالقسط السلام علیکم اهل الصفوة السلام علیکم اهل النجوی اشهد انکم قد بلغتم ونصحتم
وصبرتم فی ذات الله وکذبتم واسیء الیکم فغفرتم واشهد انکم الائمة الراشدون المهتدون
وان طاعتکم مفروضة وان قولکم الصدق وانکم دعوتم فلم تجابوا وامرتم فلم تطاعوا
وانکم دعائم الدین وارکان الارض ولم تزالوا بعین الله ینسخکم فی اصلاب کل
مطهر وینقلکم فی ارحام المطهرات لم تدنسکم الجاهلیة الجهلاء ولم تشرک فیکم فتن الاهواء

طبتم وطاب منبتكم من بكم علينا ديان الدين فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر
فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم رحمة لنا وكفارة لذنوبنا اذ اختاركم لنا وطيب
خلقنا بما من به علينا من ولايتكم وكنا عنده مسمين بفضلكم معترفين بتصديقنا
اياكم وهذا مقام من اسرف واخطا واستكان واقر بما جنى ورجا بمقامه الخلاص
وان يستنقذه بكم مستنقذ الهلكى من الردى فكونوا لي شفعاء فقد وفدت اليكم اذ رغب
عنكم اهل الدنيا واتخذوا آيات الله هزوا واستكبروا عنها يا من هو قائم لا يسهو ودائم
لا يلهو ومحيط بكل شيء لك المن بما وفقتني وعرفتني بما ائتمنتني عليه اذ صد عنه عبادك
وجحدوا معرفته واستخفوا بحقه ومالوا الى سواه فكانت المنة منك علي مع اقوام
خصصتهم بما خصصتني به فلك الحمد اذ كنت عندك في مقامي هذا مذكورا مكتوبا
ولا تحرمني ما رجوت ولا تخيبني فيما دعوت و هر دعا كه خواهد بكند براى خود و براى
پدر و مادر و دوستان و در بالاى سر حضرات عليهم السلام و از براى هر يك از ائمه اربعه دو
دو ركعت نماز زيارت كند و چون خواهد از مدينه مشرفه بيرون آيد ائمه اربعه را وداع نمايد
باين نحو كه برابر قبور حضرات عليهم السلام بايستد و بگويد السلام عليكم ائمة الهدى ورحمة الله وبر
كاته استودعكم الله واقرا عليكم السلام آمنا بالله وبالرسول وبما جئتم به ودللتم عليه
اللهم فاكتبنا مع الشاهدين ولا تجعله آخر العهد من زيارتهم برحمتك يا ارحم الراحمين
و دعا كن بانچه خواهى [illegible] در اعمال اماكن مشتركه و [illegible] دخول مدينه و [illegible]
از مصباح الزائر ابن طاوس در زيارت حمزه و عبد المطلب عموى پيغمبر در احد بگويد السلام
عليك يا عم رسول الله صلى الله عليه وآله السلام عليك يا خير الشهداء السلام عليك
يا اسد الله واسد رسوله السلام عليك يا خير الشهداء اشهد انك قد جاهدت في الله
وجدت بنفسك ونصحت رسول الله صلى الله عليه وآله وكنت فيما عند الله سبحانه
راغبا بابي انت وامي اتيتك متقربا الى الله عز وجل بزيارتك ومتقربا الى رسوله صلى الله
عليه وآله بذلك راغبا اليك في الشفاعة ابتغي بزيارتك خلاص نفسي متعوذا بك من نار
استحقها مثلي بما جنيت على نفسي هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري فزعا
اليك رجاء رحمة ربي اتيتك استشفع بك الى مولاي واتقرب بك اليه ليقضي
بك حوائجي اتيتك من شقة بعيدة طالبا فكاك رقبتي من النار وقد اوقرت ظهري

ذنوبي واتيت ما اسخط ربي ولم اجد احدا افزع اليه خيرا لي منكم اهل بيت الرحمة
فكن لي شفيعا يوم حاجتي وفقري فقد سرت اليك محزونا واتيتك مكروبا وسكبت
عبرتي عندك باكيا وصرت اليك مفردا وانت ممن امرني الله بصلته وحثني على
بره ودلني على فضله وهداني لحبه ورغبني في الوفادة اليه والهمني طلب الحوائج
عنده انتم اهل بيت لا يشقى من تولاكم ولا يخيب من اتاكم ولا يخسر من يهواكم
ولا يسعد من عاداكم پس رو بقبله كن و دو ركعت نماز بكن و چون فارغ شوى خود را بر قبر
بچسبان و بگو اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم اني تعرضت لرحمتك بلزومي
لقبر عم نبيك صلى الله عليه وآله ليجيرني من نقمتك وسخطك ومقتك في يوم تكثر
فيه الاصوات وتشغل كل نفس بما قدمت وتجادل عن نفسها فان ترحمني اليوم فلا
خوف علي ولا حزن وان تعاقب فمولى له القدرة على عبده ولا تخيبني بعد اليوم ولا
تصرفني بغير حاجتي فقد لصقت بقبر عم نبيك وتقربت به اليك ابتغاء مرضاتك
رجاء رحمتك فتقبل مني وعد بحلمك على جهلي وبرأفتك على جناية نفسي فقد عظم
جرمي وما اخاف ان تظلمني ولكن اخاف سوء الحساب فانظر اليوم تقلبي على قبر
عم نبيك عليهما السلام فبهما فكني من النار ولا تخيب سعيي ولا يهون عليك ابتهالي
ولا تحجبن عنك صوتي ولا تقلبني بغير حوائجي يا غياث كل مكروب ومحزون
يا مفرجا عن الملهوف الحيران الغريق المشرف على الهلكة فصل على محمد وآله وانظر الي نظرة
لا اشقى بعدها ابدا وارحم تضرعي وعبرتي وانفرادي فقد رجوت رضاك وتحريت
الخير الذي لا يعطيه احد سواك فلا ترد املي اللهم ان تعاقب فمولى له القدرة
على عبده وجزاؤه بسوء فعله فلا اخيبن اليوم ولا تصرفني بغير حوائجي ولا تخيبن
شخوصي ووفادتي فقد انفدت نفقتي واتعبت بدني وقطعت المفازات وخلفت
الاهل والمال وما خولتني وآثرت ما عندك على نفسي ولذت بقبر عم نبيك صلى الله
عليه وآله وتقربت به ابتغاء مرضاتك فعد بحلمك على جهلي وبرأفتك على ذنبي
فقد عظم جرمي فاغفره برأفتك يا كريم پس بگو السلام على رسول الله السلام على
نبي الله السلام على محمد بن عبد الله السلام على اهل بيته الطاهرين السلام عليكم
ايها الشهداء المؤمنين السلام عليكم يا اهل بيت الايمان والتوحيد السلام عليكم

يا انصار دين الله وانصار رسوله عليه وآله السلام سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى
الدار سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار اشهد ان الله اختاركم لدينه واصطفاكم
لرسوله واشهد انكم جاهدتم في الله حق جهاده وذببتم عن دين الله وعن نبيه وعن
الاسلام واهله افضل الجزاء وعرفنا وجوهكم في محل رضوانه وموضع اكرامه مع
النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا اشهد انكم حزب الله
وان من حاربكم فقد حارب الله وانكم من المقربين والفائزين الذين احياء عند ربهم
يرزقون فعلى من قتلكم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين اتيتكم يا اهل التوحيد زائرا
ولحقكم عارفا وبزيارتكم الى الله متقربا وبما سبق من شريف الاعمال ومرضي
الاعمال عالما فعليكم سلام الله وبركاته وعلى من قتلكم لعنة الله وغضبه وسخطه
اللهم انفعني بزيارتهم وثبتني على قصدهم وتوفني على ما توفيتهم عليه واجمع بيني وبينهم
في مستقر دار رحمتك اشهد انكم لنا فرط ونحن بكم لاحقون وسوره انا انزلناه را
مكرر بخوان — وان مسجديست در سنگستاني كه در حوالی كوه احد است نماز و دعا
كن — وان مسجديست در زمين وسعي در پهلوی كوه احد است دعا و نماز كن چه در انجا مجروح
شد رسول الله در جنگ احد و در انجا توقف نمود تا انكه حاضر شد وقت نماز ظهر و در انجا
نماز ظهر گذارد — وان مسجديست واقع در ميانه مكه ومدينه در ذی الحليفه نماز و دعا
كن چرا كه انجا مكانيست كه پيغمبر بعد از عود از حجة الوداع در انجا فرود امده و قايم مقام خود
نمود علي را و تصريح بوصايت او نموده — وان مسجديست واقع در جانب شرق
بدوري يك فرسخ تقريبا وان اول مسجديست كه پيغمبر در ان مسجد نماز گذارده ودر ان عرضه
فرموده كه هر كه بان مسجد ايد و در انجا دو ركعت نماز كند عطا شود باو ثواب عمره طبرانی از
جمله مخالفان در كتاب كبير نقل كرده كه مردم قبا نزد پيغمبر امدند و استدعا كردند از براي
ايشان مسجدي بنا كند و ان حضرت بحاضران فرمود كه بعضي از شما بر اين شتر سوار شويد پس
ابوبكر برخواست و بران شتر سوار شد و هر چند او را حركت ميداد برنخواست پس برگشت و بجاي خود
نشست پس عمر برخواست و سوار شد هر چند او را حركت داد برنخواست پس برگشت و بجاي خود
نشست پس علي برخواست و چون پا بر ركاب ان شتر گذاشت شتر برخواست پس حضرت پيغمبر
فرمود كه مهارش را سست كن تا راه رود و بحاضران امر كرد بر اثر قدم ان شتر مسجد بنا كنند

بنا كنند ولهذا در روايات ائمه اهل البيت عليهم السلام وارد شده كه اية لمسجد اسس
على التقوى در شان مسجد قبا نازل شده و چون بانجا رسي دو ركعت نماز كن و تسبيح فاطمه بجا اور
وبگو السلام على اولياء الله واصفيائه السلام على امناء الله واحبائه السلام على انصار الله
وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام على معادن حكمة الله السلام على مساكن
ذكر الله السلام على عباد الله المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون السلام
على مظهري امر الله ونهيه السلام على الادلاء على الله السلام على المستقرين في مرضاة الله
السلام على المخلصين في طاعة الله السلام على الذين من والاهم فقد والى الله ومن عاداهم
فقد عادى الله ومن عرفهم فقد عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم
بالله ومن تخلى منهم فقد تخلى من الله اشهد الله اني حرب لمن حاربكم سلم لمن سالمكم
مؤمن بما امنتم به كافر بما كفرتم به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسركم وعلانيتكم
مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله عدوكم من الجن والانس وضاعف عليهم العذاب
الاليم — يا كائنا قبل كل شيء ويا كائنا بعد هلاك كل شيء لا يستتر عنه شيء
ولا يشغله شيء عن شيء كيف تهتدي القلوب الى صفتك او تبلغ العقول نعتك وقد
قبل الواصفين من خلقك ولم تر العيون بمشاهدة الابصار فتكون بالعيان موصوفا
ولم تحط بك الاوهام فتوجد متكيفا محدودا حارت الابصار دونك وكلت الالسن عنك
وعجزت الاوهام عن الاحاطة بك وعرفت الاذهان في نعت قدرتك وامتنعت عن الا
رؤيتك وتعاليت عن التحديد ازليتك وصار كل شيء خلقته حجة لك ومنتسبا الى
نيلك وصادرا عن صنعك فمن بين مبتدع يدل على ابتداعك ومصور ينبه بصورته
ومقدر ينبئ عن تقديرك ومدبر ينطق بتدبيرك ومصنوع يومي الى تاثير احداثك
من مصنوعاتك ومبروءاتك ومفطوراتك وانواعك واجناس خلقك لتشديد سلطانك
ولا لخوف من زوال ونقصان ولا استعانة على ضد مكابر او ند مناد ولا يودك
ما خلقت ولا تدبير ما ذرات ولا من عجز انتصبت ما برات ولا امسك لغوب عما ابتدعت
فطرت وثبتت عليه قدرتك ولا دخلت عليك شبهة فيما اردت يا من تعالى عن
الحدود والجهات وعن تاويل الشبهة والعلات ولحيا د العباد على المعاصي والاثبات
ويا من تجلى لعقول الموحدين بالشواهد والدلالات ودل العباد على وجوده بالايات

البينات الباهرات نسئلك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك المصطفى وحبيبك
المجتبى نبي الرحمة والهدى وينبوع الحكمة والندى ومعدن الخشية والنور سيد
المرسلين وخاتم النبيين وافضل الاولين والآخرين وعلى آله الطيبين الطاهرين وافعل
بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين — و از اعرفه مانده بر كويد و در جانب شمال مسجد
قبه ايست بدو ربع و پنج تقريبا نماز و دعا كن چو او مسكن حضرت نوح و مصلاي او بوده كه آن
زمان نوح ختم كرده يك پاره در آنجا بوده و از مستحبات است در جانب مسجد قبا كه مربع است طول و عرض
آن يازده ذرع است نماز و دعا كن چراغ آنجا نميست كه حضرت عمر در آنجا سر بر كنار حضرت
امير المؤمنين گذاشته و بخواب رفته تا آنكه وقت نافله عصر گذشته و حضرت امير المؤمنين
از فرط محبتي كه با حضرت داشته او را بيدار نكرده و نافله عصر از او فوت شده و چون حضرت بيدار
شد رو بقبله كرده و دو دست خود را بجانب آسمان دراز كرده و از الله تعالى مسئلت نموده كه آفتاب را
برگرداند بسوي وقت تا نافله عصر را علي نافله عصر كند پس آفتاب برگشته بسوي وقت تا آنكه
هر دو نافله و فريضه عصر گذاردند بعد از آن پنهان شد مانند ستاره كه گاهي د
ديده ميشود — و از مسجد فتح بر كوه بيجو در جبل احزاب دعاي طلب فتح آنجا شد و
مستجاب شد نماز و دعا كن و بايد كه از جمله دعاهاي كه در آن مسجد بخواني اين باشد يا صريخ
المكروبين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا مغيث المهمومين اكشف عني ضري وهمي و
غمي وكربي كما كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه وكفيته هول عدوه في هذا المكان
واكفني ما اهمني من امر الدنيا والآخرة يا ارحم الراحمين — نماز و دعا كن —
نماز و دعا كن — نماز و دعا كن — نماز و دعا كن فصل در زيارت حضرت علي بن
ابي طالب عليه السلام است چون نظرت بقبه منوره آنحضرت افتد بگو الحمد لله على ما اختصني
به من طيب المولد واستخلصني اكراما به من موالات الابرار والسفرة الاطهار والخيرة
الاعلام اللهم فتقبل سعيي اليك وتضرعي بين يديك واغفر لي الذنوب التي لا تخفى
عليك انك انت الملك الغفار و چون بدر قلعه نجف رسي بگو الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا
لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي سيرني في بلاده وحملني على دوابه وطوى لي
البعيد وصرف عني المحذور ودفع عني المكروه حتى اقدمني حرم اخي رسوله ص و چون داخل
قلعه شوي بگو الحمد لله الذي ادخلني هذه البقعة المباركة التي بارك فيها واختارها

واختارها لوصي نبيه اللهم فاجعلها شاهدة لي و زيارت آنحضرت بر دو قسم است مطلقه
و مخصوصه اما مطلقه منقول است كه هرگاه خواهد زيارت آنحضرت كند اول غسل كند و
بعربي چنين كويد اغتسل لزيارة امير المؤمنين ع لندبه قربة الى الله و بفارسي چنين كه غسل زيارت
حضرت امير المؤمنين ع ميكنم سنت تقرب بخدا و جامه پاكيزه بپوشد و بوي خوش بكار برد و
تسبيح و تهليل گويان با تن آرام و وقار متوجه مرقد منور شود و چون بحرم رسد بگويد اللهم ان
هذا الحرم حرمك والمقام مقامك وانا ادخل اليه اناجيك بما انت اعلم به مني ومن
نجواي الحمد لله الحنان المتطول الذي من تطوله سهل لي زيارة مولاي باحسانه ولم
يجعلني عن زيارته ممنوعا ولا عن ولايته مدفوعا بل تطول ومنح اللهم كما مننت علي
بمعرفته فاجعلني من شيعته وادخلني الجنة بشفاعته يا ارحم الراحمين و چون داخل
صحن شوي بگو الحمد لله الذي اكرمني بمعرفته ومعرفة رسوله ومن فرض علي طاعته
رحمة منه لي وتطولا منه علي ومن علي بالايمان الحمد لله الذي ادخلني حرم اخي رسوله
وارانيه في عافية الحمد لله الذي جعلني من زوار قبر وصي رسوله اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله جاء بالحق من عند الله واشهد
ان عليا عبد الله واخو رسول الله الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله والله اكبر والحمد لله
على هدايته وتوفيقه لما دعا اليه من سبيله اللهم انك افضل مقصود واكرم
مأتي وقد اتيتك متقربا اليك بنبيك نبي الرحمة وباخيه امير المؤمنين علي عليهما السلام
اللهم فصل على محمد وآل محمد ولا تخيب سعيي وانظر الي نظرة رحيمة تنعشني و
عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين و چون بدر رواق رسي بگو السلام على
رسول الله امين الله على وحيه وعزائم امره الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل و
المهيمن على ذلك كله ورحمة الله وبركاته و چون خواهد داخل حرم محترم آنحضرت شود
اذن طلبد و اين دعاي اذن بخواند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله جاء بالحق من عنده وصدق المرسلين السلام عليك يا رسول الله
السلام عليك يا حبيب الله وخيرته من خلقه السلام على امير المؤمنين عبدك وابن عبدك
وابن امتك جاءك مستجيرا بذمتك قاصدا الى حرمك متوجها الى مقامك متوسلا
الى الله تعالى بك أادخل يا امير المؤمنين أادخل يا مولاي يا حجة الله أادخل يا ملا

المقیمین فی هذا المشهد یا مولای أتأذن لی بالدخول أفضل ما أذنت لأحد من أولیائک
فإن لم أکن أهلاً فأنت أهل لذلک و بعد از آن داخل شود و بگوید بسم الله و بالله و فی
سبیل الله و علی ملة رسول الله اللهم اغفر لی وارحمنی إنک أنت التواب الرحیم پس مشغول
زیارت شود و بگوید این زیارت را که بسند معتبر از علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست از
آبای طاهرین آنحضرت علیهم السلام که حضرت امام زین العابدین علیه السلام امیرالمؤمنین علیه السلام را باین
نحو زیارت کردند که بر قبر آنحضرت ایستادند و گریستند و گفتند السلام علیک یا أمیر
المؤمنین و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا أمین الله فی أرضه و حجته علی
عباده أشهد أنک جاهدت فی الله حق جهاده و عملت بکتابه و اتبعت سنن
نبیه صلی الله علیه و آله حتی دعاک الله إلی جواره و قبضک إلیه باختیاره
و ألزم أعداءک الحجة فی قتلهم إیاک مع ما لک من الحجج البالغة علی جمیع خلقه
اللهم فاجعل نفسی مطمئنة بقدرک راضیة بقضائک مولعة بذکرک و دعائک
محبة لصفوة أولیائک محبوبة فی أرضک و سمائک صابرة علی نزول بلائک
شاکرة لفواضل نعمائک ذاکرة لسوابغ آلائک مشتاقة إلی فرحة لقائک متزودة
التقوی لیوم جزائک مستنة بسنن أولیائک مفارقة لأخلاق أعدائک مشغولة
عن الدنیا بحمدک و ثنائک پس پهلوی روی مبارک را بر قبر گذاشتند و گفتند اللهم
إن قلوب المخبتین إلیک والهة و سبل الراغبین إلیک شارعة و أعلام القاصدین
إلیک واضحة و أفئدة العارفین منک فازعة و أصوات الداعین إلیک صاعدة
و أبواب الإجابة لهم مفتحة و دعوة من ناجاک مستجابة و توبة من أناب إلیک
مقبولة و عبرة من بکی من خوفک مرحومة و الإعانة لمن استعان بک مبذولة
و عداتک لعبادک منجزة و زلل من استقالک مقالة و أعمال العاملین لدیک محفوظة
و أرزاق الخلائق من لدنک نازلة و عوائد المزید إلیهم واصلة و ذنوب المستغفرین
مغفورة و حوائج خلقک عندک مقضیة و جوائز السائلین عندک موفرة و عوائد
المزید متواترة و موائد المستطعمین معدة و مناهل الظماء لدیک مترعة اللهم
فاستجب دعائی و اقبل ثنائی و أعطنی جزائی و اجمع بینی و بین أولیائی و لحق
محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین علیهم السلام إنک ولی نعمائی و منتهی

منه

و منتهی منای و غایة رجائی فی منقلبی و مثوای أنت إلهی و سیدی و مولای اغفر
لأولیائنا و کف عنا أعداءنا و اشغلهم عن أذانا و أظهر کلمة الحق و اجعلها العلیا
و ادحض کلمة الباطل و اجعلها السفلی إنک علی کل شیء قدیر و ملا محمد باقر ره در
تحفة الزائر در ضمن زیارات مخصوصه روز غدیر گفته با این زیارت آنحضرت را زیارت
کند اما زیارت مخصوصه بجهت اختصار رساله نوشته نشد فصل در زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام بدانکه از جمله زیارات آنحضرت هشت زیارت در این رساله گذشت اول بعد از
تعقیبات مشترکه فرایض خمس دویم در فصل زیارات روز دوشنبه سیم در شب اول رجب
چهارم در نیمه رجب پنجم در روز عرفه ششم در روز عاشورا هفتم در آخر روز عاشورا هشتم
در روز اربعین هر وقت خواهند مطابق زیارتی که در شب اول رجب گذشت آنحضرت
زیارت کنند فصل در زیارت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و امام محمد تقی علیه السلام است چون
نزدیک خواهند بزیارت نمایند غسل کنند و اذن طلبند بآدابی که گذشت پس قبله و
برابر قبر هر دو امام بایستند و بگویند السلام علیکما یا ولیی الله السلام علیکما یا حجتی الله السلام
علیکما یا نوری الله فی ظلمات الأرض أشهد أنکما قد بلغتما عن الله ما حملتما و حفظتما
ما استودعتما و حللتما حلال الله و حرمتما حرام الله و أقمتما حدود الله و تلوتما کتاب الله
و صبرتما علی الأذی فی جنب الله محتسبین حتی أتاکما الیقین أبرأ إلی الله من أعدائکما
معادیا لأعدائکما مستبصرا بالهدی الذی أنتما علیه عارفا بضلالة من خالفکما
فاشفعا لی عند ربکما فإن لکما عند الله جاها عظیما و مقاما محمودا و بعد از آن ببوسد
خاک یا ضریح مقدس را و بگذارد گونه راست و گونه چپ بر خاک یا بر ضریح و بعد از آن بالای سر
آمده بگوید السلام علیکما یا حجتی الله فی أرضه و سمائه عبدکما و ولیکما زائرکما متقربا
إلی الله تعالی بزیارتکما اللهم اجعل لی لسان صدق فی أولیائک المصطفین و حبب إلی
مشاهدهم و اجعلنی معهم فی الدنیا و الآخرة یا أرحم الراحمین و بگوید در وداع زیارت این دو
امام علیهما السلام آنچه در زیارت بقیع مذکور شد فصل در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام
هر گاه از نزدیک خواهد زیارت کند آداب سابقه را بعمل آورد و بعد از آن بگوید اللهم صل
علی علی بن موسی الرضا الإمام التقی النقی و حجتک علی من فوق الأرض و من تحت الثری
الصدیق الشهید صلاة کثیرة تامة زاکیة متواصلة مترادفة متواترة

کافضل ما صلیت علی احد من اولیائک و بعد از فراغ از زیارت دو رکعت نماز بکذارد
و در وداع آنحضرت بگوید آنچه را در وداع حضرت عسکری گذشت فصل در زیارت حضرت
امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام بعد از رعایت و آداب سابقه اذن دخول
بگوید یا سیدی عبدکما و ابن عبدکما الذلیل بین یدیکما المعترف بحقکما جائکما مستجیراً
بذمتکما قاصداً لحرمکما متوجهاً الی مقامکما متوسلاً الی الله تعالی بکما ء ادخل
یا فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین ء ادخل یا ابا محمد الحسن ء ادخل یا ابا عبد الله
الحسین ء ادخل یا ابا محمد علی بن الحسین ء ادخل یا ابا جعفر محمد بن علی ء ادخل یا
ابا عبد الله جعفر بن محمد ء ادخل یا ابا الحسن علی بن جعفر ء ادخل یا ابا الحسن علی
موسی الرضا ء ادخل یا ابا جعفر محمد بن علی الجواد ء ادخل یا ابا الحسن علی بن محمد
ء ادخل یا ابا محمد الحسن بن علی ء ادخل یا ابا القاسم یا حجة الله فی ارضه ء ادخل یا
ایها الملائکة المقیمون الحافون المحدقون فی هذا المشهد الشریف سلام الله علیکم و رحمة الله
و برکاته پس پای راست را مقدم دارد و داخل روضه شود و بگوید آنچه در زیارت علی
مذکور شد بعد از آن مشغول زیارت شود و استقبال کند آن دو ضریح مقدس را و قبله را
ما بین دو کتف خود قرار دهد و صد مرتبه بگوید الله اکبر السلام علیکما یا ولیی الله السلام
علیکما یا حجتی الله السلام علیکما یا نوری الله فی ظلمات الارض السلام علیکما
یا امینی الله اتیتکما زائراً لکما عارفاً بحقکما مؤمناً بما آمنتما به کافراً بما کفرتما به محققاً
لما حققتما مبطلاً لما ابطلتما اسئل الله ربی و ربکما ان یجعل حظی من زیارتکما
الصلوة علی محمد و آله و ان یرزقنی شفاعتکما و لا یفرق بینی و بینکما و لا یسلبنی حبکما و
حب آبائکما الصالحین و ان لا یجعله آخر العهد من زیارتکما و یحشرنی معکما و
یجمع بینی و بینکما فی الجنة برحمته بعد از آن چهار رکعت نماز زیارت کند و هر دعا
که خواهد نماید که روا کرده انشاء الله و در وداع ایشان رو برو بایستد و بگوید السلام
علیکما یا ولیی الله السلام علیکما یا حجتی الله استودعکما الله و اقرأ علیکما السلام آمنا بالله
و بالرسول و بما جئتما به و دللتما علیه اللهم فاکتبنا مع الشاهدین اللهم لا تجعله
آخر العهد من زیارتی ایاهما و ارزقنی مرافقتهما و احشرنی معهما بحقهما و السلام
علیکما و رحمة الله و برکاته و چون از زیارت دو امام فارغ شد زیارت کند مادر

فصل دهم

مادر حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه را و قبر او در پس قبر امام حسن عسکری
است و در زیارت او بگوید السلام علی رسول الله الصادق الامین السلام علی مولانا امیر المؤمنین
السلام علی الائمة الطاهرین الحجج المیامین السلام علی والدة الامام و المودعة اسرار الملک
العلام و الحاملة لاشرف الانام السلام علیک ایتها الصدیقة المرضیة السلام علیک
یا شبیهة ام موسی و ابنة حواری عیسی السلام علیک ایتها التقیة النقیة السلام علیک
ایتها الرضیة المرضیة السلام علیک ایتها المنعوتة فی الانجیل المخطوبة من روح الله
الامین و من رغب فی وصلتها محمد سید المرسلین و المستودعة اسرار رب العالمین
السلام علیک و علی آبائک الحواریین السلام علی بعلک و ولدک السلام علیک و علی
روحک و بدنک الطاهر اشهد انک احسنت الکفالة و ادیت الامانة و اجتهدت فی مرضات الله
و صبرت فی ذات الله و حفظت سر الله و حملت ولی الله و بالغت فی حفظ حجة الله و
رغبت فی وصلة ابناء رسول الله عارفة بحقهم مؤمنة بصدقهم معترفة بمنزلتهم
مستبصرة بامرهم مشفقة علیهم مؤثرة هواهم و اشهد انک مضیت علی بصیرة من امرک
مقتدیة بالصالحین راضیة مرضیة تقیة نقیة زکیة فرضی الله عنک و ارضاک و
جعل الجنة منزلک و مأواک فلقد اولاک من الخیرات ما اولاک و اعطاک من الشرف ما
به اغناک فهناک الله بما منحک من الکرامة و امرأک پس سر بجانب آسمان بلند کرده و بگو
اللهم ایاک اعتمدت و لرضاک طلبت و باولیائک توسلت و علی غفرانک و حلمک
اتکلت و بک اعتصمت و بقبر ام ولیک لذت فصل علی محمد و آل محمد و انفعنی بزیارتها
و ثبتنی علی محبتها و لا تحرمنی شفاعتها و شفاعة ولدها و ارزقنی مرافقتها
و احشرنی معها و مع ولدها اللهم انی اتوجه الیک بالائمة الطاهرین صلوات الله
علیهم و اتوسل الیک بالحجة المیامین من آل طه و یس ان تصلی علی محمد و آل محمد الطاهرین
الطیبین و ان تجعلنی من المطمئنین الفائزین الفرحین المستبشرین الذین لا خوف علیهم و لا
هم یحزنون و اجعلنی ممن قبلت سعیه و یسرت امره و کشفت ضره و امنت خوفه اللهم
بحق محمد و آل محمد لا تجعله آخر العهد من زیارتی ایاها و ارزقنی العود الیها ابداً
ما ابقیتنی و اذا توفیتنی فاحشرنی فی زمرتها و ادخلنی فی شفاعة ولدها و اغفر لی و لوالدی
و للمؤمنین و المؤمنات و آتنا فی الدنیا حسنة و قنا برحمتک عذاب النار و السلام

علیکم یا سادتی ورحمة الله وبرکاته پس دو رکعت نماز کند و مطالب خود را سؤال نماید
که بر آورده شود ان شاء الله در زیارت صاحب الامر است بلکه از جمله زیارات
آنحضرت یک دعا در ضمن تعقیب نماز صبح نوشته شد که اولش اللهم رب النور العظیم
و دیگر در ضمن اعمال روز جمعه گذشت و دیگر در ضمن اعمال شب نیمه شعبان که دعای اللهم
بحق لیلتنا و دعای اللهم ادفع عن ولیک باشد نوشته شد و دیگر دعای عهد که روز عید
فطر گذشت و مرتبه منزله زیارت آنحضرت است و دیگر زیارت دیگر این است که به سند
صحیح و معتبر از محمد بن عبدالله حمیری که از جمله سفرای آنحضرت است که از ناحیه حضرت صاحب
الامر صلوات الله علیه از برای او بیرون آمد چون متوجه شوید بسوی خدا و بسوی ما پس بگوئید
چنانچه خدا فرموده سلام علی آل یس السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته السلام
علیک یا باب الله و دیان دینه السلام علیک یا خلیفة الله و ناصر حقه السلام علیک
یا حجة الله و دلیل ارادته السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه السلام
علیک فی آناء لیلک و اطراف نهارک السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه السلام
علیک یا میثاق الله الذی اخذه و وکده السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه
السلام علیک ایها العلم المنصوب والغوث والرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب
السلام علیک حین تقوم السلام علیک حین تقعد السلام علیک حین تقرأ وتبین
السلام علیک حین تصلی وتقنت السلام علیک حین ترکع وتسجد السلام علیک
حین تکبر وتهلل السلام علیک حین تحمد وتستغفر السلام علیک حین تصبح
وتمسی السلام علیک فی اللیل اذا یغشی والنهار اذا تجلی السلام علیک ایها الامام
المأمون السلام علیک ایها المقدم المأمول السلام علیک بجوامع السلام علیک
اشهدک یا مولای انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده
ورسوله لا حبیب الا هو واهله واشهد ان علیا امیر المؤمنین حجته والحسن حجته
والحسین حجته وعلی بن الحسین حجته ومحمد بن علی حجته وجعفر بن محمد حجته وموسی
بن جعفر حجته وعلی بن موسی حجته ومحمد بن علی حجته وعلی بن محمد حجته والحسن
بن علی حجته واشهد انک حجة الله انتم الاول والآخر وان رجعتکم حق لا ریب فیها
یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا وان الموت حق

حق وان ناکرا ونکیرا حق واشهد ان النشر والبعث حق وان الصراط حق والمرصاد حق
والمیزان حق والحشر حق والحساب حق والجنة حق والنار حق والوعد والوعید بهما
حق یا مولای شقی من خالفکم وسعد من اطاعکم فاشهد علی ما اشهدتک علیه
وانا ولی لک بریء من عدوک فالحق ما رضیتموه والباطل ما اسخطتموه والمعروف
ما امرتم به والمنکر ما نهیتم عنه فنفسی مؤمنة بالله وحده لا شریک له وبرسوله
وبامیر المؤمنین وبکم یا مولای اولکم وآخرکم ونصرتی معدة لکم ومودتی
خالصة لکم آمین آمین بعد از آن بخوان اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد
نبی رحمتک وکلمة نورک وان تملأ قلبی نور الیقین وصدری نور الایمان وفکری
نور النیات وعزمی نور العلم وقوتی نور العمل ولسانی نور الصدق ودینی نور البصائر
من عندک وبصری نور الضیاء وسمعی نور الحکمة ومودتی نور الموالاة لمحمد
وآله علیهم السلام حتی القاک وقد وفیت بعهدک ومیثاقک فتغشینی رحمتک یا
ولی یا حمید اللهم صل علی حجتک فی ارضک وخلیفتک فی بلادک الداعی الی سبیلک
والقائم بقسطک والثائر بامرک ولی المؤمنین وبوار الکافرین ومجلی الظلمة ومنیر الحق
والناطق بالحکمة والصدق وکلمتک التامة فی ارضک المرتقب الخائف والولی
الناصح سفینة النجاة وعلم الهدی ونور ابصار الوری وخیر من تقمص وارتدی ومجلی
العمی الذی یملأ الارض عدلا وقسطا کما ملئت ظلما وجورا انک علی کل شیء قدیر اللهم
صل علی ولیک وابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت عنهم
الرجس وطهرتهم تطهیرا اللهم انصره وانتصر به لدینک وانصر به اولیاءک واولیائه
وشیعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر کل باغ وطاغ ومن شر جمیع
خلقک واحفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله واحرسه وامنعه من ان
یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولک واظهر به العدل وایده بالنصر وانصر ناصریه
واخذل خاذلیه واقصم قاصمیه واقصم به جبابرة الکفر واقتل به الکفار والمنافقین
وجمیع الملحدین حیث کانوا من مشارق الارض ومغاربها برها وبحرها واملأ به الارض
عدلا واظهر به دین نبیک صلی الله علیه وآله واجعلنی اللهم من انصاره واعوانه واتباعه
وشیعته وارنی فی آل محمد علیهم السلام ما یأملون وفی عدوهم ما یحذرون اله الحق

آمین یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین **فصل** در زیارت به نیابت و زیارت
اولاد ائمه و غیرهم و ثواب زیارت هر یک است از رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام را
هدیه روح مقدس هر یک می توان کرد و هم چنین بروح هر یک از مؤمنان هدیه می توان نمود
و به نیابت ایشان زیارت می توان کرد چنانچه بسند معتبر منقولست که داود صرمی به حضرت
امام علی نقی ع عرض کرد که من پدر تو را زیارت کردم و ثوابش را از برای تو قرار دادم فرمود که
تو را از جانب خدا اجر و ثواب عظیم هست و از جانب ما حمد و ثنا و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت امام علی نقی ع شخصی را فرستاد بحایر حضرت امام حسین ع که برای آن حضرت زیارت
و دعا کند و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که چون بزیارت مرقد
منور رسول خدا ص بروی و از اعمال و زیارت فارغ شوی دو رکعت نماز بکن و بایست نزد سر
رسول خدا ص و بگو السلام علیک یا نبی الله من ابی و امی و زوجتی و ولدی و خاصتی
و من جمیع اهل بلدی حرهم و عبدهم و ابیضهم و اسودهم پس هر کرا از اهل خود که بگوئی
که من به نیابت تو زیارت کردم صادق خواهی بود و از شیخ طوسی رحمه الله نقل است که کسی که
به نیابت برادر مؤمن بزیارت رود با جرت چون فارغ شود از غسل زیارت و موافق بعضی از نسخ
از عمل زیارت بگوید اللهم ما اصابنی من تعب او نصب او شعث او لغوب فأجر فلان بن فلان
فیه و أجرنی فی قضائی عنه پس چون زیارت کند در آخر زیارت بگوید السلام علیک یا مولای
عن فلان بن فلان اتیتک زائرا عنه فاشفع له عند ربک پس هر دعائی که خواهد از برای او
بکند بدانکه در هر بلادی از بلاد قبور منسوبه باولاد و احفاد ائمه علیهم السلام بسیار است اما
بعضی از ایشان مدفون بودن ایشان در آن مکان معلوم نیست و زیارت هر یک از ایشان که
بزرگی ایشان معلوم باشد عیبی ندارد و تعظیم ایشان متضمن تعظیم ائمه علیهم السلام است و از
برای ایشان زیارتی بخصوص منقول نیست اگر بکیفیت سایر مؤمنان ایشان را زیارت کنند
خوبست و اگر ایشان را امتیاز دهند بمخاطبه بسلام مثل ائمه عشر لفظی که بزبان جاری شود
و متضمن تعظیم ایشان باشد خوبست و بگوید السلام علیک یا صاحب القبر ان کان ذلک لک
و نیل له عند الله وجاهة و اقدر مع الملائکة فاشفعنی عند الله و ملائکته فی قضاء حوائجی و
حصول مرادی فی الدارین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و هم چنین هر یک از
اصحاب نبی و ائمه علیهم السلام که خوبی ایشان معلوم باشد مثل سلمان و ابوذر و مقداد و عمار

و عمار و حذیفه و جابر انصاری و میثم تمار و رشید هجری و قنبر و حجر بن عدی و سایر افاضل
محدثین اصحاب ائمه هر یک که قبر ایشان معلوم باشد و هم چنین اکابر علمای شیعه مثل
شیخ مفید و سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی و علامه حلی و هر که از افاضل علمای
شیعه قبرش معلوم باشد زیارت ایشان مرغوبست **مقصد** استغاثات و توسلات ائمه
هدات و مناجات بحضرت قاضی الحاجات است مشتمل بر سه فصل **فصل اول** در استغاثات
از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که هر کس رزقش کم شود یا معیشت او تنگ گردد یا او را
حاجتی باشد مهمی از دنیا و آخرت باشد پس بنویسد بر رقعه سفید چنانچه مذکور میشود و بیندازد در آب
جاری در وقت طلوع آفتاب چنان کند که اسماء در یک سطر باشد بسم الله الرحمن الرحیم
الملک الحق المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد و علی و فاطمة و الحسن
والحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و القائم سیدنا و مولانا صلوات الله
علیهم اجمعین رب انی مسنی الضر و الخوف فاکشف ضری و امن خوفی بحق محمد و آل محمد و اسألک
بکل نبی و وصی و صدیق و شهید ان تصلی علی محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی
یا ساداتی بالشأن الذی لکم عند الله فان لکم عند الله لشأنا من الشأن فقد مسنی الضر یا
ساداتی والله ارحم الراحمین افعل بی یا رب کذا و کذا دیگر از آن حضرت منقولست که هر کرا
حاجتی بسوی خدا باشد یا از امری خائف و ترسان باشد بنویسد بر رقعه سفید پس فرو
بپیچد و در میان بندقه از گل بگذارد و در میان آب روان یا در چاه بیندازد که خدای عز و جل فرج
دهد بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیک باحب الاسماء الیک و اعظمها
لدیک و اتقرب و اتوسل الیک بمن اوجبت حقه علیک بمحمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین
و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن
محمد و الحسن بن علی و الحجة المنتظر صلوات الله علیهم اجمعین اکفنی کذا و کذا بعوض حاجات خود را
ذکر کن و بدعوات و رقاع این صورت بنویس دیگر رقعه ایست که بسند معتبر
در تحفة الزائر منقولست و در المقیس طولی دارد حاصل مضمونش آنکه کسی را امیری حبس کرده بود
و میخواست او را بکشد شبی متوسل بحضرات شد و تضرع میکرد تا نزدیک صبح بخواب رفت
حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب دید که آن حضرت او را فرمود بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
من العبد الذلیل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود را بنویسد الی المولی الجلیل الذی لا اله

إلا هو الحي القيوم وسلام على آل محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر
وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة يا رب على خلقك اللهم وإني لمسلم
إني أشهد أنك الله إلهي وإله الأولين والآخرين لا إله غيرك وأتوجه إليك بحق هذه
الأسماء التي إذا دعيت بها أجبت وإذا سئلت بها أعطيت لما صليت عليهم وهونت
علي خروجي وكنت لي فيما يلي ذلك غياثا ومجيرا ممن أراد أن يفرط علي أو يبغي وبخوان
سوره يس را وبعد از آن هر دعا كه خواهى بكن كه خدا مستجاب ميكند وغم را زائل ميكرداند
پس فرمود اين رقعه را در ميان گل بگذار ودر دريا بينداز گفتم اى مولاى من دريا
از من دور است ومن محبوسم وحركت نمى توانم كرد فرمود كه در چاه يا در نهرى كه نزديك تو
باشد بينداز اين كه گفتم چون بيدار شدم حسب الامر اقدس عمل نمودم وضمان نيز از قيد رها
شد تا آخر خبر ودر بعضى از روايات چنين نقل كرده اند كه سوره حمد وآية الكرسي وانا انزلناه
بخوانند وبعد از آن اين رقعه را بنويسند وبر سجده در ميان بندقه از گل يا از گل بگذارند
وسوره يس را بخوانند ودر چاه عميق يا نهر جاري يا چشمه عميق بيندازند ديگر استغاثه بحضرت
صاحب الامر است كه در كتاب مذكور بسند معتبر منقولست ودانستن آنست كه وضو بسازد ودو
ركعت نماز بكند ودر هر ركعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند ودر ركعت دوم بعد از
حمد سوره اذا جاء نصر الله بخواند پس برخيزد رو بقبله در زير آسمان وبگو سلام الله الكامل
التام الشامل العام وصلواته الدائمة وبركاته القائمة على حجة الله ووليه في
أرضه وبلاده وخليفته على خلقه وعباده سلالة النبوة وبقية العترة والصفوة
صاحب الزمان ومظهر الإيمان ومعلن أحكام القرآن مطهر الأرض وناشر
العدل في الطول والعرض الحجة القائم المهدي والإمام المنتظر المرضي الطاهر ابن الأئمة
الطاهرين الوصي بن الأوصياء المرضيين الهادي المعصوم ابن الهداة المعصومين السلام
عليك يا إمام المسلمين والمؤمنين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع حكمة
الوصيين السلام عليك يا عصمة الدين السلام عليك يا معز المؤمنين المستضعفين
السلام عليك يا مذل الكافرين المتكبرين الظالمين السلام عليك يا مولاي يا صاحب
الزمان يا ابن أمير المؤمنين وابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك
يا ابن الأئمة الحجج على الخلق أجمعين السلام عليك يا مولاي سلام مخلص لك في الولاء

في الولاء أشهد أنك الإمام المهدي قولا وفعلا وأنت الذي تملأ الأرض قسطا وعدلا
فعجل الله فرجك وسهل مخرجك وقرب زمانك وكثر أنصارك وأعوانك وأنجز لك
موعدك وهو أصدق القائلين ونريد أن نمن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمة
ونجعلهم الوارثين يا مولاي حاجتي كذا وكذا فاشفع لي في نجاحها پس بگويد اى مولاى من
حاجت من فلان وفلان است پس شفاعت كن از براى من در برآمدن آنها وهر دعا كه خواهى
بكن راوى گفت پس من بيدار شدم ويقين داشتم براحت وبسيارى از شب مانده بود پس
مبادرت كردم وآنچه تعليم من كرده بود نوشتم كه مبادا از خاطرم محو شود پس وضو ساختم
وبزير آسمان رفتم ودو ركعت نماز بنحوى كه مأمور شده بودم كردم وچون سلام گفتم رو بقبله
ايستادم وزيارت كردم پس حاجت خود را طلبيدم واستغاثه بمولاى خود صاحب الزمان
كردم پس بسجده شكر رفتم وبسيار طول دادم ودعاى بسيار كردم پس برخاستم ونماز شب را
بجا آوردم ونماز صبح را ادا كردم وتعقيب بسيار خواندم والله كه هنوز آفتاب طالع نشده بود
كه آن بلا رفع شد وفرج حاصل شد وتا حال ديگر مثل آن بلا بمن نرسيده است وهيچ كس
مطلع نشد بر آن حادثه كه مرا عارض شده بود تا آخر خبر ملا محمد باقر مجلسى رحمه الله گفته كه
علما اين زيارت را از جمله زيارتهاى سرداب مقدس ذكر كرده اند در
توسلات است ملا محمد باقر رحمه الله گفته در بعضى كتب معتبره نقل كرده اند از محمد بن
بابويه رضى الله عنه كه اين دعا توسل را از ائمه عليهم السلام روايت كرده است وگفته
كه در هيچ امرى نخواندم مگر آنكه اثر اجابت را زود يافتم اللهم إني أسألك
وأتوجه إليك بنبيك نبي الرحمة محمد صلى الله عليه وآله يا أبا القاسم يا رسول الله يا إمام
الرحمة يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك
بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا أبا الحسن يا أمير المؤمنين
يا علي بن أبي طالب يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
يا فاطمة الزهراء يا بنت محمد يا قرة عين الرسول يا سيدتنا ومولاتنا إنا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيهة عند الله اشفعي لنا
عند الله يا أبا محمد يا حسن بن علي أيها المجتبى يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه

يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي
حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا أبا عبد الله يا حسين بن علي أيها الشهيد
يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا و
توسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
يا أبا الحسن يا علي بن الحسين يا زين العابدين يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه
يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي
حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا أبا جعفر يا محمد بن علي أيها الباقر يا ابن
رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله يا أبا عبد الله يا جعفر بن
محمد أيها الصادق يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا تو
واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع
لنا عند الله يا أبا الحسن يا موسى بن جعفر أيها الكاظم يا ابن رسول الله يا حجة الله
على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك
بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا أبا الحسن يا علي بن موسى
أيها الرضا يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
يا أبا جعفر يا محمد بن علي أيها الجواد يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا
ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا
يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا أبا الحسن يا علي بن محمد أيها الهادي النقي يا ابن
رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا أبا
محمد يا حسن بن علي أيها الزكي العسكري يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه
يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي
حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا وصي الحسن والخلف الحجة أيها القائم
المنتظر يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا

اشفع لنا عند الله

واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع
لنا عند الله پس حاجت خود را بخواهد که برآورده می‌شود و در روایت دیگر وارد شده
که بعد از این بگوید یا ساداتي يا مواليّ إني توجهت بكم أئمتي وعدتي ليوم فقري وحاجتي
إلى الله وتوسلت بكم إلى الله واستشفعت بكم فاشفعوا لي عند الله واستنقذوني من
ذنوبي عند الله فإنكم وسيلتي إلى الله وبحبكم وبقربكم أرجو النجاة من الله فكونوا
عند الله رجائي يا ساداتي يا أولياء الله صلى الله عليهم أجمعين ولعن الله أعداء الله
ظالميهم من الأولين والآخرين آمين رب العالمين ایضا دعائی که متضمن توسل است بر
ائمه علیهم السلام اللهم صل على محمد وأهل بيته وأسألك اللهم بحق محمد وابنته و
ابنيها الحسن والحسين عليهم السلام إلا أعنتني بهم على طاعتك ورضوانك وبلغتني
بهم أفضل ما بلغته أحدا من أوليائك فيه في ذلك وأسألك بحق وليك أمير المؤمنين
علي بن أبي طالب إلا انتقمت لي به ممن ظلمني وكفيتني به مؤونة من يريد بي ظلما أبدا
ما أبقيتني وأسألك بحق وليك علي بن الحسين عليهما السلام إلا كفيتني به وجنبتني من
جور السلاطين ونفث الشياطين وأسألك اللهم بحق وليك محمد بن علي وجعفر بن محمد
عليهما السلام إلا أعنتني بهما على أمر آخرتي بطاعتك وأسألك اللهم بحق وليك العبد
الصالح موسى بن جعفر الكاظم غيظه عليه السلام إلا عافيتني به مما أخافه وأحذره على
بصري وجميع سائر جسدي وجوارحي ما ظهر منها وما بطن من جميع الأسقام والأمراض
والأعلال والأوجاع بقدرتك يا أرحم الراحمين وأسألك اللهم بحق وليك علي بن موسى
الرضا عليه السلام إلا نجيتني به وسلمتني مما أخافه وأحذره في جميع أسفاري في
البراري والقفار والأودية والغياض والبحار وأسألك اللهم بحق وليك أبي جعفر الجواد
عليه السلام إلا جدت علي به من فضلك وتفضلت علي به من وسعك ما أستغني
به عما في أيدي خلقك وخاصة يا رب لئامهم وبارك لي فيه وفيما لك عندي من
نعمك وفضلك وسعة رزقك إلهي انقطع الرجاء إلا منك وخاب الأمل إلا فيك يا ذا
الجلال والإكرام أسألك اللهم بحق من حقه عليك واجب أن تصلي على محمد وأهل بيته
وأن تبسط علي ما حظرته من رزقك وأن تسهل ذلك وتيسره في خير منك وعافية
وأنا في خفض عيش ودعة يا أرحم الراحمين وأسألك اللهم بحق وليك علي بن محمد

مقصود از لئام [illegible] لئیم -

عليه السلام الّا اعنتني به على قضاء نوافلي وبرّ اخواني وكمال طاعتك واسئلك اللّهمّ
بحق وليك الحسن بن علي عليه السلام الهادي الامين الكريم الناصح النقية العالم
الّا اعنتني به على امر آخرتي واسئلك اللّهمّ بحق وليك وحجتك على عبادك وبقيتك
في ارضك المنتقم لك من اعدائك واعداء رسولك بقية آبائه الطاهرين ووارث
اسلافه الصالحين صاحب الزمان صلى الله عليه وعلى آبائه الكرام المقدسين الاخيار
الّا كفيتني به ونجيتني من كل كرب وهمّ وحنت على قديم احسانك اليّ وحديثه
وادررت عليّ جميل عوائدك عندي يا ربّ اعنتني به ونجيتني من المخافة ومن كل شدة
وعظيمة وقول يعاذ له وهمّ ودين ومرض وسقم وآفة وظلم وجور وفتنة في ديني
ودنياي وآخرتي عنك وبرأفتك ورحمتك وكرمك وتفضلك وتعطفك يا كافي موسى
عليه السلام فرعون وكافي محمد صلى الله عليه وآله ما اهمّه ويا كافي علي عليه السلام ما اهمّه
يوم صفين ويا كافي علي بن الحسين عليه السلام يوم الحرة ويا كافي جعفر بن محمد ابا
الدوانيق صلّ على محمد وآله واكفني ما اهمّني في دار الدنيا وكل هول دون الجنة برحمتك
يا ارحم الراحمين يا قاضي الحوائج يا وهاب الرغائب يا معطي الجزيل يا فكاك العناة اللّهمّ
انك تعلم اني اعلم انك قادر على قضاء حوائجي فصلّ على محمد وآله وعجل يا رب فرج
وليك وابن بنت نبيك واقض يا الله حوائج اهل بيت محمد واقض لي يا رب محمد واهل
بيته حوائج الدنيا والآخرة صغيرها وكبيرها في يسر منك وعافية وتمم بهم نعمتك
عليّ وهنّئني بهم كرامتك والبسني فيهم عافيتك وتفضل بعفو لذلك لي بحق محمد و
اهل بيته في جميع اموري وليا وحافظا وناصرا وكالئا وراعيا وساترا ورازقا ما شاء الله
كان وما لم يشأ لم يكن لا يعجز الله شيء طلبه في الارض ولا في السماء هو كائن
انشاء الله — ایضا — نماز استغاثه بحضرت فاطمه است که بسند معتبر از حضرت صادق ع
نقل کرده که هر گاه ترا بسوی خدا حاجتی بوده باشد و سینه ات مضطرب شده باشد دو رکعت نماز بکن و
چون سلام گوئی سه مرتبه الله اکبر بگو پس تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس بسجده رو و صد
مرتبه بگو یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی پس جانب راست رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس جانب
چپ را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز بسجده برگرد و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن
که برآورده میشود انشاء الله تعالی — دیگر نماز هدیه رسولست که بسند معتبر از [illegible] حضرت منقول ا

منقولست که هر گاه ترا حاجتی بوده باشد پناه بسوی خدا ببر و دو رکعت نماز بکن و هدیه
کن و را بسوی حضرت رسول باین نحو که اول غسل کنی و دو رکعت نماز بکنی و در اول
نماز هفت تکبیر افتتاح با دعاها که در نمازهای پنجگانه میخوانی بخوانی و آنچه بگوئی که
در نماز واجب خود میخوانی بخوانی و چون سلام نماز بگوئی بگو اللهم انت السلام و
منك السلام واليك يرجع السلام اللهم صل على محمد وآل محمد وبلغ روح محمد مني
السلام وارواح الائمة الصادقين سلامي واردد عليّ منهم السلام والسلام عليكم
ورحمة الله وبركاته اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني الى رسول الله صلى الله
عليه وآله فاثبني عليهما ما أملت ورجوت فيك وفي رسولك يا ولي المؤمنين پس
بسجده رو و چهل مرتبه بگو یا حی یا قیوم یا حیا لا یموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال
والاکرام یا ارحم الراحمین پس جانب راست رو را بر زمین گذار و چهل مرتبه این دعا بخوان
پس جانب چپ بر زمین گذار و چهل مرتبه این دعا بخوان پس سر از سجده بردار و دستها را
بلند کن و چهل مرتبه این دعا بخوان پس دستها را بگردن خود بگذار و انگشت شهادت دست
چپ را بجانب پیش و پس حرکت بده و باز چهل مرتبه بگو پس ریش را بدست چپ خود بگیر و گریه
کن و اگر گریه نیاید خود را بگریه داری و بگو یا محمد یا رسول الله اشکو الی الله والیک حاجتی
واشکو الی اهل بیتک الراشدین حاجتی وبکم اتوجه الی الله في حاجتي پس بسجده رو
و بگو یا الله یا الله تا نفس منقطع شود صل على محمد وآل محمد پس حاجت خود را طلب کن پس
حضرت فرمود که من ضامنم بر خدا که از جای خود حرکت نکند مگر آنکه حاجتش روا شود

فصل نوزدهم در مناجات است و چون مناجات خمسه که منسوب بحضرت سید الساجدین
است نزد حقیر از جمیع مناجاتها بهتر بود بهمین اکتفا نموده — اول — مناجات سلطان التائبین — بسم الله الرحمن الرحیم
الهي البستني الخطايا ثوب مذلتي وجللني التباعد منك لباس مسكنتي وامات قلبي
عظيم جنايتي فاحيه بتوبة منك يا املي وبغيتي ويا سؤلي ومنيتي فوعزتك
وجلالك ما اجد لذنوبي سواك غافرا ولا ارى لكسري غيرك جابرا وقد خضعت
بالانابة اليك وعنوت بالاستكانة لديك فان طردتني من بابك فبمن الوذ
وان رددتني عن جنابك فبمن اعوذ فوا اسفاه من خجلتي وافتضاحي ووا لهفاه
من سوء عملي واجتراحي اسئلك يا غافر الذنب الكبير ويا جابر العظم الكسير ان تهب

لي موبقات الجرائر واستر علي فضحات السرائر ولا تخلني في مشهد القيامة من
برد عفوك وغفرك ولا تعرني من جميل صفحك وسترك الهي ظلل على ذنوبي
غمائم رحمتك وارسل على عيوبي سحائب رأفتك الهي هل يرجع العبد الآبق الا
الى مولاه ام هل يجيره من سخطه احد سواه الهي ان كان الندم على الذنب توبة
فاني وعزتك من النادمين وان كان الاستغفار من الخطيئة حطة فاني لك
من المستغفرين لك العتبى حتى ترضى الهي بقدرتك علي تب علي وبحلمك عني
اعف عني وبعلمك بي ارفق بي الهي انت الذي فتحت لعبادك بابا الى عفوك
سميته التوبة فقلت توبوا الى الله توبة نصوحا فما عذر من اغفل دخول الباب
بعد فتحه الهي ان كان قبح الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك الهي ما انا
باول من عصاك فتبت عليه وتعرض لمعروفك فجدت عليه يا مجيب المضطر يا
كاشف الضر يا عظيم البر يا عليما بما في السر يا جميل الستر استشفعت بجودك و
كرمك اليك وتوسلت بجنابك وترحمك فاستجب دعائي ولا تخيب فيك رجائي
وتقبل توبتي وكفر خطيئتي بمنك ورحمتك يا ارحم الراحمين يا ذا الجلال والاكرام
يا تواب يا وهاب

مناجات الشاكين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي اليك اشكو نفسا بالسوء امارة والى الخطيئة مبادرة وبمعاصيك مولعة و
لسخطك متعرضة تسلك بي مسالك المهالك وتجعلني عندك اهون هالك
كثيرة العلل طويلة الامل ان مسها الشر تجزع وان مسها الخير تمنع ميالة
الى اللعب واللهو مملوة بالغفلة والسهو تسرع بي الى الحوبة وتسوفني بالتوبة
الهي اليك اشكو عدوا يضلني وشيطانا يغويني قد ملأ بالوسواس صدري
واحاطت هواجسه بقلبي يعاضد لي الهوى ويزين لي حب الدنيا ويحول بيني وبين
الطاعة والزلفى الهي اليك اشكو قلبا قاسيا مع الوسواس متقلبا وبالرين
والطبع متلبسا وعينا عن البكاء من خوفك جامدة والى ما تسرها طامحة الهي
لا حول لي ولا قوة الا بقدرتك ولا نجاة لي من مكاره الدنيا الا بعصمتك فاسألك
ببلاغة حكمتك ونفاذ مشيتك ان لا تجعلني لغير جودك متعرضا ولا تصيرني للفتن
غرضا وكن لي على الاعداء ناصرا وعلى المخازي والعيوب ساترا ومن البلايا

البلايا واقيا وعن المعاصي عاصما برأفتك ورحمتك يا ارحم الراحمين

مناجات الخائفين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي اتراك بعد الايمان بك تعذبني
ام بعد حبي اياك تبعدني ام مع استجارتي بعفوك تسلمني ام مع رجائي لرحمتك
وصفحك تحرمني حاشا لوجهك الكريم ان تخيبني ليت شعري اللشقاء
ولدتني امي ام للعناء ربتني فليتها لم تلدني ولم تربني وليتني علمت امن اهل
السعادة جعلتني وبقربك وجوارك خصصتني فتقر بذلك عيني وتطمئن له نفسي
الهي هل تسود وجوها خرت ساجدة لعظمتك او تخرس السنة نطقت بالثناء
على مجدك وجلالتك او تطبع على قلوب انطوت على محبتك او تصم اسماعا
تلذذت بسماع ذكرك في ارادتك او تغل اكفا رفعتها الآمال اليك
رجاء رفدك او تعاقب ابدانا عملت بطاعتك حتى نحلت في مجاهدتك او
تعذب ارجلا سعت في عبادتك الهي لا تغلق على موحديك ابواب رحمتك
ولا تحجب مشتاقيك عن النظر الى جميل رؤيتك الهي نفس اعززتها بتوحيدك
كيف تذلها بمهانة هجرانك وضمير انعقد على مودتك كيف تحرقه بحرارة
نيرانك الهي اجرني من اليم غضبك وعظيم سخطك يا حنان يا منان يا
رحيم يا رحمن يا جبار يا قهار يا غفار يا ستار نجني برحمتك من عذاب النار
وفضيحة العار اذا امتاز الاخيار من الاشرار وحالت الاحوال وهالت
الاهوال وقرب المحسنون وبعد المسيئون ووفيت كل نفس ما كسبت وهم
لا يظلمون

مناجات الراجين

بسم الله الرحمن الرحيم

يا من اذا سأله
عبده اعطاه واذا امل ما عنده بلغه مناه واذا اقبل عليه قربه وادناه واذا
جاهره بالعصيان ستر عليه وغطاه واذا توكل عليه احسبه وكفاه الهي من
ذا الذي نزل بك ملتمسا قراك فما قريته ومن ذا الذي اناخ ببابك مرتجيا
نداك فما اوليته الهي احسن ان ارجع عن بابك بالخيبة مصروفا ولست اعرف
مولى سواك بالاحسان موصوفا الهي كيف ارجو غيرك والخير كله بيدك و
كيف اؤمل سواك والخلق والامر لك الهي ااقطع رجائي منك وقد اوليتني
ما لم اسأله من فضلك ام كيف تفقرني الى مثلي وانا اعتصم بحبلك يا من

سعد برحمته القاصدون ولم يشق بنقمته المستغفرون إلهي كيف أنساك ولم تزل
ذاكري وكيف ألهو عنك وأنت مراقبي إلهي بذيل كرمك أعلقت يدي و
لنيل عطاياك بسطت أملي فأخلصني بخالصة توحيدك واجعلني من صفوة عبيدك
يا من كل هارب إليه يلتجي وكل طالب إياه يرتجي يا خير مرجو ويا أكرم
مدعو ويا من لا يرد سائله ولا يخيب آمله يا من بابه مفتوح لداعيه وحجابه
مرفوع لراجيه أسألك بكرمك أن تمن علي من عطائك بما تقر به عيني
ومن رجائك بما تطمئن به نفسي ومن اليقين بما تهون به علي مصيبات الدنيا
وتجلو به عن بصيرتي غشوات العمى برحمتك يا أرحم الراحمين

للراغبين

بسم الله الرحمن الرحيم إلهي إن كان قل زادي في المسير إليك
فلقد حسن ظني بالتوكل عليك وإن كان جرمي قد أخافني من عقوبتك فإن
رجائي قد أشعرني بالأمن من نقمتك وإن كان ذنبي قد عرضني لعقابك فقد آذنني
حسن ثقتي بثوابك وإن كان أنامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتني
المعرفة بكرمك وآلائك وإن كان أوحش ما بيني وبينك فرط العصيان و
الطغيان فقد آنسني بشرى الغفران والرضوان أسألك بسبحات وجهك وبأنوار
قدسك وأبتهل إليك بعواطف رحمتك ولطائف برك أن تحقق ظني بما أؤمله
من جزيل إكرامك وجميل إنعامك في القربى منك والزلفى لديك والتمتع بالنظر
إليك وها أنا متعرض لنفحات روحك وعطفك ومنتجع غيث جودك ولطفك
فار من سخطك إلى رضاك هارب منك إليك راج أحسن ما لديك معول على
مواهبك مفتقر إلى رعايتك إلهي ما بدأت به من فضلك فتممه وما وهبت لي
من كرمك فلا تسلبه وما سترته علي بحلمك فلا تهتكه وما علمته من قبيح فعلي
فاغفره إلهي قد استشفعت بك إليك واستجرت بك منك أتيتك طامعا في إحسانك
راغبا في امتنانك مستسقيا وابل طولك مستمطرا غمام فضلك طالبا مرضاتك
مريدا وجهك طارقا بابك قاصدا جنابك واردا شريعة رفدك ملتمسا سني الخيرات
من عندك وافدا إلى حضرة جمالك مستكينا لعظمتك وجلالك فافعل بي ما أنت
أهله من المغفرة والرحمة ولا تفعل بي ما أنا أهله من العذاب والنقمة برحمتك

برحمتك يا أرحم الراحمين

مناجاة الشاكرين

بسم الله الرحمن الرحيم
إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك وأعجزني عن إحصاء ثنائك فيض
فضلك وشغلني عن ذكر محامدك ترادف عوائدك وأعياني عن نشر عوارفك توالي
أياديك وهذا مقام من اعترف بسبوغ النعماء وقابلها بالتقصير وشهد على نفسه
بالإهمال والتضييع وأنت الرؤوف الرحيم البر الكريم الذي لا يخيب [illegible] ولا
قاصديه ولا يطرد عن فنائه آمليه بساحتك تحط رحال الراجين وبعرصتك تقف
آمال المسترفدين فلا تقابل آمالنا بالتخييب والإياس ولا تلبسنا سربال القنوط
والإبلاس إلهي تصاغر عند تعاظم آلائك شكري وتضاءل في جنب إكرامك
إياي ثنائي ونشري جللتني نعمك من أنوار الإيمان حللا وضربت علي لطائف
برك من العز كللا وقلدتني مننك قلائد لا تحل وطوقتني أطواقا لا تفل فآلاؤك
جمة ضعف لساني عن إحصائها ونعماؤك كثيرة قصر فهمي عن إدراكها فضلا
عن استقصائها فكيف لي بتحصيل الشكر وشكري إياك يفتقر إلى شكر فكلما
قلت لك الحمد وجب علي لذلك أن أقول لك الحمد إلهي فكما غذيتنا بلطفك و
ربيتنا بصنعك فتمم علينا سوابغ النعم وادفع عنا مكاره النقم وآتنا من حظوظ
الدارين أرفعها وأجلها عاجلا وآجلا ولك الحمد على حسن بلائك وسبوغ نعمائك
حمدا يوافق رضاك ويمتري العظيم من برك ونداك يا عظيم يا شكور برحمتك
يا أرحم الراحمين

مناجاة المطيعين

بسم الله الرحمن الرحيم إلهي ألهمنا
طاعتك وجنبنا معصيتك ويسر لنا بلوغ ما نتمنى من ابتغاء رضوانك وأحللنا
بحبوحة جنانك واقشع عن بصائرنا سحاب الارتياب واكشف عن قلوبنا أغشية المرية
والحجاب وأزهق الباطل عن ضمائرنا وأثبت الحق في سرائرنا فإن الشكوك والظنون
لواقح الفتن ومكدرة لصفو المنائح والمنن اللهم احملنا في سفن نجاتك ومتعنا
بلذيذ مناجاتك وأوردنا حياض حبك وأذقنا حلاوة ودك وقربك واجعل
شغلنا فيك وهمنا في طاعتك وأخلص نياتنا في معاملتك فإنا بك ولك ولا
وسيلة لنا إليك إلا بك اللهم اجعلنا من المصطفين الأخيار وألحقنا
الأبرار السابقين إلى المكرمات المسارعين إلى الخيرات العاملين للباقيات

الصالحات السابقين الى رفيع الدرجات انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير
برحمتك يا ارحم الراحمين

مناجاة المريدين

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحانك ما اضيق الطرق على من لم تكن دليله وما اوضح الحق عند من هديته
سبيله الهي فاسلك بنا سبل الوصول اليك وسيرنا في اقرب الطرق للوفود عليك
وقرب علينا البعيد وسهل علينا العسير الشديد والحقنا بعبادك الذين هم بالبدار
اليك يسارعون وبابك على الدوام يطرقون واياك في الليل يعبدون وهم
من هيبتك مشفقون الذين صفيت لهم المشارب وبلغتهم الرغائب وانجحت
لهم المطالب وقضيت لهم من فضلك المآرب وملات لهم ضمائرهم من حبك
ورويتهم من صافي شربك فبك الى لذيذ مناجاتك وصلوا ومنك اقصى
مقاصدهم حصلوا فيا من هو على المقبلين عليه مقبل وبالعطف عليهم عائد
متفضل وبالغافلين عن ذكره رحيم رؤوف وبجذبهم الى بابه ودود عطوف اسالك
ان تجعلني من اوفرهم منك حظا واعلاهم عندك منزلا واجزلهم من ودك قسما
وافضلهم في معرفتك نصيبا فقد انقطعت اليك همتي وانصرفت نحوك رغبتي
فانت لا غيرك مرادي ولك لا لسواك سهري وسهادي ولقاؤك قرة عيني ووصلك
منى نفسي واليك شوقي وفي محبتك ولهي والى هواك صبابتي ورضاك بغيتي و
رؤيتك حاجتي وجوارك طلبتي وقربك غاية سؤلي وفي مناجاتك روحي وراحتي
وعندك دواء علتي وشفاء غلتي وبرد لوعتي وكشف كربتي فكن انيسي في
وحشتي ومقيل عثرتي وغافر زلتي وقابل توبتي ومجيب دعوتي وولي عصمتي و
مغني فاقتي ولا تقطعني عنك ولا تبعدني منك يا نعيمي وجنتي ويا دنياي و
آخرتي برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير

مناجاة المحبين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي من ذا الذي ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلا ومن ذا الذي انس بقربك فابتغى
عنك حولا الهي فاجعلنا ممن اصطفيته لقربك وولايتك واخلصته لودك ومحبتك
وشوقته الى لقائك ورضيته بقضائك ومنحته بالنظر الى وجهك وحبوته برضاك
واعذته من هجرك وقلاك وبوأته مقعد الصدق في جوارك وخصصته

بمعرفتك واهلته لعبادتك وهيمت قلبه لارادتك واجتبيته لمشاهدتك و
اخليت وجهه لك وفرغت فؤاده لحبك ورغبته فيما عندك والهمته ذكرك و
اوزعته شكرك وشغلته بطاعتك وصيرته من صالحي بريتك واخترته لمناجاتك
وقطعت عنه كل شيء يقطعه عنك اللهم اجعلنا ممن دابهم الارتياح اليك والحنين
ودهرهم الزفرة والانين جباههم ساجدة لعظمتك وعيونهم ساهرة في
خدمتك ودموعهم سائلة من خشيتك وقلوبهم متعلقة بمحبتك وافئدتهم منخلعة
من مهابتك يا من انوار قدسه لابصار محبيه رائقة وسبحات نور وجهه لقلوب
عارفيه شائقة يا منى قلوب المشتاقين ويا غاية آمال المحبين اسالك حبك و
حب من يحبك وحب كل عمل يوصلني الى قربك وان تجعلك احب الي مما سواك وان
تجعل حبي اياك قائدا الى رضوانك وشوقي اليك ذائدا عن عصيانك وامنن بالنظر
اليك علي وانظر بعين الود والعطف الي ولا تصرف عني وجهك واجعلني من اهل
الاسعاد والحظوة عندك يا مجيب يا ذا الجلال والاكرام برحمتك يا ارحم الراحمين انك
على كل شيء قدير

مناجاة المتوسلين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي ليس لي وسيلة اليك الا عواطف رافتك ولا لي ذريعة اليك الا عوارف
رحمتك وشفاعة نبيك نبي الرحمة ومنقذ الامة من الغمة فاجعلهما لي سببا الى
نيل غفرانك وصيرهما لي وصلة الى الفوز برضوانك وقد حل رجائي بحرم كرمك
وحط طمعي بفناء جودك فحقق فيك املي واختم بالخير عملي واجعلني من صفوتك الذين
احللتهم بحبوحة جنتك وبواتهم دار كرامتك واقررت اعينهم بالنظر اليك يوم
لقائك واورثتهم منازل الصدق في جوارك يا من لا يفد الوافدون على اكرم منه
ولا يجد القاصدون ارحم منه يا خير من خلا به وحيد يا اعطف من اوى اليه طريد
الى سعة عفوك مددت يدي وبذيل كرمك اعلقت كفي فلا تولني الحرمان ولا
تبتلني بالخيبة والخسران يا سميع الدعاء يا ارحم يا منان برحمتك يا ارحم الراحمين

مناجاة المفتقرين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي كسري لا يجبره
الا لطفك وحنانك وفقري لا يغنيه الا عطفك واحسانك وروعتي لا يسكنها
الا امانك وذلتي لا يعزها الا سلطانك وامنيتي لا يبلغنيها الا فضلك وخلتي

لا يسدها إلا طولك وحاجتي إليك لا يقضيها غيرك وكربي لا يفرجه سوى رحمتك
وضري لا يكشفه غير رأفتك وغلتي لا يبردها إلا وصلك ولوعتي لا يطفيها إلا لقاؤك وشوقي إليك لا يبله إلا النظر إلى وجهك وقراري
لا يقر دون دنوي منك ولهفتي لا يردها إلا روحك وسقمي لا يشفيه إلا طبك و
غمي لا يزيله إلا قربك وجرحي لا يبرئه إلا صفحك ورين قلبي لا يجلوه إلا عفوك ووسواس
صدري لا يزيحه إلا أمرك فيا منتهى أمل الآملين ويا غاية سؤل السائلين ويا أقصى
طلبة الطالبين ويا أعلى رغبة الراغبين ويا ولي الصالحين ويا أمان الخائفين
ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ذخر المعدمين ويا كنز البائسين ويا غياث المستغيثين
ويا قاضي حوائج الفقراء والمساكين ويا أكرم الأكرمين ويا أرحم الراحمين لك تخضعي
وسؤالي وإليك تضرعي وابتهالي أسألك أن تنيلني من روح رضوانك وتديم علي نعم
امتنانك وها أنا ذا بباب كرمك واقف ولنفحات برك متعرض وبحبلك الشديد
معتصم وبعروتك الوثقى متمسك إلهي ارحم عبدك الذليل ذا اللسان الكليل والعمل
القليل وامنن عليه بطولك الجزيل واكنفه تحت ظلك الظليل يا كريم يا جميل

مناجاة العارفين

يا جليل برحمتك يا أرحم الراحمين - بسم الله الرحمن الرحيم
إلهي قصرت الألسن عن بلوغ ثنائك كما يليق بجلالك وعجزت العقول عن إدراك
كنه جمالك وانحسرت الأبصار دون النظر إلى سبحات وجهك ولم تجعل للخلق
طريقا إلى معرفتك إلا بالعجز عن معرفتك إلهي فاجعلنا من الذين ترسخت أشجار الشوق
إليك في حدائق صدورهم وأخذت لوعة محبتك بمجامع قلوبهم فهم إلى أوكار
الأفكار يأوون وفي رياض القرب والمكاشفة يرتعون ومن حياض المحبة بكأس
الملاطفة يكرعون ومن شرائع المصافاة يردون قد كشف الغطاء عن أبصارهم
وانجلت ظلمة الريب عن عقائدهم في ضمائرهم وانتفت مخالجة الشك عن قلوبهم
وسرائرهم وانشرحت بتحقيق المعرفة صدورهم وعلت بسبق السعادة في الزهادة
هممهم وعذب في معين المعاملة شربهم وطاب في مجلس الأنس سرهم وأمن في
مواطن المخافة سربهم واطمأنت بالرجوع إلى رب الأرباب أنفسهم وتيقنت بالفوز
والفلاح أرواحهم وقرت بالنظر إلى محبوبهم أبصارهم واستقرت بإدراك

بإدراك السؤل ونيل المأمول قرارهم وربحت في بيع الدنيا بالآخرة تجارتهم إلهي ما ألذ
خواطر الإلهام بذكرك على القلوب وما أحلى المسير إليك بالأوهام في مسالك
الغيوب وما أطيب طعم حبك وما أعذب شرب قربك فأعذنا من طردك وإبعادك
واجعلنا من أخص عارفيك وأصلح عبادك وأصدق طائعيك وأخلص عبادك يا
عظيم يا جليل يا كريم يا منيل برحمتك ومنك يا أرحم الراحمين

مناجاة الذاكرين

بسم الله الرحمن الرحيم إلهي لولا الواجب من قبول أمرك لنزهتك
عن ذكري إياك على أن ذكري لك بقدري لا بقدرك وما عسى أن يبلغ
مقداري حتى أجعل محلا لتقديسك ومن أعظم النعم علينا جريان ذكرك على
ألسنتنا وإذنك لنا بدعائك وتنزيهك وتسبيحك إلهي فألهمنا ذكرك في الملاء و
الخلاء والليل والنهار والإعلان والإسرار وفي السراء والضراء وآنسنا
بالذكر الخفي واستعملنا بالعمل الزكي والسعي المرضي وجازنا بالميزان الوفي
إلهي بك هامت القلوب الوالهة وعلى معرفتك جمعت العقول المتباينة
فلا تطمئن القلوب إلا بذكرك ولا تسكن النفوس إلا عند رؤياك أنت المسبح
في كل مكان والمعبود في كل زمان والموجود في كل أوان والمدعو بكل
لسان والمعظم في كل جنان وأستغفرك من كل لذة بغير ذكرك ومن كل
راحة بغير أنسك ومن كل سرور بغير قربك ومن كل شغل بغير طاعتك إلهي أنت
قلت وقولك الحق يا أيها الذين آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا وسبحوه بكرة و
أصيلا وقلت وقولك الحق فاذكروني أذكركم فأمرتنا بذكرك ووعدتنا عليه أن
تذكرنا تشريفا لنا وإكراما وتفخيما وإعظاما وها نحن ذاكروك كما أمرتنا

مناجاة المعتصمين

فأنجز لنا ما وعدتنا يا ذاكر الذاكرين ويا أرحم الراحمين -
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا ملاذ اللائذين ويا معاذ العائذين ويا منجي الهالكين
ويا عاصم البائسين ويا راحم المساكين ويا مجيب المضطرين ويا كنز
المفتقرين ويا جابر المنكسرين ويا مأوى المنقطعين ويا ناصر المستضعفين
ويا مجير الخائفين ويا مغيث المكروبين ويا حصن اللاجئين إن لم أعذ بعزتك
فبمن أعوذ وإن لم ألذ بقدرتك فبمن ألوذ وقد ألجأتني الذنوب إلى التشبث

باذلال عفوك ولو حجبتني الخطايا الى استفتاح ابواب صفحك ودعتني الاساءة
الى الاناخة بفناء عزك وحملتني المخافة من نقمتك على التمسك بعروة عطفك
وما حق من اعتصم بحبلك ان يخذل ولا يليق بمن استجار بعزك ان يسلم او
يهمل الهي فلا تخلنا من حمايتك ولا تعرنا من رعايتك وذدنا عن موارد
الهلكة فانا بعينك وفي كنفك ولك اسئلك باهل خاصتك من ملائكتك
والصالحين من بريتك ان تجعل علينا واقية تنجينا من الهلكات وتجنبنا من
الآفات وتكننا من دواهي المصيبات وان تنزل علينا من سكينتك وان تغشي
وجوهنا بانوار محبتك وان تؤوينا الى شديد ركنك وان تحوينا في اكناف
عصمتك برأفتك ورحمتك يا رؤف يا رحيم يا ارحم الراحمين

مناجاة الزاهدين

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي اسكنتنا دارا حفرت لنا حفر مكرها وعلقتنا بايدي المنايا في حبائل غدرها
فاليك نلتجئ من مكائد خدعها وبك نعتصم من الاغترار بزخارف زينتها
فانها المهلكة طلابها المتلفة حلالها المحشوة بالآفات المشحونة بالنكبات
الهي فزهدنا فيها وسلمنا منها بتوفيقك وعصمتك وانزع عنا جلابيب مخالفتك
وتول امورنا بحسن كفايتك واوفر مزيدنا من سعة رحمتك واجمل صلاتنا
من فيض مواهبك واغرس في افئدتنا اشجار محبتك واتمم لنا انوار معرفتك
واذقنا حلاوة عفوك ولذة مغفرتك واقرر اعيننا يوم لقائك برؤيتك واخرج
حب الدنيا من قلوبنا كما فعلت بالصالحين من صفوتك والابرار من خاصتك
برحمتك يا ارحم الراحمين

فصل نهم — در اعمال و ادعیه چند که خصوصیتی باوقات
شبانه روز و هفته و ماه و سال ندارد مشتمل بر یازده فصل است عمل اول در اعمالی که
از برای بر آمدن حاجات باید بجا آورد — اول نمازی چند بود که بعضی در اعمال هفته
و بعضی در ضمن نمازهای متفرقه مستحبه مذکور شد و از انجمله گفتن یا رب است پیش از شروع
در طلب حاجت ده بار چنانچه در کافی بسند کلینی از امام جعفر صادق ع روایت کرده که هر که پیش از
شروع در طلب حاجت خود ده بار یا رب یا رب بگوید گفته میشود باو از جانب ملک که لبیک
بقضای حاجات که لبیک حاجت تو چیست و همچنین است گفتن یا ربی یا الله یا ربی

یا الله ... که نفس منقطع شود و همچنین است گفتن یا الله یا الله ده بار دیگر منقول است
از ابی عبدالله ع که چون پدرم را حاجتی بودی سجده کردی بی قرائت و رکوع پس گفتی هفت بار
یا ارحم الراحمین و حاجت خواستی و هیچ مؤمنی نیست که اینرا بگوید مگر اینکه خدای تعالی گوید
منم ارحم الراحمین حاجتی بخواه که برآورم دیگر روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در باطن جناح جبرئیل ع آیه چند را دید و تعلیم کرد امیر المؤمنین ع و فرمود که ای
علی ای برادر هاشمی بخوان پروردگار خود را باین کلمات که بحق آنکس که نفس محمد در قبضه
قدرت اوست که نخواند این کلمات را هیچ مؤمنی باخلاص مگر اینکه متحرک گردد
عرش پروردگار و هفت طبقه آسمان و زمین و حق تعالی ملائکه را گوید گواه باشید
که اجابت کردم دعای این بنده را و برآوردم حاجت او را در دنیا و هم در آخرت و
دعا اینست اللهم انی ادعوک باسمک الواحد الاحد وادعوک باسمک الاحد
الصمد وادعوک باسمک الکبیر الوتر وادعوک باسمک الکبیر المتعال الذی
ملأ الارکان کلها ان تکشف عنی ما اصبحت وامسیت فیه دیگر خواندن دعای
صحیفه کامله است اللهم یا منتهی مطلب الحاجات تا آخر که در صحیفه مذکور است
و دیگر خواندن دعائیست که در مصباح کفعمی از امام زین العابدین ع روایت شده
و آن اینست یا من جاز کل شیء ملکوتا وقهر کل شیء جبروتا الخ فلبی فرح الاقبال
علیک والحقنی بمیدان الصالحین المطیعین لک یا من قصده الطالبون فوجدوه
متفضلا ولجأ الیه العائذون فوجدوه نوالا وامه الخائفون فوجدوه قریبا
صل علی محمد وآل محمد واعطنی کذا وکذا عمل دوم در اعمال طلب رزق از انجمله
بعضی از آن در اعمال هفته مذکور شد و از انجمله بعضی روایت شده از برای
ادای قرض و مدد جستن بر نفقه عیال اینست که وضو بسازی و کامل کنی وضو را
با اشتمال بر مستحبات آن و بعد از آن دو رکعت نماز کامل کنی رکوع و سجود را
با اشتمال بر مستحبات آن و بعد از آن بگوئی یا ماجد یا واحد یا کریم اتوجه الیک بمحمد
نبیک نبی الرحمة صلی الله علیه وآله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله
ربک وربی ورب کل شیء ان تصلی علی محمد واهل بیته واسئلک نفحة کریمة
من نفحاتک وفتحا یسیرا ورزقا واسعا الم به شعثی واقضی به دینی واستعین به علی عیالی

دیگر نمازیست که در عمل روز پنجشنبه مذکور شد از برای طلب حاجت دیگر
ادعیه چند است که در کافی شیخ کلینی مذکور است از انجمله آنچه از بعضی ع روایت شده
وان اینست یا رازق المقلین و یا راحم المساکین یا ولی المؤمنین و یا ذا القوة المتین
صل علی محمد و اهل بیته وارزقنی وعافنی واکفنی ما اهمنی ایضا آنچه از ایشان
حضرت روایت شده از برای دفع بیماری و فقر وان اینست لا حول ولا قوة الا بالله
توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیرا دیگر آنچه از امام محمد باقر ع روایت شده که دعا نمای بعد از فریضه
بر حال سجود و باید گفت یا خیر المسؤولین یا خیر المعطین ارزقنی وارزق عیالی من فضلک
فانک ذو الفضل العظیم ایضا آنچه از امام جعفر صادق ع روایت شده وان اینست اللهم
ارزقنی من فضلک الواسع الحلال الطیب رزقا واسعا حلالا طیبا بلاغا للدنیا والآخرة
صبا صبا هنیئا مریئا من غیر کد ولا من من احد من خلقک الا سعة من فضلک
الواسع فانک قلت واسئلوا الله من فضله فمن فضلک اسئل ومن عطیتک اسئل
ومن یدک الملاء اسئل دیگر آنچه از همان حضرت روایت شده وان اینست
اللهم انک تکفلت برزقی ورزق کل دابة یا خیر مدعو ویا خیر من اعطی ویا خیر
من سئل ویا افضل مرتجی افعل بی کذا وکذا و هر مطلبی که داشته باشی بطلب
ایضا از همان حضرت روایت شده که در نماز شب بر حال سجود باید گفت یا خیر مدعو
ویا خیر مسؤول ویا اوسع من اعطی ویا خیر مرتجی ارزقنی واوسع علی من رزقک
وسبب لی رزقا من قبلک انک علی کل شیء قدیر دیگر آنچه ایضا از آن حضرت روایت
شده وان اینست اللهم اوسع علی فی رزقی وامدد لی فی عمری واجعلنی ممن تنتصر
به لدینک ولا تستبدل بی غیری ایضا آنچه از امام موسی کاظم ع روایت شده وان
اینست یا الله یا الله یا الله اسئلک بحق من حقه علیک عظیم ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان ترزقنی العمل بما علمتنی من معرفة حقک وان تبسط علی ما حظرت من رزقک
ایضا دعائیست که حضرت امام زین العابدین ع در تنگی معیشت میخوانده منقول از صحیفه
کامله اللهم انک ابتلیتنا فی ارزاقنا بسوء الظن وفی آجالنا بطول الامل حتی
التمسنا ارزاقک من عند المرزوقین وطمعنا بآمالنا فی اعمار المعمرین فصل علی محمد وآله

محمد وآله وهب لنا یقینا صادقا تکفینا به من مؤونة الطلب والهمنا ثقة خالصة تعفینا
بها من شدة النصب واجعل ما صرحت به من عدتک فی وحیک واتبعته من
قسمک فی کتابک قاطعا لاهتمامنا بالرزق الذی تکفلت به وحسما للاشتغال
بما ضمنت الکفایة له فقلت وقولک الحق الاصدق واقسمت وقسمک الابر
الاوفی وفی السماء رزقکم وما توعدون ثم قلت فورب السماء والارض انه لحق مثل
ما انکم تنطقون دیگر آنچه ابن ابی الدنیا گفته که در هر شب باید گفت لا اله
الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله کثیرا اللهم انی اسئلک من فضلک حیث
فانه لا یملکها احد غیرک دیگر آنچه ابن ساعی گفته که مواظبت بر آن باید کرد وان اینست
اللهم یا سبب من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب من غیر سبب
صل علی محمد وآل محمد واغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک یا حی یا قیوم
فصل دیگر دعا و اعمال از برای قرض از انجمله در مصباح کفعمی از حضرت پیغمبر ص روایت کرده
که هر که بدو رکعت نماز بهر روش که خواهد بگذارد و چون فارغ شود بگوید قل اللهم مالک
الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج
الحی من المیت وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب یا رحمن الدنیا
والآخرة ورحیمهما تعطی منهما من تشاء صل علی محمد وآله واقض عنی دینی حق تعالی دین
او را ادا کند هرچند بقدر پری تمام زمین از طلا باشد ایضا ادعیه ایست که در کافی از
ائمه روایت کرده مثل آنچه از امام موسی کاظم ع روایت شده وان اینست اللهم اردد الی
جمیع خلقک مظالمهم التی قبلی صغیرها وکبیرها فی یسر منک وعافیة وما لم تبلغه قوتی
ولم تسعه ذات یدی ولم یقو علیه بدنی ویقینی ونفسی فاده عنی من جزیل ما عندک من
فضلک ثم لا تخلف علی منه شیئا تقضیه من حسناتی یا ارحم الراحمین اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان الدین کما شرع وان
الاسلام کما وصف وان الکتاب کما انزل وان القول کما حدث وان الله هو الحق المبین
ذکر الله محمدا واهل بیته بخیر وحیی محمدا واهل بیته بالسلام ایضا این دعا که از آن
حضرت نیز از برای قضای دین وارد است بخواند اللهم یا فارج الهم ویا کاشف الغم ویا

المضطر یا رحمن الدنیا والآخرة انت ترحمنا فارحمنا برحمة تغنینا بها عن رحمة من سواک
اللهم اقض عنی الدین واغننی من الفقر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ولقد صرفنا للناس فی هذا القرآن لیذکروا وما یزیدهم الا نفورا دیگر در دعای حضرت
امام زین العابدین است که از برای معونت برای قرض میخوانده و آن اینست که در صحیفه کامله
مذکور است اللهم صل علی محمد وآل محمد وهب لی العافیة تا آخر دیگر در مصباح
کفعمی از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده که هر پیغمبری در میان اهل بیت خود
دعای مستجاب گذاشته و پیغمبر ما در میان ما دو دعای مستجاب گذاشته یکی
از برای شدائد و آن اینست یا دائما لم یزل یا الهی واله آبائی یا حی یا قیوم صل علی
محمد وآله وافعل بنا کذا وکذا و یکی از برای حاجات ما و ادای قرض ما و آن این است
یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء یا الله یا رب صل علی محمد وآله واقض
عنی الدین وافعل بی کذا وکذا ایضا آنحضرت علیه السلام بصاحب قرض تعلیم نموده که
تا قرض را الله تعالی ادا کند هرچند بقدر پری روی زمین از طلا باشد و آن این است
اللهم یا فارج الهم ومنفس الغم ومذهب الاحزان ومجیب دعوة المضطرین یا رحمن
الدنیا والآخرة ورحیمهما انت رحمانی ورحمن کل شیء فارحمنی رحمة تغنینی بها عن
رحمة من سواک وتقضی بها عنی الدین فصل در ادعیه و اعمالی که باعث ایمنی از سلاطین
جابر است از آن جمله نمازیست که بعضی از آن در ضمن نمازهای مستحبه مذکور شد
و بعضی را اینجا ذکر میشود و از آن جمله در کافی از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده که
در وقت داخل شدن بر حاکمی که از او بترسی بگو بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد
صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم ذلل لی صعوبته وسهل لی حزونته فانک تمحو
ما تشاء وتثبت وعندک ام الکتاب و باید بگوید حسبی الله لا اله الا هو علیه
توکلت وهو رب العرش العظیم وامتنع بحول الله وقوته من حولهم وقوتهم واستعیذ
برب الفلق من شر ما خلق ولا حول ولا قوة الا بالله دیگر از همان حضرت مرویست
که در وقت داخل شدن بر منصور دوانقی خواند اللهم انک تکفی من کل شیء ولا یکفی
منک شیء فاکفنی بما شئت وکیف شئت ومن حیث شئت وانی شئت دیگر از امام
محمد باقر یا از امام محمد تقی علیهما السلام مرویست که بکسی تعلیم فرموده که در وقت خوف

فصل چهارم

خوف از سلطان بگوید یا کائنا قبل کل شیء ویا مکون کل شیء ویا باقیا بعد کل شیء
صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا دیگر در مصباح کفعمی از حضرت پیغمبر
روایت کرده که بسعد بن ساعده تعلیم نمودند که در وقت دخول بر نجاشی بخواند اللهم
انت اعلی منه شأنا واقوی سلطانا ورجائی لک اکثر من خوفی منه واملی فیک
اکثر من رجائی فاکفنی امره وقنی شره واجعل بینی وبینه حجابا من کفایتک وحجابا
من کلائتک لا یؤذی بی سوءة ولا یطمع فی حلوا انک سمیع مجیب ایضا از حضرت
امام موسی کاظم مرویست که چون داخل شوی بر حاکمی که از او بترسی در وقتی که
نظرت بر او افتد بگو یا من لا ینام ولا یرام وبه تواصلت الارحام صل علی محمد وآله
واکفنی شره بحولک ایضا در کتاب دفع الهموم آورده که چون از حاکمی بترسی در روی
او بخوان این آیه را که حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
دیگر از همان کتاب نقل شده که چون از حاکمی بترسی بگو در روی او اطفات غضبک
یا فلان بلا اله الا الله دیگر از همان کتاب نقل شده که در روی حاکم بگوید وینجی الله
الذین اتقوا بمفازتهم لا یمسهم السوء ولا هم یحزنون دیگر از امام جعفر صادق روایت
شده که چون داخل شوی بر حاکمی که از او بترسی در وقتی که با او روبرو شوی بگو کهیعص
و انگشتان دست راست را گره کن از برای هر حرفی انگشتی بعد از آن بگو حم عسق و انگشتان
دست چپ را گره کن از برای هر حرفی انگشتی بعد از آن بگو وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب
من حمل ظلما و بعد از آن هر دو دست را بر روی او بگشا دیگر دعائیست که در مهج الدعوات
مذکور است یا من تحل به عقد المکاره که در صحیفه کامله مذکور است فصل در اعمالی
که باعث خلاصی از زندان میشود از آن جمله نمازیست که در متهجد شیخ طوسی از امام موسی
کاظم روایت شده که در وقتی که آن حضرت در حبس بود پیغمبر را در خواب دیده که با و
تعلیم نموده که فردا روزه بگیرد و دو روز بعد از آن که پنجشنبه و جمعه بوده نیز روزه بگیرد
در میانه نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله
احد دوازده بار و چون از چهار رکعت اول از جمله دوازده رکعت فارغ شود سجده کند و در
سجده بگوید اللهم یا سابق الفوت ویا سامع الصوت ویا محیی العظام بعد الموت
وهی رمیم باسمک العظیم الاعظم ان تصلی علی محمد عبدک ورسولک وعلی اهل

فصل پنجم

بحق الطیبین الطاهرین و تجعل لی الفرج مما انا فیه و حضرت امام موسی ع این
عمل را بجا آورده نجات یافته و در مهج الدعوات ابن طاوس این قصه نقل شده و تمام
و روزه در آن نیست و بجای آن دعا این است یا سابغ النعم یا دافع النقم یا بارئ النسم
یا مجلی الهمم یا مغشی الظلم یا کاشف الضر و الالم یا ذا الجود و الکرم یا سامع
کل صوت و یا مدرک کل فوت و یا محیی العظام و هی رمیم و منشئها بعد الموت
صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا یا ذا الجلال و الاکرام
[ایضا] از حضرت جواد ع مرویست که امر فرمود بمداومت نمودن محبوسی این کلمات را
یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی راوی میگوید نگذشت بر او قلیلی
از ایام مگر آنکه از حبس نجات یافت [دیگر] و در آن کتاب است که حضرت صاحب الزمان ع
محبوسی را این دعا تعلیم نموده و او بسبب خواندن آن نجات یافت و آن این است الهی عظم
البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء و انقطع الرجاء و ضاقت الارض و منعت السماء
و انت المستعان و الیک المشتکی و علیک المعول فی الشدة و الرخاء اللهم صل علی
محمد و آل محمد اولی الامر الذین فرضت علینا طاعتهم و عرفتنا بذلک منزلتهم ففرج
عنا بحقهم فرجا عاجلا قریبا کلمح البصر او هو اقرب یا محمد یا علی یا علی یا محمد یا محمد
یا علی یا علی یا محمد یا محمد یا علی اکفیانی فانکما کافیای و انصرانی فانکما ناصرای
یا مولای یا صاحب الزمان الامان الامان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی
ادرکنی الساعة الساعة الساعة العجل العجل العجل یا ارحم الراحمین بحق محمد و آله الطاهرین
[دیگر] در مصباح کفعمی چنین است که محبوس چون این کلمات را هر روز هفتاد بار
بخواند الله تعالی او را نجات دهد و کلمات این است یا من کفانی من خلقه جمیعا و لم یکفنی
من خلقه احد سواه یا احد من لا احد له انقطع الرجاء الا منک یا الله فاغثنی
یا غیاث المستغیثین [دیگر] در مصباح کفعمی چنین است که چون سوره طور را کسی بسیار بخواند
از زندان خلاصی یابد و هم چنین سوره انفطار را هر که مکرر بخواند از زندان خلاص یابد و هم چنین
سوره انا انزلناه را [فصل] در آداب نفرین کردن بر دشمن دین و دنیا از جمله نمازیست چند
که در مصباح کفعمی از ائمه ع نقل شده از آن جمله از حضرت علی ع روایت شده که هر که را ظالمی
ظلم کند و دست از او بر ندارد باید که غسل کند و وضو بسازد و دو رکعت نماز کند و چون

و چون فارغ شود بگوید اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی و اعتدی علی و نصب لی و امضنی و
آذانی و اخافنی اللهم فکله الی نفسه و هد رکنه و عجل جائحته و اسلبه نعمتک
عنده و اقطع رزقه و ابتر عمره و امح اثره و سلط علیه عدوه و خذه فی مأمنه کما ظلمنی
و اعتدی علی و نصب لی و امضنی و اذلنی و اخافنی اللهم انی استعدیک علی
فلان بن فلان فاغلبنی فانک اشد بأسا و اشد تنکیلا حذر کردن این عمل باعث این است که
آن ظالم دیگر باره مهلت داده شود و باید که این عمل را که مذکور شد بار دعا ادا [ایضا]
آنچه از امام رضا ع روایت شده که هر که بر او ظلمی واقع شود باید که وضو بسازد و دو رکعت
نماز کند با تطویل در رکوع و سجود و چون سلام دهد هزار بار بگوید اللهم انی مغلوب فانتصر
چه باعث این است که الله تعالی بزودی یاری او کند [دیگر] آنچه از امام جعفر صادق ع روایت
شده و آن این است که دو رکعت نماز کند با تطویل در رکوع و سجود و چون سلام دهد روی خود را
بر خاک نهد و بگوید یا رباه این قدر که نفس منقطع شود و بعد از آن بگوید یا من اهلک عادا الاولی
و ثمود فما ابقی و قوم نوح من قبل انهم کانوا هم اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی
ان فلان بن فلان ظلمنی بما ارتکبنی به فاجعل علی منک وعدا و لا تجعل له فی حیلک نصیبا
یا اقرب الاقربین آنچه از حضرت امام موسی کاظم ع روایت شده که باید گفت اللهم ارمه
ببلیة لا اخت لها و ابح حریمه [دیگر] آنچه امام جعفر صادق ع یونس بن عمار را تعلیم نموده که نفرین
کند با نام شخصی بعد از آنکه از آن حضرت شکوه کرده بود که مرا همسایه ایست از مخالفان
که مشهور کرده در میان مردم حال مرا و نام مرا هر وقت که باو میگذرم [illegible] مردم را بسوی
جعفر بن محمد می برد پس آن حضرت باو گفته که نفرین کن او را باین روش که در سجده دویم رکعت دوم
از نماز شب حمد الله تعالی و تعظیم او کن و این دعا بخوان اللهم ان فلان بن فلان قد شهرنی
و نوه بی و غاضنی و عرضنی للمکاره اللهم اضربه بسهم عاجل تشغله به عنی اللهم و
قرب اجله و اقطع اثره و عجل ذلک یا رب الساعة الساعة یونس گوید این کار کردم و چون
بکوفه آمدم از یاران خود احوال آن همسایه پرسیدم گفتند بیمار است و هنوز سخن من در میان بود
که یکبار از خانه اش فریاد برآمد و گفتند که او فوت شد [دیگر] آنچه امام جعفر صادق علیه السلام
بعلاء بن کامل تعلیم کرده و آن این است اللهم انک تکفی من کل شیء و لا یکفی منک شیء
فاکفنی امر فلان بم شئت و کیف شئت و من حیث شئت و انی شئت [دیگر] ادعیه ایست

که در صحیفهٔ کامله ذکر شده از آنجمله دعائیست که حضرت امام زین العابدین از برای دفع
کید اعدا فرموده اند الهی هدیتنی فلهوت و ایضا آنحضرت از برای دفع ظلم ظالمان
میخواندند و آن اینست یا من لا یخفی علیه انباء المتظلمین الی آخر ایضا از امام موسی کاظم ع
روایت شده و آن اینست یا عدتی عند شدتی و یا غوثی عند کربتی واحرسنی بعینک
التی لا تنام واکفنی برکنک الذی لا یرام یا ذا القوة القویة و یا ذا المحال الشدید
یا ذا العزة التی کل خلقک لها ذلیل صل علی محمد و آل محمد واکفنی ظالمی وانتقم لی
منه ایضا اینجا از بعضی روایت شده و آن اینست که در اول ماه نظر بهلال باید کرد
و دست بجانب خانهٔ کسی که اراده نفرین او دارد دراز باید کرد و سه بار باید گفت ایود
احدکم ان تکون له جنة من نخیل واعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من کل
الثمرات واصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت و بعد
از آن باید گفت اللهم طمه بالبلاء طما وقمه بالبلاء قما وارمه بحجارة من سجیل وطیر
ابابیل یا علی یا عظیم سه بار و در هر بار ایما بجانب نکس باید کرد و اگر مطلب حاصل
نشود در ماه دوم نیز بجا باید آورد و اگر مطلب حاصل نشود در ماه سیم نیز بجا باید آورد دیگر
خواندن سورة الفیل است در هر رکعت اول از دو رکعت نماز صبح ایضا گفتن بجاه بار یا شعطیثا
در میانه نماز شام و خفتن ایضا اینجا از امام جعفر صادق ع روایت شده و آن اینست یا ناصر
المظلوم المبغی علیه ان فلان بن فلان ظلمنی وبغی علی فابتله بفقر لا یجبره وببلاء
لا یستره دیگر خواندن این دعا در سجده دوم از رکعت دوم نماز شب یا علی یا عظیم یا رحمن
یا رحیم اسئلک بخیر الدنیا و خیر اهلها اللهم اقرض اجل فلان بن فلان وابتر عمره واقطع
اثره وعجل به دیگر در ایضا زین العابدین از امام جعفر صادق ع روایت شده که نفرین بر
هر ظالمی نباید کرد چه مظلوم چون بسیار شود نفرین او بر ظالمان او نیز ظالم خواهد بود ولکن
چون محتاج شوی بان غسل کن و دو رکعت نماز کن در زیر آسمان و چون فارغ شوی بگو اللهم
ان فلانا ظلمنی ولیس لی احد اصول به غیرک فاستوف لی ظلامتی الساعة الساعة
و دیگر در مصباح کفعمی چنین است که چون بر کسی از ظالمان که آزار دیده باشی بخواهی این آیه را
و بروی دشمن بپاشی انشاء الله او را مقهور و مخذول کند و آن آیه اینست بسم الله الرحمن الرحیم
طسم تلک آیات الکتاب المبین لعلک باخع نفسک الا یکونوا مؤمنین ان نشأ ننزل علیهم

علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم لها خاضعین دیگر آیه و اذا رأیتهم تعجبک اجسامهم
وان یقولوا تسمع لقولهم کأنهم خشب مسندة یحسبون کل صیحة علیهم هم العدو
فاحذرهم قاتلهم الله انی یؤفکون و این آیه را بر خاکی که سابقا وصف شد آن
خاک را بروی دشمن بپاشی بعون الهی که او را ایمن شوی از شر او دیگر در اعمال دفع
هموم و غموم است از آنجمله نماز چند است که بعضی مذکور شد و بعضی دیگر در اینجا ذکر می شود
از آنجمله اینجا ابن طاوس در اقبال از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده که چون کسی
از شما اندوه ناک شود باید که چون آفتاب بر طرف مشرق بجائی رسد که در وقت عصر در طرف
مغرب بانجا برسد شش رکعت نماز کند و بعد از آن رو بقبله دستها را بالا برد و مکرر بگوید
اللهم اننی بالعافیة من حیث شئت والی شئت بأنک تفعل ما تشاء دیگر از آنجمله
نماز چند است که در کافی شیخ کلینی مذکور شده اینجا از امام جعفر صادق ع روایت شده
که از برای دفع هم غسل کن و برسته جامه طاهر و دو رکعت نماز بگذار و چون فارغ شوی
بگو یا فارج الهم و یا کاشف الغم یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما فرج همی واکشف
غمی یا الله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد اعصمنی
وطهرنی واذهب ببلیتی و بخوان آیة الکرسی و معوذتین را ایضا از امام زین العابدین ع
روایت شده که بر ترین مبلغه که هر که مصیبتی بر او نازل شده باشد یا خوفی از کسی
داشته باشد بین باید که وضو بسازد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز کند و چون فارغ شود
بگوید یا موضع کل شکوی و یا سامع کل نجوی و یا شاهد کل ملأ و یا عالم کل خفیة و یا
دافع ما یشاء من بلیة یا خلیل ابراهیم و یا نجی موسی و یا مصطفی محمد صلی الله علیه و آله
ادعوک دعاء من اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعفت قوته دعاء الغریب الغریق
المضطر الذی لا یجد لکشف ما هو فیه الا انت یا ارحم الراحمین هیچ کس دعا نکند
با این دعا مگر آنکه برطرف میکند الله تعالی از او بلا را دیگر ایضا امام محمد باقر ع با جابر
تعلیم نموده که چون در بیم و بلائی باشد رو بقبله نماید و دو رکعت نماز کند و چون فارغ شود
بگوید یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین هفتاد
بار و هر بار که میگوئی حاجت خود را طلب کن که آن حاجت بر آمد بطلبید باشد ایضا
ادعیه ایست که در کافی شیخ کلینی مذکور شده از بعضی روایت شده که هر که بر خورد

اورا اندوهی یا آزردگی یا بلائی یا شدتی رسد پس باید که بگوید الله ربی لا اشرک به شیئا توکلت
علی الحی الذی لا یموت — دیگر آنچه از امام جعفر صادق ع روایت شده که جبرئیل
در چاه بیوسف تعلیم نمود و یوسف بسبب خواندن آن از غم نجات یافت و آن اینست اللهم
انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت المنان بدیع السموات والارض ذو الجلال و
الاکرام ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی مما انا فیه فرجا ومخرجا دیگر آنچه از
ائمه علیهم السلام روایت شده که چون اندوهناک گردد و کاری در پیش داشته باشد بگوید یا جبرئیل
یا محمد دو مرتبه و مکرر بگوید اینکه اکفیانی فانکما کافیان واحفظانی باذن الله فانکما حافظان
— دیگر آنچه از امام جعفر صادق ع روایت شده که چون بترسی از اینکه کسی ترا وسوسه کند
بباطل یا اینکه خود بگرد باطل بگردی پس بگو اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک ناصیتی
بیدک عدل فی حکمک ماض فی قضاؤک اللهم انی اسئلک بکل اسم هو لک انزلته
فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تجعل القرآن نور بصری وربیع قلبی وجلاء حزنی وذهاب همی
الله الله ربی لا اشرک به شیئا دیگر دعای حضرت پیغمبر ص در شب احزاب وارد است
یا صریخ المکروبین ویا مجیب المضطرین ویا کاشف غمی اکشف غمی وهمی وکربی فانک
تعلم حالی وحال اصحابی واکفنی هول عدوی دیگر آنچه عمر بن یزید که از اصحاب امام
جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام است نقل نموده که از برای دفع هم چند نادر
بگوید بر حالی که در سجده باشد و آن اینست یا حی یا قیوم لا اله الا انت برحمتک استغیث
فاکفنی ما اهمنی ولا تکلنی الی نفسی دیگر آنچه دعا میکرده بآن امام محمد باقر ع در کاری
که حادث میشده برا و آن اینست اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر لی وارحمنی وزک
عملی ویسر منقلبی واهد قلبی وامن خوفی وعافنی فی عمری کله وثبت حجتی واغسل خطایای
وبیض وجهی واعصمنی فی دینی وسهل مطلبی ووسع علی فی رزقی فانی ضعیف وتجاوز
عن سیئ ما عندی بحسن ما عندک ولا تفجعنی بنفسی ولا تفجع لی حمیما وهب لی یا الهی
لحظة من لحظاتک تکشف بها عنی جمیع ما به ابتلیتنی وترد بها علی ما هو احسن
عاداتک عندی فقد ضعفت قوتی وقلت حیلتی وانقطع من خلقک رجائی
ولم یبق الا رجاؤک وتوکلی علیک وقدرتک علی یا رب ان ترحمنی وتعافینی کقدرتک

علی ان تعذبنی وتبتلینی الهی ذکر عوائدک یونسنی والرجاء لانعامک
یقوینی ولم اخل من نعمک منذ خلقتنی وانت ربی وسیدی ومفزعی وملجائی و
الحافظ لی والذاب عنی والرحیم بی والمتکفل برزقی وفی قضائک وقدرک کل ما انا
فیه فلیکن یا سیدی ومولای فیما قضیت وقدرت وحتمت تعجیل خلاصی مما انا
فیه جمیعه والعافیة لی فانی لا اجد لدفع ذلک احدا غیرک ولا اعتمد فیه الا
علیک فکن یا ذا الجلال والاکرام عند احسن ظنی بک ورجائی لک وارحم
تضرعی واستکانتی وضعف رکنی وامنن بذلک علی وعلی کل داع دعاک یا ارحم
الراحمین وصلی الله علی محمد وآله دیگر در ادعیه و اعمال دفع خوف است از آن جمله ادعیه
که در کافی مذکور است از آن جمله آنچه از حضرت امام جعفر صادق ع روایت شده که هرگاه
چون بترسی از کاری بگو اللهم انک لا یکفی منک احد وانت تکفی من کل احد من خلقک
فاکفنی کذا وکذا دیگر آنچه هم آن حضرت فرموده که در محل خوف از چیزی باید گفت و آن
اینست یا کافیا من کل شیء ولا یکفی منک شیء فی السموات والارض اکفنی ما اهمنی
من امر الدنیا والآخرة وصلی الله علی محمد وآله دیگر کلماتی که حضرت امام زین العابدین
گفته که باک ندارم چون این کلمات را گفته باشم از اینکه جمع شوند بر من جن و انس و آن
اینست بسم الله وبالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله اللهم الیک
اسلمت نفسی والیک وجهت وجهی والیک الجأت ظهری والیک فوضت امری اللهم
احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی
وما قبلی وادفع عنی بحولک وقوتک فانه لا حول ولا قوة الا بک دیگر در علاج الداهی
از ائمه علیهم السلام روایت شده که چون از چیزی در خوف باشی چون صبح برآید از فراش برخیزی
از هر جا که خواهی و بعد از آن سه بار بخوانی اللهم ادفع عنی البلاء الله تم نورا ایمن کند
در آن کتاب از امام جعفر صادق ع روایت شده که هر که بر وطن بیفتد هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم الله تعالی او را ایمن گرداند دیگر در مهج الدعوات از
ائمه علیهم السلام چنین وارد شده که در محل خوف باید دعا را بخواند یا کائنا قبل کل
شیء ویا مکون کل شیء ویا باقیا بعد کل شیء صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا
وکذا دیگر در مصباح الغیب چنین است که نوشتن بسم الله بر در خانه باعث ایمنی از هلاکت

و فرعون را الله تعالی زود هلاک کرد برای آنکه بسم الله در در بیرون خانه اش نوشته
بود (دوم) مشهور است که از برای محفوظ ماندن از شر طاعون صر و وزاین کلمات را بالای
یا من لطفه لم یزل الطف بنا فیما نزل انت القوی نجنا عن قهرک یوم الجلل (وصل) از
ادعیه و اعمال پناه جستن از شر شیاطین جن و انس است از آنجمله خواندن دعائیست که
حضرت امام زین العابدین ع در مقام پناه جستن از دشمنی شیطان و کید او میخوانده اند
اللهم انا نعوذ بک تا آخر و در صحیفه کامله مذکور است (دوم) با خود داشتن حرزیست که در
کتاب حیوة الحیوان ابودجانه از حضرت رسول ص روایت کرده معروف بحرز ابی دجانه است که ابودجانه
گوید که من از شیاطین جن در آزار بودم و بحضرت ص شکوه کردم و آنحضرت بعلی ع فرمود که این
حرز را نوشت و بمن داد و من با خود داشتم و چون خوابیدم بزیر سر گذاشتم پس بیدار شدم بسبب فریادی
که میگفتند که ای ابودجانه ما را سوختی باین حرز دیگر بخانه تو نمی آئیم در خانه که این حرز در آن باشد
نمی رویم و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد رسول الله
رب العالمین الی من طرق الدار من العمار و الزوار الا طارقا یطرق بخیر اما بعد فان لنا
و لکم فی الحق سعة فان تک عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما فهذا کتاب الله ینطق علینا و علیکم
بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون و رسلنا یکتبون ما تمکرون اترکوا صاحب کتابی
هذا و انطلقوا الی عبدة الاصنام و الی من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شیء
هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون حم لا ینصرون حمعسق تفرقت اعداء الله و
بلغت حجة الله و لا حول و لا قوة الا بالله فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم (سوم) کلماتیست
که در مصباح کفعمی نقل شده که تعلیم نموده از جبرئیل بحضرت عیسی ع از برای دفع شر عفریتی از جن
که شعله آتشی در دست داشت خاموش شده و کلمات اینست اعوذ بنور وجه الله و کلماته
التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرء فی الارض و ما یخرج منها و من شر
ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر فتن اللیل و النهار و من شر طوارق اللیل و
النهار الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن (چهارم) دعائیست که در کافی و نسخه کلینی مذکور است که
در حدیث طویلی از امام جعفر صادق ع روایت شده و خواندنش باعث اینست که از شر
شیاطین جن و انس و از شر حیوانات موذی در امان باشد و آن اینست اعوذ بعزة الله و
اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بعفو الله و اعوذ بمغفرة

بمغفرة الله و اعوذ برحمة الله و اعوذ بسلطان الله الذی هو علی کل شیء قدیر و اعوذ
بکرم الله و اعوذ بجمع الله من شر کل جبار عنید و کل شیطان مرید و من شر
کل قریب او بعید او ضعیف او شدید و من شر السامة و الهامة و العامة و من شر کل
دابة صغیرة او کبیرة بلیل او نهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر
الفسقة الجن و الانس (پنجم) از امام موسی کاظم یا از امام رضا علیهما السلام
روایت شده که آن باعث ایمنی است از هر درنده و شیطان و دزدی و هر جانوری که
بدان گزد مثل مار یا نیش زند مثل عقرب و غیر آن بلکه خود دارنده آنچون تکلم کند با آن
اندرند و او را از خرابی و آن اینست که چون شب شود و آفتاب غروب کند بگوئی بسم الله
و بالله و الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له ولی من الذل و الحمد لله
الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من
الذل و الحمد لله الذی یصف و لا یوصف و یعلم و لا یعلم و یعلم خائنة الاعین و ما
تخفی الصدور و اعوذ بوجه الله الکریم و باسم الله العظیم من شر ما برء و من شر
ما تحت الثری و من شر ما بطن و ظهر و من شر ما وصفت و ما لم اصف و الحمد لله
رب العالمین (ششم) از امام جعفر صادق ع روایت شده و خواندنش برکسی باعث است
که آنکس از شر جن و انس و حیوانات موذی و از شر جنیه در امان باشد و آن اینست
بسم الله الجلیل اعیذ فلانا و نام آنکس ببرد بالله العظیم من الهامة و السامة و اللامة
و العامة و من الجن و الانس و من العرب و العجم و من تبیهم و بغیهم و نحیهم و باية الكرسي
بعد از آن بخوان آیة الکرسی بعد از آن بگو بسم الله اعیذ فلانا بالله الجلیل من الهامة تا آخر
آنچه گفته بودی (هفتم) آنکه حضرت پیغمبر ص بعلی ع تعلیم نموده و گفته که خواندنش باعث است
که الله تعالی بر گرداند سبب انواع بلاها را و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم (هشتم) روایت است که چون سوره یس بنویسی و با خود
داری محفوظ مانی از شر جن (نهم) سوره جاثیه را بنویسی و در زیر سر گذاری محفوظ شوی از شر
جن سید نور الدین ابن ابی الحسن جبل عاملی ره از مشایخ خود نقل میکند که هر که آیه ذیل را
در وقت صبح سه مرتبه بخواند محفوظ شود از جمیع بلاها تا شب و هر که در وقت شام سه مرتبه بخواند
تا وقت صبح محفوظ گردد و دعا اینست اودعت نفسی و اهلی و مالی و ولدی فی ارض الله سقفها سقفها

وَبِحَمَلَةِ حیطانها وَعَلِیٍّ بابِها وَالحسن وَالحسین وَالائمة ارکانها وَالملائکة حراسها
در ادعیه و اعمال پناه جستن از چشم بد بسیار است از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت شده که تاثیر چشم حق است ایمن مباشید از آن بر خود و بر غیر خود پس چون
از تاثیر آن بترسید سه بار باید گفت ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
دیگر از حضرت رسول روایت شده که هر که چیزی ببیند که او را خوش آید از برای دفع
تاثیر بگوید الله الله ما شاء الله لا قوة الا بالله دیگر از امام حسن ع روایت شده
که دوای تاثیر چشم بد اینست که بخواند این آیه را از سوره ن وَاِنْ یَکادُ الَّذینَ کَفَرُوا
لَیُزْلِقُونَکَ بِاَبْصارِهِمْ لَمّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَیَقُولُونَ اِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَما هُوَ اِلّا ذِکْرٌ لِلْعالَمینَ
دیگر عوذه ایست که تعویذ کرد جبرئیل پیغمبر را بآن تعویذ از عوذه الله و آن این است بسم الله
اَرْقیکَ مِنْ کُلِّ عَیْنٍ حاسِدٍ اَللّهُ یَشْفیکَ دیگر از برای دفع تاثیر چشم بد این ابر انقل
نموده که بسم الله العظیم الشان القوی السلطان الشدید الارکان حبس حابس و حجر
یابس و شهاب قابس رد عین العاین علیه و فی احب الخلق الیه
الیه و فی کبده و کاسبته فارجع البصر خاسئا و هو حسیر دیگر از امام جعفر صادق ع
روایت است که چون کسی زینت کند زینتی خوش آینده پس باید که از برای دفع ضرر چشم
بد در وقت بر آمدن از خانه بخواند سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس دیگر
در مصباح کفعمی چنین است که چون سوره بقره را بنویسی و بر کسی بندی که ضرر چشم بد باو رسیده
باشد ضرر زایل شود الیا اگر سوره یس را بنویسی و با خود داری این نوع ضرر چشم بد
المتن در ادعیه پناه جستن از سحر اول دعائیست که در مصباح کفعمی نقل شده که چون از سحر
بترسی بگو قال لهم موسی القوا ما انتم ملقون فلما القوا قال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین ویحق الله الحق بکلماته ولو کره المجرمون
وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا بل نقذف بالحق علی الباطل
فیدمغه فاذا هو زاهق ولکم الویل مما تصفون والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا انما
صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی فالقی السحرة سجدا قالوا آمنا برب هارون وموسی
دیگر دعائیست که در طب الائمه از علی ع روایت شده که از برای ابطال سحر بر پوست آهو
باید نوشت و با خود داشت و آن این است بسم الله و بالله بسم الله ما شاء الله بسم الله لا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله
لا یصلح عمل المفسدین ویحق الله الحق بکلماته ولو کره المجرمون فوقع الحق وبطل ما
کانوا یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین دیگر دعائیست که در طب الائمه نقل شده
که از برای ابطال سحر بعد از فراغ از نماز شب در وقت سحر هفت بار باید خواند این آیات
بسم الله وبالله سنشد عضدک باخیک ونجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا
انتما ومن اتبعکما الغالبون دیگر دعائیست از ادعیه سرقند سید و مضمون آنچه در آن وارد
شده اینست که ای خدا هر که خواهد که باشد از اهل عافیت از سحر باید نه بخواند و ضرر نکند باو
سحر هیچ ساحری خواه ساحر جنی و خواه ساحر انسی و آن اینست اللهم رب موسی و خاصة کلامه
وهازم من کاده بسحره بعصاه ومعیدها بعد العود ثعبانا وملقفها افک اهل الافک
ومفسد عمل الساحرین ومبطل کید اهل الفساد من کادنی بسحر او بضر عامدا او غیر عامد
اعلمه او لا اعلمه اخافه او لا اخافه فاقطع من اسباب السموات عمله حتی ترجعه عنی
غیر نافذ ولا ضار لی ولا شامت بی انی ادرء بعظمتک فی نحور الاعداء فکن لی منهم مدافعا
احسن مدافعة واتمها یا کریم دیگر دعائیست که شیخ علامه بهاء الدین محمد عاملی
بسلطان عجم شاه عباس صفوی نوشته بجهت ابطال سحر باید بمداد تربت امام حسین و آب
نیسان در کف دست مسحور نوشت دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا من
اذل السحر باعجاز موسی لما القی عصاه فاذا هی ثعبان مبین ازل عمن قصدته بسحر السحرة
وکید الفجرة انک علی کل شیء قدیر و ما بعد از نوشتن مسحور را زبان بلیسد او را تا
که مطلقا اثری باقی نماند سه روز متوالی این عمل را بکند که سحر انشاء الله باطل می شود
در ادعیه کم شده و گریخته است و در کتب معتبر چنین است که چون از کسی چیزی کم شود باید
باید که در چاشت روز جمعه هشت رکعت نماز بکند و چون سلام دهد هفتاد بار سوره والضحی بخواند
و بگوید یا صانع العجائب یا راد کل غائب یا جامع الشتات یا من تقالید الامور بیده
اجمع علی کذا وکذا فانه لا جامع الا انت دیگر در آن کتاب از علی ع روایت شده که اگر
چیزی بگریزد باید که این آیه را بخواند او کظلمات فی بحر لجی یغشاه موج من فوقه موج
من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یراها ومن لم یجعل الله له
نورا فما له من نور دیگر در آن کتاب از علی ع روایت شده که از برای برگشتن غایب و گریخته

باید نوشت ابدا اللهم ان السماء سماؤک والارض ارضک والبر برک والبحر بحرک وما
بینهما فی الدنیا والآخرة فاجعل الارض بما رحبت علی فلان بن فلان اضیق من سلک
جمل تحذ بسمعه وبصره وقلبه او کظلمات فی بحر لجی تا آخر لغد سابقا مذکور شد و آیه
الکرسی را بر دوران باید نوشت و در سه روز در هوا معلق باید نمود و بعد از آن در جائی که منزل
او بوده است دفن باید کرد دیگر در آن کتاب است که چون کم شود از تو چیزی نشان یا غیر انسان
یا غیر آن و خواهی که باز بیابی باید تا بخوان یا جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف
المیعاد اجمع بینی وبین کذا و نام آن کم شده را ببر تا الله تعالی آن را باز رساند دیگر در آن کتاب
از علی روایت شده که از برای پیدا شدن کم شده دو رکعت نماز باید کرد در هر رکعت فاتحه الکتاب
و سوره یس یک بار و چون فارغ شوی بگو اللهم یا راد الضالة رد علی ضالتی دیگر در آن کتاب
که حضرت پیغمبر بعلی و فاطمه علیهم السلام یاد داده که چون بر ایشان مصیبتی فرود آید یا از جور
سلطانی ترسد یا چیزی از ایشان کم شود پس باید وضوی نیکو سازند و دو رکعت نماز کنند و
دستها بسوی آسمان بردارند و بگویند یا عالم الغیوب والسرائر یا مطاع یا عزیز یا علیم
یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة
یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبرة یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذا النون
من الظلمات الثلث یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا دالا علی کل خیر یا آمرا بالخیر
یا اهل الخیر یا اهل کل خیر انت الله رغبت الیک ما قد علمته وانت علام الغیوب
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد بعد از آن حاجت خود را بطلبد که انشاء الله تعالی روا می شود
دیگر در آن کتاب است که از برای رد کم شده باید گفت یا من لا یخفی علیه مکتوم ولا یبید عنه
معلوم ولا یغالبه مسع ولا یطاوله رفیع اردد بقدرتک علی ما فی قبضتک انک اهل
الخیرات دیگر در آن کتاب است که از برای رد کم شده باید گفت اللهم یا هادی الضال و
راد الضالة اسئلک بعزتک وسلطانک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترد علی
ضالتی فانها من عطائک وفضلک ورزقک دیگر در آن کتاب است که از برای کم شده و
گریخته سوره عبس را باید خواند و هم چنین است سوره والعادیات ایضا درخواص اسماء الحسنی
از آن کتاب چنین است که الشهید الحق را چون بر چهار گوشه کاغذ نویسی و نام کم شده و
گریخته را در وسط آن کاغذ نویسی در نصف شب بزیر آسمان در آئی و همین دو اسم را هفتاد

هفتاد بار بگوئی خبر کم شده و گریخته را بتو رساند ایضا در نصف شب در گوشهای خانه خود
بایستی و هفتاد بار یا معید یا معید بگوئی بعد از آن بگوئی یا معید رد علی فلانا در همان وقت
خبر غایب بتو رسد دیگر در خواص الآیات چنین است که کسی که چیزی در جائی دفن کند و
آن مکان را کم کند چون در ظرف نوی این آیه را بنویسد ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات
الی اهلها واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعما یعظکم به ان الله کان
سمیعا بصیرا و بعد از آن آب باران بشوید و در جائی که گمان دارد بپاشد بر مکان مدفون
مطلع شود دیگر هرکه سوره عبس را بر مدفون بخواند که مکان آن کم کرده باشد الله تعالی
ایشان را با مکان آن راه نماید دیگر که چون بنده گریزد بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ید
فلان مغلولة الی عنقه اذا اخرجها لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نورا فما له من نور و آن را
در میان دو چوب گذارد و در خانه که او بوده در جائی پنهان کن یا در زیر سنگ آسیا بنه دیگر
از امام جعفر صادق روایت شده که از برای برگشتن گریخته این دعا را باید خواند و بر کاغذی
باید نوشت و آن کاغذ را در خانه که او شب در آن می بوده دفن باید کرد و بر بالای آن چیزی
سنگین باید گذاشت و دعا اینست اللهم السماء لک والارض لک وما بینهما لک فاجعلها
اضیق علی فلان بن فلان من جلد جمل حتی ترده علی وتظفرنی به ایضا در آن کتاب چنین است که از برای
برگشتن گریخته دو رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه و چهار آیه اول سوره حدید و چهار آیه
آخر سوره حشر بخواند و چون فارغ شود بگو یا من لا امکنه غیره اجعل الدنیا علی فلان
اضیق من سلک جمل حتی ترده علی و آیات سوره حدید اینست بسم الله الرحمن الرحیم
سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض یحیی
ویمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم هو
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما
یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر و آیات
آخر سوره حشر اینست لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله
وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ در ان کتاب نیست که از برای پرکشتن
گریخته و کم شده این دعا را باید نوشت و باید خواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ جَبَّارٌ فِي السَّمَاءِ وَجَبَّارٌ
فِي الْأَرْضِ وَمَلِكٌ فِي السَّمَاءِ وَمَلِكٌ فِي الْأَرْضِ وَاِلٰهٌ فِي السَّمَاءِ وَاِلٰهٌ فِي الْأَرْضِ تَرُدُّ الضَّالَّةَ
وَتَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ رُدَّ عَلَى فُلَانٍ ضَالَّتَهُ ایضاً در ان کتاب است از امام صادق روایت
شده که از برای پرکشتن گریخته و کم شده این دعا را باید خواند وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ
وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنْجِي
مِنَ الْعَمَاءِ وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ ایضاً در ان کتاب از امیر المؤمنین ع روایت شده که از برای پیدا شدن کم شده دو رکعت
نماز باید کرد در هر رکعت فاتحه یکبار و سوره یس یکبار و بعد از فارغ شدن از نماز دستها را
بسوی آسمان بلند کرده باید گفت اَللّٰهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَالْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَيَّ ضَالَّتِي وَارْدُدْهَا اِلَيَّ سَالِمَةً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَاِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَ
عَطَائِكَ يَا عِبَادَ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ وَيَا سَيَّارَةَ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَاِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ
وَعَطَائِهِ ایضاً در ان کتاب از امیر المؤمنین ع روایت شده که از برای پیدا شدن کم شده این دعا
باید خواند اَللّٰهُمَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَكَ السَّمٰوَاتُ وَلَكَ الْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاجْعَلْ لِي
مِنْ كُلِّ مَا اَضِيقُ مِنْ حَالٍ حَالًا حَتَّى تُمَكِّنَنِي مِنْهُ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ـ در تعویذات
احراز و حجب و هیاکل و اسم اعظم و اسماء حسنی است و در ان چند فصل است اول در تعویذات
در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که برای حفظ سحر این تعویذ را بر پوست
آهو بنویسید و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ فَوَقَعَ
الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ دیگر از حضرت صادق ع
مرویست که جبرئیل نازل شد و این تعویذ را در وقتی که حسنین علیهم السلام را درد
بود دید بر فرمود که تعویذ کنید باین اولاد و زنان خود را بدرستیکه تعویذی مثل این نیست
اَللّٰهُمَّ وَالسُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَالْمَنِّ الْقَدِيمِ وَالْوَجْهِ الْكَرِيمِ وَيَا ذَا الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَالدَّعَوَاتِ
الْمُسْتَجَابَاتِ عَافِ فُلَانَ مِنْ اَنْفُسِ الْجِنِّ وَاَعْيُنِ الْاِنْسِ دیگر تعویذیست در کتاب انوار مضیئه

انوار مضیئه از امام ما در بعضی نقل کرده که در وقت زائیدن در خواب دید که تعویذ کن مریم را
باین تعویذ اُعِيذُهُ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ وَكُلِّ خَلْقٍ رَائِدٍ يَتَكَلَّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ
دیگر در احراز است از ان جمله حرز جواد است که در مهج الدعوات در حدیث طویلی
از امام محمد تقی ع روایت شده و مختصر مضمون اینکه چون این حرز با کسی باشد از او
شر جن و بلاها و مکروهات و آفات و عاهات محفوظ بود و اگر کل لشکر برو ریزد
بلکه کل اهل زمین برو جمع شوند ضرری بوی نتوانند رسانید و آداب این است که اوله از
نقره بی غش بسازند و این دعا را بر ان نقش نمایند که یَا مَشْهُورًا فِي السَّمٰوَاتِ وَيَا مَشْهُورًا فِي
الْأَرَضِينَ يَا مَشْهُورًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ جَهَدَتِ الْجَبَابِرَةُ وَالْمُلُوكُ عَلَى اِطْفَاءِ نُورِكَ وَ
اِخْمَادِ ذِكْرِكَ فَاَبَى اللّٰهُ اِلَّا اَنْ يُتِمَّ نُورَكَ وَيَبُوحَ بِذِكْرِكَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ و این حرز را بر پوست
آهوی نفاسه نویسند و در ان قصبه جا دهند و در وقتی که قمر در عقرب نباشد و سوی
کامل بپا زنند و چهار رکعت نماز کنند در هر رکعت فاتحه یکبار و هر یک از آیة الکرسی
و آیه شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ
الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ و سوره وَالشَّمْسِ و سوره
وَاللَّيْلِ و سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ هفت بار بخوانند و چون از نماز فارغ شوند از قصبه را
بر بازوی راست ببندند و حرز اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ تا آخر سوره فاتحه اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ
بِاَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْمَلِكُ الدَّيَّانُ يَوْمَ الدِّينِ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ بِلَا مُغَالَبَةٍ وَتُعْطِي مَنْ تَشَاءُ بِلَا مَنٍّ
وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ وَتُدَاوِلُ الْاَيَّامَ بَيْنَ النَّاسِ وَتَرْكَبُهُمْ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ فَاَسْاَلُكَ
اَسْاَلُكَ بِالْاِسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ السِّرِّ السَّابِقِ لِغَاسِقِ الْحُسْنِ الْجَمِيلِ النَّظَرِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ
الثَّمَانِيَةِ وَالْعَرْشِ الَّذِي لَا يَتَحَرَّكُ اِلَّا بِاِذْنِكَ وَاَسْاَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَبِالْحَيَاةِ الَّتِي
لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَى وَبِالْاِسْمِ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ وَبِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ
الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي هُوَ مُحِيطٌ بِمَلَكُوتِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ
الشَّمْسُ وَاَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَسُجِّرَتْ بِهِ الْبُحُورُ وَنُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ

والكرسي وباسمك المكتوب على سرادق العز وباسمك المكتوب على سرادق العظمة
وباسمك المكتوب على سرادق البهاء وباسمك المكتوب على سرادق القدرة وباسمك
العزيز وباسمائك المقدسات المكرمات المخزونات في علم الغيب عندك واسئلك
من خير الخير انما ارجوا واعوذ بعزتك وقدرتك من شر ما اخاف واحذر وما لا احذر
يا صاحب محمد يوم حنين ويا صاحب علي يوم صفين انت يا رب مبير الجبارين وقاسم المتكبرين
اسئلك بحق طه ويس والقران العظيم والفرقان الحكيم ان تصلي على محمد وال
محمد وان تشد عضد صاحب هذا العقد وادرء بك في نحر كل جبار عنيد وكل شيطان مريد
وعاد شديد وعدو مثلا الاخلاق ووجه للمرجب ... وعظم له دينه واجعله ممن
اسلم اليك نفسه وفوض اليك امره والجا اليك ظهره اللهم بحق هذه الاسماء التي ذكرتها
وقرأتها وانت اعرف بحقها مني واسئلك يا ذا المن العظيم والجود الكريم وولي الدعوات
المستجابات والكلمات التامات والاسماء النافذات واسئلك يا نور النهار ويا نور
الليل ويا نور السماء والارض ونور النور ونورا يضيء به كل نور يا عالم السر والخفيات
كلها في البر والبحر والارض والسماء والجبال واسئلك يا من خلق البر والبحر والارض
والسماء والجبال واسئلك يا من لا يفنى ولا يبيد ولا يزول ولا شيء له موصوف ولا
اليه حد منسوب ولا معه اله ولا اله سواه ولا له في ملكه شريك ولا تضاف العزة الا
اليه ولم يزل بالعلوم عالما وعلى العلوم واقفا وللامور ناظما وبالكينونة عالما وللتدبير
محكما وبالخلق بصيرا وبالامور خبيرا انت الذي خشعت لك الاصوات وضلت فيك
الاحلام وضاقت دونك الاسباب وملاء كل شيء نورك ووجل كل شيء منك وهرب كل شيء
اليك وتوكل كل شيء عليك وانت الرفيع في جلالك وانت البهي في جمالك وانت العظيم
في قدرتك وانت الذي لا يبدر كل شيء وانت العلي الكبير مجيب الدعوات قاضي
الحاجات مفرج الكربات ولي النعمات يا من هو في علوه دان وفي دنوه عال وفي
اشراقه منير وفي سلطانه قوي وفي ملكه عزيز صل على محمد وال محمد واحرس صاحب هذا
العقد وهذا الحرز وهذا الكتاب فلان بن فلان بعينك التي لا تنام واكنفه بركنك الذي
لا يرام وارحمه بقدرتك عليه فانه مرزوقك بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله وبالله لا صاحبة له ولا ولدا بسم الله قوي الشان عظيم البرهان شديد

شديد السلطان ما شاء الله كان وما لم يشاء لم يكن اشهد ان نوحا رسول الله وان ابراهيم خليل الله
وان موسى كليم الله ونجيه وان عيسى بن مريم صلوات الله عليه وعليهم اجمعين كلمته وروحه وان
محمدا صلى الله عليه واله وسلم وخاتم النبيين لا نبي بعده واسئلك بحق الساعة التي يؤتى
فيها بابليس اللعين يوم القيمة ويقول اللعين في تلك الساعة والله ما انا الا مبيح مرية
الله نور السموات والارض وهو القاهر وهو الغالب لا غالب له القدرة الساطعة
وهو الحكيم الخبير واسئلك بحق هذه الاسماء كلها وصفاتها وصورتها وهجاء ما
...
... بالغ

شبحان الذي خلق العرش والكرسي واستوى عليه اسئلك ان تصرف عن صاحب كتابي
هذا كل سوء ومحذور فهو عبدك وابن عبدك وابن امتك وانت مولاه فقد اللهم
يا رب الاسواء كلها واقمع عنه ابصار الظالمين والسنة المعاندين والمريدين له بالسوء
والضر وادفع عنه كل محذور ومخوف واي عبد من عبيدك وامة من امائك او سلطان
مارد او شيطان او شيطانة او جني او جنية او غول او غولة اراد صاحب كتابي هذا فلان
بن فلان بظلم او ضر او مكر او كيد او خديعة او نكاية او سعاية او فساد او غرق او اصطلام

او عطف و مغالبة او غدر او قهر او هلك ستر او افتقار او فقر او فاقة او قتل او حرق او
انتقام او قطع او سحر او مسخ او مرض او سقم او برص او بؤس او فاقة او سغب او عطش او وسوسة
او نغص في دين او معيشة فاكفه بما شئت و كيف شئت و انى شئت انك على كل شيء قدير
و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين اجمعين و سلم تسليما كثيرا و لا حول و لا
قوة الا بالله العلي العظيم و الحمد لله رب العالمين ابن طاوس در كتاب سعادات
از امير المؤمنين نقل نموده و خواص و فوايد آن بسيار است مثل اينكه هر كه اين حرز با او باشد
او را خوفي نباشد نه از سلطان و نه از دزد و نه از سم و شيري و مثل اينكه هر كه از او در پوست
آهوئي نويسد و در زير ستون خيمه خود محكم سازد و مثل اينكه چون از او در خانه كنند از غارت
از دزد و حرامي و غارت كردن محفوظ ماند و بايد كه با مشك و زعفران و گلاب در پوست
آهوئي نويسد و در بازوي خود ببندد و حرز اينست اهناه اروياج سومايع ه ملحه
هما و حيم سا هو يراه اسرهيان ادما لوان ساماي ه الوهي ه ال هياه سرمارام
او رادن صعواب ه هو هو ياوه لا در حجب است اول حجابيست كه حضرت
صادق خوانده از او فيني كه منصور دوانقي اراده قتل حضرت كرده بود بسم الله الرحمن الرحيم
و اذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا و جعلنا
على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و في آذانهم وقرا و اذا ذكرت ربك في القرآن وحده
ولوا على ادبارهم نفورا اللهم اني اسئلك بالاسم الذي يحيي و يميت و يرزق و
يعطي و يمنع يا ذا الجلال و الاكرام اللهم من ارادنا بسوء من جميع خلقك
فاعم عنا عينه و اصمم عنا سمعه و اشغل عنا قلبه و غل عنا يده و اصرف عنا كيده
و خذه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من تحته و من فوقه
يا ذا الجلال و الاكرام حجاب ديگر كه از امير المؤمنين منقول است بسم الله الرحمن الرحيم
احتجبت بنور وجه الله القديم در كلم الطيب ذكر نموده كه اين آيات را براي
١٩١
نهان شدن از چشم اهل عدوان و من در وقت بيرون آمدن از بلاد عدو تجربه كردم درست
بسم الله الرحمن الرحيم افرأيت من اتخذ الهه هواه و اضله الله على علم و
ختم على سمعه و قلبه و جعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد الله افلا تذكرون
اولئك الذين طبع الله على قلوبهم و سمعهم و ابصارهم و اولئك هم الغافلون و من اظلم

ومن اظلم ممن ذكر بآيات ربه فاعرض عنها و نسي ما قدمت يداه انا جعلنا على
قلوبهم اكنة ان يفقهوه و في آذانهم وقرا و ان تدعهم الى الهدى فلن يهتدوا اذا ابدا
دو دعا كل است و آن بنا بر آنچه در مصباح كفعمي نوشته منقولست بالخواص بسيار
اول الحمد لله الذي لا ينسى من ذكره و لا يخيب من دعاه و الحمد لله الذي من توكل
عليه كفاه و الحمد لله الذي لا يحصى نعماه و الحمد لله الذي يجزي بالاحسان احسانا
و بالسيئات غفرانا و بالصبر نجاة و الحمد لله الذي هو رجاؤنا حين ينقطع الامل منا و الحمد
لله الذي لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له ولي من الذل و كبره
تكبيرا و الحمد لله كثيرا و سبحان الله بكرة و اصيلا و لا حول و لا قوة الا بالله العلي
العظيم آمنت بالله وحده و كفرت بالجبت و الطاغوت و توكلت على الحي الذي لا يموت
و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا سيجعل الله
بعد عسر يسرا و تحصنت بشهادة ان لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه و آله
اعيذ نفسي بالذي خلق الارض و السموات العلى الرحمن على العرش استوى
له ما في السموات و ما في الارض و ما بينهما و ما تحت الثرى و ان تجهر بالقول فانه
يعلم السر و اخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى من شر كل ساحر و كل كاهن
و من شر كل متكبر فاجر و اعيذ حالي بها و من شر الاشرار و كيد الفجار و ما اختلف عليه
الليل و النهار بقل هو الله احد الواحد القهار و اعيذه بالاسم المخزون المكنون الذي
يحبه و يختاره و يرضى عمن دعاك به و بالاسم الذي به تؤتي الملك من تشاء و تنزع الملك
ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بيدك الخير و هو على كل شيء قدير تولج الليل
في النهار و تولج النهار في الليل و تخرج الحي من الميت و تخرج الميت من الحي و ترزق
من تشاء بغير حساب و صلى الله على محمد و آله و سلم اعيذ نفسي بالله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم تا آخر آية الكرسي آمن الرسول بما انزل تا آخر سوره بقره
اعيذ نفسي بالله الذي قال للسموات و الارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين
و اعوذ بالله من كل شر و كل جبار عنيد و شيطان مريد و جني شديد قائم او قاعد في
اكل او شرب او نوم او اغتسال كلما سمعوا ذكر آيات الله تولوا على اعقابهم هربا
افحسبتم انما خلقناكم عبثا و انكم الينا لا ترجعون فتعالى الله الملك الحق لا اله الا

هو رب العرش الكريم واعيذ حامل كتابي هذا بالاسماء الثمانية المكتوبات في قلب
الشمس والمؤمن وبالاسم الذي اضاء به القمر وبالاسم الذي كتب على ورق الزيتون
والقي في النار فلم يحترق قل كونوا حجارة او حديدا او خلقا مما يكبر في صدوركم فسيقولون
من يعيدنا قل الذي فطركم اول مرة فسينغضون اليك رؤوسهم ويقولون متى هو قل عسى
ان يكون قريبا وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم اعيذني بالله
الذي تجلى للجبل فجعله دكا وخر موسى صعقا واعوذ بالله من سحر الساحرين ومكر الماكرين
وغدر الغادرين ومن شر كل شيطان لعين ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل
عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون واعوذ بالله
الذي نزل به الروح الامين جبرئيل على النبي الصادق الامين محمد صلى الله عليه و
آله وسلم في يوم الاثنين وبما وارات الحجب من جلال جمالك وبما طاق به العرش من
بهاء كمالك وبمنتهى الرحمة من كتابك اكف حامل كتابي هذا آفات الدنيا وعذاب
الآخرة انك اهل التقوى واهل المغفرة وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم
اعيذ نفسي بالله الذي لا اله سواه من شر ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل
من السماء بذات الصدور ونعوذ بما استعان به آدم ابو البشر وشيث وهابيل
وادريس ونوح وهود وصالح وشعيب ولوط وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب و[illegible]
وموسى وهرون وداود وسليمن وايوب والياس واليسع وذو الكفل ويونس وعيسى
وزكريا ويحيى والخضر ومحمد خير البشر صلوات الله عليهم اجمعين وبما استعاذ به كل ملك
مقرب ونبي مرسل الانبياء عليهم وتفرقهم عن حامل كتابي هذا وصلى الله على سيدنا
محمد وآله وصحبه وسلم اعيذ نفسي واهلي ومالي وولدي وجيراني وما
حولي ربي واهل قراباتي ومن اسرى الي معروفا ابدا وعمل معي معروفا بيده او لسانه
بالله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم تا آخر سوره حشر يا نور النور
يا مدبر الامور الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة
الزجاجة كانها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد
زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال
للناس والله بكل شيء عليم ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض قريب من المحسنين دعا

در اسم اعظم است در جنة الواقية مرقوم است كه اقوال در باب اسم اعظم و روايات
بسيار است و ما بذكر انچه مرويست از حضرت رسول صلى الله عليه وآله و ائمه عليهم السلام
مى پردازيم اول آنكه مرويست كه الله اسم اعظم است ديگر آنكه در مصحف مجيد است ديگر
گفته شد كه در اسماء حسنى است كه ان شاء الله تعالى ذكر خواهد شد ديگر آنكه يا حي يا قيوم است
كه بعبرانى اهيا شراهيا هست ديگر آنكه الله والحي القيوم است ديگر آنكه در ضمن ذو الجلال
والاكرام ديگر آنكه در بسمله است ديگر آنكه در ضمن اين عبارت است بديع السموات
والارض يا ذا الجلال والاكرام ديگر آنكه گفته اند در شش آيه آخر سوره حشر است ديگر آنكه
در آية الملك است ديگر آنكه در ضمن آيات اين سه سوره در سوره بقره و ميان آية الكرسى
و در سوره آل عمران الم الله لا اله الا هو الحي القيوم و در سوره طه و عنت الوجوه للحي
القيوم ديگر آنكه لا اله الا هو الرحمن الرحيم است و در اين آيه است و الهكم اله واحد
لا اله الا هو الرحمن الرحيم و در آيه كه الم الله لا اله الا هو الحي القيوم ديگر در ضمن
دعاى آصف بن برخيا كه وزير حضرت سليمان و خواهرزاده آنحضرت بود و بسبب آن اسم
تخت بلقيس را حاضر كرده است — يا الهنا واله كل شيء الها واحدا لا اله الا انت ديگر منقول
كه در اول سوره حديد است تا و هو عليم بذات الصدور و در آخر سوره حشر از لو انزلنا
تا آخر سوره پس بردارد دست خود را و بگويد يا من هو هكذا اسألك بحق هذه الاسماء ان
تصلي على محمد وآل محمد و سؤال كن حاجت خود را و بگويد يا من هو هكذا اسألك بحق هذه
الاسماء ان تصلي على محمد وآل محمد و سؤال كن حاجت خود را ديگر آنكه گفته اند كه در
اين دعاست اللهم انت الله لا اله الا انت يا ذا الجلال والاكرام يا ذا المعارج
والقوى اسألك بسم الله الرحمن الرحيم وبما انزلته في ليلة القدر ان تجعل من امري
فرجا ومخرجا واسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي خطيئتي و تقبل توبتي
يا ارحم الراحمين ديگر منقولست كه حضرت صادق فرمود بعضى اصحاب خود كه نمى خواهى
تعليم كنم ترا اسم اعظم عرض كرد كه بلى آنحضرت فرمود كه بخوان سوره الحمد و سوره توحيد و
آية الكرسى و سوره انا انزلناه را پس رو بقبله كن و دعا كن بهر چه خواهى ديگر نقل است كه اسم
اعظم در سوره فاتحه است بمرتبه كه اگر خوانده شود آن سوره بر ميتى هفتاد مرتبه پس زنده
گردد عجب نباشد ديگر روايتى در اين دعاست اللهم انى اسألك بان لك الحمد لا اله الا

انت یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام دیگر روایتی در این
دعاست اللهم انی اسئلک باسمک الطاهر الطهر المقدس المبارک المخزون المکنون
المکتوب علی سرادق العرش وسرادق المجد وسرادق القدرة وسرادق السلطان و
سرادق البرهان وسرادق السرائر ادعوک یا رب بان لک الحمد لا اله الا انت النور
البارئ الرحمن الرحیم الصادق عالم الغیب والشهادة بدیع السموات والارض ومن نور
وقیامهن ذو الجلال والاکرام حنان نور دائم قدوس حی لا یموت دیگر روایتی
در این دعاست اللهم انی اسئلک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک و
اسمک الاعظم وجدک الاعلی وکلماتک التامات ایضا روایتی در این دعاست اللهم
انی اسئلک الحسنی ما علمت منها وما لم اعلم واسئلک باسمک العظیم الذی اذا دعیت
به اجبت واذا سئلت به اعطیت فان لک الحمد لا اله الا انت المنان بدیع السموات
والارض یا ذا الجلال ایضا روایتی در این دعاست یا الله یا الله یا الله وحدک لا شریک
لک انت المنان بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام وذو الاسماء العلیا
وذو العزة التی لا ترام والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم وصلی الله علی
محمد وآله اجمعین ایضا روایتی در این دعاست بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا نور یا نور یا نور یا ذا الطول یا ذا الجلال و
الاکرام ایضا روایتی در این دعاست یا نور یا قدوس سه بار یا حی یا قیوم سه بار یا حیا
لا یموت سه بار یا حی حین لا حی سه بار یا حی لا اله الا انت سه بار اسئلک بلا اله الا
انت سه بار بسم الله الرحمن الرحیم العزیز المبین ایضا روایتی در این دعاست یا
هو یا من لا یعلم ما هو الا هو ... در اسماء حسنی است منقولست که خدا تعالی را
نود و نه نام هست هر که بخواند آنها را مستجاب کرداند خدای تعالی دعای او را وکسی که احصی
کند آنها را داخل بهشت شود واینها آنست هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک
القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ المصور الغفار
القهار الوهاب الرزاق الفتاح العلیم القابض الباسط الخافض الرافع المعز
المذل السمیع البصیر الحکم العدل اللطیف الخبیر الحلیم العظیم الغفور الشکور
العلی الکبیر الحفیظ المقیت الحسیب الجلیل الجمیل الکریم الرقیب المجیب الواسع

الواسع الحکیم الودود المجید الماجد الباعث الشهید الحق الوکیل القوی
المتین الولی الحمید المحصی المبدئ المعید المحیی الممیت الحی القیوم
الواجد الاحد الفرد الصمد القاهر القادر المقتدر المقدم المؤخر الاول الآخر
الظاهر الباطن الوالی المتعالی البر التواب المنتقم العفو الرؤف
مالک الملک ذو الجلال والاکرام المقسط الجامع الغنی المغنی المعطی
المانع الضار النافع النور الهادی البدیع الباقی الوارث الرشید
الصبور الذی لیس کمثله شیء لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

در ادعیه مشهوره متفرقه مذکوره در کتب معتبر است مشتمل بر دو فصل اول
در ادعیه مطوله است اول دعای جوشن کبیر است که در مصباح کفعمی از امام
زین العابدین روایت شده که او از پدرش واو از علی بن ابیطالب واو از پیغمبر صلی
واو از جبرئیل روایت کرده وفضایل وخواص بسیاری در آن روایت از برای خواندن آن
وهمراه داشتن این دعا نقل شده واز برای اختصار در اینجا مذکور نشد واین دعا مشتمل
بر صد فقره وهر فقره بر ده اسم از اسماء الله که مجموع هزار اسم است وبعد از تمام
هر فقره باید گفت سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار
یا رب ١ اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم
یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم یا حکیم ٢ یا سید السادات یا مجیب الدعوات
یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات یا معطی المسئلات یا قابل
التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات ٣ یا خیر الغافرین
یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین یا خیر الوارثین
یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین یا خیر المنزلین یا خیر المحسنین ٤ یا من له العزة
والجمال یا من له القدرة والکمال یا من له الملک والجلال یا من هو الکبیر
المتعال یا منشئ السحاب الثقال یا من هو شدید المحال یا من هو سریع الحساب
یا من هو شدید العقاب یا من هو عنده حسن الثواب یا من هو عنده ام الکتاب
٥ اللهم انی اسئلک باسمک یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان
یا رضوان یا غفران یا سبحان یا مستعان یا ذا المن والبیان ٦ یا من تواضع کل

شيء لعظمته يا من استسلم كل شيء لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته يا من خضع
كل شيء لهيبته يا من انقاد كل شيء من خشيته يا من تشققت الجبال من مخافته
يا من قامت السموات بأمره يا من استقرت الارضون باذنه يا من يسبح الرعد
بحمده يا من لا يعتدي على اهل مملكته ٧ يا غافر الخطايا يا كاشف البلايا
يا منتهى الرجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضي المنايا يا
سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى ٨ يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر
والبهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرضاء يا ذا المن والعطاء
يا ذا الفصل والقضاء يا ذا العز والبقاء يا ذا الجود والسخاء يا ذا الآلاء والنعماء ٩
اللهم اني اسئلك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع ١٠ يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق يا رازق
كل مرزوق يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم يا راحم
كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجأ كل مطرود ١١
يا عدتي عند شدتي يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند
غربتي يا وليي عند نعمتي يا غياثي عند كربتي يا دليلي عند حيرتي يا غنائي عند
افتقاري يا ملجاي عند اضطراري يا معيني عند مفزعي ١٢ يا علام الغيوب
يا غفار الذنوب يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب يا طبيب
القلوب يا منور القلوب يا انيس القلوب يا مفرج الهموم يا منفس الغموم ١٣
اللهم اني اسئلك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل يا قبيل يا
مديل يا منيل يا مقيل يا محيل ١٤ يا دليل المتحيرين يا غياث المستغيثين يا صريخ
المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا عون المؤمنين يا راحم المساكين
يا ملجأ العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة المضطرين ١٥ يا ذا الجود
والاحسان يا ذا الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان
يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة
والسلطان يا ذا الرأفة والمستعان يا ذا العفو والغفران ١٦ يا من هو رب
كل شيء يا من هو اله كل شيء يا من هو خالق كل شيء يا من هو صانع كل شيء يا من

هو قبل كل شيء يا من هو بعد كل شيء يا من هو فوق كل شيء يا من هو عالم بكل شيء يا من
هو قادر على كل شيء يا من هو يبقى ويفنى كل شيء ١٧ اللهم اني اسئلك باسمك
يا مؤمن يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن يا مقسم
١٨ يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من هو في جلاله عظيم
يا من هو على عباده رحيم يا من هو بكل شيء عليم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو
بمن رجاه كريم يا من هو في صنعه حكيم يا من هو في حكمته لطيف يا من هو في لطفه قديم
١٩ يا من لا يرجى الا فضله يا من لا يسئل الا عفوه يا من لا ينظر الا بره يا من
لا يخاف الا عدله يا من لا يدوم الا ملكه يا من لا سلطان الا سلطانه يا من وسعت
كل شيء رحمته يا من سبقت رحمته غضبه يا من احاط بكل شيء علمه يا من ليس
احد مثله ٢٠ يا فارج الهم يا كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق
الخلق يا صادق الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق الانام
٢١ اللهم اني اسئلك باسمك يا علي يا وفي يا غني يا ملي يا حفي يا رضي
يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي ٢٢ يا من اظهر الجميل يا من ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة
يا من لم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة
يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى ٢٣ يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة
يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة
يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة ٢٤
يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا
محيي الاموات يا منزل الآيات يا مضعف الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات
٢٥ اللهم اني اسئلك باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر
يا مبشر يا منذر يا مقدم يا مؤخر ٢٦ يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام
يا رب البلد الحرام يا رب الركن والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب
الحل والحرام يا رب النور والظلام يا رب التحية والسلام يا رب القدرة في الانام ٢٧
يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين يا اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين يا احسن
الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اشفع الشافعين

يا أكرم الأكرمين يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له
يا حرز من لا حرز له يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من لا عز له يا معين
من لا معين له يا أنيس من لا أنيس له يا أمان من لا أمان له اللهم إني أسألك
باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا رحيم يا سالم يا حاكم يا عالم يا قاسم يا قابض يا باسط
يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره
يا حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده يا صريخ من استصرخه
يا معين من استعانه يا مغيث من استغاثه يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام
يا قيوما لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما
لا يجهل يا صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف اللهم إني أسألك باسمك يا
أحد يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع
يا أعظم من كل عظيم يا أكرم من كل كريم يا أرحم من كل رحيم يا أعلم من كل
عليم يا أحكم من كل حكيم يا أقدم من كل قديم يا أكبر من كل كبير يا ألطف من كل لطيف
يا أجل من كل جليل يا أعز من كل عزيز يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير
يا قديم الفضل يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفس الكرب يا كاشف الضر يا مالك
الملك يا قاضي الحق يا من هو في عهده وفي يا من هو في وفائه قوي يا من
في قوته علي يا من هو في علوه قريب يا من هو في قربه لطيف يا من هو في لطفه
شريف يا من هو في شرفه عزيز يا من هو في عزه عظيم يا من هو في عظمته مجيد يا من
هو في مجده حميد اللهم إني أسألك باسمك يا كافي يا شافي يا وافي
يا معافي يا هادي يا داعي يا قاضي يا راضي يا عالي يا باقي يا من كل شيء خاضع
له يا من كل شيء خاشع له يا من كل شيء كائن له يا من كل شيء موجود به يا من
كل شيء منيب إليه يا من كل شيء خائف منه يا من كل شيء قائم به يا من كل شيء صائر
إليه يا من كل شيء يسبح بحمده يا من كل شيء هالك إلا وجهه يا من لا مفر
إلا إليه يا من لا مفزع إلا إليه يا من لا مقصد إلا إليه يا من لا منجى منه إلا إليه
يا من لا يرغب إلا إليه يا من لا حول ولا قوة إلا به يا من لا يستعان إلا به يا من لا
يتوكل إلا عليه يا من لا يرجى إلا هو يا من لا يعبد إلا إياه يا خير المرهوبين

المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير المطلوبين يا خير المسؤولين يا خير المقصودين يا خير
المذكورين يا خير المشكورين يا خير المحبوبين يا خير المدعوين يا خير المستأنسين
اللهم إني أسألك باسمك يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر
يا ذاكر يا ناظر يا ناصر يا من خلق فسوى يا من قدر فهدى يا من يكشف البلوى
يا من يسمع النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي المرضى يا من أضحك و
أبكى يا من أمات وأحيى يا من خلق الزوجين الذكر والأنثى يا من في البر و
البحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه يا من في الممات قدرته
يا من في القبور عبرته يا من في القيامة ملكه يا من في الحساب هيبته يا من في الميزان
قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في النار عقابه يا من إليه يهرب الخائفون
يا من إليه يفزع المذنبون يا من إليه يقصد المنيبون يا من إليه يرغب الزاهدون
يا من إليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر المحبون يا من في
عفوه يطمع الخاطئون يا من إليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل المتوكلون
اللهم إني أسألك باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب
يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير يا أقرب من كل قريب يا أحب من كل حبيب
يا أبصر من كل بصير يا أخبر من كل خبير يا أشرف من كل شريف يا أرفع من كل رفيع
يا أقوى من كل قوي يا أغنى من كل غني يا أجود من كل جواد يا أرأف من كل رؤوف
يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير
مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور
يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد يا نور النور يا منور النور يا خالق النور يا
مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نورا قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا
نورا فوق كل نور يا نورا ليس كمثله نور يا من عطاؤه شريف يا من فعله لطيف
يا من لطفه مقيم يا من إحسانه قديم يا من قوله حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل
يا من عذابه عدل يا من ذكره حلو يا من فضله عميم اللهم إني أسألك باسمك
يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا
مجمل يا من يرى ولا يرى يا من يخلق ولا يخلق يا من يهدي ولا يهدى يا من يحيي

ولا يحيى يا من يَسئل ولا يُسئل يا من يُطعِم ولا يُطعَم يا من يُجير ولا يُجار عليه يا من
يقضي ولا يُقضى عليه يا من يَحكم ولا يُحكم عليه يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفواً احد ٥١ يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم
المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى يا نعم النصير ٥٢ يا سرور
العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب التوابين يا رازق المقلين يا رجاء
المذنبين يا قرة عين العابدين يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين
والآخرين ٥٣ اللهم اني اسئلك باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا ناصرنا يا
حافظنا يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا ٥٤ يا رب النبيين والابرار يا رب
الصديقين والاخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار
يا رب الانهار والاشجار يا رب الصحاري والقفار يا رب البراري والبحار يا رب الليل والنهار
يا رب الاعلان والاسرار ٥٥ يا من نفذ في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء علمه
يا من بلغت الى كل شيء قدرته يا من لا تحصي العباد نعمه يا من لا تبلغ الخلائق شكره يا
من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال الاوهام كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه
يا من لا ترد العباد قضاءه يا من لا ملك الا ملكه يا من لا عطاء الا عطاؤه ٥٦ يا من له
المثل الاعلى يا من له الصفات العليا يا من له الآخرة والاولى يا من له الجنة المأوى
يا من له الآيات الكبرى يا من له الاسماء الحسنى يا من له الحكم والقضاء يا من له الهواء
والفضاء يا من له العرش والثرى يا من له السموات العلى ٥٧ اللهم اني اسئلك
باسمك يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور يا رؤف يا عطوف يا مسئول يا ودود يا سبوح
يا قدوس ٥٨ يا من في السماء عظمته يا من في الارض آياته يا من في كل شيء دلائله يا
من في البحار عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من يبدؤ الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع
الامر كله يا من اظهر كل شيء لطفه يا من احسن في كل شيء خلقه يا من تصرف في
الخلائق قدرته ٥٩ يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب من لا
مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا
دليل من لا دليل له يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب
له ٦٠ يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي من استكلاه يا راعي

يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه
يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي من استولاه ٦١ اللهم اني
اسئلك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق
يا سابق يا سامق ٦٢ يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل الظلمات والانوار
يا من جعل الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من قدر الخير والشر يا من خلق
الموت والحيوة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من ليس له
شريك في الملك يا من لم يكن له ولي من الذل ٦٣ يا من يعلم مراد المريدين
يا من يعلم ضمير الصامتين يا من يسمع انين الواهنين يا من يرى بكاء الخائفين يا
من يملك حوائج السائلين يا من يقبل عذر التائبين يا من لا يصلح عمل المفسدين
يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد عن قلوب العارفين يا اجود الاجودين
٦٤ يا دائم البقاء يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر الخطاء يا بديع السماء
يا حسن البلاء يا جميل الثناء يا قديم السناء يا كثير الوفاء يا شريف الجزاء ٦٥ اللهم
اني اسئلك باسمك يا ستار يا غفار يا جبار يا صبار يا بار يا مختار يا فتاح يا نفاح
يا مرتاح ٦٦ يا من خلقني وسواني يا من رزقني وربّاني يا من اطعمني وسقاني يا من
قربني وادناني يا من عصمني وكفاني يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني
يا من وفقني وهداني يا من آنسني وآواني يا من اماتني واحياني ٦٧ يا من يحق
الحق بكلماته يا من يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من
لا تنفع الشفاعة الا باذنه يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله يا من لا معقب لحكمه
يا من لا راد لقضائه يا من انقاد كل شيء لامره يا من السموات مطويات بيمينه يا من
يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته ٦٨ يا من جعل الارض مهادا يا من جعل الجبال
اوتادا يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل القمر نورا يا من جعل الليل لباسا يا من جعل
النهار معاشا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل السماء بناء يا من جعل الاشياء ازواجا
يا من جعل النار مرصادا ٦٩ اللهم اني اسئلك باسمك يا سميع يا شفيع يا رفيع يا منيع
يا سريع يا بديع يا كبير يا قدير يا خبير يا مجير ٧٠ يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد كل
حي يا حي الذي ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا يحتاج

الى حيّ يا حيّ الذي يميت كلّ حيّ يا حيّ الذي يرزق كلّ حيّ يا حيّا لم يرث الحيوة
من حيّ يا حيّ الذي يحيي الموتى يا حيّ يا قيّوم لا تأخذه سنة ولا نوم ٧١ يا من له
ذكر لا ينسى يا من له نور لا يطفأ يا من له نعم لا تعدّ يا من له ملك لا يزول
يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال لا يكيّف يا من له كمال لا يدرك يا من له قضاء
لا يردّ يا من له صفات لا تبدّل يا من له نعوت لا تغيّر ٧٢ يا ربّ العالمين يا
مالك يوم الدين يا غاية الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحبّ
الصابرين يا من يحبّ التوّابين يا من يحبّ المتطهّرين يا من يحبّ المحسنين يا من هو اعلم
بالمهتدين ٧٣ اللهمّ انّي اسئلك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط يا
مقيت يا مغيث يا معزّ يا مذلّ يا مبدئ يا معيد ٧٤ يا من هو احد بلا ضدّ يا
من هو فرد بلا ندّ يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا
حيف يا من هو ربّ بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذلّ يا من هو غنيّ بلا فقر يا من هو
ملك بلا عزل يا من هو موصوف بلا شبيه ٧٥ يا من ذكره شرف للذاكرين
يا من شكره فوز للشاكرين يا من حمده عزّ للحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين
يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين
يا من كتابه تذكرة للمتّقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته
قريب من المحسنين ٧٦ يا من تبارك اسمه يا من تعالى جدّه يا من لا اله غيره يا من
جلّ ثناؤه يا من تقدّست اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء
رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعدّ نعماؤه ٧٧ اللهمّ انّي اسئلك باسمك
يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد ٧٨
يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد
والوعيد يا من هو الوليّ الحميد يا من هو فعّال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد يا من
هو على كلّ شيء شهيد يا من هو ليس بظلّام للعبيد ٧٩ يا من لا شريك له ولا وزير
يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق
الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو
بعباده خبير بصير يا من هو على كلّ شيء قدير ٨٠ يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم

والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذرّ والنسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم
يا كاشف الضرّ والالم يا عالم السرّ والهمم يا ربّ البيت والحرم يا من خلق الاشياء
من العدم ٨١ اللهمّ انّي اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل
يا واصل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب ٨٢ يا من انعم بطوله يا من اكرم
بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزّز بقدرته يا من قدّر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا
من دبّر بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنا في علوّه يا من علا في دنوّه ٨٣ يا من
يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضلّ من يشاء يا من يعذّب
من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعزّ من يشاء يا من يذلّ من يشاء يا من يصوّر في
الارحام ما يشاء يا من يختصّ برحمته من يشاء ٨٤ يا من لم يتّخذ صاحبة ولا ولدا
يا من جعل لكلّ شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة رسلا
يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل
لكلّ شيء امدا يا من احاط بكلّ شيء علما يا من احصى كلّ شيء عددا ٨٥ اللهمّ انّي
اسئلك باسمك يا اوّل يا آخر يا ظاهر يا باطن يا برّ يا حقّ يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد
٨٦ يا خير معروف عرف يا افضل معبود عبد يا اجلّ مشكور شكر يا اعزّ مذكور
ذكر يا اعلى محمود حمد يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكبر مقصود
قصد يا اكرم مسئول سئل يا اشرف محبوب علم ٨٧ يا حبيب الباكين يا سيّد المتوكّلين
يا هادي المضلّين يا وليّ المؤمنين يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين يا منجي
الصادقين يا اقدر القادرين يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين ٨٨ يا من علا
فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من لا تحويه
الفكر يا من لا يدركه بصر يا من لا يخفى عليه اثر يا رازق البشر يا مقدّر كلّ قدر
٨٩ اللهمّ انّي اسئلك باسمك يا حافظ يا بارئ يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح
يا كاشف يا ضامن يا آمر يا ناهي ٩٠ يا من لا يعلم الغيب الّا هو يا من لا يصرف السوء
الّا هو يا من لا يخلق الخلق الّا هو يا من لا يغفر الذنب الّا هو يا من لا يتمّ النعمة الّا هو
يا من لا يقلّب القلوب الّا هو يا من لا يدبّر الامر الّا هو يا من لا ينزّل الغيث الّا هو يا من
لا يبسط الرزق الّا هو يا من لا يحيي الموتى الّا هو ٩١ يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء

يا ناصر الاولياء يا قاهر الاعداء يا رافع السماء يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء
يا كنز الفقراء يا اله الاغنياء يا اكرم الكرماء ۹۲ يا كافيا من كل شيء يا قائما
على كل شيء يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في ملكه شيء يا من لا يخفى عليه شيء يا
من لا ينقص من خزائنه شيء يا من ليس كمثله شيء يا من لا يعزب عن علمه شيء يا
من هو خبير بكل شيء يا من وسعت رحمته كل شيء ۹۳ اللهم اني اسئلك
باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا مقني يا مفني يا محيي يا مرضي يا
منجي ۹۴ يا اول كل شيء وآخره يا اله كل شيء ومليكه يا رب كل شيء وصانعه يا
بارئ كل شيء وخالقه يا قابض كل شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده يا منشئ
كل شيء ومقدره يا مكون كل شيء ومحوله يا محيي كل شيء ومميته يا خالق كل شيء
ووارثه ۹۵ يا خير ذاكر ومذكور يا خير شاكر ومشكور يا خير حامد ومحمود
يا خير شاهد ومشهود يا خير داع ومدعو يا خير مجيب ومجاب يا خير مؤنس وانيس
يا خير صاحب وجليس يا خير مقصود ومطلوب يا خير حبيب ومحبوب ۹۶ يا من هو
لمن دعاه مجيب يا من هو لمن اطاعه حبيب يا من هو الى من احبه قريب يا من هو بمن
استحفظه رقيب يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو في عظمته رحيم
يا من هو في حكمته عظيم يا من هو في احسانه قديم يا من هو بمن اراده عليم ۹۷ اللهم اني
اسئلك باسمك يا مسبب يا مرغب يا مقلب يا معقب يا مرتب يا مخوف يا محذر
يا مذكر يا مسخر يا مغير ۹۸ يا من علمه سابق يا من وعده صادق يا من لطفه
ظاهر يا من امره غالب يا من كتابه محكم يا من قضاؤه كائن يا من قرآنه مجيد يا من
ملكه قديم يا من فضله عميم يا من عرشه عظيم ۹۹ يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من
لا يمنعه فعل عن فعل يا من لا يلهيه قول عن قول يا من لا يغلطه سؤال عن سؤال
يا من لا يحجبه شيء عن شيء يا من لا يبرمه الحاح الملحين يا من هو غاية مراد المريدين
يا من هو منتهى همم العارفين يا من هو منتهى طلب الطالبين يا من لا يخفى عليه ذرة
في العالمين ۱۰۰ يا حليما لا يعجل يا جوادا لا يبخل يا صادقا لا يخلف يا وهابا لا يمل
يا قاهرا لا يغلب يا عظيما لا يوصف يا عدلا لا يحيف يا غنيا لا يفتقر يا كبيرا لا يصغر
يا حافظا لا يغفل سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا رب دعاي مشلول است كه ابن طاوس در مهج الدعوات از امام حسين ع
روايت كرده و از براي وجه تسميه اينجا در آن كتاب نقل شده و مخلص اين است كه
شبي كه حضرت امام حسين ع با حضرت امير المؤمنين ع در طواف بودند كه ناگاه شخصي آواز
حزيني شنيدند شريفتان رسيد كه استغاثه بدرگاه الله تعالى مي‌نمود و اين ابيات را
ميخواند يا من يجيب دعا المضطر في الظلم يا كاشف الضر والبلوى مع السقم
قد نام وفدك حول البيت وانتبهوا وانت يا حي يا قيوم لم تنم هب لي بجودك فضل
العفو عن جرمي يا من اليه اشار الخلق في الحرم ان كان عفوك لا يرجوه ذو سرف
فمن يجود على العاصين بالنعم پس ايشان رفتند تا نزد آن شخص و حضرت امير المؤمنين ع
از او پرسيد كه نام تو چيست گفت نام من منازل بن لاحق شيبانيست و من يك وقتي مصر
بر معاصي بودم و پدرم از غايت مهرباني مرا نصيحت ميكرد من او را ميزدم و وعظش را قبول
نمي‌نمودم تا اينكه نزد خانه كعبه آمد در روزي كه روزه بود پس بعد از آنكه نماز كرد و
طواف كرد دستها را بسوي آسمان برداشت و شكايت من بدرگاه الهي كرد و از الله
مسئلت نمود كه يكطرف من شل شود بخدا قسم كه هنوز دعاي او تمام نشده بود كه يكطرف
من شل شد و چنين كه مي‌بيني خشك بماند و من بعد از آن انابه عذر تقصيرات خود
طلبيدم و از او استدعا كردم كه در همان مكان كه مرا نفرين كرده دعا كند كه اين بلا از
من دفع شود و او اجابت من كرد تا اينكه او را بر شتري سوار كردم و مي‌آمديم كه ناگاه در عرض
راه شتر از اثر پرواز مرغ رم كرد و پدرم از شتر افتاد و بمرد و الحال در ميان مردم مشهور
و ملقب شده‌ام به المأخوذ بعقوق ابيه يعني ببلا گرفتار شده بسبب عقوق پدرش و اين معني
بر من دشوار مي‌آيد پس حضرت امير المؤمنين ع اين دعا را از براي او نوشت و فرمود كه
شب اين دعا بخوان بر حالي كه با وضو باشي و فردا بيا نزد من بر حالي كه اين بلا از تو دفع شده
باشد و توبه‌ات را الله تعالى قبول كرده باشد پس آن نوشته از آن حضرت گرفت و رفت
چون فردا شد آمد به پيش حضرت امير المؤمنين ع و بر حالي كه آن بلا از آن دفع شده بود و آن
نوشته در دستش بود و ميگفت يا امير المؤمنين ع بخدا كه اين اسم اعظم است چرا كه ديشب
گذشته چون مردم بخواب رفتند و تردد شان در مسجد الحرام كم شد دستها بسوي آسمان برداشتم
و چند بار اين دعا بخواندم و بعد از آن بخواب رفتم در خواب ديدم حضرت پيغمبر ص كه دست

مبارکش زاین من نابد و گفت که محافظت کن بر اسم اعظم الله تعالی پس ناگاه سید از شدم
بر حالی که این بلا بعافیت مبدل گشته بود الله تعالی ترا جزای خیر دهاد یا امیر المومنین و امام
حسین فرمود که در این دعا اسم اعظم است و خواندنش باعث استجابت دعا و برطرف شدن هم
و غم و کدورت و الم است زان خواندن و باعث این است که قرض ادا شود و فقر به غنا مبدل
گردد و گناهان بخشیده شود و عیبهایش پوشیده شود و باعث امنیت از شر شیطان
و سلطان است تا آخر خبر و دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم یا ذا الجلال و الاکرام یا حی یا قیوم
لا اله الا انت یا هو یا من لا یعلم ما هو و لا کیف هو و لا این هو و لا حیث هو الا هو یا
ذا الملک و الملکوت یا ذا العزة و الجبروت یا ملک یا قدوس یا سلام یا مومن یا مهیمن
یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا باری یا مصور یا مفید یا مدبر یا شدید یا مبدئ
یا معید یا مبید یا ودود یا محمود یا معبود یا بعید یا قریب یا مجیب یا رقیب یا حسیب یا بدیع
یا رفیع یا منیع یا سمیع یا علیم یا حلیم یا کریم یا حکیم یا قدیم یا علی یا عظیم یا حنان یا منان
یا دیان یا مستعان یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل یا مقیل یا منیل یا نبیل یا دلیل
یا هادی یا بادی یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا قائم یا دائم یا عالم یا حاکم یا قاضی
یا عادل یا فاصل یا واصل یا طاهر یا مطهر یا قادر یا مقتدر یا کبیر یا متکبر یا واحد یا احد
یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و لم یکن له صاحبة و لا کان معه
وزیر و لا اتخذ معه مشیرا و لا احتاج الی ظهیر و لا کان معه من اله غیره لا اله الا انت فتعالیت
عما یقول الظالمون علوا کبیرا یا علی یا شامخ یا باذخ یا فتاح یا نفاح یا مرتاح یا مفرج یا
ناصر یا منتصر یا مدرک یا مهلک یا منتقم یا باعث یا وارث یا طالب یا غالب یا من لا یفوته
هارب یا تواب یا اواب یا وهاب یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب یا من حیث ما دعی
اجاب یا طهور یا شکور یا عفو یا غفور یا نور النور یا مدبر الامور یا لطیف یا خبیر یا مجیر
یا منیر یا بصیر یا ظهیر یا کبیر یا وتر یا فرد یا ابد یا سند یا صمد یا کافی یا شافی یا وافی
یا معافی یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا متکرم یا متفرد یا من علا فقهر یا من ملک فقدر
یا من بطن فخبر یا من عبد فشکر یا من عصی فغفر یا من لا تحویه الفکر یا من لا یدرکه
بصر یا من لا یخفی علیه اثر یا رازق البشر یا مقدر کل قدر یا عالی المکان یا شدید

یا شدید الارکان یا مبدل الزمان یا قابل القربان یا ذا المن و الاحسان یا ذا العزة و
السلطان یا رحیم یا رحمن یا من هو کل یوم فی شان یا من لا یشغله شان عن شان یا عظیم
الشان یا من هو بکل مکان یا سامع الاصوات یا مجیب الدعوات یا منجح الطلبات
یا قاضی الحاجات یا منزل البرکات یا راحم العبرات یا مقیل العثرات یا کاشف الکربات
یا ولی الحسنات یا رافع الدرجات یا معطی السولات یا محیی الاموات یا جامع الشتات
یا مطلع علی النیات یا راد ما قد فات یا من لا تشتبه علیه الاصوات یا من لا تضجره
المسئلات و لا تغشاه الظلمات یا نور الارض و السموات یا سابغ النعم یا دافع النقم
یا باری النسم یا جامع الامم یا شافی السقم یا خالق النور و الظلم یا ذا الجود و الکرم
یا من لا یطا عرشه قدم یا اجود الاجودین یا اکرم الاکرمین یا اسمع السامعین یا ابصر
الناظرین یا جار المستجیرین یا امان الخائفین یا ظهر اللاجین یا ولی المومنین یا غیاث
المستغیثین یا غایة الطالبین یا صاحب کل غریب یا مونس کل وحید یا ملجا کل
طرید یا ماوی کل شرید یا حافظ کل ضالة یا راحم الشیخ الکبیر یا رازق الطفل الصغیر
یا جابر العظم الکسیر یا فاک کل اسیر یا مغنی البائس الفقیر یا عصمة الخائف المستجیر
یا من له التدبیر و التقدیر یا من العسیر علیه یسیر یا من لا یحتاج الی تفسیر یا من هو
علی کل شیء قدیر یا من هو بکل شیء خبیر یا من هو بکل شیء بصیر یا مرسل الریاح یا
فالق الاصباح یا باعث الارواح یا ذا الجود و السماح یا من بیده کل مفتاح یا سامع کل
صوت یا سابق کل فوت یا محیی کل نفس بعد الموت یا عدتی فی شدتی یا حافظی
فی غربتی یا مونسی فی وحدتی یا ولیی فی نعمتی یا کهفی حین تعیینی المذاهب و تسلمنی
الاقارب و یخذلنی کل صاحب یا عماد من لا عماد له یا سند من لا سند له یا ذخر
من لا ذخر له یا حرز من لا حرز له یا کهف من لا کهف له یا کنز من لا کنز له یا رکن من لا رکن
له یا غیاث من لا غیاث له یا جار من لا جار له یا جاری اللصیق یا رکنی الوثیق یا الهی
بالتحقیق یا رب البیت العتیق یا شفیق یا رفیق فکنی من حلق المضیق و اصرف عنی کل
هم و غم و ضیق و اکفنی شر ما لا اطیق و اعنی علی ما اطیق یا راد یوسف علی یعقوب
یا کاشف ضر ایوب یا غافر ذنب داود یا رافع عیسی بن مریم و منجیه من ایدی الیهود
یا مجیب نداء یونس فی الظلمات یا مصطفی موسی بالکلمات یا من غفر لادم خطیئته

یا جاری الصیق

ورفع ادريس مكانا عليا برحمته يا من نجى نوحا من الغرق يا من اهلك عادا الاولى
وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة اهوى يا من
دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا من اتخذ ابرهيم خليلا يا من اتخذ موسى
كليما واتخذ محمدا صلى الله عليه وآله وعليهم اجمعين حبيبا يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب
لسليمان ملكا لا ينبغي لاحد من بعده يا من نصر ذا القرنين على الملوك الجبابرة يا من اعطى
الخضر الحيوة ورد ليوشع بن نون الشمس بعد غروبها يا من ربط على قلب ام موسى يا من احصن
فرج مريم ابنت عمران يا من حصن يحيى بن زكريا من الذنب وسكن عن موسى الغضب يا من
بشر زكريا بيحيى يا من فدى اسمعيل من الذبح بذبح عظيم يا من قبل قربان هابيل و
جعل اللعنة على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد صلى الله عليه وآله صل على محمد وآل
محمد وعلى جميع المرسلين وملائكتك المقربين واهل طاعتك اجمعين واسئلك بكل
مسئلة سألك بها احد ممن رضيت عنه فحتمت له على الاجابة يا الله يا الله يا الله
يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الجلال والاكرام
يا ذا الجلال والاكرام به به به به به به به اسئلك بكل اسم سميت به نفسك
او انزلته في شيء من كتبك او استأثرت به في علم الغيب عندك وبمعاقد العز من
عرشك وبمنتهى الرحمة من كتابك وبما لو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر يمده
من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم واسئلك باسمائك الحسنى
التي نعتها في كتابك فقلت ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني استجب لكم
وقلت واذا سألك عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان وقلت يا عبادي
الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور
الرحيم وانا اسئلك يا الهي وادعوك يا رب وارجوك يا سيدي واطمع في اجابتي يا مولاي
كما وعدتني وقد دعوتك كما امرتني فافعل بي ما انت اهله يا كريم والحمد لله رب العالمين
وصلى الله على محمد وآله اجمعين پس حاجت خود را بطلب دعای معراج است
که در مصباح کفعمی نقل شده از حضرت علی که از حضرت رسول نقل کرده با فضایل بسیار
واز جمله انها اینست که خواندنش باعث این است که عطا کند الله تعالی باو انچه بپیغمبران و صدیقان
عطا کرده و کشوده شود درهای ایمان ازبرای او و نظر کند الله بر او در هر روزی سیصد و

شصت نظر و نظر کند فرشته که عملت را ازسر گیر الله تعالی بخشید ترا و مادر و پدر ترا و هم سایگان
ترا و تبدیل کرد سیئات ترا بحسنات و عطا کرد بتو ثواب عبادت هفتاد هزار سال و خبر
مطولست ازبسیار اند که نقل شده و دعا اینست اللهم اني اسئلك يا من اقر له بالعبودية
كل معبود يا من يحمده كل محمود يا من يفزع اليه كل مجهود يا من يطلب عنده كل مفقود
يا من سائله غير مردود يا من بابه عن سؤاله غير مسدود يا من هو غير موصوف ولا
محدود يا من عطاؤه غير ممنوع ولا منكود يا من هو لمن دعاه ليس ببعيد وهو نعم المقصود
يا من نجاة عباده بحبله مشدود يا من شبهه ومثله غير موجود يا من ليس بوالد ولا
مولود يا من كرمه وفضله ليس بمحدود يا من حوض بره للانام مورود يا من لا يوصف
بقيام ولا قعود يا من لا يجري عليه حركة ولا جمود يا الله يا رحمن يا رحيم يا ودود يا
راحم الشيخ الكبير يعقوب يا غافر ذنب داود يا من لا يخلف الوعد ويعفو عن الموعود
يا من رزقه وستره للعاصين ممدود يا من هو ملجأ كل مقص مطرود يا من دان له
جميع خلقه بالسجود يا من ليس عن نيله وجوده احد مصدود يا من لا يحيف في حكمه
يحلم عن ظالم العبود ارحم عبدا خاطئا لم يوف بالعهود انك فعال لما تريد يا ذا
الودود صل على محمد خير مبعوث داعي الى خير معبود وعلى آله الطيبين الطاهرين اهل
الكرم والجود وافعل بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين و بعد از ان حاجت خود طلب
دعای جامع است که در مهج الدعوات ابن طاوس نقل شده از علی که از حضرت پیغمبر
شنیده و فضل بسیار دران ازبرای خواننده این دعا وارد شده خصوصا ازبرای کسی که در یک
عمر صد بار خوانده باشد و دعا اینست لا اله الا الله في علمه منتهى رضاه لا اله الا الله بعد
علمه منتهى رضاه لا اله الا الله مع علمه منتهى رضاه الله اكبر في علمه منتهى رضاه الله
اكبر بعد علمه منتهى رضاه الله اكبر مع علمه منتهى رضاه الحمد لله في علمه منتهى رضاه
الحمد لله بعد علمه منتهى رضاه الحمد لله مع علمه منتهى رضاه سبحان الله في علمه منتهى
رضاه سبحان الله بعد علمه منتهى رضاه سبحان الله مع علمه منتهى رضاه والحمد لله
بجميع محامده على جميع نعمه وسبحان الله وبحمده منتهى رضاه في علمه والله اكبر وحق
له ذلك لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم لا اله الا الله نور السموات
السبع ونور الارضين السبع ونور العرش العظيم لا اله الا الله تهليلا لا يحصيه غيره قبل

كل احد و مع كل احد و بعد كل احد الله اكبر تكبيرا لا يحصيه غيره قبل كل احد
و مع كل احد و بعد كل احد الحمد لله تحميدا لا يحصيه غيره قبل كل احد و مع كل احد
و بعد كل احد سبحان الله تسبيحا لا يحصيه غيره قبل كل احد و مع كل احد و بعد
كل احد اللهم اني اشهدك و كفى بك شهيدا فاشهد لي انك قولك حق و فعلك حق و
ان قضاءك حق و ان رسلك حق و ان اوصياءك حق و ان رحمتك حق و ان جنتك حق و
ان نارك حق و ان قيامتك حق و انك مميت الاحياء و انك محيي الموتى و انك باعث من في القبور
و انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه و انك لا تخلف الميعاد اللهم اني اشهدك و كفى بك
شهيدا فاشهد لي انك ربي و ان محمدا صلواتك عليه و آله رسولك نبيي و ان الاوصياء من
بعده ائمتي و ان الدين الذي شرعت ديني و ان الكتاب الذي انزلت على محمد رسولك صلواتك
عليه و آله نوري اللهم اني اشهدك و كفى بك شهيدا فاشهد لي انك انت المنعم علي لا
غيرك لك الحمد و بنعمتك تتم الصالحات لا اله الا الله عدد ما احصى علمه و مثل ما احصى
علمه و ملء ما احصى علمه و اضعاف ما احصى علمه الله اكبر عدد ما احصى علمه و مثل
ما احصى علمه و ملء ما احصى علمه و اضعاف ما احصى علمه و ملء ما احصى علمه و الحمد لله عدد
ما احصى علمه و مثل ما احصى علمه و ملء ما احصى علمه و اضعاف ما احصى علمه و سبحان الله
عدد ما احصى علمه و مثل ما احصى علمه و ملء ما احصى علمه و اضعاف ما احصى علمه
لا اله الا الله و الله اكبر و الحمد لله و سبحان الله و بحمده و تبارك الله و تعالى و لا حول و لا
قوة الا بالله العلي العظيم و لا ملجا و لا منجى من الله الا اليه عدد الشفع و الوتر و عدد كلمات
ربي الطيبات التامات المباركات صدق الله و صدق المرسلون — دعاي
حرز یمانی است و این دعا در مهج الدعوات از عبد الله بن عباس و عبد الله جعفر طیار رضی الله
عنهما روایت کرده که گفتند یکروز نزد حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام بودیم که حضرت امام
حسن هم از در درآمد و گفت یا امیر المؤمنین بر در خانه مردی ایستاده است و اجازه میخواهد که نزد
شما آید حضرت امیر فرمودند که اجازه ده که درآید چون درآمد مردی بود خوش قد و خوش شکل فصیح
زبان فاضل بیان لباس او چون لباس پادشاهان بود گفت السلام علیکم یا امیر المؤمنین و رحمة الله
و برکاته من مردی ام از اقصی بلاد یمن و از اکابر و اشراف عرب نزد شما آمده ام و در شهر خود ملکی
عظیم و نعمتی وافی و دعاها بمعمور داشتم و در نهایت خوبی و آسایش بودم مرا دشمنی پیدا شد در

و بر من زور آورد و مرا مغلوب ساخت بزیادتی قوم و مدد کاران مرا در دفع و رفع او حیلتی و چاره
نیست و اکنون در خواب دیدم که یکی نزد من آمد و گفت برخیز نزد بهترین خلق خدا بعد پیغمبر که امیر
المؤمنین است برو و از او سؤال کن که دعایی که از حضرت حبیب خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و
آله و سلم آموخته بتو بیاموزد که در آن دعا نامهای بزرگ خداست برای دفع دشمنان و دعا
کن که از تو دفع شود یا امیر المؤمنین چون این واقعه را دیدم از خواب بیدار شدم هیچ توقف
نکردم و با چهار نفر غلام متوجه خدمت تو شدم و خدا گواه است و قوم گواه این باش که همه
ایشان را آزاد کردم لوجه الله تعالی و نیز نذر کردم از جهت دفع و محنت و مشقت در راه بسیار
کشیدم بر من منت نه بفضل و کرم خود بحق پیغمبر و خویشی که در میان است و آن دعایی که
در واقعه دیدم و خبر کرده اند بمن بیاموز حضرت مرتضی علی فرمودند که انشاء الله تعالی ترا
تعلیم میکنم و کاغذ و دوات و قلم طلب فرمودند و آن دعا را بخط او نوشتند و باو دادند که
دعا اینست و او را امر نمودند بدعای ... و عجز بیمانی کردند و الله اعلم بالصواب اللهم انت
الملك الحق الذي لا اله الا انت و انا عبدك ظلمت نفسي و اعترفت بذنبي فاغفر لي
الذنوب لا اله الا انت يا غفور اللهم اني احمدك و انت للحمد اهل على ما خصصتني به
من المواهب الرغائب و وصل الي من فضائل الصنائع على ما اوليتني به و توليتني به من
رضوانك و انلتني به من منك الواصل الي و من الدفاع عني و التوفيق لي و الاجابة
لدعائي حين اناجيك راغبا و ادعوك مصافيا و حين ارجوك فاجدك في المواطن كلها
لي جابرا و في اموري ناظرا و لذنوبي غافرا و لعوراتي ساترا لم اعدم خيرك طرفة عين
منذ انزلتني دار الاختبار لتنظر ماذا اقدم لدار القرار فانا عتيقك اللهم من جميع المصائب
و اللوازب و الغموم التي ساورتني فيها الهموم بمعاريض القضاء و مصروف جهد البلاء
لا اذكر منك الا الجميل و لا ارى منك غير التفضيل خيرك لي شامل و فضلك علي متواتر
و نعمك عندي متصلة سوابغ لم تحقق حذاري بل صدقت رجائي و صاحبت اسفاري
و اكرمت احضاري و شفيت امراضي و عافيت اوصابي و احسنت منقلبي و مثواي و لم
تشمت بي اعدائي و رميت من رماني و كفيتني شر من عاداني اللهم كم من عدو انتضى
علي سيف عداوته و شحذ لي ظبة مديته و ارهف لي شبا حده و داف لي قواتل سمومه
و سدد لي صوائب سهامه و اضمر ان يسومني المكروه و يجرعني ذعاف مرارته فنظرت

يا الهي الى ضعفي عن احتمالي الفوادح وعجزي عمن قصدني بمحاربته ووحدتي في كثير من ناواني
وارصد لي فيما لم اعمل فيه فكري في الانتصار في مثله فابتدأتني يا رب بعونك و
شددت ايدي ازري بنصرك ثم فللت لي سلاحه وصيرته بعد جمع عديد وحده
واعليت كعبي عليه ورددته خسيرا لم يشف غليله ولم تبرد حزازات غيظه قد عض
على شواه وادبر موليا قد اخلفت سراياه واخلقت اماله اللهم وكم من باغ بغى
علي بمكائده ونصب لي شرك مصائده وضبأ الي اضباء السبع لطريدته وانتهز
فرصته واللحاق بفريسته وهو مظهر بشاشة الملق ويبسط الي وجها طلقا فلما رايت
يا الهي دغل سريرته وقبح طويته انكسته لام راسه في زبيته واركسته في مهوى
حفيرته وانكصته على عقبه ورميته بحجره ونكاته بمشقصه وخنقته بوتره و
رددت كيده في نحره وربقته بندامته فاتخاذل وتضاءل بعد نخوته وبخع وانقمع
بعد استطالته ذليلا ماسورا في حبائله التي كان يحب ان يراني فيها وقد كدت
لولا رحمتك ان يحل بي ما حل بساحته فالحمد لرب مقتدر لا ينازع ولولي ذي
اناة لا يعجل وقيوم لا يغفل وحليم لا يجهل وناديتك يا الهي مستجيرا بك واثقا بسرعة
اجابتك متوكلا على ما لم ازل اعرفه من حسن دفاعك عني عالما انه لم يضطهد
من اوى الى ظل كنفك ولا تقرع القوارع من لجأ الى معقل الانتصار بك فحصنتني
يا رب بقدرتك ونجيتني من باسه بسطوتك ومنك اللهم ومنك اللهم وكم من سحاب
مكروه جليتها وسماء نعمة امطرتها وجداول كرامة اجريتها واعين احداث طمستها
وناشي رحمة نشرتها وغواشي كرب فرجتها وغيم بلاء كشفتها وجنة عافية
البستها وامور حادثة قدرتها لم تعجزك اذ طلبتها فلم تمتنع منك اذ اردتها اللهم
وكم من حاسد تولاني بحسده وسلقني بحد لسانه ووحرني بقرف عيوبه وجعل عرضي
غرضا لمراميه وقلدني خلالا لم تزل فيه فكفيتني امره اللهم وكم من ظن حسن حققت
وعدم املاق جبرت واوسعت وكم من عثرة اقلت وكم من كربة نفست ومن مسكنة
حولت ومن نعمة خولت لا تسأل عما تفعل ولقد تسأل وهم يسألون ولا بما اعطيت
تبخل ولقد سئلت فبذلت ولم تسأل فابتدأت واستميح فضلك فما اكديت ابيت الا
انعاما وامتنانا وتطولا وابيت الا تقحما على معاصيك وانتهاكا لحرماتك وتعديا

وتعديا لحدودك وغفلة عن وعيدك وطاعة لعدوي وعدوك لم تمتنع عن اتمام
احسانك وتتابع امتنانك ولم تحجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك اللهم وهذا
مقام المعترف لك بالتقصير عن اداء حقك الشاهد على نفسه بسبوغ نعمتك وحسن
كفايتك فهب لي يا الهي ما اصل به الى رحمتك واتخذه سلما اعرج فيه الى مرضاتك
وآمن به من عقابك فانك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد وانت على كل شيء قدير اللهم
حمدي لك متواصل وثنائي عليك دائم من الدهر الى الدهر بالوان التسبيح وفنون
التقديس خالصا لذكرك ومرضيا لك بناصح التوحيد ومحض التحميد وطول التعديد
في اكذاب اهل التنديد لم تعن في شيء من قدرتك ولم تشارك في الهيتك ولم تعاين
اذ حبست الاشياء على الغرائز المختلفات وفطرت الخلائق على صنوف الهيئات
ولا خرقت الاوهام حجب الغيوب اليك فاعتقدت فيك محدودا في عظمتك ولا كيفية
في ازليتك ولا ممكنا في قدمك ولا يبلغك بعد الهمم ولا ينالك غوص الفطن ولا
ينتهي اليك نظر الناظرين في مجد جبروتك وعظيم قدرتك ارتفعت عن صفات
المخلوقين صفة قدرتك وعلا عن ذلك كبرياء عظمتك لا ينقص ما اردت ان
يزداد ولا يزداد ما اردت ان ينقص ولا احد شهدك حين فطرت الخلق ولا ضد
حضرك حين برات النفوس كلت الالسن عن تفسير صفتك وانحسرت العقول عن كنه
معرفتك وكيف تدركك الصفات او تحويك الجهات وانت الجبار القدوس الذي
لم تزل ازليا دائما في الغيوب وحدك ليس فيها غيرك ولم يكن لها سواك حارت
في ملكوتك عميقات مذاهب التفكير وحسر عن ادراكك بصر البصير وتواضعت الملوك
لهيبتك وعنت الوجوه بذل الاستكانة لعزتك وانقاد كل شيء لعظمتك واستسلم
كل شيء لقدرتك وخضعت لك الرقاب بسلطانك وضل هنالك التدبير في تصاريف
الصفات لك فمن تفكر في ذلك رجع طرفه اليه حسيرا وعقله مبهوتا مبهورا وفكره
متحيرا اللهم فلك الحمد حمدا متواترا متواليا متسقا مستوثقا يدوم ولا يبيد غير مفقود
في ملكوت ولا مطموس في العالم ولا منتقص في العرفان فلك الحمد حمدا لا تحصى
مكارمه في الليل اذا ادبر وفي الصبح اذا اسفر وفي البر والبحر بالغدو والاصال
والعشي والابكار والظهيرة والاسحار اللهم بتوفيقك قد احضرتني النجاة وجعلتني

منك في ولاية العصمة ولم تكلفني فوق طاقتي ولم ترض عني إلا بطاعتي فليس شكري
وإن دأبت منه في المقال وبالغت منه في الفعال ببالغ أداء حقك ولا مكافٍ
فضلك لأنك أنت الله لا إله إلا أنت لم تغب عنك غائبة ولا تخفى عليك خافية
ولا تضل لك في ظلم الخفيات ضالة إنما أمرك إذا أردت شيئا أن تقول له كن
فيكون اللهم لك الحمد مثل ما حمدت به نفسك وحمدك به الحامدون ومجدك
به الممجدون وكبرك به المكبرون وعظمك به المعظمون حتى يكون لك مني وحدي
في كل طرفة عين وأقل من ذلك مثل حمد الحامدين وتوحيد أصناف المخلصين وتقديس
أحبائك العارفين وثناء جميع المهللين ومثل ما أنت به عارف ومحمود به من جميع
خلقك من الحيوان والجماد وأرغب إليك اللهم في شكر ما أنطقتني به من حمدك
فما أيسر من ذلك ما كلفتني به وأعظم ما وعدتني على شكرك ابتدأتني بالنعم
فضلا وطولا وأمرتني بالشكر حقا وعدلا ووعدتني عليه أضعافا ومزيدا وأعطيتني
من رزقك اعتبارا وامتحانا وسألتني منه قرضا يسيرا صغيرا ووعدتني عليه أضعافا و
مزيدا عطاء كثيرا وعافيتني من جهد البلاء ولم تسلمني للسوء من بلائك ومنحتني العافية
ووليتني بالبسطة والرخاء وضاعفت لي الفضل مع ما وعدتني به من المحلة
الشريفة وبشرتني من الدرجة الرفيعة المنيعة واصطفيتني بأعظم النبيين دعوة و
أفضلهم شفاعة محمد صلى الله عليه وآله اللهم اغفر لي ما لا يسعه إلا مغفرتك
ولا يمحقه إلا عفوك وهب لي في يومي هذا وساعتي هذه يقينا يهون علي مصيبات
الدنيا وأحزانها ويشوق إليك ويرغب فيما عندك واكتب لي المغفرة وبلغني
الكرامة وارزقني شكر ما أنعمت به علي فإنك أنت الله الواحد الرفيع البدئ البديع
العليم السميع الذي ليس لأمرك مدفع ولا عن قضائك ممتنع وأشهد أنك أنت الله
ربي ورب كل شيء فاطر السماوات والأرض عالم الغيب والشهادة العلي الكبير
اللهم إني أسألك الثبات في الأمر والعزيمة في الرشد وإلهام الشكر على نعمتك
وأعوذ بك من جور كل جائر وبغي كل باغ وحسد كل حاسد اللهم بك أصول
على الأعداء وإياك أرجو ولاية الأحباء مع ما لا أستطيع إحصاءه من فوائد
فضلك وأصناف رفدك وأنواع رزقك فإنك أنت الله لا إله إلا أنت الفاشي في

الفاشي في الخلق حمدك الباسط بالجود يدك لا تضاد في حكمك ولا تنازع في سلطانك
وملكك ولا تراجع في أمرك تملك من الأنام ما شئت ولا يملكون إلا ما تريد أنت
المنعم المفضل القادر القاهر المقدس في نور القدس ترديت بالعزة والمجد وتعظمت
بالقدرة والكبرياء وتغشيت بالنور والبهاء وتجللت بالبهاء والمهابة اللهم
لك الحمد العظيم والمن القديم والسلطان الشامخ والحول الواسع والقدرة الجامعة والحمد
السابغ الذي لا ينفد بالشكر سرمدا ولا ينقضي القدرة أبدا إذ جعلتني من أفاضل
بني آدم وجعلتني سميعا بصيرا صحيحا سويا معافى لم تشغلني بنقصان في بدني ولا بآفة
في جوارحي ولا عاهة في نفسي ولا في عقلي ولم يمنعك كرامتك إياي وحسن صنيعك
عندي وفضل نعمائك علي إذ وسعت علي في الدنيا وفضلتني على كثير من أهلها تفضيلا
وجعلتني سميعا أعي ما كلفتني به بصيرا أرى قدرتك بما ظهر لي واسترعيتني قلبا يشهد
لعظمتك ولسانا ناطقا بتوحيدك فإني لفضلك علي حامد ولتوفيقك إياي بحمدك شاكر
وبحقك شاهد وإليك في ملمي ومهمي ضارع لأنك حي قبل كل حي وحي بعد كل
ميت وحي ترث الأرض ومن عليها وأنت خير الوارثين اللهم لا تقطع عني خيرك في كل
وقت ولم تنزل بي عقوبات النقم ولم تغير ما بي من النعم ولا أخليتني من وثيق العصمة
فلو لم أذكر من إحسانك إلي وإنعامك علي إلا عفوك عني والاستجابة لدعائي حين
رفعت رأسي وأنعمتني بتحميدك وبتمجيدك لا في تقديرك جزيل حظي حين وفرته انتقص
ملكك ولا في قسمة الأرزاق حين قترت علي توفر ملكك اللهم لك الحمد عدد ما
أحاط به علمك وعدد ما أدركته قدرتك وعدد ما وسعته رحمتك وأضعاف ذلك
كله حمدا واصلا متواترا إلا آلائك وأسمائك اللهم فتمم إحسانك إلي فيما بقي من عمري كما
أحسنت فيما مضى منه فإني أتوسل إليك بتوحيدك وتهليلك وتمجيدك وتكبيرك و
تعظيمك وأسألك باسمك الذي خلقته من ذلك فلا يخرج منه إلا إليك الروح
المكنون الحي الحي الحي وبه وبه وبه وبه وبك إلا تحرمني رفدك وفوائد كرامتك
ولا تولني غيرك ولا تسلمني إلى عدوي ولا تكلني إلى نفسي وأحسن إلي أتم الإحسان
عاجلا وآجلا وحسن في العاجلة عملي وبلغني فيها أملي وفي الآجلة والخير منقلبي فإنه لا تغير
كثرة ما يتدفق به فضلك وسيب العطايا من منك ولا ينقص جودك تقصيري في شكر

ولم تنزل بي عقوبات النقم

بِنِعَمِكَ وَلَا تَعْجَزُ خَزَائِنُ نِعَمِكَ النِّعَمَ وَلَا يَنْقُصُ عَظِيمُ مَوَاهِبِكَ مِنْ سَعَتِكَ الْإِعْطَاءُ وَلَا يُؤَثِّرُ فِي
جُودِكَ الْكَرِيمِ الْفَاضِلِ الْجَلِيلِ مِنَحُكَ وَلَا تَخَافُ ضَيْمًا فَتُكْدِي وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفُ عَدَمٍ فَيَنْقُصَ
فَيْضُ مُلْكِكَ وَفَضْلِكَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا صَادِقًا بِالْحَقِّ صَادِعًا وَلَا تُؤْمِنِّي
مَكْرَكَ وَلَا تُقَنِّطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُوَلِّنِي غَيْرَكَ وَلَا
تُغَيِّرْ نِعَمَكَ بِسُوءِ ابْتِلَائِكَ وَلَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ عَوَائِدِكَ وَكُنْ لِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ أَنِيسًا وَفِي كُلِّ جَزَعٍ حِصْنًا
وَمِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ غِيَاثًا وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَخَطَاءٍ وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ زَلَلٍ وَخَطَلٍ وَتَمِّمْ لِي فَوَائِدَ
وَفِيِّ وَعْدِكَ وَاصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عَذَابِكَ وَتَدْمِيرَ تَنْكِيلِكَ وَشَرِّفْنِي بِحِفْظِ كِتَابِكَ وَأَصْلِحْنِي وَ
أَصْلِحْ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَوَسِّعْ رِزْقِي وَأَدِرَّهُ عَلَيَّ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ وَلَا
تُعْرِضْ عَنِّي اَللّٰهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي وَانْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَآثِرْنِي
وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْرًا وَفَرَجًا وَعَجِّلْ إِجَابَتِي وَاسْتَنْقِذْنِي مِمَّا قَدْ نَزَلَ بِي إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذٰلِكَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ فصل ... دراد عبن ... از
ازالحاله دعاي ناموس قدرت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِلٰهِي قَدْ تَلَاطَمَتْ
أَمْوَاجُ نَامُوسِ قُدْرَتِكَ وَظَهَرَ فِي كُلِّ مَقْدُورٍ آثَارُ قُدْرَةٍ عَجِيبَةٍ غَرِيبَةٍ لَا يَبْلُغُ كُنْهَهَا عُقُولُ
الْعُقَلَاءِ وَفُهُومُ الْعُلَمَاءِ وَأَوْهَامُ الْحُكَمَاءِ فَكُلُّ شَيْءٍ فِي قَبْضَةِ قُدْرَتِكَ أَسِيرٌ وَإِنَّ ذٰلِكَ عَلَيْكَ
سَهْلٌ يَسِيرٌ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا شَدِيدًا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَسْأَلُكَ مَدَدًا مِنْ حِكْمَتِكَ وَ
أَسْأَلُكَ مَدَدًا مِنْ سُلْطَانِكَ وَأَسْأَلُكَ مَدَدًا مِنْكَ لِتَسْخِيرِ كُلِّ مُتَمَرِّدٍ وَتَلْيِينِ كُلِّ صَعْبٍ وَإِذْلَالِ
كُلِّ جَبَّارٍ وَقَهْرِ كُلِّ عَنِيدٍ وَمَحْقِ كُلِّ خَصِيمٍ وَإِزْهَاقِ كُلِّ مُنَافِقٍ ذِي شِقَاقٍ مِنَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَالْهَوَامِّ
فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْمُكَوَّنَاتِ الْأَوَّلِينَ بِبَدِيعِ حَرَكَتِهِ وَكَثْرَةِ شِدَّةِ شَكِيمَتِهِ وَفَرْطِ عُتُوِّهِ وَتَمَرُّدِهِ
بِعِزَّتِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا مُعِزُّ يَا مُذِلُّ يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ يَا رَبِّ
... اين دعاي عظيم است از براي فتح ابواب خيرات است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ يَا فَاتِحَ الْهُمُومِ وَيَا كَاشِفَ الْغُمُومِ وَيَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا
يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللّٰهُ يَا رَبُّ يَا مَلِكُ وَيَا مَنْ لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَيَا مَالِكَ الرِّقَابِ وَيَا مُنْشِئَ السَّحَابِ وَ
يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ وَيَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ كَرَامَتِكَ وَأَبْوَابَ نِعَمِكَ وَأَبْوَابَ
رَحْمَتِكَ وَأَبْوَابَ رِزْقِكَ وَأَبْوَابَ جُودِكَ وَأَبْوَابَ خَيْرِكَ وَأَبْوَابَ شُكْرِكَ وَأَبْوَابَ عَمَلِكَ

طَاعَتِكَ وَأَبْوَابَ عِنَايَتِكَ وَأَبْوَابَ إِحْسَانِكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا لَطِيفًا لِمَا يَشَاءُ
اسْمَعْ كَلَامِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ... بجهت خوف زوال نعمت يَا مَنْ
نِعَمُهُ يَا تَغَيُّرِ عَافِيَتِي بِدَعَا بخواند ومداومت نمايد يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا وَاحِدُ يَا مَجِيدُ يَا بَرُّ يَا كَرِيمُ
يَا رَحِيمُ يَا غَنِيُّ يَا مُغْنِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ وَهَبْ لَنَا كَرَامَتَكَ وَأَلْبِسْنَا
عَافِيَتَكَ ... اين دعا منقول است از خط بعضي اعاظم از براي شدائد ومضايق ابواب
أَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِينَ بَاطِلٌ غَيْرَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ
قَدْ تَرَى مَا أَنَا فِيهِ فَفَرِّجْ عَنِّي يَا كَرِيمُ ... از حضرت صادقه مرويست بجهت دفع
شدائد وبلا يا حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ده مرتبه
حَسْبِيَ اللّٰهُ لِمَا أَهَمَّنِي حَسْبِيَ اللّٰهُ لِمَنْ بَغَى عَلَيَّ حَسْبِيَ اللّٰهُ لِمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ ده مرتبه ديگر
بجهت فتح وفرج لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُفَرِّجُ كُلِّ كَرْبٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ
مُفَرِّجُ كُلِّ غَيْبٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كَاشِفُ كُلِّ كُرْبَةٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ لَا
إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَافِعُ كُلِّ حَسَنَةٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ دَافِعُ كُلِّ سَيِّئَةٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَالِمُ كُلِّ
خَفِيَّةٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ
مُشْفِقٌ مِنْهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ رَاغِبٌ إِلَيْهِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ رَاهِبٌ مِنْهُ لَا
إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ مُطِيعٌ لَهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ ذَلِيلٌ لَهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ فَقِيرٌ
إِلَيْهِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي قَبْضَتِهِ وَالنَّوَاصِي كُلُّهَا بِيَدِهِ
وَالْمَلَائِكَةُ مُشْفِقُونَ مِنْ خَشْيَتِهِ لِلّٰهِ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا دَائِمًا بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا ... دعاي عجيب غريبست از براي نزول بلا اَللّٰهُمَّ
سَكِّنْ هَيْبَةَ صَدْمَةِ قَهْرَمَانِ الْجَبَرُوتِ بِالْأَلْطَافِ الْخَفِيَّةِ النَّازِلَةِ الْوَارِدَةِ مِنْ فَيَضَانِ الْمَلَكُوتِ
حَتّٰى نَتَشَبَّثَ بِأَذْيَالِ لُطْفِكَ وَنَعْتَصِمَ بِكَ مِنْ إِنْزَالِ قَهْرِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْكَامِلَةِ وَالْقُدْرَةِ
الشَّامِلَةِ ... بجهت حاجت بخواند إِلٰهِي حُجَّتِي حَاجَتِي وَوَسِيلَتِي فَاقَتِي أَدْعُوكَ اضْطِرَارًا
وَأَنْتَ تُجِيبُنِي اخْتِيَارًا إِلٰهِي بِسُوءِ مَا عِنْدِي أَخْشَاكَ وَبِفَضْلِ مَا عِنْدَكَ أَرْجُوكَ فَلَا تَمْنَعْنِي
فَضْلَ مَا عِنْدَكَ لِسُوءِ مَا عِنْدِي يَا مَوْلَايَ يَا إِلٰهِي افْعَلْ بِي مَا يَفْعَلُ الْكَرِيمُ بِأَهْلِهِ فَإِنَّ
الْكَرِيمَ إِذَا قَدَرَ عَفَا ... دعاي سنغا است إِلٰهِي أَشْكُو إِلَيْكَ قَسْوَةَ قَلْبِي وَ
غَلَبَةَ شَهَوَاتِي وَمَا أَحَاطَ بِي مِنْ خَطِيئَتِي وَانْغَمَسْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي فَقِنِي يَا إِلٰهِي عَوَاقِبَهُ

واصرف عني مساوي عقابه ومنّ علي بالتوبة اليك منه والقبول لصالح قولي ولا
تعاقبني على شيء منه في حيوتي وبعد مماتي بحمة مهمات اسم لطيف يا لطيف را صد
نود و دو مرتبه بگويد و بعد از آن بخواند بسم الله الرحمن الرحيم الهي انت
اللطيف الخبير لطفت فتيسرت كل عسير وانعمت فجبرت كل كسير يا لطفت بي سيدي في
ابتدائي فتمم لطفك في اموري بقبولك انتهائي من لطفك تكلفني دون الطاقة
وانعامك فوق الكفاية يا عالما بالغوامض من غير مرشد ولا دلائل لا تجعل بيني
وبين لطفك حائلا الهي رأيت فسترت واعطيت فوفرت وانعمت واجزلت و
علمت فاجملت فانت لا لطف الاشباح بحنايب رحمتك وكاشف الارواح بحقايق
احديتك سيدي ان اطعتك فبفضلك وان عصيتك فبجهلي فبك توسلت الى
والحجة قائمة علي يا من تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور اجرلي لطفك في جميع
الامور اللهم اني اسئلك واتوسل اليك واقسم بك عليك فكما كنت دليلي عليك
فكن لي شفيعا اليك وبسر هذا الاسم الشريف وما حوى من الاسرار المخزونة واللطايف
الطاهرة المكنونة ان تشرح لي سرا من لطفك الخفي قبل نزول المحن يا لطيفا اسرع [illegible]
لتفريج الكرب في اوقات الشدائد الله لطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوي العزيز
وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على
المرسلين والحمد لله رب العالمين در ادعيه انبيا و ائمه عليهم السلام است اول ادعيه
انبيا دعاي آدم است كه در جوامع ذكر نموده كه گفت و توبه اش قبول شد ربنا ظلمنا انفسنا و
ان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين و بعضي گفته اند اين كلمات الهي لا اله الا
انت ظلمت نفسي فاغفر لي فانه لا يغفر الذنوب الا انت بنا بر قول بعضي اسما اصحاب كهف
دعاي نوح [illegible] چون نظر [illegible] كرد و طوفان [illegible] كرد تسبيح [illegible] رسانيد [illegible] تعالى
[illegible] لا اله الا الله گفت و ترسش برطرف شد دعاي ابرهيم عليه السلام
و دعاي [illegible] است كه در روز [illegible] خواهد شد دعاي يعقوب كه بخواند و روشن
[illegible] يوسف رسيد يا ذا المعروف الدائم الذي لا ينقطع ولا يحصيه غيره [illegible] دعاي
يوسف كه در چاه خواند نجات يافت و در مصر [illegible] از كيد زنان خلاص شد و پادشاهي
رسيد چنانچه [illegible] علي بن ابرهيم مذكور است اللهم اني اسئلك بان لك الحمد لا اله الا

انت المنان بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تجعل لي من امري فرجا ومخرجا وان ترزقني من حيث احتسب ومن حيث
لا احتسب و در كتاب زبدة البيان ذكر كرده كه [illegible] حضرت را در چاه [illegible]
اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك فاني اتوجه اليك بوجوه آبائي
الصالحين ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب و از حضرت صادق [illegible] دعا
بكنيم بايد [illegible] فرمود باين نحو بگويند اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك
فاني اتوجه اليك بوجه نبيك نبي الرحمة وعلي و فاطمة والحسن والحسين والائمة
عليهم السلام و سؤال كنند حاجت خود را و در كتاب مهج گفته در چاه اين دعا خواند
يا صريخ المستصرخين ويا غوث المستغيثين ويا مفرج كرب المكروبين قد ترى
مكاني وتعرف حالي ولا يخفى عليك شيء من امري و در كتاب مجتبى [illegible] يا لطيفا
فوق كل لطيف الطف بي في جميع احوالي بما تحب وترضى في دنياي وآخرتي
دعاي هود [illegible] از حضرت پيغمبر مرويست كه دعا ميكند بنده مؤمن باين دعا مگر اينكه
مستجاب مي شود دعاي او وما علينك يا رب لو رضيت عني كل من له قبلي تبعة
وغفرت لي ما بيني وبينك وادخلتني الجنة فان مغفرتك للظالمين دعاي [illegible]
لا اله الا الله الحليم الكريم سبحان الله رب السموات السبع ورب العرش العظيم
والحمد لله رب العالمين اللهم اني ادرأ بك في نحره واعوذ بك من شره واستعينك
عليه فاكفنيه بما شئت [illegible] وهو سبحان الله كما ينبغي لله والحمد لله كما ينبغي لله
ولا اله الا الله كما ينبغي لله ولا حول ولا قوة الا بالله وصلى الله على محمد وعلى
اهل بيته وعلى جميع المرسلين حتى يرضى الله دعاي خضر والياس بسم الله ما شاء الله
لا قوة الا بالله ما شاء الله كل نعمة من الله ما شاء الله الخير كله بيد الله عز وجل ما
شاء الله لا يصرف السوء الا الله دعاي يونس و از حضرت پيغمبر مرويست كه فرمود
[illegible] كلمه را كه [illegible] بگويد [illegible] خدا فرج ميدهد [illegible] و فرج [illegible]
او را و دعا ميكند باين بنده مسلمي مگر آنكه مستجاب كرده ميشود دعاي او و آن دعاي
[illegible] يونس است كه خدا در قرآن ميفرمايد لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
الظالمين و طبرسي در جوامع ذكر كرده كه قوم يونس چونكه رسيد [illegible] از عذاب الهي گفتند

اللهم ان ذنوبنا قد عظمت وجلّت وانت اعظم منها واجلّ فافعل بنا ما انت اهله
ولا تفعل بنا ما نحن اهله و ایضا دعای جوامع کفته که ایشان کفتند یا حیا حین لا حی یا محیی
الموتی یا حی لا اله الا انت پس منکشف شد از ایشان عذاب و دعای داود اللهم
لك الحمد دائما بدوامك ولك الحمد باقیا مع بقائك ولك الحمد خالدا مع خلودك ولك
الحمد باقیا مع بقائك ولك الحمد کما ینبغی لکرم وجهك وعز جلالك یا ذا الجلال والاکرام
ایضا دعای سلیمان ع مرویست که خواند این دعا را بر فضل و کشوده شد از برای او اللهم
بنورك اهتدیت وبفضلك استغنیت وبنعمتك اصبحت وامسیت هذه ذنوبی بین
یدیك استغفرك منها واتوب الیك دعای صفه که بان عرش یا عیسی حاضر کرد
وعیسی ع بان مرده را زنده می کرد اللهم انی اسئلك بانك انت الله لا اله الا انت
الحی القیوم الطاهر المطهر نور السموات والارضین عالم الغیب والشهادة الکبیر
المتعال الحنان المنان ذو الجلال والاکرام ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا
دیگر دعای عیسی راوندی در قصص ذکر نموده که در وقتی که جماعت یهود اجتماع بر قتل عیسی
نمودند جبرئیل ع نازل شد و بال خود پوشید عیسی را از چشم یهود و در بال او این دعا بود ان
حضرت خواند و باسمان رفت و هیچ بنده نیست که بر نیت خلاص بخواند این دعا را و دعایش
مستجاب نکردد و دعا این است اللهم انی اسئلك باسمك العظیم الواحد الاعز وادعوك
باسمك العظیم الوتر وادعوك اللهم باسمك الکبیر المتعال الذی هو اثبت ارکانك
کلها ان تصلی علی محمد وآله وان تکشف عنی ما اصبحت وامسیت فیه دیگر دعای پیغمبر
وان بسیار است از انجمله انچه مختصر است نوشته می شود اللهم انی اعوذ بك من علم لا ینفع
وقلب لا یخشع ودعاء لا یسمع ونفس لا تشبع ونعوذ بك من شر هؤلاء الاربع اللهم انی
اعوذ بك ان اضل او اضل او اذل او اذل او اظلم او اظلم او اجهل او یجهل علی
دیگر دعای پیغمبر است که در غار خوانده از همان حضرت مرویست که هر که بخواند این دعا را
اعانت کند او را خدا همچنانکه مرا کرد و عطا کند باو ثواب مهاجرین دعا این است یا مونس
المستوحشین ویا انیس المتفردین ویا ظهر المنقطعین ویا قوة المستضعفین ویا کنز
الفقراء ویا موضع شکوی الغرباء ویا متفردا بالجلال ویا معروفا بالنوال ویا کثیر الافضال
اغننی عند کربی وصلی الله علی محمد وآله اجمعین دیگر دعای بدر است اللهم انت

انت ثقتی فی کل کرب وانت رجائی فی کل شدة وانت لی فی کل امر نزل بی ثقة
وعدة کم من کرب یضعف عنه الفؤاد وتقل فیه الحیلة ویخذل فیه القریب و
یشمت فیه العدو وتعیی فیه الامور انزلته بك وشکوته الیك راغبا فیه عمن
سواك ففرجته وکشفته عنی وکفیتنیه فانت ولی کل نعمة وصاحب کل حاجة ومنتهی
کل رغبة فلك الحمد کثیرا ولك المن فاضلا دیگر دعای روز احد است اللهم لك
الحمد والیك المشتکی وانت المستعان از حضرت صادق ع مرویست که بعد از خواندن این دعا
در روز احد جبرئیل نازل شد و کفت یا محمد خواندی دعای ابرهیم را در وقتی که باتش انداخته
شد و خواندی دعای یونس را در وقتی که در شکم ماهی بود دیگر دعای لیلة الاحزاب است
یا صریخ المکروبین ویا مجیب المضطرین اکشف همی وغمی وکربی فانك تعلم حالی وحال
اصحابی فاکفنی هول عدوی فانه لا یکشف غیرك دیگر دعای روز حنین است رب کنت و
تکون حیا لا تموت تنام العیون وتنکدر النجوم وانت حی قیوم لا تاخذك سنة ولا نوم
دیگر دعای روز خیبر است اللهم انی اسئلك تعجیل عافیتك وصبرا علی بلیتك وخروجا
من الدنیا الی رحمتك واما ادعیه ائمه علیهم السلام ابن جلودی در کتاب صفین ذکر کرده
که حضرت امیر المومنین ع در ابتدای قتال بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله کفت و این دعا
خواند اللهم ایاك نعبد وایاك نستعین یا الله یا رحمن یا رحیم یا احد یا صمد یا اله
یا مجید الیك نقلت الاقدام وافضت القلوب وشخصت الابصار ومدت الاعناق
وطلبت الحوائج ورفعت الایدی اللهم افتح بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین
بعد از ان سه مرتبه میکفت لا اله الا الله والله اکبر دعای فاطمه علیها السلام که ابن طاوس
در مهج نقل کرده بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم برحمتك استغثت اغثنی ولا تکلنی
الی نفسی طرفة عین واصلح لی شانی کله دعای امام حسن ع مرویست که مردی شکایت
از ظالمی کرد حضرت فرمودند دو رکعت نماز بکن بعد از نماز مغرب و بعد از نماز بسجده
برو و بکو یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز ذللت بعزتك جمیع خلقك صل علی محمد
وآله واکفنی مؤنة فلان بما شئت فعل ذلك فلم یشعر الا والواعیة فی دار ظالمه دعای
حضرت امام حسین ع بعد از هر نماز باید خواند اللهم انی اسئلك بکلماتك ومعاقد
عزك وسکان سمواتك وارضك وانبیائك ورسلك ان تستجیب دعائی فقد رهقنی من

امری عسرا واسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی من امری یسرا — دعای
امام زین العابدین یا دائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف الغم یا فارج الهم یا باعث
الرسل یا صادق الوعد صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله دعای امام
محمد باقر اللهم ان کان لی عندک رضوان وود فاغفر لی ولمن تبعنی من اخوانی و
شیعتی وطیب ما فی صلبی برحمتک یا ارحم الراحمین دعای امام جعفر صادق یا دیان
غیر متوان یا ارحم الراحمین اجعل لشیعتی من النار وقاء ولهم عندک رضا واغفر ذنوبهم
وهب لهم الکبائر التی بینک وبینهم یا من لا یخاف الضیم ولا تاخذه سنة ولا نوم
اجعل لنا من کل هم فرجا ومخرجا دعای امام موسی کاظم یا خالق الخلق ویا باسط الرزق
ویا فالق الحب ویا باری النسم ومحیی الموتی وممیت الاحیاء ویا دائم الثبات ومخرج
النبات افعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة
دعای امام رضا اللهم اعطنی الهدی وثبتنی علیه واحشرنی علیه آمنا امن من لا
خوف علیه ولا حزن ولا جزع انک اهل التقوی واهل المغفرة دعای امام محمد تقی
یا من لا شبیه له ولا مثال انت الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت تفنی المخلوقین و
تبقی انت حلمت عمن عصاک وفی المغفرة رضاک دعای امام علی نقی یا نور یا برهان
یا مبین یا منیر یا رب اکفنی شر الشرور وآفات الدهور واسئلک النجاة یوم ینفخ فی الصور دعای
امام حسن عسکری یا عزیز العز فی عزه ما اعز عزیز العز فی عزه یا عزیز اعزنی بعزک
وایدنی بنصرک واطرد عنی همزات الشیاطین وادفع عنی بدفعک وامنع عنی بمنعک
واجعلنی من خیار خلقک یا واحد یا احد یا فرد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن
له کفوا احد دعای حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث
من فی القبور صل علی محمد وآل محمد واجعل لی ولشیعتی من الضیق فرجا ومن الهم مخرجا
واوسع لنا المنهج واطلق لنا من عندک ما یفرج وافعل بنا ما انت اهله ودر جنة
الواقیه از حضرت پیغمبر روایت کرده که هر کس دعای هر امامی را اختیار کند و بخواند در دنیا
با او محشور گردد مقصد در ادعیه و اعمال نکاح است و آداب معاشرت با مردم و اصناف ایشان
ایشان و در آن چند فصل است فصل اول در فضیلت تزویج و ترک رهبانیت و اعمال وقت
تزویج و اصناف زنان اما اول از قول خدا تعالی این آیه شریفه است وانکحوا الایامی منکم

منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم
یعنی بنکاح در آورید بی زنان و بی شوهران را یعنی مردی را که زن ندارد که جفت سازید و زنی را
که شوهر ندارد شوهر دهید و نکاح نمایید بندگان و شایستگان از بندگان و کنیزان
خود و وصف صالحین من عبادکم وامائکم بصلاح بجهة اهتمام است در شان ایشان چه سبب تزویج
در پرده عفت و صلاح بمانند ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله که اگر باشند ایامی و
الصالحون از عباد و اماء درویشان و تنگدستان غنی گرداند ایشان را خدای تعالی از فضل خود
بقناعت یا باجتماع مرد و روزی که بکثرت والله واسع علیم و خدای تعالی فراخ بخشایش
پر نعمت معیشت و نماید او کافیست باستحقاق فقرا مر ایشان به بسط روزی و فرمایند از قول
رسول الله این حدیث است من تزوج احرز نصف دینه یعنی هر که تزویج نماید محفوظ نماید
از تصرف شیطان نصف دین او و هم چنین از آن حضرت منقولست که فرمود که تزوجوا فانی
مکاثر بکم الامم غدا یوم القیمة یعنی تزویج نمایید پس بدرستیکه من مکاثرم بشما فردا روز
قیامت یعنی ببسیاری شما نزد خدا مباهات میکنم حتی ان السقط یجیء محبنطئا علی باب
الجنة حتی آنکه سقط یعنی آن جنینی که از بطن ام ساقط شده باشد بیاید خشمناک بر در بهشت
فیقال له ادخل پس گفته میشود او را یعنی خطاب کنند او را که در آی در بهشت فیقول لا حتی یدخل
ابوای پس گوید آن سقط نه تا در آید پدر و مادر من و تا ایشان نباشند من در نیایم پس خدای تعالی
پدر و مادر او را بدو بخشد و به بهشت در آورد و هم از آن حضرت مرویست که فرمود
اکثر اهل النار العزاب یعنی بیشترین اهل جهنم عزبان باشند و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که فرمود رکعتان یصلیهما متزوج افضل من سبعین رکعة یصلیها عزب یعنی دو رکعت نماز
که بگذارد آنرا کدخدا بهتر از هفتاد رکعت است که بگذارد آنرا عزب ثانی در کافی
از حضرت صادق منقولست که چون کسی اراده خواستگاری کند دو رکعت نماز بگذارد و
بعد از آن حمد الهی بگوید و این دعا بخواند اللهم انی ارید ان اتزوج فقدر لی من النساء
اعفهن فرجا واحفظهن لی فی نفسها وفی مالی واوسعهن رزقا واعظمهن برکة
وقدر لی منها ولدا طیبا تجعله خلفا صالحا فی حیوتی وبعد موتی ایضا از آن کتاب این دعا
از حضرت امام محمد باقر روایت شده اللهم ارزقنی الفها وودها ورضاها بی وارضنی بها
ثم اجمع بیننا باحسن اجتماع وانیس ائتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام و در دو حدیث

معتبر منقولست که سنت است تزویج در شب واقع شود و از احادیث ظاهر می شود که در روز
گرم زن خواستن باعث جدائی میگردد و علاوه زفاف کردن در وقتی که قمر در عقرب باشد
کرد زن فلانه ابت برای خود میگیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچ یک قیمت ندارند زن
صالحه طلا و نقره قیمت او نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالحه خاک هم بهتر از
بلکه خاک بهتر از اوست ... اختیار کن از زنان کسی را که گشاده رو و کم مهر و باکره و خوش خلق
و ارزق و گندم گون و بزرگ سرین و گشاده چشم و میانه بالا و صاحب دین و محبت الطرفین و زاینده
و اعانت کننده بر شوهر خود و مهربان با او باشد و اجتناب کن از عقیم و عیال و احمق و بدخلق
سیاه و بلند آواز در گفتگو و دخل کننده در کارها و طعن کننده و عیب جوینده که چیزی بسیار
کم شمرد و کم را قبول نکند و فریفته مال و جمال زن نشوی مگر که در اعتقادات دینی و در این ذکور
شاهد صحیح مطبوع تو نباشد از امیر المؤمنین روایت شده که چون کسی خواهد که زنی بگیرد که
خصال مختاره باشد باید که دو رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه یکبار و سوره یس یکبار و چون
فارغ شود حمد و ثنای الله تعالی کند و بگوید اللهم ارزقنی زوجة ودودا ولودا شکورا غیورا
ان احسنت شکرت وان اسئت غفرت وان ذکرت الله اعانت وان نسیت ذکرتنی وان
خرجت من عندها حفظت وان دخلت علیها سرتنی وان امرتها اطاعتنی وان اقسمت
علیها ابرت قسمی واذا غضبت علیها ارضتنی یا ذا الجلال والاکرام هب لی
ذلک فانما اسئلک ولا اجد الا ما قسمت واعطیت و در خواص الآیات چنین است
که چون این آیات را بنویسد و عربی با خود دارد و از کسی اراده تزویج کند قبول کند
و آیات این است ولا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحیوة الدنیا
لنفتنهم فیه ورزق ربک خیر وابقی وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها لا نسئلک رزقا
نحن نرزقک والعاقبة للتقوی ایضا مرکاست سوره ... را بنویسی و با خود داری و بروی
بسوی قومی که اراده تزویج از ایشان کرده باشی تا زن دهند ایضا مرکاست عزب با شرع
تزویج و به مشکل باشد این آیات را بنویسی و با خود داری و سه روز روزه داری و هر شب
در فراش خواب بیست و یکبار همین آیات بخوانی و مطلب خود را از الله تعالی بخواهی تزویج
بر تو آسان شود و آیات این است ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین واجعلنا
للمتقین اماما اولئک یجزون الغرفة بما صبروا ویلقون فیها تحیة وسلاما خالدین

خالدین فیها حسنت مستقرا و مقاما ایضا مرکاست دختران داشته باشی و خواهی که زود شوهر
دهی بنویسی سوره احزاب را در پوست آهو و در حقه کنی و آن حقه را در خانه بگذاری ایشان را
زنی خواهند ... در خطبه و بیان صیغه دوام و صیغه متعه بدانکه خطبه پیش از عقد
سنت است و مختصر این خطبه است که حضرت امام محمد تقی خواندند چون دختر مامون را
عقد کردند و آن این است الحمد لله اقرارا بنعمته ولا اله الا الله اخلاصا لوحدانیته و
صلی الله علی محمد سید بریته وعلی الاصفیاء من عترته اما بعد فقد کان من فضل الله
علی الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام فقال سبحانه وانکحوا الایامی منکم والصالحین
من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم و اگر خواهد
بخواند این خطبه که الحمد لله الذی حمد فی الکتاب نفسه وافتتح بالحمد کتابه وجعل الحمد
آخر جزاء محل نعمته و آخر دعوی اهل الجنة واشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له شهادة اخلصها له وادخرها عنده وصلی الله علی محمد خاتم النبوة وخیر
البریة وعلی آله آل الرحمة وشجرة النعمة ومعدن الرسالة ومختلف الملائکة والحمد
لله الذی کان فی علمه السابق وکتابه الناطق وبیانه الصادق ان احق الاسباب
بالصلة والاثرة واولی الامور بالرغبة فیه سبب اوجب نسبا وامر اعقب غنا فقال
عز وجل وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وقال وانکحوا الایامی منکم والصالحین
من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم ولو لم یکن
فی المناکحة والمصاهرة آیة محکمة ولا سنة متبعة ولا اثر مستفیض لکان فیما جعل الله
من بر القریب وتقریب البعید وتألیف القلوب وتشبیک الحقوق وتکثیر العدد وتوفیر الولد
لنوائب الدهر وحوادث الامور ما یرغب فی دونه العاقل اللبیب ویسارع الیه
الموفق المصیب ویحرص علیه الادیب فاولی الناس بالله من اتبع امره وانفذ حکمه
وامضی قضاءه ورجا جزاءه وفلان بن فلان من قد عرفتم حاله وجلاله دعا رضا
نفسه واتاکم ایثارا لکم واختیارا لخطبة فلانة بنت فلان کریمتکم وبذل لها من الصداق
کذا وکذا فتلقوه بالاجابة واجیبوه بالرغبة واستخیروا الله فی امورکم یعزم لکم علی
رشدکم ان شاء الله ان یلئم ما بینکم بالبر والتقوی ویؤلفه بالمحبة والهوی ویختمه
بالموافقة انه سمیع الدعاء لطیف لما یشاء ... بیان صیغه دوام و متعه بدانکه بنا بر احوط

فی دونه العاقل اللبیب

ملا محمد باقر ره نوشته اینست که خالی از این نیست یا وکیل زن یا وکیل مرد صیغه میگوید
یا مرد یا زن یا وکیل مرد با زن یا وکیل زن با مرد و در هر صورتی یا رضای ولی را رعایت
می باید کرد یا نه چنانچه ولی نداشته باشد یا اگر داشته باشد باکره نباشد و از این مجموع
هشت صورت بهم میرسد و ایضا در صورتی که شوهر و زن هر دو بالغ باشند و اگر هر دو
نابالغ باشند یک صورت دیگر است و اگر مرد نابالغ باشد و دختر نابالغ یا بر عکس خالی از این
نیست که یا ولی طفل نابالغ صیغه میگوید یا با وکیل نابالغ و از این پنج صورت با هشت
صورت سیزده صورت حاصل می شود اول آنکه وکیل زن با وکیل مرد صیغه میگوید
و زن باکره باشد و ولی حاضر داشته باشد و در این صورت وکیل زن احتیاطا هم
از جانب زن وکیل بود و هم از جانب پدر یا جد پدری پس فرض میکنیم که مرد محمد نام
داشته باشد و زن زینب و لا وکیل زن میگوید که انکحت موکلک محمدا موکلتی زینب
علی خمسین تومانا موصوفا و وکیل مرد میگوید که قبلت النکاح لموکلی محمد علی الصداق
المعلوم پس وکیل زن میگوید بایطریق که زوجت موکلک بالمهر المعلوم و وکیل مرد
که قبلت التزویج لموکلی پس وکیل زن میگوید که زوجت موکلک موکلتی علی المهر
المعلوم و وکیل مرد میگوید که قبلت التزویج لموکلی علی المهر المعلوم پس وکیل زن میگوید
که زوجت محمد زینب علی الصداق المعین الموصوف و وکیل مرد میگوید که قبلت التزویج
وکالة عن موکلی پس وکیل زن میگوید که انکحت نفس موکلتی زینب وکالة عنها
و عن ابیها و عن جدها عن موکلک محمد بالصداق المذکور پس وکیل مرد میگوید که
قبلت النکاح لموکلی بالصداق المذکور پس وکیل زن میگوید که زوجت بنت موکلی
من موکلک بالمهر المعلوم و وکیل مرد میگوید که قبلت لموکلی پس وکیل زن میگوید که
انکحت زینب من موکلک علی المهر المعلوم و وکیل مرد میگوید قبلت لموکلی دوم آنکه زن
و مرد صیغه گویند و زن ولی داشته باشد و باکره باشد زن میگوید که زوجتک نفسی
علی صداق خمسین تومانا موصوفا مرد میگوید که قبلت لنفسی علی الصداق المعلوم
پس زن میگوید که زوجتک نفسی اصالة و وکالة عن ابی و عن جدی بالمهر المعلوم
مرد میگوید که قبلت التزویج لنفسی پس زن میگوید انکحت نفسی من نفسک بالمهر
المعلوم مرد میگوید قبلت النکاح لنفسی پس زن میگوید که زوجتک نفسی علی المهر

المهر المذکور مرد می گوید قبلت لنفسی و در این صورت احتیاط آنست که زن از جانب
پدر یا جد پدری وکیل شود و باین نحو واقع سازد و اگر پدر صیغه را با شوهر گوید از جانب
دختر وکیل می شود و میگوید که زوجتک بنتی زینب وکالة عنها علی صداق خمسین تومانا
موصوفا جواب مرد همه باب بعینه است که مذکور شد پس پدر میگوید که انکحتک بنتی و لابنتی
عنها بالمهر المذکور و بعد از جواب شوهر باز پدر میگوید زوجتک بنتی زینب مثله وکالة
عنها و ولایة علیها بالمهر المعلوم پس بعد از جواب ثانیه پدر میگوید زوجتک بنتی زینب علی
الصداق المعین المعلوم مرد میگوید قبلت لنفسی علی الصداق المعلوم سوم آنکه وکیل مرد با
وکیل زن صیغه گویند و زن باکره نباشد یا ولی نداشته باشد بنحوی که در قسم اول از قسم را
باین نحو کند ظاهر این است که وکیل زن گوید انکحت و زوجت نفس موکلتی زینب من موکلک
محمد بالمهر المعلوم وکیل مرد می گوید قبلت النکاح و التزویج وکالة عن موکلی محمد بالمهر
المعلوم چهارم آنکه زن با مرد صیغه گویند و زن باکره نباشد در این صورت صیغها بنحوی که
در قسم دوم مذکور شد الا صیغه سیم که لفظ ابا نباید کرد و قسم پنجم و ششم و هفتم و هشتم
که مرکب است از اقسام مذکوره ایجاب را از قسمی باید برداشت و قبول را از قسم دیگر و ذکر
هر یک بتفصیل موجب تطویل است قسم نهم آنکه هر دو صغیر باشند و بولایت عقد کنند
ولی ایشان پس ولی دختر گوید زوجت بنتی ولایة علیها علی الصداق المعلوم و ولی
پسر میگوید قبلت لابنی ولایة علی الصداق المعلوم بار دیگر بجای زوجت انکحت میگوید
بار دیگر بجای بنتی بنتی می گوید پس میگوید انکحت و زوجت بنتی زینب من ابنک محمد علی
صداق اثنا عشر تومانا فضیا صاحبقرانیا و ولی پسر گوید قبلت النکاح و التزویج لابنی و باقی
صورتها از آنچه گفتیم ظاهر میشود و اما در صیغه متعه تعیین مدت و مبلغ شرط است پس وکیل
زن میگوید زوجت نفس موکلتی زینب من موکلک محمد من الآن الی طلوع الشمس یا ربع ساعت
وکیل مرد می گوید که قبلت لموکلی و اگر وکیل زن بعد از تمهید مدت و مبلغ و تعیین مرد و
بگوید متعت موکلتی من موکلک فی المدة المعلومة بالمبلغ المعلوم وکیل مرد قبول کند خوب است
و اگر احتیاطا موافق مدلول احادیث کثیره در عین وکالة بگوید بزن که تو را متعه میکنم بشرط
آنکه از او میراث نبری و او از تو میراث نبرد و عده نگاه داری و طلب قسمت لیالی چنانچه در نکاح
دایم میباشد ننمائی و توقع فرزند هم رسانیدن از او نداشته باشی در مدت فلان بمبلغ فلان

وصیغه با این نحو بگوید که زوجت نفس موکلتی زینب موکلک محمد متعه شهرا کاملا بتومان
فضی نقدا حاضر بصاحب علی کتاب الله وسنة نبیه بشرط ان لا ترثنی ولا یرثها وعلی ان
علیها العدة وکیل مرد بگوید قبلت علی الشروط المذکورات بهتر خواهد بود واگر طرفین خود
صیغه گویند زن میگوید زوجتک نفسی متعة وضمیرهای غایب را بعنوان تکلم خواهد گفت
شقوق دیگر ظاهر است در اعمال وقت تزویج وزفاف از حضرت امام محمد باقر
روایت شده که فرمود چون زن را نزد تو بیاورند بگو که وضو سازد و دو رکعت نماز گذارد
و تو نیز وضو بساز و دو رکعت نماز کن وچون از نماز فارغ شوی بگو حمد الهی را وصلوات
محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن وامر کن آن زنان را که با او همراه اند آمین بگویند واین دعا را
بخوان اللهم ارزقنی الفها وودها ورضاها وارضنی بها واجمع بیننا باحسن اجتماع
وآنس ائتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام و بعد از آن فرمود که الفت از خدا
و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که حلال را بر مردم مکروه طبع مردم گرداند
ایضا از امام جعفر صادق ع روایت شده که رو بقبله بایست و دست بر پیشانی زن بگذار
بگو اللهم بامانتک اخذتها وبکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله
مبارکا تقیا من شیعة آل محمد ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ایضا حضرت
رسول ص در ضمن حدیث فرموده که یا علی چون عروس داخل خانه تو شود کفشهایش را بکن تا
بنشیند و پاهایش را بشوی و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خداوند
هفتاد هزار نوع از پریشانی را از خانه تو بیرون کند و هفتاد هزار نوع برکت را داخل خانه تو کند
و هفتاد هزار برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی وخوره وپیسی مادام که در آن
خانه باشد و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو هم رسد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه
از خانه برسد ومنع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس حضرت
امیر المومنین ع گفت یا رسول الله چرا سیب و را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب خوردن
اینها سرد و عقیم میشود و فرزند نیاورد تا آخر حدیث ایضا در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که دست بر بالای پیشانی عروس بگذار و بگو اللهم علی کتابک تزوجتها وفی امانتک
اخذتها وبکلماتک استحللت فرجها وان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا
ولا تجعله شرک شیطان ایضا از حضرت امام محمد باقر روایتست که فرمود چون خواهد که

که شیطان شریک نشود بگوید بسم الله و پناه برد بخدا از شر شیطان از حضرت امیر المومنین
منقولست که چون کسی اراده جماع داشته باشد بگوید بسم الله وبالله اللهم جنبنی
الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنی پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز ضرر باو نرساند
و در حدیث دیگر که شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند
راوی پرسید که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو
بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات والارض اللهم
ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ولا
حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان ورجزه جل ثناؤک اما کیفیت مقاربت پس
بعد از آنکه برای این کار جائی خلوت نموده و خود را طیبی و دست بازی و بوسه بجا آورده
زن را خوابانده و در میان دو پای او بنشیند بوضعی که دو سر زانو بر زمین و ساقها بر داشته
التش زن بر ران بها گذارد و سر ذکر را چند مرتبه بر بالای فرج که محل بظر است بمالد و
بسم الله بگوید و داخل کند برفق و آهستگی حرکت نماید حرکت داخل بعنف و حرکت خارج
برفق و در وقت انزال الذی الخوب حرکت کند تا تواند وسعی کند که انزال هر دو یکدفعه شود و اگر
مرد را زود تر انزال شود حرکت نمی کند تا زن را هم انزال شود که اگر انزال الذی شود بهتر
بیمان باشد که زن هم که پس را اگر تواند بهود بخوابد و زن در همانجا که خوابیده قدری توقف
نموده که اگر خدا خواهد حامله می شود و سایر اشکال جماع کردن بدست مرحمت
بهتر باشد و باید که غرض از مقاربت همین لذت نفس حیوانی نباشد بلکه غرض اصلی اطاعت
خلق و توالد و تناسل باشد اوقات ممنوعه جماع واجب در وقت جماع احتراز
باید کرد و اوقات مستحبه آن چون در احادیث متفرق بسیار بود لهذا نظر باختصار رساله
در جدول درج نموده باصل مطلب پرداخته حدیث را نوشت اما جدول و
اوقات ممنوعه جماع

فصل چهارم

در بیان اوقات مقاربت بقانون طبی و آن وقتیست که طعام مناسب مزاج شخص خورده
شود و هضم معده شده باشد و مقدار چهار ساعت لا اقل از غذا گذشته باشد و بدن
در سردی و گرمی و تری و خشکی معتدل باشد و این در فصل بهار و اوایل خزان اولی تر
از سایر فصول بجا شود و ایضا وقتی است که اعضای رئیسه که دل و جگر و دماغ است
صحیح و سالم باشد و شهوت بحد کمال و علامتش آنست که بعد از مقاربت سبکی
و سودی بهم رسد و وسواس و افکار ردیه زایل شود و امراض سوداوی و بلغمی را دفع
کند و خوشحالی تمام آورد و ایضا وقتیست که مقاربت با محبوب جوان باشد بحد
اعتدال و خلاف آنچه مذکور شده است مثل پری معده که هنوز هضم نشده باشد یا
سده و ورم و بیماریهای صعب شده باشد صرع و سکته و فالج و لقوه و استرخا و تشنج
و نقرس و اوجاع مفاصل و عرق النسا و بادفتق و غیر ذلک و مثلا خلای معده یعنی
ناشتا باشد باعث تب و ناخوشیهای بسیاری شود و اگر بدن گرم باشد بیم دق
بیم تب باشد و اگر سرد باشد خوف هلاک باعث اوست و هم چنین در وقت تنگی نفس و

خفقان و ضعف معده و درد سینه و ضعف چشم و ضعف احشا و اعصاب از جماع
اجتناب واجبست خصوصا که معوذ بتکلیف شود و باید اجتناب نماید از آب سرد
با طعام بسیار سرد بعد از جماع و از جماع زنان پیر و دختران کوچک سال و حائض و
مریضه و کریهه زیرا که مجامعت ایشان بالخاصیه قوت را ضعیف و بدن را سست میگرداند
در اعمال طلب کردن بسته شده در عدة الداعی چنین است که سوره
از اول سوره انا فتحنا تا مستقیما و سوره بنی سوره اذا جاء را و سوره این آیات را ومن آیاته
ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة ان فی ذلک
لآیات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب اشرح لی
صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی وترکنا بعضهم یومئذ
یموج فی بعض ونفخ فی الصور فجمعناهم جمعا کذلک انحلت فلان بن فلان عن فلانه
بنت فلان و نام زن و شوهر را بنویس لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه
ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه
توکلت وهو رب العرش العظیم و چون این نوشته را بسته شده بر خود ببندد وا شود
و ایضا چنین است که از اول انا فتحنا تا نصرا عزیزا باید نوشت و نیز این را باید نوشت وفجرنا
الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و جعلنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ
فی الصور فجمعناهم جمعا وضرب لنا مثلا ونسی خلقه قال من یحیی العظام وهی رمیم
قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم حتی اذا رکبا فی السفینة
خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها اللهم انی اسئلک بحق اسمک المکنون
بین الکاف والنون وبحق محمد واهل بیته الطاهرین ان تحل ذکر فلان بن فلان عن
فلانه بنت فلان کهیعص حمعسق بل هو الله احد وعنت الوجوه للحی القیوم و
قد خاب من حمل ظلما بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس این نوشته را
بسته شده با خود دارد وا شود در آن کتاب است که بر برگی از زیتون بنویسد
والسماء بنیناها باید وانا لموسعون و بمرد باید داد که فرو برد و بر برگی دیگر از زیتون
باید نوشت والارض فرشناها فنعم الماهدون و بزن باید داد در آن کتاب است

که بگیر سه تخم مرغ و بریان کن و پوست از آن بکن و بنویس بر اول این را که حتی اذا رکبا
فی السفینة خرقها و بر دوم این را که اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و بر سیم این را که
فاستغلظ فاستوی و بخورد مرد بسته شده اول را پس اگر وا نشد دوم را پس بخورد و
اگر وا نشد سوم را پس بخورد در اعمال طلب فرزند از حضرت رسول مرویست
که فرزند صالح گلیست از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است
فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید که من به بسیاری فرزندان شما در قیامت مباهات خواهم کرد
و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که بیماری که بفرزند میرسد کفارهٔ گناهان پدر و مادر
اوست حضرت صادق ع فرمود که دختران حسنات اند و پسران نعمت اند و خدا بر حسنات
ثواب میدهد و از نعمت سوال میکند و در حدیث صحیح از حضرت رسول منقولست که
هر که سه دختر یا سه خواهر را نفقه دهد بهشت او را واجب می شود - اما اعمال
طلب فرزند از انجمله نمازیست که در روز جمعه بعد از نماز ظهر باید گذارد از حضرت امام
محمد باقر ع روایت شده که بعد از نماز ظهر روز جمعه دو رکعت نماز باید گذارد بهر
روش که خواهد و باید که در رکوع و سجودش تطویل کند و چون فارغ شود این دعا را بخواند
اللهم انی اسئلک بما سألک به زکریا علیه السلام اذ نادی رب لا تذرنی فردا
وانت خیر الوارثین اللهم فهب لی ذریة طیبة انک سمیع الدعاء اللهم باسمک
استحللتها وفی امانتک اخذتها فان قضیت فی رحمها ولدا فاجعله غلاما مبارکا
زکیا ولا تجعل للشیطان فیه نصیبا ولا شرکا و از آنجمله دعائیست که شیخ کلینی در
کافی روایت کرده و مثل این از امام جعفر صادق ع روایت شده که باید گفت اللهم
لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین وحیدا وحشیا فیقصر شکری عن تفکری بل هب لی
عاقبة صدق ذکورا واناثا آنس بهم من الوحشة واسکن الیهم من الوحدة و
اشکرک عند تمام النعمة یا وهاب یا عظیم یا معظم ثم اعطنی فی کل عافیة شکرا حتی
تبلغنی منها رضوانک فی صدق الحدیث واداء الامانة ووفاء بالعهد و مثل این
از آنحضرت روایت شده که بر حال سجود باید گفت رب هب لی من لدنک ذریة طیبة
انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین و مثل این از امام محمد باقر

روایت شده که هر روز صد بار استغفار باید کرد و مثل این خبر از حضرت روایت شده
که هر روز در صبح و شام هفتاد بار استغفر الله و هفتاد بار سبحان الله و ده بار استغفر الله
و نه بار سبحان الله و بعد از آن یکبار استغفر الله باید گفت و در روایتی چنین است که
بعد از تسبیح باید گفت و استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا
و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا و مثل این خبر از امام جعفر
صادق ع روایت شده که در وقت جماع باید گفت اللهم انی ان رزقتنی ذکرا
سمیته محمدا و مثل این خبر از امام جعفر صادق ع روایت شده که در وقت اراده جماع
این آیه را از سوره انبیا باید خواند و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر
علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و زکریا اذ نادی ربه رب
لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و اصلحنا له زوجه انهم
کانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین

از امام محمد باقر ع روایت شده که در وقت جماع باید گفت اللهم ارزقنی ولدا
و اجعله تقیا لیس فی خلقه زیاده و لا نقصان و اجعل عاقبته الی خیر و دعا
که ابن فهد در کتاب مهذب بارع از امام زین العابدین ع روایت کرده که از برای
طلب فرزند هفتاد بار باید گفت رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و اجعل لی
من لدنک ولیا یرثنی فی حیوتی و یستغفر لی بعد موتی و اجعله خلقا سویا و لا
تجعل للشیطان فیه نصیبا اللهم انی استغفرک و اتوب الیک انک انت الغفور
الرحیم و امام ع امر کرد که انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون را صد و چهل و یک
بار بر روی کسی خوانند و برن دمند تا تمام را بخورد و بعد از آن مقاربت کند باذن الله تعالی
زن حامله شود نوع دیگر اگر زن را فرزند نشود یا شود و نماند سوره یس را بزعفران و
گلاب بنویسد و در موم کیرد و آن موم را در آب نهد و از آن بخورد و شوهر را نیز بدهد
آنگاه بر بازوی راست بندد موم را و با شوهر خود صحبت دارد حق تعالی او را فرزندی
کرامت کند که بماند ایضا در خواص آمده چنین است که چون سوره آل عمران را با
زعفران و گلاب بنویسی و بر زنی بندی که حامله نشده باشد حامله شود و چون کسی

کسی سوره فجر را یازده بار بخواند و بر آب بخورد بدهد و بعد از آن با زن جماع کند الله تعالی
با او فرزندی دهد ... در اعمال بسر و متبلیات ان در ابن العابدین خبیل است که چون
خواهی از تو پسر متولد شود بنویس بر کاغذی لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا
متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله
الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا
هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما
یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و
الارض و هو العزیز الحکیم هنالک دعا زکریا ربه قال رب هب لی من لدنک ذریة
طیبة انک سمیع الدعاء فنادته الملائکة و هو قائم یصلی فی المحراب ان الله یبشرک بیحیی
مصدقا بکلمة من الله و سیدا و حصورا و نبیا من الصالحین قل ان الفضل بید الله یؤتیه
من یشاء و الله واسع علیم یختص برحمته من یشاء و الله ذو الفضل العظیم ربنا هب لنا
من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماما و اصلح لی فی ذریتی انی
تبت الیک و انی من المسلمین و لقد خلقنا الانسان من سلالة من طین ثم جعلناه نطفة
فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا
العظام لحما ثم انشاناه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین و صلی الله علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین و چون حمل ظاهر شود و مدتش بچهار ماه رسد در برابر قبله کن و جو
رو بروی او بایست بر حالی که هر دو پاک باشید از موجب وضو و غسل هر دو بخوانید لو
انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره سه بار بشکم زن بمالد و سه بار بگوید اللهم انی سمیت
ما فی بطنها محمدا بعد از آن کاغذ را بر جانب چپ زن بیاویزد که با او باشد و در آن کتاب
چنین است که این عمل بکرد و مجرب شد و در مکارم الاخلاق از امام جعفر صادق ع روایت
شده که چون خواهی که از تو پسر متولد شود پس وقتی که اراده کنی که با زن مجامعت نمائی
دست راست خود را بر جانب راست ناف او بگذار و هفت بار سوره انا انزلناه بخوان و چون
حمل ظاهر شود و در شکم حرکت کند بار دیگر دست راست بر ناف او بگذار و هفت بار سوره
انا انزلناه بخوان و در منهاج الفلاح چنین است که چون خواهی که حامله پسر زاید پس
از آنکه مدت حملش بچهار ماه رسد در چهار جمعه متوالی بر شکمش بنویس بسم الله الرحمن الرحیم

اللّهم إني سمّيته محمداً صلى الله عليه وآله فاجعله ابنا محمداً المحمود بمحمد ولولاده الطيبين
الطاهرين و[illegible] در آن كتاب است كه چون خواهی كه حامله پسر زاید پیش از آنكه سه ماه
حملش بچهار ماه رسد دو ثقبه دست بر شكم او بزند و بگوید اللّهم إني قد سميته محمداً ...
و چون زاییده شود نام او را محمد كند و در بعضی رسائل نقل شده كه در وقت انزال اگر مرد بجانب
راست مایل شود پسر آید و اگر بجانب چپ دختر والله اعلم. بدانكه اگر خواهند بدانند زن
حامله است یا نه عسل آش [illegible] با آب بخورد اگر پیچیدن شكم بهم رساند دلیل آبستنی
و الا فلا و هم فرزجه از سیر بردارد اگر طعم و بوی آن از دهنش بیاید آبستن نباشد و الا آبستن
باشد اگر خواهند بدانند زن حامله پسر است یا دختر شیشی را در كف دست راست
گذارد و شیر در آن باشد اگر میان شیر حركت كند پسر است و الا دختر نوع دیگر زن شیر
خود را بر آب دوشد اگر شیر بر روی آب بایستد پسر است و اگر بته آب برود دختر نوع دیگر
اگر پستان زن سرخ باشد پسر است و اگر سیاه دختر و بتجربه یافته‌اند كه اگر روی زن
خوبتر و نشاط او بیشتر و اشتهایش قویتر باشد و بر طرف راست خود ثقل یابد و پستان
راست بزرگ شود پسر است و الا دختر [illegible] در اعمال ایام حمل در خواص آیات و چیزهایی
كه چون سوره بقره را بنویسی و بشویی و آب آن را حامله بنوشد حملش از سقوط و آفات دیگر
سالم ماند و چون این آیات را از سوره انبیاء در پوست آهو نویسند و بر حامله بندد و از ابتدای
حملش تا حمل رود با او باشد بعد از آن بگشایی و در آن ماهی كه وقت زاییدن است با
خود دارد فرزندش از آفات محفوظ گردد و آیات این است وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي
فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً
مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ و هر كه سوره الحاقه را بنویسد و بر زن آبستن بندد كه همیشه
با خود دارد فرزندش از سقط شدن محفوظ ماند و از جمیع آفات در حاشیه كتابی نوشته
شده كه زنی كه بچه‌اش سقط می‌شود و قتی كه آن حمل بخود دارد در پیمان سرخی اندازه قد
خود بگیرد و نه گره بر او زند و هر گرهی نه بار سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند و آن ریسمان را
با خود نگاه دارد دیگر سقط نشود ایضاً جهت سقوط این دعا را نوشته با خود دارد بسم الله
الرحمن الرحيم سطس معلوس [illegible] فَلَمَّا جَاءَهُمْ ... كَفَىٰ بِاللهِ ... فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ در مفاتح شفا روایت كرده كه زنی بخدمت حضرت صادق نوشته

نوشت از دوام خون حیض حضرت در جواب او نوشت كه می‌گیری یك كف گشنیز و
مثل آن از سماق و از اشنه در زیر آسمان می‌خیسانی بعد از آن از آنجو شانیده صاف
می‌كنی و بقدر پیاله از آن می‌خوری كه خون از تو بسا كن خواهد شد كه در وقت حیض با اذن الله
تعالی و در مكارم الاخلاق از حضرت امام محمد تقی ع روایت كرده كه فرمود ام ولد عادت
ایشان سر ما شامید و چون ایضاً در خلاصة التجارب گفته كه جالینوس گوید در جمیع انواع
افراد حیض خوردن عصیر تر و له كه برگ لسان الحمل كه تخم آن بار تنگ باشد و دو دیم گرم آن
نشستن و بدان حقنه كردن از جا نیز و خوردن شیری كه حب الحدید سوده در آن جوشیده
باشد و یا آنكه آهن تاب كرده باشند هر صباح سه اوقیه با قرص شا شیر كافوری و غیر آن
نافع باشد در تحفة المؤمنین گفته فرزجه كه در قطع خون حیض مجربست مازوی و خون دم الاخوین
برگ مورد كل ارمنی كل سرخ با تو بیرا زخم بر كه زاییده پوست نار ترش را نیم گرم كرده جمع نماید
نام سر اشود و فندری نیم را با آب و فر كرده با دو به صوف آغشته حمول نمایند فرزجه
دیگر منقول از جامع سب مانی نیم مثقال بزر البنج دانكی افیون نیم دانك فرزجه در عرف
اطبا ابر گویند كه زنان در قبل و رحم بردارند و باید كه زن در وقت حمل كندر بسیار بخورد
در مكارم الاخلاق از حضرت روایت شده كه باعث زیادتی عقل فرزند می‌شود كه ما شنا
بر بسیار خوردن چه در كافی كلینی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله روایت شده كه باعث
زیادتی جمال فرزند می‌شود [illegible] باید كه در دو دری كه فرزند از او متولد شود هفت دانه خرما
بخورد چه در كافی شیخ كلینی از امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت شده كه باعث زیادتی
حلم فرزند شود فصل [illegible] در اعمال آسانی وضع حمل از حضرت صادق ع مرویست كه این آیات
برای حامله در كاغذی بنویسد در وقتی كه داخل شود در ماهی كه در آن ماه وضع حمل
می‌شود و چیزی بر آن بچسباند كه نزند و بر كمر آن زن بربندد و چون چنین كند در آزار
زاییدن با و نمی‌رسد و بعد از زاییدن بزودی بگشاید و یكساعت با او نگذارد آیات این
أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ
أَفَلَا يُؤْمِنُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ تا إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ كه در سوره یس است و در پشت كاغذ
این آیات را بنویسد كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ
إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا و [illegible] بسند معتبر از حضرت

امام محمد باقر مرویست که از برای شیر زیاد شدن این آیات را در ظرف پاکیزه بمشک
و زعفران نویسند و با آب چاه بشویند و بخورد آن زن دهند و بر شکم و فرجش بپاشند کأنهم
یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کأنهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من
نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان
حدیثا یفتری ولکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمة لقوم یؤمنون
در مصباح کفعمی چنین است که چون زائیدن بر زن دشوار شود این آیات را
بنویس و بر ران راست او ببندد چون وضع حمل شود از او بگشا و آیات این است بسم الله
الرحمن الرحیم کأنهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک
الا القوم الفاسقون کأنهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأة عمران
رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق روایت
شده که از برای آسانی وضع حمل این آیات را باید نوشت که حامله با خود دارد و
آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم مریم ولدت عیسی هو الذی خلقکم
من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخا
فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما دیگر در
مکارم الاخلاق چنین است که برای آسانی وضع حمل این دعا را بر حامله باید خواند یا
خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصها بحولک و قوتک در آن کتاب
چنین است که از برای آسانی وضع حمل سورهٔ انا انزلناه بر حامله باید خواند در مکارم
الاخلاق چنین است که چون سورهٔ انا انزلناه را در ظرفی نو بنویسند و بشویند و از آن آب
حامله بخورد و بر فرجش بپاشند وضع حمل بر او آسان شود مجربست از جهت آسانی
وضع حمل که حامله باید بدست راست بگیرد یا شمعاونی و باید که در نوشتن این اسم الا
کنود که چشمه بمیم و عین و واو بعمل آید در مکارم الاخلاق چنین است که چون این دو
شکل را بر دو پاره سفال آب ندیده نویسند و یکی در زیر پای راست حامله گذارند و دیگری
در زیر پای چپ و گذارند وضع حمل بر او آسان شود و در زبدة الدعوات چنین است که این
شکل را بر سه پاره سفال باید نوشت و یکی را در زیر پای
راست حامله باید گذاشت کر شکسته و یکی را در برابر

برابر او باید گذاشت که بآن نظر کند انتهی در مکارم الاخلاق چنین است که چون این شکل را
بر پشت قفیزی غربی و حامله بر سر آن بنشیند وضع حمل بر آن آسان شود شکل این است
و باید که اول او اثنین نوشته در سطر فوق و بعد
از آن اربعه در آن سطر و بعد از آن اثنین در آن سطر
و بعد از آن اربعه در آن سطر تا خاصیت آن بر آن مترتب شود

در خواص الاشیاء مسطور است که اگر سرگین گاو در زیر دامن حامله دود کنند بزودی
خلاص کند نوع دیگر استخوان کوتر با کف دریا در زیر دامن دود کنند نوع دیگر سنگ
مقناطیس را در دست گیرد در حال بار نهد اگر زن طفل در شکم او مرده باشد این را صبح
فؤاد ام موسی فارغا ان کادت لتبدی به لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین
بنویسید بزعفران در ظرف سفالی سرخ تازه که در آن چیزی نکرده باشند و با آب باران بشوید
و بخورد باذن الله تعالی بزمین آید نوع دیگر اگر قدری تره در زیر شکم آن دود کنند بزودی بچه
آید در تحفه گفته فرنجمشک اخراج بچه زنده یا مرده نماید مؤثر و مجربست عصاره
قثاء الحمار را هفت قیراط با زهره گاو حل نموده با پنبه کوده بردارد در خلاصة التجارب گفته
چهار درم پوست خیار سبز مصوف نمایند در طبخ مرغ فربه با در حلاب بعد بخورد ایضا
پوست خیار سبز را دود کردن باعث آسانی وضع حمل شود ایضا گفته من چند نفر را
مقلد باقلای بزرگ برگی با نصف آن زعفران بوده در طبخ حلبه چنین دادم و زود بچه
شد و مرگ بچه دان که زنان او را لجنت بگویند در آید باید قابله او را بدست نگاه دارد یا
بپای کشی ببندد و نگذارد که باندرون رود اگر باندرون رود خفقان و اختناق رحم مهلک
بهم رساند و از او زور بیرون باید آورد که بیم انقلاب رحم بود و عطسه در این باب نافع است و
از او باید خواباند چیزی بر آن بسته گذاشت و مرقات داد تا مقدار اجلا شود در اعمال
وقت ولادت و بعد از ولادت اما وقت ولادت چون فرزند زاییده شد سنت است
او را غسل دهند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست که نیت کند که غسل مولود
از برای رضای خدا او سر و گردنش را بشوید و بعد از آن جانب راستش و بعد از آن جانب چپش را
و از حضرت صادق منقول است که چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از آب فرات و از آب
حل کن و قطره در بینی راست و قطره در بینی چپش بریز و در گوش راستش اذان و در گوش

چنین تمامه بگو پیش از آنکه نافش را ببری و اگر چنین کنی هرگز زنی باو نرسد و ام الصبیان
او را ضرر نرساند و در روایت دیگر است که کام طفل را با آب فرات و تربت امام حسین بردارید
و اگر آب فرات نباشد با آب باران بردارید و چون سوره بلد نویسی و در اول ولادتش بر او بندی
ایمن شود از نقص و چون سوره دخان را نویسی و در وقت طهور بر او بندی ایمن شود از جن
و از گزندها و چون سوره الحاقه را نویسی و بشوئی و بخورد طفل دهی در ساعتی که متولد شود با ...
کند او را محفوظ ماند از گزندها و از شیاطین و اگر معوذتین را بنویسی و بر طفل بندی ایمن شود
از جن و از گزندها ... اعمال بعد از ولادت سنت است نام کردن طفل در روز هفتم بلکه
در شکم مادر چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقول است که فرزندان را در شکم مادر نام بگذارید و
اگر نام نگذارید و سقط شود در قیامت پدر خود را گوید که چرا نام مرا نگذاشتی و حضرت امام محمد باقر
فرمود اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند آنست که او را نام نیکو بگذارد و حضرت باقر فرمود
که راست ترین نامها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند مثل عبد الله و بهترین نامها نام پیغمبر
و حضرت رسول فرمود که هر که چهار فرزند از برای او بوجود آید و هیچ یک را بنام من مسمی نسازد
مرا جفا کرده است و حضرت امام موسی فرمود که فقر و پریشانی داخل خانه نمیشود که در آن خانه
نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه بوده باشد و حضرت
رسول فرمود که بهترین نامها نزد من حمزه است و در چندین حدیث نهی فرموده از نام کردن به
حکم و حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و
نهی فرموده از جمع کردن کنیت ابو عیسی و ابو الحکم و ابو مالک و ابو القاسم در وقتی که نام و کنیت هر دو
موافق حضرت رسالت پناه باشد و پس نام نکنند که مخصوص حضرت پیغمبر است صلی الله علیه و آله
و دیگر سنت مؤکد است عقیقه کردن برای کسی که قادر بر آن باشد و بعضی از علما واجب میدانند
و بهتر آن است که در این روز واقع شود و اگر تاخیر کند از روز هفتم تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و
بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خود طفل سنت است و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو
عقیقه است یعنی اگر نکنند او در معرض مردن و انواع بلاها است و در حدیثی وارد شده که پرسیدند
از حضرت که فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه از او ساقط می شود فرمود اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه
ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه دارد و از بعضی احادیث ظاهر میشود که حکم حیوان عقیقه مثل قربانی است
اما در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که

که باشد خوب است غرض گوشت است هر چند فربه باشد بهتر است و مشهور میان علما آنست
که سنت است که عقیقه پسر نر باشد و از دختر ماده و کلام ملا محمد باقر رحمه الله اینست که از
برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است
و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر است که عیال پدر و مادر هم که
در خانه ایشان می باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که استخوانها را نشکنند
بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و افضل آنست که با آب
نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند هم خوب است و اگر خواهند عقیقه
به سه قسمت کنند ... تصدق کنند قباحتی ندارد بلکه ... کنند تا بهم رسد و لازم نیست که
جماعتی که بخوردن عقیقه حاضر می شوند فقیر باشند اما اصلح و فقرا را طلبیدن بهتر است و سنت است
که اول سر تراشیده آخر عقیقه را بکشند و در حدیثی است که سر تراشیدن و عقیقه کشتن و سوراخ
سر ... کشیدن و تصدق کردن در یکجا و یک وقت می باید کرد و در سر تراشیدن باید که
همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و بعد از سر تراشیدن در روایتی وارد شده است که
سنت است که زعفران بر سر او بمالند و در احادیث بسیار نهی وارد شده است که چون ... بر
طفل بمالند که آن از عمل جاهلیت است و در روایت معتبر از حضرت صادق مرویست که در
وقت عقیقه کردن این دعا را بخواند بسم الله و بالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء
علی رسول الله صلی الله علیه و آله والعصمة لامره والشکر لرزقه والمعرفة لفضله علینا اهل
البیت پس اگر پسر باشد بگوید اللهم انک وهبت لنا ذکرا وانت اعلم بما وهبت ومنک
ما اعطیت وکل ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک وسنة نبیک ورسولک صلی الله علیه وآله
واخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک والحمد لله رب العالمین اللهم
لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره وجلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء
لفلان بن فلان یعنی طفل و پدرش را بگوید و سنت است که ربع گوسفند را و بروایتی ثلث
گوسفند را بقابله بدهند و اگر قابله نباشد بهر کس که خواهند بدهند و اگر ...
مسلمانان بدهند و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نخورد و اگر قابله
زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند را بدهند و مشهور میان علما آنست که عقیقه با شتر
یا گوسفند یا بز باشد و سنت است ختنه کردن در روز هفتم و واجب میشود بعد از بلوغ و این

در وقتیکه ختنه کرده از مادر متولد شود و هرگاه پیر دو او را ختنه نکرده باشند بعد از
مردن واجب نیست ختنه کردن قطعاً و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که در وقت ختنه
اینها را بخوانند و اگر وقت ختنه کردن میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت میسر
شود باید این دعا را بخوانند که حرارت آهن را از کشتن و غیر آن از او دفع میکند دعا اینست
اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَّا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ مِنْكَ
وَإِرَادَتُكَ وَقَضَاؤُكَ لِأَمْرٍ أَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَأَمْرٍ أَنْفَذْتَهُ وَأَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ
فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ بِأَمْرٍ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ
فِي عُمْرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ
عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ در مجمع و جواهر القرآن نقل کرده که هرکه اسم
مقیت را هفت مرتبه بر آب باران بخواند و بطفل خوراند خوش خوی و صاحب ذهن گردد
و هرچه بشنود یاد گیرد ایضاً هرگاه سورة الحاقه را بنویسند و بشویند و بخورد طفل شیرخواره
دهند صاحب ذهن و سالم شود ایضاً هرگاه زبان و چشم مدهامتان بر گردن طفل بندد
تیز فهم گردد ایضاً از برای زیاد شدن شیر خواه زنان و خواه حیوان این شکل را بنویسند
و بر گردن بندد ۱۱۱ ۶ ... و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
در اعمال الاوقات شیر دادن و تربیت کردن مولود و اعمال بعد از شیر اوقات شیر
دادن و تربیت کردن مشهور میان علما آنست که منتهای شیر دادن مولود دو سال کامل
و بدون عذر زیاده از دو سال جایز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد و مضطر باشد
و اقل زمان شیر دادن بیست و یک ماه است مگر آنکه ضروری باشد مثل آنکه مادر
شیر نداشته باشد و دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت نباشد یا آزاری داشته باشد
و بعضی از علما لبا را واجب دانسته اند که مادر به فرزند بخوراند یعنی شیری که اول به
پستان می آید و گفته اند که اگر آن شیر را نخورند فرزند باقی نماند یا قوت نیابد و از
حضرت امیر المومنین ع منقولست که نافع و مبارکترین شیرها برای فرزند شیر مادر است
و حضرت صادق ع فرمود که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر ده
یکی بعوض طعام و دیگری بعوض آب و در احادیث معتبر نهی کرده شده از شیری که از زنا
بهم رسیده باشد و حضرت امیر المومنین ع فرموده که دایه بگیرید که بصورت و سیرت نیکو

نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرایت میکند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت و
سیرت ایضاً در اخبار نهی وارد شده از شیر زنان احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد
زیرا که شیر تاثیر میکند اما تربیت مولود حضرت صادق ع فرمود که چون طفل چهار
ماهه شود هر ماه او را یکبار حجامت کنید در گودی پشت سر که لعاب را خشک میکند
و حرارت را از سر و بدنش بیرون میکند و از حضرت امیر المومنین ع مرویست که اگر طفلی گریه
بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی اندر بیداری بر او مستولی شود این آیه را
بخوانند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ
لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا در کتاب معتبری بنظر رسیده و در دعوات بعضی از صلحا دیده که جهت
گریه کردن طفل بنویسند و بر بالای سر در کفن او نهند و هو هذه ۱۱۱ وَنُنَزِّلُ مِنَ
الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا لله له لله له لله له
مه مه مه مه مه مه مه مه مه مه لا ایضاً هرکه سورة المطففین را هفت بار بخواند بر
کودکی که گریه بسیار کند و بر او بدمد گریه او ساکن شود ایضاً جهت گریه بنویسند این را
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا
وَلَا أَمْتًا در ظرف پاکی یا سفالی و آنرا بروغن بنفشه بشویند و بر طفل مالند نافع
باشد ایضاً هرگاه اسم المقیت را هفت بار بر کوزه خالی بخوانند و بعد از آن آب کنند و بطفل
دهند گریه نکند ایضاً از حضرت رسول ص منقولست که هرکه آیة الکرسی را بنویسد و بر گردن
طفل ببندد از آفات محفوظ ماند نوع دیگر هرکه آیه وَاللّٰهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ
فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ را بنویسد بر پوست آهو و بعد از آن سه بار یا حفیظ بنویسد و بر گردن طفل
بندد از همه آفات محفوظ ماند در مکارم الاخلاق جهت خوف و ترس اطفال و در خواب
جستن گفته که باید این را بنویسند و بر اطفال بندد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللّٰهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ التِّهَامِيِّ مَنْ حَضَرَ الدَّارَ مِنَ الْعُمَّارِ
أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ لَنَا وَلَكُمْ فِي الْحَقِّ سَعَةً فَإِنْ يَكُنْ فَاجِرًا مُقْتَحِمًا أَوْ دَاعِيًا حَقًّا مُبْطِلًا أَوْ
وَتَخَلَّوْا عَنْ أَصْحَابِ الْقُرْآنِ فِي جِوَارِ الرَّحْمٰنِ وَتَحَاذَوْا الشَّيْطَانَ ... الْقُرْآنَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ایضاً جهت رسیدن طفل سورة إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ
بخوانند و آیه وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

درمجمع از ائمه ما ادحضرت [illegible] منقولست که گفت کسی درخواب بمن گفت حامله شده
بهترین خالق الله نام او را محمد بگذار که اسم او در تقویت احمد است و این تعوید را
براو بیاویز و چون بیدار شدم بر سر خود قبضه و غلافی از آهن دیدم که در آن نوشته بود
ازبوست بسم الله استرعیك واعوذ لك بالواحد من شر كل حاسد قائم او قاعد
وكل خالق زائد من طرق الموارد لا يضروه في يقظة ولا منام ولا في ظعن ولا في مقام
سجيس الليالي واواخر الايام يد الله فوق ايديهم وحجاب الله فوق عاديتهم حرز
حايجه عليها السلام بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا قيوم برحمتك
استغيث فاغثني ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا واصلح لي شاني كله جهة جواب
اطفال نوشته برایشان بندند بسم الله الرحمن الرحيم الآن خفف الله عنكم وعلم ان فيكم
ضعفا وخلق الانسان ضعيفا وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما قلنا
يا نار كوني بردا وسلاما على ابرهيم بسم الله ذي العزة والكبرياء والنور وصلى الله
على سيدنا محمد وآله اجمعين [illegible] ایضا هرگاه این شکل را نوشته در زیر سر اطفال
گذارند بخواب روند ٩٩١ ع ٣ [illegible] ایضا جهة دفع بیخوابی اطفال و بیماران هرگاه
بیخ کاکنج یعنی عروسک پرده را در ریسمان سرخ بسته در گوش او بندند بخواب روند و در علاج ترک
گل خوردن اطفال این را بر قلمدانی نوشته بایشان بخورانند ترک گل خوردن کنند و مجرب است
ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين لا تاكل الطين يبس ولا تاكل التراب بالعلم ذلك
الكتاب بعد ما محق ومحق بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ایضا جهة گل
خوردن بر بازوی طفل بندند الذي اكل التراب والذين كفروا اعمالهم كسراب بقيعة يحسبه
الظمآن ماء حتى اذا جاءه جهة آسان برآمدن دندان اطفال در [illegible] مسطورست که سوره
ق را بنویسد با آب باران بخوراند در مجمع مذکورست که هرگاه [illegible] و عن
زیتون بیامیزند و در جای دندان کودکان مالند بید بر دبر آید [illegible] از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که با طفال [illegible] بخورانید [illegible] گوشت در بدن ایشان می رویاند و استخوان ایشان
محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید بایشان که زودتر ایشان را بحد بلوغ و قوت
میرساند و در دعوات دیدم که اگر طفل دندان مادر میگزیده باشد این نقش را بنویسد و بادم
ربك در میان تعویذ کرده در گلوی طفل ببندد برطرف شود [illegible] در سفینه

در سفینه نوشته که برای خاک خوردن طفل این آیات را نوشته براو بندند ويقذفون بالغيب
من مكان بعيد وحيل بينهم وبين ما يشتهون كما فعل باشياعهم من قبل انهم كانوا في شك
مريب [illegible] اعمال از شیر باز کردن اطفال [illegible] اعتقاد آنست که بهترین اوقات برای
اینکار وقت بهار است و در تابستان خوب نیست و اگر بسبب ضرورتی باز کرده شود هر بامداد
آب خیار و آب کدو و آب تخم خرفه و چیزهایی که تشنگی بنشاند میباید داد و هرگاه اسم المقیت
هفت نوبت بر کوزه خالی بخوانند و باو دمند و بعد آب در او کرده آن آب بطفل دهند [illegible] شیر را
آسان گردد نوع دیگر اگر اسم المتین [illegible] بخوانند و بخور طفل دهند صابر گردد نوع دیگر هرگاه
سوره القدر را بنویسد و بر گردن اطفال بندد زودتر شیر باز شوند و هم چنین سوره البروج را
اگر بنویسد و بر گردن اطفال بندد [illegible] نوع دیگر اگر سوره ابرهیم را با طهارت بر خرقه
حریر سفیدی بنویسد و بر طفلی بندد [illegible] اعمال [illegible] در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق منقولست که چون طفل [illegible] بگوید لا اله
الا الله و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد باو میگویند که هفت مرتبه بگوید
محمد رسول الله پس چون چهار سال تمام شود باو میگویند که هفت نوبت بگوید صلی الله علیه
وآله و اگر طفلی دیر راه افتد این آیات را بر طرف سفالی بنویسند و بشویند و قدری از آن آب
خورانند و قدری بر [illegible] و همین آیات را نوشته بر او بندند زود براه افتد انشاء الله اركض
برجلك هذا مغتسل بارد وشراب والله خلق كل دابة من ماء فمنهم من يمشي على
بطنه ومنهم من يمشي على رجلين ومنهم من يمشي على اربع يخلق الله ما يشاء ان الله على
كل شيء قدير و اگر طفلی حرف نزند یا در بعضی گفتن زبانش بگیرد سوره بنی اسرائیل را بزعفران
بنویسند و بشویند و آن طفل بخوراند زبانش گشاده گردد انشاء الله [illegible]
ثقل زبان و سستی آن [illegible] بغایت [illegible]
ارمنی [illegible] عسل [illegible] کردن [illegible]
باشد [illegible] و هم چنین تجربه یافته اند که [illegible] ثقل زبان
رفع شود [illegible] ناشتا [illegible] نافع است و ایضا تخم [illegible] با اطفال خورانید
معین نطق ایشان [illegible] کردن اطفال در خواب این طلسم را بنویسد و بر بازوی
راست او بندند بسم الله الرحمن الرحيم

کف کف کف هف هف هف مهمهم صعر لبغل موافقة احد الغالب من حیث یبتغی العلة
ابلیس حج لبنی آدم کالذی سجد لآدم الملائکة باذن الله کریمتی و للغلان بن فلان ه ه ه ه ه سددت
سددت سورة صفر جمعهم ختمت بخاتم سلیمان بن داود علیهما السلام رب العالمین
و تجربه چنین یافته اند که در حین تولد چون روده ناف را از شبری زیاده قطع کنند قوت
ماسکه طفل بیشتر باشد و بول بر خود کمتر کند و چون از شبری کمتر قطع کنند بول بسیار
کند و تا بزرگ شود ترک آن نتواند کرد و بجهت سوزش بول اطفال آب هندوانه و شیره تخم خرفه
نافع است در خلاصه گفته که طفل یکساله که بیمی را در تابستان سوزش بول حاصل شد عنب
الثعلب تازه را نرم کرده بر زهار و ذکر و خصیه او طلا کردند و صحت یافت و در موضع کاو داده صحت
یافت و بتجربه رسیده پس چون پنج سالش تمام شود او را یاد میدهند که خدا را سجده کند پس
شش سالش تمام شود نماز بیادش میدهند و نماز میدارند و چون هفت سالش تمام شد
وضو و نماز را خوب یاد میدهند و امر بنماز میکنند او را و چون نه سالش تمام شد وضو
نماز را خوب یادش میدهند و بترک وضو و نماز میزنندش پس چون وضو و نماز را یاد
گرفت خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در احادیث معتبره وارد شده که دختری که شش ساله
شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر وارد شده که دختر که شش
ساله شد پسران او را نبوسند و پسر که هفت ساله گذرد زنان او را نبوسند و در روایت
دیگر وارد شده است که پسران و دختران که ده ساله شوند باید که رختخواب ایشان را جدا
کنند و حضرت صادق ع فرمود که فرزندان خود را از احادیث ما بیاموزید پیش از آنکه
مخالف مذهب ایشان را گمراه بکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که تادیب کنید فرزندان
خود را بر محبت علی بن ابیطالب اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادرشان یعنی این امر علامت
فرزند زناست که قبول محبت امیر المومنین ع نمیکنند و حضرت صادق ع فرمود که فرزند
خود را تا هفت سال بگذار تا بازی کند و بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او
اگر نیک باشد دیگر سعی کن و گرنه امید خیری از او نیست و حضرت رسول ص فرمود که فرزندان
خود بیاموزید شنا کردن و تیر انداختن را و در احادیث معتبر منقول است که حضرت صادق ع
باسحق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی مده که صراف از ربا سالم نمی ماند و بکفن فروشی
مده که کفن فروش روزی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوش می آید و بگندم

و گندم فروشی مده که سالم نمی ماند از جمع کردن و نگاه داشتن برای گرانی و بسلاخی مده که رحم از
دلش بر طرف کند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است و برده فروشی مده که بدترین
مردم کسی است که مردم را بفروشد فصل در آداب معاشرت با مردم و اصناف حقوق بیان
مشتمل بر نه نوع نوع اول در حقوق والدین بر فرزند و حقوق فرزند بر والدین حق پدر و مادر
بر فرزند بدانکه حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دینیست و ایشان را از خود آزرده داشتن از
جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده است که اگر پدر و مادر تو کافر باشند
تو را امر کنند که کافر شو در این باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو معاشرت
کن و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که کسی جزای حق پدر را نمی تواند داد مگر در دو چیز یکی
پدر بنده باشد و او را بخرد و آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که گاه هست که کسی نیکوکار است
با پدر و مادر در زندگی ایشان و بعد از مرگ ایشان قرض ایشان را ادا نمیکند و طلب آمرزش از
برای ایشان نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر می نویسد و گاه هست که عاق ایشان است
در زندگی ایشان پس چون مردند قرض ایشان را ادا میکند و استغفار از برای ایشان میکند
پس خدا او را نیکوکار می نویسد و در حدیث دیگر فرمودند که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که
اف بروی ایشان بگوئی و در حدیث دیگر فرمود که از عقوق است آنکه کسی بتندی نظر کند بسوی
پدر و مادر و از جمله ادای حقوق والدین نماز است که در اعمال شب شنبه مذکور شده و از
نمازهائی که مناسبست که فرزند از برای پدر و مادر بگذارد نمازیست که در مکارم الاخلاق
نقل شده و آن دو رکعتست در رکعت اول بفاتحه و ده مرتبه رب اغفر لی و لوالدی و للمومنین یوم
یقوم الحساب و در رکعت دوم بفاتحه و ده مرتبه رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مومنا و
للمومنین و المومنات و چون سلام دهی ده مرتبه رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا و در روایت دیگر دو رکعت
در هر رکعت فاتحه یکبار و ده مرتبه رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا بیست بار و چون سلام دهی ده مرتبه
ارحمهما تا آخر و از جمله ادعیه که مناسبست فرزند از برای پدر و مادر بخواند دعای صحیفه
کامله است که حضرت امام زین العابدین ع پدر و مادر خود را بآن دعا میکرده اللهم صل
علی محمد و آل محمد عبدک و رسولک تا آخر که در صحیفه مذکور است حق فرزند بر پدر و مادر
حضرت صادق ع در ضمن حدیثی گفت که رسول خدا ص فرمود که حق فرزند بر پدر آنست اگر پسر باشد
که مادرش نیک برای او قرار دهد و نامش نیک کند و اگر دختر باشد سوره نور بیاموزد

و سورهٔ یوسف با و بنمایند و در بالاخانه‌ها او را جا ندهند و زود او را بخانهٔ شوهر فرستند
و در حدیث دیگر است که پدر و مادر نیز عاق فرزند می‌باشند و عاق فرزندان می‌شوند چنانچه
فرزندان عاق پدر و مادر می‌شوند از جملهٔ ادای حقوق پدر و مادر از برای فرزند نماز است
که در مکارم الاخلاق نقل شده و آن چهار رکعت است در رکعت اول بعد از حمد ده بار بگوید
ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امة مسلمة لک و ارنا مناسکنا و تب علینا انک انت
التواب الرحیم و در رکعت دوم بعد از فاتحه ده بار بگوید رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی
ربنا و تقبل دعاء ربنا اغفر لی و لوالدیّ و للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت سیم
بعد از فاتحه ده بار بگوید ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماما
و در رکعت چهارم بعد از فاتحه ده بار بگوید رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت
علیّ و علی والدیّ و ان اعمل صالحا ترضاه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من
المسلمین و چون سلام دهد ده بار بگوید ربنا هب لنا تا آخر دیگر از ادعیه که مناسب است
که مادر و پدر از برای فرزندان کنند دعائیست که امام زین العابدین ع فرزندان خود را
دعا میکرده و آن این است اللهم و من علیّ ببقاء ولدی و باصلاحهم لی تا آخر که در صحیفهٔ
کامله مذکور است حق زن و شوهر بر یکدیگر منقولست که زنی آمد بخدمت
حضرت رسول ص و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن فرمود که لازم است که اطاعت
شوهر کند و نافرمانی نکند و از خانهٔ او بی رخصت او تصدق نکند و روزهٔ سنت بی
رخصت او ندارد و هر وقت که ارادهٔ نزدیکی او کند مضایقه نکند اگرچه در پشت پالان
شتر باشد و از خانهٔ شوهر بی رخصت او بدر نرود و اگر بی رخصت او بدر رود ملائکهٔ آسمان
و ملائکهٔ غضب و ملائکهٔ رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد و در احادیث بسیار
معتبر وارد شده است که حق زن بر مرد آن است که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند
و اگر بدی کند او را عفو کند و در حدیث دیگر است که روزی نکند تا دو یک روز نه
روز روغن برای مالیدن بدن او بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای او بیاورد و در
ماه سه مرتبه با او بدهد و هر سال چهار جامه‌اش بدهد دو از برای زمستان و دو از برای
تابستان و باید که خانه‌اش خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و از سرکه و زیت و
روزی یکمن گندم قوت با او بدهد و میوه‌ها که همه کس خورند با و بخوراند و در عیدها زیاده از آن

از اوقات دیگر خوردنی برای او بگیرد در حقوق خویشان و غلامان و کنیزان
در احادیث بسیار وارد شده است که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است و مال را
زیاده میکند و بلاها دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و از
جملهٔ چیزهائی که باعث طول عمر است شکر کردن بسیار است و صدقه دادن و در روز غدیر
خم خیر دادن و بعد از هر نماز این دعا خواندن که اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم ان
رسولک الصادق المصدق تا آخر که پیش گذشت و در صبح و شام مداومت باین دعا نمودن
سبحان الله ملاء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا که در ادعیهٔ صباح و مسا مذکور شد
و مداومت بر چهار قل کردن است و آنچه باعث نقص و کمی عمر میشود نیز بسیار است از جمله
جور و ظلم کردن است دیگر ترک نمودن ورع و تقوی است و تعلیم علم برای ریا در حدیث است
که خدای تعالی مبتلا میسازد بیکی از سه چیز یا آنکه او را بجوانمرگی میبرد یا میاندازد او را بفقر
و پریشانی و یا مبتلا میسازد او را بمجالست سلطان و دیگر قطع طریق و بستن راه است و زنان
دیگر زنا کردن است دیگر عقوق والدین دیگر قسم دروغ خوردن دیگر با دشمن نشستن دیگر زن
سلیطه داشتن و در طب گفته‌اند که هر یک از فرح و خوف و فزع و جزع و خجالت و حرمان و
ناامیدی که بحد افراط رسد باعث کمی عمر گردد بلکه دفعةً هلاک میسازد و از انجمله استشمام
بوهای بد و هواهای غبارآلود و دود و غذاهای خارج از طبیعت خوردن نیز بود حدیث معتبر
از حضرت رسول منقولست که بهر بنده که از خود بخورانید آنچه خود میخورید و بپوشانید ایشان را
آنچه خود می‌پوشید و حضرت صادق ع فرمود که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال
خدمت کند آزاد میشود بعد از آن خدمت فرمودن از حلال نیست و علما حمل کرده‌اند این
حدیث را بر آنکه سنت موکد است که بعد از هفت سال او را آزاد کنند و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که زراره از آنحضرت سؤال کرد از زدن بنده فرمود که هر چیز که در دست او تلف شود
بی تقصیر او بر او چیزی نیست و اگر دانسته نافرمانی تو کند میتوانی زد او را اگف بمقدار
میزنم او را فرمود سه یا چهار یا پنج تازیانه و در حدیث معتبر دیگر فرموده که در تادیب اطفال
و غلامان و کنیزان پنج تا شش تازیانه بیشتر نزنید و از آنها برفق و همواری بزنید
در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول
پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود که بلی نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو

بدی کند و احسان کردن بهمسایگان مسلمانان بدرستی که ایمان بمن ندارد کسی که شب سیر
بخوابد و همسایه مسلمان گرسنه است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن
نمک و آتش از همسایگان و حضرت رسول ص فرمود که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان
حق تعالی منع نماید از او خیر و احسان خود را در آخرت و او را بخود واگذارد و هر که را خدا بخود واگذارد
وای بر حال او و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که خوردن مال یتیم بناحق از جمله گناهان
کبیره است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که نگاهداری کند یتیمی را
و او را نفقه دهد من و او در بهشت مانند دو انگشت باهم باشیم و اشاره بانگشت شهادت و
میان فرمودند (نوع) در حقوق صداقت و اخوت در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که صداقت و یاری و دوستی حدی چند دارد که هر که همه آنها را دارا باشد او را بکمال صداقت
نسبت مده اول آنکه آشکار و پنهانش با تو یکی باشد دوم آنکه زینت ترا زینت خود داند و عیب
ترا عیب خود شمارد سیم آنکه بسبب رسیدن بمالی یا حکومتی سلوک خود را با تو تغییر ندهد
چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت نکبتها و بلاها ترا واگذارد
و ترک یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران مومن تو سه مرتبه با تو بغضب آید
و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری خود بگیر و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که اعتماد بسیار بر برادر دوست خود مکن که زمانی خود را باو سپاری که در وقتی
که او از تو برگردد چاره نتوانی کرد (نوع) در حقوق مومنان بر یکدیگر بسندهای معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که مومن را بر مومن هفت حق است که واجبست اول آنکه در حضور او را تعظیم
نماید دوم محبتش در سینه او باشد سیم مال خود را باو صرف نماید چهارم غیبت او را بر خود
حرام داند پنجم چون بیمار شود بعیادت او برود ششم چون بمیرد بجنازه اش حاضر شود هفتم
بعد از مرگش بغیر از نیکی چیزی نگوید (نوع) در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران
از حضرت صادق ع منقولست که هر که ذلیل و خوار شمارد مومنی را برای پریشانی او حق تعالی
او را در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و از حضرت امیر المومنین ع منقولست که حقیر
مشمارید ضعیفان برادر خود را که هر که مومنی را حقیر شمارد خدا او را با مومن در بهشت
جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حاضر نشود احدی از شما

از شما در وقتی که حاکم ظالمی بر کسی زیادتی کند یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا
که یاری مومن بر مومن واجبست هرگاه حاضر باشد و از حضرت رسول ص منقولست که هر که
حرمت مرد پیری را بشناسد پیری او را تعظیم کند برای سنش خدا او را ایمن گرداند از ترس
روز قیامت و فرمود که از تعظیم خدا است تعظیم کردن مومن ریش سفید و فرمود که از ما نیست
کسی که خوردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و معاشرت با اهله و کفار و مخالفین
و حضرت امیر المومنین ع وصیت فرمود بحضرت امام حسن ع که دوست دار صالحان را برای
صلاح ایشان و مدارا کن با فاسقان و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت صادق ع
منقولست که هر که دوست دارد بقای ظالمان را دوست داشته است که خدا را معصیت کنند
و هر که دوست دارد که خدا را معصیت کنند با خدا دشمنی کرده است علانیه و در حدیث معتبر
از حضرت رسول ص منقولست که چون روز قیامت شود منادی ندا کند که کجایند ظالمان و
مددکاران ایشان و آنان که دوات و قلم ایشان را تراشیده و لیقه گذاشته یا سر کیسه برای
ایشان بسته اند یا مد قلمی بایشان داده اند ایشان را همه با ظالمان محشور کنند و در حدیث صحیح
از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار نیست مومن را که با کافران اهل ذمه شراکت کند
یا امانتی بایشان بدهد که برایش چیزی بخرند یا چیزی بایشان بسپارد و یا دوستی با ایشان
بکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که مسلمان نباشد که با گبر
در یک کاسه چیزی بخورد یا با او در یک فراش بنشیند یا با او مصاحبت کند و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که اگر محتاج شوی بمطلب ترسائی نیست که بر او سلام کنی و او را دعا
گوئی که دعای تو نفعی باو نمیرساند و آنحضرت فرمود که گرامی ترین شما نزد خدا کسی
که تقیه بیشتر کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که تقیه سر ایمانست و
ایمان ندارد کسی که تقیه نکند و فرمود که نه عشر دین در تقیه است و از حضرت امیر المومنین
منقولست که تقیه در بلاد مخالفان کردن واجبست و کسی که از روی تقیه قسم بخورد برای
آنکه دفع ضرری از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست (نوع) در قضای حوائج مومنان و شاد
گردانیدن و زیارت و اطعام و اعانت ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق ع مرویست
که هر که یک حاجت برای برادر مومن خود برآورد حق تعالی در قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که
یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت کند اگر ناصبی

نباشند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که یک حج بهتر است از هفتاد
بنده آزاد کردن و خرج کشیدن و نفقه دادن اهل یکی از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بپوشاند
و روی ایشان را از سؤال کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج باب شاد کردن مؤمنان حضرت
صادق فرمود که هر که مؤمنی را شاد کند حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسد باب
زیارت و عیادت بیماران از حضرت امام محمد باقر و صادق علیهما السلام در احادیث معتبر بسیار
وارد شده است که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود از برای رضای خدای تعالی هفتاد هزار
ملک بر او موکل گرداند که او را ندا کنند تا بخانه خود برگردد و خوشا حال تو و گوارا باد بهشت
از برای تو و حضرت باقر فرمود که بدیدن یکدیگر بروید در خانهای خود که باین زنده میکنید دین
ما را خدا رحمت کند کسی را که دین ما را زنده گرداند و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست
که هر که عیادت کند مسلمان بیمار برادران روز هفتاد هزار ملک بر او صلوات میفرستند اگر صبح
باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد
هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار کنند تا بخانه خود برگردد و از ابی عبدالله علیه السلام
مرویست که عیادت کنید خستگان خود را و از ایشان دعا طلب نمایید که دعای ایشان برابر
دعای ملائکه است و از حضرت پیغمبر مرویست که از جمله حقوق مسلمانان اینست که هر گاه
بمسلمانی برسید سلام کنید و چون مریض شود عیادت نمایید و چون بمیرد مشایعت جنازه
او نمایید و فرمود در حدیث دیگر که تمام عیادت اینست که دست بالای بیمار گذاری و گویی
چونی و در چه حالی چون بوده و دوشنبه را چه بسر برده و نیز از آنحضرت مرویست که عیادت نمود
بیماری را که همسایه او بوده و هم او فرمود عیادت سه نوبت است و بعد از آن یک نوبت از امام
صادق مرویست که در درد چشم عیادت نیست و عیادت بیمار از سه روز کمتر نباشد و بعد از
آن روزی عیادت باید نمود و دو روز نباید رفت مرویست که رسول خدا بعیادت سلمان
رفت و فرمود کشف الله ضرک و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک و
حضرت امام جعفر صادق چون بر سر بیماری میرفتند میفرمودند اذهب البأس رب الناس و
انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک باب اطعام مؤمنان و آب و جامه دادن و سایر اعانتهای
ایشان از حضرت صادق منقولست که هر که مؤمنی را سیر کند بر خدا لازم است که بهشت او را
واجب شود و هر که کافر را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم کند و در حدیث

و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر کند حق تعالی او را از سه بهشت طعام دهد
جنت الفردوس و جنت عدن و جنت طوبی و از حضرت رسول منقولست که هر که شربت
آبی بمسلمانی بدهد در جائی که آب بهم رسد حق تعالی بهر شربتی هفتاد هزار حسنه باو عطا فرماید
و اگر او را آب دهد در جائی که آب کم یاب باشد چنان باشد که ده بنده از فرزندان اسمعیل
آزاد کرده باشد و حضرت صادق فرمود که چهار چیز است که هر که یکی را بجا آورد
داخل بهشت شود کسی که تشنه را سیراب کرده باشد یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند
یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و حضرت رسول فرمود که بهترین اعمال نزد حق تعالی
سه چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمانان را ادا کردن یا غمی را از او برداشتن و حضرت
صادق فرمود که هر که خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج شود که در آن ساکن شود و او
راضی نشود حق تعالی بملائکه فرماید که بنده من بخل ورزید بر بنده من بساکن شدن در خانه او در دنیا
بعزت خود سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و حضرت رسول فرمود که بنده
داخل بهشت شد بسبب خاری که از سر راه مسلمانان برداشت ایضا از حضرت صادق
منقولست که نیکو چیزیست هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت را بگوید و فرمود که هدیه برای
یکدیگر بفرستید که هدیه کینها را از سینها میبرد و فرمود که هدیه بر سه قسمست هدیه کردن
برابرش توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوه فرستی و هدیه که از برای خدا فرستی
و غرض دنیوی نداشته باشی باب در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن
و آداب عطسه و نشستن و برخاستن و صحبت داشتن باب سلام در حدیث معتبر از حضرت رسول
منقولست که در بهشت غرفه چند هست که از اندرونش بیرون پیدا است و از بیرونش اندرون
مینماید کسی از امت من در آنها ساکن میشود که زبان نیک با مردم بگوید و طعام بمردم بخوراند
و افشای سلام بکند و نماز کند در شب در وقتی که مردم در خواب باشند پس فرمود که افشای
سلام آنست که بخیلی نورزند بسلام کردن بر احدی از مسلمانان و از حضرت صادق منقولست
که از جمله تواضع و شکستگی اینست که بهر که برخوردی سلام کنی و از حضرت رسول منقولست
که هر که ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش نگویید و کسی را بطعام خود مطلبید پیش از
آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که سلام کردن سنت است و جواب سلام گفتن واجب
و حضرت صادق فرمود که چون کسی سلام کند بلند سلام کند که بشنوند تا مگویند که سلام

نوع نهم

کردم و جواب سلام من گفته اند و چون کسی جواب سلام گوید بلند بگوید که آن سلام کننده
نگوید که سلام کردم و جواب سلام من نگفتند و فرمود که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید
سلام علیکم و چون مرد داخل شود بگوید السلام علیکم چند کس اند که بر ایشان سلام نباید
کرد جهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت الخلا باشد و کسی که بر خوان شراب
نشسته باشد و بر شاعری که بر زنان محصنه عفیفه فحش گوید و بر جماعتی که خوش طبعی ایشان
فحش بمادر است و بر کسی که نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر کسی که طنبور
نوازد و بر مردی که مردم با او عمل لواطه کنند و کسی که در اثنای نماز باشد و کسی که سود خورد
و فاسقی که علانیه فسق کند و پروا نکند و حضرت صادق فرمود که کوچک بر بزرگ سلام
میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام میکند و فرمود که سواره باید که بر پیاده سلام کند
و استر سوار بر خر سوار سلام بکند و اسب سوار بر استر سوار سلام کند و ایستاده بر نشسته سلام
کند و فرمود که ابتدا بسلام مکنید اهل کتاب را و چون ایشان سلام کنند بگوئید علیکم
مصافحه و معانقه و بوسیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که از تمامی تحیت
و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردنست و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست
در گردن یکدیگر کردنست و در حدیث صحیح فرمود که حد مصافحه آنست که دور درخت خرما
بگردند پس از آن باز مصافحه سنت است و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که
کینها را از سینه می برد و فرمود که مصافحه کردن با مؤمن بهتر است از مصافحه کردن با ملائکه
و از حضرت صادق منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی هست که بآن نور شما را در
دنیا می شناسند چون بیکدیگر برخورید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید و در حدیث
حسن فرمود که نمی باید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا یا اراده از بوسیدن سر و دست
حضرت رسول باشد و در حدیث دیگر فرمود که شایسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی
پیغمبر را و در حدیث حسن از حضرت امام موسی منقولست که کسی که خویش خود را برای خویشی ببوسد
بر او چیزی نیست و برادران مؤمن پهلوی روی یکدیگر را ببوسند و امام را میان دو چشم ببوسند
و حضرت صادق فرمود که دهان را بوسیدن نمی باشد مگر از برای زن و فرزند خردسال و آداب نشستن
مجالس از حضرت رسول منقولست که وصیت فرمود بحضرت امیر المؤمنین که هشت کس اند
که اگر خوار شوند ملامت نکنند مگر خود را کسی که حاضر شود بر سفره که او را نخوانده باشند

باشند و کسی که تحکم کند بر صاحب خانه و کسی که طلب خیر کند از دشمنان خود و کسی که توقع
احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسی که خود را درآورد در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت
ایشان و کسی که او سزاوار او نباشد و کسی که سخن با کسی گوید و کسی که استخفاف نماید بپادشاه
و کسی که در مجالس در جائی بنشیند که او سزاوار آن نباشد و کسی که سخن با کسی گوید که گوش
بسخن او ندهد و حضرت امیر المؤمنین فرمود که کسی که مجموع این سه خصلت یا یکی از آنها را
نباشد و در صدر مجلس بنشیند احمق است اول آنکه ره نمائی که برای اصلاح امامش دادن نتواند
تواند کرد دوم حیرت بخیر فرمود که چون کسی بخانه شخصی بیاید هرجا که صاحب خانه
میفرماید باید بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه خود را بهتر می داند و حضرت امیر المؤمنین
فرمودند زنهار که بر سر راهها منشینید و در حدیثی است که حضرت رسول سه روش
می نشستند گاهی دو زانوها را از زمین بر می داشتند و دستها را بر پایین زانوها
گذاشته ساعد یک دست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می نشستند
و گاهی یک پا را بر روی پای دیگر می گذاشتند و هرگز چهار زانو نمی نشستند و در روایت
دیگر است که حضرت صادق پای راست را بر روی ران پای چپ گذاشته
بودند و در حدیث معتبر است که رسول خدا فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که
با یکدیگر بنشینند در تابستان بقدر استخوان ذراع که تقریبا یک شبر باشد از هر طرف
میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار نکشند ملاقات صاحب خانه
با کسی بخانه او بیاید در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق منقولست که برخواستن از
برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسی که بحسب دین باشد علم و صلاح و نیکی تعظیم او کنند
و از حضرت رسول منقولست که حق کسی که داخل خانه میشود بر اهل آن خانه آنست که در
وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره راه با او روند و فرمود چون کسی داخل خانه شود در
صاحب خانه حاکم است تا وقتی که از خانه بیرون رود و آنچه گوید می باید صاحب خانه
اطاعت بکند و از حضرت که کسی که گرامی کنند او را گرامی دارند باید که او
قبول کند و رد نکند که رد نمی کند کرامت را مگر خر و حضرت امام حسن عسکری فرمود که اکرام
مکن کسی را بچیزی که بر او دشوار باشد مجالس ممنوعه و ممنوع از حضرت امام محمد باقر
منقولست که متابعت مکن کسی را که ترا میگریاند و خیر خواه تست و متابعت مکن کسی را که ترا

می‌خندند و در مقام فریب دادن تست و حضرت صادق ع فرمود که بهترین برادران نزد
من کسی است که عیبهای مرا به من بگوید و فرمود که بر تو باد به مصاحبان کهنه و حذر کن
از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان را اعتمادی و وفائی نیست و برحذر باش از همه کس
هر چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امام موسی ع فرمود که بپرهیزید از مواضع
تهمت و باید که کسی با مادر خود در راه ناپسند — زیرا که همه کس نمی‌دانند که مادر اوست
و حضرت صادق ع فرمود که سزاوار نیست مسلمان را که با فاجر و احمق و دروغگو برادری
کند و حضرت رسول ص فرمود که سه کس‌اند که هم‌نشینی ایشان دل را می‌میراند نشستن
با مردم دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران آداب عطسه و عرق و دهن دره
و آب دهان انداختن از حضرت رسول ص منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید
اگر چه دور دریا در میان فاصله باشد و در حدیث صحیح از امام رضا ع منقولست که دهن دره
از شیطانست و عطسه از جانب خداوند عالمیانست و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که
نکو چیزیست عطسه نفع میرساند به بدن و خدا را یاد می‌آورد و در حدیث حسن فرمود که چون
کسی عطسه کند بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اهل بیته و بر روی بینی
انگشت شهادت بر روی بینی بگذارد و بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد
و اهل بیته رغم الله انفی رغما داخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر و هر گاه دیگری عطسه
کند تا سه مرتبه بگوید یرحمک الله و چون زیاده شود بگوید شفاک الله و چون مرد مومن عطسه
کند بگوید یرحمک الله و اگر زن باشد بگوید عافاک الله و اگر طفل باشد زرعک الله و
اگر بیمار باشد بگوید شفاک الله و اگر کافر ذمی باشد بگوید هداک الله و اگر پیغمبر یا امام باشد
بگوید صلی الله علیک و در جواب بگوید یغفر الله لنا و لکم و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که
در بیت الخلا عطسه کند حمد الهی را در خاطر خود بگذراند و محتمل است که مراد آهسته گفتن باشد
و در حدیث حسن حضرت صادق ع فرموده که هر گاه کسی در نماز عطسه کند الحمد لله بگوید
و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که کسی که آروغ زند بجانب آسمان بلند کند و گوید
که آروغ نعمت خداست و بعد از آن حمد الهی بکند و از حضرت امیر المومنین ع منقولست که
آب دهان را بجانب قبله نیندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار بکند آداب مزاح کردن
و خندیدن و سرگوشی کردن و راز مجلس را پنهان داشتن از حضرت صادق ع منقولست که هیچ

که هیچ مومنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوش طبعی می‌باشد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود
که خدا دوست میدارد کسی را که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که مزاح مکن که نور ایمانت را می‌برد و مروتت را
سبک می‌گرداند و حضرت صادق ع فرمود که خنده مومن می‌باید تبسم باشد و صدا بلند نباشد
و فرمود که بسیار خندیدن دل را می‌میراند و دین را می‌گدازد چنانکه آب نمک را می‌گدازد
و فرمود که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن بود و حضرت باقر ع فرمود که چون خنده
قهقهه کنی بعد از فارغ شدن بگو اللهم لا تمقتنی و در حدیث صحیح از حضرت فرمود که چون سه کس
در مجلسی باشند دو تای ایشان با یکدیگر گوشی نکنند که موجب اندوه و آزار آن رفیق دیگر است
و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که در میان سخن برادران مسلمان خود سخن
بگوید چنانست که خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقولست که مجلس
با امانتست یعنی آنچه گذشت باید که در جای دیگر گفته نشود مگر آنکه دانند که ایشان راضی اند
فضیلت ذکر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام از حضرت امیر المومنین ع منقولست که در
همه جا خدا را یاد کنید که او همه جا با شماست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص
از هیچ مجلسی بر نمی‌خاست هر چند اندکی نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار
میکرد و در احادیث معتبره منقولست که آن حضرت فرمود که یاد کننده خدا در میان غافلان
مانند کسی است که جهاد کند در راه خدا در هنگام گریختن دیگران و چنین کسی از اهل بهشت
و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر مجلسی که در آن جمع شوند نیکوکاران و بدکاران
و برخیزند و یاد خدا در آن مجلس نکرده باشند آن مجلس در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان
خواهد بود و از همان حضرت منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند و خدا را یاد نکنند و ما را
یاد نکنند آن مجلس بر ایشان حسرت خواهد بود در قیامت و فرمود که حق تعالی را ملکی چند هست که ایشان
سیر می‌کنند در زمین در جماعتی که یاد محمد و آل محمد می‌کنند بیکدیگر می‌گویند بایستید که طلب
خود را یافتید پس می‌نشینند و با ایشان شریک می‌شوند در آن امر پس چون برمیخیزند اگر بیمار شوند
بعیادت ایشان می‌روند و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر می‌شوند و اگر غایب شوند جستجوی
ایشان می‌کنند و از حضرت رسول ص منقولست که زینت دهید مجالس خود را بذکر فضائل
علی بن ابیطالب فضیلتی چند قرار داده که از بسیاری احصای آنها نمی‌توان کرد پس هر که یک فضیلت

از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و اذعان گناهان که شنیده و ایشان اثر مرتب شود
هرچند در قیامت با گناهان جن و انس بیاید و هرکه یک فضیلت از فضایل او را بنویسد تا علامت
از آن کتابت باقی باشد ملائکه از برای او استغفار کنند و هرکه گوش دهد فضیلتی از فضایل
آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی که بگوش دادن کرده باشد و هرکه نظر کند بنوشته که فضیلتی
از فضایل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا از او بیامرزد گناهانی که بچشم کرده باشد
و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مذاکره کنید و ملاقات کنید و حدیث نقل کنید
که حدیث جلا میدهد دلها را و بدرستی که دلها زنگ میگیرند چنانچه شمشیر زنگ میگیرد
و جلای دلها بحدیث است و از حضرت امام محمد باقر منقولست که مذاکره علم ثواب نماز
مقبول دارد و مشورت کردن با برادران مؤمن و آداب آن در فصل استخاره مذکور شد
در اعمال و ادعیه سفر است و در آن ده فصل است فصل اول در آداب سفر و نیک
و بد ایام و ساعات آن و از حضرت صادق منقولست که در حکمت آل داود
نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر از برای سه چیز سفری که توشه آخرت در آن
حاصل شود یا سفری که باعث حاصل شدن معاش گردد یا سفری که از برای سیر و لذتی باشد
که حرام نباشد و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهای شما صحیح شود و جهاد کنید
تا غنیمت دنیا و آخرت بیابید و حج کنید تا مالدار و بی نیاز شوید و در حدیث دیگر فرمود
که سفر قطعه ایست از عذاب چون کار شما در سفر ساخته شود زود باهل خود برگردید
و در حدیث صحیح منقولست که محمد بن مسلم از حضرت صادق پرسید که مسافری که بزمینی
میرود که در آنجا بغیر از برف و یخ چیزی نیست فرمود که چون مضطر است تیمم کند و دیگر
همچنین زمینی نرود که دینش در آنجا هلاک شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که هرکه اراده سفری داشته باشد باید که در روز شنبه سفر کند که اگر سنگی
از کوهی برگردد در روز شنبه البته از خدا بجای خود برگرداند و هرکه کارها برو
دشوار شود دوشنبه و سه شنبه طلب کند که آن روزیست که آهن برای حضرت داود
نرم شده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول در روز پنجشنبه بسفر می رفتند
و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح
از حضرت صادق منقولست که مکروهست سفر کردن و سعی در حوایج کردن در بامداد

در بامداد روز جمعه از برای آنکه مبادا از نماز باز ماند اما بعد از نماز از برای تبرک خوبست
و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا منقولست
که هرکه در چهارشنبه آخر ماه سفر کند برود آن بجهت تشأم که بفال بد میدانند از هر بلائی
نگاه داشته میشود و حاجتش را خدا بر آورد و در روایت دیگر منقولست که روز چهاردهم
و بیست یکم برای سفر خوبست و در بعضی روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سیم و
چهارم و روز پنجم و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیستم و روز بیست و یکم و روز بیست و چهارم
و روز بیست و پنجم و روز بیست و ششم و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سیم
برای سفر خوبست و اگر روزهای نحس با روزهای هفته معارض شود رعایت روزهای
هفته کردن اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبر دیگر
منقولست که هرکه سفر کند یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند و در ترتیب
ایام سال از برای سفر بیست و دوم محرم و دهم صفر و چهارم ربیع الاول و چهارم ربیع الآخر
و هفدهم جمادی الاول و دوازدهم جمادی الآخر و دوازدهم رجب و بیست و ششم شعبان
و بیست و چهارم رمضان و دهم شوال و بیست و ششم ذی قعده و هشتم ذیحجه است و چون مضطر
شوی که در یکی از این روزها سفر کنی باید که از الله تعالی طلب عافیت و سلامتی کنی و تصدق
کنی و بسم الله بگویی فصل دوم در دفع نحوستهای سفر از تصدق و دعا از حضرت صادق منقولست
که تصدق کن و در هر روز که خواهی برو بسفر و در حدیث صحیح منقولست که از آنحضرت پرسیدند
که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح
سفر خود بتصدق بکن و هر وقت که خواهی بدر رو و سید ابن طاوس ره روایت کرده است
که چون خواهی متوجه سفر شوی در وقتی که سفر کردن در آن اوقات کراهت دارد و پیش از
متوجه شدن سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و انا انزلناه
و آخر آل عمران از ان فی خلق السموات والارض تا آخر سوره بخوان پس بگو اللهم بک یصول
الصائل و بک یطول الطائل و لا حول لکل ذی حول الا بک و لا قوة یمتازها ذو قوة
الا منک اسئلک بصفوتک من خلقک و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته و سلالته
علیه و علیهم السلام صل علیهم واکفنی شر هذا الیوم و ضره وارزقنی خیره و یمنه
و برکاته واقض لی فی متصرفاتی بحسن العافیة و بلوغ المحبة والظفر بالامنیة

وكفاية الطاغية المغوية وكل ذي قدرة لي علي اذية وحتي اكون في جنة وعصمة
من كل بلاء ونقمة وابدلني منه من المخاوف امنا ومن العوائق فيه يسرا حتي
لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من اذي العباد انك علي كل شيء قدير
والامور اليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير و در حديث صحيح از حضرت
امام موسي منقولست كه مستحبست كه اگر در برابر مسافر ظاهر شود براي او شومست
كلاغي كه فرياد كند از جانب راست و سگي كه دم را علم كند و گرگي كه بر دم خود نشسته باشد
و برروي او فرياد كند پس سه مرتبه بالا شود و پست شود و آهوئي كه از جانب راست او
بجانب چپ برود و جغدي كه فرياد كند و زن سفيد موئي كه در روبروي او بيايد و ماده الاغي
كه گوش بريده باشد پس كسي كه از ديدن اينها ترسي در خاطرش بهم رسد بگويد اعتصمت بك يا رب
من شر ما اجد في نفسي فاعصمني من ذلك چون اين را بگويد ضرري باو نرسد و در روايتي
منقولست كه چون پيش از سفر تصدق كند بعد از آن دعا بخواند اللهم اني اشتريت بهذه الصدقة
سلامتي وسلامة سفري وما معي وسلمني وسلم ما معي وبلغني وبلغ ما معي ببلاغك الحسن الجميل و بعد از
تصدق بگويد لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم و
سلام علي المرسلين والحمد لله رب العالمين وصلي الله علي محمد وآله الطيبين الطاهرين
اللهم كن لي جارا من كل جبار عنيد ومن كل شيطان مريد بسم الله دخلت وبسم الله
خرجت اللهم اني اقدم بين يدي نسياني وعجلتي بسم الله وما شاء الله في سفري
هذا ذكرته ام نسيته اللهم انت المستعان علي الامور كلها وانت الصاحب في
السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في الاهل والمال والولد اللهم انت عضدي و
ناصري اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في اهلي بخير ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم در آداب سفر از غسل و نماز و دعا در وقت بيرون رفتن سيد
طاوس رحمه الله روايت كرده است كه چون اراده سفر نمايد سنتست كه غسل كند پيش از
رفتن و در وقت غسل بگويد بسم الله وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وعلي
ملة رسول الله والصادقين عن الله صلوات الله عليهم اجمعين اللهم طهر قلبي و
اشرح به صدري ونور به قبري وجوارحي وعظامي ودمي وشعري وبشري ومخي وعصبي

وعصبي وما اقلت الارض مني اللهم اجعله لي شاهدا يوم حاجتي وفقري وفاقتي اليك
يا رب انك علي كل شيء قدير مرويست كه چون متوجه سفر شوي غسل
كن و وضو بساز و تحت الحنك ببند و انگشتر عقيق در دست كن و اهل و عيال خود را جمع
كن و دو ركعت نماز كن بعد از آن كه خواهي و طلب از الله تعالي خير خود را در اين سفر و آية الكرسي
بخوان و حمد و ثناي الهي بجاي آور و بر محمد و آل او صلوات فرست و بگو آنچه در مصباح الزائر
نقل شده و آن اينست اللهم اني استودعك اليوم نفسي واهلي ومالي وولدي ودنياي و
آخرتي وخاتمة عملي ومن كان مني بسبيل الشاهد منهم والغائب اللهم صل علي محمد
وآل محمد واحفظنا بحفظ الايمان واحفظ علينا اللهم اجعلنا في رحمتك ولا تسلبنا نعمتك
ولا تغير ما بنا من عافيتك وزدنا من فضلك انا اليك راغبون اللهم انا نعوذ
بك من وعثاء السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في النفس والاهل والولد في الدنيا
والآخرة اللهم اني اتوجه اليك هذا التوجه طلبا لمرضاتك وتقربا اليك اللهم
فبلغني ما اؤمله وارجوه منك وفي اوليائك يا ارحم الراحمين در حديث معتبر از حضرت
پيغمبر منقولست كه هيچ خليفه مرد را در اهلش بهتر از آنكه در وقت بيرون رفتن در سفر
نماز بكند و بعد بگويد اللهم اني استودعك نفسي واهلي ومالي وذريتي ودنياي و
آخرتي وامانتي وخاتمة عملي و ابن طاوس رحمه الله گفته است كه در ركعت اول قل هو الله احد
و در ركعت ثاني انا انزلناه بخواند و اما وداع در حديث صحيح از حضرت صادق منقولست كه
چون حضرت رسول مؤمني را وداع ميكرد ميفرمود كه رحمكم الله وزودكم التقوي و
وجهكم الي كل خير وقضي لكم كل حاجة وسلم لكم دينكم ودنياكم وردكم سالمين الي سالمين
چون پا بر در خانه گذاري از براي بيرون رفتن بگو بسم الله آمنت بالله توكلت علي الله ما
شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله چون از خانه بيرون آيي اول تصدق كن هرچه ميسر
باشد و در وقت تصدق كردن بگو اللهم اني اشتريت بهذه الصدقة سلامتي وسلامة
سفري و چون كسي خواهد كه مسافري را وداع كند بايد كه با او مصافحه كند و بگويد آنچه امام
محمد باقر در وداع مسافران ميگفته و آن اينست احسن الله لك الصحابة واكمل لك المعونة
وسهل لك الحزونة وقرب لك البعيد وكفاك المهم وحفظ لك دينك وامانتك وخواتيم
عملك ووجهك لكل خير عليك بتقوي الله استودع الله نفسك سر علي بركة الله

وهرگاه مسافر روان شود باید که بگوید خرجت بحول الله وقوته بغير حول مني وقوة
ولكن بحول الله وقوته برئت اليك يا رب من الحول والقوة الا اليك اللهم اني اسئلك
بركة سفري هذا وبركة رجعي اللهم اني اسئلك من فضلك الواسع رزقا حلالا
طيبا واسعا تسوقه الي فانا خائض في عافية بقوتك وقدرتك اللهم اني سرت في
سفري هذا بلا ثقة مني لغيرك ولا رجاء مني لسواك فارزقني في ذلك عافيتك وكرامتك
ووفقني لطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضى وایضا بگوید اللهم خل سبيلنا
واحسن سيرنا واحسن عافيتنا اللهم اجعل سيري عبرا وصمتي تفكرا وكلامي ذكرا
درخواص القرآن چنین است که چون مسافر سورة الطور را بسیار بخواند از بلیات سفر محفوظ
شود ایضا هرگاه سوره صف را بسیار بخواند محفوظ شود در ان سفر و وقتی که از ان سفر باز گردد
وایضا هرگاه سوره انا انزلناه را بسیار بخواند مطلبش از ان سفر حاصل شود در بیان چیزی چند
که باید با خود بردن در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول فرمود
که هرکه بسفری رود و با خود بردارد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی
او را ایمن گرداند از هر سبع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری تا باهل خود برگردد و با او
هفتاد و هفت ملک باشند که از برای او استغفار کنند تا برگردد و عصا را بگذارد و آیات اینست
ولما توجه تلقاء مدين قال عسى ربي ان يهديني سواء السبيل ولما ورد ماء مدين وجد
عليه امة من الناس يسقون ووجد من دونهم امرأتين تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي
حتى يصدر الرعاء وابونا شيخ كبير فسقى لهما ثم تولى الى الظل فقال رب اني لما انزلت
الي من خير فقير فجاءته احديهما تمشي على استحياء قالت ان ابي يدعوك ليجزيك اجر ما
سقيت لنا فلما جاءه وقص عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين قالت احديهما
يا ابت استأجره ان خير من استأجرت القوي الامين قال اني اريد ان انكحك احدى
ابنتي هاتين على ان تأجرني ثماني حجج فان اتممت عشرا فمن عندك وما اريد ان اشق
عليك ستجدني ان شاء الله من الصالحين قال ذلك بيني وبينك ايما الاجلين قضيت فلا
عدوان علي والله على ما نقول وكيل و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هرکه خواهد
که زمین در زیر پای او جمع شود با خود عصائی از بادام تلخ بردارد و باید که این حروف را بر پوست
آهوئی نوشته سر عصا را سوراخ کرده آن پوست را در آنجا داخل کند و حروف اینست سلامسوه

سلامسوه مهره ياه ماه وهرصاف ه مصدامره مى دیگر تحت الحنک است چنانچه در حدیث
معتبر از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول فرمود که هرکه روز شنبه از خانه
بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک بسته باشد و اگر برود نبرد کوهی
او را از جا بکند هر آینه بعمل می آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت لقمان با پسر خود گفت
که ای فرزند چون بسفری روی شمشیر و کمان و لحاف و کوزه و عمامه و رسنهائی که بسر بندی
و مشک آب و سوزن و نخ با خود بردار و از دواها آنچه تو و اصحاب تو بان محتاج باشند بردار
و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول بسفر میرفتند شیشه روغن و سرمه دان و مقراض
و آینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان و چیزیکه بان پینه کنند و تسمه های نعل را برمیداشتند
دیگر تربت حضرت امام حسین است که بجهت حفظ جان و مال بعید نیست و منقولست که در وقت
برداشتن بگوید اللهم هذه طينة قبر الحسين وليك وابن وليك اتخذتها حرزا لما اخاف
ولما لا اخاف و در روایت دیگر چنین واقع شده اللهم اني اخذتها من قبر وليك وابن
وليك فاجعلها لي امنا وحرزا لما اخاف ولما لا اخاف دیگر احرازیست که در فصل
مذکور شد دیگر تعویذاتیست که در فصل مذکور شد دیگر توشه برداشتن و صرف کردن
آنست از حضرت صادق منقولست که چون بسفر روید با خود بردارید سفره و طعامی نفیس در ان
سفره بگذارید و از حضرت رسول منقولست که از شرف آدمی اینست که توشه خود را نیکو کند هرگاه
بسفر رود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین چون بحج یا عمره میرفتند از
بهترین توشه ها برمیداشتند مانند لوز و شکر و قاووت ترش و شیرین و از حضرت صادق منقولست
که نان در میان توشه خود بردار که باعث برکت میشود و از حضرت رسول منقولست که نفقه
خرج کردن بمیانه روی سنت و خدا اسراف را دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره دیگر بردن رفیق است
با خود و بیان معاشرت با او چنانچه الرفيق ثم الطريق در احادیث معتبره بسیار منقولست که کسی
که تنها بسفر رود ملعونست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین
وصیت نمود که یا علی هرگز تنها بسفر مرو که شیطان با یک کس است و از دو تا دور است یا علی
شخصی که تنها بسفر رود گمراه است و دو کس که بروند دو گمراه اند و سه کس که بروند مسافرند و
بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هرکه تنها بسفر رود بگوید ما شاء الله لا حول
ولا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتي واعني على وحدتي وادّ غيبتي و در حدیث دیگر از

حضرت رسول خدا منقولست که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفر اند و هیچ گروهی
زیاده از هفت نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار می باشد پس از این احادیث معلوم شد
که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست در رفیقان که همه
وهم سفر است و نیز از آن حضرت منقولست که سنت است که رفیقان هم توشه اول خرجهای
بدهند و بر روی یکدیگر بگذارند که این بیشتر باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاص ایشان میشود
و از حضرت صادق منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسی که فضیلت ترا بر خود نداند
که تو از فضیلت او بر خود دیدی و از حضرت صادق منقولست که مصاحبت و رفاقت مکن با
کسی که تو با او زینت یابی و مصاحبت کن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب علم و کمالات
از او توانی نمود و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که مروت در حضر خواندن قرآنست
و هم نشینی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت نمازهای جماعت کردن و اما مروت
سفر پس توشه خود را صرف کردن و محافظت رفیقان کردن و خدا را در هر بلندی و پستی و فرود آمدن
و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردنست و در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که هر که
اعانت کند مؤمن مسافری را حق تعالی از او هفتاد و سه شدت از شدتهای دنیا را بر آورد و او را امان
دهد از غم و اندوه و هفتاد شدت و غم در آخرت از او بردارد در روزی که از شدت اهوال قیامت
نفسهای مردم گرفته باشد در آداب راه رفتن و فرود آمدن و دعاهائی که در راه و
منازل باید خواند در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که چون از بلندی بالا روی
استعانت بجوئی به تند رفتن که مانند کسی است که بار طرف میکند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که کمر را محکم
ببندید تا الکری پیاده رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که در
طرف بامداد و بپیچید راه رو و در روایات معتبره از حضرت رسول منقولست که بر شما باد براه
رفتن در شب که زمین پیچیده میشود و از حضرت صادق منقولست که زمین در آخر شب پیچیده میشود
و فرمود که چون حضرت امیر المؤمنین سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول
منقولست که چون شب فرود آئید بر سر راه فرود میائید و در شکم رودخانه فرود میائید که محل
درندگان و مارانست و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که در میان رودخانه فرود
میائید که مبادا سیلابی بیاید و شما را بردارد و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که
حق تعالی مدارا کردن را دوست دارد و یاری میکند بر آن پس چون بر حیوانات لاغر سوار شوید

باشید در منزلها فرود آئید پس اگر در زمین خشک باشد و گیاه نداشته باشد تند بروید و
اگر گیاه باشد در منزلها فرود آئید و از حضرت رسول منقولست که چون راه را غلط کنید بجانب
راست میل کنید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که چون راه را گم کنی فریاد کن
یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله راوی حدیث گفت که ما در سفری
راه گم کردیم بعضی را گفتم که از ما دور شد و فریاد کرد باین نحو که مذکور شد پس برگشت گفت
صدای حسنه شنیدم که گفت راه از جانب راست است اما دعاهائیکه در راه و منازل باید
خواند در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که چون حضرت رسول در سفرها
سرازشیب میرفتند سبحان الله میگفتند و چون سر بالا میرفتند الله اکبر میگفتند و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که چون در سفری باشی بگو اللهم اجعل مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکرا
و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که هر که رو بخانه باز میرود پس بگوید لا اله الا
الله والله اکبر حق تعالی برکت آن روز خانه را از برای او زیاده کند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که لا اله الا الله والله اکبر در بلندیها بگوید آنچه در پیش روی اوست تا منتهای زمین
همه لا اله الا الله والله اکبر گویند و هر گاه کسی بر پلی یا بر بلندی بالا رود بگوید الله اکبر
الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله رب العالمین اللهم لک
الشرف علی کل شرف و در ادعیه منقولست که هر که در راه از دشمنان و دزدان ترسد
این دعا بخواند یا آخذا بنواصی خلقه والسافع بها الی قدرته والمنفذ فیها حکمه وخالقها
وجاعل قضائه لها غالبا الیک کیدی لضعفی ولقوتک علی من کادنی تعرضت فان
حلت بینی وبینهم فذلک ما ارجوا وان اسلمتنی الیهم غیروا ما بی من نعمک یا خیر المنعمین
لا تجعل احدا مغیرا نعمک التی انعمت بها سواک ولا تغیرها انت ربی وقد تری الذی
نزل بی فحل بینی وبین شرهم بحق ما به تستجیب الدعاء یا الله یا رب العالمین و در حدیث
معتبر از حضرت صادق منقولست که بر ابدیه حیری و بلی شیطانی هست چون بجانب رسید
بسم الله بگوئید تا از شما دور شود و در حدیث دیگر منقولست که چون قدم خود را بر جسر یا پلی
بگذاری بگو بسم الله ادحر عنی الشیطان الرجیم از حضرت صادق منقولست که چون غولها
بر شما ظاهر شوند اذان نماز بگوئید و هر که در راه از دزدان و درندگان ترسد بر بال اسب بنویسد
لا تخاف درکا ولا تخشی و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که کسی که خواهد

که داخل شود بگوید که خوف داشته باشد از ایذای آنها بخواند رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ
أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا و اگر چون بر سفید از نحس جبیره
که از او بیم دارد آیة الکرسی بخواند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه در سفر باشی و از حیوانات
یا غیر ایشان ترسی سه مرتبه بر سر گذار و این آیه را بخوان أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ
أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ و در روایتی از حضرت صادق
منقولست که چون به شهری مشرف شوی و نظرت بر آن افتد بگو اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا
أَظَلَّتْ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقَلَّتْ وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا
أَضَلَّتْ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ
بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول به حضرت امیر المؤمنین فرمود
که چون اراده داخل شدن شهری داشته باشی چون نظرت بر آن افتد بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
خَيْرَهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَأَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْنَا إِلَى
أَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا و در روایت دیگر منقولست که چون در منزلی فرود آئی بگو
اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ و بعد از آنکه بنشینی دو رکعت نماز بکن و بگو
اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا
إِلَيْنَا پس بگو بعد الشهادة أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُولُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ أَئِمَّةٌ أَتَوَلَّاهُمْ وَأَتَبَرَّأُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ دُخُولِنَا هَذَا
صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا و کسی که هرگاه در منزلی فرود آید و از جانوران زیان
ترسد این دعا بخواند که از حضرت رسول منقولست یَا ذَارِئَ مَا فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا لِعِلْمِكَ بِمَا يَكُونُ
مِمَّا ذَرَأْتَ لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى كُلِّ مَا دُونَكَ إِنِّي أَعُوذُ بِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنَ الضُّرِّ
فِي بَدَنِي مِنْ سَبُعٍ أَوْ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ ادْرَأْهَا عَنِّي
وَاحْجُزْهَا وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَبَأْسِهَا يَا اللَّهُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ
وَاحْفَظْنِي بِذَلِكَ الْوَاقِي فِي مَخَاوِفِي يَا رَحِيمُ و بگو شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون
خواهی بار کنی دو رکعت نماز بکن و از خدا طلب حفظ کن و وداع کن آن موضع را
موضع را وداع کن که هر موضعی اهلی از ملائکه هست پس بگو السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْحَافِظِينَ

الْحَافِظِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و در حدیث معتبر
دیگر از حضرت رسول منقولست که هر که در منزلی فرود آید که از درندگان ترسد این
بخواند أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ چون این دعا را بخواند ایمن گردد از شر
درندگان تا از آن منزل بار کند

فصل ششم

در آداب سفر دریا و کشتی از بار حیوانها و نوشتن
نامه‌ها و آمدن از سفرها و استقبال مسافر در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام
صادق علیهما السلام منقولست که مکروهست بدریا سوار شدن برای تجارت و در اخبار
وارد شده است که حضرت رسول نهی فرمود از سوار شدن دریا در وقت طلاطم و هیجان
آن و در حدیث حسن از حضرت امام رضا منقولست که چون بکشتی سوار شدی بگو بِسْمِ اللَّهِ
مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ و چون دریا موج آید بجانب چپ تکیه کن و بدست
راست بسوی موج اشاره کن و بگو قِرِّي بِقَرَارِ اللَّهِ وَاسْكُنِي بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب
و طلاطم دریا بگو بِسْمِ اللَّهِ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَقِرَّ بِقَرَارِ اللَّهِ وَاهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ راوی گفت که من مکرر بکشتی سوار شدم در وقت طلاطم امواج
دریا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه هرگز گویا نبوده
و از چیزهائی که باعث نجات از غرق است تربت حضرت امام حسین است که چون در
حال اضطراب دریا و مشرف شدن بغرق قدری از آن بدریا اندازند ساکن شود باذن الله
و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که از غرق شدن ترسد بگوید بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا
وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ
جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ
آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق منقولست که مواصلت میان
برادران مؤمن در حضر زیارتست که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر نامه است که نامه بیکدیگر بنویسند
و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن واجبست مانند جواب سلام
گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را اگر چه بعد از آن
شعری نویسی و فرمود که می باید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بهتر از سایر چیزها که می‌نویسی بنویسی

و در حدیث موثق از آن حضرت پرسیدند که در نامه ابتدا باسم آن شخص که نامه را بآن می‌نویسند
پیش از نام خود کردن چون است فرمود که باکی نیست این اکرامیست که او را میکند و در حدیث
دیگر منقولست که آن حضرت امر فرمود که نامه که بجانبی می‌نویسید چون بدست آن حضرت دادند
و فرمودند که چگونه امید دارید که نجح در نامه نوشتند بعمل آید و حال آنکه در جاهائی که
مناسب است نوشته اند پس فرمود که بنویس که مرحبا که ان شاء الله ندارد بنویسند و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا منقولست که چون نامه را نوشتند خاک بر روی نامه بپاشند
که حاجت بهتر روا میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی نقی در اول
نامه می‌نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم اذکرنا ان شاء الله و الامر بید الله و فرمودند که اگر کسی گوید
که کسی که ترک میکند گفتن و نوشتن بسم الله در کارها و نوشتها مثل کسی است که نماز را ترک
کند و آیه راست گفته ام و از حضرت صادق منقولست که از نامه نوشتن هر کس بر
عقل و بینائی او می‌توان کرد و از رسول و ایلچی استدلال بر فهم و بزرگی آن میتوان کرد و در حدیث
دیگر فرمود که چون رقعه یا نامه برای حاجتی نویسی و خواهی که آن حاجت برآید بقلم بی‌مداد در
سر رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق
من حیث لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون راوی گفت
که هر گاه چنین میکردم حاجتم برآورده میشد دیگر آداب باز آمدن از سفر و استقبال مسافر
در احادیث معتبره وارد شده است که مشایعت و استقبال مؤمنان سنت است و از برای مشایعت
و استقبال مؤمنان نماز را قصر می‌توان کرد و روزه ماه مبارک رمضان را نمی‌توان خورد و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که چون کسی از سفر آید برای اهل خود تحفه بیاورد اگر
چه سنگی باشد باید که بخیر داخل شود و در روایت دیگر منقولست که چون کسی از سفر برگردد سزاوار
است که مشغول کاری شود تا غسل کند و دو رکعت نماز کند و بسجده رود و سجده شکر
الهی بجا آورد از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول میفرمود باکسی که از مکه می‌آمد
قبل الله منک و اخلف علیک نفقتک و غفر ذنبک و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت
رسول او را بسینه خود چسبانید و میان دو چشمش را بوسید و اصحاب حضرت رسول چون
بیکدیگر میرسیدند مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفر می‌آمد دیگران دست در گردن
او میکردند و در حدیث معتبر است که مستحبست که چون از سفر برگردد برادران مؤمن خود را

خود را بضیافت بطلبد فصل در بیان نگاه داشتن بعضی از چهارپایان و سوار شدن
و پیاده رفتن و آداب حیوانات و بیان مجمل احوال و اقسام آنها فضیلت نگاه داشتن چهارپایان و
سوار شدن بر اسب و شتر و الاغ از حضرت رسول منقولست که از سعادت مرد است که چهار
پای سواری داشته باشد و از حضرت صادق منقولست که چهارپا را نگاه دارید که زینت
شماست و کارهای شما بآن ساخته میشود و روزیش بر خداست و از حضرت امام محمد باقر
منقولست که از بدبختی زندگانی است چهارپای بد داشتن و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
صادق فرمود بیونس بن یعقوب که الاغی نگاه دار که بار تو برآید و بدر سینی که روزیش بر خداست
راوی گفت که الاغی خریدم و چون سر سال شد حساب خرج خود کردم هیچ زیاده نشده بود و در حدیث
دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی بر استری سوار شده بود بعضی از مخالفان گفت که این
چه چهارپاست که سوار شده که از پی دشمن نمی‌توان دوانید و بر روی او نمی‌توان گریخت حضرت
فرمود که رفعت و سرافرازی اسب ندارد و مذلت الاغ ندارد و بهترین امور وسط آنهاست
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که هر که بندد اسبی را برای عزیز در راه خدا از نامه عملش
سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هر که اسبی ببندد که کسی را نماد در برای عزت
باشد هر روز ده گناه از نامه عملش محو شود و هفت حسنه از برای او نوشته شود و در روایت
معتبر از رسول خدا منقولست که خیر و نیکی بر پیشانی اسبان بسته است تا روز قیامت و در
حدیث دیگر از حضرت امام موسی بن جعفر منقولست که هر که نگاه دارد اسب سرخ مویی که در
پیشانیش سفیدی بسیار باشد کمتر بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار دست و
پایش سفید باشد بهتر است و در هر خانه که در آن چنین اسبی باشد فقر و پریشانی داخل آن
خانه نمیشود و مادام که آن اسب در ملک آن شخص داخل است ظلم در آن خانه داخل نمی‌شود و از
حضرت رسول منقولست که بهترین اسب سرخ و سیاه پیشانی سفید است که سه دست و پایش
سفید باشد و دست راستش سفیدی نداشته باشد و از طرحان دلال چهارپا منقولست که
حضرت صادق از من طلبید استر سیاهی که زیر شکم و میان پاها و دهانش سفید باشد و در حدیث
معتبر از حضرت رسول منقولست که چهارپا بر صاحبش شش حق است باید که تاکید آن کند بعلف
دادن او چون فرود آید و هر گاه که باب برسد آب را بر او عرض کند که اگر خواهد بخورد و بر روی
چیزی نزند که تسبیح پروردگار خود میکند و بر روی او سواره نایستد مگر در وقتی که جهاد کند

در راه خدا و زیاده از توانائی آن بار بر او نکند و تکلیف رفتار بقدری نکند که طاقت نداشته
باشد و از حضرت صادق ع مثل این منقولست که زیاده بر این فرمود که بر رویش داغ نکنید و در
حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که اگر دابه رم کند او را بزنید و در سر بر او لعن مکنید
او را و در حدیث دیگر فرمود که بر روی چهارپا با بر روی پای مکر مگذارید یا آنکه میل خانه
نکنید که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتی که خواهید بزنید فرود آئید و چون خواهید
براه بروید سوار شوید و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر چهارپائی که چموشی
کند در وقت لجام کردن یا عنان یا دم کند در گوشش اگر یکدابه دوا اگر نر باشد بخواند این آیه را
أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
و هر گاه ماشی را بولش بند شده باشد بر چهار سم او نویسد الحکه مفکه فورا بولش باز شود تا
ادعیه سوار شدن سوای بعضی که در فصل در ضمن خروج از خانه گذشت این است که
بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که چون کسی بر چهارپا سوار شود و بسم الله
بگوید ملکی در ردیف او می شود و او را نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار شدن بسم الله
نگوید شیطان ردیف او می شود و با او میگوید که آرزوهای باطل محال بکن پس او پیوسته
در آن آرزوست تا پائین آمدن و فرمود که در وقت سواری بگوید بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ
سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ البته محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید و از
عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَة منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع چون پا در رکاب گذاشتند گفتند بسم الله
پس چون درست سوار شدند این آیه را خواندند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَرَّمَنَا وَحَمَلَنَا فِي الْبَرِّ
وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا سُبْحَانَ الَّذِي
سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ پس سه مرتبه سبحان الله و سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه
الله اکبر فرمودند پس این دعا را خواندند رَبِّ اغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ و
حضرت صادق ع چون سوار می شدند این دعا میخواندند بِسْمِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ و در حدیث
معتبر منقولست که چون چهارپای حضرت امیر المؤمنین ع بسر در می آمد یا پایش می لغزید
این دعا میخواندند اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ فَجْأَةِ

هدینا

نِقْمَتِكَ و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع شکایت
کرد که دابه من کم کیر است در هنگام رفتار بیکدیگر می ایستد حضرت فرمود که این دعا را
در گوشش بخوان أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا
لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ برای حفظ مرکوب حیوانی نویسد و بر گردن آن ببندد آیه
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا
أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ
وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ از برای حفظ اسب بنویسد و بر گردن
آن ببندد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ احْفَظْ هَذَا الْفَرَسَ مِنْ كُلِّ جَانٍّ وَخَائِنَةٍ وَكَاهِنٍ
وَكَاهِنَةٍ وَسَاحِرٍ وَسَاحِرَةٍ وَمِنْ شَرِّ عَيْنِ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ
خَائِنَةٍ وَمِنَ الشَّيْطَانِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ف س ي ك ي ك ح م
ال اه وع داسم ىع ال ع لى م ایضا این شکل را بر گردن ببندد که از همه آفات محفوظ
گردد [illegible] جهت ناخوشی که بر سم مرکب عارض
میشود قدری پیه آب [illegible] بردارد و [illegible] بگوید خرج عیسی بن مریم
علی حمار اقمر لم یخص ولم یرخص نا ارقی والله یشفی و بر سم او ببندد از مرض زایل شود
برای زجر این طلسم را بنویسد و بر بال او ببندد که بعون الله تا چند روز زجر حتما شود
[illegible] جهت خارش این طلسم را بنویسد و بشوید و آب آنرا
باسب خوراند که بفضل الله دفع شود [illegible] جهت بند آمدن بول اسب بند
پارچه کاغذ بنویسد بر این ترتیب و بر دست و پای او بچسباند دست راست یا سین دست چپ
یا شین پای راست یا فیل پای چپ یا قرات جهت درد اسب بر خاک با انگشت شهادت بنویسد
و شده نویز اسب را بر در آن نوشته بگرداند عصا موسی تورات موسی و انجیل عیسی جهت حفظ
جمیع حیوانات بنویسد و بر ابدان او بزند [illegible]
وملق بالدار [illegible] آداب پیاده رفتن در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست
که سنت در راه رفتن حسن [illegible] برامی برد و در حدیث حسن از حضرت رسول ص منقولست که زنان
باید که در کنار راه بروند و در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است بمیان جاده راه از پیاده و زن
ساده و پای برهنه احق است بمیان راه از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقولست

که حضرت امام زین العابدین ع چنان بهمواری راه میرفتند که گویا مرغ بر سر آنحضرت نشسته
و میترسید که پرواز کند و دست راست آنحضرت بر دست چپ بنهی کرهت و در حدیث
از حضرت رسول ص منقولست که هرگاه راه رود کسی بر روی زمین بتکبر و خیلاء لعنت کند
او را زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای زمین است و در حدیث دیگر فرموده عصا
بدست گیر که از سنتهای پیغمبران است و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و جوان و پیر ایشان عصا در دست
میگرفتند تا آنکه خیلاء و تکبر در راه رفتن نکنند و فرمود که برداشتن عصا فقر و پریشانی را
برطرف میکند و شیطان نزدیک او نمی آید در اعمال پناه جستن از قطاع الطریق
و شیر و سایر درندگان و عقرب و سایر گزندگان در خواص التو چنین است که چون سوره
مائده را بنویسی و در خانه یا صندوق بگذاری کسی از آن خانه و صندوق چیزی نبرد دزد
دیگر اگر سوره اعراف را با گلاب و زعفران بنویسی و بخود بندی محفوظ شوی از ضرر سباع
و درنده و دشمن و گم کردن راه دیگر هرگاه سوره توبه را بنویسی و در میان تجارت خود
بار کالا خود جادهی ایمن شوی از دزد و از سوختن دیگر اگر سوره سبا را بنویسی در کاغذ
و در پارچه سفیدی بندی و با خود داری محفوظ مانی از شر هوام و از زخم تیر و سیک و
آهن دیگر اگر سوره مطففین را بر مخزنی بخوانی از دزد و آفات دیگر محفوظ ماند ایضا
در خواص التو چنین است که چون از شر دزد و قاطع الطریق و درندها ایمن باشی بخوان
در برابر روی آیة الکرسی را و بگو عزمت علیک بعزیمة الله و بعزیمة سلیمان بن داود
و نوح و ابرهیم و بعزیمة محمد صلی الله علیه و آله و بعزیمة امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
و الائمة من بعده علیهم السلام الا تحجبت عن طریقنا و لم تؤذنا تا مطلقا ضرری از
او بتو نرسد ایضا منقولست که هرکه در اول روز و اول شب این دعا بخواند ایمن شود در آن
شب و آن روز از ضرر عقرب و مار و دزد و دعا اینست عقدت زبانة العقرب
و لسان الحیة و ید السارق بقول اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله
ایضا منقولست که هرکه از ضرر عقرب و مار ایمن باشد باید که هر شب بگوید سلام علی نوح
فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین و در مجمع الدعوات
چنین است که بعد از آن این را بگوید و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا
همسا و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما ایضا از امام جعفر صادق ع

صادق ع روایت شده که از برای دفع ضرر عقرب در هر صبح و شام این دعا هفت بار
باید خواند و از امام محمد باقر ع روایت شده که هرکه در شب این دعا بخواند هرگز از ضرر
که ضرری از عقرب و از سایر هوام باو نرسد تا صبح و آن اینست اعوذ بکلمات الله
التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر الذی لا یخفر جاره من شر ما ذرأ
و من شر ما برأ و من شر الشیاطین و شرکه و من شر کل دابة ربی آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم دیگر از امام جعفر صادق ع روایت شده که از برای
دفع ضرر مار و عقرب این دعا را در شب باید خواند بسم الله و بالله و صلی الله
علی محمد و آله اخذت العقارب و الحیات کلها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها
و اذنابها و اسماعها و ابصارها و قواها عنی و عمن احببت الی صخرة البحار ان شاء الله
ایضا از همان حضرت روایت شده که از برای دفع ضرر مار و عقرب این دعا باید خواند
بسم الله و بالله توکلت علی الله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفک و فی جوارک و اجعلنی فی امنک
و چون خواهی که مار داخل خانه تو نشود این کلمات را در چهار پاره کاغذ بنویس و
یک را در کنجی از خانه دفن کن بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
دیگر ضرر عقرب در هفتم اسفند ارمذ وضو بساز و این کلمات را بنویس و سخن مگو تا از نوشتن
این کلمات فارغ شوی ما دام که آن نوشته با تو باشد ضرری از عقرب بتو نرسد بسم الله
[illegible] از حضرت جعفر ع چنین روایت شده
که هرکه در شب بگوید اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق ضرری از عقرب
بوی نرسد و چون کسی در صبح و شام بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
و لا فی السماء و هو السمیع العلیم ضرری از هیچ گزنده بوی نرسد دوا از نمک طعام
قدری بگیر و در آب حل نما و طلا بکن بر موضع گزیده شده و قل هو الله و معوذتین بخوان
که نافع است ان شاء الله ایضا اگر مگس و سفیداب و سیندهر اگو بیده طلا نماید نافع است
و اگر مگس را با حلوا و سیر و پیاز کوبیده طلا کنند نافع باشد و اگر مگس را بر زنبور
گزیده طلا کنند نیز نفع دهد و چون سگ گزد بنی بگو افغیر دین الله یبغون و له
اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون و چون درنده بینی بگو لقد

لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم وچون
از غرق وحرق ترسی بگو ان ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما
قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه
سبحانه وتعالی عما یشرکون وچون از خانه شکسته وبلای نزول آن ترسی بگو ان الله
یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه
کان حلیما غفورا یا من یمسک السماء ان تقع علی الارض امسک عنا السوء ودیگر از معمر
روایت شده که از برای ایمنی از شر گرگ این آیه را هفت بار بر قدح آبی بخوانند وما لنا
الا نتوکل علی الله وقد هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل
المتوکلون وبعد از آن باید گفت ان کنتم آمنتم بالله فاکفونا شرکم واذاکم عنا
وبعد از آن آب را بر دور قرار خود باید پاشید از امیر المؤمنین مرویست که هر گاه کسی
از شیر وحیوانات درنده بر خود وبر گوسفندان خود بترسد بر دور خود وانها خطی بکشد وبگوید
اللهم رب دانیال والجب ورب کل اسد مستاسد احفظنی واحفظ غنمی ایضا
از حضرت رسول مرویست که فرمود یا علی چون شیر را ببینی وکار بر تو تنگ شود سه بار
بگو الله اکبر وبگو الله اکبر واجل واعز من کل شیء واکبر واعز من خلقه واقدر
واعوذ بالله من شر ما اخاف واحذر ودر مکارم الاخلاق مذکور است که هر گاه
کسی زهر خورده باشد یا او را یکی از گزندگان گزیده باشد سوره نوح را بخوانند بر آب و
از آن آب بخورد زهر باو کار نکند واما در انجون کسی را زهر داده باشند باید آب نیم گرم را با
روغن اسپند بدهند بخورد زهر باو کار نکند وقی کند وسبب نجات شود وآب انار
بخورد وقی کند وشیر گاو تازه بتازه بدهند بخورند تا شیر بسته شده بر گردد وبگذارند بخوابد

در آداب تجارت وکسب وبیان خمس واقسام آن از حضرت رسول منقولست
که هر که خرید وفروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن وقسم خوردن وعیب متاع را
پوشانیدن ومدح کردن چیزی که فروشد وعیب کردن چیزی که خرد ودر حدیث معتبر است
که حضرت امیر المؤمنین هر روز بامداد دره را بر دوش میگذاشتند ودر بازارهای کوفه
میگشتند ومیفرمودند که چون مشغول خرید وفروش میشوید اول خیر خود را از خدا طلبید

بطلبید وخرید وفروش را بسهولت بکنید وکار را سهل بگیرید تا برکت بیابید ونزدیکی و
مهربانی کنید با مشتریها وبردباری را زینت خود گردانید واز قسم خوردن ودروغ گفتن کناره
کنید وستم بر مردم مکنید وبا مظلومان انصاف از خود بدهید ودر ترازو دزدی مکنید
ودر حدیث دیگر فرمود که منشینید در بازار مگر کسی که مسائل خرید وفروش را داند وهر که
نادانی تجارت کند در ربا خوردن فرو رود ودر حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست
که هر که در بامداد وپیشین به بازار رود وچون پا در بازار گذارد بگوید اللهم انی اسئلک
من خیرها وخیر اهلها حق تعالی ملکی را موکل کرده است که او را ومتاعش را محافظت نماید
تا بخانه برگردد پس ملک او را میگوید که امروز امان یافتی از شر این بازار واهل این بازار
وامروز روزی تو باشد خیر این بازار واهل این بازار پس اگر حال بر چون در دکان نشیند بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم
انی اسئلک من فضلک رزقا حلالا طیبا واعوذ بک من ان اظلم او اظلم واعوذ بک من صفقة
خاسرة ویمین کاذبة چون این دعا بخواند ملکی که با او موکلست میگوید که بشارت باد
ترا که امروز در این بازار کسی از تو بهره اش زیادتر نیست تعجیل کردی در جمع آوردن
ثوابها ومحو کردن از خود گناهان را وزود میاید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است
حلال وطیب ومبارک ودر حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که چون خواهی که
چیزی بخری بگو این دعا را یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسئلک بعزتک وقدرتک وما
احاط به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها عاقبة
فانه لا خیر فیما لا عاقبة له وفرمود که چون خواهی چیزی بخری بگو اللهم قدر لی
اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة ودر حدیث حسن از آن حضرت منقولست
که چون خواهی که چهارپائی بخری سه مرتبه این دعا بخوان اللهم ان کانت اعظمها برکة
وافضلها منفعة میمونة الناصیة فیسرها لی وان کانت غیر ذلک فاصرفنی عنها الی
الذی هو خیر منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب ودر
الرضا مذکور است که چون خواهی متاعی را ببندی ونگاه داری آیة الکرسی بخوان وبنویس
ودر میان متاع بگذار واین دعا را بخوان وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون لا ضیعة علی ما حفظه الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه

توکلت وهو رب العرش العظیم چون چنین کنی ان شاء الله از هر بلا محفوظ باشد و فرمود که اگر
مال تلف شود باید بگوید اللهم انی اسئلک عبدک و ابن عبدک و ابن امتک
فی قبضتک ناصیتی بیدک تحکم فیما تشاء و تفعل ما ترید اللهم فلک الحمد علی حسن
قضائک و بلائک اللهم هو لک و منک و رزقک و انا عبدک خولتنی حین رزقتنی اللهم
فالهمنی شکرک فیه و الصبر علیه حین اصبت و اخذت اللهم انت اعطیت و
انت اخذت اللهم لا تحرمنی ثوابه و لا تنسنی من خلفه فی دنیای و آخرتی انک علی
ما تشاء قدیر اللهم انا لک و بک و الیک و منک لا املک لنفسی ضرا و لا نفعا و در ضمن چند
حدیث منع است از سودا کردن با مردم کاره بسته که سودا با ایشان برکت ندارد و با جماعتی
که مرضهای مسری مثل پیسی و خوره داشته باشد یا نوکیسه و با مردم دون که از دشنام
دادن و شنیدن پروا نکنند و در تاریکی در زیر سقف متاع فروختن غش است و قسم خوردن در خرید
و فروخت منع است و باعث ذهاب برکت است و نگاه دارنده متاع بمرتبه گران شدن
ملعون است و از صرافی و کفن فروشی و جولاهی و جو و گندم و برده فروشی و آب در شیر کردن
و قصابی و حجامت و جولاهی در احادیث منع وارد شده و زکوة تجارت در فصل تا اینجا عمل
در تلو زکوة مذکور خواهد شد مخفی نماند حضرت صادق ع پرسیدند از تعلیم کردن اطفال
فرمود که مزد بران مگیر گفت کتابهای شعری و رسالها و مثل اینها میخوانند اول شرط مزد
با ایشان کنیم فرمود که بلی اما بشرطی که اطفال در مزد برابر باشند و بعضی را بر بعضی زیادتی ندهی
در احادیث معتبره وارد شده است که چون قرآن را بفروشند کاغذ و جلد آن را بفروشند و قصد
فروختن قرآن نکنند و در حدیث صحیح است که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و
در چند حدیث معتبر است که هر که خود را بعنوان نوکری بمردم باجاره میدهد روزی را بر خود حرام
کرده و خود را از روزی محروم کرده است و چون احکام تجارت مذکور شد و از جمله
خمس است باکی نیست که خمس را ذکر کنیم بدانکه خمس در هفت چیز واجب میشود اول غنیمتی که
از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ گاه باشد و خواه بیرون دوم معادنست مانند طلا و نقره
و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و کبریت و بعد از آنکه خرج بیرون آوردن
بدر رود و پنج یک آن را باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی گفته‌اند که نصابش یک
دینار است و تا بیست دینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته‌اند که بیست اشرفی

اشرفی که نصاب اول طلاست و اکثر متاخرین باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر
چند کس شریک باشند باید که حصه هر یک بنصاب برسد سوم گنج است یعنی مالی که در زمین
پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابد که در آنجا مسلمانی نباشد هرچند سکه
اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام بیابد و سکه اسلام نداشته باشد و بمرتبه دینار یعنی
بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس او را میدهد و باقی از اوست و اگر نقره باشد بدویست درهم
برسد که موافق نوزده دانگی و ده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن
بیکی از این دو مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه
از مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد و میباید یکسال تعریف کند اگر
صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد و الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق کردن و امانت
نگاه داشتن و اگر در صورت اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر احتیاط
آنست که اگر در روی زمین یابد لقطه است و اگر در زیر زمین یابد گنج است خواه اثر اسلام
داشته باشد خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را
در زمین خود بیابد که از پدران او میراث رسیده باشد از اوست و اگر خمس او را بدهد احوط است
و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند بایع تا دیگر و اگر نشانی بدهند که ظن بصدق
ایشان حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از آن اوست و احوط آنست که خمس او را
بدهد و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم او چیزی بیابد تعریف میکند بایع
و اگر نشان ندهند از اوست و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی یابد خمس میدهد احتیاطا
و باقی از اوست و بعضی الحاق کرده اند الحیوانات شکاری را مانند آهو و اگر محتمل باشد که در ملک غیر
سابق بوده باشد احوط آنست که تعریف او بکند چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند
مانند مروارید و مرجان و در آن نصاب معتبر است و مشهور آنست که نصابش یک دینار است یعنی
یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه نصاب در آورند همه را در نصاب
باهم حساب میکنند هرچند در سالها غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند
حصه هر یک می باید بنصاب برسد و عنبر را اگر از دریا بغوص در آورند حکم مروارید دارد و اگر
از روی آب یا ساحل بردارند مشهور آنست که حکم معادن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس
از او بدهند و رعایت نصاب در آن نکنند پنجم فاضل مونه سال است از ارباح تجارتها و زراعتها

وجمیع کتبها ومشهور انست که در میراث وبخشش وهدیه خمس نمی باشد وخرج سال ایشان را
که بیرون میکند قدر وسط مناسب حال ایشان را اعتبار کرده اند اگر اسراف کرده باشد
خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند واگر بر خود تنگ گرفته باشد تمام بیرون می کند
علی المشهور واحوط آنست که از هر چه زیاده امری باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست
که هرچه حاصل شود وخرج بگذرد زیاده بیرون روز بروز بدهد واگر در اثنای سال اخراجات
ضروری واقع شود مثل خرج کدخدایی وحج بیت الله وزیارت حضرت رسول صلوات الله علیه وائمه
صلوات الله علیهم وامثال اینها همه را بقدر وسط بیرون می کنند وهمچنین تعدیات ظلمه ویغماها
که ظلمه کنند جمیع را بیرون می کنند وخمس بقیه را میدهد وابوالصلاح رحمه الله قایل شده است
که در میراث وهبه وهدیه نیز خمس واجبست ودر حدیث صحیح وارد شده است که اگر
شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی یا از جائی که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی
از دشمنان دین باو برسد خمس میباید داد وعمل باین روایت احوط است ششم زمینی است که
یهودان ونصرانیان ومجوسیان از مسلمانی بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن را باید
ذمی میگیرد واگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان علما انست که خمس زمین انها را میگیرند
واکثر قدمای علما متعرض این نوع خمس نشده اند هفتم مال حلالیست که مخلوط شده باشد
بحرام وصاحب انرا ندانند ومقدار حرام را ندانند خمس انرا میدهند بفقرای سادات وغیر ایشان
وبعضی از مخصوص سادات می دانند وبعضی گفته اند بسادات نمی توان داد وظاهر انست که بهر دو
توان داد واگر بشریف بدهند بهتر است واگر مقدار حرام را دانند وصاحبش را نیز دانند
مقدار را واجبست که بصاحبش بدهد واگر صاحب را دانند ومقدار را ندانند با صاحب می باید
صلح کنند وبعضی گفته اند در این صورت خمس را بصاحب میدهد وبعضی گفته که انقدر را که علم
دارد بصاحب می دهد ومابقی با صاحب صلح میکند احتیاطا واین احوط است واگر مقدار را
داند وصاحب را نداند سعی می کند تا صاحب بهم رساند واگر صاحب بهم نرسد از برای او
تصدق میکند واین صورت هشتم صورت اول مشتبه است برد مظالم واگر خمس را بدهد یا تصدق
کند کل را یا بعض را وبعد از ان صاحب پیدا شود خلافست که ایا باید باز بصاحب بدهد
یا نه واحوط انست که بدهد واما مستحق خمس مشهور میان علما انست که شش حصه میشود
چنانچه ظاهر ایه کریمه است حصه خدا ورسول وذوی القربی که نصف خمس است تعلق بحضرت

حضرت رسول دارد واز امام زمان است ونصف دیگر که سه حصه می شود بر یتیمان سادات و
مسکینان سادات وابناء السبیل سادات قسمت می کنند ومراد از سید موافق مشهور کسی است که منسوب باشد
از جانب پدر بعبد المطلب وفقیر ومسکین وابن السبیل در زکوة مذکور خواهد شد ویتیم طفلی
است که پدرش نباشد وابن السبیل را اگر چه غنی باشد وقتی که بشهر خود برود واز احادیث معتبره
ظاهر می شود که در حضور امام جمیع خمس را بخدمت آن حضرت می برده اند وحضرت نصف خمس را
بر می داشته اند ونصف را بان سه فرقه سادات می داده اند که مذکور شد وهر یک را
بقدر کفایت ایشان در یک سال می داده اند که مذکور شد واگر چیزی زیاد می ماند خود
بر میداشته اند واگر وفا نمیکرده از حصه خود تتمه را می داده اند وایشان بمنزله عیال امام
بوده اند ودر زمان غیبت احوط انست حصه سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهند که
بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان واما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت
خلافست ومشهور انست که بعالم عادل باید داد که برسبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات
بدهند واگر چیزی زیاد اید حفظ کنند وبعد از خود بعالم دیگر بدهد واگر سیدی پریشانی نیابد
بدهد والا زیرا که آنحضرت ضبط کند واین در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات
پریشان بسیارند وخمس دهندگان کمند وجمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام
این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند واین سخن بوجهی است زیرا که از حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه روایت صریحی رسیده که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلاف ظاهر است
زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال وکسری بود نایبان آنحضرت ابی عثمان عمری
وپسرش محمد وحسین بن روح وعلی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از
شیعیان میگرفتند وبغرض حضرت بمردم می دادند ظاهر انست که در این زمان نیز نایب
عام آنحضرت که علمای ربانی ومحدثان وحاملان علوم ایشان اند باید بگیرند وبسادات
که عیال آنحضرتند برسانند والا باید که سادات که اشرف خلق اند یا از گرسنگی بمیرند یا
متکفف شوند واز همه کس ذلیل تر باشند زیرا که زکوة وصدقات واجبه بر ایشان حرام است
وخمس را بعوض ان بایشان داده اند وبسبب اختلافی که در میان علما بهم رسیده است بعضی
از علمای عصر اعتبار اخرات داده اند بر منع خمس باغنیا این شده است که اکثر سادات بفقر
بگذرانند وحقوق ایشان واجداد ایشان بر ذمه اغنیا می ماند وبر تقدیر که امام بر ایشان تمام

کرده باشد در زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع می‌شده حلال کرده باشند ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و شیعیان امام در فقر و اضطراب ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید رحم و شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده‌اند که بدترین احوال مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را بگیر و حضرت صادق ع فرمودند که من یکدرهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مالش از همه اهل مدینه بیشتر است نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول ص فرمودند که هر که احسانی با احدی از اهل بیت من بکند مکافات میدهم او را در قیامت و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب الامر خود حصه امام را با سادات بدهد بر ذمه الله غنیمت مگر آنکه در غیبت به عالم محدث عادل برسد و بکمال رسیده همه خمس این حکم دارد **فصل** در فضیلت و آداب زراعت و درخت نشاندن و آب دادن و درخت بریدن در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی برای پیغمبران خود زراعت کردن را اختیار نموده است که از آمدن باران کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت و شیر حیوانات قرار داده است تا از قطره‌های باران کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت بنشانید و الله که مردم کاری از این حلال‌تر و پاکیزه‌تر نمی‌کنند و الله که زراعت خواهند کرد و درخت خواهند کشت بعد از بیرون آمدن دجال و در سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون آدم ع بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس بجبرئیل شکایت کرد جبرئیل گفت که زراعت کن آدم گفت دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل گفت که بگو اللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَؤُونَةَ الدُّنْیَا وَ کُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ أَلْبِسْنِی الْعَافِیَةَ حَتّٰی تُهَنِّئَنِی الْمَعِیشَةَ و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون خواهی زراعت کنی یک کف از تخم بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه بگو أَفَرَأَیْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بگو اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبّاً مُبَارَکاً وَ ارْزُقْنَا فِیهِ السَّلَامَةَ پس آن دانه را که در کف داری بپاش و بگو اللّٰهُمَّ قَدْ بَذَرْتُ وَ أَنْتَ الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبّاً مُتَرَاکِباً و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت نشاندن و دانه پاشیدن بر هر درختی و دانه خوان سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ که ان شاء الله تعالی خطا نمی‌کند و از حضرت صادق ع منقولست که هر که خواهد که درخت خرما

خرما خوب بار آورد و خرمایش نیکو شود ماهیهای کوچک را بگیرد و خشک کرده نیم کوب کند و در هر گوشه اندکی بپاشد و یا نمک را در کیسه پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا بدهد و در احادیث منع است از بریدن درخت خرما و درختی که در بادیه باشد و از بریدن درختان دیگر باکی نیست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که باکی نیست که عذره ادمی را در مزرعها بریزند و برای دفع کرم از میوه و آفت کنند درخت اول آب باید داد و بعد از آن خاک و از حضرت صادق ع منقولست که هر که درخت سدر را آب دهد چنانست که مؤمنی را در وقت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حق تعالی هیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشت که میتوانست خورد و چون مردم از برای خدا فرزند قائل شدند میوه نصف درختان برطرف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند درختان خار بهم رسانیدند و بر چهار پارچه چوب بنویسد و بر چهار جانب زراعت بر زمین دفن کند که از ملخ و سن و جمیع آفتها محفوظ لنخرجنکم من ارضنا او لتعودن فی ملتنا فاوحی الیهم ربهم لنهلکن الظالمین و لنسکننکم الارض من بعد ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید و استفتحوا و خاب کل جبار عنید من ورائه جهنم و یسقی من ماء صدید ایضا نوع دیگر جهت دفع آفت ملخ و سن در چهار پارچه سفال آب ندیده بنویسد و بر چهار گوشه زمین کذارد جهت دفع ضرر و نکرگ این کلمات را در کوزه با عفران بنویسد و در چهار گوشه باغ یا مزرعه دفن کند بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ جَلَالِ اللّٰهِ وَ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ بِقُدْسِ اللّٰهِ وَ تَقَدَّسَتْ اسْمَاؤُهُ وَ تَجَبَّرْنَا الْأَرْضَ عُیُوناً ادفع عن هذه الارض کل آفة من السماء و الارض بحق حمعسق و بحق بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ الشَّافِی بِسْمِ اللّٰهِ الْکَافِی بِسْمِ اللّٰهِ الْمُعَافِی بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ در کتاب اختیارات نقل کرده که اگر مقداری کتیرا از پوست خاربن یا بوستان یا برگ بر درخت یا حاصل بندد از تگرگ محفوظ گردد و حاصلش بهتر شود و برای بسیار باریدن باران بخواند هفت مرتبه سوره و النجم را و باسمان بدمد ایضا بسیار گویند صبا هبت ا و در بعضی کتب نقل شده که جمل و یک قاف نوشته رو بقبله بیاویزد باریدن قطع شود و برای باریدن باران این کلمات را بنویسد و بر درخت بیاویزد حاء الامطار

من غمام الرحمن وسحائب الكرام وانزلنا السماء عليكم مدرارا ويمددكم باموال وبنين
ويجعل لكم انهارا ايضا حكما اكثر الحبس كردن صفت عدد جغد در زير طاس
مسي سرخ ... تردد و از براي جميع موذيات حاصل از ملخ وغيره بنويسد اين عزيمه
مباركه را در روز ... كه در زمين ... بياويزد كه از اسرار مجرب است
بسم الله الرحمن الرحيم انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم
الا تعلوا علي واتوني مسلمين يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم سليمان و جنوده
وهم لا يشعرون فلناتينهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون
يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم ومثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار
كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحاها لم يلبثوا الا ساعة من نهار واذا
تولى سعى في الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد و
قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد فلما قضينا عليه الموت
ما دلهم على موته الا دابة الارض تاكل منساته فلما خر تبينت الجن ان لو كانوا يعلمون
الغيب ما لبثوا في العذاب المهين حم ... مريم ... وانت عيسى عند الله
يا معشر الهوام من كان منكم الى البر فليخرج الى البر ومن كان الى البحر فليخرج الى البحر عزمت
عليكم يا ايها الارواح اللطائف باذن الله تعالى بعزة عظمته باسمائه الحسنى كلها
... بسم الله الرحمن الرحيم لما سمعتم واطعتم واستعلم من هذا المكان
ومن لم يفعل منكم ... بغضب من الله قالوا يا موسى ادع لنا ربك بما عهد عندك
لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك ولنرسلن معك بني اسرائيل فلما كشفنا عنهم الرجز الى
اجل هم بالغوه اذا هم ينكثون فانتقمنا منهم فاغرقناهم في اليم بانهم كذبوا باياتنا وكانوا
عنها غافلين وبعد از اين سوره حمد را بنويسد ايضا ابجد ... بنويسد و در زرع و باغ
بكذارند بسم الله الرحمن الرحيم وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين
يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا
تعلوا علي واتوني مسلمين اخرجوا ... ايها الديدان من امكنتكم فلا ... لكم فان لم
تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله اخرجوا اخرجوا باذن الله الذي يخرج الحي من الميت

ويخرج الميت من الحي ويحيي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون ههههههه
ايضا مخصوص ملخ بنويسد اللهم اقطع دابرها واقتل كبارها واهلك صغارها وافسد
بيضها وخذ بافواهها عن معايشنا وارزاقنا انك على كل شيء قدير و سميع الدعاء ايضا
بجهة آفت طيور ... مجرب باشد ... و بنويسد بالخوش در چهار ...
يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا و بكذارد در چهار كوشه زرع كه بعون الله تعالى ضرر
نرساند ايضا بجهت دفع ... بنويسد سوره تبت را و بعد از آن اين كلمات را ايها
الفار ارحل عنا فان لم ترحل فاذن بحرب من الله ورسوله ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم
وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على
سيدنا محمد النبي الامي وآله وسلم بدانكه چون فلاحت در زرع ممدوح است بنا بر اين
دید كه بعضي از مسائل فلاحت در اينجا ذكر شود بهترين اوقات زراعت اول برج
... اول ماه و اكر باد شمال ... تخم در زمين نباشد كه خوب سبز شود و تخم ...
نبايد كشت و اكر تخم ماش و عدس را ... آلوده كنند و بكارند زود تر سبز شود و
باقلا يكشبانه روز بخيسانند و بعد بكارند اكر ماه در محاق باشد بهتر است و ...
باشد در دشت بكارند و بالعكس حاصل او بهتر و بيشتر كردد و كندم و ماش و باقلا را
در زمين نم دار بايد كشت كه اكر در زمين خشك بكارند ضعيف كردد و كرم بيخ او را بخورد
و جو را در زمين خشك بكارند و عدس و نخود و ساير حبوب در زمين خشك و نمناك
ميتوان كشت در محافظت كندم ... با خاكستر چوب بلوط با او مخلوط كند
... محفوظ ماند و اكر كندم را با خوشه بكذارند هركز عيب نكند و محافظت عدس
و ماش و باقلا ... بايد در ظرفي كه پيش از آن روغن كرده باشند كنند يا اندر آن ...
چرب كنند و خاكستر بر اطراف و جوانب ... اطراف او را بپوشد محفوظ ماند
در محافظت ... چوب سرو را پاره پاره كنند و در ميان ... پنهان كنند محفوظ كردد
و اكر زيره و نمك را بكوبند و با ... مخلوط كند از جميع آفات محفوظ كردد و وقت زراعت
همه بقول بهار است مكر سير و ... كه در پاييز بايد كشت و اكر تخم بقول را در آبي كه
... جوشيده باشد بخيسانند يا با آب حنظل اغشته كنند از همه آفات محفوظ كردند و
اكر تخم خربزه را با كل سرخ كوفته سه روز بخيسانند و بكارند بوي كل بكيرند و اكر در عسل

وشیره سه شبانه روز بخیسانند و بکارند شیرین شود و اگر ریشهٔ سوسن را در آب بخیسانند
و تخم خربزه را در آن بخیسانند و بکارند از کرم محفوظ گردد و نباید زن حایض در باغ
در آید که او را فاسد میسازد و شفته بیرند و چون سر جز را بر چوبی بندند و درخت
بسیار بار گرد اما معرفت درخت نشاندن باید قمر در عقرب نباشد بلکه در محاق
باشد یا تحت الارض خواهی که شود باغ تو چون باغ ارم   در قوس نهال کار و در جوزا تخم
و از احکام واجبهٔ زراعت زکوة است و آیات و احادیث بر وجوب آن و عتاب و عذاب
بر ترک آن بسیار است که ذکر آنها باعث تطویل است و اجمالی که زکوة در آنها واجب است
نه است نقدین که طلا و نقره باشد و انعام ثلثه که عبارت از شتر و گاو و گوسفند باشد و
غلات اربع که گندم و جو و خرما و مویز باشد اما نقدین پس طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد
و سکه هم داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکنند آنها را چهل یک از آنها را باید داد
اما نقره هرگاه به دویست درهم برسد و سکه هم داشته باشد و یکسال بماند بدون تغییر
چهل یک آنها را باید داد و اما انعام ثلثه که عبارت از شتر و گاو و گوسفند باشد اما شتر
نصاب آن دوازده است اول پنج شتر است که در آن یک گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است
که در آن پنج گوسفند است چهارم بیست شتر است که در آن چهار گوسفند است دوم ده شتر است
و در آن دو گوسفند است سیم پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است و گوسفندی که
میدهند بهتر است که هفت ماهه یا در هشت باشد و کمتر نباشد و اگر بز دهند باید یکساله
یا در دو باشد ششم بیست و شش شتر است که باید شتر ماده یکساله یا در دو بدهند و اگر
نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهند هفتم سی و شش شتر است که باید یک شتر ماده
دو ساله یا در سه بدهند هشتم چهل شتر است که باید یک شتر ماده یا در چهار بدهند نهم شصت
یک شتر است که باید یک شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهند دهم هفتاد و شش شتر است که باید
دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند یازدهم نود و یک شتر است که باید دو شتر ماده
سه ساله یا در چهار بدهند دوازدهم صد و بیست و یک شتر است که هر چه زیاده شود در
هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله بدهند و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهند اما گاو
گاو در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یکساله یا در دو بدهند و در چهل گاو یک گاو
ماده دو ساله یا در سه میدهند و اما گوسفند در چهل تا یک گوسفند واجب است و در صد و بیست

بیست یک دو گوسفند و در دویست و یک سه گوسفند و در سیصد و یک احوط آن است
که چهار گوسفند بدهند و چون به چهارصد برسد هر چه زیاده شود از هر صد یک گوسفند
میدهند و در هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرط است که در علف مباح چریده باشد
تمام سال پس اگر علف مملوک دستی به آنها داده باشد احوط است که اگر چریدن آنها بیشتر
باشد زکوة بدهند و بچهها را تا شیر میخورند حساب نباید کرد بنا بر مشهور و الاحتیاط بدان است
که از روزی که متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات هم شرط است
که سال بر ایشان بگردد و سال زکوة یازده ماه است و چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة
واجب میشود و در گاو و شتر شرط است که کار کن نباشند که اگر بار کش یا خیش کن باشند
زکوة ندارند و گوسفند و بز را بر سر هم حساب میکنند و گاو میش و شتر نر و ماده و ترک و دو
کوهانه هم همچنین بر سر هم حساب میکنند و اما غلات اربع شرط است که هر یک
به نصاب رسیده باشد و نصاب سیصد و شصت من و پنجاه درم است به سنگ تبریز و اگر
هرگاه به هشتصد و بیست و یک من رسیده باشد احوط است که زکوة دهند و شرط است که آن
غلات در ملک او به حد نصاب رسیده باشد پس اگر گندم و جو را بعد درو کردن بخرد زکوة
بر فروشنده واجب است و اگر زمین به اجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر واجب است و اگر
مزارعه بگیرد نصف یا ثلث یا ربع مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجب است و زکوة عامل
بر عامل اگر حصهٔ هر یک به نصاب رسیده باشد پس اگر زراعت و باغ آب باران
یا آب قنات یا آب رود خورده باشد ده یک میدهند و اگر آب دلو خورده باشد از
آنچه بیشتر خورده است اعتبار کند و اگر از هر دو مساوی خورده باشد سه ربع عشر بدهند
و احوط و اقوی آن است که بعد خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت بیرون نکنند و چون اکثر
فقها بر آنند که تعلق زکوة به انگور در وقت غوره شدن احوط است که ارباب خبرت را
بیاورند که تخمین کنند که چه مقدار است و با خود قرار دهد که آن نسبت زکوة دهد یا
آنچه از غوره و انگور خورده حلال بود یا آنکه آنچه بر دارد بکشد و حساب آنکه دارد یا آنچه بر دارد
عشر بدهد و همچنین گندم و جو هرگاه دانه بندد که توان خورد و بعضی گفته اند که زکوة
واجب است در غیر گندم و جو مثل نخود و ماش و عدس و امثال اینها هرگاه به نصاب گندم
وجوب رسد همان شرایط و مقداری که ... اما مشهور آن است که در غیر گندم و جو سنت است و در

مادیان که در علف مباح چریده باشد و سال بر ان بگذرد زکوة سنت است پس اگر پدر و
مادر هر دو عربی باشد در سالی دو اشرفی چهار دانگ و نیمی می دهد و اگر یابو باشد یا
یکی از پدر و مادر هر دو عربی باشد یک اشرفی می دهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب ان قائل
شده اند اما مشهور انست که سنت است و ان مالی است که مالک شود از عنوان معاوضه
و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بان داشته باشد و می باید که قیمت ان بیکی
از نصاب طلا و نقره رسیده باشد و در تمام سال بر نصاب باقی باشد و تمام سال از سرمایه کم نشود
اگر بمایه بخرند یا بیشتر و اگر چند سال بگذرد که مایه در کی باشد سنت است که زکوة
یکسال را بدهد و اگر مایه باقی باشد هر سال جداگانه بدهد و اگر بمعاوضه گیرد در
سال بقصد تجارت خلاف است احوط انست که لازم بدهد و سنت است که در وقت دو کردن
اگر فقیر حاضر باشد هر فقیری دسته کند می بدهد هر قدر که بدستش اید و در وقت چیدن خرما
و انگور نیز کیست بدهد و در زکوة حساب نکند و بعضی واجب دانسته اند و احوط انست که ترک نکند
اما مستحقین زکوة پس هشت طایفه می باشند اول فقرا و مساکین و ایشان کسانی هستند که
قوت سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشند و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و
عیال خود را بان توانند کرد باشند و احوط انست که مسائل واجبه خود را بدانند و صلح
باشند و کذا و سائل بکف نباشند سیم کسی است که امام او را نصب می کند برای گرفتن
زکوة و حصه باو می دهند و در این زمان غیبت امام ان نمی باشد چهارم مؤلفة قلوبهم اند
که در این زمان غیبت امام ان نیز نمی باشد پنجم صرف کردن در ازادی بنده کاتبست مثل
انکه اقای غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد و ازاد شود و او عاجز از دادن باشد
اگر برای او زکوة واجب نباشد باید که قدری از زکوة را بمال کتابت او حساب نماید و اگر
دیگران از زکوة واجبه بخود بغلام بدهند که باقا بدهد و ازاد شود یا مثل غلامی که از دست
اقای خود در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و ازاد کنند ششم قرض داران که قرض
کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند و در ادای قرض عاجز باشند از زکوة می توان داد
که ادای قرض خود نمایند هفتم فی سبیل الله است یعنی صرف زکوة در راههای خدا نمایند جهاد فی
سبیل الله و یاری حاجیان و زائران ائمه معصومین علیهم السلام و بنای مساجد و پلها و
امثال اینها هشتم ابن السبیل است و ان کسی است که بغربت افتاده باشد و وصله بمال خود نداشته

نداشته باشند اعتبار او بهم [illegible] غیر مؤلفه شیعه اثنی عشری باشد و طلب
الفقیر ما لات نباشد مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند بالا روند و فرزندان هر چند
هر چند پائین ایند و زن و بنده نباشد و بهتر ان است که زکوة را بخویشان محتاج بدهند
غیر اینها که مذکور شد اگر شرایط مذکوره را داشته باشد و غیر سید زکوة سید نمی توان
داد اما سید بسید و غیر سید هر دو می توان داد و غیر سید احوط انست که [illegible]
و بهتر انست که زکوة را بمجتهد یا عالمی که مصارف زکوة را داند بدهند که او بمصرف
خودش برساند [illegible] در اعمال او و غیره و در رفع علتها و مرضها است و در ان چند فصل
[فصل اول] در بیان بعضی از حالات بدن انسانی و مخالف شدن ان بسبب اختلاف هوا و [illegible]
ان در رساله ذهبیه که حضرت امام رضا بجهة مأمون نوشته مذکور است که قوه
نفوس انسانی تابع مزاجهای بدنها است و مزاجها تابع هوا اند و متغیر می شوند مزاجها در [illegible]
که تغییر در هواها بهم رسد و هرگاه هوا معتدل باشد مزاجها نیز معتدل [illegible]
مزاجها در حرکات طبیعت مثل هضم و جماع و خواب و سایر حرکات و بنای اجسام بر چهار طبیعت
وان سودا و صفرا و خون و بلغم است و هر یک از اینها زیادتی قوت بیان در حالاتی از حالات
انسانیت و ایام سلطنت و زیادتی خون تا پانزده سالگی است وان ایام شباب و حسن و
تازگی انسانست که داخل می شود در حالت دوم که از پانزده سالگیست تا سی و پنج سالگی است
وان مدة قوة و سلطنت صفرا است و غلبه او و انسان در این مدت قوی تر از
از حالات دیگر می باشد پس داخل می شود در حالت سیم وان سی و پنج سالگی تا شصت سالگی
وان ایام قوت و سلطنت سودا است و محل حکمت و معرفت و فهم انسانیت و دور اندیشی
او در عواقب و بر قرار بودن دل و جمع بودن خاطر او است در کارها پس داخل می شود در حالت
چهارم وان مدت غلبه و زیادتی بلغم است و ایام ان بعد از شصت سال است دیگر بهمین
حالت می ماند و در این حالت روز بروز اعضا کاهلی و ضعف بهم میرسد و قوة کم می شود پس
مناسب انست که در حالتی از این حالات اطعمه و اشربه مناسب ان حالت مداومت نماید
و همچنین در چهار فصل سال در هر فصل قوت یکی از این چهار طبیعت زیاده است از فصل
دیگر و در سه ماه بهار مدت کی و بر طرف شدن بلغم و زیادتی خون است در ماه اول [illegible] مدت
هیجان خون است باید که بغذاهای لطیف و گوشتهای نازک و تخم مرغ نیم برشت مداومت شود

واشامیده شود و دراین فصل بعد از طعام شراب حلال و همان قدر که شرابست آب داخل شراب
نماید و چیزهایی که دراین ماه باید خورد پیاز و سیر و ترشیهاست و مناسب است دراین ماه
خوردن مسهل و فصد و حجامت کردن و در ماه دوم ایام غرض خوشنت مناسبست خوردن
بریان و چیزهایی که با سرکه تعمل آمده باشد و گوشتهای شکار و جماع بسیار کردن و در حمام
روغن بر بدن مالیدن و بوئیدن ریاحین و چیزهای خوشبو و ناشتا آب نباید خورد و در ماه
سیم که آخر بهار است مناسبست اول روز بحمام رفتن و چیزهای سکنجبین و گوشتهای
غلیظ مثل گوشت گاو و شیر نباید خورد و دراین ماه ریاضت کشیدن و کارها پیش از غذا
خوبست و در سه ماه تابستان که تنگی بر طرف شد نخون و زیادتی صفراست و
مناسبست در اول ماه خوردن سبزیهای خنک مثل کاسنی و خرفه و خیار بادرنگ و خیار
شنبر و شیرخشت و میوه‌های تازه و چیزهای ترش و سرد و از گوشتها گوشت بزغاله و
و مرغ خانگی و تیهو و دراج و ماهی تازه و کارهائیکه موجب تعب بدن باشد نباید کرد و گوسفند
بسیار نباید خورد و مشک و عنبر نباید بوئید و در ماه دوم که وسط تابستانست مناسبست
خوردن آب سرد ناشتا و چیزهای سرد و تر و غذاهای لطیف که زود هضم شود بوضعی که
در ماه سابق مذکور شد و شراب حلال اشامیدن اما آب باید داخل شراب کرد و بوئیدن
شکوفه و ریاحین سرد و تر و خوشبو و در ماه سیم که آخر فصل تابستانست ایام اشتداد
بادهای گرم و سموم و بهم رسیدن زکام در شب و وزیدن باد شمال است باید از حرارت
او ر د خوردن چیزهای سرد و تر نافع است خوردن ماست و اجتناب باید کرد از جماع کردن
و مسهل خوردن و حرکت سخت کردن که باعث زاریدن شود نباید کرد و مناسبست بوئیدن
گلهای سرد و سه ماه خریف ایام زیادتی سوداست در ماه اول آن مناسبست خوردن مسهل
و نافع است خوردن شیرینیها و از گوشتهای معتدل مثل گوشت بزغاله و بره یکساله ولی
باید نمود و اجتناب باید کرد از خوردن گوشت گاو و بسیار خوردن بریان و بسیار حمام
و خربزه و خیار خوردن و بوهای خوش معتدل باید بوئیدن و در ماه دوم که وسط خریف است
و ایام وزیدن بادهای سخت مختلف است نافع است خوردن گوشتهای فربه و انار ترش و شیرین
و میوه بعد از طعام و استعمال کردن گوشتها با سبزیها و داروهای گرم و حرکتهای سخت
کردن و جماع کردن و کم خوردن آب و اجتناب باید کرد از دوا خوردن و فصد کردن و در ماه

و در ماه سیم که آخر خریف است نافع است در صبح هر روز خوردن یک جرعه آب گرم و در شب
آب خوردن بداست و حمام کم باید رفت و جماع کم باید کرد و سبزیها نباید خورد و سه ماه
زمستان فصل زیادتی بلغم است در ماه اول آن ایام وزیدن بادهای تند و شدت
سرماست و آنچه در ماه سابق مذکور شد از ماکولات و مشروبات نافع و غیر نافع در این ماه
نیز چنانست و اجتناب باید کرد از خوردن طعام سرد و حجامت و فصد کردن و غذا باید گرم
باشد بحسب طبیعت و بالفعل نیز با تن نرم باید نمود و تناول باید کرد و در ماه دوم نافع است
خوردن آب گرم هر صبح ناشتا و خوردن کاچیهای گرم و سبزیهای گرم مثل کرفس و جرجیر
و گندنا و حمام رفتن در اول روز و روغن گل خیری و آنچه مثل آن باشد بر بدن مالیدن و
احتراز باید کرد از خوردن شیرینی و ماهی تازه و در ماه سیم که آخر زمستان و ایام مختلف
شدن و وزیدن بادهاست و باران بسیار میشود و گیاهها بسیار میشود و آبها جاری
میگردد نافعست خوردن شیر و گوشت شکار و میوه خشک و جماع کردن و حرکاتی که با
ریاضت و تعب بدن باشد و شیرینی کم باید خورد و در طب الائمه علیهم السلام از حضرت
امام رضا مرویست که جمعی از اطبا نزد آنحضرت آمده بودند و از علم طب سخنها بیان نقل
کردند و فخر می کردند و آنحضرت از سخن ایشان ملول شده فرمودند که چیست شما را که
از این دوا ما هم اقتصار میکنیم و شنیده بهتر از اینها که آن هلیله و دارزیانه و قند است
مداومت نماید در اول تابستان سه روز و در هر ماه سه روز اما عوض دارزیانه مصطکی
باید کرد پس هر که چنین کند هرگز بیمار نشود مگر بیماری موت تمام شد حدیث طب الائمه
و باز آمدیم بر سر روایت دهنیه و اما تقلید در یک از اخلاطی که سابقا مذکور شد بجانسن
اینست و در وقت زیادتی خون حجامت یا فصد باید کرد و آداب حجامت و فصد در فصل
چهارم همین باب ان شاء الله تعالی نوشته خواهد شد و علامت زیادتی خون و هیجانش خیرگی
جوشش بدن و خارش بدن و بهم رسیدن نشئ در بدن و برای اطفاء حرارت صفرا باید
که بخورد چیزهای سرد و تر و چیزهایی که باعث طراوت روح و نازکی بدن شود و بسیار
حرکت کند و بسیار نظر کند بر روی آن کسی که او را دوست دارد برای اطفاء حرارت سودا
فصد می کرده باشد و مداومت کند بر نوره کشیدن و برای دفع بلغم هر صبح یک مثقال اطریفل
صغیر بخورد و خاییدن قماط نیز وارد شده و در حدیث دیگر وارد شده که می کری ...

یک مثقال و خردل دو مثقال و عاقرقرحا یک مثقال پس می کوبی این داروها را بسیار نرم و مرهم
ناشتا با آن سؤال میکنی که قطع بلغم میکند و دهن را خوشبو میگرداند و دندانها را محکم
میدارد در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان شدت ابتلای مؤمنان منقول
از کتاب حلیة المتقین در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که روزی
رسول خدا ص سر بجانب آسمان بلند کرد و تبسم نمود صحابه از سبب آن سؤال کردند حضرت
فرمود که تعجب کردم از دو ملک که بزمین فرود آمدند و بنده مؤمن صالحی را در جای
نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند او را در جای نمازش نیافتند
باسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده تو را در جای نمازش طلب کردیم او را نیافتیم
و او در بند بیماریست حق تعالی فرمود بنویسید برای بنده مؤمن مثل آنچه در حال صحت از
افعال خیر در شب و روز میکرده است مادام که در بند منست و در حدیث حسن عن ... ان
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بیداری یک شب از بیماری و درد بهتر است از عبادت
یکسال و در حدیث معتبر دیگر فرمود که یک شب تب بزار است با عبادت یکساله و بروایت
حضرت صادق ع کفاره گناهان گذشته و آینده است و در احادیث معتبره از آن حضرت منقول
که هر که یک شب بیماری بکشد و قبول کند آنرا بآنچه شرط قبول کردنست با آنکه کسی را خبر نکند
از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله
باو عطا کند و در حدیث دیگر فرمود که حد شکایت آنست که بگوید که دیشب الخواب
نبردم یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید که بلائی مبتلا شدم که هیچکس بآن مبتلا نشده است
و بلائی بمن رسیده است که بهیچکس نرسیده است و مثل اینها و در احادیث معتبره از حضرت صادق
منقولست که ثواب عظیم با بلای عظیم است و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشانرا
را ابتلا می یابد الحدیث تا اینجا از حلیه نوشته شد از ابی ابراهیم مرویست که فرمود مرض را چهار
فضیلت است اول آنکه رفع قلم میکند از صاحبش دوم آنکه نیکی که کرده حق تعالی میفرماید بنویسید از
برای او سیم آنکه گناهان هر عضوی از جسد او را پاک میکند چهارم آنکه اگر بمیرد در آن مرض آمرزیده
بمیرد و اگر شفا یابد آمرزیده گردد مؤلف گوید از حدیث سابق چنین مستفاد شد که این معنا
وقتی است که شکایت نکند و احادیث در ثواب عیادت کردن در باب ذکر حقوق مؤمنان بر
یکدیگر گذشت در بیان انواع مداوی و بیان رجوع باطبا منقولست از کتاب حلیة المتقین

المتقین از حضرت رسول ص منقولست که فرمود دردها سه است و دواها سه است پس دردها
یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون حجامت است و دوای صفرا مسهل است و دوای
بلغم حمام است و از حضرت صادق ع منقولست که از دوای پیغمبران است حجامت کردن
و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و حضرت باقر ع فرمود که طبابت عربان در
هفت چیز است حجامت و حقنه و دوا در بینی کردن و حمام و قی و خوردن عسل و آخر دوای
ایشان داغ است و مرویست از امام محمد باقر ع که بهترین دوای شما حقنه است و دوا
در بینی چکانیدن و حجامت کردن و حمام رفتن و نوره کشیدن و در فقه الرضا ع مذکور است
که همه و امثال مسهله دواها است و معده خانه همه دردهاست و پرهیز [illegible] الحمیه
او را عادت فرمود و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب درد دارد و فرمود
که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه تشنه شوی آب بخور و هرگاه بول باید بول بکن و تا
نشود جماع مکن و هرگاه که خواب غلبه کند بخواب و چون چنین کنی بدنت صحیح می باشد
همیشه و فرمود بیمار را پرهیز نفع نمیکند بلکه چیزی تا شد متعفن و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز
و امثال آن چهارده روز است و پرهیز نه آنست که چیزی نخورد بلکه آنست که کم بخورد و
از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که موسی بن عمران مناجات کرد که پروردگارا
درد از کجا میرسد فرمود من عرض کرد که شفا از کجا میرسد فرمود من عرض کرد پس چه میکنند
مردم اطبا را فرمود دلهای ایشانرا خوش میکنند و در حدیث دیگر از آن حضرت مرویست
که پیغمبری ناخوش شد و گفت دوا نمیکنم تا آنکس که مرا درد داده است شفا دهد حق تعالی
وحی فرستاد که تا دوا نکنی شفا ندهم و در حدیث صحیح منقولست که شخصی از امام موسی ع
پرسید که من محتاج می شوم بطبیب نصرانی و نزد او بمعالجه میروم و بر او سلام میکنم فرمود که
باکی نیست دعا و سلام تو باو نفعی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که تا ممکن است ترک
معالجه و رجوع بطبیبان بکنید که این مانند عمارت کردنست که اندکش بسیار میکند
از امیر المؤمنین ع منقولست که مسلمانان باید دوا نکنند تا غالب شود بیماری بر صحتش
از حضرت صادق ع منقولست که هر کس صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه کند و بمیرد
من از او بیزارم از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که پرسیدند معالجه طبیب یهودی
یا نصرانی عمل می توان کرد و فرمودند باکی نیست و شفا بدست خداست

در فضیلت و آداب حجامت و فصد از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حجامت کردن
بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند اما اداب حجامت بنا بر انچه در دو حدیث است
که بدوازده ساعت پیش از حجامت و فصد از جماع احتراز نماید و در اینکه حجام
حجامت را بر بدن گذارد اهسته مکد تا باعث تخفیف درد باشد تا مرتبه دیگر امکید
زیاد کند و موقوف نماید تیغ زدن را تا وقتی که موضع حجامت خوب سرخ شود از بسیاری
گذاشتن آلت حجامت بران و موضع حجامت و فصد را باید پیش از تیغ زدن روغن بمالد
تا درد کم شود و تیغ حجامت را بر چیزهای نرم از قبیل پوست و غیر ان بمالد تا نرم شود
و تیغ حجامت و نیشتر فصد را نیز باید که روغن بمالد و بعد از ان نرم سازند موضع حجامت
و فصد را بروغن و پیش از فصد عروق باید روغنی بمالند تا رگ پنهان نشود و باید که
فصاد خاطر اعتماد کند که کم گوشت باشد یعنی بر بالای رگ گوشت کم باشد و باید که
پا یا چیز را باب گرم تر نماید و بر موضع فصد پیش از فصد گذارد تا خون بظاهر جلد میل نماید
خصوصا در زمستان زیرا که پوست را نرم میکند و درد را کم میکند و فصد کردن
آسان می شود و باید خون گرفت تا تغیر در رنگ خون بهم رسد و در روزیکه فصد یا حجامت
کند حمام نباید رفت که باعث بهم رسیدن تب دق است و آب گرم بعد از حجامت و فصد
بر سر ریختن خوب نیست اما بعد از فاصله و بی فاصله خوب نیست و بعد از بستن موضع حجامت
خرقه که بران موضع باید گذاشت یا جامه رومی از غیر کتان و بقدر یک نخود تریاق اکبر را باید
که ممزوج سازد بشراب معتدل یا شربت فواکه و اگر نباشد بشراب ریح و اگر بهم نرسد
هیچ یک از اینها همان تریاق را بخاید و فرو برد و بر بالای ان جرعه آب سرد بیاشامد و اگر
زمستان و سرما باشد بر بالای ان بیاشامد سکنجبین عسلی زیرا که چون چنین کند ایمن می شود از
لقوه و برص و بهق و جذام و خوردن انار ترش بعد از فصد و حجامت خوبست و خوردن طعام
شور تا سه ساعت بعد از ان موجب جرب و در تابستان بعد از حجامت خوردن گوشت
بهو و شراب حلال خوبست و روغن بنفشه و مشک و آب سرد باید بر موضع حجامت بمالید و بعد
از فراغ از حجامت بر بستان سر از آب تغاری باید ریخت و در تابستان بعد از حجامت خوردن
اش ترش خوبست و روغن بنفشه بر سر باید ریخت با گلاب و تدریج کافور و شراب حلال
باید آشامید بعد از طعام و از بسیاری حرکت و غضب و اعتزال و مجامعت زنان در ان

دران روز حذر باید کرد اما اوقات حجامت که در احادیث معتبر وارد شده و حاصل آنها
اینست که کسی که خواهد حجامت کند در روز شنبه بکند در روز یکشنبه حجامت کردن
درد از بدن بیشتر میکند در اخر روز دوشنبه درد از بدن می کشد و سه شنبه مقدم
یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه شفا میدهد از دردهای سال و از درد سر و درد دندان
و دیوانگی و خوره و پیسی و چهارشنبه آخر ماه برای دفع دائره باعث عافیت میشود از هر بلائی
و دزدی و در روز پنجشنبه آخر ماه درد اول روز درد را از بدن میکند افضل اوقات
حجامت از ماه دوم بیست در روز چهارشنبه هر گاه قمر در عقرب باشد و در روز جمعه وقت
ظهر منفعت حجامت کردن اما مکان حجامت حضرت رسول حجامت در سر و میان
هر دو کتف و در پشت گردن می کردند و یکی را نافعه می نامیدند و دیگری را معینه یعنی
بفریاد رسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده از بلاها و بروایتی نقلست که از سر تا نافت
شبری تجاوز بالا بهر جای سر که برسد در انجا حجامت کنی و حجامت آنحضرت بروایتی
در پشت گردن بود و جبرئیل امر کرد آنحضرت را میان دو کتف و روایتی در پشت سر
موجب فراموشی است و برای دفع درد حکم فصد یا و برای جرب رگ اکحل و بروایتی فصد
پای برای راست کردن و بقدر یک درهم روغن بادام شیرین بر روی اب کشک ریخته خوردن
و از ماهی و سرکه اجتناب کردن وارد شده و بروایتی خارش بدن سر با درم و بادا
حجامت فرموده اند در پشت پا و میان کعب و ساق و چون اراده حجامت کنی چهار انگشت
پیش حجام بنشین و بگو بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی
من العین فی الدم ومن کل سوء واعلال والامراض والاسقام والاوجاع واسئلک
العافیة والمعافاة والشفاء من کل داء و در طب الائمه چنین است که چون خواهی
از جای حجامت جاری باشد در ان حالت بگو اعوذ بالله بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بالله الکریم من العین فی الدم ومن کل سوء فی حجامتی هذه و نظر کردن بآن
خونی که از موضع حجامت بیرون آید باعث امانت از درد چشم تا حجامت دیگر
در ادعیه و اعمال عیادت کنان و بیماران در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که
چون تو را بیماری روی نماید بگو اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من شر کل
عرق نعار ومن شر حر النار و در روایت دیگر است که هفت مرتبه بگوید اسئل الله

العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک واگر اجلش نرسیده باشد بزودی شفا یابد وبعض دست بموضع کوفت بیمار بگذارد وهفت بار والاسه بار بگوید ایها الوجع اسکن بسکینة الله وقر بوقار الله وانحجز بحاجز الله واهدأ بهداء الله اعیذک ایها الانسان بما اعاذ الله عز وجل به عرشه وملائکته یوم الرجفة والزلازل ودر حدیث دیگر است که سوره الحمد وقل هو الله احد وانا انزلناه وآیة الکرسی بخوان پس بانگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس اللهم ارحم جلده الرقیق وعظمه الدقیق من سورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله والیوم الآخر فلا تاکلی اللحم ولا تشربی الدم ولا تنهکی الجسم ولا تصدعی الرأس وتحولی عن فلان بن فلان ونام او ونام مادرش بنویسد الی من یجعل مع الله الها آخر لا اله الا الله تعالی عما یشرکون ودر سفینة النجاة از خواص بوده نوشته که خواندن سوره تحریم بر مریض دوال مرض او میشود وسوره مجادله برای تسکین اضطرابش وسوره والطین بر چیزی از ماکولات باعث شفای او از مرض است وباید مریض بر بام خانه بر آمده در زیر آسمان دو رکعت نماز کند وبعد از سلام بگوید اللهم انک وعیّرتنی وقال لن تلبسنا اللهم وانی استوهبک مستدیما وچون مبتلای بیماری اسسته بگو که او بشنود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به وفضلنی علیک وعلی کثیر ممن خلق وچون بر چیزی از مرض مریض بگو کشف الله ضرک وغفر ذنبک وحفظک فی دینک وبدنک الی منتهی اجلک از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر بیماری که اطبا از معالجه آن عاجز باشند این شکل را نوشته بر او بنویسد شفا یابد هم هم هم هم هم ححححححح وهم ص م ای شفا هر که این دعا را بر مریض خواند وبدمد وبر بازوی راست او ببندد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم الله قدیم ازلی یزل العلل وهو قائم ازلی بالا زلیته لم یزل ولا یزال برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا منقولست که این دعا را اسم را بر ظرفی بنویسد وبیمار شسته بر آن ظرف آب خورد شفا یابد الحمد محمود دعا در زبدة الدعوات مسطور است که چون این دعا بر سر بیمار هفت نوبت بخوانند اگر اجلش نرسیده باشد بزودی شفا یابد اسئل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک مؤلف گفته مکرر بتجربه مؤدام [illegible] بجز مریض خود با بیضا او بر داشت در حدیث است که یکی از فرزندان حضرت صادق بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله بگو که هیچ کس چیزی نگوید مگر آنکه حق تعالی میفرماید که لبیک حاجت خود را بگو ودر حدیث دیگر فرمود که هر که را علتی عارض شود هفت مرتبه سوره

سوره حمد بخواند اگر بر طرف شد فبها والا هفتاد مرتبه بخواند که من ضامنم که آن علت بر طرف شود ودر روایت دیگر فرمود که بیمار سر خود را در گریبان داخل کند واذان واقامت بگوید وسوره حمد وقل هو الله احد بخواند وبگوید اعیذ نفسی بعزة الله وقدرة الله وعظمة الله وسلطان الله وجلال الله وجمیع الله وبرسول الله وبعزته صلی الله علیه وعلیهم وبولاة امر الله من شر ما اخاف واحذر واشهد ان الله علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اللهم اشفنی بشفائک وداونی بدوائک وعافنی من بلائک ایضا بعضی از فرزندان خود فرمود در وقتی که بیمار شده بود که این دعا بخوان اللهم اشفنی بشفائک وداونی بدوائک وعافنی من بلائک فانی عبدک وابن عبدک در بیان خواص بعضی از ادویه مفرده از حضرت صادق منقولست که هر که ترب کند در شب اول بوزن دو درهم یا سه درهم بعد از فطور بخورد در آن مرض ایمن گردد از سرسام وذات الجنب ودر حدیث دیگر فرمود که فضیلت عناب بر سایر میوهها مانند فضیلت ماست بر سایر مردم واز حضرت امیر المؤمنین منقولست که عناب تب را زایل میکند ودر روایتی منقولست که ابن ابی الخضیب گفت که دیده من سفید شده بود وچیزی نمیدیدم شبی حضرت امیر المؤمنین را در خواب دیدم فرمود که عناب را بکوب ودر دیده بکش چون بیدار شدم عناب را با هسته اش سائیدم ودر دیده کشیدم دیده ام صحیح وبینا شد ودر حدیث صحیح معتبر از حضرت رسول منقولست که سداب کنید بسناء که اگر چیزی درد را دوا میکرد آن سناست واز حضرت صادق منقولست که چهار چیز است که طبیعت را اعتدال آورد انار سورانی وخرمای نارس بجنه وبنفشه وکاسنی از حضرت صادق منقولست که دانه سیاه دانه شفای همه دردهاست بغیر از مرگ ودر بعضی روایات از حضرت رسول پرسیدند که چگونه استعمال کنیم فرمود که بیست ویک دانه آنرا در کهنه بکند وبگیرید وبخیسانید وچون صبح شود در بینی راست دو قطره ودر بینی چپ یک قطره بچکانید ودر روز دویم در بینی چپ دو قطره ودر بینی راست یک قطره بچکانید ودر هر شب دانهها را تازه کنید وبرای تب شیاه دانه حضرت صادق منقولست که سیاه دانه در آخر شب بخور وفرمود که من آنرا می خورم برای تب ودرد سر وازاله درد شکم وجمیع دردها وخدا مرا با آن شفا میدهد واز حضرت رسول منقولست که

بر هر یک از برگ و دانه و درخت سپند ملکی موکل است که با او است تا آنکه بریزد از
و شاخ و تخم و بیخ درد را برطرف میکند و در دانه اش شفای هفتاد و دو درد است پس
مداوا کنید با سپند و کندر و از حضرت صادق ع منقول است که خانه که اسپند در آن
هست شیطان تا هفتاد خانه دوری میکند و آن شفا است از هفتاد مرض که آ
ترینها خورده است و بعضی حکایت کرد از حق امت خود وحی بر او نازل شد که امر کن
امت خود را که اسپند بخورند که باعث شجاعت میشود و فرمود که کندر بر کردن
پیغمبران است و هیچ دودی زودتر از دود آن باسمان بالا نمیرود و آن دور کننده شیاطین
و دفع کننده بلاها است و از حضرت امام حسین ع منقول است که اگر مردم بدانند که چه نفع
در هلیله زرد هست هر آینه بوزن آن طلا بخرند و از حضرت رضا ع منقول است که خوردن
انجیر که برای دفع قولنج نافع است و فرمود که کندر دهان را برطرف میکند و استخوان را محکم
میکند و مو در بدن می رویاند و دردها را میبرد و از حضرت رسول ص منقول است که خوردن
انجیر تر و خشک بواسیر را قطع میکند و نقرس و غلبه برودت بر باطن را نفع میدهد و حضرت
صادق ع فرمود خرفه عقل را زیاد میکند و هیچ گیاهی از آن بهتر نیست و مانع زینت و حضرت
امام رضا ع فرمود که بادروج از ما است و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق ع
فرمود که کاهو خون را صاف میکند و حضرت صادق ع فرمود که خوراک الخضر و الیاس کرفس
و دیلان است و حضرت رسول ص فرمود که هر که شلغم بخورد در شب ایمن باشد از درد
بیرونی و اندرونی و ذات الجنب و آن حضرت ریحان و سیاه دانه و اشنان را سفوف میکرد
و بعد از لبنیات و طعامی که بهم میرسید از آن بود تناول میفرمودند و گاهی با نمک سائیده
ممزوج ساخته پیش از طعام میخوردند و میفرمودند که چون نام داد این را بخورم از خوردن
هیچ چیز پروا ندارم و تقویت معده میکند و بلغم را میبرد و امان می بخشد از لقوه و فرمود
که حق تعالی برکت قرار داده است در عسل و در آن شفا از جمیع دردها است و بدان
هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است و حضرت صادق ع فرمود که سرکه شراب بن دندان
محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند و فرمود که خوردن اسفناج
زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و دهن را بدبو میکند و فرمود که هر که
نشان و کردکان را با هم بخورد بواسیر را میسوزاند و بادها را دفع میکند و معده را

و معده را بر میکند و کردها را گرم میکند و فرمود که اشنان و نمک با یکدیگر بادها را دفع
میکند و سنگها را میگشاید و بلغم را می سوزاند و موجب ادرار بول میشود و دهن را
خوشبو میکند و لقوه را دفع میکند و قوت جماع را زیاده میکند و در حدیث وارد
شده است که تا لیدن نمک رفع زهر عقرب و گزندگان میکند والله اعلم
در ادعیه و اعمال عامه جامعه و دوهای مرکبه نافعه اما اعمال و ادعیه در کافی از حضرت
صادق ع روایت شده که بصاحب علتی تعلیم نمود و اول آنست که چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه را روزه دارد و در روز جمعه در وقت زوال جامه پاکیزه بپوشد و بجائی رود که
کسی او را نبیند و چهار رکعت نماز کند و بنحوی کند که وقت سجده دو زانو و دو کف دست
و دو جبین او بزمین متصل شود باین معنی که این نماز بالای جای نماز نباشد بلکه بر روی
خاک باشد و در هر رکعت از این نماز ده بار فاتحه و ده بار قل هو الله احد بخواند و در رکوع
پانزده بار قل هو الله بخواند و در هر سجود ده بار قل هو الله احد بخواند و در هر بر داشتن از
سجود بیست بار قل هو الله بخواند و چون از تشهد و تسلیم فارغ شود بگوید یا معروفا
بالمعروف یا اول الاولین یا آخر الآخرین یا ذا القوة المتین یا رازق المساکین یا ارحم
الراحمین انی شریت نفسی منک بثلث ما املک فاصرف ما ابتلیت به انک علی
کل شیء قدیر و مضمون دعا آنست که چون از علت بری شود ثلث مال خود
در راه الله تعالی تصدق کند و ایضا از حضرت رسول ص مرویست که در نزد هر علتی بگو
اسئل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفینی و عافنی هفت نوبت که دفع شود ایضا
از حضرت صادق ع مرویست که در نزد هر علتی بگوید لا حول و لا قوة الا بالله توکلت
علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و
لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و ایضا از آن حضرت مرویست که در نزد علت
دست بسوی آسمان بر دارد و بگوید اللهم انک عیرت اقواما فی کتابک قل ادعوا الذین
من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لا تحویلا فیا من لا یملک کشف ضری و لا
تحویله عنی احد غیره صل علی محمد و آل محمد و اکشف ضری و حوله الی من یدعو معک
الها آخر فانی اشهد ان لا اله الا غیرک — دیگر تصدق کردن است بسند معتبر از
داود بن زربی منقول است که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت

امام جعفر صادق ع رسید من نوشت که یک صاع گندم بخور و بر پشت بخواب و این گندم را بر
سینه خود بریز و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت
ما به من ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی
محمد و آل محمد و علی اهل بیته و ان تعافینی من علتی پس درست بنشین و گندم را
جمع کن و باز این دعا را بخوان و این گندم را چهار حصه کن و هر حصه به یک فقیر بده باز
دعا را بخوان راوی گفت که من چنان کردم گویا از بندی رها شدم و بسیار کسان
کردند شفا یافتند دیگر تصدق گوسفندانست شیخ بهاء الدین عاملی رحمة الله گفته
که سه راس گوسفند یا پنج راس گوسفند یا هفت راس از وجه حلال بهم رسانند و باید که
باشند مثل گوسفند قربانی و یک یک را گرد بیمار بگردانند و در وقت گردانیدن این دعا
بخوانند اللهم یا منزل الشفاء و مذهب الداء صل علی محمد و آل محمد و انزل علی وجع هذا
المریض الشفاء انک علی کل شیء قدیر و هر گوسفندی که بگردانند یک پارچه قند در دهن
آن گوسفند بگذارند و بعد از آن گوسفند را در میانه مستحقین قسمت نمایند آنها بگیرند گوسفند
به نیت قربانی فدای بیمار و سه نوبت این دعا را بخوانند و بر دهن گوسفند بدمند و در حین
ذبح نیز بخوانند دعا اینست اللهم ان هذه الشاة لک و من فضلک و کرمک و صل الی
و انا افدیها بعبدک فلان بن فلان اللهم ان هذه فداؤه لحمها بلحمه و دمها بدمه
اللهم تقبل منی کما تقبلت من خلیلک ابرهیم حین فدا الولد اسمعیل بحرمة
محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اللهم هذا لک انه فداؤه فتقبله منی
بعد از آن بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم و باید ذبح
در زیر آسمان باشد و گودی بکند که خون را در آن گود ریزد در موضعی که مردمان پای بر آن
نگذارند و دست و پای و سر را از پوست جدا نکند چنانکه پوست و دست و پای یکپارچه
باشد و آنچه در شکم است یکپارچه و گوشت را بجا و هفت پارچه کند که با آن سر پارچه
هشت پارچه باشد و مجموع را در میان پوست گذارد و یک جا بیرون آورد تصدق
مسکین دهد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هر که دردی داشته باشد
دست بر موضع درد گذارد و سه مرتبه بگوید الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم
انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی و در روایت دیگر فرموده که برای هر آزار این دعا

این دعا را بخوان یا منزل الشفاء و مذهب الداء انزل علی ما بی من داء شفاء و نیز
فرموده که دست بر موضع درد بگذارد و باخلاص نیت بگوید و ننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا که البته عافیت یابد
از هر علتی از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که بعضی اولاد آنحضرت را بیماری
عارض شد فرمود بگوی ای پسر اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و
عافنی من بلائک فانی عبدک و ابن عبدک و از رسول خدا ص مرویست که با امیر المؤمنین
در بیماری آموختند و آنحضرت مداومت نموده شفا یافت اللهم انی اسئلک تعجیل
عافیتک و صبرا علی بلیتک و خروجا من الدنیا الی رحمتک مؤلف تجربه نموده و اضافه
نقل است که این چهار اسم را بر ظرفی نویسد و بیمار سه روز از آن ظرف آب بخورد شفا یابد
احمد محمود حامد محمد از آن جمله از امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود در تربت قبر حضرت
امام حسین ع خاک شفاست که شفای هر دردیست مگر مرض موت راوی گفت من بر قبر
و از بالای سر قبر آن حضرت ع بقدر یک ذرع گندم بقدر درهمی از آن خاک برداشتم و بکوفتم
و بردم و با دوا ممزوج نمودم و به هر بیماری که دادم شفا یافت و در روایت دیگر فرموده که گل
حرام است مانند گوشت خوک و هر که بخورد و بمیرد بر او نماز نمیکنم مگر خاک قبر حضرت
امام حسین ع که در آن شفای هر دردیست و اگر کسی از روی لذت و خواهش بخورد از
برای او شفا نیست و در حدیث دیگر فرمود که اندک از آن حلالست مثل نخودی و بعضی
دیگر فرمود که خاک قبر حضرت امام حسین را از دور قبر تا هفتاد ذرع میتوان برداشت و در روایت
دیگر فرمود تا هفتاد باع و فرموده هر باعی بقدر آنست که هر دو دست را بگشاید و در روایت صحیح
از محمد بن اسمعیل نقل نموده که حرمت قبر آن حضرت یک فرسخ است از چهار جانب قبر و از
ابی عبدالله ع مرویست که پنج فرسخ است از چهار جانب و توفیق میان دو حدیث آنست که
مراد از پنج فرسخ از چهار جانب باشد و یک فرسخ از عمق و در بعضی روایات بیست و پنج ذرع
و در بعضی هفتاد ذرع وارد است صاحب مصباح و جمع توفیق بین قرار داده نموده که محل
تربت تا پنج فرسخ است و افضل یک فرسخ است و اشرف از آن بیست و پنج ذرع و اشرف از آن
بیست ذرع است و العلم عند الله و اما خاک قبور سایر انبیا حرام است و احادیث جواز محمول بر تبرک است بدون
خوردن مثل طلا کردن و همچنین حفظ با خود داشتن و مانند آن و بسند معتبر از حارث بن مغیره

نقل است که گفت بخدمت حضرت صادق عرض کردم که من درد و بیماری بسیار دارم
و بهر دوائی که مداوا کرده ام نفع ندیده ام فرمود چرا غافلی از تربت حضرت امام حسین ع
که در آن شفای هر درد هست و ایمنی از هر خوفی و چون تربت را برداری بگو این دعا را
اللهم انی اسئلک بحق هذه الطینة و بحق الملک الذی اخذها و بحق النبی الذی
قبضها و بحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا
یعنی حاجتهای خود را طلبد حضرت فرمود ملکی که تربت را اخذ کرد جبرئیل بود که تربت
به پیغمبر نمود و گفت این تربت حسین پسر تست که بعد از تو او را شهید می کنند و پیغمبری که
اخذ نمود محمد بود و وصیی که در آن مدفون شد حسین بود راوی میگوید عرض کردم فدایت
شوم شفای هر درد را دانستم چگونه باعث ایمنی از هر خوف میگردد فرمود هرگاه از
پادشاهی یا غیر آن ترسی از خانه بیرون مرو مگر آنکه تربت آن حضرت با تو باشد پس بگو اللهم
انی اخذته من قبر ولیک وابن ولیک فاجعله لی امنا و حرزا لما اخاف و ما لا اخاف
زیرا که گاه هست که بر آدمی بلای چند وارد می شود که خوف آنها را ندارد و حارث گفت که
چنانچه حضرت فرمود من تربت را اخذ کردم و شفای درد من و امان از هر خوف گردید
از ابو حمزه ثمالی منقولست که حضرت صادق ع فرمود که وقتی که تربت را خواهی بخوری
اول ببوس و بهر دو دیده بگذار و زیاده از نخود مخور و بگو بسم الله و بالله اللهم رب
هذه التربة المبارکة الطاهرة و رب النور الذی انزل فیه و رب الجسد الذی
سکن فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله شفاء من داء کذا و کذا و بجای کذا
نام آن آزاری که دارد ببرد پس تربت را بخورد و یک جرعه آب بعد از آن بخورد و بگوید
اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء و سقم چون چنین کنی خدا
دفع می نماید آنچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه و از حضرت صاحب الامر ع
مرویست که از برای هر کوفتی باید غار را در ظرف چینی با تربت حسین ع و آب زمزم بشوید
و بنویسد و بخورد که انشاء الله شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله دواء
والحمد لله شفاء و لا اله الا الله کفاء و هو الشافی شفاء و هو الکافی کفاء
اذهب الباس برب الناس شفاء لا یغادره سقما و صلی الله علی محمد و آله النجباء
و در روایت دیگر آمده است که با گلاب بنویسد و در روایت دیگر با آب نیسان اما دو

اما ادویه در حدیث است که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی ع عرض کرد که در همسایگی ما
شخصی را عقرب گزیده است و بیم آنست که هلاک شود فرمود که بخورانید باو
دوای جامع را که از حضرت امام رضا ع بما رسیده است پس فرمود که سنبل و زعفران
و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بزر البنج و فلفل سفید همه مساوی یکدیگر و فرفیون
برابر هر یک از آنها بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون کنند و بعسلی که کفش را گرفته باشند
خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یک حب از آن با آب حلتیت بخورانند
که در ساعت شفا می یابد و از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که از برای فالج
و لقوه یک حب از آن با آب مرزنجوش در بینی می چکانند و از حضرت امام محمد تقی ع نقل
کرده است که از برای سردی معده و خفقان قلب نافع است که یک حب از آن با آب زیره
پخته باشند بخورند و برای زار بیر یک حب از آن با آب سرد و اندکی سرکه بخورند و برای
درد پهلوی راست یک حب از آن با آب زیره پخته بخورند و در حدیث دیگر از حضرت امام
منقولست که از برای درد پهلوی چپ یک حب از آن با آب مرزنگوش پخته باشند بخورند
و در حدیث دیگر فرمود که از برای اسهال یک حب از آن با آب مورد پخته بخورند و از حضرت
رسول ص منقولست که اگر مردم بدانند که در سیاه دانه چه منفعتهاست هر آینه قیمت هر مثقالی
مثقال طلا شود و بدرستی که امان میبخشد از بهق و برص و خوره و دیوانگی و فالج و لقوه
و اگر با مویز سرخ بیدانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه همه اجزا مساوی بعسل
آورند و هر روز ناشتا بقدر یک درهم بخورند و در هنگام خواب نیز همین قدر بخورند این
فواید می بخشد و بهترین دواها است دیگر مرویست که از مغز خیار شنبر پاک کرده یک رطل
بگیرند و در میان یک رطل آب یک شبانه روز بخیسانند پس صاف کنند و یک رطل
عسل صافی و یک رطل آب یک شبانه روز و چهل مثقال روغن گل سرخ ممزوج کرده اند
و با آتش نرم بقوام آورند و از روی آتش بردارند و بگذارند تا سرد شود پس دار فلفل و فلفل
و قرفه و قرنفل و قاقله و زنجبیل و دارچینی و جوز بوا از هر یک یک مثقال گرفته و کوفته و بیخته
در آنکه سابق مذکور شد ممزوج کنند و در سبوی سبزی یا شیشه بکنند و در وقت حاجت
در سه روز دو مثقال از آن ناشتا بخورند از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد سعال و قی و
تب و ترکیدن دست و پا و زحیر و درد شکم و درد جگر و حرارت سر و یرقان و منهای

شدید و درد مثانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما و ماهی و سبزیها پرهیز
کند و غذا اش اماج باشد با روغن کنجد دیگر راوی نقل کرده که از هلیله سیاه و زرد
و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک و زنیان و خشخاش سرخ
و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از اسلک و قاقله و سنبل و شقاقل و چوب بلبان و سلیخه
مقشر و نمک رومی و عاقرقرحا و دارچینی از هر یک دو مثقال مجموع دواها را باید بکوبند
و بیزند و سقمونیا را جدا بکوبند و بیزند و هشتاد و پنج مثقال شکر طبرزد در آب
پاتیل کنند و قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن اجزا را با آنها معجون سازند و در وقت
حاجت دو مثقال از آن را ناشتا و دو مثقال را در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت
جماع و سرد را از مفاصل بدر میبرد و فایده میبخشد برای درد تهیگاه و بادهای شکم و درد
مفاصل و سلس البول و طپیدن دل و تواتر نفس و استلای معده و کرم معده و دل را جلا
میدهد و اشتهای طعام می‌آورد و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و
غلبه تشنگی را می برد و بروایت دیگر تب لرز و دردهای کهنه و درد سر و بینی
نافع است معجون سیر روزی فرعون بنی اسرائیل را ضیافت کرد و زهر در طعام ایشان داخل
کرد که ایشان را هلاک کند حق تعالی این دوا را بحضرت موسی ع فرستاد و چون خوردند
آن زهر با ایشان اثری نرسید جبرئیل گفت که قدری سیر مقشر بگیر و بشکن و نرم بکوب و در
پاتیل و از روغن گاو آنقدر بر آن بریز که بپوشاند آن را و آتش نرم آنقدر در زیر
پاتیل بنه و بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورند و از روغن چیزی نماند پس همان
مقدار شیر گاو تازه در پاتیل بر آن بریز و آتش نرم آنقدر برافروز که از آن شیر هم چیزی نماند پس
همان مقدار عسل مصفی که موم آن را گرفته باشند در پاتیل بریز و آنقدر آتش بسوزان که آن را
هم بخورد پس از سیاه دانه ده درم و از فلفل و مرزنگوش هر یک پنج درم بگیرد و نرم بکوبد و در پاتیل
بریزد بر هم زند تا مخلوط شود با آن سیر پس ظرفی را بگیر و اندرون او را بروغن گاو چرب کن
و این دوا را در آن بریزد و سر آن را محکم کن و در میان جو یا خاک چهل روز پنهان کن و هر چند کهنه تر شود
نیکوتر شود و فرمود که نافع است برای دفع لقوه کهنه و تازه و درد سر کهنه و تازه و کسی را
که سرما زده باشد و برای الم چشم و درد پا و ضعف معده و صرع و غش اطفال و ترسیدن زنان
در خواب و زرداب و خون و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرمود که چون کسیا

بکیاه بر این دوا بگذارد برای درد دندان و امراض بلغمی بقدر نخودی ناشتا بخورد و
چون دو ماه بر آن بگذرد برای تب لرز و آزارهای چشم نافع است و چون سه ماه بر آن بگذرد
برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضهای سفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چهار ماه
بر آن بگذرد برای تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بر آن بگذرد کسی که درد سر
داشته باشد بقدر نیم عدس از این دوا با روغن بنفشه ممزوج کرده باید در بینی بچکاند
از آن جانبی که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بر آن بگذرد برای دفع بادی
که در گوش بهم میرسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکانند
در اول روز بهنگام خواب و چون هشت ماه بگذرد از آن با آب خوردن برای دفع خره
نافع است و چون نه ماه بگذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان گفتن در خواب
و ترس و بیم باید که با روغن تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود
و چون ده ماه بگذرد برای غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اختلاط عقل بقدر یک عدس با آب گرم
بخورند و برای سفیدی چشم ناشتا و وقت خواب بخورند و چون یازده ماه بگذرد از برای دفع
که این کس را ترس و وسواس می گذارد بقدر یک نخود با روغن گل سرخ ناشتا و بقدر یک نخود
بیروغن در هنگام خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد از برای فالج کهنه و تازه با آب
مرزنگوش بقدر یک نخود بخورد با روغن و نمک بر پا بمالد در وقت خواب و از سرکه و شیر و ماست
و سبزیها اجتناب نماید و چون سیزده ماه بگذرد بقدر یک نخود از آن با آب سداب حل کند
و در اول شب نافع است برای درد اندرون و خندیدن بی سبب و مالیدن بازی کردن و چون
چهارده ماه بر آن بگذرد برای دفع ضرر زهرها نافع است و اگر زهری با او خورانیده باشند
تخم بادنجان را بکوبند و بجوشانند و صاف کنند و باید نخود از این در آن بخورند و آب گرم
از عقبش بخورند تا سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بر آن بگذرد برای دفع سحر و بادها
نافع است و چون شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس از آن با آب باران تازه حل کرده در بینی
کسی بکنند که بینائیش کم شده باشد در بامداد و شام و در وقت خواب تا چهار روز و اگر بهتر
نشود تا هفت روز و چون هفده ماه بر آن بگذرد برای دفع خره یک گلوله از آن با روغن یا شیر
ماده گاو ناشتا و در وقت خواب بخورند و بقدر یک حبه از آن بمالند و انگبین را با روغن
زیت با روغن گل سرخ در بینی بچکانند در آخر روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد برای دفع

شدید و درد مثانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما و ماهی و سبزیها پرهیز
کنند و غذا آش ماج باشد با روغن کنجد دیگر راوی نقل کرده که از هلیله سیاه و زرد
و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک و زنیان و خشخاش سرخ
و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از اسارون و قاقله و سنبل و شقاقل و چوب بلسان و سلیخه
و مصطکی و نمک رومی و عاقرقرحا و دارچینی از هر یک دو مثقال مجموع دواها را باید که
بکوبند و بیزند و سقمونیا را جدا بکوبند و بیزند و هشتاد و پنج مثقال شکر طبرزد در آب
با تیل حل کنند و قدری از عسل بزدران بریزند و آن اجزا را با آنها معجون سازند و در وقت
حاجت دو مثقال از آن ناشتا و دو مثقال را در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت
جماع و سردی را از مفاصل بدن ببرد و فایده می بخشد برای درد تهیگاه و بادهای شکم و درد
مفاصل و سلس البول و طپیدن دل و تواتر نفس و امتلای معده و کرم معده و دل را
میدهد و اشتهای طعام می آورد و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و
غلبه تشنگی را می برد و بروایت دیگر تب لرزه و دردهای کهنه و درد سر و بینی نافع
است معجون سیر روزی فرعون بنی اسرائیل را ضیافت کرد و زهر در طعام ایشان داخل
کرد که ایشان را هلاک کند حق تعالی این دوا را بحضرت موسی فرستاد و چون خوردند
آن زهر با ایشان اثر نکرد جبرئیل گفت که قدری سیر مقشر بگیرند و بشکنند و نرم بکوبند و در
باتیل و از روغن گاو انقدر بر آن سیرها بریزند که بپوشاند تمام آنها را و آتش نرم انقدر بدهند که
باتیل بندازند و بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورند و از روغن چیزی نماند پس همان
مقدار شیر گاو تازه زاییده بر آن بریزد و آتش نرم انقدر بدهد که از آن شیر هم چیزی نماند پس
همان مقدار عسل منقی که موم آن گرفته باشند در باتیل بریزد و انقدر آتش بسوزان که از آن
هم بخورد پس از سیاه دانه ده درم و از فلفل و مرزنگوش هر یک پنج درم بگیرد و نرم بکوبد و در باتیل
بریزد بر هم زند تا اخلاط شود با آن سیر پس ظرفی بگیرد و اندرون او را بروغن گاو چرب کند
و این دوا را در آن بریزد و در میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کند و هر چند کهنه تر شود
نیکوتر میشود و فرمود که نافع است برای دفع لقوه کهنه و تازه و درد سر کهنه و تازه و کسی را
که سرما زده باشد و برای سل چشم و درد پا و ضعف معده و صرع و غش اطفال و ترسیدن زنان
در خواب و زرد آب و خون و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرمود که چون کسی

یکماه بر این دوا بگذرد برای درد دندان و امراض بلغمی بقدر نخودی ناشتا بخورد و
چون دو ماه بر آن بگذرد برای تب لرزه و آزارهای چشم نافع است و چون سه ماه بر آن بگذرد
برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضهای صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چهار ماه
بر آن بگذرد برای تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بر آن بگذرد کسی که درد سر
داشته باشد بقدر نیم عدس از این دوا با روغن بنفشه ممزوج کرده در بینی بچکانند
از آن جانبی که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بر آن بگذرد برای دفع بادی
که در گوش بهم میرسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکانند
در اول روز و هنگام خواب و چون هشت ماه بگذرد از آن با آب خوردن برای دفع خره
نافع است و چون نه ماه بگذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان گفتن در خواب
و وسواس و بیم باید که با روغن تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود
و چون ده ماه بگذرد برای غلبه صفرا و سودای اندرونی و اختلاط عقل بقدر یک عدس با آب گرم
بخورند و برای سفیدی چشم ناشتا و وقت خواب بخورند و چون یازده ماه بگذرد از برای دفع
که این کس را ترس و وسواس می اندازد بقدر یک نخود با روغن گل سرخ ناشتا و بقدر یک نخود
بروغن در هنگام خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد از برای فالج کهنه و تازه با آب
مرزنگوش بقدر یک نخود بخورد با روغن و نمک بر پا بمالد در وقت خواب و از ترشی و شیر و ماست
و سبزیها اجتناب نماید و چون سیزده ماه بگذارد بقدر یک نخود از آن با آب حل کند
و در اول شب نافع است برای درد دل و دندان و خندیدن بی سبب و بازی کردن و چون
چهارده ماه بر آن بگذرد برای دفع ضرر زهرها نافع است و اگر زهری با او خورانیده باشند
تخم بادنجان را بکوبند و بجوشانند و صاف کنند و باید بخورد از این دوا بخورند و آب تخم
از عقبش بخورند تا سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بر آن بگذرد برای دفع سحر و جادو
نافع است و چون شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس آن را با آب باران تازه حل کرده و بینی
کسی بچکانند که بینائیش کم شده باشد در بامداد و شام و در وقت خواب تا چهار روز و اگر بهتر
نشود تا هفت روز و چون هفده ماه بر آن بگذرد برای دفع خره یک گلوله از آن با روغن بادام
ماده گاو ناشتا و در وقت خواب بخورند و بقدر یک حبه از آن بمالند و اندکی از آن با روغن
زیت با روغن گل سرخ در بینی بچکانند در اول روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد برای دفع بهق

این موضع را بسوزن بزنند که خون در آید بقدر یک نخود بادام تلخ یا روغن صنوبر
بجوشانند و اندکی را در بینی بچکانند و با نمک بر آن موضع بمالند و چون نوزده ماه بگذرد
اگر آب شیرین را گرفته با قدری پیه دانه حوار حنظل و یک نخود از این دوا ناشتا بخورند
برای دفع سهو و فراموشی و بادام سوخته و سنگ معده نافع است و چون بیست ماه بگذرد بقدر
بلعدس از آن گرفته با آب کندر حل کنند برای سنگینی گوش در گوش بچکانند و اندکی بر کله
سر بر بزنند و از برای الحب من برسام بالا نادرش نافع است و ایضا درد و حدیث دیگر
مرویست از حضرت صادق ع که اصل این دوا را جبرئیل برای حضرت رسول ص آورد و فرمود
که چهار رطل از شیر تازه بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل شیر گاو بر آن بریزند و بجوشانند تا
کم شیر بماند باز چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند و آن قدر بجوشانند که روغن بماند پس
بقدر ده درهم بابونه بر آن بپاشند و هم بزنند تا خوب بقوام آید و در کوزه کرده سر آن را
ببندند و در میان جو یا خاک پاک پنهان کنند در مدت ایام تابستان و زمستان بیرون آورند
و در پاتیل بقدر یک گردکان بخورند برای هر دو نافع است دیگر در حدیث معتبر روایت شده
که اسمعیل بن الفضیل شکایت کرد بحضرت صادق ع از قراقر بعد از آنکه چیزی هضم نمیشود
حضرت فرمود که چرا نمیگیری آن نبیذی که ما میخوریم و باعث هضم طعام میشود و قراقر و
بادهای شکم را دفع میکند پس فرمود که بگیر یک صاع از مویز و دانه اش را بیرون کن و پاک
بشوی و در ظرفی کن و آنقدر آب بر آن بریز که همه را بپوشاند و در زمستان سه شبانه روز
و در تابستان یک شبانه روز پس صاف کن و آب صاف شده را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که
دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آن قدر شود
که بقدر عسل بجوش شده بود پس زنجبیل و خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل و مصطکی را
بگیر و همه را بکوب و در دیگ بینداز که چند جوشی بزند پس دیگ را پایین بگذار تا سرد شود و
صاف کن و هر صبح و پسین قدری از آن بخور راوی گفت که چنان کردم و آزارم برطرف شد

فصل در معالجه اقسام تبها از ادعیه و ادویه اما ادعیه در روایات معتبره وارد شده
که حضرت رسول ص را تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این عوذه را برای آنحضرت خواند
و در ساعت تب زایل شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعنیک
بسم الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع

بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله دیگر حضرت صادق ع فرمود که بند عبای برادر مومن خود را
بگشا و سر او را در گریبان برادر مومن داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان
دیگر در سفینة النجاة از کفعمی نقل فرموده که برای دفع تب بر سه پاره کاغذ باید نوشت در اول
بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی و در دوم بعد بسمله لا تخف نجوت
من القوم الظالمین و در سیم بعد بسمله الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین بعد
از آن بر هر پاره سه بار قل هو الله احد باید خواند و بصاحب تب داد که هر روز یکی را فرو برد
ایضا دعا از برای تب بر سه پاره قند بنویسد و بصاحب تب دهد که هر روز یکی را بخورد بر پاره
اول عقدت باذن الله و دوم شددت باذن الله و سیم سکنت باذن الله دیگر در مکارم
الاخلاق از حضرت امام جعفر صادق ع روایت شده که صاحب تب بخانه خلوتی برود و
دو رکعت نماز بکند و طرف راست روی خود را بر زمین گذارد و ده بار بگوید یا فاطمة بنت محمد
استشفع بک الی الله مما نزل بی و فیه دیگر خواندن سوره اخلاص است چه از امام جعفر
صادق ع روایت شده که چون مومنی را تبی عارض شود پس بخواند هزار بار سوره قل هو الله
احد را و بعد از آن ازالة تعلم شفاء طالبه بحق فاطمة آن تب زایل شود دیگر از همان
حضرت روایت شده که بصاحب تبی تعلیم نموده که آیة الکرسی را در ظرفی بنویسد و بخور آب
بشوید و بخورد تا تبش زایل شود دیگر در مکارم از همان حضرت مرویست که فرمود اول پنج
پیش از آنکه عرق بکوبی هفت نوبت سوره حمد بخوان اگر تب رفع نشد روز دیگر هفتاد بار
بخوان که من ضامنم شفای تو را دیگر دعای نور است که در فصل ادعیه صباح و مسا گذشت
دیگر مرویست که هر که آیة الکرسی را بنویسد و بر گردن محموم بندد تب زایل گردد و در کفعمی
مذکور است که هر که آیه سوره سجده را بنویسد و بر گردن تب دار بندد تب زایل گردد و
در التعلیم از امام جعفر صادق ع مرویست که هر که سوره تنزیل را بنویسد یا سوره حدید را
با خود داشته باشد از هر نوع تبی ایمن گردد دیگر برای دفع تب لرزه این آیات را باید نوشت و بصاحب
تب باید داد که با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ
لا یبغیان و جعل بینهما برزخا و حجرا محجورا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم
الا ان حزب الله هم الغالبون و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون
و ان جندنا لهم الغالبون دیگر مرویست از امام حسن عسکری ع بجهت دفع تب ربع که این

ابد را بنویسید و بر او بیاویزید یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم و در روایت دیگر برای
دفع تب ربع کر این ابرزا بر کاغذی براستخوان بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر
جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی و بالحق انزلناه باسم فلان بن فلان و نام او و پدر او بنویسد
بسم الله و بالله و من الله و الی الله و لا غالب الا الله و برای تب غب در مکارم الاخلاق
نوشته که بر سه برگ درخت توت نام صاحب تب غب در برگ اول باید نوشت طلبوها
و بر دوم اوجبوها و بر سیم ابراسوها دیگر بگیرد و آب باید انداخت و بروایتی کلمات چنین است
حوینا اوحوما ابرحوما و در بعضی روایات کلمات چنین است حوما طلبوما ابرحوما
دیگر در کفعمی از حضرت معصوم روایت شده که بحضرت امیر المومنین تعلیم نموده از برای
رفع تب آنحضرت خواند و در همان ساعت شفا یافت و آن اینست اللهم ارحم جلدی الرقیق
و عظمی الدقیق و اعوذ بک من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت امنت فلا تاکلی
اللحم و لا تشربی الدم و لا تفوری من الفم و انتقلی الی من یزعم ان مع الله الها آخر
فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله صلی الله
علیه و آله اما ادویه در احادیث بسیار وارد شده است که مداووا حمیکم بسکر
ریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و در حدیث دیگر است که مقدار ده درهم قند با آب
ناشتا خوردن برای دفع تب نافع است و در حدیث دیگر خوردن سنجد وارد شده و در حدیث
دیگر است که بنکنند گرمی تب را بر پنجشنبه آب سرد و در تابستان بر بدن صاحب تب بریزند
کباب نیز دفع تب میکند اینها بر بجرا باید شست و اندکی بر روی آتش بو داده و در آسیا خورد
کرده و پاره زعفران کرده و پاره را در میان آب کرده و خورد که رفع شد و حضرت امام محمد
باقر فرمود که علاج تب بسه چیز می باشد قی و عرق و مسهل و برای تب ربع نبات با قند
سائیده در میان آب باید ریخت و ناشتا و وقت تشنگی باید خورد و بروایتی در روز تب
آلوده عسل که از زعفران بسیار داشته باشد باید خورد و در آن روز چیز دیگر نباید خورد
و از برای تب غب کشند عسل و سیاه دانه را هم ممزوج ساخته سه انگشت از آن باید خورد
که مرد معنا رکت فصل در ادعیه و اعمالی که باعث دفع انواع دردهاست در رفع
از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که دست بر موضع درد باید گذاشت و سه بار

وسه بار باید گفت الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة
ففرجها عنی دیگر از همان حضرت روایت شده که از برای درد رگی باید گفت بسم الله
و بالله کم من نعمة لله فی عرق ساکن علی عبد شاکر و غیر شاکر و بعد از نماز واجب دست بر
خود ابدست بر است خود باید گرفت و سه بار باید گفت اللهم فرج عنی کربتی و عجل
عافیتی و اکشف ضری و سعی باید نمود که این عمل و دعا با اشها و کریه باشد دیگر از همان حضرت
روایت شده که از برای ساکن شدن درد بسم الله باید گفت و بعد از آن دست بر موضع
درد باید مالید و هفت بار باید گفت اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ
بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله
من شر ما اخاف علی نفسی دیگر آنکه دست راست خود را بر موضع درد باید نهاد و سه
مرتبه باید خواند بسم الله و بالله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد دیگر آنکه برای ساکن شدن
درد بر حال سجود باید گفت یا الله یا رحمن یا رب الارباب یا اله الالهة و یا ملک الملوک
و یا سید السادات اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی عبدک اتقلب فی قبضتک
دیگر از امام جعفر صادق روایت شده که از برای ساکن شدن درد چون از نماز فارغ
شوی دست خود را بر موضع سجود گذارد و بگو بسم الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
اشفنی یا شافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقما شفاء من کل داء و سقم دیگر
آنچه از همان حضرت روایت شده که دست خود را بر موضع درد باید گذاشت و سه بار
باید گفت اللهم انی اسئلک بحق القرآن العظیم الذی نزل به الروح الامین و هو عندک
فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و تداوینی بدوائک و تعافینی من بلائک
و بعد از صلوات بر محمد و آل محمد باید فرستاد در معالجه درد سر و شقیقه و زکام
و صرع و اختلال دماغ و وسواس از ادعیه و ادویه اما ادعیه از حضرت امام علی نقی
منقولست که از برای درد سر این آیه را باید خواند اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض
کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون دیگر از برای درد سر در
مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که دست بر موضع درد گذارد و
بار بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البحر و البر و ما فی السموات و ما فی الارض

وهو السمیع العلیم دیگر از امام حسن عسکری منقولست که از برای دفع درد سر این کلمات را
بر کاغذی باید نوشت و آن را بر سر باید بست اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون دیگر این حرز را
بنویسد و بر کلاه بدوزد که نجاشی پادشاه حبشه از حضرت پیغمبر درد سر طلب نموده بود
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الحق المبین شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله فان الله
سریع الحساب لله نور وحکمة وعزة وقوة وبرهان وقدرة وسلطان ورحمة یا من
لا ینام لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله
عیسی روح الله وکلمته لا اله الا الله محمد رسول الله وصفیه وصفوته صلی الله
علیه وآله وسلم علیهم اجمعین اسکن سکنتک بما سکن له ما فی السموات وما فی الارض
ومن یسکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم رخا خبث اصحاب والشیاطین
الا الی الله تصیر الامور برحمتک یا ارحم الراحمین و در خواص السور چنین است که چون
سورة القلم را بنویسد و با خود دارد درد سر زایل شود دیگر چون سورة التکاثر را بر درد سر
بخوانی درد سر زایل گردد دیگر برای درد نیم سر در مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق ع
روایت شده که دست بر طرفی که درد دارد گذارد و سه بار بگوید یا ظاهرا موجودا ویا
باطنا غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف ایادیک الجمیلة عنده واذهب عنه
ما به من اذی انک رحیم قدیر و جهة درد شقیقه در مکارم از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت شده که باید این آیات را صاحب درد بخواند ولو ان قرآنا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات
یتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء
وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین علاج هر که
سر را با روغن بنفشه بادام بر گوش طلا کند درد سر را دفع کند ایضا سند تلخ سائیده
در میان طلا کند نافع باشد ایضا آب لیمو را داخل قهوه کرده بخورد نافع بود ایضا زیاد

تریاک را بر پیشانی و شقیقها بمالد نفع بخشد ایضا پوست نارنج را با سرکه سائیده بر
پیشانی و شقیقها مالد نفع عظیم بخشد ایضا عنب الثعلب را در آفتاب خشک نموده
بکوبد و قرصها بسازد جهت هر نوع درد سری که باشد یا درد دندان و شقیقه و هزار
سائیده بمالد شفا یابد ایضا تخم کاهو را کوفته با گلاب سرشته بر پیشانی طلا کند نافع
ایضا آب کشنیز را در گوش چکانند نافع بود و برای صرع از حضرت امیر المؤمنین ع روایت شد
که این دعا را بر او بخوانند وعزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی بن ابیطالب
ورسول الله صلی الله علیه وآله علی جن وادی الصفراء فاجابوا واطاعوا لما اجبت
واطعت وخرجت عن فلان بن فلان و نام آنکس را باید برد و در مصباح کفعمی از حضرت امام
روایت شده که بر قدح آبی فاتحه و معوذتین باید خواند و بر آن قدح باید دمید و آن آب را
بر سر و روی صاحب صرع باید ریخت و در خواص السور چنین است که چون سوره هود را بنویسد
و بر صاحب صرع یا ترسناک بندد صرعش و ترسش زایل شود ایضا چون سوره الروم را
بنویسد و بشوید و آن آب را بر مصروع بپاشند صرعش زایل شود ایضا چون سوره الرعد را
بنویسند مصروع با خود دارد صرعش زایل شود ایضا چون سوره التحریم را بر مصروع خوانند
صرعش زایل شود ایضا چون سوره الفیل را بر گوش مصروع بخوانند بهوش آید و برای خلل
دماغ هر شب در هنگام خواب باید بخواند بسم الله آمنت بالله وکفرت بالطاغوت
اللهم احفظنی فی منامی وفی یقظتی اعوذ بعزة الله وجلاله مما اجد واحذر و برای
دفع وسواس در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق ع روایت شده که از برای دفع وسواس
دست را بر سینه و شکم باید مالید و سه بار باید گفت بسم الله وبالله محمد رسول الله
صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما احذر
و برای دفع نسیان و ازدیاد حافظه در تهذیب شیخ طوسی چنین است که چون کسی خواهد
که حفظ قرآن و علوم کند باید که در شب جمعه چهار رکعت نماز کند در رکعت اول فاتحه
یکبار و سوره یس یکبار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و سوره دخان یکبار و در رکعت سوم فاتحه
یکبار و سوره لقمان یکبار و در رکعت چهارم فاتحه یکبار و سوره الملک یکبار و چون سلام دهد بعد
حمد و ثنای الله تعالی بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم صلوات فرستد و از برای
مؤمنان استغفار کند و بعد از آن بگوید اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی وارحمنی

من ان اتكلف ما لا يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني اللهم بديع السموات
والارض ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا ترام اسئلك يا الله يا رحمن بجلالك
وبنور وجهك ان تلزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني وارزقني ان اتلوه على النحو
الذي يرضيك واسئلك ان تنور بكتابك بصري وتطلق به لساني وتفرج به
قلبي وتشرح به صدري وتستعمل به بدني وتقويني على ذلك وتعينني عليه فانه لا
يعين على الخير غيرك ولا يوفق له الا انت ايضا دران كتاب از پيغمبر صلى الله عليه وآله
روايت شده كه هركه خواسته باشد كه الله تعالى او را حافظ قرآن وعالم بمعنى قرآن كند
بايد كه بنويسد اين دعا را كه سابقا مذكور شد در ظرفي پاكيزه بعسل سفيد تازه بعد از ان
بشويد آنرا باب باران پيش از آنكه بزمين رسيده باشد و بياشامد آنرا سه روز ناشتا
چهل روز پس كه حافظ مي شود انچه را كه مذكور شد انشاء الله و اين دعا با اندك اختلافي در مصباح
كفعمي مذكور است و در انجا چنين است كه آنرا با عسل سفيد تازه و زعفران نويسد و اين
عمل را در سه روز بجا آورد و ايضا دران كتاب از پيغمبر روايت شده كه بحضرت امير المومنين
فرموده كه تعليم ميكنم تو را دعائي براي آنكه فراموش نكني قرآن را بگو اللهم ارحمني بترك معاصيك
ابدا ما ابقيتني وارحمني من ان اتكلف ما لا يعنيني وارزقني حسن المنظر فيما يرضيك عني
والزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني وارزقني ان اتلوه على النحو الذي يرضيك عني
اللهم نور بكتابك بصري واشرح به صدري وفرح به قلبي واطلق به لساني
واستعمل به بدني وقوني على ذلك واعني عليه انه لا معين عليه الا انت لا اله
الا انت ايضا در عدة الداعي چنين است كه حضرت امير المومنين علي بن ابي طالب فرمود
كه چون خواهي كه حفظ كني هر چيز را كه بشنوي بعد از هر نماز اين دعا بخوان سبحان
من لا يعتدي على اهل مملكته سبحان من لا ياخذ اهل الارض بالوان العذاب
سبحان الرءوف الرحيم اللهم اجعل في قلبي نورا وبصرا وعلما انك على كل شيء
قدير و در خواص القرآن چنين است كه چون سوره حشر را در جامي كه از شيشه باشد بگلاب
و آب باران بشويد و بنوشد صاحب حافظه شود و چون سوره المدثر را اكثر اوقات
بخواند و در وقت تمام از الله تعالى قوه حافظه قرآن مسئلت نمايد الله تعالى اينها را صاحب
حافظه قرآن كند ايضا چون اين آيات را بنويسد و بخود بندد باعث كمي نسيان شود واين

وآيات بينات ولا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم
فيه ورزق ربك خير وابقى وامر اهلك بالصلوة واصطبر عليها لا نسئلك رزقا
نحن نرزقك والعاقبة للتقوى ايضا چون كسي اين آيات را چهل بار در آب باران بخواند خالص
و آن آب را طعامي بپزد و بشاگردان بخوراند ايشان همه فصيح و فهيم شوند و آيات اين است
بسم الله الرحمن الرحيم الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور
باذن ربهم الى صراط العزيز الحميد الله الذي له ما في السموات وما في الارض
وويل للكافرين من عذاب شديد الذين يستحبون الحيوة الدنيا على الاخرة ويصدون
عن سبيل الله ويبغونها عوجا اولئك في ضلال بعيد وما ارسلنا من رسول الا بلسان
قومه ليبين لهم فيضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وهو العزيز الحكيم ديگر
چنين است كه از براي زياد شدن حفظ هر روز بعد از نماز صبح پيش از آنكه حرف بزني
بگو يا حي يا قيوم فلا يفوت شيئا علمه ولا يؤوده چه باعث اين است كه حفظ زياد
و نسيان كم شود ايضا دران كتاب است كه چون كسي كثير النسيان باشد بايد كه بعد از
نماز صبح بگويد ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته
على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين اللهم لا تنسني ما اقرأ في هذا اليوم فانك قلت
سنقرئك فلا تنسى ايضا دران كتاب است كه از براي زندگي دل هر روز بايد گفت يا حي
يا قيوم يا لا اله الا انت اسئلك ان تحيي قلبي اللهم صل على محمد وآل محمد ايضا دران كتاب
از امام جعفر صادق روايت شده كه چون نقل كني گفتگوي ما را و در اثناي نقل شيطان
چيزي از يادت ببرد بخواطرت [illegible] بگو صلى الله على محمد وآل محمد اللهم اني اسئلك يا مذكر
الخير والامر به ذكرني ما انسانيه الشيطان چه الله تعالى بخاطرت خواهد رسانيد اگر خواهد
ايضا دران كتاب است كه چون كسي كثير التهوع در نماز باشد بايد كه چون داخل خلا شود
بگويد بسم الله وبالله اعوذ بالله من الرجس الخبيث المخبث الشيطان الرجيم ايضا دران
كتاب است كه كثير التهوع در نماز بايد كه انگشت شهادت دست راست را سجود در ابرو راست
فرو برد و در اثناي شروع در نماز در حالي كه ميكند باشد بسم الله وبالله توكلت على الله و
اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم ديگر از جمله چيزهائي كه باعث قوت حافظه

روزه داشتن وقران خواندن وسوال کردن وآیة الکرسی خواندن است وچیزهائی که باعث
نسیانست خواندن لوح قبر وخوردن سیب ترش وخوردن کشنیز سبز وبول کردن در آب
ایستاده وخوردن پنیر خوش بوش است اما ادویه از حضرت رسول منقولست که برای درد
سر روغن کنیز را در بینی بچکانند ایضا حضرت صادق فرمود که بحمام برو وپیش از آنکه
داخل حمام شوی هفت جام آب بر سر بریز ودر هر مرتبه بسم الله بگو وبعضی حکایت کرده که بخدمت
امام رضا که سردرد عظیم در سر خودی یا پهلوی که اگر باد در آن بود بهم آنست که غسل کنم
فرمود که روغن عنبر وروغن زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان ایضا چون شکر و...
راز بر دماغ دود کنند زکام او برطرف شود ایضا برای زکام پنبه را بروغن بنفشه آلوده کند
ودر وقت خواب بر مقعد گذارد ایضا یک دانه سیاه دانه وسیم دانه کندر زانو بگویند که در
دماغ بکشند که زکام را برطرف میکند ودر چند حدیث است که زکام را علاج نباید کرد در
حدیث دیگر فرمود که زکام لشکری از لشکرهای خداست خدا میفرستد که دردهای بدن را
برطرف کند ودر کفعمی مذکور است که هر که سوره بلد را بخواند بر چیزی وآن را باکند هر
آزار که در خیشوم داشته باشد برطرف شود دوای نافع بخصوص درد دندان ودرد گوش
مجربست بنفشه وعنب الثعلب وپوست خشخاش وتخم کاهو وتخم کشنیز خشک لعزار اشاق...
کوبیده بجوشانند در ظرفی که سر او پوشیده باشد جامه دوسی بر سر انداخته سر ظرف را بردارند
تا بخار آن بگوش ودندان رسد برفته عرق نماید بعد از آن پرهیز کند که هوا نخورد ودو باب...
نماید بعد از آن دو سه نوبت چنین نماید دفع نزله شود حب نزله تخم کاهو تخم بذر البنج خشخاش
ناسره صمغ عربی پوست بیخ لفاح هر یک یکمثقال زعفران دو دانگ تریاک یکمثقال تریاک را با آب
عربی در گلاب حنا سایده تا حل شود اجزا را کوفته وبیخته با آن بسرشند وحب سازند بقدر نخود
واز سه تا پنج بخورند نافع بود ... دو سه جهت امراض سر وگلو از ادعیه وادویه اما ادعیه
در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر گاه چشم کسی آزرده باشد باید که آیة الکرسی
بخواند باعتقاد درست که البته شفا می یابد ایضا حضرت رسول برای درد چشم ابو عمار منقول است
که بخواند اللهم متعنی بسمعی وبصری واجعلهما الوارثین منی وانصرنی علی من ظلمنی
وأرنی ... ایضا در طب الائمه روایت کرده که برای ضعف چشم ... بخواند احد نور
بصری بنور الله الذی لا یطفأ ودست بر چشم باید مالید وبعد از آن آیة الکرسی باید خواند

خواند ودر خواص الاسماء چنین است که چون الشکور را بر اجمل بار برای بخواند وچشم رمد دار کشد
آن شوئی رمدش به شود ایضا چون الحی را نوزده بار برای بخوانی وچشم رمد دار را بآن شوئی
رمدش به شود ودر خواص السور چنین است که چون سوره فصلت را بنویسند وبر آب باران
بشویند وآن سرمه بسایند وآن سرمه را در چشم کشند رمد وسفیدی ودردهای چشم را نفع کند
ایضا هر که سوره قدر را بنویسد وبشوید وبخورد نور چشمش زیاده گردد ودرد او زایل
شود ایضا سوره الرحمن را هرگاه بنویسند وبا ... مرکبی که آزار چشم داشته باشد شفا یابد
ایضا چون سوره الرحمن را بنویسند وبر صاحب رمد بندند رمدش زایل شود ایضا چون سوره
کورت را بخوانی بر چشمها با عشوه ... شود درد چشم وسیم آن را زایل کند ایضا چون سوره
بینه را بنویسی وکسی که چشمش سفید وزرد باشد بر خود بندد سفیدی چشم زایل شود ایضا
چون سوره همزه را بر چشمی که درد کند بخوانی دردش زایل شود ایضا چون سوره قل هو الله احد
بر چشم رمد دار بخوانی رمدش زایل شود ودر مکارم الاخلاق چنین است که صاحب درد چشم
باید که دو رکعت نماز کند ودر هر رکعت یکبار فاتحه وسه بار قل یا ایها الکافرون بخواند وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا
حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین بخواند ایضا از برای محافظت
چشم از آفات هر روز باید گفت که فجعلناه سمیعا بصیرا ... چون این آیات را
بخواند وروی بشوید با آن آب شوئی چشمش از آفات سالم گردد فکشفنا عنک غطاءک فبصرک
الیوم حدید ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون ایضا این آیات
... نوشته ... در چشم باید کشید تا چشم از
آفات سالم شود وآیت این است الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح
المصباح فی زجاجة الزجاجة کأنها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء
ویضرب الله الامثال للناس والله بکل شیء علیم وایضا این آیات چنین است وان یکاد
الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر
للعالمین روایتست از محمد بن جعفی از پدرش که گفت مرا درد چشم بسیاری شد تا شکایت
کردم بامام جعفر صادق آن حضرت فرمود که خود دعائی تعلیم کنم که نفع کند در دنیای تو وآخرت

و دفع کند درد چشم نور این کتم الی کفت که بعد از نماز صبح و نماز شام بکو اللهم انی اسئلک
بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی
دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر
لک ما ابقیتنی و در روایت دیگر چنین است که این دعا را عقب نمازها خوان بعد از نماز صبح و پیش
از آنکه از مصلی برخیزی بیضا بینه را تر باید کرد و بر چشم باید نهاد و باید کفت عین الشمس
فی لجة البحر یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم ایضا از سلیمان بن عیسی روایت شده که
امام جعفر صادق ع را دیدم در روزی که درد چشم عظیمی داشت غمناک شدم و روز دیگر نزد
آن حضرت رفتم اثری از درد چشم نبود کفتم یا مولای من فدای تو کردم دیروز درد چشم عظیمی
در تو دیدم و غمناک شدم امروز اثری از آن نیست ای ابا معاذ الجزری کفت بلی تعویذ کردم آن را
بتعویذی که نزد من است کفتم یا حضرت خبر ده مرا آن پس نوشت این را که اعوذ بعزة الله و
اعوذ بقوة الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجلال الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بجمع الله اعوذ
برسول الله صلی الله علیه و آله علی ما اخاف و احذر علی عینی و اجد من وجع عینی اللهم
رب الطیبین فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید فنظر نظرة فی النجوم فقال انی
سقیم و صورکم فاحسن صورکم و رزقکم من الطیبات فتبارک الله رب العالمین
یا علی یا عظیم یا کبیر یا جلیل یا منیع یا فرد یا وتر یا رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا حلیم یا علی یا عظیم یا جلیل یا جمیل یا فرد یا
وتر اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد اسئلک ان لا تدعنی فی قبری فردا و انت خیر
الوارثین و ان کنت الا واحد الصلوة فی قبری بما رزقنی فی حاجته امین یا رب العالمین
ایضا در مکارم الاخلاق چنین است که ابو یوسف مصعب شکایت برده بسوی امیر المؤمنین ع
از شب کوری و از آن حضرت طلبید که در این باب چیزی با و تعلیم نماید آن حضرت فرمود که آ
یت را بار ربجاهی بنویس بعد از آن بشوی و در شیشه کن و با میل در چشم کن ابو یوسف
کفت که صد میل از آن نکشیده بودم که چشم صحیح شد بهتر از آنچه در اول بود و آیت این است الله
نور السموات و الارض تا آخر انچه مذکور شد در اعمال درد چشم علاج هر کاه قدری آب
تازه را آب خالص دخل نماید و آیه و جاءت کل نفس معها سائق و شهید لقد کنت فی
غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید را بر آن بخواند و قدری سرمه با توتیا

را بآن آب بشوید و در چشم کند از جمیع آزارها محفوظ ماند و بجهت خارش چشم و خرکی و
خشکی و سفیده تخم مرغ را برهم زنند ایفند بر کرفت کنند و از آن کف قطره در چشم چکانند که نفع عظیم
دارد ایضا هر کاه عرق جبین از نیشم هیمنه بر سر کذارد در چشم نرسد در خواص الاشیا مذکور است
که هر که زهره روباه را در چشم کند آب سیاه را برطرف کند و هر کاه زهره بز را خشک کند و بساید
و در چشم کشد هر که چشمش بپرد بیاید و هر که خون بلبل را در چشم کشد امنی که در چشم باشد دفع
کند و اکر کوشت زاغ بکیرد و خشک کند و بکوبد و با زعفران و عنبر بیامیزد و در چشم
کشد حرارت و ظلمتی که داشته باشد دفع کند و هر که لعاب تخم شاهتره را در چشم کشد
ابله را ببرد و هر که انار ترش را با سفیده آن بکوبد و در چشم کشد شب کوری ببرد و اکر را
موی زیاده در چشم بهم رسد موی زیاد را بکند و خون کبوتر یا خون الاغ یا خون خروس را در آن
موضع بچکاند دیکر موی بر نیاید اما درد کوش در مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق ع
روایت شده که دست بر کوش باید کذاشت و باید کفت لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی
لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان
الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی
السموات و الارض و هو العزیز الحکیم ایضا از آن حضرت روایت شده که دست بر موضع
درد باید کذاشت و هفت بار باید کفت اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر و البحر و ما
فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم و در مکارم الاخلاق چنین است که این آیه را
هفت بار با روغن یاسمین یا روغن بنفشه باید خواند و آن روغن را در کوش باید ریخت و آ
ین است کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه وقرا ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان
عنه مسئولا مرویست که هر که اسم سمیع را بنویسد و بروغن بکل محو کند و در کوش چکاند کری
که باشد دفع نماید از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که هر که سوره اعلی را در کوش صاحب
کوش بخواند شفا یابد و در جواهر القرآن کفته که هر کاه سوره فاتحه را در ظرفی نوشته آن را
بروغن محو نموده در کوش چکاند نفع بخشد و انار دوانیه رو با مرکه داخنه در کوش چکاند نفع
دهد ایضا مرکب تازه است را آب کرفته در کوش چکاند باد را نفع دهد ایضا آب برد باد

کوش درد

گوسفند بجوشانند و در گوش چکانند باد را نفع دهد ایضا هلهله را ذبح نموده با روغن یاسمین
بجوشانند و از آن روغن در گوش چکانند کری را دفع نماید ایضا روغن زیت را با الادن
بجوشانند و فتیله ساخته در گوش بگذارند کری را سود بخشد و اگر داخله سه قطره در گوش
چکانند همین اثر بخشد خون تر رو همین اثر را دارد زهره هدهد را هر گاه در گوش چکانند
هر چند که در گوش رفته باشد بکشد آنها را دفع رعاف در مصباح کفعمی چنین است که چون
این آیات را بر پیشانی صاحب رعاف نویسد خون بسته شود و آیات این است إِنَّ الَّذِي فَرَضَ
عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَقِيلَ
يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ
وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ و ایضا
در مکارم الاخلاق چنین است که از برای ساکن رعاف این آیه را باید نوشت و باید خواند تعالی
که بینی مرعوف را گرفته باشی یا من حبس الفیل من بیتک الحرام اسکن دم فلان بن فلان درد دندان
ادویه را وابیح باید ریخت تا ساکن شود ان شاء الله درد دندان در مصباح کفعمی از حضرت
امام جعفر صادق روایت شده که دست بر دهن باید گذاشت و باید گفت بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ بکلمات الله التی لا یضر معها شیء قدوس قدوس
قدوس اسئلک یا رب باسمک الطاهر المقدس المبارک الذی من سئلک به اعطیته
و من دعاک به اجبته اسئلک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد و اهل بیته و ان
تعافینی مما اجد فی فمی و فی راسی و فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی یدی
و فی رجلی و فی جوارحی کلها درد دندان در مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق
روایت شده که دست بر آن باید گذاشت و هر یک از فاتحه و قل هو الله احد و انا انزلناه یکبار
باید خواند و بعد از آن باید گفت وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ
الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ایضا از امیر المؤمنین روایت شده که دست
بر موضع سجود باید مالید و بعد از آن بر دندان درد ناک باید مالید و باید گفت بسم الله ما شاء
الله و لا قوة الا بالله ایضا سورة القلم را باید نوشت با خود داشت ایضا در مکارم الاخلاق
چنین است که هر یک از فاتحه و قل هو الله احد سه بار باید خواند و باید گفت یا ضرس الحار
تسکین ام بالبارد تسکین ام باسم الله تسکین اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات

مع اسمه

ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم قال من یحیی العظام و هی رمیم قل
یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم اخرج منها فانک رجیم و انحر جثته
منها اذا لهم و هم صاغرون تخرج منها خائفا یترقب ایضا باید طرار زبان بکی باید نوشت
و آن نان را درد دندانی باید که داشت که درد دارد بسم الله الرحمن الرحیم لکل نبا
مستقر و سوف تعلمون اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما یشرکون فقلنا اضربوه
ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون من یحیی العظام و هی رمیم
قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم ایضا برنج اخته شده باید نوشت بر
خوان و بگو من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم
یا ضرس فلان بن فلان کان الحار و البارد امنا الحار و البارد و تسکین ام بالبارد تسکین
و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم شد دت د آ هذا الضرس فلان بن فلان
باسم الله العظیم پس آن میخ را بر دیوار بزند و بگوید الله الله ایضا برای ضربی بوید که
الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون بعد از آن بر کاراب
آن دندان درد ناک بگذارد و چند قدمی برود و بر آن بزند و بر سر خود انداز دلی
نکاه کند ایضا از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که چون کسی را درد دندان باشد
باید که کاردی یا بر آخر یائی بدارد و بالا از جائی که درد میکند و هفت بار بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله ابراهیم خلیل الله اسکن بالذی
سکن له ما فی اللیل و النهار باذنه و هو علی کل شیء قدیر ایضا از بحیر روایت شده
که هر که را درد دندان باشد باید که انگشت خود بر آن دندان نهد و هفت بار بگوید هو الذی
انشاکم و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة قلیلا ما تشکرون ایضا جوبی را مینی بر دندان
درد ناک باید گذاشت و هفت بار این افسون را باید خواند و بر آن باید دمید بسم الله الرحمن الرحیم
العجب کل العجب دودة تکون فی الفم تاکل العظم و تترک الدم انا الراقی و الله الشافی
و الکافی لا اله الا الله و الحمد لله رب العالمین و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها و الله مخرج
ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون
ایضا مفضل بن عمر شکایت برد بسوی امام جعفر صادق از درد دندان و حضرت او را امر کرد
خود طلبیده و انگشت شهادت خود را بر دندان درد ناک او گذاشته و چیزی آهسته خواند

زاد تعلم

پس آن درد فی الفور ساکن شد و مفضل از آن حضرت سؤال نمود که این افسون را او تعلیم
کند حضرت فرمود که فاطمه علیها السلام روزی شکایت برد بسوی پدرش از درد دندان
پس پدرش صلوات الله علیه انگشت سبابه دست راست خود را در دهن کرد و بر دندان ایشان
درد ناک او گذاشت و این دعا خواند که بسم الله وبالله اسئلک بعزتک وجلالک وقدرتک
علی کل شیء ان مریم لم تلد غیر عیسی روحک وکلمتک ان تکشف ما تلقی فاطمة بنت خدیجة
من الضر کله پس ساکن شد درد او بالفور و من چیزی بر آن نیفزودم ایضا شکایت برده
بسوی امام جعفر صادق ع از درد دندان پس حضرت گفته که هفت بار بخوان بسم الله
وبالله اسکن بقدرة الله الذی خلقک فانه قادر مقتدر علیک وعلی الجبال ان تنقضا
وابنک نفرجتی بإذن امره وصلی الله علی محمد و آله درد کردن دندان در مکارم الاخلاق
چنین است که از برای ساکن شدن درد کردن دو رکعت نماز بجای آورد در هر رکعت فاتحه
یکبار و اذا زلزلت سه بار در تحسین بسند معتبر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت
از آزار چشم فرمود که دوائی بساز از ... و کافور و ... ساوی یکدیگر در روایت دیگر آمده
که صبر چشم و جلا الاثر را ... سد میکند و دهنه فرنک برای سفیدی که بر روی چشم بهم میرسد
نافعست و نیز برای سفیدی چشم و درد دندان و درد مفاصل شخصی شکایت کرد بحضرت امام
جعفر صادق ع فرمود که فلفل و دار فلفل دو درم و نشادر پاکیزه صاف یکدرم هر سه را پاکیزه خوب
بسای و از حریر بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و ساعتی صبر کن که سفیدی روی دیده را
قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و درد را ساکن میکند پس چشم را با آب سرد بشوی بعد از آن
سرمه سنگ را بکش و حضرت صادق ع فرمود که سواک کردن آب ریختن چشم را زایل
میکند و در روایت دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که صبر سقوطری و کافور زرد ... را
مساوی یکدیگر بسایند و از حریر بیرون کنند و ماهی یکمرتبه در چشم بکشند که دردهای سر و چشم را
میکشد و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت از درد گوش کرد و گفت که چرک و خون از
گوشم بسیار می آید فرمود که پنیر بسیار کهنه را بگیر قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زن ممزوج
و بر روی آتش نرم کن و چند قطره در گوشی که درد میکند بریز ایضا منقولست که یک کف کنجد بی
کندو یک کف خردل هر یک را علیحده بکوبند و با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در
شیشه بکنند و سرش را با انگشتری آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش بچکانند

بچکانند و پنبه در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد ایضا سداب را با
روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت امام موسی ع منقولست
که برای درد دندان سعد بر آن بگذارند و فرمود که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند
بن دندانها را محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که حجامت بکن و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که برای درد دندان حنظل را بگیر و پوستش را بکند پس روغنش بگیرد و اگر
دندانش را کرم خالی نموده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بچکاند
و پنبه را با آن روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین
کند اگر بن دندان درد کند در آن گوشی که جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب
دو قطره یا سه قطره بچکاند و باز فرموده که هر کس درد دهان داشته باشد یا خون از
دندانش آید یا درد کند یا دهانش جوشیده باشد و رنگش برخی مبدل گشته باشد
یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد بگیرد و تمامش را بگل بگیرد و در سرش
سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را بتراشد بهمواری که سوراخ
نشود پس سرکه بسیار تندی که از شراب بعمل آورده باشند در آن سوراخ بریزد و بر روی
آتش گذارد که بسیار بجوشد پس بردارد و هر وقت که احتیاج شود بقدر تحملی بگیرد و
بر دندانها و دهان بمالد و بعد از آن سرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان
در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند این ظرف شود سرکه بر رویش بریزد که هر چند
کهنه تر شود تغیر بهتر است برای کند دهان حضرت امام علی نقی ع فرمود که خرمای برنی
بخورید بجهة جوشش خارشتر را خشک نموده بر آن موضع پاشند نافع باشد ایضا ... تاج
خروس بکوبند و بر جوشش بپاشند چند نوبت نفع بخشد بجهة رفع ورم روی ... علیه
آرد جو را خمیر کرده با سرکه تند بر ورم طلا نماید و ورم برطرف شود مرویست که عیسی ع
بشهری گذشت دید مردم آنجا دندانهای ایشان ریخته است و رویهای ایشان باد کرده است
فرمود که در وقت خواب دهان را باز کنید و بر هم مگذارید چنان کردند علتها برطرف شد
فرمود اگر کسی را شب و روز آب بسیار از دهن ظاهر شود باید که قدری مصطکی و تخم
و کندر سفوف کند و بکفه نماید نفع بخشد و در حدیث معتبر است که ابرهیم بن نظام ...
دزدان او را در راه گرفتند و پا را آلوده کرم درد دهان کردند و بعد از آن دهانش را پر از برف کردند

پس در بدن تمام و بیخت پس حضرت امام رضا او را در خواب دیدم فرمود که سعد در دهن
بکن تا دندانهایت را بر بود بعد از چند گاه شنیدم که حضرت امام رضا بمحل ما وارد
شده است و بخراسان میرود بخدمت آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان را
فرمود که در خواب فرموده بود چنان کردم دندانم رویید از حضرت رسول منقولست
که برای درد گلو هیچ چیز نافعتر از شیر نیست در معالجه خنازیر و قروح و
جروح و ثالول و غیره و بیان و امثال اینها از ادعیه وارد و نیز اما ادعیه در حدیث
معتبر از حضرت امام رضا منقولست که فرمود دختری مرا در خانه ما خنازیر در گردن
بهم رسیده شخصی در خواب بمن گفت که بگو این دعا را مکرر بخواند یا رؤف یا رحیم یا رب
یا سیدی در مکارم الاخلاق چنین است که در سه روز بر خنازیر باید بخواند بسم الله و بالله
الله اکبر و هو یأمرك ان لا تکبر پس سه بار باید گفت ابتدأ باللص قبل ان تبتلی
بك و در هر بار دمی بر آن باید انداخت اما قروح و جروح از حضرت امام رضا
منقولست که چون کسی را جراحتی باشد باید که در وقتی که بجامه خواب در آید بگوید
اعوذ بوجه الله العظیم و کلماته التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر
کل ذی شر و در مکارم الاخلاق چنین است که کاردی بر جراحت باید مالید و
باید گفت بسم الله ارقیك من الحد و الحدید و من اثر العود و من الحجر الملبود و من العرق
والعاثر و من الورم الآخر و من الطعام و حره و من الشراب و برده بسم الله فتحت و بسم الله
ختمت بعد از آن کارد را چون تیغ بر زمین فرو برد اما ثالول که گوشت زیادتیست در بدن
و بغایت صلب است و معروفست بزگیل و در مکارم الاخلاق از امام رضا روایت شده
که بدارد از بهر ثالولی هفت دانه جو و بر هر یك از آن دانها هفت بار این آیات بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت
الارض رجا و بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا و یسئلونك عن الجبال فقل
ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا یومئذ یتبعون
الداعی لا عوج له و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا بعد از آن یك یك از
آن جوها را بردارد و بر ثالول بمالد و همه را در خرقه بندد و بر آن خرقه سنگی بسته و بچاه
اندازد تا هفت روز یا هفت روز بر طرف شود انشاء الله و بهتر آن بود که این عمل در تحت الشعاع

الشعاع بعمل آورد و باید که صاحب ثالول پارچه نمك بردارد و بر ثالول بمالد و ایات
آخر سوره حشر را بر آن بخواند و در تنوری اندازد و علی الفور باز گردد و ایات
لو انزلنا هذا القرآن تا عزیز الحکیم ایضا باید که صاحب ثالول سه دانه جو بردارد
و بر هر یك از این ایات یکبار بخواند و هر یك از آن جوها را بر دو ثالول بگذارد بعد
از آن دفن کند آنها را در موضع نمناکی و باید که این عمل نیز در وقت تحت الشعاع
شود و این آیت و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها
من قرار ایضا از امام رضا روایت شده که نظر باید کرد باول شبی که در بدن
ثالول ظاهر میشود بحالی که دیدن محتاج بدقت نظر باشد پس قدری خاك باید برداشت
و بر ثالول باید مالید و در وقت مالیدن خاك این دعا باید بخواند بسم الله و بالله
رایتنی و لم ارك سوء عاده نعرك الله یمحنی اثرك ارفع نا البلی معك در مصباح کفعمی از امیر
المؤمنین روایت شده که در نقصان ماه در هفت روز متوالی بر ثالول باید خواند که
و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار و بست الجبال بسا
فکانت هباء منبثا اما کند و ماده که در بدن ظاهر شود سه روز روزه بدارد و در روز چهارم
در وقت زوال غسل کند و معجری بر بلندی برود و چهار رکعت نماز بگذارد بعد سوره که خواهد
و تا تواند سعی کند در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شود جامهای خود را
بکند از جامه کهنه پاکیزه بطریق لنگ بر خود ببندد و بسجده برود و پهلوی راست بر خاك
و با زاری و خشوع بگوید یا واحد یا احد یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم
الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف ما بی من مرض و البسنی العافیة الکافیة
الشافیة فی الدنیا و الاخرة و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فقد آذانی
و غمنی اما آورام در حدیث است که مردی که در بدن او ورمی بهم میرسد و بترسد که بجائی
بدی منتهی شود در وقتی که وضو بسازد برای نماز واجب پیش از نماز برای آن ورم
این آیات را بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و در حدیث صحیح از حضرت صادق
منقولست که هر که را ورمی یا جراحتی بهم رسد کاردی بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله
ارقیك من الحد و الحدید و من اثر العود و الحجر الملبود و من العرق الفاتر و من الورم الآخر و من
الطعام و حره و من الشراب و برده امض الیك باذن الله الی اجل مسمی فی الانسان و الانعام بسم الله

فتبارک الله احسن الخالقین پس آن کاغذ را بر زمین فرو برد و در سفینه مذکور است که چون
سورهٔ حدید را بنویسی و بشویی و با آب آن جوشش بدن را بشویی باعث شود که از آنها
بری شوی ایضاً چون سورهٔ منافقین را بر دمل بخوانند به شود و در مکارم الاخلاق چنین است
که این دعا را بر دمل و جوشش بدن باید خواند و باید نوشت و بر صاحب دمل و جوشش بدن
بست دعا اینست وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ
مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ اللهُ أَكْبَرُ وَأَنْتَ لَا أَكْبَرُ اللهُ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى
وَاللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ در دفع و رفع آنکه که جهت دفع آبله این شکل را بنویسد و موم کرده
و بر گردن طفل بندد که صفت آبله بیشتر بر نیاورد باذن الله تعالی سح ح ی ماح ط
زیب دیر بدا ایضاً همین شکل مذکور را بار ثانی چند سه در مربعی بنویسد و بر او اوبزد و با آبله
مربع را از هر طرف جمع نمایی نود و چهار باشد مربع اینست
نوع دیگر سورهٔ مبارکه لم یتخذ را در مربعی درج نماید و
چون معلوم شود که طفل آبله بیرون آورد بر گردن او
بندد که بعون الله بخیر و خوبی آبله بیرون آید
زیاده از بیست آبله بیرون نیاورد در تسهیل ارقام
که در دفع و رفع مذکور شد در تحت حروفات سوره لم یتخذ
در خانهای مربع نوشته است و گفته است از خاصیت این شکل است اگر طفلی بند آبله
بیرون آوردن باده از بیست و چهار عدد نباشد انشاء الله تعالی در خواص الایات گفته حفظ آبله
چشم مجرب است ربما بی طفلی که هنوز دندان برنیاورده باشد بگیرد و صفت لا کند و الم نشرح
بخوانند و بهر کاف که برسد یک بر آن زنند تا صفت کرده شود بعد از صفت باد سوره الم نشرح
بر آن خوانده و در راه چشم کسی که آبله داشته باشد اوبزد که آبله چشمش بر طرف شود نوع دیگر
این آیه را بر گندم یا نمک خوانده و در آب اندازد بمی و غیره و اومی و وارسته فانما هی زجرة
وَاحِدَةٌ فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى
أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى که ما ذن الله آبله از چشم بر طرف شود
فائده مرکبا در وقت ظهور آبله پا ها را حنا بندند آبله از چشم بر طرف شود فائده مرکبا در
وقت ظهور آبله پا ها را حنا بندند آبله از چشم بیرون نیاید یعنی از ثقات نقل نموده که دو طفل را

دو طفل را پا ها در حنا بسته آبله از چشم در نیامد فایده دیگر اگر آبله در رو
یا غیر آن بماند نیلوفر را کوبیده آبش را بر آن موضع مالد که از بر طرف می شود و
همچنین مرداسنگ بروغن گل پرورده وارد نخود و برنج و بیخ نی و استخوان
پوسیده و قسط و تخم خربزه طلا کردن نافع باشد اما بثور و دملها ریزه که در بدن
بیرون می آید در اول که از ظاهر میشود انگشت شهادت بر رویش بگرداند و هفت
مرتبه بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در مرتبه هشتم انگشت بر روی آن فوت
بگذارد و برای کری و دمل و قوبا این آیات را بخواند و بنویسد و با خود نگهدارد
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ
مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى اللهُ أَكْبَرُ
وَأَنْتَ لَا أَكْبَرُ اللهُ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى وَاللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اما برص در حدیث صحیح
و معتبر منقول است که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق ع از پیسی که بر روی
او بهم رسیده بود حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز و نماز شب
برخیز و در سجده آخر در رکعت اول نماز شب بدعا بخوان یا علی یا عظیم یا رحمن
یا رحیم یا سامع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی من خیر
الدنیا والآخرة ما انت اهله واصرف عنی من شر الدنیا والآخرة ما انت اهله
واذهب عنی هذا الوجع و نام آن آزار را ببر فانه قد غاظنی الامر و احزننی و مبالغه
در تضرع و دعا کن راوی گفت که چنان کردم هنوز بکوفه نرسیده بودم که آن پیسی از
من بر طرف شده ایضا سوره یس را با عسل در ظرفی بنویس و با آب بشوی و بخور و برفانی
سوره انعام وارد شده اما بهق در مکارم الاخلاق چنین است که این آیات را بر موضع
بهق بنویسد وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ
إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ اما کلف که لکه ایست که در روی هم میرسد و در
میانه سیاهی و سرخیست و شبیه است برنگ کنجد در مکارم الاخلاق چنین است که
خطی بر دور آن باید کشید و این کلمات را در میان آن دو خط باید نوشت نوبا نوبا
نوبا نا ادعنی اصوانا و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما
تفعلون ایضا در مصباح شاشا این کلمات را بر آن باید نوشت هر بفه مربغه حتی

تحت الصریفه ایضا در مصباح بنا شما این کلمات را بران باید نوشت قهر ابتدکرهن
کرومن سالاوخشک باذن محیی الملک القدوس ما ادو بحضرت امام محمد باقر برای جنا
جراحتی فرموده اند که قدری از قیر پاره بگیر و همان قدر از پیه بز و هر دو را بر سبوی تازه
بمال و بر روی آتش نرم بگذار از مابین وقت نماز ظهر تا وقت نماز عصر پس پاره کتان
کهنه و ان قیر را بران طلا کن و بر روی جراحت بگذار و اگر جراحت سوراخ داشته باشد
کتان را فتیله کن و بقیر آلوده کن و میان جراحت بگذار و در حدیث معتبر منقولست که خراجی
در بدن متوکل بیرون آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرات نمی کردند که نیشتر برسد
فتح بن خاقان وزیر متوکل عرض کرد حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پای
گوسفندان سرشته میشود بگیرید و با گلاب مخلوط کنید و بران جراحت بگذارید چون این
خبر باطبا رسید خندیدند که این چه دوایی میکند و وزیر گفت که آن حضرت داناترین خلق
است فرموده است باید کرد پس آنچه فرموده بود بعمل آورده بودند درد ساکن شد و بخواب
رفت پس آن خراج گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا یافت و از حضرت صادق
منقولست که جعد بر با گوشت گاو بخش و خوردن بیسی را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی شکایت کرد با آن حضرت از بیسی و بهق فرمود که بحمام برو و حنا را با نوره مخلوط کن
و بران موضع بمال که نخواهد دید آنرا و از حضرت امام موسی منقولست که هیچ چیز از برای
بیسی نافع تر نیست از تربت حضرت امام حسین با آب باران بخور و بران موضع بمال و فرمود
که تربت حضرت رسول خوره را زایل میکند و فرمود از کسی که خوره و پیسی داشته باشد بگریزید و
بر نظر با ایشان مکنید و فرمود از کسی که خوره و پیسی داشته باشد با ایشان معاشرت مکنید که
سرایت میکند و حضرت امام موسی فرمود که هیچ کس نیست مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست
و آن را ساکن میکند از خوردن شلغم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی با آن حضرت عرض کرد که
ماده طاعون در بدن من ظاهر شده است فرمود که سیب بخور آن شخص خورد عافیت یافت
در معالجه امراض اندرونی و سل و سرفه و درد پشت و درد کمر و درد شکم و درد دل و تنگی دل و
درد ناف و قولنج و درد تهیگاه و درد جگر و درد معده و دفع قی و دفع الم سرفه و حبس و اسهال
بجهت درد سینه در مصباح کفعمی مذکور شده که چهار رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از
حمد سوره الم نشرح یکبار و در دوم بعد از فاتحه سوره قل هو الله احد سه بار و در سوم بعد از فاتحه

فاتحه سوره والضحی یکبار و در چهارم بعد از فاتحه این آیه یکبار یعلم خائنة الاعین و ما
تخفی الصدور و در دعایه چنین است که شخصی شکایت برد بسوی امام حسین از
درد سینه حضرت فرمود که قرآن بخوان و شفا از آن بطلب شفا این آیه را برای
دفع درد سینه باید خواند و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون و بسند
از امام رضا منقولست که فرمود این تعویذ است برای شیعیان ما از برای خونریزی سل
یا الله یا رب الارباب و یا سید السادات و یا اله الالهة و یا ملک الملوک و یا
جبار السموات والارض اشفنی و عافنی من دائی هذا فانی عبدک و ابن عبدک
اتقلب فی قبضتک و ناصیتی بیدک سه مرتبه این دعا میخوانی تا خدا شفا دهد
بحول و قوه خود و برای درد پشت حضرت امیر المؤمنین فرمود که دست بر موضع درد گذارد
و سه مرتبه این آیه را بخواند و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا مؤجلا
و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخرة نؤته منها و سنجزی
الشاکرین و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و برای درد کمر در مصباح کفعمی از امام
محمد باقر روایت شده که دست بر موضع درد باید گذاشت و باید گفت و ما کان
لنفس ان تموت که از برای درد پشت ذکر شد و در مکارم الاخلاق چنین است که از
برای درد پشت این آیات را باید خواند شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة و اولوا
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب و برای درد شکم حضرت امیر المؤمنین فرمود که آب گرم بخورد و
دعا را بخواند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله الالهة یا
ملک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی عبدک
و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک و در مکارم الاخلاق از امیر المؤمنین علیه السلام روایت
شده که مردی تعلیم نموده که از زن خود چیزی طلبد که او بخشد و با آن عسل بخرد
و با آب باران شربت کند و بنوشد و برای نفخ در مکارم الاخلاق چنین است که بگوید
بنعم الله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و نعت محمدا بالحق نبیا و بعد از آن

سه بار بگوید یا ریح اخرجی باذن الله و برای درد دل در مصباح کفعمی چنین است که بر
این آیه را بنویسی و بشوئی و صاحب درد آن را بخورد شفا یابد إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن
كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ایضا بجهت سوره الرحمن را بنویسی و بشوئی و صاحب
درد دل آن را بخورد شفا یابد ایضا بجهت سوره انشراح را بخواند و بر موضع درد کسی که درد
دل دارد دم کند زایل شود و در مکارم الاخلاق چنین است که این آیات را بر آب بخواند
و صاحب درد دل بیاشامد که بخورد شفا یابد وَلَئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ
سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَن تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ
حَلِيمًا غَفُورًا این آیات را بر آب بخوان و صاحب درد دل دهد که بخورد و بنویس و صاحب درد
دل دهد که بر گردن ببندد شفا یابد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا
وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ
فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ
تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا
مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ و برای تنگی دل در مکارم الاخلاق چنین است که تا هفت
روز هر صبح و شام یکبار سوره الم نشرح باید بخواند و برای درد ناف در مصباح کفعمی از امام
جعفر صادق ع روایت شده که دست بر آن موضع گذارد و سه بار بگوید وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ
لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ و برای قولنج در مکارم
الاخلاق چنین است که دو رکعت نماز باید کرد و در هر رکعت بعد از فاتحه این آیات را
یکبار خواند فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ ایضا از امام جعفر صادق ع روایت شده که
فاتحه و قل هو الله و معوذتین را در لوحی یا در شانه‌ای باید نوشت و بعد از آن باید گفت که
أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِعِزَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَمِنْ
شَرِّ مَا فِيهِ وَمِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ مِنْهُ و با آب باران باید شست و ناشتا یا در وقت خواب
باید بخورد برای درد تهیگاه حضرت صادق ع فرمود که دست بر تهیگاه بمال و سه مرتبه
این دعا بخوان بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي برای [illegible] در مصباح کفعمی از امام محمد

باقر ع روایت شده که صاحب این درد چون از نماز فارغ شود دست بر موضع سجده
گذارد و بگوید أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ
الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ
فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ
ایضا بخوان این آیت را از سوره انعام در وقت سحر بر کاغذ بنویسی و بکسی بدهد که درد پهلو
داشته باشد از درد بری شود وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ
بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در مکارم الاخلاق از معمر روایت شده که سه بار دست
بر موضع درد باید مالید و در هر بار باید گفت أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ
مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ و از امام جعفر صادق ع روایت شده که دست بر موضع درد باید مالید
و باید گفت بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي پس سه بار دست بر موضع
درد باید مالید بر حالی که بسم الله الرحمن الرحیم می گفته باشد و برای درد جگر در مصباح
کفعمی چنین است که سوره انا انزلناه را بر سفالی نو بنویسی و با آب باران بشوئی و قلیلی شکر
در آن ریزی و صاحب درد جگر را بخورانند از درد بری شود ایضا بجهت سوره والعادیات را
در سفالی نو بنویسی و با آب باران بشوئی و قلیلی شکر در آن ریزی و صاحب درد جگر را
بخورانند از درد بری شود و برای درد معده نیز در کفعمی نقل کرده که این آیه را از سوره
آل عمران بخوان بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ و برای دفع الم سپرز از حضرت علی بن الحسین منقول
که این آیات را بزعفران بنویسند و با آب زمزم بشویند و بخورند قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ
أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا
وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ایضا در کفعمی نقل
شده که سوره ممتحنه را در سه روز بنویس و بشوی و صاحب کوفت سپرز بخوراند و برای
زحیر در امان کتاب است که سوره والشمس را بنویسند و صاحب زحیر بنوشد زحیرش ساکن
شود و در مکارم الاخلاق چنین است که می باید که صاحب زحیر چون از نماز فارغ شود این
دعا را بخواند اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مِنْ زَحِيرٍ فَإِنَّكَ لَا تَحْمِلُ لِي فِيهِ وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ حَدَّثَتْهُ

لا عذر لي فيه و برای اسهال در صحیفه نقل شده که بگوید اللهم انزع عنی بحولك وقوتك
اللهم انی اسئلك فی یومی هذا و شهری هذا و عامی هذا بركاتك فيها وما ينزل فيها
من عقوبة او مكروه او بلاء فاصرفه عني وعن ولدي بحولك وقوتك انك على كل شیء
قدير اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها انك على
كل شیء قدير وان الله قد احاط بكل شیء علما واحصى كل شیء عددا اما ادویه برای سکی
منقول از حضرت صادق ع فرمود که بوی [?] بخورد تا ساکن شود و برای سرفه فرمود که قدری از
انجدان رومی با همان قدر از نبات سفوف کن و یک روز یا دو روز بخور و ایضا از حضرت امام
رضا ع منقولست که فرمود بگیر از فلفل سفید یک جزو و فرفیون دو جزو و خربق سفید یک جزو و سنبل یک جزو
و قاقله یک جزو و زعفران یک جزو و بذر البنج یک جزو و اجزا را سائیده از حریر بیرون کن و مثل وزن
تمام اجزا عسل کف گرفته داخل کن و خمیر کرده صبحها و شبها و از برای سرفه کهنه و تازه در وقت
خواب با آب رازیانه نیم گرم بخورد و ایضا حضرت باقر ع فرمود که حضرت حزقیل را قرحه در
جگر بهم رسید دعا کرد حق تعالی باو وحی فرمود که شیر انجیر را بگیر و بر سینه خود از بیرون بمال
چنان کرد آزار او برطرف شد و برای ضعف معده در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که جزاء با آب سرد بخورد و حضرت امام رضا ع فرمود که بخورید سرکه که از شراب
ساخته باشند که کرمهای معده را می کشد و از حضرت رسول ص منقولست که خرمای برنی
کرم معده را میکشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که هفت دانه خرمای عجوه در وقت خواب
بخورد کرمهای معده او را می کشد و در روایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که بخورید
امرود که دل را جلا میدهد و دردهای اندرون را ساکن می کند و برای دفع تخمه و تقویت معده
حضرت امام رضا ع فرمود که کرد کار را بگیر و بر روی آتش بگذار و چون تغیر یافت بریان شود بر
نمک بخورد و برای درد تهیگاه در حدیث معتبر فرمود که عسل و سیاه دانه و روغن زیت را خمیر
کرده حضرت نبی ص می خوردند و در روایت دیگر خوردن ریزها که از سفره می ریزد درد تهیگاه را
برطرف می کند و در روایت دیگر فرمود که انجدان رومی درد تهیگاه را زایل می کند و برای درد
سپرز حضرت باقر ع فرمود که تره ببر و بخور و آنرا با روغن عربی بپز و سه روز بخور و
بسند معتبر از امام موسی ع سه روز تره خوردن وارد شده دیگر جهت اسهال در چند حدیث معتبر وارد
شده از حضرت صادق ع که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه خشک کنند و بر روی آتش

آتش بو دهند و نرم بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند ایضا مرویست که هرکه بنویسد
العلیم الحکیم را و بصاحب اسهال دهد بخورد ایضا مرویست که هر که بخورد شفا یابد اگر بخورد
دارد نیز همین خاصیت دارد ایضا برای دفع اسهال مرویست که قدری برنج را در دیگ کرده
بجوشانند و چهار پنج پاره سنگ را در زیر آتش کرده تا سرخ شود و قلیه تازه را گرفته با آن
سنگها در کاسه کرده کاسه دیگر بر سر آن گذارد که بخار بیرون نرود و از پیه آب شود چون
برنج پخته شود آن روغن را بر آن بریزد و بخورد که دفع اسهال بشود ایضا مرویست که هر که خوره
دخان را بجوشاند و بنوشد و بصاحب زحیر دهد شفا یابد نوع دیگر صندل سفید را بسایند با عود
و بر ناف و شکم بمالد دیگر برای زحیر حضرت امام محمد باقر ع فرمود که گل ارمنی را بو داده و سفوف
کرده بخورد که زحیر را برطرف می کند ایضا از آن حضرت ع مرویست که برنج قلو داده با صمغ عربی
و گل ارمنی را بو داده و سفوف کرده بخورد زحیر را برطرف می کند برای خون شکم که بستن آن
عاجز باشد دو مثقال صمغ عربی را داخل ماست چکیده کند و بخورد فی الحال ببندد نوع
دیگر تخم گندنا را ده عدد صلایه نموده با آب بر دانه عدد بود بخورد حب سازد و هر روز یک حب بخورد
دیگر برای ... حضرت امام موسی ع فرمود که سنبل و قاقله و زعفران و عاقرقرحا و بذر
البنج و خربق سفید اجزا را مساوی بگیرد و فرفیون را دو برابر هر یک از اجزا بگیرد و تمام اجزا را
سائیده از حریر بیرون کن و با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کن و بقدر یک نخود با آب
در شب بخورد راوی چنان کرد شفا یافت [illegible] در اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر
و امراض مثانه و سایر امراض از ادعیه و ادویه اما ادعیه برای درد مفاصل و فالج حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که این دعا را بخوان اللهم انی اسئلك باسمائك وبركاتك
ودعوة نبيك الطيب المبارك ونجي وصيه امير المؤمنين ونجي سبطيه شباب اهل
الجنة الا اذهبت عني شرها احدجتها وبحقك يا اله العالمين ایضا برای درد
مفاصل مجرب شده برگ گل جعفری را بگیرد که آن سیاهی تر آن باشد و بکوبد و آب آن را
بگیرد و پنج استار روغن دنبه خالص بآن داده استار از آب گل جعفری در پاتیل نموده بجوشاند
تا آب برطرف شود و روغن بماند و از آن بمالد نوع دیگر جهت درد مفاصل بسیار نافع است
سورنجان و حنظل مکی هر یک دو مثقال با روغن حنا ... مثقال سائیده بمالد دیگر برای
درد فرج در حدیث معتبر منقولست که معلی بن خنیس بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد

فرج فرمود که عورت خود را در موضعی که بوده که سزاوار بوده است و این سبب این درد
در آن هم رسیده است دست حبیب ابو فرج خود بگذارد و این دعا را بخواند بسم الله
بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم
یحزنون اللهم انی اسلمت وجهی الیک وفوضت امری الیک لا ملجا ولا منجی
منک الا الیک و برای بواسیر روایت است که سوره اعلی را بر صاحب بواسیر بخواند شفا
یابد در جواهر التفسیر گفته که هر که را بواسیر باشد این آیه را واذ یرفع ابرهیم القواعد
من البیت واسمعیل ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم را در ظرف بلور بزعفران
و گلاب بنویسد و از آب انگور سیاه بشوید و اندک کهربا و کافور و مشک سوده بآن
اضافه کند و بخورد که انشاء الله نافع بود روغن تخمه دفع بواسیر خونی و بادی کوکنار
و کشنیز و دانه شفتالو و عناب ثعلب و کرم ابریشم بر دارد و بیه مرغ و کوهان شتر با
کرم ابریشم و دانه شفتالو و بیه مرغ را با هم کوفته اجزای دیگر را صلایه نموده داخل کنند
با آب بجوشانند تا روغن بود و بدن را استعمال کنند و در چند حدیث وارد است که
خوردن تره بواسیر را دفع میکند و در روایت دیگر حضرت امام رضا فرمود هلیله سیاه
و بلیله و آمله و اجزا را مساوی کوفته و بیخته قدری از آن گرفته در آب تره خیسانیده که
شب بر این دوا غارا در آن ریخته خمیر کنند و در سایه خشک کرده اگر تابستان باشد
بقدر یک مثقال بخورند و اگر زمستان دو مثقال و در آن ایام که او را میخورانند از ماهی و سرکه
و سبزیها اجتناب کنند و برای درد رحم این دعا را باید نوشت که صاحب آن درد همیشه
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله الذی باسمه قامت السموات و
الارض فان مریم بنت عمران لم یغیرها وجع الارحام کذلک لا ینبغی لفلانه بنت فلانه
من وجع الارحام ومن وجع عرق الارحام اسلم اسلم باسم الله الحی القیوم باسم الله المستغاث
بالله علی ما هو کائن وعلی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد
احاط بکل شیء علما ک مه
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین معه تا آخر سوره
الفتح اجیبوا عزمت علی من سامع هذا الکلام الا اجابه هذا الخاتم بعزائم الله شدید
التی تزوق الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا فؤاد اجب بسم الله الذی قال

الذی قال للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین صل علی محمد وآل محمد
و برای درد شانه حضرت صادق فرمود که این آیات را در وقت خواب سه مرتبه و بعد از
بیدار شدن یکمرتبه بخوان الم تعلم ان الله له ملک السموات والارض وما لکم من دون الله
من ولی ولا نصیر و برای باز شدن بول در مکارم الاخلاق نقل شده که بهای او را باید
و ساق حیض باید نوشت ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء
علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر و در
حلیه از امام علی نقی نقل شده که آیات قرآن بسیار را بزعفران تا شفا یابد و برای
در حامله خواب دو جزو سعد و مکه و زعفران مرابه را علاجه بکوبند و بعد از آن بزند و بآب
بیامیزند و با عسل صاف سرشته و حبها از آن بسازند و این ابدا با زعفران بر جامی از این
مکرر بنویسند تا از جام پر سود در آب سرد بشویند و آنرا در شیشه
بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان
امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا ابن مریم فاطمه بنت اسد و سوره فاتحه
الکتاب و قل هو الله احد را سه بار بنویسند و معوذتین و آیة الکرسی را بنویسند و بعد از آن
آیات آخر سوره حشر و آیه قل ادعوا الله تا کبرا و ان الله یمسک السموات تا غفورا رحیما یا
هو هکذا او لا هکذا عزمت اسالک عن فلان بن فلان ما یجد من علته الولادة این تعوید را
بر زانوی صاحب علت ببندند اگر دختر باشد بر بیت زعفران اگر پسر باشد و در وقت
خواب یکی از آن حبها بخورد و قدری از آن آب که در شیشه کرده بود بنوشد و بالای آن
آب گرم بخورد و چون این علت را دفع شود این تعوید را از او بگشایند تا باعث حبس بول
او نشود و از حضرت امیر المومنین منقول است که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است
یا جواد یا ماجد یا رحیم یا رقیب یا مجیب یا باری یا راحم صل علی محمد وآله واردد
علی نعمتک واکفنی شر وجعی و از حضرت امام رضا فرمود که سوره یس با عسل بنویسد
و بشوید بخورد و برای درد دندان حضرت امیر المومنین فرمود که آب گرمی در طشت بکن
و در دستان آن نشین و دست بآن موضع که درد دارد بگذارد و این آیه را بخوان اولم یر
الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء
حی افلا یؤمنون و برای درد ساق یا هفت مرتبه این آیه را بآن موضع بخوان

إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا و برای عرق کرانا
بفارسی رشته بیکوبند و بحلیه نوشته که بشم سبز را بدست بکیند بکارد و بیشتر اص
و بتابد و هفت کره بران بزند و بر هر کره سه مرتبه سوره حمد را بخواند بس سه مرتبه ان
عشر این دعا بخواند بسم الله الابد الابد الاحد المحصی لعدد و القریب لما بعد الطاهر عن
ولد انما لی عن ان یولد المجبر لما و عدل العرش بلا احد القوی بلا امد لم یلد و لم
یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر و الخفیة یا من الجبال بارادته
ترسیا یا من یحیی به صالحا لتعرف من کل آیة و بلیة و صلی الله علی محمد خیر خلقک
و اشف اللهم فلان بن فلانة شفاء لک و داوه بدوائک و عافه من بلائک انک قادر
علی ما تشاء و انت ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله ا ا دو بیره درحکم
مغنر منقولست از حضرت امام موسی ع که برای قولنج و بادها و دردها مفاصل و سستی بدن و
برودت ... بنون یک کف شبلیله را با یک کف بیخ حنظل بگیرند و ان قدر آب بران بریزند
که بپوشیده شود و در دیک پاکیزه بپزند و صاف کنند و بکوبند بخورند تا انکه در
مجموع روزها قدر یک تا نیم رطل خورده شود و برای یبوست و لاغری مزاج منصوص کاست
کرد بحضرت امام علی نقی ع فرمود که خرمای برنیا ناشتا خورده و آب بر بالای آن نخورند تا
کرد فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنیا را
ناشتا خورد و آب بعد از ان مخورد چنان کرد مزاجش مستقیم شد و در حدیث دیگر است که شخصی
بخدمت حضرت امام محمد باقر آمد شکایت کرد از انکه بولش قطع نمی شود و همیشه قطرات بول
از او می آید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یکنوبت با آب گرم بشوی و در
سایه خشک کن و با روغن گاو چرب کن و سفوف کن و بخور و در روایت دیگر منقولست که
برای دیگ منافه هلیله و بلیله و آمله و دار فلفل و دار چینی و زنجبیل و شقاقل و ابلوی
و خولنجان اجزا را مساوی گرفته بکوبند و بیزند و با روغن گاو تازه ممزوج کنند و دو برابر تمام
اجزا را عسل صاف کرده با شکر طبرزد داخل کنند و در هر مرتبه بقدر دو فندقی بخورند و در حدیث
روایت وارد شده است که خوردن تره برطرف می کند بواسیر را و وادی برنج و خرمای بابلی
بواسیر را زائل می کند در معالجه دفع وبا و طاعون در تبدیل مسطور است که برای دفع
وبا و طاعون کوسفندی سیاه قربانی کنند و وقت ذبح بخواند الهی بحرمة محمد الهی بحرمة

بحرمة محمد الهی بحرمة جبرئیل الهی بحرمة میکائیل الهی بحرمة اسرافیل الهی بحرمة
عزرائیل الهی بحرمة محمد و علی و فاطمة الزهراء و الحسن و الحسین صلوات الله
علیهم اجمعین احفظنا و احفظ اولادنا و احبابنا و اتباعنا و جمیع المؤمنین و
المؤمنات من الوباء و الطاعون یا حفیظ یا حفیظ یا حفیظ ادرکنی یا رسول الله
ایضا این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا ولی الولاء و یا کاشف الضر
و البلاء یا الله یا الله یا الله الامان الامان من الطاعون و الوباء بحق محمد
المصطفی و بحق علی المرتضی و بحق فاطمة الزهراء و بحق الحسن المجتبی و بحق الحسین الشهید
بکربلاء الامان الامان الامان من الطاعون و الوباء یا الله یا الله یا الله احفظنا
من کل بلیة و محنة و من شر فتنة الطاعون و الوباء بفضلک و جودک و کرمک
یا ارحم الراحمین و یا اکرم الاکرمین بحق محمد و آله الطاهرین ایضا در سفینة النجاة مسطور است
که این کلمات را مکرر بخواند لی خمسة اطفی بها حر الجحیم الحاطمة المصطفی و المرتضی و ابناهما
و الفاطمة ایضا بعد از هر نماز فریضه صلوات فرستد و هفت مرتبه بگوید یا من لطفه لم یزل
اللطف بنا فیما نزل انت القوی نجنا عن قهرک یوم الخلل در سفینة النجاة مسطور است که
برای دفع وبا و طاعون این دعا بخواند و بر کاغذها نوشته و بر در خانها بچسبانند دعا
اللهم سکن هیبة صدمة قهرمان الجبروت باللطفیة الناشیة النازلة الواردة من
فیضان الملکوت حتی نتشبث باذیال لطفک و نعتصم بک من انزال قهرک یا ذا القوة
الکاملة و القدرة الشاملة و رحمتک الواسعة یا رب سکن سکن یا حی یا محیی
الموتی اللهم یا ولی الاولیاء و یا مجیب الدعاء و یا کاشف البلاء اصرف عنا و عن
اولادنا و اقربائنا العطش و الطاعون و الوباء بحق محمد المصطفی و علی المرتضی و بحرمة
الائمة و الشهداء و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی و لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا
یا غوثاه یا غوثاه اغثنا یا حی یا قیوم یا دائم یا وتر یا ذا الجلال و الاکرام اللهم انی
اعوذ بک من الطعن و الطاعون و من موت الفجاءة و من سوء القضاء و درک الشقاء
و من شماتة الاعداء و من مضرة الحمی اللهم انی اعوذ بک من جمیع ذلک بحق محمد
المصطفی و علی المرتضی و الائمة من ولده النجباء آمین رب العالمین ایضا این شکل را
نوشته در آب شسته بخورد که ایمن شود انشاء الله تعالی ا ا ا ا ط ع لا اح م ا ا ا ط ع لا ا ا ا م م

ایضا نوشته در خانه و سرای بیاویزد بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدد کل ذرة ... در احکام اموات است مشتمل
بر چند فصل ... در آداب و احکام قبل از احتضار و وقت احتضار اما قبل از احتضار
چون بیماری آثار موت ظاهر شود باید که متوجه احوال خود گردد و از گناهان توبه کند و نادم
و پشیمان شود و عازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نگردد و در صحیفة النجاة
ذکر شده که طریق توبه آنست که غسل کند و بعد از آن با اعتراف مشغول شود و بگوید اللهم
انی استغفر الله العظیم و اتوب الیه اشهد الله و جمیع ملائکته و انبیائه و رسله
و حملة عرشه و جمیع خلقه انی نادم علی ما سلف من الذنوب و المعاصی و معترف
بها و انی عازم علی ان لا اعود الی المعاصی و قد عاهدت الله تعالی علی ذلک اللهم عهدی
فی عنقی حتی القی یوم القیمة و صلی الله علی محمد و آله و بعد از آن ادا کردن دو رکعت نماز
توبه است بهر روش که خواهد بعد از آن خواندن ادعیه توبه است اگر فرصت باشد که در صحیفه
کامله مسطور است مثل دعای اللهم انه لا یحجبنی و دعای اللهم صل علی محمد و آله
واکفنی و اللهم صل علی محمد و آل محمد و صیرنا الی محبوبک و اللهم یا من لا یصفه نعت
الواصفون تا اینجا از عبارت صاحب صحیفه بود و ملا محمد باقر رحمه الله در زاد المعاد گفته که
پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق که بر ذمه او باشد ادا کند و به دیگران بگذارد پس
ثلث مال خود وصیت کند که به خویشان پریشان و فقرا و مساکین و سایر وجوه بر صرف نماید
پس برای ذمه از برادران مومن طلب حلیت از غیبت و اذیت اگر حاضر باشند و اگر غایب باشند
از حضار التماس استرضا نماید و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را
بعد از توکل بر جناب الهی با مینی بگذارد و وصیتی برای او لاد تعیین نماید پس کفن خود را
حاضر سازد اگر پیشتر مهیا نکرده باشد و آداب کفن در مقام خود بعد از این نوشته خواهد شد و
باید که در آن وقت امیدوار رحمت الهی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام بوده
باشد و وصیت واجب و لازم است چنانچه بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقول است که هر که
در وقت مرگ وصیت نکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت او است گفتند یا رسول الله
چگونه وصیت کند فرمود که چون وفاتش نزدیک شود و مردم جمع شوند بگوید اللهم فاطر
السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم انی اعهد الیک انی اشهد

ان لا اله الا الله وحده لا شریک لک و ان محمدا عبدک و رسولک و ان
الساعة آتیة لا ریب فیها و انک تبعث من فی القبور و ان الحساب حق و ان الجنة
حق و ما وعد الله فیها من النعیم و النکاح حق و ان النار حق و ان الایمان حق و
ان الدین کما وصفت و ان الاسلام کما شرعت و ان القول کما قلت و ان القرآن
کما انزلت و انک انت الله الحق المبین و انی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت
بک ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا و بعلی اماما و بالقرآن
کتابا و ان اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند
شدتی و رجائی عند کربتی و عدتی عند الامور التی تنزل بی و انت ولیی فی
نعمتی و الهی و اله آبائی صل علی محمد و آله و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و
آنس فی قبری وحشتی و اجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت فرمود
که این عهد و پیمان میت است با خدا در روزی که میخواهد وصیت کند دیگر درست
صحیفه اعتقادات است چنانچه ملا محمد باقر رحمه الله در کتاب حلیة المتقین در فصل حقوق
اموات نوشته که اگر پیشتر درست نموده باشد چه بهتر و الا حاضر سازد و بر اعتقاد
خویش ایشان را گواه بگیرد باین نحو که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله و ان الجنة حق
و ان النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد
بر پارچه یا کاغذی بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم
فی الله عز و جل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود را بنویسد اشهدهم و استودعهم و اقر
عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا صلی الله علیه و آله
عبده و رسوله و انه مقر بجمیع الانبیاء و الرسل علیهم السلام و ان علیا ولی الله و امامه
و ان الائمة من ولده ائمته و ان اولهم الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن
محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و القائم الحجة علیهم
السلام و ان الجنة حق و النار حق و الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور
و ان محمدا صلی الله علیه و آله رسوله جاء بالحق و ان علیا ولی الله و الخلیفة من بعد رسول الله
صلی الله علیه و آله و مستخلفه فی امته مودیا لامر ربه تبارک و تعالی و ان فاطمة بنت رسول

وابنيها الحسن والحسين ابنا رسول الله صلى الله عليه وآله وسبطاه وامامَا الهدى وقائدا الرحمة
وأنّ عليّاً ومحمداً وجعفراً وموسى وعليّاً ومحمداً وعليّاً وحسناً وحجة على عباده پس بگوياناً نكه
نامشان در ان صحيفه نوشته خواهد شد يا فلان ويا فلان و نام ايشان را بگويد انتم الى بعد
الشهادة عندكم حتى نالقونى به غدا عند الحوض پس او بگويند تستودعك الله والشهادة والاقرار
والاخاء وموعودة عند رسول الله صلى الله عليه وآله ونقرء عليك السلام ورحمة الله وبركاته
پس صحيفه را پيچيده و مهر كنند بمهر زمين و بمهر كواهان و از جانب راست ميت با
جريده بگذارند اما حالات احتضار چون حالت احتضار ظاهر شود بايد دعا را بخواند و بگويند
كه مكرر بخواند اللهم اغفر لي الكثير من معصيتك واقبل مني اليسير من طاعتك تا
جان كندن بران آسان گردد و بايد كه اولاد و خويشان و برادران مؤمن در اين حالت
او را تنها نگذارند و نزد او دعا و قرآن بخوانند و سوره يس و والصافات نزد او بخوانند
و اعتقادات توحيد اثبات خدا و رسالت حضرت رسول و امامت ائمه عليهم السلام
بتفصيل و اعتقاد بجنت و نار و سؤال قبر و ساير اعتقادات حقه را مكرر تلقين او كنند
كه بگويد و بياد او آورند و اگر نتواند بخواند نزد او بخوانند و اگر بعربي نداند بفارسي براو
القا كنند كه در آن وقت شيطان بر او دست نيابد كه او را از دين برگرداند و دعاى عديله
اينست بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا
العلم قائماً بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم إن الدين عند الله الإسلام وأنا العبد
الضعيف المذنب العاصي المحتاج الفقير الحقير أشهد لمنعمي وخالقي ورازقي و
مكرمي كما شهد لذاته وشهدت له الملائكة وأولوا العلم من عباده أنه لا إله إلا
هو ذو النعم والإحسان والكرم والامتنان قادر أزلي عالم أبدي حي أحدي
موجود سرمدي سميع بصير مريد كاره مدرك صمدي يستحق هذه الصفات وهو
على ما هو عليه في عز صفاته كان قويا قبل وجود القدرة والقوة وكان عليما
قبل ايجاد العلم والعلة لم يزل سلطانا إذ لا مملكة ولا مال ولا يزال سبحانا على
جميع الأحوال وجوده قبل القبل في أزل الآزال وبقاؤه بعد البعد من غير انتقال
ولا زوال الغني في الأول والآخر المستغني في الباطن والظاهر لا جور في قضيته ولا
ميل في مشيته ولا ظلم في تقديره ولا مهرب من حكومته ولا ملجأ من سطواته ولا

ولا منجا من نقمته سبقت رحمته غضبه ولا يفوته أحد إذا طلبه أزاح العلل
في التكليف وسوّى التوفيق بين الضعيف والشريف مكّن أداء المأمور وسهّل
سبيل اجتناب المحظور لم يكلف الطاعة إلا دون الوسع والطاقة سبحانه ما أجلّ
شأنه وأعظم إحسانه بعث الأنبياء ليبيّن عدله ونصب الأوصياء ليظهر طوله و
فضله وجعلنا من أمة سيد الأنبياء وخير الأولياء وأفضل الأصفياء وأعلى الأزكياء
محمد صلى الله عليه وآله وسلم آمنّا به وبما دعانا إليه وبالقرآن الذي أنزله
عليه وبوصيه الذي نصبه يوم الغدير وأشار بقوله هذا علي إليه وأشهد أن
الأئمة الأبرار والخلفاء الأخيار بعد الرسول المختار علي قامع الكفار ومن بعده
سيد أولاده الحسن بن علي ثم أخوه السبط التابع لمرضاة الله الحسين ثم العابد
علي ثم الباقر محمد ثم الصادق جعفر ثم الكاظم موسى ثم الرضا علي ثم التقي محمد ثم
النقي علي ثم الزكي العسكري الحسن ثم الحجة الخلف القائم المنتظر المرجى الذي
ببقائه بقيت الدنيا وبيمنه رزق الورى وبوجوده ثبتت الأرض والسماء وبه يملأ الله
الأرض قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا وأشهد أن أقوالهم حجة وامتثالهم فريضة وطاعتهم مفروضة ومودتهم لازمة مقضية والاقتداء بهم منجية
ومخالفتهم مردية وهم سادات أهل الجنة وشفعاء يوم الدين وأئمة أهل الأرض
على اليقين وأفضل الأوصياء المرضيين وأشهد أن الموت حق ومسألة القبر حق
والبعث حق والصراط حق والنشور حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث
من في القبور اللهم فضلك رجائي وكرمك ورحمتك وعفوك أملي لا عمل لي أ
ستحق به الجنة ولا طاعة لي أستوجب بها الرضوان إلا أني اعتقدت توحيدك وتوحيد
وارتجيت لسانك وفضلك وتشفعت إليك بالنبي صلى الله عليه وآله ومن أحبتك
وأنت أكرم الأكرمين وأرحم الراحمين إني أودعتك يقيني هذا وثبات ديني وأنت
خير مستودع وقد أمرتني بحفظ الودائع فردّها عليّ وقت حضور موتي
برحمتك يا أرحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله أجمعين و بايد كه كلمه
طيبه لا إله إلا الله بسيار بگويد زيرا كه در حديث معتبر وارد است كه هر كه آخر سخن او
لا إله إلا الله باشد داخل بهشت شود و احوط آنست كه در اين حال پاى او را بجانب

نعت

قبله بگردانند تا ملائکه رحمت رو باو آورند و در این وقت حایض و جنب نزد
او نباید که ملائکه از ایشان نفرت می کنند و اگر غیر از ایشان کسی نباشد جایز است
که برای ضرورت پرستاری او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند
و باید که کلمات فرج تلقین او کنند که در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقول است
که هرگاه کسی را در وقت جان کندن دریابید کلمات فرج تلقین او کنید و آن این است
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات
السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله
رب العالمین و برای آسانی جان کندن این دعا را تلقین او کنند یا من یقبل الیسیر
ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم و نیز
در احادیث معتبره وارد شده است که برای آسانی جان کندن او را ببرند بآن جائی که
همیشه نماز می کرده است یا بجا آورند او را بر روی جانمازی که بر آن نماز می کرده
زیرا که اگر امید شفا باشد شفا می یابد و الا جانش بآسانی بر می آید و حضرت رسالت نهی فرموده
که زنهار در حالت احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست بالا حرکت دهد یا عرق
چنانچه جاهلان میکنند الخ و در ضمن حدیث دیگر حضرت باقر فرموده که هر که دست او
میگذارد بر محتضر که او را اکشته و چون روح او مفارقت کند سنت است که دهانش را
برهم گذارند و چانه اش را ببندند و چشمهایش بهم آورند و دستهایش بر پهلوهایش بکشند
و او را رو بقبله در جائی و جامه بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زودش بردارند بکار تجهیز
جمع شدن مؤمنان اگر آشنایان در موت او باشند و اگر شب باشد تا صبح
نگاه دارند و از حضرت صادق منقول است که سزاوار است که برادران مؤمن را
خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و برای او نماز کنند و از برای او استغفار کنند
و ایشان همه ثواب برند در غسل دادن میت است بدانکه احکام میت از
غسل و کفن و نماز و دفن بر همه واجب کفایی است یعنی بر همه واجب است و اگر یکی بکند از
همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب میشوند و مشهور میان علما آن است که ولایت یعنی
تعلق بمیت دارد و بعضی دیگر متوجه اینها میتوانند شد مردمان و ورثه او
اولی اند از زنان و شوهران اولی اند از دیگران و احوط آن است که بی ضرورت خود غسل ندهد مرد

ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب است برای میت شیعه و در سنی و سایر
مخالفان خلاف است و ظاهر او احوط آن است مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام
زمان کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمی دهند و کفن نمی کنند بلکه نماز
میکنند و با جامه ها که پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفته اند که هر که در جهاد با
امام زمان کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آن است
که هرگاه از میت عضوی یافته شود که در آن استخوان باشد می شویند و کفن
می کنند و دفن می کنند و بعضی پیچیدن کفن را در اینجا واجب دانسته اند و اگر عضوی باشد که
دل در آن باشد نماز هم می کنند و احوط آن است که اگر سینه را تنها یابند نماز بر او بکنند
و همچنین اگر جمیع استخوانهای میت را یابند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور آن است
که بلته می پیچند و دفن می کنند و بعضی پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه که از
مادر ساقط شود هرگاه چهار ماه زیاده داشته باشد غسل می دهند و کفن و دفن
می کنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته اند به جامه کفن می کنند و حنوط می کنند
هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور آن است که در لته می پیچند و دفن می کنند و در روایت
در لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل
و کفن نه چهار ماه و این احوط است و اگر عضو استخوان داری از زنده بریده باشد احوط
آن است که غسل و کفن و دفن بکنند اگر چه اظهر عدم وجوب است و اگر طفلی در شکم مادر بمیرد
و مادر زنده باشد اگر توانند بیرون آورند و الا پاره می کنند و بیرون می آورند و اگر مادر
بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را از جانب چپ میشکافند و طفل را بیرون می آورند
و بهتر آن است که شکم را بدوزند و احوط آن است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا در
چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی هر یک دیگری را غسل می توانند داد
و احوط آن است که از زیر جامه غسل دهند و نظر بعورت نکنند و بهتر آن است که بدون ضرورت
غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جایز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن
کسی دیگر یا در عده کسی نبوده باشد و در غسل کنیز آقا را اختلاف است سیم جایز است که غسل دهد
مرد اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را و بعضی در پنج ساله نیز
تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم

او را میتوان غسل داد از زیر جامه و هم چنین است هرگاه زنی فوت شده باشد و
محرمی نباشد در حالت اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل می توانند داد اما احوط آنست که تا
ممکن باشد زن زن را و مرد مرد را غسل دهد اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل
کفن را مهیا کنند و اول حبره را و بعد از آن ازار را سری و بعد از آن پیراهن را پهن کنند
و نصف بالای پیراهن را برگردانند و لنگ را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود پهن کنند
و نصف بالای پیراهن را برگردانند پس متوجه غسل شوند و اگر میسر باشد میت را در وقت
غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند و مستحب است که در وقت غسل پای میت بسوی قبله
باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال باید چنین
باشد مگر در حال نماز و حال دفن و گودالی در برابر قبله بکنند و تخته را از زیر بکنند
که آب غسل در آن گودال برود و مکروه است که آب غسل را بجائی که در آن بول و غایط کنند
بریزند و اگر چاله باشد که کثافات خانه را در آن ریزند قصور ندارد و باید که جامه‌اش را
بکنند و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند و اگر خواهند لنگ ببندند و پیراهن را بکنند و بر عورتش
لنگ افکنند که در وقت غسل میت را بپوشاند و سنت است که غسل دهنده دو نفر باشند
یکی آب ریزد و دیگری میت را بگرداند و سنت است که برای حرمت پیراهن را از طرف پائین
بیرون کنند و اگر تنگ باشد باذن وارث بشکافند و سنت است که زیر سقفی یا خیمه غسل دهند
که برابر آسمان نباشد و مشهور آنست که اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و مکروه است
که میت را در میان پاهای خود بگیرد و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست میت باشد
و مستحب است که انگشتان میت را بمدارا نرم کند و اگر خوف شکستن باشد دست بردارد
مکروه است که با آب گرم غسلش دهند مگر در حال ضرورت و نیز مکروه است که ناخن و موی
میت را بگیرد و شانه کند و اگر بگیرد یا موئی در اثنای غسل جدا شود باید که در کفن او بگذارد
و با او دفن کنند و منقولست که دندانی از حضرت باقر کنده شد حضرت صادق آن دندان را فرمود
که با من دفن کن در قبر و احوط آنست که میت را سه غسل دهند با آب سدر و در آب سدر مسمی
کافیست و مشهور آنست که حدی ندارد و بعضی گفته اند که مقدار یک کف باید باشد و بعضی
یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و کوبا
این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل باشد و احوط آنست که در آب غسل

غسل اینقدر داخل نکنند که مضاف شود و ابن بابویه گوید و سنت است که اول دستهای
میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید پس عورتین میت را و سنت است که اول دست را
بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و احوط آنست که در شستن عورت لنگ بر دست
بر بندد که دستش بعورت نرسد و آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود پس دست را بالای
شکم بگذارد و نیز بهمواری بمالد و بهتر آنست که در این وقت سر میت را بلند
کند که اگر فضله داشته باشد بیرون آید باز مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و
خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نمالد علما گفته اند که سنت است که سر و
ریش را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنت است که دستهای خود را تا مرفق بشوید
یعنی آنکس که دست بر میت می گذارد پس وضو دهد میت را بروش وضوی زندگان
با آب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة
الی الله پس رو و دستها را بشوید و سر و پاها را مسح کند پس نیت کند بغسل احوط
آنست که آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند و بهتر آنست که هر
سه را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیت جدا کند پس اول نیت کند
که این میت را غسل میدهم با آب سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای
رضای خدا یا بگوید قربة الی الله پس سر میت را با آب سدر بشوید و احوط آنست که اول
بجانب راست سر آب بریزد و بعد از آن بجانب چپ و سنت است که سر را سه مرتبه بشوید
پس میت را بر پهلوی چپ بخواباند و جانب راست را بشوید و سه مرتبه سنت است
و هر عضوی را که میریزد قطع نکند تا با پایان برساند و اگر آنکه میت را می گرداند در هنگام
آب ریختن دست بر پشت و شکم بمالد بهمواری که آب خوب برسد بهتر است و دست
میت را از پهلو جدا کند تا آب بزیر آن برسد و چنان کند که آب بزیر لنگ و عورت و
ران و سایر اعضا خوب جاری شود و سنت است که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی
بگرداند این دعا بخواند اللهم ان هذا بدن عبدک المؤمن و قد اخرجت روحه منه
و فرقت بینهما فعفوک عفوک و اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه بدن امتک المؤمنة
و قد اخرجت روحها منها و فرقت بینهما فعفوک عفوک و در سایر احوال غسل مکرر بگوید
رب عفوک عفوک پس میت را بگرداند و بر پهلوی راست بخواباند و پهلوی چپ را به همان

طریق که مذکور شد سه مرتبه بشوید و در بعض از روایات در هر شستن هر جانب بنصف
سرین وارد شده است شاید که بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت
میخوابانند دیگر غسل با آب کافور است باید که ظرفها را بشوید که اثر سدر از آنها بر طرف
شود و اندکی کافور را ریزه میکنند و داخل آب میکنند و غسل دهنده دستهای خود را تا
مرفق بشوید و بهتر آنست که دستهای میت را بهمان نحو که گذشت و سر شستن باید کند
که فضلات از آن مرض بیرون رود پس احتیاطا آب ریزند در گرد آن و هر دو نیت کنند
که این میت را غسل میدهم با آب کافور از برای آنکه واجبست از برای رضای خدا پس سر و
رویش را بشوید و سه مرتبه سنت است و ابتدا بجانب راست سر کنند و گردن تا نصف سینه همواره
دستی بمالد و جانب راست واجب است سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید و
ظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر و کافور در آن ریخته شده است برطرف شود و از آب
که ابتدا ساطانا در آن داخل شده باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید
و اگر در اثنای غسل بار دیگر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل
میدهم میت را با آب قراح از جهت آنکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را
و جانب چپ را سه مرتبه بشوید که یکمرتبه واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که کرباسی بجامه
در وقت آب ریختن دستی بکشد بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم
میت نکشد و چون از این مرتبه فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد پنبه در
در دبرش داخل کند و همچنین در دهان و بینی او قدری داخل کند اگر خوف بیرون آمدن چیزی
با نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش را بجامه خشک کند و بعد از آن او را بر روی
جامههای کفن بگذارد و سنت است که هر چه از عیوب میت بر غسال ظاهر شود بکسی نگوید
تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد چنانکه از شاه در حدیث وارد شده و اگر سدر و کافوری بهم نرسد
با آب قراح غسل دهد و احوط آنست که سه مرتبه غسل دهد و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل
نمیتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند و ظاهر آنست که یک تیمم کافی
باشد و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم این میت را بدل
از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجبست از برای رضای خدا و تیمم دیگر را
قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و همچنین و چون

و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت بکشد و دیگر بر پشت دست
راست میت و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر دو ضرب تیمم دهد یکی برای رو و یکی برای
دستها خوبست و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند اما کیفیت غسل
مجروح بدانکه کسی که در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله میکنند
و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اول سر را میشویند و آخر بدن را بعضی گفته اند
که اگر خون بند نشود گل دست بمیرند تا بند شود و از حضرت صادق منقولست که در حکم
چنین کسی اول خون را میشویند و آب بر او میریزند در غسل و دست بر بدنش نمیمالند
زخم لخیها پس پنبه و کافور میگذارند و محکم میبندند و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد
و جدا نشده باشد کافوری باشند بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه میبندند
که خون بیرون نیاید و اگر از بدن جدا شده در غسل اول سر را میشویند بعد از آن بدن را و
پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان کفن میپیچند
و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله میکنند

در کفن کردن میت

واجبست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند
که اول لنگ است که از ناف تا نصف زانو را بپوشد و بعضی گفته اند که سنت است که
سینه را بپوشد و تا پا برسد و دوم پیراهن و سیم سر تا سری و جایز است که بجای پیراهن سرتاسری
دیگر بکند که مجموع سه سر تا سری شود و این قول ظاهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد
و احوط آنست که با اینها لنگ نیز بکنند و باید سرتاسری کافی و باید که کفن حریر
محض نباشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نباشد و احوط آنست که کفن از پوست
نبوده باشد بهتر آنست که از پشم و موی نیز نبوده باشد و نیز مستحب است که از پنبه سفید بوده باشد
سنت است که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بود که از یمن می آورند
و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما گفته اند
که سنت است اول کفن با جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت بگذارند و بعد از آن جانب راست
لفافه را بر جانب چپ میت بگذارند و بهتر آنست که چنین کنند اگرچه سند این بنظر نرسید
سنت است که خرقه طولانی که عرضش یک شبر و نیم و طولش قریب سه ذرع و نیم باشد یا ذرع دست زیاده
کند برای ران پیچ بانکه سرش را بکشند و بکمر میت ببندند و پنبه بسیار در دبر و فرج میت بگذارند

اگر زن باشد بینه بهتر بگذارند و اگر بر سینه قدری کافور بپاشند شاید بد نباشد و سر بگیر
خرقه را از میان پاهای او برآورند و از زیر انجیر بکمر بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند که زیر
بیند که گذاشته اند فرا گیرد و پاهای را بهم آورند و رانهای را با یکدیگر بان خرقه سخت بر بندند و
بر چند تا زانوها و هر جا که منتهی شود سر بند را در انجیر بپیچد و العفو بر بند و سنت است که عمامه از
برای مرد زیاد کنند که بر روش بگردانند و موافق مشهور بزیر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از
هر دو طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند چپ را بر جانب راست و راست را بر جانب چپ
و بدل از عمامه برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن بر بندند که پستانهای او را بگیرد
در پیچیدن کفن زیاد کنند و مستحب است که کفن خوش قماش و قیمتی باشد و در قیمت آن مضایقه و مسعری
نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و مکروه است که کفن از کتان باشد یا بریده
که پاره کنند آستین را یا اگر آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن خود کفن کنند
در کار نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست و سنت است کفن کردن میت در پیراهنی که در آن
نماز می کرده و اگر در پیراهن بعض از علما و صلحا بر کفن کنند شاید بد نباشد و مستحب است که
جامه که احرام بسته باشد در حج یا عمره کفن کنند و سنت است موافق مشهور که بر کفن شهادتین و
اقرار با ائمه معصومین علیهم السلام بنویسند و دعای جوشن کبیر و غیر آن در بعضی روایات وارد
شده است و سنت است که تربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما گفته اند که سنت است در
کفن ریسمانی که از آن بیرون آورده باشند و با آب های زنگ کنند و واجب است حنوط کردن میت
یا نگر بر هفت موضع سجده او یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت بهمین پاها کافور
بمالند اگرچه اندکی باشد و بهتر آنست که بر بینی نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر کودال
پائین گردن و بندهای پا و دست و در پیچها و زیر بغلها و پیچ زانو و بند انگشتان و سایر
بندها را بمالند خوب است و بهتر آنست که کافور و حنوط کافور خام خود آنرا باشد و مقدار آن
بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ نیم مثقال است بهتر از این است که سه مثقال باشد که سیزده
درم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول ص که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد
بعد از آن شروع کنند در کفن کردن و در حال کفن نیز سنت است که پاها بجانب قبله باشد و
موکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که تا این چوبها
تازه است میت را عذاب نمی کنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما باشد و اگر یافت نشود از

از سدر و الا بید و الا انار و الا از هر درخت تری که باشد باید تر باشد و تازه از درخت بریده
باشند و چوب خشک هرچند از درخت خرمای اماکن شریفه بوده باشند فایده نمی کند
و باید که هر یک بقدر شبری بوده باشد یا یک ذراع دست بعضی گفته اند که بقدر استخوان
ذراع که از یک شبر بیشتر است و ظاهر امر چنین است و بعضی گفته اند که جریده را از انتها بچند
تا طول بنان بیشتر باشد و یکی را از جانب راست بگذارند و سر او را بجبر کردن بگذارند و ملصق
بدن سازند و دیگری را از جانب چپ میان پیراهن و سرا سری بگذارند و سر او را بجبر کردن
گذارند و بعضی گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف و اگر
تقیه باشد و جریده نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از بر کردن از قبر
خاطرشان آید در میان قبر فرو برند و چون از تکفین میت فارغ شوند او را در جنازه
میگذارند و باید که چهار کس بردارند و ثواب تشییع جنازه و تربیع در احادیث بسیار است آن
حضرت صادق ع فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود
و اگر چهار طرف بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که در تربیع موافق احادیث معتبره اول دست
راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست بردارد پس پای راست میت
با ندوش راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ خود
بردارد پس دست چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون
خواهد بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و اکثر علما
بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه میکند پس پای راست پس پای چپ
پس دست چپ و اول اولی است و اگر مردم در این عمل او را بد ... بهتر است و افضل آنست که عقب
جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر جنازه مخالف
باشد پیش از آن راه رفتن خوبست و در جنازه مخالف خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال
بعذاب می کنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و حضرت رسول ص فرمود که هر که جنازه
را ببیند این دعا را بخواند الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله
اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت هیچ
ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر او و حضرت امام زین العابدین ع
فرموده است این دعا را بخوانند الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم حضرت صادق ع

فرمود که در حال برداشتن جنازه این دعا بخواند بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد
و آل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات و زیادتر از تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند
که جنازه را بسیار بلند بردن مکروهست و بسرعت بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ
بردن خوب نیست و اسرافست و در شب خوبست و مکروهست کسی که بجنازه حاضر شود خنده
و حرف باطل گفتن ﴿ ﴾ در بیان نماز میت است و این نماز واجبست بر همه مسلمانان که
علم بفوت شخص بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگری ساقط میشود و واجبست
نماز بر همه شیعه اثنا عشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سال
تمام شده باشد نماز واجبست و ظاهر آنست در غیر اینها توان کرد و کمتر از شش ساله را اگر زنده متولد
شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و
ناصبیان که عداوت اهل بیت علیهم السلام داشته باشند و غالیان که ائمه را خدا داشته باشند یا
گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و آنها که خدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان
از مخالفان خلافست و ظاهر اینست باشد در کردن و نکردن و اگر بکند چهار تکبیر بگوید در تکبیر
چهارم نفرین و لعنت کند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم به نماز بر میت وارث
اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و با فرادی میتوان
کرد و ملحوظ آنست که تا توانی از ایشان رخصت گرفتن بی رخصت نکنند شوهر از همه خویشان
اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر خود قابلیت پیش نمازی نداشته باشد
هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد و جایز است که زن پیشنمازی زنان کند
و با ایشان در یک صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگر چه مأموم یکنفر باشد و اگر زنان با مردان
جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حایض باشد سنت است که در صف تنها بایستد
و واجبست نماز گذارنده رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در
مأموم در کار نیست و ملحوظ در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجبست که میت بر
پشت خوابیده باشد و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو نماز میتوانند
کرد و ملحوظ آنست که سایر شروط نماز یومیه را در این نماز رعایت کند از پوشانیدن عورت
و نجس نبودن بدن و جامه و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و از آنها نهی شده باشد فی نفسه نه از حیثیت نماز مانند طلا و حریر برای مردان

مردان و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد اگر آب بهم رسد یا مانعی داشته باشد
یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی اخبار آنست که بدون عذر نیز تیمم
مستحب است و می باید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها
در میان باشد و نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن بکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته
باشد بقبر بگذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیشنماز برابر میان مرد باشد
و سینه زن بنابر مشهور و سنت است که کفش را بکند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست
کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجبست که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند
که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجبست قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در
هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را
و اول اقوی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلافست و ملحوظ وجوبست و ظاهر آنکه امر
مخیر باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا رسول الله و بعد از دوم اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از سیم اللهم اغفر للمؤمنین
والمؤمنات و بعد از چهارم اللهم اغفر لهذا المیت و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود و بحسب
و موافق مشهور بهتر است که چنین کند و بعد از نیت بگوید الله اکبر اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا
و نذیرا بین یدی الساعة پس بگوید الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک
علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک
حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین پس بگوید الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین
والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا و بینهم
بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر
اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به
اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه
وان کان مسیئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین واخلف
علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر و فارغ
میشود و در روایتی وارد شده که بعد از فراغ نماز بگوید ربنا آتنا فی الدنیا حسنة

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و اگر سنی و مخالف مذهب نماز کند بعد از
تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر او را لعنت و نفرین بکند و بهتر این است که چنین
بگوید اللَّهُمَّ اخْزِ عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ اللَّهُمَّ أَصْلِهِ حَرَّ نَارِكَ اللَّهُمَّ أَذِقْهُ أَشَدَّ عَذَابِكَ
فَإِنَّهُ كَانَ يُوَالِي أَعْدَاءَكَ وَيُعَادِي أَوْلِيَاءَكَ وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ و اگر
میت مستضعف باشد چنین بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ
عَذَابَ الْجَحِيمِ و اگر مذهب معلوم نباشد بگوید اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَنْتَ أَحْيَيْتَهَا
وَأَنْتَ أَمَتَّهَا اللَّهُمَّ وَلِّهَا مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ أَحَبَّتْ و اگر میت طفل نابالغ
باشد بگوید اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَأَجْرًا و سنت است که برجای خود
بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا پیش نماز و نماز جنازه را در مسجد نتوان کرد و
مشهور آنست که اگر در مسجد نکند بهتر است و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلاف
در جواز آن و دو مرتبه که کسی که نماز نکرده باشد تواند کرد و کسی که در اثنای نماز برسد
بقصد و چون ملحق شود و دعاها که خود نرسیده باید خواند میخواند و چون پیش نماز فارغ
شد بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اگر جنازه را بردارند اگر دور شود یا نگردد تکبیرها را
بی دعا بنا بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او
نماز کنند هرچند یک شبانروز گذشته باشد و همه وقت نماز جنازه می توان کرد مگر آنکه
وقت حاضره تنگ شود که حاضره را مقدم میدارد مگر اگر با خوف فوت نماز میت بوده
باشد یا خوف ضایع شدن میت فصل در آداب دفن میت بعد از آن سنت است
که تا میت را در قبر بگذارند بر نشینند و احوط کفایت دفن میت و قدر واجب آنست
که میت را در گودی پنهان کنند بحیثیتی که بوی او از مردم مستور گردد و جسد او از درندگان
ایمن باشد و خواباندن او بجانب راست رو بقبله واجبست بقول مشهور و بعضی واجب
دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامت میانه یا تا چنبر گردن و سنت است کندن لحد
از طرف قبله اندر که کسی توان نشست و در طرف شکافته باشد که خشت بروی او توان
گذاشت که خاک بر میت نریزد و احوط آنست که مانند سرداب و تابوت و صندوق
نگذارند و کسی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند والا در خم گذارند
و سر خم را سر بندند و در دریا بیندازند اگر ممکن باشد والا او را سنگین کنند و رو بقبله

باب اندازند چون جنازه نزدیک قبر برسد سنت است که در نزد پای قبر بگذارند اگر مرد
باشد و اگر زن باشد برابر قبله بگذارند و مشهور آنست که زمانی بگذارند و سه مرتبه او را نقل
بکنند و مرتبه چهارم او را بقبر بگذارند و آنچه در روایت معتبر وارد شده است که چون
بنزدیک قبر رسانی او را ناگاه بقبر مبر که او را سختیهاست بلکن بالینش از قبر بدو ذراع یا سه
ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا آماده خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم
و دعا کن که خدا او را پناه دهد از هول قبر و سنت است که چون میت را نزدیک قبر گذارد
بگوید اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و اگر میت زن
باشد ضمیرهای مذکر را تانیث خوانند چنانچه در حاشیه نوشته شد و سنت است که
میت را پیش که برند او را پیش پای قبر با سر اول بقبر برند و جمعی از علما گفته اند که زن را از پیش
قبله میگیرند و بعضی عرض می برند و شرایت نمی کنند چنانچه در بعضی روایات وارد شده
و سنت آنست که کسی که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش
و ردا را بیندازد و سر و پا برهنه باشد و جایز است که یک کس برود زیاده خواه طاق
و خواه جفت و اکثر علما گفته اند که مکروهست که اگر میت مرد باشد خویش او را بقبر برد و از
از احادیث ظاهر می شود آنست که پدر را مکروهست که در قبر پسر بگذارد و فرزند و سایر اقارب را
با کی نیست اگر میت زن باشد احوط آنست که محرم او را بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زن
برد و اگر زن نبوده باشد مرد صالح برود و در رفتن و بیرون آمدن سنت است که از پیش پای
قبر باشد و سنت است که چون میت را بردارد و بقبر برد بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ لَا إِلَى عَذَابِكَ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَ
ثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَقِنَا وَإِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون در قبر بگذارد سنت است که بندهای
کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین بگذارد و اگر زیر
او را از خاک بلند کند و تربت و خشتی بر پشتش بگذارد که بر پشت نیفتد و مهری از تربت
حضرت امام حسین در برابر روی او بگذارد و اگر تربت آنحضرت را در کفن نیز بگذارد بهتر است
و بگوید أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید بسم الله و
بالله و علی ملة رسول الله اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ

بله اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فاغفر له وارحمه وتجاوز
عنه پس بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه وصاعد عمله ولقه منک رضوانا پس
بگوید اللهم عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم
افسح له فی قبره ولقنه حجته والحقه بنبیه وقه شر منکر ونکیر و بروایت معتبر این دعا بخواند اللهم
عبدک فلان وبجای فلان نام او را بگوید وابن عبدک قد نزل بک وانت خیر منزول به فاحتاج
الی رحمتک اللهم لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته اللهم
فجاف الارض عن جنبیه ولقنه حجته واجعل هذا الیوم خیر یوم اتی علیه واجعل
هذا القبر خیر بیت نزل فیه وصیره الی خیر مما کان فیه ووسع له فی مدخله وآنس وحشته
واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده و سنت است که در این حال عقاید حقه را
تلقین او کند خصوصا ولایت ائمه معصومین علیهم السلام بهتر است که دست راست بدوش
راست میت زند و دست چپ بر دوش چپ او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر این را بگوید
جامع‌تر است اسمع افهم اسمع افهم یا فلان بن فلان و نام میت و پدرش را بگوید هل انت
علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا
صلی الله علیه وآله عبده ورسوله وسید النبیین وخاتم المرسلین وان علیا امیر المؤمنین
وسید الوصیین وامام افترض الله طاعته علی العالمین وان الحسن والحسین وعلی بن
الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی
والقائم الحجة المهدی صلوات الله علیهم ائمة المؤمنین وحجج الله علی الخلق اجمعین وائمتک
ائمة الهدی ابرار یا فلان بن فلان اذا اتاک الملکان المقربان رسولین من عند الله تبارک
وتعالی وسئلاک عن ربک وعن نبیک وعن دینک وعن کتابک وعن قبلتک وعن
ائمتک فلا تخف وقل فی جوابهما الله جل جلاله ربی ومحمد صلی الله علیه وآله نبیی والاسلام
دینی والقرآن کتابی والکعبة قبلتی وامیر المؤمنین علی بن ابی طالب امامی والحسن بن علی
المجتبی امامی والحسین بن علی الشهید بکربلا امامی وعلی زین العابدین امامی ومحمد باقر
علم النبیین امامی وجعفر الصادق امامی وموسی الکاظم امامی وعلی الرضا امامی ومحمد الجواد امامی وعلی
الهادی امامی والحسن العسکری امامی والحجة المنتظر امامی هؤلاء صلوات الله علیهم اجمعین ائمتی
وسادتی وقادتی وشفعائی بهم اتولی ومن اعدائهم اتبرء فی الدنیا والآخرة ثم اعلم یا فلان بن

یا فلان بن فلان ان الله تبارک وتعالی نعم الرب وان محمدا صلی الله علیه وآله نعم الرسول
وان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب واولاده الائمة الاحد عشر نعم الائمة وان ما جاء
به محمد صلی الله علیه وآله حق وان الموت حق وسؤال منکر ونکیر فی القبر حق والبعث
حق والنشور حق والصراط حق والمیزان حق وتطایر الکتب حق والجنة حق والنار
حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور پس بگوید افهمت یا فلان
و در حدیث است که میت در جواب می‌گوید بلی فهمیدم پس بگوید ثبتک الله بالقول الثابت
هداک الله الی صراط مستقیم عرف الله بینک وبین اولیائک فی مستقر من رحمته پس
بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد بروحه الیک ولقه منک برهانا
اللهم عفوک عفوک پس خشت بر لحد بگذارد و آجر چیدن هم خوبست و خشت خام بهتر است
اگر خشت نزدیک باشد و الا سنگ بگذارد و بر خشتها خشت دیگر بگذارد یا بگل رخنه‌ها
بگیرد و اگر خشتها کوچک باشد هر وقت که بر هم چیدن محکم کند که خاک بر میت
نریزد و در وقت چیدن خشت این دعا بخواند اللهم صل وحدته وآنس وحشته
وآمن روعته واسکن الیه من رحمتک رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواک فانما
رحمتک للظالمین واحشره مع من کان یتولاه و مکروهست فرزند بر پدر و تخته کردن
و میت را با نوبت کفن شستن مگر آنکه زمین آب برآورد یا نم بسیار داشته باشد و چون از
پشت قبر بیرون آید بگوید انا لله وانا الیه راجعون والحمد لله رب العالمین اللهم ارفع
درجته فی اعلی علیین واخلف علی عقبه فی الغابرین وعندک نحتسبه یا رب العالمین
پس سنت است که حاضران بپشت کف خاک در قبر بریزند و اگر بنکم دست کفها را پر کنند
و بریزند خوبست و سنت است که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن بگویند اللهم ایمانا
بک وتصدیقا بکتابک هذا ما وعدنا الله ورسوله وما زادنا الا ایمانا وتسلیما
و در حدیث است که هر که چنین کند باید عاقبه حق تعالی بعدد هر ذره از خاک حسنه
از برای او بنویسد و مکروهست که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت قلب
و دوری از رحمت الهی است و سنت است که غیر خاک بر قبر نریزند که با داراست بر میت و
که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی هم آورده‌اند
و ظاهر آن هر دو خوبست زیاده نیست که یکشبر زیاده نباشد و مستحب است که قبر را چهار

کوته بکند و رویش را پهن کند و خرپشته نکند بنحوی که سنیان می کنند و بعد از آن
آب بر قبر بریزد و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمی کنند و سنت است
که آب ریزنده رو بقبله بایستد و ابتدا از پیش سر بکند و بر یک جانب قبر بریزد و سنت است
که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که بعد از آن آب ریختن دست
بر قبر گذارند در حالتی که انگشتان ایشان گشاده باشد و قوت کنند که اثر انگشتان ایشان
باشد و از بعضی روایات مفهوم می شود که نزدیک سر او بنشیند و این دعا بخوانند اللهم
جاف الارض عن جنبیه و اصعد الیک روحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره
من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوانند
و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند
و باواز بلند تلقین کند که کسی دیگر نشنود و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در احادیث
وارد شده است که چون این تلقین را بکند منکر و نکیر میگویند بیا برویم تلقین حجتش کردند
و احتیاج بپرسیدن نیست پس برمیگردند و سوال نمی کنند و مکروهست عمارت بر سر قبر
کردن و بر سر قبر بنا ساختن الا بر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند
که قبور صلحا و علما نیز این حکم دارد و مکروهست تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در حدیث
خبر است که حق تعالی دوست می دارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه
در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است
بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و بعضی
استثنا کرده اند از نقل بقبور علما و صلحا و شهدا نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه
رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست نبش قبر
مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن
کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن دفن کرده باشند
و لازم نباشد باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا
کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین علیهم السلام را و مشهور آنست که جایز
نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر پدر و برادر و بر ایشان نیز جایز
بلکه از بعضی اخبار ظاهر می شود که مستحب باشد خصوصا بر پدر و برادر و بعضی تجویز کرده اند زنان را

مطلقا و احوط ترکست و جایز نیست خراشیدن رو و صورت و کندن مو و بریدن مو و احوط
آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند
که زنی که موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست که کفاره بدهد و بعضی گفته اند که
گناه دارد و کفاره بر او نیست و در روایت که سنت باشد و احوط دادن کفاره است
و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما
قایل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را
بخراشد که خون برآید و بر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند کفاره
یمین بعضی واجب می دانند و احوط عمل بمشهور است و لازم است احتساب مصیبت را
کند بلکه بقضای الهی راضی باشد و بداند که صابران اجر بی حساب می یابند و سنت است
که صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین
اللهم اجرنی علی مصیبتی و اخلف علی افضل منها تا ثواب آن مصیبت را بکرم
باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیه ایشان بکنند و ایشان را تصبر و تسلی
امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیه آن است
که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و حضرت رسول فرموده که ثواب تعزیه و صبر
بهتر است و مستحب است که صاحب تعزیه مصیبت تغییر وضع خود بکند تا او را بشناسند
و جایز است گریه و نوحه کردن که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که
دروغ نگویند و چیزهای بد را اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه گر بیاورند و مستحب است
که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان برای صاحبان تعزیه طعام بفرستند و
زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم می گیرد با آنکه
جامه های رنگین نمی پوشد و زینت نمی کند و در مکارم الاخلاق نقل نموده که کسی که او را
مصیبتی پیش آمده باشد باید که چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه یکبار بخواند
و هفت مرتبه قل هو الله احد و یکبار آیة الکرسی و وقتی که سلام بدهد بگوید صلی الله علی
محمد النبی الامی و آله علیه و علیهم السلام و بعد از آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر بگوید
پس از کسی که چنین کند بعد حق تعالی با او وعده کرده است با اهل مصیبت
در زیارت قبور و ثواب آن. و آداب آن باید که زندگان مردگان خود را فراموش نکنند زیرا

که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب خویشان و برادران مؤمن امیدوارند
و احسان ایشان را توقع دارند خصوصا از دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای واجبه
و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران دعا باید کرد و اعمال خیر برای ایشان
بعمل آورد و بعضی از اینها در ضمن حقوق والدین مذکور شد و غیر نوشته شد عمده خیرات برای
پدر و مادر و سایر خویشان آنست که قرض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق
بری گردانند و حج و سایر عبادتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کنند باستیجار یا بتبرع
بعمل آورند و بسند صحیح منقولست که حضرت صادق فرمود که بسیار باشد که میت در تنگی
و شدتی بوده باشد و حق تعالی بر او وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو گویند که این
فرج که تو را رو داده است بسبب دعاییست که فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید که اگر
دو دو رکعت نماز برای میت توان کرد فرمود که بلی فرمود که میت شاد می‌شود بآن بدرستیکه برای
او بیشتر فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر اعمال خیر و دعا
و ثواب این اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث معتبر منقولست
که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات اول فرزندی که از جهت او استغفار کند دوم
مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم از او بخوانند سیم درختی که بکارد و مردم
از آن نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا از آن نفع گیرند
ششم سنتی که مردم بآن عمل نمایند بارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و شاگردان و نماز
هدیه میت را مولانا محمد محسن کاشی رحمه الله در خلاصة الاذکار بدو طریق نوشته اول آنکه در
شب اول دفن میت دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول الحمد و آیة الکرسی و در دوم الحمد
و انا انزلناه ده مرتبه بخواند و بعد از سلام بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها
الی قبر فلان دوم نیز دو رکعتست در اول بعد از الحمد توحید ده مرتبه و در دوم بعد از الحمد
سورة الهکم التکاثر ده مرتبه نوشته و بعد از آن دعای مذکور را و بروایت دیگر بعد از الحمد
در رکعت اول آیة الکرسی نیز اضافه نموده و ملا محمد باقر رحمه الله در زاد المعاد آورده که در حدیث
صحیح از حضرت صادق منقولست که آنحضرت در هر شب برای فرزند خود و در هر روز
برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می‌کرد و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا
اعطیناک میخواند یعنی بعد الحمد و نمازهای دیگر برای هدیه حضرات عالیات علیهم الصلوة

و برای والدین در اعمال هفته گذشت اما زیارت قبور و اوقات آن بدانکه مستحبست
زیارت قبور در روز دوشنبه و پنجشنبه و در روایت معتبره دیگر پنجشنبه وارد شده است
و روز شنبه طرف شام در حدیث داخل قبرستان شود بگوید السلام علی اهل الدیار من
المؤمنین والمسلمین انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بکم لاحقون و در حدیث معتبر دیگر
اینست که السلام علی اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین یرحم الله المستقدمین منکم
والمستأخرین و انا ان شاء الله بکم لاحقون و روایت دیگر السلام علیکم اهل الدیار
من قوم مؤمنین و رحمة الله و برکاته انتم لنا سلف و نحن لکم تبع یرحم الله المستقدمین
منکم والمستأخرین و انا لله و انا الیه راجعون و در احادیث بسیار وارد شده است
که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند از فزع بزرگ روز قیامت
ایمن گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت
خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و در روایت دیگر رو بقبله بودن مذکور نیست
و سنت است که این دعا را بخواند اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک
ارواحهم و لقهم منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس
به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و روایت دیگر اینست که بخواند اللهم ارحم غربته
و صل وحدته و آنس وحشته و آمن روعته و اسکن الیه من رحمتک ما یستغنی
عن رحمة من سواک والحقه بمن کان یتولاه و بروایت دیگر مستحب است که نزد قبر سوره الحمد
و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه
هفت مرتبه و از حضرت رسول منقولست که هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله
احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد آن مردگان اجر
یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی
ملکی خلق کند که تسبیح کند برای او تا روز قیامت و در حدیث دیگر در تحفة الزائر نوشته
که هر که داخل قبرستان شود و سوره یس بخواند حق تعالی عذاب ایشان را سبک گرداند و بعدد
ایشان حسنه او را کرامت فرماید و در روایت دیگر وارد شده است که هر کسی که در قبر
بگوید چون از آن گذری بایست که با ایشان بگوئی اللهم ولهم ما تولوا و احشرهم
مع من احبوا و زیارت مقابر مسلمانان مثوبات جزیله و ثواب عظیمه دارد و باعث عبرت

واکامی زهد دنیا و رغبت بآخرت می شود و در وقت ملالۀ بسیار و شادی بسیار باید که
بقبرستان رود و عبرت بگیرد از احوال ایشان و تفکر کند در فنای دنیا و تقلب احوال
آن و بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان خواهد گردید و دستش از عمل کوتاه
خواهد شد و در آن وقت پشیمانی فایده نخواهد داشت و باید که در قبرستان خنده
و حرف لغو نگوید و مشهور آنست که بر روی قبرها راه رفتن بغیر ضرورت مکروهست در حدیث
معتبر از موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقولست که چون بقبرستان روی راه برو بر روی
قبرها که هر که مؤمن است راحت می یابد و هر که منافق است متألم می شود و اکثر علما
این حدیث را حمل بر حال ضرورت کرده اند باید که بر روی قبرها و نزدیک آنها بول و
غایط نکنند و در کتاب حق الیقین از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که حق تعالی
مبعوث خواهد کرد شیعیان ما را در روز قیامت از قبرهای ایشان با هر گناهی و عیبی که
داشته باشند و روهای ایشان درخشان باشد مانند ماه شب چهارده و خوفهای
ایشان ساکن گردیده باشد و عیبهای ایشان پوشیده و برات امن و امان با ایشان داده
باشند مردم ترسند و ایشان نترسند و مردم اندوهناک باشند و ایشان نباشند و محشور
شوند سوار بر ناقها که بالهای ایشان از طلای درخشان باشد
و نرم باشند بی آنکه تعلیم کرده باشند و گردنهای آنها
از یاقوت سرخ باشد نرمتر از حریر از برای کرامتی که
خدا دارند و بروایت دیگر جامهای سفید پوشیده
باشند که درخشند و آن ناقها از نور باشد و مهار
از طلا باشد مکلل بدر و یاقوت
و تاج پادشاهی و اکلیل کرامت
بر سر داشته باشند و بگویند
لا اله الا الله محمد
رسول الله علی
ولی الله

۱۲۹۲
اللهم اجعلنا من شیعة آل محمد علیهم السلام تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب فی شهر جمادی الاول سنه
من عام طالقه اثنین و تسعین و مائتان بعد
الالف